اسناد لانه جاسوسی آمریکا

کتاب هفتم

موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

بسم الله الرحمن الرحیم

اسناد لانه جاسوسی آمریکا

نویسنده:

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

ناشر چاپی:

موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اسناد لانه جاسوسی آمریکا جلد ۷

مشخصات کتاب

سرشناسه : ایالات متحده. سفارت (ایران).

عنوان و نام پدیدآور : اسناد لانه جاسوسی آمریکا / دانشجویان مسلمان پیرو خط امام.

وضعیت ویراست : [ویراست ۳؟].

مشخصات نشر : تهران : موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی ، ۱۳۸۶-

مشخصات ظاهری : ج.+ یک لوح فشرده.

شابک : دوره : ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۷۵۳ ؛ ۷۰۰۰۰ریال : ج.۱ : ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۷۴۶ ؛ ۷۰۰۰۰ریال : ج.۲ : ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۷۶۴ ؛ ۷۰۰۰۰ریال : ج.۳ ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۵-۷۹-۱: ؛ ۷۰۰۰۰ریال : ج.۴ : ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۸۰۷ ؛ ۷۰۰۰۰ریال : ج. ۵ : ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۸۱۴ ؛ ۷۰۰۰۰ریال : ج. ۹ : ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۵-۸۸-۳ ؛ ۷۰۰۰۰ریال : ج.۱۰ : ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۵-۸۹-۰ ؛ ۷۰۰۰۰ریال : ج. ۱۱ : ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۵-۹۶-۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : ص.ع. به انگلیسی: Documents from the U.S. espionage den.

یادداشت : چاپ قبلی: جهان کتاب، ۱۳.

یادداشت : ج. ۳ (چاپ اول: ۱۳۸۵) (فیپا).

یادداشت : ج. ۴ و ۵ (چاپ اول: ۱۳۸۶) (فیپا).

یادداشت : ج. ۹ و ۱۰ (چاپ اول: ۱۳۸۶) (فیپا).

یادداشت : ج. ۱۱ (چاپ اول: ۱۳۸۸) (فیپا).

یادداشت : نمایه.

مندرجات : ج. ۹. اسناد لانه جاسوسی (روزشمار انقلاب).- ج. ۱۰. اسناد لانه جاسوسی (روزشمار انقلاب).- ج. ۱۱. خلیج فارس

عنوان دیگر : مجموعه اسناد لانه جاسوسی آمریکا.

موضوع : سفارتخانه ها و کنسولگری های آمریکا-- ایران

موضوع : ایران -- روابط خارجی -- ایالات متحده -- اسناد و مدارک

موضوع : ایالات متحده -- روابط خارجی -- ایران -- اسناد و مدارک

موضوع : ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ -- اسناد و مدارک

شناسه افزوده : دانشجو یان مسلمان پیرو خط امام

شناسه افزوده : موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

رده بندی کنگره : DSR۱۵۰۲/۳الف۹ الف۸۶ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۳۲۷/۵۵۰۷۳

شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۴۷۸۴۰

ص: ۱

کتاب شصت و سه

دخالتهای آمریکا در ایران

«... انقلابی که در ایران واقع شده اکثر مردم نمی دانند چه شده است، نمی دانند مقابله کی با کی بوده است، اطلاع ندارند که این انقلاب بی نظیر است. یک جمعیت سی و چند میلیونی، دست خالی، بدون ابزار جنگ و بدون اینکه نظامیگری داشته باشند، اینها برای خاطر توجهشان به اسلام، توجهشان به دیانت، آنها حرکت کردند و نهضت کردند و چه کردند. تمام قدرتها، تقریباً تمام قدرتهای بزرگ و کوچک همه مخالف بودند، شوروی مخالف بود، انگلستان مخالف بود، در رأس آنها آمریکا مخالف بود، دول غربی همه مخالف بودند، بعضی اظهار موافقت می کردند، آنها برای اینکه کم کم دیده بودند که دارد جلو می رود، والا مخالف ایران بودند. ملت ایران بود با همه رژیمها، مقابله ایران بود با تمام قدرتها.

یک همچو انقلابی که همه قدرتهایی که چشم طمعشان را به این مملکت دوختند، دستشان از منافع زیادی که از این مملکت می بردند بریده شده است، بازار از دستشان گرفته شده است. نفت از دستشان گرفته شده است منابع زیر زمینی و رو زمینی ازشان گرفته شده است....»

امام خمینی ۱۱/۸/۵۸

معرفی کتاب

دوازدهمین جلد از مجموعه اسناد «دخالتهای آمریکا در ایران» یعنی کتاب حاضر حاوی ۲۸ سند است که در فاصله زمانی اوت ۱۹۷۸/ مرداد ۱۳۵۷ تا اکتبر ۱۹۷۹ / آبان ۱۳۵۸ تهیه گردیده است. اسناد تا شماره ۱۱ چون اکثراً مقارن با اوج جریانات انقلاب بوده بیشتر به تجزیه و تحلیل جریانات مذکور و عناصر دخیل در آن قضایا پرداخته است. موضوعات اسناد، از شماره ۱۱ به بعد مربوط به دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی می باشد که مطالب آن در سه محور عمده قابل تقسیم بندی است: «انقلاب»، «مسائل فیمابین ایران و آمریکا» و «روندهای اقتصادی ایران بعد از انقلاب».

اولین سند یک ارزیابی اطلاعاتی در مورد ایران است که تحت عنوان «بروز مجدد اغتشاشات داخلی» در ۱۶ اوت ۱۹۷۸ / ۲۵ مرداد ۱۳۵۷ تهیه گردیده است و به بررسی ریشه های نارضایتی که به صورت تظاهرات مردمی در سالهای ۵۶ و ۵۷ تجلی کرده بود، پرداخته است. تظاهراتی که از ۳۰ تیر ۵۷ با بهانه قرار دادن فوت کافی صورت گرفت و تداوم آنها، محرک نگارنده برای ارائه تحلیل بوده و پس از ذکر حوادث، ریشه های آن را «در مخالفت دیرین محافظه کاران مذهبی که با شاه به خاطر دنیاگرایی و نوگرایی جامعه ایران مخالفت می ورزند» دیده و هدف قرار گرفتن بانکها، سینماها، وسایط نقلیه و تجارتخانه ها توسط تظاهرکنندگان را نیز ناشی از افکار محافظه کارانه و گرایشهای مذهبی قلمداد کرده است. روند حوادث از تظاهرات اصفهان و شیراز که به مناسبت چهلم شهدای تبریز برگزار شده بود تا برقراری حکومت نظامی در اصفهان و سه شهر تابعه آن و حوادث بعدی از مطالب مورد بحث در سند است.

سیاست اعطای آزادیهای سیاسی و تأکید بر این سیاست توسط شاه به عنوان یکی از عوامل بروز اغتشاشات مطرح و سیاستهای رژیم که همگام با اعطای آزادیهای سیاسی و گسترش تظاهرات اعمال می گردید (از قبیل تهیه مقدمات انتخابات آزاد مجلس و گسترش باب مذاکره با جامعه میانه رو مذهبی) مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله مطالب مندرجه می توان به مطالبی در مورد نقش امام خمینی و پیروان ایشان در تظاهرات، حمایت گروههای مختلف مانند چپگرایان (به ویژه تودهایها)، لیبرالها و ملی گرایان از انقلاب و رهبری آن؛ انگیزه های این گروهها در حمایت از انقلاب؛ افزایش فعالیتهای ضد آمریکایی و غیره اشاره کرد. در قسمتی از سند چنین آمده: «خمینی از دیرباز علیه حضور آمریکا در ایران سخن رانده و مدعی است که آمریکا حامی اصلی شاه است و ثروت ایران را به غارت می برد.»

ادامه سند به بررسی وضعیت آمریکاییان در ایران و انگیزه های نهفته در موضعگیریهای ضد آمریکایی

جناحهای مخالف ایران می پردازد. قرار گرفتن شاه بر سر دو راهی بواسطه مواجهه با سردرگمی در اتخاذ و تداوم سیاست اعطای آزادیها و یا در پیش گرفتن سیاست سرکوب و اختناق و دیدگاههای مخالفین رژیم و نظامیان در این موارد، مطالب انتهایی سند را تشکیل می دهد.

سند شماره ۲، متن مکالمات بین معاون وابسته نظامی سفارت فرانسه، سفیر یونان و دبیر دوم سفارت آمریکا در تهران در مورد اوضاع داخلی ایران می باشد. نظرات وابسته نظامی سفارت فرانسه در باب مبارزات مذهبی ایران با شاه، نقش اسلام به عنوان عامل نشانگر شکوه های مردمی، شریعتمداری و میانه روی در جریان انقلاب جالب توجه است: «.. او (وابسته نظامی فرانسه) پیش بینی می کند که اگر شاه در دو هفته آتی اقدامات گسترده ای را در پیش نگیرد، تا پایان اکتبر مجبور به ترک ایران خواهد شد. طبق پیش بینی وی حدود یک میلیون نفر مسلمان از بازار در جنوب تهران مانند موجی به تظاهرات خواهند پرداخت که ارتش و پلیس نیز قادر به متوقف کردن آنان نخواهند بود....»

بقیه سند در تشریح نظریات افراد مذکور در باب موضوعات داخلی ایران است.

امنیت و رفاه جامعه آمریکایی مقیم ایران و تأمین آن، یکی از وظایف اساسی هیأت دیپلماتیک و سفارت تهران بوده است. برای توجیه این جامعه و ارائه برنامه ای جهت تأمین امنیت و رفاه آنان، سفیر در اجتماعی خطاب به نمایندگان تجاری مهم آمریکا در ایران سخنانی در باب رویدادهای جاری آن دوران، واقعیتهای سیاسی و وضعیت آمریکاییان ایراد می کند که خلاصه ای از آن در سند شماره ۴

درج شده است. تحت عنوان «نگرشی بر رویدادهای جاری»، سفیر به مرور زنجیره ای از رویدادهای مهم سیاسی ایران در خلال ده ماه تا آبان ۱۳۵۷ پرداخته است. وی تمایل شاه را به واگذاری سلطنت به پسرش و نیاز به روند اشتراک تصمیم گیری در امورات مملکت و مغایرت آن با آنچه در دوران سلطنت خودش رواج پیدا کرده بود، و بالنتیجه تغییرات سیاسی و باز شدن فضای سیاسی ایران از عوامل گسترش تظاهرات و ابراز نارضایتی از سوی مردم ایران قلمداد کرده است، به ویژه که این تحولات سیاسی در کشوری به وقوع پیوسته است که تا آن زمان این روش را تجربه نکرده بود. سپس سفیر به بررسی حوادث و نقش امام در آنها پرداخته و روند جریاناتی که به حادثه ۱۷ شهریور میدان شهدا منجر گردید و سیاستهای دولت و گروههای مخالف رژیم را مورد بررسی قرار داده است. نقش میانه روها و امیدهایی که به آنان بسته شده بود و اعزام آنها به پاریس جهت مذاکرات با امام، دولت آشتی ملی و دولت نظامی از مسایل مطروحه بعدی در سند است. سفیر وضعیت آن زمان تولید نفت، اعتصابات، سیاستهای دولت ازهاری، بازگشایی مدارس و تاکتیک مخالفین رژیم را تحلیل کرده و در پایان سخنان طرحهای اضطراری و شیوه های مرتبط با امنیت و رفاه جامعه آمریکایی را به اطلاع آنان رسانده است.

حساسیت آمریکاییان به فرارسیدن ماه رمضان و شدت یافتن میزان تظاهرات در این ماه در تعدادی از اسناد مشهود است که به عنوان نمونه مشخصه آن می توان از سند شماره ۵ نام برد. این سند توسط سیا تهیه شده و در پایان متن ترجمه انگلیسی پیام حضرت امام به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان آورده شده است (ترجمه ای از انگلیسی به فارسی نیز در متن فارسی صورت گرفته است).

سند شماره ۷ به این صورت شروع می شود: «درست مثل همه ما، اسرائیلیها با حالت بهت زده و

هراسناک سیر فروریختگی ایران به اعماق را نظاره کرده اند. آنها معتقدند رژیم ثابت قدم، وفادار، دوست و طرفدار غرب شاه به صورت اصلاح ناپذیری از هم پاشیده شده و در انتظار جانشین پیش بینی شده اش می باشد.» در دنباله متن اثراتی که ناآرامیها و سقوط شاه بر رژیم صهیونیستی خواهد داشت مورد بررسی قرار گرفته است که از آن جمله تقویت بنیادگرایی اسلامی نوظهور در خاورمیانه، فروش نفت به اسرائیل و امنیت ۸۰ هزار یهودی ایرانی می باشد. از دید صهیونیستها تحولات ایران تأثیرات محسوسی در برخواهد داشت که این تأثیرات نه فقط بر روی روابط دوجانبه ایران و اسرائیل تأثیر خواهند گذارد، بلکه بر ثبات منطقه ای که در پی ریزی جریان صلح خاورمیانه در سالهای آتی عامل مهمی می باشد نیز مؤثر واقع می شوند. بر طبق آنچه در سند آمده «برای اسرائیل یک رابطه نزدیک با ایران از کیفیتی عالی و بنیادی و همچنین از اهمیتی سمبلیک برخوردار بوده است. همکاری نظامی و اطلاعاتی پر اهمیتی در خلال سالیان دراز بین دو کشور ایجاد شده بود. شرکتهای اسرائیلی در پروژه های عمرانی و ساختمانی ایران شرکت داشتند و با احتساب صادرات، سالیانه ۳۰۰ میلیون دلار به دست می آوردند.» از نظر سمبلیک اسرائیلیها به روابط نزدیکشان با ایران مسلمان به عنوان نشانه ای دال بر اینکه کشور یهودی در خاورمیانه از نظر همه مطرود محسوب نمی شود، می نگریستند. نکته جالب توجه در این سند این امر است که در پی جریانات ایران، اسرائیلیها نسبت به ارزش تعهدات آمریکا مشکوک شده و به ایران به عنوان مثالی در این خصوص که اسرائیل در تحلیل

نهایی نمی تواند متکی به واشنگتن باشد، اشاره می نمودند.

در ۱۶ دی ۱۳۵۷ و پس از روی کار آمدن دولت غیر نظامی بختیار وضعیت و مشکلاتی که این دولت با آن روبرو خواهد شد در سند شماره ۸ تحلیل شده است و بیان گردیده که: «... این مشکلات قادر است خوش شانس ترین و مجربترین سیاستمداران را به ورطه شکست بکشاند. چه آنکه به نظر نمی رسد چنین دولتی دارای چنان سیاستمدار خوش شانس و مجربی باشد.» تحلیلگر بعداً اشاره کرده که: «... از آنجا که ایران کنونی با مشکلاتی رو به روست که دولتهای پیشین را سرنگون ساخته و ناآرامیها و اعتصابات ۶ ماه گذشته نیز به آنها افزوده شده، بعید است که وی بتواند کابینه ای را که از نظر عملکرد، کارایی داشته باشد روی کار آورد و احتمالاً اولین قربانی دوران بعد از شاه خود او خواهد بود.» در ادامه سند مشکلاتی که دولت بختیار با آنها رو به رو بوده است مطرح می گردد که عناوین مطالب مطروحه عبارت است از: مورد قبول شاه واقع شدن، پذیرفته شدن توسط مجلس، در رابطه با دو مورد اول مورد قبول مردم قرار گرفتن، مبارزه با فساد، وجود انتقامجویی علیه عناصر آلوده رژیم در بین مردم و از همه مهمتر مسئله اقتصاد (شامل اعتصابات، اعتصابات شرکت نفت، افزایش دستمزدها وعده های داده شده، تورم، خروج سرمایه و سرمایه دارها، انتقال ارز و.....).

در بخش دیگری از سند به بررسی سناریویی پرداخته که احتمال داده می شده که موفقیتی محدود برای بختیار به همراه داشته باشد. این سناریو منعکس کننده نظریات فعالین جبهه ملی در اصفهان بوده است و «فرض بر این بوده که با رسیدن مخالفت امام خمینی و جبهه ملی با بختیار به اوج خود، شاه ایران را ترک گوید که خود سبب فروکش کردن جنبشها و تظاهرات در نتیجه شادی ناشی از این موفقیت خواهد شد و به این ترتیب تمام کارگران به سر کارهایشان باز خواهند گشت و....» در پایان سند احتمال سقوط دولت بختیار و رژیمهای جانشین وی و برخورد هر کدام از رژیمهای

جانشین احتمالی با آمریکا مورد بحث قرار گرفته است.

متن بیاناتساندرز معاون وزیر امور خارجه آمریکا که قرار بوده است در برابر کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا ایراد شود، محتوای سند شماره ۹ را تشکیل می دهد. به طور خلاصه ساندرز در این بیانات سعی داشته به چهار سؤال زیر پاسخ دهد: ۱ منافع و نقش آمریکا در ایران چه بوده است؟ ۲ وضع کنونی چیست و چگونه پدید آمد؟ ۳ آمریکا در قبال این وضع چه موضعی را اتخاذ کرده است؟ ۴ در پیش رو چه داریم؟ این بیانات هر چند جنبه رسمی و نسبتاً حالت عمومی داشته ولی در عین حال حاوی مطالب جالب توجهی است. در جواب سؤال اول منافع آمریکا را این گونه برشمرده است: «به خاطر اهمیت از نظر امنیت منطقه خلیج، آینده خاورمیانه و تولید نفت، ما به ایرانی آزاد، با ثبات و مستقل شدیداً علاقه مند هستیم» و در توضیح نقش آمریکا چنین آمده است: «.... به دو طریق به ایران کمک کرده ایم تا بنیه اقتصادی خود را تقویت کند. ۱ ما در روند نوسازی ایران اولاً از طریق کمکهای عمرانی و ثانیاً از طریق شرکتهای خصوصی آمریکایی مشارکت داشته ایم. ۲ شرکتهای آمریکایی و غربی در زمینه تولید و بازاریابی نفت ایران شرکت داشته و..... ما به درخواست ایران مبنی بر کمک به نوسازی نیروهای مسلح آن، که در دفاع ایران نقش مهمی را ایفا کرده و می کند پاسخ داده ایم.» این نقش در ادامه این قسمت در ابعاد دیپلماسی بین المللی، تأمین انرژی جهانی و امنیت خلیج فارس نیز بررسی گردیده است.

در مورد سؤال دوم یعنی «چگونگی پیدایش وضع حاضر» عوامل چندی را تحت عناوین نوسازی، انقلاب سفید، اعتماد و رشد (۵۵ ۱۳۴۲). مشکلات و فشارها (۵۷ ۱۳۵۵) مورد بحث قرار داده است پیشرفتهای اقتصادی ناشی از انقلاب سفید و فقدان پیشرفتهای مشابه در نظام سیاسی، مشکلات ناشی از تمرکز قدرت سیاسی، فقدان کارایی و سیاست در سطوح بالا، بی احترامی به احساسات مذهبی، عدم موازنه بین درآمدها، قربانی شدن برنامه های عمرانی در راه کسب تجهیزات نظامی و..... به عنوان مهمترین عوامل نارضایتی و ایجاد آشوب مورد تحلیل قرار گرفته است. اوضاع اقتصادی ایران در دوران طرح مسئله (اعتصابات، تظاهرات، توقف عملکرد سیستم بانکی، و....) و ارزیابی علل آشوب مطرح و مشکلات آمریکا و مسائلی که در پیش رو داشته ارائه گردیده است.

در اواسط صحبتهایش، ساندرز به طرح سؤال جدیدی پرداخته است و این که آیا بی ثباتی ایران همراه با رویدادهای افغانستان، یمن شمالی و جنوبی و شاخ آفریقا بخشهایی از یک الگوی بی ثباتی که جهت گیری سیاسی منطقه استراتژیک خاورمیانه را تغییر خواهد داد، نیست؟ ساندرز در چهار پاراگراف به بررسی و تحلیل این سوأل پرداخته و مواضع نسبتاً رسمی وزارت خارجه آمریکا در پاسخ به سؤال فوق را همراه با ذکر سیاستهای رسمی آمریکا در قبال وقایع ایران ارائه داده است.

اسناد مربوط به دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی

الف انقلاب

سند شماره ۱۲ با عنوان «چه اشتباهی در ایران رخ داد؟» توسط یکی از دیپلماتهای سابق آمریکا که در سفارت تهران طی دو دوره خدمت کرده، تهیه شده است. وی مشاهدات و تحلیل خود را راجع به ایران قبل از انقلاب و آنچه که باعث بروز انقلاب گردید، در سند تشریح کرده است. در بخشی از سند آمده: «واضح است که سیاست ایرانی ما که برای مدت ۳۰ سال در خدمت به ما مؤثر واقع شده

بود، اکنون به صورت عاملی بی ربط و ناهنجار درآمده و در مواردی بسیار حتی قبل از سقوط شاه نیز خطراتی را علیه منافع ما به وجود آورده بود بنابراین بجاست دیگر سؤال شود ایران چه اشتباهی رخ داده و چرا ما با وجود این همه منافع در ایران، وقوع آن را پیش بینی نکرده بودیم.» در پی این مطلب وقایع و عواملی را که منجر به سقوط دیکتاتوری شاه گردید، بررسی می کند. وی در تحلیلش به دو واقعه که در سقوط شاه نقش مهمی داشته اند اشاره می کند: «واقعه یا عامل اول و مهمتر تصمیم سال ۱۹۷۴ / ۱۳۵۳ شاه مبنی بر استفاده از درآمد افزایش یافته نفتی ایران در تسریع حرکت برنامه های عمران ملی بود و در نتیجه رشد تورم و توزیع ناعادلانه درآمدها و....» و «رویداد دوم ظهور سیاست حقوق بشر کارتر بود.» سیاستهای شاه و دیدگاههای وی با این بیان که «شاه نیز مایل بود جو سیاسی خاصی پدیدار گردد تا امکان انتقال قدرت به فرزندش پیدا شود و شاید نسبت به سیاست حقوق بشر کارتر عکس العمل نشان داد، اقداماتی انجام داد تا حیات سیاسی ایران آزادتر گردد»، مطلب بعدی مندرج در سند است. نقش رهبری امام خمینی، مذهب و مرجعیت در ایران به عنوان عامل مؤثر در سرنگونی شاه و اشاره ای مختصر به وقایع تاریخی در این باب از مسایل مطروحه دیگر است.

تحلیلگر سپس به بررسی شیوه های متخذه در قبال ایران و پیگیری سیاستهای گزارشگری سفارت آمریکا در تهران در مواجهه با حوادث سیاسی رژیم شاه می پردازد.

مشاور اصلی فرماندهی کل قوا در نیروی دریایی ایران در زمان شاه، وقایع مربوط به دوران انقلاب و مجموعه حوادثی که به انقلاب منجر شدند را به صورت وقایع نگار در سند شماره ۱۳ به رشته تحریر درآورده است. این متن فاقد تحلیل است و به جز بخش کوچکی در انتهای سند، صرفاً حالت گزارش وقایع را دارد.

ب مسایل فیمابین ایران و آمریکا

سیزده سند از این مجموعه مربوطه است به مسائلی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بین ایران (به ویژه دولت موقت) و آمریکا مطرح گردیده است. فهرست مندرجات اسناد مرتبط با این موضوع ذیلاً آمده است.

سند شماره ۱۴ ملاقات فقیه، کاردار ایران با مقام وزارت خارجه آمریکا در واشنگتن، موضوع سند مزبور است که این موضوعات مورد گفتگو واقع شده است: صدور ویزا برای خانواده سلطنتی؛ تأکید مقام وزارت خارجه آمریکا بر ایجاد رابطه ای نزدیک و مولد با ایران ابراز نارضایتی مقامات آمریکا از بیانات ضد آمریکایی حضرت امام وضعیت امنیتی محوطه سفارت روادیدهای دانشجویی، مهاجرتی و غیره.

سند شماره ۱۵ شرح ملاقات بین کاردار (لینگن) و جانشین وابسته اقتصادی سفارت با دکتر علی محمد ایزدی وزیر کشاورزی دولت موقت می باشد.

مسایل مطروحه در سند عبارت است از: صحبتهای ایزدی در باب روابط خارجی و اتکای به آمریکا برای تأمین کمکهای فنی و علمی، سیاست تبلیغاتی و مطبوعاتی آمریکا نظرات اقتصادی و کشاورزی وزیر تقاضای ایزدی از سازندگان تجهیزات کشاورزی آمریکایی برخورد وزیر با آمریکاییها و بیوگرافی وی.

سند شماره ۱۶ نامه دکتر یزدی (وزیر خارجه) به سایروس ونس (وزیرخارجه آمریکا) است شامل این مطالب: تشکر از انتصاب کاتلر به عنوان سفیر در ایران اعتراض رسمی دولت ایران به قطعنامه سنای آمریکا علیه ایران.

سند شماره ۱۹ شرح ملاقاتی است بین جانشین وابسته اقتصادی سفارت با دکتر رضا سلیمی معاون سرپرست سازمان سرمایه گذاریها و کمکهای اقتصادی و فنی ایران که در طی آن در مورد موضوعات ذیل گفتگو شده است: مساعدتهای خارجی ایران (به افغانستان، مصر، سنگال، هند و صندوق اوپک)؛ سرمایه گذاری خارجی؛ درآمدهای حاصله از قراردادهای سازمان سرمایه گذاریها؛ پرداخت و دریافت قروض توسط ایران.

در اسناد ۲۰ تا ۲۵ به ترتیب این مسائل مطرح گردیده است: تشکر کریستوفر معاون وزیر خارجه آمریکا از بیانیه تلویزیونی امیرانتظام و مسکوت گذاشتن اعلام زمان انتصاب سفیر کاتلر؛ طرح سؤلاتی درباره ارتباطات سیاسی در داخل رهبری انقلاب؛ گزارش موادی از پیش نویس قانون اساسی برای وزارت خارجه آمریکا و اظهار نظر در مورد آنها؛ ملاقات یکی از مأمورین وزارت خارجه آمریکا با رئیس بانک ملی (جلیل شرکاء) در مورد امکان فعال سازی مجدد اتاق بازرگانی و مسئله مدیریت بعد از انقلاب؛ نطق تلویزیونی بازرگان و طرح وجود سیستمهای موازی حکومتی در

ایران و راه حل پیشنهادی دولت موقت برای ایجاد هماهنگی بین دولت با کمیته های انقلاب و دادگاههای انقلاب؛ تظاهرات ضدآمریکایی در ایران و به حمایت از امام.

سند شماره ۲۶ شرکت دکتر یزدی وزیر امور خارجه وقت، در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک و اجلاس غیرمتعهدها در هاوانا فرصتی برای آمریکاییها فراهم آورده بود که به تحلیل مواضع دکتر یزدی و دولت موقت بپردازند. اهداف سیاسی دکتر یزدی، هدف وی در روابط با آمریکا، بررسی افکار یزدی، تدارک نظامی و موضع علنی آمریکا در قبال انقلاب از جمله مسائل مندرج در این سند است.

ج روندهای اقتصادی ایران

انقلاب اسلامی ایران که به دنبال تظاهرات و اعتصابات چندی به ثمر رسید، همراه با عملکرد دولتهای نظامی و ائتلاف ملی و غیره، یک اقتصاد بیمارگونه و بحرانی عظیم را به ارث گذاشت. تأثیر این بحران در خدمات اصلی زیربنایی، و سطح فعالیت اقتصادی مولد، صنایع، صنایع غذایی و دارویی، نیروی انسانی و سیاستهای دولت موقت در برخورد با این مسائل، در سند شماره ۱۸ به صورت تحلیلی جامع ارائه گردیده است.

ماهیت اقتصاد بیمارگونه و عوامل سیاسی متعدد که تأثیری تعیین کننده بر امور اقتصادی داشته، به تفصیل مورد بحث قرار گرفته و در مقایسه با عوامل مثبتی چون ذخایر ارزی بسیار، بدهیهای بسیار ناچیز و پایگاه نفتی پردرآمد، آینده اقتصادی ایران و روند آن پیش بینی گردیده است. از جمله مسائل مندرج در این سند می توان به بررسی سیاستهای اقتصادی انقلاب اسلامی در قبال مسائل ملی، تجاری، بانکی و مربوط به قیمت و تورم اشاره کرده که به تفصیل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

سند دیگر در زمینه امور اقتصادی ایران بعد از انقلاب سند شماره ۲۷ با عنوان «بهبود اقتصادی اکنون کجا هستیم می باشد که در آبان ۱۳۵۸ تهیه شده است. فهرست عناوین مهم طرح شده در سند عبارت است از: «عدم موفقیت در انتقال سرمایه های نقدی و غیر نقدی بانکها به بخش صنعتی، عدم اطمینان و امنیت اقتصادی، عدم وجود سرمایه و سرمایه گذار؛ خروج سرمایه، بی لیاقتی دولت در همه زمینه ها؛ عدم تأمین شخصی؛ شخصیت اقتصادی بازاریها؛ عدم صلاحیت مدیران و انتصاب مدیران بی تجربه.

در پایان انتظار داریم که انتشار این اسناد، جزئیات بیشتری از سوابق رژیم فاسد شاه، ارتباط آن با آمریکا و سیاستهای استعمارگرانه شیطان بزرگ را روشن نماید. مطالب آنها چراغی باشد فرا راه آیندگان تا از دام و حیلتهای آن برهند و تذکاری بر ما تا قدردان خونهای پاک شهیدانی باشیم که با خون خویش، نهال استقلال و آزادی را بارور کردند و رهایی از قید بیگانگان و سلطه گران را به ارمغان آوردند.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

بهار ۱۳۶۶

ایران بروز مجدد ناآرامیهای داخلی

سند شماره (۱)

خیلی محرمانهغیر قابل رؤت برای بیگانگان۱۶ اوت ۱۹۷۸ ۲۵ مرداد ۱۳۵۷

ارزیابی اطلاعاتی ایران: بروز مجدد اغتشاشات داخلیتهیه شده توسط: سرگرد دان آدامیک،

ایالات متحده آمریکااین نشریه وزارت دفاع توسط آژانس اطلاعاتی دفاعی، معاونت تولید تهیه

شده است.

ناآرامیهای اخیر شامل فعالیتهای ضد آمریکایی بوده است

۲۷ ژوئیه - شیراز - شیشه تمام پنجره های ساختمان انجمن ایران و آمریکا توسط

تظاهرکنندگان شکسته شد.

۱ اوت - اصفهان - پرتاب سه راهی به داخل محوطه کنسولگری آمریکا.

۶ اوت - شیراز - جمعیت سعی می کنند به زور داخل انجمن ایران و آمریکا

شوند و شیشه تمام پنجره ها را خرد می کنند.

۸ اوت - شیراز - جمعیتی که از طرف مسجد به سوی انجمن ایران و آمریکا

حرکت کرده توسط پلیس متفرق می گردد.

اوایل اوت - اصفهان - چند آمریکایی گزارش داده اند که تهدید شده اند.

خیلی محرمانه، غیر قابل رؤت برای بیگانگان.

ایران: بروز مجدد ناآرامیهای داخلی (طبقه بندی نشده)

خلاصه

(۱)(C / NOFORN) از ۲۱ ژوئیه ایران شاهد موجی از فعالیت ناراضیان بوده که قبلاً نیز در پنج ماهه

اول همین سال کشور با آن دست به گریبان بود. عناصر مذهبی مخالف شاه سبب بروز درگیریهایی با

دولت شده اند که منجر به کشته شدن ۱۲ الی ۲۰ نفره، زخمی شدن چند نفر دیگر و دستگیری چند صد نفر شده است. دیگر مخالفین شاه عبارتند از افراد لیبرال تر، دانشجویان و احتمالاً گروههای تروریستی که به صورت حاشیه ای عمل می کنند. گرچه این گروهها ممکن است برای آینده ایران طرحی قطعی نداشته باشند، ولی همه آنها در مخالفت خویش با شاه، متحد می باشند.

(C / NOFORN) ناآرامیهای اخیر حاکی از افزایش فعالیتهای ضدآمریکایی است. در رقابتی که برای پیشی گرفتن بر یکدیگر بین آنها پدید آمده، گروههای مختلف ناراضی احتمالاً به تشدید سخنرانیهای ضدآمریکایی خواهند پرداخت و بیگانه ترسی نهفته در شخصیت ایرانی را آشکار خواهند کرد. این امر می تواند موجب بروز مشکلاتی برای جامعه عظیم آمریکاییان مقیم ایران به خصوص آنهایی که ممکن است در شهرهای محافظه کارتر درگیر این رویدادها شوند، گردد.

(C / NOFORN) مرگ و میرهای اخیر احتمالاً سبب پیدایش دوره های جدیدی از تظاهرات مذهبی که در اوایل سال جاری تجربه شد، خواهد گردید. ماه اسلامی رمضان که نزدیک است و روزهای ویژه عزاداری در اواخر ماه اوت احتمال بروز تظاهرات بیشتر را افزایش می دهد. احتمالاً

۱- خیلی محرمانه / غیر قابل رؤیت برای بیگانگ (cinoforn)

دولت خواهد توانست از پس اوضاع برآید ولی شاه هنوز هم با معمایی لاینحل رو به رو است که: چگونه می توان همگام با حفظ نظم و آرامش به اعطای آزادیها در جامعه ایران پرداخت و از سرکوب شدید ناراضیان دست برداشت.

سابقه

(C / NOFORN) بروز ناآرامیهای داخلی ایران در چند هفته گذشته از بسیاری جهات با اغتشاشات بین ماههای ژانویه و مه شباهت دارد. ریشه های آن در مخالفت دیرین محافظه کاران مذهبی که با شاه به خاطر دنیاگرایی و نوگرایی جامعه ایران مخالفت می ورزند، نهفته است. اهداف تظاهرکنندگان نیز همان است، یعنی بانکها، سینماها، وسائط نقلیه و تجارتخانه های معمولی. دیگر مخالفینی که در حین عدم مشارکت از آنها حمایت می کنند عبارتند از افراد دارای بینش لیبرالی مانند دانشجویان، پیروان جبهه ملی که اکنون غیر قانونی اعلام شده و احتمالاً گروههای تروریستی. گرچه این ناآرامیها با تظاهرات قبلی شباهتهایی دارند ولی خصوصیات جدید و تازه ای نیز به خود گرفته اند.

پیدایش ناآرامیها

بحث

(C / NOFORN) اغتشاشات اخیر در روز ۲۱ ژوئیه که یک روز تعطیل مذهبی است و برای مسلمانان شیعه ایران حایز اهمیت می باشد، آغاز گردید. به جای برگزاری مراسم معمول، پیروان آیت اللّه خمینی خواستار تشکیل گردهماییهای سیاسی شدند. مجالس بزرگداشت آیت اللّه کافی، که یک رهبر مذهبی قابل احترام در شهر مشهد بود، برگزار و پس از آن روز به بعد بین تظاهرکنندگان و نیروهای امنیتی دولتی درگیریهایی به وقوع پیوست. از شهرهای دیگر نیز بروز چند واقعه گزارش شده که ظاهراً محرک همه آنها افراطیون مذهبی بوده اند.

(C / NOFORN) طی هفته بعد مجالس عزاداری برای کافی و برای کسانی که طی هفته قبل کشته شده بودند، نیز منجر به بروز اغتشاشات بیشتر شد. شایعه کشته شدن کافی بدست مقامات امنیتی دولت، پیروان وی را بیش از پیش تحریک نمود. طبق گزارش مطبوعات تحت کنترل دولت حدود ۳۰۰ نفر دستگیر، حدود شش نفر کشته و ۲۶ نفر طی این دو هفته خشونت بار مجروح شده اند. این رویدادها با بمب گذاری کنسولگری آمریکا در اصفهان خاتمه یافت. گر چه در اثر این واقعه کسی مجروح نشد و تنها خساراتی جزیی به ساختمان کنسولگری وارد آمد، ولی این اولین باری است که در چند ماه گذشته یک اقدام آشکار ضد آمریکایی صورت می گیرد.

(C / NOFORN) دوره بین ۵ تا ۱۰ اوت تا حدی آرامتر بود، گرچه مرکز الهیات قم و شهرهای شیراز و اصفهان شاهد بروز خشونت نیز بودند. افراطیون مذهبی در هر موقعیتی سعی کرده اند موضوع ادامه بزرگداشت کافی، روز قانون اساسی ایران و آغاز ماه رمضان را وارد دیگر مسائل بنمایند. دستگیری یک رهبر برجسته مذهبی در اصفهان توسط ساواک یعنی سازمان اطلاعات و امنیت ایران نیز در بروز تظاهرات ضد دولت نقش داشته است.

(C / NOFORN) در تاریخ ۱۱ اوت، دولت ایران در دومین شهر بزرگ کشور یعنی اصفهان

حکومت نظامی اعلام کرد. تلاش پلیس برای متفرق کردن تظاهرات مذهبی منجر به بروز اغتشاش گردید، به همین علت از نیروهای نظامی برای بر قراری نظم و آرامش کمک گرفته شد. مقررات منع عبور و مرور به اجرا درآمده و اجتماع سه نفر یا بیش از آن ممنوع شده است. حکومت نظامی برای مدت یک ماه ادامه خواهد یافت و بنابه گزارشهای رسیده و طبق ضرورت شهرهای دیگر را نیز در بر خواهد گرفت. گزارشات مطبوعاتی تأیید نشده حاکی از آن است که حکومت نظامی احتمالاً در سه شهر کوچک دیگر نزدیک اصفهان برقرار شده است. تحمیل سریع حکومت نظامی در مرکز صنعتی و توریستی نشانگر جدیت و وخامت وضع و تمایل دولت به رویارویی با افراطیون با نیروی لازم جهت اعاده نظم می باشد. در اصفهان و دیگر شهرها از تاریخ ۱۱ اوت شمار کشته و زخمی شدگان افزایش یافته، اما آمار و ارقام موثق هنوز موجود نیست.

اعطای آزادیهای سیاسی یک عامل

(C / NOFORN) با فروکش کردن تظاهرات و ناآرامیهای ضدشاهی در ماه مه و اعلام سرکوب مخالفان توسط دولت، اکثر رهبران مذهبی ظاهراً خواستار آرامتر شدن اوضاع بودند. شواهد موجود نشانگر وجود مذاکره بین شاه و جامعه مذهبی بود. در همان حال، رهبر ایران بار دیگر بر سیاست اعطای آزادیهای سیاسی خویش تأکید نمود و تهیه مقدمات انتخابات پارلمانی سال آتی مهمترین موضوع خبری را تشکیل می داد. فضای باز سیاسی سبب بروز بحثها و تبادل نظرها و کاهش عمومی وضعیت متشنج گردید.

(C / NOFORN) آرامش نسبی ظاهراً به مذاق مخالفین افراطی تر سلطان، خوش نیامده است. پیروان ضد شاه خمینی تبعید شده نیز ظاهرا عامل بسیاری از خشونتها بوده و حداقل می توان گفت که توانسته اند از مراسم بزرگداشت برگزار شده توسط اکثریت مذهبی بهره برداری لازم را به عمل آورند.

بنابه گزارشهای واصله، حزب توده یا حزب کمونیست غیر قانونی ایران تلویحاً به حمایت از گروههای مذهبی طرفدار خمینی پرداخته است. ملی گرایان دیرین دارای عقاید چپگرایانه به حمایت از فعالیتهای ضد دولتی برخواسته اند. گرچه این گروهها برای آینده ایران نقشه هماهنگی ندارند و معلوم نیست که آیا اصولاً نقشه ای داشته باشند، ولی در مخالفت خویش علیه شاه و شکل کنونی دولت، با یکدیگر متحد می باشند.

(C / NOFORN) شیوع اخیر ناآرامیها حکایت از افزایش فعالیتهای ضد آمریکایی در میان مخالفین دولت دارد. آن دسته از ملی گرایانی که از دیرباز با شاه مخالفت ورزیده اند مدعی هستند که شاه بازیچه دست آمریکا و اجرا کننده فرامین واشنگتن است. آنها با اشاره به سیاست اعطای آزادیهای سیاسی و بهبود وضع حقوق بشر در ایران می گویند همین ها خود نشانه پیروی شاه از دستورات آمریکاست. شواهد اخیر نیز گویای آن است که مخالفین شاه به این نتیجه رسیده اند که آمریکا در مورد بهبود وضع سیاسی ایران، فشار لازم را به وی وارد نمی آورد.

(C / NOFORN) طبق گزارشات موجود، عناصر مذهبی نیز به خصوص در اصفهان از موضوع ضدیت با آمریکاییها بهره برداری می کنند. خمینی از دیرباز علیه حضور آمریکا در ایران سخن رانده، و مدعی است که آمریکا حامی اصلی شاه است و ثروت ایران را به غارت می برد، در حالی که

آمریکاییان مقیم این کشور از امتیازات خاصی بهره مند می شوند. ایرانیها معمولاً خارجیها را مسئول بروز مشکلات خویش می دانند و در اینجا آمریکاییها به صورت یک هدف بسیار خوب درآمده اند. برای برتری جستن بر دیگر مخالفین رقیب، رهبران مذهبی احتمالاً در مخالفت خویش با دولت موضع تندتری اتخاذ خواهند کرد. این موضعگیری می تواند در سخنرانیهای روزافزون ضدآمریکایی منعکس گردد، و باعث شود که بیگانه ترسی نهفته در جمعیت ایران به تدریج آشکار شود که خود می تواند بروز مشکلاتی را برای جامعه عظیم آمریکایی ۳۷۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ نفری مقیم ایران به وجود بیاورد.

(C / NOFORN) لحن ضدآمریکایی هنوز علناً ظاهر نشده و ممکن است به جناح مخالف افراطی تر محدود باشد. با این حال، شمار اقدامات ضدآمریکایی در هفته گذشته غیر عادی است، چون در طول پنج ماه ناآرامی اوایل سال جاری احساسات ضدآمریکایی چندانی بروز ننموده بود. علاوه بر این، شمار عظیم آمریکاییان مقیم این کشور به خصوص در شهرهای محافظه کارتری چون اصفهان و شیراز احتمالاً سبب گرفتار شدن آنها در این رویدادها خواهد شد. بخش اعظم محل آمد و شد آمریکاییها در اصفهان مانند رستورانها و مغازه ها در منطقه نسبتاً کوچکی از شهر قرار گرفته است. بنابراین میزان تمرکز آمریکاییها شدیدتر و احتمال بروز وقایع بیشتر می شود.

دورنما

خیلی محرمانه

رهبر مذهبی تبعید شده که هنوز هم در ایران صاحب نفوذ است.

آیت اللّه روح اللّه خمینی

سن: ۷۶ سال

از شاه و برنامه اصلاحی اش انتقاد کرده است

با حضور امریکائیها در ایران مخالفت ورزیده است

در سال ۱۹۶۴ به عراق تبعید گردید.

خیلی محرمانه / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان

دورنما

(C / NOFORN) معمای دیرین شاه هنوز به قوت خود باقی است که عبارت است از نحوه اعطای

آزادیها در جامعه ایرانی و حفظ نظم و آرامش بدون مبادرت ورزیدن به سرکوب شدید ناراضیان. مخالفین وی به او فشار وارد می آورند تا بیش از پیش لیبرال شوند و در همان حال نیروهای امنیتی نیز در برابر محدودیتهایی که بر آنها تحمیل شده تاب تحمل را از دست می دهند. اکثریت مردم این کشور نیز بدون شک از ایجاد وقفه در زندگی عادی ناراحت شده و خواستار برقراری نظم و قانون خواهند شد. در کوتاه مدت شاه نیز احتمالاً همان تاکتیکهای خویش را دنبال خواهد کرد و تلاش خواهد نمود تا با مخالفین مذهبی وارد مذاکره شود. معذالک، و در صورت ضرورت، از اقدامات قاطع نیروهای امنیتی برای سرکوب خشونتهای جدید استفاده خواهد شد. حکومت نظامی در اصفهان مثال دیگری از عزم راسخ شاه در حفظ نظم و قانون می باشد.

(C / NOFORN) احتمال بروز ناآرامیهای بیشتر زیاد است. در گذشته مجلس بزرگداشت کسانی که در تظاهرات کشته می شدند چهل روز بعد برگزار می شد، که خود منجر به بروز خشونت های دیگر می گردید. بدین ترتیب می توان گفت که در ۲۲ ژوئیه دور جدیدی از اغتشاشات مذهبی پایه ریزی شده است. در همان حال ماه رمضان ماه روزه و نماز نزدیک است و احتمالاً میزان تشنج و بحران را افزایش خواهد بخشید. روزهای ۲۴ و ۲۶ اوت که در آن ایام ایرانیها در سوگ وفات (حضرت) علی علیه السلام رهبر مذهبی بسیار والا مقام خویش می نشینند نیز دورانی بسیار خطرناک خواهد بود. بازگشایی مدارس در ماه آینده هم احتمالاً جمعیت دانش آموزان و دانشجویان را به اغتشاشگران خواهد افزود. (C / NOFORN) ماههای آتی به احتمالی ماههایی آبستن حوادث برای ایران می باشند. ثبات حکومت شاه را هیچ عاملی تهدید نمی کند، ولی بین دولت و جناح مخالف زور آزماییهای بسیاری در جریان است.

اوضاع داخلی

سند شماره (۲)

طبقه بندی: سرییادداشت مکالماتشرکت کنندگان: آلن دوبیوپوی، معاون

وابسته نظامی سفارت فرانسه، سفیر پانایوتیس اکونومو، سفارت یونان، جورج ب. لامبراکیس،

سفارت آمریکا در تهرانزمان و مکان: ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸ ۲۴ شهریور

۱۳۵۷،محل اقامت لامبراکیس

موضوع: اوضاع داخلی

دوبیوپوی تنها عضو محفل دیپلماتیک است که جدیت مبارزه مذهبی با دولت و شاه را که ما شاهد آن هستیم قبلاً پیش بینی کرده بود. او با همه گفتگو می کرده است و تحت الشعاع خشمی قرار گرفته که در محافل مذهبی شکل گرفته و از سوابق تاریخی اسلام به عنوان یک عامل نشانگر شکوه های مردمی با خبر است. از نظر تاریخی، هم پیمانان ملاها بیش از تعداد هم پیمانان آنها در سال ۱۳۴۲ می باشند.

دوبیوپوی گفت ما نباید اجازه دهیم که میانه روی موقت شریعتمداری ما را از روند واقعی غافل سازد. شریعتمداری تندروها را تحت کنترل ندارد و بالاخره تسلیم آنها خواهد شد. او که یک «فرد مذهبی» است نمی تواند یک سیاستمدار باشد و اقدامات وی نیز با اقدامات یک سیاستمدار تفاوت دارد. در پاسخ به دعوت من به اینکه باز هم پیش بینی کند، دوبیوپوی گفت که اگر شاه در دو هفته آتی

اقدامات گسترده ای را در پیش نگیرد، او پیش بینی می کند که شاه تا پایان اکتبر مجبور به ترک ایران شود.

طبق پیش بینی وی حدود یک میلیون نفر مسلمان از بازار در جنوب تهران مانند موجی به تظاهرات خواهند پرداخت که ارتش و پلیس نیز قادر به متوقف کردن آنان نخواهند بود. وی گفت زمانی خواهد رسید که تیمسار اویسی به همراه سخنگوی مجلس یعنی ریاضی و احتمالاً سفیر آمریکا در تظاهرات(!) از شاه خواهند خواست که بر هواپیما سوار شده و کشور را ترک گوید.

به نظر دوبیوپوی تنها راه اجتناب از این کار، این است که شاه در قبال مردمش نقش مستقیم تری را ایفا کند. او با محاکمه کردن زیر دستان خود نمی تواند خود را از مسئولیتهای حکومتی در دو دهه گذشته تبرئه کند. مردم دیگر وعده های وی را باور نخواهند کرد مگر آن که این وعده مستقیماً و از طریق تلویزیون به مردم داده شود. مردم از او می خواهند که خانواده اش و تمام وزارت دربار را به دور افکند. جناح مخالف ظاهراً سازش نخواهد کرد مگر آنکه یک سلطنت مشروطه بر کشور حکمفرما شده و حکومت را به سیاستمداران بسپارد.

سفیر یونان نیز گفت که با نظرات دوبیوپوی موافق است. وی گفت آمریکاییها باید قبول کنند که شاه اکنون تنها شده است، و هیچ کس از وی حمایت نخواهد کرد. دوبیوپوی و سفیر مزبور اعتراف کردند که شاه تأثیر خوبی برای ایران داشته است و در صورت امکان باید حفظ شود «اگر شما آمریکاییها هنوز هم در او نفوذ دارید، سعی کنید اقدامات لازم را تا فرصت باقی است انجام دهد».

در تشریح بیشتر نظریات خود، دوبیوپوی گفت که او شخصاً تظاهرکنندگان را در تهران دنبال کرده و از دیگران نیز خواسته است که این کار را انجام دهند. در تاریخ ۱۳ شهریور حدود ۲۰۰ ۱۰۰ هزار نفر به تظاهرات پرداخته بودند چون رهبران میانه رو مذهبی نیز به افراطیون پیوسته بودند. در تاریخ

۱۷ و ۱۸ شهریور ماه تظاهرکنندگان به طور یکپارچه از افراطیون تشکیل شده بودند. رقم تظاهرکنندگان در تاریخ ۱۷ شهریور به ۵۰۰۰۰ نفر می رسید. این نقطه اوج نمایش قدرت افراطیون بود. بنابراین خطیرترین مسئله برای شاه جلوگیری از پیوستن رهبران میانه رو به افراطیون در آینده نزدیک است.

راستی، دوبیوپوی در سازمان اطلاعاتی فرانسه کار می کند.

اقدامات خنثی کننده یک سازمان طرفدار

سند شماره (۳)

طبقه بندی : خیلی محرمانهتاریخ : ۵ نوامبر ۱۹۷۸ ۱۴ آبان ۱۳۵۷

از : سفارت آمریکا در تهرانبه : وزارت خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع : اقدامات خنثی کننده یک سازمان طرفدار

۱ بنابه گفته یک منبع دارای رابطهای خوب (که صحت خبر تائید نشده است) شاه دو کمیته پنج نفری در اختیار دارد که هریک از آنها در کشور در زمینه تجهیز حمایت برای او نقش مهمی ایفا می کند. یکی از آنها تظاهراتی را به طرفداری از شاه برپا می کند. سرپرستی این کمیته را دوست و خدمتکار خوب شاه، یعنی ژنرال فردوست عهده دار است. اعضای دیگر آن عبارتند از ارسلان افشار، رئیس تشریفات دربار؛ ژنرال اویسی، رئیس حکومت نظامی تهران؛ آهنچیان، تاجر مشهد و ژنرال

خسروانی.

۲ کار کمیته دیگر با مطبوعات و تبلیغات مرتبط است. اعضاء این کمیته عبارتند از امین اشرفی، سردبیر روزنامه «آتش» و ژاندارم (م M.P) قدیمی (از دوران ۱۹۵۳)؛ قنات آبادی، نخست وزیر پیشین (از دوران ۱۹۵۳)؛ متین، عضو سابق وزارت دربار (در زمان علم)؛ متقی، و بازرگان معروف به بیوک صابر. این کمیته در نظر دارد یک روزنامه جدید حامی شاه را بزودی منتشر سازد. علاوه بر این مقالاتی را در نشریات دیگر به چاپ می رساند که یکی از آنها اخیراً در مجله «خواندنیها» ظاهر شد و در پشت جلد آن شاه را به صورت مرد جوانی نشان می داد که دختر بچه ای او را در آغوش کشیده بود. (در سالهای ۱۹۴۰!)

۳ علی نقی انصاری، سفیر اسبق ایران در ایتالیا و رئیس دفتر شاهدخت شمس نیز فرد پولداری است.

۴ این تلاشها جدای از اقدامات «تحریک آمیز» ساواک است که بنابه گفته یک منبع دیگر، عامل بسیاری از خرابکاریها و برخوردها در کرمان، راور، کرمانشاه، همدان، گرگان، رضائیه، آمل، بانه، مراغه، سنندج و غیره بوده است. طبق گفته های همین منبع به مشاور سیاسی، شخص پرویز ثابتی (زمانی که هنوز یکی از مقامات ساواک به شمار می رفت) در مورد دو رویداد اول گفته بود که عازم کردستان است؛ از ادای این مطلب چیزی نگذشته بود که به طرفداری از شاه در آنجا تظاهرات و حملاتی آغاز گردید.

۵ اظهار نظر؛ قبل از این در مورد اقدامات خنثی کننده توسط زاهدی (تهران ۱۰۶۹۹) سخن به میان آورده بودیم. بعید نیست که عامل پیدایش این دو کمیته نیز زاهدی بوده باشد. از آنجا که نمی توان باور کرد که شاه از فعالیتهای ساواک بی اطلاع است، ولی باید گفت که ملاقات شاه با زاهدی و

پاسخگویی شاه به وی در حضور سفرای آمریکا و انگلیس به این علت صحنه سازی شده بود تا آنها باور کنند که شاه در وقایعی که به طرفداری از وی رخ داده بی گناه است.

تعدادی از ناظران ایرانی که با منابع خوبی در تماس هستند معتقدند که این امر نشانگر بی اطلاعی شاه از وجهه کنونی مردمی خویش است و قادر نیست وضع خطرناك مربوط به خود و سلطنت را لمس کرده و اقدامات لازم را در مورد آنها به عمل آورد. بنابه گزارشات واصله خوش بینیهای زاهدی نیز در این زمینه مؤثر واقع نخواهد شد.سولیوان

خلاصه ای از ملاقات سفیر با گروه منتخبی از نمایندگان جامعه تجاری آمریکا

سند شماره (۴)

تاریخ : ۲۱ نوامبر ۱۹۷۸ ۳۰ آبان ۵۷

از : SCIATT ورنون ئی. آدلربه : مشاور اقتصادی آقای جان میلز

موضوع : خلاصه ای از ملاقات سفیر با گروه منتخبی از نمایندگان جامعه تجاری آمریکا

جان، فکر کردم بهتر است لحن و محتوای بیانات سفیر سولیوان خطاب به جامعه تجاری در تاریخ ۱۵ نوامبر، برای سفارت و دفتر امور ایران جنبه سندیت پیدا کند. به همین جهت این یادداشت مکالمات را جهت تأیید شما ارسال می نمایم.

وابسته SCI: ورنون آدلر

محرمانه

یادداشت مکالماتتاریخ و مکان : ۱۵ نوامبر ۱۹۷۸؛ رستوران کاروانسرا

شرکت کنندگان : سفیر سولیوان، ۴ویلیام اچ. سولیوان اعضای اصلی سفارت امریکا نمایندگان جامعه تجاری آمریکا(حدود ۱۵۰ نفر)

موضوع : خلاصه ای از بیانات سفیر سولیوان خطاب به نمایندگان تجاری مهم آمریکا در ایران

سفیر بیانات خویش خطاب به جامعه تجاری را با تشریح دو علت این گردهمایی در این جلسه توجیهی آغاز کرد و گفت: اولاً، زمان آن فرا رسیده که وضعیت حاضر را مورد ارزیابی قرار دهیم و ثانیاً، موعد آن است که در مورد وضعیت موجود برای جامعه تجاری در ایران صریحاً به تبادل نظر بپردازیم. تا به حال وی میل نداشت که اعضای این جامعه را در یک مکان گرد هم آورد چون ساختار وضعیت به نحوی استقرار نیافته بود که ما را قادر به بررسی زیرکانه جهات و راه حلها سازد. ولی اکنون به نظر می رسد که امور از اثبات بیشتری برخوردار شده اند. گروه گرد آمده در اینجا تقریباً گروهی است منتخب که می تواند نماینده بخش اعظم آمریکاییهای مشغول به کار در ایران باشد. محتوای این ملاقات بایگانی نمی شود و در اختیار مطبوعات نیز قرار نخواهد گرفت تا سفیر بتواند مطالب خود را با صراحت بیان دارد و مطبوعات نیز از آن بهره برداری ننمایند.

نگرشی بر رویدادهای جاری

سفیر ابتدا به مرور زنجیره ای از رویدادهای مهم سیاسی ده ماهه اخیر ایران پرداخت و این کار را با یادآور شدن تغییرات قابل پیش بینی در فوریه، یعنی زمانی که رژیم در کمال آگاهی اعلیحضرت دریافته بود که جامعه ایران پیچیده تر از آن است که تمام تصمیمات آن بتواند توسط یک نفر اتخاذ شود، آغاز کرد. شاه به این نتیجه رسیده بود که روند اشتراک تصمیم گیری باید به وجود آمده و به فرزندش که به دودمانی مغایر با دودمان موجود در ۳۷ سال گذشته نیازمند است، منتقل شود. شاه

پذیرفته بود که پدید آوردن این تغییر سیاسی دشوار است و رهانیدن جامعه از فشارهای دیرین ثبات سطحی کشور را دگرگون ساخته و ممکن است آن را به مرحله انفجار بکشاند. ایران قبلاً این نوع روش خلاصی از فشار را تجربه نکرده بود، چون در تمام طول مدت حکومت شاه یک نیروی پلیسی مسلط بر تمام جوانب جامعه وجود داشت. سفیر به دنبال کردن رویدادها از تبریز جایی که جوانان کوچ کرده به شهرها دریافته بودند که تحت کنترل رفتاری متفاوت با رفتار سنتی روستایی قرار گرفته اند، پرداخت.

حمله ای که توسط مقامات مجاز شمرده شد، در بسیاری از شهرها تکرار شد و به دانشگاهها سرایت کرد. خمینی نقش فعال خود را بار دیگر در عراق آغاز و از جو جدید توأم با صراحت بیان بهره برداری نمود. جناح مخالف خود را در میان پیروان خمینی پنهان و مخفی نمود.

واقعیتهای سیاسی

با پایان یافتن ماه رمضان، میانه روها دریافتند که بیش از این قادر به ادامه یک نقش میانه واقعی و مستقلی نیستند. در تمام طول تابستان، سیاستمداران پس از آنکه دیدند که برخلاف خمینی قادر

نیستند پیروانی را گرد خود جمع کنند، به سمت خمینی گرایش پیدا کردند، علیرغم این واقعیت که شاه خواهان برقراری یک جمهوری اسلامی یعنی یک حکومت قانونی، با کمیته ای مرکب از پنج ملا بود تا قوانین پیشنهادی را مورد بررسی قرار داده و عدم تناقض آن با مجموعه قوانین اسلامی را مشخص کنند (جمله نامفهوم و فاقد استنتاج است م). پس از راهپیمایی صلح آمیز هفتم سپتامبر، حکومت نظامی و واقعه میدان ژاله در هشتم سپتامبر به وقوع پیوست و نظامیان رودرروی تظاهرکنندگان قرار گرفتند. در ماه سپتامبر، دولت بر آن شد تا با جذب میانه روها بین آنان و خمینی جدایی و تفرقه پدید آورد. بنابراین این آزادیهایی اعطا شد، یعنی در تلویزیون جلسات مناظره پدیدار گشت، حقوق و مزایای کارمندان دولتی افزایش یافت و بر اساس قانون اساسی اقدامات آشتی جویانه دیگری معمول شد تا نشانگر حمایت از موضع میانه روها باشد. تقریباً در اواخر ماه اکتبر، سیاستمداران به پاریس رفتند تا با خمینی وارد مذاکره شوند ولی او همچنان در موضع خود سرسخت و پا برجا بود.

شاه به این نتیجه رسیده بود که کابینه شریف امامی نمی تواند مانع از گسترش امواج ضد شاهی شود. در اواسط اکتبر شاه دریافت که تنها دو راه برای او باقیمانده است: یعنی یا یک دولت ائتلافی تشکیل دهد و یا یک حکومت نظامی را روی کار آورد. او هرگز در رابطه با ائتلاف پاسخ مثبتی دریافت ننمود. در تاریخ ۴ نوامبر، سنجابی پس از عزیمت به پاریس، اعلام نمود که کاملاً از خمینی حمایت می کند؛ این امر برای شاه قابل قبول نبود چون موضع خمینی با برکناری شاه و دودمان پهلوی، و ایجاد یک «حکومت اسلامی» که هنوز مشخصات آن اعلام نشده بود آغاز و به همانجا خاتمه می یافت. در تاریخ ۴ نوامبر، در دانشگاه درگیریهایی به وقوع پیوست و افرادی کشته شدند. در تاریخ ۵ نوامبر، نظامیان غیبتی غریب داشته و در تظاهرات شورش وار به هیچ وجه دخالت نکردند ولی از چند مکان حراست به عمل آوردند. البته در همان زمان کابینه شریف امامی استعفا داد و استفاده از راه

نظامی را پیشنهاد کرد که همان روز عصر، ژنرال ازهاری به عنوان رئیس حکومت نظامی منصوب گردید.

وضعیت کنونی ما

اکنون به نقطه ای رسیده ایم که اراده و قدرت ما به مرحله آزمایش در می آید. هیچ کس از میزان قدرت جناح مخالف مطلع نیست. ارتش با ظرافت و پیچیدگی کار خود را آغاز کرده و قوای خود را نه تنها بر اعاده قانون و نظم بلکه بر رابطه بسیار نزدیک بین «بازگشت به کار»، به خصوص در زمینه تولید نفت، متمرکز ساخته است. نخست وزیر ازهاری اعلام کرد که افراد (خاطی م) از کار برکنار، از مسکن سازمانی محروم و حتی تحت پیگیرد قانونی قرار خواهند گرفت. تولید نفت وضع بهتری پیدا کرده، گرچه نوسان داشته است. اعتصاب پالایشگاه آبادان یافته است. (در حال حاضر سطح عادی تولید ۲/۶ میلیون بشکه در روز است.) سطح تولید در هفته جاری حدود ۳ میلیون در روز یا کمی بیش از آن است. مردم هر روز بیش از گذشته به کارهای خود باز می گردند ولی اعتصاب به طور کامل از بین نرفته است. اعتصاب ایران ایر پایان یافته است. اعتصابات پراکنده هنوز در وزارتخانه ها در جریان است. (به طور مثال، کارمندان گمرک در وزارت دارایی در اعتصاب به سر می برند.) بنابراین شاهد روند بازگشت به کار و افزایش تولید هستیم. درخواست خمینی مبنی بر برگزاری اعتصاب

عمومی طی هفته گذشته در شیراز، اصفهان و بازارهای تبریز برخلاف تهران مؤثر واقع شد.

رژیم نیز تا هیجدهم ماه دست از آزمایش وضعیت مدارس برداشته و گشایش مدارس ابتدایی را مجاز شمرده است. خواهیم دید که آیا قبل از گشایش مجدد دبیرستانها و (احتمالاً) دانشگاهها، معلمین و شاگردان مدارس ابتدایی کار خود را آغاز خواهند کرد یا نه.

خمینی تصور می کند که برگزاری اعتصاب عمومی می تواند کشور را به زانو درآورد و خود اوست که حق دارد مردم را به مسلح شدن ترغیب کند. به نظر ما شورش مسلحانه موفق نخواهد بود و توان مردم در مسلح شدن نیز محدود است. گمان نمی کنیم که خمینی بتواند دستور جهاد یا جنگ مقدس را صادر کند، چون این کار می تواند تنها علیه کفار صورت پذیرد و دولت نیز بر این موضع است که مجموعه رفتار اسلامی را حفظ کند. بنابراین موضوع حاضر نمی تواند از طریق انتخابات آن گونه که در آمریکا معمول است حل و فصل شود. بلکه، امواج گاهی به این سو و گاه به سویی دیگر به حرکت در می آیند. در صورتی که وضع غیر نظامی عادی بر کشور حاکم باشد، نظاره کنندگان یا «اکثریت صامت» می توانند ظاهر شده و از شاه حمایت کنند، در غیر این صورت اگر بازگشت به کار با قهر و کم کاری و اجبار مردم همراه باشد، این موج به سرعت طومار زندگی شاه را در هم خواهد پیچید. دولت مایل به کاهش نفوذ خمینی و حرکت در جهت ایفای یک نقش دموکراتیک بر طبق اصول سلطنت مشروطه است. آغاز مجدد اعتصابات در این زمان، می تواند دارای تغییر جهت بوده و به نفع طرف مقابل نیز به حرکت در آید. این امر سبب خواهد شد که دولت راه حل دموکراتیک را مد نظر قرار ندهد ولی ما احساس می کنیم که در حال حاضر دولت اهرمهای قدرت را در اختیار دارد و این نشانه خوبی است.

امنیت و رفاه جامعه آمریکایی

سفیر سپس به بحث پیرامون امنیت جامعه آمریکایی و اقدامات اضطراری که به عمل خواهد آمد، پرداخت که جزئیات آن توسط آقای ناس به دفعات با گروه کوچکی از نمایندگان ۴ یا ۵ شرکت طی هفته های جاری درمیان گذاشته خواهد شد. سفیر اعتراف کرد که طرحهای اضطراری بسته به میزان و شدت و ضعف وضعیت اضطراری تغییر خواهد کرد؛ ولی، به شرح بعضی از عوامل به ترتیب ذیل پرداخت: ما برای تأمین امنیت فیزیکی خویش به نیروی نظامی ایران متکی خواهیم بود. آنها نیز به نوبه خود جهت حفظ تمامیت دفاعی خود به ما وابسته می باشند. پیمانکاران دفاعی آمریکا برای ابقای تمامیت نظامی ایران عاملی حیاتی به شمار می آیند.

برای برنامه های اضطراری معیارهایی مورد استفاده قرار خواهد گرفت چون در صورت بروز هر گونه وضعیت اضطراری هرچه تعداد افراد دخیل در اقدامات مقدماتی کمتر باشد، اجرای طرح با سهولت بیشتر انجام خواهد گرفت. بنابراین با بروز و تکامل وضعیتهای اضطراری تصمیمات مربوطه نیز به طور پیوسته «مقیاس بندی» خواهد شد.

مسائل مختلف

محروم ماندن از حدود یک میلیارد دلار درآمد و روند کم کاری و اعتصابات که بخش اعظم امور

تجاری کشور را فلج کرده است بسیار پر خرج و پرهزینه بوده و بار بودجه بسیار عظیمی را بر دوش دولت ایران تحمیل می کند. پرداختهای دولتی با کندی صورت می گیرد، و طبیعی است که از این بابت خساراتی نیز متوجه جامعه آمریکایی گردد. تعداد حدود ۴۰ هزار آمریکایی در ماههای آتی به حداقل کاهش خواهد یافت. آخرین نکته مورد نظر سفیر این بود که او از نحوه پاسخگویی جامعه آمریکایی در برابر فشارها و شایعاتی که تاکنون رایج بوده احساس فخر و مباهات می کند. سپس از افراد حاضر در ملاقات سؤالاتی دریافت شد. مطالب مطروحه در این مورد به شرح زیر می باشد:

الف: نخست وزیر ازهاری قانون تشکیل دادگاههای ویژه را عنوان کرده است. این قانون بزودی برای مجازات و اثبات اتهامات افراد برجسته وضع خواهد گردید. ازهاری نسبت به این بازی شکار و شکارچی حساس شده و قصد دارد به سرعت اقدامی مؤثر به عمل آورده و راه را بر شکار ببندد و قبل از پیدایش مجدد رویدادهای ناخوشایند به حیات آن خاتمه بخشد.

ب: ذخایر ارزی ایران هنوز هم ۱۱ میلیارد دلار است، ولی آنها امکان قرض گرفتن بین المللی را به حالت تعلیق درآورده اند ولی به خاطر مسئله کاهش ارزش پول داخلی که مشکل مهمی است مجبورند این کار را مجدداً از سر بگیرند.

ج: طی برنامه ای بیسیم هایی را توزیع خواهیم کرد تا در صورت قطع رابطه تلفنی که اکنون به آن متکی هستیم، بتوانیم رابطه خود را با جامعه آمریکایی حفظ کنیم. (در اینجا سفیر بر جنبه آسیب پذیری ارتباطات آمریکایی به خاطر اتکای کامل خود بر سیستم تلفنی ایران تأکید کرد.)

د: تا مدتها در انتظار انتشار روزنامه های انگلیسی زبان نباشید و برای کسب اطلاعات دقیق به اخبار انگلیسی توجه ننمایید.

ه: گمان نمی کنیم که وضع وخیمتر از وضع حاضر بشود، لیکن در صورت بروز وضعیت اضطراری،

احتمالاً شاهد بعضی از نشانه های تشنج از جمله خرابکاری، اقدامات تروریستی پراکنده و غیره خواهیم بود. سفیر به طور مؤکد گفت ما وقوع این گونه حوادث را پیشگویی یا پیش بینی نمی کنیم ولی می گوییم که امکان آن نیز همیشه وجود دارد.

و: نقاط تجمع خاصی برای جامعه آمریکایی در نظر گرفته خواهد شد. این مسئله بسیار حساس است، بنابراین اطلاعات مربوط به آن نیز خیلی محرمانه خواهد ماند. با استفاده از معیارها، اطلاعات را توزیع کرده و موضوع عزیمت را نیز به همین ترتیب عنوان خواهیم نمود. سفیر تأکید کرد که ایران نباید شاهد آن باشد که جامعه آمریکایی او را تنها می گذارند، بلکه باید بداند که «هیچ اشکالی ندارد» که این افراد برای گذراندن دوران کریسمس به آمریکا رفته و یا برای مدتی صندلیهای خالی هواپیماهای پان آمریکن را که اخیراً پروازهای خود را از سر گرفته اند، اشغال نمایند.

ز: در مورد ثبات ریال، سفیر گفت، قیمت آن بیش از حد لزوم است و در صورتی که به آن اجازه نوسان آزاد داده شود، این میزان افزایش خواهد یافت. (مطبوعات ایران خواستار یک دلار به ازاء هر ۶۰ ریال بجای یک دلار برای ۷۰ ریال هستند چون ایران در نتیجه کاهش ارزش دلار که ارز مخصوص خرید نفتی است مقدار قابل توجهی از درآمد خود را از دست داده است.)

ح: در داخل نیروهای مسلح شاهد فقدان وفاداری نبوده ایم، با این حال، افسران ارشد در مورد وضع سربازان خود ابراز نگرانی کرده اند چون این دسته نیز از میان همان گروههای برخاسته اند که

تظاهر کنندگان عضو آنان می باشند.

ط: از تاریخ ۱۶ نوامبر آقای ناس هر بار با ۴ یا ۵ شرکت تماس خواهد گرفت و از آنها خواهد خواست که آمار خاصی چون تعداد کارمندان، آدرس ها، شماره تلفن ها، تعداد وابستگان، اطلاعاتی در مورد وسائط نقلیه و غیره را همراه خود به سفارت بیاورند. وی گفت به همین منظور یک مرکز اطلاعاتی در تمام طول هفت روز هفته مشغول کار خواهد شد تا به تلفنها و سؤلات از ساعت ۳۰/۷ صبح تا ساعت ۸ شب پاسخ بگوید.

دستورات آیت اللّه خمینی برای انجام تظاهرات ضد حکومتی در ماه محرم

سند شماره (۵)

طبقه بندی گزارش: سری هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است غیر قابل رؤت برای بیگانگان غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار پخش و اقتباس خبر تحت نظر

تهیه کننده کشور: ایران

موضوع: دستورات آیت اللّه خمینی برای انجام تظاهرات ضد حکومتی

در ماه محرم (اواخر نوامبر ۱۹۷۸ اوایل آذر ۱۳۵۷)

منبع: معتمد یک عضو بلند پایه و قدیمی تشکیلاتی برجسته در جنبش مخالفین میانه روی ایران که تماسهای مستمر و صمیمانه با رهبری این تشکیلات دارد. گزارشهای پیشین وی مستمراً تأیید شده اند.

۱ در تاریخ ۲۵ و ۲۶ نوامبر آیت اللّه خمینی دستوراتی برای حامیان و «برادران دینی» وی مبنی بر انجام تظاهرات علیه مقامات دولت ایران در خلال ماه محرم به تهران رسید. خمینی از حامیان خود خواسته است که محدودیتهای دولت نظامی بر تظاهرات، اجتماعات و راه پیمائیها را نادیده بگیرند. خمینی قصد دارد تظاهرات ضد شاه را در ماه محرم به برخوردی خشونت بار با نظامیان و نیروهای

امنیتی مبدل کند، چون که وی معتقد است این امر به سقوط قطعی شاه و سلطنت منجر خواهد شد.

۲ (اظهارنظر منبع: رهبران جبهه ملی در بحث بر سر دستورالعملهای خمینی برای تظاهرات خشونت آمیز ضد شاه به این نتیجه دست یافته اند که براساس باور خمینی ارتش از دستورات متابعت نموده و بر روی مردم آتش خواهد گشود ولی با افزایش تعداد کشته شدگان و ادامه تظاهرات در سلسله مراتب ارتش نیز انقلابی رخ داده و سقوط شاه محقق خواهد گردید.)

۳ اعلامیه های خمینی در دعوت برای خشونت در محرم در تهران و دیگر شهرها انتشار می یابد. از تظاهرکنندگان خواسته شده تا پارچه های سفید بر تن کرده و تمایل خود را به کشته شدن به دست ارتش نشان دهند. در مساجد و دیگر مکانها جلساتی تشکیل می شود تا تاریخ و محل برگزاری تظاهرات وسیع تعیین گردد.

۴ (اظهارنظر منبع: در حال حاضر هیچ کس نمی تواند با اطمینان بگوید که اکثریت ایرانیان به دستور خمینی با مایه گذاشتن از جان در تظاهرات راهپیمایی شرکت جسته و با ارتش به مقابله برخواهند خواست. ولی، به نظر می رسد که تظاهرات همه گیر علیه شاه در ماه محرم احتمالاً انجام خواهد گردید. احساسات ضدشاهی بین دانشجویان، بازاریان و دیگر عناصر «قابل تحریک» بسیار شدید بوده و اینها حتماً دستورات خمینی را اجرا خواهند نمود.)

۵ (اظهار نظر حوزه مأموریت: آنچه در ذیل می آید خلاصه ترجمه «اطلاعیه خمینی به مردم

ایران به مناسبت فرارسیدن محرم» است و پیامی می باشد که در بالا به آن اشاره شد. پیش بینی می شود که ماه محرم توأم با قهرمانی، فداکاری، و شجاعت باشد ماه محرم ماهی است که خون بر شمشیر پیروز می شود، ماه قدرت حق است. ماهی است که ظالمین به پای میز محاکمه کشیده شده و دولت شیطان مغلوب می گردد. این ماه در جهان شهرت خواهد یافت. ماهی که در آن نیرومند به وسیله کلمه حق در هم شکسته می شود. ماهی که در آن امام مسلمانان راه به قدرت رسیدن علیه ظالمان را نشان خواهد داد. ماهی که مبارزان آزادی و وطن پرستان با مشت گره کرده بر تانکها و مسلسلها پیروز خواهند شد. امام مسلمین به ما آموخته است که مستکبرین را براندازیم. زمانی که اسلام در خطر است باید متحد شده قیام کنید. دولت در دست افراد غیر مسلمان قرار گرفته تا به حفظ منافع حاکم شیطان صفت و انگل هایشان بپردازند و کشور را به نابودی بکشانند، مردم باید تمام نیرویشان را برای نابودی شاه به کار برند.

دولت نظامی نامشروع و پست است و باید از پرداخت مالیات به این رژیم ظالم امتناع ورزید؛ باید که به تظاهرکنندگان کمک کرده از کارمندان شرکت نفت بخواهید که دست به اعتصاب بزنند. آیا کارمندان نفت نمی دانند که سلاحهای خریداری شده از فروش نفت بروی برادران، همسران، مادران و کودکانشان آتش می گشاید؟ آیا آنها می دانند که شاه مقادیر معتنابهی نفت به اسرائیل می دهد تا علیه مسلمانان به کار رود؟ آیا دولت قادر هست که کارمندان نفت را مجبور به ادامه این خیانت بنماید؟

افراد مطلع می دانند که صورتی از اسامی مقامات دولتی مجرم در دست تهیه است. مقامات دولتی می دانند که اگر به حمایت از شاه علیه اسلام بپردازند در آینده ای نزدیک مجازات خواهند شد.

در ماه محرم زمانی که شمشیر به دست سربازان اسلام بیفتد، روحانیون رهبری شیعه را بدست گرفته درخت ظلم و خیانت (دولت) را از ریشه بر خواهند انداخت. تا از حکومت شیطان رهایی پیدا

کنیم.

پیروزی عظیم اسلامی و آزادی و عدالت بر جنایت و خیانت به وقوع خواهد پیوست و حکومت اسلامی تشکیل خواهد شد و موج خون در عاشورا برپا خواهد شد تا نشانه روز انتقام از جنایت و استکبار باشد.

سخنوران وظایف مقدس و جنایات رژیم را به احترام حضرت علی گوشزد خواهند کرد.

اعلامیه هایی به روستاها فرستاده خواهد شد تا جنایات شاه را افشاء کند. به آنها باید گفته شود که حکومت اسلامی طرفدار آنها و ضد سرمایه دار و زمینداران است. بنابه توصیه آمریکاییها شاه کشاورزی را از بین برده است. او کشور را به نفع سرمایه داری تضعیف کرده است. حکومت جدید از حقوق شما دفاع خواهد کرد.

جوانان مذهبی مدارس و دانشگاهها، روزنامه نگاران، کشاورزان، کارگران، بازاریان و قبایل همه برای رسیدن به اهداف اسلامی متحد شوید تا حکومت و رژیم مستکبر شاه را برانداخته و جمهوری اسلامی را بر اساس اصول پیشرفته اسلام بر قرار سازید.

جلسات عزاداری باید آزاد و بدون اجازه شهرداری و سازمانهای امنیتی برگزار گردد. باید بدون اجازه این اجتماعات را برپا کنید.

این روزها برای ایران روزهای حساسی است و شما مردم ایران را تاریخ به خاطر کارهایی که

انجام می دهید به یاد خواهد سپرد. برای شما تکلیف است که دولت را براندازید. از ملت بر علیه دشمنان اسلام دفاع کنید. خیانت پیشگان می خواهند از شاه حمایت کنند ولی سخت در اشتباه هستند. شاه باید برود و این انگلها نمی توانند او را نجات بدهند.

از تمام مردم بزرگ ایران، می خواهم که از نیروی اسلام علیه شاه و یاران ظالمش در ماه محرم استفاده کنند. بیایید برای رسیدن به اهداف مقدس، به خاطر ملت متحد شویم. به مادران و پدرانی که فرزندانشان در این راه شهید شده اند، تبریک می گویم.

انقلاب اسلامی عظیمی در ایران و دیگر کشورهای مسلمان به وقوع خواهد پیوست. آنها نمونه و سرمشق دیگر جوانان کشورهای اسلامی خواهند بود.امیدواریم که شما پرچم جمهوری اسلامی را در همه جا به اهتزاز درآورید.

این مسئولیت من از طرف خداست.»(۱)

با درود آیت اللّه روح اللّه خمینی

۶ محل دستیابی: ایران، تهران (۲۹ نوامبر ۱۹۷۸). گزارش از حوزه ماموریت به شماره ۱۵۱۹۴ NIT

۷ پخش از حوزه مأموریت: سفارت آمریکا در تهران (برای سفیر، وزیر مختار، مشاور سیاسی، وابسته دفاعی و افسر امنیت منطقه ای)، این گزارش به پاریس، دهلی نو، کابل، اسلام آباد، کراچی، مسقط آتن، ابوظبی، کویت، جده، عمان، تل آویو، قاهره، منامه، آنکارا استانبول، (مخصوص سفیر، وزیر مختار، و مشاور سیاسی) ارسال شود. این گزارش با عنوان انحصاری برای رکن دوم، رئیس ستاد ارتش آمریکا در اروپا، رئیس ستاد نیروی هوایی آمریکا در اروپا، رئیس ستاد نیروی زمینی آمریکا در اروپا، رئیس ستاد نیروی دریایی آمریکا در اروپا، فرماندهی نیروی خاورمیانه، فرماندهی

ناوگان هفتم، ریاست ستاد فرماندهی نیروی خاورمیانه، فرماندهی ناوگان هفتم، ریاست ستاد فرماندهی استراتژیک هوایی، رئیس ستاد نیروی اقیانوس آرام، COMIPAC مشاور سیاسی و نماینده نظامی ملی ایالات متحده (مخاطب: ژنرال هیگ) ارسال شود.

طبقه بندی گزارش: سری هشدار شامل منابع و شیوه های حساس اطلاعاتی است غیر قابل روت برای بیگانگان غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده می باشد.

منافع اقتصادی فرانسه در ایران

۱- بیانیه فوق ترجمه ای از متن انگلیسی تهیه شده توسط سفارت می باشد. اصل بیانیه حضرت امام در محرم در صحیفه ۱۳۵۷ ۹/ ۱/نور جلد سوم موجود می باشد

سند شماره (۶)

يادداشت مكالماطبقه بندی: محرمانه

شركت كنندگان: Serqe Deqallaix دبير اول، سفارت فرانسه كلايدی. تيلور، دبير اول سفارت آمريكا

زمان و مكان: ۳ دسامبر ۱۹۷۸ ۱۲ آذر ۱۳۵۷، رستوران ميرابل

موضوع: منافع اقتصادی فرانسه در ايران

فرانسويهای مقيم ايران

طبق برآورد آقای Deqallaix حدود ۴۵۰۰ فرانسوی در ايران اقامت دارند. وی گفت مقامات مدرسه فرانسوی LYCEE در تاريخ ۱۲ آذر ماه تصميم گرفته اند كه مدرسه را دو هفته قبل از آغاز تعطيلات كريسمس تعطيل نمايند، طبق پيش بينی وی در طول تعطيلات گروه زيادی به فرانسه مهاجرت خواهند كرد. وی گفت قبل از تعطيل LYCEEميزان ثبت نام از ۴۵۰ نفر به ۳۷۵ نفر كاهش يافته بود.

تأثيرات موجود بر تجارت فرانسه در ايران

آقای Deqallaix گفت طبق اطلاع وی تا به حال به علت مشكلات موجود در اين جا تنها يكی از شركتهای فرانسوی كه شركت بزرگی نيست كار خود را متوقف كرده است. وی گفت شنيده است كه در بازپرداخت مربوط به شركتهای فرانسوی كاهش بيشتری پديد آمده است. وی گفت بانك صادرات فرانسه يعنی كوفاس در مورد طلب خود از بانك عمران كه بيش از ۱۰۰ ميليون دلار است دچار نگرانی شده است. وی گفت اين قروض شامل سرمايه گذاريهای مشتركی است كه با شركت بنياد پهلوی و بانك عمران صورت گرفته است. وی گفت پروژه متروی تهران هنوز لغو نشده ولی ممكن است مدت زيادی به طول انجامد.

راه آهن

فرانسویها هنوز در مورد برقی کردن راه آهن با ایران قراردادی منعقد نساخته اند لیکن قرارداد مربوط به طراحی کلی و کمک فنی آنها با راه آهن دولتی ایران هنوز به قوت خود باقی است و ادامه دارد.

هسته ای

وی گفت اعتصاب در ایستگاههای راکتورهای هسته ای حدود دو هفته طول کشید و مناقشه موجود به خاطر مشخص شدن وضع پرداخت حقوق کارگران در حین اعتصاب بوده است. ارتش اعلام کرده بود که حقوق کارگران باید پرداخت شود ولی سازمان انرژی اتمی ایران آن را نپذیرفته است؛ بالاخره در این مورد توافق حاصل شد و کارگران نیمی از حقوق خود را دریافت داشتند.

آیت الله خمینی

Deqallaixگفت در مورد وضع خمینی پس از خاتمه روادید سه ماهه او در فرانسه نبایستی نگرانی

وجود داشته باشد. وی گفت او می تواند تا یک سال دیگر بماند و دولت متبوع وی خمینی را از جمله ۲۵۰۰ ایرانی دیگر مقیم فرانسه به حساب می آورد. وی گفت خمینی می تواند تا یک سال دیگر نیز در فرانسه باقی بماند.

بیوگرافی

آقای Deqallaix که با چند مسأله سیاسی و همچنین اقتصاد کلان (که این با کار دفتر بازرگانی که در محل دیگری واقع است و منحصراً با مسائل تجاری سروکار دارد، اختلاف دارد) درگیر است.

حدود دو سال و نیم است که در تهران به سر می برد. وی در پایان شهریور اینجا را ترک خواهد گفت؛ همسرش در حال حاضر اینجا را ترک گفته است. در پاریس وی سمت معاونت دوسدوی سفیر سابق فرانسه را که مسئولیت امور اجناس می باشد عهده دار خواهد شد.

اسرائیل و تحولات ایران

سند شماره (۷)

طبقه بندی: خیلی محرمانهتاریخ : ۴ ژانویه ۱۹۷۹ ۱۴ دی ۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا،تل آویوبه : وزارت خارجه، واشنگتن

موضوع : اسرائیل و تحولات ایران

۱ خلاصه: اسرائیلیها با حالت بهت زده و هراسناکی سیر فرو ریختگی ایران به اعماق را نظاره کرده اند. انتظار می رود که انقراض رژیم شاه تعصب گرایی اسلامی نوظهور را در خاورمیانه تقویت نماید که به طور مؤثر بر فروش نفت به اسرائیل تأثیر می گذارد، هشتاد هزار یهودی ایرانی را در معرض خطر قرار می دهد و سپس ثبات منطقه ای را که در پی ریزی جریان صلح خاورمیانه در سالهای آتی عامل مهمی می باشد مورد تهدید قرار خواهد داد. فقط تعداد معدودی از افراد تردید دارند که دولت

بعدی تهران رابطه اسرائیل با ایران را قطع نماید. چیزی که به تیرگی منبعث از این نگرانیها می افزاید عکس العملهای استراتژیک بیشمار ضد غربی است که یک ایران رادیکال از خود نشان خواهد داد. باور عمومی اسرائیلها، بر این قرار دارد که ایالات متحده می توانست با شدت و انرژی بیشتر و بطریقی مؤثرتر از جانب شاه وارد عمل شود و برخی نیز به ایران به عنوان مثالی (برای اسرائیل م) اشاره می کنند که در تحلیل نهایی و به این وصف اسرائیل نمی تواند متکی به واشنگتن باشد. علاوه بر این اسرائیلیها وحشت دارند که کشورهای صنعتی و خصوصاً ایالات متحده حتی از این هم بیشتر به عربستان سعودی متکی شوند و در نتیجه تمایل کمتری به اعمال فشار بر سعودیها جهت حمایت از پیمان کمپ دیوید و راه حلی معتدل برای تضاد اعراب و اسرائیل از خود نشان دهند. نگرانیها و اضطرابهایی که منبعث از تحولات ایران می باشند تغییر مشهودی در مواضع دولت اسرائیل در رابطه با معاهده با مصر ایجاد ننموده است، در اینجا نسبت به تأثیری که یک ایران رادیکال می تواند بر خاورمیانه به طور عام و اسرائیل به طور خاص داشته باشد، نگرانی زیادی وجود دارد ولی تأییدی بر این که سیاستهای دولت ایران بتواند نفوذ قابل ملاحظه ای بر سرنوشت میانه روی در منطقه داشته باشد، وجود ندارد.

۲ درست مثل همه ما، اسرائیلیها با حالت بهت زده و هراسناک سیر فروریختگی ایران به اعماق را

نظاره کرده اند. آنها معتقدند رژیم ثابت قدم، وفادار، دوست و طرفدار غرب شاه به صورت اصلاح ناپذیری از هم پاشیده شده و در انتظار جانشین پیش بینی شده اش می باشد. در برخی افراد این شبهه وجود دارد که دولت بعدی تهران به رهبری هر که باشد، به اکثر و اگر نه تمام جنبه های رابطه نزدیک و از روی دقت ایجاد شده بین ایران و اسرائیل پایان می بخشد. از نظر برخی تحلیلگران اسرائیلی فقط یک کودتای نظامی به اسرائیل توانائی می دهد تا حداقل مقداری از روابط خود را با ایران نجات دهد. با نگرشی به درون چهارچوب منطقه ای، در اینجا انتظار می رود که توفیق مخالفین اسلامی شاه به نیروهای نوظهور متعصب اسلامی در خاورمیانه قدرت ببخشد که به نوبه خود به عدم ثبات منطقه ای کمک خواهد کرد و راه رخنه افزایش یافته روسها در منطقه را می گشاید. بنابراین به تعبیر اسرائیلیها تحولات ایران تأثیرات محسوسی دربر خواهد داشت که این تأثیرات نه فقط بر روی روابط دوجانبه ایران و اسرائیل تأثیر خواهند گذارد بلکه بر ثبات منطقه ای که در پی ریزی جریان صلح خاورمیانه در سالهای آتی عامل مهمی می باشد

نیز مؤثر واقع می شوند.

۳ برای اسرائیل یک رابطه نزدیک با ایران از کیفیتی عالی و بنیادی و همچنین اهمیتی سمبلیک برخوردار می باشد. همکاری نظامی و اطلاعاتی پر اهمیتی در خلال سالیان دراز بین دو کشور ایجاد شد. شرکتهای اسرائیلی در پروژه های عمرانی و ساختمانی ایران شرکت داشته اند که با احتساب صادرات، سالیانه ۳۰۰ میلیون دلار به دست آورده اند. از نظر سمبلیک، اسرائیلی ها به رابطه نزدیکشان با ایران مسلمان به عنوان نشانه ای دال بر اینکه کشور یهودی در خاورمیانه از نظر همه مطرود محسوب نمی شود، نگریسته اند. هرچند ایران روابط دیپلماتیک با اسرائیل برقرار ننمود ولی دفاتر رابط به عنوان هیئتهای نمایندگی دیپلماتیک در همه امور عمل کردند، منتها به صورت بی نام. علاوه بر این

به زندگی امنی که ۸۰/۰۰۰ یهودی ایرانی از آن برخوردار بودند قدر و منزلت بخشیده است و این تعداد بالاترین رقم یهودیانی است که هنوز در یک کشور مسلمان زندگی می کنند.

۴ بدین جهت اسرائیلی ها با بیم و هراس فزاینده ای علائم واضحی را در خصوص مورد تهدید واقع شدن روابط دوجانبه شان با ایران مشاهده می نمایند. آنها به اظهارات بختیار نخست وزیر معرفی شده در این خصوص که اسرائیل در آینده از ایران نفت خام دریافت نخواهد کرد اشاره می کنند. هرچند این تحول که انتظار می رفت مسئله مبرمی را برای اسرائیل ایجاد می نماید ولی دولت اسرائیل مشتاق پناه آوردن به تعهد سال ۱۹۷۵ ایالات متحده در شبه جزیره سینا در خصوص تأمین اسرائیل با نفت ایالات متحده تا زمانی که راههای چاره دیگر به خوبی مورد بررسی قرار گیرند، نمی باشد. نه تنها پیش بینی اتکای بیشتر به واشنگتن در اینجا شبهات و تردیدهایی را ایجاد می نماید، بلکه خرید نفت ایالات متحده خیلی گران تمام خواهد شد و بنابراین اگر امکان آن وجود داشته باشد بایستی از آن اجتناب ورزیده شود.

۵ چیزی که به تیرگی منبعث از این نگرانی ها می افزاید، عکس العملهای استراتژیک بی شمار ضدغربی است که یک ایران رادیکال از خود نشان خواهد داد. نه تنها یک تولید کننده مهم نفتی با یک تلاطم از جبهه غرب خارج می شود بلکه موضع ایالات متحده در قسمت شمالی هرچه بیشتر در معرض از هم پاشیدگی قرار می گیرد و احتمالاً به نفوذ شوروی افزوده می شود. علاوه بر این چون که

به نظر نمی رسد مخالفین مسلمان شاه قادر به استقرار یک رژیم جانشین با ثبات باشند، اسرائیلیها معتقدند ایران برای یک دوران طولانی در آشوب به سر خواهد برد. دولت بعدی ممکن است یک دولت تندرو نباشد، ولی قوی هم نخواهد بود. علی رغم به رسمیت شناختن نیروهای انقلابی در حال فعالیت در ایران از طرف اسرائیلیها، آنان معتقدند که ایالات متحده می توانست با انرژی و شدت بیشتر و به طرز مؤثرتری به یکی از متحدان همیشگی و ثابت قدم آنان یاری دهد. آن اسرائیلیهایی که نسبت به ارزش تعهدات ایالات متحده مشکوک می باشند، به صورت بی تجانسی به ایران به عنوان مثالی (برای اسرائیل م) در این خصوص که اسرائیل در تحلیل نهایی نمی تواند متکی به واشنگتن باشد، اشاره می نمایند.

۶ با نگرشی وسیعتر اسرائیلیها از این وحشت دارند که تا زمانی که در تولید نفت ایران به میزان زیادی کاهش وجود دارد، کشورهای صنعتی حتی ممکن است از این هم بیشتر به عربستان سعودی متکی شوند. در اینجا به ایالات متحده این طور نگریسته می شود که برای اعمال فشار به عربستان جهت حمایت از پیمان کمپ دیوید و راه حلی معتدل برای تضادهای اعراب و اسرائیل تمایل کمتری خواهد داشت. علاوه بر این در این حال که سعودیها کنترل را از همیشه بیشتر در اختیار دارند، سادات نیز جای کمتری برای مانور در مذاکرات صلح از زمان حاضر خواهد داشت.

۷ اسرائیلیها با در نظر گرفتن این مطلب یکبار دیگر بر جدل همیشگی خود در این خصوص که عربستان سعودی برای آمریکا یک حامی غیر قابل اتکاء می باشد، اصرار می ورزند. دید اسرائیلیها از عربستان سعودی به این صورت است که آن را ذاتاً درست مثل رژیم شاه در مقابل موجی از تعصب گرایی اسلامی ضربه پذیر می دانند. اعتقاد بر این است که سیر سریع نوسازی و تغییر و تحول در عربستان سعودی زمینه ای آماده برای نفوذ فزاینده عناصر مذهبی افراطی در خاندان سلطنتی و سنتی

برای ظهور یک قذافی، قذافی سعودی فراهم می آورد.

۸ نگرانیها و اضطرابهایی که بواسطه تحولات ایران ایجاد شده اند هنوز تغییر مشهودی در مواضع دولت اسرائیل در رابطه با معاهده با مصر ایجاد ننموده اند و ماهم فکر نمی کنیم که ایجاد نمایند. مسائل باقیمانده در عهدنامه محدود هستند و هیچ نشانه ای وجود ندارد که وقایع ایران بتوانند در آنها رسوخ نمایند. فی الواقع، می توان به طور منطقی به این نتیجه رسید که انقراض یکی از رژیمهای میانه رو در منطقه، اسرائیلیها را به فکر عاقبت خود با مصر در وحله اول و متعاقباً با عربستان سعودی انداخته و بنابراین با حداکثر سرعت ممکنه به سمت پایان بخشیدن به کار معاهده حرکت می نمایند. ولی متأسفانه آن آینده نگری استراتژیک در اینجا تقریباً به طور کامل وجود ندارد. برخی افراد از جمله دایان وزیر امورخارجه رژیم سادات را بالقوه و به همان اندازه در مقابل همان نیروهایی که به نظر می رسد تقریباً شاه را ساقط کرده باشند، ضربه پذیر می داند. آنها نسبت به واگذاری منطقه استراتژیک و چاههای نفت در مقابل یک پیمان صلح با رژیم بالقوه ضربه پذیر مصر فقط محتاط تر شده اند. چیزی که ما به طور کلی در اینجا شاهد آن هستیم یک اضطراب عمیق در مورد تأثیری می باشد که یک ایران رادیکال می تواند بر خاورمیانه به طور اعم و اسرائیل به طور اخص داشته باشد، ولی تأییدی بر اینکه سیاستهای دولت ایران بتواند نفوذ قابل ملاحظه ای بر سرنوشت میانه روی در منطقه داشته باشد وجود ندارد.

پیش بینی دورنمای تیره برای ایران

سند شماره (۸)

از : کنسولگری آمریکا در اصفهانبه : وزارت خارجه آمریکا

طبقه بندی : خیلی محرمانهتاریخ : ۶ ژانویه ۱۹۷۹ ۱۶ دی ۱۳۵۷

موضوع : پیش بینی دورنمای تیره برای ایران

خلاصه: یک دولت غیر نظامی اداره امور را در ایران به دست خواهد گرفت و با مشکلاتی روبرو خواهد شد که قادر است خوش شانس ترین و محبوبترین سیاستمداران را به ورطه شکست بکشاند؛ حال آن که به نظر نمی رسد چنین دولتی دارای چنان سیاستمداران خوش شانس و مجربی باشد. امیدوار کننده ترین دورنمایی که می توان برای آن متصور شد این است که دولت بتواند به صورتی متزلزل و آماده جنگ در مصدر امور باقی بماند تا منجر به برگزاری انتخابات اوایل تابستان گردد. عدم موفقیت و شکست آن محتملتر است که خود منجر به تجدید و تشدید بحران خواهد شد. به هرحال، برای فردفرد آمریکاییان، آینده خالی از خطر نخواهد بود. (پایان خلاصه)

نقطه نظرات اصفهانیها در مورد دولت بختیار

با پخش شایعات مبنی بر روی کار آمدن دولت بختیار، درصدد برآمدم تا از نقطه نظرات اصفهانیها در مورد امکان موفقیت وی مطلع شوم. اکثر پاسخ دهندگان اظهار داشتند که اگر بختیار بتواند حمایت خمینی را نسبت به خود جلب کند و (مهمتر از همه) موجبات خروج شاه را فراهم سازد و افراد ذیصلاح و عاری از انتقاد را به عنوان اعضای کابینه گردآورد، آنها با او مخالفت نخواهند کرد و او از شانس موفقیت نیز برخوردار خواهد شد. در میان تمام کسانی که من با آنها صحبت کردم هیچ کس نبود که از شنیدن نام وی هیجان زده شود ولی هیچ کس از او ناراضی و ناراحت نیز نبود. آنها می گفتند که احتمالاً وی بیش از هر یک از دیگر افراد موجود در جناح مخالف که در گذشته از آنها ذکری به

میان آمده مورد قبول ارتش واقع خواهد شد و احتمالاً جبهه ملی نیز وی را قبول خواهد کرد. آنهایی که تحصیلکرده تر بودند می گفتند که صلاحیت و عدم مشارکت در صحنه عمومی کشور طی بیست سال گذشته یا اندی (که هر دو لازم و ملزوم خالی از انتقاد بودن است) به احتمال بسیار ترکیب درستی نخواهد بود و دیگر اینکه بختیار چاره ای ندارد جز اینکه بین صلاحیت و حمایت یکی را برگزیند. از آنجا که ایران کنونی با مشکلاتی روبروست که دولتهای پیشین را سرنگون ساخته و ناآرامیها و اعتصابات شش ماه گذشته نیز به آنها افزوده شده. بعید است که وی بتواند کابینه ای را که از نظر عملکرد کارایی داشته باشد روی کار آورد و احتمالاً اولین قربانی دوران بعد از شاه خود او خواهد بود. ممکن است در نتیجه مانورهای آخرین لحظات بتوان فرد دیگری را جانشین بختیار نمود. ولی، هر دولت غیر نظامی که در این زمان روی کار آید با همان محدودیتها و مشکلات بختیار روبرو خواهد بود؛ بنابراین آنچه در ذیل گفته می شود مشکلاتی است که در خدمت نخست وزیر جدید خواهد بود و نام وی در این موضوع تغییری ایجاد نمی کند.

مشکلاتی که دولت با آنها روبروست

دولت جدید باید در ابتدای امر با ظرافت و زرنگی خاصی تعادل خود را حفظ کند. در ابتدا باید

ثابت کند که مورد قبول شاه است وگرنه منصوب نخواهد شد، ولی اگر میزان تأیید آن توسط شاه بیش از حد لازم باشد، مخالفین آن را نخواهند پذیرفت. این دولت باید مورد تأیید پارلمان که تقریباً نماینده مردم است نیز قرار گیرد. لیکن از آنجا که خود پارلمان نیز حاوی اعضایی است که در نظر ناراضیان مقبول نمی افتند، (و آن را تشکیلاتی می دانند که آلت دست شاه می باشد) باید بتواند از پارلمان فاصله بگیرد. این دولت باید مورد قبول کارگران اعتصابی واقع شود، تا آنها نیز به سر کارهای خویش باز گردند، ولی باید از وعده های دولت قبلی در مورد افزایش دستمزدها فاصله بگیرد تا بتواند با تورم برخورد کند.

اولین مسئله ای که دولت با آن روبرو خواهد شد عبارت است از: خروج شاه؛ ضرورت مورد قبول واقع شدن و سازمان مقاومت مرکب از گروههای مخالف در حال رقابت با یکدیگر. احتمالاً شاه زمان عزیمت خویش را به تعویق خواهد انداخت تا از ثبات حکومت جدید اطمینان حاصل کند. اما اگر در تعیین موعد مقرر برای این کار مهارت لازم را به خرج ندهد، تأخیر وی سبب می شود که دولت بختیار نیز در انظار مردم مانند یکی دیگر از دولتهای دست نشانده شاه به شمار آید و در نهایت مورد قبول مردم واقع نشود.

ولی پس از پذیرفته شدن، این دولت باید با عامل انتقامجویی سروکار پیدا کند. در اصفهان لیستهای حاوی بیش از ۱۰۰ اسم تهیه شده که می بایست به «مرگ» محکوم شوند و شمار کثیر دیگری نیز هست که برای آنها «کیفر» (نامشخص) و یا حبس در نظر گرفته شده است. این لیستها که به وسیله جناح مخالف محلی تهیه شده، ظاهراً حامل اسامی آن دسته از پرسنل ساواک که دستور قتل ناراضیان را صادر کرده و یا عامل کشتار آنها بوده اند و علاوه بر این در برگیرنده اسامی افرادی از بخش خصوصی و دولتی است که سودجو و فاسد تلقی شده اند. اسامی موجود در این گونه لیستها به نسبت

تهیه کنندگان آنها تغییر می کند و می گویند بسیاری از اسامی تنها به منظور تسویه حسابهای قدیمی و شخصی در آنها گنجانده شده است. ظاهراً در تمام شهرها و شهرکهای ایران این گونه فهرستها تهیه شده است. در اصفهان تعدادی از کسانی که نامشان در زمره محکومین به مرگ آمده بود، به قتل رسیده اند. دولت جدید باید در جهت ارضای این حس انتقامجویی و در عین حال حضور عدالت و دادگستری گام بردارد. علاوه بر این، تعداد اسامی مقامات ارتشی و امنیتی در این گونه لیستها آن قدر زیاد است که ارتش در برابر هیچ چیز مگر یک فداکاری رسمی تاب مقاومت نخواهد داشت. ولی اگر گروههای مردمی با اقدامات دولت راضی نشوند ممکن است خود وارد معرکه شوند و ساواک و ارتش نیز به دفاع از خود اقدام کند که به احتمال بسیار درگیری خونین به وقوع خواهد پیوست. به مفهوم وسیعتر، دولت باید راهی برای برقراری نظم بیابد، در حالی که با دسته هایی از جوانان سرسخت روبرو خواهد شد که به خشونتهای دسته جمعی عادت داشته و از آن لذّت می برند و در عین حال به فعالیتهای خود نیز ادامه می دهند. به هر حال باید یک موازنه ظریف برقرار شود زیرا اگر چیزی شبیه حکومت نظامی یا استبدادی حاکم شود کلّ جمعیت بار دیگر قیام خواهد نمود.

مسئله مهمتر، اقتصاد خواهد بود. دولت باید کارگران را به سرکارهایشان بازگرداند و در عین حال از آنها و نیز از کل کشور بخواهد که فداکاری کرده و به کمبودها و احتمالاً قیمتهای بالا تن در دهند. به کارگران وعده افزایش دستمزدهایی داده شده که خارج از استطاعت کشور است و هزینه بازگرداندن

اقتصاد کشور به وضعیت عادی نیز سرسام آور و نجومی می باشد. کارگرانی که زمانی به خاطر افزایش دستمزدهایشان به میزان بین ۵۰ الی ۱۲۵ درصد دست از کار کشیده بودند آیا اکنون با دریافت دستمزدهای قدیمی حاضر به از سرگرفتن کار خود می باشند؟ کاپیتالیستها و سرمایه داران و کسانی که سرمایه هایی را تحت کنترل خویش دارند که طی شش ماه گذشته از کشور خارج شده، اقدامات دولت را به دقّت زیر نظر خواهند گرفت. اگر آنها دریابند که سیاستهای دولت طوری طراحی شده که منجر به خشنودی کارگران و پیدایش طورّم و عقب افتادگی اقتصادی می شود، از به خطر انداختن سرمایه های خویش امتناع خواهند ورزید. میزان بی کاری در حال حاضر زیاد است و افزایش نیز خواهد یافت. مگر آنکه تجار و بازرگانان حاضر شوند در اقتصاد کشور مشارکت نمایند. جامعه تجاری کشور از نظر جریان نقدینگی در وضعیّت بحرانی است. آن دسته از کارخانجاتی که به کار خود ادامه داده اند. نیز تمام اعتبارات بانکی موجود در اختیار خویش را مصرف کرده و اکنون اقدام به استفاده از ذخایر (به خصوص سوخت) کرده و ذخایر عظیمی از کالاهای فروخته نشده را در اختیار داشته ولی پولی ندارند. بازاریها نیز که برای مدتی حدود دو ماه کارشان را تعطیل کرده بودند از نظر پولی وضع خوبی ندارند و مشتریانی نیز که قیمتهای منفعت باری را می پردازند ولی از نظر دریافت دستمزد وضع مشخصی ندارند، کم پول هستند. بالاخره از نقطه ای باید به مقدار عظیمی پول نقد یا اعتبار برای به راه افتادن چرخهای اقتصاد، به این کشور تزریق شود و این کار باید برای یک مدت زمان طولانی انجام شود، زیرا در این جا معاملات معمولاً بر اساس صورت حسابهای قابل پرداخت در مدت ۱۲۰ روز صورت می گیرد. اگر جلو فرار سرمایه گرفته نشود تا بتوان آنرا در جامعه به کار برد، تولید پول جدید، تورّمی عظیم را پدیدار ساخته و عامل پیدایش یک بحران جدید اقتصادی و سیاسی خواهد شد.

سناریو برای موفقیّت (محدود)

به نظر نمی رسد که چنین دولت بی تجربه ای بتواند بر مشکلات فوق الذکر فایق آید. ولی یک سناریو وجود دارد که می تواند موفّقیت محدود آن را به همراه داشته باشد: این سناریو منعکس کننده نظریات فعالین جبهه ملی در اصفهان است. در این سناریو فرض بر این است که با رسیدن مخالفت خمینی / جبهه ملی با بختیار به اوج خود، شاه ایران را ترک می گوید که خود سبب فروکش کردن جنبشها و تظاهرات در نتیجه شادی ناشی از این موفّقیت می گردد. به این ترتیب تمام کارگران به سرکارهایشان برمی گردند چون از این قضیه خوشحالند و از دستمزدها هیچ سخنی به میان نمی آورند. خمینی نیز میزان نفوذ خویش را از دست می دهد، چون او خواستار برگزاری تظاهرات می شود در حالی که مردم، دیگر خسته شده اند. دولت چند محاکمه مهمّ ظاهری را ترتیب خواهد داد و به نحوی فهرستهای متعددی حاوی اسامی کسانی که باید از آنها انتقام گرفته شود مورد «تأیید» قرار می دهد؛ بدون اینکه در مورد آنها اقدامی به عمل آورد و سعی می کند که توجه مردم را به محاکمات مهم معطوف دارد و شعار «تعقیب بی وقفه» تمام تبهکاران را نیز سر دهد در همان حال زمانی که دولت دریافت که اشخاصی مهم از ایران گریخته اند اقدام به ضبط و توقیف اموال آنها در ایران خواهد نمود. از آنجا که تنبیه زیر دستان پس از فرار کلّه گنده ها منصفانه نیست، دولت چند نفر را به صورت نمایشی دستگیر می کند. از آن پس نیز هر کارگری در اعتراض به عدم افزایش دستمزدها اقدام به برگزاری

اعتصاب یا تظاهرات نماید، مانند شاه، به عنوان فردی سودجو مورد انتقاد قرار خواهد گرفت و در نهایت با دهان بسته به کار خویش بازگردانده خواهد شد. کابینه دائماً تغییر خواهد یافت و نمایندگانی از جبهه ملی و دیگر جناحهای غربی مخالف را جذب و آنها را رودرروی یکدیگر قرار خواهد داد و وزرا را به اتهام ناتوانی در برخورد با مسائل اخراج خواهد کرد و بدین ترتیب تقصیر را متوجه دیگری ساخته و فرصت بیشتری را برای خود پدید می آورد. توجّه زیادی به انتخابات آتی خواهد شد و چند کمیته مرکب از چهره های مخالف منصوب و تأخیرهای جزئی نیز ایجاد خواهد شد تا مردم در حالت اضطراب و انتظار باقی بمانند. خود دولت نیز در مبارزات انتخاباتی نقش عمده ای را ایفا خواهد نمود و مشکلات کشور را بسیار جدی عنوان خواهد کرد. و از نامزدهای انتخاباتی خواهد خواست که به مسایل بپردازند و شخصیتها را مورد خطاب قرار ندهند. بدین ترتیب جناح مخالف مجبور است دائماً مراقب انتخابات باشد و بنابراین نخواهد توانست علیه بختیار جبهه متحدی را تشکیل دهد. اقتصاد به چرخش در خواهد آمد در حالی که دولت دائماً خواستار فداکاری بیشتر خواهد شد تا ایران متعلق به ایرانیان شود. بالاخره و شاید مهمتر از همه، دولت توجّه خود را به یک دشمن جدید معطوف خواهد ساخت که این دشمن شاید خارجی و به احتمال زیاد آمریکا باشد. آنها متهم خواهند شد که به عنوان آخرین حربه خویش در حمایت از شاه پروژه های لازم الاجرا را به طرز خائنانه ای به حال خود رها کرده و در همان حال سعی کرده اند در حال ماندن و یا ترک کشور از اقتصاد استوار بر تقاضا و سود کشور سوءاستفاده کنند. از جمله اقدامات تأدیبی نمایشی که در مورد خارجیهایی که بدون وجود کار و یا اجازه اقامت و یا برخلاف سایر مقررات و قوانین ایران هنوز به کار خود ادامه می دهند می توان از اخراج آنها نام برد که با جار و جنجال نیز توأم باشد. در این سناریو جایی دیگری برای مانور باقی نمی ماند، امّا اگر تمام عناصر لازم در مکانهای بایسته خویش قرار گیرند، دولت بختیار خواهد توانست

تا زمان برگزاری انتخابات و شاید بعد از آن روی کار باقی بماند که اینها همه به میزان تفرقه میان جناح مخالف بستگی دارد.

تأثیر آنچه که گفته شد بر آمریکا و آمریکاییان

اگر دولت بختیار سقوط کند، محتمل ترین نتیجه آن روی کار آمدن رژیمی استبدادی یا به وسیله یک کودتای نظامی یا جناح راست رادیکال که (خمینی را به قدرت برساند) یا حرکت جناح چپ (که به نظر نمی رسد با آمریکا برخوردی دوستانه داشته باشد) خواهد بود. یک کودتای نظامی در عین حال که ممکن است موفقیت آمیز باشد و با آمریکا برخوردی دوستانه داشته باشد، مدت زیادی دوام نخواهد آورد، زیرا مردم نحوه مبارزه با ارتش را آموخته اند یعنی به جای اعمال خشونت مستقیم به نافرمانی و اعمال فشار اقتصادی می پردازند و شواهد موجود حاکی از آن نیست که ارتش توانسته است پاسخ صحیح مربوط به این گونه رفتارها را بیابد. موفقیت آن نیز بستگی به پیروی از یکی از دو جناح راست یا چپ رادیکال دارد. دولت خمینی، در صورت روی کار آمدن اصولاً ضد آمریکایی و خارجی خواهد بود و پس از مدت کوتاهی به خاطر عدم شایستگی و صلاحیت و کارایی خویش از بین خواهد رفت. دولت جناح چپ تندرو نیز در صورت روی کار آمدن مانند آنچه که در افغانستان است، احتمالاً در روابط خویش با آمریکا رویه درستی را در پیش خواهد گرفت. لیکن مجبور خواهد

شد شدیدا به حمایت شوروی متکی بشود و به سرعت گرفتار منازعات داخلی با جناح راست مذهبی گردد که این وضعیت نیز با وضع موجود در افغانستان شباهت بسیار دارد. هریک از نتایج فوق سبب از هم پاشیدن بنیه اقتصادی ایران، فزونی گرفتن گروه بندیها و درگیریها و در نهایت از دست رفتن ایران به عنوان یکی از همپیمانان آمریکا خواهد شد.

از طرف دیگر موفقیت بختیار ممکن است حداقل در کوتاه مدت برای آمریکاییهای مقیم ایران و یا حداقل اصفهان آبستن خطرات جدی باشد. احساسات ضد آمریکایی و ضد خارجی توأم با خشونت رو به فزونی، در این جا به قوت خود باقی است. اگر دولتی که در تهران امور را به دست می گیرد انتقامجویی علیه ساواکیها و شخصیتهای امنیتی را محدود کرده و یک موضع ضد آمریکایی اتخاذ کند، میزان رویدادهای خشونت آمیز علیه آمریکاییان افزایش یافته و اگر خشونتها در سطوح بالای کنونی ادامه یابد نتایج آنها وارد آمدن جراحات جدی و یا مرگ خواهد بود. چنین به نظر می رسد که آنچه که به نفع آمریکاست به ضرر فرد فرد آمریکاییان مقیم اینجا است و ایجاب می کند که حضور آمریکاییان حداقل برای مدت چند ماه کاهش قابل ملاحظه ای پیدا کند.مک گافی

بیانیهساندرز معاون وزیر امور خارجه

سند شماره (۹)

طبقه بندی : خیلی محرمانهتاریخ : ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹ ۲۷ دی ۱۳۵۷

از : وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.به : سفارت آمریکا در امان فوری

موضوع : بیانیه ساندرز معاون وزیر امورخارجه

آنچه در ذیل می آید متن بیاناتی است که ساندرز معاون وزیر امورخارجه در روز چهارشنبه در ساعت ۱۰ صبح در برابر کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان ایراد خواهد کرد. لطفاً توجه داشته

باشید که تا قبل از انتشار این مطالب در برابر کمیته متن بیانیه نباید در اختیار عموم قرار گیرد.

وضع حاضر در ایران و تأثیرات آن

آغاز متن

مقدمه

در این جلسه فرصتی پدید آمده تا به اتفاق یکدیگر مروری داشته باشیم بر وضع کنونی ایران و

بعضی از تأثیرات آن بر آینده سیاست آمریکا در قبال ایران و خاورمیانه

پیشنهاد می کنم که در مقدمه مطلب سؤلات زیر، مورد بحث و تبادل نظر واقع شوند:

منافع و نقش آمریکا در ایران چه بوده است؟

وضع کنونی چیست و چگونه پدید آمد؟

تأثیر این رویدادها در ایران بر اوضاع منطقه و جهان چگونه است؟

آمریکا در قبال این وضع چه موضعی را اتخاذ کرده است؟

در پیش رو چه داریم؟

به طور خلاصه در مورد نکات ذیل صحبت خواهم کرد:

آمریکا مانند تمام دولتهای سابق این کشور از زمان جنگ جهانی دوم نسبت به ایرانی آزاد، با

ثبات و مستقل، خود را متعهد می داند. استقلال ایران برای حراست از آزادی ملل دیگر در خاورمیانه حیاتی است. پنجاه درصد نفت، مصرفی جهان آزاد از طریق تنگه هرمز در قسمت جنوبی ایران عبور می کند.

ایران مانند کشورهای دیگری که به سرعت پیشرفت کرده اند طی دو دهه گذشته دستخوش تغییراتی سریع و بنیادین شده است که عبارتند از عمران اقتصادی، تغییرات اجتماعی گسترده و تقاضا برای مشارکت بیشتر مردم در اتخاذ تصمیماتی که بر حیات و آینده ایران تأثیر بسیار دارد. در مسیر این نوگرایی بسیار سریع، پیشرفت اقتصادی فراتر از گسترش نهادهای سیاسی بوده است. بعضی از ایرانیها معتقدند که نقش سنتی آنها و اعتقادات مذهبی شان بواسطه این پیشرفتها و نیز رواج فرهنگی بیگانه مورد تهدید و در معرض خطر واقع شده است. در حال حاضر بسیاری خواستار مشارکت بیشتر در زمینه قدرت سیاسی و نیز منافع اقتصادی می باشند. این هسته اصلی مشکل کنونی ایران است.

در طول سه دهه گذشته سیاست ما بر همکاری با ایران و دیگر کشورهایی که دستخوش همین تغییرات شده اند، بوده است تا راه حلهای سازنده ای برای مشکلات آنها یافته شود، ثباتی نوین صحنه های تغییر را پشت سر بگذارد و در نهایت موجبات حراست و حفاظت از استقلال آنها پدید آید. نظر اکثر ما این است که هیچ نیروی خارجی حق ندارد مسیر پیشرفت ایران را دیکته کرده، از بی ثباتی آن برای نیل به اهداف خود سود جسته و یا درصدد کنترل این منطقه باشد. هر کشوری حق دارد آزادانه و به دور از مداخله خارجی آینده خود را تعیین کند.

تمام منطقه آسیای غربی دستخوش رشد و تغییر شده است. تغییر، مولد فرصتها و نیز بی ثباتی و بحران است. ولی باید دید که چگونه می توان تغییر را منجر به پیدایش ثبات و قدرت نمود. موضع ما در این منطقه توأم با قدرت است. اکثر کشورهای منطقه از اهداف ما برای این منطقه یعنی امنیت و

استقلال ملی هر کشور و ایجاد فرصتی برای اینکه بتوانند با شیوه های خود سطح زندگی ملتشان را بهبود بخشند، پیروی می کند. از آنجایی که ما نیز درصدد تحقق همین اهداف بوده و سلطه طلب نیستیم، معتقدیم برای اینکه ملل منطقه بتوانند آینده خود را ترسیم کنند در آینده نیز مانند گذشته به کمک آمریکا نیاز خواهد بود. با حکومتهای موجود در منطقه و نقاط دیگر جهان که منافعشان بواسطه اوضاعی مشابه تحت تأثیر واقع شده در تماسی نزدیک هستیم.

منافع و نقش آمریکا

منافع آمریکا در ایران در طول عمر نسل گذشته به قوت خود پا برجا مانده است.

به خاطر اهمیت ایران از نظر امنیت منطقه خلیج، آینده خاورمیانه و تولید نفت، ما به ایرانی آزاد، با ثبات و مستقل شدیداً علاقه مند هستیم. ما از زبان جنگ جهانی دوم مصرانه و فعالانه در پی تحقق این هدف بوده ایم.

با همکاری در محدوده تعیین شده توسط دولت ایران در زمینه علائق مشترک، به دو طریق به ایران کمک کرده ایم تا بنیه اقتصادی خود را تقویت کند:

(۱) ما در روند نوسازی ایران اولاً از طریق کمکهای عمرانی و ثانیاً از طریق همکاری شرکتهای خصوصی آمریکایی مشارکت داشته ایم.

(۲) شرکتهای آمریکایی و غربی در زمینه تولید و بازاریابی نفت ایران شرکت داشته و به این وسیله درآمدهایی را تأمین کرده اند که محرک اصلی عمران اقتصادی ایران بوده است.

همان گونه که در مورد دولتهای دارای قدرت تمرکز یافته و نیز کشورهایی که در آنها منافع اقتصادی و استراتژیک در گرو بسیاری مسائل دیگر است، صادق می باشد، توان ما در حفظ تماس با تمام عناصر جامعه و مطبوعات جهت پدید آوردن تغییرات مؤثر و سازنده بسیار محدود بوده است.

زمانی که شاهد فشارهای اجتماعی و سیاسی در جامعه بودیم توجه مقامات را نسبت به آنها جلب می کردیم، ولی سرعت پیشرفتها و رویدادها توسط دولت و شرایط حاکمه بر ایران تعیین شده بود.

علاوه بر این ما به درخواست ایران مبنی بر کمک به نوسازی نیروهای مسلح آن که در دفاع ایران نقش مهمی را ایفا کرده و می کند پاسخ داده ایم. پس از خروج بریتانیا از خلیج فارس در سال ۱۹۷۱، ما کشورهای منطقه را در زمینه تقویت بنیه امنیتی آنها دعوت به همکاری کرده ایم. برای جبران خلأ ناشی از کناره گیری انگلستان نیز رابطه کمک امنیتی مختصر خود را پدید آوردیم. نیروهای مسلح ایران علاوه بر یاری رسانیدن به عمان در دفاع از خود علیه شورشیان در حراست از غرب به منظور دسترسی داشتن به عرضه کنندگان نفتی مثمر ثمر بوده اند.

علاوه بر این ما ایران را به همکاری در زمینه پیشرفت اقتصادی و ثبات جهان نیز ترغیب نموده ایم.

ایران تا همین اواخر نه تنها با تولید نفت جهت تأمین انرژی مورد نیاز جهان بلکه با ارائه کمکهای عمده خود به کشورهای دیگر، سرمایه گذاری در کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت و ایفای نقشی مهم در صحنه اقتصادی جهان، کمکهای شایان توجهی کرده است.

در دیپلماسی بین المللی، ایران مساعدتهای بسیار ثمر بخشی داشته است: حراست از صلح در ویتنام و خاورمیانه، حمایت از راه حلهای توأم با میانه روی در برابر مسائل آفریقا و نقاط دیگر، و

تلاش برای حل اختلافات دیرین با همسایگان خود از آن مقوله اند.

در نتیجه منافع دیگرمان در ایران، به رویدادها و ثبات داخلی ایران نیز در آینده نیز مانند گذشته به حقوق ایرانیها در تعیین سرنوشت آتی خود احترام بگذاریم.

چگونگی پدیدار شدن وضع حاضر

برای پی بردن به ماهیت وضع کنونی باید چگونگی پدیدار شدن آن را مورد بررسی قرار دهیم.

نوسازی

پس از جنگ جهانی دوم ایران بسیاری از فشارها و بحرانهای داخلی ناشی از نوسازی را که موجب بی ثباتی کشورهای دیگر بوده اند تجربه کرده است. بعضی از این بحرانها آشنا هستند؛ مانند رشد سریع جمعیت، گرایش مردم از روستانشینی به شهرنشینی، کثرت دانشجویان و کارگران بیکار یا کم کار و مسائل متعدد دیگری که در کشوری با ملیتهای گوناگون و در حرکت به سوی عمران و پیشرفت در چند جبهه به طور قرینه وجود دارد.

در ایران نکته حائز اهمیت از جدایی و بیگانگی رو به افزایش بین رهبران و سود برندگان از روند نوسازی با دیگرانی است که موضع اجتماعی آنها و نیز اعتقادات عمیقاً مذهبیشان توسط این روند

تهدید می گردد.

انقلاب سفید

۶۳ ۱۹۶۲. در دهه ۱۹۶۰ رهبران ایران از افزایش نارضایتیها مطلع گشته و دریافتند که باید اصلاحات گسترده تری را در بعدی وسیعتر پدید آورند تا در نظامی غیر استبدادی از نظر سیاسی پاسخگوی نیاز همگان باشد. به منظور کانالیزه کردن این فشارها در جهت به وجود آوردن تغییرات سازنده به جای دیگر تغییرات انقلابی، دولت ایران یک برنامه اصلاحی و عمرانی انقلابی را آغاز کرده که از بالا به صورت پیش نویس تحمیل شده بود. این انقلاب سفید، نوسازی اقتصادی و اجتماعی را مورد توجه قرار داده و شاه نیز مهمترین عامل در این روند اصلاحی به شمار می آمد.

برنامه اصلاحی متأثر از درآمدهای رو به افزایش در سالهای ۱۹۶۰ سریعاً منجر به تغیرات دور از تصور گردید و زندگی بسیاری از شهروندان را بهبود و وضع بسیاری دیگر را به وخامت کشانید. به طور مثال تقسیم مجدد اراضی قدرت زمینداران بزرگ و نیز روحانیون را تضعیف نمود، چون منبع درآمد مستقل آنان را از بین می برد و وابستگی آنها را به اعانات خصوصی افزایش می داد. بعد جاه طلبی برنامه عمرانی نخبگان جدیدی را پدیدار کرد و آنان را مأمور برنامه ریزی و اجرای برنامه ها ساخت، لیکن این برنامه ها طرح ریزی و اجرا می شد بدون این که آرای عمومی در نظر گرفته شود. در همان حال که علائق تجار بازاری و دیگر عناصر سنت گرا نادیده گرفته می شد، گسترش بخش خصوصی موجب پیدایش طبقه جدیدی از سرمایه گذاران گردید. فرصتهای موجود در زمینه آموزش و پرورش افزایش یافت، لیکن محدودیتهای جاری موجب محدود شدن مشارکت تحصیلکردگان جدید در روند سیاسی می شد و میزان آموزش دیدگان بیش از کسانی بود که در پستهای جالب توجه به استخدام در می آمدند.

اعتماد و رشد: ۷۶ ۱۹۶۳

پیشرفتهای اقتصادی ناشی از انقلاب سفید فقدان پیشرفتهای مشابه در نظام سیاسی را تحت الشعاع قرار داده بود. در سال ۱۹۷۶، اکثر ناظران صحنه ایران بر این عقیده بودند که نحوه برخورد ایران با روند مدرن سازی پیشرفتهای عمده ای را به دنبال داشته است.

در نتیجه برنامه اصلاحی، ایران در حال تبدیل به یک قدرت مدرن اقتصادی بود و آینده آن درخشان به نظر می آمد. چنین به نظر می رسید که درآمدهای سریعاً رو به افزایش نفتی کامیابی اقتصادی کشور را تضمین کرده است. تا سال ۱۹۷۶ پیشرفتها قابل توجه بود، ولی پیشرفتهای اقتصادی و سیاسی با سرعتهای بسیار متفاوت راههای جداگانه ای را در پیش گرفته بودند.

مشکلات و فشارها: ۱۹۷۸ ۱۹۷۶

پیشرفت جدید سبب مخفی ماندن مشکلات ناشی از تمرکز قدرت سیاسی در راس هرم دولت و فقدان کارایی و سیاست در سطوح بالا، بی احترامی به احساسات مذهبی مردم، عدم موازنه بین درآمدها و هزینه ها، کمبود برنامه ریزی، اجرای پروژه های جاه طلبانه، بیکاری روز افزون در شهرها با

فروکش کردن کارهای ساختمانی، فرصتهای شغلی غیر ممکن برای دانشجویانی که هر ساله فارغ التحصیل می شدند، توزیع غیر عادلانه منافع حاصله از برنامه های عمرانی، قربانی شدن برنامه های غیرنظامی در راه کسب تجهیزات نظامی و افزایش تورم که دائماً فراتر از افزایش حقوق و دستمزدها بود و نمی توانست چشمداشتهای موجود در رابطه با افزایش سطح زندگی را برآورده سازد، از جمله اشتهای موجود در رابطه با افزایش سطح زندگی را برآورده سازد، از جمله مهمترین عوامل نارضایتیها به شمار می آمدند. این شکوه ها و فقدان نهادهای سیاسی جهت تأثیر بخشیدن بر سیاستهای دولت، رهبران جناح مخالف میانه رو را بر آن داشت تا با عناصر برجسته روحانیت مسلمان همگام شوند.

در پاسخ به انتقادات و شور و حرارتهای سیاسی در سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷، دولت تلاشی را برای ریشه کن ساختن فساد در بخشهای خصوصی و عمومی آغاز کرد، برای از بین بردن اسراف و افزایش کارایی خود را مجدداً سازماندهی نمود و به یک حزب رسمی سیاسی اجازه مشارکت بیشتر داد مشروط بر آنکه تجاوزی به حقوق سلطنتی نکند. اقداماتی نیز در جهت بهبود وضع حقوق بشر، از بین بردن شکنجه و افراط کاریهای تأدیبی در زندانها و عفو زندانیان سیاسی به جای ایجاد نهادهای سیاسی جدید، انجام گرفت. در نهایت اقدامات دولتی سبب ترغیب «انتقادات سازنده» در جهت افزایش مشارکت مردم در مسائل دولتی و نیز سبب کاهش رشد اقتصادی سریع که موجب انحرافهای جدی در جامعه شده بود، گردید. ولی این تغییرات نتوانست نیاز روزافزون ایرانیان را به نظامی باز از نظر سیاسی ارضا کند.

در پایان سال ۱۹۷۷، ناظران خارجی و ایرانی مشاهده کردند که این حرکتها اولین نتایج سیاست رسمی دولت مبنی بر ایجاد فضای باز سیاسی ایران که از سال ۱۹۷۶ آغاز شده بود، می باشد. ولی این

حرکتها به هیچ وجه در برگیرنده حرکتی اساسی بسوی تغییرات بنیادین سیاسی نبود.

در اوایل ۱۹۷۸ اغتشاشات گسترده آغاز و دانشجویان ایرانی مقیم خارج نیز نسبت به آن ابراز همدردی کردند. در ابراز مخالفت با دولت چهره های مذهبی رهبریت را به دست گرفتند. شاه علناً اظهار داشت که قصد دارد روند گسترش فضای باز سیاسی را دنبال کرده و در نهایت انتخابات آزادی را برگزار کند. ولی در اواخر اوت معلوم شد که دولت عمق نارضایتیها را دست کم گرفته است. در آن زمان دولتی جدید روی کار آمد که آزادی فعالیت احزاب سیاسی مشروع را وعده داد چند روز بعد مجبور به اعلام حکومت نظامی در تهران و بازده شهر دیگر در پاسخ به تظاهرات عمومی گردید. در اواخر اکتبر، اعتصابات و بی نظمی ها گسترش عجیبی یافته بود. تولید نفت به طرز فاحش کاهش یافته بود و فعالیت بخشهای مختلف دولت متوقف گردید. با افزایش شورشها در اوایل نوامبر بحران بحد نهایی رسیده و یک حکومت نظامی روی کار آمد.

امروز

به عقیده ما وضع کنونی ایران شامل عناصر زیر است: اعتصابات و تظاهرات گسترده اقتصاد ایران را تقریباً به طور کامل متوقف ساخته است. بسیاری از مردم شهرهای بزرگ کار نمی کنند و از کمبود کالاهای اساسی رنج می برند. عملکرد سیستم بانکی متوقف شده و تولید نفت نمی تواند نیاز داخلی را

تأمین کند رهبران فعال مذهبی و بسیاری از اعضای سیاسی مخالف خواستار خروج شاه از ایران و یا کناره گیری وی از سلطنت شده اند. شاه نیز ایران را به بهانه گذراندن تعطیلات ترک کرده است. از شورای نیابت سلطنت خواسته شده تا به وظایف خود در غیاب شاه عمل کند. دولت نخست وزیر بختیار با وظیفه دشوار برقراری نظم در کشور و آشتی دادن عناصر سیاسی مخالف با یکدیگر، روبرو گردیده است.

خلاصه اینکه، ایران یک و نیم دهه رشد سریع و تغییر اجتماعی را پشت سر گذاشته در حالی که نهادهای سیاسی آن از این رشد و تکامل برخوردار نبوده اند. مردمی که بیش از همه تحت تأثیر این تغییرات واقع شده اند اکنون خواستار مشارکت بیشتر در تعیین سرنوشت ایران شده اند، اما هنوز نتوانسته اند به طور منظم عقاید خود را در مورد مسیر آتی ایران و نحوه تعیین سرنوشت آن ابراز دارند.

چرا انفجار؟

در وهله اول توضیح این سؤال بسیار ساده است ولی این طور نیست. بعضی از تحلیلگران دولتی و غیر دولتی طی سالهای متمادی خاطرنشان ساخته اند که در سیستمهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران نقطه ضعفهایی وجود دارد. در اواسط سال ۱۹۷۶، با آغاز عکس العمل رهبریت ایران در برابر نارضایتیهای روز افزون، تحلیلگران موجود در واشنگتن اعلام کردند که مشارکت سیاسی همگام با رشد اقتصادی سریع ایران نبوده و دولت باید زمینه را برای تقسیم بیشتر قدرت فراهم آورد.

از سال ۱۹۷۶ چند رویداد سبب عمیقتر شدن میزان نارضایتیها و تسریع غیر قابل انتظار بحران گردیده است. موفقیت روند نوگرایی اقتصادی یکی از محرکهای اصلی این موضوع بوده است. رشد اقتصادی توأم با افزایش بیکاری و تورم سبب بالا رفتن میزان نارضایتیها و بیکارانی گردید که دیگر در اقتصاد فعال موجود سهمی نداشتند. در همان حال که دولت ایران گامهایی را در جهت آزادسازی

بیان انتقادی و بهبود عملکرد خود در زمینه حقوق بشر برمی داشت، شکوه های اساسی به قوت خود باقی بود. در همین رابطه، تظاهرات وسیع ضد دولتی در اعتراض به برنامه های شاه در اوایل ۱۹۷۸ برگزار شد و آغازی بود بر فعل و انفعالاتی که از آن زمان به بعد شاخص اصلی صحنه ایران بوده است.

مسائلی که در پیش رو داریم

مهمترین مسأله برای دولت ایران پایان بخشیدن به خونریزیها و اعاده نظم در کشور است تا با برگزاری انتخابات عمومی بتوان در مورد حکومت آتی ایران و اولویتهای داخلی و خارجی آن تصمیم گیری نمود. مهمترین کار شورای نیابت سلطنت و دولت غیر نظامی جدید جلب حمایت مردم است تا خشونت پایان پذیرد و فعالیتهای عادی اقتصادی از سرگرفته شود، علاوه برپایان بخشیدن به رنجهایی که مردم در ماههای اخیر تجربه کرده اند، باید محیطی برای مباحثات منطقی بر اساس یافتن یک راه حل سیاسی برای مشکلات ایران در دراز مدت پدید آید.

در کشوری با معضلات ایران نمی توان راه حلهای سریع را تجویز نمود. در کشوری که خشونت بسیار را تجربه کرده است، نمی توان انتظار پدید آمدن پاسخهای خالی از رنج و دردسر را داشت. صلح

داخلی باید برقرار شود و احتمالاً زمان بسیاری باید بگذرد تا مردم ایران بتوانند در مورد آینده سیاسی خود تصمیم گیریهای لازم را بنمایند. نکته مهم این است که این روند باید به طور منظم دنبال شود. ما نمی توانیم بگوییم که ایران چه راهی را انتخاب خواهد کرد ولی ایرانیها خود باید این تصمیم مهم را اتخاذ کنند.

تأثیرات منطقه ای

مهمترین سؤلی که به کرات در مورد تأثیرات بحران کنونی ایران مطرح می شود این است که آیا ما بی ثباتی ایران همراه با رویدادهای اخیر افغانستان، یمن شمالی و جنوبی و شاخ آفریقا را بخشهایی از یک الگوی بی ثباتی که جهت گیری سیاسی منطقه استراتژیک خاورمیانه را تغییر خواهد داد، نمی بینیم؟

در اینجا باید چهار نکته مهم را روشن ساخت:

اولاً، ما می دانیم که در منطقه آسیای غربی و شمال شرقی آفریقا تغییراتی بنیادین از جمله نوگرایی اقتصادی، تغییرات اجتماعی، تجدید حیات دینی، ناسیونالیزم و درخواست روزافزون مردمی برای مشارکت بیشتر در روند سیاسی در حال وقوع است. ولی این تغییرات توسط نیروهای داخل همین کشورها پدید آمده است. ما باید بین آنها وجوه تمایزی قائل شده و از ساده گرایی پرهیز نماییم. رویدادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پدیده های پیچیده ای هستند و ما هنوز نتوانسته ایم از آنها سردربیاوریم. سیاست آتی ما مانند سیاست سی سال گذشته مان همکاری با کشورهای دستخوش این گونه تغییرات است تا بتوانند به راه حلهای سازنده تری دست پیدا کرده و با ثبات نوینی این دوران توأم با تغییرات را پشت سر بگذارند. تا زمانی که این ملتها به معنی واقعی کلمه مستقل نشوند و بدون ترس به دنبال کردن سیاستهای خود بپردازند، آمریکا نخواهد توانست جهانی را که مد نظر دارد، ایجاد

نماید.

ثانیاً، بی ثباتی در کشوری که در یک منطقه استراتژیک قرار دارد عامل مهمی در سیاستهای جهانی محسوب می گردد. ما با همپیمانان و دوستان خود در خاورمیانه و نقاط دیگر جهان در تماس نزدیک بوده و از نگرانی آنها مبنی بر این که مبادا مشکلات ایران خطرات موجود علیه استقلال آنها را افزایش دهد، مطلع هستیم. ما به همکاری خود با آنها در جهت کاهش این خطر ادامه خواهیم داد. ما به آنها اطمینان خواهیم داد که ثبات، امنیت و استقلال ملی هریک از ملل منطقه را تضمین خواهیم کرد. به نظر ما این هدف مشترک اساس همکاریهای صمیمانه تر آتی را پی ریزی خواهد نمود.

ثالثاً، موضع دراز مدت ما در این منطقه استراتژیک تا زمانی که کشورهای منطقه بتوانند اهداف عمرانی خود را به دور از هرگونه مداخله خارجی دنبال کنند، نیرومند باقی خواهد ماند. احترام ما به اصول دموکراسی و آزادیهای انسانی، درخواست آنها برای دستیابی به قدرت اقتصادی و تکنولوژیک غرب و تلاش ما در جهت پیاده کردن اصول دموکراسی مورد توجه شدید ملل و کشورهای منطقه واقع شده است. آنها می دانند که ما آماده ایم تا از تلاشهای آنان در جهت تقویت توان دفاعیشان حمایت کنیم بدون آنکه از آنها چیزی را بخواهیم که خود مایل نباشند به ما بدهند.

رابعاً، تغییراتی که ما در این منطقه از آسیای غربی و شمال شرقی آفریقا شاهد آنها هستیم حاوی

اهدافی در جهت پیشرفت و نیز بحران است. بعضی از نقاط این منطقه از جمله ملل بسیار غنی و سریعاً رو به رشد جهان می باشند و بعضی دیگر از جمله فقیرترین و سنتی ترین جوامع می باشند. مبارزه ای که ما و دوستانمان با آن روبرو هستیم در نحوه استفاده از فرصتها برای کانالیزه کردن تغییرات در جهت پدید آمدن نتایج سازنده است نه نشان دادن عکس العمل صرف نسبت به آن به عنوان یک عامل مهم بی ثباتی و تضاد.

البته با گفتن این مطلب خطراتی را که علیه منافع آمریکا وجود دارد نیز کاهش نداده ایم، ولی باید منافع مردم منطقه را نیز در نظر گرفت.

سیاست آمریکا

سیاست آمریکا در قبال ایران همیشه بر سه اصل،با توجه به رویدادهای چند ماه اخیر این کشور استوار بوده است:

۱ ما به کرات تصریح کرده ایم که تصمیمات مربوط به آینده ایران و رابطه بین مردم و دولت ایران باید در ایران و توسط ایرانیها اتخاذ شود. ما مایل نیستیم در زمینه این تصمیم گیریها نقشی داشته باشیم و از نظر ما اعمال نفوذ خارجی نادرست است.

۲ دولت آمریکا در چهار چوب نهادهای ایران و با مقامات این کشور بر اساس مفاد قانون اساسی ایران همکاری کرده است. در قانون اساسی موادی برای تغییر اصول آن وجود دارد و ما از تصمیمات دولت ایران هر زمان و هر جا که بتوانیم مفید واقع شویم حمایت می کنیم.

۳ ما از استقلال ایران حمایت کرده ایم. موضع گیری ما چنین بود که هیچ نیروی خارجی حق بهره برداری از بی ثباتی ایران و یا کشورهای دیگر را به نفع خود ندارد، هدف نهایی آمریکا در رابطه با ایران این است که این کشور باید به دور از هر گونه مداخله خارجی بتواند آینده خود را مشخص کند.

این اصول دائماً همزمان با آشوبهای سال گذشته ایران به کار گرفته شده و شاخصهای اصلی سیاستهای آتی ما خواهند بود.

در متن این اصول ما این اهداف مهم را دنبال کرده ایم

اولاً، امیدواریم که شاهد پایان خونریزیها باشیم تا مردم ایران بتوانند زندگی عادی خود را از سر گیرند، چون تنها در این شرایط است که با برگزاری مباحث منطقی می توان راه حلهای سیاسی را برای مشکلات ایران یافت و ثبات را بر این کشور حکمفرما نمود. ما از تمام طرفین خواهیم خواست که با راههای مسالمت آمیز به اهداف سیاسی خود دست یابند.

ثانیاً، ما خواهان حفظ روابط خود با ایرانی مستقل، با ثبات و امن هستیم. ما معتقدیم که منافع ایران و آمریکا به یکدیگر وابسته اند بنابراین خواستار حکمفرما شدن جوی توأم با احترام متقابل و همکاری مثبت می باشیم. ما معتقدیم که این امر به نفع ایران، آمریکا و جهان آزاد خواهد بود.

ثالثاً، ما خواهان ایرانی با ثبات و کامیاب هستیم تا بتواند نقش خود را در منطقه و جامعه بین المللی ایفا کند. ما آماده کمک فنی به ایران در سطوح دولتی و دیپلماتیک هستیم تا بنیه تولیدی خود را بازیافته و حس اعتماد بین المللی را که طی دهه گذشته نسبت به خود جلب کرده بود بار دیگر

به دست آورد. آغاز مجدد صادرات نفتی ایران به نفع اقتصاد ایران و اقتصاد جهان آزاد است.

ما معتقدیم که این اهداف نه تنها به حفظ منافع کشور خودمان بلکه به حراست از منافع مردم ایران نیز خواهد انجامید. به نظر ما همین اهداف زمینه عملی همکاریهای آتی را فراهم می آورد.

در پیش رو چه داریم؟

ایران در چنگال یک بحران عظیم اجتماعی گرفتار آمده است و به نظر ما این روند به سادگی حل نخواهد شد و برای ما نیز قابل توجیه نیست که تنها سیر وقایع را پیش بینی کنیم. مردم آمریکا و ایران در مورد چهار معیار اساسی توافق دارند.

اولاً، ما هر دو از موروثات مذهبی قدرتمندی برخورداریم.

مردم هر دو کشور به نحوه ای از زندگی معتقد هستند که از اصول اخلاقی نشأت گرفته باشد. ما معتقدیم که این اصول باید راهنمای دولتی واقعاً عادل باشد.

ثانیاً، ما معتقدیم که مردم حق اظهار نظر سیاسی از طریق نهادهای تشکیل شده توسط خود را دارند. ما هر دو معتقدیم که ایرانیها باید در مورد حکومت آتی خود تصمیم بگیرند همان طور که در آمریکا این کار توسط مردم آمریکا انجام می شود.

ثالثاً، هر دوی ما به استفاده از سلامت ملی خود در جهت بهبود وضع زندگی مردممان معتقدیم. به همین دلیل آمریکا آماده است در زمینه عمران کشور به ایران کمک کند.

نهایتاً اینکه، آمریکاییها و ایرانیها خواستار پدید آمدن ایرانی واقعاً مستقل می باشند. ما به هیچ وجه خواهان دیکته کردن سیاستهای دولت ایران نیستیم.

بر اساس همین اشتراک نظر و منافع، ما تلاش خواهیم کرد تا رابطه نزدیک بین ایران و آمریکا را حفظ نماییم.

در نگاهی به آینده، آمریکا با رهبران ایران در جهت تقویت حکومتی غیر نظامی و جلب حمایت مردمی از اعاده نظم و قانون و ایجاد یک بنیاد سیاسی سالم برای تداوم پیشرفت و استقلال ایران همکاری خواهد نمود.ونس

سفر فرانسوا پونست، وزیر خارجه فرانسه به کپنهاک

سند شماره (۱۰)

طبقه بندی : خیلی محرمانهتاریخ : ۲۹ ژانویه ۱۹۷۹ ۹ بهمن ۱۳۵۷

از : سفارت آمریکا در کپنهاک به : وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع : سفر فرانسوا پونست، وزیر خارجه فرانسه به کپنهاک

۱ تمام متن خیلی محرمانه است.

۲ خلاصه: دفتر وزارت امور خارجه در تاریخ ۶ بهمن ماه در مورد سفر پونست به کپنهاک در تاریخ ۳ بهمن گزارشی به ما ارائه کرد. موضوعات مورد بحث عبارت بوده اند از نظام پولی اروپا و رابطه آن با موازنه مقادیر پولی، مناقشه بودجه ای پارلمان و شورای جامعه کشورهای اروپایی، خلع سلاح، ایران و تأثیر آن بر حل مسائل خاورمیانه، و هندوچین. (پایان خلاصه)

۳ فرانسوا پونست، وزیر خارجه، عصر روز ۳ بهمن ماه از راه رسید و در ساعت ۱۰ همان شب

آنجا را ترک گفت. این سفر یکی از چند سفری است که پس از انتصاب به سمت جدید انجام داده است. در کپنهاک وی با وزیر خارجه دانمارک یعنی هنینگ کریستوفرسن و چند تن از دیگر مقامات ملاقات کرد و پس از آن در ضیافت شامی که از طرف کریستوفرسن تهیه دیده شده بود حضور یافت.

۴ در ملاقات قبل از شام سه موضوع مورد بحث قرار گرفت. نظام پولی اروپا، رابطه توازن مقادیر پولی و آغاز کار نظام پولی اروپا و مناقشه بین شورا و پارلمان جامعه کشورهای اروپایی بر سر بودجه. بنابه گفته مقام وزارت خارجه دانمارکیها در مورد این مسائل با میهمان خود برخوردی «عادلانه» داشتند.

۵ ضیافت بحث و شام بیشتر یک «ضیافت شام» بود. وزیر خارجه فرانسه در مورد کنفرانس پیشنهادی دولت خود در زمینه خلع سلاح اروپا؛ اوضاع ایران و تأثیر آن بر حل تضاد موجود در خاورمیانه و اوضاع آسیای جنوب شرقی گفتگو کرد.

الف. فرانسوا پونست در مورد کنفرانس خلع سلاح اروپا گفت باید بر اصول موجود در پیشنهاد تأکید خاصی نشده یعنی هر کشور به تنهایی امنیت خود را تضمین نماید. وی در مقام تأیید گفت ابتدا باید به مسئله نیروهای قراردادی و پس از آن به اهمیت شرایط رضایتبخش تأیید پرداخت. وی گفت فرانسه حاضر است در رابطه با پیشرفت کنفرانس صبر و حوصله بسیاری به خرج دهد. (وی در مورد ۱۵ ۱۰ سال تلاش شوروی در رابطه با کنفرانس از این نوع سخن گفت)

ب فرانسوا پونست در مورد آینده ایران با «بدبینی» سخن گفت و اظهار داشت که این کشور دچار «آشوب و بی ثباتی» خواهد شد. وی گفت نگرانی او این است که اروپا در نتیجه این وضع در اواخر سال جاری دشواریهای مربوط به کاهش عرضه نفتی را تجربه خواهد کرد.

ج بنابه اعتقاد وزیر خارجه فرانسه، رویدادهای ایران احساس ناامنی اسرائیل و مصر را افزایش

می دهد. اسرائیل که گذشته از دیگر مسائل نگران وضع آتی نفت است، در انعقاد قرارداد دوجانبه با مصر انعطاف پذیری کمتری نشان خواهد داد و مایل به استرداد قلمرو تحت اشغال خود نخواهد بود. گسترش نا امنی حل مسائل خاورمیانه را از طریق کمپ دیوید دشوارتر خواهد نمود. به گفته فرانسوا پونست این شرایط در صورت انعقاد قرارداد بین مصر و اسرائیل موضع اروپا را پیچیده تر خواهد کرد. وی افزود در چهار ماه گذشته جامعه کشورهای اروپایی از انعقاد این قرارداد استقبال می کرد، لیکن در حال حاضر پاسخ جامعه کشورهای اروپایی ابهام آمیز است. (مقام سفارت خواستار توضیح بیشتر در این مورد شد. اما مقام وزارت خارجه گفت که در ضیافت شام بیش از این چیزی اظهار نشده است).

د مقام وزارت امورخارجه گفت موضع وزیر امورخارجه فرانسه در مورد هندوچین با موضع آمریکا و دانمارک مطابقت دارد. یعنی حضور ویتنامیها در کامبوج غیر قابل قبول است؛ در مورد تحریم کمکها صحبت شد، ولی در عین حال گفته شد باید راهها باز باشد چون ممکن است ویتنامیها به اشتباهات خود اعتراف کنند. و ویتنامیها باید بدانند که غرب هنوز هم از «طرفین بالقوه» می باشد.مانشل

بحثهای اقتصادی حامیان آیت الله خمینی

سند شماره (۱۱)

۷۹ ۰۲۱۷۳ / ۳۱۵ TDFIRDBتاریخ : ۵ فوریه ۱۹۷۹ ۱۶ بهمن ۱۳۵۷

طبقه بندی گزارش : سری هشدار، شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است غیرقابل رو□ت برای بیگانگان غیر قابل رو□ت برای پیمانکاران یا پیمانکاران مشاور

کشور : ایران

موضوع : بحثهای اقتصادی حامیان آیت اللّه خمینی (تاریخ اطلاعات: اوایل فوریه ۱۹۷۹)

منبع: یک.... و نویسنده مقالات بازرگانی که به مخالفین مذهبی در تهران دسترسی دارد. او قبلاً نیز در مورد امور اقتصادی گزارش داده است ولی میزان دسترسی وی به جامعه مذهبی مشخص نیست.

۱ مشاورین آیت اللّه روح اللّه خمینی اکنون به این سو□ل پرداخته اند که پس از به دست گرفتن قدرت چگونه با مشکلات اقتصادی عظیم کشور دست و پنجه نرم خواهند کرد و درصدد فرمول بندی اصول مهم برای هدایت برنامه های اقتصادیشان برآمده اند. عموماً، آنها از کلی گویی در مورد اصل ملی سازی واحدهای تولیدی و تأکید بر تولیدات کشاورزی پا را فراتر ننهاده اند. اصولاً این مشاورین و نیز شخص خمینی سعی دارند در ابتدای امر با ماهیت اقتصاد ایران برخورد کنند. در حقیقت حاضرند اقتصادی نه چندان پیچیده را بپذیرند تا در آن صورت بتوانند حضور خارجی را در ایران و نیز سلطه بیگانگان بر اقتصاد کشور را کاهش دهند. علاوه بر این در مورد نیاز کشور به صادرات نفت به میزان قبل از دوران اعتصاب اظهار تردید کرده اند. آنها که نگران قدرت جذب اقتصاد کشور هستند معتقدند که کاهش تولید اقتصاد را تحت کنترل آنها در آورده و در نهایت سبب کنترل مسیر حرکت آن خواهد شد.

۲ در زمینه های خاص، خمینی و مشاورانش در نظر دارند اقدامات زیر را دنبال کنند:

الف: کشاورزی خمینی بر این باور است که برنامه اصلاحات ارضی شاه سبب نابودی بسیاری از اراضی زراعی ایران در نتیجه تقسیم آنها شده است چون این تقسیمات از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نبوده و دهقانان را از آزادی چندانی برخوردار نمی کرده است. دولت الهام گرفته از خمینی بر کشاورزی تأکید خواهد کرد ولی برنامه های این دولت برای انجام چنین کاری هنوز طرح ریزی نشده است.

ب: کارگری در مورد برخورد با مسئله کارگری و نیز افزایش مزایا و خدمات اجتماعی برای کارگران نیز هیچ برنامه خاصی فرمول بندی نشده است.

ج: صنعت خمینی و مشاورانش شدیداً در فکر ملی سازی تمام واحدهای تولیدی مهم اقتصاد ایران می باشند. صنایع بهائیها و به خصوص شرکت مهم «ارج» از این جمله بوده و مورد توجه خاص قرار دارد. ولی برنامه ای خاص که از طریق آن ملی سازی تحقق خواهد یافت و یا از طریق آن بخش تولیدی اقتصاد به حرکت در خواهد آمد، تدوین نشده است.

د: بانکداری بر طبق اصول اسلامی، بانکها دیگر بر اساس معیارهای پذیرفته شده غربی عمل نخواهند کرد و ملی خواهند شد. بانکها باز هم پول قرض خواهند داد ولی بهره ای به آن تعلق نخواهد گرفت، بلکه منافع حاصله از سرمایه گذاریها قابل توزیع است و ضرر و زیان حاصل از آن قابل جذب. سیاستهای مربوط به پس انداز و دیگر معاملات بانکی نیز در مرحله فرمول بندی است.

۳ (اظهار نظر منبع: طرز فکر اقتصادی خمینی و مشاورانش نادر است و پس از تفحص بیشتر از جمله در مورد نحوه اجرای برنامه ملی سازی، این مشاورین می گویند که جزئیات بعداً به اطلاع خواهد رسید. بخش اعظم این طرز فکر ناشی از ساده اندیشی است و در حین اتخاذ تصمیم در مورد اقتصاد و مولد بودن آن تغییر خواهد کرد.)

۴ بدست آمده در: ایران، تهران (۴ فوریه ۱۹۷۹). شماره از حوزه فعالیت ۱۰۴۳۸ NIT

۵ انتشار از حوزه فعالیت: سفارت و مشاور اقتصادی در تهران. ارسال شده به پاریس، کویت، جده، ابوظبی، امان، قاهره، تل آویو، منامه، مسقط، دهلی نو، کابل، اسلام آباد، کراچی (فقط برای مقامات ارشد).

طبقه بندی گزارش سری : هشدار، شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است غیر قابل رؤت برای بیگانگان غیر قابل رؤت برای مشاورین یا مشاورین پیمانکار پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده. تا تاریخ ۵ فوریه ۱۹۹۹ در بایگانی ضبط شود. طبقه بندی توسط مأمور گزارشگر ثبت شده است. تمام اجزای گزارش حاوی طبقه بندی و قیود کل سند می باشند.

چه اشتباهی در ایران رخ داد؟

سند شماره (۱۲)

استانلی(۱) تی. اسکودروخیلی محرمانه

چه اشتباهی در ایران رخ داد؟

در تمام مدت بعد از جنگ و به خصوص از سال ۱۹۵۳ به این طرف، آمریکا با شاه ایران و رژیمش رابطه ای بسیار نزدیک برقرار نمود. ما در سرنگونی نخست وزیر چپگرا و ناسیونالیست یعنی مصدق و بازگرداندن شاه از تبعید مختصرش در اروپا نقش بسیار مؤری را ایفا نمودیم. ما چند میلیارد

دلار در زمینه پروژه های کمک دو جانبه مصرف کردیم که بسیاری از آنها به خوبی قابل درک بود و مورد تمجید قرار گرفت. بر اساس منافع مشترک امنیتی و نیز قدرت خرید ایران، ما به ایران کمک کردیم تا به صورت قدرت بی چون و چرا در خلیج فارس درآید. ما در آن کشور دارای هزاران مستشار و تکنیسین نظامی و غیر نظامی بودیم. از حاکمی نیرومند و مستبد حمایت می کردیم که در نتیجه بصیرت خویش به ضرورت عمران ملی پی برده بود و ظاهراً آن قدر شجاع بود که هدایت ایران را در مسیر اصلاحات اقتصادی و اجتماعی ملی به دست گرفت تا ایران بتواند به قرن بیستم وارد شود. این فهرست بسیار عریض و طویل است ولی به طور خلاصه می توان گفت که ما در انجام این کارها موفق بودیم.

لیکن پس از بازگشت به تهران در نوامبر ۱۹۷۸، پس از ۳ سال و نیم دوری از این شهر، متوجه شدم که شاه آخرین روزهای عمر حکومت خود را پشت سر می گذارد. مقامات آمریکایی با وسایط نقلیه زرهی و همراه گاردهای مسلح سفر می کردند، تا از آنها نه در برابر گروههای منزوی تروریستی بلکه در برابر دسته های عظیمی از افراد ایرانی معمولی حراست به عمل آید. سفارت و دیگر تأسیسات آمریکا و دولت ایران نیز به وسیله کامیونهای مملو از سربازان ایرانی مسلح به سلاحهای خودکار در

۱- استانلی اسکودرو دوبار در ایران خدمت کرده است؛ آخرین دوره آن به صورت موقت و بین ماههای نوامبر ژانویه بود. در حال حاضر وی خدمت می کند. UNP / در دفتر امور ای

برابر این گونه خطرات حراست می شد. با این وصف سفارت و کنسولگری ما در تبریز مورد حمله قرار گرفت و محوطه سفارت به تصرف مهاجمین در آمد. بعدها خود سفارت نیز برای مدت کوتاهی به تصرف مهاجمین درآمد. احساسات ضدآمریکایی خشونت بار در تمام بخشهای جامعه ایران حس می شد و بسیاری از قدرتهایی که ما سیاستهای خویش را بر آنها بنا نهاده بودیم اکنون به صورت خطری متوجه خود ما شده بود، این وضع پس از عزیمت شاه در اواسط ژانویه بسیار وخیمتر گردید. خطر تجدید و تشدید هرج و مرج، جنبه ای واقعی تر به خود گرفت.

واضح است که سیاست ایرانی ما که برای مدت ۳۰ سال در خدمت به ما مؤثر واقع شده بود، اکنون به صورت عاملی بی ربط و ناهنجار در آمده و در مواردی بسیار حتی قبل از سقوط شاه نیز خطراتی را علیه منافع ما بوجود آورده بود. بنابراین بجاست اگر سوأل شود که در ایران چه اشتباهی رخ داده و چرا ما با وجود این همه منافع در ایران وقوع آن را پیش بینی نکرده بودیم.

شرح کامل وقایع و نیروهایی که منجر به سقوط دیکتاتوری شاه گردید تا مدتها موضوع بحثهای علمی خواهد بود، به هر حال، در این نوشتار امکان این کار نیست. ولی می توان گفت که این وضع به طور مسلم نتیجه مستقیم یک انقلاب اصیل داخلی بود، نه نا آرامی و آشوب هدایت شده از خارج.

آنچه که به طور بسیار ساده لوحانه ای گفته شده این است که نظام حکومتی شاه به وجود یک دست قدرتمند در رأس حکومت با حمایت یک مکانیزم حکومتی خشن و توان مالی لازم برای کاهش نارضایتیها از طریق اجرای برنامه های عمرانی، سوبسید مستقیم و همکاری کسانی که ممکن بود در غیر این صورت به مخالفت با رژیم برخیزند، بستگی داشت. سالها سرکوب، فساد، عدم مدیریت، چاپلوسی و تملق، وعده های توخالی، و عدم سیاست و کارایی کلی هر دو ستون رژیم را تضعیف و باعث شد که بسیاری از ایرانیها که به هر حال نسبت به حکومت خویش بدبین و بی اعتماد هستند،

نسبت به موفقیتهای چشمگیر و باارزش حکومت سلطنتی واقعیات را نادیده بگیرند. نوآوری سریع و فرصتهای آموزشی رو به رونق نیز صحنه را برای سقوط پهلوی فراهم نمود.

به نظر من، دو واقعه در مرحله نهایی سقوط نقش بسیار بسزایی داشته اند. واقعه یا عامل اول و مهمتر تصمیم سال ۱۹۷۴ شاه مبنی بر استفاده از درآمد افزایش یافته نفتی ایران در تسریع حرکت برنامه های عمرانی ملی بود که با پذیرفته شدن این خطر همراه بود که ممکن است تولید آن قدر افزایش نیابد که موجب افزایش تقاضا و از بین رفتن تورم گردد. در زمان آغاز این تصمیم ایران دارای یک تورم دو رقمی بود، کشور فاقد زیربنای فیزیکی، نیروی انسانی مجرب و مدیریت متخصص ضروری جهت جذب برنامه هایی معادل ۵۰ درصد برنامه های جاه طلبانه بود. این نقائص در نتیجه تلاش و سرسپردگی شاه به تجهیز غیر ضروری و بیش از حد ارتش، بیشتر جلوه گر شد. در نتیجه، در تمام موارد برنامه های عمرانی ناموفق ماند ولی تورم رو به افزایش گذاشت. سطح تورم در حال حاضر بیش از ۵۰ درصد است. با وخیمتر شدن وضع اقتصادی شکاف موجود در توزیع درآمدها آشکارتر گردید. نارضایتی مردم افزایش یافت و توان رژیم در استفاده از منابع مالی به عنوان وسیله ای برای حفظ بقای خود رو به ضعف نهاد.

رویداد دوم ظهور سیاست حقوق بشر دولت کارتر بود. بسیاری از ایرانیها سرسختانه معتقدند که سیاستهای کشورشان از اواخر قرن نوزدهم، بوسیله یک دست خارجی هدایت می شود، که اولین آنها

روسها یا انگلیسیها بوده و از سال ۱۹۵۳ به بعد آمریکاییها بوده اند. بعضی از مخالفین، سیاست حقوق بشر را گامی در جهت دوری از شاه و ضعف بعدی تاج و تخت تلقی می کنند. چون در نتیجه آن، آنها تشویق و فعالتر گردیده بودند. در همان حال شاه نیز که مایل بود جو سیاسی خاصی پدیدار گردد تا امکان انتقال قدرت به فرزندش پیدا شود و شاید عکس العمل در قبال سیاست حقوق بشر نشان داد، اقداماتی انجام داد تا حیات سیاسی ایران آزادتر گردد.

به طور کلی می توان گفت که ایرانیها نسبت به قدرت حکومت نظر خاصی دارند، یعنی آن را مانعی در راه موفقیتهای فردی تصور می کنند و به همین دلیل سعی می کنند در هر حال آن را نادیده بگیرند. پس از این نادیده گرفتن و تخلفها، قدرت حکومتی قابل تحقیر می باشد؛ ولی حکومتی که در آن تخلف جایز نباشد از نظر آنها واجد احترام همراه بابی میلی است.

حکومت مطلقه شاه حد و حدود ابراز مخالفتها را معین کرده بود. ولی حرکتهای وی مبنی بر ایجاد فضای باز سیاسی و بیانیه های ما در زمینه حقوق بشر این ابعاد را تغییر داده و ابعاد جدیدی را جایگزین آن ساخته بود مردم ایران که نمی خواستند باور کنند رژیم اگر ضعیف نباشد میزان کنترل خود را کاهش نخواهد داد. در تمام جهات به اعمال فشار پرداخته و تلاش کردند با این کار محدوده های جدید رفتار سیاسی فردی را مشخص کنند تا به امروز آنها نتوانسته اند این مرزها را شناسایی کنند؛ چون شاه نمی توانست یا نمی خواست دست به اقدامات خنثی بزند که در گذشته موقعیت وی را مستحکم ساخته بودند و دولت جدید نیز هنوز نتوانسته است ابراز قدرت لازم تخصص در مدیریت و انسجام ملی را که باید برای نیل به موفقیت در اختیار داشته باشد بدست گیرد.

در زمانی مناسب، رهبر تبعیدی اسلامی آیت اللّه روح اللّه خمینی، مخالفت خود را از سرگرفت و به صورت نشانه و عامل خشونت و خشم مردم در آمد. همانطور که در زمینه هر حرکت انقلابی ملی

موفقیت آمیز در ایران معاصر صادق است، این نهاد اسلامی نیز محیطی مورد احترام را برای ائتلاف عناصر مخالف پدید آورد و برای به حرکت در آوردن نهضت از توان ارزشمند خود در بسیج شمار عظیمی از مردم استفاده کرد.

همین ائتلاف انقلابی مستقیماً یا به طور غیر مستقیم باعث مرگ یک شاه، اخراج یک شاه دیگر، و تبعید موقت شاه سومی در طول ۸۳ سال گذشته شده است. اکنون نیز باعث انقراض حکومت آخرین شاه احتمالی این کشور گردیده است. از میان تمام شاهانی که از زمان تأسیس سلسله قاجاریه در سال ۱۷۹۶ در ایران حکومت کرده اند، تنها یک شاه با انتقال آرام و بدون دردسر قدرت به تاج و تخت دست یافته است. با در نظر گرفتن این شواهد تاریخی باید گفت که خطری که محمدرضا پهلوی را از سوی انقلاب ایران تهدید می کرد نباید باعث شگفتی شود. ولی همه شگفت زده شده اند.

ساده تر بگویم، ما برای سقوط رژیم پهلوی آماده نبودیم چون نمی خواستیم واقعیت را بپذیریم.

گفتن این مطلب که پس از سال ۱۹۵۳ شاه به صورت بازیچه آمریکا در آمده بود مبالغه آمیز است ولی این مبالغه چندان شدید نیست. به هر حال با گذشت سالها او بیشتر نسبت به خودش اعتماد پیدا کرد و برخورد ما با او نیز به صورت یک طرف مساوی در آمد ولی با رشد این رابطه سالمتر، خطای اساسی در سیاست آمریکا بیشتر جلوه گر شد، که همانا همسو خواندن منافع آمریکا در ایران و منافع رژیم پهلوی بود. در حدود سال ۱۹۶۸ یعنی زمانی که در خاطر من مانده، می بینم که سیاست پنهانی وزارت

خارجه، سفارت (و احتمالاً دولت، گرچه یک مقام تازه کار چون من نمی تواند در این مورد با قاطعیت اعلام نظر کند.) بر ارسال گزارشهایی خطیر در انتقاد از شاه استوار بود. در طول خدمت خود در تهران در سالهای ۷۵ ۱۹۷۱ نیز شاهد پیگیری همین سیاست بودم. پس از مطرح کردن این سؤال به طور کلی، به من گفته شد که اطلاعات خطیر می تواند به خارج رخنه کرده و توسط دشمنان شاه در واشنگتن مورد استفاده نادرست قرار گیرد. در مورد یک موضوع خاص وقتی که به من دستور داده شد که در مورد ازدواج موقت شاه با یک زن ایرانی گزارشی ارسال ننمایم، به من اطمینان داده شد که این موضوع در نامه های رسمی و غیر رسمی به طور کامل مطرح شده است. ولی به نظر من نمی توان به این ترتیب جامعه اطلاعاتی را در جریان یک رویداد مهم قرار داد.

از طریق تحمیل این سیاست اصولاً غیر صادقانه در طول دهه گذشته وزارت خارجه خود را از اطلاعاتی محروم نمود که می توانست آمریکا را بهتر از پیش آماده پذیرش رویدادهای اخیرا ایران سازد.

محدود شدن تماسهای بین سفارت و کسانی که تماس آنها با ما از نظر شاه مانعی نداشت نیز این خطا را شدت بیشتر بخشید. تماس با رهبران جناح مخالف و تشکیلات اسلامی ممنوع شده بود. به جای آن سفارت می بایست تنها با همان محفلی از رابطها تماس بگیرد که طی ۲۵ سال گذشته آنان را در اختیار داشته است. به طور کلی این افراد حامی شاه بودند. ثروت، قدرت نفوذ و تا حدودی رفاه جسمانیشان به ادامه الطاف سلطنتی بستگی داشت. لیکن در نگرش به ایران از دید آنها ما نیز این کشور را مانند یک سلطان می دیدیم. بنابراین شگفت آور نیست که ببینیم اکثر گزارشهای ارسالی در حمایت از شاه و برنامه هایش بوده اند.

حتی در صورتی که می خواستیم نظریات تمام عناصر جامعه ایران را گزارش کنیم، فقدان مقاماتی

که در زمینه کاربرد زبان فارسی شایستگی داشته باشند، کار ما را با موانع خاصی روبرو می ساخت.

حفظ تماس با سران اسلامی و بازاری، بدون وارد بودن به زبان فارسی غیر ممکن است و همین مسئله در مورد بسیاری از اساتید و دانشجویان دانشگاهی نیز صادق است. یک مسافر در سفر خود به استانها اگر نتواند به زبان مردم صحبت کند، در هاله ای از جهالت خواهد ماند.

روسها قبل از ارسال هریک از مأمورین خود به ایران قبلاً آنها را به مدت پنج سال در زمینه مطالعات شرقی آموزش می دهند، تا به محض ورود بتواند به زبان فارسی تکلم کرده و حتی بنویسند. امکان در پیش گرفتن برنامه ای مشابه برنامه های روسی عملی نیست، ولی مقامات ما خوشبختند که می توانند حداقل مدت ۱۰ ماه در زمینه زبان فارسی آموزش ببینند. لیکن قبل از ورود به محیط تهران که زبان انگلیسی در آن کاملاً رایج است، باید آموخته های خود در آمریکا را طی یک دوره شش ماهه در یکی از دانشگاههای ایرانی خارج از تهران مانند دانشگاه فردوسی مشهد که برنامه فارسی بسیار خوبی دارد تقویت نمایند. گذراندن این دوره سخت برای تمام مقامات متخصص زبان آسان نیست ولی باید از مقامات سیاسی خواسته شود که این دوره را حتماً بگذراند.

با بررسی وقایع گذشته واضح است که ما به جاهل و غافل ماندن خود در مورد بسیاری از جنبه های شرایط ایران از طریق وارد شدن از آسانترین راه ممکن کمک کرده ایم. ما راهی نداشتیم مگر آنکه با حاکم مطلق ایران که در هر حال تمام امکانات را در اختیار ما قرار می داد، برخورد داشته

باشیم. بنابراین چرا بیشتر خود را به دردسر بیندازیم؟ به هر حال، در جهان امروز هر سیاستی که بیش از ۲۵ سال قابلیت کاربرد داشته باشد سیاست خوبی است.

موضوعی که باعث شرمساری ما شده اینست که ما درصدد یافتن راه حل نبوده ایم بلکه از یک بازنده حمایت کرده ایم. در صورتی که می توانستیم حوزه تماسهای خود را گسترش داده و در همان حال مانع از آسیب پذیر شدن روابط خود و شاه نیز بشویم. هنگامی که ما او را از تصمیمات خود در زمینه تماس با مخالفین مطلع ساختیم، او با مسئله با تردید و سوء ظن برخورد نمود.

حتی اتخاذ یک سیاست گزارشگری که کمتر در آن ابهام و تردید باشد نیز نمی توانست ما را در نجات شاه یاری دهد. آن چه بر او رفت، دیر یا زود و شاید در مورد این این شاه نه بلکه در مورد فرزندش رخ می داد ولی زمانی که ما از پیدایش انقلاب با خبر شدیم، متوقف ساختن آن غیر ممکن شده بود. اما در صورتی که دولت ما آماده اقدام بر اساس اطلاعات متناقض با سیاست موجود بود با تماسهای وسیعتر و گزارشات دقیقتر و حتی به قیمت به خطر افتادن روابط صمیمانه دولت آمریکا و دولت ایران، ما می توانستیم بسیاری از وقایع را پیش بینی کرده و میزان خسارات وارده به موقعیت خویش در ایران را به حداقل کاهش دهیم. امروزه، تا آنجا که به دولت کنونی و مردم ایران مربوط است. این وضع و موفقیت به خطر افتاده و با دشواری بسیار و زحمات طاقت فرسا شاید بتوان آن را احیا نمود.

ما در دوران بعد از جنگ چین و در ویتنام مرتکب همین خطا شدیم و هرگاه که منافع خویش و دولت مورد حمایت خود را تمیز ندهیم باز هم همین طور خواهد شد. ولی بالاخره باید بیاموزیم که هدف از گزارشات سیاسی ارائه اطلاعات و تجزیه و تحلیلهای آگاهانه برای کمک به اتخاذ تصمیم گیریهای لازم در زمینه خط مشی های آتی است، نه پیگیری و حمایت از سیاستهای موجود.

بالاخره باید اعتراف نمود که هیچ سیاستی خالی از خطا نیست.

طبقه بندی شده توسط گالن فوکس مطابق برنامه خروج از طبقه بندی بخشنامه اجرایی شماره ۱۲۰۶۵ است. در تاریخ ۱ ژوئن ۱۹۸۵ از طبقه بندی خارج خواهد شد.

تأیید متن سخنرانی

سند شماره (۱۳)

تاریخ : ۲۵ آوریل ۱۹۷۹ ۵ اردیبهشت ۱۳۵۸

از : دریادار اف. سی. کالینز، نیروی دریایی آمریکا

به : رئیس اطلاعات، اداره نیروی دریایی، واشنگتن دی. سی. ۲۰۳۵۰

پیوست : (۱) چهارچوب لازم برای سخنرانی در مورد انقلاب ایران

موضوع : تأیید متن سخنرانی؛ درخواست برای:

۱ از ماه مه ۱۹۷۸ تا فوریه ۱۹۷۹ اینجانب به عنوان مشاور اصلی فرمانده کل قوا در نیروی دریایی شاهنشاهی ایران خدمت می کردم و در عین حال سرپرست بخش نیروی دریایی هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران نیز بودم. لازم است بگویم که این دوره بسیار پر ماجرا و جالب بود، چون فرصتی بسیار شگفت انگیز فراهم نمود تا جهش ایران از یک نیروی دریایی مربوط به جنگ جهانی دوم به تکنولوژی قرن بیستم و ناوشکنهای کورش طبقه ۹۹۳ و نیز انقلابی بسیار خشونت بار

که توانست یک دودمان ۵۰ ساله حکومت استبدادی را سرنگون سازد، مشاهده نمایم.

۲ با پیش بینی این که شنیدن این داستان دست اول برای بعضیها جالب توجه خواهد بود، مطالبی را تحت عنوان «آناتومی انقلاب» به رشته تحریر در آورده ام تا زیر بنا یا مبنای نکات مطروحه توسط اینجانب باشد. این نوشتار جنبه واقعیت نگاری دارد و تنها در دو صفحه آخر به ذکر نظریات شخصی و علت وقوع آن پرداخته ام.

مطالب دارای عناوین مربوطه و مناسب نیز خواهد بود. کمکهای بصری اینجانب در تأیید مطالب عبارتند از گرافها و اسلایدهای ۳۵ میلیمتری استخراج شده از روزنامه های کیهان و تهران ژورنال یعنی دو روزنامه انگلیسی زبان تهران که در دوره مورد نظر منتشر می شد.

۳ مایلم شما نیز استفاده از این مطالب را در سخنرانیهای آینده در مورد موضوع انقلاب در ایران مورد تأیید قرار دهید. برای مدت کوتاهی از منطقه واشنگتن خارج خواهم شد و پس از آن از طریق وست کوست (کالیفرنیا م) عازم مأموریت می شوم، بنابراین در صورت تمایل می توانید بین تاریخ ۲۸ آوریل تا ۷ مه از طریق فرمانده نیروهای زمینی اقیانوس آرام در سان دیاگو با من تماس حاصل نمایید. پس از این تاریخ جهت خدمت خود را به عملیات ۴۰ معرفی خواهم کرد.

۴ با تشکراف. سی. کالینز

رونوشت برای: رئیس هیئت مستشاری نظامی آمریکا

در ایران

آناتومی انقلاب

پیشگفتار

اختتام ۲۵۰۷ سال امپراطوری ایرانی در تاریخ ۱۱ فوریه، همه را از جمله آیت اللّه روح اللّه خمینی

و نخست وزیر بختیار در شگفتی فرو برد. چه واقعه ای رخ داد؟ این واقعه چگونه رخ داد؟ آنچه در ذیل می آید نظریات من در این مورد است.

آغاز

* ژانویه ۱۹۶۳ زمانی بود که شاه از طریق «انقلاب سفید» یا «انقلاب شاه و مردم» زمینهای سلطنتی و موقوفی را بین دهقانان و روستاییان تقسیم نمود. می گویند ۶۰ درصد این زمینها متعلق به روحانیون بوده است. برای پی بردن به ژرفای نفوذ روحانیت کافی است بدانید که در این کشور ۳۵ میلیون نفری حدود ۸۰۰۰۰ مسجد، ۱۸۰۰۰۰ ملا و بیش از ۱۲۰۰ آیت اللّه وجود دارد. یکی از ناراضیانی که علناً بر سر موضوع تقسیم اراضی با شاه به مخالفت خشونت بار برخواست، روح اللّه خمینی بود که در شهر مقدس قم در ۹۰ مایلی جنوب تهران مشغول تدریس بود. به خاطر همین مخالفت تبعید شد و تا تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۷۸ یعنی زمان عزیمت به پاریس، در شهر مقدس نجف به سر می برد. نقل مکان وی به پاریس در نتیجه اعمال فشارهای مقامات عراق صورت گرفت چون می خواستند که روابط بهبود یافته شان با ایران به قوت خود باقی بماند.

* تجلیات خارجی انقلاب در ایران به تاریخ ۸ ژانویه ۱۹۷۸ برمی گردد که در آن دانشجویان در

قم و اصفهان دست به شورش زدند. در اصفهان و دیگر شهرهای اطراف حکومت نظامی برقرار گردید.

* در ژوئیه ۱۹۷۸ آرامش نسبی در تهران برقرار بود، ولی گاهی نیز تظاهراتی برگزار و اماکن عمومی (بانکها، مشروب فروشیها و ماشینها) تخریب می شد. شاه و خانواده اش بخش اعظم تابستان را در دریای خزر می گذراندند. شایعه مربوطه به سوء قصد به جان شاه توسط یک افسر جوان ارتش (ستوان خاتمی، فرزند ژنرال خاتمی متوفی) تکذیب شد و عکسهای شاه و شهبانو در روزنامه ها منتشر گردید.

* بمب گذاری اوت ۱۹۷۸ در رستوران خانسالار تهران و پس از شورشهای اصفهان در تاریخ ۱۱ اوت به وقوع پیوست و بالاخره در آن تاریخ ۱۷ اوت فاجعه سینما رکس آبادان رخ داد که در آن ۳۷۷ نفر کشته شدند و این سرآغازی بود بر دورانی توأم با شورشهای فعال و مداوم.

* آیت اللّه شریعتمداری، چهره مذهبی برجسته کشور، علناً خواستار انجام اصلاحات گردید و آیت اللّه طالقانی که پیشگام زندانیان سیاسی بود توسط شاه از زندان آزاد گردید، ولی او نیز به شریعتمداری پیوست. در این زمان دولت سعی کرد با خمینی در عراق وارد مذاکره شود ولی موفق نشد.

* ۲۷ اوت ۱۹۷۸. یکی از نشانه های بارز پیدایش مشکلات، استعفای نخست وزیر آموزگار است در حالی که بیش از یک سال عهده دار این سمت نبود.

* ۲۸ اوت ۱۹۷۸. شریف امامی، ۴جعفر شریف امامی که در سالهای ۶۱ ۱۹۶۰ نخست وزیر بود، وارد این پست شد. همه گمان می کردند که او فردی محافظه کار است که می تواند با روحانیون، جبهه ملی و غیره ارتباط برقرار سازد؛ متأسفانه امامی تحرک و قاطعیت چندانی ندارد و تظاهرات و خرابکاریها ادامه یافته است.

* ساعت ۶ صبح هشتم سپتامبر. حکومت نظامی در تهران (مقررات منع عبور و مرور از ساعت ۹ شب تا ۵ بامداد) و ۹ شهر دیگر ایران برقرار شد. نکته مهم اینکه هیچ یک از شهرهای تحت کنترل نیروی دریایی تابع حکومت نظامی نبودند. ژنرال اویسی فرمانده نیروی زمینی رئیس حکومت نظامی تهران گردید. صبح روز ۸ سپتامبر، جمعیت زیادی در میدان ژاله گرد آمدند تا از میزان جدیت حکومت در زمینه منع مقررات عبور و مرور مطلع شوند. به ناچار، نظامیان بر روی مردم آتش گشوده و حدود ۳۰۰ نفر را کشته و حدود ۱۰۰۰ نفر دیگر را زخمی کردند. (آمار دولتی حاکی از کشته شدن ۷۰ نفر و زخمی شدن ۲۸۰ نفر بود).

* ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸. زلزله در شهر طبس واقع در شمال شرقی ایران منجر به کشته شدن حدود ۲۵۰۰۰ نفر شد و غمی دیگر بر ناراحتیهای شاه افزوده شد.

* ۱۶ اکتبر ۱۹۷۸. خمینی، نجف عراق را به مقصد پاریس ترک می گوید و مبارزه تبلیغاتی وسیعی را علیه دودمان «پهلوی» و دولت آغاز می کند.

* اوایل اکتبر. شاهد تظاهرات کارگران پستخانه و بیمارستانی و غیره بود. در تاریخ ۱۱ اکتبر اعتصاب ۴ روزه روزنامه ها در اعتراض به سانسور مطبوعات شروع شد.

* ۲۶ اکتبر روز تولد شاه. مراسمی خالی از جنجال؛ بار عام در کاخ گلستان در پائین شهر تهران با بازرگانان، فرهنگیان، روحانیون و مقامات ارشد نظامی. وضع مزاجی شاه خوب است، مردم تحت

تأثیر واقع شده اند شاه در اتومبیلی بدون حضور افراد امنیتی در میان صفوف حضار در کاخ رانندگی کرد.

* اواخر اکتبر. ساواک پلیس امنیتی و اطلاعاتی ایران به باد انتقاد گرفته شد. ژنرال نصیری رئیس پیشین ساواک متهم به قتل گردید.

* اول نوامبر. آغاز اعتصاب کارگران نفتی.

* ۴ نوامبر. از کریم سنجابی رهبر جبهه ملی دعوت شد تا از پاریس یعنی محل مذاکره اش با خمینی،به ایران بازگشته و دولتی را تشکیل دهد؛ خمینی فرصت ایجاد یک راه حل مسالمت آمیز را از بین برد.

* ۵ نوامبر. حمله به بانکها، سینماها و مشروب فروشیها به اوج بی نظمی و آشوب رسید. تا به حال ۳۰۰ بانک تخریب شده، ساختمان ۱۱ طبقه بانک ملی ایران با خاک یکسان شد. مقر ۷ طبقه بانک ملی دستخوش حریق گشته، تعداد بیشماری از سینماها و مشروب فروشیها به آتش کشیده شدند. دولت شریف امامی استعفا می دهد.

* ۶ نوامبر. شاه، ژنرال غلامرضا ازهاری را به عنوان نخست وزیر برگزید. او نیز به نوبه خود خواستار برقراری نظم و آرامش گردید و به وجود فساد در دولت اعتراف نمود. سخنرانی وی مورد قبول همگان قرار گرفت و تنها برخی معتقدند که او نیز مرتکب اشتباهات شخصی خواهد شد؛ قانون اساسی می گوید که شاه نمی تواند خطاکار باشد ولی دولت چرا.

رؤای قوای سه گانه به وزارتخانه ها منصوب گردیدند؛ ربیعی وزیر مسکن، اویسی وزیر کار، حبیب اللهی آموزش و پرورش/ صنایع / فرهنگ / آموزش عالی، قره باغی وزیر کشور و غیره. یک هفته بعد استعفا داد چون بر اساس قانون اساسی نمی تواند دارای دو پست مهم دولتی باشد.

* محرم. (۱۰ ۱ دسامبر). عزاداری برای امام حسین، سومین امام؛ فرزند علی، جانشین محمد)؛ آغاز تظاهرات وسیع سرپیچی از قوانین حکومت نظامی سردادن شعارهای اللّه اکبر از روی بامها نیز مانند تحقیر حکومت نظامی به صورت امری عادی در آمده است.

* ۷ ۸ دسامبر. تخلیه وابستگان آغاز شد تا خطر ناشی از شورشهای ۱۰ ۹ دسامبر کاهش یابد.

* تاسوعا (۹ دسامبر). رژه توسط ازهاری مجاز شناخته شد. ۳۴ میلیون تا یک میلیون نفر تا شهیاد پیاده روی کردند.

* عاشورا (۱۰ دسامبر). تاسوعا تکرار می گردد. میزان جمعیت همان است.

* دسامبر. قطع برق شبانه، کمبود بنزین، نفت و گازوئیل. صفوف ۴۸ ساعته بنزین، صفوف نفت حداقل ۱۰ ۸ ساعت. کمبود گازوئیل خانه ها و حمامها را سرد نموده است.

* ۳۰ دسامبر. به ژنرال ازهاری یک سکته قلبی خفیف دست داده و خواستار کناره گیری از پست نخست وزیری شده است.

* ۳ ژانویه ۱۹۷۹. از صدیقی برای تشکیل حکومت دعوت شد ولی نتوانست کابینه ای را تشکیل دهد. ژنرال اویسی، فرمانده نیروی زمینی و رئیس حکومت نظامی تهران از کشور خارج و عازم آمریکا گردید. بدعاقبتی بود. شاپور بختیار موافقت کرده است که به سه شرط حکومتی را تشکیل دهد

که عبارتند از: شاه کشور را ترک نماید؛ به او آزادی عمل داده شود؛ و ارتش نیز تحت کنترل وی درآید. شاه نیز موافقت می کند.

* ۷ ژانویه ۱۹۷۹. بختیار کابینه خود را تقدیم می دارد که همه ضد شاه هستند. این کابینه اکنون باید مورد تصویب مجلس و سنا واقع گردد. مقررات منع عبور و مرور از ساعت ۱۱ شب تا ۵ صبح است. صحبت از کودتاست.

* ۱۵ ژانویه ۱۹۷۹. کابینه بختیار مورد تأیید قرار می گیرد.

چرخش ناگهانی قضایا

* ۱۶ ژانویه ۱۹۷۹. شاه ایران را برای استراحت ترک می کند و شورای نیابت سلطنت را عهده دار امور می گرداند. تهرانی رئیس شورا می شود. هیجان زیادی وجود دارد. شاه یک روز را در بندرعباس به سر برد.

* ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹. یک روز را نیز در بوشهر به سر برد. روحیه ضعیف است ولی کاملاً درهم شکسته است.

* ۲۱ ژانویه ۱۹۷۹. کمونیستها تظاهرات عظیمی را در پائین شهر تهران برگزار کرده و با مقداری مخالفت روبرو می شوند.

* ۲۳ ژانویه ۱۹۷۹. خمینی تهدید می کند که به تهران باز خواهد گشت؛ فرودگاه مهرآباد به مدت ۵ روز بسته می شود.

* ۲۵ ژانویه ۱۹۷۹. طرفداران قانون اساسی در حمایت از بختیار راهپیمایی موفقیت آمیزی تا میدان بهارستان مقابل مجلس به راه می اندازند. ۵۰۰۰۰۰ ۳۰۰۰۰۰

* ۲۷ ژانویه ۱۹۷۹. بختیار می گوید که آماده است با خمینی در پاریس ملاقات نماید؛ خمینی

می گوید: «استعفا در دست پیش بیا».

۱ فوریه ۱۹۷۹. خمینی پس از ۱۵ سال به ایران باز می گردد. ۷۵۰۰۰۰ تا ۱ میلیون با بیان «آقا آمد» به استقبال وی می شتابند.

۶ فوریه ۱۹۷۹. خمینی، مهدی بازرگان ۷۰ ساله را به عنوان نخست وزیر حکومت انقلابی منصوب می نماید. بختیار می گوید که دولت انقلابی لطیفه ای بیش نیست.

۸ فوریه ۱۹۷۹. هفت تن از وزرای کابینه بختیار به سمت بازرگان می روند. قره باغی در مدرسه افسری می گوید «وظیفه ارتش دفاع از کشور است نه وارد شدن در سیاست».

۹ فوریه ۱۹۷۹. در کلیسای جامعه مسیحیان تهران یک سخنرانی تحت عنوان «نمی توان از هیچ چیز سر درآورد» ایراد می شود. در دوشان تپه، همافران دست به شورش می زنند. از گارد سلطنتی خواسته می شود تا آن را سرکوب کنند.

۱۰ فوریه ۱۹۷۹. شایع شده که ارتش به نبرد با نیروی هوایی پرداخته است. تیراندازی و آتش سوزی در جنوب قرارگاه نیروی دریایی.

مقررات منبع عبور و مرور از ساعت ۳۰/۱۶ آغاز می شود، با سرکوب ناآرامیها در دوشان تپه، بخش نیروی دریایی وارد عمل می شود؛ هیئت مستشاری نظامی آمریکا تصمیم به اقامت در قرارگاه

نیروهای سه گانه می گیرد. کلانتریها به ترتیب و به طور منظم به تسخیر در می آید.

پایان دوران یک دودمان

۱۱ فوریه ۱۹۷۹. از همه خواسته شده تا از منازل خود خارج نشوند. تیراندازیهای پراکنده. قره باغی حرکات ارتش را با عبارت «سیاست را برای سیاستمداران بگذارید» خنثی می کند. گارد سلطنتی به پادگان بازمی گردد. مردم دچار جنون می شوند. شایع شده که آب شهر زهرآلود گشته است. ژنرال بدره ای، جعفریان و بیگلری هرسه امروز کشته شدند.

۱۲ فوریه ۱۹۷۹. اسلحه خانه گارد سلطنتی به تصرف در می آید. هزاران قبضه سلاح، و میلیونها فشنگ اکنون در اختیار انقلابیون قرار گرفته است. رادیو اعلام می کند برای خنثی کردن انقلاب آمریکاییها نیز به گارد سلطنتی پیوسته اند. افراد گارد سلطنتی یا به انقلابیون پیوسته و یا از خدمت فرار می کنند. تیراندازیها افزایش یافته است. در ساعت ۳۰/۴ دقیقه صبح گاست و گروه وی توسط ابراهیم یزدی نجات یافته و به سفارت رسانده می شوند.

۱۳ فوریه ۱۹۷۹. دریا سالار حبیب اللهی از طریق رادیو از اعضای نیروی دریایی می خواهد که به کارهای خود بازگردند.

۱۴ فوریه ۱۹۷۹. در ساعت ۲۰/۱۱ گاست تلفن کرد که به سفارت حمله شده است. من به دریاسالار حبیب اللهی تلفن کرده و خواستار کمک شدم. از ایستگاه پلیس خمینی نیز تقاضای کمک کردم. در ساعت ۴۵/۱ گاست تلفناً می گوید که سفارت اشغال شده و ما تسلیم گشته ایم. نیروهای یزدی و خمینی از راه رسیده و از چریکها می خواهند که زندانیان را تسلیم کنند و بعد آنان را برای بازجویی به قرارگاههای خمینی می برند. چریکها ادعا می کنند که مارکسیست و فدایی هستند. مدعی هستند که در جستجوی اعضاء و سوابق مربوط به ساواک در سفارت می باشند. تمام پرسنل نظامی

سفارت همان روز بعد از ظهر به سفارت باز گشتند. باب پرایور وارد می شود و من از او دعوت می کنم که در اینجا بماند. در مورد ترک کلیسا در تاریخ ۱۱ فوریه سخن می گوید.

۱۵ فوریه ۱۹۷۹. افراد مسلح دم دروازه اجتماع می کنند. باغبان می گوید که شخص مهمی در اینجا به سر نمی برد.

۱۶ فوریه ۱۹۷۹. با پرایور همراه می شوم تا مراسم را در اتاق سعدی هتل هیلتون برگزار کند. شبه نظامیان خمینی درب ورودی را تحت کنترل دارند. در ساعت ۳۰/۱۲ هنگام تهیه نهار عبدل می گوید که کمیته اینجا آمده و حضور من الزامی است. از ۲۵ نفر کمیته ای هشت نفر وارد محوطه می شوند. از من سؤال می کنند که چرا هنوز اینجا هستم، از من می خواهند که اینجا را ترک نمایم چون امنیت ندارد. آنها نمی توانند حراست از ما را عهده دار شوند و با ما رفتاری مو□بانه دارند.

۱۷ فوریه ۱۹۷۹. نیروی دریایی ایران کار خود را آغاز می کند. کمیته به بازجویی افسران ارشد می پردازد. ناخدا سلطان نماینده ارشد نیروی دریایی است و یک ملا عهده دار امور است. برادران پورزند وضع خوبی ندارند. کیهان اولین تصاویر مربوط به «عدالت اسلامی» را منتشر می سازد. دادگاههای انقلابی ژنرال نصیری (ساواک)، ناجی (رئیس حکومت نظامی اصفهان)، رحیمی (رئیس حکومت نظامی تهران) و خسروداد (فرمانده هوانیروز) را محکوم و تیرباران می کنند. تصاویر خونین.

تصاویر چهار افسر دیگر با دستهایی از پشت بسته شده. آنها نیز به همان سرنوشت دچار می شوند.

عرفات رهبر ساف در شهر است.

۱۸ فوریه ۱۹۷۹. لباسها را به خدمتگذاران می دهم و اسباب و اثاثیه خود را بسته به هیلتون نقل مکان می کنم و به محض ورود ما اعلام می شود که هتل بمب گذاری شده است.

۱۹ فوریه ۱۹۷۹. در فرودگاه مهرآباد شدیداً تفتیش شده و پاسپورتم هفت بار مورد بررسی قرار گرفت. پرواز شماره ۱۵۰۲ به سوی آزادی پرواز می کند.

علل اصلی سقوط دودمان پهلوی

«تنفر خمینی از شاهنشاه»

«فساد در دولت»

«عدم موفقیت شاه در مراقبت از اوضاع»

«حکومت استبدادی شاهنشاه»

«فقدان اطلاعات باارزش و به موقع توسط آژانسهای اطلاعاتی آمریکا و ایران»

«خروج شاه از صحنه عمومی در ماه سپتامبر»

«حمایت فرانسه از خمینی»

«اخبار به زبان فارسی از شبکه بی بی سی»

«عدم موفقیت در اجرای قوانین حکومت نظامی»

«عدم موفقیت در مبارزه علیه خمینی و مخالفین»

«عدم موفقیت در سرکوب مو□ر اعتصابات»

«عدم وجود ارتش با دل و جرأت»

«حدسیات نادرست در مورد توان جذب منابع پرسنلی ایران»

«سیاستهای حقوق بشر»

«عدم برداشت صحیح غربیها از فرهنگ خاورمیانه ای»

سؤالات مهم بدون پاسخ

«چرا شاه از رهبریت فعال کناره گیری کرد؟»

«چرا ژنرال قره باغی ارتش را خنثی نمود؟»

«چرا دولت سعی نکرد یا اعتبار خود را نزد مردم بالا ببرد یا حیثیت خمینی را لکه دار کند؟»

«چرا ارتش صنایع اعتصابی از جمله پالایشگاهها و گمرکات را به تصرف خود در نیاورد؟»

ملاقات با کاردار ایران

سند شماره (۱۴)

طبقه بندی: خیلی محرمانهتاریخ: ۲۷ آوریل ۷۹ ۷ اردیبهشت ۱۳۵۸

از : وزارت خارجه واشنگتن به : سفارت آمریکا تهران فوری شماره: ۶۹۲۴

موضوع : ملاقات با کاردار ایران

۱ تمام متن خیلی محرمانه است.

۲ فقیه، کاردار ایران در ۲۷ آوریل به تقاضای خودش در بخش ایران امور خاور نزدیک، حضور به هم رسانید. مقصود اولیه فقیه از این ملاقات دو جنبه داشت:

الف حمایت دولت موقت ایران از درخواست نصر (ناصر) افشار در مورد آزادی (انتشار) اطلاعات را متذکر شد و همچنین اظهار داشت روحانی و دیگران از وی خواسته اند تا بر حمایت دولت موقت از انتشار اسناد مربوط به خاندان پهلوی تأکید ورزد.

ب بر پیام اخیر که بوسیله یادداشتی ارسال شده بود و در آن اظهار شده بود چنانچه ایالات متحده برای خاندان پهلوی ویزا صادر نماید، دولت موقت ایران آن را یک اقدام خصمانه تلقی خواهد نمود. تأکید ورزید. مقام وزارت خارجه در پاسخ به فقیه خاطرنشان ساخت که وی باید مراقب باشد که در امور داخلی دولت ایالات متحده دخالت ننماید. دعوای حقوقی ناصر افشار هنوز در دادگاهها مطرح می باشد و با در خواست وی برای آزادی (انتشار) اطلاعات بنا به صحت یا عدم صحت نفس دعوا و مطابق با قوانین و مقررات ایالات متحده برخورد خواهد شد. ما کاملاً از احساس قوی دولت ایران و ایرانیان نسبت به شاه آگاه بوده ایم. گزارش مطبوعات به طور واضح به مسئله غامضی که این امر برای دولت ایالات متحده ایجاد نموده، اشاره کرده بود. ایران بایستی آگاه باشد که ایالات متحده در مورد پذیرش خارجیانی که در دردسر افتاده اند. بدون اینکه به سوابق آنان توجه نماید دارای یک

خط مشی سنتی می باشد. ما امیدوار بودیم که روابط با ایران به تدریج تقویت گردد تا بتواند بر پایه و اساسی محکمتر از مسئله صدور ویزا قرار گیرد. در حال حاضر مسئله آمدن خانواده پهلوی به ایالات متحده مطرح نشده چون که به نظر می رسد آنها رو به سوی مقصد دیگری نهاده باشند. مقام وزارت خارجه گفت که چندین ماه پیش در تهران برای خانواده پهلوی ویزا صادر شد.

۳ مقام وزارت خارجه در رابطه با بررسی روابط ایران و آمریکا نکاتی که وزیر (خارجه آمریکا) به آنها اشاره کرده بود را مورد تأکید قرار داد و اظهار داشت که ما مایل به ایجاد رابطه ای نزدیک و مولد با ایران هستیم ولی قصد نداریم که برای سرعت بخشیدن به آن به ایران فشار بیاوریم. وی اظهار داشت که ما مشتاقانه از هر گونه پیشنهادی که دولت ایران در تقویت ثبات سیاسی و اقتصادی آن مد نظر دارد، استقبال می کنیم. ما علی الخصوص خواستار آن می باشیم که هر گونه سوءظنی یا شکی که ایران ممکن است نسبت به اقدامات آمریکا داشته باشد، در سر میز مذاکره مطرح شود.

۴ مقام وزارت خارجه این طور به سخنان خود ادامه داد که ما از اظهارات اخیر خمینی مبنی بر این که ایالات متحده به نحوی علیه ثبات ایران فعالیت می نماید، ناراحت شده ایم. البته این موضوع مطمئناً حقیقت ندارد چون که ما قویاً از استحکام بیشتر دولت بازرگان حمایت کرده ایم. ما امیدوار بوده ایم که آن افرادی که مشاور آیت اللّه می باشند با صراحت و صداقت در مورد موضع ایالات متحده از ابتدای انقلاب با وی گفتگو کنند. چنانچه آنان سوءظن و تردیدهایی به دل دارند که می خواهند برای

آیت اللّه مطرح نمایند، ما امیدواریم که در ابتدا آن را برای ما مطرح نمایند.

۵ مقام وزارت خارجه این طور ادامه داد که یکی از مسائل غامضی که از بازگشت به شرایط عادی جلوگیری می کند، وضعیت امنیتی محوطه سفارتخانه ما است. تا زمانی که ما حفاظت از آن را بهبود نبخشیده ایم، قادر نخواهیم بود که بر یک اساس عادی و به آن نحو که مطابق میل ماست شروع به صدور ویزا بنماییم.

۶ مقام وزارت خارجه با اشاره به موضوع ویزا، خاطرنشان ساخت که برخی از کنسولگریهای ایران عرف جاری در صدور ویزا را رعایت نکرده و برای مثال برخی از ویزاها برای مدت ۱۰ روز و یک بار ورود معتبر می باشد. برخی از کارمندان کنسولی ما نیاز به ارائه معرفی نامه ای از دولت ایالات متحده دارند. همانطور که کاردار مطلع است، قانون ما بر لزوم مقابله به مثل در صدور ویزا تأکید دارد. ما مایل نیستیم که این کار را به یک امر عادی تبدیل نماییم، لیکن اگر وضعیت اصلاح نشود مجبور به انجام آن می باشیم، فقیه گفت که وی سریعاً به این امر رسیدگی می کند و اظهار داشت که برخی از اعضای کمیته از عرف جاری عدول می نمایند. او برای تصحیح این وضعیت با دکتر یزدی تماس خواهد گرفت. ما از او درخواست کردیم که پیش از آنکه از سفارت آمریکا در تهران درخواست نماییم موضوع را با مقامات دولت موقت ایران در میان بگذارد، وی گزارشی از یافته های خود در مورد این امر به ما بدهد.

۷ سرانجام مقام سفارت موضوع رضا امینی را مطرح ساخت و اظهار داشت که وی شخصاً نمی تواند قبول کند که رضا امینی در توطئه علیه دولت جدید دخالت داشته است. هیچ گونه اتهامی در مورد وی اعلام نشده است و اثر عملی ادامه حبس امینی زیانی برای تلاشهای ما در جهت تقویت روابط ایران و آمریکا می باشد. فقیه این موضوع را یادداشت کرد و اشاره نمود که وی با تهران تماس

خواهد گرفت.ونس

ملاقات کاردار با دکتر محمد ایزدی ، وزیر کشاورزی

سند شماره (۱۵)

طبقه بندی : خیلی محرمانهتاریخ : ۴ مه ۱۹۷۹ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا در تهرانبه: وزارت خارجه آمریکا در واشنگتن دی. سی. فوری

موضوع : ملاقات کاردار با دکتر محمد ایزدی ، وزیر کشاورزی

۱ (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲ خلاصه: در تاریخ ۲ مه کاردار طی ملاقاتی با ایزدی وزیر کشاورزی همان پیام سیاسی قبلی را به وی داد و ایزدی در پاسخ با لحنی مؤدبانه لیکن در کمال خونسردی گفت مایل است که مشکلات موجود در زمینه سیاست خارجی آمریکا از بین رفته و براساس روابط تاریخی در زمینه آموزشی، فنی و کالا، رابطه دوجانبه کشاورزی برقرار گردد. در مورد سیاستهای جدید و یا خاص کشاورزی مطلبی آشکار نشد ولی وزیر از سازندگان تجهیزات کشاورزی آمریکایی دعوت کرد که پیشنهادات خود را در زمینه قراردادهای تولید دراز مدت به وزارتخانه تابع وی تسلیم نمایند. (پایان خلاصه)

۳ کاردار همراه با جانشین مشاور اقتصادی در تاریخ ۲ مه با دکتر محمد ایزدی ، وزیر کشاورزی و عمران روستایی ملاقات نمود. آقای مقصودپور از دفتر روابط بین المللی نیز در این ملاقات حضور

داشت. کاردار به تشریح سیاستهای اصلی آمریکا در قبال ایران، تمامیت ارضی ایران و بنیه اقتصادی و عدم مداخله آمریکا پرداخت و اظهار امیدواری کرد که بتوانیم در این جو جدید بر اساس تفاهم متقابل، وابستگیهای تاریخی و مبادرت به انجام بازرگانی سودآور برای طرفین با یکدیگر همکاری کنیم. در اینجا کاردار به ذکر چند برنامه دوجانبه فنی، به خصوص در رابطه با وزارت کشاورزی پرداخت و با اعتراف به ناپختگی این ملاحظات، از وزیر کشاورزی ایران دعوت کرد تا در حین طراحی برنامه های کشاورزی خود جنبه خصوصی و عمومی موجود در آمریکا در رابطه با این مسئله را نیز مد نظر داشته باشد.

۴ دکتر ایزدی ، در پاسخ، به نادرست بودن استراتژی اقتصادی رژیم گذشته که بر پروژه های «نمایشی» بیشتر تأکید داشت و اهداف غیرواقعگرایانه ای را دنبال می کرد اشاره نمود. وی گفت ایران باید به کشاورزی سنتی خود با تأکید بر تمام فنون مناسب باز گردد: «ما از تمام دوستانمان کمك دریافت خواهیم کرد.» در رابطه با روابط خارجی در زمینه کشاورزی وی گفت که آمریکا منبع شماره یك و منطقی کمکهای فنی و علمی ماست چون برتری نهادهای آمریکایی و آب و هوای آن نقش مهمی را در آموزش ایرانیها داشته است. وی گفت ادامه یا قطع این روابط به سیاست آمریکا در زمینه ترغیب این روابط بستگی دارد.

۵ در زمینه مسائل سیاسی، دکتر ایزدی به اختلاف بین آمریکاییها (محبت آمیز و مثمر ثمر و غیره) و سیاست آمریکا پرداخت. وی گفت سیاست آمریکا بر گزارشات عمال آن و رسانه های جمعی آمریکایی استوار بوده که اغلب تحت کنترل همان انحصاری است که فیلمهای آمریکایی می باشند. اگر آمریکا درمی یابد که مورد تنفر واقع شده، به خاطر این است که خارجیها نسبت به نادرست جلوه گر شدن خود در رسانه های ما عکس العمل نشان می دهند. وی گفت اگر طبق نظر کاردار، آمریکا بخواهد

در این روابط بهبودی پدید آورد باید وضع رسانه های جمعی آمریکایی را تغییر دهد. وی گفت دولت کنونی ایران با نظری باز به مسائل نگریسته و خواستار برخوردی صادقانه است. از آنجا که همه ما فرزندان آدم و حوا هستیم، باید بر اساس تفاهم و احترام متقابل با یکدیگر همکاری کنیم. این ملاقات ۳۰ دقیقه ای در حالی پایان یافت که دکتر ایزدی به انتقاد از مطبوعات آمریکا پرداخت و گفت که در نتیجه چند سال تحصیل در آمریکا دریافته است که رسانه های آمریکا تحت کنترل چند انحصارطلب می باشند. دولت آمریکا باید با وضع قانونی، این مسئله را حل کند؛ ولی بعداً اظهار داشت که البته او طرفدار آزادی مطبوعات است.

۶ کاردار با نظریات وزیر کشاورزی و انتقادات صادقانه وی از رسانه های آمریکا گفت که شاه نیز از مطبوعات آمریکا انتقاد می کرد ولی می گفت که چنین مطبوعاتی نمی تواند چندان بد نیز باشد.

۷ در تلاش برای متمرکز ساختن بحث در زمینه مسائل کشاورزی کاردار از وزیر کشاورزی خواست که در مورد سیاست و برنامه های کشاورزی سخن بگوید. بار دیگر با در نظر گرفتن اینکه دولت وی جدیداً روی کار آمده است، از وی خواست که برنامه های دولت را در زمینه عمران روستایی (راهسازی و برق رسانی)، سیاستهای بنیادین کشاورزی (تعاونیها،) شرکتهای صنایع کشاورزی) و سیاستهای قیمت گذاری کالاها تشریح نماید. دکتر ایزدی گفت در این زمینه و به خصوص در زمینه ساختار کشاورزی تصمیمات چندانی گرفته نشده است. وی گفت شخصاً خواستار

سرمایه گذاریهای خصوصی با مداخله دولت در زمینه تعیین مسیرهای صحیح و تأمین وسایلی که توسط بخش خصوصی مکن نیست مانند سدهای آبیاری و راهسازی است. قیمت رسمی گندم افزایش یافته و قیمت غله، چغندر و برنج تحت بررسی است. هنگامی که مقام سفارت از موفقیتهای تعاونی ملی روستایی آمریکا در کشورهای دیگر سخن به میان آورد؛ نیز گفت که این شرکت تعاونی مایل است در این زمینه به ایران نیز کمک کند. دکتر ایزدی گفت برنامه برق رسانی روستایی مهم است ولی باید پس از توزیع و انبارسازی تولیدات کنونی کشاورزی صورت پذیرد. (جزئیات اطلاعات مورد درخواست در تلگرام عطف، پس از ملاقات ما دریافت گردید، ولی بیشتر متناسب با تلاش وابسته کشاورزی است، که پس از تعطیل دفتر کار این وابسته در اواسط فوریه متوقف ماند.)

۸ وزیر ایزدی از سازندگان تجهیزات کشاورزی آمریکا خواست که پیشنهادات خود را به این وزارتخانه تسلیم کنند؛ البته اگر مایل به مشارکت در تولیدات درازمدت در ایران هستند. وی گفت این وزارتخانه همگام با تأکید جدید ایران بر کشاورزی سه شرکت را جهت تولید و فروش به ایران دعوت خواهد نمود. البته توان آنها در تولید قطعات یدکی و ارائه خدمات نیز مدنظر واقع خواهد شد. شرکتهای علاقه مند باید کاتالوگهای تولیدات خود را با ذکر قیمتها ارائه نمایند. مقام سفارت پرسید این سیاست بر آینده دیگر شرکتهای خارجی مقیم اینجا (از جمله شرکت تراکتورسازی رومانی با مسی فرگوسن تبریز و شرکت جان دیر و اینترناسیونال هاروستر اراک) تأثیر خواهد داشت؟ و وزیر کشاورزی گفت این تسهیلات را می توان تغییر داد. (تذکر: کارمندان بخش بازرگانی و کشاورزی ما مسئله را تعقیب می کنند و گزارشات بعدی را ارسال می دارند.)

۹ مدت ۲۵ دقیقه منتظر ملاقات ماندیم و به مقصودپور از وزارت کشاورزی و تعاون روستایی توضیح دادیم که وزارت کشاورزی ایران، پیش پرداخت ۲۱۷۰۰ دلار به آموزش بینندگان رشته

جنگلداری را به وزارت کشاورزی آمریکا بدهکار است. وی گفت که از هیچ کمکی در زمینه حل این مسئله فروگذار نخواهد کرد و کارمندان محلی اداره کشاورزی خارجی ما با وی تماس خواهند گرفت. مقصودپور که بیست و پنج سال در خدمت این وزارتخانه بود، گفت این وزارتخانه شروع به کار خواهد کرد. تشکیلات اداری آن از نه معاون به چهار معاون کاهش یافته که یکی از آنها از چهره های گذشته است.

۱۰ بیوگرافی: دکتر محمد ایزدی ، ۵۳ ساله، فردی است لاغر اندام، با کله ای تاس و صورتی ریش دار. او زبان انگلیسی را خیلی خوب به کار می برد و به دقت صحبت می کند و ظاهری مورد اعتماد دارد. او در دانشگاه پنسیلوانیا درس خوانده و در زمینه علوم کشاورزی از دانشگاه اورگون مدرک دکترا دریافت کرده است. در این اواخر نیز در دانشگاه پهلوی شیراز به عنوان استاد علوم کشاورزی کار می کرد. وی خود کشاورز است و ظاهراً سیب زمینی، کلم و برنج می کارد. رفتار وی با میهمانانش توأم با خونسردی و بی تفاوتی بود. پذیرش گرمی از ما به عمل نیاورد. (حتی در حین گفتگو، بدون عذرخواهی به انجام یک مکالمه طویل المدت تلفنی پرداخت). به نظر می رسید او خود را آماده کرده باشد تا به محض شروع سخن حملاتش را به سیاست خارجی آمریکا آغاز نماید. نظریات صادقانه و تحقیقاً تغییرناپذیر وی در مورد مطبوعات آمریکا که رواج آن حتی بین ایرانیانی با این تحصیلات عالی در آمریکا نیز عجیب نیست، توأم با تعقیب کورکورانه وی در مورد تبلیغات و اکاذیبی

بود که (توسط) خمینی و «جوخه حقیقت گوی» وی به خورد مردم ایران داده می شود. ایزدی نیز مانند دیگر وزیران کابینه بازرگان برای مقام خود شایستگی دارد. گرایشات او به بخش خصوصی شرایط خوبی برای یک برخورد اصلی با حرفه ای فراهم می آورد که فعلاً اعتمادی نسبت به آن در سرمایه گذاران وجود ندارد.

در صورت وجود امکانات پرسنلی این ملاقات باید پیگیری شود. اعتراف صریح ایزدی نسبت به تمایل طبیعی ایران به سمت آمریکا در زمینه کشاورزی نیز باید به دقت توسط بخش خصوصی ما مورد بررسی قرار گیرد تا اگر نتواند مانع از بین رفتن خصومت وی نسبت به موضع آمریکا بشود، حداقل سوءظن و تردیدهای وی را از بین ببرد.

نامه وزیرخارجه ایران (یزدی) به وزیر خارجه امریکا(ونس)

سند شماره (۱۶)

بسمه تعالی

جناب آقای وزیر امور خارجهتاریخ : ۳۰/۲/۱۳۵۸

دریافت نامه مورخ سیزدهم مه ۱۹۷۹ آن جناب موجب خوشوقتی گردید.

از تبریکات و آرزوهایی که به مناسبت انتخاب اینجانب به سمت وزیر امور خارجه دولت موقت جمهوری اسلامی ایران ابراز فرموده اید سپاسگزارم و مایلم متقابلاً به شما اطمینان بدهم که جمهوری اسلامی نیز در مسائل و مصالح مشترک دو کشور آماده همکاری می باشد.

از خبری که در مورد انتصاب آقای کاتلر به سمت سفیر ایالات متحده آمریکا در تهران بمن داده اید متشکرم و امیدوارم به محض مساعد شدن فضای روابط دیپلماتیک دو کشور، ایشان بتوانند به ایران آمده وظایف خود را شروع کنند.

من از عقیده شما مبنی بر لزوم تبادل نظر کامل و صادقانه، خواه به طور مستقیم و خواه به وسیله نمایندگان دو کشور، استقبال می کنم و در چهارچوب این فکر مایلم مطلب زیر را با شما در میان بگذارم و توجه خاصتان را نسبت به آن جلب نمایم.

جناب آقای وزیر امور خارجه

شما در نامه خودتان نوشته اید که دولت متبوعتان قصد ندارد به هیچ گونه در امور داخلی ایران مداخله نماید. من از این تصریح متشکرم. اما ناگزیرم بگویم که به نظر دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، قطعنامه مورخ ۱۷ مه ۱۹۷۹ سنای کشور شما در مورد مجازات جنایتکاران رژیم سابق به هیچ وجه از اصل فوق پیروی نمی کند و از مصادیق بارز مداخله در امور داخلی کشور ما می باشد و ناگزیر دولت ایران نسبت به این رویه و قطعنامه سنای آمریکا شدیداً اعتراض می نماید.

برای ملت ایران مایه تعجب است که چگونه سنای آمریکا، هنگامی که رژیم گذشته جوانان ما را بی پروا به خاک خون می غلتاند ساکت می ماند و احساس نمی کرد که حقوق بشر در ایران نقض شده است. اما اکنون که انقلاب پیروز شده و جنایتکاران، بدون در نظر گرفتن وابستگیهای مذهبی آنان، به سزای اعمالشان می رسند فریاد نقض حقوق بشر را در کشور ایران بلند کرده و از کسانی که برای بیش از نیم قرن شرم آورترین جنایات را مرتکب شده اند، پشتیبانی می نماید.

جناب آقای وزیر امور خارجه

یقین دارم که جنابعالی به خوبی وقوف دارید که یکی از هدفهای اصلی و مستمر انقلاب مردم ایران، پایان دادن به هرگونه دخالت بیگانگان در امور داخلی کشورشان است. در چنین شرایطی باید با نگرانی اظهار کنم که اقدام سنای کشور شما نه تنها به ایجاد تفاهم مشترک و مبنایی برای همکاری ثمربخش که شما در نامه خودتان بدان اشاره کرده اید کمک نمی کند بلکه دولت ایران را مجبور می سازد که زیر فشار شدید افکار عمومی ملت در روابط خود با دولت آمریکا در جهت محدود نمودن آن تجدید نظر نماید.

به شما اطمینان می دهم که دولت متبوع من نیز مایل است با ایالات متحده آمریکا روابط نزدیک

دوستی و همکاری را بر اساس حفظ استقلال مملکت و منافع ملی و احترام متقابل برقرار نماید ولی

این روابط همان طوری که جنابعالی نیز متذکر شده اید باید بر مبنای جدیدی پایه گذاری شود. این مبنا، به نظر دولت من، توجه و احترام به احساسات و خواسته های مردم ایران و قبول واقعیات ملهم از انقلاب قهرمانانه آنان می باشد.

به شما اطمینان می دهم که چنانچه روابط جدید دو کشور ما بر اساس مبانی فوق بنا شود زمینه برای همکاریهایی که جنابعالی در نامه خودتان بدان اشاره فرموده اید مساعد خواهد شد.

متقابلاً آرزومندم در آینده فرصتی پیش آید که شما را ملاقات کنم.

با احترام ابراهیم یزدی

جناب آقای سایروس

ونس وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا

تظاهرات ضدآمریکایی موعود

سند شماره (۱۷)

از : وزارت خارجه در واشنگتن دی. سی.تاریخ : ۲۴ می ۱۹۷۹ ۳ خرداد ۱۳۵۸

به : سفارت آمریکا در تهران فوریطبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : تظاهرات ضدآمریکایی موعود

۱ تمام متن خیلی محرمانه است.

۲ ما از اقدامات سفارت برای بالا بردن امنیت سفارت و نیز طرح متفرق ساختن پرسنل سفارت در روز تظاهرات تا حد امکان، تقدیر می نماییم. به هر حال ما تا این تاریخ از پاسخ دولت موقت ایران به درخواست شما مبنی بر افزایش اقدامات امنیتی رضایت نداریم. بنابراین لطفاً برای خاطرنشان ساختن نکات ذیل سریعاً با نخست وزیر بازرگان و یا وزیر خارجه یزدی ملاقات نمایید:

الف. همان طور که دولت ایران واقف است دولت ایالات متحده نهایت سعی خود را در جهت بهبود روابط و عادی ساختن آن با ایران مبذول داشته و تلاش نموده که بروز عکس العملهای عاطفی یا توأم با سوء تفاهم را محدود سازد. ما توانایی کنترل اظهارات مطبوعات آمریکا و یا کنگره این کشور را نداریم.

ب. ما سعی نموده ایم که تصویری واقعی از وقایع ایران ترسیم نموده و منافع و نگرانیهای مشترک دو کشور را برای کلیه طرفهای آمریکایی ذیربط توضیح دهیم.

ج. ما از پدیده فزاینده ضدآمریکایی گرایی، که به نظر می رسد عمدتاً از سوء تفاهم مردم نسبت به رفتار دولت ایالات متحده نشأت می گیرد، مضطربیم. ما محدودیتهایی را که دولت موقت ایران با آن روبروست درک کرده و تلاشهای این دولت را که تاکنون در جهت خنثی کردن جو کاملاً متشنج فعلی انجام گرفته مورد تقدیر قرار می دهیم.

د. ما بشدت نگران این مطلب هستیم که مبادا تظاهرات، امنیت پرسنل سفارت در تهران را مورد تهدید قرار دهد. ما مایلیم که دولت ایران اقدامات حفاظتی بیشتری را در این شرایط توأم با تشنج احساسات به عمل آورد. در عین حال ما سریعاً درخواست می کنیم که مقداری از افراد امنیتی مؤثر و منظم در جهت تأمین امنیت سفارت آمریکا و پرسنل آن به کار گمارده شوند.

ه. ما همچنین خواستار اجرای، اقداماتی در جهت جلوگیری از برگزاری تظاهرات مورد نظر که ممکن است در اثر تهدید محل سفارت به خشونت بینجامد هستید.

۳ در همین حال ما همین نکات را در یک نشست اضطراری در این جا با سفارت ایران در میان خواهید گذاشت. کریستوفر

روندهای اقتصادی ایران

سند شماره (۱۸)

ژوئن ۱۹۷۹ خرداد ۱۳۵۸گزارشی از سفارت آمریکا در تهران

روندهای اقتصادی ایران

خلاصه

در اواسط سال ۱۹۷۹ اقتصاد ایران در نتیجه یک تشنج انقلابی که به صورت جمهوری اسلامی در فوریه گذشته ظاهر گردید، فلج شد. علیرغم وجود برخی فریبکاریها جهت عادی نشان دادن اوضاع،

مانند خدمات اصلی زیر بنایی، سطح فعالیت اقتصادی مولد معادل نیمی از فعالیتهای انجام شده در سال گذشته نیز نمی باشد. این وضع بر کشاورزی تأثیری نداشته و در بخش صنایع، صنایع غذایی و دارویی به صورت تقریباً عادی و طبیعی به عملیات خود ادامه می دهند. با وجود این که هیچ گونه آمار و ارقام رسمی و یا حتی برآوردی منتشر نشده، ولی گمان بر این است که تولید ناخالص ملی واقعی در سال ۱۳۵۷ که در تاریخ ۲۰ مارس پایان می گیرد ۲۰ درصد کاهش یافته است. به بهبود وضع اقتصادی به عنوان یک چشم انداز میان مدت نگریسته می شود که عوامل سیاسی نقشی تعیین کننده تر از عوامل اقتصادی، در به وجود آوردنش داشته اند. رهبران انقلابی ایران وارث اقتصادی بیمار گونه می باشند، ولی عوامل مثبتی چون ذخایر ارزی بسیار، بدهیهای ناچیز پایگاه نفتی پردرآمد و امکانات درازمدتی که می تواند توجیه کننده آرمانهای نسبتاً جاه طلبانه اجتماعی و اقتصادی باشند، را نیز در اختیار دارند. تأثیر انقلاب بر منافع بازرگانی خارجی در ایران نیز منفی و عمده بوده است. وضع اکثر قراردادهای منعقده در قبل از انقلاب هنوز نامعلوم است و از بازرگانان خواسته شده که قبل از سفر به ایران و یا محاسبه در مورد امواج فعلاً آرام انقلابی آن، آخرین اطلاعات لازم را تهیه کنند.

وضع آشفته روندااقتصادی جاری

وضع آشفته اقتصادی

اقتصاد بعد از انقلاب ایران تا آخر ماه ژوئن آشفته بوده است. تداوم ماهیت انقلاب که موجب سرنگونی حکومت سلطنتی در ۱۱ فوریه گردید، مؤثرترین عامل در این آشفتگی اقتصادی است. ایران تحت یک حکومت موقت است و در انتظار اتخاذ تصمیم در زمینه یک قانون اساسی جدید و انتخاب یک حکومت دائمی است. موقتی بودن دولت و چشمداشتهای بسیار منفی، بیمارگونگی اقتصاد را نیز تداوم می بخشد. دولت و مقامات انقلابی در ماه فوریه اقتصادی را به ارث بردند که از عدم توازنهای ناشی از اعتصابات و امتیازات اعطایی به کارگران زیان دیده بود. صنعت گذشته از بخشهایی که مانند صنایع غذایی و دارویی اعتصاب زده نیستند، در وضعی بسیار بد به سر می برد. بخش صنعت ساختمانی کاملاً تعطیل و متوقف گردیده است. بازرگانی دستخوش کندی مصرف، تحریمهای گمرکی، و سیستم بانکی تقریباً ورشکسته، شده است. بخش نفتی قادر به تأمین نیاز داخلی نبوده است. این وضع آشفته، ظاهراً بر کشاورزی چندان تأثیری نگذاشته است. ولی، برخلاف بسیاری از انقلابیون موجود، رهبران ایران یک ذخیره ارزی خارجی بسیار خوب، میزان بدهی ناچیز و قدرت اکتساب درآمدهای ارزی از طریق بخش نفتی را نیز به ارث برده اند.

از زمان تغییر حکومت عوامل غیر اقتصادی نقش بسزایی داشته اند. مانند بسیاری از انقلابها، «روند پاکسازی» از اولویت برخوردار بوده و نتایج اقتصادی حاصل از این کار نیز تابع نیل به اهداف انقلابی گردیده است. ولی این مرحله از «گذشته نگری» انقلاب گویا هنوز به حد تکامل نرسیده است قراردادها، حرکتهای مالی و ثروتهای شخصی تحت بررسی قرار گرفته و افراد مقصر توسط عدالت انقلابی ریشه کن گردیده اند. این عمل نیز نتوانسته است به رشد عوامل مورد نیاز برای بازیابی اقتصادی، از قبیل ایجاد ساختار قدرت، تصمیم گیری مؤثر نظم و ترتیب کارگری و چشمداشت مؤثر و

مثبت کمک کند. بر عکس، اکثر اعضای رهبریت ارشد و برجسته دولتی و تجاری کشور برکنار، زندانی، اعدام و یا به دلخواه تبعید شده و یا به آنها دستور داده شده که از کشور خارج شوند، و با ادامه از دست رفتن مدیران میان رتبه، حرفه ایها و تکنیسینها از طریق مهاجرت، اقتصاد ایران دچار کمبود رهبریت و تخصص و فرسایشهای ناشی از این روند و نتایج حاصل از آن شده است. مقامات عمومی و تجاری، تصمیمی نمی گیرند و افراد زیر دست آنها نیز که از نتایج نامشخص این روند انقلابی هراسناک هستند، مانع از اجرای برنامه ها می شوند.

بسیاری از جنبه های اقتصاد ایران بعد از انقلاب به طرز عجیبی عادی است. ساختار زیربنایی آب، برق، مخابرات، پست و عرضه نفت به قوت خود باقی بوده و با تأمین نیازهای اولیه چنین می نماید که وضع در بقیه نقاط نیز عادی است. کارمندان دفاتر و بانکها در محل کار خود حاضر می شوند و اکثر مغازه ها بازند، اما میزان عملکرد اقتصادی پایین تر از سطح معمول است و این امر در وضعیت انقلاب قابل درک است، ولی با وجود مشکلات عادی و روزمره قابل تمجید نیست. در ماه ژوئن، یکی از مقامات برجسته ایران گفت که صنایع کشور با ۴۰ درصد ظرفیت کار خود را دنبال می کنند؛ ولی منظور او احتمالاً ۴۰ درصد ظرفیت معمول بوده است. همین شخص، کمبود اعتبار و فقدان اطمینان را موانع اصلی در راه رسیدن به بازیافت اقتصادی خوانده است.

از سپتامبر ۱۹۷۸ یعنی آغاز بحران انقلابی آمار اقتصادی چندانی ارائه نشده است. گزارش سالانه بانک مرکزی، که در برگیرنده آمار اقتصادی سال مربوطه است، تا قبل از ماه سپتامبر منتشر نخواهد شد؛ یعنی سه ماه از موعد انتشار آن خواهد گذشت. بهترین برآورد ما در مورد عملکرد اقتصادی سال ۱۳۵۷ که در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۷۹ پایان می یابد، تولید ناخالص ملی را معادل ۷۰ میلیارد دلار برآورد کرده که در مقایسه با ۱۷ درصد افزایش در سال ۱۳۵۶ حدود ۸ درصد کاهش داشته است. در این سطح تولید ناخالص ملی، می توان گفت که درآمد سرانه ۱۹۸۸ دلار یعنی ۲۰ درصد کمتر بوده است. طبق برآورد ما در صورت ثابت ماندن قیمتها از سال ۱۳۵۳، تولید ناخالص ملی ۲۰ درصد کاهش و معادل ۴۴ میلیارد دلار بوده است، که با ۸/۲ درصد رشد سال ۱۳۵۶ قابل مقایسه است.

کاهش تولید ناخالص ملی نتیجه مستقیم بحران سیاسی بود که کشور را تا لبه پرتگاه فلج اقتصادی سوق داد. تولید نفت که در طول پاییز نامنظم بود، در ۲۶ دسامبر به سطح تقریباً ثابتی رسید و صادرات تا ۵ مارس به تعویق افتاد و برای تمام سال معادل ۸/۱۴ میلیارد دلار بود. ارزش افزوده در گروه بخشهای صنعتی ۲۰ درصد پایین آمد در حالی که مهمترین خسران متوجه صنایع ساختمانی شده بود. هزینه های دولت نیز در ماه فوریه معادل درآمد آن بود.

اکثر ناظران معتقدند که تا چند سال دیگر بازیافت اقتصادی تحقق پیدا نخواهد کرد، چون ضربات ناشی از امواج انقلاب بسیار سهمگین بوده است. بخش نفتی که اکنون برای اقتصاد ضروری تر است، روزانه ۴ میلیون بشکه تولید دارد یعنی ۴۰ درصد کمتر از سطح تولید آن در یک سال قبل، لیکن اگر همین سطح تولید ادامه پیدا کند میزان تولید در سال ۱۳۵۸ تقریباً معادل تولید در سال قبل خواهد شد. در سال ۱۹۷۸ تولید نفت ۹/۱ میلیارد بشکه ای حدود ۳/۸ درصد کاهش یافت. ولی میزان درآمدها حداقل ۴۰ درصد افزایش می یابد، که در حال حاضر به میزان ۲۴ میلیارد دلار در سال رسیده است.

صنعت در صورت بهبود و آغاز کارهای ساختمانی با ۲۰ درصد ظرفیت عادی سبب کاهش فشار بر تولید ناخالص ملی خواهد شد. ارقام مربوط به تولیدات کشاورزی احتمالاً منفی خواهد بود چون گذشته از وضع یکسان یا بهتر گندم (۴/۵ میلیون تن متر یک)، سویا و لبنیات، گوشت، برنج و تولید محصولات دیگر کاهش یافته است. سیاستهای مالی، طبق گزارشات واصله، روند رو به رشدی را در پیش گرفته اند، اما پس از اخذ تصمیم در مورد بودجه سال ۱۳۵۸ و پرداخت تعهدات، تأثیرات اقتصادی آن در سال جاری حس نخواهد شد. تجارت غیر نفتی خارجی کمتر از سطوح قبلی است، در حالی که سطح واردات بیش از ۹ میلیارد دلار نبوده است. پروژه های مهم یا لغو شده و یا از کار افتاده و در انتظار تأیید و تصویب مجدد و به جریان افتادن می باشند. بیکاری همچنان مهمترین مسئله اقتصادی و سیاسی کشور است و رهبران دولت در مورد «دیکتاتوری کارگری» ناله سرداده اند. ضرایب تورمی تشدید شده و در نتیجه بازیابی اقتصادی لجام گسیخته خواهد شد که خود اجتناب ناپذیر است. سرمایه گذاری خصوصی، که واقعاً در سال ۱۳۵۶ کاهش یافت، در حال حاضر وجود خارجی ندارد و با وجود ملی سازیها و وجود عدم اطمینانها، دیگر در بخش خصوصی صورت نخواهد گرفت. خلاصه اینکه، عملکرد اقتصادی ایران در کوتاه مدت تابع محیط یا جو سیاسی آن است. تداوم جو عدم اطمینان مانع از بهبود وضع موجود می گردد، چون اعاده ثبات و نیل به سطح معقول فعالیت اقتصادی نیازمند ابتکارات عمده دولتی می باشد. خوشبختانه، اگر تولید نفت در حدود ۴ میلیون بشکه در روز

حفظ شود که بدون وجود تکنیسینهای خارجی در کوتاه مدت امکان پذیر است، ایران با مشکلات مالی جدی روبرو نخواهد شد.

سیاستهای اقتصادی هنوز هم در وضعی آشفته به سر می برند. همه سیاستهای مربوط به گذشته مظنون واقع شده است. اسلام شیعه ظاهراً در بخش عظیمی از مسائل اقتصادی انعطاف پذیر است و گذشته از شعار تکراری حقوق مالکیت خصوصی و تساوی حقوق،تصمیم گیریهای مربوط به خط مشی اقتصادی در ایران بیشتر با موضع جهان سومی و نیاز اجتماعی و اقتصادی آن مربوط است. اختلاط نهایی بخشهای خصوصی و دولتی در اقتصاد ممکن است با مداخله کنونی دولت در امور اقتصادی تفاوت داشته باشد چون این مداخله به خاطر وضع آشفته بعد از انقلاب قابل توجیه است. در زمینه خط مشی ها چند تغییر مشاهده شده است که یکی از آنها ملی شدن بانکها در تاریخ ۷ ژوئن و دیگر ملی شدن شرکتهای مهم در تاریخ ۲۵ ژوئن می باشد ولی در حال حاضر ملی سازی بخش صنایع و کشاورزی را در بر نخواهد گرفت. مالیات قابل پرداخت افزایش یافته ولی میزان حقوقهای دولتی کاهش یافته است. سیاستهای بازرگانی نیز حامی کاهش کنترل قیمتها، وابستگی به نیروهای بازار و توجه بیشتر به اولویتهای بخشهای روستایی و کشاورزی می باشد. پروژه های «تجملی» و سیستمهای پیشرفته نظامی از بین رفته است.

همان طور که قبلاً نیز گفته بودیم ایران از دورنمایی بهتر از دورنمای معمولی دراز مدت برخوردار است. با ذخایر نفتی حدود ۶۰ میلیارد بشکه، دومین ذخایر بزرگ گاز و بخش معادن نه چندان کم اهمیت و قدرت تحصیل ارز خارجی آن این کشور می تواند به اجرای برنامه های عمرانی نسبتاً جاه طلبانه در دراز مدت مبادرت ورزد. واقعیتی که انقلاب آن را نادیده می گیرد این است که ایران از کشوری با برنامه های جاه طلبانه که هزینه های آن از طریق نفت تأمین می شد، به کشوری با زیربنای

بهتر، سطح سواد بالاتر و مهارتهای بیشتر نیروی انسانی و مصرف سرانه قادر به حمایت از صنایع داخلی، تبدیل شد. انقلابها به ندرت صاحب کارایی و سیاست بوده اند و انقلاب ایران نیز از نظر انسانی و فیزیکی بهای گزافی را پرداخته است. مسایلی که با آنها باید مقابله شود عبارتند از اداره امور ملتی با سه درصد میزان رشد، میزان بیسوادی بسیار عظیم، توزیع ناعادلانه درآمدها و جناح بندیهای اجتماعی. این کشور امروزه باید ساختارهای سیاسی و حتی اجتماعی جدید و یک هویت خودی پیدا نماید تا با توسل به آنها بتواند به رفاه فردی و اجتماعی و آرمانهای اقتصادی خود دست پیدا کند.

رویدادهای مالی

عملکرد مالی ایران از اواخر سال ۱۹۷۸ جنبه غیرعادی یافته است. بازپرداخت دیون مربوط به پروژه های سرمایه ای به طور کلی متوقف گردید. بازپرداختهای مربوط به سال ۱۳۵۷ باز هم معوق مانده است. افزایش هزینه های جاری همچنان کنترل می شود و میزان آن کمی از هزینه های حقوق تجاوز می نماید. قروض و سرمایه گذاریهای خارجی حدود یک سال است که مورد توجه واقع نشده و واقع نخواهد شد. جمع آوری مالیاتها در پائیز گذشته متوقف گردید و پرداخت بدهیها به دولت نیز تا ۲۱ ژوئیه به تعویق افتاد. خرید سهام قرضه نیز در ماه اکتبر متوقف شد و گمان نمی رود که بتواند در کوتاه مدت به عنوان یک منبع درآمد دولتی حائز اهمیت باشد. محدودیت در مخارج با کاهش کسری

بودجه سال ۱۳۵۷ دولت به میزان حداقل یعنی زیر ۳ میلیارد دلار، برطرف می گردد. قروض خارجی دولت در همه جا موضوع بحث است، اما پرداخت به موقع این قروض به شرکتهای خارجی مشکل است.

بودجه موقت فصل اول سال ۱۳۵۸ تمام شده و بودجه دائمی هنوز مورد تصویب واقع نشده است.

این بودجه گویا ۲۲۴۰ میلیارد ریال (۸/۳۱ میلیارد دلار) است که ۸۰۰ میلیارد ریال (۳/۱۱ میلیارد دلار) آن هزینه است و بقیه آن برای فعالیتهای جاری و مختلف می باشد. این ارقام به طرز عمده ای کمتر از ارقام مربوط به سال ۱۳۵۷ است، لیکن تقریباً معادل هزینه های دو سال گذشته می باشد.

کمکهای مالی دولت نیز تا حدودی کاهش یافته تا افزایش حقوقهای پائیز گذشته نیز از بین برود.

گرایشهای عمده بودجه ای متوجه کشاورزی، عمران روستایی و مسکن است. در مورد ادامه پروژه های بزرگ هنوز تصمیم گیری نشده، اما اختصاص کلی بودجه ظاهراً با در نظر گرفتن کندی موجود بین تصمیم گیری و باز پرداختها کافی می باشد. مسئله مهم ظرفیت سیاسی اختصاص بودجه و توان آن در بازپرداخت قروض است. منحنی مواجهه رهبریت جدید با شرایط، به لحاظ بوجود آمدن ضعف در نیروی انسانی درجه دوم که یا مهاجرت کرده اند و یا به خاطر تب انقلابی کنار گذاشته شده اند، خط سیر واقعی طویل تری را در پیش گرفته و باید در هنگام به حساب آوردن چشمداشت ها مورد ملاحظه قرار گیرد. موضوع دیگر توان یا اراده موجود در از بین بردن بدهیهای سال ۱۳۵۷ است. کسری بودجه پیش بینی شده ۵ میلیارد دلاری باید از طریق درآمدهای بیشتر نفتی و نیز خرید شخصی سهام دولتی (نه نهادی) حذف شود. دریافتیهای ایران از سرمایه گذاریهای غیر پولی خارجی ۷ میلیارد دلاری، باید حدود ۱ میلیارد دلار باشد. میزان خالص درآمدهای ناشی از برنامه عفو مالیاتی و نتایج حاصله از افزایش بی حد و حساب معافیت مالیات بر درآمد شخصی به سهولت قابل محاسبه نیست؛ اما

درآمدهای غیر نفتی باز هم سهم عمده ای را در زمینه درآمدهای حاصله از منابع ایفا خواهد کرد.

تحولات پولی و مربوط به قیمت

در هنگام تهیه این نوشتار سیستم بانکی ایران عملکردی منطقی داشت. سلامت بانکها تا قبل از ملی سازی ۷ ژوئن دستخوش بحران بود چون حدود ۱۵ بانک با سرمایه گذاریهای داخلی و شش بانک سپرده حساب دیگر با سرمایه گذاریهای خارجی تشکیل شده بود. پس از انقلاب بانکها کار خود را به صورت معمول آغاز کردند ولی خدمات آنها عاری از خطا نبود؛ بازار ارز خارجی نیز از آشفتگی خاصی برخوردار بود، چون مقررات بانک مرکزی در تاریخ ۵ مه کاملاً تغییر و پس از آن نیز دائماً مورد تجدید نظر واقع می گردید. مدیریت بانکها نیز مانند مدیریت دیگر نقاط اقتصادی کشور با تغییر دو سوم مدیران آنها در هم شکسته شد. عادیترین قراردادها نیز زیر نظر کمیته های انقلابی منعقد می گردید. در تاریخ ۲۱ ژوئن یعنی زمانی که جریمه ها و بهره های دیر کرد قروض می بایست پرداخت می شد، پرداخت این قروض بازرگانی به تعویق انداخته شد. به دنبال ملی شدن بانکها، مدیریت بانکهای خصوصی و نیز بانکهایی که با سرمایه گذاریهای مختلط تشکیل شده بودند نیز تغییر یافت. در حال حاضر چنین پیش بینی می شود که با قرار گرفتن دولت در موضع طرف دعواهای سیستم بانکی، مشکل بانکهای ضعیف و نیز عدم تمایل اکثر بانکها به تأمین اعتبار حل خواهد شد. بازپرداخت

بدهیهای داخلی و بخش خصوصی به بانکها نیز به احتمال زیاد به تعویق خواهد افتاد؛ در طرف دیگر، اکثر بانکها در زمانی به سر می برند که باید قروض داخلی و خارجی خود را پرداخت و یا دریافت کنند. بانکهای آمریکایی که سرمایه گذاری آنها در ایران معادل ۳ میلیارد دلار تا سال ۱۹۷۹ بوده است میزان تأمین اعتبار و دیگر فعالیتهای مالی خود را کاهش داده اند. آنها نیز مانند دیگر بانکهای خارجی و ایرانی بانکها هنوز حل نشده، اما دولت موقت از اصل جبران سهام حمایت کرده است.

آمار پول رسمی از اکتبر ۱۹۷۸ منتشر نشده، اما ظاهراً رکود پولی از تاریخ ۲۱ سپتامبر تا ۱۹ فوریه پنج درصد افزایش یافته چون میزان انتشار اسکناس ۱۰۳ درصد افزایش داشته ولی میزان پس اندازها و سپرده های ثابت ۲۰ درصد کاهش داشته است. بنابراین این کاهش سرعت گردش پول فعالیت چاپ اسکناس های درشت که ضامن ادامه فعالیت بانکها در دوران توأم با خارج ساختن مقادیر زیاد از حسابها می باشد را متوقف نموده است. اسکناسهای در گردش تا تاریخ ۲۰ مارس معادل ۹۱۲ میلیارد ریال بود در حالی که این میزان در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۴۵۰ میلیارد ریال برآورد شده است. بانک مرکزی هنوز ذخایر پول خود را که در اکتبر گذشته کاهش یافته بود تقویت نکرده و خرید سهام دولتی توسط بانکها نیز اجباری نیست. بانکهای دارای نقدینگی نیز برای دریافت اعتبار دولتی جهت بهبود اقتصادی در برنامه منظور شده اند، که در ماه مه این اعتبارها در زمینه صنعت، کشاورزی، مسکن و شرکتهای مختلف دولتی ارائه گردید. میزان بهره و یا «کارمزد» معادل شش درصد یا کمتر از آن می باشد چه بانک مرکزی توجه خود را به بهبود اوضاع بانکها متمرکز کرده و هنوز بودجه پولی را به کار نگرفته است. ولی در نظر دارد برای سال ۱۳۵۸ اسکناسها را از دور خارج نماید که به منظور بازگرداندن اسکناسهای خارج شده از کشور خواهد بود. در مورد حسابهای خارجی، ایران ظاهراً در کوتاه مدت با مسئله حادی روبرو نخواهد بود. موازنه مقدماتی یازده ماهه مربوط به

پرداختها حاکی از آن است که موازنه حساب ارزی خارجی متعادل است و قدری مازاد نیز دارد. ارز خارجی رسمی در اواسط ژوئن، پس از سه ماه فقدان کامل درآمدهای نفتی، کمی بیش از ۱۰ میلیارد دلار بوده است. با فرض بر اینکه پرداختهای سال ۱۳۵۸ معادل ۱۳ میلیارد دلار یعنی ۴۰ درصد کمتر باشد و صادرات نفتی (خام و فرآورده) معادل ۴/۳ میلیون بشکه در روز، می توان گفت که مازاد جاری ایران معادل ۱۰ میلیارد دلار و ذخایر پایان سال آینده نیز ۲۰ میلیارد دلار خواهد بود. چنین امکاناتی ممکن است ایران را ترغیب نماید تا درصدد بازپرداخت وامهای خارجی با بهره و کارمزد بالا برآید و در نتیجه تا هنگام حصول به امر برآوردن نیازهای اقتصادی از یک موقعیت نسبتاً خوب برخوردار شده و در آن صورت بتواند میزان درآمدها را کاهش داده و یا هزینه ها را بالا ببرد. در مورد نحوه مبادله ارز مباحثات بسیاری در جریان و شامل کاهش ارزش پول و یا افزایش ارزش آن است. بانک مرکزی دارای دو نرخ فروش ارز است؛ بخشی از ارز مورد نیاز دولتی به نرخ ۶۰/۷۰ ریال و بخشی دیگر به نرخ ۷۹ ریال به فروش می رسد. درآمدهای ارزی غیر نفتی از نرخ مقبولتر۵۰/۷۷ ریال برخوردار است.

تحولات تجاری

سطح تجارت ایران در سال ۱۹۷۸ کاهش عمده داشت و در سال ۱۹۷۹ نیز ظاهراً ۴۰ درصد

کاهش خواهد یافت. آخرین ارقام تجاری ایران در دسامبر ۱۹۷۸ منتشر گردید. ارقام و آمار مقدماتی مربوط به هفت ماه اول سال ۱۳۵۷ (که در ۲۲ اکتبر پایان خواهد یافت) حکایت از واردات غیر نظامی معادل ۸۱۵۷ میلیون دلار و یا میزان سالانه ۱۴ میلیارد دلار دارد. به علت اعتصابات گمرکی و دیگر بخشها، شکٔ داریم که میزان این واردات از ۱۱ تا ۱۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۷ بالاتر باشد، در حالی که کل پرداختی کالا حدود ۵/۱۴ تا ۱۵ میلیارد دلار در مقایسه با ۱۸ میلیارد دلار ۱۳۵۶ می باشد. صادرات غیر نفتی و غیر گازی نیز احتمالاً در سال ۱۳۵۷ بیش از ۳۵۰ میلیون دلار نخواهد بود. دریافتهای حاصله از صادرات نفتی نیز در سال ۱۳۵۸ حدود ۲۱ میلیارد دلار خواهد بود.

مشروط بر آنکه سطح تولید معادل ۴ میلیون بشکه در روز باشد. صادرات غیر نفتی و غیر گازی که شدیداً به رکود موجود در زمینه معادن و صنایع بستگی دارد، نیز ۵۰ درصد کاهش خواهد یافت.

مقررات مربوط به واردات در سال ۱۳۵۸ نیز به تنها منعکس سازنده ممنوعیتهای اسلامی است بلکه نشانگر حاکمیت فلسفه خودکفایی یا استقلال اقتصادی است. به طور مثال، وارد کردن وسائط نقلیه کاملاً ممنوع اعلام شده است.

اوضاع حاکم بر بنادر، پس از انقلاب، بخاطر اعتصابات طویل المدت آشفته بوده است. علیرغم درگیریهای موجود در زمینه های مدیریت و سیاسی، عملیات به کندی از سر گرفته شد و کالاهای بارگیری شده به مقصد ایران که در زمان برگزاری اعتصابها تحویل داده شده بود تخلیه گردید.

مشکلات نژادی و سیاسی وقت در خرمشهر سبب تعطیل کامل آن بندر در ماه مه گردید. خوشبختانه تمام واردات غذایی ایران که تمام فعالیتهای جاری در زمینه واردات را شامل می گردد، از طریق بنادر آرام دیگر تخلیه و وارد کشور می شد. در مناطق گمرکی که دارای انبارهای عظیم بوده و یا نبوده اند واردات یا به حال خود رها می شوند و یا اصولاً مشکل عمده ای را ایجاد کرده اند. فقدان سرمایه قابل

گردش نیز یکی از موانع مهم در راه حل این گونه مسایل است. شرایط مالی برای انجام فعالیتهای تجاری جدیداً وضع شده است. اکثر صادر کنندگان به ایران خواستار اعتبارنامه هستند ولی اکثر بانکهای ایرانی نیز قبلاً خواستار دریافت سپرده ای معادل ۱۰۰ درصد بهای صادرات شده اند. ولی هنوز به طور قطع نمی توان گفت که این مانع عظیم در نتیجه ملی شدن بانکها از میان خواهد رفت. صادر کنندگان ایرانی قبلاً باید قراردادی را امضاء کنند که بر اساس آن درآمدهای ارزی خارجی خود را به نظام بانکی به فروش برسانند.

مسئله تورم

چنین به نظر می رسد که ایران باید برای بازیابی اقتصادی خود هزینه سنگینی را به صورت افزایش تورم بپردازد. در سال ۱۹۷۸ بخاطر کاهش رشد اقتصادی و سیاستهایی که بر قیمت زمین تأثیر می گذاشت نرخ رشد تورم کاهش یافت. شاخص قیمتهای عمده فروشی و خرده فروشی در سال ۱۳۵۷ به ۴/۹ تا ۷/۹ درصد رسید که نسبت به رشد دورقمی نرخهای گذشته کاهش عمده ای محسوب می شد. متأسفانه به خاطر تغییر الگوی هزینه های ناشی از فلج و نامطمئنیهای اقتصادی این شاخصها نمی توانست در سال ۱۳۵۷ به طور کامل مورد کاربرد جامع واقع گردد. بنابراین، از نظر ما نرخ تورم در سال ۱۳۵۷ برابر با ۱۵ و ۱۱ درصد و قدرت تورم شکنی تولید ناخالص ملی نیز ۱۲

درصد خواهد بود. بررسی اخیر حرکتها و تغییرات قیمتهای جاری حاکی از آن است که نرخ تورم سالانه قیمتهای موارد مصرفی حدود ۱۵ تا ۱۷ درصد بوده است. قیمت زمین و املاک و اجاره ها نیز کاهش یافته است. قیمت لوازم منزل تا حدودی کاهش یافته ولی قیمت پوشاک و هزینه حمل و نقل بالا رفته است. هزینه مواد غذایی به استثنای آن دسته از مواد دارای سوبسید دولتی نیز سبب بالا رفتن فهرست قیمتهای مواد مصرفی می گردد. میوه، گوشت و سبزیجات دچار کمبود شده و قیمت بعضی از این اجناس دو تا سه برابر قیمت آن در سال قبل است. به طور کلی می توان گفت که قیمت مواد غذایی در شش تا نه ماه گذشته ۳۰ درصد افزایش یافته است. کمبود لوازم یدکی ماشین آلات، پلاستیک و مواد شیمیایی صنعتی نیز محسوس شده است. سیاست دولت در زمینه قیمتها نیز هنوز مشخص نشده است. ظاهرا سوبسیدهای مواد غذایی کلاً ادامه پیدا خواهند نمود. افزایش دستمزدهای پاییز گذشته، کمبودها و افزایش تقاضا بخاطر عوامل سیاسی، سبب کاهش کارایی تولیدی، افزایش هزینه های دولتی و کاهش بیکاری و در نتیجه افزایش تورم معادل ۳۰ درصد در آینده نزدیک خواهد شد. اصولاً، حرکت معتدل قیمتها در آینده نزدیک، نتیجه مستقیم فعالیت اقتصادی و کاهش تقاضا خواهد بود؛ افزایش نرخ تورم نیز بهای بازیابی اقتصادی در کوتاه مدت و یا رکود اقتصادی در دراز مدت می باشد.

اوضاع کارگری

شاید بتوان گفت که بیکاری مهمتری مسئله اقتصادی و سیاسی ایران است. عظمت این مسئله در نتیجه سیاست کار داوطلبانه یا غیر داوطلبانه علیرغم نیاز تحت الشعاع قرار گرفته است. گزارشات واصله حکایت از آن دارد که اکثرا از برنامه وام بیکاری دولت که معادل ۱۰ میلیارد ریال در ماه است برخوردار نمی باشند. معذالک، بسیاری هنوز نمی دانند که میزان پس اندازهای شخصی و کمکهای

اجتماعی برای چند میلیون فرد بیکار یا دستخوش کم کاری چه زمانی پایان خواهد یافت. همین مسائل در زمینه ساختمانی و حمل و نقل توأم با کندی رشد صنعت و خدمات بخش خصوصی سبب تشدید امر گردیده است. در نهایت این اقتصاد جامعه است که باید خسارات وارده در نتیجه کم کاریها را جبران نماید. یک نمونه بارز کارخانه ای است که تعداد کارمندان آن در مقایسه با یک سال قبل فرقی نکرده است، اما سطح تولید آن حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد ظرفیت معمولی است و دستمزدهای گزافی را نیز می پردازد. در بخش بازرگانی، کارفرمایان حقوق کارمندان خود را از محل سرمایه یا جیب پرداخت می کنند و منتظرند تا وضع کار تغییر پیدا کند. بوروکراسی دولتی نیز مانند بخش خصوصی درگیر مسائل سیاسی و تشکیلاتی است. نکته خنده آور این است که جنبش جدید و تازه به دوران رسیده کارگری ایران، که از اعتصابات سیاسی پاییز گذشته قدرت خود را به نمایش گذاشته بود، با اقتصادی بحرانی روبرو شده و از طرف دیگر رهبریت انقلابی ایران نیز از آن می خواهد که بخاطر انقلاب از رفاه مادی خود چشم پوشی کند. در واقع، دولت دلسرد ایران نیز اخیراً یک نیروی ویژه برای تنظیم مقررات کارگری و جلوگیری از مداخله کارگران در عملیات کار را تشکیل داده است. برنامه مالی دولت نیز گویا شامل تولید کار در مناطق روستایی به این امید است که مهاجرت روستاییان به شهرها کاهش یابد.

محیط

جو سیاسی و اقتصادی ایران هنوز هم جوی انقلابی است. مردم منتظر پیدایش رویدادهای خاصی هستند که در تصور آنها امنیت و انگیزه کاری و نیز خطرات عادی اقتصادی دارای اهمیت می باشند. عفو زندانیان سیاسی و کسانی که مظنون بوده اند از نظر بسیاری برای از بین بردن جو ترس و نااطمینانی صورت گرفته است. به همین ترتیب، تصویب قانون اساسی و انتخاب دولت دائمی مورد قبول عامه مردم و نیز گامی الزامی در جهت کاهش بیماریهای سیاسی و چمشداشت های منفی بوده است. استقرار یک سیستم قضایی و امنیتی عادلانه نیز مورد نظر می باشد. توزیع قدرت در میان ساختار دولتی و انقلابی هنوز هم به قوت خود باقی است. غربیها، و نیز ایرانیهایی که در غرب آموزش دیده اند، اغلب تأثیر قضاوتهای انقلاب در مورد نفوذ و حضور غرب را احساس می کنند. در عین حال که خطرات جانی کاهش یافته، جو موجود می تواند خصومت بار نیز باشد.

نتایج برای آمریکا

تأثیر اقتصادی عدم فعالیت ایران و انقلاب آن بر عرضه کنندگان خارجی کالاها و خدمات آن چشمگیر بوده و تا مدتها حس خواهد شد. در اواخر سال ۱۹۷۸ صادرات خارجی به ایران بطرز فاحشی کاهش یافت و سفارشات فعلی عبارتند از مواد غذایی، دارویی، محصولات کاغذی و لوازم یدکی. صادرات غیر نظامی آمریکا که در سال ۱۹۷۸ بین ۱ تا ۷/۳ میلیارد دلار افزایش یافته بود در فصل اول سال ۱۹۷۹ معادل ۷۲ درصد کاهش یافت و برابر ۲۴۵ میلیون دلار گردید. توان صادراتی آمریکا در زمینه کالاهای کشاورزی خوب است و تحویل این گونه مواد به صورت عادی از سرگرفته شده است. البته امکانات سرمایه گذاری نامشخص هستند و شرکتهایی که در ایران سرمایه گذاری مشترک نموده اند در بسیاری از موارد منتظر مشخص شدن وضعیت آینده خود می باشد. در بعضی از موارد از جمله صنایع غذایی و دارویی آینده همچنان درخشان است.

بسیاری از قراردادهای دولت ایران با شرکتهای خارجی لغو گردیده، معدودی تهدید و بسیاری دیگر نیز به حال تعلیق درآمده اند. ارزش قراردادهای غیرنظامی لغو شده حدود ۳۸ میلیارد دلار می باشد. ارزش قراردادهای نظامی ایران و آمریکا نیز حدود ۱۵ میلیارد دلار بدون احتساب بسیاری از قراردادها در زمینه خدمات مربوطه است. در حالی که هنوز منبع تأمین این فروشها تغییر نکرده ولی می توان گفت که افزایش بیکاری از جمله تأثیرات این انقلاب بر اقتصاد آمریکا خواهد بود. از جمله قراردادهای غیرنظامی کاملاً فسخ شده می توان از کارخانه ای در آبادان، قرارداد کالینگاز در مورد گاز طبیعی مایع، دو نیروگاه هسته ای فرانسوی ۹۰۰ مگاواتی، پروژه برقی کردن راه آهن تهران خرمشهر بندر خمینی (بندر شاهپور) و پروژه نوسازی مرکز تهران به نام شاهستان را می توان نام برد پروژه هایی که امکان ادامه آن به دست خارجیها و یا پیمانکاران داخلی بعید است عبارتند از پروژه ساختمان فرودگاه بین المللی تهران، شاهراه قم، بندر امام خمینی و برقی کردن راه آهن تهران تبریز. در مورد خطوط لوله گاز ایگات ۲ و دو نیروگاه ۱۲۰۰ مگاواتی آلمانی (که دو سوم ساختمان آنها تکمیل شده)، کارخانه ذوب آهن ایتالیایی در بندرعباس، و قطار زیرزمینی تهران هنوز تصمیماتی گرفته نشده است. پروژه هایی که ادامه خواهند یافت عبارتند از مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن، مجتمع مس

سرچشمه، بازیابی و تزریق مجدد گاز در خوزستان و پروژه مخابرات راه دور. از بازرگانان و تجار خواسته شده که برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد پروژه ها و نیز وضع کلی اقتصادی ایران با وزارت بازرگانی و وزارت امور خارجه آمریکا تماس حاصل نمایند.

اکثر شرکتهای خارجی دارای قراردادها و یا سرمایه گذاری مشترك عظیم در ایران، پس از انقلاب با همکاران ایرانی خود تماس برقرار ساخته اند. بسیاری از آنها معتقد بودند که اگر از این کشور خارج نشده بودند، کما اینکه بعضیها حضور خود را در ایران متوقف نکرده بودند، می توانستند به آژانس ذیربط ایرانی نشان دهند که به فعالیتهای گذشته خود توجهی ندارند. نتیجه تجدید قراردادها بسیار متفاوت بود، لیکن به طور کلی بازرگانان خارجی حتی در صورت لاینحل ماندن بسیاری از قضایا سفرهای خود به ایران را قابل توجیه می بینند. یک بازرگان خارجی در بسیاری از موارد متوجه شده است که دولت ایران قادر نیست در مورد یک مسئله خاص تصمیم گیری کند. آژانسهای دولتی در مواردی که مذاکرات می بایست تجدید گردد، تلاش کرده اند تا موجبات جرح و تعدیلهای نزولی در قراردادها را فراهم آورده، هزینه های واحدهای فعال را کاهش و حضور کارگران خارجی را تقلیل دهند و در نتیجه هزینه های توقف کار و آغاز مجدد کارفرمای خارجی، در نتیجه انقلاب را پرداخت ننمایند. بدین ترتیب حتی زمانی که به یک قرارداد اجازه آغاز کار داده می شود، شرکت خارجی مایل به شروع کار تا زمانی که مسائل و پرداخت های گذشته حل نشده اند نیست و در نتیجه این امر با سیاستهای دولتی مشکلی مواجه می گردد. سکنه عظیم خارجی ایران اکنون به چند هزار نفر کارگر خارجی تقلیل یافته است. جمعیت آمریکایی ۴۵۵۰۰ نفری مقیم ایران نیز به استثنای تبعه دارای دو ملیت به چند صد نفر کاهش یافته است. سیاست جدید و بسیار محدود کننده اجازه کار خارجیها نیز درصدد افزایش استخدام ایرانیهاست، اما آغاز مجدد قراردادهای قدیمی و یا جدید را مشکل می سازد.

سفارت نیز از طریق درخواستهای مستقیم و یا از طریق آژانسهای موجود در واشنگتن رهنمودهای لازم را در زمینه سفر به ایران ارائه می کند. در همان حال که بسیاری از تجار آمریکایی یا کار خود را ادامه داده و یا بدون هیچگونه مزاحمتی کار خود را موقتاً و یا به طور همیشگی متوقف کرده و به آمریکا باز گشته اند، ولی در بسیاری از موارد نیز تجار آمریکایی زندانی شده، از خروج آنها از ایران ممانعت به عمل آمده و یا مورد اذیت و آزار کارمندان واقع شده اند. گروه مستشاری امنیتی سفارت نیز در اواخر ماه ژوئن اعتراف کرده است که قادر نیست از جان و مال آمریکاییها در ایران حراست به عمل آورد. سفرهای تجاری با اهداف و مقاصد خاص می تواند مجاز شمرده شود، لیکن از بقیه افراد خواسته شده که قبل از سفر به ایران حرکت خود را مورد ارزیابی قرار داده و در ایران نیز دائماً با سفارت در تماس باشند.

کمک خارجی، سرمایه گذاری، درآمدها و قروض ایران

سند شماره (۱۹)

از: سفارت آمریکا در تهرانتاریخ: ۲۰ ژوئن ۱۹۷۹ ۳۰ خرداد ۱۳۵۸

به: وزارت خارجه در واشنگتن دی. سی. با اولویت ۲۱۳۵طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع: کمک خارجی، سرمایه گذاری، درآمدها و قروض ایران

وزارت خارجه متن حاضر را در اختیار بانک صادرات و واردات آمریکا قرار دهد. سفارت

آمریکا در پاریس نیز این متن را در اختیار سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی قرار دهد.

۱ تمام متن خیلی محرمانه است.

۲ جانشین مشاور اقتصادی سفارت در تاریخ ۱۲ ژوئن از دکتر رضا سلیمی معاون سرپرست سازمان سرمایه گذاریها و کمکهای اقتصادی و فنی ایران (واقع در وزارت اقتصاد و دارایی و تابع همین وزارتخانه) اطلاعات مختصری را در مورد وضعیت و خط مشی دولت موقت ایران در زمینه سرمایه گذاری، کمک خارجی، درآمدها و قروض خارجی به دست آورد. فهرستی از وامهای خارجی اعطایی ایران، اعتبارها و سرمایه گذاریهایی که توسط این سازمان صورت گرفته و قبلاً توسط رژیم گذشته مخفی نگاهداشته می شد، در مطبوعات مورخ ۲۹ مارس تهران منتشر گردید و گویا تعدادی از کارمندان سازمان سرمایه گذاریها و کمکهای اقتصادی و فنی ایران این اطلاعات را در اختیار مطبوعات قرار داده بودند. یکی از مقامات ارشد این سازمان می گوید این گزارشات حاوی اطلاعاتی نادرست نیز بوده است. به ما قول داده شد که اطلاعات درست و مفصل در اختیارمان قرار خواهد گرفت. در همین حال، ارقام مجموع فهرست منتشره دامنه عمل را به صورت کلی نشان می دهد: وامهای بلاعوض ۱۲۶۰۵۰۱۶۹ دلار؛ اعتبار ۷۹۶۰۵۲۳۴۴۵ دلار و سرمایه گذاری ۸۵۴ میلیون دلار.

۳ مساعدت خارجی: بودجه مساعدتهای خارجی سال ۱۳۵۸ که در تاریخ ۲۱ مارس آغاز گردید، بنا به گفته دکتر سلیمی هنوز فرمول بندی نشده است. از زمان انقلاب در ۱۲ فوریه تنها به صندوق اوپک کمک شده است. وی گفت امیدوار است که به تعهدات عمل شود. اظهارات وی در مورد برنامه های ویژه کشور وی گرچه پراکنده است ولی به شرح زیر می باشد:

افغانستان از زمان انقلاب هیچ گونه کمکی به این کشور نشده است.

اظهار نظر: با وجود اصطکاک حاکم بر روابط جاری، نمی توان از ایران انتظار سخاوت داشت.

مصر علیرغم اعلام این مطلب توسط دولت موقت در ماه مارس مبنی بر تعلیق کمکها، سلیمی بر برنامه های تعلیقی سرمایه گذاری مشترک با شرکتها به نحوی اشاره کرد که گویای فعال بودن این برنامه ها باشد.

سنگال برنامه هایی که قبلاً «امکان ناپذیر» عنوان شده بود کاملاً از نظر افتاده اند.

هند پرداختهای مالی مربوط به پروژه آهن کودره موخ که احداث آن به پایان رسیده معوق مانده است، چون در مورد نحوه عملکرد آن اختلاف نظر وجود دارد.

صندوق اوپک دکتر سلیمی گفت ایران اخیراً به درخواست مالی اوپک پاسخ مثبت نداده و اعلام داشته است که سهمیه تولید نفتی ایران در مقایسه با دیگر اعضای سازمان نمایشگر تولید واقعی نفت آن نیست. در اینجا عضو مورد اشاره عربستان سعودی است. سلیمی گفت ایران باید ۴۲۰ میلیون دلار در اختیار این صندوق قرار دهد (که ۱۲۰ میلیون دلار آن در اختیار سازمان گسترش مواد غذایی و عمرانی قرار می گیرد) در حالی که عربستان سعودی که مهمترین تولید کننده سازمان است تنها ۴۱۵ میلیون دلار به این صندوق می پردازد. وی گفت پرداختهای ایران به این صندوق فراتر از ۲۰۰ میلیون دلار بوده است.

۴ سرمایه گذاری خارجی: دکتر سلیمی گفت خط مشی دولت انقلابی ایران در زمینه سرمایه گذاری خارجی هنوز تحت بررسی است، ولی در حال حاضر قرار بر ممانعت از سرمایه گذاریها

در خارج از کشور است. وی انتقاداتی را که از سرمایه گذاریهای خارجی رژیم گذشته به عمل می آمد بجا می داند. گزارشات چند روزه اخیر مطبوعات در مورد حضور وزیر صنایع و معادن در جلسه هیأت مدیره صنایع کروپ آلمان نشانگر غرور ایرانیها از مشارکت در چنین صنایعی می باشد.

۵ درآمدهای حاصله از قراردادهای سازمان سرمایه گذاریها و کمکهای اقتصادی و فنی ایران:

دکتر اشرفی، سلف دکتر سلیمی، گفت دریافتیهای ایران از طریق این سرمایه گذاریهای خارجی در سال جاری ایرانی حدود ۲/۱ میلیارد دلار خواهد بود. هنگامی که مقام سفارت این مسئله را یادآور شد، دکتر سلیمی گفت این رقم بسیار زیاد است ولی اذعان نمود که چون در سمت حاضر تازه وارد است نمی تواند اطلاعات دقیقی در این مورد داشته باشد. دو پرداخت عمده یکی به مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار از هیئت آب لندن و نیز پرداخت سریع وجهی معادل ۳۰۰ میلیون از بانک فرانسه، رقمی معادل ۷۰۰ میلیون دلار را تشکیل می دهد؛ به همین دلیل می توان با احتساب نرخ بهره و غیره گفت که میزان این درآمدها بیش از یک میلیارد دلار است. کشورهایی که نتوانسته اند از کمک ایران برخوردار شوند عبارتند از مصر، سودان و پاکستان. بدهی مصر مدتها قبل مجدداً برنامه ریزی شد، ولی در مورد بدهیهای سودان و پاکستان و یا برنامه ریزیهای مجدد آن اطلاعاتی در دست نداریم. آمار و ارقام مربوط به درآمدهای دولت از این طریق هنوز موجود نمی باشد.

۶ پرداخت و دریافت قروض توسط ایران: این سازمان مسئول دنبال کردن قروض عمومی ایران (چه مستقیم و چه به صورت تضمینی) می باشد و نیز باید قروض خارجی تمام سازمانهای دولتی را تصویب کند. پس از انقلاب که توأم با فلج شدن بانکها و اعتصابات در بخش دولتی بود این سازمان تحت فشار قرار گرفته بود تا علت تأخیر در پرداخت اقساط را توضیح دهد و علاوه بر این قول تأمین مبالغ مورد نیاز را بدهد. در بعضی از موارد قسمت اخیر، این سازمان به عنوان ضامن پرداختها را به

تعویق انداخت تا اقدامات معقولی در زمینه وادار ساختن طرف متعهد به پرداخت به عمل می آید. دکتر سلیمی گفت بخش دولتی از اطلاعات جدیدی در زمینه قروض خارجی خود برخوردار است. موارد مستثنی از این قاعده عبارتند از: بانک اعتبارات صنعتی که قروضش توسط وزارت اقتصاد و دارایی تضمین نمی شوند؛ و کمپانی تراکتورسازی ایران که آن هم تضمین شده نیست. دکتر سلیمی از جرایم ناشی از دیرکرد پرداخت اقساط اظهار نگرانی کرد و سؤال نمود که با در نظر گرفتن مشکلات جاری در تهران آیا دولت آمریکا نمی تواند این جرایم را نادیده بگیرد. وی گفت این سازمان قبلاً چندین برابر جریمه های دیرکرد را پرداخته ولی در حال حاضر وزارت اقتصاد و دارایی به علت وجود وضعیت اضطراری از پرداخت آنها امتناع می ورزد. مقام سفارت گفت علت نگرانیها را می داند ولی دولت موقت سعی دارد مسئله را بیش از این پیچیده کند. سازمانهای دولتی دعوتهای اضطراری شرکتهای خارجی را در رابطه با کارهای ناتمام مانده در طول انقلاب نمی پذیرند.

در اینجا مقام سفارت از حوزه و وسعت جرایم سؤال کرد و گفت آیا همه آنها توسط دولت آمریکا اعمال شده است؟ وی گفت حدود یک میلیون دلار است و تقریباً بخش اعظم آن از آنِ آمریکاست. مقام سفارت گفت دولت آمریکا قادر نیست در زمینه پس گرفتن قروض بیش از این انعطاف نشان دهد. در اینجا سلیمی گفت در صورتی که آمریکا بیش از این اصرار کند وی از شورای اقتصادی خواهد خواست که مبالغ لازم را در اختیار وی قرار دهند.ناس

بیانیه امیرانتظام

سند شماره (۲۰)

از: وزارت خارجه در واشنگتن دی. سی.تاریخ : ۲۴ ژوئن ۱۹۷۹ ۳ تیر ۱۳۵۸

به: سفارت آمریکا در تهران فوری ۳۱۶۲طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع: بیانیه امیرانتظام

۱ تمام متن خیلی محرمانه

۲ در صورت ملاقات با یزدی یا امیرانتظام، لطفا مراتب سپاسگزاری ما را از بیانیه تلویزیونی انتظام در مورد روابط ایران و آمریکا به اطلاع ایشان برسانید. امیدواریم شعارها کاهش یافته و در زمینه رفع مشکلات موجود در روابط دوجانبه بتوانیم پیشرفت قابل ملاحظه ای داشته باشیم.

۳ در صورت مطرح شدن موضوع انتصاب سفیر لطفا مانع از اعلام زمان این کار بشوید. همان طور که می دانید، عدم پذیرش سفیر کاتلر توسط ایران بسیاری را در اینجا عصبانی کرده و باید مدتی دیگر بگذرد تا سنای آمریکا بتواند انتصاب فرد دیگری را بپذیرد.کریستوفر

ارتباط سیاسی در داخل رهبری انقلاب

سند شماره (۲۱)

از: وزارت خارجه خارجه در واشنگتن دی. سی.تاریخ : ۲۹ ژوئن ۷۹ ۸ تیر ۵۸

به: سفارت آمریکا در تهران طبقه بندی : سری

موضوع : موضوعات برای گزارش

آنچه در زیر می آید متن مرجع ب تقاضا شده در تلگرام مرجع الف مورخ ۲۸ ژوئن است. چون شما تقاضا کرده بودید و چون فرصتها در هفته های آینده گسترش می یابند در اینجا مواردی را که بر اساس آنها توانستیم اطلاعات اضافی و مستمر را به کار بریم ذکر می کنیم.

۱ ارتباطات سیاسی در داخل رهبری انقلاب

الف شخصیتهای مقتدر، با داشتن یا بدون داشتن موقعیت رسمی که باید آنها را به عنوان رهبران آینده در نظر بگیریم، بیوگرافی آنها مورد احتیاج است.

ب قدرت و اتحاد سیاسی امیر انتظام و صباغیان چگونه است؟ ما در مورد هر دوی آنها اطلاعات نسبتاً کمی داریم.

ج موقعیت یزدی در تشکیلات پس از انتصابش در وزارت امور خارجه چگونه است؟ آیا او قدرت از دست داده یا بدست آورده است؟ عکس العمل پرسنل وزارت امورخارجه نسبت به او چگونه بوده و آیا اثرات قابل پیشگویی در سیاست به چشم می خورد؟

۲ نفوذ عمومی بازرگان چگونه است؟ در نظر گروههای مهم مختلف چطور است؟ رقیبی دارد؟

۳ ما در مورد طالقانی، اطرافیانش و ارتباطاتش با دیگران در نهادهای مذهبی و غیر مذهبی اطلاعات ثابتی نداریم.

۴ به تماسهای سیستماتیک برای تجسم روندهای مختلف منجمله تعیین زمینه های اقتصادی و سیاسی خاص جهت بررسی و گزارشهای دوره ای نیاز داریم. چندین طبقه بندی را در تلگرافهای قبلی توضیح داده ایم.

۵ آمریکا در نظرها چگونه است؟ چه عمل یا عکس العلهایی از اواسط فوریه به نفع یا ضرر ما

بوده است؟ چگونه می توانستیم بهتر عمل کنیم؟

۶ گزارشات از مکالمات نظامی خیلی مفیدند. گاهگاهی خلاصه کردن تشکل روندهای مختلف برای هریک از نیروهای (مسلح) مثمر ثمر خواهد بود. اطلاعات در مورد پلیس و ژاندارمری نیز مفید است.

۷ از گزارشات ارزشمند اقتصادی بینهایت قدردانی می کنیم. ما توانستیم (به عنوان قسمتی از شماره ۴ بالا) از گزارشات منظم در زمینه قیمت کالاها، بازار، کمبودها، استخدام و نارضایتیها استفاده کنیم. بیکاران، زندگی را چگونه اداره می کنند؟

۸ فعالیتها، قدرت و طرحهای لیبرال دموکراتها (متین دفتری) جبهه ملی (سنجابی)، چریکهای چپی (فدائیان) گروههای مختلف مجاهدین، عناصر طرفدار شاه چگونه است؟

۹ وضع استانها چگونه است؟ خصوصاً از نظر برداشت محصول و دسترسی به مواد غذایی؟

۱۰ کوشش اجتماعی برای قطع فروش و ارسال کمکها و تجهیزات نظامی در چه حد است؟

۱۱ از احساس و درک سفارتهای مهم چه مقدار می توانید جمع آوری نمایید؟ شوروی چه قصدی دارد؟

۱۲ وضعیت دانشگاهها، رادیو تلویزیون و دیگر وسایل ارتباط جمعی چگونه است؟

۱۳ وضعیت برنامه های طرح ریزی شده برای قانون اساسی و انتخابات چگونه است؟

۱۴ دولت موقت / خمینی در جهت عفو عمومی برای ارتش، پلیس و دیگران چه انجام داده اند؟

۱۵ و ضمناً فراموش نکن ترتیب پارتی چهارم ژوئیه را بدهی.کریستوفر

قانون اساسی ایران

سند شماره (۲۲)

از : هیأت مستشاری نظامی آمریکا در ایرانبه : وزارت امورخارجه در واشنگتن دی. سی.

طبقه بندی : خیلی محرمانه غیر قابل رؤیت برای بیگانگانتاریخ : ۳ ژوئیه ۱۹۷۹ ۱۲ تیر ۱۳۵۸

موضوع : قانون اساسی ایران

۱ (طبقه بندی نشده) روزنامه تهران تایمز، اخیراً در چند گزارش خود، ترجمه «پیش نویس قانون اساسی ایران» را منتشر ساخته است. این گزارشها علاوه بر این حکایت از آن دارند که وزیر کشور، یدالّله سحابی، نیز این ترجمه ها را به عنوان «عمدتاً» صحیح تأیید کرده است. این پیش نویس حاوی ۱۵۱ ماده در برگیرنده تمام جوانب حکومتی جمهوری جدید اسلامی است که البته باید منتظر تصویب باشد. این گزارش حاوی بخشهایی از موارد قانون اساسی است که به صورت مستقیم و غیر مستقیم می تواند بر نیروهای مسلح ایران و سیاستهای دفاعی آن تأثیر بگذارد.

الف. ماده ۶ سانسور مطبوعات تنها در زمان جنگ اعمال خواهد شد.

ب. ماده ۷۶ رئیس جمهور باید ایرانی الاصل و شهروند ایران باشد.

ج. ماده ۸۲ رئیس جمهور طبق سوگندی که یاد می کند باید با استفاده از تمام اختیارات خود در حراست از تمامیت ارضی کشور کوشا باشد.

د. ماده ۹۳ رئیس جمهور فرمانده کل نیروهای نظامی کشور است. رئیس ستاد نیروهای مسلح ایران نیز طبق پیشنهاد کابینه انتخاب و باید مورد تصویب رئیس جمهور قرار گیرد.

ه ماده ۹۴ توشیح معاهده های ایران با کشورهای دیگر و نیز معاهده های بین المللی از مسئولیت های رئیس جمهور است، البته پس از آنکه این معاهده ها و پیمانها مورد تصویب پارلمان کشور قرار گیرد.

و. ماده ۹۵ اعلام جنگ، آتش بس و انعقاد صلح نیز پس از تصویب پارلمان در اختیار رئیس جمهور است. در صورت بروز اوضاع اضطراری، پس از مشورت با کابینه وزراء رئیس جمهور می تواند وضع اضطراری اعلام نماید.

ز. ماده ۱۰۳ اداره امور کشوری و مسئولیت تمام سازمانهای نظامی و غیر نظامی بعهده شورای وزیران است.

ح. ماده ۱۲۱ نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مسئول حراست از استقلال و تمامیت ارضی کشور می باشند.

ط. ماده ۱۲۲ هیچ سرباز یا افسر خارجی حق خدمت در نیروهای مسلح ایران را ندارد. حضور نیروهای مسلح خارجی در کشور و یا عبور آنها از کشور تنها زمانی مجاز است که به نفع کشور باشد و توسط ۳۴ کل اعضای پارلمان تصویب شود.

ی. ماده ۱۲۳ بودجه سالانه ارتش باید مورد تصویب پارلمان قرار گیرد. هزینه خرید تسلیحات و علل خرید آنها باید در بودجه نظامی تصریح گردد.

ک. ماده ۱۲۳ ایجاد هرگونه پایگاه خارجی در ایران حتی برای استفاده های صلح آمیز کاملاً ممنوع است.

ل. ماده ۱۳۸ تخلفات و سرپیچی از وظایف خاص و مسئولیتهای نظامی در دادگاههای نظامی بررسی می گردد. بررسی جرائم عمومی مرتکب شده توسط پلیس نظامی نیز بعهده دادگاههای عدلیه

عمومی است.

م. ماده ۱۴۲ به منظور حراست از قانون اساسی و حصول اطمینان از تطابق دیگر قوانین با آن، شورایی مرکب از عناصر زیر خواهد شد:

۱. پنج رهبر مذهبی مطلع به مقتضیات عصر حاضر. پارلمان این پنج نفر را از میان رهبران سرشناس مذهبی انتخاب خواهد کرد.

۲. شش فرد خبره در امور قضایی: که سه تن از آنان اساتید حقوق قضایی در دانشکده های حقوق کشور و سه تن دیگر از قضات دیوان عالی کشور بوده و توسط پارلمان انتخاب می شوند.

۲ (خیلی محرمانه/ غیر قابل رو□ت برای بیگانگان) اظهار نظر: در صورت تصویب قانون اساسی فوق، رئیس جمهور به عنوان فرمانده کل قوای مسلح عمل خواهد کرد (ماده ۹۳). ظاهراً رئیس ستاد همردیف یا همتای سرپرست رو□ای ستاد مشترک ما خواهد بود. اگر قرار باشد که رئیس جمهور، رئیس مذهب اسلامی ایران (یعنی دین رسمی تشیع جعفری) باشد، مثلًا اگر خمینی رئیس جمهور شود، در برابر ارتش از قدرت قابل ملاحظه ای برخوردار خواهد بود. این وضعیت کاملًا جمع گرا حتماً بوجود خواهد آمد چون رهبر (آیت اللّه، رئیس یا سرپرست) پنج رهبر مذهبی حافظ قانون اساسی (ماده ۱۴۲) نیز به احتمال قوی خمینی خواهد بود. در صورتی که یک فرد عادی به عنوان رئیس جمهور برگزیده شود، رهبریت مذهبی به صورت عاملی بسیار مهم در تصمیم گیریها عمل خواهد نمود.

از نظر استراتژیک، ممنوعیت ایجاد پایگاههای خارجی در خاک ایران حتی برای استفاده های صلح آمیز (ماده ۱۲۴) در صورت تصویب (و گمان می کنیم که تا زمان تکیه زدن خمینی بر قدرت اجرا خواهد شد) مانع از برقراری مجدد عملیات نظامی دوران قبل از انقلاب ایران توسط آمریکا به استثنای عملکردهای مربوط به هیأت مستشاری نظامی خواهد شد. اجرای موادی که در این پیام نیامده است، تأثیری بر وضع نیروهای مسلح نخواهد داشت. در اینجا تکرار می کنیم که این قانون اساسی در مرحله پیش نویس قرار دارد و این نکته ای است که سحابی نیز در گفتگوهای خود با مقامات سفارت در تهران آن را متذکر شده بود. جناحهای مختلف مردم نیز تا بحال در چند مورد نسبت به آن اعتراضاتی نشان داده اند.گاست

روابط تجاری ایران و آمریکا

سند شماره (۲۳)

از: سفارت آمریکا در تهرانتاریخ : ۲۲ ژوئیه ۱۹۷۹ ۳۱ تیر ۱۳۵۸

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. با اولویتطبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع: روابط تجاری ایران و آمریکا

۱ (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲ مقام وزارت خارجه با رئیس بانک ملی، جلیل شرکا در تاریخ ۲۲ ژوئیه ملاقات کرده و در تبادل نظر در مورد روابط تجاری ایران و آمریکا از مطالب و نکات مطروحه در تلگرام مرجع استفاده نمود. در این سفر می خواستیم از نظریات وی در مورد امکان فعال سازی مجدد اتاق بازرگانی و یا شورای بازرگانی مطلع شویم، چون شرکاء زمانی سرپرست ایرانی کمیته اقتصاد و دارایی کمیسیون مشترک ایران و آمریکا بود.

۳ مقام وزارت خارجه با اظهاراتی مختصر در مورد روحیه تجاری آمریکا براساس گفتگوهای انجام شده با بعضی از شرکتها از زمان پیدایش انقلاب، بحث را آغاز نمود. موضوع اصلی این بود که هنوز حفظ روابط تجاری با ایران مورد توجه است ولی در مورد رویدادها ووقایع ایران نیز نوعی غفلت و عدم اطمینان قابل ملاحظه، محسوس است. شرکتهای آمریکایی می توانند با شرایط «بد» وفق پیدا کنند، اما در مبارزه با عدم اطمینان مشکلات بسیار داشته اند. گرچه بعضی از شرکتها چون جنرال موتورز و دوپونت در سفرهای خود نتایج مثبتی را تجربه کرده اند، ولی شرکتهای دیگری چون جی.تی.ئی. با مشکلات بسیار جدی مواجه می باشند. (اظهار نظر: شرکا نیز مانند ما نمی داند که چرا با شرکت جی.تی.ئی. چنین رفتاری شده است. پایان اظهار نظر.) ما امیدوار بودیم که بتوانیم از طریق کانالهای غیر رسمی وضع ارتباطی را بهبود بخشیده و میزان مناقشات و اختلافات تجاری را به حداقل کاهش دهیم.

۴ شرکاء گفت که «آشکارا نگران» وضعیت موجود است. انقلاب همه چیز را ۱۸۰ درجه تغییر داده است. در وزارتخانه ها دیگر کسی نیست که با این مسائل آشنا باشد. وی در ادامه گفت «تنها یک نفر مانده است». شرکتها نیز در زمینه مدیریت خود در سطوح ارشد همین تغییرات را تجربه کرده اند. شرکا گفت به همین دلیل است که اقتصاد در وضعی خطرناک به سر می برد و بسیاری از شرکتهای خارجی نیز مشکلات مربوط به برقراری مجدد روابط را تجربه می کنند.

۵ شرکاء گفت که اخیراً بنابه درخواست نخست وزیر بازرگان، به نیویورک و لندن سفرکرده بود. هدف از این کار تشریح سیاست ملی سازی بانکها و نگرانیهای مربوط به بخشی از بانکهای خارجی بود. دو هفته قبل او اجلاسی از عالیرتبه ترین بانکها در نیویورک تشکیل داده و از طرف دولت ایران در مورد سرمایه هایشان به آنها اطمینان داده بود. شرکا گفت که ایرانیها در این زمینه سوابق مثبتی دارند و به ذکر مواردی که در زمان کار در وزارت دارایی با آنها مواجه شده بود پرداخت که یکی از آنها رعایت حقوق سهامداران می باشد.

۶ در رابطه با احیای مجدد شورای بازرگانی، شرکا گفت که این نظریه بسیار خوب است. ولی مشکل موجود این است که طرف ایرانی باید فرصت بازسازی خود را داشته باشد و بخاطر مهاجرت وسیع بازرگانان بزرگ ایرانی، زمان مورد نیاز برای طرف ایرانی طولانی تر خواهد شد. شرکا صریحاً معتقد است که بهتر است این پیشنهاد تا روی کار آمدن دولت جدید مسکوت بماند. مقام وزارت خارجه در پاسخ گفت البته در مورد زمان بندی از نظر ایرانیها مطلع خواهیم شد، ولی باید مکانیزم مشورتی غیر رسمی خاصی نیز وجود داشته باشد. شرکاء احساس می کند در این زمان بهتر است که شرکتهای آمریکایی به صورت جداگانه به دنبال تأمین منافع خود باشند. در رابطه با کمیسیون مشترک، شرکا گفت در دولت موقت سخنی به میان نیامده است. بنا به اعتقاد این کمیسیون وسیله ای است بسیار مفید و پیشنهاد کرد که این موضوع را حتماً با وزیر دارایی و دیگران در میان بگذاریم.

۷ امکان ورود یک هیئت کوچک نمایندگان شرکتهای مهم آمریکایی به تهران نیز مورد بحث قرار گرفت. بار دیگر وی گفت که زمان برای این کار مناسب نیست. بهتر است تا زمان انتشار مقررات ملی سازی صنعتی منتظر بمانیم. با این حال شرکاء گفت که قبل از دنبال کردن این نظریه بهتر است آن را با دیگران نیز در میان بگذاریم.

(اظهار نظر: با فرا رسیدن ماه رمضان در آخر هفته جاری، باید گفت که سفر مزبور باید در پاییز صورت پذیرد. پایان اظهار نظر.) بانک ملی (که او توسط شاه در فوریه ۱۹۷۸ به عنوان رئیس آن منصوب شد) از وضعیت ممتازی برخوردار است. وی گفت علت این امر نیز وجود رابطهای نیرومند خانوادگی وی در بازار است. همین خصیصه او را مورد قبول «طرف مقابل» ساخته است. از بیانات شرکا چنین بر می آید که او و مغز کوچکش در این بانک در زمینه سیاست اقتصادی به صورت پلی بین دولت بازرگان و دیگر شخصیتهای انقلابی عمل می کنند.لینگن

دولت موقت ایران (بار دیگر) برای کنترل جنبش انقلابی تلاش می کند

سند شماره (۲۴)

از: سفارت آمریکا در تهرانتاریخ : ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۹ ۱ مرداد ۱۳۵۸

به: وزارت امورخارجه در واشنگتن دی. سی. فوری طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع: دولت موقت ایران (بار دیگر) برای کنترل جنبش انقلابی تلاش می کند

۱ (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲ خلاصه: در یک نطق تلویزیونی خطاب به ملت در تاریخ ۲۰ ژوئیه نخست وزیر بازرگان علل وجودی سیستمهای موازی حکومتی ایران را مورد بررسی قرارداد و آخرین پاسخ دولت موقت را برای حل این مشکل ارائه نمود. به نظر ما، دولت موقت در این زمینه نقش چندان مؤثری نخواهد

داشت. راه حل پیشنهادی برای آینده قابل پیش بینی این است که کمیته های انقلاب، دادگاههای انقلاب، و گروههای مختلف مسلح شبه نظامی مستقل از دولت موقت و رهبریت جنبش انقلابی عمل نمایند.

پایان خلاصه.

۳ بازرگان در تاریخ ۲۰ ژوئیه (تلگرام عطف) خطاب به ملت اظهار داشت که در طول تاریخ سه نوع انقلاب نظامی، حزبی و ملی وجود داشته است. کودتای ۱۹۲۱ به سرکردگی رضاخان (که بعداً شاه شد) نمونه ای از انقلاب نوع اول، انقلاب ۱۹۱۷ روسیه نمونه ای از نوع دوم، و البته، انقلاب ۱۹۷۹ ایران نمونه ای از نوع سوم است که «در تاریخ جهان بسیار کم نظیر است». وی گفت، نتیجه مشارکت توده های مردم در انقلاب ایران، پدید آمدن عدم تمرکز قدرت در تمام افراد و سازمانهای اعمال کننده آن، بوده است.

۴ بازرگان گفت این وضع نمی تواند بیش از این ادامه داشته باشد، زیرا به کرات دیده شده که آنهایی که در تلاشند تا اعمال قدرت کنند، آگاهانه یا ناآگاهانه در نیل به اهداف تناقض ایجاد کرده اند. دولت موقت ایران، شورای انقلاب و خمینی جلسه ای برای حل این مسئله تشکیل داده اند و به سه راه حل دست یافته اند:

یکی این که کمیته های انقلاب و همه عناصر غیر رسمی ساختار حکومتی منحل شوند، یا دولت مستقیماً در برابر شورای انقلاب مسئول واقع شود همان طوری که «کمیته های امام تحت نظارت آن هستند» و یا اینکه اعضای دولت و شورای انقلاب در یکدیگر ادغام شوند. آخرین راه شایسته ترین شناخته شد و بازرگان اعلام نمود که پنج تن از اعضای شورای انقلاب در سه وزارتخانه مختلف دولت موقت ایران به سمت معاونین وزرا منصوب خواهند شد. این وزارتخانه ها عبارتند: از وزارت دفاع ملی، امور اقتصاد و دارایی و علوم و آموزش عالی.

۵ این راه حل نیز نخواهد توانست در حل مشکلات و معضلات ناشی از دوگانگی اختیارات حکومتی مؤثر واقع شود. قابل تصور نیست که سه ملا و یک غیر نظامی در پست معاونت وزیر (تئوریسین اقتصادی ابوالحسن بنی صدر نیز از قبول این سمت در وزارت اقتصاد و دارایی سرباز زد که ظاهراً باعث خوشحالی وزیر اقتصاد، علی اردلان، گردیده است) در حل مشکل اصلی دولت یعنی اعمال قدرت بر کمیته ها و دادگاههای انقلابی و نیروهای شبه نظامی مؤثر واقع شوند، چون تمام این عناصر نه تنها مستقل از دولت موقت بلکه مستقل از همه کس و همه چیز عمل کرده اند، و دلیلی ندارد که بگوییم آنها از استقلال عمل خود دست برخواهند داشت.لینگن

ایران: تظاهرات در حمایت از خمینی

سند شماره (۲۵)

از: آژانس اطلاعات دفاعی در واشنگتن دی. سی.تاریخ : ۱۶ اوت ۱۹۷۹ ۲۵ مرداد ۱۳۵۸

به: آژانس اطلاعات دفاعی (بخش اطلاعات جاری CURINTL)

گزارش اطلاعاتی دفاعی آژانس اطلاعات دفاعی

طبقه بندی : خیلی محرمانه / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

ایران: تظاهرات در حمایت از خمینی

۱ (طبقه بندی نشده) پس از سه روز خشونت، در تاریخ ۱۵ اوت تهران به خاطر بزرگداشت

وفات امام علی، یک رهبر فرقه شیعه، تقریباً به حالت تمام تعطیل درآمده بود. در همان حال، مطبوعات گزارش دادند که دهها هزار نفر در قم در حمایت از خمینی به راهپیمایی پرداخته اند.

۲ (طبقه بندی نشده) بنا به گزارشات واصله راهپیمایان یک قطعنامه ۵ ماده ای صادر کردند که در آن خاطرنشان شده که «ملت ایران تحت رهبریهای خمینی هرگونه توطئه، خیانت، نفوذ، تشنج و یا نابسامانی را در نقطه خفه خواهند کرد، و علیرغم تمام توطئه های بین المللی راه خود را ادامه خواهد داد». این قطعنامه همچنین از دادگاههای انقلاب خواستار اعدام «رهبران اصلی صهیونیستها و کسانی که با آنها رابطه دارند» شده است.

۳ (خیلی محرمانه / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) این قطعنامه بار دیگر نشانگر احساس شدید ضد بیگانه رایج در ایران است. ظاهراً مردم نمی توانند مسئولیت پیدایش شرایط یا اقدامات نادرست را به گردن بگیرند. در عوض، آنها وضع اقتصادی وخیم، آشوبهای نژادی، و تظاهرات ضد خمینی را عناصری از توطئه های خارجی می دانند که بنابر اعتقاد آنها توسط آمریکا و اسرائیل طراحی شده است.

۴ (خیلی محرمانه / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) برگزاری این تظاهرات در حمایت شدید از خمینی پس از تصویب اعمال کنترل شدید بر مطبوعات پدیدار گشت. علیرغم اقدامات خود مختارانه و سرکوبگرانه وی، این موضوع بار دیگر بر این واقعیت دلالت دارد که او از حمایت شدید طبقه پایین اجتماع برخوردار می باشد. نیروهای اسلامی کنترل امور را در دست دارند و هیچ گروه سیاسی دیگری برای مبارزه با آنها عرض اندام نکرده است.

۵ (خیلی محرمانه/ غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) با این وصف، بنیادگرایان اسلامی ناتوانی خود را در متحد ساختن جامعه ایران با اقوام، ملل و گروههای اجتماعی، مذهبی و سیاسی مختلف که

شامل عناصر مهمی از نوگرایان و مادیگرایان است نشان داده اند. در طول شش ماهی که به قدرت رسیده اند، گروهها را یکی پس از دیگری با خود بیگانه کرده اند. این رویه و روش نمی تواند تا مدت نامعلومی ادامه پیدا کند. ولی تا زمانی که حمایت مالی توده های مردم فرسایش نیافته، خمینی کنترل امور را در دست خواهد داشت و قدرت خود را تحکیم خواهد بخشید.

تهیه شده توسط: دی. آدامز، نیروی دریایی آمریکا، DN – ۲E (خروج از طبقه بندی ۱۵ اوت ۱۹۸۵)

یزدی در نیویورک، اکنون کجاست؟

سند شماره (۲۶)

از: سفارت آمریکا در تهرانتاریخ : ۱۲ اکتبر ۱۹۷۹ ۲۰ مهر ۱۳۵۸

به: وزارت امورخارجه در واشنگتن دی. سی. فوری ۴۲۱۷طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع: یزدی در نیویورک، اکنون کجاست؟

۱ تمام متن خیلی محرمانه است

۲ خلاصه: عملکرد یزدی در نیویورک جنبه فرسایشی داشت و طی آن یادآور شد که ما باید به طریقی عمل نماییم که نشان دهد انقلاب را واقعاً پذیرفته ایم. بخشی از این عملکرد جنبه شعارهای انقلابی دارد ولی بخش اعظم آن از اصالتی خاص برخوردار و نشانگر تلاش محفلی خاص در درون

دولت موقت ایران برای تحکیم مواضع قدرت خود می باشد. تا آنجا که در توانمان هست اقدام در چند زمینه را توصیه می کنیم و ما باید تلاش خود را صرف تقویت خط مشی خود در این جو بنماییم. (پایان خلاصه)

۳ سفارت از دریافت تلگرام مرجع که حاوی تجزیه و تحلیلی ارزشمند از عملکرد دکتر یزدی در نیویورک می باشد بسیار سپاسگزار است و باید گفت که یزدی به عنوان عضو گروهی که در داخل دولت موقت به خمینی بسیار نزدیک است به احتمال قوی در انقلاب ایران بعد از انقلاب نقش مهمی را ایفا خواهد کرد. (دیگر افراد موجود در این گروه عبارتند از وزیر دفاع جدید چمران، قطب زاده در رادیو و تلویزیون ملی ایران، سخنگوی دولت موقت، طباطبائی و وزیر کشور صباغیان.)

۴ ما نیز با تجزیه و تحلیل وزارتخانه در مورد یزدی در این خصوص که او می خواهد برای رسیدن به اهداف روانی و سیاسی خود انقلابیون اسلامی را به عنوان نسل جدیدی از انسان بنمایاند که می خواهند در صحنه جهانی حق اظهار نظر داشته باشند، موافقیم. یزدی در هاوانا و در نیویورک چنین فرصتی را به دست آورده بود و مصمم بود که از آن حداکثر بهره برداری را بنماید.

۵ نکته مهم دیگر این است که هدف وی در رابطه با آمریکا این بود که چه به طور علنی و چه خصوصی به ما بفهماند که باید اقدامات بسیاری را انجام دهیم که نشان دهد ما انقلاب را پذیرفته ایم، و به ما هشدار بدهد که تا زمانی که این کار صورت نگرفته نمی توان در جهت ایجاد روابط بهتر پیشرفتی پدید آورد. پس از بازگشت از نیویورک (تلگرام جداگانه) نیز وی همین نکات را به طور مفصل در یک کنفرانس مطبوعاتی مطرح نمود. یزدی می گوید یخ حاکم بر روابط بین دو کشور هنوز شکسته نشده است.

۶ این اظهارات تا حدودی جنبه افراطی دارد چون دولت آمریکا با اقدامات خود نشان داده است

که ما واقعاً این انقلاب را پذیرفته ایم. ولی به چند دلیل می توان گفت که این امر چندان شگفت آور نیز نیست و لازم نیست که ما هم این دلایل را بپذیریم ولی باید در تلاش خود برای کنار آمدن با این رژیم سرسخت حتماً همان دلایل را مد نظر داشته باشیم.

۷ همان گونه که در تلگرام مرجع خاطرنشان شده، یزدی یک سیاستمدار انقلابی جاه طلب است. همین دیدگاه است که به خصوص در اولین بازگشتش به آمریکا پس از هیجده سال اقامت در تگزاس و دیگر نقاط (قسمتی از گذشته او که اکنون تحمل آن را دشوار می بیند)، او را وادار به سخن گفتن و نمایش کردار یک انقلابی می نماید. در نتیجه برای وی مهم بود که در بازگشت به کشورش از وجهه یک انقلابی واقعی برخوردار شود تا همه بدانند که او آماده مقاومت در برابر آمریکاست و تحت تأثیر «بردگی فکری» که بنابه گفته خودش در هاوانا» مشخصترین اثر انگشت امپریالیسم در جهان است... و به عنوان یک وسیله مؤثر لیکن کم بها سلطه امپریالیستی را در جهان تداوم می بخشد» قرار نگرفته است.

۸ اما در مقاومت سرسختانه وی در برابر آمریکا مفاهیم بیشتری نهفته است که در مذاکرات او با وزیرخارجه آمریکا و نیز در محتوای سخنرانیهای عمومی اش آشکار است. یزدی از نظر سیاسی جاه طلب ولی یک انقلابی معتقد نیز هست. به همین دلیل نمی توان او را فردی صرفا قلمداد کرد. روش برخورد وی حکایت از مطالبی دارد که بنیاد تمام تجهیزات و دستگاههای انقلابی اینجاست؛ که خود

جنبه تاکتیکی کوتاه مدت آن است: ولی او از مطالبی بنیادی تر و دراز مدت تر نیز سخن می راند.

۹ در کوتاه مدت، یزدی و دیگر نزدیکان وی در اندرون دولت موقت تلاش می کنند تا قدرت سیاسی خود را که از نظر خودشان در معرض خطر واقعی و یا خیالی قرار گرفته مستحکم سازند. به همین دلیل است که نسبت به بروز مشکلات در کردستان و خوزستان عکس العملهای تندی نشان داده می شود عکس العملی که شاخص آن رگباری از تبلیغات داخلی است تا نشان داده شود که آمریکا در پشت صحنه است و در واقع این عراق است که با همکاری عمال آمریکایی و تحت تأثیر آنها در بروز این گونه حوادث دست دارد. رابطه این تبلیغات با شرایط بحرانی این دو استان هر چه باشد، می توان گفت که این تبلیغات طوری طراحی شده تا کنترل روحانیون و انقلابیون بر نیروهای امنیتی و دستگاههای در حال تکامل دولتی را تقویت کند تا پس از تکمیل قانون اساسی بتوان هریک را در محل خاص خود استقرار بخشید. تلاش آنها در جهت تحکیم قدرت نیز از نظر بسیاری از شاهدان تأکیدی است بر ضرورت «محوسازی» آثار به جای مانده از رژیم منسوخ و مخالفین سیاسی شان از ساختار دولتی. به همین دلیل به نقل از سخنان یزدی در نیویورک گفته اند که مرحله پاکسازی وزارت خارجه هنوز به پایان نرسیده است. چمران نیز از پاکسازی مورد نظر خود در نیروهای مسلح سخن می گوید. مسائلی که در نتیجه وجود نزیه در شرکت ملی نفت ایران پدیدار گشته نیز سخن از ضرورت پیگیری روند پاکسازی را به دنبال داشته که به قولی نزیه آن را نادیده گرفته و کنار گذاشته است. خمینی نیز می گوید تنها راه بقای انقلاب، انجام پاکسازیهای لازم در کل بافت اجتماعی و اقتصادی کشور است.

۱۰ آنچه به همین موضوع مرتبط است ولی از ماهیتی دراز مدت تر برخوردار است، ابراز نگرانی در مورد یک خطر دیگر بزرگتر است که انقلاب، اهداف و مقاصد آن را تهدید می کند. ماحصل این

نگرانی محسوس شدن ضرورت حذف سلطه فرهنگی اجانب و به خصوص غرب است که بنا به قولی از رژیم گذشته بر جای مانده و از نظر انقلابیون تأثیر اسلام را در تحرک بخشیدن به جامعه و ایجاد انگیزه برای حل بافت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران فرسایش می دهد. واقعیت این است که آنها این خطر را در تمام نقاط جهان اسلام حس می کنند، که به صورت نوعی جبر ایدئولوژیک ممزوج شده با سخنان مبنی بر الحاق سرزمینهای اسلامی به یکدیگر که از ایده آلیسم پنهان شیعیان منشأ می گیرد و باعث تیره شدن روابط بین جمهوری اسلامی ایران و اکثر همسایگان مسلمان آن می شود.

۱۱ یزدی در بخش اعظم سخنرانی افشاگرانه خود در هاوانا به همین مضمونی که در ذهن انقلابیون ایرانی جای دارد اشاره نمود. بنابه گفته او «معیاربندی ارزشها، اهداف و آرمانها در میان نخبگان حاکم بر جهان، بعد جدید سلطه فرهنگی را به ماهیت رو به تکامل امپریالیسم در جهان معاصر افزوده است.» یزدی خواستار «زدودن و کناره گیری از همپیمانی فرهنگی با ابرقدرتها و تلاشی منظم در جهت رهانیدن خود از اسارت فکری سلطه فرهنگی شده است.»

۱۲ برای ما کار کردن با رهبریتی که مانند او عمل می کند دشوار است؛ چون علیرغم اینکه به ما نیازمند است سعی می کند زیاده از حد به ما نزدیک نشود تا انقلاب حفظ شود. زمان و شرایط اجباری ناشی از یک تحرک و پویایی نهفته در مادیگرایی و نوگرایی اقتصاد ایران و ساختار اجتماعی شهری آن این وضع را در نهایت تغییر خواهد داد. ولی در نتیجه بعضی از مشکلات سیاسی که در کوتاه مدت

اجتناب ناپذیر است، حرکت کندتر خواهد شد. ما باید حداکثر صبر و حوصله و حساسیت خود را در پیگیری منافع خود در جوی انباشته از سوء ظن که توسط یزدی در نیویورک منعکس گردیده، به کار گیریم.

۱۳ پس از ادای این مطالب، از این پس به اظهار نظر در سه مورد خاص می پردازیم: اول، تدارک نظامی؛ دوم، موضع علنی ما در قبال انقلاب؛ و سوم، حرکت سمبلیک ملاقات با خمینی و انتصاب سفیر.

۱۴ یزدی در نیویورک از روشن ساختن این موضوع باز نماند که عملکرد ما در زمینه تدارکات نظامی همچنان محکی است برای مواضع ما در مقابل انقلاب. مسیر بسیار صعب العبوری در پیش است، آن هم نه به خاطر اینکه برقراری رابطه با چمران به عنوان سرپرست جدید نهاد دفاعی موضوع بحث باشد، بلکه به خاطر اینکه ترس از گسترش نفوذ آمریکا در جامعه ایران از طریق نظامی وجود دارد. (طبق گفته یزدی در هاوانا بیش از ۱۲۰۰ پرسنل نظامی ایرانی در آمریکا دوره دیده اند، که این رقم از نظر ما محافظه کارانه ارائه شده است.) علاوه بر این یزدی و دیگران معتقدند که ایران از طریق صندوق اعتباری خود فریب خورده است.

۱۵ بنابراین ما با مسئله ارضای سیاستمدارانی چون یزدی، چمران و نیز افراد حرفه ای نظامی روبرو هستیم که دریافته اند که از پشتیبانی لجستیکی و فنی آمریکایی مورد نیاز خود محروم خواهند ماند. با این وصف، از نظر ما موضعگیری کنونی ما در قبال تدارک نظامی اصولاً صحیح است که همان موضعگیری صریح و روشن در قبال پرداخت صورتحسابهاست و به صورتی بسیار صریح قوانین و مقررات خودمان را در آمادگیمان به پاسخگویی به سؤلات دولت موقت در زمینه جزئیات مالی و ارائه لوازم یدکی پس از برقراری نظم در حکومت موقت ایران، ارائه می دهیم، به آن گوشزد می کند.

ولی، به نظر ما باید در خط مشی های خود به صورت منفرد و منفک و به خصوص در مورد ارائه مقرراتی که به تجهیزات طبقه بندی شده و حساس تأثیر می گذارد نیز تن به خطر و ریسک بدهیم. در نتیجه باید در پاسخ به درخواست دولت موقت در مورد هواپیماهای اف ۴ بسرعت موضع گیری مثبتی را از خود نشان دهیم. هرگونه به تأخیر و یا ممانعت از ارسال این جنگنده ها این سوءظن را بر می انگیزد که مبادا آمریکا خیال تنبیه و تأدیب دولت موقت را از نظر مالی و سیاسی دارد؛ تصویب مورد مربوط به این تعداد کوچک از هواپیماها که هزینه آنها نیز اضافه بر صورتحسابهای نیروی هوایی پرداخت شود در حراست از منافع ما در ایران (در صورتی که نیاز به مشورت با کنگره باشد) قابل دفاع و توجیه است.

۱۶ ثانیاً، همان طور که این سفارت قبلاً پیشنهاد کرده بود، ما معتقدیم که باید راهی یافته و علناً اعلام کنیم که وجود دگرگونی در ایران را پذیرفته ایم. برای این کار دو علت وجود دارد یکی اینکه سوءظنهای دولت موقت نسبت به مقاصد ما کاهش پیدا می کند و دیگر اینکه با این کار به مردم خودمان منافع درازمدتمان در ایران را یادآور می شویم (چون مطبوعات آمریکا در این زمینه نقشی تصنعی و سطحی داشته اند). البته معنی این مطلب این نیست که برای ما حمایت و تأیید علنی خمینی و یا تشویق و حمایت از چمران و یزدی و تمام بیانات و کردار آنها و یا تمجید از سیاست دولت موقت در کردستان ضروری و حیاتی است. آنچه که باید بگوییم آن هم به طریقی که تا به حال نگفته ایم این

است که ما در ایران دارای منافع دراز مدتی هستیم که هنوز هم به قوت خود باقی است و به نظر ما باید در ایران اسلامی نیز پیگیری شود.

۱۷ ما مخصوصاً از وزارت خارجه می خواهیم که علناً و بطریقی اعلام نماید که ما مایلیم که ایران اهداف انقلابی خود را طوری تحقق بخشد که مورد حمایت تمام اقشار ملت آن باشد و آمریکا قصد ندارد مقاصد خود و یا رژیم خاصی، چه سلطنتی و چه غیر از آن را بر ایران تحمیل کند و القای تمامیت و استقلال ایران به نفع ما و مورد توجه ماست؛ و منافع آمریکا در دسترسی داشتن به نفت ایران مترادف است با منافع ایران در ادامه و تأمین مالی عمران صنعتی و کشاورزی آتی ایران. ما باید فرصتهایی پیدا کرده و تأکید ایران انقلابی بر اسلام و کمک معنوی آن به جامعه را با در نظر گرفتن طریقی که آمریکاییان نیز برای جنبه های معنوی تلاش انسانی اهمیت قائل می شوند، به عنوان عنصری مورد احترام و قابل درک برای آمریکاییها مورد استقبال قرار دهیم.

۱۸ نظریات چند ماه قبل معاون وزیرخارجه، یعنی ساندرز در مورد خاورمیانه بخش اعظم این مطالب را در بر دارد و چیزهایی است که باید مکرراً به سمع ایرانیها رسانیده شود.

۱۹ ثالثا، و مختصرا، یک موضوع بسیار با اهمیت دیگر دیدار با خمینی و انتصاب یک سفیر در ایران است. اکنون برای انجام این کارها شاید دیر شده باشد؛ ولی موضوع اصلی راهی را پیش پا می گذارد که از نظر یزدی و اکثر ایرانیها می تواند به روشن شدن طرز برخورد ما در قبال انقلاب بینجامد. اگر قرار باشد انتصاب سفیر جدید باز هم به تأخیر افتد، توصیه می کنیم که زمینه برای ملاقات با خمینی در سطح کاردار فراهم آید. اما در رابطه با انتصاب سفیر، اکنون زمان مناسبتر از همیشه است و نباید در این مورد بیش از این تأخیر روا داشت.لینگن

بهبود اقتصادی اکنون کجا هستیم؟

سند شماره (۲۷)

از : سفارت آمریکا در تهرانتاریخ : ۲۳ اکتبر ۱۹۷۹ ۱ آبان ۱۳۵۸

به : وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. با اولویتطبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : بهبود اقتصادی اکنون کجا هستیم؟

۱ (تمام متن خیلی محرمانه)

۲ مقدمه و خلاصه: در حالی که عایدات نفتی ایران ۲ میلیارد دلار در ماه می باشد، در حدود ۴/۲ میلیون نفر (یا ۲۰ درصد) نیروی کار ایران بیکار هستند. بسیاری از کارخانه های در حالت رکود به سر می برند. متوسط تولید ۵۰ درصد ظرفیت تخمین زده می شود. با گذشت ۸ ماه از انقلاب و در حالی که اولین مرحله ابتدایی که همانا تخفیف هرج و مرج ها و سر و سامان دادن به امور می باشد انجام پذیرفته است، بسیاری از ایرانیان شروع به پرسیدن این سؤال کرده اند که چرا بهبود اوضاع به طرز سریعتری انجام نمی گیرد.

۳ این تلگرام به بررسی یک مشکل اساسی می پردازد و آن عدم موفقیت در انتقال سرمایه های نقدی و غیر نقدی بانکها به بخش ناتوان صنعتی که بشدت محتاج سرمایه یا اعتبار هستند می باشد. کمبود اعتبار، تصمیمات اعلام شده دولت را بی اثر می سازد و به بی ثباتی و عدم اطمینان که خود از عوامل دخیل در این مشکل هستند کمک می نماید. دلایل دیگری که ذیلاً مورد بحث قرار می گیرند

عبارتند از: عدم وجود سرمایه و سرمایه گذار، خروج سرمایه، بی لیاقتی دولت در همه زمینه ها، عدم تأمین شخصی، عدم موفقیت در اجرای برنامه اعتبار ضروری و عدم توانایی کسانی که قصد گرفتن وام دارند در بازپرداخت وامشان. آینده این رژیم بستگی به موفقیت دولت در حل چنین مشکلاتی و اجرای برنامه های اطمینان بخش در ماههای آتی دارد. (پایان مقدمه و خلاصه)

۴ عدم اطمینان، عدم سرمایه گذاری، ترجیح سرمایه نقدی بر غیر نقدی و خروج سرمایه نقدی و غیر نقدی از دو طریق می تواند مولد شود. از طریق سرمایه گذاری در کارخانه های موجود یا جدید و از طریق اعطای وام جهت سرمایه کاری. در حال حاضر سرمایه گذاری انجام نمی گیرد و این تا حدودی ناشی از فرار طبقه تاجر به خارج از کشور می باشد. صادق سمیعی، معاون مدیر کل بانک ایران عرب که خودش از همان تبار می باشد می گوید در حال حاضر بیش از ۱۵ نفر ایرانی که ثروت شخصی لازم را دارا باشند باقی نمانده اند و آنها هم در شرایط فعلی کاری نمی توانند بکنند.

۵ اقشار بازاری (بازرگانان محافظه کار)، دلال هستند و نه سرمایه گذاران اهل ریسک. بنابه گفته ابطحی، مدیر بخش خارجی بانک ملی (بزرگترین بانک تجاری)، بازاریها افراد بسیار ثروتمندی هستند اما با توجه به عدم اطمینانهای مشابهی، آنها ترجیح می دهند که ثروتشان را در بانکها انباشته کنند و یا حتی بهتر از این، آن را صادر نمایند. گرانتر از حد واقع پرداختن برای واردات (overvoicing) وسیله معمول برای توضیح اینکه چرا ارزش (و به عبارتی ارزش دلاری) اعتبارات اسنادی در دو ماه گذشته با چنین شدتی افزایش یافته اند را فراهم می آورد. این امر ضرورتاً به معنای افزایش واردات یا افزایش فعالیت اقتصادی نمی باشد. ابطحی می گوید من مکرراً از مردم سؤال می کنم چرا آنها با این واقعیت که ما در وضعیت بسیار بدی هستیم روبرو نمی شوند؟

۶ ابطحی ادامه داد، بازاریها (و دیگران) متناوباً در حال تبدیل ثروتشان به کالاهایی هستند که

احتمالاً بازارهای خوبی در خارج پیدا می کنند. علاوه بر کالاهای معمول مانند طلا یا فرشهای شرقی، زعفران نیز در حال حاضر خواهان بسیار پیدا کرده است. بر عکس طبقه کارخانه داران که نزدیکی نامطبوعی با رژیم گذشته داشتند، بسیاری از بازاریها از نظر ایدئولوژیکی به رژیم فعلی تر حریف هستند.به طور کلی آنها پول خوبی در می آورند و شاهد این امر، خرده فروشیهای قابل توجه در بازارها و بالا رفتن رقم پس انداز بانکی آنها می باشند. بنابراین دلیل عدم اطمینان از جانب ایشان، نباید به سادگی رد شود.

۷ قسمتی از این عدم اطمینان ناشی از سیاستها یا بی سیاستهایی است که از دولت سرچشمه می گیرند. به جای خط مشی های ثابت و استوار بازرگانان با تئوریهای مبهمی از قبیل بهره صفر درصد، (مرجع ب)، بدون ایجاد انگیزه هایی که آنها بتوانند بدان پاسخ گویند و برنامه های خودشان را بر آنان استوار سازند، مواجه می شوند. ابطحی تنها با لحن نیمه شوخی اظهار داشت که صحبت از بهره صفر درصد ممکن است تهدید دروغین برای انتقال مازاد سرمایه های نقدی و غیر نقدی از حسابهای جاری مشمول بهره به بازار سهام یا به شکلهای مستقیم تری (از سرمایه گذاری بوده باشد. او با لحن غمناکی گفت، اما این امر به هیچ وجه تحقق نیافت.

۸ عامل دیگری که موجب تشویش خاطر بازاریان را فراهم می کند قیمت است. چقدر باید برای این یا آن کالای وارداتی بپردازند؟ چقدر باید بابت این کالاها از مصرف کنندگان پول دریافت کنند؟

گرچه این امر یک آیین مذهبی سنتی در اسلام سنتی است اما برخورد ساده انگارانه اسلام با این مسئله و اضطرابی که انزجار ایشان نسبت به سودگرایی ایجاد می کند، مانع دیگری بر سر راه سرمایه گذاری یا وام دهی می باشد.

۹ عامل دیگری که ممکن است تضییع اطمینان را فراهم سازد عدم صلاحیت مدیرانی است که برای به راه انداختن صنایع ملی شده انتخاب شده اند. از قرار معلوم حتی کارگران نیز در این مورد گله مند هستند. بانکداران از مدیرانی صحبت می کنند که مجبورند تازه با اختلاف بین ستون بدهکار ترازنامه و بستانکار آن آشنا شوند. عدم اطمینان از این که کسانی مالکان و کنترل کنندگان شرکتها هستند بر بی میلی بانکداران برای اعطای وام به شرکتهای فاقد مدیریت با تجربه می افزاید. در مواردی که همه سهام یک شرکت مصادره شده ولیکن دولت یا یک بنیاد خیریه، مدیران معینی را جهت هیأت مدیره منتصب می کند، حوزه های مسئولیت افراد و مسئولیت نهایی مالی نامشخص باقی می ماند.

۱۰ انعکاس انتصاب مدیران بی تجربه در خروج افراد با تجربه از کشور مشاهده می شود. با این حال هنوز تعدادی از افراد مزبور در کشور مانده اند و در این سیستم کار می کنند. اما توانایی آنها برای پر کردن شکاف تجربه موجود و تأثیرشان در ایجاد تحرک اقتصادی به خاطر ناملایمات روحی ناشی از مشاغل آنان کاسته شده است. ابطحی پرسید آیا شما می توانید درک کنید که دوره تصدی من بستگی به این دارد که آیا من نماز می خوانم یا نه؟ سایر کسانی هم که مانند ابطحی نمی خواهند منافق گونه عمل کنند، چیزهای مشابهی را گفته اند. همه تا اندازه ای آسیب پذیر هستند، این درسی است که به طور مؤثری از اخراج نزیه رئیس شرکت نفت گرفته شده است. لذا تمایل رو به رشدی وجود دارد که از تصمیماتی که احتمالاً جلب توجه کرده یا تهاجمی را علیه خودشان بر می انگیزاند اجتناب ورزند. این امر حتی به تمایل آنها برای اضافه کاری لطمه می زند. (مخصوصاً بعد از کاهش عمده اخیر

در حقوق کارکنان شرکت نفت و بانکها.)

۱۱ مسئله دیگر، ترس از این می باشد که نه این رژیم، بلکه جانشین آن، مدیران را بخاطر اجرای دستورات رژیم فعلی مورد موأخذه قرار دهد؛ آنچه که بر سر بسیاری از کسانی که دستورات شاه را اجرا کردند آمد. عدم ثبات آشکار رژیم و احتمال محسوس وجود ضدانقلاب همه دست به دست هم داده تا از تحرک و ابتکار جلوگیری کنند. البته از جنبه مثبت قضیه باید گفت که مثال عاقبت کسانی که بخاطر حمایت از دوستان نزدیک شاه قوانین را زیر پا گذاشتند باعث تقویت بانکداران برای مقاومت در مقابل دخالتهای خام (بیجای) روحانیت و کمیته ها که خواستار به اجرا درآمدن پروژه های نفتی هر چند غیر اقتصادی خود می باشند شده است. عقیلی، مدیرعامل بانک ایران و خاورمیانه می گوید هیچ کس نمی خواهد همان گونه که آنها عده ای (از عمال رژیم سابق) را اعدام کردند، مرا نیز تیرباران نمایند.

۱۲ اما به هر حال در مجموع، اثر این فشارها مخصوصاً بر بانکداران، که در حال حاضر کارمندان دولت به شمار می آیند، این بوده است که از هر نوع ابتکار و ابداع، جسارت و انعطاف از سوی آنها ممانعت به عمل آورد. کیفیات و مشخصات ذکر شده مخصوصاً از این جهت مورد نیازند که در حال حاضر بسیاری از صنایع ایران که قادر به پرداخت دیون خود نمی باشند با بیهودگی تقاضای اعتبار می نمایند.

۱۳ برای درک اهمیت اعتبار برای صنایع ایران، باید به یاد آورد که عمده این صنایع در واقع مونتاژ قطعات خارجی می باشد و یا حداقل به شدت به مواد خام وارداتی وابسته است. صاحبان صنایع به سختی قادر به حفظ اعتباراتشان هستند. همان طور که ساقطلیان (SAGHETELIANE) مدیر عامل بانک تجارت خارجی ایران اظهار داشت، آنها قبل از این که به بانکداران ایرانی خودشان توجهی داشته باشند متوجه تأمین کنندگان مواد اولیه شان می باشند. در مقابل، بسیاری از آنها از امتیازات خرید با اعتبار نامحدود برخوردار هستند. سایرین نیز اعتبارات اسنادی با مهلت ۱۸۰ روز یا بیشتر را در اختیار دارند. اعتبارات اسنادی ضمن آنکه آنها را مجاز ساخته که قبل از اینکه مجبور به پرداخت قیمت کالاهای وارداتی به صادر کنندگان این مواد باشند، یک ماه برای حمل کالاهای وارداتی، یک ماه برای عمل آوری این مواد و یک ماه برای دادن فرصت به خریدار محصولات تولید شده برای پرداخت، و نیز از یک مدت ۳ ماهه اضافه جهت بازپرداخت برخوردار باشند. شناوری مدت زمان پرداخت از عوامل مهم در سودبری آنها می باشد.

۱۴ با شروع انقلاب، صادر کنندگان خارجی شروع به تأکید برای اعتبارات اسنادی تأیید شده کردند، که در واقع به معنای پرداخت نقدی بود. شرکتها نیز به نوبه خود از مشتریانشان خواستار پرداخت نقدی گشتند. شناوری مدت پرداخت از بین رفته، و در بسیاری از موارد در حالی که باید همچنان ۲۰ درصد اضافه حقوق کلیه کارمندان حفظ شود، تولید و درآمدها کاهش یافته اند. مشتریان پرداختهای خود را معلق کرده اند. بدین ترتیب بسیاری از صنایع کاملاً در قرض فرورفته بر اثر این مشکلات از پرداخت قروض خود عاجز شده بودند و در ضمن وثیقه های (ملکی) ایشان نیز فاقد اعتبار گشته بود و تلاش می کردند که حتی برای پرداخت حقوق کارکنانشان وام بگیرند و البته اغلب هم تلاششان به جایی نمی رسید.

۱۵ فریاد برای اعتبار اضطراری که برای اولین بار ۵ ماه قبل به گوش رسید توسط کمیته بازرگانی کمیته انقلاب در قم پاسخ داده شد. اتحادیه ای متشکل از بازاریان راستگرا با اعتبار اضطراری ۸۰ میلیارد ریالی مشهور خود، امیدهای بزرگی را به همراه آورد. بانک مرکزی ایران قصد داشت که این ۸۰ میلیارد را با بهره ۶ درصد و با صرفنظر نمودن از الزامات جانبی (وثیقه) بین ده نوبت از طریق ۱۰ شعبه (که اخیراً یازده تا شده اند) از بانکهای قویتر تجاری تقسیم نماید. پنجاه درصد نیازمندیهای متقاضیان از این طریق تأمین می شد و این درحالی بود که وجوه مورد نیاز از محل ذخایر خود بانکها تأمین می گشت. به این ترتیب با ۶/۱ میلیارد ریالی که انتظار می رفت از هریک از بانکهای انتخاب شده در نوبت اول پرداخت نمایند، مجموعاً ۱۶۰ میلیارد ریال به اقتصاد کشور تزریق می شد. این اعتبارات می توانست برای پرداخت حقوق کارکنان یا جهت خرید مواد خام مورد مصرف قرار گیرند.

۱۶ به جز یک استثنای احتمالی بقیه رابطهای بانکهای ما روی این نکته توافق دارند که این طرح یک شکست کامل بوده است. بانک صنایع یعنی تنها بانک برگزیده شده ای که ارقام خودش را به ما می دهد خاطرنشان ساخت که از ۶/۱ میلیارد ریال آن تنها ۳۰۹ میلیون یا به عبارتی ۲۰ درصد هدف نهایی تأمین شده است. همه اذعان دارند که بن بست عمده در این مسیر بوروکراسی پیچیده یأس آوری بود که متقاضیان با آن مواجه بودند. ساقطلیان از بانک تجارت خارجی ایران می گوید، کمیته وام

وزارت صنایع و معادن از یکی از متقاضیان که درخواست وام برای خرید مواد خام کرده بود، تنها درخواست نمود که اسامی کلیه کارکنانش به این کمیته داده شود. او سهواً در نوع اعتبار درخواستی اشتباه کرده بود. (این سؤال باقی می ماند که آیا برای پرداخت وام اضطراری جهت پرداخت حقوق کارکنان همه آن اسامی لازم می باشند یا خیر.) بوروکراسی ایران در این وزارتخانه خود را به مانند نمایندگان روحانی، با درخواست جزئیات زیادی و نامربوط سرگرم می سازد و ماهها می گذرد بدون اینکه عملی از سوی وزارتخانه مزبور یا بانک مرکزی صورت بگیرد.

۱۷ به نظر می رسد در میان بانکداران تنها ساقطلیان گرفتار این مشکلات نبود. هنگامی که بانک مرکزی در حل مسئله سستی به خرج می داد او کل مبلغ لازم را از صندوق خود بانک تجارت خارجی ایران تأمین و بعداً حسابها را تصحیح می کرد. ساقطلیان گفت به فرض این که نرخ کاهش ذخیره سایر بانکها پایین باشد باز هم صنایع عمده ایران به طور سنتی بانک او را طرف معاملات خود قرار می دهند. به عبارت دیگر او به اندک کسانی که واقعاً احتیاج به اعتبار ضروری نداشتند وام داد. همانطور که در بالا ذکر شد اجماع بر این واقع شده بود که آنهایی که به این اعتبارات نیاز داشتند آنها را دریافت نمی کردند.

۱۸ بنابراین مسئله ای که بی پاسخ مانده، ارزش اعتباری صاحبان صنایع بخش خصوصی می باشد. ابطحی گفت بانک ملی هر آنچه که در توان داشته باشد برای اعطای اعتبارات انجام داده است. ولی موقعی که یک شرکت به طور محسوسی ناتوان از پرداخت دیون خود می باشد و مجبور است که حتی برای پرداخت حقوق کارکنانش وام بگیرد باید دور آن را خط کشید. ابطحی به وضوح گفت که او نیز مانند عقیلی میل ندارد که روزی در سینه دیوار قرار بگیرد.

۱۹ نتایج: بانکهای تجارتی با توجه به عدم صلاحیت وزارتخانه مسئول و عدم وجود قوانین

جنبی، در مقابل این اولویت ملی که از آنها خواسته شده تا پولهای خودشان را در عملیات کمک به افراد مقروضی که از بازپرداخت وام خود عاجزند، سرمایه گذاری کنند پاسخ شایسته ای نمی دهند. نتایج این امر به طرق متعددی احساس می شوند.

۲۰ برای مثال، صنعت کامیون سازی به طور جدی با کمبود قطعات یدکی مواجه است. یکی از بزرگترین وارد کنندگان قطعات یدکی تنها می تواند ۶۵ درصد از سفارشات این صنعت را برآورده سازد. ذخایر اضافی در انبارهای گمرک موجود می باشد اما هنوز پول آنها پرداخت نشده است. شرکت (وارد کننده این قطعات) در عسرت می باشد و هیچ بانکی حاضر به اعطای وام به این شرکت جهت پرداخت بهای کالاهای وارداتی و ترخیص آنها از گمرک نمی باشد. در همین حال، وزرای کابینه نیز به تولید کنندگان و وارد کنندگان فشار می آورند تا کاری برای حل این مشکل بکنند.

۲۱ این شاید حالت افراطی قضیه باشد. صنایع متعلق به دولت حداقل بنابه گفته مدیر عامل افغانی و طرفدار دولت بانک صادرات ایران، قادر هستند که اعتبار کافی برای واردات و یا جهت تداوم تولید را کسب کنند. تعداد زیادی از این مشکلات میراث زمان شاه می باشند. به ما گفته می شود که ماشین آلات کشاورزی وضع بهتری دارند.

۲۲ معهذا بر طبق تحلیل ذکر شده، جای نگرانی وجود دارد. هرچه که از زمان پیروزی انقلاب می گذرد مردم از آنچه که دولت در حال حاضر انجام می دهد توقع بیشتری دارند. ماههای آتی بهتر به

ما نشان خواهند داد که آیا منحنی ثبات و اطمینان سیر صعودی خواهد داشت یا تنزل خواهد

نمود.لینگن

صنعت بعد از انقلاب ایران مرسدس بنز

سند شماره (۲۸)

از: سفارت آمریکا در تهرانتاریخ : ۲۴ اکتبر ۱۹۷۹ ۲ آبان ۱۳۵۸

به: وزارت خارجه در واشنگتن دی. سی.طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : صنعت بعد از انقلاب ایران مرسدس بنز.

۱ (تمام خیلی محرمانه است.)

۲ خلاصه: در سفر اخیر خود به تبریز، مقام سفارت از کارخانه سرمایه گذاری مشترک موتور دیزل مرسدس بنز بازدید به عمل آورد. به خاطر مأموریت قبلی مقام سفارت (۷۴ ۱۹۷۲) در تبریز، این مقام آشنایی کاملی به کارخانه، مدیرعامل سابق آن و مدیر عامل فعلی آن یعنی، کریس آقابیگیان که یک فرد ارمنی است، پیدا کرده بود. با در نظر گرفتن معیارهای صنعتی بعد از انقلاب ایران سطح تولید کنونی که معادل ۵۰ درصد ظرفیت تولید گذشته است می تواند نوعی موفقیت به حساب آید. داستان مربوط به نحوه مبارزه کارخانه با بحران موجود حکایتی است جالب در مورد انقلاب ایران و اینکه چگونه یک مدیر با استعداد ارمنی می تواند بین تضاد منافع موجود در بخشهای دولتی، سهامداران خصوصی، بانکها، کمیته های انقلابی، ملاها و کارگران ایجاد مسالمت نماید. (پایان خلاصه)

۳ شرکت دیزل سازی در سال ۱۹۷۰ به صورت سرمایه گذاری مشترک مرسدس بنز تأسیس شد تا بتواند موتورهای دیزلی کامیون و اتوبوس را بسازد. بانک عمران ایران، شرکت خاور ایران ناسیونال در این سرمایه گذاری خصوصی تقریباً دارای سهامهای مشترکی می باشند. شرکتهای خاور و ایران

ناسیونال در تهران به ساخت موتورهای دیزلی کامیونهای متوسط و اتوبوس مشغولند. شرکت سازنده موتورهای دیزلی نیز سرنوشتی موفقیت آمیز داشته است، تا سال ۱۹۷۷ سطح تولید افزایش یافته و معادل ۱۸۰۰۰ موتور دیزل در سال بود (که تقریباً) به طور مساوی بین شرکت خاور و ایران ناسیونال تقسیم می شد) و برنامه گسترشی کارخانه می توانست سطح تولید را بیش از این افزایش دهد. سطح تولید در سال جاری (از مارس تا سپتامبر) کاهش و به ۷۵۰ موتور در ماه یا ۹۰۰۰ موتور در سال تقلیل یافته است.

۴ شرکت دیزل سازی در بازار جاذب ایرانی گاهی وضعی بسیار خوب و گاه تأسف بار داشته است. از اوان انقلاب شرکت خاور با مشکلاتی جدی در زمینه اعتبار و تولید روبرو بوده است. در عین حال که مهمترین سهامدار آن (یعنی خانواده سوده ور) (soudevar) در ایران مانده اند، دولت مدیریت و هیئت مدیره جدیدی را در این کارخانه منصوب نموده است. شرکت خاور حتی قبل از انقلاب نیز مشکلاتی داشت و چون کامیونها به صورت اعتباری به فروش می رفت این کارخانه می بایست تلاش بسیاری به خرج دهد تا بتواند سرمایه گردش کار خود را تأمین نماید. با ظهور انقلاب تعطیل پروژه های بزرگ ساختمانی، امتناع یا عدم توان مشتریان آن در پرداخت دیون خود، توأم با کمبود اعتبار و بی تجربگی مدیریت جدید، کارخانه را به ورطه ورشکستگی کشاند. دستمزد کارگران افزایش یافته ولی سطح تولید واقعاً ناچیز است. از طرف دیگر شرکت ایران ناسیونال در ایران قبل از انقلاب به

صورت یک ماشین سکه زنی برای صاحبان خود، یعنی خیامیها عمل می کرد. تقاضا برای اتومبیلهای پیکان ساخت این کارخانه آن قدر زیاد بود که مشتریان آن ۶ ماه قبل از تحویل اتومبیل پول پرداخت می کردند و بازار مینی بوسهای تولیدی آن نیز رو به گسترش بود. خیامیها از ایران فرار کرده اند، ولی دولت موقت نیز نتوانسته است کارخانه ایران ناسیونال را ویران سازد. سرمایه در گردش این کارخانه در اوایل انقلاب بیش از یک میلیارد تومان (۱۳۵ میلیون دلار) بود. همین امر سبب شد که کارخانه بتواند بحرانهای ناشی از افزایش دستمزد کارگران را پشت سر بگذارد و افزایش تقاضا برای مینی بوسهای آن نیز بازار تولیدات کارخانه موتور دیزل سازی ایران را گرمتر ساخته است.

۵ طبق استانداردهای تبریز و حتی ایران، کارخانه دیزل سازی ایران یک شرکت سودآوری برای سهامدارنش بوده است. دریافتی سالانه بیش از ۶۰۰ میلیون تومان (حدود ۱۰۰ میلیون دلار) و واردات قطعات شرکت دیلمر بنز نیز معادل ۱۰۰ میلیون مارک در سال بوده است، با این حال سود شرکت در سال ۱۹۷۷ معادل ۸۰ میلیون تومان (یا بیش از ۱۰ میلیون دلار) بود و برای ۱۳۰۰ نفر از تبریزیها تأمین کار می نمود. ظرفیت تولیدی کنونی کارخانه ۵۰ درصد است، ولی حقوق افزایش یافته نیروی کار خود را می پردازد (چون قابل کاهش نیست) و ماهانه ۵ میلیون تومان ضرر می دهد (حدود ۸۰۰۰۰۰ دلار). علت اصلی ضررها نیز استفاده از کاهش ذخایر ارزی و استفاده از اعتبارهای بانکی است. قبل از انقلاب، شرکت دیلمربنز آلمان قطعات لازم برای این کارخانه را با ۵۰ درصد پیش پرداخت و پرداخت مازاد آن با اقساط ۹، ۱۲ و ۱۵ ماهه می فروخت. پس از انقلاب این نسبت به ۲۰ درصد و ۸۰ درصد تغییر کرد و پس از آنکه شرکت بیمه هرمز صادرات این شرکت را بیمه ننمود، شرکت دیزل سازی ایران نیز مجبور شد با استفاده از اعتبارنامه، خریدهای خود را انجام دهد.

۶ انقلاب روابط بین مدیریت و نیروی کار کارخانه دیزل سازی را در کوتاه مدت دستخوش

تغییرات فاحش ساخته است. آقابیگیان در اوایل سال ۱۹۷۴ به صورت معاون مدیر عامل کارخانه درآمد. آقا بیگیان که از ارمنیهای بومی تبریز است ۱۳ سال در آلمان اقامت داشته، لیکن در سال ۱۹۷۰ به عنوان مهندس به ایران بازگشته و در نتیجه تلاش و کوشش خود در این کارخانه به سمت مدیر عامل درآمده بود. هیئت مدیره پس از انقلاب آقا بیگیان را به عنوان مدیر عامل برگزید و کمیته انقلاب کارخانه نیز در جلسه ای پرجنجال با شرکت ۱۳۰۰ کارگر کارخانه او را در همین پست ابقاء نمود. کمیته اولیه کارخانه مرکب از ۲۹ نفر (چند کمونیست) بود، اما پس از آن کارگران، یک کمیته ۵ نفره مرکب از کارگران بسیار مذهبی کارخانه را برگزیدند. آقا بیگیان معتقد است که کارگرانی که می خواهند مشکلات خود را مستقیماً با وی در میان بگذارند باید حتماً از این کمیته بگذرند. در عین حال که این امر نشانه اعتماد و اطمینان است ولی میزان تقاضا برای اوقات کار او افزایش می یابد.

۷ حتی قبل از انقلاب نیز آقا بیگیان به صورتی بسیار جدی نسبت به ناراحتیها و کمبودهای کارگران عکس العمل نشان داده بود. برخلاف میل کارمندان وی به کارگران اجازه داد که از کلوپ، استخر و میدان تنیس شرکت استفاده کنند. وی کار احداث محل مسکونی ۲۵۰۰۰۰ دلاری خود در تبریز را متوقف ساخت و به سکونت در خانه ای کوچکتر در تبریز ادامه داد. وی خاطرنشان ساخت که برای کارگران مذهبی محل برگزاری نماز وجود نداشت و به همین دلیل کار احداث یک مسجد کوچک را در کارخانه آغاز نمود. او از راننده استفاده نمی کند. اتومبیل مرسدس بنز جدید خود را

فروخته و یک مرسدس دیگر را که پنج سال از عمر آن می گذرد استفاده می کند. در نتیجه همین اقدامات بین او و کارگران رابطه بهتری ایجاد شده. ولی نکته مهم دیگر این که نتیجه این کارها باعث بهبود روابط بین آقابیگیان و نهاد جدید انقلابی شهر شده است. تأییدات کمیته مذهبی کارخانه از اقدامات وی سبب بازدیدها و توصیه های مکرر آیت اللّه اصلی شهر شده است. وامهای مورد درخواست وی از بانکهای محافظه کار تبریز نیز همیشه مورد حمایت کمیته مرکزی انقلاب، استاندار و آیت اللّه های سرشناس شهر تبریز بوده است.

۸ آقابیگیان می داند که در ایران انقلابی موفقیت جنبه موقتی دارد. کارگرانی که او را انتخاب کرده اند احتمالاً ممکن است به خاطر هیچ و پوچ علیه وی بسیج شوند. هیئت مدیره او نیز که اکثراً از طرف دولت منصوب شده اند نیز احتمال مورد نظر را قویتر می سازد. ولی او با آنها درگیر شده و از تغییر یادداشتهای جلسات هیئت مدیره از زبان انگلیسی به فارسی ممانعت به عمل آورده است و با انقلاب مورد نظر آنها (یعنی شعار بدون کار) مبارزه کرده است. تجزیه و تحلیل انگیزه ها بسیار دشوار است. ولی آقابیگیان که تاکنون سه بار در حال دادن استعفا بوده است، معتقد است که این کارخانه بدون وجود او شکست خواهد خورد و چون هیئت مدیره و کمیته کارگران استعفای او را نپذیرفته اند، این معنی قوت بیشتری می گیرد. آقابیگیان مدیری است مایل به دست و پنجه نرم کردن با مشکلات، ولی اگر مشکلات بسیار عظیم باشد راه فرار برای او باز است؛ کارخانه بنز آلمان همیشه حاضر به پذیرش او در آلمان می باشد و بستگان ارمنی وی در لس آنجلس نیز حاضرند با وی در کسب و کار خود شریک شوند. آقابیگیان یکی از چند مدیر امروزی است که ایران نمی تواند او را از دست بدهد، چون بسیاری از آنها تا بحال از کشور گریخته اند. اکثر آنهایی که مانده اند نیز مانند آقابیگیان سرخورده اند و همانند او در بسیاری از نقاط دیگر جهان فرصت پیشرفت بیشتر دارند.

لینگن

کتاب شصت و چهارم

سیاست جهانی آمریکا از ادعا تا واقعیت

مقدمه

مطالعه سند حاضر ما را به این حقیقت رهنمود می کند که چگونه دست اندرکاران سیاست خارجی آمریکا اهداف توسعه طلبانه و امپریالیستی خود را، در پشت کلمات مقدسی مانند صلح طلبی، حقوق بشر، کمکهای اقتصادی و غیره پنهان می کنند. آنها در مخفی نمودن اهداف واقعی خود، تا آنجا پیش رفته اند که در اسناد طبقه بندی شده و برای مأموران دیپلماسی تحت امر خود نیز آن را به صورت حقایقی بدیهی و اصولی انسان دوستانه مطرح نموده اند به گونه ای که امر بر خودشان نیز مشتبه شده و هیچ قبحی در نظریات خویش نمی بینند. البته بدیهی است که الزاما تمامی دیپلماتهای آمریکایی در جریان دانسته ها و ماهیت طرحهای طراحان مرکز نبوده و شاید اشاره به این واقعیتها اثراتی منفی در عملکرد و تبلیغات این افراد داشته باشد.

از روزی که غرب با استفاده از شعارهای انسان دوستانه برای به انقیاد درآوردن کشورهای جهان سوم قیام نمود، عده ای از روشنفکران! این جهان! نیز آن را باور نموده و در پی آن روان شدند و اکنون ایالات متحده، خود نیز بر این باور شده است که رسالتی جاویدان در رهایی بشر! و کسب حقوق! آن دارد. رسالت روشنفکر واقعی جهان سوم، خصوصا کشورهای اسلامی آن است که تفاوت عظیم موجود بین این ادعا و واقعیت امر را برای جهانیان مخصوصا ملل اسلامی روشن نماید.

امید است با عنایت به این مقدمه و اسناد موجود در کتاب، قدمی در روشن نمودن این امر خطیر برداشته شود.

سابقه سیاست خارجی آمریکا

پس از استقلال آمریکا، طی جنگهای ۱۷۸۳ ۱۷۷۵ و بالا رفتن میزان قدرت ایالات متحده و در کنار آن افول قدرت استعماری اسپانیا در آمریکای لاتین و استقلال مستعمرات اسپانیا، ایالات متحده با اعلان دکترین مونرو (۱۸۲۳) قدم به عرصه سیاست جهانی گذاشت. این دکترین که توسط جیمس

مونرو رئیس جمهوری وقت آمریکا اعلام شد، شامل سه ماده می گردید:

(الف) عدم دخالت مستعمراتی اروپا در امور آمریکا (شمالی و جنوبی)

(ب) عدم دخالت دول متحده در مستعمرات اروپا در آمریکای لاتین

(ج) عدم دخالت آمریکا در امور داخلی کشورهای اروپایی(۱)

پس از اشغال اراضی وسیعی از مکزیک (۱۸۳۸) و نیز پایان جنگهای داخلی آمریکا (۱۸۶۱

۱۸۶۵) و در نتیجه تکمیل وحدت ایالتهای مختلف آمریکای شمالی، سیاست خارجی ایالات متحده تحرک بیشتری یافت و حرکت خود را در جهت دستیابی به اهداف امپریالیستی و استعماری آغاز کرد که از اولین موارد آن می توان به جنگ با اسپانیا در سال ۱۸۹۸ اشاره کرد. این جنگ بر اثر بحران داخلی کوبا در رابطه با استعمار اسپانیا به وجود آمده بود. نتیجه این جنگ واگذاری پورتریکو به آمریکا و خارج شدن اسپانیا از کوبا و فیلیپین و اشغال این دو سرزمین توسط ایالات متحده بود. که پایگاههای نظامی آمریکا در این دو کشور نیز از همان زمان برقرار گردید.(۲)

در شروع جنگ جهانی اول، آمریکا موضع بیطرفانه ای اتخاذ کرد، ولی پس از مدت کمی با کمک به فرانسه و انگلیس و در نهایت با دخالت نظامی بر علیه آلمان، بیطرفی را کنار گذاشت. علت اصلی کمک به دو کشور مزبور و نیز دخالت در جنگ، عمدتا ناشی از منافع اقتصادی آمریکا بود، زیرا در صورت ادامه سیاست بیطرفانه، کشورهای مزبور پولی برای خرید اجناس آمریکایی نداشتند و لذا صادرات آمریکا دچار رکود می شد، در نتیجه ضرورت اعطای اعتبارهای چند میلیاردی به دو کشور مذکور احساس شد. همچنین شرکت مستقیم در جنگ هم ناشی از ملاحظات اقتصادی بود، زیرا احتمال شکست فرانسه و انگلیس، خصوصا پس از خروج روسیه از میدان جنگ وجود داشت که در این حالت کلیه اعتبارات پرداخت شده به متفقین که بالغ بر ده میلیارد دلار می شد، از دست می رفت.(۳)

پس از پایان جنگ اول تغییرات مهمی در جهان حادث شد. روسیه بر اثر جنگ داخلی و انقلاب بلشویکی و نیز جدا شدن قسمت عمده ای از سرزمین آن، از صحنه سیاست جهانی خارج گردید. امپراطوری اطریش هنگری و امپراطوری عثمانی نیز منحل شدند. آلمان نیز مغلوب شده بود و در اروپا تنها دو قدرت استعماری انگلیس و فرانسه پابر جای ماندند. البته به علت خرابیهای ناشی از جنگ و صرف بودجه هنگفت نظامی از قدرت آنها نسبت به قبل از جنگ کاسته شده بود. در عوض

ایالات متحده تنها کشوری بود که از جنگ قدرتمندتر نسبت به گذشته خارج گردید.

آمریکا که قبل از جنگ به اروپا بدهکار بود، پس از جنگ جزو طلبکاران از اروپا درآمد. طی جنگ افزایش صادرات این کشور بر وارداتش به ۵/۹ میلیارد دلار رسید.(۴)

در این میان رئیس جمهوری آمریکا با شعارهای ضد استعمار قدیم و نیز اصل «آزادی ملل در تعیین سرنوشت خود» برای برقراری صلح وارد میدان سیاست جهانی گردید.

البته این اصول با ترجمه آمریکایی آن مطرح گردید و به عقیده آقای رئیس جمهور مانعی نداشت که دولتی صنعتی با استفاده از زور و حتی بوسیله اشغال نظامی، در کشورهای تازه استقلال یافته را بر روی تجارت خود باز کند.(۵) ویلسون علاقه مند بود، پس از جنگ نقش مهمی را در سیاست جهانی بر عهده گیرد. وی تقریبا محور اصلی کنفرانس صلح ورسای بود و اصول ۱۴ گانه پیشنهادی او مورد قبول کنفرانس واقع گردید، لیکن سیاست خارجی وی در داخل ایالات متحده با عکس العمل منفی و در نهایت با شکست مواجه شد. بدین صورت که عهدنامه ورسای در مجلس سنا رأی نیاورد و با ماده ۱۰ آن که مربوط به دخالت نظامی در تضمین تمامیت ارضی و استقلال کلیه دولتهاست و نیز ماده دیگری که مربوط به دخالت جامعه ملل در مسایل بین المللی می گردید، مخالفت شد. آنها معتقد بودند که جامعه ملل حق دخالت در مسائل مربوط به دکترین مونرو، رژیم گمرکات و مقررات مهاجرت موجود در ایالات متحده را ندارد. در پایان، رأی دهندگان آمریکایی طی یک رفراندوم، با الحاق به

جامعه ملل مخالفت نهایی خود را اعلام کردند.(۶)

یکی از علل مهم این تصمیم گیری ترس مردم و سنای آمریکا، از دخالت در امور اروپا بود، که این امر را مخالف منافع خود می دانستند. خصوصا که فرانسه و انگلیس هم بدان حد تضعیف نشده بودند که بدون چون و چرا انقیاد ایالات متحده را بپذیرند.

جنگ جهانی دوم سیستم بین المللی را به طور اساسی متحول نمود، پس از جنگ قدرتهای اروپایی به شدت تضعیف شده بودند و در مقابل شوروی به عنوان یک کشور بزرگ و فاتح ظاهر شده بود که تعدادی از کشورهای اروپای مرکزی نیز جزو اقمار آن به حساب می آمد و امکان سقوط دیگر دول اروپایی به دامن شوروی وجود داشت. از طرف دیگر نفوذ فرانسه و انگلیس برای حفظ منافع استعماری در کشورهای جهان سوم تا حد زیادی از بین رفته بود. در نتیجه اروپا خود را در قبول رهبری آمریکا مجبور می دید. زیرا قدرت نظامی و اقتصادی آمریکا به بالاترین حد قابل قبول تصور در آن زمان رسیده بود. چنین شرایطی، توسعه طلبی را با زننده ترین شکلش وسوسه نموده و دیگر کسی به فکر اتخاذ سیاستی انزواگرایانه مانند آنچه که پس از جنگ جهانی اول اتفاق افتاد نبود. علائم این توسعه طلبی قبل از ورود آمریکا به جنگ نیز بروز نموده بود.

هنری لوس در ۱۹۴۱ در برابر ادعاهای هیتلر درباره ضرورت توسعه ارضی احتجاج نموده و می گوید: «حکومتهای استبدادی ممکن است نیازمند فضای حیاتی بسیار وسیعی باشند، لیکن «آزادی» به فضای حیاتی بسیار وسیعی نسبت به حکومتهای استبدادی نیازمند است.»(۷)

پس از جنگ جهانی دوم قدرت دریایی آمریکا نسبت به زمان شروع جنگ ۵ برابر شده و ۱۵ هزار هواپیمای جنگی خود را به هواپیمای مسافربری تبدیل می کند. تولیدات کشاورزی و ذغال و نفت افزایش یافته و تولید سنگ آهن چهار برابر و تولیدات صنعتی ۱۰۰٪ افزایش می یابد. آمریکا در این

زمان نصف انرژی تولیدی دنیا را مصرف می کند و ۲۳ استعداد تولید صنایع تبدیلی جهان را در کنار مازاد تجاری ۴۰ میلیارد دلار و ۵۰٪ ذخایر طلای جهان را به خود اختصاص داده و بزرگترین قدرت جهانی محسوب می گردد، در مقابل شوروی نیز هر چند ۱۰٪ جمعیت خود را از دست داده و بیش از ۳۰ هزار مؤسسه صنعتی و ده هزار مجتمع کشاورزی و ۶۵ هزار کیلومتر راه آهن آن طی جنگ نابود شد، ولی پس از جنگ تولید ذغالش نسبت به شروع آن ۵۰٪ افزایش یافت و تولید برق آن دو برابر گردید و تنها کشوری که طی جنگ توسعه ارضی پیدا می کند و سرزمینهای بالتیک، روسیه سفید، بسارابی، بوکووین شمالی و قسمتی از خاک فنلاند را به خود ضمیمه می کند و همچنین بر کشورهای لهستان، رومانی، مجارستان، بلغارستان، چکسلواکی، اطریش، یوگسلاوی و نصف آلمان نظارت می نماید و از نظر نیروی نظامی و تجهیزات قوی ترین کشور اروپایی محسوب می گردد.(۸)

سیستم جهانی پس از جنگ دوم به صورت دو قطبی در می آید و اثرات آن در کلیه نقاط و در اغلب مسائل جهان منعکس می شود. ایالات متحده پس از جنگ چند نوع سیاست را به طور همزمان اختیار می کند:

(الف) تقویت اروپا و استفاده از آن برای مقابله با شوروی، که این امر از لحاظ اقتصادی در قالب طرح مارشال و از نظر نظامی در چهارچوب ناتو تحقق یافت.

(ب) کمکهای نظامی و اقتصادی به کشورهایی که در خطر هجوم روسها و یا عواملشان قرار دارند

که این موضوع نیز ضمن طرح ترومن و با کمک فوری به یونان و ترکیه برای مقابله با کمونیستهای محلی شروع گردید.

در کلیه مناطقی که اعمال این سیاست با عقد قراردادها و یا کمکهای نظامی میسر بود، این سیاست دنبال گردید. از جمله می توان از پیمانهای O.A.S (در آمریکای لاتین) و آنزوس (استرالیا و زلاندنو) و سیتو و سنتو نام برد. البته در مواردی هم با عقدی پیمانهای دو جانبه این روابط استحکام بیشتری می یافت، انعقاد قرارداد با فیلیپین، کره، تایوان و ژاپن از این نمونه هستند. غیر از پیمان ناتو که بین آمریکا و اروپا توازنی نسبی برای انعقاد یک قرارداد نظامی وجود داشت، بقیه این پیمانها بین دو طرف نابرابر منعقد می شد و همین نابرابری طرفین بود که این پیمانها را به صورت یک سری قراردادهای استعماری در می آورد. مثلاً در پیمان O.A.S که مشترکا برای دفع تجاوز نسبت به هر کشوری و بوسیله ۲۳ آراء اقدام می کنند، بین تجاوز داخلی و خارجی تفاوت قائل نگشته اند و لذا کانادا که در پیمان ناتو حضور دارد، دارد در این پیمان حضور ندارد.!(۹)

طی این مدت مقابله با نفوذ کمونیسم از طریق کمک به کشورهای تحت خطر انجام نمی شد، بلکه این مقابله با حضور آمریکا بجای حضور احتمالی و یا خیالی شوروی در آن کشورها، انجام می گردید و این نحوه عملکرد فضای واقعی سیستم دو قطبی طی این مدت می باشد.

تا قبل از شروع دوران تشنج زدایی بین شرق و غرب، آمریکا با یکه تازی در عرصه نظامی، درصدد مقابله با کمونیسم بود. دخالتهای نظامی در کره (۱۹۵۰) و گواتمالا (۱۹۵۴)، لبنان (۱۹۵۸) و سپس در کوبا و ویتنام مبین اعمال اینگونه سیاستها بود.

پس از شکست انگلیس و فرانسه در خاورمیانه (۱۹۵۶) و به وجود آمدن قضایای مربوط به کانال سوئز، سیاست فوق مجددا از طرف آیزنهاور مورد تائید قرار گرفت که به طرح آیزنهاور مشهور

گردید. این طرح شامل نکاتی می گردی که بر اثر آن، از هر دولتی که مورد تجاوز یکی از دولتهای تابع نفوذ کمونیسم قرار می گرفت، حمایت شده و به دولتهای منطقه که با آمریکا پیمان می بستند، کمک اقتصادی لازم برای تقویت قوه نظامی آنها صورت می گرفت.(۱۰) اصول و اهداف و کمکهای اقتصادی آمریکا در دوران پس از جنگ در بخش جداگانه ای مطرح خواهد شد.

به دنبال به وجود آمدن توازن وحشت و ضرورت همزیستی مسالمت آمیز و نیز قدرت یافتن اروپا و در کنار آن رشد کمی و کیفی کشورهای جهان سوم از غلظت دو قطبی بودن جهان کاسته شد و به همین علت با شروع دوران نیکسون در سیاست خارجی آمریکا تغییرات و تحولاتی به وجود آمد.

ضرورت این تحولات را هنری کیسینجر یا طراح سیاست خارجی نیکسون بدین صورت مطرح می نماید:

«در دو دهه پس از جنگ جهانی دوم، برداشت آمریکا از روابط بین المللی برای حل مسایلی که در این دو دهه مطرح شدند برداشتی مناسب بود. ما به هر جا که رو می کردیم، با جابجایی عمیقی روبه رو می شدیم که ترسیم آن بدون کمک ما امکان پذیر نبود.... اوضاع بین المللی در اواخر دهه ۱۹۶۰ به مراتب پیچیده تر شده است. ایالات متحده دیگر در موقعیتی نیست که به تنهایی برنامه هایی را در سطح جهان اجراء کند. ناگزیر این کشور باید اجرای چنین برنامه هایی را تشویق کرده و همکاری و مشارکت دیگر کشورها را برای پیروزی آنها جلب کند. به عبارت دیگر، آمریکا امروز در وضعی

نیست که بتواند راه حلهایی را که خود ترجیح می دهد به دیگران تحمیل کند.»

....«بهترین و غرور انگیزترین بیان مقاصد جهانی ما هنگامی متجلی شده است که با همکاری دیگران و به صورت دسته جمعی عمل کرده ایم... پس برای آنکه بتوانیم نقش مستمر و موثر در جهان ایفا کنیم، باید اتحادها و ائتلاف هایی به وجود آوریم که دارای اهدافی مشترک باشند.

پیمانهای منطقه ای که از طرف آمریکا حمایت می شوند، باید مسئولیتهای مهمی را در مورد مسائل مربوط به منطقه خود به عهده بگیرند و آمریکا باید بیشتر به برقراری نظم و امنیت در سطح جهانی پرداخته و به چهارچوب کلی نظم بین المللی توجه کند، نه حل و فصل هر مسئله و بحران ناحیه ای».

تحلیلهای این دوران که از نتایج جنگ ویتنام متأثر است، به این صورت در نوشته های کیسینجر منعکس می شود:

«... یکی از میراثهای جنگ ویتنام آن خواهد بود که آمریکا دیگر به آسانی حاضر به درگیر شدن در منازعات منطقه ای نشود»(۱۱).

از آنجا که قدرتها منطقی جز زور ندارند و فقط با همین منطق هم مجبور به عقب نشینی می شوند، لذا تا روزی که دخالت مستقیم نظامی موفق بود، همه از آن دفاع می کردند، ولی از روزی که شکستهای فاحش در ویتنام تحقق یافت. استدلال آنها هم به احتراز از دخالت مستقیم راه یافت.

برای اجرای این سیاست، ایجاد ژاندارمهای منطقه ای و تقویت بنیه نظامی آنها در اولویت سیاست خارجی آمریکا قرار گرفت و دخالتهای منطقه ای نیز بر عهده همین ژاندارمها گذاشته شد، از جمله می توان تقویت رژیم شاه و حمایت از دخالت وی در قضایای ظفار و شاخ آفریقا را از نمونه های بارز این سیاست دانست.

دوران کارتر را باید به مثابه یک دوره برزخ از سیاست نیکسون تا هجوم ریگان دانست. که طی

آن آمریکا سعی کرد، کم کم سلاحهای جدیدتری همچون حقوق بشر را به محک تجربه بگذارد. لیکن عدم کارایی آن به سرعت روشن شد، زیرا که حقوق بشر کارتر، نه از بابت اعتقادش به آن، که از باب ناچاری بود و سلاحهای گذشته در شرایط آن روز کاربرد مؤثری نداشتند. و اجرای شیوه های جدیدتری در سیاست خارجی ضرورت داشت. و چون روشهای جدید مواجه با شکست شد، ریگان با سیاستی تهاجمی تر و فاشیستی تر نسبت به کارتر و حتی اسلاف جمهوری خواهش قدم به کاخ سفید گذاشت، تا خاطرات شیرین گذشته آمریکا را زنده نماید. ولی قبل از آن ضربات زیادی به منافع آمریکا وارد آمد، خصوصا پیروزی انقلاب اسلامی، تسخیر لانه جاسوسی و انقلاب نیکاراگوئه را می توان از نمونه های بارز آن دانست که جبران آن برای ریگان مشکل، بلکه محال می نمود.

اکنون ریگان آمده است تا عظمت از دست رفته آمریکا را بازگرداند، ولی اشکال قضیه در این است که دسترسی به این هدف غیر ممکن و یا حداقل با استفاده از وسایل و روشهای گذشته محال است و اگر در سال ۱۹۵۸ با چند هزار سرباز توانست لبنان را به نحو دلخواه آرام نموده و حاکمیت متزلزل کامل شمعون را ثبات بخشد، امروز نه تنها با کمک دوستان فرانسوی، انگلیسی، ایتالیائی و حتی اسرائیلی خود، نمی تواند به چنین هدفی دست یابد، بلکه با تلفات فراوان مجبور به عقب نشینی می گردد و اگر روزی در کره و ویتنام دخالت نظامی می کرد، امروزه حداکثر می تواند به جزیره ای بسیار کوچک چند هزار نفری در آمریکای مرکزی چون گرانادا حمله ور شود.

اصول حاکم بر سیاست خارجی آمریکا

«سیاست خارجی به ندرت منطبق با خصوصیات و ویژگیهایی است که سیستم دمکراسی داراست. بالعکس، سیاست خارجی خواستار اعمال تقریبا تمامی آن چیزهایی است که در دمکراسی ناپسند است»(۱۲).

از سخنان پرفسور تاکویل فرانسوی

در خصوص سیاست خارجی آمریکا

منظور ما از اصول حاکم بر سیاست خارجی آمریکا، کلی ترین خطوط این سیاست است که روح حاکم بر تصمیم گیریها می باشد.

مهمترین اصل در سیاست خارجی هر کشور حفظ و گسترش منافع ملی آن کشور است و طبیعی است که این اصل در مورد آمریکا نیز صدق می کند، ولی نکته مهم در تعریف حدود و ثغور دو کلمه «منافع ملی» می باشد، در خصوص منافع ملی آمریکا، نکته قابل توجه، خالی بودن بعد «ارزشی» آن است.

بدین معنی که تعدادی از کشورها خارج از چهارچوب مادی به بعضی از اصول انسانی و اخلاقی نیز که بعد ارزشی دارد، اعتقاد دارند و ملاحظه آن را جزو اصول سیاست خارجی خود می دانند و یا حداقل در حفظ منافع مادی خویش از اتخاذ سیاستهای غیر اخلاقی پرهیز می کنند و در تعریف و حفظ منافع ملی خویش بعضی اصول اخلاقی و ارزشی را دخیل می نماید.

در سیاست خارجی آمریکا، خصوصا پس از جنگ دوم، به همه چیز از دریچه منافع ملی و با عینک قدرت و زور نظاره شده است، و از آنجا که آمریکا روند فعلی جهان را مخالف موقعیت قبلی خود تصور می کند، لذا برای حفظ آن موقعیت از ملاکها و ارزشهای انسانی در سیاستهای خود چشم پوشی نموده است.

این که باید گذشته را فراموش کرد و فقط خاطرات شیرین آن را به یاد آورد، حقیقتی است که رؤسای جمهور آمریکا پس از آیزنهاور آن را به نحوی درک نمودند و تا حد امکان عملاً به آن گردن نهادند. تنها ریگان است که می خواهد گذشته را برگرداند و طبیعی است که او هم بیشتر شعار می دهد و در عمل از گذشته خبری نیست.

در چنین سیاستی اگر مواردی ارزشی همچون حقوق بشر مشاهده شود، نه از اعتقاد قلبی، که از مصلحت ملی است. و هنگامی که کارگر نیفتد به هما ن سرعتی که می آید، به همان سرعت هم محو می شود.

برای روشن تر شدن موضع نکاتی که به طور خلاصه جمع بندی کتاب «سیاست امنیت ملی آمریکا در دهه هشتاد» می باشد، ذکر می شود.

مولفین این کتاب عمدتا از مشاوران ریگان بوده و ۱۳ فصل آن به وسیله افراد مختلفی تحریر شده است که نویسندگان نسبت به نقاط زیر تلویحا و یا تصریحا اشتراک نظر دارند.

(الف) آمریکا در بعضی مناطق حقوق و منافع حیاتی دارد (و در مناطق دیگر منافع درجه دوم دارا می باشد) و لازم است که عملاً برای دفاع از آنها اقدام نمود، زیرا در غیر این صورت دیگر آن منافع را نمی توان حیاتی تعریف نمود.

(ب) لازم است که آمریکا هیچ کدام از هم پیمانهای خود را رها نکند، همچنان که لازم است در همکاری با دولتهای دارای اهمیت اقتصادی یا استراتژیک امثال آفریقای جنوبی و برزیل(۱) در خود تردیدی راه ندهد.

(ج) با وجود اختلاف وجهه نظر نویسندگان در خصوص چگونگی و یا امکان دخالت آمریکا برای حمایت از منافع خارجی، همه آنها در حق ایالات متحده به دخالت در همه کشورهای جهان به طور اصولی توافق دارند. (ولو به طور ضمنی) (۱۳)

کلیه سیاستهای خارجی آمریکا در زمینه های مختلف متأثر از خطوط فوق است و اکنون عناوینی که در اسناد آمده اند را در حد ممکن مورد ملاحظه و ارزیابی قرار می دهیم. توجه به نکات طرح شده در این اسناد برای روشن شدن ماهیت امپریالیستی آمریکا کافی است.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

پاییز ۱۳۶۶

پیش بینی کلی روندها

۱- هنگام تحریر کتاب برزیل تحت سلطه نظامیان دیکتاتور بود.

شماره سند: وزارت خارجه ۷۸۸۹۴

تاریخ: ۲۷ مارس ۱۹۷۸طبقه بندی : سری غیر قابل رویت برای بیگانگان

از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سیبه: تمام واحدها دیپلماتیک و کنسولی

رونوشت: سازمان مرکزی اطلاعات(CIA) واشنگتن دی سی، وزارت دفاع، شورای امنیت ملی واشنگتن دی سی

موضوع: پیش بینی کلی روندها

۱ آنچه که در ذیل به عنوان پیش بینی کلی روندها در رویدادهای جهان ۱۸ ماه آینده می آید توسط دفتر مطالعات و تحقیقات وزارت خارجه و بنا به درخواست M,S/P تهیه شده و به عنوان یک راهنمای کلی در اختیار شما قرار می گیرد. می توانید از آن برای تکمیل اطلاعات خود در رابطه با مراجع و دیگر پیامهای مرتبط با همین موضوع بهره برداری کنید.

۲ این یک پیش بینی تشریحی است و روش عملی ارائه نمی کند گذشته از این هیچ سیاست خاصی را پیشنهاد نکرده و یا مورد تأیید قرار نمی دهد، ولی سعی دارد جو سیاسی، اقتصادی و نظامی خارجی خاصی را تشریح کند که براساس آنها سیاستها اتخاذ و اجراء می گردد.

۳ این پیش بینی با بحث پیرامون روندهای موجود در هر منطقه آغاز می شود و اقتصاد بین المللی را مورد تفحص قرار می دهد و رویدادهای احتمالی مربوط به حقوق بشر، کنترل تروریسم، سلاحهای قراردادی و عدم تکثیر هسته ای را پیشگویی می کند. اختصاص منصفانه منابع جهانی، بخصوص انرژی و مواد غذائی، و تأمین نیازهای اساسی بشری در شرایطی که رشد جمعیت به سرعت و با تفاوت صورت می پذیرد، از موضوعات دیگر این گفتار است.

۴ مهمترین نکات به شرح زیر است:

(الف) گرایش به همبستگی و تقسیم قدرت شتاب می گیرد.

(ب) رویدادهای اقتصادی سلطه روزافزونی بر جو سیاسی پیدا می کند.

(ج) بلوکهای قدرت شرق و غرب باز هم به عنوان قدرتهای بزرگ در صحنه جهانی عمل می کنند، لیکن صف آرایی کشورهای در حال توسعه از نظر تغییرات داخلی در حال رشد است، یعنی گروهی از کشورهای مهمتر نفوذ اقتصادی و سیاسی بیشتری پیدا می کنند.

(د) تضادهای منطقه ای ممکن است به درگیریهای وسیعتری مبدل شود، که عبارتند از تضاد اعراب و اسرائیل، آفریقای جنوبی و شاخ آفریقا،

۵ بررسی منطقه ای

۶ اروپای غربی: اروپای غربی باز هم با مشکلات اقتصادی دست به گریبان خواهد بود. یعنی باید به محدود کردن تورم و متعادل سازی کسری پرداختها و کاهش بیکاری بپردازد. بین ما و دیگر شرکای صنعتی نسبت به حمایت دولت از تولید کنندگان داخلی و جلوگیری از واردات، اصطکاکها و فشارهایی وجود خواهد داشت.

۷ مهمترین کشورهای اروپایی به طور همزمان نگران آینده تشنج زدایی و افزایش نیروی نظامی شوروی بخصوص قدرت تانکها و موشکهای اس اس ۲۰ شوروی و نیز پیدایش موشکهای جدید قاره پیمای این کشور خواهند بود، اروپاییها مذاکرات خلع سلاح آمریکا شوروی را به دقت زیر نظر

خواهند گرفت تا مبادا منافع آنها پایمال گردد. توافق اصولی هم پیمانان نسبت به کاربرد روز افزون تسلیحات تشعشعی و کاربرد آنها در مذاکرات خلع سلاح در سیاستهای داخلی بعضی از این کشورها تناقض هایی را ایجاد خواهد ساخت.

۸ جناح جنوبی ناتو به خاطر لاینحل ماندن مناقشه یونان و ترکیه نامتعادل خواهد بود و به همین علت یونان نیز به طور کامل با ناتو همکاری نخواهد کرد. تأخیر در برقراری مجدد روابط نظامی آمریکا و ترکیه، مدرن سازی تأسیسات نظامی ترکیه را به تأخیر خواهد انداخت و بر رابطه آمریکا و ترکیه، همچنین گرایش ترکیه به سوی ناتو تأثیر منفی نخواهد داشت. در همان حال رابطه ما با یونان و نیز صحنه سیاسی داخلی این کشور دستخوش ناآرامیهایی خواهد بود.

۹ موعد برگزاری انتخاب در ایتالیا و انگلستان نزدیک است. در انگلستان مسائل اقتصادی بر انتخاب تأثیر اصلی را خواهد داشت. ولی ضعفهای موجود در بافت نظام ایتالیا در مقایسه با مبارزات سیاسی علیه مشارکت کمونیستها در حکومت از اهمیت ثانوی برخوردار خواهد بود. تروریسم نیز قادر خواهد بود در جناح بندیهای کنونی تغییراتی را پدید آورد.

۱۰ در مسیر تحقق «تمامیت بخشی» به اروپا تنها پیشرفتی جزئی و گاهی نوعی سیر قهقرائی به وجود خواهد آمد. جامعه اروپا خود را آماده انتخاب مستقیم پارلمان خواهد کرد. مذاکراتی آغاز خواهد شد تا یونان، اسپانیا و پرتغال نیز به این جامعه بپیوندند، اما مسائل سهمگین اقتصادی مانع از پیدایش نوعی توافق در زمینه رقابت محصولات کشاورزی می گردد و ترس از صدور بیکاری همچنان پابرجاست.

۱۱ شوروی و اروپای شرقی: علیرغم توافق در مورد بعضی از مسائل مورد علاقه طرفین که عبارتند از قرارداد سالت ۲ و دیگر قراردادهای خلع سلاح و گسترش مبادلات، جو حاکم توأم با عدم

آرامش است. علاوه بر مسائل حاد ناشی از مداخله شوروی در آفریقا، استثمار جهان سوم توسط شوروی نیز می تواند وخامت اوضاع را تشدید کند. معذالك امکان پیشرفت در مورد بعضی از مسائل سیاسی دو جانبه جو سیاسی را در برابر هرگونه وخامت شدید مصونیت خواهد بخشید.

۱۲ اما به نتیجه نرسیدن و یا عدم تصویب قرارداد سالت ۲ روابط آمریکا و شوروی و تشنج زدائی شرق و غرب را تیره خواهد ساخت. روسها ابتدا برای تحت کنترل داشتن رابطه استراتژیک خود باز هم به قراردادهای موقتی دیگر روی می آورند، لیکن فشارهای سیاسی در جهت تجهیز بیشتر تسلیحاتی در شوروی در سال ۱۹۷۸ یعنی زمان آغاز برنامه ریزیهای سالانه شوروی افزایش خواهد یافت.

۱۳ تغییر رهبری در شوروی این روندها را تشدید می کند و یا روند تصمیم گیری در مسکو را فاقد تحرک خواهد ساخت. گمان می کنم هنگامی که جایگزینی صورت گیرد، روند تصمیم گیری را کندتر خواهد ساخت، اما مسکو از هدف خود که همانا بهره برداری از فرصتهای موجود در جهان سوم است غافل نخواهد ماند. طبق انتظار ما حداقل در کوتاه مدت توجه به مسائل داخلی در رژیم آینده بیشتر خواهد شد، ولی در دراز مدت سیاست خارجی شوروی تداوم پیدا خواهد کرد.

۱۴ انتظار داریم شوروی در ارتباط با اروپای شرقی خواستار تطابق بیشتر ایدئولوژیک و هماهنگی سیاست خارجی شود. شوروی در زمینه واگذاری بعضی از مشکلات اقتصادی اروپای

شرقی به غرب با مشکلاتی دست به گریبان خواهد بود، چون مایل نیست که از سلطه خود در این بخش از جهان بکاهد. لهستان حساسترین بخش این مسئله را تشکیل می دهد. انتظار داریم که شوروی برای جلب همکاری بیشتر عناصر متمایل به خود در درون حزب کمونیست و نیروهای مسلح یوگسلاوی تلاش بیشتری بکند، تا خود را برای دوران پس از مرگ تیتو آماده سازد.

۱۵ چین: رهبران چین با اختلافاتی دست به گریان خواهند بود، لیکن در مورد نیاز مبرم این کشور به برنامه های عمرانی توافق کلی خواهند داشت. سیاست خارجی «مائو چو» باز هم پیگیری خواهد شد. تأخیر در عادی شدن روابط چین و آمریکا مانع از وخامت این روابط خواهد شد مشروط بر آن که چین باور کند که آمریکا در برابر شوروی مقاومت می کند و بیانیه شانگهای را به قوت خود باقی دانسته و سیاست «دو چین» (چین دوگانه م) را اتخاذ نخواهد نمود.

۱۶ پکن مسکو را مهمترین دشمن خود تصور کرده و در صحنه جهانی به مخالفت علیه شوروی ادامه می دهد. به طور مثال چینیها از ابتکارات آسیاییها و مصریها برای ایجاد صلح در خاورمیانه حمایت کرده و آن را مانعی بر سر راه گسترش نفوذ شوروی قلمداد می نمایند. از نظر چین آمریکا و کشورهای جامعه اروپا علاوه بر اینکه نیروهای بازدارنده ای در برابر شوروی به حساب می آیند، یک منبع مهم تجاری و تکنولوژیکی نیز به شمار می آیند.

۱۷ می توان انتظار داشت که چین در تعقیب هدف خود که همانا تضعیف رابطه کشورهای عضو پیمان ورشو با شوروی است، در زمینه ایجاد رابطه بیشتر با آنها انعطاف پذیری نشان دهد، گرچه پکن به تبلیغ پیرامون «وحدت نظامی خود» و جهان سوم خواهد پرداخت، ولی کشورهای اروپایی و دیگر کشورهای قدرتمند منطقه همچون ایران و عربستان سعودی را تشویق خواهد کرد که به خنثی سازی نفوذ شوروی در جهان سوم بپردازند، لیکن در این راه به افزایش کمکهای اقتصادی خود به کشورهای

در حال توسعه متوسل نخواهند گشت.

۱۸ آسیای شرقی و اقیانوس آرام: ژاپن از نظر سیاسی با ثبات خواهد بود، لیکن احزاب میانه رو مخالف نیز نفوذ خود را گسترش خواهند داد. مهمترین مسئله ژاپن تنظیم اقتصاد داخلی و تجارت خارجی است، تا بتواند انتقادات بین المللی را خنثی ساخته به نحوی که مایه عدم ثابت اقتصادی و عدم محبوبیت سیاسی در داخل کشور نگردد. در خلال کاهش عدم توازن های تجاری که موجب نگرانی شدید آمریکا می باشد ژاپن در رسیدن به میزان رشد مورد نظر دچار اشکال خواهد شد، روابط امنیتی بین ژاپن و آمریکا به قوت خود باقی خواهد ماند و ژاپن تحت حمایت آمریکا توان دفاعی خود را بهبود خواهد بخشید

۱۹ کره جنوبی روند مدرن سازی اقتصادی شگفت انگیز خود را دنبال می کند و بیش از پیش خودکفا می گردد. علیرغم تحقیقات کنگره در مورد اعمال نفوذهای کره، حقوق بشر، خروج نظامیان و بازپرداخت خسارات، آمریکا و کره جنوبی روابط صمیمانه ای خواهد داشت.

۲۰ در کره شمالی، مشکلات اقتصادی در رابطه با بودجه دو راه را در پیش روی کره ایها قرار می دهد که یکی عمران اقتصادی است و دیگری بهبود وضع نظامی. در صورتی که آرامش جنوب به طور جدی مشوش نشود، شمال از حمله و یا تحریک در منطقه غیر نظامی دست خواهد کشید.

۲۱ علیرغم تغییرات احتمالی در رهبریت اندونزی و مالزی همکاری متقابل «آ سه آن» گسترش

خواهد یافت. رابطه این جامعه با آمریکا همچنان صمیمانه خواهد بود، لیکن مسائل مربوط به حقوق بشر گاه به گاه بر آن تأثیر خواهد بخشید. نگرانیهایی نیز در مورد اهداف درازمدت چین، ویتنام و شوروی به چشم خواهد خورد و در عین حال تلاشهایی تدریجی صورت گرفته است که روابط رسمی با این کشورها بهبود پیدا کند.

۲۲ کشورهای هند و چین با رویدادهای داخلی از جمله کمبود مواد غذایی و تضادهای مرزی دست به گریبان خواهند بود. تشنج حاکم بر روابط چین و ویتنام بخصوص در مورد کامبوج ادامه خواهد یافت، لیکن درگیری آشکار به وجود نخواهد آمد، مگر آنکه هانوی برای سرنگونی و سقوط کامبوج به زور متوسل شود.

۲۳ با وجود دولتهای طرفدار آمریکا، استرالیا و نیوزلند ثبات خود را حفظ خواهند نمود، ولی روابط بین المللی تجاری و نیز وخامت وضع دلار نگرانیهایی را برای آنها پدید خواهد آورد.

۲۴ آسیای جنوبی : توسعه اقتصادی، محاسبات سنتی موازنه قدرت و علائق امنیتی نگرانیهای عمده آسیای جنوبی را تشکیل می دهد. بخصوص پاکستان و بنگلادش احتمالاً دستخوش ناآرامیهای سیاسی خواهند شد و حکومت نظامی آنها درصدد حل این مشکلات برمی آیند.

۲۵ مذاکرات پاکستان و فرانسه در مورد تجهیزات غنی سازی و موضع هندوستان در رابطه با تسلیحات اتمی مشکلاتی را در زمینه سیاسی به وجود خواهد آورد. توجه هند به یک جت جنگنده پیشرفته می تواند موجبات تشدید مسابقه تسلیحاتی را در این منطقه فراهم آورد. روابط چین و هند بهبود خواهد یافت ولی نه چندان زیاد.

۲۶ خاورمیانه و خلیج فارس: تلاش برای دستیابی به یک راه حل در زمینه تضاد اعراب و اسرائیل، رویدادهای خاورمیانه را شکل و جهت خواهد داد. مصر و اسرائیل و نیز جهان عرب از عدم

پیشرفت مذاکرات صلح ناراضی هستند. برای اینکه سادات بتواند به مذاکرات خود با اسرائیل ادامه دهد بایستی در زمینه مذاکرات حرکت چشمگیری رخ دهد. به همین منظور او و دیگر اعراب میانه رو به آمریکا فشار می آورند که با نفوذ خود در اسرائیل آن را وادار به اعطاء امتیازاتی کند تا روند صلح حفظ شود.

۲۷ در صورت شکست ابتکار سادات، ممکن است شاهد بروز عواقب جدی آن در منطقه باشیم، تغییر موضع سادات و اتخاذ موضع مقاوم تری در برابر اسرائیل، روی کار آمدن عناصر تند رو در رژیم مصر به جای سادات، نارضایتی و واخوردگی اعراب میانه رو و تقویت، ارتدادیون و نفوذ شوروی در منطقه از جمله این بحرانها به حساب می آید.

۲۸ اثر شکست مذاکرات در اسرائیل، یا به عنوان عامل همبستگی و یا متفرق کننده در صحنه سیاسی عمل خواهد کرد که البته بستگی به نحوه تصور اسرائیلیها در مورد این موضوع دارد. آنها احتمالاً یا با دولت به عنوان نمایش همبستگی دفاعی تجدید پیمان خواهند کرد و یا خواستار روی کار آمدن دولت وحدت ملی تحت رهبریت جدید خواهند شد. به هر حال بگین در یکی دو سال آینده یا بنا به دلایل سیاسی و یا به دلیل وخامت وضع مزاجی از سیاست کناره خواهد گرفت. ولی در صورتی که مردم اسرائیل وی را مسئول تیرگی روابط آمریکا و اسرائیل بدانند کناره گیری وی زودتر از موعد مقرر صورت خواهد گرفت.

۲۹ در صورت شکست مذاکرات صلح گذشته از دلایل شکست، آمریکا مسئول شناخته شده و روابط آن با کشورهای مهم منطقه به سردی خواهد گرایید. در صورتی که اعراب به این نتیجه برسند که قادر به مبارزه نظامی با اسرائیل بوده و یا تنها راه به شکست کشانیدن روند صلح را درگیری نظامی تصور نمایند و یا اینکه اسرائیل به این نتیجه برسد که امنیتش در گرو یک حمله تعیین کننده است، خصومتها بار دیگر با شدت بیشتری از سرگرفته خواهد شد.

۳۰ لبنان به صورت یک منطقه بی ثبات و بحرانی حاد باقی خواهد ماند که علت آن نیز عدم توافق آراء سیاسی و حضور گسترده فلسطینیهای مسلح است.

۳۱ علیرغم ناآرامیهای فزاینده در ایران، چشم انداز تداوم صلح در خلیج امیدوار کننده است. اگر جنگ دیگری بین اعراب و اسرائیل رخ ندهد، عرضه نفت دچار وقفه نخواهد شد، گرچه اقدامات تروریستی می تواند در کوتاه مدت سبب قطع جریان نفت گردد. لیکن در صورت شکست ابتکار صلح و عدم ارائه جنگنده های اف ۱۵ به عربستان سعودی توسط کنگره، سعودیها نیز در زمینه صدور نفت همکاری نکرده و حداقل مانع از بالا بردن تولیدات نفتی خود خواهند شد.

۳۲ یک عامل ناشناخته دیگر حمایت شوروی و کوبا از منابع منطقه ای بی ثباتی در جمهوری دموکراتیک خلق یمن، عمان و دیگر «مناطق مورد نظر آتی» می باشد. همکاری سعودیها و ایران در پاسخ به این گونه اعمال فشارها گسترش خواهد یافت.

۳۳ آفریقا: بحران جنوب آفریقا بی ثباتی پایدار در شاخ آفریقا به همراه اوضاع رو به انفجار در صحرای غربی، همچنان در صحنه آفریقا مطرح خواهد بود و مهمترین مسئله در جنوب آن به قدرت رسیدن حکومت اکثریت در رودزیا و نامیبیا می باشد.

۳۴ اسمیت و «ناسیونالیستهای داخلی» در رودزیا اقدام به تشکیل مستعمرات داخلی کرده اند

ولی هنوز معلوم نیست که این امر بتواند رژیم با ثبات و منسجمی را پدید آورد و از آنجا که تنها بعضی از احزاب در این امور شرکت دارند، اقدامات جدید خطر بروز جنگ داخلی را که از قبل وجود داشته تشدید می نماید. در نامیبیا، تصمیم آفریقای جنوبی مبنی بر پیگیری «روش داخلی» و قطع رابطه با گروه تماس سبب می شود که قوانین تحریم جدیدی توسط جامعه بین المللی علیه پرتوریا وضع گردد.

۳۵ در شاخ آفریقا، اکنون که سومالی توسط نیروهای مشترک اتیوپی و کوبا شکست خورده، روسها احتمالاً از نفوذ خود در آدیس آبابا استفاده خواهند کرد تا علاوه بر اعاده موقعیت پیشین خود در سومالی، نفوذ خود را بر هر دو کشور اعمال نمایند. حتی اگر مسکو در این راه ناموفق باشد، در آینده نزدیک نفوذ شوروی و کوبا در اتیوپی فزونی خواهد یافت به طور مثال ممکن است هر دو کشور به آدیس آبابا در بازپس گرفتن اریتره از شورشیان کمک نماید. ثبات کشور جدید جیبوتی قابل تردید است و تمایل فرانسه به حفظ حضور نظامی خود در آنجا بر آن تأثیر خواهد داشت.

۳۶ در صحرای غربی، امکان دستیابی به یک راه حل جهت از میان برداشتن تضاد موجود ضعیف به نظر می رسد. نهضت استقلال طلبان صحرا که از طرف الجزایر حمایت می شود نخواهد توانست امتیازات مهمی را کسب کند، مگر آنکه فرانسه از نظر نظامی کمکهای شایان توجهی به مراکش و موریتانی ننماید. شوروی گرچه علنا خود را از این مناقشه به دور نگاهداشته، ولی مقادیر بسیاری تجهیزات پیشرفته در اختیار الجزایر قرار خواهد داد.

۳۷ در بعضی از کشورهای آفریقایی طی ۱۸ ماه آینده تشنجات سیاسی حادی می تواند رخ دهد و مناطق بحرانی جدیدی را به وجود آورد، از جمله رویدادهایی که می تواند این وضع را پدید آورد می توان از مرگ کنیاتا نایرره یا عیدی امین، شورشهای تحت الحمایه لیبی در چاد، رقابتهای بین مالی و ولتای علیا و سقوط اقتصادی در زئیر را نام برد.

۳۸ نیم کره غربی، پس از حل مسئله کانال، نظرها به نگرانیهای دو جانبه اقتصادی که دارای ماهیت منطقه ای و جهانی می باشند، جلب خواهد شد. تضاد نظامی دیرین مرزی و مناقشات ارضی بین پرو، شیلی و بولیوی، بین پرو و اکوادور، بین السالوادر و هندوراس، بین آرژانتین و شیلی، و بین بلیزه مستقل و گواتمالا به جنگ آشکار تبدیل نخواهد شد، ولی عکس آن را نیز نباید از نظر دور داشت. همانطور که رژیم سوموزا تلاش می کند تا کنترل داخلی نیکاراگوئه را به دست گیرد، عملیات چریکی نشأت گرفته از کاستاریکا نیز می تواند منجر به تشدید بحران بین دو کشور گردد.

۳۹ در روابط بین آمریکا و دولتهای نظامی مانند آرژانتین، شیلی، اروگوئه، پاراگوئه و السالوادر مسئله حقوق بشر نوعی نگرانی را پدید آورده است در همین حال، حامیان حقوق بشر که در خارج از حیطه این دولتها عمل می کنند مانند برزیل، با استفاده از سیاست حقوق بشر آمریکا برآنند تا بار درگیر ساختن آمریکا به دولتهای خود فشار وارد کنند.

۴۰ اهداف آمریکا در زمینه عدم تکثیر اتمی در آرژانتین و برزیل با مخالفتهای شدیدی روبه رو می گردد، چون هر یک از این کشورها به این گونه منابع نیاز مبرم داشته و از نظر سیاسی متعهد به استقلال اتمی شده اند. با وجود اینکه هیچ یک از این کشورها برای چشم پوشی از نیروگاه های خود رغبتی نشان نداده اند، ولی آرژانتین می تواند در مسیر تحقق اهداف آمریکا حرکت کند.

۴۱ چند حکومت نظامی ممکن است سرنگون شود. رژیم سوموزا در نیکاراگوئه تحت فشار

مخالفتهای شدید قرار گرفته است. اکوادور و بولیوی انتخابات ریاست جمهوری را برگزار خواهند کرد و پرو در نظر دارد در سال ۱۹۷۸ انتخابات مجلس مؤسسان انجام دهد. حکام نظامی آرژانتین، شیلی و اروگوئه، علنا اعلام کرده اند که روزی حکومت را به دست غیر نظامیان خواهند سپرد، ولی تنها دولت نظامی اروگوئه است که علنا در مورد طرحهای برگزاری انتخابات سال ۱۹۸۱ گفتگو می کند.

۴۲ در کانادا، فشارهای ناشی از انقلاب و تجزیه طلبی و نیز نگرانیهای مربوط به سلطه آمریکا بر اقتصاد کانادا ادامه خواهد یافت، ولی گمان نمی کنیم که رابطه آمریکا و کانادا به سردی بگراید.

۴۳ اقتصاد بین المللی

۴۴ تجارت، اعتبار و رشد اقتصادی: گمان نمی کنیم که در روندهای مهم اقتصادی تغییرات شدیدی پدید آید، اما مشکلات اساسی تطابق اقتصاد جهانی در چند سال آینده مرتفع نخواهد شد.

۴۵ اقتصاد آمریکا به رشد خود به میزان ۵/۴ درصد در سال ادامه خواهد داد، اما در سال ۱۹۷۸ با یک کسری موازنه تجاری روبه رو خواهیم شد، و دلار نیز ضعیف خواهد گردید. در پایان سال ۱۹۷۸، موازنه تجاری آمریکا بهبود پیدا می کند و آمار منفی کاهش ارزش دلار نیز در فصل سوم همان سال ظاهر خواهد گردید. علاوه بر این، در صورت برگزاری اجلاس اقتصادی بن در ماه ژوئیه، اقدامات مرتبط با کاهش تورم مورد تأکید قرار خواهد گرفت. در همین حال، لوایح انرژی که محدود کننده واردات نفتی در میان مدت است سبب ثبات بیشتر دلار خواهد گردد.

۴۶ مازاد تجاری و حساب جاری ژاپن، روابط ژاپن و آمریکا و اروپا را شدیدا پیچیده خواهد کرد. رشد کند آلمان غربی ادامه خواهد یافت، وین برای افزایش فعالیت اقتصادی از طریقی هم که احتمالاً موجب افزایش فشارهای تورم گردد یا مسائل سیاسی داخلی به بار آورد، اقدام چندانی به عمل نخواهد آورد. سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در سال ۱۹۷۸ تغییرات چندانی نخواهد داشت، چون ترس از تورم مانع از تحرک بخشیدن بیشتر به اقتصاد می گردد.

۴۷ میزان بیکاری در سراسر اروپای غربی همچنان افزایش می یابد و فشارهای داخلی در جهت حفظ مشاغل کنونی و نیز همزمان با آن تحرک بخشیدن به اقتصاد ادامه خواهد یافت. نحوه اداره سیاست حمایت از تولید کنندگان داخلی و جلوگیری از واردات همچنان به صورت یک نگرانی عمده برای کشورهای صنعتی باقی خواهد ماند.

۴۸ ایران و عربستان سعودی در سال ۱۹۷۸ قیمت نفت خود را ثابت نگاه خواهند داشت تا علاوه بر ممانعت از کاهش بیشتر ارزش دلار از بروز رویدادهای منفی دیگر در خاورمیانه نیز جلوگیری کرده باشند. بر اساس روحیه کنونی سعودیها و دیگر اعضاء اوپک می توان گفت که در سال ۱۹۷۹ قیمت نفت قدری بالا خواهد رفت ولی این امر نیز به نوبه خود به وضع بازار نفت بستگی دارد که نمی توان با قاطعیت در مورد آن پیش بینی نمود. مازاد پول اوپک به طور مطلق کاهش پیدا خواهد کرد ولی جذب آن با دشواریهائی توأم خواهد بود.

۴۹ در اروپای شرقی بدهیهای ارزی افزایش خواهد یافت، مهمترین مسئله این منطقه بدهیهای ارزی لهستان به میزان ۱۳ میلیارد دلار است که منبع نگرانی شدیدی را برای اعتبار دهندگان اروپای غربی فراهم آورده است. گرچه در حال حاضر لهستان به دنبال برنامه ریزی مجدد رسمی و وسیع دیون خود نیست، ولی این سیاست در سال آتی تغییر تندی پیدا خواهد کرد.

۵۰ ظاهرا رشد اقتصادی شوروی پایینتر از سطح رشد مورد نظر در همین برنامه پنج ساله (۱۹۸۰ ۱۹۷۶) خواهد بود. قرار است در سال ۱۹۷۸ در بخش صنعت تولید فقط تا میزان ۵/۴ درصد افزایش یابد. بنابراین برای اینکه به سقف مورد نظر برسد، لازم است در فاصله ۸۰ ۱۹۷۷ رشدی بیش از ۷ درصد داشته باشد. به دنبال عملکرد مأیوس کننده اقتصاد در سال ۱۹۷۷ رهبریت شوروی بر بالا رفتن میزان کارایی و تولید تأکید نموده، ولی هیچ گونه پیشنهاد قاطعی را ارائه نکرده است.

۵۱ در زمینه روابط آمریکا و شوروی باید گفت که در نیمه دوم سال، ۱۹۷۷ شاهد افزایش شدید خرید غلات توسط شوروی بودیم، ولی آمریکا در حالی که زارعینش به دنبال بازارهای ضربه گیر هستند، نمی تواند از فروش غلات برای رسیدن به اهداف سیاسی استفاده کند. آینده تجارت غله به درستی قابل پیش بینی نیست، لیکن اصلاحیه «جسکون و اینک» فروش مصنوعات را محدود می سازد. به هر حال، موقعیت آمریکا در اعمال فشار اقتصادی به شوروی از طریق فروش غله یا طرق دیگر محدود باقی خواهد ماند.

۵۲ روابط شمال و جنوب: مذاکرات اقتصادی شمال و جنوب شامل مذاکره پیرامون مسائلی خاص از قبیل دیون، صندوق مشترک، اقدامات تدریجی و خاص در مذاکرات تجاری با کشورهای در حال توسعه و قرارداد برای کالاهای خاص می باشد. در گروه ۷۷ در مورد این مسائل اختلاف

عقیده هایی وجود دارد و بعضا آنان را وادار می کند که در ارزش گذاری جانب حداقل را بگیرند. این مسئله حل مشکلات را پیچیده کرده و فشارهای وارده بر آمریکا را در جهت از دست دادن بعضی از امتیازات در مذاکرات مربوطه افزایش می دهد.

۵۳ کمیته جدید سازمان ملل بنام Wholeبرای کنترل مسیر آتی مذاکرات شمال و جنوب به وجود آمده، ممکن است به بررسی موضوعات جنبه سیاسی بدهد و اجلاس اونکتاد ۵ که قرار است در اواسط سال ۱۹۷۹ تشکیل شود، به صورت مرکز اصلی این مباحثات و مذاکرات در خواهد آمد. شکاف وسیع بین مواضع اتخاذ شده توسط گروه ۷۷ و کشورهای پیشرفته طی سال آینده پر نخواهد شد. گذشته از این، کنفرانس ارتباط رادیویی جهانی سال ۱۹۷۹ نیز ممکن است به صورت محل بروز نظریات متناقض شمال و جنوب در آید.

۵۴ کشورهای در حال توسعه : کشورهای در حال توسعه غیر نفتی در سال ۱۹۷۸ به میزان کمتر از ۵ درصد سال ۱۹۷۷ توسعه خواهند یافت. این کاهش میزان رشد، نشانگر کاهش رشد کشورهای صنعتی و نیز تأثیر محدودیتهای واردات می باشد. بعد از دو سال بهبود انتظار می رود کسری حساب جاری کشورهای در حال توسعه وارد کننده نفت پس از کسریهای عظیم در سال ۱۹۷۵، باز هم افزایش یابد. رشد صادرات کم شده، و شرایط تجاری بخصوص در کشورهای در حال توسعه مهمتر، تا حدودی وخیمتر خواهد شد.

۵۵ منابع مالی مورد نیاز برای از بین بردن کسری حساب جاری این کشورها احتمالاً از طریق افزایش معتدل کمکهای رسمی عمرانی، سرمایه گذاریهای خصوصی و قروض بیشتر از بازارهای سرمایه بخش خصوصی جبران خواهد گردید، معذالك ممکن است این کشورها از منابع ارز ذخیره سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ جهت مرتفع ساختن مسئله کسری حساب جاری خود استفاده کنند. مسائل

مربوط به موازنه پرداخت و دیون تنها در مورد چند کشور در حال توسعه باقی خواهد ماند، ولی تعدادی از آنها باید متوسل به سیاستهای دیگری در این زمینه بشوند.

۵۶ منابع موجود برای حمایت از کشورهای در حال توسعه افزایش خواهد یافت. کشورهای کمک دهنده سرمایه های عمومی خود را افزایش می دهند. تا علاوه بر مضاعف شدن سرمایه بانک بین المللی توسعه و بازسازی، سرمایه آژانس عمران بین المللی نیز افزایش یابد.

۵۷ گذشته از این، میزان وام دهی بانک جهانی نیز گسترش می یابد که البته نسبت به گذشته چندان زیاد نیست. افزایش انتخابی استفاده از سهام در حد سال ۱۹۷۷ حدود ۸ میلیارد دلار به سرمایه ۴۱ میلیارد دلاری، بانک عمران و بازسازی بین المللی خواهد افزود. افزایش سهمیه ها نیز حدود ۱۱ میلیارد دلار به سرمایه صندوق بین المللی پول خواهد افزود. علاوه بر این، چند کشور عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی نیز در نظر دارند برنامه های کمک عمرانی دو جانبه خود را توسعه دهند.

۵۸ توان قرض دهی صندوق بین المللی با ۱۰ میلیارد دلار (پرداختی از طرف مؤسسه ویته وین) افزایش خواهد یافت، تا اعضای صندوق بتوانند مشکلات موازنه پرداخت خود را برطرف سازند. صنایع مالی صندوق بین المللی شاهد ۱۱ میلیارد دلار افزایش دیگر از طریق بالا رفتن میزان سهمیه اعضا خواهند بود. علاوه بر این، چند کشور عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی درصدد توسعه

و برنامه های کمک عمرانی می باشند.

۵۹ قانون دریاها، سومین کنفرانس سازمان ملل تحت عنوان کنفرانس قانون دریاها در مذاکرات خود وارد یک مرحله حساس شده است. اجلاس آتی آن در تاریخ مارس و مه ۱۹۷۸ در ژنو نیز با پایان مذاکرات در این زمینه خواهد بود و یا مذاکرات را تسریع خواهد کرد تا سبب موفقیت اولیه آن شود. در صورت عدم موفقیت مذاکرات، آمریکا باید سیاستهایی را در جهت حفظ منافع ملی خود اتخاذ کند که از جمله می توان انعقاد قراردادهای ویژه منطقه ای و گروهی را نام برد. ولی در صورت حصول پیشرفت، راه برای عقد قرارداد با اعضای میانه رو کشورهای در حال توسعه باز می شود و سهولتی در مسائل دیگر مطروحه بین شمال و جنوب پدید می آید و عنصر ایدئولوژیک موجود در مذاکرات کاهش پیدا می کند.

۶۰ مسائل جهانی

۶۱ حقوق بشر: شوروی احتمالاً از طریق تبعید داوطلبانه و اجباری، محاکمه های علنی، فشارهای اقتصادی، اذیت و آزار و اقدامات شدید پلیسی به خشونت علیه ناراضیان ادامه خواهد داد. محدودیت عملیات شوروی در این رابطه بستگی به وجهه شوروی و نیز روابط آن با دموکراسی های غربی دارد. اکثر دولتهای غربی در مجامع بین المللی به حمایت از ابتکارات آمریکا برمی خیزند و از اقداماتی که ممکن است تشنج زدایی غرب و شرق را به خطر اندازد، اجتناب خواهند ورزید، در بخش اعظم جهان سوم، حقوق گروهی و نیز تأمین نیازهای بشر، بر حقوق سیاسی حقوقی و مدنی فرد اولویت خواهد یافت.

۶۲ رژیمهای مستبد چپ و راست، روشهای خود را با دلایل ایدئولوژیک مذهبی و امنیتی توجیه خواهد کرد. معذالک، بعضی از دولتها بخصوص در مورد نحوه برخورد با زندانیان سیاسی دست به

اصلاحاتی خواهند زد. با این وصف اکثر کشورها شاهد بهبود وضع حقوق فردی، تغییر در شیوه اعمال شکنجه، آدم ربایی و توقیف خودمختارانه خواهند بود.

۶۳ حقوق بشر آمریکا برای گروههای مخالف در بسیاری از کشورهایی که تحت حکومتهای استبدادی به سر می برند، قوت قلبی بوده است. حتی توقف و اصلاح نسبی در پاسخ به فشارهای آمریکا و جامعه بین المللی می تواند مقداری از نیروهای مهم را آزاد سازد تا سبب تغییر سیاسی و اجتماعی شوند. پس از این رویداد، دولتها مجبورند بین انجام اصلاحات بیشتر و یا سرکوب مخالفین خود یک راه را انتخاب نمایند.

۶۴ تروریسم : روش کنونی بمب گذاری، آدم ربایی، قتل، حمله مسلحانه و هواپیماربایی به احتمال زیاد کاهش نخواهد یافت. لیبی، عراق، یمن جنوبی و الجزایر به حمایت خود از چند گروه تروریستی و آنارشیستی که در ایتالیا و آلمان فعال هستند ونیز ارتش جمهوریخواه ایرلند و تروریستهای پروتستان در ایرلند شمالی ادامه خواهند داد.

۶۵ در ابداع اقدامات ضد تروریستی مؤثر بین المللی پیشرفتهای چشمگیری پدید خواهد آمد، ولی هنوز هم نقطه نظرات سیاسی و اخلاقی مانع از پیشرفت بیشتر این تلاشها می گردد. بسیاری از کشورها نیز به خاطر ترس از اقدامات تلافی جویانه تروریستها و یا کشورهای حامی آنها مایل نیستند که در این راه گامی بردارند.

۶۶ محدودیت تسلیحات سنتی: سیل این گونه تسلیحات به جهان سوم محدود نخواهد گردید. همکاریهای چند جانبه بین کشورهای تولید کننده جهت محدودسازی فروش این گونه تسلیحات به چند علت با دشواری صورت می گیرد که یکی از این علتها منافع اقتصادی است و علت دیگر ترس از امکان فروش مقادیر عمده ای سلاح آمریکایی می باشد. با در نظر گرفتن عدم توافق شوروی با عرضه محدود تسلیحات، اکثر کشورهای غربی با آمریکا در این زمینه همکاری نمی کنند تا مبادا شوروی بتواند خلاء ایجاد شده را پر کرده و نفوذ سیاسی خود را میان کشورهای کمتر رشد یافته گسترش دهد.

۶۷ تقاضای جهان سوم برای سلاح افزایش پیدا خواهد کرد و کشورهایی که از نظر تکنولوژیک بسیار عقب افتاده هستند، نیز از این قاعده مستثنی نیستند. آرمان کسب حیثیت یا وجهه سیاسی و نیز خطرات داخلی و خارجی، انگیزه های لازم را در این رابطه ایجاد می کنند. توازن روزافزون کشورهای در حال توسعه مهمتر از قبیل هند و برزیل در تولید سلاح، نه تنها برای استفاده خودشان بلکه برای صدور به کشورهای در حال توسعه باید تحت کنترل درآید.

۶۸ مذاکرات مربوط به کنترل تسلیحات: دورنمای موفقیت مذاکرات مربوط به قرارداد سالت ۲ امیدوار کننده بوده و می تواند منجر به قراردادی در منع آزمایشات هسته ای شود لیکن مذاکرات مربوط به موشکهای قاره پیما و محدودیتهای تسلیحاتی در اقیانوس هند، به دلیل رویدادهای غیر قابل پیش بینی لاینحل باقی خواهند ماند.

۶۹ یکی از ابتکارات جدید غرب می تواند سبب به راه افتادن مجدد، مذاکرات در مورد موشکهای قاره پیما گردد، لیکن روسها تا به حال نشان داده اند که روش غرب را در کاهش تولید این موشک نخواهند پذیرفت اگر طرفین از نظر سیاسی تحرک بیشتری نشان ندهند، پس از انعقاد سالت ۲ نیز پیشرفت چندانی حاصل نخواهد شد.

۷۰ رویدادهای شاخ آفریقا پیچیدگیهای و معضلاتی را در مذاکرات محدودسازی تسلیحات در اقیانوس هند به وجود خواهد آورد. در غیر این صورت امکان توافق در مرحله ابتدائی مذاکرات زیاد است که به دنبال آن میزان نیروهای آمریکا و شوروی در این منطقه متعادلتر خواهد گردید.

۷۱ اجلاس ویژه سازمان ملل در مورد خلع سلاح، که قرار است در مه و ژوئن ۱۹۷۸ برگزار شود، تنها کنفرانس برگزار شونده در این رابطه خواهد بود. گذشته از ماحصل اجلاس ویژه خلع سلاح، جنبش غیر متعهدها نیز با اعمال فشار خواستار پیشرفت و حرکت سریعتر ابرقدرتها در زمینه خلع سلاح خواهد شد. روسها نیز طوری پیشنهادات خود را در این رابطه مطرح خواهند ساخت تا از اقدامات دیگران و انتقادات کشورهای در حال توسعه مصون بمانند.

۷۲ پیمان عدم افزایش سلاحهای هسته ای، به استثناء مورد آفریقای جنوبی، طی ۱۸ ماه آینده، کشورهای مختلف باید منتظر ماحصل مذاکرات عدم افزایش سلاحهای هسته ای به مانند کشورهای دیگر منتظرند تا شاهد موارد زیر باشند:

(۱) شکل نهایی قانون صدور انرژی هسته ای آمریکا و نحوه کاربرد آن.

(۲) نتایج مطالعات کنونی سیکل سوخت هسته ای که بر سیاست عدم افزایش سلاحهای هسته ای آمریکا تأثیر خواهد گذاشت.

(۳) نتایج مذاکرات مربوط به کنترل تسلیحاتی که از دید دیگر کشورهای غیر هسته ای، تمایل

ابرقدرتها را به محدودسازی عمودی و افقی نیروهای هسته ای نشان می دهد.

۷۳ شاهدی در دست نیست که حکایت از طرحهای پرتوریا مبنی بر انجام آزمایشات هسته ای در آینده نزدیک باشد. معذالک آفریقای جنوبی فعالیتهای خود را شدت بخشیده تا بالا بردن میزان خودکفائی اتمی خود، از تحریمهایی که ممکن است به دنبال یک آزمایش هسته ای علیه آنها وضع شود، مصون باشند.

۷۴ منابع جهانی: عرضه نفت در سالهای ۱۹۷۸ ۱۹۷۹ بیش از تقاضا خواهد بود، بخصوص آنکه تقاضای کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی افزایش شدیدی پیدا نخواهد کرد. دریای شمال و آلاسکا و نیز بازده رو به گسترش مکزیک نیز مقادیری را به میزان عرضه کنونی خواهند افزود. ولی گمان نمی کنم که در آینده نزدیک از نظر تکنولوژیکی چنان پیشرفتی حاصل آید تا از طریق آن منابع انرژی مرسوم بیشتری کشف گردد و یا جایگزینی برای آنها پیدا شود.

۷۵ عرضه مواد غذایی در جهان برای سال ۱۹۷۸ کافی است، ولی در رابطه با توزیع مواد غذائی مشکلاتی وجود دارد. زیرا خشکسالی سبب کاهش تولید در نیم کره جنوبی، تایلند و سواحل آفریقا و نقاط اطراف آن شده است.

۷۶ رشد جمعیت در بسیاری از کشورهای در حال توسعه مانع از رشد درآمد سرانه شده و مانع از بهبود سطح زندگی برای اکثر مردم جهان می گردد. علاوه بر این رشد جمعیت کارگر در بازارهای اقتصاد در حال توسعه مشکلات بیکاری و کم کاری را افزایش خواهد داد. جمعیت افراد بین سنین ۲۴ ۱۵ سال به میزان ۳/۳ درصد در سال ۱۹۸۰ رشد خواهد داشت. این همان گروه سنی است که در نتیجه افزایش اخیر سطح بیکاری در کشورهای صنعتی، شدیدا صدمه دیده است. در چند کشور اروپای غربی از قبیل انگلستان، یونان، ایتالیا، اطریش و اسپانیا، رشد جمعیت هنوز هم با سرعت ادامه

دارد.

۷۷ بهداشت جهانی و مشکلات مربوطه توجه دولتها را جلب خواهد کرد. چون سال ۱۹۷۹ سال بین المللی کودک نامگذاری شده و دهه ۱۹۸۰ نیز دهه آب نامگذاری خواهد شد، مشکلات غذایی جمعیت و بهداشت موجود جهان اجرای سیاسی حقوق بشر آمریکا که هدفش تأمین نیازهای اساسی بشر است را با دشواریهایی روبه رو خواهد ساخت.ونس

خط مشی جهانی

سری

از: وزارت خارجه واشنگتن دی سیتاریخ: ۲۹ نوامبر ۱۹۷۸ (۸ آذر ۱۳۵۷)

به: تمام واحدهای دیپلماتیک و کنسولیرونوشت: دفتر حفاظت منافع در بغداد

سفارت آمریکا در بیروت سفارت آمریکا در برازاویل سفارت آمریکا در پرتوریا شورای امنیت ملی در واشنگتن دی سی ستاد مشترک ارتش در واشنگتن دی سی وزارت دفاع در واشنگتن دی سی اداره خزانه داری در واشنگتن دی سی سفارت آمریکا در ماپوتو

موضوع: خط مشی جهانی

تشریح اهداف و موفقیتهای حاصله در زمینه سیاست خارجی آمریکا و نیز سیاستها پدید آمده بعدی همراه با اخبار و رهنمودهای لازم در اختیار واحدها قرار می گیرد تا از آن در رابطه با اهداف و

مدیریت منابع خود در سال مالی ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) بهره برداری نمایند، شما به انگیزه های مهم موجود

در رابطه با اهداف سیاست خارجی دولت واقف هستید. این پیام نشانگر موفقیتهایی است که طی دو

سال گذشته در تمام نقاط مهم علمی و جغرافیایی برای رسیدن به آن اهداف کسب کرده ایم و نیز در

بر گیرنده سیاستهایی است که باید طی دو سال آینده و پس از آن اتخاذ گردد. ما از طریق ابتکارات دو

جانبه، از طریق مشارکت در سازمان ملل(۱) و دیگر هیئتهای بین المللی هم چون سازمان کشورهای آمریکایی(۲) (قاره آمریکا مترجم) و نیز با توسل به عضویت خویش در ناتو(۳) (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) و از راه اعمال نفوذ بر سازمانهای منطقه ای چون سازمان وحدت آفریقا(۴) و جامعه اقتصادی اروپا(۵) که در آنها عضویت نداریم، اهداف خود را دنبال خواهیم کرد.

سفیر باید این پیام را در اختیار پرسنل ذیربط موجود در واحد خود قرار دهد.

مناطق عملیاتی

الف) مسائل اقتصادی بین المللی

۱ انرژی: در عین حال که بحران اولیه ناشی از تحریم نفتی و چهار برابر شدن قیمت آن سپری

شده، ولی آینده نیز آبستن مشکلاتی می باشد. کاهش وابستگی غرب به نفت وارداتی از ضروریات

بوده و ما باید وارد آن مرحله از اقتصاد جهانی شویم که «دیگر منابع» انرژی بتوانند ایفاگر نقش مهمی

در آن باشند. همزمان با این امر باید از تکثیر نیروی اتمی در جهان نیز جلوگیری به عمل آید.

در سازمان همکاری و عمران اقتصادی(۶) بخصوص در آژانس بین المللی انرژی سعی کرده ایم کهموضوع انرژی به محور همکاری تبدیل گردد نه عامل تفرق.

سران کشورها در اجلاس بن توافق کردند که وابستگی به نفت وارداتی را کاهش داده واز ذغال

سنگ، انرژی اتمی، و منابع انرژی قابل احیاء، بهره برداری بیشتری بنمایند.

آمریکا نیز به نوبه خود متعهد شد که از پایان سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) اقداماتی را به عمل آورد که تا

سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) منجر به صرفه جوئی نفت وارداتی به مقدار ۵/۲ میلیون بشکه در روز گردد. در

نتیجه تصویب لایحه انرژی در پاییز سال جاری، پیش بینی می شود که تا سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) ما روزانه ۴/۲ تا ۹/۲ میلیون بشکه کمتر از گذشته نفت وارد نمائیم و در نظر داریم تا سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) ذخیره نفتی استراتژیک به میزان یک میلیارد بشکه ایجاد کرده و تولید ذغال سنگ را به مقدار دو سوم افزایش دهیم. علاوه بر این دولت ما در نظر دارد قیمت پرداختی در ازاء نفت را در آمریکا تا پایان سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) به سطح قیمتهای جهانی برساند. تصمیم رئیس جمهور کارتر در ماه مه ۱۹۷۹ مبنی بر اینکه آیا قیمت نفت در داخل آمریکا باز هم باید تحت کنترل باشد یا نه، بدون تردید از

۱- UN.
۲- OAS.
۳- NATO.
۴- OAU.
۵- EC.
۶- OECD.

نظر کشورهای پیشرفته و در حال توسعه دور نخواهد ماند.

در اجلاس سران در بن، شرکت کنندگان موافقت کردند که در زمینه انرژی، تلاش هماهنگی به

منظور تشدید کمکهای دو جانبه به کشورهای رو به رشد به عمل آورند و تکنولوژی استفاده از منابع

انرژی قابل احیاء را در معرض استفاده روز افزونتری قرار دهند. چنین تعهداتی محتاج به پیگیری

جدی بوده و بایستی در برنامه های تکنولوژیکی و مساعدتهای عمرانی عمومی ما در سالهای آتی

منعکس شده باشد.

ذخائر نفت و گاز مکزیک در دراز مدت نقش بسیار مهمی را در دورنمای عرضه انرژی ایفاء

خواهد کرد.

طی دو سال آتی هدف سیاست بین المللی انرژی ما، تقویت همکاری دراز مدت در زمینه انرژی

خواهد بود. ما در تلاش خود برای در حد معقول نگهداشتن قیمت و سیاستهای تولیدی نفت اوپک(۱) ،سعی خواهیم کرد جبهه متحد و هماهنگی متشکل از کشورهای مصرف کننده نفت به وجود آوریم و

فعالیتهای خود را در آژانس بین المللی انرژی افزایش خواهیم داد. و همکاریهایی دو جانبه در زمینه

صرفه جویی در انرژی و کاستن از مصرف و بخصوص دست یابی به منابع انرژی جایگزین را تقویت

خواهیم نمود.

۲ تجارت و بازرگانی: دو مسئله مهمی که ما با آن درگیر هستیم مسئله قراردادهای چند جانبه

تجاری و نحوه برخورد با جوسازی های محافظه کارانه است.

همیشه باید به یاد داشت که بهترین مذاکرات چند جانبه تجاری باید تعداد موانع تعرفه ای و غیر

تعرفه ای را کاهش دهد. مهمتر از همه، شاید این کار سبب پیدایش مجموعه قوانین جدیدی گردد که

عامل نظم و هماهنگی بیشتر در اقدامات تجاری آینده بشود. این قوانین، پاسخگوی مسائلی از قبیل

سوبسیدهای دولتی و اقداماتی خواهد بود که سایر کشورها زمانی به انجام آنها مبادرت می ورزند که

صنایع داخلی آنها در نتیجه واردات در معرض آسیب قرار می گیرند (روشهای حفاظتی). قرارداد نهایی

باید از نظر تعرفه ای و نیز قوانین حاکم بر عملیات تجاری، برای کشورهای در حال رشد امتیازاتی

داشته باشد (یعنی کشورهای رو به رشد(۲) خواستار دریافت کل امتیازات گمرکی نباشند.)

در صورتی که مذاکرات یک قرارداد چند جانبه تجاری(۳) موفقیت آمیز باشد، باید کل متون قراردادبه تصویب کنگره (آمریکا م) نیز برسد. مهمترین موضوع مربوط به این مسئله این است که کشورهای

تجاری مهم که شامل تعدادی از کشورهای مهم در حال توسعه می باشند، با قوانین مورد مذاکره و

اتخاذ تدابیری جهت پیشبرد آزادی عمل در بازار موافقت نماید. (وزارت خارجه واحدها را دائما در

جریان پیشرفت یا روند ملاحظات و مذاکرات کنگره پیرامون کل متون قرارداد تجاری چند جانبه قرار

خواهد داد. تلاش واحدها در برخورد با هرگونه مسئله بین المللی مطروحه در حین این مذاکرات نیز

حائز اهمیت بسیاری است.)

در دراز مدت، آمریکا پیرامون نقاط مرتبط با حوزه تجاری، براساس اولویتهائی به شرح زیر عمل

۱- OECD.

۲- LDCS.

۳- MTN.

خواهد کرد:

اولین مـورد تخلف از قوانین جدیـد که به قرارداد عمومی و تعرفه و تجـارت(۱) ارجاع گردد و نیزاولین اقـدام حراستی تجاری که بر اساس قوانین جدید اتخاذ شود خطیرترین نقش را در موفقیت و یا

عدم موفقیت مذاکرات چند جانبه تجاری ایفاء خواهد کرد. رعایت و عدم تخلف از این قوانین و حل و

فصل سریع اختلافات از طریق سیستم قرارداد عمومی تعرفه و تجارت بخصوص زمانی که مهمترین

کشورهای تجاری با مسئله ای درگیر باشند، به طرز بسیار خطیری کارائی قوانین جدید را در افکار

عمومی داخل آمریکا نشان خواهد داد. برای کشورهای در حال توسعه، رضایتبخش بودند سیستم

قرارداد عمومی تعرفه و تجارت در زمینه عضویت فعال آنها در سیستم تجاری موجود و یا رسیدن آنها

به این نتیجه گیری که باید بازسازیهای مهمی صورت گیرد، تاثیر بسزائی خواهد داشت. (به ضمیمه

شماره ۴ مراجعه شود)

کشورهای رو به رشد(۲) صادر کننده فعالتر به رقابت با آمریکا خواهند پرداخت.

در همان حال که از اقدامات محافظه کارانه اجتناب خواهیم ورزید سعی خواهیم کرد کشورهای

در حال توسعه ای مانند مکزیک را وادار سازیم تا سیستم قرارداد عمومی تعرفه و تجارت(۳) را رعایتکنند (و در بعضی موارد به آن بپیوندند).

مـا و دیگر کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی(۴) بایـد تلاش کنیم تا در یابیم کهچگونه می توان با تغییرات حاصل از قیمتهای انرژی، تکنولوژی، و نیز امتیازات نسبی در میان

کشورهای مهم تجاری انطباق پذیری مثبتی پیدا کرد. در دوران بعد از عقد قراردادهای چند جانبه

تجـاری، کشورهای در حال توسـعه از کشورهای پیشـرفته(۵) مصـرانه خواهنـد خواست که سـطح وارداتخود را افزایش دهند. آمریکا نیز از دیگر کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی که

دارای مازاد تجاری هستند، خواهد خواست که سطح واردات خود را افزایش دهند تا موجبات تحرک

رشد را فراهم آورده و در توزیع کالای وارداتی را در اقتصاد خود سبب شوند. بروز این گونه اقدامات

از طرف آن دسته از کشورهای در حال توسعه دارای مازاد تجاری که استراتژی رشد وابسته به

صادرات را دنبال کرده ولی از نظر تاریخی همیشه در مقام حراست از صنایع داخلی در برابر واردات

بوده اند، دور از انتظار ما نیست. ما باید در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) گزارشی پیرامون عملیات پنج ساله

اول سیستم کلی ارجحیت ها(۶) به کنگره تسلیم نمائیم. چون سال ۱۹۸۰ (۱۳۶۰) آخرین مهلت موجودبرای این کار خواهد بود. در هر مورد فرصت داریم نحوه بهبود بیشتر این سیستم را بررسی نمائیم.

۳ کالاها(۷): از نظر آمریکا اقداماتی که می تواند در جهت کاهش نوسانات تند قیمت مواد خام

کلیدی به عمل آید، به نفع کشورهای تولید کننده و مصرف کننده است. در صورت مفید شناخته شدن

۱- GATT.

۲- LDSC.

۳- GATT

۴- OPEC.

۵- DCS.

۶- GSP.

۷- به ضمیمه شماره ۴ قسمت ثبات بازار جهانی مواد اولیه مراجعه شود.

این اقدامات، ما نیز تشریک مساعی خواهیم کرد تا قراردادهائی برای ثابت ماندن قیمتها منعقد گردد و

فرضیه مسئولیت مشترک تولید کننده و مصرف کننده در جهت تأمین هزینه قراردادهای کالا

پذیرفته ایم. طی دو سال آینده موضوع قرارداد کالا در بین گروههای خاص تولید کننده و مصرف کننده

مورد همکاری بحث و تبادل نظر قرار خواهد گرفت ولی در روابط شمال و جنوب برخلاف گذشته

تأثیر بسزایی باقی نخواهد گذاشت. نکات مهم عبارتند از :

صندوق مشترک: کشورهای در حال توسعه و کشورهای صنعتی قصد دارند که حداکثر تا تشکیل

پنجمین کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل(۱) در این مورد به نتیجه و توافق برسند، در صورت عدمموفقیت مذاکرات، گروه ۷۷(۲) آن را در اجلاس مذاکرات شمال و جنوب مطرح خواهد نمود. حتی درصورت به توافق؛ رسیدن بر سر جنبه های اساسی، پیرامون جنبه هائی جزئی تشکیل این صندوق

بحثهای چند ماهه ای آغاز خواهد شد.

هر یک از کشورهای تولید کننده کالا نیز بایستی در مورد شرکت یا عدم شرکت خود در این

صندوق تصمیم بگیرند. امیدواریم که کشورهای تولید کننده و مصرف کننده بخصوص کشورهای در

حال توسعه در مذاکرات مربوط به جزئیات صندوق آن چنان موضعی را اتخاذ نمایند که:

(۱) با موضوع متخذه آنها در قبال هر یک از قراردادهای کالائی(۳) یکسان باشد. و

(۲) استقلال قرارداد تبادل کالاها را نیز حفظ نماید.

لاستیک: مذاکرات مربوط به تثبیت قراردادهای لاستیک در نوامبر ۱۹۷۸ (آذر ماه ۱۳۵۷) آغاز

می گردد. به احتمال زیاد یک قرارداد کلی در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) منعقد خواهد شد.

مس: مشورتهای کنفرانس سازمان ملل در زمینه تجارت و توسعه (اونکتاد) در سال ۱۹۷۸

(۱۳۵۷) در مورد ایجاد یک سازمان مشترک متشکل از کشورهای تولید کننده و مصرف کننده مس به

جائی نرسید. ما می خواهیم هر چه زودتر مذاکرات فنی مربوط به وضع بازار مس را آغاز کرده و

امکانات به ثبات کشانیدن قراردادهای مس را تحت بررسی قرار دهیم.

شکر: مناقشه بر سر شرائط برنامه حمایت از قیمت داخلی شکر مانع از تصویب قرارداد بین المللی شکر توسط آمریکا و نیز تصویب لایحه اجرائی مربوطه در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) گردید. اما کنگره مناظرات مربوطه را در اوایل اجلاس آتی از سر خواهد گرفت. در عین حال سهمیه های صادراتی قراردادها هنوز به قوت خود باقی است.

گندم: مشارکت در مذاکرات کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل در ماه نوامبر، آن هم پیرامون یک قرارداد جدید بین المللی گندم(۴) در مورد موضوعات خطیری چون قیمت، سطح ذخیره سازی، وضع شرایط خاص برای کشورهای در حال توسعه به نتیجه ای نرسید. به همین دلیل مذاکرات به تعویق افتاد و احتمالاً در اوایل سال ۱۷۹ (۱۳۵۸) بار دگر از سر گرفته خواهد شد (در اواسط دسامبر نیز احتمالاً کمیته (میان دوره ای) تشکیل خواهد داد)

۱- UNCTAD

۲- ۷۷ -G.

۳- ICAS.

۴- IWA.

دیگر قراردادهای کالائی: ترتیباتی که به منظور افزایش تولید، توسعه محصولات جدید، ایجاد

بازارهای جدید، یا متعادل کردن آن با سایر کالاها همچون جو صورت گرفته نیز ممکن است در سال

بعد یا پس از آن مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد. ما کشورهای تولید کننده در حال توسعه را ترغیب

خواهیم کرد که با وجود راه حلهای بهتر، از اصرار و پافشاری در مورد قراردادهای تثبیت قیمت دست

بردارند. تدبیر مالی جبران کننده و تثبیت میزان درآمد ارز خارجی(۱) : طی سال آتی اقدامات بیشتریمورد بررسی قرار خواهد گرفت تا به تثبیت درآمد ارز خارجی کشورهای در حال توسعه که از

نوسانات بازار کالاهای بین المللی تأثیرات منفی را تجربه کرده اند، منجر شود. جامعه اروپایی(۲) به انعقاد مجدد قرارداد (LOME) که شامل مفاد تثبیت درآمد ارز خارجی می شود، خواهد پرداخت.

کشورهای عضو مجمع ملل جنوب شرقی آسیا(۳) نیز احتمالاً به ژاپن فشار وارد خواهند ساخت تا برایتحت پوشش قرار گرفتن صدور مواد خام خویش به این کشور، درصدد انعقاد قرارداد تثبیت درآمد ارز

خارجی منطقه ای برآید. صدر اعظم اشمیت هنوز هم در حال تلاش برای به کرسی نشاندن پیشنهاد

خود یعنی انعقاد قرارداد تثبیت درآمد ارز خارجی در سطح جهان است.

هنوز نسبت به مفید واقع شدن برنامه های تثبیت درآمد ارز خارجی در جبران کاهش منافع مربوط

به بعضی از کالاهای خاص متقاعد نشده ایم. CFFکه در سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) آزاد گردید، مکانیزم

شایسته تری است، چون به طور کلی درآمد حاصل از صادرات هر کشور را تحت پوشش خود قرار

می دهد. در کمیته بررسی کاراییCFF که از طرف صندوق بین المللی پول(۴) و بانک توسعه و عمران بن المللی(۵) تشکیل شده شرکت خواهیم کرد و امیدواریم که صندوق بین المللی پول در اجلاس خود کهدر مارس ۱۹۷۹ (فروردین ۱۳۵۸) تشکیل می گردد، تغییرات لازم را در زمینه CFFنماید.

۴ کمکهای عمرانی: دولت آمریکا (دولت کارتر م) کمی پس از روز کارآمدن به بررسی همه

جانبه برنامه کمکهای خارجی پرداخت. ریاست جمهور تصمیماتی اتخاذ نموده که در سالهای آتی

می تواند در زمینه کمکهای خارجی به شرح زیر راهنمای ما باشد. البته از سطوح بودجه و نحوه

برخورد کنگره نیز نباید غافل بود. (به ضمیمه ۵ تحت عنوان کمکهای اقتصادی و عمرانی مراجعه

شود.)

آمریکا امیدوار است تا سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) کمکهای امتیازی، (دو جانبه و چند جانبه) خود را

عمدتا به میزان بیش از آنچه که در سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) ارائه شده، بالا ببرد.

امیدواریم که آمریکا بتواند حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد(۶) به برنامه اعطای وام بلاعوض چند جانبه کمککنند تا شاهد افزایش کمک در زمینه مواد غذائی و افزایش چشمگیرتری در برنامه های عمرانی دو

جانبه باشیم. در سال ۱۹۸۲ میزان کمکهای پشتیبانی امنیتی ثابت خواهد بود. فشارهای مالی و

۱- STABEX.
۲- EC.
۳- ASEAN.
۴- IMF.
۵- IBRD.
۶- PCT.

کاهش بودجه توسط کنگره نیز از توان ما در رسیدن به این اهداف خواهد کاست.

کمکهای دو جانبه امتیازی ما نیز بر رفع نیازهای اساسی(۱) مردم فقیر کشورهای دست به گریبان بافقر متمرکز باشد، البته باید از چنان انعطاف پذیری برخوردار باشد که به رشد منصفانه کشورهای

دارای درآمد متوسط هم کمک کند و در صورت موجود بودن، منابع مالی کافی به دولتهایی اختصاص

یابد که متعهد کمک به فقرای خود هستند. در نتیجه این تصمیمات ۸۵ فقره وام و وام بلاعوض

اختصاص یافته به کشورهای در حال توسعه در سال مالی ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) برای آن دسته از

کشورهایی در نظر گرفته شد که درآمد سرانه آنها کمتر از ۵۲۰ دلار در سال می باشد (براساس

قیمتهای سال ۱۹۷۵) در بودجه سال مالی ۱۹۸۰ برنامه کمک بیشتری را برای کشورهای فقیر در نظر

خواهیم گرفت. سیاست ما بر این عقیده استوار است که تأمین نیازهای اساسی انسانی تنها از طریق

برنامه هائی امکان پذیر است که هدفشان توسعه رشد باشد. (به ضمیمه ۵ قسمت توزیع کمکها مراجعه

شود).

به عنوان یک هدف، ارضاء نیازهای اساسی انسان در برگیرنده حداقل سطوح زندگی ملموس و

غیر ملموس یا به عبارت دیگر تغذیه کافی، بهداشت، بهزیستی، پوشاک، مسکن و آموزش و پرورش

برای تمام انسانها است و تأکید آن نیز بر مساوات است.

تأمین نیازهای اساسی انسانی، به عنوان یک استراتژی، تولید کلی را تحرک بخشیده و بالا می برد

تا این نیازها مرتفع و ظرفیت تولیدی و درآمد فقرا افزایش یابد. به همین دلیل می توان گفت که بر رشد

تأکید دارد.

بررسی های بیشتری انجام خواهیم داد تا معلوم شود که آیا ایجاد انعطاف پذیری بیشتر در اجرای

سیاستهای تأمین نیاز انسانی به تحقق اهداف ما کمک خواهد کرد یا نه.

انتظار داریم که مذاکرات هر چه زودتر آغاز شود و سبب افزایش سرمایه بانک عمران و بازسازی

بین المللی به میزان صد در صد گردد. کاهش عمده، سرمایه آژانس عمران بین المللی(۲) نیز در سال آتیمورد مذاکره واقع خواهد شد. اخیرا نیز کاهش سرمایه های دارای شرایط «سخت» و «معتدل»بانکهای

منطقه ای که آمریکا عضو آنها است نیز به مورد مذاکره گذاشته شد. یکی از اهداف مهم آمریکا افزایش

کارایی کمک، از طریق ایجاد هماهنگی با دیگر کمک دهندگان می باشد.

۵ عرضه مواد غذایی به نسبت رشد جمعیت: آمریکا در زمینه سیاست خارجی کشاورزی اهداف

ذیل را دنبال می نماید:

گسترش تجارت کشاورزی آمریکا از طریق آزادسازی تجارت، مذاکرات در سطح قراردادهای

چند جانبه تجاری در ژنو ادامه دارد.

کمک به کشورهای در حال توسعه در بالا بردن سطح تولید مواد غذایی و کشاورزی به عنوان

عنصر مهم عمرانی.

افزایش امکانات حفظ و نگهداری و تثبیت قیمت مواد غذایی در سطح جهان، از طریق ایجاد دفاتر

غله درون کشوری تحت نظارت یک نظام بین المللی، مذاکرات مربوط به این مورد هنوز ادامه دارد.

۱- BHN

۲- IDA

ارائه کمکهای غذایی به کشورهای فقیر در حمایت از برنامه های عمرانی آنها، ایجاد بازارهای

بیشتر برای مواد کشاورزی صادراتی آمریکا و دیگر هدفهای آمریکا در زمینه سیاست خارجی آن و

نیز برای نیل به اهداف بشر دوستانه.

هدف ما در رابطه با جمعیت به شرح زیر است:

مورد شمول قرار دادن عوامل جمعیتی در استراتژی عمرانی به نحوی بهتر.

افزایش کمک به کشورهایی که رشد جمعیت آنها بیشتر است.

متعهد ساختن کشورهای در حال توسعه برای برخورد قاطع تر با رشد افراطی جمعیت

گسترش اقدامات مربوط به رشد جمعیت از قبیل طرح خانواده و بهداشت و تغذیه به عنوان بخشی

از برنامه هایمان در تأمین نیازهای اساسی انسانی.

طی دو سال آتی به بهبود تلاشهایمان در رابطه با «جمعیت» خواهیم پرداخت تا حمایت کشورهای

در حال توسعه از طرح خانواده و برنامه های دیگر بیشتر شود، و تحقیقات داخلی خود را در مورد

روشهای ضد بارداری که با سهولت بیشتری در کشورهای در حال توسعه استفاده شوند، افزایش دهیم

و، نهادهای چند جانبه دست اندرکار چون نیز (۱)UNFPA، سازمان بهداشت جهانی، (۲)UNDP و بانک

جهانی تقویت شوند.

۶ تکنولوژی: مسئله انتقال تکنولوژی مسئله ای بسیار پیچیده و حائز اهمیت در روابط شرق و

غرب و شمال و جنوب است (به ضمیمه شماره ۵ مراجعه شود). در مذاکرات شمال و جنوب تلاشهای

ما در حال حاضر و در سالهای آتی بر مسائل زیر متمرکز خواهد بود:

کنفرانس اوت ۱۹۷۹ سازمان ملل بنام کنفرانس علم و تکنولوژی برای عمران(۳) آماده ایم تا بهبررسی استراتژی های جهانی برای کمک به کشورهای در حال توسعه جهت بهره برداری از تکنولوژی

موجود و در حال پیدایش برای بالابردن استعدادهای هر کشور در حال توسعه بپردازیم. در این کنفرانس روشهای توانائی کشورهای در حال توسعه را مورد توجه اساسی قرار خواهیم داد که عبارتند از: نحوه گسترش یا تطابق تکنولوژی،تأمین هزینه ها و مدیریت بهره برداری از فنون پیشرفته. در این رابطه تکنولوژیهای مربوط به انرژی، مواد غذائی و بهداشت مورد توجه قرار خواهد گرفت.

طی سه سال گذشته، مذاکرات شمال و جنوب در مورد انتقال تکنولوژی بیشتر در زمینه جهانی متمرکز بوده تا معیارهای تعیین شده (که از نظر ما رهنمودهای داوطلبانه) است برای اینکه دولتها و شرکتها بتوانند در زمینه قراردادهای بین المللی و در رابطه با دریافت جواز ثبت، قراردادهای مربوط به آموزش فنون، قراردادهای مهم و دیگر اشکال انتقال انرژی آموزش ببینند. یکی از کنفرانسهای سازمان ملل (از ۱۶ اکتبر تا ۱۰ نوامبر) نتوانست در مذاکره بر سر مسائل مهم مربوط به این مجموعه قوانین (از قبیل، ماهیت حقوقی، روش پیگیری، نحوه برخورد با قراردادهای اصلی و فرعی، توجیه بعضی از اعمال محدود کننده در زمینه های سرمایه گذاری، اصولی که براساس آن دولتها می توانند مقررات مربوط به انتقال تکنولوژی را وضع کنند.) راه حل و فصل نماید. این کنفرانس مذاکرات خود

۱- WHO

۲- Unicef.

۳- UNCSTD.

را در طول ۱۶ فوریه الی ۲ مارس آغاز خواهد کرد. در حالی که مطابق شواهد تعدادی از کشورهای گروه ۶۶ مایلند بجای پیشبرد امور بر پایه میانه روی، در مجموعه قوانین، به رویاروئی (احتمالاً در اجلاس پنجم اونکتاد) بپردازند موضع ما در این مذاکرات کم تحرک لیکن سازنده بوده است، و همیشه خواستار پیدایش روشهای داوطلبانه و قابل کاربرد بوده ایم، تا وضع کشورهای در حال توسعه عملاً بهبود یابد و جو موجود برای سرمایه گذاری و انتقال تکنولوژی نیز مساعدتر شود. در صورتی که مذاکرات به نتیجه ای نرسد، امیدواریم که کنفرانس سازمان ملل در مورد علم و تکنولوژی برای عمران در سال ۱۹۷۹ موقعیتی پیش آورد تا جهت مذاکرات را به نحوه پاسخگوئی در برابر محدودیت کشورهای در حال توسعه در رابطه با تحولات تکنولوژیکی معطوف نمائیم. بنیاد بین المللی همکاری تکنولوژیکی(۱) که ذیلاً شرح آن آمده، می تواند بعد از تشکیل کنفرانس فوق نقش مهمی را در روابطتکنولوژیکی با کشورهای در حال توسعه داشته باشد.

دولت (آمریکا م) اخیرا پیشنهاد کرد که سازمانی به نام بنیاد بین المللی همکاری تکنولوژیکی ایجاد شود. این بنیاد برای دولت آمریکا به منظور کاربردن اطلاعات تکنولوژیکی در زمینه عمران، مکانیزم بسیار مهمی به حساب خواهد آمد. این بنیاد وظیفه ارائه کمک را بر عهده خواهد داشت واز طریق صندوقهای کمک عمرانی تأمین هزینه خواهد شد و با استفاده از منابع مالی دولتی و بخش خصوصی در زمینهای عمرانی به بازسازی و فعالیت خواهد پرداخت، و با کشورهای در حال توسعه نیز همکاری نزدیک خواهد داشت. حوزه عمل و تشکیلات بنیاد بین المللی همکاری تکنولوژیکی توسط قوه مجریه در دست بررسی است. در صورتی که کنگره نسبت به آن رأی مثبت دهد، در سال مالی ۱۹۸۰ عملیات خود را آغاز خواهد نمود.

چاره اندیشی تدابیری به منظور توسعه و اداره بهتر همکاریهای تکنولوژیکی و علمی ما با

کشورهای در حال توسعه ثروتمندتر، اروپای شرقی، شوروی، چین و کشورهای اوپک که امری بسیار دشوار است، در سالهای آتی نیز به صورت تلاشی بسیار مشکل باقی خواهد ماند. دموکراسیهای صنعتی باید در یافتن راه بهتری برای استفاده از تکنولوژی جهت انجام وظایف جهانی خود از قبیل محیط زیست، بهبود وضع بهداشت، کنترل رشد جمعیت، ممانعت از آلودگی دریاها، بهره برداری از منابع انرژی امن و قابل احیاء و بهره برداری بهتر از خاک و حیات نباتی و حیوانی که هدایت و رهبری را بر عهده گیرند.

۷ مذاکرات شمال و جنوب: تقریبا تمام مسائل فوق، عناصر مهم مذاکرات شمال و جنوب را تشکیل می دهند (که ما قبل از هرگونه مذاکرات مهم سعی خواهیم کرد با کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی مشورت کنیم.) دیگر موضوعات مهم و بالقوه به شرح زیر هستند. (به ضمیمه شماره ۵ مراجعه شود):

دیون کشورهای در حال توسعه : اکثر کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی از جمله آمریکا اقداماتی را اتخاذ کرده اند تا از طریق آنها از بار سنگین دیون کشورهای دارای حداقل رشد بکاهند. در مورد افزایش سرمایه صندوق بین المللی پول و دیگر مؤسسات جدید این صندوق (صندوق تراست، ویته وین ، و غیره) به میزان ۵۰ درصد توافق به عمل آمده که این موضوع به کشورها

۱- FITC.

کمک می کند تا مشکلات موجود در رابطه با موازنه پرداخت را در کوتاه مدت از میان بردارند.

همکاری اقتصادی در میان کشورهای در حال رشد(۱) : ظاهرا گروه ۷۷ برای این موضوع اهمیتویژه ای قائل است، گرچه این گروه و یا گروه ب به محتوای موضوع توجهی نداشته اند. کشمکش بیشتر

بر سر مراحل بوده است و اینکه آیا اونکتاد می تواند پیرامون این موضوع که منحصرا به گروه ۷۷ مربوط است، جلسه ای تشکیل دهد یا خیر؟ سعی خواهیم کرد کشورهای در حال توسعه را متقاعد سازیم که کشورهای پیشرفته را نیز در مذاکرات خود مربوط به برنامه های ECDCراه دهند و ECDC نباید پدید آورنده نهادهای محدود باشد.

کشورهای در حال توسعه پیشرفته: می خواهیم این منطق را در سطح بین المللی تعمیم دهیم که باید با هر کشور در حال توسعه بنابر میزان رشد خودش برخورد شود. کمکهای امتیازی باید در اختیار فقیرترین کشورها قرار گیرد. کشورهای پیشرفته در حال توسعه باید از امتیازت ویژه خود به عنوان در حال توسعه چشم پوشی کرده و به جای آن، به اقدامات معمولی تجاری چند جانبه روی آورده، از بازار سرمایه و سرمایه گذاری بخش خصوصی برای تأمین منابع مالی خارجی استفاده کنند، و در رابطه با عملکرد اقتصاد بین المللی، مسئولیتهای بیشتری را پذیرا شوند. کشورهای پیشرفته نیز متقابلاً باید روشهائی را ابداع کرده و کشورهای در حال توسعه را در روند تصمیم گیریهای مربوط به سازمانهای اقتصادی بین المللی دخالت دهند.

استراتژی عمرانی: بخش اعظم مذاکرات اکنون بر نحوه انتقال منابع از شمال به جنوب متمرکز است و از استراتژی عمرانی داخلی کشورهای در حال توسعه سخن به میان نمی آید. در نظر داریم در رابطه با مسائلی از قبیل نیازهای اساسی انسانی، توزیع درآمدها، صادرات در قبال استراتژیهای رشد بازارهای داخلی و غیره راههایی بیابیم تا مسائل فوق با فعالیت بیشتری پیگیری شود.

مذاکرات شمال و جنوب طی دو سال گذشته بسیار سازنده بوده است، در ماهها و سالهای آتی

مسائل جدید پدیدار خواهد شد. اجلاسیه های گروه ۷۷ در سطح وزراء منطقه که منجر به تشکیل

جلسه وزراء در آروشای تانزانیا گردید، در اسفند ماه سکوی جدید برای گروه ۷۷ به وجود خواهد

آورد تا اعلامیه ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) «مانیل» به اجراء گذاشته شود. کمیته کارشناسی سازمان ملل نیز برای

دهه های آتی درصدد فراهم آوردن یک استراتژی جدید و عمرانی بین المللی خواهد بود. اونکتاد ۵،

کمیته Whole(۲) و اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل(۳) سال ۱۹۸۰ (که یک استراتژی جدیدعمرانی را اتخاذ خواهد کرد) اعلام خواهند نمود که این مذاکرات در چه سازمانهائی ادامه پیدا می کند.

ما مایل به مشارکت سازنده در این مجامع هستیم تا برنامه کار واقعگرایانه آتی را فراهم آوریم.

در چند سال آینده آمریکا نگران تأثیر روند مدرن سازی بر ثبات سیاسی کشورهای در حال

توسعه و کارایی نهادهای موجود در انطباق پذیری با مشکلات و فشارهای جدید است. این مسائل را

نمی توان با کشورها به صورت منفرد در میان گذاشت چون به روندهای داخلی اجتماعی، سیاسی و

فرهنگی هر یک از آنها مربوط هستند. رویدادهای چند ساله اخیر معدودی از کشورها از قبیل هند،

۱- ECDC

۲- COW.

۳- UNGA.

پاکستان، ایران، نیجریه و مکزیک نشان می دهد که ارزیابی آن دسته از سفارتهای آمریکایی که در این کشورها مستقر می باشند، تا چه حد در طرح ریزیها و فرمول بندی سیاسی آمریکا حائز اهمیت است.

ب) حقوق بشر: (به ضمیمه ۲ و ضمیمه ۵ قسمت ارتباط کمکها با حقوق بشر مراجعه شود).

۱ کلی: ما متعهد به تلاش و پیگیری برای پیشبرد هر سه بخش حقوق بشر که توسط وزیر خارجه ونس در آوریل ۱۹۷۷ (فروردین ۱۳۵۶) توصیف و تشریح شده است، می باشیم. حقوق شخصی با حقوق اقتصادی (حق برخورداری از غذا، مسکن، بهداشت و تحصیلات) و حقوق سیاسی از جمله مسائل تشریح شده می باشند. مسائل مربوط به حقوق بشر جزء لاینفک روابط ما، از تبادل خصوصی دیپلماتیک گرفته تا برنامه های کمک مالی و روابط نظامی با دیگر دولتها شده است تجاربی که تا کنون به دست آمده نشانگر آن است که می توان بین مسئله بهبود وضع حقوق بشر و دیگر منافع آمریکا نوعی توازن ایجاد نمود و نفوذ ما نیز عامل مهمی در بهبود بخشیدن به وضع حقوق بشر باشد. پیشرفتهای مهمی در زمینه حقوق شخصی حاصل شده است. شمار زندانیان سیاسی آزاد شده به هزاران نفر می رسد که دربرگیرنده چند کشور از جمله تانزانیا، هائیتی، شیلی، بولیوی، کره جنوبی، فیلیپین، تایلند، ایران، پاکستان، بنگلادش، گینه، مراکش و نپال می باشد. شکنجه زندانیان سیاسی کاهش یافته و در بعضی موارد محاکمه آنها نیز علنی برگزار شده است. سعی داریم برای بالا بردن سطح حقوق اقتصادی اشخاص در برنامه های کمکی دو جانبه و نقش خود در بانکهای عمرانی چند جانبه بر نیازهای اساسی بشر تأکید داشته باشیم. همانطور که انتظار داشتیم، پیشرفت حاصله در رابطه با بهبود وضع حقوق سیاسی با کندی بسیار صورت می گیرد ولی در بعضی موارد به خصوص در رابطه با آزادی بیان و گسترش مشارکت سیاسی نقطه آغاز، بسیار امیدوارکننده بوده است. دیگر ملل موجود به خصوص در اروپای غربی با استقلال نسبی به همکاری در بعضی از جنبه های این سیاست

پرداخته اند تا با اقدامات خود موجبات بهبود وضع حقوق بشر را در جهان فراهم آورند.

قانون و سیاست ما بسیار واضح بوده و در مورد حقوق انسانی و حقوق اقتصادی کاربردی ساده دارد. ارتقاء حقوق سیاسی نیز برای ما از اهمیت کمتری برخوردار نیست، ولی باید ابتدا به حساسیت سیاستها و فرهنگهایی که با سیاست و فرهنگ ما (و یکدیگر) تفاوت دارند، پی برد.

اجرای این سیاست پیچیده و جاه طلبانه بسیار دشوار است. واحدها می دانند که در روابط دوجانبه ما با بعضی از کشورها این مسئله چه مشکلات و موانعی را پدید آورده است. مسائل دیگر با نحوه پاسخگویی و پیگیری موقعیت نسبی سیاست موجودمان مرتبط است. طی دو سال آتی باید مسائل و موضوعات ذیل را دقیقا زیرنظر داشته باشیم:

نحوه ایجاد توازن بین اهدافمان در زمینه حقوق بشر با نیازمان به حفظ همکاری با دولتهای میزبان به خصوص در زمینه مسائل مهمی از بیل منافع امنیتی و اقتصادی ما.

در رابطه با کشورهایی که در هنگام مواجهه با فشارهای مخالفین داخلی به سرکوب متوسل می شوند و یا در رابطه با کشورهایی که امکان ناآرامیهای سیاسی مضر به حال منافع آمریکا وجود دارد، چگونه می توان به پیگیری اهدافمان در زمینه حقوق بشر پرداخت.

چگونه می توان میان اهداف مختلفمان در زمینه حقوق بشر از قبیل بهبود حقوق اقتصادی فقرا در مقابل کاربرد فشارهای اقتصادی به منظور بهبود حقوق سیاسی یا فردی تعادل برقرار ساخت.

در بانکهای چند جانبه عمرانی(۱) چگونه باید به پیگیری اهداف خویش در زمینه حقوق بشربپردازیم، بی آنکه تمامیت اینگونه نهادها به مخاطره افتد. و در چه زمانی می توانیم با برنامه های

بانکهای چندجانبه عمرانی که در خدمت تأمین نیازهای اساسی انسان قرار دارند، مخالفت خویش را

نشان دهیم؟

آیا از برنامه های کمکی که هدف اولیه آن عمران اقتصادی است می توان در پیدایش روند

تصمیم گیری محلی استفاده کرد (یعنی می توان از گروههای شهروندی در اجرای این برنامه ها استفاده

کرد).

چگونه می توان وضع حقوق بشر را در کشورهایی که یا در آنها اهرم نیرومندی نداریم و یا اخبار

مورد نیاز در مورد حقوق بشر در آن کشورها به ما نمی رسد، بهبود بخشیم و در انتقاد علنی از این

کشورها در زمینه حقوق بشر تا چه حدی می توانیم فعال باشیم حال آنکه می دانیم این عمل ما، حداقل

در کوتاه مدت نمی تواند تأثیر عملی داشته باشد.

چگونه می توان از مکانیزم حقوق بشر سازمانهای چند جانبه در تحقق حقوق بشر استفاده کرد و

چگونه می توانیم مکانیزم کنونی حقوق بشر را در برخورد با مسائل موجود در زمینه حقوق بشر از

کارآیی بیشتری برخوردار سازیم.

در صورتی که حقوق بشر در کشوری بهبود بسیار یافته ولی وضع کلی رضایتبخش نباشد، چه

عکس العملی باید نشان داده شود. این موضوع به خصوص در رابطه با نقاطی که در آنها وضع حقوق

فردی بهبود یافته (بعضی زندانیان سیاسی آزاد شده اند) ولی در رابطه با تضمینهای اساسی و یا تغییرات

سیاسی بهبودی حاصل نشده، مصداق دارد.

در حال حاضر ما مشغول ارزیابی کاربرد اعمال محدودیتهایی بر تاجرت و اعتبار به عنوان

وسیله ای برای پیشبرد تعدادی از اهداف سیاست خارجی آمریکا و نیز حقوق بشر هستیم.

کنگره نیز به حقوق بشر توجه بسیار نشان می دهد، با وجود اینکه قانونگذاری عمومی مورد توجه بیشتر قرار گرفته ولی تمام قوانین بازدارنده ای که تا به حال برای بهبود حقوق بشر وضع شده، به قوت خود باقی است و ما انتظار داریم که این وضع ادامه یابد.

۲ آوارگان یا پناهندگان: طی چهار سال گذشته بیش از ۴۰۰۰۰۰ آواره از هند و چین به کشورهای غیرکمونیست گریخته اند. در ماههای اخیر این رقم افزایش عمده ای داشته است و کشورهایی که پناهگاههای امنی برای آنها به حساب می آیند، قادر نیستند این پناهندگان را جذب نمایند و حال آنکه علت این فرار همان نارضایتی های سیاسی و اقتصادی در ویتنام، ظلم و جنگ در کامبوج، و تبعیض و خصومت شدید علیه قبایل موجود در لائوس می باشد. آمریکا تا به حال ۱۸۰۰۰۰ نفر از آنان را پذیرفته و امیدوار است ۴۵۰۰۰ نفر دیگر را نیز تا تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۷۹ به داخل مرزهای خود راه دهد قوانین جدید آمریکا و مهمتر از همه تلاشهای جدید بین المللی باید صورت گیرد تا بتوان با مشکل یک میلیون پناهنده ای که ممکن است در سه سال آینده بخواهند از هند و چین بگریزند، دست و پنجه نرم کرد.

ج) کنترل تسلیحاتی

۱- MBDS.

۱ سالت ۲ (مذاکرات محدودیت سلاحهای استراتژیک): ما امیدواریم که در آینده نزدیک بتوانیم

قرارداد سالت ۲ را منعقد سازیم. برخلاف سالت ۱، قرارداد جدید بر سیستم سلاحهای استراتژیک

هسته ای آمریکا و شوروی از نظر کمی و کیفی محدودیتهایی قائل خواهد شد و آمریکا و شوروی با

پیگیری و آغاز مذاکرات (سالت ۳) متعهد خواهند شد که اقداماتی را در جهت محدودسازی و کاهش

سلاحهای استراتژیک اتخاذ نمایند.

(به بخش ۵ ذیل در مورد مسئله مربوط به سیستمهای نقاط خاکستری مراجعه کنید.)

توافق شده است که مجموع محموله های سیستمهای استراتژیک در پایان عقد قرارداد از ۲۴۰۰

سیستم به ۲۲۵۰ سیستم کاهش یابد و تعداد موشکهای چند کلاهکه(۱) به ۱۳۲۰ تقلیل خواهد یافت که

در نتیجه، قبل از کاستن مورد لزوم از تعداد موشکهای ضد موشکهای کلاهک دار(۲) می توان تعداد ۱۲۰فروند از هواپیماهای حامل موشکهای کروز کاست و شماره مجاز موشکهای قاره پیمای دارای چند

کلاهک(۳) نیز تا سقف ۸۲۰ تعیین شده است.

طرفین همچنین توافق کرده اند که تعداد موشکهای قاره پیمای دارای کلاهک و فاقد کلاهکهای

هسته ای خود را نیز تا سال ۱۹۸۵ کاهش دهند، ولی هنوز مسئله مربوط به تعداد کلاهکهای جنگی

موشکهای قاره پیما(۴) و موشکهای قاره پیما و قابل پرتاب از زیر دریایی(۵) حل نشده است. نظارت برروند کاهش نیز از طریق تدابیر فنی ملی هر یک از طرفین از جمله توان شناسائی ماهواره ای و نیز

تبادل اطلاعات مورد نظر اعمال خواهد شد و حال آنکه شوروی در گذشته سرسختانه از این کار طفره

می رفته است.

تنها چند مسئله متناقض و نسبتا جزئی هست که باید حل شود. مهمترین مسائل لاینحل به

موشکهای کروز و بمب افکنهای بک فایر شوروی مربوط است. روسها اعلام کرده اند که به آمریکا

تضمین خواهند داد که تولید بمب افکنهای بک فایر را متوقف خواهند کرد و توان آنها در ضربه زدن به

آمریکا را نیز محدود خواهند نمود، ولی ما هنوز در مورد بعضی از جنبهای این تضمینها توافق نکرده و نمی دانیم که در انظار عموم و در برابر کنگره با آنها چه نوع برخوردی باید داشته باشیم.

۲ قرارداد منع آزمایش تسلیحاتی(۶) : میان انگلستان و شوروی یک قرارداد منع آزمایشات تسلیحاتی به مذاکره درآمده است. مدت مذاکرات را سه سال تعیین کرده ایم تا در این مدت کنفرانس به بررسی مسئله جایگزین ساختن پیمان بپردازند. هنوز معلوم نیست که مسائل مربوط به نحوه تائید و نظارت چگونه حل خواهد شد. در هر حال روند مزبور به دنبال مذاکرات سالت ۲ پیگیری خواهد شد.

۳ کاهش دو جانبه و متعادل نیروها(۷): در آوریل گذشته غرب با جرح و تعدیل موضع خود به

۱- MIRV.

۲- MIRVEDM.

۳- MIRVEDMICBM.

۴- ICBM.

۵- SLBM.

۶- CTB.

۷- MBFR.

شوروی اجازه داد که به جای یک لشکر تانک، یکی از پنج لشکر خود را عقب بکشاند و در همین رابطه و در مرحله اول قول داد، که با همکاری کشورهای اروپای غربی در مرحله دوم کاهش نیرو نیز همکاری نماید. در ماه ژوئن، شرق به گونه ای پاسخ داد که گویا با کل موضع اروپای غربی موافقت کرده است. لیکن از غرب خواست اعتراف کند که در نقاطی که قرار است کاهش صورت پذیرد، تفاوت نیروی جنگی انسانی بسیار زیادی وجود دارد. از آنجا که غرب معتقد است که نیروی جنگی انسانی شرق ۱۵۰۰۰۰ نفر بیش از رقم مورد ادعای آن است، اختلافاتی به وجود آمده است امیدواریم که در ماههای آتی بتوانیم شرق را در مورد این ارقام متقاعد سازیم تا توافقهایی که تا به حال به وجود آمده، به خطر نیفتند. در همین حال ما در درون ناتو در نظر داریم که به اقدامات ایجاد کننده ثبات پرداخته و نیز معتقدیم که باید در این خصوص با شرق وارد مذاکره شویم.

۴ سیستمها و فعالیتهای ضد ماهواره ای(۱) : هیئتهای نمایندگی آمریکا و شوروی در ژوئن ۱۹۷۸در هلسینکی مذاکرات مقدماتی خود را پیرامون محدودسازی فعالیتهای ضد ماهواره ای آغاز کردند.

این مذاکرات بسیار مفید بود چون امکان پیدایش قرارداد و توافق را در این زمینه پدید می آورد هیئتها موافقت کردند که بار دیگر جهت تداوم مذاکرات در اوایل سال ۱۹۷۹ ملاقات نمایند.

۵ سیستمهای نقاط خاکستری(۲) : سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به بررسی مدرن سازیبرنامه هفته ای خود و نیز امکان کنترل تسلیحاتی پرداخته است تا بتواند با شرایط مربوط به افزایش

جنگ افزار هسته ای برخوردی معقول داشته با شد.

این سازمان ممکن است در سالهای آتی به این نتیجه برسد که افزایش تسلیحاتی هسته ای تا

حدودی ضروری است، که خود نوعی عکس العمل در پاسخ به موشک بالستیک میان برد(۳) اس اس ۲۰ می باشد، با وجود علاقه آلمان غربی به کنترل تسلیحات دور برد و نیز فشارهای شوروی به

منظور محدودسازی ساختن موشکهای کروز آمریکا، می توان گفت که هدف سالت ۳ احتمالاً

محدودسازی بعضی از سیستمهای جنگی آمریکا و شوروی خواهد بود در چند سال آینده مدرن سازی هسته ای و سیستم نقاط خاکستری توجه بسیاری را به خود معطوف خواهد ساخت.

۶ سلاحهای شیمیایی و جنگ افزارهای رادیولوژیکی: در هر دو مورد مذاکرات دو جانبه با شوروی ادامه دارد. احتمالاً قراردادی مبنی بر منع تولید و کاربرد سلاحهای رادیولوژیک نیز منعقد خواهد شد. پیشرفت در جهت منع کامل تولید و کاربرد سلاحهای شیمیائی چندان چشمگیر نبوده است. اختلافات بسیار مهمی در مورد مسائلی از قبیل اقدامات توأم با تنوع و تغییر طرفین را از یکدیگر جدا ساخته است.

۷ محدودسازی تسلیحات در اقیانوس هند: از ژوئن ۱۹۷۷ با شوروی مذاکراتی را آغاز کرده ایم تا شاید بتواند به تثبیت و یا کاهش تسلیحات نظامی آمریکا و شوروی در اقیانوس هند منجر گردد. این قرارداد به هیچ وجه محدود کننده نیروهای کشورهای هم پیمان ما یا هم مرز با با اقیانوس هند نیست و نخواهد بود. این گفتگو از فوریه ۱۹۷۸ به تأخیر افتاده و ما برآنیم تا موجبات آغاز مذاکرات

۱- ASAT.
۲- IRBM.
۳- IRBM

را فراهم آوریم لیکن تصمیمی در این زمینه اتخاذ نشده است.

۸ سیاست انتقال تسلیحات قراردادی: در این زمینه سیاست آمریکا از سه بخش تشکیل شده

است: (۱) کنترل کیفیت سیستمهای پیشرفته، (۲) محدودیت کمی فروش این تسلیحات به بعضی از

کشورها و (۳) محدودسازی فعالیتهایی که جهت بالا بردن میزان فروش صورت می گیرد. تمام عناصر

موجود در این سیاست به اجرا درآمد و حتی در سال مالی ۱۹۷۸، هشت مورد کاهش نیز پدید آمده

است.

مسئله مربوط به همین کاهش در سال مالی ۱۹۷۹ تحت بررسی است در سال ۱۹۸۰ از واحدها

خواسته خواهد شد که در رابطه با انتقال این گونه تسلیحات همان وظایف قبلی را انجام دهند.

۹ مذاکرات خودداری از انتقال تسلیحات قراردادی(۱) : نیل به هدف محدودسازی جهانی انتقالاینگونه تسلیحات، بستگی به همکاری عرضه کنندگان این اقلام از غرب گرفته تا شوروی و خریداران

آنها دارد. در این رابطه نیز با شوروی وارد مذاکره شده ایم، تا پس از همکاری دو جانبه، دیگر عرضه

کنندگان و نیز خریداران را به همکاری وادار سازیم. روسها نسبت به این مسئله علاقه نشان داده اند،

لیکن قراردادی منعقد نشده است. بسیاری از کشورها را نیز در این زمینه توجیه کرده ایم تا از نقطه

نظرات و همچنین پشتیبانی آنها برخوردار شویم. بسیاری از عرضه کنندگان تسلیحات اروپایی در این

باره می گویند که عمل آنها بستگی به عکس العمل شوروی دارد. علاوه بر این ما به حمایت خریداران

تسلیحات نیز نیازمندیم. ترغیب ابتکارات منطقه ای دریافت کنندگان مانند آنچه در آمریکای لاتین

می گذرد، هدف مهمی در این مذاکرات به حساب می آید.

اگر قرار باشد که در سال مالی ۱۹۸۱ مذاکرات ما با شوروی ادامه یابد و بتوانیم دیگر

عرضه کنندگان و خریداران را نیز وارد فعالیتها کنیم، عملیات واحدها افزایش خواهد یافت، چون

بعضی از دولتهای میزبان می توانند در ترغیب ابتکارات منطقه ای از سوی دریافت کنندگان و یا عرضه کنندگان تسلیحات نقش به سزایی داشته باشند.

د) عدم تکثیر تسلیحات هسته ای (به ضمیمه شماره ۱ مراجعه شود.)

طی **۲۲** ماه گذشته تلاشهای ما در چند جبهه متمرکز بوده است.

۱ لایحه عدم تکثیر تسلیحات هسته ای: این لایحه که در ماه مارس وضع گردیده، مقرر می دارد که کشورهایی که فاقد سلاحهای هسته ای بوده لیکن مصالح و تجهیزات هسته ای آمریکایی را دریافت می دارند باید فعالیتهای صلح آمیز هسته ای خود را تا مارس ۱۹۸۰ در چهارچوب حراستهای بین المللی درآورند، تا بتوانند باز هم صادرات هسته ای آمریکایی و تجدید قراردادی مربوطه را نیز به وجود آورده است.

این گونه تجدید قراردادها می تواند بر روابط سیاسی حساس تأثیر بگذارد. ما با جامعه اروپا نیز در زمینه ارائه خدمات هسته ای به توافقهایی دست یافته ایم. ما هنوز هم سوخت مورد نیاز راکتور اتمی هند در تاراپور را تأمین کرده و قرار است پیرامون محدودیتهای یک قرارداد جدید نیز با دولت هند وارد مذاکره شویم.

۱- CAT.

۲ برنامه ارزیابی بین المللی سیکل سوخت هسته ای(۱) : این برنـامه بنا به ابتکار ما ایجاد گردیـد و۵۳ کشور به مـدت دو سال مشغول انجام مطالعاتی در زمینه سیکل سوخت می باشند که امیدواریم تا

پایان سال ۱۹۷۹ اتفاق آرایی را در مورد عدم تکثیر هسته ای مورد نظر ما پدید آورد.

۳ خودداری عرضه کننـدگان: تلاشـهای خود را در رابطه بـا گروه عرضه کننـدگان هسـته ای(۲) گسـترش داده ایم تـا از یک سیاست مشترک در زمینه تکنولوژی «نقاط خاکستری» استفاده شود، که این

تکنولوژی منحصرا برای برنامه های هسته ای به کار نمی رود، ولی با تغییراتی می توان از آن برای نقاط

حساس هسته ای (همچون غنی سازی و تجدید کاربرد) استفاده نمود.

۴ پیمان عدم تکثیر(۳) و نقاط آزاد از تسـلیحات اتمی: ما شدیدا خواستار رعایت همه جانبه پیمانعدم تکثیر تسلیحات هسته ای بوده ایم تا از گسترش تکنولوژی تسلیحات هسته ای جلوگیری کرده و

توسعه صلح آمیز انرژی هسته ای را سبب شده باشیم. همچنین براساس شرایط مناسب از ایجاد مناطق

عاری از تسلیحات هسته ای حمایت کرده ایم.

۵ سیاست داخلی: آمریکا برای نشان دادن سیاست بین المللی خود، در داخل نیز مانع به

کارگیری مجدد سوختهای هسته ای در زمینه تجاری شده است.

۶ رویدادهای نقاط دیگر: ما آن دسته از کشورهای دیگر را که مشغول فعالیتهایی در زمینه اتمی

بوده اند و اقدامات آنها می تواند بر اهدافمان در رابطه با عدم تکثیر هسته ای تأثیر بگذارد، زیر نظر

داشته ایم. ممانعت از فروش یک نیروگاه «تجدید کاربرد» توسط فرانسه به پاکستان نیز براساس

سیاست عدم تکثیر صورت گرفت. قرارداد فروش تکنولوژی هسته ای آلمان غربی به برزیل نیز حاوی

بندهائی است که براساس آن تکنولوژی تجدید کاربرد نیز باید به آن کشور فروخته شود که با

اعتراض ما روبه رو شده است. موضوع تجدید کاربرد بر رابطه هسته ای بین ما و ژاپن نیز تأثیر مستقیم

دارد. توافق ژاپن با تأخیری دو ساله جهت تصمیم گیری پیرامون استفاده تجاری از اپلوتونیوم در

راکتورهایی که از آب سبک استفاده می کنند و نیز در رابطه با کارخانه های سنتی تولید مجدد(از فضولات) با مشورت صمیمانه آمریکا حاصل گردید. (به ضمیمه شماره ۱ مراجعه شود.)

آنچه که باید از این پس انجام شود:

سعی خواهیم کرد رعایت گسترده پیمان عدم تکثیر را سبب شویم. ما و چند کشور هم پیمان، چند کشور دیگر را وارد مذاکرات پیمان عدم تکثیر کرده ایم. چند کشور مختلف مهم از جمله اندونزی، ترکیه، نیجر، و سری لانکا نیز نسبت به این پیمان اظهار علاقه کرده اند. در سال ۱۹۸۰ کنفرانسی برای بررسی پیمان عدم تکثیر تشکیل خواهد شد. استراتژی کنفرانس نیز طی سال آینده فرمول بندی خواهد شد.

ما همچنان به حمایت خود از اجرای برنامه دور نگهداشتن آمریکای لاتین از تسلیحات هسته ای ادامه خواهیم داد و انتظار می رود که آرژانتین نیز آنرا تصویب نماید. کوبا در آمریکای لاتین تنها کشوری خواهد بود که این قرارداد را تصویب نخواهد کرد. (شرایط قرارداد مانع از اقدام «گویانا» در

۱- INFCE.

۲- NSG.

۳- NPT.

جهت تصویب آن است ولی دبیر کل این پیمان در نظر دارد با ارائه یک فرمول خاص موجبات پذیرش آن را فراهم آورد.) امکان تصویب قرارداد توسط کوبا بسیار ضعیف است.

طی دو سال آینده قراردادهای مربوط به همکاریهای هسته ای را براساس لایحه عدم تکثیر هسته ای سال ۱۹۷۸ منعقد خواهیم ساخت. این مذاکرات نیز همکاری واحدهای مستقر در خارج را ایجاب می نماید.

در بخش ارزیابی بین المللی سیکل سوخت هسته ای نیز تلاش خواهیم کرد که راههایی برای مدیریت بر سیکل سوخت هسته ای مشخص شود. اجلاس این بخش نیز در فوریه ۱۹۸۰ برگزار می گردد. از طریق این بخش سعی خواهیم کرد به منابع سوخت و ذخیره گاههای سوخت مصرف شده دست یابیم تا گسترش صنعت تجدید کار برد سوخت و غنی سازی محدود شود، ولی کشورهای عمده هسته ای در برابر تغییرات الزامی در برنامه های سرمایه گذاری خود مقاومت خواهند کرد و حتی اگر سیکلهای سوختی درگیر نیز کشف گردد.

ما در NSG و به طور دو جانبه با کشورهای عرضه کننده همکاری خواهیم کرد تا سیاست صادرات هسته ای هماهنگ گردد.

ه) جنبش عدم تعهد(۱)

در چند سال گذشته این جنبش به خاطر سیاستکوبا در آفریقا، میزان رویارویی مورد نظر با غرب و چند موضع دیگر از جمله شرایط عضویت، دستخوش اختلافات داخلی گشته است. این اختلافات در سال ۱۹۷۸ بیشتر بروز کرده و یوگسلاوی، مصر، هند و دیگر اعضای «میانه رو» جنبش را در برابر اعضاء تندرو جنبش قرار داده است. اجلاس سران جنبش عدم تعهد در هاوانا که در سپتامبر ۱۹۷۹ برگزار خواهد شد، تأثیر نفوذ کوبا را بر این جنبش و نیز بر وحدت آن و روابط آمریکا با بسیاری از

اعضاء آن طی چند سال آینده به منصه آزمایش خواهد گذارد. بروز اختلاف یا تشدید رویارویی بر سر مسائل اقتصادی مطرحه در اونکتاد ۵ و نیز مسائل سیاسی اجلاس سران جنبش غیر متعددها، تأسف بار خواهد بود. ما در حال بررسی نحوه برخورد خود با اجلاس سران هستیم تا از بروز این بحرانها جلوگیری به عمل آوریم. بسیاری از کشورهایی که در جنبش عدم تعهد عضویت ندارند نیز با ما در این مورد هم عقیده هستند و بسیاری از واحدها را نیز در جریان امر قرار خواهیم داد، تا فعالانه در نیل به اهداف، نقش خود را ایفا نمایند.

و) اصلاحات سازمان ملل (به ضمیمه شماره ۶ تحت عنوان «سازمان ملل» مراجعه شود)

گزارش مارس ۱۹۷۹ رئیس جمهور به کنگره در مورد اصلاحات سازمان ملل مبنای تلاش منظم و مداوم آمریکا در جهت بهبود توانایی سازمان ملل برای تأمین نیازهای روز افزون جهانی است.

آمریکا بخصوص به موارد ذیل توجه دارد.

بهبود روشهای سازمان ملل جهت حل مسالمت آمیز منازعات، کاربرد مؤثرتر سیستمها و نهادهای دیپلماتیک سازمان ملل و بالا بردن توان آن در جهت استقرار و حفظ صلح.

هماهنگ سازی بیشتر برنامه های کمک فنی آژانسهای مختلف سازمان ملل، و نیز گسترش تلاشهای استوار بر ارزیابی، نظارت و کنترل کیفیت.

۱- NAM.

بررسی پیشنهاداتی که در رابطه با ایجاد منابع درآمد مستقل برای این سازمان بین المللی ارائه می شود.

کاهش آن دسته از مسائل مربوط به سیستم سازمان ملل که به طور روز افزون از طرف کنگره و مردم مورد انتقاد و بررسی قرار دارد که مسائل عبارتند از افزایش بودجه، تمایل روز افزون آژانسهای مختلف آن به شامل ساختن کمکهای فنی در بودجه ارزیابی شده خود، و سیاسی شدن بعضی از این آژانسهای فنی.

ز) کنترل تروریسم

سیاست آمریکا در مبارزه با تروریسم بر اصول زیر استوار است:

حراست از منافع آمریکا و شهروندان آن در تمام نقاط جهان در برابر تروریسم.

حراست از اتباع بیگانه و مایملک آنها در حیطه قانونی آمریکا.

هماهنگ سازی کامل تلاشهای ضد تروریستی ما با کشورهای دوست

تعداد حملات تروریستی به طور کل و تعداد این حملات علیه منافع آمریکا بالاخص در سالهای ۱۹۷۷ ۷۸ ظاهرا کاهش یافته است. تقویت اقدامات امنیتی نمایندگیهای آمریکا در خارج و توجه شرکتهای آمریکایی به اقدامات ضد تروریستی، از جمله عوامل کاهش دهنده این فعالیتها به شمار می آیند.

اعلامیه ضد هواپیماربایی اجلاس بن که خواستار لغو خدمات هوایی غیر نظامی به کشورهایی می شود که از استرداد و یا به کیفر رسانیدن هواپیما ربا و یا بازگرداندن هواپیماهای ربوده شده خودداری می کنند، اساس فعالیتهای دیپلماتیک ما بوده است.

ما درصدد جلب حمایت بیشتر از این اعلامیه و دیگر اقدامات مشابه از قبیل کنوانسیون توکیو،

لاهه، و مونترال که امنیت هواپیمائی بین المللی را افزایش می دهند، هستیم. ما از کنوانسیون ضد گروگانگیری آلمان غربی شدیدا حمایت خواهیم نمود. علاوه بر این در مورد کشورهایی که به عنوان حامیان تروریسم بین المللی مشهور شده اند به تلاش گسترده ای دست خواهیم زد تا حمایت لجستیکی و مالی تروریستها از طریق این منابع کاهش یابد.

ح) کنترل مواد مخدر

در این زمینه نیز سیاست ما بر آن است تا از طریق سفارتخانه های خود و دیگر سازمانهای بین المللی توان حکومتهای دیگر را در از بین بردن منابع تولید نامشروع مواد مخدر و قاچاق یاری داده و مانع از صدور این مواد به آمریکا گردیم.

تلاشهای دو جانبه مهمی در رابطه با کشورهای تولید کننده مواد مخدر در آسیای شرقی، آمریکا و خاورمیانه صورت گرفته که امیدواریم حمایت این حکومتها را در رابطه با این اقدامات جلب کرده و آموزش، تجهیزات و حمایت کافی را به منظور کنترل قاچاق مواد مخدر در اختیار آنها قرار دهیم.

در سطح بین المللی، ما به صندوق کنترل مواد مخدر سازمان ملل(۱) کمکهای مالی کرده و دراجلاسیه های چند جانبه شرکت جسته ایم تا فعالیتهای حکومتی را در زمینه کنترل مواد مخدر

هماهنگ نمائیم کمکهای ویژه سوئد، نروژ، دانمارک، و هلند سبب کاهش میزان کمکهای آمریکا به

۱- UNFDAC.

بودجه صندوق مذکور شده ولی باید بیشتر تلاش کرد تا دیگر ملل پیشرفته نیز از این اقدامات حمایت نمایند. با انجام بررسیهایی در نظر داریم نظر کشورهای آسیای جنوب شرقی و گروه کلمبو را نیز نسبت به این موضوع جلب نمائیم.

همکاری بین دولت آمریکا و دولتهای مکزیک، برمه، تایلند، و کلمبیا در ممانعت از قاچاق و جریان غیر نظامی مواد مخدر به آمریکا بسیار موفقیت آمیز بوده است ولی اقدامات بسیاری وجود دارد که باید انجام شود.

مکزیک یکی از مهمترین منابع هروئین وارده به آمریکا خواهد بود، ولی موفقیت برنامه ریشه کن سازی خشخاش در مکزیک از اهمیت آن به عنوان عرضه کننده این ماده مخدر خواهد کاست.

هروئین آسیای جنوب شرقی که در مثلث طلائی تولید می گردد، به صورت مهمترین منبع هروئین صادره به آمریکا درآمده است و علاوه بر این مهمترین منبع این ماده مخدر برای کشورهای اروپای غربی می باشد.

کاکائو از بولیوی و پرو به کلمبیا برده شده و در آنجا پس از تبدیل به هزاران کیلو کوکائین به سوی آمریکا سرازیر می گردد. اقداماتی که در جهت کنترل کوکائین به عمل آورده ایم مستقیما با همین کشورها در رابطه می باشد.

علاوه بر این باید در مورد کشورها و نقاطی که مواد مخدر از آنها عبور می کند (یعنی مالزیا، هنگ کنگ، سنگاپور، اکوادر، کلمبیا، اندونزی و کشورهای حوزه کارائیب به خصوص باهاما) و از آنجا به آمریکا می رسد نیز اقداماتی معمول داریم.

باید ورود ماری جوانا از ساموآی شرقی به ایالات متحده آمریکا را نیز تحت کنترل درآوریم، چون جزایر این منطقه علاوه بر به جیب زدن منافع سرشار، از سندیکاهای قاچاق مواد مخدر و جنائی

در داخل و خارج از آمریکا حمایت می کنند.

مشکلاتی که در کوتاه مدت وخامت بیشتری خواهند یافت عبارتند از: (۱) عرضه مازاد بر احتیاج مواد مخدر مشروع در سطح جهان (۲) امکان ورود جریان عظیم هروئین تولیدی در افغانستان و پاکستان به اروپا و آمریکا.

ط) محیط زیست

مشکلات مربوط به محیط زیست در سطح جهان و منطقه بر رفاه تمام کشورها تأثیر می بخشد. مشکلات موجود و یا رو به پیدایش عبارتند از: افزایش آلودگی هوا و آب، گسترش مواد سمی، و کاهش میزان زمینهای زراعی و سیستمهای خاکی و آبی که برای حفظ روند پیشرفت و عمران ضروری هستند. در کنفرانسها و اجلاسیه های بین المللی اخیر به این موارد توجه بسیار شده است. دولت در حال اتمام بررسیهای خود در زمینه منابع محیطی و مشکلات مربوط به جمعیت است که باید به صورت محرکهایی برای اقدامات جدید درآید.

طی دو سال آینده به حمایت از تلاشهای برنامه محیط زیست سازمان ملل خواهیم پرداخت تا یک شبکه بین المللی نظارت بر محیط زیست به وجود آید و کشورهای در حال توسعه را یاری خواهیم داد تا بتوانند همگام با عمران اقتصادی وضع محیط زیست خود را نیز به نحو بهتری اداره کنند.

گذشته از این، ما از تلاشهای UNFPA و سازمان بهداشت جهانی در نحوه برخورد با مشکل مواد مسموم کننده و بخصوص خطراتی که در رابطه با بهداشت دارد، حمایت می کنیم. در میان کشورهای پیشرفته نیز ما با کمیته جامعه مدرن ناتو، کمیته محیط زیست کشورهای سازمان عمران و توسعه اقتصادی، و کمیسیون اقتصادی برنامه محیط زیست اروپا روابط مستحکم تری برقرار خواهیم ساخت. کمک به کشورهای در حال توسعه در رابطه با مدیریت بهتر زمین، از جمله مسائل مرتبط با ممانعت از گسترش کویر، ممانعت از جنگل زدائی و فرسایش خاک، از طریق برنامه های کمکی، عمرانی مورد تأکید بیشتری قرار خواهد گرفت. طی دهه های آتی تأثیر نوسانات جوی را نیز مورد مطالعه بیشتر قرار خواهیم داد.

ی) قانون دریاها(۱) (به ضمیمه شماره ۴ قسمت «قانون دریاها» مراجعه شود)

از زمانی که مذاکرات مربوط به بعضی مسائل حائز اهمیت برای آمریکا در قانون دریاها آغاز شد، که یکی از آنها حفظ و حراست از حقوق دریاپیمایی سنتی در برابر گسترش حیطه دولتهای ساحلی و تسلط آنها بر منابع بود، پیشرفتهای بیشتری در این رابطه به وجود آمده است. علاوه بر این، حق عبور بلامانع از تنگه ها نیز تاکنون از قانون مرزی ۱۲ میل دریائی متأثر نشده است. نتایج پافشاریهای آمریکا توافق در مورد حراست از محیط زیست دریایی بوده است و ما موفق شده ایم روش خود را در حل مناقشات و اختلافات به کرسی بنشانیم، ولی در دو بخش ما هنوز به اهداف خود دست پیدا نکرده ایم که عبارتند از: کشف معادن در بسترهای عمیق دریاها و تحقیقات علمی دریائی.

کشورهای پیشرفته و در حال توسعه بر سر (الف) ماهیت یک رژیم بین المللی که بتواند بر فعالیتهای معدنی و دریائی، و (ب) توزیع درآمدهای حاصله از این معادن نظارت داشته باشد، اختلافات شدیدی دارند. آمریکا پیشنهاد کرده است که یک «سیستم همزمان» اکتشاف و بهره برداری

به وجود آید که در نتیجه نیمی از مناطق دارای معادن را برای «کشور مربوطه» و نیمه دیگر را برای شرکتها یا دول پیمانکار باقی می گذارد. در حال حاضر همه این موضوع را به عنوان اساس «مذاکرات» پذیرفته اند.

کشورهای گروه ۷۷ به انتقاد از قانون پیشنهادی آمریکا در مورد بستر دریاها پرداخته و در مورد احتمال فعالیتهای معدنی در خارج از چهارچوب بین المللی به رسمیت شناخته شده اظهار نگرانی کرده اند. آنها این گونه فعالیتها را براساس حقوق بین المللی نامشروع می انگارند. لیکن آمریکا نیز معتقد است که این عمل نشانگر آزادی دریاهاست و تنها یک قرارداد بین المللی می تواند اقدامات آمریکا را در این زمینه محدود نماید.

بنا به پیشنهاد دولت (آمریکا م) این قانون باید (الف) ماهیتا میان دوره ای باشد. یعنی پس از آن پیمانی منعقد گردد، (ب) پس از آنکه پیمانی منعقد گردید، باید مبالغی به یک صندوق ویژه پرداخت گردد تا زمینه مشارکت جامعه بین المللی فراهم آید. (ج) حق حاکمیت را بر بستر ژرف دریاها اعمال ننماید. این قانون به این دلیل پیشنهاد شده تا معدنچیان آمریکا بتوانند تکنولوژی مورد نیاز را پدید آورده و در صورت مقرون به صرفه بودن حتی بدون عقد قرارداد خاصی فعالیتهای معدنی آغاز گردد.

کشورهای در حال توسعه و دیگر کشورهای ساحلی معتقدند که تحقیقات گسترده علمی در شعاع

۱- LOS.

۲۰۰ میلی باید به موجب رضایت توافق آنها آغاز گردد. آمریکا و دیگر کشورهای محقق خواستار کسب آزادی بیشتر در رابطه با تحقیقات خود می باشند، البته مشروط بر انجام تعهداتی از طرف کشور محقق در برابر کشورهای ساحلی. دیگر مسائل لاینحل مهم شامل تعریف و مشخص شدن محدوده دریایی کشورهای ساحلی و اختیارات آنها بر منابع دریایی، دسترسی کشورهای فاقد مرزهای آبی و کشورهای محروم از نظر جغرافیایی به منابع ماهی و علامت گذاری مرزهای دریایی بین کشورهای مجاور و کشورهایی که در برابر یکدیگر واقع شده اند، می باشد.

آمریکا در نظر دارد یک قرارداد قانون دریاها که همه جانبه بوده و شامل فعالیتهای معدنی در بستر دریاها باشد، را پدید آورد. ما طی دو سال آینده به دنبال تحقق این پیمان و اختتام مذاکرات مربوط تا سال ۱۹۸۰ خواهیم بود.

در سال ۱۹۷۹ قرار است دو کنفرانس در مورد قانون دریاها تشکیل گردد که یکی از آنها به تاریخ ۱۹ مارس در ژنو برگزار خواهد شد.

ک) ارتباطات و رسانه های گروهی بین المللی

برای اولین بار در بیست سال گذشته، کنفرانس مدیریت جهانی رادیو(۱) در سپتامبر ۱۹۷۹ و به سرپرستی اتحادیه بین المللی ارتباطات تشکیل جلسه خواهد داد، و به طور کلی به بررسی و تخصیص و توزیع فرکانس به سراسر جهان می پردازد. حدود ۱۰۰۰ هیئت نمایندگی از طرف ۱۴۰ کشور در این اجلاس شرکت خواهند نمود. ما از هم اکنون با ۳۶ کشور در رابطه با کنفرانس سال ۱۹۷۹ مدیریت جهانی رادیو وارد مذاکره شده ایم و طی ماههای آینده نیز این مذاکرات دو جانبه را دنبال خواهیم کرد.

به طور کلی، آمریکا معتقد است که فقط تغییرات محدود نسبی در تخصیص فرکانس ضرورت دارد. و برای ایجاد تغییرات ناشی از ضروریات ارتباطاتی و بهبود توان یا استعدادهای تکنولوژیک، باید

بر انعطاف پذیری بیشتر تأکید شود.

البته ممکن است کشورهای در حال توسعه خواستار ایجاد تغییرات عمده ای در تخصیص فرکانسها

شوند تا بدین ترتیب عدم تعادل ارتباطی بین شمال و جنوب برطرف گردد. ولی معلوم نیست که آیا

مشترکا و با هماهنگی در این زمینه اقدام خواهند کرد یا خیر.

دیگر نگرانیهای کشورهای در حال توسعه در مورد عدم تعادل ارتباطات بین المللی شامل

موضوعات ذیل است:

یک اعلامیه اصولی سازنده در رابطه با رسانه های گروهی اخیرا در کنفرانس عمومی یونسکو(۲) به تصویب رسید. آمریکا و کشورهای اروپای غربی موفق شدند مخالفت خود را با متن بیانیه دال بر

اینکه رسانه های گروهی باید وسیله ای برای تحقق اهداف دولتی باشند، به کرسی بنشانند.

در کنفرانس برون فضائی سازمان ملل، نه تنها کشورهای در حال توسعه و شوروی بلکه بسیا ری

از دموکراسیهای صنعتی نیز معتقدند که کشور خواهان ارتباط مستقیم با ماهواره (تکنولوژی ارتباطاتی

که هنوز به طور کامل وارد مرحله عمل نشده) باید از طرف پخش تلویزیونی بین المللی رضایت نامه

دریافت دارد. آمریکا هنوز هم با این شرط مخالفت می ورزد.

۱- WARC.

۲- UNESCO.

مشکلاتی که کانادا و دیگر کشورهای اروپای غربی با آنها دست به گریبان هستند، عبارتند از: نیاز به حذف اقدامات محدود کننده در رابطه با انتقال بین المللی آمارهای کامپیوتری، آمریکا در این زمینه نقش بسیار فعالانه ای را ایفا خواهد کرد.

ل) فضای برونی

در سیاست و برنامه های فضایی آمریکا عناصر مهمی وجود دارد که به شرح زیر است:

تأکید بر کاربردهایی که موجب بالا بردن دانش ما در رابطه با منابع زمینی، کشاورزی، جوی، هوائی و آلودگی می گردد.

نمایش تواناییهای تکنولوژیک به روشهای آزاد و تخیل پردازانه که به نفع کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت باشد.

ادامه حمایت ما در رابطه با ایجاد یک رژیم مشروع برای فضا تا کاربرد امن و مسالمت آمیز از فضا را ممکن سازد.

استفاده از شاتل فضایی به منظور کاهش هزینه ها

در حال حاضر آمریکا به ایجاد کارخانه های فضائی، ماهواره های خورشیدی، و دیگر پروژه های مهندسی وسیع نخواهد پرداخت. ولی توسعه تکنولوژی این راه را باز خواهد گذاشت.

در آینده:

به دنبال فرصتهایی خواهیم بود تا مشارکت بخش خصوصی در فعالیتهای متعدد فضایی گسترش یابد.

در کمیته برون فضایی سازمان ملل که هدف آن بررسی امکان استفاده از منابع انرژی هسته ای فضا و جنبه های مختلف حقوق فضایی است شرکت مداوم خواهیم کرد. آمریکا آماده مشارکت در

مباحثات مربوط به تعریف و تعیین حدود «برون فضا» است. ولی ادعای بعضی از کشورها را که معتقدند مدار زمینی فضا نیز در حاکمیت کشور مربوط است، از نظر علمی یا حقوقی مستدل نمی دانیم. ما از پیشنهاد مربوط به تشکیل کنفرانس سازمان ملل در چند سال آینده حمایت می نماییم. این کنفرانس توجه خود را به تحقیقات علمی و تکنولوژیک فضایی و منافع حاصل از تکنولوژی فضایی و نیاز به همکاری بین المللی در جهت شناخت منافع حاصله از مطالعات فضائی متمرکز خواهد ساخت.

III تحقیقات مربوط به روندهای منطقه ای:

الف) روابط آمریکا شوروی

مذاکرات ما با شوروی پیرامون مسائل مرتبط با امنیت ملی روابط بین دو کشور را تشکیل می دهد. مذاکرات کنترل تسلیحاتی از نظر پیچیدگی و حدود و ثغور، گسترش خواهد یافت. همان گونه که قبلاً گفته شد، مذاکرات محدودیت سلاحهای استراتژیک به احتمال زیاد سلاحهایی که قبلاً «صرفا» جنبه تاکتیکی داشت را در بر خواهد گرفت، و این نگرانی را برای شوروی پدید خواهد آورد که آن کشور با چهار نیروی اتمی مواجه است، در حالی که آمریکا خود را با یک نیروی اتمی مواجه می داند. انعقاد قرارداد سالت ۲ و تأیید آن در اواسط سال ۱۹۷۹، همراه با توافق اولیه در مورد منع وسیع آزمایشات هسته ای، ممکن است در جو حاکم بر روابط دو کشور بهبودهائی را پدید آورد. پیشرفت در زمینه M-B-F-Rنیز به این روند کمک خواهد کرد. تلاشهای دیگر همچون مذاکرات مربوط به

تسلیحات ضد ماهواره ای با پیشرفتی غیر قابل پیش بینی و برآورد، ادامه پیدا خواهد کرد این مذاکرات باید توأم با صراحت و بی پرده گویی در مورد مسائل نظامی باشد که کشور شوروی نیز به اهمیت این عنصر در مذاکرات پی برده است.

ضرایب و عوامل سیاسی که بر روابط ما تأثیر دارند در این مذاکرات نقش خطیری خواهند داشت.

روسها که از خطر دیرین احتمالی چینی ها نسبت به جناح جنوبی خود نگران بودند، اکنون به واقعیت، پیوستن این خطر عینا شاهد می باشند. به همین دلیل مایل نیستند ضرابخانه ملی خود را محدود سازند مگر آنکه مطمئن شوند که خواهند توانست بدون آنها هم در برابر چین از خودشان دفاع نمایند.

هم پیمانان ما در ناتو میل دارند در این مذاکرات نقش بسیار فعالانه ای داشته باشند چون همین مذاکرات بر تسلیحات مستقر در خاک آنها نیز تأثیر می بخشد. این مذاکرات تا حدود زیادی تحت تأثیر اختلافات سیاسی آمریکا در مورد رویدادهای جهان سوم واقع خواهد شد، ولی بنا به اعتقاد ما مذاکرات اصلی یعنی سالت، باید جدا از این مسائل حل شود ولی همین مسئله نیز تحت تأثیر و نفوذ جو داخلی آمریکا قرار می گیرد.

فعالیتهای شوروی و کوبا در شاخ آفریقا و به طور بالقوه در جنوب آفریقا و نیز در افغانستان و یمن جنوبی سبب بروز نگرانی مردم و کنگره در مورد اهداف احتمالی شوروی شده است. ما خواستار حل مسائل در شاخ و جنوب آفریقا آن هم از طریق مذاکره شده ایم و صریحا اعلام داشته ایم که فعالیتهای شوروی در این منطقه بر روابط ما تأثیر خواهد بخشید. مداخله شوروی در ایران و یا نقش فعال و منفی تر آن در روابط اعراب و اسرائیل نگرانی عموم و کنگره آمریکا را افزایش خواهد داد.

سیاست آمریکا بر این است که که به کشورهای نگران از فعالیتهای شوروی و کوبا قوت قلب داده و روابط اقتصادی و تکنولوژیک آمریکا و غرب را با کشورهای مهم تقویت نماید، و مانع از بروز

فرصتهایی شود که بجای جای حل مسالمت آمیز مسائل، مداخلات شوروی را به دنبال داشته باشد.

جانشینان برژنف نیز به خصومتهای بین شوروی و چین دامن خواهند زد. رقابت با چین سبب فعال شدن بیشتر شوروی در جهان سوم، اعمال فشار بیشتر شوروی بر پیمان ورشو به منظور ایجاد تطابق بیشتر، و تلقین این نظریه می کرد که هرگونه برقراری ارتباط بین آمریکا و چین به معنی گسترش سیاست آمریکا خواهد بود. آسیای جنوب شرقی و بخصوص ویتنام به عنوان مرکز ثقل آن، توجه شوروی را باز هم به خود معطوف خواهد داشت. خصوصا آنکه روسها سعی خواهند کرد تا به روشهایی فعالیت و نفوذ چینینها را در این کشورها کاهش دهند.

روسها هیچ گاه راه حلی را که در مورد خاورمیانه و تنها تحت نظارت آمریکا ارائه شود نخواهند پذیرفت زیرا در غیر این صورت از نفوذ آنها در منطقه بیش از این کاسته خواهد شد. در نتیجه به حمایت خود از ساف(۱) و دیگر اعراب رادیکال مخالف قرارداد کمپ دیوید ادامه داده و با استفاده از فرصت های مغتنم به گسترش روابط خود با کشورهای منطقه خواهند پرداخت ولی اگر تشنج به حدی بالا رود که منجر به تضاد مسلحانه شود آنها به هیچ وجه سودی نخواهند برد.

میزان تجارت بین شوروی و آمریکا پس از نزول شدید در سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۷، در سال ۱۹۷۸ افزایش یافت. گرچه طرحهای موجود بر آن نیستند تا بر قانون منع جکسون وانیک مبنی بر

۱- PLO

عدم ارائه اعتبار(۱) و منابع مالی به شوروی اصلاحیه هائی را اضافه نمایند، ولی انتظار داریم که سطحکنونی تجارت حفظ و حتی به طور معتدل رشد نماید. علائق تجاری شوروی در زمینه تکنولوژی

پیشرفته متمرکز است و حال آنکه کنترلهای صادراتی از جمله عوامل مهم محدود کننده در این زمینه

به حساب می آیند. نیاز آن کشور به غله همچنان محفوظ و مهمترین عنصر در روابط دو جانبه به

حساب خواهد آمد. محدودیت ارز خارجی شوروی حجم واردات آن کشور را محدود خواهد کرد.

علاوه بر این فقدان صادرات قابل توجه شوروی به بازارهای آمریکا حجم صادرات شوروی به این

کشور را نیز محدود خواهد نمود. امکان گسترش تجارت آنهم از طریق معاملات جبرانی وجود دارد.

ولی روسها بیش از هر چیز به برقراری روابط اقتصادی چین و غرب بخصوص در زمینه تکنولوژی

پیشرفته، حساسیت نشان می دهند. آمریکا براساس سیاست مشخص خود در زمینه تجاری با چین و

شوروی روش و برخوردی یکسان دارد. سیاست ما بر فروش تجهیزات نظامی و یا تکنولوژی مربوط

به چین و یا شوروی استوار نیست، بلکه کشورهای دیگر باید در مورد نحوه برخوردشان تصمیم

بگیرند.

سیاست حقوق بشر ما در مورد شوروی نتایج مختلفی به همراه داشت. روسها به حساسیت

موضوع واقف هستند و از نظر ایدئولوژیکی موضع دفاعی گرفته اند. در عین حال بیانیه های ما نیز به

تشنج موجود در روابط دو جانبه دامن زده و اعدام مخالفین که نوعی عکس العمل در برابر سیاست ما

تلقی می گردد، منجر به بحرانی تر شدن روابط بین دو کشور گردیده است. اجرای سیاست حقوق بشر

در متن روابط ما با شوروی مشکلات دیگری را به وجود خواهد آ ورد. لیکن با فرا گرفتن نحوه

کاربرد مؤثرتر آن، خواهیم توانست از تأثیر آن بر روابط موجود کاسته و در عین حال در زمینه

مسائلی از قبیل مهاجرت، تأثیر و نفوذ حقوق بشر را افزایش دهیم.

ب) اروپای شرقی

مسائل ذیل بر سیاست آمریکا در قبال اروپای شرقی تأثیر خواهد بخشید:

دوران بعد از تیتو در یوگسلاوی: مشکلات مرتبط با مسئله تعین جانشین وی نقش مهمی را در حفظ ثبات و امنیت اروپا، علی الخصوص منطقه بالکان و شرق مدیترانه ایفا خواهد نمود. تداوم استقلال و اتحاد یوگسلاوی برای آمریکا و غرب حائز اهمیت بسیار است.

لهستان و سقوط ارزی: لهستان طی دو یا سه سال آینده در رابطه با دیون ارزی خود با مشکلات سنگینی دست به گریبان خواهد بود. علیرغم توانایی لهستان در دست یابی به اشکال جدید پرداخت دیون، این کشور شاید مجبور به برنامه ریزی مجدد دیون خود شود. حتی اگر لهستان بتواند بدون برنامه ریزی مجدد کار خود را به پیش ببرد، عرضه کالاهای مصرفی مورد نیاز بخصوص گوشت، و نیز سرکوب فشار نهضتهای مخالف خطراتی جدی را برای دولت آن کشور پدید خواهد آورد. در صورتی که لهستان قادر به پرداخت دیون خود نباشد، ممکن است از آمریکا خواسته شود که به این کشور کمک کرده و یا اروپای غربی را متقاعد سازد که اعتبارات بیشتری را در اختیار لهستان قرار دهند.

نارضایتیهای جدی داخلی و فشارهای اعمال شده جدید شوروی بر لهستان، علاوه بر اینکه برای سیاست آمریکا در قبال لهستان و مسائل و دشواریهایی پدید آورد، روسیه را نیز دچار مشکلاتی

۱- MFN.

خواهد ساخت.

کنفرانس CSCE مادرید: دومین کنفرانس CSCE در تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۸۰ در مادرید برگزار خواهد شد. قرار است در ۹ سپتامبر ۱۹۷۹ یک اجلاسیه مقدماتی برگزار گردد. با فرا رسیدن زمان برگزاری این دو کنفرانس باید منتظر افزایش فعالیت مخالفین در شوروی و اروپای شرقی بود.

عکس العمل دول اروپای شرقی نه تنها بر این مخالفتها بلکه بر وضع روابط آنها با شوروی و غرب و نیز نیروی داخلیشان استوار خواهد بود.

نحوه برخورد آنها نیز بر سیاست ما در قبال آنها که فراتر از CSCE است، تأثیر خواهد بخشید. به منظور شرکت در کنفرانس مزبور، برنامه ریزان آمریکا باید تصمیماتی را پیرامون نحوه پیشبرد مؤثر حقوق بشر در لایحه نهایی هلسینکی اتخاذ نمایند.

علاوه بر این طراحان و برنامه ریزان باید روش ایجاد هماهنگی بیشتر بین تلاشهای آمریکا و اروپای غربی و NNAهای هوادار را نیز مورد بررسی و مطالعه قرار دهند. آمریکا تلاشهای داخلی خود را طی ۱۸ ماه آینده براساس اجرای CSCE تقویت خواهد کرد تا بتواند به طرز مؤثرتری در کنفرانس مزبور شرکت نماید.

تأثیر و نفوذ بالقوه یک پاپ لهستانی: انتخاب جان پل دوم موقعیت کلیسای کاتولیک رم را در لهستان و دیگر نقاط بلوک شوروی تقویت کرده، و ابعاد سیاست خارجی واتیکان را نیز گسترش خواهد داد. این امر نه تنها خطری برای شوروی و هم پیمانانش به حساب خواهد آمد و بلکه بر روابط شرق و غرب و سیاستهای داخلی ایتالیا نیز بی اثر نخواهد بود. گرچه عکس العمل اولیه شوروی به طرز حساب شده ای مثبت بود، ولی شوروی می توانست با تشدید کنترل داخلی در بلوک خود و بخصوص لهستان عکس العمل نشان دهد تا منجر به حمایت بیشتر کلیسا از ناسیونالیزم و آزادی

مذهب در اروپای شرقی نشود.

ج) اروپای غربی

۱ روابط با احزاب چپ گرا: پس از شکست جناح چپ در انتخابات مجلس مقننه فرانسه و نیز رویدادهای مشابه دیگر، احزاب چپگرا تمام محتوای پیمان سیاسی خود را به بررسی و مطالعه مجدد گذاشته اند. آمریکا باید نسبت به این تغییرات و تأثیر آنها بر منافع آمریکا در ناتو و نقاط دیگر حساسیت نشان دهد.

۲ تکامل جامعه اروپایی: طی چند سال آینده گامهای ذیل برای تقویت جامعه اروپایی برداشته خواهد شد:

فرانسه و آلمان غربی هماهنگی سیاستهای خود را بخصوص در رابطه با سیستم پولی پیشنهادی برای اروپا بیشتر خواهند کرد.

اعضاء پارلمان اروپا مستقیما انتخاب خواهند شد و همین امر نفوذ این هیئت را افزایش خواهد داد.

یونان، اسپانیا، و پرتغال نیز احتمالاً به جامعه اروپا خواهند پیوست همین موضوع فشارهای بیشتری را به مؤسسات جامعه اروپایی و روابط درونی میان اعضاء بر آن وارد خواهد کرد.

این شرایط نیاز مبرم به حفظ منافع آمریکا را بخصوص در رابطه با مسائل ویژه حادتر خواهد

نمود، و در عین حال استحکام و وحدت جامعه اروپایی را تضعیف نخواهد کرد.

در مورد سیستم پولی جامعه اروپا، مشکلاتی برای نقش دلار و صندوق بین المللی پول به وجود خواهد آمد. در رابطه با افزایش اعضاء جامعه نیز مسائل تجاری بخصوص در رابطه با مسائل کشاورزی پدید خواهد آمد. چند سال آینده شاهد ظهور یک جامعه اروپایی رو به تکامل با خواص مثبت و منفی مربوط به همبستگی انسجام اروپا و منافع آمریکا خواهیم بود.

۳ تکامل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، ناتو:

آمریکا باید همگام با هم پیمانان خود در ناتو تصمیم بگیرد که آیا مدرن سازی نیروی اتمی دوربردش ضرورت دارد یا نه و اگر پاسخ مثبت است چه سیستمی باید جایگزین آن شود. آمریکا و هم پیمانان ناتو علاوه، بر این باید نقش هر یک از اعضاء را در زمینه نحوه مشارکت، سهیم شدن در سواحل و یا استقرار سیستمهای جدید تعیین نمایند.

عنصر مهم موجود در هماهنگی سیاست آمریکا و هم پیمانانش، نحوه تکامل مذاکرات کنترل تسلیحاتی و تأثیر آن بر مدرنیزاسیون و قدرت تسلیحات دوربرد غرب خواهد بود.

گرچه در سال گذشته در رابطه با کاهش متعادل دو جانبه نیروها پیشرفتهایی حاصل شده، ولی مذاکرات با کندی بیشتری ادامه خواهد یافت و در میان مدت، تلاشها مصروف رفع نواقص موجود در رابطه با آمار و ارقام نیروهای شرق و غرب خواهد شد. (به بخش ط و ج، پاراگراف ۳ فوق رجوع شود.)

این پیمان همچنین با مشکلات دشوار مشاوره ای و برداشت از مفاهیم در هماهنگ سازی مذاکرات

متعدد کنترل تسلیحاتی از قبیل مذاکرات سالت، کاهش متعادل دو جانبه نیروها(۱) و اقدامات که مبتنیبر ایجاد اعتماد در برنامه های پیگیری CSCEکه به یکدیگر بستگی دارند، رو به رو خواهد شد. گذشته

از این، پیشنهادات فرانسه در رابطه با خلع سلاح اروپا ممکن است در دستور کار ناتو باقی بماند.

در رابطه با استانداردسازی تسلیحات نیز ناتو با مشکلاتی مواجه خواهد شد و تمایل آمریکا

مبنی بر اعمال یک برخورد «دو طرفه» در خرید تسلیحات از عرضه کنندگان اروپایی و فروش آنها

نیز موجبات نگرانی هم پیمانان را فراهم خواهد آورد.

۴ مناقشات یونان و ترکیه: مسئله قبرس و مناقشات اژه از دیر باز شکل دهنده روابط ترکیه و

یونان بوده و آمریکا باید در رابطه با مسائل ذیل تصمیمات دشواری را اتخاذ نماید:

میزان کمکهای اقتصادی و نظامی آمریکا و اینکه آیا این کمکها باید مرتبط با مشارکت هم پیمانان

ناتو باشد.

تلاش مداوم آمریکا در جهت حل مناقشه قبرس، از طریق فراهم آوردن محیط مذاکره بین دو

جامعه قبرسی تحت سرپرستی و نظارت سازمان ملل،

اینکه آیا آمریکا باید نقش فعالتری را در حل مناقشه اژه به عنوان میانجی ایفا کرده و طرفین را

وادار به مذاکره نماید، یا از دیگر هم پیمانان ناتو بخواهد که در به وجود آمدن محیط مذاکره همکاری

نمایند؟

۵ سیاستهای رشد اقتصادی: مشکلات اروپای غربی در حل مسائل مربوط به کندی رشد

۱- MBFR.

اقتصادی، بیکاری و از بین بردن ظرفیت مازاد صنایع مهم همچون صنایع پولاد، کشتی سازی، و نساجی می تواند منجر به اتخاذ سیاستهایی شود که با منافع آمریکا مغایرت دارند. اروپایی ها نیز می توانند نسبت به آن دسته سیاستهای آمریکا که بر آنها تأثیر می بخشد، حساسیت نشان دهند. مشورت در مورد مسائل اقتصادی از جمله سیاستها و اوضاع اقتصادی داخلی، هسته اصلی روابط اروپا و آمریکا را تشکیل می دهد. ما باید در همه حال مراقب خط تمایز ظریف بین تلاشهای دولتی در منطقی جلوه گر ساختن تغییر الگوی تجاری و اشکال جدید و تغییر چهره یافته حمایت دولتی از تولید داخلی و جلوگیری از واردات باشیم. انطباق مثبت کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به ما فرصت مشورت همکاری بیشتر در این بخش را می دهد.

۶ کمک به اقتصادهای متلاطم: ریاضت های اقتصادی ثبات سیاسی کشورهایی که در حد فاصل رشد قرار دارند یعنی پرتغال، اسپانیا و ترکیه را به خطر می اندازد. کمکهای دو جانبه آمریکا محدود خواهد بود بنابراین آمریکا میزان تلاشهای مفید صندوق بین المللی پول، جامعه اروپا و بانکهای خصوصی را مورد بررسی و ملاحظه قرار خواهد داد.

د) خاور نزدیک و آسیای جنوبی

۱ تضاد اعراب و اسرائیل : قرارداد کمپ دیوید چهارچوبی را تشکیل می دهد که از طریق آن نه تنها می توان امکان درگیری مجدد را کاهش داد، بلکه می تواند پاسخگوی مسائلی نظیر رابطه فلسطینیها و اسرائیلیها با دیگر همسایگانشان نیز باشد. روابط پیچیده میان کشورهای غرب و نیز بین آمریکا و اسرائیل و هر یک از کشورهای منطقه نشانگر آن است که حل تضاد اعراب و اسرائیل همچنان به عنوان اولویت سیاسی برای ما باقی خواهد ماند. تغییرهای مهم و مسائلی که می تواند مصور آن دسته موضوعات مؤثر بر سیاستهای ما باشد به شرح زیرند.

نقش شوروی گرچه در حال حاضر راکد است ولی بعدها ممکن است فعال شود.

هزینه های اقتصادی و عمرانی صلح در منطقه

تأثیر شکست یا عدم موفقیت کمپ دیوید بر سیاستهای منطقه ای، جهانی و داخلی.

۲ مشکلات امنیتی خاور نزدیک و آسیای جنوبی: مشکلات معدود امنیتی «منطقه ای» در خاور نزدیک می تواند ثبات منطقه را دستخوش دگرگونی ساخته و به همین علت باید از نظر اطلاعاتی و سیاسی تحت کنترل و نظارت دقیق درآید.

امنیت خلیج فارس و آسیای جنوبی به وسیله اوضاع وخیم داخلی ایران، پاکستان و رژیم چپگرای جدید در افغانستان به خطر افتاده است.

ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است. اوضاع این کشور آنچنان به سرعت تغییر کرد که اتخاذ هیچ گونه سیاستی در یک یا دو سال آینده قابل پیش بینی نمی باشد. تولید نفت ایران بر قیمتهای بین المللی نفت تأثیر خواهد گذارد، بقاء و قدرت دولت شاه و یا ماهیت دولت جایگزین آن، بر امیرنشینهای خلیج، عراق، پاکستان و عربستان سعودی از نظر سیاسی تأثیر خواهد گذاشت، و نقش شاه در پیمان سنتو، همکاری با آمریکا در زمینه سیاسی و نظامی و روابط آن با شوروی در رابطه با امنیت کل منطقه حائز اهمیت بسیار است. رویدادهای ایران اهمیت کاری تمام واحدها را در بررسی دراز مدت روندهای اقتصادی اجتماعی و نیز جنبشهائی که می تواند عامل تغییرات خطرناک در

محیط های سیاسی جوامع باثبات باشند را نشان می دهد.

موضع شوروی در بخش سفلای دریای سرخ اتیوپی و جمهوری دمکراتیک خلق یمن(۱) طیدو سال گذشته نیرومندتر شده است. این امر سبب بروز نگرانی عمیق عربستان سعودی و همسایگان

محافظه کارش شده است. که به آمریکا به عنوان حافظ امنیت خود می نگرند. در پاسخ به نگرانی سعودیها، ما به طور اصولی با فروش عمده تجهیزات به جمهوری عربی یمن موافقت کرده ایم، که البته هزینه های لازم توسط سعودیها تأمین می گردد.

اختلافات مراکش الجزایر و موریتانی بر سر صحرای عربی و نیز شورشیان پولیساریو می تواند ثبات شمال آفریقا را به مخاطره افکند.

جنگ داخلی لبنان به صورت یک مشکل خطرناک منطقه ای درآمده و می تواند بار دیگر موجب بروز جنگ بین اعراب و اسرائیل گردیده و مشکلات انسانی بسیار عمیقی برای مردم لبنان به وجود آورد.

مدتهاست که بین مصر و لیبی روابط تیره ای برقرار است. اگر مصر علیه لیبی اقدام به حرکت نماید، احتمالاً دیگر کشورهای عرب و حتی شوروی مداخله خواهند کرد.

۳ محور بندی احتمالی روابط سیاسی آسیای جنوبی:

نگرانی عمده ما در مورد افغانستان و پاکستان به ثبات حکومت آنها و نفوذ پذیری آنها در برابر شوروی، و یا تجزیه احتمالی پاکستان مربوط است. روابط هند و پاکستان گرچه فعلاً آرام است، ولی علیرغم قدرت نظامی هند در منطقه، این روابط در دراز مدت دستخوش بحران و تشنج خواهد شد.

در سیاست آمریکا مهمترین موضوع این است که چگونه می توان از پاکستان حمایت نمود بدون آنکه روابط بین هند و پاکستان و هند و آمریکا را دستخوش بحران ساخت.

۴ بعضی از جنبه های سیاست اوپک: مازاد موازنه پرداختهای اعضای اوپک در حوزه خلیج فارس اخیرا کاهشهای سریعی را تجربه کرده است. این روند بر سیاست قیمت گذاری و تولید اوپک تأثیر می بخشد. شاید اعضای اوپک به این نتیجه برسد که باید قیمتها را افزایش دهند تا روند مزبور تغییر جهت یابد. برای بالابردن قیمتها ممکن است از میران تولید نیز بکاهند. آنچه آمریکا باید مد نظر قرار دهد، چگونگی تأثیر این رویدادها بر انسجام اوپک است و دیگر اینکه مشخص نماید که کار برد نفوذش در عربستان سعودی تا چه حد می تواند افزایش قیمتها و یا کاهش تولید را محدود نماید.

آمریکا از کشورهای اوپک مصرانه خواهد خواست که میزان کمکهای خود را به کشورهای در حال توسعه افزایش دهند.

۵ تکثیر اتمی: انفجار یک بمب اتمی توسط هند در سال ۱۹۷۴ نگرانی ما را در مورد تکثیر اتمی در منطقه آسیای خاور نزدیک(۲) افزایش داد. با وجود اینکه فرانسه تصمیم گرفته است که فروشنیروگاه غنی سازی به پاکستان را متوقف سازد، ولی دولت پاکستان هنوز هم درصدد کسب قدرت اتمی می باشد. این وضع و اوضاع دیگر منطقه باید شدیدا زیرنظر قرار گیرد. (به ضمیمه شماره ۱ مراجعه شود)

۱- PORY.

۲- NEA.

با وجود اینکه دولت موراجی دسای متعهد شده که حتی برای مقاصد صلح طلبانه اقدام به ساخت و یا انفجار یک بمب اتمی دیگر ننماید، ولی در صورتی که دولت پاکستان بتواند بمب اتمی را به دست آورد، طرز برخورد دهلی نو نیز تغییر خواهد کرد.

با توجه به خطراتی که علیه امنیت ایران وجود دارد، این کشور ممکن است نتواند در برابر وسوسه تهیه بمب اتمی مقاومت نماید. نامشخص بودن رویدادهای داخلی ایران هرگونه پیشرفتی را در این زمینه غیرقابل پیش بینی جلوه گر می سازد.

برنامه های عراق به برنامه های ایران و نیز نتیجه گیری خود عراق در مورد نقش رهبریت آتی آن در جهان عرب بستگی دارد.

در عین حال که بسیاری از تحلیل گران معتقدند که اسرائیل از یک قدرت اتمی محدود برخوردار است، ولی ما از اسرائیل خواهیم خواست که نقش عدم تکثیر اتمی را در منطقه به نحو مؤثری ایفاء کند.

ه) آسیای شرقی

۱ چین و جهان خارج: ما و هم پیمانانمان «جهش عظیم چین به خارج از حصار» را به گرمی استقبال کرده ایم. ولی باید حرکتهای پکن در مناطق مهمی از قبیل ژاپن و آسیای جنوب شرقی که از مانورهای چین و شوروی تأثیرپذیری دارند را زیر نظر داشته باشیم. ما و چند کشور عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی افزایش عمده ای را در تبادل فرهنگی بین خود و جمهوری خلق چین(۱) پدید خواهیم آورد تا تماسهای چین با غرب و چین در نزدیک شدن به جهان آزاد می تواند در کوتاه مدت تشنج و بحرانهای داخلی را به همراه داشته و در دراز مدت بر سیاستها و جامعه چین تأثیرات عمیق داشته باشد.

آینده برقراری کامل روابط عادی بین آمریکا و چین هنوز مشخص نیست، ولی این موضوع در

تفاهم نامه ۱۹۷۲ شانگهای به عنوان یک هدف دولتی مشخص شده است. اقدامات سیاسی آمریکا در این جهت باید رفاه حال مردم تایوان را نیز در نظر داشته باشد. تصمیمات اخیر در رابطه با فروش هواپیماها و دیگر تسلیحات در جهت مرتفع سازی نگرانی های تایوان اتخاذ شده است.

افزایش مبادلات تجاری چین و آمریکا در رابطه با فروش تجهیزات نظامی و انتقال تکنولوژی حساس، مشکلات مهمی را به وجود می آورد. ما تلاش خواهیم کرد که مبادلات مربوط به مسائل حساس (از قبیل عدم تکثیر هسته ای و کنترل تسلیحاتی) با چین به تدریج صورت پذیرد.

۲ ژاپن: روابط بین ما و ژاپن صمیمانه خواهد بود. با این وصف این روابط خالی از مشکلات اقتصادی نبوده و طرفین باید به دقت با آنها بر خورد نمایند.

روسها نسبت به توسعه نقش سیاسی ژاپن حساسیت نشان خواهند داد، ولی چینیها از آن به گرمی استقبال خواهند کرد. روابط چین و ژاپن از نظر اقتصادی، فرهنگی و فنی به سرعت گسترش خواهد یافت. شوروی در ژاپن نفوذ چندانی نخواهد داشت. کشورهای آسیای جنوب شرقی از گسترش نظامی ژاپن نگران بوده و در عین حال از روابط تجاری و سرمایه گذاریهای آن کشور استقبال می نمایند.

۱- PRC.

تمایل ژاپن به بحث و تبادل نظر پیرامون مسائل دفاعی و تقویت بنیه دفاعی به طور غیر مستقیم به

بالا رفتن امنیت منطقه کمک می کند ولی بعضی از کشورها اظهار ناراحتی خواهند نمود.

۳ شبه جزیره کره: تصمیم دولت مبنی بر خارج سازی نیروهای زمینی خود از کرده توأم با

بحرانهای ناشی از افشاگریهای کریاگیت (در برابر واترگیت م) نوعی کاهش اعتماد کره جنوبی(۱) بهاین رابطه هم پیمانی است تصمیم دیگر ما مبنی بر کاهش روند خروج سربازان در سال ۱۹۷۸ و توافق

ما مبنی بر انتقال گسترده تجهیزات نظامی به این شبه جزیره سبب متعادل شدن حضور ما در این نقطه

از جهان گردیده است. اوضاع امنیتی شمال و جنوب را باید به دقت زیر نظر داشته و در مرحله بعدی

خروج نیروهای آمریکایی برآورد درستی از سطوح نیرو در کره شمالی داشته باشیم.

برقراری تماس بین کره شمالی و کشورهای کمونیست بخصوص شوروی مسئله چندان مهمی

نیست و امیدواریم که در مقابل پیونگ یانگ آنقدر انعطاف پذیر باشد که بتواند از فرصتهای لازم برای

مذاکرات بیشتر بهره برداری نماید.

۴ آسیای جنوب شرقی: ما از نظر سیاسی و اقتصادی حمایت بنیادین خود را از مجمع ملل

آسیای جنوبی شرقی «آ سه آن» نشان داده و اعلام داشته ایم که منطقه گرایی آسیای جنوب شرقی باید

با سرعت مخصوص به خود و نیز با در نظر گرفتن اولویتهای خود تکامل یابد. کشورهای آ سه آن

انسجام بیشتری از خود نشان داده، و در زمینه برنامه های داخلی پیشرفت چشمگیری کرده و می توانند

برنامه های عمرانی خود را تقویت نموده و آن را توسعه بخشند. ولی آنها از این نگرانند که مبادا

بحرانهای موجود در هند و چین که ناشی از رقابتهای بین شوروی و چین است، قلمرو آنها را نیز

تحت تأثیر قرار دهد و تلاشهای عمرانی آنها را منحرف سازد. کمکهای اقتصادی و امنیتی آمریکا به

کشورهای منطقه نشان داده که آمریکا از منافع آنها حمایت می کند. در برخورد با مسئله غیر منتظره

پناهندگان در منطقه باید روشهای جدید و عکس العملهای گسترده بین المللی را پدید آورد. کنترل بین المللی مواد مخدر بخش اعظم تلاشهای ما را در این منطقه تشکیل می دهد.

۵ هند و چین: ویتنام و کامبوج درگیر یک جنگ مرزی بوده اند که می تواند جنگ را به سطح منطقه بکشاند، در حالی که هر یک از آنها توسط یک قدرت کمونیستی حمایت می شود یعنی کامبوج تحت حمایت چین و ویتنام تحت حمایت شوروی می باشد. ویتنام مایل است به کالاها و تکنولوژی آمریکایی دست پیدا کند و به همین دلیل خواستار برقراری روابط عادی با آمریکا است تا بتواند نفوذ شوروی را در منطقه کاهش داده و اعتبار سیاسی خود را در میان کشورهای آسه آن بهبود بخشد. سرپیچی و نقض حقوق بشر در کامبوج، ۴کامبوج نگرانیهای بسیاری را سبب شده است. ما در حین برقراری ارتباط با این کشورها سعی خواهیم کرد در جنگ مرزی جانب هیچ یک از طرفین را نگیریم و دخالت جمهوری ویتنام را نیز محکوم نمائیم. و در اثناء یافتن راهی بر ای از بین بردن تضاد موجود، رعایت حقوق بشر در کامبوج (لائوس و ویتنام) را نیز خواستار شویم. در همان حال باید برقراری تماس با غرب و ژاپن و کناره گیری از شوروی را ترغیب کرد.

۶ فیلیپین: در حال حاضر مهمترین مسئله موجود در روابط ما تمایل به حفظ تأسیسات نظامی خویش پایگاه هوائی کلارک و پایگاه دریائی دماغه سوبیک تحت یک موافقت اصلاح شده است که

۱- ROK.

ما را از امتیازات عملیاتی مداوم خود مطمئن ساخته و در عین حال حاکمیت فیلیپین را تائید می نماید و اقدامات جبران کننده را (مثلاً کمکهای دولت آمریکا در ازاء استفاده از این کشور به عنوان یک پایگاه نظامی م) نیز در نظر دولت این کشور معقول تر جلوه گر می سازد. دو پایگاه مزبور دارای تجهیزاتی است که نمی توان در نقطه ای دیگر از اقیانوس آرام مستقر ساخت و انتقال دیگر تأسیسات قابل انتقال نیز هزینه های گزافی را به همراه خواهد داشت. مسائل دیگر چندان حاد نیست، ولی تا مدتها اذهان دو دولت را به خود مشغول خواهد نمود. از جمله این مسائل حقوق بشر، تجارت، مهاجرت و این احساس پابرجای فیلیپینی هاست که ناشی از گذشته استعماری آنها بوده و مبتنی بر این است که باید «رابطه ای خاص» با ایالات متحده داشته باشند. مشارکت گسترده تر فیلیپین در آسه آن بعضی از این مسائل را در متن این مجمع مطرح خواهد ساخت، ولی دشوارترین آنها باید از طریق کانالهای دو جانبه حل و فصل گردد.

و) آفریقا

مهمترین اهداف ما در رابطه با مناطق زیر صحرای آفریقا عبارتند از: ایجاد زمینه مساعد برای حل مسالمت آمیز اختلافات، بخصوص در رابطه با مسائلی که صلح جنوب آفریقا(۱) را تهدید می کند، ممانعت از حضور نظامی شوروی و کوبا در منطقه، حفظ روابط حسنه با تمام کشورها، ارائه کمکهای محدود نظامی و کمکهای اقتصادی به مللی که به کمک ما نیاز دارند، جلب حمایت همه جانبه از سیاستهای ما در سازمانهای بین المللی از جمله حقوق بشر و حفظ دسترسی خود به بازارها و منابع مواد خام منطقه، همگام با دیگر کشورها تلاش می کنیم تا منطقه ساحلی آباد گردد و از بروز مجدد قحطی و دیگر آثار ناشی از خشکسالی منطقه ساحلی مانند دوران سالهای ۱۹۷۴ ۱۹۶۸ جلوگیری گردد.

۱ جنوب آفریقا: مسائل سیاسی که ما طی چند سال آینده در این منطقه خواهیم داشت تا حدود زیادی به نتایج ابتکارات مذاکرات جاری بستگی دارد.

الف) رودزیا: این کشور حتما در آینده تحت حکومت اکثریت در خواهد آمد. هدف آمریکا مساعدسازی شرایط برای تحقق حاکمیت اکثریت در جامعه است. طرح انگلیس و آمریکا مبتنی بر چهارچوبی است که تمام احزاب مخالف باید براساس آن در حکومت کشور، مشارکتی مسالمت آمیز داشته باشند. حتی این طرح نیز قادر نیست تضمین کند که احزاب موجود روشهای مرتبط با قانون اساسی را رها نکرده و به جنگ داخلی متوسل شوند. در صورتی که گذر به مرحله حاکمیت اکثریت از طریق مذاکره ممکن نباشد، یک «راه حل نظامی» پیش کشیده خواهد شد و درگیری نیروهای خارجی در تضاد موجود قطعا بیشتر خواهد شد. حتی پیروزی نهضتهای آزادی بخش نیز تضاد جناحهای رقیب را به د نبال خواهد داشت. سیاست آمریکا استوار بر همکاری با تمام احزاب است تا از نظر سیاسی راه حلی پیدا شود که منجر به استقلال و حاکمیت اکثریت گردیده و مانع از مداخلات شوروی، کوبا و یا ارتش آفریقای جنوبی شود و استقلالی را که پس از پیدایش، ظریف و شکننده خواهد بود، تقویت نماید.

ب) نامیبیا: در صورتی که رژیم پرتوریا با انتخاباتی که تحت نظارت جامعه بین المللی برگزار شود،

۱- به ضمیمه شماره ۳ تحت عنوان "صلح طلبی" مراجعه شود.

موافقت ننماید، سازمان ملل مجبور خواهد شد مجموعه تحریمهایی را علیه آفریقای جنوبی به مرحله اجراء بگذارد و حتی در صورتی که آفریقای جنوبی طرح شورای امنیت سازمان ملل را که توسط پنج کشور گروه تماس عنوان شده بپذیرد، از نظر اجرای آن با مشکلاتی رو به رو خواهد شد، که به روشن شدن وضع دماغه والویس و بندر مهم منطقه که از نظر آفریقای جنوبی از نامیبیا جداست، بستگی دارد. حل موفقیت آمیز مسائل مربوط به نامیبیا مشکلات مربوط به رودزیا را نیز کاهش داده و سبب بهبود روابط آمریکا و آنگولا می گردد.

موضع آمریکا در قبال بعضی از تحریمها با موضع دیگر هم پیمانان هماهنگ خواهد گردید، زیرا اگر این هماهنگی به وجود نیاید آفریقای جنوبی به سادگی از زیر بار آنها شانه خالی خواهد کرد. این مسئله کشورهای مختلف از جمله آمریکا را با تصمیمات دشواری روبه رو ساخته، و به همین علت ما نمی دانیم که چه نوع تحریمهایی مناسب هستند.

ج) جمهوری آفریقای جنوبی: سیاستهای آپارتاید آفریقای جنوبی و نیز سیاستهای اتمی این کشور مسائلی هستند که در دراز مدت بر روابط ما تأثیر خواهند گذاشت. در کوتاه مدت، به جلب همکاری پرتوریا در رابطه با رودزیا و نامیبیا خواهیم پرداخت آنهم از طریق ترکیبی از انگیزه ها و اعمال فشارهای مؤثر.

گرچه مشکلات نژادی آفریقای جنوبی پیچیده است و در آینده نزدیک حل نخواهد شد، ولی به نظر ما جامعه آفریقای جنوبی باید دستخوش یک دگرگونی مترقی گردد، تا بتواند از سیاستهای تبعیض نژادی کناره گیری کرده و تمام اتباع آفریقای جنوبی را از نظر مشارکت سیاسی یکسان تلقی کند ما مصرانه از آفریقای جنوبی خواهیم خواست که یک روند مشورتی سیاسی سازنده را آغاز نماید تا از طریق آن آرمانهای سیاسی تمام اتباع آفریقای جنوبی در نظر گرفته شود. در صورتی که این روند

آغاز نشود، روابط ما با آفریقای جنوبی به سردی خواهد گرائید.

ما از آفریقای جنوبی مصرانه می خواهیم که پیمان عدم تکثیر هسته ای را رعایت کرده و تسلیحات هسته ای خود را با حفاظتهای بین المللی تطبیق دهد تا آمریکا نیز بتواند با دولت آفریقای جنوبی از نظراتی همکاری داشته باشد.

۲ شاخ آفریقا: شاخ آفریقا در چند سال گذشته شاهد تغییر پیمانها و نبردهای تلخ استقلال و خودمختاری اریتره و منطقه اودکان اتیوپی که ساکنین اصلی اش را سومالیاییها تشکیل می دهند بوده است. کمکهای نظامی گسترده شوروی به اتیوپی در سال گذشته و حضور ۱۵ الی ۲۰ هزار نظامی کوبایی سبب دفع حملات سومالی در سال ۱۹۷۸ توسط اتیوپی گردید، اما تداوم حضور این نیروی نظامی خارجی مایه نگرانی آمریکا، سودان، مصر و عربستان سعودی را فراهم آورده است. تأثیر و نفوذ ما در اتیوپی آن چنان نیست که بتواند آنها را متقاعد به کاهش حضور شوروی و کوبا در این کشور بنماید، گذشته از این مایل به ارائه کمک نظامی متقابل به سومالی نیستیم چون این کشور از یک نیروی شورشی در اوگادن حمایت می نماید. در این شرایط سیاستهای ما بر مسائل ذیل متمرکز گردیده است:

فراهم آوردن زمینه مساعد برای حل اختلافات اتیوپی و سومالی از طریق میانجیگری سازمان وحدت آفریقا.

اثبات این موضوع به اتیوپی که ما نیز اساسا به هدف اصلی انقلاب آن کشور یعنی بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی مردم علاقه مند بوده و خواستار بهبود وضع حقوق بشر نیز هستیم.

یافتن راههایی برای از بین بردن نگرانیهای امنیتی سومالی بدون اینکه نیازی به ارائه تسلیحات نظامی تهاجمی مورد درخواست زیاد باره باشد.

۳ دیگر کشورهای مهم:

سودان: پس از عادی شدن روابط در اواسط سال ۱۹۷۶ سطح روابط ما با سودان نیز بالا رفته است. برنامه کمک نظامی و اقتصادی ما به این کشور عظیم ترین برنامه ها را در آفریقا تشکیل می دهد. بهبود روابط بیش از اینها امکان پذیر است.

کنیا: روابط آمریکا و کنیا عالی است. خوشحالیم از اینکه رئیس جمهور «موئی» از طریق قانون جانشین «کنیاتا» گردید، و هنوز هم از هواپیماها و ناوهای آمریکایی در آنجا استقبال می شود و دیگر اینکه دولت در جهت ریشه کن سازی فساد تلاش می کند و سعی دارد پایگاه مشارکت سیاسی مردمی را گسترش دهد. ما در نظر داریم برنامه کمکهای نظامی و اقتصادی خود را ادامه دهیم لیکن تأثیر مخارج نظامی کنیا را بر برنامه های اقتصادی و عمرانی آن به دقت زیر نظر خواهیم داشت.

نیجریه: با وجود عدم خوش بینی، امیدواریم که یک حکومت غیر نظامی در این کشور روی کار آید، و از بحرانهای اجتماعی اجتناب کرده و اوضاع اقتصادی را بهبود بخشد، رئیس جمهور قول کمکهای بیشتری را داده و ماهم پیرامون برنامه های جدید دو جانبه در تلاش هستیم.

زئیر: اعاده نظم در منطقه «شابا» آنهم توسط یک نیروی بین المللی در سال ۱۹۷۸ زئیر و آنگولا را آماده بهبود روابط کرده و در کوتاه مدت سبب بهبود وضع بخش معادن زئیر گردیده است خروج نهایی نیروهای بین المللی نشان خواهد داد که دولت زئیر تا چه حد از حمایت مردمی برخوردار است، زئیر

و آنگولا تا چه حد قادر به سرکوب شورشیان خواهند بود، و آموزشهای نظامی بلژیک و فرانسه تا چه حد موفق بوده است در سالهای اخیر زئیر بیش از هر کشور دیگر آفریقایی از کمکهای آمریکا برخوردار بوده است. با این وصف اگر اصلاحات بیشتری صورت نگیرد، این کمکها قادر به بهبود ثبات اقتصادی، نظامی و سیاسی زئیر نخواهد بود، و برنامه کمکی آمریکا نیز با انتقادهای داخلی روبه رو خواهد گردید. مسائل ما در این رابطه عبارتند از:

برای ایجاد اصلاحات بیشتر چگونه می توان از کمک دو جانبه استفاده کرد.

برای ایجاد اصلاحات بیشتر چگونه می توان میان کمک دهندگان هماهنگی ایجاد نمود.

چگونه می توان موجبات همکاری بیشتر زئیر و آنگولا را فراهم آورد.

۴ حل اختلافات: ایجاد یک روش موثر برای حل اختلافات موجود در آفریقا در آینده نیز مد نظر خواهد بود.

ما و آفریقائیها معتقدیم که تنها راه حلهای آفریقایی قادر به حل مسائل آفریقا می باشند، ولی مکانیزمهای سازمان وحدت آفریقا برای میانجیگری در حل این اختلافات بسیار ضعیف است. تقویت نقش سازمان وحدت آفریقا در حل اختلافات درون آفریقایی می تواند منجر به تحقق اهدافمان در محدود ساختن مداخلات بیگانه در این قاره شود، و از جمله حضور شوروی و کوبا را کاهش دهد.

اما در رابطه با اوضاع اتیوپی و سومالی، ما مایل به ایجاد و ارائه یک راه حل مناسب هستیم. لیکن آفریقایی ها به خاطر عدم تمایل به متوسل شدن به سازمانهایی چون سا زمان ملل قادر نیستند این راه حلها را تحقق بخشند.

۵ بهبود بیشتر روابط با «مترقیان» آفریقایی: مسئله بهبود روابط با کشورهای «رادیکال» و یا «مترقی» آفریقایی مرتبط با تمام مسائل فوق الذکر است. بهبود روابط با این دولتها می تواند از میزان مداخلات شوروی و کوبا بکاهد. معدودی از «مترقیان» (از جمله گینه، کنگو و آنگولا) نسبت به این بهبود روابط اظهار علاقه کرده اند. ممکن است اختلافات ایدئولوژیکی به قوت خود باقی بماند، ولی این کشورها اهم تلاش خود را وقف کاهش وابستگی خود به شوروی و هم پیمانان آن کرده و در رابطه با امور تجاری و سرمایه گذاری به غرب روی می آورند.

ز) آمریکای لاتین

۱ کلی: تصویب پیمانهای مربوط به کانال پاناما مهمترین عامل کدورت در روابط آمریکا و آمریکای لاتین را از بین برده است. طی دو سال گذشته شاهد بهبود وضع حقوق بشر در چند کشور و نیز حرکت منطقه به سوی محدودسازی سلاحهای قراردادی یا متعارف، ایجاد دموکراسی بیشتر و حل مسالمت آمیز اختلافات بوده ایم.

۲ آمریکای مرکزی: فشارهایی اعمال می شود تا نیکاراگوئه و السالوادر از نظر سیاسی دستخوش تغییرات بنیادین گردند. سازمانهای چریکی و نیروهای چپگرای متعهد به ایجاد تغییرات اساسی در هر دو کشور فعال بوده و بحران بیشتری را به وجود خواهند آورد.

آمریکا به دنبال راههایی است که از طریق آنها بتواند رعایت حقوق بشر را در آمریکای مرکزی سبب گردیده و مانع از افزایش خشونتهای سیاسی داخلی گردد.

۳ مکزیک: ذخائر عظیم نفتی مکزیک و قدرت رو به افزایش اقتصادی آن، این کشور را به صورت اهرمی در برابر آمریکا درآورده است. ولی چند موضوع پیچیده، روابط آمریکا و مکزیک را تحت تأثیر خود قرار داده است که عبارتند از:

مسائل تجاری، مهاجرت، مواد مخدر، مسائل مرزی، در رابطه با قاچاق، جنایت، آب و آلودگی و نیز نگرانیهای مربوط به انرژی.

پس از سفر رئیس جمهور لوپزپورتیلو به آمریکا در سال ۱۹۷۷ روابط بین دو کشور تا حدودی بهبود یافت. گرچه فقدان قراردادی در زمینه شرایط صدور گاز طبیعی مکزیک به آمریکا و «موانع ایجاد شده توسط تورتیلا» نقاط ضعف روابط ما را نشان می دهد، سفر رئیس جمهور (در فوریه) سبب بهبود بیشتر روابط بین دو کشور خواهد شد.

۴ علاوه بر بهبود قابل ملاحظه وضع حقوق بشر در چند کشور آمریکایی لاتین که قبلاً مورد بحث قرار گرفته، آمریکا خواستار برقراری حکومتهای دموکراتیک غیر نظامی در این نقطه از جهان بوده است.

اخیرا تلاشهای آمریکا بر چهار کشور، جمهوری دومنیک، اکوادور، بولیوی و پرو متمرکز بوده است. علیرغم بعضی عقب نشینی ها، در رابطه با اعاده دموکراسی پیشرفتهائی صورت گرفته که انتخاب رئیس جمهور «گازمان» در دومینیکن نمونه بارزی از آن است.

۵ همکاری در منطقه کارائیب : منطقه کارائیب با عقب افتادگی اقتصادی، بیکاری و تورم دست به گریبان است، که همین سه عامل ثبات کشورهای این منطقه را به خطر انداخته است.

استقلال «دومنیکا» و دیگر مستعمرات انگلستان در «ولت اندیس» چند کشور کوچک دیگر را در منطقه به وجود خواهد آورد که امیدی به بقای آنها نیست. آمریکا خواستار یک راه حل منطقه ای در برخورد با مشکلات کارائیب است. گروه عمران کارائیب بانک جهانی روشی را اتخاذ کرده که امیدواریم منجر به ثبات سیاسی و اقتصادی این منطقه گردد.

۶ پیدایش قدرتهای متوسط: علاوه بر مکزیک، چند کشور دیگر آمریکای لاتین نیز به عنوان قدرتهای متوسط در امور جهانی به ایفای نقش پرداخته اند. برزیل به خاطر مساحت، امکانات اقتصادی و پویائی آن، و ونزوئلا به خاطر منابع انرژی آن به صورت قدرتهای منطقه ای در خواهند آمد. آرژانتین را نیز می توان در این طبقه بندی قرار داد، گرچه این کشور در دهه اخیر دستخوش مشکلات داخلی بوده است، مسائل اقتصادی (تجارت) در برزیل و ونزوئلا (انرژی) نقش مهمی را در روابط دو جانبه خواهند داشت. خصوصا حالا که روند آزادسازی در برزیل مسئله حقوق بشر را کمتر به عنوان یک رنجش خاطر در روابطمان درآورده است. آمریکا باید مشخص کند که تا چه حد حاضر است نیاز این کشورها را برآورده سازد و با در نظر گرفتن نفوذ و اهمیت آنها چگونه برخوردی با آنها خواهد داشت.

۷ محدودیت تسلیحاتی و حل اختلافات: تلاش آمریکای لاتین در ایجاد منطقه ای در نیمکره غربی که عاری از تسلیحات اتمی باشد تا حدود زیادی پیشرفت داشته (به بخش «ط، و د» پاراگراف ۶ رجوع کنید)

در رابطه با محدودیت تسلیحات مرسوم، ابتکار مکزیک بر به وجود آوردن یک رژیم محدود

کننده تسلیحات با همکاری آمریکا پیشرفتهای قابل ملاحظه ای دارد. طی دو سال گذشته همیشه پنج اختلاف مرزی در آمریکای لاتین بین السالوادر و آرژانتین و شیلی وجود داشته است. در صورتی که طی دو سه سال آینده این اختلافات شدت یابد، آمریکا مجبور خواهد شد برای حل آنها به مداخله بپردازد.

۸ سازمان کشورهای آمریکایی: آمریکا و مکزیک از جمله کشورهایی هستند که امیدوار به مشخص شدن مجدد اهداف سیستم درون آمریکایی و بازسازی سازمان کشورهای آمریکا می باشند تا بتوانند پاسخگوی نیازهای این نیمکره باشد.

احتمالاً در این رابطه با مشکلات ذیل روبه رو خواهیم بود:

ورود تعداد بیشتری از کشورهای کوچک کارائیب (که الگوی آراء منفی سازمان را به ضرر کشورهای بزرگتر این قاره آشفته می سازد) و تلاشهای آمریکای لاتین به منظور بهره برداری از این سازمان جهت جلب امتیازات اقتصادی از آمریکا.ونس

ص: ۱۴۵

«فهرست اختصارات»(۱)

سیستمها و فعالیتهای ضد ماهواره ای:

ASAT Anti Satellite Activities and Systems

مجمع ملل جنوب شرقی آسیا:

ASEAN Association Of South – East Asian Nations

نیازهای اساسی انسانی:

BHN Basic Human Needs

انتقال تسلیحات قراردادی:

CAT Conventional Arms Transfer

صندوق مشترک:

CFF

کمیته کلی:

COW Committee Of The Whole

CSCE

قرارداد منع آزمایش تسلیحاتی:

CTB Comprehensive Test Ban Treaty

کشورهای پیشرفته:

DCS Developed Countries

جامعه اروپا:

EC

بنیاد بین المللی همکاریهای تکنولوژیکی:

FITC Foundation for International, Technological Cooperation

کشورهای گروه ۷۷:

G- ۷۷

سیستمهای نقاط خاکستری:

GAS Gray Area Systems

قرارداد عمومی تعرفه و تجارت:

GATT General Agreement on Tariffs and Trade

۱- اختصــارات فـوق از متـن ســند و یــا از کتـاب NEW International ABBREVIATIONS Fifth Edition RALPH DE SOLA : نوشته استخراج شده است. لازم به توضیح است مواردی که مشخص نبوده اند به همان صورت در متن بکار رفته است.

تعمیم سیستم اولویتها:

GSP Genralized System OF Preferences

بانک توسعه و عمران بین المللی:

IBRD International Bank For Reconstruction, and Developement

قرارداد تبادل کالا:

ICAS Individual Commodity Agreements

موشکهای بالستیک قاره پیما:

ICBM Intercontinintal Ballisdtic Missile

آژانس عمران بین المللی:

IDA International Development Assocociation

صندوق بین المللی پول:

IMF International Monetary Fund

ارزیابی بین المللی سیکل سوخت هسته ای:

INFCE International Nuclear Fuel Cycle Evolution

موشک بالستیک میان برد:

IRBM Intermediate Range Ballistic Missile

قرارداد بین المللی گندم:

IWA International Wheat Agreement

کشورهای رو به رشد:

LDCS Less Develeped Countries

قانون دریاها:

LOS Law Of The Sea

بانکهای چند جانبه عمرانی:

MBDS Multilateral Development Banks

کاهش دو جانبه و متعادل نیروها:

MBFR Matual Balanced- Forced Reduction

موشکهای چند کلاهکه:

MIRV

موشکهای ضدموشک چند جانبه:

MIRVEDM

مذاکرات تجاری چند جانبه:

MIN Muttilateral Traede Negotiation

جنبش عدم تعهد:

NAM Non - Aligned Movement

ص: ۱۴۷

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی:

NATO North Atlantic Treaty Organization

آسیای خاور نزدیک:

NEA Near East Asia

NNA

پیمان عدم تکثیر:

NPT Non – Proliferation Treaty

گروه عرضه کنندگان هسته ای:

NSG Nuclear Suppliers Group

سازمان کشورهای آمریکایی:

OAS Organization Of American State

سازمان همکاری و عمران اقتصادی:

OECD Organization Of Economic Cooperation and, Develoment

سازمان کشورهای صادرکننده نفت:

OPEC Organization Of Petroleum Exporting Countries

موشکهای بالستیک قابل پرتاب از زیر دریائی:

SLBMS Submarine Launched Ballistic Missile

تثبیت درآمد ارز خارجی:

STABEX Stabilizing Exchange

کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد:

UNCTAD United Nation Coference on trade and, Development

کنفرانس سازمان ملل در مورد علم و تکنولوژی برای عمران:

UNCSTD United Nation Conference on Science and, Technology For Development

برنامه عمرانی سازمان ملل:

UNDP United Nation Development Program

سازمان علمی، فرهنگی، آموزشی سازمان ملل:

UNESCO United Nation Educational, Scientific and, Cultural Organization

صندوق کنترل مواد مخدر سازمان ملل:

UNFDAC United Nation Fund For Drug Abuse Control

مجمع عمومی سازمان ملل:

UNGA United Nation Genral Assembly

UNICEF United Nation International Childrn's Emergency Fund

UNFPA

کنفرانس مدیریت جهانی رادیو:

WARC World Administrative Radio Conference

سازمان بهداشت جهانی:

WHO World Health Organization

عدم دسترسی دیگران به سلاح هسته ای

ضمیمه شماره ۱

آمریکا شدیدا امیدوار بود که برتری و انحصار هسته ای خود را پس از جنگ دوم حفظ کند. لیکن با دستیابی شوروی به این سلاح، امید آمریکا از بین رفت. پس از آن دو ابرقدرت سعی نمودند که با انحصاری نمودن سلاح اتمی در حیطه خویش بر جهان حکومت کنند، به همین دلیل هنگامی که در ۱۹۶۳ دوگل از تأسیسات اتمی فرانسه بازدید می کرد، گفت: «این که دو ابرقدرت بخواهند برای همیشه انحصار نیروی اتمی را در دست داشته باشند، بدان معنی است که دنیا به سلطه دو جانبه آنها تن در داده است. و کشور ما نمی تواند این را بپذیرد.»(۱۴)

اصولاً دوگل به علت عدم اعتمادش به آمریکا و اینکه علاقه مند بود تحت سلطه آمریکا عمل نکند، دستور ساختن بمب اتمی را صادر کرد. همچنین یکی از دلایل مهم اختلافات چین و شوروی نیز متأثر از توافق دو ابر قدرت مبنی بر عدم گسترش سلاحهای هسته ای در سطح جهان بود، که این امر از نظر چین بدین صورت تفسیر می شد که آنها می خواهند مانع از دسترسی چین به سلاح هسته ای گردند.

آمریکا فقط برای حفظ سلطه خود بر قدرت اتمی، و در نتیجه بلامنازع بودن اعمال نظریاتش است که سعی در ممانعت از دسترسی دیگران به قدرت هسته ای دارد، و هیچ معیار انسان دوستانه و اخلاقی

در آن نهفته نبوده و حتی ایالات متحده در این ادعا نیز صادق نمی باشد، بدین معنی که امروزه به غیر از ۵ قدرت اتمی جهان، کشورهای دیگر همچون برزیل، هند، پاکستان و اسرائیل و آفریقای جنوبی به سلاح هسته ای دسترسی پیدا کرده و یا در راه حصول آن می باشند. در این میان اسرائیل و آفریقای جنوبی همکاری دوجانبه داشته و تقریبا اکثر قریب به اتفاق ناظران معتقدند که اسرائیل چندین بمب اتمی دارد.(۱۵) لیکن آمریکاییها قدمی در خصوص مخالفت با دستیابی اسرائیل به سلاح هسته ای برنداشته و حتی هیچ اقدامی، ولی نمایشی در جهت تحت فشار قرار دادن آن نیز ننموده اند، در حالی که سیاست آمریکا نسبت به پاکستان در این خصوص کاملاً متفاوت می باشد.(۱۶)

هنگامی که دست اندرکاران سیاست خارجی آمریکا از سیاستهای هسته ای آفریقای جنوبی شکایت می کنند، متذکر می شوند که این امر در دراز مدت بر روابط ما تأثیر خواهد گذاشت.(۱) و طبیعی است که کلمه دراز مدت احاله به آینده نامعلوم است، خصوصا امروزه که بیش از ۷ سال از تحریر این سند می گذرد، واضح می باشد که نه تنها روابط دو کشور تیره نشده که بهتر از گذشته نیز می باشد.

۱- صفحه ۱۱۰ کتاب حاضر.

در قسمت دیگری از سند آمده است(۱) بسیاری از تحلیلگران معتقدند که اسرائیل از یک قدرت اتمی محدود برخوردار است. ولی ما از اسرائیل خواهیم خواست که نقش عدم تکثیر اتمی را در منطقه به نحوی مؤثر ایفا کند. «جای تعجب است که، آمریکا از کلیه فعل و انفعالات اتمی شوروی مطلع است، چگونه از دسترسی و یا عدم دسترسی اسرائیل به سلاح اتمی اطلاعی ندارد؟ و تنها از قول بسیاری از تحلیلگران و به صورت احتمال مطرح می کند.

حقوق بشر

ضمیمه شماره ۲

دفاع از حقوق بشر در مقابله با نقض حقوق خدادادی انسان از جانب ستمگران، به وسیله حق طلبان همواره مطرح بوده است. اکنون این سئوال پیش می آید که در جهان امروزی چه کسانی این حقوق را نقض کرده اند؟ و موارد نقض کدام می باشد؟ قریب به اتفاق مصادیق عناوین نقض حقوق بشر در غرب یعنی اروپا و آمریکا بوده است. و حتی اصطلاحات آن نیز غربی است.

انگیزسیون (تفتیش عقاید)، پوگروم (قتل عام)، گتو (محاصره اقلیتها)، اندلازونگ (ریشه کن ساختن اقلیتها)، هولوکوست (همه سوزی)، امپریالیسم نو و کهنه (استعمار)، آپارتاید (نژادپرستی) و حتی تجارت برده (Slave Trade) به بدترین شکل آن در قرن ۱۸ و ۱۹ در آمریکا و به وسیله اروپاییان وجود داشت و مزارع پنبه جنوب آمریکا به وسیله همین برده های سیاه پوست آباد گردید و غرب با تلفیق ایدئولوژی نژادپرستی با تجارت برده، پایه های برده داری را ثبات و استحکام بخشید و بازمانده های این طرز تفکر هنوز هم در آمریکای شمالی و آفریقای جنوبی صاحب قدرت هستند.(۱۷)

مسئله مهم این است که آیا حقوق بشر در ایدئولوژی غربی به عنوان یک اصل پذیرفته شده؟ و یا اینکه به عنوان یک ابزار جدید در به زیر سلطه کشیدن مظلومان جهان به کار می رود؟ به عبارت

روشنتر آیا تفاوتی بین افکار آقای ریگان آقای پیتر بوتا وجود دارد؟ یعنی اگر هم اکنون رئیس جمهوری آمریکا، رئیس جمهوری آفریقای جنوبی شود و بالعکس، آیا تفاوتی در سیاست خارجی و داخلی دو کشور آفریقای جنوبی و ایالات متحده رخ خواهد داد؟ یا اینکه نحوه تفکر آنها تفاوت جوهری نداشته و فقط شرایط سیاسی اجتماعی چنین اقتضاء می کند که آنها با دو شیوه به ظاهر متفاوت حکومت کنند، واضح است که جواب سئوال فوق منفی است، یعنی حقوق بشر یک اصل اخلاقی و ارزشی برای غرب نمی باشد، که در هر شرایط و هر رژیمی به آن معتقد باشند و عمل نمایند. اکنون این مسئله را باید روشن نمود که چه شرایط و زمینه هایی منجر گردید که غرب سنگ حقوق بشر را به سینه بزند؟

چند تغییر عمده در جهان و نیز در درون کشورهای صنعتی پدید آمده است که غرب را در به کارگیری سلاح حقوق بشر ترغیب نموده است. اولین تغییر، در وضعیت اقتصادی کشورهای صنعتی غرب بوده است. قدم گذاشتن به مرحله وفور اقتصادی منجر به گسترش طبقه متوسط و از بین رفتن خطر قیام محرومین و کارگران و بیکاران بر علیه نظام سرمایه داری گردید، تشکیلات درونی نظامهای غربی شکلی استوار و تقریبا ثابت به خود گرفت و کلید مبارزات سیاسی درون نظام و نه بر علیه نظام،

۱- صفحه ۱۳۸ کتاب حاضر.

انجام می گرفت و لذا خطر بروز انقلاب و تغییر نظامهای سیاسی منتفی گردید و حتی هنگامی که احزاب سوسیالیست هم حاکم می شوند، تغییر عمده ای در سیاست داخلی و خارجی این نظامها پدید نمی آورند. قبل از دوران وفور اقتصادی حقوق بشر به زشت ترین صورت آن در غرب مورد تعرض قرار می گرفته است و فاشیستی ترین رژیمهای تاریخ طی این دوره در آلمان هیتلری و ایتالیای موسولینی و اسپانیای فرانکو و غیره مشاهده شده است و اگر در داخل کشورهای اسکاندیناوی و انگلیس و فرانسه هم مشاهده نمی شود، نه از بابت طبع آزادمنش آنهاست که از بابت عدم امکان دسترسی آنها به شرایط و زمینه های توسعه طلبی (اسکاندیناوی) و یا نحوه توسعه طلبی غیر قاره ای (انگلیس و فرانسه) بوده است، و این دو رژیم اخیر عمدتا در مستعمرات خود مشغول ذبح حقوق بشر بوده اند.

تغییر و تحول دیگر در ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی از قبیل تلویزیون، رادیو، مطبوعات و غیره می باشد، این تحول به اندازه ای اهمیت دارد که قرن اخیر را با همه پیشرفتهایش از جهات مختلف، می توان قرن ارتباطات نامید. متأثر بودن شدید افکار عمومی از وسایل ارتباط جمعی مخالفت بالفطره مردم با استبداد و بی عدالتی، حکومتهای غربی را مجبور به پذیرش بعضی اصول در سیاست داخلی نمود. از جمله تغییر و گسترش شرایط انتخاب کنندگان و حق انتخاب کردن و سپس انتخاب شدن زنان و غیره از این موارد می باشد.(۱۸) حتی رعایت حقوق اجتماعی از قبیل ساعت کار و حق بازنشستگی، بیمه و غیره ناشی از ضرورت های اقتصادی جوامع غربی، در کنار مبارزات کارگری بود و این طور نیست که نظام سرمایه داری غرب به طیب خاطر چنین تحولاتی را پذیرفته و اکنون هم وضعیت اجتماعی و اقتصادی حاکم بر کشورشان است که آنها را به دفاع از چنین طرز فکری مجبور می نماید.(۱۹) تفکر مغرب زمین، خصوصا پس از قرون وسطی به شدت متأثر از جامعه و تغییرات

اجتماعی بوده است و عاری از ارزشهای مقدس می باشد هر چند که تحوّل در ابتدا در کنار تغییرات اقتصادی، غرب را مجبور به قبول اصلاحات سیاسی و اجتماعی نمود، لیکن از طرف دیگر «سرمایه» حاکمیت خود را بر وسایل ارتباط جمعی به سرعت محقق ساخت. و اگر روزی این وسایل بر علیه نظام عمل می کردند، بعدا در انقیاد نظام سرمایه داری درآمدند و یکی از ابزارهای لازم برای حفاظت سیستم سرمایه داری از خطرات دمکراسی گردید.به عبارت دیگر دمکراسی یا حاکمیت مردم امروزه در غرب تبدیل به حاکمیت وسایل ارتباط جمعی شده است و این وسایل نیز تحت حاکمیت «سرمایه» می باشند. و از این طریق است که شعار دمکراسی و استفاده از آن به عنوان یک حربه در غرب سهل شده است. موریس دورژه در کتاب جامعه شناسی سیاسی توضیح می دهد که چگونه وسایل ارتباط جمعی به یک سلاح سیاسی تبدیل شد و نیز چگونه این وسایل در غرب به سمت تمرکز پیش رفته است. و کلیه روزنامه های محلی در انحصار یک یا دو روزنامه مهم درآمده اند و چگونه این وسایل به صورت حربه ای بر علیه دمکراسی تبدیل شده اند و بدین نحو تنوع که سرچشمه اصلی آزادی مطبوعات است، جای خود را به انحصار می دهد و در جهت جنجال گرایی و «تحمیق» مردم گام بر می دارد.(۲۰)

تحول دیگر کند شدن بعضی از سلاح های سیاسی نظامی غرب در به استعمار کشیدن کشورهای جهان سوم می باشد. تغییر موازنه قوا به موازنه وحشت و عدم کارایی سلاح اتمی در حل دلخواه

مناقشات منطقه ای و نیز رشد قدرت کشورهای جهان سوم(۲۱) باعث گردیده است که غرب به دنبال اکتشاف سلاحهای جدیدتری جهت زورگویی و تسلط بر جهان باشد زیرا دیگر دورانی که فریاد زنند: «امپراطوری راه حلی برای مسئله نان است، اگر می خواهید جنگ داخلی نداشته باشید، باید امپریالیست شوید.»(۲۲) گذشته است و سلاح زور برای امپریالیست شدن کهنه شده است.

برای به کارگیری حقوق بشر به عنوان یک حربه لازم بود که تغییراتی نیز در اوضاع داخلی کشورهای غربی خصوصا آمریکا، نسبت به مسائل حقوق بشر از جمله نژادپرستی به وجود آید. هر چند که تئوریسن های آمریکایی سعی کرده اند که این امر را به سیاست سد نفوذ آمریکا ارتباط دهند. آمریکا مجبور بود که سیاست جدیدی را در پیش گیرد (در مقابل نفوذ شوروی) زیرا موضوع قراردادهای نظامی و سد نفوذ کفایت نکرده و برای نفوذ در کشورهای دیگر احتیاج به کسب مشروعیت برای سیاست داخلی خود داشت و لذا برای جلوگیری از عکس العمل منفی در خارج می بایست سیاست خود را نسبت به «سیاهان» تغییر می داد.(۲۳) از طرف دیگر کشورهای جهان سوم عمدتا دارای ساخت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مناسبی که بتوانند شیوه های حکومتی به شکل غرب به وجود آورند، نمی باشند و در صورت عدم تمکین نسبت به خواسته های غرب، مورد هجوم تبلیغاتی و سیاسی غرب قرار می گیرند، زیرا اگر یک حکومت مستقل و غیر وابسته به غرب در جهان سوم تصمیم به ادامه حیات خود و با شیوه حکومتی غرب بگیرد، طولی نخواهد کشید که دسیسه های فرهنگی و سیاسی غرب او را از پا در خواهد آورد و اگر در مقابل فشار غرب تسلیم نشود، و آن طور که صلاح ملتش می باشد، عمل کند، همواره تحت بمباران تبلیغاتی غرب و سازمانهای وابسته به آن خواهد بود و متهم به نقض قوانین انسانی و حقوق بشر خواهد شد.

نکته ای که تذکر آن خالی از فایده نمی باشد. این است که متأسفانه روشنفکران جهان سوم و حتی

وسایل ارتباط جمعی آنها هم در تورهای این دام غربی افتاده و دیگر کشورهای همنوع خود را با همین شیوه استدلال و از دیدگاه دمکراسی به مفهوم غربی آن مورد هجوم قرار می دهند و لذا از نظر یک روشنفکر وابسته جهان سومی نحوه حکومت هند به مراتب پسندیده تر از چین یا الجزایر می باشد. البته عکس این قضیه صادق نیست که هر حکومتی از دمکراسی غربی دورتر باشد، بهتر است. بلکه اصل مطلب در این است که ملاکهای تعیین حق و باطل نسبی این رژیمها در غرب تعیین نمی شود. و لذا بدین نتیجه می رسیم که حقوق بشر به مفهوم و تفسیر غربی آن ناشی از منافع غرب در شرایط تاریخی اقتصادی خاصی است و هیچ گونه بار ارزشی ندارد و حتی متأثر از مسیحیت هم نمی باشد، زیرا اگر چنین بود باید طی قرون وسطی و یا پس از آن نمونه های آن بروز می نمود. در مقابل در کشورهای دیگر خصوصا کشورهای اسلامی، حقوق انسانها جزو اصول ارزشی و اعتقادی مردم بوده است و عملکرد نظام های غربی چه قبل از جنگ دوم و یا در طول جنگ و حتی پس از آن در کلیه مستعمرات، به وضوح ضد انسانی بودن آنرا ثابت می کند. حتی امروز هم نمونه های این امر که به صورت آتش زیر خاکستر می باشد در غرب دیده می شود. از جمله، هجوم های نژادی به مسلمانان در فرانسه و به سیاه پوستان در انگلیس و به خارجیان غیر اروپایی در آلمان و غیره را می توان نام برد، در حالی که در کشورهای اسلامی وضع چنین نبوده و نیست، زمانی که اسپانیا در دست مسلمانان بود، مذاهب سه گانه در کنار یکدیگر زندگی می کردند، ولی هنگامی که اسپانیا دوباره به دست اروپاییان

مسیحی فتح شد، وحشیانه ترین اعمال را نسبت به مسلمانان روا داشتند، در صورتی که در حکومت عثمانی و در اوج قدرت آن که تا وین پیش رفته بود، اجباری در مسلمان نمودن مسیحیان ننمودند و آنها به زندگی و عبادات خود ادامه می دادند و حتی مرکزیت مذهبی آنها در استانبول حفظ گردید.

در اینجا بی مناسبت نیست که قسمتی از جوابیه سفارت جمهوری اسلامی ایران در بن را به بیانیه اعلام مواضع حزب سوسیالی دمکرات آلمان که درباره اوضاع ایران در تاریخ اکتبر ۱۹۸۵ منتشر شده بود را ذکر نماییم(۱).

«در کشورهای اسلامی هیچ گاه تعقیب دینی سیستماتیک وجود نداشت. تفتیش عقاید مذهبی (انگیزسیون)، قتل عام (پوگروم)، محاصره اقلیتها (گتو)، ریشه کن ساختن اقلیتها (اندلازونگک)، همه سوزی (هولوکوست) اصطلاحاتی است که در غرب ساخته و پرداخته شده است و به اعمال شناخته شده ای اطلاق می شود که در این سرزمین سنت طولانی دارد ما این اعمال را مدیون ملل متمدنی هستیم که گاه وگاه می خواهند به ما درس حقوق بشر بدهند.

... زندگی مسالمت آمیز ادیان سه گانه در دوره حکومت اسلامی در اسپانیا و تعقیب دینی این ادیان که پس از فتح مجدد اسپانیا به آن گرفتار آمدند، قابل ذکر است....

جنگهای سی ساله بین مسیحیان، جمعیت اروپا را به نصف آن کاهش داد. یهودیان و مسلمانان قرنهای متمادی در فلسطین با مسالمت در کنار هم زندگی می کردند، تا یهودیان اروپایی که تحت تعقیب بودند به آنجا پناه آوردند و خود به تعقیب دیگران پرداختند [زیرا یهودیانی بودند که خلق و خوی اروپایی و غربی داشتند]تاریخ رایش سوم و جنایات آلمانی ها به عنوان متمدن ترین قوم اروپایی کاملاً شناخته شده است.»

اکنون به واقعیت سیاست حقوق بشر آمریکا که اوج آن طی دوران حکومت کارتر بود و چکیده آن

در این اسناد آمده است، می پردازیم.

«مسایل مربوط به حقوق بشر جزء لاینفک روابط از جمله تبادل خصوصی دیپلماتیک تا برنامه های کمک مالی و روابط نظامی ما با دیگر دولتها شده است.»

ذکر این خط مشی کلی مانع از آن نمی باشد که در سراسر متن روح مخالف آن را حاکم بر نوشته بیابیم. خصوصا در تحلیل اوضاع منطقه ای آفریقا و آمریکای لاتین این امر به وضوح دیده می شود. در صفحه ۸۷ ضمن خوشحالی از بهبود قابل ملاحظه وضع حقوق بشر در چند کشور آمریکای لاتین متذکر می گردد که آمریکا خواستار برقراری حکومتهای دمکراتیک مدنی در این نقطه از جهان بوده است. ولی توضیح نمی دهد که ارتباط این وضعیت ناهنجار و ضد انسانی در این نقطه جهان با تسلط و حاکمیت کلی ایالات متحده بر آنجا چگونه است؟ چه دلایلی باعث شده است که دیکتاتورترین حکومتهای جهان در منطقه امنیتی و خصوصی آمریکا پرورش یابند؟ چگونه در مناطق دیگر آسیا و آفریقا که بعضا از نظر اقتصادی و اجتماعی از کشورهای آمریکای لاتین عقب تر هستند، حکومتهایی به مراتب انسانی تری یافت می شوند؟ و از همه مهمتر در عمل چه نوع محضوراتی را اعم از دیپلماتیک و اقتصادی در روابط خود با این کشورها در نظر گرفته اند؟ و حتی در این سند سری و غیرآشکار

۱- برای آشنا شدن با چگونگی حقوق بشر در آلمان می توان به کتاب "قهقرا" نوشته گونتروالراف ترجمه س پوستی که از اواخر سال ۱۳۶۴ به صورت پاورقی در کیهان منتشر شد مراجعه کرد.

ذکری از نقض حقوق بشر در کشورهائی همچون برزیل، آرژانتین، شیلی و اروگوئه به میان نمی آید.

چگونه است که اگر اختلافات مرزی بین کشورها شدت یابد، آمریکا مجبور به مداخله خواهد شد؟(۱)

ولی توانائی ممانعت از نقض حقوق بشر در این کشورها را ندارد؟

در این میان فقط نیکاراگوئه و السالوادر مورد تعرض جدی از طرف انقلابیون بوده اند، و لذا آمریکا

برای دفاع از موجودیت آمریکایی این رژیمها و ممانعت از تغییر و تحولات اساسی و ایجاد بحران(۲)

درصدد برمی آید که تغییراتی بنیادین را در این دو کشور به وجود آورد، در حالی که دیگر حکومتهای

منطقه از نظر نقض حقوق بشر دست کمی از این دو رژیم نداشتند.

«آمریکا به دنبال راههایی است تا از طریق آنها بتواند رعایت حقوق بشر را در آمریکای مرکزی

سبب گردد و مانع از افزایش خشونتهای سیاسی داخلی گردد.»(۳)

سئوال این است که آیا این نقض حقوق بشر در آمریکای لاتین تازگی داشته است؟ یا دارای قدمت

دیرینه به عمر دکترین مونرو می باشد؟ و چرا تاکنون راهی برای آن پیدا نشده است؟ البته جواب واضح

است زیرا در قسمتی از متن که توجیه سیاست موجود با بخش های دیگر دستورالعمل همسو نبوده

است آنرا به نحوی به آینده موهوم و خیالی احاله داده اند. مثلاً در قسمت دیگری آمده است که: گرچه

مشکلات نژادی آفریقای جنوبی پیچیده است(!!)... ما مصرانه از آفریقای جنوبی خواهیم خواست که

یک روند مشورتی سیاسی سازنده را آغاز نماید... در صورتی که این روند آغاز نشود روابط با

آفریقای جنوبی به سردی خواهد گرائید.»(۴)

در ابتدا با پیچیده جلوه دادن مشکلات نژادی یک پیشداوری ظالمانه را به نفع رژیم نژادپرست

تلقین می کند، و سپس درخواست آغاز نمودن یک روند مشورتی سیاسی سازنده را به آینده احاله

می کند و معلوم است که تاکنون چنین درخواستی را نکرده اند و در نهایت هم معتقدند اگر این روند

آغاز نشد، روابط به سردی می گراید و البته معلوم نیست که سقف زمانی لازم برای این موضوع چه موقع است و امروز از نزدیک به ده سال از تاریخ نگارش متن سند می گذرد، همه شاهد هستند که از نظر آمریکا پیچیدگی نژادی در آفریقای جنوبی به حدی است که عدم آغاز چنین روندی منطقی است و زمان شروع سردی روابط فی مابین نرسیده است. روابط گرمی که حقوق بشر جزء لاینفک آن به شمار می رود!!

در جای دیگر آمده است که: «اگر رژیم پروتوریا طرحهای سازمان ملل (در خصوص نامیبیا) را نپذیرد، سازمان ملل مجبور خواهد شد که بر علیه آن تحریم کند، این مسئله کشورهای مختلف از جمله آمریکا را با تصمیمات دشواری روبه رو ساخته و به همین علت ما نمی دانیم که چه نوع تحریم هایی مناسب هستند.»(۵) (!!) این هم یکی از موارد دشوار در سیاست خارجی آمریکا است و حق هم همین است. جالب است که اگر گفته شود یک سال بعد و پس از تسخیر لانه جاسوسی و فقط در

۱- صفحه ۱۴۴ کتاب حاضر.
۲- صفحه ۱۴۶ کتاب حاضر.
۳- صفحه ۱۴۶ کتاب حاضر.
۴- صفحه ۱۴۱ کتاب حاضر.
۵- صفحه ۱۴۰ کتاب حاضر.

عرض چند روز برای تحریم کامل ایران از نوع آنها مطلع شدند ولی طی مدت چند سال با آن همه نفوذ در آفریقای جنوبی هنوز نمی دانند که چه نوع تحریمهایی برای رژیم نژادپرست مناسب است.

کدام دیپلمات آمریکایی در جهان با خواندن این سطور باور خواهد کرد که، آمریکا با آن همه دستگاههای اطلاعاتی و خبری و تحقیقاتی مختلف که مدعی اطلاع از تمام مسائل جهان می باشند، از مسئله نسبتا ساده ای بدین صورت، تحلیلی ندارد؟

تعیین کنندگان خط مشی خارجی آمریکا هنگامی که هیچ توجیهی برای عملکردهای خود ندارند، دلایل عجیبی ارائه می کنند که مصداق عذر بدتر از گناه می باشد: «در حال حاضر مهمترین مسئله موجود در روابط فی مابین (با فیلیپین) تمایل ما به حفظ تأسیسات نظامی... پایگاه هوایی کلارک و پایگاه دریائی دماغه... است که گذشته از امتیازات عملیاتی برای ما، در تائید حاکمیت فیلیپین بوده و اقدامات جبران کننده را نیز در نظر دولت این کشور معقول تر جلوه گر می سازد. دو پایگاه دیگر دارای تجهیزاتی است که نمی توان در نقطه ای دیگر از اقیانوس آرام مستقر ساخت و انتقال دیگر تأسیسات قابل انتقال نیز هزینه های گزافی را در بر خواهد داشت. مسائل دیگر چندان حاد نیست، ولی تا مدتها اذهان دو دولت را به خود مشغول خواهد نمود. از جمله این مسایل حقوق بشر، تجارت، مهاجرت و این احساس پابرجای فیلیپینی هاست که ناشی از گذشته استعماری آنها بوده و مبتنی بر این است که باید «رابطه ی خاص» با ایالات متحده داشته باشند.»(۱)

توجیه یک رابطه استعماری و ظالمانه و با استناد به دلایل نژادپرستانه را چه می توان نامید؟ اگر این نوشته مربوط به ابتدای قرن حاضر، یعنی زمانی که مستعمره فیلیپین بیشتر از سه ربع قرن تحت تسلط آمریکاییهای انسان دوست! و ضد استعمار! قرارداد آیا استناد به سابقه استعماری نمی توانند فریبی برای توجیه رابطه ویژه باشد؟ و اگر هم حقیقت داشته باشد، آیا این حقیقت مبین چهره کریه

استعمار آمریکایی نمی باشد؟ چگونه است که مردم کشورهای دیگر منطقه از جمله مالزی، سنگاپور، ویتنام و غیره که مدت کمتری از آزادی آنها از سلطه استعمار اروپا می گذرد، چنین مشکلی ندارند؟ چهارچوب حقوق بشر آمریکایی! در صفحه ۴۹ به سئوالاتی در زمینه چگونگی متعادل نمودن منافع آمریکا هنگام تعارض با حقوق بشر و یا هنگام بحران در کشورهای طرفدار آمریکا، مطرح شده است و پیدا کردن جوابهای مربوط به آینده احاله شده است، آینده ای که پس از گذشت قریب به ده سال امروز برای ما روشن شده است، و سیاستهای ضد حقوق بشری ریگان بر همگان واضح می باشد. این نحوه برخورد شیوه ای است که اگر امروز هم به متون مشابه صادره از وزارت خارجه آمریکا دسترسی پیدا کنیم، کاملاً متوجه می شویم که، مسایلی بدین صورت همه به آینده ای مجهول احاله می گردند.

صلح طلبی

ضمیمه شماره ۳

معنای واقعی صلح طلبی در قاموس سیاسی ایالات متحده، حفظ آن قسمت از وضع موجود است که منطبق بر منافع ایالات متحده می باشد، و نیز مبارزه و جنگ بر علیه آنچه مورد پسند آمریکا

۱- صفحه ۱۴۰ کتاب حاضر.

نیست، البته تا حدودی که توان انجام چنین عملی را داشته باشد.

بین دو ابرقدرت تصور مشترکی در خصوص نگرش دو قطبی به جهان و تحلیل مسائل و مشکلات آن از این دیدگاه وجود دارد، یعنی هر حرکتی را که به نحوی مخالف منافع و اهداف خود بدانند، فورا آن را به دخالتها و دسیسه های ابرقدرت دیگر مربوط می کنند. جدا از این که ابرقدرتها به این طرز تفکر اعتقاد داشته و یا نداشته باشند، از آن برای توجیه دخالتهای غیر انسانی خود در امور دیگر کشورها استفاده می کنند روسها با توجیه وجود توطئه از طرف امپریالیسم آمریکا در افغانستان، در آنجا دخالت نظامی می کنند، همچنین آمریکاییها نیز معتقدند: «مداخله شوروی در ایران (منظور حوادث مربوط به انقلاب اسلامی است)... نگرانی عموم و کنگره آمریکا را افزایش خواهد داد.(۱) و با همین دیدگاه نیز حرکتهای ضد نژادپرستانه را در آفریقای جنوبی و نامیبیا نوعی حضور شوروی و کوبا در منطقه می داند که این امر صلح جنوب آفریقا را تهدید می کند.(۲)

یکی از اصول دیگری که در برخورد با مسائل سیاسی از جانب ابرقدرتها پذیرفته شده است، اصل تمکین در مقابل امر واقعی ولی در قالب منافقانه می باشد، یعنی تا هنگامی که بتوانند با یک موج جدید مبارزه کنند، به این عمل خود ادامه می دهند، ولی هنگامی که توان خود را برای اجرای این امر کافی نبینند، فورا تغییر جهت داده و خود را همسوی آن موج می نمایند تا به نحوی بر آن سوار شوند.

به عنوان مثال در خصوص رودزیا نوشته اند: «چون رودزیا حتما در تحت حکومت اکثریت در می آید هدف آمریکا نیز مساعدسازی زمینه برای تحقق این مطلب است.»(۳)

ملاحظه می شود هر چند که در شیوه نژاد پرستی بین رژیم رودزیا و آفریقای جنوبی تفاوتی وجود نداشت، لیکن سیاست فوق در آفریقای جنوبی دنبال نمی شود، زیرا در آنجا نژادپرستان آنقدر قوی هستند که هنوز بر سریر قدرت بمانند.

و یا در قسمت دیگری آمده است که: «ما و آفریقائی ها معتقدیم که تنها راه حل های آفریقائی قادر به حل مسایل آفریقا می باشد.»(۴) (منظور ممانعت از دخالت نیروهای کوبا و شوروی است.) اگر این مطلب به عنوان یک اصل است چرا در آمریکای لاتین و یا آسیای جنوب شرقی مصداق نداشته باشد؟ واضح است که در آنجا آمریکا توان مداخله دارد و این کار را هم می کند، ولی در آفریقا این قدرت را ندارند و لذا منادی عدم دخالت می گردد. (روابط آمریکا با ملل محروم آفریقا، خالی از ابعاد انسانی است و تنها محور این روابط ممانعت از نفوذ روسها و کوبا و نیز دسترسی به با زارها و منابع مواد خام منطقه می باشد.)

صلح طلبی در سیاست خارجی آمریکا به عنوان یک ارزش تلقی نمی شود. بلکه آنجا که از سر ناچاری تن به مسائل ناخوشایندی می دهند، برای آنکه به شکست و یا ماهیت خود اعتراف نکنند، فورا صلح طلب می شوند.

مسائل اقتصادی و بین المللی

۱- صفحه ۱۳۲ کتاب حاضر.

۲- صفحه ۱۴۰ کتاب حاضر.

۳- صفحه ۱۴۰ کتاب حاضر.

۴- صفحه ۱۴۲ کتاب حاضر.

مسائل اقتصادی و بین المللی

۱ ثبات بازار جهانی مواد اولیه:

برای به گردش درآمدن چرخهای صنعتی و تولدی غرب، به طور مطلوب، ثبات بازار جهانی مواد اولیه یک ضرورت است. حتی اگر این ثابت به قیمت فقیرتر شدن کشورهای جهان سوم تمام شود، زیرا اکثر این نوع کشورها دارای مواد اولیه متعدد می باشند ولی فاقد تکنولوژی لازم جهت تبدیل آنها به کالاهای سرمایه ای، واسطه ای و مصرفی می باشند و لذا اقدام به فروش آنها به صورت خام می نمایند.

تئوریهای اقتصادی غرب مدافع آزادی بازارهای داخلی و جهانی است و حتی المقدور با سیاستهای گمرکی مخالفت می نمایند، این تئوری مبتنی بر اصل آزادی رقابت می باشد، ولی در عمل به وجود آمدن کارتلها و تراستهای بزرگ مانع از قیمت گذاری براساس عرضه و تقاضا گردیده است. این کارتلها و تراستها با اعمال سیاستهای متمرکز درصدد تثبیت و یا حتی تنزیل قیمت مواد خام کشورهای جهان سوم برمی آیند، و از طرف دیگر قیمت تولیدات خود را با اتخاذ سیاستهای حمایتی افزایش می دهند. تنها گروهی که تاکنون توانسته است تا حدودی در مقابل این مؤسسات امپریالیستی قد علم کند، اوپک بوده است، که آن هم چندی است در دام سیاستهای امپراطوری تراست کارتل های غربی افتاده و قیمت نفت تاکنون به کمتر از نصف آن کاهش یافته است.(۱)

برای روشن شدن سیاست ثبات بازار جهانی مواد اولیه کافی است نگاهی به آمار زیر که تغییرات قیمت بعضی از مواد را نشان می دهد.

جدول شماره ۱

تغییر قیمت مواد معدنی کشاورزی طی ۲۲ سال

عکس

ملاحظه می شود که طی ۲۲ سال به استثنای پنبه (آن هم حدود ۲۰٪) بقیه با کاهش قیمت مواجه شده اند. قیمت این مواد طی سال های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷ افزایش یافت ولی روند تغییرات آن بعد از سال ۷۷ نیز قابل توجه می باشد.

۱- مطلب مربوط به سال ۱۹۸۶ می باشد.

جدول شماره ۲

تغییر قیمت بعضی مواد

عکس

در صورتی که بخواهیم تغییر قیمتهای فوق را با لحاظ نمودن تورم جهانی (جدول ۳) منظور کنیم.

جدول شماره ۴ حاصل می شود.

عکس

جدول شماره ۴

عکس

در جدول فوق باید تغییرات ارزش برابری دلار را نیز محاسبه نمود که از انجام آن صرف نظر

نموده و لذا اعداد جدول را به طور تقریبی باید مورد ملاحظه قرارداد.

ملاحظه می شود که ثابت نگه داشتن قیمت این مواد چه ضربه سختی بر اقتصاد نوپای کشورهای جهان سوم وارد می کند. به عنوان مثال می توان میزان تبدیل این مواد به کالاهای صنعتی را مورد مطالعه قرار داد. در سال ۱۹۵۹ با فروش ۲۴ تن شکر امکان خرید یک تراکتور ۶۰ اسب وجود داشت لیکن در آخر سال ۱۹۸۲ برای این معامله ۱۱۵ تن شکر ضروری بود در سال ۱۹۵۹ با فروش ۶ تن چتایی امکان تهیه در یک کامیون ۷ ۸ تن وجود داشت لیکن در آخر سال ۱۹۸۲ این تعادل با ۶۶ تن چتایی حاصل می شد. در سال ۱۹۵۹ یک تن سیم مسی برای خرید ۳۹ لوله اشعه ایکس کافی بود، ولی در آخر سال۱۹۸۲ همین میزان فقط شامل یک لوله اشعه ایکس می شد.(۲۷)

تثبیت قیمت گندم از سوی آمریکا و غرب که از تولیدات غرب است، نیز ناشی از ضرورت بوده است زیرا در صورت اضافه نمودن قیمت آن اولاً کشورهای دیگر اهمیت بیشتری به کشت آن داده و به سمت خودکفائی خواهند رفت و این امر اهرم فشار گندم را برای مواقع ضروری از دست آمریکا خواهد گرفت، ثانیا اضافه تولید در غرب به حدی است که امکان اضافه نمودن قیمت آن به طور جدی وجود ندارد. فشار تولید کننده آمریکایی به دولت متبوعش در زمینه صدور گندم به حدی است که آمریکا در استفاده از گندم به عنوان یک اهرم فشار در شرایط غیر متعادل، منصرف نموده است.

سیاستهایی که آمریکا و غرب در مواجهه با قیمت نفت اتخاذ کردند را می توان در کتاب جداگانه ای که در همین رابطه چاپ می شود، ملاحظه کرد. ولی خلاصه ای از آن در صفحات بعدی آمده است.

۲ قانون دریاها:

از جمله مسائلی که تاکنون حل نشده و به عنوان عامل تنشی بین کشورهای جهان سوم با آمریکا و انگلیس وجود دارد، چگونگی استفاده از منابع دریاهای غیر ساحلی و خارج از فلات قاره می باشد. آمریکا به علت داشتن بالاترین تکنولوژی و نیز دارا بودن سرمایه لازم در کنار تسلط نظامی بر

دریاها، شرایط لازم برای تحقق سلطه کامل بر دریا جهت بهره برداری از منابع آن را دارد. از طرف دیگر کشورهای جهان سوم نداشتن شرایط فوق را مانع از ذیحق بودنشان در منافع حاصل از دریا نمی دانند، همان طوری که در منابع تحت الارض داخل کشور نیز عدم امکان بهره برداری مانع از ذیحق بودنشان نمی باشد.

اهمیت زیاد منابع معدنی(۱) دریاهای خارج از فلات قاره سبب شده است که توافق برای بهره برداری مشترک یا منفرد از آن با موانع سختی مواجه شود. دولت مالت پیشنهاد کرد که این مناطق به عنوان میراث مشترک بشریت شناخته شده و یک مقام بین المللی مسئولیت بهره برداری از منابع آن را تقبل کند و منافع آن را بین اعضای جامعه بین المللی با در نظر گرفتن رشد اقتصادی هر یک تقسیم کند. این پیشنهاد با مخالفت کشورهای پیشرفته صنعتی روبه رو شد.(۲۸)

هر چند وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در دنباله فلات قاره ها و حتی در اعماق ژرف اقیانوسها امری مسلم است و بسیاری از فلزات مهم قابل استخراج در آن وجود دارد و به عبارتی پاسخگوی قرنها نیاز بشر خواهد بود لیکن مطبوعات غربی در این زمینه سر و صدایی راه نمی اندازند، و دست اندرکاران امور مالی و اقتصادی جهان در این باره سکوت را بر جنجال ترجیح می دهند. هر چند آرام آرام تکنولوژی خود را در حدی گسترش می دهند که امکان استخراج را در اعماق زیاد دریاها

۱- مثلاً منگنز و فسفوریت به صورت کلوخه در بستر اقیانوس ها در اعماق ۷۰۰ الی ۶۱۰۰ متری یافت می شود.

فراهم نمایند.(۲۹)

نحوه برخورد سیاستمداران آمریکایی با مسئله فوق در متن سند به خوبی روشن است، و پس از ذکر پیشنهاد آمریکا در خصوص دریاها آمده است که «این قانون بدین دلیل پیشنهاد شده که معدنچیان آمریکا بتوانند تکنولوژی مورد نیاز را پدید آورده و در صورت مقرون به صرفه بودن حتی بدون عقد قرارداد خاصی فعالیت های معدنی آغاز گردد.(۱) و یا در قسمت دیگر اراده آمریکا را در اعمال نظرات خود در مواجهه با دیگر کشورها را بدین صورت بیان می نماید: در صورت عدم موفقیت مذاکرات، آمریکا باید سیاستهایی را در جهت حفظ منافع ملی خود اتخاذ نماید، که از جمله می توان انعقاد قراردادهای ویژه منطقه ای و عملی را نام برد. ولی در صورت حصول پیشرفت راه برای عقد قرارداد با اعضای میانه رو کشورهای در حال توسعه باز می شود...(۲)

نکه جالبی که در سراسر سند مشاهده می شود، تناقض بارزی است که بین شعارهای آمریکا در دفاع از آزادی، حقوق بشر، توسعه، مبارزه با فقر و غیره از یک طرف و مخالفت قاطع کشورهای جهان سوم با سیاستهای آمریکا در زمینه های حقوق دریاها، انتقال تکنولوژی، سازمان ملل و ارکان های تابعه آن ارتباطات و فضا برونی وجود دارد، حتی در مواردی نیز کشورهای صنعتی هم بانظرات آمریکا مخالف بوده و در مقابل آن ایستادگی می کنند.(۳) همه جا صحبت حمایت از منافع و توسعه کشورهای در حال پیشرفت می باشد ولی عجیب است که این کشورها همواره با آن مخالفت می کنند. نمونه ای از این نظرات در آراء سازمان ملل و در قسمت بعدی ارائه خواهد شد.

کمکهای اقتصادی و عمرانی

ضمیمه شماره ۵

شاه بیت قصیده سیاست خارجی آمریکا مسئله کمکهای اقتصادی و عمرانی است. نقش مهم

کمکهای اقتصادی در سیاست خارجی ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم ظاهر گشت. آنها مدعی اند که این کمکها با هدف زیر انجام می شود. «کمکهای دو جانبه امتیازی ما نیز باید بر رفع نیازهای اساسی مردم فقیر کشورهای دست به گریبان با فقر متمرکز باشد... و در صورت موجود بودن منابع مالی کافی به دولت هائی اختصاص یابد که متعهد کمک به فقرای خود هستند... سیاست ما بر این عقیده استوار است که تأمین نیازهای اساسی انسان مکمل برنامه هایی است که هدفشان توسعه و رشد است.»(۴)

یا در جای دیگر می خوانیم که: «کمکهایی امتیازی باید در اختیار فقیرترین کشورها قرار گیرد.»(۵)

برای روشن شدن حقیقت کمکهای خارجی آمریکا و اینکه واقعیت این کمکها با جمله پردازی های فوق چه تفاوتی دارد، ابتدا نظری به سیاست کمکهای اقتصادی آمریکا پس از جنگ دوم جهانی

۱- صفحه ۱۲۹ کتاب حاضر.

۲- صفحه ۱۰۸ کتاب حاضر.

۳- صفحه ۱۳۰ کتاب حاضر.

۴- صفحه ۱۱۵ کتاب حاضر.

۵- صفحه ۱۱۹ کتاب حاضر.

انداخته و سپس کمکهای خارجی اخیر دولت ریگان که مربوط به سال ۱۹۸۶ می باشد را مورد بررسی قرار می دهیم.

پس از جنگ دوم و خرابی شدید اروپا، طرح مارشال جهت ثبات اروپا برای دفاع در مقابل نفوذ کمونیسم ارائه شد. از آنجا که کمک گیرندگان کشورهای با سابقه صنعتی بودند. لذا این کمکها در مسایل اساسی و زیربنایی به کار رفت. به طوری که پس از سه سال اقتصاد اروپا رمق از دست رفته خود را بازیافت. و حتی با سرعت بیشتر از آنچه که برآورده شده بود. و نیز با استفاده کمتر از سقف کمکهای پیش بینی شده در طرح مارشال، به نتیجه دلخواه رسید.(۳۰)

هدف این کمکها صرفا برای مقابله با نفوذ کمونیسم در کشورهای اروپایی بود. اجرای این هدف در کشورهای ترکیه و یونان در قالب طرح ترومن پدیدار شد و کمک ۴۰۰ میلیون دلاری به این کشورها و نیز کمکهای مشابه به کشورهای دیگر، نوع جدیدی از کمکهای خارجی آمریکا در عرصه جهانی نمودار گشت.

قسمتی از این کمکها صرفا جهت تقویت ارتش و دولت برای مواجهه با نیروهای انقلابی و به دنبال هدفهای استراتژیک بوده است، در این رابطه سخنان ژاکوب وینر (Jacob Viner) مشاور پیشین آیزنهاور که تحت عنوان نقش آمریکا در اقتصاد جهانی و طی یک کنفرانس در دانشگاه کلمبیا درباره سیاست ملی و موفقیت داخلی و خارجی در سال ۱۹۵۴ ایراد شده است، قابل توجه می باشد.

«اگر تقاضایی کمک یکسره و تنها مبتنی بر ملاحظات خالصا اقتصادی بودند هیچ اقبال توفیقی در جنباندن رگ سود کشورهای پیشرفته پیدا نمی کردند.

این تنها به خاطر ربط کمک با استراتژی کشورهای غنی است که تقاضاهای کشورهای در راه رشد تا اندازه ای اقبال اجابت دارند. در عرصه شطرنج سیاست، کشورهای از رشد مانده نقش پیاده را برای

کشورهای زورمند بازی می کنند.

تنها عاملی که قادر است ما را به لزوم طرح و اجرای یک برنامه کمک واقعا وسیع به کشورهای از رشد مانده متقاعد کند، اطمینان به این امر است که دوستی یا اتحاد این کشورها برایمان دارای ارزش استراتژیک و سیاسی، روانی در «جنگ سرد» است. اطمینان به این امر است که در تأمین این دوستی و اتحاد می توانیم بر روی کمکهای اقتصادی پرحجم خود حساب کنیم و اطمینان به این امر است که بها و هزینه قابل ملاحظه این برنامه کمک اقتصادی، در مقایسه با بردها و دست آوردهای استراتژیک بهای گزافی نیست.»(۳۱)

هدف سرمایه های آمریکایی در خارج از کشور سود بیشتر همراه ملاحظات سیاسی بوده است و نه توسعه کشورهای جهان سوم. برای روشن شدن این امر کافی است گفته شود که از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۲ از ۳۴ میلیارد دلار کمک خارجی آمریکا ۲۶ میلیارد آن به اروپا و ژاپن و فقط ۶۰ میلیون آن یعنی حدود ۰۰۲/۰ کمکها نصیب آفریقا شده است.(۳۲) از مجموع سرمایه گذاریهای آمریکا در آفریقا در طی چندین سال بعد از جنگ دوم مقدار ۵۱٪ آن در نفت، ۵/۱۳ ٪ در تجارت و ۲۲٪ در معادن و فقط ۵/۱۳٪ در صنعت به کار رفته است و این نسبت در خاورمیانه ۹۳٪ برای نفت و ۳٪ در صنعت بوده است و کلاً در سال ۱۹۶۲ ۶۵٪ سرمایه گذاریهای آمریکا در آسیا در رشته نفت انجام شده و ۴۷٪ سرمایه گذاریهای فرانسه نیز در ۱۹۶۱ در نفت بوده است.(۳۳)

این سیاست حتی در انتقال تکنولوژی نیز رعایت می شده است. تکنولوژیهای مربوط به انرژی، مواد غذایی و بهداشت در انتقال به کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار خواهد گرفت... دمکراسی های صنعتی باید در تلاش خود برای بهره برداری بهتر از تکنولوژی در مسیر حفظ محیط، بهبود وضع بهداشت، کنترل رشد جمعیت، ممانعت از آلودگی دریا، بهره برداری از منابع انرژی امن و قابل تجدید و بهره برداری بهتر از خاک و نبات و حیوانات رشته امور را در جهان به دست گیرند.(۱) ملاحظه می شود که این کمکها همواره در جهت حل معضلات و مشکلات غرب بوده است. (تأمین انرژی امن، حفظ محیط زیست، کنترل رشد جمعیت و آلودگی دریاها...) کشورهای جهان سوم در منافع دریاها شریک نمی باشند و تسلطی بر آن ندارند که مسئله آلودگی دریا برای آنها مطرح با شد، البته این بدان معنی نیست که آنها خواستار آلودگی دریاها هستند، بلکه منظور در اولویت قرار داشتن مسایل می باشد. درصد ناچیزی از این کمکها در امور اساسی که پایه های محکمی برای اقتصاد ملی کشورهای جهان سوم باشد، صرف شده است.

مقداری از این کمکها تحت عنوان «کمک برای دفاع» انجام می شد. و به آن دسته از متحدین نظامی آمریکا تعلق می گرفت که قادر به تحمل هزینه های دفاعی خود نمودند. این کمک بدین صورت بود که، به کشور مورد نظر اجازه وارد کردن هر کالائی را از آمریکا می دهد، بدون آنکه نیازی به پرداخت دلار باشد و از فروش آن در داخل کشور، پول محلی عاید می گردد که این پول در صندوقی جمع می شود و آن گاه دولت آمریکا به کمک گیرنده اجازه می دهد که برای تأمین مخارج و به ویژه هزینه های نظامی از این صندوق برداشت کند. کشور کمک گیرنده برای فروش سریعتر ترجیح می داد که کالاهای مصرفی وارد کند. این کمکها با شرایطی که برای آن وجود داشت منجر به به وجود آمدن یک طبقه متوسط وابسته می شد. این مبالغ به دولت اجازه می داد که سازمان اداری اعم از لشگری و

کشوری را اداره کند، البته درنظر آمریکاییها این طبقه متوسط متناسب با کالائی شده است که از محل کمک وارد می گردد، لذا اگر دولت بخواهد با ممنوع کردن واردات کالاهای مصرفی، ورود کالاهای سرمایه ای را ترویج کند، موجب آن می شود که در صندوق وجهی فراهم نیاید و بدین سان تحویل بودجه ممکن نگردد، و از این رو دولت کمک گیرنده چه بخواهد و چه نخواهد در تله شیوه سرمایه داری رشد می افتد، شیوه رشد سرمایه داری از این دیدگاه، این است که بالا رفتن پس انداز طبقه متوسط نیاز به فرآورده های صنعتی را موجب می شود که این امر مقدمات و شرایط ایجاد یک صنعت محلی را فراهم می آورد، طبقه متوسط شهری که بدین سان پدید می آید، و در درآمد و مصرف وابسته به غرب است، خود خندق مطمئنی علیه کمونیسم می گردد.(۳۴)

بدین صورت واضح است که کمکهای خارجی راهی جز روند وابستگی و به انحطاط کشاندن اقتصاد ملی طی نکرده است، در این رابطه قبول کمکهای اقتصادی آمریکا به وسیله مصر پس از توافق کمپ دیوید نمونه جالبی می باشد و نشان می دهد چگونه سرمایه های خارجی در بخشهای خدمات، جهانگردی، تجارت، نفت، ساختمان و بانکداری به کار گرفته شده است و بخشهای عمده صنعت و کشاورزی از آن بهره کافی و متناسب نبرده اند که این امر منجر به تخریب نظام اقتصاد ملی مصر گردیده است.(۳۵)

۱- صفحه ۱۱۸ کتاب حاضر.

گذشته از موارد مزبور نگاهی گذرا به بودجه کمکهای خارجی آمریکا در سال ۱۹۸۶ که تقریبا

مشابه کمکهای گذشته است. مؤید این مطلب است که این کمکها دارای هیچ گونه بار ارزشی و انسان

دوستانه و در جهت تحقق اهداف حقوق بشر نمی باشد و یا آن طور که مدعی هستند، در مسیر تأمین

نیازهای اساسی انسان دربرگیرنده حداقل سطوح زندگی ملموس و غیر ملموس یا به عبارت دیگر

تغذیه کافی، بهداشت، بهزیستی، پوشاک، مسکن و آموزش و پرورش برای تمام انسانها است. و تأکید

آن نیز بر تساوی است،(۱) نمی باشد. در نظر آمریکاییها نه تنها توسعه کشورهای جهان سوم در

کمکهایشان، مسئله اصلی نمی باشد بلکه اخیرا از روند توسعه نیز نگران شده اند.!

«در چند سال آینده آمریکا نگران تأثیر روند مدرن سازی بر ثبات سیاسی و کارایی نهادهای

موجود، در تطابق با روشها و مشکلات جدید است. رویدادهای چند ساله اخیر معدودی از کشورها از

قبیل هند، پاکستان، ایران نیجریه و مکزیک نشان می دهد که...»

۱ میزان کمکها(۳۶)

مقدار کمکهای خارجی آمریکا برای سال ۱۹۸۶ که از طرف کنگره تصویب شده است برابر

۷۷/۱۲ میلیارد دلار است و در مقایسه با مبلغ ۳۰۱۱ میلیارد دلار تولید ناخالص ملی آمریکا این

عدد برابر ۴۲/۰٪ نسبت به گذشته(۲)میلیارد دلار آن در امور نظامی است که بدین صورت توزیع می شود وام های صرف نظر / ۱۲ میلیارد کمک خارجی ۲۷ / ۳ از مجموع ۷۷

۶۲۶۹ میلیون دلار می باشد. / ۹۳ میلیون دلار که در مجموع ۳ / شده ۳۱۰۰ وام با نرخ روز ۲۲۷۱ بلاعوض و غیره ۲(۳) کاهش نشان می دهد. همچنین باید توجه داشت که حدود نصف

این کمکها نظامی می باشد که به صورت فروش وسایل و تجهیزات نظامی است و ۱۳ این مبلغ نیز به

صورت وام با نرخ بهره ترجیحی ۵٪ می باشد.

۲ ارتباط کمک ها با حقوق بشر

میزان واقعیت ادعای کاخ سفید در خصوص رعایت حقوق بشر در کمکهای خارجی را می توان از خلال آمار زیر دریافت.

در سال ۱۹۸۶ مبلغ ۵۴ میلیون دلار برای مبارزه با تروریسم در آمریکای مرکزی درخواست شده است که ۲۲ میلیون دلار آن برای پلیس و ارتش السالوادر و ۱۱ میلیون دلار برای هندوراس، ۹ میلیون دلار برای کاستاریکا و ۳ میلیون دلار برای گواتمالا و ۷ میلیون نیز برای پاناما در نظر گرفته شده است. این کمکها عمدتا به نیروهای پلیس کشورهای مزبور که از ضد بشری ترین حکومتهای جهان می باشند، تعلق گرفته است تا بدین وسیله به اسم مقابله با تروریسم در جهت سرکوبی قیامهای مردمی اقدام نمایند، این سیاست به حدی روشن است که کنگره نیز مخالفت خود را با این اهداف ریگان اعلام نموده است. این کمکها با توجیه خطر امنیت اتباع و منافع ایالات متحده انجام می پذیرد که به طور مشخص پس از کشته شدن ۴ تفنگدار آمریکایی در سان سالوادور مطرح گردید. نکته جالب این است که هنگام دفاع از ارقام پیشنهادی فوق مطرح شد که این پولها در راه مبارزه با گروه های چپگرا و راست گرا!! به کار خواهد رفت.

۱- صفحات ۱۱۶ و ۱۲۰ کتاب حاضر.

۲- میلیارد و تولید / ۹۶۷ میلیارد دلار و بودجه نظامی ۲۲۳ میلیارد و کمک خارجی ۷۷ / ۲ کل بودجه ایالات متحده در سال ۱۹۸۶ برابر ۶ ناخالص ملی ۳۰۱۱ میلیارد دلار می باشد.

۳- تولید ناخالص ملی به نرخ ثابت ۱۹۸۰ حساب شده است

رژیم های ضد بشری دیگر آمریکای لاتین مانند پاراگوئه، هائیتی و السالوادر از کمکهای اقتصادی و نظامی بهره مند شده اند. مثلاً برای السالوادر به ترتیب ۳۵۰ و ۶/۱۳۲ میلیون دلار کمک اقتصادی و نظامی در نظر گرفته شده است که هدف آن تنها حفظ رژیم وابسته مزبور در مقابل حملات انقلابیون می باشد. هنگامی که ریگان بنام حقوق بشر تقاضای کمک برای ضد انقلابیون نیکاراگوئه نمود، این مسئله به قدری ناپسند و غیر اخلاقی مطرح شد که حتی کنگره برای سال ۱۹۸۵ با قسمت کمکهای نظامی آن موافقت نکرد، ولی برای سال ۱۹۸۶ تعبیر و تفسیرهای بشر دوستانه ولی غیر نظامی از کمک به ضد انقلابیون نیکاراگونه به قدری وسعت داده شد که شامل تجهیزات نظامی از قبیل بی سیم، کامیون و هلی کوپتر گردیده است!

در صدر کشورهای کمک گیرنده از آمریکا، اسرائیل قرار دارد که سیاستهای نژادپرستانه آن در رابطه با اعراب مناطق اشغالی بر همگان واضح است. تنها موردی که آمریکاییها سعی کرده اند اصول حقوق بشر را رعایت نمایند، مشروط نمودن کمک ۳(!) میلیون دلاری به موزامبیک در مقابل کاهش مشاورین نظامی خارجی! و برقراری انتخابات آزاد می باشد!! ماهیت شرط و شروط آمریکا مبین وجود یک روحیه نژادپرستانه و سلطه جویانه می باشد و از این طریق سعی در تحقیر ملل جهان سوم می نماید در مورد لبنان برخوردی به مراتب تحقیرآمیز نموده اند، رایگان ۱۰ میلیون دلار برای لبنان درخواست نمود که کنگره فقط با ۵/۲ میلیون دلار آن مشروط به آزادی ۷ گروگان آمریکایی موافقت نمود! واضح است، وقتی برای کمکهایی بدین حد ناچیز چنین شرط و شروطی قرار می دهند، می توان قیاس نمود که برای کمکهای چند صد میلیونی خود چه شروطی را قایل می شوند.

۳ توزیع کمک ها

اکنون نوبت آن است که بدانیم چگونه کمکهای ممتاز در اختیار فقیرترین کشورها قرار گرفته است.

از حدود نیمی از ۳/۶ میلیارد دلار کمک نظامی خارجی، مبلغ ۸/۱ میلیارد دلار به اسرائیل و ۳/۱ میلیارد دلار آن به مصر تعلق گرفته است و هدف این کمک استحکام هر چه بیشتر پایه های قرارداد کمپ دیوید می باشد که به عنوان یک نقطه اتکاء استراتژیک برای سیاستهای آمریکا در منطقه مطرح است. و اهمیت آن بدین صورت بیان شده است:

«در صورت شکست ابتکارات سادات، منطقه شاهد بحرانهای شدیدی خواهد بود و... روی کار آمدن عناصر تندرو در رژیم مصر به جای سادات، نارضایتی و واخوردگی اعراب میانه رو، تقویت ارتدادیون و نفوذ شوروی در منطقه از جمله این بحرانها می باشد.»(۱) اهمیت این مسئله پس از بروز انقلاب اسلامی و رشد حرکتهای انقلابی در منطقه بیشتر شده است.

۵۰٪ بقیه کمکها نیز عمدتا به متحدین نظامی آمریکا در ناتو و آسیای جنوب شرقی و آمریکای لاتین پرداخت شده است. که در واقع به نیابت از آمریکا منافع غرب را حفظ می نمایند. از این میان ترکیه ۲۸/۷۱۴ میلیون دلار، یونان ۵۰۰ میلیون، فیلیپین ۷۰ میلیون و السالوادر ۶/۱۳۲ میلیون دلار دریافت می دارند و کشورهای کره جنوبی، پرتغال، اسپانیا و تایلند نیز به فراخور نقشی که در دفاع از منافع ایالات متحده دارند، کمکهایی دریافت می نمایند.

ممتازترین کمکهای اقتصادی نیز در اختیار مصر و اسرائیل قرار گرفته که به ترتیب ۸۱۵ و ۱۲۰۰

۱- صفحه ۱۰۳ کتاب حاضر.

میلیون دلار می باشد، و دیگر کشورها نیز به نحوی که در کمکهای نظامی آمد، از این کمکها نصیبی برده اند. برای اولین بار در زمینه کمکهای اقتصادی کلیه مبالغ در نظر گرفته شده برای اسرائیل به صورت نقدی پرداخت می گردد و برای مصر هم ۱۱۵ میلیون دلار از اعتبار فوق نقدا پرداخت می شود. در حالی که بقیه این کمکها همگی به صورت اعتبار جهت واردات از آمریکا در نظر گرفته شده است و اگر نقش اعطای اعتبارات در اقتصادی غرب را نیز در نظر بگیریم، به اهمیت دو بعدی بودن این کمکها پی می بریم که از یک طرف منافع سیاسی در پی دارد و از طرف دیگر متضمن منافع اقتصادی آمریکاست.

از دیگر مواردی که در سند آمده است و برای خواننده امروزی بسیاری جالب می باشد، در خصوص دیون کشورهای در حال توسعه است.

«اکثر کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی از جمله آمریکا اقداماتی را اتخاذ کرده اند تا از طریق آنها از سنگینی بار دیون کشورهای دارای حداقل رشد بکاهند... افزایش سرمایه صندوق بین المللی پول... به این کشورها کمک می کند که موازنه پرداخت را در کوتاه مدت از میان بردارند.»(۱)

بدون آنکه اشاره ای به روش اتخاذ شده جهت کم کردن سنگینی بار دیون گردد، سعی گردیده که در این خصوص موضع خیرخواهانه را اعلام نمایند. اگر قرار بود در سال نوشتن گزارش (۱۹۷۸) این قسمت را ارزیابی می کردیم، شاید در ذهن خواننده قدری تردید در خیرخواهانه نبودن نیات آمریکا پیدا می شد ولی امروز ۸ سال از آن تاریخ می گذرد، اعداد رسمی گویای نتایج روشهای مزبور که با مشارکت دیگر دول صنعتی غرب اتخاذ شده، می باشد.

جدول شماره ۵

عکس

متوسط رشد سالانه این بدهی ها بین سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۱ به ۲۰٪ رسیده بود.(۳۷)

سازمان ملل

ضمیمه شماره ۶

اساس شکل گیری سازمان ملل متحد برای مشروع نمودن اقتدار ابرقدرتها خصوصا آمریکا بود و پوششی برای مقاصد توسعه طلبانه و یا حفاظت از وضع موجود، به نفع آنها بود و نیز برای تبلیغ این ایده بود که: هیچ مسئله بین المللی بدون لحاظ نمودن نقش ابرقدرتها قابل طرح و بررسی و در نهایت قابل حل نمی باشد.(۳۸) و لذا آمریکا در گذشته با توان لازم از موجودیت این سازمان حمایت می کرد،

۱- صفحه ۱۱۹ کتاب حاضر.

خصوصا که در مواقع ضروری مثل جنگ کره از این طریق پوششی مشروع و جهان پسند جهت اقدامات خود کسب می نمود. ولی به مرور که کشورهای مستقل بیشتر شده و معیارهای قدرت تغییر نمود و ملل مستضعف فرصت خودنمائی پیدا نمودند، سازمان ملل از حالت یک طرفه بودن کامل خارج گردید، هر چند که جوهر و ماهیت این سازمان و دیگر ارگانهای بین المللی وابسته به آن تغییر اساسی نکرده است، ولی در ظواهر و مسایل نسبتا فرعی قدرت مانور مطلق از آمریکا و غرب سلب گردید، و با رشد این روند، آمریکا نسبت به آن موضع گیری نمود.

برخورد ایالات متحده با مجامع بین المللی موید وجود یک رویه سلطه جویانه نسبت به این مجامع می باشد هر چند بدین صورت فریبنده بیان گردد که: «ایالات متحده علاقه مند به تلاش مخصوصا» در موارد ذیل برای تبدیل سازمان ملل به عنوان تأمین کننده نیازهای روز افزون جامعه جهانی است.

بهبود روش های سازمان جهت حل مسالمت آمیز منازعات

هماهنگ سازی بیشتر برنامه های کمک فنی آژانسهای مختلف سازمان...(۱)

ولی نحوه عملکرد آمریکا با سازمانهای جهانی طی لایحه کمکهای خارجی سال ۱۹۸۶ بدین صورت ارائه می شود که: کمک به آن دسته از سازمانهای بین المللی که برنامه هایی برای کمک به ساف، سواپو، لیبی، ایران و کوبا دارند، کاهش خواهد یافت» و یا اینکه در سال گذشته عضویت و کلیه کمکهای خود را به یونسکو لغو نمودند، زیرا عملکرد آن را موافق منافع خویش نمی دانستند هر چند که اکثریت کشورهای جهان آن را نپسندند. البته مسئله در این نیست که چرا آمریکا کمک و عضویت خود را لغو می کند؟ و یا فلان سازمان را تهدید می کند که اگر چنین تصمیمی بگیری، عکس العمل ما چنان خواهد بود؟(۲) بلکه مسئله اصلی این است که در چنین صورتی ادعای دفاع از حقوق بشر و کشورهای عقب مانده را نباید بنمایند، زیرا که این ادعا با آن عمل در تعارض می باشد.

اگر قطعنامه های ارائه شده در اجلاسهای سالانه مجمع عمومی سازمان ملل را به عنوان مسائل عمده جهانی منظور نماییم، آراء ایالات متحده در سال ۱۹۸۴ مؤید دیدگاه و سیاست خصمانه آمریکا در مقابل اکثریت کشورهای جهان می باشد. و حتی در بسیاری از موارد، ایالات متحده یگانه مخالف در برابر نظرات کلیه کشورهای جهان می باشد.

از مجموع ۳۰ قطعنامه مهم و حیاتی ارائه شد، آمریکا فقط به ۵ قطعنامه رأی مثبت داده است.

موضوع قطعنامه -تعداد مخالفین -رأی آمریکا

۱ وضعیت در آفریقای جنوبی-هیچ-ممتنع

۲ اقدام جهت منع آپارتاید-۲-منف

۳ اجرای رأی شورای امنیت در نامیبیا-هیچ-ممتنع

۴ استعمار زدایی-۲-هیچ

۵ وضعیت در افغانستان-۲۰-مثبت

۱- صفحه ۱۲۶ کتاب حاضر.

۲- در خصوص اخراج اسرائیل از مجمع عمومی سازمان ملل آمریکا تهدید به خارج شدن از سازمان نموده بود و این در حالی است که ۱۴ بودجه سازمان را تأمین می کند.

موضوع قطعنامه- تعداد مخالفین- رأی آمریکا

۶ اسکان یهودیها و کنوانسیون های ژنو-۱-ممتنع

۷ اشغال بلندیهای جولان-۱-ممتنع

۸ کنفرانس صلح خاومیانه-۳-ممتنع

۹ تصویب معاهده قانون دریاها-۲-ممتنع

۱۰ منشور حقوق و عوارض اقتصادی-۱۰-ممتنع

۱۱ تهدید اقتصادی کشورهای در حال توسعه-۱۹-منفی

۱۲ محصولات مضر برای سلامت و محیط-۱-منفی

۱۳ بودجه سازمان ملل-۱۷-منفی

۱۴ تبعیض علیه زنان-۱-منفی

۱۵ پروتکل مربوط به منع مجازات اعدام-۱۹-مثبت

۱۶ قانون تجاوز علیه صلح و امنیت بشر-...-ممتنع

۱۷ تأمین مالی نیروهای حافظ صلح در لبنان-۱۵-مثبت

۱۸ منع آزمایش های سلاحهای هسته ای-۱۲-رای ممتنع

۱۹ جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی در فضا-هیچ-ممتنع

۲۰ متوقف ساختن سلاحهای هسته ای-۱۲-ممتنع

۲۱ کاهش بودجه های نظامی-۱۶-منفی

۲۲ سلاحهای شیمیایی و باکتریولوژیکی-۱۶-مثبت

۲۳ سلاحهای شیمیایی (شامل سلاحهای مضاعف)-۱-مثبت

۲۴ اقدامات یک جانبه درمورد خلع سلاح-۱-منفی

۲۵ زمستان هسته ای-۱-منفی

۲۶ گزارش کنفرانس خلع سلاح-۱-منفی

۲۷ جلوگیری از جنگ هسته ای-۱-منفی

۲۸ مطالعه و توسعه و تحقیقات نظامی-۱-منفی

۲۹ محدود کردن مسابقه تسلیحات دریایی-۱۹-منفی

۳۰ اجرای امنیت جمعی-۲۲-منفی

بدین صورت جمع آرای آمریکا ۱۸ درصد بوده است در حالی که یک صد کشور عضو سازمان بالای ۸۶ درصد رای داده اند، این ارقام و استاندارد در شمارش آرا بر اساس توافق هر کشور با معبارهای ذیل می باشد:

برقراری صلح جهانی و روابط عادلانه بین ملت ها، برابری اقتصادی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی، سازمان جهانی موثر، حفظ محیط زیست و اعتدال زیست بومی.

درصد ارا ایالات متحده در سال ۱۹۸۳ برابر ۱۳ درصد بوده است.

والسلام علی من التبع الهدی

۱۶/۱۲/۱۳۶۴

یادداشتها

(۱) صدر، تأسیسات و سازمانهای بین المللی، تهران ۱۳۵۰، ص ۸۳

(۲) ش، دولاند، تاریخ جهانی، از قرن ۱۶ تا عصر حاضر، احمد بهمنش، تهران ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۳۶۲

(۳) پیر رنون، تاریخ روابط بین الملل، بحرانهای قرن بیستم، تهران ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۹۳ ۱۱۰.

(۴) همان کتاب، ص ۱۸۲.

(۵) همان کتاب، ص ۳۱۰.

(۶) همان کتاب، صص ۲۸۳ ۲۸۴.

(۷) لورنس اچ شوپ و ویلیام مینتر، تراست مغزهای امپراطوری، منصور آسیم، تهران ۱۳۶۴، ص ۱۴۰.

(۸) پیر رنون، همان کتاب، ج ۲، ص ۴۷۶ ۴۷۳.

(۹) حمید بهزادی، «سیاست خارجی آمریکا از دیدگاه مورگانتا»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه

تهران، شماره ۱۸ (دی ۱۳۵۴)، ص ۶۳ ۷۰.

(۱۰) الموسوعه السیاسیه، الموسسه العربیه للدراسات و النشر، بیروت، ج ۱، ص ۴۳۷.

(۱۱) هنری کیسینجر، «سیاست خارجی آمریکا»، حسن محمدنژاد، تهران ۱۳۵۳ ص ۱۱۸، ص ۱۲۴

(۱۲) حمید بهزادی، همان کتاب، شماره ۲۰ (بهمن ۱۳۵۶)، ص ۱۰۶.

(۱۳) ۱۹۷۸ Ed. j. Dorman "United States National, Security Policy in The Decade Ahead. "

به نقل از نشریه «الفکر الاستراتیجی العربی»، معهدالانماء العربی، بیروت ۱۹۸۱، شماره اول.

(۱۴) آندره فونتن، یک بستر و دو دریا، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران ۱۳۶۳، ص ۷۸.

(۱۵) برای اطلاع بیشتر در زمینه دسترسی اسرائیل به سلاح اتمی به کتاب «القه العسکریه الاسرائیلیه» از سلسله

دراسات استراتیجی شماره ۲ مرکز العالم الثالث للدراسات و النشر لندن مراجعه شود.

(۱۶) برای اطلاع بیشتر به کتابهای مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی شماره های ۴۵ و ۴۶ «دخالتهای آمریکا در

کشورهای اسلامی» پاکستان (۱) و (۲) مراجعه شود.

(۱۷) در زمینه جنایاتی که غرب در حق بشریت نموده است، کتب و مقالات فراوانی وجود دارد و در این جا فقط جهت اطلاع قسمتهایی از دو کتاب را مرور می نماییم.

«در سده هفدهم آفریقاییان را همانند حیوانات به تاراج می بردند، گردانهایی از اروپاییان «متمدن» روستاهای بومیان آفریقا را محاصره می کردند و خرد و بزرگ را گروه گروه به ساحل می کوچاندند و در آنجا در کشتیهایی که لنگر انداخته و بادبان برافراشته بودند، بار می کردند. در هر یک از این کشتیها ۳۰۰ نفر سیاه، مرد، زن و کودک را، همانند چهارپایان، روی هم می انباشتند. سپس کشتیها بردگان آینده را به سوی سواحل آمریکا می بردند و در آنجا، صاحبان مزارع پنبه در انتظار آنان بودند، شکار برده در تمام قاره آفریقا گسترش می یافت. بدین سان ۱۰ میلیون آفریقایی به آمریکاییها فروخته شدند و چند میلیون نفر از آنان نیز به هنگام گذر از اقیانوس اطلس جان سپردند و در

حدود ۱۰ میلیون نفر آنان نیز به هنگام حمل و نقل در داخل قاره آفریقا کشته شدند و یا مردند. تجارت سیاهان برای قاره آفریقا به قیمت زندگی حداقل ۶۰ میلیون دختر و پسر آفریقایی تمام شد.

خرید و فروش موجودات انسانی نه تنها وجدان کمال جوی اشرافان اروپایی را ناراحت نمی کرد، بلکه به گونه های مختلف چنین سوداگری بر سر انسانها را تشویق هم می کردند.

الیزابت اول، ملکه انگلستان، به نخستین پیشگام سوداگران بردگان، جان هوکینز عنوان «نجابت» را داد. این شوالیه نوخاسته باشتاب دستور داد که برای وی جعبه ای درست کنند که روی آن یک سیاه به زنجیر کشیده نقش شده باشد.

در سده هجدهم یک نفر کشاورز از اهالی ویرجینیا، به نام چارلز لینچ در برابر سرکشی های سیاهان خود به داوری پرداخت. لینچ نقش دادستان بازپرس، وکیل مدافع و دژخیم را یک جا به عهده می گرفت. وسیله اجرای «عدالت» وی یک طناب و یک شاخه درخت بود. بدون کوچکترین چون و چرائی سیاهان گریزان از بردگی را به دار می آویخت، شیوه ابداعی چارلز لینچ بیش از دویست سال به نام «قانون لینچ» در سرتاسر آمریکا به اجراء درآمد و هزاران سر سیاه زیور شاخه درختان شد.

در قرن نوزدهم اشغالگران سفیدپوست، بی رحمانه جمعیت بومی جزیره تاسمانی (استرالیا) را از بین بردند و آخرین بازمانده آنان در سال ۱۸۶۷ جان سپرد. در سرزمین وسیع استرالیا استعمارگران انگلیسی بومیان را معدوم می ساختند، عشیره ها را تیرباران می کردند، با استرکنین (چون سگ) مسموم می نموده و یا وادار می کردند از گرسنگی بمیرند.

تنها چند ده هزار نفر از بومیان «وحشی» توانستند از چنگ اروپاییان «متمدن»! بگریزند و در بیابانها و سنگلاخ ها پناه گزینند، بقیه با خون خود سرزمین استرالیا را آبیاری می کردند.

در دهه چهارم سده بیستم، آلمان فاشیستی در جستجوی «فضای تنفسی» نخست کشورهای همجوار را به

تصرف درآورد، سپس به هوس به چنگ آوردن سرزمینهای وسیعتر و نیروی انسانی ارزان بهاتر و مصرف کنندگان پرشمارتر افتاد. هیتلر برای تحقق داستان «گرگ و میش» اعلام کرد: «ما باید این جماعت را از بین ببریم، چنین کاری جزو وظایف ما در حمایت از ملت آلمان به شمار می آید.

لازم است که ما شیوه ها و شگردهای نابودسازی جماعت را پی گیری کنیم (کوره های آدم سوزی در آشویتس).

اگر از من بپرسند منظورم از نابودسازی جماعت چیست پاسخ خواهم داد که منظورم نابود کردن تمام یک نژاد است. تقریبا این است که می خواهم به انجام رسانم و این وظیفه من است... اگر من گل های ملت آلمان را به جهنم جنگ اعزام می کنم و خون گرانبهای آلمانی را نثار می کنم، مسلما من حق دارم میلیونها آدم از نژاد پست را نابود سازم که چون کرم زیاد می شوند، یکی از وظایف عمده سازمان اداری آلمان عبارت از این است که از رشد نژاد اسلاو پیشگیری کند.»

نقل از کتاب «فقر و جنایت در آمریکا»، پرخاشگری انسان، نوشته د. شیخاوندی، ص ۱۱۹، در خصوص عدم رعایت حقوق بشر در قوانین جزائی و مجازاتها و نیز در روحیه ضد انسانی فرد غربی می توان به کتاب جرم شناسی در جلد دوم رضا مظلومان بحث دوم و سوم مراجعه نمود. در زیر فقط گوشه هایی از این موارد ذکر می شود.

در سال ۱۸۱۴ سه نوجوان به سنین ۸ ۹ ۱۱ به علت دزدیدن یک جفت کفش محکوم به مرگ شدند.» صفحه ۱۶۴

«وهنر Vehner» با تشریح شکنجه های تحمیلی به یک زن آبستن که در سال ۱۶۳۱ صورت گرفته است و ذکر

منظره دلخراش و بیان نعره ها و فریادهای ملتمسانه او، به خوبی رنجها و آزارهای تحمیلی به هزاران قربانی به قتل رسیده و شکنجه و عقوبتهایی را که زیر عنوان «درک حقیقت و عدالت خواهی» انجام می شد، نشان می دهد.

شرح این شکنجه ها که از پرونده این زن استخراج شده است و لرزه به بدن هر انسان می اندازد، به طور اختصار عبارت است از:

۱ دستهای زن را بستند و او را روی نردبانی بالا کشیدند و آنقدر از هر دو طرف او را پیچاندند، که قلبش در حال ترکیدن بود.

۲ چون هنوز به هیچ وجه اعتراف نمی کرد، شکنجه ها را از نو آغاز کردند. موهای سرش را تراشیدند و او را مجددا به نردبان بستند. سپس روی سرش الکل ریختند و می خواستند تمام سر تراشیده اش را بسوزانند.

۳ زیر بغلها و زیر گوشهایش را با آتش سوزاندند.

۴ طنابی به دست هایش بستند و به وسیله آن، او را تا سقف بالا کشیدند.

۵ سپس او را پایین آوردند و باز بالا بردند. این عمل چهار ساعت تا موقع نهار قضات ادامه داشت.

۶ هنگامی که داوران برگشتند دستها و پاهای زن آبستن را به پشت بستند.

۷ روی سر او الکل ریختند و پشتش را با کبریت شعله ور کردند.

۸ بعد روی پشتش وزنه های سنگین بستند و او را بالا کشیدند.

۹ سپس از نو، او را روی نردبان خواباندند.

۱۰ آنگاه روی پشتی یک تخته سنگین پر از میخهای نوک تیز بستند و از دستهای بسته، او را تا سقف بالا کشیدند.

۱۱ بعد پاهای او را بستند و روی آنها یک وزنه بیست و پنج کیلوئی آویزان کردند، به طوری که هر آن قلبش در شرف توقف کامل بود.

۱۲ از نو زانوها و پاهایش را به طوری محکم بستند که خون از شست او سرازیر شد.

۱۳ قضات به این هم راضی نشدند و دستور دادند که او را یک دفعه دیگر به گیره شکنجه ببندند.

۱۴ روز بعد برای چندمین بار شکنجه را آغاز کردند و به او گفتند تا رسیدن مرگ، شکنجه خواهد شد.

۱۵ آنگاه از دستهایش او را آویزان کردند، به طوری که دیگر نمی توانست نفس بکشد.

۱۶ بعد او را شلاق زدند.

۱۷ سپس او را به گیره و چنگک بستند و مدت شش ساعت به همان حال باقی گذاشتند.

۱۸ پس از آن به طور رقت باری او را با ترکه به مدت یک روز کتک زدند.

۱۹ روز دیگر شکنجه ها را از نو آغاز کردند. او را از همه طرف محکم بستند و به مدت شش ساعت در گیره شکنجه، عقوبت دادند. «از صفحه ۱۶۵ تا ۱۶۷».

(۱۸) در انگلستان اخذ رأی همگانی فقط از سال ۱۹۱۸ ایجاد شده و زنان از ۱۹۲۸ حقوق سیاسی و اجتماعی مساوی مردان به دست آوردند. رضا علومی اصول علوم سیاسی جلد اول صفحه ۳۹۴

(۱۹) بحران اقتصادی ۱۹۲۹ که غرب و اقتصاددانان آن را شوکه نمود سبب بروز تفکرات جدیدی در اقتصاد شد. و کینز با ارائه نظریات جدید خود که نافی نظریات اقتصادی کلاسیکها بود، پیشنهادات اصلاحی در جهت دخالت دولتها در اقتصاد و نیز توزیع بیشتر درآمدها برای افزایش مصرف و خروج از بحران را مطرح نمود که با قبول نسبی سرمایه داری غرب مواجه گردید.

(۲۰) برای اطلاع بیشتر از چگونگی عملکرد وسایل ارتباط جمعی در عرب به صفحه ۲۱۷ ۲۲۷ کتاب جامعه شناسی سیاسی موریس دورژه ترجمه ابوالفضل قاضی مراجعه نمائید.

همچنین نگاهی به اخبار تلویزیونهای غربی مبین این واقعیت است که چگونه مردم خود را از حقایق دور نگه می دارند. مثلاً ممکن است خبر فلان سگی که وارث ثروت صاحب بدون فرزند خود شده است، برای چند روز از مهمترین خبرهای تلویزیون محسوب شود و یا خبر فردی که سه پیرزن را به طرز مشابهی کشته است و اقدامات پلیس در دستگیری آن و عکس العمل مردم و پیرزنها از داغترین اخبار باشد و کلیه افکار عمومی را به خود متوجه کند و این در حالی است که در همان موقع مسائل مهمی در آمریکای لاتین، خاورمیانه و حتی روابط شرق و غرب در جریان می باشد.

(۲۱) برای درک بهتر اینکه ورود سلاح اتمی چه تغییراتی را در روابط کشورهای به وجود آورده است، به کتب زیر مراجعه شود:

حمید بهزادی، قدرتهای بزرگ و صلح بین الملل از دیدگاه مورگانتا» تهران ۱۳۵۶.

هنری کیسینجر، همان کتاب

(۲۲) ۱۸۹۵ .Of the World's of Cccil Rhodes.

(۲۳) حمید بهزادی، «سیاست خارجی آمریکا از دیدگاه مورگانتا»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱۹ (آذر ۱۳۵۵)، ص ۱۰۵.

(۲۴) International Financial Statistics, Year Book ۱۹۸۵, P. ۱۳۶.

(۲۵) همان کتاب، ص ۱۳۶.

(۲۶) نشریه سالانه صندوق بین المللی پول (I.M.F)

(۲۷) «آفریقا در چنگال چند ملیتی ها» ۱

زنامه کیهان، ۲۹روزنامه کیهان، ۲۹/۱۱/۱۳۶۴.

(۲۸) برای اطلاع بیشتر رجوع شود به:

۱

شید ممتاز، ۲۹جمشید ممتاز «نظام نوین دریاها و اقیانوسها»، نشریه روابط بین الملل، مرکز مطالعات عالی بین المللی شماره های

۱۱ و ۱۲ تهران ۱۳۵۸، ص ۲۵۳ به بعد.

«طرح مالت»، ترجمه ۱

ویز علوی، ۲۹پرویز علوی و... مرکز مطالعات عالی بین المللی ۱۳۵۶.

(۲۹) ۱

د حسین سیدی، ۲۹سید حسین سیدی، «اقیانوس و آینده بشریت»، نشریه ۱

ریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۲۹دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره

۱۹ (آذر ۱۳۵۵)، ص ۵۷.

(۳۰) ۱

ید بهزادی، ۲۹حمید بهزادی، همان مقاله، شماره ۱۸ (دی ۱۳۵۴)، ص ۶۶.

(۳۱) آلبرتینی، مکانیسم های از رشد ماندگی، الف، بنی صدر، تهران ۱۳۵۲، ص ۱۲۴.

(۳۲) همان کتاب، ص ۱۲۶

(۳۳) همان کتاب، ص ۱۱۸

(۳۴) همان کتاب، ۱۲۷

(۳۵) ع. عبدی، «جایگاه واقعی مردم در نظام اسلامی»، ۱

زنامه کیهان، ۲۹روزنامه کیهان ۷/۱۰/۱۳۶۴.

(۳۶) اعداد مربوط به این بخش از نشریه:

Congressional Quarterly Weekly Report, August ۳. ۱۹۸۵.اخذ شده است.

(۳۷) به نقل از «تراز» هفته نامه بازرگانی خارجی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی وزارت بازرگانی، شماره ۱۲ (۱۸/۹/۶۴)، ص ۲.

(۳۸) مراجعه شود به: حمید بهزادی «قدرتهای بزرگ و صلح بین الملل از دیدگاه مورگانتا» تهران ۱۳۵۶.

(۳۹) مطالب مربوط به آراء در سازمان ملل از گزارش که در نشریه «در مجامع بین المللی» فصل نامه اداره کل امور بین المللی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران دوره دوم شماره هفتم، آبان ۱۳۶۴ چاپ شده است، استخراج گردیده است.

کتاب شصت و پنجم

روندهای اقتصادی و سیاسی در شبه جزیره عربستان

مقدمه

من به سران کشورهای خلیج فارس سفارش می کنم که

به خاطر یک عنصر ورشکسته سیاسی،نظامی، اقتصادی

بیش از این خود و مردم کشورتان را تحقیر نکنید و با توسل

به دامن آمریکا ضعف و ناتوانی خود را بر ملا نسازید و از

گرگها و درنده ها برای شبانی و حفظ منافع خود استمداد

نطلبید. ابرقدرتها آن لحظه ای که منافعشان اقتضاء کند، شما

و قدیمی ترین وفاداران و دوستان خود را قربانی می کنند و

پیش آنان دوستی و دشمنی و نوکری و صداقت ارزش و

مفهومی ندارد، آنان منافع خود را ملاک قرار داده اند و به

صراحت و در همه جا از آن سخن می گویند. چه خوب

است که بعضی سران سرسپرده کشورهای اسلامی به اربابان

و خدایان زور و زر و تزویر خود این نکته را جدی گوشزد

کنند که اینقدر از منافع خود در خلیج فارس سخن نگویند،

برای اینکه همین مسئله موجب حساسیت شدید مردم منطقه

است که آمریکا و فرانسه و انگلیس چه منافعی در آبهای

خلیج فارس دارند که تا پای دخالت نظامی و جنگ هم

می خواهند آن را حفظ کنند؟

از پیام حضرت امام خمینی

به مناسبت حج سال ۱۴۰۷ هجری قمری

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و برچیده شدن نظام ستم شاهی، قدرتهای شیطانی جهان و در رأس آنها شیطان بزرگ آمریکا با به کارگیری بخش عمده ای از توش و توان خود، بر آن شدند تا با این حرکت الهی به مقابله جدی برخیزند. لذا از یک طرف در داخل کشور با انجام انواع توطئه ها و کارشکنیها توسط ایادی وابسته به خود، به ضعف نظام اسلامی و نهایتا پشت کردن مردم به انقلاب و یا حداقل بی تفاوتی آنان در قبال مسائل حکومتی دل نهاده و از طرف دیگر با شتاب و سراسیمگی

فراوان کمر به محاصره انقلاب اسلامی بستند.

لذاست که در جهت تحقق هدف اخیر، کلیه عوامل اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا در منطقه، خصوصا کشورهای همسایه و در این میان کشورهای و در این میان کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به دلیل حساسیت ژئوپولتیکی و اقتصادی این منطقه به کار گرفته شد تا با بررسی زمینه های موجود در این کشورها، امکان صدور انقلاب اسلامی و تأثیرپذیری این مناطق از آن مورد ارزیابی قرار گیرد.

سندی که در این کتاب مورد استفاده قرار گرفته جزوه ای است پیرامون روند اقتصادی، سیاسی کشورهای شبه جزیره عربستان، که دو ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و عمدتا با هدف فوق الذکر توسط دفتر تحقیقات اقتصادی بخش کشورهای در حال رشد تهیه شده است. هدف از تهیه گزارش در مقدمه آن به خوبی مشهود است:

فراهم آوردن اطلاعاتی در مورد کشورهای شبه جزیره عربستان و بازشناسی فشارهای عمده اجتماعی، سیاسی اقتصادی جهت ایجاد تغییر در منطقه و نهایتا تعیین وجوه تشابه و افتراق عوامل تغییر و تحول در ایران و کشورهای شبه جزیره عربستان.

از لابه لای این سند، به خوبی می توان هراس آمریکا از پیروزی انقلاب اسلامی و صدور آن به کشورهای منطقه را مشاهده کرد. عوامل اطلاعاتی آمریکا در کشورهای منطقه، با بهره گیری از منابع اطلاعاتی داخلی، به جمع آوری و دسته بندی آخرین اطلاعات پیرامون اوضاع سیاسی اقتصادی و نظامی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس پرداخته اند. به واقع آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دست به یک بسیج اطلاعاتی در کشورهای همسایه ایران خصوصا کشورهای منطقه خلیج فارس زده است تا پیش از رسیدن پیام انقلاب اسلامی به مردم این کشورها و بروز زمینه ها و عوامل

تغییردهنده در نظام دولتهای منطقه، با تدارک و پیش بینی تمهیدات لازمه از میزان آسیب پذیری این دولتها که اکثرا فاقد پایگاه مردمی محکم بوده بکاهد.

از آنجا که دیدگاه آمریکا نسبت به انقلاب اسلامی از ابتدا دیدگاهی غیرواقعی بوده و بر این دیدگاه غلط نیز با تبلیغات دروغین و به کارگیری دیپلماسی خود، پای فشرده است، این دیدگاه در تمامی تحلیلها و اسناد مربوط به ایران تأثیر ناگزیر خود را گذاشته است.

در این اسناد، میزان تأثیرپذیری دولتهای حاشیه جنوبی خلیج فارس یعنی کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات عربی متحده و عمان بیش از دو دولت یمن شمالی یمن جنوبی برآورد شده است. البته حساسیت آمریکا بر شش کشور مزبور نیز بیشتر است، چرا که دولت جمهوری دمکراتیک یمن (یمن جنوبی) خارج از مدار اقمار آمریکا بوده و جمهوری یمن (یمن شمالی) نیز به سبب فقر منابع مادی و برخوردار نبودن از موقعیت ژئوپولتیکی درجه یک از حساسیت آنچنانی برخوردار نیست.

در این تحلیل، آن دسته از مطالبی که حساسیت بیشتری برای آمریکا در برداشته است، شامل محورهای زیر می باشد:

۱ تحلیل پدید آمدن انقلاب اسلامی با یک دید مادی صورت گرفته است، چنانکه در ابتدای کتاب در بخش «نگرشی کلی» بروز نارضایتی در مردم را معلول افزایش قیمت نفت و تضاد برنامه ریزیهای

تجددطلبانه با راه و رسم سنتهای اجتماعی می داند.

۲ با تبلیغ رفورم به جای انقلاب برای کشورهای منطقه، این روش را تنها راه در امان ماندن از رشد انقلاب اسلامی و صدور آن می داند.

۳ علت دیگر بر سقوط رژیم پهلوی در ایران را تز «دفاع از کشور» حتی به قیمت رفاه اجتماعی ذکر می کند!!

۴ در قسمتهای مختلف سند عنوان شده که در کشورهای خلیج فارس، دولتها با فراهم آوردن امکانات فراوان اقتصادی برای مردم می خواهند از تغییر و تحول جلوگیری کنند. (به نظر می رسد که نویسنده نسبت به این تز و موفقیت آن خوشبین است).

۵ نیروهای مسلح این کشورها غالبا نقش بازدارنده را دارند و تنها می توانند تا زمان رسیدن نیروهای کمکی خارجی، مقاومت نمایند.

۶ تأثیر انقلاب اسلامی در عملکرد حکام خلیج فارس تاکنون این بوده که به مردمشان بیشتر رسیدگی کنند.

آمریکا و سایر قدرتهای شیطانی، همواره از درک این معنا که اسلام و انقلاب اسلامی مهارناشدنی بوده و به مثابه یک اعتقاد ناب به هر جا که انسان و انسانیت است راه یافته و تشنگان استقلال و آزادی را سیراب می کند، عاجز بوده و با این تفکر که با به کارگیری عوامل اقتصادی، نظامی و سیاسی، می توان مانع صدور انقلاب اسلامی شد، هر روز بیش از پیش بر تلاش خود می افزایند.

علیرغم کج فهمی ابرقدرتها اکنون در این برهه حساس از تاریخ مسلمین جهان و مستضعفان به خوبی معنا و مفهوم صدور اسلام و انقلاب اسلامی را دریافته و مصادیق مختلفه ای در طول نه سال پس از پیروزی انقلاب بر آن یافته اند.

بدون تردید، شعاع تأثیر مبارک انقلاب اسلامی، سراسر جهان اسلامی را در برگرفته و اسلام اکنون به عنوان قدرتی معنوی و الهی در مقابل تمامی قدرتهای شیطانی، سرفرازی می کند.

اگر انقلاب اسلامی در ایران پیروز نشده و قدرت شیطانی آمریکا در ایران ضربه نخورده بود، بدون تردید:

۱ پیمان نامیمون کمپ دیوید، علاوه بر مصر اکثر کشورهای عربی و چه بسا تمام آنان را شامل شده و در این رابطه آمریکا و غاصبان قدس به پیروزی بزرگی دست یافته بودند.

۲ ترور انقلابی سادات خائن اتفاق نمی افتاد و موج آن در مصر انقلابی، علیه رژیم مبارک و منافع نامشروع آمریکا در این کشور اسلامی به حرکت در نمی آمد.

۳ دولتهایی چون رژیم آل سعود حتی خود را ملزم بر حفظ ظواهر اسلامی نمی دیده و بدون پرده پوشی و ریاکاری خود و مقدرات کشور اسلامی حجاز را تماما در اختیار ابرقدرت آمریکا قرار می دادند و خود را از بروز حرکتهای اسلامی مخالف، در امان می پنداشتند.

۴ رژیم نمیری در سودان هنوز بر سر کار بود و....

۵ جغرافیای سیاسی در لبنان با آنچه که امروز هست، تفاوت کلی داشت و تفنگداران آمریکا و فرانسه، اینچنین دلیرانه هدف عملیات قهرمانانه ملت مسلمان لبنان قرار نمی گرفتند.

۶ در تونس رژیم حاکم به کلی آسوده خاطر بود و خطری از جانب ملت مسلمان تونس متوجه

خود نمی دید. بدون شک آمریکای جهانخوار در مقابل پیروزی انقلاب، از خود واکنش نشان خواهد داد و اگر از جاسوسی و فتنه گری و دیپلماسی مزورانه طرفی نبندد، از به کارگیری نیروی تجاوزگر نظامی ابا نخواهد کرد. چرا که خوی جهانخواری و تجاوزگری امپریالیسم تحمل گسترش اندیشه ناب اسلام انقلابی را ندارد و بقا و رشد آن را به منزله انحطاط و نابودی خود می داند. اما چه باک که رهروان راه شهادت از آن روز که شعار نه شرقی و نه غربی و استقلال و آزادی را سر دادند خود را برای مقابله با قدرتهای ضد خدایی مهیا نموده و دل به دریا زده اند و سرانجام کار را احدی الحسنیین پیروزی یا شهادت می دانند.

حسن ختام مطلب را از پیام تاریخی امام به مناسبت حج می آوریم: «من با اطمینان می گویم اسلام، ابرقدرتها را به خاک مذلت می نشاند. اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری بر طرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد».

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

زمستان ۱۳۶۶

ص: ۱۷۹

قابل توجه:

منابع و روشهای اطلاعاتی به کار گرفته شده است.

اطلاعات امنیت ملی:

افشای غیرمجاز مشمول مجازات جنایی خواهد بود.

علائم اختصاری

NFغیرقابل پخش برای ملیتهای خارجی

NCغیرقابل پخش برای پیمانکاران و یا مشاوران پیمانکار

PPاحتیاط مشمول اطلاعات انحصاری

NOفقط برای ادارات

OCانتشار و اقتباس اطلاعات تحت نظارت تهیه کننده اصلی است

RELمجاز است که این اطلاعات در اختیار... قرار گیرد

FGIاطلاعات دولت خارجی

Uطبقه بندی نشده

طبقه بندی مستخرج (مشتق) توسط ۴۸۳۶۲۶ این نشریه به صورت میکروفیش در دسترس می باشد

موعد تجدیدنظر ۶ آوریل ۱۹۹۹ - برای اخذ یک نسخه میکروفیش از این نشریه با

۷۱۷۷

CCR/DSB تماس بگیرید.

برای نسخه های آتی (علاوه بر یا به جای نسخه های

جلد مقوایی) با ۵۲۰۳ PPG/RD تماس بگیرید.

مرکز ملی اطلاعات خارجی سری غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

یک ارزیابی اطلاعاتی تحقیقات مربوط به این گزارش در تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۷۹ تکمیل گردید.

روندهای اقتصادی و سیاسی در شبه جزیره عربستان

نویسندگان اصلی این گزارش عبارتند از: گوردن فرالین و توماس زرن از «دفتر تحقیقات اقتصادی بخش کشورهای در حال رشد». تحلیلگران دیگری نیز در تهیه این گزارش مشارکت داشته اند منجمله از دفاتر تحقیقات اقتصادی تجربه و تحلیل سیاسی، مرجع مرکزی، تحقیقات جغرافیایی و نقشه برداری و تحقیقات استراتژیکی. نظرات و سؤالات مورد استقبال بوده و باید برای آقایان فرالین و یا زرن (تلفن ۷۲۳۴ ۳۵۱) ارسال شود.

این گزارش در دفتر تحقیقات اقتصادی، هماهنگ با دفاتر تجزیه و تحلیل سیاسی، تحقیقات استراتژیکی، تحقیقات جغرافیایی و نقشه برداری و مرجع مرکزی، تنظیم گشته است.

سری

ER۷۹-۱۰۲۲۲

آوریل ۱۹۷۹

سری غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

فهرست

غیرقابل رؤیت برای بیگانگان سری

مقدمه

هدف از این گزارش این است که: (الف) برای گروه دست اندرکار سیاست خارجی زمینه ای اطلاعاتی در مورد کشورهای شبه جزیره عربستان فراهم نماید؛ (ب) فشارهای عمده اجتماعی سیاسی و اقتصادی را جهت ایجاد تغییر در منطقه مشخص نماید و تا آنجا که ممکن است روابط میان این عوامل را باز شناساند؛ (ج) وجوه تشابه و افتراق عوامل تغییر و تحوّل در ایران و کشورهای شبه جزیره عربستان را تعیین نماید. این ارزیابی را به هیچ وجه نباید به عنوان برآوردی از امکان و یا عدم امکان بقاء و تداوم دولتهای حاکم منطقه تفسیر کرد.

روندهای اقتصادی و سیاسی در شبه جزیره عربستان

نگرش کلی

جهشهای بهای نفت در اوپک طی سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ موقعیت شبه جزیره عربستان را در جهان به شدت تقویت نموده، نیروهای عظیمی را برای تغییرات درونی به حرکت در آورده است. طی

چند سال گذشته، کلیه کشورهای منطقه برنامه های اقتصادی تجددطلبانه ای را با شتاب پذیرفته و در پیش گرفته اند، و این امر آن گونه که در مورد ایران صادق است ارزشهای سنتی اجتماعی را مورد تهدید قرار داده است. برای بسیاری از این کشورها، این مسئله عوارض منفی ای از قبیل تنگناهای توزیع، تورم شتاب یافته، هر چه بیشتر در معرض نفوذ بیگانه قرار گرفتن، نابرابریهایی وسیعتر درآمد و شیوع فساد را به همراه داشته است. همچون دولت ایران، حکومتهای این کشورها در اختیار خانواده های سلطنتی ای قرار دارند که مایل به تقسیم قدرت خویش با طبقه متوسط در حال پیدایش و رشد نمی باشند.

به هر ترتیب، صرف نظر از این شباهتها، آن کشورها با ایران قابل قیاس نبوده و یا از وجوه تشابه بارزی برخوردار نیستند. هر چند نهادهای دموکراتیک در سراسر منطقه ضعیف می باشند، لکن اکثر کشورها از چنان روشهای سنتی که نفوذ شکایات و خواستهای مردم را به صورت تصفیه شده به مرکز حکومت مقدور می سازد، بهره می جویند. در بسیاری از موارد، رسوم و عرف مذهبی به مثابه عامل مهمی در خط مشی سیاسی مورد توجه قرار می گیرد. در حالی که انقلاب ایران و عواقب ژئوپلیتیکی آن درون شبه جزیره عربستان مایه نگرانی جدی است، به نظر می رسد که اکثر این کشورها، به جای انقلاب به مفهوم واقعی کلمه، با بی میلی تحولات سیاسی تدریجی توأم با کاهش شتاب در روند تجددطلبانه اجتماعی و اقتصادی در آینده نزدیک را برگزیده اند.

شبه جزیره عربستان و جهان

تملک منابع عظیم نفتی به شبه جزیره عربستان در جهان مقامی برجسته بخشیده است. وجهه ای که این گونه منطقه در اوپک و در امور مربوط به اعراب کسب نموده است، در غیر این صورت قابل حصول نبود. افزایش بهای نفت در سالهای اولیه دهه ۱۹۷۰ ۸۰ به کشورهای ثروتمندتر منطقه

مسئولیتهای بین المللی وسیعی سپرده است، که دستگاه رهبری و نهادهای موجود در آن کشورها فاقد آمادگی لازم برای پذیرش و ادای آن تعهدات بوده اند.

ذخایر شناخته شده نفتی در شبه جزیره عربستان ۴۸٪ کل ذخایر جهان آزاد را تشکیل می دهد.

تولید نفت خام عمدتا در سه کشور واقع در خلیج فارس به ۲۸٪ آن ذخایر می رسد. (به نمودار شماره ۱ رجوع شود)

تخلیه ذخایر در بحرین و عمان هم اکنون نیز بازده را به اوج خود رسانیده است. با وجود آنکه در دو کشور یمن نفتی کشف نشده است، این کشورها نیز از ثروتهای همسایگان خود سود برده اند.

عربستان سعودی بزرگترین تولیدکننده نفت در منطقه بود و پس از اتحاد جماهیر شوروی، مقام دوم را از نظر بازده در دنیا داراست. در نتیجه امکانات بالقوه برای افزایش تولید، عربستان سعودی به عنوان تأمین کننده اصلی و نهائی تلقی شده و کانون فشارهای بین المللی برای پائین نگاهداشتن قیمت نفت می باشد. در گذشته، توان استفاده از ظرفیت مازاد در حقیقت به مثابه اهرمی برای تعدیل بهای نفت اوپک که به نظر سعودیها ثبات اقتصادی جهان را تهدید می نمود مورد استفاده قرار گرفته است.

عمدتا به منظور حفظ تنها منبع طبیعی با ارزش خویش، عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی، سقف تولیدی بر استخراج نفت خود قائل گشته اند. با در نظر گرفتن کاهش تولید نفت خام ایران

در ماههای اخیر و کمبود جهانی متعاقب آن، سعودیها قسمت عمده ای از قدرت نفوذ خویش در خط مشی قیمت گذاری اوپک را از دست داده اند.

عامل دیگری که بر دیدگاه های کشورهای نفت خیز درباره سطح تولید مؤثر بوده است، انباشتگی ارز رسمی خارج آنان است (به نمودار شماره ۲ رجوع کنید). علیرغم انگیزه های شتابنده توسعه اقتصادی و برنامه های عظیم مربوط به کمکهای خارجی، جمعیت اندک و تواناییهای ناچیز برای جذب، مانع استفاده کامل از درآمدهای نفتی بوده است. در عرض پنج سال، میزان دارایی ذخیره خارجی رسمی (در تملک دولت) منطقه از نسبت ۵٪ در جهان آزاد به ۱۷٪ در سال ۱۹۷۸ رسیده است. چهار تولیدکننده اصلی نفت اکنون دارای بیش از ۱۰۵ میلیارد دلار (دارایی ذخیره) و کل شبه جزیره ۱۰۸ میلیارد دلار می باشند که قسمت عمده آن در خزانه های آمریکا و اروپای غربی قرار دارد. عربستان سعودی به تنهائی از دارایی ارزی بیشتری از هر یک از کشورهای آلمان غربی و ژاپن برخوردار است. در نتیجه این ذخایر انعطاف مالی عظیمی ایجاد شده است، به طوری که کشورهای ثروتمندتر قادرند برای ۲۰ تا ۴۵ ماه واردات خود را تأمین نماید در مقایسه با استاندارد عمومی ۵ ماه در کشورهای کمتر رشد یافته (S-NF).

درآمدهای نفتی به طور معتنابهی توانایی تولیدکنندگان بزرگ منطقه را تقویت نموده است. ترس از محاصره شوروی و از اعراب رادیکال (تندرو) منجمله یمن جنوبی واقع در خود شبه جزیره کشورهای محافظه کار را واداشته است، که از غرب و خصوصا از ایالات متحده آمریکا طلب حمایت نمایند. در عین حال، این کشورها، از طریق کمکهای وسیع، بر وحدت اعراب تأکید ورزیده اند.

کمکهای اهدایی چهار کشور بزرگ تولیدکننده نفت شبه جزیره عربستان به کشورهای عرب درگیر مصر، اردن و سوریه در گردش امور آنان بسیار مؤثر بوده است. کمکهایی همچنین در اختیار

همسایگان فقیرتر، نظیر بحرین، عمان و دو کشور یمن، در جهت حفظ ثبات در شبه جزیره، قرار گرفته است.

روی هم رفته این سیاستها حداقل راهی برای نفوذ دولتهای محافظه کار شبه جزیره جهت تعدیل تصمیمات مربوط به امور اعراب گشوده و به حفظ اعتبار خلیج در اخوت عرب کمک نموده است.

کمک به کشورهای کمتر پیشرفته جهان، که بهتر است به دست ودل بازی اجباری تعبیر شود، عمدتا منحصر به کشورهای مسلمان بوده است (به نمودار شماره ۳ رجوع شود). این کمک در سال ۱۹۷۷ بیش از میزان کمکی بوده که توسط ایالات متحده آمریکا انجام گرفته است. در حقیقت میزان کمکهای خارجی به عنوان درصدی از تولید ناخالص ملی (GNP) خارق العاده بوده، به ۴۰٪ برای عربستان سعودی و ۱۰٪ برای کویت بالغ گردیده است.

رونق اقتصادی

ترقی بهای نفت در دهه ۸۰ ۱۹۷۰، به طور مستقیم یا غیر مستقیم تحرک و پول لازم جهت تنوع در سیستمهای اقتصادی کلیه کشورهای شبه جزیره عربستان را تأمین نمود. این گونه، روند تجدد گرایانه ای آغاز گردید که شکافی روز به روز وسیعتر میان ارزشهای اقتصادی و اجتماعی از یک سو و نظامهای سیاسی که در محدوده این ارزشها بایستی عمل نماید از سوی دیگر، ایجاد می نماید.

لکن، برخلاف ایران، بسیاری از کشورهای منطقه در نیمه دهه ۸۰ ۱۹۷۰ کاهشی در اهداف توسعه گرایانه خویش آغاز نمودند و هیچ یک، آن همه که ایران بر مسئله دفاع به قیمت رفاه اجتماعی تأکید می نمود، بر این امر اصرار نورزیدند.

در قسمتی از شبه جزیره که بر خلیج فارس واقع است، درآمدهای رو به افزایش نفتی بین سالهای ۷۷ ۱۹۷۴ رشد اقتصادی واقعی ای را بالغ بر سالیانه ۲۰٪ در بخشهای (اقتصادی) غیر نفتی همه کشورها ایجاد نمود بجز کویت که میزان متوسط آن به ۸٪ می رسید در اکثر موارد فعالیتهای ساختمانی، تجارت داخلی و خدمات دولتی (از دیگر بخشهای اقتصادی) پیشتر بودند. یمن شمالی، با سود جستن از افزایش سریع درآمد آن دسته از اتباع خود که جذب مشاغل موجود در کشورهای ثروتمند نفتی شده بودند، شاهد رشدی در تولید ناخالص ملی خود بود که در سالهای آخر این دوره به سالیانه ۱۷٪ بالغ می گردید.

در اکثر برنامه های توسعه گرایانه، رفاه اجتماعی از اولویت زیادی برخوردار بوده و امروز در مقایسه با ده سال قبل اغلب اتباع این کشورها در موقعیت مادی بهتری قرار دارند. مدارس رایگان، مراقبت بهداشتی و معافیت از مالیات بر درآمد، بجز در دو کشور یمن، در همه کشورها امری عادی است. برای مسکن و مواد غذایی نیز عموما سوبسید در نظر گرفته می شود. در عین حال، در موارد متعددی توزیع درآمد نابرابرتر شده و فساد به وسیله خاندان سلطنتی شیوع یافته است. حکام و دستیاران ایشان و برخی از مالکین و تجار محتملاً امروزه از عموم شهروندان نسبت به قبل از دوره رونق ثروتمندتر شده اند. این عدم مساوات به خصوص در عمان بسیار چشمگیر است، چون ایادی سلطان قابوس در این کشور از هیچ چیز جهت اقناع مطامع خویش دریغ نورزیده اند.

اگر چه دسترسی به خدمات اجتماعی برای اتباع این ممالک بهبود یافته و سهلتر امکانپذیر است،

لکن تنوع طلبی اقتصادی، در اکثر موارد به تنگناهایی در توزیع و تورمی شتاب یافته منجر گشته است. عقد قراردادهایی که متضمن تشدید تورم بوده اند هزینه ها را بالا برده و بر ضایعات افزوده اند. هزینه های گزافی صرف طرحهای نمایشی شده و از آن هم بدتر برای طرحهای بیجایی چون احداث چهار فرودگاه بین المللی به فاصله چند صد کیلومتر از یکدیگر در امارات متحده عربی، تلف گردیده است. تعدادی از پروژه های مربوط به صنایع سنگین مستلزم مواد خام وارداتی است و این امر احتمالاً سبب خواهد شد که استفاده از محصولات این صنایع صرف نداشته باشد. طرحهای کشور عربستان سعودی برای ایجاد صنعت پتروشیمی مشتمل بر چنان هزینه های سنگینی است که ممکن است آن دولت ناگزیر از سوبسید مواد مصرفی این تأسیسات باشد، شاید به این صورت آن طرحها ارزش اجرا پیدا کنند.

مشکلات اقتصادی و نگرانیهای روز افزون درباره عوارض اجتماعی تجددگرایی، بسیاری از کشورهای شبه جزیره عربستان را واداشته است که محرکات توسعه گرایانه خویش را در اواسط دهه ۸۰ ۱۹۷۰ تعدیل نمایند. در سال ۱۹۷۶ عربستان سعودی چندین پروژه صنعتی خود را به تعویق انداخت و اجرای بقیه طرحها را نیز در جریان یک بحران نقدینگی به کناری نهاد. مشکلات بودجه و موازنه پرداخت باعث شد که عمان در سال ۱۹۷۷ هزینه های مربوط به توسعه (اقتصادی) خود را کاهش دهد و کویت در سراسر دهه ۸۰ ۱۹۷۰ نسبت به رشد اقتصادی موضعی محافظه کارانه اختیار

نمود.

نگرانیهای اجتماعی

تعدیل در انگیزه های توسعه گرایانه این ممالک بیانگر ترس از وابستگی روز افزون به کارگران بیگانه برای جبران کمبود نیروی انسانی داخلی و نارساییهای تکنولوژیکی ایشان نیز بوده است. مصریها، اردنیها و فلسطینیها به مشاغل نیازمند تبحر و یا نیمه حرفه ای و خدمات شهری روی آورده اند. غربیها، اگر چه از حیث تعداد محدودند، نیازمندیهای تکنولوژیک را در اختیار گرفته اند، حال آن که پاکستانیها، هندیها و اهالی کره جنوبی مشاغلی را که نیازمند تبحر و تخصص نمی باشند پر نموده اند. در عربستان سعودی یک سوم از کل جمعیت و بیش از نیمی از نیروی کارگری را بیگانگان تشکیل می دهند. در کویت، قطر و امارات متحده عربی اهالی بومی در حقیقت اقلیتی از جمعیت این کشورها را شامل می شوند.

هر یک از گروههای بیگانه نوعی نگرانی برای دولتهای میزبان ایجاد می کند. حضور فلسطینیها بخصوص دردسر آفرین بوده، موضع کشور میزبان در قبال اختلافات بین اعراب و اسرائیل را تشدید می نماید. غربیها به عنوان ناقلان ماتریالیسم (مادیگرایی) و لیبرالیسم نگریسته می شوند. و آداب و رسوم آسیاییها (چینیها و ژاپنیها و غیره) برای اعراب عجیب و بیگانه است. به استثنای یمنی های ساکن کشورهای نفت خیز، هیچ یک از گروههای بیگانه با هنجارهای (شعایر و آداب و رسوم) بنیادی مرسوم در شبه جزیره عربستان سازگار نمی باشند. بیگانگان مقیم شبه جزیره، مانند مصریها و فلسطینی ها که بسیاری از آنان تمام زندگی خود را در کشورهای میزبان گذرانده اند اغلب کمتر از همکاران محلی خود حقوق می گیرند و به ندرت اجازه دریافت تابعیت به آنان داده می شود. بیگانگان معمولاً از مزایای اجتماعی کمتری نسبت به اتباع برخوردارند، این مشی کلی عموما دنبال می شود که

مهاجرین را از اقامت دائمی دلسرد نموده و دردسر آفرینان را به سرعت اخراج نمایند.

تجددگرایی در شبه جزیره میان عناصر مذهبی محلی بعضی تشنجها را به وجود آورده است، هر چند اکثر این اصطکاکها اکنون تحت کنترل می باشد. مسلمانان سنی منطقه را در اختیار دارند، اما گروههای قابل توجهی از شیعیان در ایالت شرقی عربستان سعودی آنجا که منابع نفتی کشور قرار دارد و نیز در کویت وجود دارند، همچنین در بحرین شیعیان ۶۰٪ جمعیت را تشکیل می دهند. از نظر تاریخی، شیعیان همواره به کارهای یدی در خدمت مالکین زمین و تجار سنی اشتغال داشته اند. نوعا علیه آنان تبعیض روا داشته شده و از تعدادی از مشاغل محروم بوده اند. اختلافات کهن میان شیعه و سنی در یمن شمالی مشکل منطقه ای و قبیله ای نیز به خود گرفته است، اعتقاد بر این است که شیعیان در عربستان سعودی دلبستگی خاصی به جریانات سیاسی ایران ندارند و چنین به نظر می رسد که آنان در سالهای اخیر از جهت اقتصادی تا آنجا که ایجاد تشنج جدی را از آنان سلب نماید، تأمین شده اند. در بحرین، حامیان (امام) خمینی در میان شیعیان از قدرت بیشتری برخوردارند، نیروهای چپگرا نیز در این کشور قدرتمندند.

عایقهای اجتماعی

علیرغم تشنجات سالهای اخیر، اکثر کشورهای شبه جزیره عربستان کمتر گرفتار ناآرامیهای اجتماعی و تلاشهای دانشجویی بوده اند. تاکنون موارد فشاری که روی حکومتهایی با پایه (مردمی) و گسترده تر وارد شده، بدون اغتشاش عمده ای سرکوب گشته است. در بحرین، مخالفت با تعلیق مجلس ملی توسط آل خلیفه حاکم و امتناع آن از مجاز دانستن اتحادیه های کارگری ضعیف بوده، اگر چه گروههای مخالف طی هفته های اخیر برای ایجاد دولتی مسئول و متعهدتر تلاش نموده اند. خاندان صباح (Sabah) در کویت که از تجربه شاه (ایران) نتیجه گرفته است که سرکوبی آزادی بیان سیاسی خطرناک می باشد، مناظره برای بازگردانیدن دستگاه قانونگذاری را ترغیب می کند. با سرکوب شورش در ظفار در اواسط دهه ۸۰ ۱۹۷۰، مخالفت با حکومت قابوس در عمان لااقل ظاهرا ناچیز بوده است.

هر چند احتمالاً این گمان ضعیفی است لکن ثبات اجتماعی در آن سوی شبه جزیره عربستان که بر خلیج فارس قرار دارد، ناشی از قوام سنتی است. سلسله مراتب حکومتی از مشروعیتی تاریخی برخوردار است که به وسیله عموم پذیرفته شده و بین آن و نهادهای مذهبی بومی (داخلی) مناسبات حسنه ای برقرار می باشد. روند حکومتی که نوعا از ساخت و ترکیب سنتی برخوردار است، بر مبنای وفاداری قبیله ای به خاندان سلطنتی قرار دارد. و این به نوبه خود مستلزم جلب موافقت این خاندان در انتخاب حاکم و تصمیمات مربوط به اداره امور می باشد، حاکم به مثابه نگاهبان ارزشهای معنوی، لااقل به ظاهر خود را با احکام و موازینی که به وسیله مذهبیون معین شده وفق می دهد. تماس او با دیدگاهها و نقطه نظرهای عموم از طریق برپایی متوالی یک مجلس یا بار عام به دست می آید که طی آن حتی بی مقدارترین شهروندان نیز می تواند شکایات و مشکلات خویش را ابراز نماید.

مشورتهای متعدد با رهبران قبایل و تجار متشخص نیز دیدگاههای طبقه متوسط را به دست می دهد. نقش ارتش به عنوان مبنای قدرت سیاسی ناچیز به نظر می رسد. در اکثر موارد مخارج دفاعی بخش نسبتا ناچیز و غیر قابل توجهی از درآمد ملی را تشکیل می دهد و در نتیجه مقادیر مازاد بر احتیاج انعطاف پذیری که این کشورها از نظر مالی از آن برخوردارند، مخارج دفاعی در هیچ موردی از حوائج اقتصادی نکاسته است. قوای مسلح قبل از هر چیز نقشی بازدارنده به عهده دارند به این معنا که وظیفه شان سد نمودن حمله دشمن تا زمانی است که نیروهای خارجی به یاریشان بشتابند. تجهیز ارتش با سلاحهای ظریف و پیچیده تاکنون در ازدیاد توان رزمی آن نقشی نداشته است. به خاطر کشش و جاذبه مشاغل غیرنظامی، اکثر آنان از قدرتی به مراتب پایین تر از آنچه مورد نظر بوده است برخوردارند و این امر کشورهای متعددی را بر آن داشته است که طرحهای سربازگیری را مورد آزمایش قرار دهند، که از نظر اجتماعی نامطلوب می باشد. دو کشور یمن در اقصی نقطه جنوب غربی شبه جزیره استثناء می باشند. دستگاه رهبری یمن جنوبی که تحت رژیم مارکسیستی سازمان یافته بر الگوی شوروی عمل می کند، سلطه سیاسی و اجتماعی خویش را از طریق حزب حاکم سوسیالیست یمن اعمال می نماید. بیشترین پشتیبانی از رژیم از سوی مناطق شهرنشین، به ویژه اطراف عدن صورت می گیرد. هر چند حکومت در گسستن پیوندهای قبیله ای تا حدی موفق بوده است، هنوز مخالفت با آن در برخی نقاط دور افتاده ادامه دارد. دولت یمن که از انقلاب دهه ۱۹۶۰ پایه گرفت و اکنون در قالب

یک دستگاه قانونگذاری تکامل یافته است، پس از گذر از یک رشته کودتاها و قتل نفسها اکنون تحت حاکمیت یک افسر نظامی خشک سر قرار دارد که از پایگاه مردمی ناچیزی برخوردار است. عربستان سعودی که مدت مدیدی است در امور صنعا دخالت می نماید، مقادیر معتنابهی کمک در اختیار حکومت مرکزی و قبایل مختلف قرار می دهد تا تحت هیچ شرایطی از وجود دوستی در پایتخت بی نصیب نماند.

تأثیرات ناشی از ایران

علیرغم تفاوتهای متعدد (میان کشور ایران و کشورهای شبه جزیره عربستان)، حوادث (اخیر) ایران یک ناآرامی عمومی را در شبه جزیره عربستان تسریع و تشدید نموده است. سلسله مراتب حاکم به بازبینی امور داخلی خویش پرداخته اند تا میزان آسیب پذیریشان را در قبال دگرگونی وسیعی که ایران تجربه نموده است، تعیین نمایند. طبق گزارشات واصله، بحث درباره اینکه آیا پیشرفت سریع به سوی تجدد عقلایی است یا خیر گسترش می یابد، و در حال حاضر طرفداران محافظه کاری و کاهش در رشد اقتصادی، اکثریت را دارا می باشند. دستوراتی برای تقلیل مصارف تجملی صادر شده و رعایت احکام مذهبی بیشتر تبلیغ می شود. در آینده نزدیک احتمال؛ تولید نفت از سقفهای (حدود) تعیین شده تجاوز نخواهد کرد و کمتر به جمع آوری و انباشتن لوازم و تجهیزات خارجی اهمیت داده خواهد شد. شواهد چندانی دال بر لیبرالیزه نمودن روند سیاسی موجود نیست (شواهد چندانی مبنی بر بازتر نمودن فضای سیاسی موجود نیست)، لکن در صورت رشد سریع آزادیخواهی در روند سیاست، حکام احتمالاً تنها سقوط خویش را تسریع خواهند نمود. در عین حال، از بعضی تغییرات سیاسی برای تسکین خواسته های طبقه متوسط در حال رشد، نمی توان اجتناب نمود.

از نقطه نظر ژئوپولیتیکی، اعراب شبه جزیره از سویی ناظر احاطه روزافزون منطقه توسط روسها

در افغانستان، شاخ آفریقا، و یمن جنوبی بوده و از سوی دیگر شاهد کوتاهی ایالات متحده آمریکا در دفع تجاوز روسیه می باشند. در حال حاضر، آنان در انتخاب میان امتیازات ناشی از استمرار پیوندهای مستحکم با غرب از یک طرف، و حفظ وحدت اعراب و نقش تعدیل کننده ای که خلیج در امور مربوط به آنان بازی نموده است از طرف دیگر، مردد می باشند. آن گونه که از ناآرامیهای منتج از پیمان صلح اسرائیل و مصر برمی آید آنان به احتمال قوی وحدت عربی را انتخاب خواهند کرد.

بحرین

جمعیت: ۳۴۰/۰۰۰ نفر، ۷۵٪ بومی

حکومت: سلطنت سنتی تحت فرمانروایی خانواده الخلیفه

رئیس کشور: امیر عیسی ابن سلمان الخلیفه

مذهب جمعیت بومی: ۶۰ درصد مسلمان شیعی مذهب

۴۰ درصد مسلمان اهل تسنن

سطح سواد: ۴۰ درصد

درصد محصلین در جمعیت: ۲۵ درصد

تولید ذخیره نفت: ۰۰۰/۵۰ بشکه در روز در سال ۱۹۷۸

میزان رسمی ارز خارجی: ۵۵۰ میلیون دلار در ژوئن ۱۹۷۸

تولید ناخالص داخلی: ۷/۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷

میزان نیروهای مسلح: ۱۶۰۰ نفر

نیروی پلیس ملی: ۲۷۰۰ نفر

بحرین: مدیریت سیاسی و اقتصادی با مشکلات بیشتری روبروست

کشور جزیره شکل بحرین که حدود دویست سال است تحت حاکمیت خاندان خلیفه به سر می برد، با بهره برداری از ثروت حاصله از نفت به یکی از مراکز بانکی و تجاری منطقه مبدل گشته است. بحرین، که برای ایالات متحده آمریکا از حیث تأمین امکانات بندری برای نیروی دریایی کوچک خاورمیانه ای آمریکا در خلیج فارس، از اهمیت خاصی برخوردار است، عرفا از منابع تعدیل سیاست منطقه به شمار می رفته است. حکومت بحرین اکنون با ناآرامی روزافزون از سوی مخالفینی روبه رو است که با الهام از تحولات ایران، خواستار مشارکت بیشتر در سیاست و عدالت اجتماعی می باشند. در حالی که تولید نفت این کشور کاهش می یابد، خلفا امیدوارند سلطه خویش را بر دولت به وسیله بالابردن تدریجی سطح زندگی از طریق توسعه خدمات و صنعت سبک، و وعده مدرنیزه نمودن سیاست، حفظ نمایند. اخیرا جمعیت بحرین ۰۰۰/۳۴۰ نفر تخمین زده شده است، که تقریبا سه چهارم آن را اتباع بومی تشکیل می دهند.

حکومت بحرین

هر چند گاه به گاه از مردم بحرین پیرامون حکومت مشروطه و اصلاح اجتماعی نظرخواهی می شود، لکن حکومت بحرین همچنان یک «الیگارشی» تحت سلطه خاندان خلیفه (آل خلیفه) باقی

مانده است. اعضای این خانواده نیمی از کرسیهای هیئت وزرا و اکثر سمتهای دولتی را در اختیار دارند، هزار خلیفه احتمالاً متصدی چنین پستهایی می باشند. عیسی بن سلمان الخلیفه، امیر ۴۵ ساله ای که از سال ۱۹۶۱ حکمران این کشور بوده است، نفوذ شخصی شایان توجهی بر امور مربوط به عموم ملت اعمال می نماید. اهداف عمده او از این قرار است: (الف) حفظ کشور به عنوان یک ذخیره خانوادگی، (ب) ایجاد و توسعه یک بنیان اقتصادی ثابت، (ج) نابودی عواملی که امنیت داخلی کشور را تهدید می کنند، (د) توسعه پیوندهای صمیمانه با همسایگان عرب و کشورهای غربی.

علیرغم فساد و سوء استفاده از حقوق اختصاصی و امتیازات خود، خلفا تاکنون تنها با مقاومت ملایمی از سوی گروههای مخالف مختلف مواجه بوده اند. در حقیقت، امیران بحرین تا اوایل دهه ۶۰ ۱۹۵۰ ظاهرا بدون کوچکترین مخالفتی به حکومت خویش ادامه داده و تنها در این زمان بوده است که تحت فشار خواسته های مردم جهت تحولات سیاسی، به اندک تغییراتی در قانون اساسی تن می دهند.

متعاقب این جریان، نادیده گرفتن وعده اصلاحات سیاسی و اجتماعی توسط عیسی منجمله رد اتحادیه های کارگری، تعلیق «مجلس ملی» در سال ۱۹۷۵، قصور در رعایت حقوق دموکراتیک مربوط به پارلمان، و مخالفت با تجدید قدرت حکمران در قانون اساسی که انتظار می رفت با جنجال

بسیاری مواجه شود، جز با مخالفت بی مایه ای روبرو نشده است.

بحرین: رؤسای دولت

ناممقامسوابق فردیعیسی ابن سلمان الخلیفه خلیفه بن سلمان الخلیفه حمد ابن عیسی الخلیفهحبیب قاسم یوسف احمدالشیراوی عبدالعزیز بن محمدالخلیفه ابراهیم عبدالکریم محمد بن مبارك الخلیفه علی محمد فخرو خلیفه ابن عبداله الخلیفهطارق عبدالرحمن المؤیدمحمد بن خلیفه ابن حمید

خلیفهعبداللّه بن خالد الخلیفهعیسی ابن محمدالخلیفه مجید الجیشی ابراهیم محمد حسن حمیدان جواد سلیم آل اورید حسین محمد ال بهارناامیرنخست وزیرولیعهد فرمانده کل قوای مسلح

بحرین وزیر بازرگانی و کشاورزی وزیر صنایع عمران وزیر آموزش و پرورش وزیر اقتصاد و داراییوزیر امور خارجه وزیر بهداری وزیر مسکن وزیر اطلاعات وزیر کشوروزیر دادگستری و امور اسلامی وزیر کار و امور اجتماعی وزیر امور عامه وزیر راه و ترابری وزیر مشاور در امور کابینهوزیر مشاور در امور حقوقیبرادر جوانتر امیرفرزند ارشد امیربرادرزاده امیربرادرزاده امیربرادرزاده امیربرادرزاده امیربرادرزاده امیر برادرزاده امیرمسلمان شیعی مذهبمسلمان شیعی مذهب

مخالفت داخلی

خطر اصلی که امنیت داخلی را تهدید می نماید از شکاف مذهبی درون جزیره سرچشمه می گیرد.

شیعیان ۶۰٪ ساکنین اصلی بحرین را تشکیل می دهند، اما از نظر اقتصادی و سیاسی تحت سلطه

سنی ها، که شامل خاندان سلطنتی و اکثر تجار عمده نیز می شود، به سر می برند. طبقه کارگر،

ماهیگیران و کشاورزان اکثرا شیعه می باشند. طی سالهای اخیر شیعیان تحرکی به سوی قشرهای بالای

جامعه را آغاز نموده اند، اما پیروان دو مذهب، در نتیجه اقدامات سیاسی تبعیض جویانه از جانب

سنی ها و حفظ نظامهای قضائی، تربیتی و مذهبی جداگانه از سوی شیعیان، به پیوستگی اجتماعی

ناچیزی دست یافته اند.

موقعیت اجتماعی، اقتصادی پست تر شیعیان بر آنان بسیار تلخ و ناگوار است. در گذشته، آنان در سازمانهای ضعیف ضد حکومتی چپگرا و نهضتهای کوچک کارگری فعال بوده اند؛ هر چند از این کار طرفی نبسته اند. موقعیتهای اخیر شیعیان در ایران الهام بخش نوعی احساس غرور در آنان بوده است. رهبران مذهبی جوانان شیعه را به اشاعه شعارهای ضدحکومتی ترغیب نموده اند، ظاهرا عواطف ضد سلطنتی و متمایل به (امام) خمینی در میان شیعیان بحرین شیوع یافته است و فعالیتهای گسترده تر ضد حکومتی بسیار محتمل می باشد.

نهضتهای چپگرا که عموما شیعی می باشند نیز همراه تحولات (اخیر) ایران تقویت گردیده است. مخالفین افراطی در انتظار قدرت یافتن حکومتی چپگرا در ایران که آنان را مشمول حمایت سیاسی و شاید مادی خود قرار دهد، مترصد فرصت اند. هر چند این نهضتها تحت سرکوب مداوم توسط یک سیستم امنیتی نسبتا لایق و کارا تضعیف گشته است، ولی دولت قادر نبوده است از شیوع تدریجی افکار چپگرایانه در میان جوانان بحرینی جلوگیری کند. در حالی که تعداد چپگرایان سازمان یافته از ۱۵۰ تا ۱۸۰ نفر تجاوز نمی کند، این عده احتمالاً از همدردی و حمایت هزاران تن از ساکنین بحرین برخوردارند.

رهبران مذهبی شیعه و چپگرایان در مخالفتهای مشترکی علیه رژیم خلیفه سهیم می باشند، لکن احتمالاً در این باره که چه خط مشی ها و سیاستهایی را یک حکومت جدید بایستی دنبال کند، توافق ندارند. تاکنون شواهد کمی از همکاری خود به دست داده اند، اما احتمال کوششهای مشترک آنان علیه رژیم در آتیه افزایش خواهد یافت. حکومت به زودی ناگزیر خواهد بود که با خواسته های شیعیان و چپگرایان در زمینه تقسیم قدرت توافق نماید.

تجدد گرایی اقتصادی

گسترش اقتصاد چند پایه ای جهت مستعد نمودن شرایط برای آینده ای بدون نفت به عنوان یک استراتژی حکومتی مهم برای تسکین ناآرامیهای سیاسی و اجتماعی به کار رفته است. در حالی که ابتدا دولت بحرین بر توسعه صنایع سنگین همچون پالایش آلومینیم و تعمیر کشتی تأکید می نمود، در سالهای اخیر ساختن جاده ها، تجهیزات بندری، مدارس و وسایل ارتباطی را ترجیح داده است. اولین سیستم فاضلاب و ساختمان یک نیروگاه برق که طرح آن از مدتها قبل تهیه شده بود، در دست تهیه است. قسمت عمده ای از هزینه های بودجه جاری نیز به مسکن و بهداشت اختصاص یافته است.

اولویتهای اقتصادی آینده شامل تأسیس خدمات و صنایع کارخانه ای سبک خصوصی می باشد، که در این محدوده، بحرین از نظر منابع انسانی، موقعیت مکانی و یک سیستم حمل و نقل کاملاً پیشرفته، بر دیگر کشورهای شبه جزیره عربستان از برتری نسبی برخوردار است. طرح جاده ای به عربستان سعودی با هزینه همین کشور ریخته شده است که اگر ساخته شود، با در نظر گرفتن نیازهای آتی مرکز صنعتی جبیل در عربستان سعودی، باعث تحرک صنایع کوچک خواهد شد این جاده تجارت ترانزیت و گمرک سنتی بحرین را نیز گسترش خواهد داد.

متجدد نمودن بخش دفاعی از اولویت اقتصادی ناچیزی برخوردار می باشد. بحرین دارای

کوچکترین و از نظر تجهیزات، فقیرترین نیروهای مسلح در شبه جزیره عربستان است. هزینه های دفاعی به طور ثابت ۴٪ درآمد ملی بین سالهای ۷۷ ۱۹۷۳ را شامل می شد، هر چند هزینه ها به طور مطلق افزایش یافته است. تحویل سالیانه تجهیزات نظامی (که عمدتا از جهت مالی به وسیله عربستان سعودی تأمین می شود) در همین دوره، به همان میزان یک میلیون دلار باقی مانده است. ظاهرا بحرینیها خطر خارجی عمده ای را احساس نمی کنند. افزایش سلاح آنان هدفی را جز تأمین امنیت داخلی و تسکین ارتش که سلاحهای خود را پست تر از تجهیزات کشورهای همسایه می پنداشت، دنبال نمی کند.

درآمدهای عمومی، رشد اقتصادی و توازن پرداخت

توانایی دولت بحرین جهت مدرنیزه کردن و تنوع بخشیدن به اقتصاد آن کشور، در نتیجه چهار برابر شدن قیمت نفت در جهان طی سالهای ۷۴ ۱۹۷۳ و توسعه سریع در فعالیتهای اقتصادی سراسر شبه جزیره عربستان تقویت گردیده است. هر چند تولید نفت طی سالهای اخیر در حقیقت نقصان پذیرفته است، بحرین که در اوپک عضویت ندارد، در نتیجه افزایش بهای نفت شاهد ازدیاد درآمدهای حاصله از نفت خود از ۷۵ میلیون دلار در سال ۱۹۷۳ به حدود ۵۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ بوده است. در عین حال نیاز بیشتر به خدمات مالی دولت بحرین درآمدهای غیرنفتی را به بیش از سه برابر افزایش بخشیده و به ۱۲۵ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ رسانیده است.

تولید ناخالص داخلی واقعی به نسبت متوسط سالانه ۱۱٪ از سال ۱۹۷۳ به بعد افزایش یافته است و این واقعیت نمودار پایه فوق العاده توسعه یافته درآمد دولت بحرین می باشد. تمام این در بخش (اقتصاد) غیرنفتی به ویژه در زمینه خدمات در حال گسترش بانکی و بیمه انجام گرفته است. سیستم بانکی به خصوص پس از تصمیم دولت مبنی بر ارائه جواز به واحدهای بانکی ساحلی در سال ۱۹۷۴

احیاء گردید. تغییر مکان بسیاری از خدمات بانکی و خدمات دیگر پس از جنگ داخلی لبنان نیز برای بحرین سودمند بود. اداره امور ملی، (منجمله دفاع) و صنایع نیز به سرعت گسترش یافته است. زراعت که از ابتدا قابل توجه نبود به تدریج اهمیت خود را از دست داده است و در حالی که ذخایر نفتی رو به نقصان می رود، تولید هیدروکربن ها در نتیجه افزایش بهای نفت سهم خود را از تولید ناخالص داخلی همچنان حفظ کرده است.

هر چند رشد سریع اقتصادی و تولید رو به نقصان نفت حساب بازرگانی بحرین را از سال ۱۹۷۳ به بعد تضعیف نموده است ولی موازنه پرداخت به قوت خود باقی است. ذخایر رسمی، که از پشتوانه سرمایه گذاریهای مستقیم قابل توجه (به ویژه در زمینه فعالیتهای ساختمانی) و کمکهای خارجی (اکثرا از سوی صندوقهای عربی مختلف) برخوردار می باشد، افزایش یافته و میزان آن، که در اواسط سال ۱۹۷۸ به ۵۵۲ میلیون دلار می رسید، با سه ماه واردات برابری می نمود. قروض خارجی نیز در انتهای سال ۱۹۷۷ به حدود ۱۵۴ میلیون دلار افزایش یافته که از این مقدار ۶۵ میلیون دلار آن پرداخت شده است. به هر ترتیب، نسبت بدهی به خدمات در بحرین در آن سال تنها یک درصد بوده است و بدین گونه محل فراوانی جهت گرفتن قروض بیشتر از خارج باقی می ماند.

قطع روند تجددگرایانه

اگر چه در نتیجه رونق اقتصادی اکثر مردم بحرین بدون تردید از رفاه مادی بیشتری بهره مند گشته اند، نیل به تجددگرایی ناگزیر برخی مشکلات اجتماعی، سیاسی را نیز به همراه داشته است. این گونه به نظر می رسد که تجددگرایی فاصله ای را که عرفا میان درآمد سنی های ثروتمند و شیعیان فقیر موجود بوده است، افزایش داده و به رشد قابل توجهی در نیروی انسانی کنترل ناپذیر اتباع سابق این کشور منجر شده است. در عین حال روابط اقتصادی مستحکمتر با عربستان سعودی، بر نفوذ و سلطه فراوان این کشور در خط مشی کلی بحرین افزوده است.

توزیع نادرست ثروت

توسعه سریع اقتصادی روابط متشنج معمول میان سنی ها و شیعیان را تشدید نموده است. کلیه سکنه بحرین از امکانات تحصیلی، بهداشتی و مسکن بهتری سود جسته اند و درآمد سرانه به وجه قابل ملاحظه ای یعنی ۲۷۰ دلار از سال ۱۹۷۳ به بعد، تا ۵۰۰۰ دلار در سال ۱۹۷۷ افزایش یافته است. به هر ترتیب برگزیدگان سیاسی، مالکین زمین و تجار، که عمدتا سنی می باشند، بیش از کشاورزان (که مورد قصور واقع شده اند) و کارگران (که اضافه درآمدشان در نتیجه تورم مضاعف به هدر می رود)، از رونق اقتصادی سود برده اند.

مشکل اتباع بیگانه

تا سال ۱۹۷۴ بحرین تنها کشور واقع در خلیج فارس به شمار می آمد که از نیروی انسانی متخصصی مازاد بر احتیاج خود برخوردار بود. از آن زمان به بعد، رونق اقتصادی نیاز به کارگرانی را که ترک تابعیت ممالک دیگر نموده و حدود نیمی از نیروی کارگری فعلی آن را تشکیل می دهند، افزایش داده است. برای جلوگیری از سلطه یک ملیت بیگانه خاص بر نیروی کارگری، حکومت

بحرین استخدام اتباع کشورهای دیگر خاور دور را بیش از استخدام کارگران هندی و پاکستانی تشویق می نماید. هندیها و پاکستانیها اکنون به ۲۳۰۰۰ نفر بالغ گشته و حدود ۶۰٪ کارگران بیگانه را شامل می شوند هزار و پانصد فلسطینی مقیم بحرین به عنوان کارگران متخصص به حسابداری، مدیریت معلمی و خدمات شهری اشتغال دارند. هر چند به علت برخورداری از برخی مزایای دولتی چون تحصیل رایگان و بهداشت، اتباع سابق (کشورهای دیگر) چندان فعالیت سیاسی ندارند، با این همه آنان اغلب مورد خشم و انزجار اتباع بحرین قرار می گیرند، به ویژه اگر شغلهای حرفه ای و تخصصی را اشغال نمایند. حکومت بحرین به ویژه در مورد وابستگی خدمات شهری به بیگانگان نگران است. خط مشی دولت مبنی بر استخدام انحصاری اتباع بحرین (بحرینیزاسیون) که چندین سال است آغاز گردیده است، هنوز بایستی این وابستگی را کاهش دهد.

نقش عربستان سعودی

کمکهای افزایش یافته و پیوندهای صنعتی و مالی در حال توسعه، نفوذ عربستان سعودی بر بحرین را افزوده است. آل خلیفه که دارای پیوند فامیلی با خاندان سلطنت عربستان سعودی و کویت می باشد،

مایل است خط مشی آنان را در امور داخلی و خارجی دنبال کند. بدون تردید عدم موافقت عربستان سعودی با تجربه پارلمانی بحرین تصمیم عیسی را مبنی بر تعلیق این تجربه، پس از آنکه لیبرالیزاسیون (ایجاد فضای باز سیاسی) مخالفت با حکومت وی را احیاء نمود، راسخ تر نموده است.

چشم انداز

علیرغم فروکش نمودن تشنجهای اجتماعی و سیاسی، اکثر عواملی که موجب انقلاب ناگهانی در ایران گردیدند در بحرین موجود نبوده و یا آنکه دچار پراکندگی و از هم پاشیدگی می باشند. از آنجا که تولید نفت در بحرین ناچیز و رو به نقصان است، جریان ثروت به داخل کشور به اندازه کشورهای عضو اوپک نبوده است. همچنین بحرین مدتهاست که صاحب ثروتی بوده است که پیشرفت اقتصادی این کشور را طی چندین دهه به اعتدال فراهم نماید. نیروی کارگری عظیم بومی بحرین باعث شده است که این کشور کمتر از بسیاری از همسایگانش به نیروی بیگانه متکی باشد. به علت رشد فرهنگی سکنه بحرین منجمله زنان، احتمالاً اتباع بحرین عاقبت حرفه هایی را که در تملک اتباع سابق دیگر ممالک می باشند، اشغال خواهند نمود.

اما قابلیت انعطاف آل خلیفه احتمالاً بهترین بیمه ای است که کشور بحرین علیه عدم ثبات سیاسی دارا می باشد. دولت بحرین بر این امر واقف است که این کشور در زمینه توسعه صنایع سنگین قادر به رقابت با کشورهای دیگر نیست، و از این رو خط مشی اقتصادی خود را بر رفاه اجتماعی و صنایع سبک متمرکز نموده است. در حالی که دولت اتحادیه های کارگری را غیر قانونی اعلام کرده است، قوانینی برای تنظیم شرایط کار وضع نموده و طیفی از مزایای اجتماعی را که به تدریج در حال گسترش می باشد برای سکنه بحرین فراهم نموده است.

امیر بحرین طبقه متوسط را به درون دولت جذب نموده و حتی چندین مشاور از جمله دو وزیر

کابینه را از میان شیعیان منصوب نموده است. همچنین خاندان حاکم (آل خلیفه) در پی به کار گماردن مجلس ملی دیگری است که فاقد تأثیرات تزلزل آفرین مجلس گذشته باشد و ضمنا تقسیم قدرت را تا آن حد امکانپذیر نماید که در صورت بروز ناآرامی عمومی شبیه ایران بتوان سرزنش و تقصیر را نیز تقسیم نمود.

کویت

جمعیت: ۲/۱ میلیون، ۴۷ درصد بومی

حکومت: سلطنت تحت فرمانروایی خانواده صباح

رئیس حکومت: امیر جابرالاحمد آل جابرالصباح

مذهب جمعیت بومی: ۲۰ درصد مسلمان شیعه مذهب ۸۰ درصد مسلمان سنی

سطح سواد: ۴۰ درصد

تولید نفت: ۱/۲ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۸

ذخیره ارز خارجی رسمی: ۹/۲۶ میلیون دلار در ژوئن ۱۹۷۸

تولید ناخالص داخلی: ۸/۱۲ میلیارد دلار در سال مالی ۱۹۷۷

میزان نیروهای مسلح: ۹۵۰۰ نفر

نیروی پلیس ملی: ۱۵۲۰۰ نفر

کویت کشوری که به یاری رشوه از وقوع انقلاب جلوگیری می کند!

در شبه جزیره عربستان کویت کشور کوچکی است که از نظر ثروت غنی ترین، از نظر سیاسی پیچیده ترین و از نظر سیاست خارجی بیگانه گراترین آنهاست. طی دهه گذشته، خاندان حاکم الصباح از طریق مشورت با خانواده های تجار برجسته و رهبران قبایل در رابطه با مسائل گوناگون نشان داده است که تا حدودی بر نیاز تجددگرایی سیاسی واقف است. علیرغم تعلیق «مجلس ملی» و تأدیب مکرر رسانه های گروهی، این خاندان قادر به تسکین مخالفتها و حفظ دولتی معتبر و با ثبات بوده است، روی هم رفته بیشتر از آنرو که خاندان الصباح برای کویتیها بالاترین استاندارد زندگی را فراهم نموده است، به نظر می رسد که این خاندان کنترل زمام قدرت را به دست دارد.

به هر ترتیب انتظار می رود که فشار از جانب شیعیان بی قرار و جوامع متشکل از اتباع دیگر کشورها تحولات اجتماعی و سیاسی را طی سالهای بعد تسریع نماید. به علاوه، آشوب چند ماهه اخیر ایران تمام کشورهای شبه جزیره را در مقابل نیروهای بالقوه تحول را آسیب پذیر نموده است. حوادث خارج از مرزهای کویت و خارج از کنترل این کشور همچون قرارداد صلح اعراب و اسرائیل یا کشمکشهای موجود در یمن و لبنان، می توانند موجد انعکاسات و عوارضی در این کشور باشند که تسلط بر آن برای خاندان الصباح مشکل و پر زحمت خواهد بود.

نوع و روش حکومت:

حکومت کویت که پس از استقلال از سلطه بریتانیا در سال ۱۹۶۱ اسما یک پادشاهی مشروطه بود از سال ۱۷۵۶ به بعد تحت سلطه الیگارشی خاندان الصباح بوده است. جانشین «امیر» که در رأس

حکومت قرار دارد، از طریق اجماع اعضای ارشد خاندان سلطنتی انتخاب می شود. سنت مقتضی است که «امارات» بین دو شاخه این خاندان به نوبت تعویض گردد، و به موجب قانون اساسی، «مجلس ملی» بایستی انتخاب جانشین را تصویب نماید. اما در واقع هر دو شرط احتراما نقض و یا نادیده گرفته می شوند. امیر فعلی جابرالاحمد الصباح از ژانویه سال ۱۹۷۸ تاکنون سلطنت نموده است. برای بیش از ده سال پیش از جلوس بر تخت سلطنت، جابر به عنوان ولیعهد و صدر اعظم نقش عمده ای در سیاست کویت بازی نمود. امیر به یاری مشورت با مشاوران معتمد، کابینه و دیگر اعضای خاندان صباح حکومت می نماید. خاندان سلطنتی اکنون ۹ کرسی از ۲۲ کرسی کابینه را که شامل کلیه پستهای کلیدی می باشد در اختیار دارد. رهبران اصلی قبایل خانواده های تجار برجسته، رهبران مذهبی و افسران عالیرتبه ارتش در رابطه با مسائل مهم مربوط به خط مشی سیاست مورد مشورت قرار می گیرند. احزاب سیاسی ممنوع می باشد و فعالیتهای سیاسی از اتباع سابق کشورهای دیگر (مقیم کویت) پذیرفته نیست.

در سال ۱۹۷۶، متعاقب گذراندن لوایحی از طریق پارتی بازی و رشوه توسط چپیها که از دیدگاه خاندان سلطنتی مضر بر سیاست خارجی تلقی گردید، مجلس ملی منحل شد. این حرکت به ویژه

انزجار جوانان کویتی را که در خارج تحصیل نموده و خواهان نقش بیشتری در اداره امور مملکت می باشند برانگیخت. الیگارشی حاکم که به این نتیجه رسیده بود که شاه (ایران) تخت خود را تا حدودی به خاطر ایجاد اختناق سیاسی از دست داده است، اخیرا مناظره ای در باب برقراری مجدد مجلس به راه انداخت.

علیرغم وجود چندین دسته بندی درون دو شعبه خاندان سلطنتی، حاکم فعلی قادر بوده است همبستگی و نظم این خاندان را حفظ نماید. انتصاب جنجال آفرین سعدالعبداللّه الصباح پسر عموی وی به عنوان ولیعهد و صدراعظم و انتصاب دیگر وزراء توسط او، در میان خاندان سلطنتی به خوبی پذیرفته شده است. هر چند فساد خاندان سلطنتی انتقاد عموم را برانگیخته، اما این فساد نسبت به دیگر اماکن شبه جزیره عربستان از وسعت کمتری برخوردار است. به هر ترتیب، خاندان صباح اکنون به تجدید نظر در مورد نقش اعضای خود در فعالیتهای مالی و تجاری داخلی مشغول می باشد. به خانواده های ثروتمند تذکر داده شده است، که از اسراف در تجملات بپرهیزند.

روابط با نیروی کارگری

در صورتی که افکار عمومی در این جهت شکل گیرد که در حق کارگران ظلم روا داشته می شود و نفوذ سیاسی به طرزی افراط آمیز مورد سوء استفاده قرار می گیرد، نیروی کارگری سازمان یافته می تواند مشکلی ایجاد کند. اتحادیه های صنفی در این ناحیه جزء سازمان یافته ترین (مؤسسات) بوده، در حالی که نمایندگی یک سوم از نیروی کارگری بومی را عهده دار می باشند. این اتحادیه ها بالقوه قادرند فعالیت اقتصادی را در محورهای کلیدی و عمده متوقف نمایند. چهارده اتحادیه ای که «فدراسیون عمومی کارگران کویتی» را شامل می شوند از کارمندان صنعت نفت، بانکها و نه (۹)

وزارتخانه تشکیل یافته اند. رهبران اتحادیه ها چپگرا یا کمونیست می باشند، در حالی که اعضای معمولی نسبت به سیاست بی تفاوت هستند. دولت تاکنون بر رادیکالیسم سیاسی به طرز موفقیت آمیزی مسلط بوده، و فعالیت اتحادیه ها را به مسائل بسیار جزئی مشغول داشته است.

تقسیم ثروت حاصله از نفت

ملایمت تشنجات سیاسی داخلی نشانگر تقسیم ثروت حاصله از نفت کشور میان اتباع این کشور می باشد، که البته بایستی میان آنان و اتباع سابق کشورهای دیگر که جمعیت بسیاری را در کویت شامل می شوند، تمایز داده شود. طی سالهای ۱۹۷۳ ۷۴ کویت در نتیجه افزایش بهای نفت ثروت عظیم بادآورده ای به دست آورد در حالی که تا آن زمان نیز بیش از بیست و پنج سال از ثروت حاصله از نفت سود جسته بود. درآمدهای نفتی از ۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۳ به ۹ میلیارد در سال ۱۹۷۷ افزایش پیدا نمود. کویت این درآمدها را در جهت بهبود وضع کشوری به کار برده است که در گذشته نیز از جهت رفاه اجتماعی از پیشرفته ترین کشورهای جهان محسوب می شده است.

* اشتغال برای همه اتباع تضمین گشته است. در صورت عدم اشتغال افراد در مشاغل غیردولتی، دولت آنان را به استخدام خود در می آورد.

* مسکن (که اغلب شامل تدارک زمین و اعتبار می باشد) به بهای کسری از بهای واقعی خود فراهم است.

* به مواد غذایی سوبسید (کمک هزینه دولتی) تعلق می گیرد.

* درآمد فاقد مالیات می باشد.

* تحصیل رایگان برای عموم، بهداشت و آب و برق و تلفن به صورت رایگان برای کلیه اتباع فراهم است.

تنها نقیصه عمده در رفاه گرایی کویتیها کمبود مسکن برای قشر کم درآمد مردم است، زیرا بنای ساختمان همگام با تقاضا نبوده و قادر نیست پاسخگوی آن باشد.

هر چند جمعیت شیعیان بومی این کشور که به ۱۱۰ هزار نفر بالغ می گردد (۲۰٪ کل جمعیت بومی کویت) در ثروت حاصله از نفت شریک گشته اند، با این همه هنوز از برخی تبعیضات سیاسی و اجتماعی رنج می برند. از نظر مالی شیعیان مجموع «بسیار موفق بوده اند و ظاهرا ناآرامی مدنی برای ایشان همانقدر زیان بخش است که برای برادران سنی مذهبشان، اگر چه اخیرا شیعیان منجمله خانواده های تجاری مرفه تظاهراتی به پشتیبانی (امام) خمینی برگزار نمودند و احتمالاً برای کسب آزادی سیاسی بیشتر اصرار خواهند ورزید، اما آنان بیش از آن مرفهند که به انقلابیون حقیقی مبدل گردند.

در حالی که اتباع کویت از مزایای ثروت حاصل از نفت برخوردارند، خارجیان که به اکثر مشاغل یدی و حرفه های تخصصی درجه ۲ در رابطه با مدیریت اشتغال دارند، از بخت کمتری بهره مند می باشند. اتباع کشورهای دیگر که ۵۳٪ جمعیت ۲/۱ میلیون نفری این کشور و ۷۰٪ نیروی کارگری را تشکیل می دهند، در مقابل کار مشابه از اتباع اصلی حقوق کمتری دریافت می کنند و از نظر مسکن

در سخت ترین شرایط به سر می برند. مشاغل پردرآمد و مالکیت زمین، تشکیل احزاب سیاسی و شرکت در هر گونه فعالیت سیاسی برای آنان ممنوع است، طبق قوانین مشکل مربوط به حق تابعیت، تنها تعداد اندکی از خارجیان می توانند به تابعیت این کشور درآیند.

محرومیت از مالکیت اموال و فعالیت سیاسی، در میان کسانی که تبعه این کشور نیستند به ویژه فلسطینیها، ایجاد تنفر و خشم می نماید. سیصد هزار فلسطینی بزرگترین گروه خارجیان را تشکیل می دهند. آنان ۲۵٪ مشاغل مربوط به خدمات شهری شامل بسیاری مناصب کلیدی را در اختیار دارند. قوای امنیتی از نزدیک فلسطینیها را تحت کنترل داشته و گاه به گاه اغتشاش آفرینان فلسطینی را از کشور اخراج می نمایند. خطر از دست دادن مشاغل مؤثرترین عامل بازدارنده فلسطینی ها از فعالیت سیاسی بوده است. به هر ترتیب، صرف قدرت حاصله از کثرت فلسطینی ها همچنان موجب نگرانی خاندان سلطنت می باشد.

گردش ثروت حاصله از نفت

با پندگیری از اشتباهات گذشته، دولت کویت کنترل منابع نفتی خود را طی سالهای دهه ۱۹۷۰ به دست گرفته و این سیاست موجب تسکین ناآرامیهای اجتماعی و سیاسی گشته است. به منظور حفظ ذخایر نفتی برای نسلهای آینده، استخراج نفت کاهش پذیرفته است. در نتیجه افزایشهای مستمر در

بهای نفت، کاهش استخراج تاکنون مانع سیر صعودی درآمدهای حاصله از نفت از سال ۱۹۷۵ نبوده است. از سال ۱۹۷۳ تاکنون رشد (اقتصاد) غیر نفتی به میزان متعادل سالانه ۸٪ نگاهداشته شده است، حتی طی دوران قبل از سال ۱۹۷۳، دولت کویت که ظرفیت محدود سرمایه گذاری داخلی را دریافته بود، به سرمایه گذاری عظیم در خارج از کشور همت گماشت. سالهاست تجربیات سرمایه گذاری خارجی کویت از دیگر کشورهای عربی تولیدکننده نفت پیشرفته تر بوده است.

طی سالهای دهه ۱۹۷۰، سیاست نفتی دولت تصویر بارزتری از منفعت جویی ملی را به نمایش گذارده است. از سال ۱۹۷۳ به بعد، استخراج نفت از ۳ میلیون بشکه در روز به ۲ میلیون بشکه کاهش یافته است. با این حساب، ذخایر نفتی قطعی و احتمالی کشور که ۸۰ میلیارد بشکه تخمین زده شده است برای صد سال کفایت خواهد نمود. دولت بهره جداگانه ای برای استخراج نفت مقرر کرده و مالیاتها و حق الامتیازاتی را که به وسیله کمپانیهای خارجی فعال در کشور پرداخت می شوند افزایش داده است. مالکیت بخش (اقتصاد) نفتی که در سال ۱۹۷۵، ۷۰٪ تولید ناخالص داخلی را تأمین می نمود کاملاً در اختیار دولت قرار گرفته است.

در زمینه های غیرنفتی، توسعه و پیشرفت (اقتصادی) داخلی بر حمل و نقل، ارتباطات، خدمات اجتماعی و پایه صنعتی تمرکز یافته است. در زمینه صنعت، بخشهای (اقتصادی) مربوط به صادرات که بر صدور سرمایه استوار است و از نفت و گاز به عنوان منابع انرژی و مواد خوراکی خود استفاده می نمایند، مورد تأکید قرار گرفته اند.

کویت: رهبران حکومت

نام مقام سوابق(۱)

جابرالاحمد الصباح(۲) امیر

سعد العبدالله الصباح(۲) نخست وزیر از بستگان دور امیر

جابر علی الصباح(۲) معاون نخست وزیر وزیر اطلاعات از بستگان دور امیر

صباح الاحمد الصباح(۲) معاون نخست وزیر و وزیر امورخارجه برادر ناتنی امیر

خالد الاحمد الجابرالصباح(۲) وزیر امور دیوانی امیر برادر ناتنی امیر

عبدالوهاب النفیسی وزیر بازرگانی و صنعت

سلیمان زیدالخالد وزیر ارتباطات

سالم الصباح السالم الصباح(۲) وزیر دفاع از بستگان دور و

فرزند امیر

جاسم خالد المرزوق وزیر آموزش و پرورش

حمد مبارک العیار وزیر آب و برق

عبدالرحمن سلیم العتیقی وزیر دارایی

دکتر عبدالرحمن العوضی وزیر بهداری

وزیر مسکن

نواف الحمد جابرالصباح(۲) وزیر کشور برادر ناتنی امیر

عبداللّه المفرح وزیر دادگستری

سلمان الدویج الصباح(۲) وزیر امور حقوقی و اداری برادرزاده امیر

علی الخلیفه الصباح(۲) وزیر نفت برادرزاده امیر

محمد العدسانی وزیر برنامه ریزی

حمود یوسف النصیف وزیر امور عامه

یوسف جاسم الحاجی وزیر امور مذهبی و اسلامی

عبدالعزیز محمود بوشهری وزیر کار و امور اجتماعی

عبدالعزیز حسین وزیر مشاور در امور کابینه

۱ عبدالمطلب الکاظمی وزیر نفت کویت در سالهای ۷۸ ۱۹۷۵ تنها شیعی مذهبی بود که توانسته بود در کابینه سمتی کسب نماید، بقیه اعضاء سنی مذهب می باشند.

۲ اینان اعضای انتسابی خانواده حاکم می باشند. اعضای کابینه شاخه های متعدد خانوادگی را نشان می دهد که رقبای یکدیگر نیز به حساب می آیند.

دولت کویت عموما پروژه هایی را برگزیده است که در صحنه اقتصاد بین المللی قادر به رقابت بوده و نسبت به استانداردهای (موازین) معمول تجاری از سود کافی برخوردار باشند. بر خلاف ایران و دیگر کشورهای کمتر توسعه یافته، کویت از نمایشهای بیش از حد تجملی و پر دردسر در زمینه صنعت اجتناب ورزیده است.

علیرغم مخارج فراوان برای ایجاد تنوع اقتصادی، دولت دارای مازاد بر درآمد نیز می باشد.

موجودی ذخیره رسمی از ۷/۳ میلیارد دلار در آخر سال ۱۹۷۳ به ۶/۹ میلیارد دلار در اواسط سال ۱۹۷۸ افزایش یافته است. به علاوه این کشور دارای موجودی غیر ذخیره ای بالغ بر ۳/۱۷ میلیارد

دلار در خارج از کشور می باشد، که اکثر آن در ایالات متحده آمریکا و بریتانیا سرمایه گذاری شده است. درآمد حاصله از این موجودی در پنج برابر شدن درآمدهای غیر نفتی طی سالهای ۷۷ ۱۹۷۴ مؤثر بوده است و دولت امیدوار است که این درآمد توسعه اقتصادی را با وجود کاهش ذخایر و استخراج نفت، تداوم بخشد. اکنون دولت کویت مقرر داشته است که ۱۰٪ از درآمدهای حاصله از نفت به «صندوق ذخیره نسلهای آینده» که در خارج به کار گرفته می شود، واریز گردد. درآمدی که از این کار به دست می آید در خود صندوق نگاهداشته می شود و حداقل به مدت ۲۵ سال نمی تواند به عنوان بودجه مورد استفاده قرار گیرد.

سیاست خارجی

کویت سیاست خارجی خود را بر کسب و موازنه حمایت سیاسی همسایگان خود استوار نموده است و این مسئله حاکی از آسیب پذیری نظامی و جغرافیایی این کشور می باشد. کویت در جستجوی آن است که خلیج فارس را از ستیزه جویی یک قدرت بزرگ دور نگاهداشته و با کلیه کشورها روابط دوستانه برقرار نماید. حمایت جدی کویت از وحدت عربی به منظور آن است که وی را از اشغال و تجاوز به وسیله دیگر کشورها و انقلابی رادیکال که به پشتیبانی بیگانه ممکن است در این کشور به وقوع بپیوندند، در امان دارد. هرگونه شکافی در صفوف اعراب، به خصوص در رابطه با مسئله

فلسطین، به عنوان خطری تلقی می شود که امنیت داخلی و خارجی این کشور را تهدید می نماید. هر چند این کشور نسبت به مسئله فلسطین همفکر و همدرد است، با این همه اگر به خاطر کثرت جمعیت فلسطینیهای مقیم این کشور نبود، احتمالاً خط محافظه کارانه تری را در رابطه با این مسئله دنبال می نمود. گسترش درآمدهای حاصله از نفت بر نفوذ خارجی کویت افزوده است. طرح یاری رسانی کویت که این کشور در میان کشورهای تولیدکننده نفت عضو اوپک، جزء اولین مبتکرین آن می باشد اکنون یکی از مهمترین ابزار در خدمت سیاست خارجی این کشور به شمار می رود.

کویت که در میان یاری رسانان جهان مقام چهارم را دارا می باشد، از بالاترین نسبت کمک به تولید داخلی ناخالص (حدود ۱۰٪) برخوردار می باشد. بین سالهای ۷۷ ۱۹۷۴، مجموع این کمکها به ۸/۲ میلیارد دلار بالغ گشته و بین ۴۰ کشور مختلف توزیع گردید. بیش از سه چهارم این مقدار به کشورهای عرب، به ویژه کشورهای در حال ستیز (خط مقدم م) تعلق گرفته است. به منظور حفظ پشتیبانی فلسطینیهای داخلی، کویت به سازمان آزادیبخش فلسطین و صندوق کمک به اردوهای پناهندگان مربوط به سازمان ملل متحد نیز یاری نموده است.

اگر سیاستهای سیاسی و اقتصادی قادر به جلوگیری از تجاوز خارجی نباشند، کویت ناچار خواهد بود که بر نیروهای نظامی ناچیز خود تکیه کند. نیروهای مسلح کویت که عمدتا از عشایر داخلی تشکیل می شود، تنها شامل بر ۹۵۰۰ نفر می باشد. نیروی پلیس ملی که بالقوه ممکن است ارتش را یاری نماید بر ۱۵۲۰۰ نفر بالغ می گردد. در نتیجه مشکلاتی در جذب داوطلب سربازی، کویت به تازگی خدمت وظیفه اجباری را وضع نموده است.

خاندان سلطنتی دریافته است که قادر به دفع یک تهاجم وسیع نظامی نخواهد بود. از اینرو استراتژی وی بنای یک قوای دفاعی است که قدرت کافی برای متوقف نمودن مهاجم تا کسب کمک

خارجی را دارا می باشد. در سالهای ۷۷ ۱۹۷۶، کویت معاینه کامل و اصلاحات عمده ای را در رابطه با نیروهای مسلح خود آغاز نمود، به این منظور مسافرتهایی به کشورهای غرب و به میزان بسیار کمتری به روسیه، برای خرید جتهای جنگنده، تانک، راکت و کشتی انجام گرفت. بهای ابزار نظامی تحویل گرفته شده توسط کویت از ۶/۱ میلیون دلار در سال ۱۹۷۴ به ۳۲۴ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ افزایش یافته است. به علت رشد سریع اقتصادی، مخارج دفاعی هنوز تنها ۴٪ تولید ناخالص داخلی یعنی تقریبا به اندازه سال ۱۹۷۳ را تشکیل می دهد و آنقدر نیست که نفرت سکنه ثروتمند این کشور را در سطح گسترده ای برانگیزد.

چشم انداز

با ثروت انبوه و جمعیت ۲/۱ میلیون نفری کویت انتظار می رود که این کشور طی چندین سال آتیه قادر باشد ثبات سیاسی خود را حفظ کند. تجربه طولانی در مورد اداره ثروت و توسعه برنامه های وسیع اجتماعی باعث شده است، که خانواده صباح کمتر از بسیاری از همسایگانش نسبت به مخالفتهای داخلی آسیب پذیر بماند. به هر ترتیب محتمل است که فشار از سوی شیعیان و فلسطینیهای داخلی و کویتیهای تحصیلکرده، متشکل از گروههای نژادی و مذهبی گوناگون منجر به تغییرات اجتماعی و سیاسی در طول سالهای آتی گردد. از طریق بهبود خدمات اجتماعی، کویت احتمالاً قادر

خواهد بود که از ناآرامی بالقوه فلسطینیها و اتباع سابق کشورهای دیگر اجتناب نماید. با در نظر گرفتن وابستگی داخلی کویت به نیروی انسانی بیگانه برای تأمین خدمات و عکس العملهای حاد سیاسی که اخراج تعداد قابل توجهی فلسطینی در پی خواهد داشت، اخراج در مقیاس وسیع راه حل مناسبی نخواهد بود. به ویژه خاندان سلطنتی تحت فشار بسیاری قرار خواهد گرفت تا موضع اساسی تری نسبت به پشتیبانی از مسئله فلسطین اختیار کند.

در پاسخ به تقاضای مردم برای حضور بیشتر آنان در صحنه سیاست خاندان صباح احتمالاً کوشش خواهد نمود که مجلس ملی را به شکلی که مشکلات گذشته تکرار نشده و حاکمیت این خاندان به خطر نیفتد، دوباره برقرار سازد. در کوتاه مدت تقسیم مختصری از نفوذ و قدرت سیاسی توسط خاندان سلطنتی ممکن است برای ابقای حکومت آنان کافی باشد. اما در بلند مدت، خاندان صباح تحت فشار روزافزونی قرار خواهد گرفت تا قدرت خود را با نیروهای سیاسی در حال رشد تقسیم نماید.

یمن شمالی

جمعیت: ۳/۶ میلیون نفر که تقریبا تمامی آنها بومی هستند.

حکومت: رژیم نظامی (طرفدار غرب)

رئیس حکومت: سرهنگ دوم علی عبداله صالح

مذهب جمعیت بومی: ۵۵ درصد سنی شافعی

۴۵ درصد شیعه زیدی

سطح سواد: ۱۵ درصد

اقتصاد: اقتصادی کوچک و کشاورزی که اصولاً به وسیله پولهای کارگرانی که

در خارج از کشور بسر می برند حمایت می گردد.

ارز خارجی رسمی: ۳۵/۱ میلیارد دلار در ژوئن ۱۹۷۸

ذخیره تولید ناخالص ملی: ۵/۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷

میزان نیروهای مسلح: ۵۰۰/۱۶ که نیروهای قبیله ای به فراخور نیاز فرا خوانده می شوند.

نیروی پلیس ملی: تقریبا ۴۳۰۰ نفر

یمن شمالی، روابط با عربستان سعودی

بقای حکومت فعلی یمن شمالی بر حمایت مستمر اقتصادی و سیاسی عربستان سعودی از این کشور متکی است. سعودیها پیشتاز تلاش بین المللی در حمایت از صنعا بوده اند و طی پنج سال گذشته حدود یک میلیارد دلار کمک اقتصادی را در گرو این کار نهاده اند. با این همه عربستان سعودی هرگز به یمن شمالی اعتماد نداشته و حتی توطئه چیده است که آن را از داخل تضعیف نموده و ضعیف نگاه دارد. به هر ترتیب سعودیها خواستار رژیم مساعدی در یمن شمالی می باشند، که بتوانند از آن به عنوان خط مقدم دفاع خود علیه حکومت رادیکال یمن جنوبی استفاده نمایند. در رابطه با پرزیدنت علی عبدالّله صالح باید گفت که تلاشهای وی برای حامیان خود و تسکین منتقدان روز افزونش ممکن

است، بسیار دیر شده باشد.

یمن شمالی که نام رسمی آن جمهوری عربی یمن می باشد، مساحتی برابر دویست هزار کیلومتر مربع از بخش جنوبی شبه جزیره عربستان را می پوشاند. کشاورزی قسمت اعظم فعالیت اقتصادی در این کشور را تشکیل می دهد. هر چند میزان بارندگی در یمن شمالی نسبت به سایر کشورهای واقع در شبه جزیره بسیار بهتر است، اما محصول کشاورزی در گرو آب و هوایی خشن و متغیر قرار دارد. شمار بسیاری از ساکنین یمن شمالی در جستجوی درآمد بهتر به نقاط پر رونق منطقه خلیج فارس به ویژه به عربستان سعودی مهاجرت نموده اند. وجوه ارسالی توسط این کارگران معادل بیش از ۵۰٪ تولید ناخالص داخلی بوده و بخش عمده ای از واردات یمن شمالی را تشکیل می دهد. به علاوه از طریق مالیاتهای گمرکی که به این واردات تعلق می گیرد، آنان سهم عمده ای از درآمدهای دولتی را به طور غیرمستقیم تأمین می نمایند. مهاجرت، اتباع سابق یمن را با عقاید و مهارتهای جدیدی روبرو نموده و این گونه ارزشهای اجتماعی مورد پسند و علاقه، اعراب محافظه کار را تغییر و تحول می بخشد. تغییر و تحول در ارزشها و شیوه های مرسوم زندگی هنگامی اوج می گیرد، که یمن شمالی تلاش می نماید از سویی از عهده تجاوزات یمن جنوبی برآمده و از سوی دیگر با روابط مستمر با عربستان سعودی و قبایل شمالی که صاحب استقلال فکری می باشند کنار آید، موقعیتی که می توانست باعث تداوم یک حکومت ضعیف (چون دولت یمن شمالی) گردیده و ایجاد نهادهای دموکراتیک اصیل را به تعویق اندازد.

تحول سیاسی

منطقه ای که اکنون جمهوری عربی یمن را در بر می گیرد تا انقلاب سپتامبر سال ۱۹۶۲ که سلطه فئودالیستی «امام» را خاتمه بخشیده و راهی برای نفوذ تأثیرات خارجی به داخل منطقه گشود، از نظر

سیاسی و اقتصادی در حالتی نامتناسب با شرایط زمان به سر می برد. گروه جمهوریخواهان که «امامت» را برانداختند، اقدام به تأسیس نهادها و اشاعه خط مشی هایی متناسب با یک حکومت متجددتر از دولت اسلامی قرون وسطایی یمن شمالی نمودند. تحت سرپرستی مصریها که از جمهوریخواهان در جنگ داخلیشان علیه عناصر سلطنت طلب (که به وسیله عربستان سعودی حمایت می شدند) طرفداری می کردند، در حدود دوجین وزارتخانه و سایر مؤسسات دولتی و چند شرکت مشترکا خصوصی دولتی به وجود آمدند. همزمان با خاتمه رسمی جنگ داخلی در سال ۱۹۷۰، یک قانون اساسی تدوین گشت و اولین انتخابات ملی یمن شمالی برگزار شد که به استقرار یک هیئت قانونگذاری موسوم به «مجلس شورا» منجر گردید. هر چند احزاب سیاسی سازمان یافته در این کشور هرگز مجال رشد نیافته اند اما برخی عناصر تشکیل دهنده مجلس صاحب اعتقادات بعثی و ناصری و نظریات دیگر می باشند.

نفوذ مجلس شورا بر خط مشی ملی که از ابتدای تأسیس آن نیز قابل توجه نبوده است، طی سالهای اخیر به علت حاکمیت متوالی «شوراهای رهبری نظامی» تضعیف گشته است. در سال ۱۹۷۴ یک شورای رهبری چهار نفره تحت رهبری آمیخته با نبوغ سرهنگ ابراهیم الحمدی قدرت کامل را به دست گرفت. با تکیه بر توسعه اقتصادی و تجددگرایی، این شورا کوشش نمود که حکومت مرکزی

را تقویت نماید. چندین کمیته اصلاح، تعاونی، انجمن مهاجرین و مؤسسات دیگری که قدرتهای سنتی و قبیله ای را در معرض تهدید قرار می داده اند، تأسیس گردید. با این همه دولت هرگز قادر نبود کنترل کامل خود را بر بسیاری از مناطق کشور، به ویژه بر شمال شرقی آن اعمال نماید.

پس از آن که حمدی در اکتبر سال ۱۹۷۷ به قتل رسید. بسیاری از برنامه ها اصلاحی وی نیز به فراموشی سپرده شدند. دولت تحت رهبری جانشین سرهنگ احمد القشمی، قالب شخصی و نظامی تر به خود گرفت. تکیه بر نیروهای نظامی پس از قتل قشمی توسط مأموری از یمن جنوبی در ژوئن سال ۱۹۷۸ همچنان ادامه یافت. رئیس جمهور فعلی سرهنگ دوم علی عبداللّه صالح خارج از قوای مسلح پایگاه قدرتی ندارد و مورد تنفر بعضی عناصر درون قوای مسلح نیز می باشد، زیرا آنان گمان می کنند که وی مسئول مرگ حمدی محبوب بوده است.

رژیم صالح با این مشکل روبروست که ساکنین یمن شمالی را متقاعد نماید که قادر است، مشکلات فراوان سیاسی و اقتصادی این کشور را حل کند. در عین حال، حکومت فعلی بایستی به شرایط امنیتی نابهنجاری که به واسطه فعالیتهای خرابکارانه مارکسیستی یمن جنوبی ایجاد گردیده است، رسیدگی نماید.

یمن شمالی: رهبران حکومت

نام مقام سوابق

علی عبداللّه صالح رئیس جمهور زیدی

محمد احمد آل جونید معاون نخست وزیر در امور مالی و اقتصادی شافعی

عبدالکریم آل امیریانی وزیر کشاورزی نامشخص

حسین عبداله الامری وزیر امور خارجه نامشخص

یحیی حسین آل وزیر اطلاعات و فرهنگ نامشخص

محمد حمود خمیس وزیر کشور نامشخص

احمد آل میهانی وزیر امور عامه و شهرداریها نامشخص

تقسیماتی از دیدگاه جامعه شناسی

یک شکاف مذهبی میان سکنه ۳/۶ میلیون نفری یمن شمالی ماده منفجره بالقوه ای در چشم انداز امنیت داخلی این کشور به شمار می رود. جماعت زیدیه از مذهب شیعه که در مناطق شمالی، مرکزی و شرقی یمن شمالی به سر می برند قرنهاست که بر جماعت شافعی از مذهب سنی در جنوب و جنوب غربی این کشور مسلط بوده اند. وجه تمایز این دو فرقه بیش از آنکه از تعالیم دینی ایشان نشأت بگیرد، در خصوصیات اجتماعی و فرهنگی آنان نهفته است. از آنجا که جماعت شافعی از نقش محسوسی در امور حکومتی محروم بوده اند، اغلب خارج از کشور به تجارت اشتغال ورزیده اند و از این رو بیش از زیدیان تنگ نظر، در معرض تأثیرات خارجی قرار گرفته اند. شافعیان در حال کسب مختصر نفوذی در امور سیاسی می باشند. شمار روز افزون تکنوکراتهای (متخصصین در امور صنعتی) مورد نیاز حکومت که از عهده تهیه خدمات عمومی و اداره طرحهای مربوط به توسعه اقتصادی کشور

برآیند، در میان شافعیان بیش از زیدیهای قبیله نشین یافت می شوند. همچنان که اقتصاد از حرفه های کشاورزی سنتی رایج در میان قبایل فراتر می رود، به نظر می رسد که زیدیها همبستگی خویش را از دست می دهند.

ضعف نظامی

اختلاف فرقه ای میان شافعی ها و زیدی ها وحدت نیروهای مسلح را تضعیف می نماید. واحدهای نظامی در ابتدا گرد نسبهای قبیله ای تشکیل شدند. از آنجا که داوطلبهای خدمت در ارتش طبیعتا جذب واحدهای هم قبیله ای های خود شده اند، تشکیل قبیله ای واحدهای مختلف همچنان تداوم یافته است. افسران ارتشی عموما زیدیه مذهبند و معمولاً قبیله دوست بوده و از تحصیلات و تربیت پایینی برخوردار می باشند. بسیاری از شافعیان از خدمت زیردست مافوق زیدیه مذهب سرباز زده اند. همراه با گرایش روزافزون نیروهای مسلح به سمت سیاست و فساد شایع میان افسران، فرقه گرایی به کمبود کارکنان ارتش منجر گردیده است. در حالی که طی برخوردهای خصمانه با یمن جنوبی اختلافات داخلی علت عمده عملکرد ضعیف یمن شمالیها می باشد. ارتش این کشور نیز از تجهیزات فرسوده و بد نگهداری شده خود زیان بسیاری تحمل نموده است. تجهیزات نیروهای مسلح را عمدتا اسلحه فرسوده روسی و برخی وسایل جدیدتر غربی تشکیل می دهد. طی سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷، میزان وسایل نظامی که به یمن شمالی تحویل داده شده است تنها به ۹۰ میلیون دلار بالغ می گردد، حال آنکه یمن جنوبی معادل ۱۹۷ میلیون دلار تجهیزات دریافت داشته است. این شکاف در سال ۱۹۷۸ وسعت بیشتری می یابد. یمن شمالی تنها ۵/۷ درصد از کارکرد ملی خود را به مخارج دفاعی اختصاص می دهد، در حالی که یمن جنوبی ۵/۱۴ درصد وقف این مخارج می کند. اخیرا واردات تجهیزات آمریکایی از ایالات متحده و عربستان سعودی که توسط ریاض تأمین (مالی) می شود. احتمالاً از عدم

توازن نظامی در یمن شمالی خواهد کاست.

مهاجرت: هرز رفتن نیروی انسانی

کمبود کارکنان ارتش نشانگر نقصان عمومی نیروی انسانی در یمن شمالی است. از سالهای ۷۴ ۱۹۷۳ به بعد که افزایش بهای نفت به رونق اقتصادی در عربستان سعودی و کشورهای دیگر خلیج منجر گردید، تعداد روزافزونی برای اشتغال به خارج مهاجرت نموده اند، حدود ۳۰ درصد از نیروی انسانی مرد اکنون خارج از کشور به کار اشتغال دارد. ذخیره غیرکافی نیروی کارگری داخلی فشار عمده ای بر برنامه های توسعه اقتصادی و گسترش بازرگانی خصوصی، در داخل کشور به شمار می رود، به ویژه کشاورزی از این نقصان زیان دیده است. فقدان نیروی انسانی به ترک برخی زمینهای زراعی انجامیده و احتمالاً در کاهش محصول نیز دخیل بوده است. در نتیجه موقعیت کساد نیروی کارگری، زنان به تدریج محدودیتهای سنتی را شکسته و به کار می پردازند. این دگرگونی بیش از هر چیز در کشاورزی تکان دهنده بوده است. به علاوه کارهای روزمره نظیر آشپزی، حمل آب، پرورش فرزند، جمع آوری علوفه و مراقبت از حیوانات اکنون زنان در فعالیتهایی نظیر شخم زدن، کاشتن و درو کردن که مطابق سنت به مردها اختصاص داشته است نیز دخالت دارند. کارگران زن که به کشاورزی

اشتغال دارند ۲/۱ تا ۴/۳ مردان همکار خود مزد می گیرند، حتی در بعضی نقاط کشور زنان مزارع را اداره می کنند، در امور سرمایه گذاری صاحب رأی می باشند و همطراز مردان در کارهایی چون برق کشی در منازل و حفر چاه شرکت می جویند.

مهاجرت: تأمین مالی اقتصاد

طبق گزارش رسمی درآمدهای ارسالی به این کشور توسط یمن شمالیهایی که در عربستان سعودی و کشورهای دیگر به کار اشتغال دارند، به یک میلیارد دلار در سال ۱۹۷۸ یعنی ۹ برابر رقم متعلق به سال ۱۹۷۴ افزایش یافته است. این مبلغ معادل بیش از ۵۰ درصد «تولید ناخالص داخلی» می باشد. بدون شک اضافه بر این مبلغ، وجوه دیگری نیز به کشور ارسال می شوند که در بانک مرکزی ثبت نمی گردند. همچنین یمنی هایی که به کشور بر می گردند ماشین، کامیون و سایر اقلام مصرفی را به همراه می آورند. این وجوه در دو برابر نمودن درآمد سرانه به ۳۵۰ دلار طی پنج سال اخیر مؤثر بوده اند. وجوه ارسالی بودجه عمومی را بهبود بخشیده است. از آنجا که افزایش قدرت خریدی که توسط این وجوه به وجود آمده تقاضا برای اجناس وارداتی را بالا برده است، مالیات گمرکی که به این اجناس تعلق می گیرد نیز به سرعت افزایش یافته و روی هم رفته بزرگترین قسمت از درآمدهای عمومی تأمین می نماید (۸۵٪). در عین حال ذخایر رسمی به طور یکنواخت بالا رفته و در آخر سال ۱۹۷۸ به بیش از ۴/۱ میلیارد دلار بالغ گردیده است خط مشی کنونی بانک مرکزی یمن شمالی خرید دلار با ریال های یمنی است که این کشور چاپ می نماید. به عنوان یک کشور کمتر پیشرفته که از نظر منابع طبیعی فقیر می باشد، یمن شمالی از اعتبار بین المللی خارق العاده ای برخوردار است. داراییهای خصوصی دلار و دیگر پولهای نقد که به علت فقدان کنترل ارزی رواج یافته است احتمالاً بیش از داراییهای عمومی می باشد.

در نتیجه محدودیت نیروی انسانی و دیگر فشارها، تنها قسمتی از تقاضاهای حاصله از هجوم وجوه خارجی توسط محصول داخلی که از سال ۱۹۷۳ به بعد سالیانه ۸٪ افزایش یافته است، برآورده می شود. بازرگانی، خدمات دولتی، حمل و نقل و بودجه داخلی سریعتر از دیگر چیزها توسعه یافته اند. بسیاری از مهاجرین که به کشور بازگشته و مخارجشان توسط پس انداز آنها در خارج از کشور تأمین می شود، مغازه های کوچکی باز نموده و به حرفه هایی نظیر نجاری، جوشکاری و خدمات فنی که در عربستان سعودی فرا گرفته اند، می پردازند. از آنجا که مراجعین از عربستان سعودی، از نظر رفاه عمومی توسط دولت آن کشور تأمین می شده اند، تقاضا برای گسترش خدمات عمومی در سطح کاملاً بالایی قرار دارد.

حتی کشاورزی که هنوز ۴۵٪ از محصولات تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهد، توسعه قابل توجهی در زمینه محصولات قابل عرضه جدید به ویژه سبزیجات، میوه جات و طیور پیدا نموده است. وجوه ارسالی کشاورزی را مکانیزه تر نموده، بخصوص پمپ و تراکتور را تأمین کرده است. گیاه مخدر ملایمی که در یمن شمالی به طور وسیعی مورد استفاده قرار می گیرد، همچنان مهمترین (و جنجال آفرین ترین) محصول قابل عرضه می باشد. هر چند مازاد مواد غذایی اکثرا در داخل کشور به مصرف می رسد، ولی محصولات کشاورزی چون کتان و قهوه که بیشتر در زمینهایی که به وسیله

باران آبیاری می شوند به عمل می آیند قسمت عمده صادرات را تشکیل می دهند. مواد غذایی داخلی می بایست توسط واردات غذایی تکمیل شود. مواد غذایی ۲۴ درصد از کل واردات را شامل می گردد. از آنجا که سرمایه گذاری و تولید داخلی نتوانسته همگام با ازدیاد وجوه ارسالی به داخل کشور توسعه یابد، تورم تسریع گردیده است. طی سالهای اخیر قیمتهای مصرف کننده سالیانه ۲۵ درصد بالا رفته است. روش اصلی دولت برای کنترل تورم عبارت از توسعه واردات می باشد. این گونه است که صنعا هر گونه محدودیت و ممنوعیت در رابطه با واردات تجملی را از میان برداشته است. روشهای دیگر چون کاهش اعتبار بانکی تنها بر کاستن واردات و مالیاتهای گمرکی منجر خواهد شد. تغییر خط مشی مربوط به مبادله آزاد ارزهای خارجی ارزش ریال یمنی را پایین آورده و گردآوری ذخایر دلار را کند خواهد نمود.

توزیع درآمد

افزایش وجوه ارسالی توسط کارگران در یکنواخت کردن درآمدها بسیار مؤثر بوده است. وجوه ارسالی از خارج از کشور اکثرا به روستاهایی سرازیر می شود که قسمت عمده نیروی کارگری مشغول به کار در خارج اهل آن روستاها می باشند. روابط خانوادگی مستحکم سنتی باعث شده است که بسیاری از مردم از این نقل و انتقالات سود ببرند. در عین حال گسترش بخش جدید اقتصادی در یمن شمالی فرصتهای جدیدی برای اشتغال کسانی که اقامت در داخل کشور را انتخاب می نمایند به وجود آورده است. با بهره جویی از تأثیر مثبتی که وجوه ارسالی بر منابع کشور داشته است، اکنون دولت در پی توسعه برنامه ریزی جهت تأمین نیازهای اساسی طبقات بسیار فقیر می باشد.

تعدادی از تجار مرفه و ملاکین ثروتمند که از تحولات سیاسی سالهای اخیر جان سالم به در برده اند، بخش بزرگی از ثروت کشور را دارا می باشند. در حقیقت اکنون برخی از تجار با سوء استفاده

از کمبودهای مستمر، ثروتمندتر می شوند. نظام فعلی مربوط به تصرف زمین و سنت تقسیم محصولات نیز نابرابریهای مالی در مناطق روستایی را ابقاء می نمایند. دولت تلاش می کند مالیات بیشتری از اقشار پر درآمد دریافت نماید. هر چند که تاکنون چندان جدی نبوده و موقعیت قابل توجهی نیز نداشت است.

یمن شمالی، روابط با عربستان سعودی

عربستان سعودی در مجموع دارای بیشترین نفوذ خارجی بر یمن شمالی است. ریاض موضع سیاسی دو شاخه ای (دوگانه ای) را نسبت به صنعا دنبال می نماید. از یکسو، از اوائل دهه ۱۹۶۰ به بعد عربستان سعودی مهمترین متفق سیاسی دولت یمن شمالی بوده است، تلاشهای بین المللی جهت محافظت یمن شمالی علیه تجاوزات جنوبی را رهبری نموده و طی پنج سال گذشته حدود یک میلیارد دلار جهت کمک اقتصادی به این کشور اختصاص داده است. در عین حال سعودیها حمایت سنتی خویش را از قبایل شمالی و شرقی یمن شمالی ادامه داده اند. رهبران سعودی روابط خود با این قبایل را به مثابه وسیله ای می نگرند که نفوذ آنان در یمن شمالی را افزایش بخشیده و چون حصاری آنان را علیه یک رژیم بالقوه غیر دوستانه با تمایلات چپ گرایانه (که ممکن است در یمن شمالی قدرت را به

دست گیرد) محافظت خواهند نمود.

همچنین سوبسیدهایی که به این قبایل پرداخت می شود هجوم نیروی کارگری نامحدودی را به داخل عربستان سعودی تضمین می نماید. عقیده بر این است که نیم میلیون نفر از اتباع یمن شمالی در این کشور به کار اشتغال دارند. سعودیها یمن شمالی را به عنوان بهترین منبع نیروی کارگری موجود می نگرند. یمنی ها برادران عربی هستند که با آنان زبان مشترکی داشته و بر خلاف دیگر کارگران مشکلات اجتماعی کمتری دارند و ضمنا از تحرك بسیاری برخوردارند. توسط معافیت از پاسپورت رسمی، ویزا و مقررات پیمانی، سعودیها کارگران یمنی را تشویق می نمایند. اینچنین است که برخلاف اکثر کارگران بیگانه در عربستان سعودی، یمنی ها قادرند از شغلی دست کشیده و به شغلی بپردازند که از مزد بیشتری برخوردار باشد. بعضی از اتباع یمن شمالی صنعا را تحت فشار گذارده اند، که ریاض را وادار نماید تا مزایای شغلی بیشتری نظیر بیمه تصادفات، مرخصی به علت بیماری، حقوق بازنشستگی و کارآموزی بهتر در اختیار آنان قرار دهد، اما صنعا از مسئله نیروی کارگری احتمالاً گام چانه زدن جهت اخذ کمکهای بیشتری از عربستان سعودی سود خواهد جست.

چشم انداز

حفظ پشتیبانی کامل عربستان سعودی برای بقای روش حکومتی فعلی در یمن شمالی حیاتی خواهد بود. ما معتقدیم که کمکهای مستمر از جانب عربستان سعودی تا زمانی که این کشور یمن شمالی را به عنوان خط اول دفاع خود علیه حکومت رادیکال عدن می پندارد، تقریبا تضمین گشته است. اما در مورد پرزیدنت صالح، بنیان قدرت او بسیار شکننده است و این امر امکان بقای او را ضعیف می نماید.

روند تجددطلبی در یمن شمالی احتمالاً تحولی درون حکومت به وجود می آورد و قطعا تحولات

عمده ای در ارزشهای اجتماعی ایجاد خواهد نمود. قدرت و همبستگی سنتی قبایل به طور روزافزونی توسط مهاجرت از بین می رود. تجار الگوی جوانانی می گردند که زمانی به رهبران قبایل سنتی به عنوان نمونه و الگو می نگریستند. تکنوکراتهایی (متخصصین فنی) را که برای اداره حکومت و اقتصاد مورد نیاز می باشند در میان شافعیان که کمتر تمایلات قبیله ای دارند بیشتر می توان یافت. کارگرانی که از خارج بازمی گردند طالب خدمات دولتی بهتری در داخل کشور خود می باشند. چنین است که روند تغییرات، روابط جدیدی ایجاد خواهد نمود که روابط قبیله ای را تحت الشعاع قرار داده و حتی جایگزین پیوستگیهای مذهبی زیدی شافعی خواهد شد. با وجود چنین تحولات اجتماعی و اقتصادی که در حال وقوع می باشند احتمالاً توالی یک رشته حکومتهای ضعیف بالاترین چیزی است که یمن شمالی می تواند به آن امید بندد.

عمان

جمعیت: ۷۰۰/۰۰۰ نفر. ۸۰ درصد بومی

حکومت: سلطنت مطلق

رئیس حکومت: سلطان قابوس ابن سعید آل بو سعید

ص: ۲۰۶

مذهب جمعیت بومی: ۵۰ درصد مسلمان اباضی

۳۵ درصد مسلمان سنی

۱۵ درصد مسلمان شیعی

سطح سواد: ۱۰ درصد

درصد دانشجو نسبت به میزان جمعیت: ۷ درصد

تولید نفت: ۳۱۵۰۰۰ بشکه در روز در سال ۱۹۷۸

ارز رسمی خارجی: ۴۱۰ میلیون دلار در ژوئن ۱۹۷۸

تولید ناخالص ملی: ۱/۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷

میزان نیروهای مسلح: ۲۰۰/۱۲ نفر

نیروی پلیس ملی: ۲۴۰۰

عمان: در حال بیداری نسبت به دنیای قرن بیستم

سلطان قابوس، طی ۹ سالی که از خلع پدرش توسط وی می گذرد، تلاش نموده است که عمان را با قرن بیستم تطبیق دهد، البته به نحوی که این کار سلطه مطلق وی را تهدید ننماید. در این مدت وی جنگ داخلی ای را که علیه سیاستهای سرکوبگرانه پدرش آغاز گردیده بود، فرو نشانده و حرکت گسترده ای را جهت متجدد نمودن اقتصاد و جامعه ای که توسط نفت تأمین مالی می شود، آغاز نموده است. تاکنون استبداد نیکخواهانه وی مخالفت چندانی بر نیانگیخته است، اما قصور وی در رابطه با برقرار نمودن تجدد سیاسی به علاوه نقصان در تولید و ذخایر نفت او را در معرض خطر ناآرامیهای احتمالی آینده قرار خواهد داد. به علاوه یمن جنوبی که توسط شوروی حمایت می شود، ممکن است شورش در ایالت ظفار عمان را دوباره تحریک نماید، به خصوص که شاه ایران دیگر به عنوان ژاندارم

خلیج فارس عمل نمی کند. قابوس که متوجه موقعیت استراتژیک عمان بر تنگه هرمز که قسمت اعظم صادرات نفتی خلیج فارس از طریق آن بایستی عبور کند می باشد، طالب آن است که آمریکا و قدرتهای دیگر غرب متعهد شوند که هر گونه مبارزه طلبی ملهم از قدرتهای خارجی را دفع نمایند. امتناع عمان از حمایت از اقدامات ضد مصری و عدم شرکت آن کشور در گردهمایی بغداد در ماه گذشته قابوس را در معرض خطر بزرگتری از سوی کشورهای عرب تندرو قرار داده است که حامیان سادات را خیانتکار نامیده و آنان را به یک مبارزه تروریستی تهدید نموده اند.

بررسی حکومت

سلطان قابوس ابن سعید آل بوسعید پس از خلع پدرش در ژوئیه سال ۱۹۷۰ تا به حال بر عمان کشوری بایر به وسعت ۲۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع در لبه جنوب شرقی شبه جزیره عربستان حکومت نموده است. از آنجا که پدر وی نفوذ تجدد را از این کشور دور نگاهداشته بود، هنگامی که قابوس به حکومت دست پیدا کرد خود را حاکم منزوی و جاهل ترین ملل جهان یافت. او خود خالصانه در فکر آن است که عمان را از شرایط فئودالی پیش از سال ۱۹۷۰ به عصر جدید انتقال دهد و از اینرو بر تنوع اقتصادی، قبیله زدایی جامعه و جایگزینی غیرعمانی ها در دستگاه حکومتی تأکید فراوان داشته است.

همچنین قابوس قوانین خشک و افراطی را که توسط پدر وی اعمال می شد لغو نموده است هر چند به این منظور عجولانه و شتابزده عمل نکرده و در حقیقت قابوس نیز همچون پدرش اغلب به خاطر فقدان فعالیت و مسامحه در حل مشکلات عمان مورد انتقاد قرار می گیرد.

تمایل سلطان قابوس در جهت متجدد نمودن عمان نهادهای سیاسی را در بر نمی گیرد. وی که چهاردهمین نفر از خاندان خود است که به حاکمیت می رسد، به عنوان یک پادشاه مطلق هر چند مهربان (ملایم) حکومت می کند قدرت در دستهای وی تمرکز یافته است. او تنها منبع قانونگذاری و بالاترین قدرت قضائی می باشد. عمان قانون اساسی ندارد و مردم عملاً فاقد نقش سیاسی می باشند. بر خلاف حکام دیگر شبه جزیره عربستان که عناصری از سنت سیاسی بدوی را حفظ نموده اند، قابوس فاقد مجلس است، مقید به اجماع هیئت وزراء اعضای خاندان خود نیست و شیوه ای رسمی برای آن که هیئت وزراء و یا اتباع کشور از طریق آن عرض حال نمایند مقرر ننموده است. طی ماههای اخیر قابوس بر تماسهای خود با توده مردم و رهبران قبایل افزوده است. با این همه روی هم رفته دسترسی به سلطان برای هیچ کس جز نزدیکترین مشاورین وی که بیشتر در دوائر پلیس و ارتش تمرکز یافته اند، میسر نیست. بانفوذترین مشاورین وی که برخی از آنان به پولکی بودن و مزدوری مشهورند، انگلیسی و یا عرب غیرعمانی می باشند.

علیرغم قصورهای قابوس، به نظر می رسد که عمانیها نسبتا از وی راضی می باشند و تا حدودی به این علت سپاسگزارند که وی پدر مستبد خویش را از سلطنت برکنار نمود. اما احتمالاً زمانی قدردانی آنان نقصان خواهد پذیرفت و او نسبت به سهل انگاری در قبال فساد، اسراف و ولخرجی، بی توجهی نسبت به امور مملکتی و امتناع وی از قبول هر گونه پیشنهادی در رابطه با تقسیم قدرت سیاسی، با انتقاد بیشتری روبرو خواهد شد.

عمان: رهبران حکومت

نام مقام سوابق

قابوس ابن سعید آل بوسعید سلطان، وزیر دفاع

وزیر دارایی

سید احمد آل سنفاری وزیر کشاورزی، ماهیگیری، نفت و مواد معدنی

سلیم بصیر آل بوسعید وزیر ارتباطات

احمد عبداللّه آل غزالی وزیر آموزش و پرورش

محمد عبداللّه الحرینی وزیر آب و برق

دکتر مبارک خادوری وزیر بهداری

محمد آل زبیر وزیر صنایع و بازرگانی

فهدبن محمود آل سعید وزیر اطلاعات و جهانگردیاز وابستگان دور سلطان

محمدبن احمد وزیر کشور

هلال ابن احمد السمار وزیر دادگستری

حلف بن نصیر وهابی وزیر کار و امور اجتماعی

عاصم الحمالی وزیر زمین و امور شهرداریها

فیصل ابن علی فیصل آل بوسعید وزیر موروثات ملیاز وابستگان دور سلطان

کریم احمد آل حرافی وزیر پست و تلگراف و تلفن

ولیدبن ظهیر الهیانی وزیر امور مذهبی و اسلامی

حمید بن حمود آل بوسعید وزیر امور سلطاناز وابستگان دور سلطان

بودیک بن حمود آل غفاری وزیر بدون وزارتخانه

فهاربن تیمور بوسعید وزیر امور جوانان عموی سلطان

قیس عبدالمنضم الرواوی وزیر مشاور در امور خارجی

اختلافات داخلی

از نقطه نظر جغرافیایی و جامعه شناسی، عمان از شکاف عمده ای میان شمال کشور و ظفار که جنوبی ترین ایالت آن می باشد رنج می برد، به علاوه آنکه این دو منطقه به نوبه خود دارای اختلافات داخلی می باشند. قبایل و گروههای مختلف نژادی تقسیمات اجتماعی دیگری به وجود می آورند، هر چند پیوستگیهای قبیله ای به تدریج اهمیت خود را از دست می دهند. اباضی ها فرقه ای از فرق اسلامی که اکثریت را شامل می شوند، نسبت به سایر گروههای مذهبی، منجمله جوامع کوچک شیعیان، نسبتا صبور می باشند. اگر چه موفقیت (امام) خمینی در ایران بدون شک برخی از اتباع عمان را در پی تصحیح بی عدالتیهای اجتماعی در آن کشور برخواهد انگیخت، ولی به نظر نمی رسد که احیای اسلامی در عمان به وقوع پیوندد.

مهمترین نگرانی سلطان قابوس در حال حاضر آن است که فقدان حمایت شاه از وی به احیای

شورش در ایالت ظفار منجر گردد. «جبهه خلق برای آزادی عمان» یک سازمانی انقلابی مارکسیستی که توسط یمن جنوبی و شوروی حمایت می شود، شورشی را در ظفار از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا سال ۱۹۷۵ رهبری نمود. نقض سیاستهای سرکوبگرانه پدرش توسط سلطان قابوس به علاوه کمکهای نظامی قابل توجهی از سوی ایران و اردن، شورشیان را از نظر نظامی و سیاسی تضعیف نمود. در سال ۱۹۷۵ به استثنای تعداد معدودی از چریکهای نسبتا غیرفعال که در کوههای ظفار باقی ماندند، شورشیان جبهه خلق «برای آزادی عمان به یمن جنوبی گریختند.» جبهه خلقی برای آزادی عمان که تعداد اعضای آن ۸۰۰ نفر تخمین زده شده است، از سال ۱۹۷۵ به بعد در یمن جنوبی به تربیت کادر مشغول بوده و خطر بالقوه ای برای رژیم مسقط محسوب می شود.

در نتیجه شورش ظفار و درک خطر خارجی از سوی یمن جنوبی، عمان یکی از مؤثر و کاراترین نیروهای مسلح را میان کشورهای کوچک خلیج به وجود آورده است. به علت آنکه سلطان بر نیروهای مسلح به عنوان پشتیبان اصلی رژیم خود تکیه می کند، موقعیت ارتش تقویت گردیده است. مسئله ای که نشانگر اهمیت ارتش برای رژیم می باشد، این است که دفاع ۳۴ درصد از تولید ناخالص داخلی یعنی سهمی بیش از دیگر کشورهای شبه جزیره عربستان را بخود اختصاص می دهد.

تجهیزات ارتش که اغلب توسط عربستان سعودی و امارات متحده عربی تأمین مالی شده و عمدتا از

اروپای غربی خریداری می گردد، در سالهای ۱۹۷۳ ۷۷ بالغ بر ۱۰۴ میلیون دلار تخمین زده شده است. نیروهای مسلح از رئیس ستاد مشترک گرفته تا سطح گروهان، به وسیله افسران فرماندهی می شود. (S)

توسعه اقتصادی

به ضمیمه هزینه های سنگین دفاعی، قابوس برنامه ای جامع در رابطه با تجدد اقتصادی به عهده گرفته است تا رژیم خود را استحکام بخشد. تا سال ۱۹۶۷ اقتصاد راکد عمان تقریبا تماما بر کشاورزی و ماهیگیری به حد امرار معاش بنا شده بود. در سال ۱۹۶۷ صادرات نفتی باعث افزایش فراوان عایدات ارز خارجی و درآمدهای عمومی گردید. لکن بخش ناچیزی از عایدات حاصله صرف توسعه اقتصادی شد. هنگامی که قابوس قدرت را به دست گرفت بنای قالب (چارچوب) اصلی یک اقتصاد جدید، به ویژه ساختن جاده و مدارس را اولین اولویت خویش قرار داد.

در حالی که درآمدهای حاصله از نفت به همراه افزایش بهای نفت در جهان ازدیاد پیدا نمود، هزینه سرمایه گذاری که در سال ۱۹۷۰ تقریبا صفر بود به ۸۵ میلیون دلار در سال ۱۹۷۳ و سپس به ۴۲۵ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ افزایش پیدا کرد. طرحهای عمده شامل بر احداث یک بندر در آبهای عمیق، یک فرودگاه جدید و یک کارخانه که از آب دریا نمک می گیرد (کارخانه دیگری از این نوع در دست ساختمان می باشد) بوده است. همچنین دولت بر ساختمان جاده ها تأکید نموده و طول اتوبانها را از ۱۰ کیلومتر در سال ۱۹۷۰ به بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر در سال ۱۹۷۶ افزایش داده است و پیشرفتهای حاصله در رابطه با آموزش و پرورش نیز همین قدر تکان دهنده بوده است. بین سالهای ۱۹۷۰ ۷۶ تعداد مدارس از سه عدد با کمتر از ۱۰۰۰ محصل به بیش از ۲۵۰ عدد با ۷۰۰۰۰ محصل ازدیاد یافته است. اگر چه توسعه اقتصادی در حیطه پایتخت تمرکز یافته است، ظفار که برای

مدت مدیدی عقب افتاده ترین و منزوی ترین نواحی عمان بوده است نیز مورد توجه خاصی قرار گرفته و این امر نشانگر تلاشهای سلطان برای تأمین صلح می باشد.

در حالی که تولید و ذخایر نفت نقصان می پذیرد، عمان در می یابد که هر چه سریعتر بایستی فعالیتهای غیر نفتی خود را گسترش دهد. در سال ۱۹۷۴، قابوس یک «شورای توسعه» تعیین نمود تا یک طرح اقتصاد ملی برای سالهای ۸۰ ۱۹۷۶ تدبیر نماید. اما در نتیجه کمبودهای فنی متصدیان برنامه ریزی و پایه اطلاعاتی ضعیف آنان این طرح ساده و محافظه کارانه از آب درآمد. اهداف اصلی این طرح عبارتند از:

(الف) توسعه مستمر خدمات اساسی

(ب) کاهش مهاجرت به شهرها از طریق تشویق کشاورزی و ماهیگیری

(ج) یکنواخت نمودن سرمایه گذاری در هر منطقه

(د) طرح برنامه هایی که مولد درآمد باشند

برنامه های خاص شامل توسعه ذخایر داخلی مس به مساعدت ۱۰۰ میلیون دلار (۸۵ درصد کل مخارج)

از سوی عربستان سعودی، احداث یک کارخانه سیمان سازی و یک کارخانه فولاد می باشد.

احداث لوله کشی گاز از مرکز کشور به پایتخت نیز کامل شده است.

هر چند کشاورزی که ۴۵ درصد از نیروی کارگری را به خود اختصاص می دهد، مورد تأکید دولت قرار گرفته است، با این وجود بعید است که به سرعت توسعه یابد و مهاجرت (به سوی شهرها) احتمالاً ادامه خواهد یافت. پایین بودن سطح محصولات کشاورزی یک مشکل همیشگی است و کمیابی آب و زمین قابل زرع، حاصلخیز نمودن زمینهای جدید را بسیار محدود می نماید. در حقیقت منابع آب زیرزمینی عمان در حال تخلیه است و ده سال بعد احتمالاً فقدان آب قابل استفاده به صورت مشکل وخیمی درخواهد آمد. عمان دارای منابع غنی ماهی است که به طور جزئی مورد استفاده قرار گرفته است و به کمپانیهای خارجی امتیاز ماهیگیری از آبهای ساحلی داده شده است.

مشکلات توسعه اقتصادی

تمایل به انتقال عمان به درون دنیای جدید و هزینه ناشی از شورش در ظفار از یک سو و ظرفیت جذب و منابع مالی محدود عمان از سوی دیگر عواقب اقتصادی پر دردسری به همراه داشته است. درآمدهای حاصله از نفت که ۷۵ درصد از درآمدهای عمومی ۹۰ درصد بجز امتیازات (اعانات) را تشکیل می دهد طی دهه ۸۰ ۱۹۷۰ به سرعت بالا رفته و به ۱۰۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷ رسید. با این همه هزینه های عمومی به ویژه در سالهای ۷۵ ۱۹۷۴ با سرعت بیشتری افزایش یافتند. در سال ۱۹۷۲ بودجه و حساب جاری موازنه پرداختها از مازاد به کسر بودجه نوسان کرده و بجز سال ۱۹۷۷ که دولت هزینه های دفاعی و عمده را کاهش داده و اعانات معتنابهی از عربستان سعودی دریافت نمود به همان شکل باقی مانده است.

به منظور بازگردانیدن توازن به اقتصاد، دولت اصلاحات چندی را در رابطه با نهادها آغاز نموده است تا هزینه های عمومی را کنترل کرده یک بانک مرکزی تأسیس نموده و طرحی درباره توسعه

اقتصادی را پیاده نماید. در نتیجه فعالیت اقتصادی در اواسط دهه ۱۹۷۰ فروکش نموده و برخی فشارهای وارده بر اقتصاد گداخته (برافروخته) کاهش یافت. متعاقب تنزل بهای مواد غذایی در جهان، تورم نیز به میزان ۱۰ تا ۱۵ درصد طی سالهای ۷۷ ۱۹۷۵ فروکش نمود. با این وجود اقتصاد عمان در سال گذشته نیز کاهش در بودجه و حساب جاری را نشان می داد و این امر تا حدودی ناشی از آن بود که تولید نفت روزانه ۰۰۰/۲۵ بشکه در روز کاهش یافته و به ۳۱۵۰۰۰ بشکه در روز رسید و کمک بودجه عربستان سعودی نیز تنزل پیدا نمود. برای جبران مقداری از قروض خود عمان از خارج قرض کرده و قروض خارجیش در سال ۱۹۷۸ به ۵۵۰ میلیون دلار بالغ گردید. (S) به ویژه از سال ۱۹۷۳ به بعد اکثر عمانیها تحت حکومت سلطان قابوس از منافع اقتصادی بهره جسته اند. در عین حال تعداد معدودی از مردم شامل خاندان سلطنتی مشاورین نزدیک سلطان و کارمندان عالیرتبه دولت به طرز چشمگیری ثروتمند شده اند. برخی اعضای (مافیای مسقط) به علت شرایط مکانی و زمانی مناسب ثروتمند گردیده اند، چون اغلب ثروت ایشان ناشی از آن است که مناصب عالی خود را در جهت منافع شخصی به کار می گیرند. درآمد متوسط در مناطق روستایی که ۶۰ درصد از جمعیت کشور در آن به سر می برند، در اواسط دهه ۱۹۷۰ دویست دلار تخمین زده شده است. درآمد معمول در بخش اقتصادی جدید شاید ده برابر این مقدار باشد و اتباع سابق کشورهای دیگر در عمان بیش از

سه برابر عمانیها درآمد دارند. در حال حاضر تشنج میان طبقات اجتماعی بیش از آنکه بالفعل باشد، بالقوه است، اما ناآرامی ممکن است به سرعت گسترش یابد، به ویژه اگر اقتصاد دچار تنزلی ناگهانی و وسیع گردد.

تجددطلبی در مقابل عمان گرایی

از سال ۱۹۷۰ به بعد تحولات سریع عمان مستلزم هجوم خارجیها به داخل کشور بوده است تا وظایف فنی و اجرائی را به عهده گیرند. جمعیت عمان که حدود ۰۰۰/۷۰۰ نفر می باشد بسیار ناچیز بوده و فاقد مهارت و تخصص کافی برای اجرای طرحهای توسعه جویانه دولتی بدون همکاری اتباع کشورهای دیگر در مقیاس وسیع می باشد. مدیران اروپایی (اکثرا انگلیسی) و کارگران و دفترداران آسیای جنوبی به منظور اداره صنایع جدید به این کشور آورده شده اند. در حال حاضر آنان دو سوم نیروی کارگری را بجز کشاورزی تشکیل می دهند. برخلاف دیگر کشورهای شبه جزیره عربستان، تقریبا تمام کارگران خارجی که مشغول به کارهای یدی و تخصصی می باشند از شبه قاره هند آمده اند. قابوس نسبت به ورود اعراب غیر عمانی به عمان تمایلی نداشته است و حداکثر ۵۰۰ فلسطینی در عمان به کار اشتغال دارند. استفاده از مصریها، سودانیها و اردنی ها در تعلیم و تربیت و خدمات امنیتی از این قاعده مستثنی می باشد.

از اهداف اصلی سلطان قابوس جانشین نمودن عمانیها به جای کارگران و مشاورین خارجی است. اما با در نظر گرفتن جمعیت کم این کشور و عدم تمایل عمانیها نسبت به مشاغل پست، وابستگی به اتباع کشورهای دیگر ادامه خواهد یافت. علیرغم تمایل قابوس به عمانیزه نمودن نیروی کارگری به نظر نمی رسد که وی برای تعویض مشاورین عالیرتبه سیاسی و مالی خود که انگلیسی، لیبیایی و سعودی می باشند، عجله ای داشته باشد. او نکوشیده است کارگرانی را که از اتباع کشورهای دیگر بوده

و مشاغل کلیدی را در صنعت نفت که تحت کنترل دولت می باشد دارا می باشند تعویض نماید، با وجود آنکه می داند این امر می تواند تولید نفت و درآمدهای دولتی را با سیر نزولی شدیدی روبرو سازد.

چشم انداز: مشکلاتی که در پیش رو قرار گرفته است.

خط مشی ها و برنامه های سلطان قابوس تاکنون موجب رضایت اکثر عمانیها بوده و طی آینده نزدیک موقعیت وی به اثبات می نماید. با این همه مشکلات ناشی از حکومت مطلقه وی، فشارهای اجتماعی منبعث از تجددگرایی و ناهماهنگیها و تبعیضات مالی هر لحظه ممکن است به ناآرامی داخلی بیانجامد. در حالی که افزایش بهای نفت روزی را که درآمدهای حاصله از نفت نقصان پذیرد به تعویق می اندازد، عمان بایستی منابع درآمد غیر نفتی را مستعد نموده و در صورت امکان منابع کمکهای خارجی آینده را تعیین نماید.

جدی ترین خطری که رژیم عمان را تهدید می نماید احیای احتمالی شورش ظفار می باشد اگر FPLO(جبهه خلق برای آزادی عمان) تروریسم در شمال را نیز به عهده گیرد، رژیم قابوس بیشتر در مخاطره خواهد افتاد. هر چند ارتش عمان با تجربه است و خوب اداره می شود، اما احتمالاً برای شکست شورشی مصمم و وسیع در ظفار به کمک خارجی نیازمند خواهد بود. قابوس معتقد است که

مشاجره میان یمن جنوبی و یمن شمالی در آینده نزدیک به مبارزه علیه دخالت یمن جنوبی در ظفار خواهد انجامید. از اینروست که وی از موقعیت استفاده نموده به تقویت ارتش خود و کسب حمایت عربستان سعودی، آمریکا و کشورهای خارجی دیگر پرداخته است.

قطر

جمعیت: ۰۰۰/۲۰۰ نفر، ۳۵ درصد بومی

حکومت: سلطنت تحت فرمانروایی خانواده آل ثانی

رئیس حکومت: امیر خلیفه ابن احمد آل ثانی

مذهب جمعیت بومی: ۸۵ درصد مسلمان سنی مذهب

۱۵ درصد مسلمان شیعی مذهب

سطح سواد: ۲۵ درصد

نسبت محصلین بر میزان جمعیت: ۲۰ درصد

تولید نفت: ۴۸۰۰۰۰ بشکه در روز در سال ۱۹۷۸

ارز رسمی خارجی: ۳/۴ میلیارد دلار در ژوئن ۱۹۷۸

تولید ناخالص ملی: ۵/۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷

میزان نیروهای مسلح: ۵۶۰۰ نفر

نیروی پلیس ملی: ۳۰۰۰ نفر

قطر: یک مؤسسه خانوادگی که به وسیله توسعه در معرض تهدید قرار گرفته است.

کشور کوچک و نفت خیز قطر که از اواخر قرن نوزدهم به بعد تحت حکومت خاندان ثانی (al-thani)بوده است از اوائل دهه ۱۹۶۰ زمانی که برخی اصلاحات سیاسی برای تسکین شکایات

مردم انجام شد تاکنون نسبتا آرام بوده است. در عین حال روش حکومتی سنتی امیر خلیفه و خودپسندیهای خاندان ثانی در رابطه با امتیازاتشان با توسعه سریع اقتصادی و تحولات ارزشهای اجتماعی طی دهه گذشته سخت متعارض است. این تعارض در حال رشد بدون شك موجب فشارهای روزافزونی جهت تحول سیاسی خواهد بود، به ویژه اگر تعداد نسبتا زیاد قطریهای جوان تحصیل کرده خارج که به وطن باز می گردند، استراتژی دولت مبنی بر توسعه صنایع سنگین را مملو از اشتباه تلقی نمایند.

نهادهای دولتی

امیر خلیفه بن حمدالثانی از فوریه سال ۱۹۷۲ یعنی زمانی که وی پسر عموی خویش امیر احمد را خلع نمود تاکنون بر قطر، شبه جزیره ای به وسعت ۰۰۰/۱۰ کیلومتر مربع که به سمت شمال درون خلیج فارس پیش رفته است، حکومت کرده است. خلع امیر احمد به پشتیبانی اعضای کلیدی خاندانی ثانی و عاری از خشونت و ناآرامی سیاسی انجام گرفت، خلیفه به عنوان قائم مقام امیر و نخست وزیر حتی قبل از آنکه به امارت رسد نیز تصمیمات مهم و حکومتی را به عهده داشت. پس از رسیدن به

امارت، اهداف اصلی وی بقرار زیر بوده است:

الف حفظ همبستگی و حمایت خاندان ثانی

ب جایگزینی اتباع قطر در مناصب عالی دولتی (قطری نمودن مناصب عالی حکومتی)

ج حفظ سلطه خاندان ثانی بر قطر

د ایجاد یک اقتصاد متنوع

ه و بهبود روابط با همسایگان عرب و ایالت متحده آمریکا به منظور محافظت از امنیت ملی.

شیوه حکومتی خلیفه نشانگر مبدأ قبیله ای اکثر قطریها و تمایل مذهبی محافظه کارانه امیر و خاندان سلطنتی است. خاندان ثانی سنی مذهبند و عقاید آنان مشابه فرقه وهابیان عربستان سعودی است. آنان ابتدا از عربستان سعودی به این کشور مهاجرت نموده اند و این امر تا حدودی نفوذ فراوان حکومت ریاض بر خلیفه را روشن می کند در حالی که قطر دارای یک قانون اساسی موقت هیئت وزیران (اکثرا از خاندان ثانی) و یک شورای رایزنی (Advisory cuncil)می باشد، کلیه تصمیمات اجرائی و وضع قوانین به عهده خلیفه می باشد. «شورای رایزنی» یک هیئت مشورتی است که نزد قطریها از اهمیت چندانی برخوردار نیست. امیر اموراتی چون انتخاب جانشین را به اجماع خاندان ثانی ارجاع نموده و بسیاری از امور مربوط به قانون، تسلیم عرف و رسوم متداول می باشد. نظریات عامه مردم از طریق بار عام برای متظلمین و یا به وسیله واسطه های با نفوذ مجال بروز می یابد.

نزاعهای درونی خاندان ثانی

خاندان ثانی یکی از بزرگترین خاندانهای سلطنتی در شبه جزیره عربستان است که اعضای مذکر آن بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ نفر تخمین زده می شوند در حالی که کلیه اعضای این خاندان از امتیازات خاص و مواجب دولتی برخوردارند، نارضایتی میان گروههای متعدد این خاندان در رابطه با سمتهای رسمی و

فساد میان مشاورین امیر رواج دارد. این نارضایتی بیشتر از حسادت و نگرانی در مورد محرومیت از غنائم سیستم تاراجگرانه ای نشأت می گیرد که سیاست قطر را فرا گرفته است. امیر به وسیله اعطای مناصب اختلافات را تسکین بخشیده و منافع رقبا را متعادل می نماید. با تعیین پسر خود به مقام ولایت عهد امیر موقعیت برادرش برای نیل به این مقام را بسیار تضعیف نمود. اخیرا تعیین وزراء ظاهرا موقعیت خلیفه را بیش از پیش تحکیم بخشیده است. (S-NF)

قطر: رهبران حکومت

نام مقام سوابق

خلیفه ابن حمدالثانی امیر و نخست وزیر

فیصل بن سمیع الثانی وزیر کشاورزی و صنعت از وابستگان دور امیر

نصیر بن خالدالثانی وزیر بازرگانی و اقتصاد از وابستگان دور امیر

حمد بن خلیفه الثانی وزیر دفاع فرزند امیر

محمد بن حمدالثانی وزیر آموزش و پرورش برادر امیر

قاسم بن محمدالثانی وزیر برق و منابع آب از وابستگان دور امیر

عبدالعزیز ابن خلیفه الثانی وزیر دارایی و نفت فرزند امیر

صحیم ابن حمدالثانی وزیر امور خارجه برادر امیر

عیسی غانم الکوری وزیر اطلاعات

خالد بن حمدالثانی وزیر کشور برادر امیر

پست خالی وزیر دادگستری

علی بن احمد الانصاری وزیر کار و امور اجتماعی مسلمان شیعی مذهب

محمد بن جبرالثانی وزیر امور شهرداریها پسر عموی امیر

خالد محمد المانی وزیر بهداری

خالد بن عبداللّه العتیه وزیر کارهای عمومی

عبداللّه بن نصیر السویدی وزیر ارتباطات و ترابری

احمد بن صیف الثانی وزیر مشاور در امور خارجی از وابستگان دور امیر

توسعه اقتصادی

با علم به اینکه ذخایر نفتی قطر طی چند دهه تهی خواهد شد، خلیفه برنامه ای در جهت تنوع بخشیدن به اقتصاد کشور را در سطح گسترده ای به مورد اجرا گذاشته است. استراتژی وی برای توسعه اقتصاد شامل تکیه بر تراکم سرمایه در صنایع سنگین قابل صدور می باشد. از نقطه نظر تئوری این سیاست، کوچکی بازار داخلی و کمبود نیروی کارگری را در نظر داشته و از گاز طبیعی فراوانی به عنوان منبع انرژی و مواد مورد مصرف خود سود می جوید. در عمل بسیاری از پروژه های این برنامه بد انتخاب شده و به نظر نمی رسد قادر به رقابت با تولیدکنندگان خارجی باشند.

تلاش امیر معمولاً بر این بوده است که اقدامات مشترکی (حداقل ۷۰ درصد تحت مالکیت دولت)

با شرکای خارجی که کارشناسان تولید و بازاریابی را تأمین می کنند به عمل آورد. از جمله اقدامات بالقوه منطقی ساختمان یک کارخانه گاز طبیعی مایع و بازسازی کارخانه ای از این نوع که در سال ۱۹۷۷ در اثر ابتلای به حریق از بین رفته بود را می توان نام برد. همین طور به منظور استفاده از منابع گاز که اخیرا در گنبد شمال غربی (North West Dome)کشف گردیده است، دولت قطر درصدد ساختن تجهیزات گاز طبیعی مایع می باشد. به این منظور یک کارخانه پتروشیمی در دست ساختمان است. بجز این طرحهای مرتبط با انرژی، پروژه های دیگر شامل یک کارخانه سیمان سازی یک کارخانه کود و یک کارخانه فولاد در حال اجرا می باشد. در حالی که دولت درصدد توسعه کارخانه تهیه کود می باشد مشکلات اخیر در رابطه با بودجه و افراط در سازندگی مناطق دیگری در خلیج موجب شده اند که ساختمان تجهیزات ذوب آلومینیوم به مدت نامعلومی به تعویق افتد.

علاوه بر جاده، بندر و نیروگاه برنامه های عمده ای نیز جهت ساختن مسکن، بیمارستان و مدرسه در دست اجرا می باشد. این برنامه ها بخشی از یک برنامه وسیع رفاه اجتماعی را تشکیل می دهند که بیشتر برای اتباع طرح ریزی شده است. مراقبتهای طبی به طور رایگان برای کلیه اتباع منجمله اتباع کشورهای دیگر مقیم قطر تأمین گردیده است. تحصیل دوره دبیرستان رایگان می باشد و دولت برای اتباع، زمین و آب و برق رایگان و وام بدون بهره جهت خرید خانه فراهم می نماید. توسعه بخش

اقتصادی در رابطه با دفاع از توجه کمتری برخوردار بوده است. مخارج دفاعی تنها ۸ درصد از هزینه های دولتی و تنها کمی بیش از ۳ درصد از کارکرد ملی را تشکیل می دهد. نقش اصلی نیروهای مسلح ۶۰۰۰ نفری قطر تأمین ثبات داخلی و جلوگیری از مهاجرت غیرقانونی می باشد. همچون بحرین، قطر خود را در معرض خطر نظامی به مفهوم متعارف آن نمی بیند و عربستان سعودی را محافظ خود در برابر خطرهای خارجی می داند. نیروهای مسلح قطر تحت کنترل خاندان ثانی قرار دارند و دلیلی وجود ندارد که از جانب آنها خطری رژیم فعلی را تهدید نماید. افسران اکثرا قطری، فلسطینی و اردنی بوده و افراد عادی عمدتا از بدویهای سعودی می باشند. (S-NF).

رونق (اقتصادی) ناشی از نفت و مشکلات (مربوطه)

بخش اقتصاد نفتی که از سال ۱۹۷۶ به بعد کاملاً تحت مالکیت دولت درآمده است، هنوز بیش از سه چهارم بازده ملی و بیش از ۹۰ درصد از درآمدهای عمومی و تقریبا کل درآمد صادراتی را تشکیل می دهد. در سال ۱۹۷۳ مجموعه استخراج نفت با ۰۰۰/۵۷۰ بشکه در روز به اوج خود رسید و یک سال پس از آن در نتیجه اقداماتی در جهت حفظ ذخایر نفتی، تنها ۴۸۰۰۰۰ بشکه در روز استخراج گردیده است. مشکلات مربوط به بودجه در سال ۱۹۷۷ و قطع صدور نفت ایران در سال ۷۹۱۹۷۸، استخراج نفت طی ماههای اخیر را تا حدودی افزایش داده است. علیرغم این تحولات به علت سیر صعودی بهای نفت، درآمدهای حاصله از صادرات نفت از ۶/۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۳ به ۳/۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۸ جهش داشته است.

مسئله ای که حاکی از افزایش شدید در درآمدهای حاصله از نفت این کشور می باشد آن است که مخارج دولت طی سالهای ۷۷ ۱۹۷۴ سالیانه ۵۳ درصد افزایش یافته و در سال ۱۹۷۷ به ۸/۱ میلیارد دلار رسید. این توسعه خارق العاده موجب شد که فعالیت بخش خصوصی، به ویژه در زمینه

ساختمان و بازرگانی بشدت افزایش پیدا کند. همچنان که گسترش فعالیتهای اقتصادی از ظرفیت جذب اقتصاد سبقت گرفت، فشارهای قوی ناشی از تورم ایجاد گردید و قیمتها طی این دوران سالیانه ۲۰ تا ۲۵ درصد افزوده شد. همزمان با این تحولات، کسری بودجه و نقصان در پرداختهای خارجی نیز به وجود آمد. بالاخره در اواسط سال ۱۹۷۷ دولت بر آن شد تا رشد هزینه ها را از طریق تعویق پرداخت به مقاطعه کاران و به تأخیر انداختن طرحهای جدید و توقف یا کاهش به روی طرحهای در دست اجرا متوقف نماید. هر چند این اقدامات دیرتر از آن انجام شدند که بتوانند از نقصان بودجه در سال ۱۹۷۷ جلوگیری نمایند، اما تأثیر قابل تقدیری بر امور مالی سال گذشته داشته اند. در سال ۱۹۷۸ هزینه ها یازده درصد پایین آمدند در حالی که درآمدهای حاصله از نفت افزایش یافتند و این امر موجب شد که مازاد بودجه قابل توجهی به دست آید. نقصان حاصله در فعالیتهای اقتصادی و رفع بعضی موانع مؤثر بر میزان واردات باعث گردید که تورم به حدود ۱۰ درصد کاهش یابد.

این اقدام دولت، همچنین کاهش سریع مازاد حساب جاری را آهسته نمود. به همراه واردات، وجوه ارسالی توسط خارجیهایی که در قطر مشغول بکارند و توسعه اعانات (امتیازات) به میزان افزایش صادرات، مازاد حساب جاری از میزان ۴/۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۴ به ۷۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ کاهش یافته بود. مازاد حساب جاری در سال ۱۹۷۸ به میزان ۶۰۰ میلیون دلار تخمین زده

می شود. ارز موجود خارجی چهارصد میلیون دلار در نیمه اول سال ۱۹۷۸ افزایش یافته و به ۳/۴ میلیارد دلار بالغ گردید (۹/۳ میلیارد دلار از آن ذخایر رسمی (دولتی) می باشد).

اجتماعی متشکل از اتباع کشورهای دیگر

توسعه اقتصادی سریع طی سالهای اخیر موجب هجوم خارجیان به منظور اشتغال به مشاغل مربوط به مدیریت، مشاغل حرفه ای و غیر حرفه ای گردیده است.

قطر در حقیقت به کشوری متشکل از اتباع سابق کشورهای دیگر تبدیل شده و اتباع آن تنها ۳۵ درصد از جمعیت تخمینا دویست هزار نفری آن را تشکیل می دهند. احتمالاً ۸۰ درصد از نیروی کارگری قطر خارجی هستند، اگر چه دولت این نسبت را ۶۸ درصد اعلام کرده است. در بخش عمومی کارمندان غیر قطری عمدتا اعراب مصری، اردنی، سوری، سعودی و سودانی می باشند. در بخش خصوصی، پاکستانیها، ایرانیها، فلسطینیها ، هندیان و یمنی ها اکثریت را تشکیل می دهند. تعداد فلسطینیها بالغ بر بیست هزار نفر است که مشاغل حرفه ای و مدیریت را عهده دار می باشند. هر چند دولت قطر خدمات اجتماعی بسیاری بر اتباع کشورهای، دیگر فراهم نموده است، اما کوشش فراوانی به کار برده تا از تثبیت کامل آنان جلوگیری کند.

برای مثال از طریق استخدام کارگران خاور دور برای مشاغل مقاطعه کاری سلطه پاکستانیها را تعدیل نموده است. بیست هزار نفر پاکستانی که اکنون در قطر می باشند، خطری بالقوه علیه امنیت داخلی کشور به شمار می روند. همچنین دولت سعی نموده است که سیاستی در جهت قطریزه نمودن (Qatarization)مشاغل اعمال نماید؛ اما از این جهت تاکنون چندان موفقیتی نداشته است و خارجیان همچنان مشاغل کلیدی را در اختیار دارند مشاور عالیرتبه سیاسی و حقوقی خلیفه یک شخص مصری است که مسئول برنامه ریزی برای مدرنیزه نمودن دولت بوده، نظام حقوقی را بر پایه قوانین

مدنی (غیر وابسته به مذهب) بنا نهاده و امتیازات متعلق ثانی های هرزه و ولخرج را محدود نموده است. مشاورین عالیرتبه در وزارتخانه های نفت و امور مالی و در برنامه ریزیهای صنعتی، فلسطینی می باشند. اما اخیرا امیر برای چهار وزارتخانه معاونین قطری تعیین نموده است. (S-NF)

چشم انداز (دورنمای آتیه): تشنجات موجود در پشت صحنه

ثبات ظاهری قطر کشمکشهای عمده اجتماع آن کشور را از انظار مخفی می کند. هر چند در این کشور تقریبا هیچ گونه حرکت سازمان یافته چپگرا وجود ندارد و نیروهای امنیتی قطر نسبت به جمعیت آن بسیار بزرگ است، با این همه قطریهای بومی و اتباع سابق کشورهای دیگر از رژیم ثانی ناراضی می باشند، و احتمالاً به طور روز افزون ناراضی تر خواهند گشت. افزایش نارضایتی، کینه خانوادگی میان خاندان سلطنت، ناآرامیهای موجود در جماعت متشکل از اتباع کشورهای دیگر و تکانهای شدیدتری در منطقه در نتیجه ادامه انقلاب کنونی در ایران ممکن است، ناآرامیهای سیاسی در این کشور را به نقطه انفجار بکشانند. علیرغم جمعیت کم شیعیان در قطر آیت اللّه خمینی ظاهرا شخصیت پرجذبه و با نفوذی است که می توانند الهام بخش بسیاری از مسلمانان عرب و غیر عرب قرار گیرد که نظامهای موجود خود را با تردید و اعتراض نگاه کنند.

اما منشأ عمده تحولات در دراز مدت ممکن است طبقه متوسط متشکل از قطریهای تحصیل کرده در خارج باشد که به منظور مطالبه نقش بیشتری در اداره کشور خود به قطر باز می گردند. این فارغ التحصیلان درون و خارج از دولت سمتهای مهمی را اشغال نموده و (دولت را) به منظور کسب نقش بیشتر تحت فشار قرار خواهند داد. تاکنون ثانی ها با حساسیت تمام تنها به آن حد از تقسیم قدرت رضایت داده اند که برای تأمین بقای دراز مدت رژیم لازم خواهد بود. سهم سرانه تولید ناخالص ملی در این پادشاهی کوچک ثروتمند دو برابر این مقدار در ایالات متحده بوده و دهان را آب می اندازد!

عربستان سعودی

جمعیت: ۱/۶ میلیون نفر، ۷۰ درصد بومی

حکومت: سلطنت تحت فرمانروایی خانواده آل سعود

رئیس حکومت: خالد بن عبدالعزیز السعود

مذهب جمعیت بومی: ۹۸ درصد مسلمان سنی مذهب

۲ درصد مسلمان شیعی مذهب

سطح سواد: ۲۰ درصد

نسبت محصلین به جمعیت: ۱۰ درصد

تولید نفت: ۳/۸ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۸

ارز رسمی خارجی: ۷/۵۹ میلیارد دلار در ژوئن ۱۹۷۸

تولید ناخالص داخلی: ۵۷ میلیارد در سال ۱۹۷۷

میزان نیروهای مسلح: ۵۶۰۰۰ نفر که ۱۷۰۰۰ تن از آنها گارد داخلی را تشکیل

می دهند.

عربستان سعودی: توازن نیروها در مسیر تحول

هر چند آشوب سیاسی در ایران موجب گشته است که دستگاه حاکمه عربستان سعودی مواضع خود را در درون و خارجه از کشور مورد بررسی مجدد قرار دهد، قوای تحول زا در این کشور در محیطی کاملاً متمایز عمل می کنند. با وجود آنکه خاندان سلطنتی در عربستان سعودی قدرت مطلقه بر روندهای سیاسی را در اختیار دارد، از محبوبیتی برخوردار است که در خاورمیانه به ندرت می توان یافت. در این کشور، احترام به احکام مذهبی جزء مکملی از تعیین خط مشی حکومتی را تشکیل می دهد. خوف از فشارهای اجتماعی ناشی از تجددگرایی نظامی اقتصادی طی سه سال گذشته به تعدیل شتاب توسعه (اقتصادی) انجامیده و ظاهرا کاهش شتاب بیشتری در این زمینه جزء برنامه آتیه قرار دارد. درآمد حاصله از نفت موجب توسعه عمومی اقتصاد گشته و منافع قابل توجهی را برای اکثر اتباع فعال در بخش خصوصی فراهم نموده است. به هر تقدیر، سعودیها حق دارند که در رابطه با آسیب پذیری خود در قبال وقایع ایران نگران باشند. سقوط شاه به مفهوم از میان رفتن یکی دیگر از

نظامهای پادشاهی در جهان بوده و این امر نظام حکومتی عربستان را بیش از بیش در معرض خطر قرار می دهد. خاندان سلطنتی آماد گی ندارد که قدرت سیاسی خود را با طبقه متوسط در حال رشد تقسیم نماید، هر چند این امر تقریبا اجتناب ناپذیر به نظر می رسد. و همچنین اعضای این خاندان در برابر اتهاماتی مبتنی بر فساد عمومی در میان ایشان بی دفاع می باشند. در حال حاضر ظاهرا خطری ثبات داخلی کشور را تهدید نمی کند. اما در بلند مدت این مسئله را نمی توان تضمین کرد. احتمالاً مهمترین انعکاس انقلاب ایران در این کشور آن است که این انقلاب سلسله مراتب حکومت سعودی را واداشته است که در منافع استراتژیک خود در منطقه تجدید نظر نمایند. در اینجا سعودیها خطری جدی را در ارتباط با گسترش نفوذ روسیه احساس می نمایند که از سوی آمریکا مهار نمی گردد.

نظام حکومتی

پادشاهی عربستان سعودی در سال ۱۹۳۲ توسط ملک عبدالعزیز السعود بطور رسمی بنیان نهاده شد و از آن پس این کشور تحت حاکمیت سلسله ای از فرزندان وی قرار داشته که آخرین ایشان، خالد، در سال ۱۹۷۵به سلطنت رسید. ملک خالد که ۶۶ سال دارد از ناراحتی قلبی شدیدی رنج می برد که مانع از شرکت فعالانه وی در اداره کشور است. دومین مقام مملکتی ولیعهد «فهد» می باشد که ضمنا قائم مقام نخست وزیر نیز بوده و اداره روز بروز حکومت را به عهده دارد. در عربستان سعودی که خشکه مقدس ترین و لااقل ظاهرا متدین ترین کشورهای اسلامی سنی مذهب می باشد، حاکم هم به عنوان رهبر ملت و هم به مثابه نگاهبان ارزشهای معنوی شناخته می شود. هر چند حدود قدرت و اختیارات دقیق پادشاه توسط قانون اساسی یا یک هیئت قانونگذاری مدنی (غیر مذهبی) مشخص نگردیده است، اما محدوده عملکرد و قدرت پادشاه سعودی را عوامل ذیل تعیین نموده اند:

الف : یک روند حکومتی شورایی مبتنی بر سنت که تکامل یافته روشها و رسوم بدوی می باشد.

ب : یکځ ضرورت حفظ پشتیبانی خاندان سلطنت که از ۴ تا ۵ هزار نفر تشکیل شده است (شامل نوه های پسری و دختری عبدالعزیز).

عربستان سعودی: رهبران حکومت

نام مقام سوابق(۱)

خالد بن عبدالعزیز السعود شاه

فهد بن عبدالعزیز السعود(۲) معاون نخست وزیر برادر ناتنی شاه

عبداللّه بن عبدالعزیز السعود معاون دوم نخست وزیر برادر ناتنی شاه

عبدالرحمن عبدالعزیز حسن الشیخ وزیر آب و کشاورزی

سلیمان عبدالعزیز السلیم وزیر بازرگانی

حسین ابراهیم المنصور وزیر ارتباطات

سلطان ابن عبدالعزیز السعود(۲) وزیر دفاع هوایی برادر ناتنی شاه

عبدالعزیز عبداللّه الخویتر وزیر آموزش و پرورش

محمد علی ابالخیل وزیر دارایی و اقتصاد ملی

سعود بن فیصل السعود(۲) وزیر امور خارجهبرادرزاده شاه فرزند شاه فیصل فقید

حسین عبدالرزاق الجزایری وزیر بهداری

حسن ابن عبداللّه الشیخ وزیر آموزش عالی

قاضی عبدالرحمن القسیبی وزیر صنایع و برق

نایف بن عبدالعزیز السعود(۲) وزیر کشور برادر ناتنی شاه

محمد عبدویمانی وزیر اطلاعات

ابراهیم بن محمد بن ابراهیم الشیخ وزیر دادگستری

ابراهیم بن عبداللّه انقاری وزیر کار و امور اجتماعی

مجید بن عبدالعزیز السعود(۲) وزیر شهرداری و امور روستایی برادر ناتنی شاه

احمد زکی یمانی وزیر منابع نفتی و معدنی

عبدالوهاب عبدالواسع وزیر حج و امور مذهبی

حشام محی الدین نظیر وزیر برنامه ریزی

علوی درویش کیان وزیر پست و تلگراف و تلفن

مطیب بن عبدالعزیز السعود وزیر مسکن و امور عامه برادر ناتنی شاه

محمد ابراهیم مسعود وزیر مشاور

محمد عبدالطیف الملحم وزیر مشاور

عبدالعزیز بن زیدالقریشی وزیر مشاور

۱ ظاهرا مسلمان سنی مذهب است

۲ اعضای انتصابی از خانواده سلطنتی

حکام سعودی تشکیلات مربوط به وزارتخانه ها (یا آژانسهای اجرائی) را که برخی از آنها تحت سرپرستی اعضای خاندان سلطنتی می باشند، توسعه داده اند تا مسئولیتهای رو به افزایش حکومت مرکزی را عهده دار گشته و اداره نمایند. در سال ۱۹۵۳ یک «هیئت وزراء» به طور رسمی دایر گردید تا شاه را در تعیین خط مشی کلی یاری داده و بر فعالیت وزارتخانه ها، که مسئول اجرای خط مشی های تعیین شده می باشند، نظارت نماید. در عربستان سعودی دستگاه قانونگذاری رسمی وجود ندارد. شاه در مورد مسائل مهم مملکتی حکم صادر می کند و تنظیم مقررات در رابطه با اموری که از اهمیت کمتری برخوردارند بر عهده وزارتخانه هاست. درون وزارت دادگستری سیستمی متشکل از دادگاه های مذهبی مطابق با «شریعت» (احکام اسلامی) عمل می کند، و نظام گسترده ای مرکب از «هیئتهای عمومی» با اختیارات قانونی متفاوت، قوانین و مقررات را اجرا می نماید.

سعودیها بر حسب عرف و عادت همواره تصمیمات خود را از طریق اجماع گروههای ذی ربط اتخاذ نموده اند در برخی موارد تنها عده ای از شاهزادگان عالیرتبه خاندان سلطنت مورد مشورت قرار می گیرند. در موارد دیگر، مشاوره ممکن است طیف وسیعی از خاندان سلطنتی یا اقشاری از جامعه سعودی را در بر گیرد. تعدادی تکنوکرات تحصیل کرده در خارج که شاه و خاندان سلطنتی، برای اداره امور مملکتی وابستگی روزافزونی به ایشان پیدا نموده اند، هر چند از پایگاه قدرت مستقلی برخوردار نیستند، در حال حاضر بیش از پیش در تصمیم گیری شرکت می نمایند.

روند تصمیم گیری از طریق اجماع معمولاً ارزیابی مناسبی از آراء عمومی را تضمین می کند. به علاوه دسترسی تعداد کثیری از اتباع کشور به اعضای متعددی از خاندان سلطنت، ارتباط مستقیم عقاید و مشکلات عامه مردم را با مرکز قدرت ممکن می سازد. به این ترتیب، هر چند گروه بندیهای سیاسی اتحادیه های کارگری وسایل ارتباط جمعی مستقل و گروههای جوساز مجاز نمی باشند، اما پادشاهی سعودی به طور وسیعی آگاه به نیازها و مشکلات مردم و پاسخگو به آنها بوده است. این امر به ویژه هنگامی که مخالفتی علنی با عرف جامعه نظیر موج آزادیخواهی در ارتباط با حقوق زنان با حساسیتهای محافظه کاران افراطی و یا نهاد مذهبی اصطکاک پیدا می کند، به چشم می خورد. روی هم رفته، سعودیها چندان از روش اداره کشورشان ناراضی نیستند،و در حقیقت نسبت به مقام و موقعیت جهانی کشور خود از اوائل دهه ۱۹۷۰ به بعد بسیار احساس غرور می نمایند.

ارتش

ارتش در عربستان سعودی نقش سیاسی نسبتا جزئی ای را ایفا می نماید. آرمانهای نظامی ظاهرا به ملاحظاتی پیرامون «پرستیژ» (شهرت و اعتبار) و تلاشهایی در جهت ایجاد یک نیروی دفاعی بازدارنده محدود می شود. جنگ داخلی یمن در دهه ۱۹۶۰ انگیزه اتخاذ یک خط مشی در جهت اصلاح و بهبود نیروهای مسلح در این کشور گردید و جنگهای اعراب و اسرائیل سالهای ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳، و شورش ظفار در عمان، این اقدام را تقویت و تأیید نمود. اخیرا سوءظن نسبت به مقاصد و اهداف روسیه در منطقه این روحیه دفاعی را تقویت نموده است. (S)

نیروهای مسلح تحت دو مرکز فرماندهی مجزا سازماندهی شده اند: نیروی زمینی، هوایی و دریایی تحت فرماندهی شاهزاده سلطان وزیر دفاع و هواپیمایی قرار دارند، و گارد ملی توسط شاهزاده عبداللّه اداره می شود تعدادی از شاهزادگان پستهای کلیدی و اشتغالات ستادی در نیروهای مسلح را به

عهده دارند. هر چند میزان حقوق و مزایای ارتش در سطح بالایی قرار دارد، اما موقعیتهای خوب اقتصادی در بخش خصوصی آنقدر جالب توجه گردیده که دولت به سختی توان واحدهای ارتشی را به میزان لازم نگاهداشته است. توان رسمی نیروهای مسلح شامل گارد ملی به ۰۰۰/۹۰ تن نیروی انسانی بالغ می گردد، اما توان بالفعل آن ۵۶۰۰۰ نفر تخمین زده می شود. مسئولیت اصلی گارد ملی را حفظ امنیت داخلی و محافظت از خاندان سلطنت تشکیل می دهد. خاندان سلطنتی گارد ملی را به مثابه حامی و پشتیبان خود علیه هر گونه کودتای احتمالی در ارتش می نگرد. استخدام در گارد ملی در انحصار قبایل بدوی است که به خاندان سلطنت شدیدا وفادار بوده و تداوم دلبستگی شان نسبت به این خاندان توسط کمک هزینه هایی که دولت پرداخت می کند، تضمین می شود. (S)

نفوذ بیگانه

هر چند از اواسط سال ۱۹۷۸ کوشش فراوانی جهت ثبت نام و آمارگیری از بیگانگان مقیم عربستان سعودی به عمل آمده، اما اطلاع از ترکیب جمعیت این کشور حدس و تخمینی بیش نیست. طبق اکثر منابع، بیگانگان حدود دو میلیون نفر از ۶ میلیون جمعیت کل کشور را تشکیل می دهند. یک میلیون نفر از نیروی کار توسط کارگران خارجی تأمین می شود و اتباع سعودی نیز همین تعداد از

نیروی کارگری را تشکیل می دهند. نگرانی دولت از حضور بیگانگان بیشتر درباره خطری است که در این رابطه ارزشهای سنتی را تهدید می نماید، اما گذشته از تأثیرات ظریفی که این امر ممکن است بر آداب و سنن سعودیها داشته باشد، بیگانگان مشکلات سیاسی قابل توجهی ایجاد ننموده اند. بخشی از این آرامش سیاسی ناشی از خطر اخراج فوری است که خارجیها را تهدید می کند. تعداد انگشت شماری شورش در اردوهای ساختمانی که بر سر شرایط زندگی و نابرابری میزان حقوق، به وقوع پیوسته نه بر علیه دولت بلکه علیه کارفرمایان بوده است. اکثر کارگران مهمان (بیگانه) به پادشاهی سعودی می آیند تا هر چه می توانند پول تحصیل کنند. آنان معمولاً در اسرع وقت به کشورهای خود بازگشته و فرصت درگیری در مسائل و تحولات سیاسی داخلی عربستان را پیدا نمی کنند.

یمنی ها که به عنوان سعودیهای درجه دو تلقی می شوند تقریبا نیمی از دو میلیون خارجی مقیم عربستان را تشکیل می دهند. آنان عموما از یمن شمالی آمده و بدون ویزا به عربستان سعودی پذیرفته می شوند. بر خلاف اکثر دیگر ملیتهای بیگانه، حضور ایشان بسته به عقد قراردادی با یک کارفرمای خاص نیست. هر چند آنان مزاحمت سیاسی فراهم ننموده اند. اما صرف تعدادشان موجب نگرانی دولت می باشد. اعراب دیگر، به ویژه مصریان، فلسطینیها و اردنی ها یک چهارم از جمعیت خارجیهای (ساکن عربستان) را تشکیل داده و بسیاری از اشتغالات حرفه ای نظیر تعلیم و تدریس تا خدمات شهری و مدیریت سطح متوسط را اشغال نموده اند. مابقی بیگانگان عمدتا از آسیا، به ویژه پاکستان و کره جنوبی می آیند. شمار آمریکایی ها و اهالی اروپای غربی تنها به ۵۰۰۰۰ نفر بالغ می گردد. (S)

فلسطینیهای مقیم عربستان سعودی که حدود ۱۲۵۰۰۰ نفر می باشند بیش از سایر گروهها ایجاد نگرانی می نمایند. طی سالهای اخیر، دولت از اعطای حق تبعیت به ایشان خودداری نموده و به منظور جلوگیری از هجوم بیشتر آنان به داخل عربستان مقررات جدی تری در رابطه با ویزا و حق اقامت

وضع نموده است. دولت از این نگران است که فلسطینیها ممکن است در آتیه مگر به قصد بازگشت به سرزمینی متعلق به خودشان عربستان را ترک نگویند. (S)

عربستان سعودی از جمعیت بومی نسبتا یکپارچه، زبان مشترک و مذهب تسنن فوق العاده محافظه کارانه ای برخوردار است. یک استثناء قابل توجه جامعه ۱۲۵۰۰۰ نفری شیعیان در ایالت شمالی این کشور می باشد که تقریبا یک چهارم جمعیت این ناحیه را تشکیل می دهند. شیعیان پیش از کشف منابع نفتی دارای مقام اجتماعی و اقتصادی پست تری بوده و به کارهای یدی نزد کشاورزان و تجار سنی اشتغال داشتند. اما طی دهه اخیر آنان در بخش اقتصاد نفتی و دوائر مربوط به تجارت خصوصی و دولتی پیشرفتهای شایان توجهی نموده اند. تبعیض در اشکال مختلف وجود دارد: از جمله تضییقات در رابطه با استخدام شیعیان در نیروهای مسلح، اداره پلیس و برخی اشتغالات دیگر را می توان نام برد. تحقیقات اخیر درباره جامعه شیعیان ناظران را متقاعد نموده است که تحول اقتصادی موقعیت ایشان را برای ادامه فعالیت در جامعه سعودی تثبیت نموده است. (S)

تجربه عبرت انگیز

حضور گسترده خارجیان در جامعه سعودی در وهله اول میراث جریان پرشتاب تجددگرایی است که هدف از آن سوق دادن این کشور به ماورای موقعیت یک کشور در حال رشد بوده است. این جریان

در پی چهار برابر شدن بهای نفت اوپک طی سالهای ۷۴ ۱۹۷۳ تشدید گردید. عربستان سعودی با در دست داشتن ۲۷ درصد از ذخایر نفت آزاد دنیا، درآمدی معادل ۳۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۸ به دست آورد. هر چند این کشور از نظر سرمایه مشکلی ندارد، اما دارای خلاءهای عظیمی در رابطه با قابلیتهای اجرائی، تکنولوژی و نیروی انسانی است. مسکن غیرکافی که جوابگوی هجوم خارجیها به داخل کشور نیست، و شبکه های ضعیف حمل و نقل موانع دیگری بر سر راه توسعه آرام و بی دردسر اقتصادی را تشکیل می دهند.

تلاشهای مقدماتی در جهت تسریع توسعه با «اولین طرح توسعه» در سالهای مالی ۷۵ ۱۹۷۱ آغاز گردید .(۱) ۱۰ میلیارد دلار هزینه ای که برای اجرای این طرح در نظر گرفته شده بود در عمل به ۱۹ میلیارد دلار افزایش یافت. این طرح که مقاصدی مبهم را در جهت توسعه دنبال می نمود و می بایست از طریق هزینه عمومی تحقق یابد، از فشارهای اجتماعی ناشی از این کار غافل بود. «طرح دوم توسعه» (سالهای مالی ۸۰ ۱۹۷۶) هزینه ای معادل ۱۴۲ میلیارد دلار را پیش بینی نموده و اصلاح شبکه های حمل و نقل ارتباطات و توزیع از اهداف آن به شمار می رفت. این طرح برای آنکه نیاز به نیروی کارگری بیگانه را کاهش دهد. بر توسعه صنایع سنگین با سرمایه تمرکز یافته و ترتیب نیروی انسانی بومی تأکید نمود. همچنین اصلاحاتی در زمینه مزایای اجتماعی به منظور جلوگیری از شکافهای رو به رشد در رابطه با توزیع درآمد مورد تأکید قرار گرفت.

در سال ۱۹۷۶ مقامات رسمی مشکلات گوناگونی را در رابطه با جذب کالاها و نیروی انسانی وارداتی تشخیص دادند و در نتیجه سرعت فعالیت در جهت توسعه کاهش یافت.

مسئله عبرت انگیز دیگر در سال ۱۹۷۸ به وقوع پیوست، زمانی که روشهای حساب نشده و ناهماهنگ تنظیم بودجه، کاهش در هزینه وزارتخانه ها را ایجاب نمود و از سوی دیگر اجرای برخی

طرحها را به تعویق انداخته و به کاهش دارایی های مالی خارجی منجر گردید.

طی «سومین طرح توسعه» (سال جاری مالی ۸۵ ۱۹۸۱)، کاهش بیشتری در شتاب روند توسعه اقتصادی پیش بینی می شود. این طرح، ظاهرا برای آنکه محصولات داخلی را جایگزین واردات نموده و موجبات شرکت گسترده تر سعودیهای بومی در توسعه صنعتی را فراهم نماید، بر صنعت (کارخانجات) تأکید خواهد نمود. در میان معیارها و موازین پذیرش طرحهای جدید، حفظ ارزشهای سنتی از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. نگرانی رو به رشد در میان جناح محافظه کار نظام حکومتی سقفی برای تولید نفت را پیشنهاد می کند که احتمالاً کمتر از ۱۲ میلیون بشکه در روز برای اواسط دهه ۱۹۸۰ خواهد بود. (در مقایسه با تولید نفت در اوائل سال ۱۹۷۹ که نزدیک به ۱۰ میلیون بشکه در روز بوده، و مذاکرات قبلی در رابطه با بیش از ۱۵ میلیون بشکه نفت در روز برای اواسط دهه ۱۹۸۰).

تجربه عبرت انگیز عربستان سعودی در رابطه با روند توسعه در ابعاد دیگر نیز به چشم می خورد. مدت مدیدی است که سعودیها به مواردی از اجحافات فاحش در رابطه با قراردادهای خود ظن برده اند، اما اینک این ظن تبدیل به یقین گشته است. قراردادهای گذشته اخیرا به بهانه های مختلف

۱- سال مالی سعودی بر پایه سال هجری قمری است و به طور متوسط ۱۱ روز از سال تقویمی غربی کمتر است. سال مالی ۱۹۷۹ در ششم ژوئن ۱۹۷۸ آغاز شد و در بیست و پنجم ماه مه ۱۹۷۹ خاتمه خواهد یافت.

موضوع مذاکرات مجدد قرار گرفته اند و این امر به پس اندازی معادل ۳۰ درصد قیمتهای قبلی منجر گردیده است. در آژانسهای معتبر، کاهش قیمت به منظور حذف حشو و زوائد همراه با اشتیاقی شبیه به شور جهاد صلیبیان (Crusad – Like)انجام می گیرد و محتمل است که این امر روند توسعه را بیش از آنکه با توانایی مصرف درآمدهای حاصله در نفت هماهنگ گرداند، با قابلیت جذب واقعی همگام و متناسب نماید.

روی هم رفته، اموری که از اهمیت اجتماعی برخوردارند، همراه با داد و ستد منصفانه، به عنوان مهمترین عوامل مؤثر در شتاب توسعه مطرح می شوند. میزان درآمد مالی سعودی قابلیت انعطاف عظیمی را فراهم می آورد. مازادهای حاصله از درآمدهای نفتی دارایی رسمی خارجی را از ۷/۴ میلیارد دلار در آخر سال ۱۹۷۳ به حدود ۶۰ میلیارد دلار در آخر سال ۱۹۷۸ افزایش داده است و این مقدار بیش از آلمان غربی و ژاپن می باشد. تنها درآمدهای حاصله از داراییهای خارجی ۲۰ درصد از صورتحساب واردات کشور را می پوشاند. در حالی که طی دو سال گذشته مازادهای موازنه پرداخت کاهش یافته اند، و با در نظر گرفتن سیر صعودی بهای نفت در جهان، این روند احتمالاً معکوس خواهد شد.

موارد استفاده از ثروت نفت

هزینه دولتی که طی پنج سال از ۷/۲ میلیارد دلار به حدود ۳۳ میلیارد دلار در سال مالی ۱۹۷۸ افزایش یافته است، انگیزه رشد اقتصادی را فراهم نموده است. بخش اقتصاد نفتی علیرغم آنکه پشتیبان و پایه اصلی اقتصاد این کشور را تشکیل می دهد، تا حدود ۲ سال پیش توسط درآمدهای کمپانی تأمین مالی می شد. تا آنکه سرمایه گذاری عظیم برای ایجاد یک سیستم جمع آوری گاز هزینه اضافی از سوی دولت را ایجاب نمود. حدود یک چهارم از بودجه طی پنج سال گذشته صرف

خریدهای نظامی شامل تجهیزات سنگین، پایگاههای زمینی و دریایی و مراکز فرماندهی و ارتباطات گشته که اکثرا از ایالات متحده خریداری شده است. تکیه بر ظرافت تکنیکی و کیفیت تجهیزات موجب شده است که عربستان سعودی تجهیزات پیشرفته ای نظیر هواپیمای جنگی اف ۱۵ را به دست آورد.

تا اواخر سال ۱۹۷۸ قراردادهای نظامی با آمریکا به ۱۹ میلیارد دلار بالغ می گردید. قراردادهای ساختمانی ارتش ۱۱ میلیارد و قراردادهای مربوط به تجهیزات سنگین ۸ میلیارد دلار از این مقدار را تشکیل می داد. حدود ۳ میلیارد از هر یک از این دو گروه قرارداد تا به حال انجام شده و یا تحویل گردیده است. یک چهارم دیگر از بودجه صرف طرحهای توسعه اقتصادی شده است. پیشرفت به ویژه در زمینه ساختمان و گسترش بنادر چشمگیر بوده و به از میان برداشتن موانع مربوط به واردات یاری رسانده است. اکثر کارخانجات در جبیل واقع در خلیج فارس و ینبع (Yanbu)واقع در دریای سرخ هنوز در مراحل مقدماتی و برنامه ریزی قرار دارند. بجز فعالیتهایی که در جهت تأمین خدمات در این پایگاهها انجام می شود، یک سیستم جمع آوری گاز به ارزش ۱۳ میلیارد دلار و مقداری لوله کشی گاز سرتاسری تنها تأسیسات عمده ای می باشند که پس از چندین سال وقفه اکنون در دست اجراء قرار گرفته اند. ساختمان یک کارخانه فولاد در جبیل نیز ممکن است امسال آغاز شود.

بقیه تقسیمات بودجه به ارقام جاری نظیر حقوق، انتقالات، سوبسید و کمکهای خارجی تخصیص

یافته است تنها مواردی که هزینه به طور مداوم بر مقادیر تخصیص یافته پیشی گرفته است هزینه های مربوط به کمکهای اقتصادی خارجی بطور متوسط طی سالهای ۱۹۷۵ ۷۷ به ۲ میلیارد دلار در سال بالغ گردیده و در سال ۱۹۷۸ کاهش یافت. کمکهای رسمی اکثرا به صورت امتیازات دو طرفه و وامهایی بر مبنای شرایط امتیازی تأمین شده و عمدتا به کشورهای عربی و به ویژه کشورهای مبارز تعلق گرفته است. دولت کوشش فراوان به کار برده است تا ثروت حاصله از نفت را با سعودیهای بومی تقسیم نماید. خانواده های کم درآمد اکنون توسط بیمه اجتماعی، سوبسیدهای غذایی و کنترل اجارات پشتیبانی می شوند. هر تبعه سعودی که دارای قوه ابتکار باشد می تواند از اعتبار کم هزینه چشمگیری جهت تأمین مالی اقدامات تجاری خود استفاده نماید و کلیه اتباع از وامی بی بهره تا مرز ۰۰۰/۹۰ دلار، بیست ساله، برای ساختمان خانه خصوصی خود برخوردار می باشند. هزینه های عمومی فراوان نیز صرف تحصیلات و مراقبتهای بهداشتی آنان گردیده است. توسعه هزینه های عمومی رشد قابل توجهی در بخشهای غیرنفتی اقتصاد این کشور که تا همین سالهای اخیر عملاً تک محصولی بوده است ایجاد نموده رشد حقیقی در بخش دولتی از سال ۱۹۷۳ به بعد به طور متوسط سالانه ۱۶ درصد بوده و در بخش خصوصی به ۱۲ درصد بالغ گردیده است. اقدامات بازرگانی در عربستان سعودی تاکنون منحصر به تجارت و ساختمان بوده و تلاش کمی در زمینه های صنعتی دیده شده است.

مقایساتی با ایران

دگرگونی اجتماعی در ایران موجد نوعی خودآگاهی ملی در عربستان سعودی شده است که نگران احتمال بروز سرنوشتی مشابه در این کشور می باشد. هر چند وقوف بر خسارات اقتصادی ناشی از تورم و خطری که از جانب جامعه اتباع سابق کشورهای دیگر نظام اجتماعی عربستان را تهدید

می کند، هم اکنون نیز نیل به تجددگرایی را در این کشور تعدیل نموده است، اما انقلاب ایران ممکن است انگیزه تحول وسیعتری گردد. (S)

خاندان سلطنتی سعود احتمالاً بیش از هر چیز در ارتباط با فسادی که قراردادهای خارجی را احاطه نموده حساس و آسیب پذیر می باشد. گزارشات اخیر حاکی از تنفر عمومی روزافزونی نسبت به این گونه اعمال است. اکنون شهرت یافته است که اعضاء خاندان سلطنتی از طریق همکاری و شرکت در قراردادهای عظیم ساختمانی خارجی ثروتهای هنگفتی به چنگ آورده اند. انتقاداتی که در رابطه با این گونه اختلافها پدید آمد، سبب شد که حدود یک سال قبل اقداماتی تصنعی در جهت کاهش نفوذ فروش به عمل آید. حق الزحمه آژانس به طور قانونی به ۵ درصد بهای قرارداد منحصر گردید و خریدهای نظامی از طریق آژانس به کلی ممنوع گردید. با این همه، خارجیانی که خواهان عقد قراردادهای دولت غیرنظامی می باشند می بایست از طریق قانونی توسط یک آژانس سعودی عمل کنند و این امر به طرز مؤثری موجب می شود که کمیسیونهای نسبتا بزرگ در اختیار یک اقلیت ممتاز قرار گیرد.

از جهات دیگر خاندان سلطنتی سعودی کمتر از شاه (معدوم ایران) آسیب پذیر به نظر می رسد. سلسله مراتب حکومتی روابط نزدیکی با جامعه مذهبی حفظ نموده است. عرف سعودی راهی برای

شکایات شهروندانی که از حق رأی بی بهره اند باز گذارده است.

هر چند بدون شک توزیع درآمد کاملاً به نفع یک اقلیت کوچک است، اما اکثر سعودیها به طور ملموسی از رونق اقتصادی بهره جسته اند. برخلاف ایران هزینه های دفاعی به قیمت چشم پوشی از برنامه های اقتصادی اساسی تمام نشده است. در حقیقت به علت درآمد گزاف حاصله از نفت و جمعیت کم، سعودیها یارای تحمل اشتباهات اقتصادی را دارا می باشند که می توانست برای کشورهایی که از بخت کمتری برخوردارند، عواقب وخیمی در برداشته باشد.

چشم انداز

ثبات اجتماعی (در عربستان سعودی)، حداقل برای کوتاه مدت، محتمل به نظر می رسد. خاندان سلطنتی ظاهرا کنترل کامل را به دست دارد و مردم از نظر اقتصادی به طور معقولانه ای آرام نگاه داشته شده و خطری جدی از سوی خارجیان داخل کشور ثبات جامعه را تهدید نمی کند. (S)

به هر ترتیب چندین منبع تشنج زا وجود دارند که در دراز مدت ممکن است تقویت شوند.

نگرانیهایی از این دست از سوی سعودیهای عالیرتبه ابراز شده است:

(الف) یمانی، وزیر نفت: تحولات سیاسی اجتماعی عمده ای را برای اواسط دهه هشتاد پیش بینی نموده است.

(ب) وزیر امور خارجه، شاهزاده سعود، گفته است که پادشاهی سعودی قادر نخواهد بود یک کودتای نظامی (درون ارتش خود) را طی درگیری اخیر در یمن تحمل نماید.

(ج) چندین تن از اعضای خاندان سلطنت رهبری ولیعهد فهد را مردد و در حال نوسان خوانده و مورد انتقاد قرار داده اند.

نشانه دیگری از ناآرامی در آتیه، افزایش قاچاق اسلحه به داخل کشور است. (S-NF- NC- OC)

هر گونه تهدید احتمالی نسبت به قدرت مطلقه خاندان سلطنت احتمالاً از جانب طبقه کارمندان خدمات شهری، تجار، مهندسین، کارمندان ارتش و کارگران متخصص نشأت خواهد گرفت. همگام با پیشرفت اقتصادی، این طبقه متوسط در حال رشد نقش مهمتری را در عرصه سیاست جستجو خواهد نمود بویژه، پیچیده و ظریف تر شدن اقتصاد و فشار ناشی از تحولات اجتماعی اقتصادی به احتمال قوی بر توان سیاسی تکنوکراتهای تحصیلکرده در خارج خواهد افزود. این قشر بیش از اکثر اعضای خاندان سلطنت در معرض دگرگونی اجتماعی قرار دارند.

به علت فقدان یک رهبری مؤثر و نیرومند در نظام حکومتی عربستان سعودی و خاندان سلطنت مشکلی که از سال ۱۹۷۵، پس از مرگ ملک فیصل به بعد همواره بغرنج تر گردیده است حل این تشنجات بسیار مشکل خواهد بود. ولیعهد فهد به ویژه در رابطه با مسائل مهم مملکتی که بین مقامات عالیرتبه دولتی و شاهزادگان هیچ گونه توافقی وجود ندارد، فاقد قدرت و اختیارات کامل تصمیم گیری است. بعلاوه، به نظر می رسد که فهد از قاطعیت فکری و روحی لازم نیز بی بهره است. او به جای آنکه فکر خود را برای مردم بازگو نماید، آنچه آنان خواهان شنیدنش هستند بر زبان میراند. (S)

فقدان رهبری مؤثر طی چند سال گذشته خصومتها و رقابتهای درون خاندان سلطنت را تشدید نموده است. اختلافات خانوادگی در ارتباط با بسیاری از روشها و خط مشی ها وجود دارد، اما

مهمترین رقابتها از نقطه نظر سیاسی مربوط به جانشینی مقام عالی سلطنت می باشد. شاهزاده عبداللّه احتمالاً پس از فهد به ولایتعهدی برگزیده خواهد شد اما درباره جانشین عبداللّه اختلافات جدی وجود دارد. برادر تنی فهد، سلطان، محبوب برخی است و برادر ناتنی اش مشعل (Mish`al)، محبوب برخی دیگر. (S)

خاندان سلطنتی بر سر شتاب تجددگرایی نیز دچار اختلاف است. ولیعهد فهد نماینده طرحهای توسعه طلبانه مترقی است. فهد می داند که «مدرنیزاسیون بدون وسترنیزاسیون» (تجددطلبی بدون غرب گرایی) آرمانی باطل است اما امیدوار است که این تحول اجتناب ناپذیر را تحت کنترل نگاهدارد. اما شاه خالد نماینده گروهی بنیادگراتر است و شاهزاده عبداللّه و حتی برخی از برادران تنی فهد نیز به این دسته تعلق دارند. این محافظه کاران در مقابل هر گونه لیبرالیزه نمودن نظام اجتماعی مقاومت می کنند، اما با توسعه اقتصادی فی نفسه مخالف نیستند. (S-NF)

اختلافاتی هم در زمینه چگونگی برخورد با موقعیت ژئوپولیتیکی منطقه وجود دارد. اقدامات سعودیها حاکی از این اعتقاد ایشان است که روسیه درگیر تلاش استراتژیک به منظور محاصره مناطق نفت خیز خلیج فارس و عربستان سعودی می باشد. طی دو سال گذشته، سعودیها درگیری روسیه را در شاخ آفریقا، کودتای افغانستان و فعالیتهای افزایش یافته یمن جنوبی به عنوان گواهی بر مقاصد سوء آن کشور می دانند. اگر چه اکثر رهبران سعودی معتقد نیستند که روسیه در سقوط شاه ایران مستقیما دخالت داشته است، اما عقیده دارند که رویدادهای ایران موازنه قدرت در منطقه را به طرز مؤثری دگرگون نموده و خطر محاصره منطقه توسط روسیه را افزایش داده است. آنان احساس می کنند که ایالات متحده دو سال اخطار توسط عربستان سعودی را نادیده انگاشته و بر بحرانی بودن شرایط واقف نیست، و یا متناوبا قادر نیست منافع خود را در منطقه محافظت نماید. این نگرانیها بر اختلاف

نظر خاندان سعودی درباره برقراری مجدد نوعی روابط رسمی با روسیه شوروی افزوده است. (S)

در حال حاضر سعودیها روابط خود با ایالات متحده آمریکا و کشورهای عربی را مورد ارزیابی مجدد قرار می دهند. طی ماههای اخیر عربستان سعودی در ارتباط با روند صلح خاورمیانه از مصر و آمریکا دوری گزیده و با اکثریت کشورهای عربی که معتقدند توافقهای «کمپ دیوید» چهارچوب مناسبی جهت صلحی مطلوب را تشکیل نمی دهد در یک صف قرار گرفته است. همچنین به نظر می رسد که این کشور در حال تجدید روابط با عراق می باشد. کاهش اعتبار ایالات متحده در چشم رهبران سعودی احتمالاً هم اکنون قدرت سیاسی شاهزادگان عالیرتبه و به ویژه شاهزاده فهد را، که بیش از همه نماینده تام موضع طرفداری از آمریکا می باشد، تضعیف نموده باشد. اگر طی ماههای آتی رهبران سعودی متقاعد شوند که واشنگتن پناهگاه قابل اعتمادی برای ایشان نیست، ممکن است موضعی غیرمتعهدانه تر اتخاذ نمایند. هر چند که ناخوشایند باشد، احتمال می رود که سعودیها، به منظور کسب فرصتی جهت کاستن از شتاب پیشروی محسوس روسیه در منطقه، با آن کشور از در دوستی درآیند. (S)

یمن جنوبی

جمعیت: ۱۷۰۰۰۰۰ نفر؛ تقریبا ۱۰۰ درصد آنها بومی می باشند

حکومت: مارکسیست غیر نظامی

رئیس حکومت: رئیس جمهور عبدالفتاح اسماعیل*

مذهب جمعیت بومی: ۹۵ درصد مسلمان سنی شافعی

۵ درصد مسلمان شیعه زیدی

سطح سواد: ۱۰ درصد

نسبت محصل به جمعیت: ۱۵ درصد

اقتصاد: کشاورزی پایدار؛ صنعت کلبه سازی

ارز رسمی خارجی: ۱۵۰ میلیون دلار در ژوئن ۱۹۷۸

تولید ناخالص ملی: ۵۵۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷

میزان نیروهای مسلح: ۲۱۸۰۰ نفر

نیروی پلیس ملی: تقریبا ۱۰۰۰۰ نفر

شبه نظامیان: تقریبا ۱۰۰۰۰ نفر

* البته بعدها علی ناصر محمد روی کار آمد. وی در مقایسه با عبدالفتاح اسماعیل و سالم ربیع علی از دیدگاه متعادلتری برخوردار است. در کودتای سال ۱۳۶۵ علی ناصر محمد به وسیله عبدالفتاح اسماعیل و طرفدارانش از کار برکنار و متواری شد. در جریان کودتا عبدالفتاح اسماعیل و علی عنتر به قتل رسیدند، و نهایتا العطاس نخست وزیر قبلی به حکومت رسید. مترجم

یمن جنوبی: خنجری فرورفته در پشت شبه جزیره عربی

از سال ۱۹۶۷ به بعد یعنی زمانی که یمن جنوبی استقلال خود را به دست آورد، رژیمهای چپگرا تحولات اقتصادی و اجتماعی ای را (بر این کشور) تحمیل نموده اند که تا حدود زیادی آن کشور را از

دیگر همسایگانش در شبه جزیره عربستان متمایز و منزوی ساخته است. حکام تندرو طبقات را کاملاً از بین برده، توسط مبارزات خونین، کشور را آرام نموده و تحصیلات غیر مذهبی را جایگزین تعلیمات اسلامی سنتی نموده اند. طی ۹ ماه گذشته، دولت تحت کنترل یک ایدئولوگ مارکسیست متعهد (دو آتشه) به نام عبدالفتاح اسماعیل که به همکاری نزدیک با روسیه متمایل است، قرار داشته است. در گذشته زندگی سیاسی داخلی کشور تحت الشعاع مبارزه ای برای قدرت میان اسماعیل و رئیس جمهور فقید علی قرار داشت: علی به عنوان فردی چپگرا امّا پراگماتیک تر از اسماعیل شهرت داشت.

در هر دو صحنه داخلی و بین المللی، سیاستهای یمن جنوبی همسایگان عرب خود را از این کشور بیگانه و دور نموده است. عدن از نهضتهای انقلابی منطقه جانبداری نموده، تروریستهای بین المللی را در کنف حمایت خود قرار داده و اخیرا نیز فعالانه به خصومت با یمن شمالی که از متفقین عربستان سعودی می باشد پرداخته است. کوششهای عربستان سعودی که با وعده کمکهای اقتصادی، یمن جنوبی را به استقلال از روسیه ترغیب می نماید، عقیم مانده است و مقدار کمکهای مالی آینده از سوی کشورهای محافظه کار خلیج نامعلوم می باشد. آینده اقتصادی یمن جنوبی بدون کمکهای مالی خارجی تاریک است. عدن فاقد منابع طبیعی است و از نظر نیروهای متخصص فنی و مدیریت برای آنکه

مستقلاً به توسعه اقتصاد خود پردازد در مضیقه قرار دارد.

ابعاد سیاسی

ساکنین یمن (عدن) بخش عظیمی از تاریخ اسلامی خود را تحت سلطه ائمه یمن شمالی که به مدت ۸۰۰ سال در صنعا حاکمیت داشته اند، به سر برده اند. جنوبیها که عمدتا سنی مذهب و از فرقه شافعی می باشند از بیعت با ائمه که شیعه بودند خودداری ورزیدند. ایالات کوچک قبیله ای و سلطان نشینان جنوب یمن هرگز تحت کنترل کامل حکومت یمن قرار نگرفتند. تاریخ جدید یمن جنوبی از زمانی آغاز می شود که عدن در سال ۱۸۳۹ به تصرف بریتانیای کبیر درآمده و به عنوان پاسگاهی برای حفظ امنیت مسیرهای تجارتی به هندوستان مورد استفاده قرار گرفت. طی دهه ۱۹۳۰ تمام سلطان نشینان یمن به تحت الحمایه های بریتانیا تبدیل شده بودند، اما در پیمان فوریه ۱۹۵۹، بریتانیا عهد بست که مستعمره عدن و ایالات تحت الحمایه را برای استقلال کامل مهیا سازد.

تلاش در جهت آماده نمودن زمینه برای استقلال یمن جنوبی با موج فراگیر ناسیونالیسم عربی تلاقی نموده و دچار پیچیدگی و اشکال گردید. مخالفت با بریتانیا به تروریسم آشکار میان دو گروه ناسیونالیستی و در حال رقابت مبدل شد. سرانجام «جبهه آزادیبخش ملی» پیروز گشته و در ماه نوامبر ۱۹۶۷ کشور را به سمت استقلال هدایت نمود. طی چند سال بعد جناحهای تندرو NLFنفوذ و قدرت خود را تحکیم بخشیدند و در اواسط سال ۱۹۷۱ اسماعیل که دبیر کل مارکسیست جبهه ملی بود و پرزیدنت سلیم ربیع علی رهبری را تقبل نمودند.

رهبران تندرو، تحت حمایت تلقینات سوسیالیستی خود، طبقات را ریشه کن نموده، قبایل را وادار به اطاعت از حزب و حکومت مرکزی کرده، آرامش کشور را از طریق مبارزات خونین تأمین نموده و مسئله نقش زن در جامعه و تحصیلات غیر مذهبی را تبلیغ و ترویج نمودند. آنان قساوت و بیرحمی

بسیاری از اقدامات خود را به عنوان اهداف انقلاب توجیه کردند. ملی کردنها و سرکوب سیاسی موجب شد که صدها هزار نفر کشور را ترک گفته و بسیاری نیز در یمن شمالی مستقر شوند. عده دیگری نیز کشور را به قصد کار در کشورهای همسایه که از لحاظ نفت غنی بودند ترک نمودند. بسیاری از کسانی که به کشورهای دیگر پناهنده شدند، تاجر، کارگران متخصص و صاحب حرفه بودند.

تحکیم قدرت

در اوائل سال ۱۹۷۸ درگیری میان اسماعیل و علی که به امتیازات یکدیگر حسد می بردند شدت یافت. قتل رئیس جمهور یمن شمالی، احمد القشمی (al-Qashmi) در ۲۴ ژوئن، حوادثی در پی داشت که به مرگ علی و حاکمیت مطلق اسماعیل و حامیانش در جنوب انجامید. اسماعیل کوشید علی را به عنوان مسبب قتل پرزیدنت قشمی معرفی نماید (وی توسط بمبی که مأمور سیاسی یمن جنوبی حامل آن بود به قتل رسید) اما منطقی ترین شرح واقعه، خود اسماعیل را مسئول ماجرا می شناخت. طی کشمکشهای بعدی میان گروههای مخالف، اسماعیل غالب گشت و علی و دو تن از یارانش اعدام شدند و بقیه حامیان علی تبرئه شدند. (S)

اسماعیل در اصل اهل یمن شمالی است و در میان رهبران قبیله ای سنتی جنوب از محبوبیت کمی

برخوردار می باشد. در عوض، اسماعیل بر همقطاران شمالی و عدنیائی که قبائلشان را از دست داده اند متکی است و بر پشتیبانی ایشان امیدوار می باشد. قدرت اسماعیل در حزب مارکسیست لنینیستی تمرکز یافته است که خود در تأسیس آن شریک بوده است. ابزار نشر افکار حزب که از نفوذ فراگیرنده ای در سراسر یمن جنوبی برخوردار می باشد، در جهت یاری دولت برای انجام فرامین رهبری انقلاب طرح ریزی شده اند. این دستگاه متشکل از کمیته های سراسری و «نهادهای توده ای» که در کلیه ابعاد زندگی ملت حضور دارند، در کنترل جمعیت پراکنده و عقب افتاده ۷/۱ میلیونی آن کشور بسیار مؤثر بوده است. مخالفت رهبران قبایل که در روستاها هنوز از نفوذ بسیاری برخوردارند و حامیان علی با حکومت اسماعیل، چندان جدی تلقی نمی شود. (S-NF)

نقش ارتش

نیروهای مسلح کم حجم اما مؤثر یمن جنوبی طی دهه اخیر بیش از دو برابر افزایش یافته است. ارتش این کشور از تجربیات رزمی قابل توجهی برخوردار است و توان رزمی خود را طی چندین کشمکش مختصر با یمن شمالی و عربستان سعودی نشان داده است. همچنین در رفع حملات ناگهانی گروههای تبعیدی موفق بوده است. دو نیروی «میلیشیای توده» و «نیروی امنیت عمومی» ارتش را تکمیل کرده و در عین حال خنثی می کنند. میلیشیا، که تصور می رود تحت کنترل اسماعیل باشد، مسئولیت حفظ امنیت در عدن و مناطق مرزی را که فاقد واحدهای ارتشی معمولی هستند بر عهده دارد، با وجود آنکه میلیشیا می توانست منبع مهمی برای تقویت ارتش باشد، اما روابط بین ایندو خوب نیست. میلیشیا طی زد و خوردهایی با ارتش در سال ۱۹۷۶ صدمات زیادی تحمل کرد، اما ظاهرا اسماعیل با تکیه بر میلیشیا کودتای موفق خود را در سال ۱۹۷۸ به انجام رسانید. «نیروی امنیت عمومی» در دسته های کوچک در سراسر کشور پراکنده است تا از ثبات داخلی محافظت نماید.

(S-NF)

روسیه به امید آنکه نفوذش را در منطقه گسترش داده و یک پایگاه عملیاتی برای پشتیبانی از ناوگان خود در اقیانوس هند کسب نماید، عملاً کلیه تجهیزات سنگین ارتش یمن جنوبی را تأمین نموده و طی سالهای ۷۷ ۱۹۷۳ تجهیزاتی معادل تقریبا ۲۰۰ میلیون دلار را به این کشور تحویل داده است. وسایلی که در سال ۱۹۷۸ از سوی روسیه به یمن جنوبی تحویل داده شد بیش از ۱۳۰ میلیون دلار ارزش داشته و شامل چندین دستگاه اسلحه پیشرفته بود. در این کشور قریب پانصد مشاور نظامی روسی موجود می باشند، که عمدتا نیروهای هوایی و ضدهوایی را پشتیبانی می کنند. پیش از ژوئن ۱۹۷۸، حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ مشاور کوبایی در عدن مستقر بودند، اما پس از کودتا تعداد ایشان احتمالاً به هزار تن افزایش پیدا کرد، طی ماههای اخیر به نظر می رسد که تعداد کوبائیها به ۵۰۰ مشاور نظامی و چند صد متخصص غیر نظامی کاهش یافته است. (S-NF)

یمن جنوبی: رهبران حکومت

نام مقام

عبدالفتاح اسماعیل رئیس، رئیس جمهور، و سرپرست شورای عالی خلق

علی ناصر محمدالحسنی معاون رئیس و سرپرست شورای عالی خلق

فضل محسن عبداله دبیر ریاست و سرپرستی شورای عالی خلق

سلطان محمد الدوش عضو ریاست و سرپرستی شورای خلق

ریاض ال اکبری عضو ریاست و سرپرستی شورای خلق

ایداعلی سعید عضو ریاست و سرپرستی شورای خلق

سید صالح سلیم عضو ریاست و سرپرستی شورای خلق

محمود سعید المهدی عضو ریاست و سرپرستی شورای خلق

عبداللّه احمد الغانم عضو ریاست و سرپرستی شورای خلق

فاریس سلیم احمد عضو ریاست و سرپرستی شورای خلق

علی احمد نصیر سلامی عضو ریاست و سرپرستی شورای خلق

علی نصیر مجدالحسنی رئیس شورای وزیران

محمد سلیمان الناصر وزیر کشاورزی و اصلاحات کشاورزی

محمود عبداللّه رشیداوشیش وزیر ارتباطات

محمود نجاشی وزیر فرهنگ و جهانگردی

احمد ناصر البیشی وزیر دفاع

سعید عبدالخیر النوبان وزیر تعلیم و تربیت

علی ناصر محمد الحسنی وزیر اقتصاد

محمد سلیم کوثر وزیر منابع ماهیگیری

محمد صالح یغائی وزیر امور خارجه

دکتر عبدالّله احمد بوخیر وزیر بهداری

عبدالغنی عبدالقدیر وزیر صنایع

رشید محمد ثابت وزیر اطلاعات

حیدر ابوبکر العتاس وزیر تأسیسات

صالح مصلح القاسم وزیر کشور

خالد فضل منصور وزیر دادگستری و اوقاف مذهبی

نصر نصرعلی وزیر کار و خدمات مدنی

عبدالعزیز عبدالولی النشیر وزیر برنامه

محمد سعید عبدالّله محسن الشرجابی وزیر امنیت کشوری

احمد عبیدالفضل وزیر تجارت و تدارکات

علی اسد مثنی وزیر مشاور در امور کابینه

* جمعیت کشور از شاخه شافعی تسنن اسلامی پیروی می نماید. ملاحظات مذهبی از دیرباز در زندگی اجتماعی نقش بسیار مهمی داشته، لیکن عضویت در حکومت و کابینه مشروط بر اعتقاد شدید به ایدئولوژی مارکسیستی است و برای این کار نیازی به اعتقادات مذهبی نیست.

سیاست خارجی

یمن جنوبی خود را به عنوان یکی از اعضای اردوی سوسیالیستی بین الملل می نگرد و از این رو نسبت به سیاست حمایت از نهضتهای انقلابی، شرکت در کشمکش اعراب علیه اسرائیل و مخالفت با دولی که «امپریالیست» و «مرتجع» می نامد، احساس تعهد می نماید. فقدان ظرافت و دقت در این سیاستها مانع پیوند نزدیک با سایر کشورهای عربی است. با وجود آنکه لیبی نیرومندترین همپیمان عرب عدن می باشد، رژیم قذافی احتمالاً فقدان هر گونه رنگ اسلامی در امور داخلی یمن جنوبی را با سوءظن می نگرد. روابط این کشور با عراق به دلیل اختلافات موجود در ارتباط با شاخ آفریقا و ممانعت عدن از فعالیت مؤثر بعثی های سبک عراقی در سیاست یمن، سرد می باشد کشورهای خلیج فارس معمولاً در مخالفت با یمن جنوبی، عربستان سعودی را سرمشق قرار می دهند، سوریه و مصر در سوءظن سعودی نسبت به نفوذ روسیه (در یمن جنوبی) شریک می باشند. (S)

یمن جنوبی همواره ثبات منطقه را بر هم زده است. در اواخر دهه ۷۰ ۱۹۶۰، این کشور حامی اصلی شورشیان ظفار در عمان بود و با تکیه بر کمکهای آن، شورشگران توانستند کنترل دولت را در آن منطقه به مخاطره اندازند. هر چند عمان، بیاری ایران اردن و عربستان سعودی، در اواسط دهه ۸۰ ۱۹۷۰ حاکمیت خود را بازیافت. اما این کشور نگرانست که خروج سربازان ایرانی که اخیرا انجام گرفت اسماعیل را ترغیب نماید که حمایت از شورشیان افزایش دهد.

روابط بین دو کشور یمن شمالی و جنوبی هرگز خوب نبوده است و در سال ۱۹۷۰، هنگامی که عربستان سعودی و ایالات متحده حکومت صنعا را به رسمیت شناختند، این روابط تیره تر گردید. در سال ۱۹۷۲ جنگی میان دو کشور درگرفت و طی آتش بس متعاقب آن، «اتحادیه عرب» مسئله اتحاد دو کشور را به عبث به مذاکره گذاشت. پس از یک دوره طولانی درگیریهای مرزی، در اوائل سال

۱۹۷۹ یمن جنوبی هجوم وسیعی به داخل خاک یمن شمالی را به امید برانداختن حکومت صنعا، آغاز نمود. این کشمکش حداقل در حال حاضر فروکش نموده است. (S-NF)

عربستان سعودی که از گسترش نفوذ روسیه در درون شبه جزیره نگران است تلاشهایی نموده است تا سیاستهای عدن را تعدیل نماید. ریاض برای مدتی اجتماعات پناهندگان در عربستان سعودی و یمن شمالی را در ارتباط با عملیات نظامی فعال (هر چند بی نتیجه) ایشان علیه جنوب یاری نمود. سپس سعودیها وعده حمایت اقتصادی را مطرح نمودند؛ روابط دیپلماتیک برای اولین بار در اوائل سال ۱۹۷۷ برقرار گردید و پرزیدنت علی توافق نمود که در ازای کمکهای سعودی از نفوذ کمونیستها در یمن جنوبی جلوگیری نماید. در آخر سال ۱۹۷۷، عربستان سعودی کمکهای مالی اش را متوقف نمود زیرا عدن به وعده های خود وفا ننموده بود؛ حمایت یمن جنوبی از اتیوپی چشم سعودیها را بر واقعیات گشود. کودتای موفقیت آمیز اسماعیل از سوی حکام سعودی به عنوان گواهی بر کوششهای روسیه در جهت احاطه بر شبه جزیره تلقی گردید، و متعاقبا سعودیها به موضع خصومت آمیز گذشته خود بازگشتند. (S-NF)

پایه اقتصادی ساده

پیش از کسب استقلال در سال ۱۹۶۷، در همسایگی بندر عدن یک اقتصاد جدید شکوفا و پویا به

وجود آمده بود. ترقی روزافزون شهر بر پایه یک پالایشگاه نفت، خدمات کشتی و سوختگیری، فعالیتهای بازرگانی ناشی از بندر آزاد، و تأمین خدمات پرسنل نظامی بریتانیا بنا گردیده بود. خارج از عدن، اقتصاد بر کشاورزی برای معاش، ماهیگیری و قاچاق متکی بود. شبکه های اصلی حمل و نقل و ارتباطات ابتدایی و غیر پیشرفته بودند. استقلال ضربه سنگینی بر اقتصاد کشور وارد نمود به ویژه آنکه با بسته شدن کانال سوئز و ترک سربازان انگلیسی مصادف گردید. خروج انگلیسیها تقاضا برای خدمات داخلی را کاهش داده و درآمد اقتصادی در اطراف عدن را حدود ۳۰ درصد پایین آورد، نرخهای سرمایه گذاری را فوق العاده کاهش داد و قریب ۰۰۰/۲۰ نفر (یعنی یک چهارم از نیروی کارگری در شهرها) را بیکار برجای گذارد. توقف ناگهانی حمایت مالی بریتانیا درآمد دولتی را به نصف تقلیل داد و توان رژیم را برای ایجاد فعالیتهای جدید اقتصادی محدود نمود.

رژیم چپگرای جدید دست به اقدامات افراطی زده و یک برنامه توسعه سوسیالیستی را آغاز نمود. اصلاحات اقتصادی با ملی کردن املاک خارجی در سال ۱۹۶۹ آغاز گردید و این امر بخش اقتصادی خدمات جدید اطراف عدن (شامل بانکداری، بیمه، کشتیرانی و بازرگانی) را تحت کنترل دولت قرار داد. هر چند برخی فعالیتهای خصوصی، عمدتا در زمینه بازرگانی، صنایع دستی و کارخانجات کوچک مجاز بود، اما این گونه اقدامات نقشی فرعی ایفا نمودند. دو قانون اصلاحی در رابطه با زمین، تقسیم محصول زمین را منسوخ نموده و مالکیت فردی در رابطه با زمین را به قطعات کوچک محدود نمود. همزمان با این اقدامات، تعاونیهای جدید تولیدی و مزارع ایالتی (دولتی) به وجود آمدند. زنان نیز آزاد شده و ترغیب گشتند که به عنوان نیروی انسانی غیر زراعی به کار مشغول شوند و جای کسانی را که کشور را ترک می نمودند پر کنند. هم سطح نمودن درآمدها از اهداف بسیار مهم تلقی گردید.

یمن جنوبی برای تعقیب اهداف خود در زمینه مدرنیزاسیون و تنوع اقتصادی با مشکلات مهیبی روبروست که مهمترین آنها فقدان منابع طبیعی، کمبود ارز خارجی و مهارتهای فنی و مدیریت غیر کافی می باشد. آب و هوای خشک و خشن نواحی قابل کشت را محدود می کند و بازار داخلی محدود و قلت منابع مواد خام موانعی بر سر راه رشد صنعتی این کشور به شمار می روند. کیفیت ناهموار محلی بر پیچیدگی این مشکلات می افزاید و مشکلات جدی در رابطه با ارتباطات داخلی ایجاد نموده و بهای حمل و نقل محلی را نیز افزایش می دهد.

دولت برای احیاء اقتصاد کساد خود پیش از هر چیز بر هزینه های عمومی متکی بوده است. از طریق برنامه های متوالی توسعه، سرمایه گذاریهای ملی (GNP) از ۳۵ میلیون دلار در سال ۱۹۷۳ به قریب ۱۶۵ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ یعنی از ۱۲ درصد به ۳۰ درصد از تولید ناخالص ملی افزایش یافت. بیش از نیمی از سرمایه گذاری ملی صرف بخش تولید و کالاهای مفید گشته است که از آن جمله ۳۷ درصد به ماهیگیری و کشاورزی، ۱۳ درصد به صنعت و ۷ درصد به اکتشافات معدنی تخصیص یافته است. قریب ۱۴ از این سرمایه گذاری به حمل و نقل و ارتباطات اختصاص یافته و بقیه صرف خدمات اجتماعی گردیده است.

ابقای این افزایش در هزینه عمومی مستلزم تلاشی عمده به منظور بسیج نمودن منابع مالی بوده است. مالیاتهای جدیدی وضع گردیده و وصول مالیات اصلاح شده است؛ همچنین حقوق سالانه

کارکنان دولت دوبار کاهش یافته است. علیرغم این اقدامات، منابع داخلی همچنان از عهده هزینه های عمومی برنیامده و دولت ملزم بوده است که بیش از پیش بر کمکهای خارجی متکی باشد. کمکهای مشخصا پرداخت شده از قریب ۲۶ میلیون دلار در سال ۱۹۷۳ به بیش از ۱۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ بالغ گردید و این رقم به طور معتنابهی از تشکیل سرمایه داخلی بیشتر است.

روند توسعه مأیوس کننده!

طی دهه پس از کسب استقلال، یمن جنوبی به زحمت آغاز به ایجاد شتاب اقتصادی نموده است. آمار نامناسب تنها تصویر مبهمی از سالهای اولیه نشان می دهد، اما تحولات اجتماعی و سازمانی بدون شک تولید داخلی را کاهش داده اند، در حالی که اقدامات سخت گیرانه می بایست جدا مصرف خصوصی را محدود نموده باشد. فعالیتهای خصوصی که سهم عمده ای از بازده محصولات داخلی را تأمین می نمود به طور محسوسی کاهش یافت. توسعه نیز به علت وقفه زمانی میان سرمایه گذاری و بازده در بخش عمومی تقلیل یافت. به احتمال قوی بازده حقیقی طی سالها پس از ۱۹۶۷ کاهش یافته و برای اولین بار در سال ۱۹۷۶ نشانگر توسعه بود. رشد اقتصادی واقعی طی سالهای ۷۷ ۱۹۷۶ حدود ۶ تا ۷ درصد بوده و عمدتا توسط انتقال وجود ارسالی از سوی کارگران یمنی در خارج از کشور که یک سوم از تولید ناخالص ملی را تشکیل می دهد حاصل می گشت. در سال ۱۹۷۸، توسعه نسبت به دو سال پیش از آن احتمالاً تقلیل یافت و این امر ناشی از کاهش هزینه دولتی در ارتباط با پروژه های توسعه داخلی بود.

امروز کشاورزی و ماهیگیری مهمترین فعالیتهای اقتصادی این کشور به شمار رفته و صنعتی ناچیز همراه با تأمین خدمات بندری مکمل این فعالیتها می باشند:

کشاورزی و ماهیگیری ۴۵ درصد از نیروی کارگری را به کار گرفته و ۲۲ درصد از تولید ناخالص

داخل را تأمین می نمایند. غله و حبوبات دو سوم از زمینهای زیر کشت را به خود اختصاص می دهند و اخیرا کشت گندم مورد توجه خاص قرار گرفته است. محصول پنبه که زمانی مهمترین محصول صادراتی به شمار می رفت به علت آنکه زمینها به طرحهای آبیاری واگذار شده اند، رو به کاهش است. ماهیگیری رو به رشدترین شاخه از این بخش اقتصادی است و در نتیجه بهبود وسایل، تکنیکهای جدیدتر و افزایش در قیمتهای تحت کنترل دولت با صرفه بوده است.

صنعت ۸ درصد از بازده داخلی را فراهم می نماید که عمدتا از پالایشگاه نفتی در عدن، که توسط شرکت نفت انگلیس بهره برداری می شود و ظرفیتی برابر با ۱۷۰ هزار بشکه در روز دارا می باشد به دست می آید. از سال ۱۹۷۳ به بعد تولید نفت به طور یکنواخت (به طور ثابت) کمتر از ۷۰ هزار بشکه در روز یعنی به مقدار لازم برای جبران هزینه ها بوده است. این روند رو به نقصان، رقابت افزایش یافته ای منطقه ای که تقاضا برای خدمات سوختگیری را کاهش داده است و نقص تجهیزات بندری کنونی برای پذیرایی از کشتیهای بزرگ را منعکس می نماید. صنایع دیگر شامل تأسیسات کوچکی است که کالاهای مصرفی، ماشین آلات سبک و لوازم یدکی تولید می نمایند. محور طرحهای توسعه صنعتی جانشین نمودن کارخانجات کوچکی است که صابون، اکسیژن و آستیلین تولید نموده و روغن های نباتی و تولیدات لبنی را تهیه می نماید تا جایگزین وارد کردن کالاهای مذکور بشود.

فعالیتهای بندری مقدار کمی از اشتغالات را تأمین می کند. پیش از بسته شدن کانال سوئز، بندر عدن بیش از ۶۰۰۰ کشتی در سال را پذیرایی می نمود. اما فعالیت بطور فوق العاده به ۲۰ درصد سطوح قبلی کاهش پذیرفت و در سال ۱۹۷۸ رفت و آمد کشتیها نسبت به ده سال پیش کمتر از پنجاه درصد بود. پیشرفت مختصری به منظور احیاء بنادر در زمینه مدرنیزه کردن تجهیزات بارگیری و تعمیق کانالهای کشتیرانی به چشم می خورد، هر چند بازسازی کشتیرانی بین المللی از سال ۱۹۶۷ به بعد این امر را که عدن موقعیت گذشته خود را مجددا به دست آورد، غیرممکن می سازد.

درآمدها و کمک خارجی

موازنه پرداخت در یمن جنوبی تا سال ۱۹۷۷ دائما دچار کمبود بود تا اینکه در این سال افزایش صادرات داخلی و عایدات رو به رشد کارگران خارجی مازاد معتنابهی به وجود آورد. یک ضعف اساسی موازنه بازرگانی می باشد که با فروش ماهی، کتان، قهوه و تعداد اندکی اقلام دیگر تنها به جبران ۱۰ تا ۱۵ درصد کالاهای عمده، تولیدات واسطه و اجناس غذایی و مصرفی که می بایست از خارج وارد شوند اکتفا می کند. کالاهای غذایی معمولاً ۲۳ درصد از واردات را تشکیل می دهند و از نظر ارزشی برابر با کل ماهیگیری و کشاورزی داخلی می باشند. طی پنج سال گذشته، جهت بازرگانی از کشورهای سوسیالیستی به ممالک صنعتی و عمدتا ژاپن و انگلیس تغییر کرده است.

توسعه وجوهات ارسالی توسط کارگران در رشد واردات متناسب با خود مؤثر و مفید بوده است.

طی سالهای ۷۷ ۱۹۷۳ این وجوهات تقریبا با دریافتیهای کمکهای خارجی مساوی بوده است. در اوائل دهه ۱۹۷۰ ضوابط خشک دولتی و کنترل شدید ارز خارجی موجب کاهش وجوهات ارسالی به یمن جنوبی گردید. به علت نقصان در نیروی انسانی داخلی و قابلیت تولید پایین، مهاجرت در سال ۱۹۷۳ ممنوع گردید. اما رونق توسعه (اقتصادی) در کشورهای همسایه و در نتیجه بالا رفتن سطح

مزد تجدید نظر در خط مشی دولتی را در جهت جذب وجوهات کارگرانی که در خارج به کار اشتغال داشتند ایجاب می نمود. هیئتهای دیپلماتیک به کشورهای دیگر اعزام شده و درصدد بر آمدند که اتباع را نسبت به ایمنی وجوهاتی که به عدن ارسال می شدند، مطمئن سازند. بهره های سنگین تری برای موجودی بانکی اشخاص غیر مقیم پیشنهاد گردید و زمین و مصالح ساختمانی در اختیار مهاجرین قرار گرفت تا برای خود یا خانواده شان خانه بسازند. این اقدامات موجب گردید که وجوهات ارسالی طی سالهای ۷۷ ۱۹۷۴ افزایش یافته و به ۱۸۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ بالغ گردد. این رقم نیز شاید میزان واقعی وجوهات ارسالی را کمتر از آنچه هست قلمداد نماید، زیرا اطلاعات موجود تنها نشانگر وجوهاتی است که از طریق سیستم بانکی به داخل کشور راه یافته اند.

کمکهای خارجی اکثرا در قالب وامهای امتیازی نیز از منابع مهم پشتوانه هزینه ها و سرمایه جهت توسعه (اقتصادی) بوده است. طی سالهای ۷۷ ۱۹۷۳، مجموع کمکهای اقتصادی دریافتی توسط یمن جنوبی به ۴۴۲ میلیون دلار بالغ گردید. هزینه سرویس بدهیها در سال ۱۹۷۷، ۵/۱ میلیون دلار بود و با در نظر گرفتن ماهیت امتیازی (یا اعطایی) وامها، این مسئله مشکلات مالی ناچیزی را طی سالهای آینده به همراه خواهد داشت. (S)

کمکهای اقتصادی طی اولین سالهای استقلال این کشور تماما توسط کمونیستها تأمین می گردید.

در اواسط دهه ۱۹۷۰، کشورهای عربی یاری کنندگان اصلی به این کشور بودند زیرا تلاش می کردند عدن را از اردوی کمونیستی بربایند. در اواسط سال ۱۹۷۸، کمکهای کشورهای عربی و منابع مالی دیگر یمن جنوبی به مخاطره افتاد، زیرا اتحادیه عرب با در نظر گرفتن نقش عدن در قتل رئیس جمهور یمن شمالی، تصمیم گرفت کمکهای فنی و اقتصادی به این کشور را متوقف سازد. اما این تحریم در سال ۱۹۷۸ برطرف گردید و مدتی که به طول انجامیده بود کمتر از آن بود که خسارت زیادی برای توسعه اقتصادی این کشور در برداشته باشد. (S)

نگرش کلی: دورنمایی دلسردکننده

شرایط اقتصادی یمن جنوبی در آتیه نزدیک دلگرم کننده نیست. علیرغم برطرف شدن تحریم (اقتصادی) توسط اتحادیه عرب احتمالاً بعضی از اعضاء و به ویژه کشورهای محافظه کار خلیج فارس، از پرداخت کمک به میزان گذشته خودداری خواهند نمود. در این صورت به نظر می رسد که لیبی و روسیه جانشینان اصلی این کشورها خواهند بود. این کشور از نقطه نظر مالی ضعیف البنیه تر از آن است که به تنهائی متجدد شود. (به تنهایی قادر به تحقق مدرنیزاسیون باشد) از دست دادن کمکهای عربستان سعودی در سال ۱۹۷۷ موجب شد که برنامه ریزان دولتی طرحهای جدید را از برنامه سال ۱۹۷۸ حذف نموده و هزینه های طرحهای در دست اجرا را تقلیل دهند.

شانس عدن برای نیل به استقلال مالی از یاری دهندگان خود در بلند مدت نیز ضعیف است.

اهداف توسعه گرایانه در کشورهای تولیدکننده نفت در خلیج فارس عموما به اهدافی طویل المدت تبدیل می شوند و این امر تقاضا برای وارد نمودن نیروی کارگری را تقلیل داده و در نتیجه وجوهات ارسالی توسط کارگران (در خارج از کشور) کاهش خواهد یافت. موانع طبیعی بر سر راه توسعه کشاورزی وابستگی به واردات غذایی را تداوم خواهد بخشید. دولت عدن سرمایه گذاران خارجی را

تأمین ننموده و اشتیاق ایشان (برای سرمایه گذاری در این کشور) را بر نمی انگیزد. تاکنون جستجوی نفت بیهوده بوده است.

از نظر سیاسی مهمترین خطری که رژیم «اسماعیل» را تهدید می کند احتمال بروز نارضایتی در میان یکی از ارکان اصلی جمعیت این کشور و سازمان یافتن شورشی علیه این رژیم می باشد. شاید اصطکاک میان ارتش و میلیشیا یکی از نکات مورد نظر باشد. همچنین شورش می تواند به وسیله اقتصاد پر از موانع این کشور پرورش یافته و تقویت شود. گذشته از کودتا و شورش، تحولات کوتاه مدت دیگر احتمالاً به سقوط رژیم یمن جنوبی خواهند انجامید. اگر اسماعیل بمیرد و اغلب گفته می شود که وضع جسمانی وی چندان مساعد نیست و یا اگر بقتل رسد، یاران وی محتملاً به سرعت جانشین ثابت و استواری برای وی انتخاب خواهند نمود. از آنجا که همقطاران سابق علی تصفیه شده اند، احتمال می رود که هر حکومت جدیدی سیاستی نظیر خط مشی اسماعیل را دنبال نماید. تا آنگاه که همسایگان این کشور در شبه جزیره عربستان بر محدودیتهای نظامی خو فائق آیند، انتظار می رود یمن جنوبی از تمرد و شورش در منطقه حمایت خواهد نمود و با این حساب عدن همواره در جهان عرب به عنوان یک مرتد باقی خواهد ماند. (S)

امارات متحده عربی

جمعیت: ۸۶۰۰۰۰ نفر؛ ۲۸ درصد بومی

حکومت: فدراسیون از قبایل شیخ نشین تحت سرپرستی رئیس جمهور

رئیس حکومت: شیخ زاید بن سلطان آل نهیان

مذهب جمعیت بومی: ۹۰ درصد مسلمان سنی مذهب

۱۰ درصد مسلمان شیعی

سطح سواد: ۲۵ درصد

نسبت محصلین به جمعیت: ۲۵ درصد

تولید نفت: ۸/۱ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۸

ارز رسمی خارجی: ۴/۱۴ میلیارد دلار در ژوئن ۱۹۷۸

تولید ناخالص داخلی: ۳/۱۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷

میزان نیروهای مسلح: ۲۴۷۰۰ (تقریبی)

نیروی پلیس ملی: ۶۶۰۰ (تقریبی)

امارات متحده عربی: فشارهایی در جهت وحدت گسترده تر

امارات متحده عربی (UAE) که در سال ۱۹۷۱ در پی ترک شبه جزیره عربستان توسط انگلیس، بنیان نهاده شد، مجموعه هفت شیخ نشین می باشد که با (فدراسیونی) سست و ناپایدار به هم پیوسته اند. از همان ابتدا منازعاتی بر سر میزان تمرکز، تشکیلات اداری (بوروکراسی) و نیروهای مسلح و ترکیب بودجه، پیوند این شیخ نشینها را تحت فشار قرار داده است. هجوم درآمدهای حاصله از فروش نفت به داخل این شیخ نشینها و به ویژه شیخ نشین اصلی یعنی ابوظبی منشأ طرحهای توسعه بی شماری بوده است که بسیاری از آنها به طور ناقص برنامه ریزی شده اند. این طرحها ایجاب نموده اند که تعداد

بسیاری کارگران خارجی به این مناطق جذب شوند به طوری که اتباع بومی اقلیتی از جمعیت این شیخ نشینها را تشکیل می دهند.

تلاشهای رئیس جمهور شیخ زاید برای تحکیم کنترل مرکزی و توزیع بار بودجه فدراسیون به طور متساوی به علت گرایش دیگر شیخها به سوی استقلال در عمل و همچنین به علت ناهماهنگی در اعمال قدرت توسط خود شیخ زاید بی نتیجه می ماند. دگرگونی عظیم و ناگهانی در ایران مولد فشار در جهت اصلاح حکومت فدرال می باشد. در حالی که ظاهرا خطر جدی ای امنیت داخلی امارات متحده عربی را تهدید نمی کند، اما این مناطق برای روبرویی با خطرات جدی که محتملاً توسط آشوب در ایران و دیگر نیروهای تجزیه و آشوب طلب (Disruptive force)در منطقه ایجاد خواهد گردید، آمادگی کامل ندارد.

فدراسیون (اتحادیه)

شیخ نشینهای امارات متحده عربی در گذشته تروشال استیتز (Trucial States) خوانده می شدند که عبارت بود از: ابوظبی، دوبی، عجمان، فجیره، رأس الخیمه، شارجه و ام القیوین. ابوظبی و دوبی

تولیدکنندگان ثروتمند نفت بوده و بقیه نسبتا فقیر می باشند. شیخ زاید از ابوظبی از ابتدای تشکیل حکومت مرکزی رئیس جمهور آن بوده است. شیخ راشدالمکتوم از دوبی نایب وی می باشد. زاید به همراه «شورای عالی حکام» (هیئتی متشکل از هفت شیخ) که به عنوان عالی ترین مقام قانونگذاری و اجرائی عمل می کند، حکم می راند. وضع قوانین در شورای عالی مستلزم رأی یک اکثریت نسبی می باشد، اما این اکثریت می بایست شامل ابوظبی و دوبی باشد. یک «مجلس ملی فدرال» شورایی متشکل از ۴۰ عضو که توسط حکام هفت امیرنشین تعیین می گردد در مورد وضع قوانین مورد مشورت قرار می گیرد.

نهادهای رسمی حکومت مرکزی ضعیف می باشند. همه حکام از قدرت معتنابهی در شیخ نشینهای خود برخوردارند و زاید و راشد پرنفوذترین ایشان در حکومت فدرال هستند. سیاست در امیرنشینها تحت سلطه یک طبقه برگزیده به نمایندگی از سوی خاندانهای حاکم و همدستان ایشان می باشد. شخصیتهای برجسته صنف تجار و رؤسای قبایل نیز به عنوان شرکای پایین رتبه مطرح بوده و عمدتا نقش مشاور و همکار را بر عهده دارند.

حکومت مطابق سنتهای اسلامی و قبیله ای اداره می گردد. تصمیمات مملکتی نشانگر توافق خاندانی و قبیله ای و عرف مذهب به نسبتهای مختلف می باشند. تکیه بر سنن و فقدان مخالفت فعال با حکومت شیخ ها این شبه را ایجاد نموده است که نظام به خوبی عمل کرده و مرکز قدرت برای همه به آسانی قابل دسترس می باشد. طبقات بالای جامعه قادرند مستقیما با حکام تماس بگیرند و اقشار پایین تر می توانند بر طبق سنن قبیله ای در یک مجلس یا دادگاه آزاد عرض حال خود را به حاکم برسانند. اما اعتقاد بر این است که طبقه متوسط که کمتر از سنن پیروی می کند این گونه اظهار تظلم را کسرشان خود می داند و بنابراین دادخواهی ندارد.

مشکلات ناشی از تقسیم قدرت

اساسی ترین خطر داخلی که امارات را تهدید می نماید، رقابتهای کهن سلطنتی در میان شیخ نشینهاست. شیخها هنوز نمی توانند بپذیرند که قدرت و امتیازات در اختیار گروهی قرار داشته باشد که استقلال سنتی اشان را تهدید نموده و احتمالاً منافع شخصی آنان را تأمین ننماید. اختلافات فراوانی در ارتباط با مسائلی چون محل پایتخت حکومت فدرال، توزیع پستهای هیئت دولت، نمایندگی شیخ نشینهای فقیرتر، بودجه فدرال و مرزهای نامشخص، وجود دارد. اختلاف میان زاید که طرفدار اصلی فدراسیون و یک حکومت مرکزی مقتدر می باشد، و راشد که حامی اصلی حقوق شیخهاست هسته مرکزی این مشاجرات را تشکیل می دهد. نزاع ایندو در ارتباط با چگونگی تقسیم قدرت و اعمال آن و کیفیت توزیع طرحهای توسعه در میان یکایک امیرنشینها بزرگترین خطری است که آینده فدراسیون را تهدید می کند.

فشارهای سیاسی داخلی برای غلبه بر این اختلافات پس از آشوب در ایران رو به افزایش می باشد، به خصوص بسیاری از اعضای مجلس ملی فدرال از این امر که رهبری به جای اشتغال به امنیت ملی،تحولات سیاسی و روند قانونگذاری، درگیر کشمکشهای داخلی است ناراضی هستند. یک روزنامه که به یکی از اعضای مجلس تعلق دارد، برخلاف سنت معمول در امارات نگرانی خود را از

این مسئله ابراز نموده و انتشار داده است. چندین تن از مقامات عالیرتبه نیز به طور خصوصی نارضایتی خود را از کیفیت و شیوه رهبری امارات ابراز نموده اند، هر چند به نظر نمی رسد که اختلاف عقیده در میان بوروکراتهای طبقه متوسط یا شهروندانی که (اتباعی که) از شم سیاسی کمتری برخوردارند نیز رسوخ یافته باشد. اکنون به نظر می رسد که خواسته ها و نگرانیها رو به افزایش است تا آنجا که ممکن است زاید راشد ناگزیر شوند که دیگر چون گذشته اختلافات خود را مخفی ننمایند.

(S-NF)

امارات متحده عربی: رهبران حکومت

نام مقام سوابق

زاید بن سلطان آل نهیان (ابوظبی) رئیس جمهور امیر ابوظبی

راشد بن سعید المکتوم (دوبی) معاون رئیس جمهور حاکم دوبی

مکتوم بن راشد بن سعید المکتوم نخست وزیر فرزند ارشد حاکم دوبی

حمدان ابن محمد آل نهیان (ابوظبی) معاون نخست وزیرپسرعموی حاکم ابوظبی

سیدالرقبانی وزیر کشاورزی و ماهیگیری

محمد سیدالمعلا وزیر ارتباطات

محمد بن رشید بن سعید المکتوم (دوبی) وزیر دفاع فرزند حاکم دوبی

سلطان بن احمدالمعلا (ام القیوین) وزیر اقتصاد و بازرگانی فرزند حاکم ام القیوین

احمد خلیفه السویدی وزیر امور خارجه

خلفان الرومی وزیر بهداری

احمد بن حمید آل نهیان (ابوظبی) وزیر فرهنگ و اطلاعاتپسرعموی حاکم ابوظبی

مبارك بن محمد آل نهیان (ابوظبی) وزیر کشورپسرعموی حاکم ابوظبی

محمدعبدالرحمن البکر وزیر دادگستری، امور اسلامی

و موقوفات مذهبی

عبداللّه اعضروی وزیر کار و امور اجتماعی

مانی ابن سعید العتیبه وزیر نفت و منابع معدنی

سید احمد القباش وزیر برنامه ریزی

محمد خلیفه ال کنیدی وزیر امور عامه و مسکن

احمد بن سلطان القاسمی (شارجه) وزیر کشورپسرعموی حکمران شارجه

سید العیص وزیر مشاور در امور کابینه

راشد عبداله علی النویمی (عجمان) وزیر مشاور در امور خارجی

محمود بن علی وزیر مشاور در امور داخلی

عبدالعزیز بن حمید القاسمی (رأس الخیمه) وزیر مشاور در امور شورای عالیبرادرزاده حاکم

رأس الخیمه

رشد کنترل نشده

فقدان اهداف ملی هماهنگ و رهبری واحد اشتباهات بسیار و ضایعات فراوانی در ارتباط با هدایت و نیل به تجددگرایی در امارات متحده عربی به بار آورده است. پیش از آغاز استخراج نفت در سال ۱۹۶۲ این منطقه از فقیرترین نقاط جهان بود و اقتصاد آن بر کشاورزی بخورونمیر ماهیگیری و روابط بازرگانی دوبی (به صورت قانونی و غیرقانونی) با کشورهای همسایه متکی بود. افزایش در تولید استخراج نفت و بالا رفتن بهای آن طی سالهای ۷۴ ۱۹۷۳ درآمدهای حاصله از نفت را از یک میلیارد دلار در سال ۱۹۷۳ به حدود ۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷ ارتقاء داد. طی سالهای ۷۸ ۱۹۷۴ این افزایش ناگهانی درآمد میزان سالانه رشدی معادل بطور متوسط ۲۰ درصد در تولیدات ملی غیرنفتی را تأمین می نمود. با در نظر گرفتن جمعیت کمی معادل ۸۶۰ هزار نفر، رونق اقتصادی حاصله از نفت این تولیدکننده وابسته به اوپک را به یک از ثروتمندترین کشورهای جهان تبدیل نمود به طوری که درآمد سرانه به بیش از ۱۵ هزار دلار بالغ گردید.

رونق اقتصادی حاصله از نفت بی هدف و خارج از کنترل بوده است. فدراسیون کوشیده است که در آن واحد شبکه های ارتباطی و حمل نقل را گسترش داده، کشور را صنعتی کرده و مردم را در ارتباط با خدمات اجتماعی تأمین نماید. فقدان برنامه منظم و همکاری سیاسی، به اسراف، تکثیر لوازم و یک بحران بانکی کوتاه مدت منجر گردید.

در نتیجه کمبود نیروی کارگری و خدمات پشتیبانی نامناسب، مشکلات جدی ای در ارتباط با تدارکات و به خصوص در بخش (اقتصادی) ساختمان ایجاد گردید. تورم در سال ۱۹۷۶ به ۳۱ درصد رسید و در سال ۱۹۷۷ به ۳۱ درصد رسید و در سال ۱۹۷۷ هنوز به ۲۲ درصد بالغ می شد.

قسمتی از عدم نتیجه مطلوب که در روند توسعه به چشم می خورد ممکن است معلول رقابت میان

امیرنشین ها بوده و با طرحهایی که تنها به منظور کسب شهرت پیشنهاد می شوند ارتباط داشته باشد. چهار فرودگاه بین المللی که فاصله میان هر یک برابر با چهار ساعت رانندگی است ساخته شده اند و ساختمان سه فرودگاه دیگر نیز جزء برنامه است. دوبی در حال اتمام ساختمان بزرگترین اسکله جهان یک بندر با گنجایش ۷۴ کشتی برای تأمین خدمات یک شهر جدید صنعتی، و بزرگترین کوره (gas-fired)گازسوز آلومینیم در دنیا می باشد. این تجهیزات با بنادری که هم اکنون در ابوظبی و دوبی وجود دارند و بندر جدیدی در شارجه و ساختمانهای مشابهی در بحرین به رقابت خواهند پرداخت.

در حالی که پروژه های عمده رو به اتمام می باشند. توسعه دیوانه وار سالهای نخستین تعدیل می گردد. رشد ناخالص ملی غیر نفتی در مقایسه با حدود ۴۰ درصد افزایش در سال ۱۹۷۴ طی سالهای ۱۹۷۷ تنها قریب ۱۱ درصد رشد یافته است. به علاوه دولت مرکزی با برنامه ریزی منسجم فاصله زیادی دارد و هر یک از امیرنشینها همچنان مسئول امور مالی و نفتی خود می باشد.

ابوظبی با ذخیره نفتی کافی برای تأمین میزان فعلی استخراج یعنی ۵/۱ میلیون بشکه در روز طی شصت سال آینده درآمد کافی برای استمرار برنامه توسعه (اقتصادی) خود را دارا می باشد. در عین حال اکتشاف (منابع نفتی) بیش از پیش، استفاده از ذخایر گاز، و اقداماتی در جهت حفظ ذخایر نفتی نظیر تعیین سقف تولید به منظور تأمین ثروت نسلهای آینده مورد تأکید قرار دارد.

دوبی که منابع نفتی آن طی ده سال آتیه تهی خواهد شد، پایه های رشد اقتصادی خود را توسط اقداماتی نظیر ایجاد جاده هایی به منظور پی ریزی صنعت و توسعه فعالیتهای بازرگانی سنتی، تحکیم می بخشد.

دیگر امیرنشینها به طور فعال در جستجوی نفت و گاز می باشند، اما به احتمال قوی ناگزیر خواهند بود که توسعه (اقتصادی) خود را در مقیاس کوچک به وسیله ثروت نفتی ابوظبی تأمین نمایند.

ارتش و وحدت

اکثر امیرنشینها حامی متجدد نمودن (مدرنیزاسیون) ارتش بوده اند و این امر در ابوظبی از اولویت زیادی برخوردار بوده است. هزینه دفاع از کمتر از ۶۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۳ به بیش از ۶۸۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ افزایش یافته و این شتاب در دیگر کشورهای عربی بی سابقه می باشد. این افزایش هزینه نتیجه خرید یک سیستم پدافند هوایی،

گلوله های ضدتانک، هواپیمای جنگی و ناو که عمدتا از اروپای غربی خریداری شده می باشد.

بسیاری از این تجهیزات هنوز در مرحله سفارش بوده و وسایل تحویل گرفته شده طی سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷ تنها به ۲۸۰ میلیون دلار بالغ گردیده است. (S-NF-NC)

در سال ۱۹۷۶ نیروهای منفرد امیرنشینها به طور رسمی ادغام گردیده و تحت فرماندهی مرکزی واحد با نیرویی معادل ۲۴۷۰۰ نفر قرار گرفت. در عمل تمام واحدها مشترکا در عملیات و آموزشها شرکت نمی کنند. خاتمه پذیرفتن نقش ایران به عنوان ژاندارم خلیج، فشار بیشتری بر شیخها وارد می آورد تا فعالیت نظامی خود را برای رویارویی با خطراتی که امنیت ملی و منطقه ای را تهدید می کند، هماهنگ نمایند. نیروی پلیس ملی که توسط انگلیسیها و اردنی ها تربیت می شود، معمولاً از نیروهای مسلح منسجم تر بوده و ظاهرا از کارایی لازم جهت سرکوب ناسیونالیستهای افراطی و مخالفین

خارجی (در داخل کشور) برخوردار می باشد. نیروهای مسلح را عمدتا اتباع عمان (Sultanate) سلطان نشین عرب واقع در جنوب امارات تشکیل می دهند. ظاهرا خطر فوری ای از جانب عمانی ها (امارات را) تهدید نمی نماید، اما بعید نیست که آنان در آتیه تحت تأثیر تلاشهای مخرب قرار گیرند. امارات متحده عربی در پی آن است که اتباع خود را جایگزین اکثر افسران عمانی نماید. (S-NF)

تنظیمات مالی

ابوظبی در ارتباط با امور مالی امارات مترادف فدراسیون می باشد. اما از آنجا که مشکل بتوان معاملات مالی را از معاملاتی که وی به نام دولت انجام می دهد، متمایز نمود، وجه اختلاف میان بیت المال و اموال خصوصی به سختی قابل تشخیص می باشد. هر چند زاید کوشیده است تا حکام دیگر امیرنشینها را وادار نماید که بودجه دولت مرکزی را از نظر مالی تأمین نمایند، ابوظبی هنوز قریب ۹۰ درصد هزینه های امارات متحده عربی را تأمین می کند. علیرغم هزینه های قابل توجه برای تأمین توسعه و وارد نمودن تجملات و اجناس لوکس خارجی درآمدهای نفتی ابوظبی آنقدر بوده است که زاید قادر باشد سرمایه های خارجی عظیمی انباشته و کمکهای خارجی را به طور دلخواه انجام دهد. در آخر سال ۱۹۷۸، دارایی امارات متحده عربی شامل ذخایر بین المللی مجموعا به قریب ۱۵ میلیارد

دلار بالغ گردید، اگر امارات مبلغ ۶/۲ میلیارد دلار طی سالهای ۷۷ ۱۹۷۴ به کشورهای کمتر رشد یافته به عنوان کمک در جهت توسعه رسمی اعطاء نکرده بود، این مبلغ حتی بیش از مقدار فعلی آن بود. بخش غیر ذخیره ای دارایی رسمی خارجی (قریب ۶ میلیارد دلار) عمدتا صرف خرید املاک و بیمه شرکتها در ایالات متحده آمریکا و اروپای غربی می گردد. اداره پورت فولیو الگویی را تقلید می نماید که توسط ابوسود یک فرد فلیسطینی که به عنوان پدر مشی سرمایه داری کویت شهرت یافته است بنیان نهاده است. پرداخت کمک به طور نامناسب تری انجام پذیرفته و تعداد بی شماری وام و امتیاز توسط افراد و سازمانهای خصوصی و دولتی متعدد اعطاء گردیده اند. زاید از نظر سخاوت شهرتی کسب کرده است. حدود نیمی از این کمکها به کشورهای جبهه پایداری(confrontation states) تعلق گرفته و دیگر کشورهای عربی، کشورهای اسلامی دوست و ممالک ضد اسرائیلی در آفریقای سیاه نیز کمک دریافت نموده اند. (S-NF)

بر خلاف سخاوت دولتی و شخصی زاید، رهبر دوبی، یعنی راشد، علیرغم درآمد نفتی قابل توجهش به خست شهرت یافته است، او برای تأمین طرحهای گزاف توسعه (اقتصادی) در دوبی از وامهای خارجی بهره جسته است.در حقیقت احتمالا بهره وامهای دوبی به زودی به ۳۵ درصد خواهد رسید (در مقابل ۵/۲ درصد برای کل امارات) و این امر راشد را وادار خواهد نمود که ذخایر ارزی خارجی رسمی امیرنشین خود را تهی نموده طرحها(ی توسعه) را بتعویق انداخته و از ابوظبی طلب نجات نماید.(S)

بومیان و خارجیها

هر چند اکنون اکثر اتباع امارات قادرند موقعیت خود را بهبود بخشیده و از خدمات اجتماعی گوناگونی بهره جویند با این همه ثروت هنوز به طرز نابرابری تقسیم گردیده است. هنوز حدود ۲۵

درصد از نیروی کارگری بومی به کشاورزی و ماهیگیری اشتغال دارند، و کسانی که روشهای سنتی را در کشاورزی به کار می گیرند احتمالاً از درآمدی معادل فقط ۱۰۰ دلار در سال برخوردار می باشند. درآمد بسیاری از شهرنشینان در امیرنشینهای فقیرتر کمی بیش از این مقدار است. شهروندان اغلب به علت فقدان مهارت برای کسب اشتغالات پر درآمدتر به دلسردی و نارضایتی مبتلا می شوند. به هر ترتیب، خصوصیات سنتی جامعه ترکیب نسبتا هماهنگ مذهبی (۹۰ درصد سنی، ۱۰ درصد شیعی) و امنیت پلیسی تاکنون امارات متحده عربی را از افراط گراییهای جدی مصون داشته است.

اما بومیان کمتر از ۳۰ درصد جمعیت امارات را تشکیل می دهند. خارجیان عمدتا پاکستانیها، هندیان، عمانی ها، یمنی ها و فلسطینیان که به علت رونق اقتصادی ناشی از نفت (به داخل امارات) جذب گشته اند، اکثریت نیروی کارگری را تأمین می نمایند. این امر به ویژه در ابوظبی و دوبی که خارجیها ۹۰ درصد کارگران شهرها را تشکیل می دهند، چشمگیر است. این هجوم بیگانگان طبیعتا نگرانی قابل توجهی در میان رهبران امارات در ارتباط با حفظ ارزشها و نهادهای محلی به وجود آورده است. دولت تلاش می کند که به منظور بهبود مهارتها در میان نیروی کارگری داخلی شرایط تحصیل و آموزش های حرفه ای را برای ایشان فراهم نماید. همچنین امارات قوانینی در ارتباط با کارگری وضع نموده است تا تعداد کارگران خارج از کنترل دولت و بیگانگانی که به طور غیرقانونی در

این کشور می باشند را محدود نماید. این مقررات استخدام کارگران خارجی را به مدت بیش از پنج سال ممنوع نموده و کسب رضایت دولت هنگام تغییر اشتغال را ضروری دانسته است. اعتصابات کارگران خارجی، اخراج فوری ایشان از امارات را به دنبال دارد. دولت همچنین محدودیتهای بیشتری برای اعطای ویزا قائل گردیده تا ورود کارگران به داخل کشور را بیش از پیش تحت کنترل قرار دهد. تاکنون جوامع متشکل از مهاجرین کشمکش و نارضایتی چندانی ایجاد ننموده اند. اکثر کارگران متخصص به حقوقهای گزاف خود قانع بوده اند. در محیط نسبتا آزاد اقتصادی غیر بومیان ثروتمند املاکی خریداری نموده اند حتی این گونه اشخاص و تجار مهاجر خود را با رژیم موجود مرتبط می دانند. خطر جدی که ثبات را تهدید می کند از جانب کارگران خارجی غیر متخصصی است که تحت قوانین کار با ایشان بد رفتاری می شود. کاهش دوساله در رشد اقتصادی به ویژه در زمینه ساختمان رقابت بر سر اشتغالات را تشدید نموده و خطر اخراج را افزایش داده است.

چشم انداز: تمرکز و یا نابودی

ثبات امارات متحده عربی تا حدود زیادی به قابلیت رهبری برای ایجاد یک حکومت مرکزی با کفایت تر بستگی دارد «مجلس فدرال ملی» و «شورای وزیران» لیستی شامل برخی اصلاحات حکومتی پیشنهادی را به رهبران امارات ارائه داده است. طرحی برای توسعه اقتصادی هماهنگ با کمک نمایندگان هر یک از امیرنشینها توسط وزارت برنامه ریزی در دست تهیه است.

به نظر می رسد که راشد در دوبی تحت فشار برای پذیرش تمرکز بیشتر قدرت بیش از پیش منزوی می شود. موقعیت وی در نتیجه سرنگونی حامی اش یعنی شاه ایران و قطع روابط بازرگانی با ایران تضعیف گردیده است. به هر ترتیب ما معتقدیم که راشد و چندین شیخ دیگر در برابر تمرکز یافتن حکومت، بازرسی امور مالی مربوط به ایشان و نظارت بر امنیت داخلی توسط حکومت مرکزی

مقاومت خواهند نمود. نارضایتیهای عمومی نسبت به ضعفهای نظام بایستی ادامه یابد تا حکومت فدرال را به سوی همبستگی و کسب کفایت بیشتر سوق داده و بر شهرت و قدرت زاید و دیگر عناصر پیشرو بیفزاید. در دراز مدت مجلس ملی فدرال از فرصت خوبی برای کسب نفوذ بیشتر برخوردار می باشد. (S-NF)

هر چند برنامه ریزی اقتصادی هماهنگ میان امیرنشینها برای حذف دوباره کاریها و اسراف ضروری به نظر می رسد. اما احتمالاً نسبت به همکاری سیاسی مستحکمتر از اولویت پایین تری برخوردار است. همکاری اقتصادی میان ابوظبی و دیگر امیرنشینها حداقل برای پاسخگویی به وامهای سنگین خارجی دوبی، چگونگی بهره برداری از ذخایر نفتی محدود و فراهم نمودن منابع درآمد غیر نفتی ضروری می باشد، هر چند سیاستهای ابوظبی برای حفظ ذخایر نفتی، مازاد حساب جاری امارات متحده عربی را کاهش خواهد داد (هم اکنون نیز این مبلغ بیش از ۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۴ به ۲ میلیارد دلار تقلیل یافته است). درآمدهای حاصله از نفت برای تأمین توسعه منظم اقتصادی و اجتماعی کاملاً کافی خواهد بود.

حتی اگر جمعیت خارجیان مقیم امارات را صرفا از نظر تعدادشان در نظر بگیریم، آنان به عنوان یک عامل بالقوه که ثبات و آرامش امارات را تهدید می کنند باقی خواهند بود. اما نا متجانس بودن

خارجیان، حقوقهای گزاف و حمایت امارات متحده عربی از قضایای مربوط به اعراب مانع اتحاد عمل ایشان می باشد. جمعیت فلسطینیها که به چهل تا هشتاد هزار نفر بالغ می گردد از نظر سیاسی منسجم ترین گروه خارجیان را تشکیل می دهد؛ اما حتی ایشان هم آشوبگر و سرکش نبوده اند.

کتاب شصت و ششم

اعتصاب در صنعت نفت ایران

مقدمه

استعمار آمریکا از ذخایر هنگفت نفت خود استفاده

نمی کند واز دیگری می خرد که برای مصالح کشورش

محفوظ باشد، ولی شاه این طلای سیاه رامی فروشد و

خزانه ایران و ملت را تهی می کند و درآمد آن را به جای

اینکه صرف این ملت پابرهنه و گرسنه نماید به اربابان

استعمارگرش وام می دهد و یا اسلحه های خانمانسوز و

مخرب می خرد تا از منافع و مطالع استعمارگران در ایران و

منطقه نگهبانی کند.

امام خمینی ۲۱/۱۲/۵۳

در جریان رشد نهضت اسلامی بر علیه نظام ستمشاهی حضرت امام رهبر آگاه و هوشمند نهضت، با صدور فرمان اعتصاب سراسری بر علیه رژیم یکی از اساسی ترین ضربه ها را بر پیکر فرسوده آن وارد کرده و مقدمات فروپاشی و اضمحلال کامل نظام را فراهم ساخت. پشتیبانیها و حمایتهای بعدی رهبری از اعتصابات و متعاقب آن اجابت بی دریغ ملت از فرامین امام را می توان در حقیقت نفی کامل رژیم از طرف گروندگان به انقلاب اسلامی به شمار آورد. با این حرکت رژیم در مرحله احتضار قرار گرفت و با قیام خونین ۲۲ بهمن آخرین نفسهای دستگاه شاهی گرفته شد و نظام شاهنشاهی در قعر تاریخ پر از ظلم و جور خویش مدفون گردید.

برای آنکه تحلیلی هر چند مختصر بر نحوه وارد آمدن این ضربه داشته باشیم، باید به ساختار اقتصادی رژیم شاه نظری افکنده و در این راستا چگونگی تأثیر ضربه را بررسی نماییم. اقتصاد

شاهنشاهی اقتصادی وابسته و نیروی محرکه آن بنا به ماهیتش، درآمدهای نفتی بود. تاریخچه ورود درآمد حاصل از نفت به درآمدهای عمومی و بودجه دولتی به سالهای کشف نفت در ایران و قرارداد دارسی برمی گردد، اما از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و در پی انعقاد قرارداد جدید با کنسرسیوم و همزمان با تدوین و پیاده شدن برنامه های عمرانی دوره ای، موقعیت درآمدهای نفتی در بودجه دولتی سال به سال مستحکمتر شد و همین امر ماهیت اقتصاد ایران را دگرگون کرده و آن را به جایی رسانید که «اقتصاد تک پایه ای» لقب گرفت. در کنار اهمیتی که نفت برای توسعه اقتصادی غرب داشته است و نقش آن در برنامه ریزیهای اقتصادی بلوک غرب رشد و تکامل این روند عمدتا به لحاظ داخلی به دلایل زیر صورت گرفت:

۱ لزوم افزایش قدرت خرید مردم برای تثبیت پایه های رژیم

۲ ناتوانی در پی ریزی یک اقتصاد مستقل مبتنی بر نیروی کار و منابع داخلی

۳ روی آوردن به نسخه های عمرانی آمریکایی مانند برنامه های چند ساله شاهی

نگاه به جدول زیر این روند را نشان می دهد:

عکس

جدول نشان می دهد که رژیم شاه تنها راه چاره برای افزایش بودجه دولتی را اتکا به درآمدهای نفتی می دانست و این اتکا روز بروز نیز بیشتر می شد. بدون تردید این افزایش درآمدها در پی صادرات فراوان نفت و کاهش سریع ذخایر نفتی به وجود می آمد. هر چند که بخشی کوچک از این درآمدها صرف ایجاد رفاه کاذبی در اقشار متوسط و افزایش اندکی در قدرت خرید اقشار کم درآمد می شد، اما قسمت اعظم درآمدها صرف خرید تسلیحات، افزایش، سرمایه طاغوتیان و بزرگ سرمایه داران داخلی و تأمین منافع شرکتهای چند ملیتی می گردید. در هر صورت با ورود این درآمدها به سیستم اقتصادی در طول دو دهه در ساختار اقتصادی مملکت تغییرات اساسی ایجاد شد و در نهایت به یک اقتصاد تک پایه ای و وابسته مبدل گردید و این در حالتی بود که از مشکل کسر بودجه نیز علیرغم درآمدهای نفتی هنگفت رنج می برد. بدیهی است رژیمی با این خصوصیات اقتصادی نمی تواند دارای پایه های قوی باشد، هر چند که در ظاهر بتوان صلابتی برای آن به نمایش گذاشت. از آنجا که جریان نفت شاهرگ حیاتی چنین اقتصادی را تشکیل می داد و از سوی دیگر زرق و برقهای عوام فریب این اقتصاد مهمترین عامل گزافه گوییهای شاه به شمار می رفت، در اثر به مخاطره افتادن جریان صدور نفت، حیات رژیم نیز به خطر می افتاد، با چنین درک هوشمندانه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمان اعتصابات سراسری را صادر نمودند و بدینسان از اواسط شهریور ماه سال ۱۳۵۷ موج گسترده

اعتصابات همه جا را فرا گرفت.«شاه و دولت او که قیام مسلحانه بر ضد ملت حق طلب و بر ضد قانون اساسی و بالاتر بر ضد احکام آزادیبخش اسلام نموده اند قهرا خائنند و اطاعت از آنان اطاعت از طاغوت است. به آنان مجال ندهید و با اعتصاب و اعتراض دنیا را از اعمال وحشیانه آنان آگاه کنید.»از پیام امام خمینی در پانزدهم شهریور ماه ۱۳۵۷در مورد تداوم نهضت

پس از فاجعه عظیم ۱۷ شهریور و آشکارتر شدن ماهیت پلید رژیم، اعتصابات حدت و حرارت بیشتری یافت و در ۱۹ شهریور کارکنان و کارگران پالایشگاه نفت تهران اولین اعتصاب در صنعت

نفت را به راه انداختند و از آن پس به سرعت این اعتصاب به دیگر قسمتهای صنعت نفت نیز گسترش یافت و این امر تا حد توقف کامل صادرات نفت پیش رفت.

در کنار سایر عواملی که رژیم شاه را روز به روز تحت فشار خرد کننده قرار داده بود، جریان اعتصاب هم ضربه کاری دیگری بود که سقوط رژیم را تسریع نموده و به دنبال آن موجب ایجاد نگرانیهای جدی برای حامیان آمریکایی رژیم شاه گردید. گذشته از اثرات این حرکت در بی ثبات کردن رژیم شاه، اثرات جهانی قطع صادرات نفت ایران نیز نوید بحران گسترده ای به سردمداران شیطان بزرگ می داد. در پی این نگرانیها وزارت خارجه آمریکا از جاسوسخانه آمریکا در تهران خواست که در مورد اعتصاب صنعت نفت گزارشهایی تهیه کند تا بدین وسیله اطلاعات بیشتری در مورد این مسئله به مقامات آمریکایی برسد. اسنادی که در این کتاب آمده است، مجموعه ای از این گزارشها است که از پرونده های مختلف جمع آوری شده و به چاپ آنها اقدام می شود. گذشته از ارزش تاریخی این مجموعه اسناد، که اطلاعات فراوان و مدونی را در اختیار خواننده قرار می دهد، نکته قابل توجه مشاهده نگرانی بسیار عمیق آمریکاییها و وحشت فراوان آنها از اعتصاب است.

بدون تردید این نگرانی ناشی از تهدید جدی است که متوجه منافع اقتصادی و سیاسی آنان بوده است و اهمیت بسیار فراوانی که آنها برای دوام صدور نفت قائل بودند. از آنجا که این اسناد از نوع گزارش خبری هستند به چگونگی این اهمیت و تحلیل آن نمی پردازند و در این مقدمه نیز قصد آن نیست که این مبحث باز شود. اما در نگاهی بسیار سریع می توان نکات زیر را به عنوان عوامل اصلی نگرانی برشمرد:

رژیم شاه اولین تأمین کننده نفت اسرائیل بود.

طاغوت ایران را به صورت مهمترین حافظ منافع آمریکا در منطقه (ژاندارم خلیج فارس) درآورده

بود.

ایران مهمترین بازار سلاح و دیگر کالاهای آمریکایی در منطقه بود.

ایران مستحکمترین و طولانی ترین سد برای جلوگیری از دسترسی روسها به آبهای گرم خلیج فارس و مهمترین حلقه پیمان نظامی سنتو به شمار می رفت.

علاوه بر موارد فوق اثرات حرکت بر اقتصاد غرب دلایل کافی برای نگرانی زایدالوصف آمریکاییان را موجب می شد و این شرایط، سفارت آمریکا در تهران را به صورت یک ستاد خبری در ارتباط با گزارش اخبار اعتصاب در آورده بود، به صورتی که در برخی روزها بیش از یک تلکس در ارتباط با این موضوع به وزارت خارجه مخابره می شد. از مطالعه اسناد بر می آید که عوامل سفارت در این ماجرا صرفا نقش گزارشگر و جمع کننده خبر را بر عهده ندارند و تماسهای آنان با آن دسته از عوامل دستگاه طاغوت که نقش درجه اول را در اداره امور نفتی و مقابله با اعتصاب به عهده دارند، همفکری حاکمیت آمریکا را برای سرکوب و شکستن اعتصاب نشان می دهد. در این مورد حداقل دو دلیل عمده به چشم می خورد:

۱ مقامات سفارت به کرات نارضایتی خود را از نحوه برخورد دولت وقت با اعتصابیون ابراز می دارند و به نظر آنها سیاست برخورد کجدار و مریض دولت مساله اعتصاب را حل نمی کند. در اولین مرحله اعتصابات نگرانی آنها از موافقت دولت با اکثر درخواستهای اعتصابیون است که به گمان آنها

موضع دولت را بسیار تضعیف می نماید. در مراحل بعد آنها معتقدند که دولت باید سیاست یکنواخت و قاطعی برای سرکوب جدی اعتصاب داشته باشد و از نوسانات شدید در خط مشی برخورد شاکی هستند.

۲ نقش شتاب دهنده اعتصاب در حرکت انقلاب اسلامی و آگاهی عمیق اعتصابیون و امت مسلمان از این اقتدار و توان ارزشمند انقلاب و نمود این موضوع در افکار عمومی و روزنامه ها باعث ناراحتی سفارت می شود. سولیوان به مناسبتی این موضوع را به انصاری (مرد شماره یک شرکت ملی نفت ایران) متذکر می شود و می گوید که شرکت نفت می باید به گفته وی اخبار صحیح و واقعی را توسط کارمندان روابط عمومی خویش به مطبوعات بدهد، تا از تغذیه روزنامه ها با اطلاعات دروغ اعتصابیون تندرو (به زعم انصاری) جلوگیری کند و قول این کار را از وی می گیرد.

به هر صورت علیرغم این تمهیدات و تلاشهای آمریکایی طاغوتی حرکت نیرومند و سترگ اعتصاب، کوبنده و درهم شکننده ادامه یافت وقتی سرکوبهای وحشیانه رژیم و قتل و زندانی نمودن و شکنجه اعتصابیون باعث کندی این حرکت می شد، سیل حمایتهای گسترده امت و امام، تهدیدات پوشالی دولت طاغوت را خنثی کرده و اعتصاب با سرعت بیشتری به راه خود ادامه داد. در نیمه اول آذر یعنی دو ماه پس از شروع اعتصاب است که آمریکاییان همه چیز را متوجه شده و از طریق منابع خویش به ریشه واقعی اعتصاب پی بردند:

«کلیه منابع ما گزارش می کنند که از سرگیری فعالیت اعتصابی در بخش نفت منحصرا به دعوت خمینی نسبت داشته و حتی یک نمونه مشهود از منطق اقتصادی در آن وجود ندارد.»

در هر صورت، تفنگ و پول و فریب آمریکاییها و عوامل طاغوتی آنها در مقابله با این حرکت اصیل مکتبی راه به جایی نبرد. اعتصاب نفت به مثابه یکی از قویترین اهرمهای انقلاب اسلامی بر فشار

خردکننده و روز افزون خود بر گلوی طاغوت ادامه داد و راه تنفس رژیم را روزبه روز تنگ تر کرد.

پیکر نیمه جان طاغوت با حرکت دلاورانه فرزندان دلاور اسلام در ۲۲ بهمن ۵۷ به ذلت مرگ افتاد و

نهال مقدس انقلاب اسلامی به بار نشست. بدون تردید خون سرخ و مطهر نفتگران قهرمانی که در

جریان اعتصاب به پای این نهال ریخته شد، دین سنگینی را به عنوان میراث برای همه امت اسلام به

خصوص هم سنگران آن شهدای گرانقدر در صنعت نفت برای ادامه راهشان باقی می گذارند.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

بهار ۱۳۶۷

اعتصاب در بخش صنعت نفت ایران (حاوی ۴۷ سند)

سند شماره (۱)

طبقه بندی: خیلی محرمانه

تاریخ: ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۸ ۵ مهر ۱۳۵۷شماره : ۲۴۶۳۷۶

از: وزارت خارجه واشنگتنبه : سفارت آمریکا ایران

موضوع: اغتشاشات در بخش نفت

۱ خلاصه وزارتخانه در خلال سه روز گذشته گزارشاتی از شرکتهای مختلف آمریکایی (و

ژاپنی) در رابطه با این مسائل دریافت نموده است:

الف انفجار خط لوله IGAT در ۲۱ سپتامبر.

ب اعتصاب عمومی گزارش شده از جانب کارگران روزمزد در تأسیسات تولیدی و بارگیری مهم.

ج برکناری محتمل الوقوع هوشنگ انصاری مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران.

نظرات و عکس العملهای سفارت در مورد این گزارشات موجب قدردانی خواهد بود. (پایان خلاصه).

۲ انفجار خط لوله ایگات. براساس گفته مقامات شرکتهای ژاپنی و آمریکایی، انفجار گزارش شده در تاریخ سه شنبه ۲۱ سپتامبر در نقطه ای در مسیر خط لوله واقع در حدود ۱۷ مایلی قم اتفاق افتاد. بنا به گزارش انفجار یک بخش ۵۰۰ پایی خط لوله قطور را نابود کرد. هیچ نوع صدمات جانی گزارش نشده است. یک گزارش مطبوعاتی به نقل از سخنگوی شرکت ملی گاز ایران که نام او فاش نشد، تروریستها را مسئول این واقعه قلمداد کرد.

۳ اعتصاب کارگران روزمزد. براساس گفته مدیر یکی از شرکتهای آمریکایی که متعلق به کنسرسیوم می باشد، روز دوشنبه ۲۵ سپتامبر کارگران روزمزد تمام تأسیسات تولیدی خوزستان و همچنین پایانه بارگیری خارک دست از کار کشیدند. براساس گفته نماینده شرکت در تهران اعتصاب با حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد کارگران روزمزد شروع شد. روز بعد به سطح ۱۰۰ درصد بالغ شد. نمایندگان وزارت کار، سندیکاها، کارگران روزمزد، اسکو و شرکت ملی نفت ایران در ۲۶ سپتامبر برای رسیدگی به وضعیت، جلسه ای تشکیل دادند. سخنگوی کارگران روزمزد لیستی مشتمل بر ۴۸ تقاضای غیر رسمی به مقامات شرکت ارائه داد که در رأس آن تقاضای ۵۰ درصد افزایش دستمزد قرار گرفته بود، تا آنجایی که ما اطلاع داریم شکایات عنوان شده منحصرا شامل تقاضاهای اقتصادی هستند و

ظاهرا هیچ گونه مسئله سیاسی وجود ندارد.

۴ تاکنون تأثیر این امر بر عملیات به میزان حداقل بوده است. تولید به لحاظ بسته شدن دو منطقه کوچکتر ۱۹۰/۰۰۰ بشکه در روز کاهش یافته است. بر طبق اظهار منبع شرکت فقط در ترمینال جزیره خارک مشکل ایجاد می شود، چون در آنجا خدمت کارگران روزمزد هنگام بارگیری تانکرها مورد نیاز است. اسکو تلاش می کند برای ایجاد تخفیف در مشکل دو یدک کش قراردادی را بکار گیرد. بنا به گزارش نیروی دریایی ایران برای کمک به انجام عملیات در جزیره خارک پرسنلی را در اختیار اسکو و شرکت ملی نفت ایران قرار داده است. یک منبع شرکت اظهار نمود که چنانچه اعتصاب بیش از ۳ روز طول بکشد، مشکلات بسیار حادتر خواهند شد.

۵ هوشنگ انصاری. یک بانکدار آمریکایی که در مذاکرات با هیئت نمایندگی دولت ایران در جلسات بانک جهانی شرکت جسته بود، اظهار نظر قطعی نمود که برکناری انصاری قریب الوقوع است. بر طبق اظهارات این مقام انصاری متهم به فساد و ارتباطات با بهاییها می باشد. (شایع است که پدر انصاری بهایی بود.) مقام شرکت نفتی مذکور در پاراگرافهای ۳ و ۴ بالا، اشاره نموده است که وی نیز همان شایعات را در مورد انصاری شنیده است. منبع دوم بر این تصور بود که این امر دلیل روند اخیر

در شرکت ملی نفت ایران بوده و احتمالاً دلیل اینکه چرا در اعتصابات مسائل از کنترل خارج شدند را تشریح می نمایید.

۶ ما این گزارشات را برای توضیح و اظهار نظر احتمالی شما ارائه می کنیم. همان طور که شما هم می توانید تصور کنید، برداشتهای افراد از اوضاع ایران در اطاق کنفرانس و جلسات با این نوع اطلاعات شکل می گیرند و هر اطلاعی از جانب شما که بتواند موضوع را روشن سازد، مورد تقدیر می باشد.کریستوفر

سند شماره (۲)

تاریخ : ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۸ ۶ مهر ۱۳۵۷شماره: ۹۴۲۸

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

مرجع : وزارت خارجه ۲۴۶۳۷۶طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: تحولات اخیر در مناطق نفتی

۱ در ۲۳ سپتامبر مطبوعات محلی گزارشات ضد و نقیضی از یک انفجار در تاریخ ۲۱ سپتامبر نقل کردند که بخشی از خط لوله ۴۲ اینچی (ایگات ۱) را که حدود یک میلیارد فوت مکعب استاندارد در روز گاز طبیعی را به اتحاد شوروی حمل می نماید، منهدم نمود. این گسیختگی در نزدیکی ساوه واقع در شمال قم روی داد.

۲ انفجار یک بخش ۷ متری لوله را در بر می گرفت و با این همه در جریان تعمیراتی که در مدت ۴۸ ساعت انجام گرفت بیش از ۷۰ متر از لوله تعویض شد. منابع ما در شرکت ملی گاز ایران اظهار می دارند که انفجار از خوردگی و تنش لوله ناشی شده است. به هر صورت به لحاظ مشکلات زیاد و غیرعادی که ما در اخذ اطلاعات در خصوص انفجار داشته ایم و همچنین به لحاظ میزان زیاد فعالیت

در شرکت ملی گاز ایران در خلال هفته گذشته (منجمله جلسه عجولانه ای بین نخست وزیر و مقامات شرکت ملی گاز ایران)، احتمال دخالت تروریستها را مردود نمی شماریم.

۳ شایعات اخیر در خصوص عزیمت قریب الوقوع هوشنگ انصاری (که در تهران ۸۷۲۱ و تهران ۸۹۲۱ راجع به آن اظهار نظر شد) به میزان زیادی کاهش پیدا نموده است. ما شنیده ایم که انصاری یکی از افرادی است که مخالفین تحت این عنوان که بایستی برود از او یاد کرده اند (اینکه این امر به خاطر ارتباطات بهائی گری یا فساد و یا هر دو آنها است روشن نیست، هر چند هر دو مدعا باعث پخش شدن شایعه شده اند). به هر صورت این شایعات به طور وسیعی در تهران منتشر شده اند و اصلاً روشن نیست که آیا انصاری واقعا بدانها متهم می باشد یا خیر. ما همچنان به عدم باور وجود ارتباطات بهاییگری وی گرایش داریم و تاکنون هیچ گونه اتهام رسمی و علنی در زمینه فساد به او منتسب نگردیده است. البته او و شرکت ملی نفت می توانند در جریان مبارزه ضد فساد درگیر شوند، لیکن این تحول قابل پیش بینی نیست.

۴ روندی که در تلگراف مرجع در مورد آن اظهار نظر شده در شرکت ملی نفت ایران، خیلی قبل از زمان پخش شایعات درباره خلع ید احتمالی از انصاری آشکار بوده است. ما معتقدیم که این روند عمدتا انعکاسی از الف عزیمت دو تن از بهترین و با تجربه ترین مدیران شرکت ملی نفت ایران در

فوریه (نابق و مینا)، ب عدم تجربه عملی انصاری و مهران در زمینه صنعت نفت، ج مشکل تحرک سازمانی به بزرگی و رخوت شرکت ملی نفت ایران، می باشد. نگرانی در خصوص حفاظت از خود در مقابل امکان یک تحقیق رسمی در حال حاضر افزایش بیشتری یافته است و همان طور که ما در تلگرام تهران ۸۹۷۱ متذکر شده ایم، احتمالاً انصاری این نگرانی را دارا می باشد. بایستی خاطرنشان گردد که تعداد زیادی از مقامات عالیرتبه و نیز در سطح متوسط شرکت ملی نفت (و خیلی دیگر از نهادهای دولتی) وجود دارند که تمایلی به تحقیقات وسیع نداشته و میل دارند که جریانات به خودی خود بگذرند.

۵ گزارشات در خصوص تأثیر اعتصابات بر عملیات شرکت ملی نفت ایران و اسکو، منجمله تولید و عملیات ترمینال صادراتی جزیره خارک، که در محافل صنعتی تهران (و نیز با توجه به تلگرام مرجع در آمریکا) منتشر شده اند، تأثیرات فعلی و کوتاه مدت را به صورت اغراق آمیزی جلوه داده و تا همین دیروز نیز در مورد وسعت اعتصاب و دست از کارکشیدن گزافه گویی نموده بودند. اعتصابات روز ۲۳ سپتامبر توسط تعداد کمی از کارگران روزمزد در اهواز شروع گردید و تدریجا گسترش پیدا کرد و تا دیروز تقریبا ۹۰ ٪ کارگران روزمزد در اهواز، آغاجاری، و گچساران در اعتصاب شرکت جستند، لیستی مشتمل بر ۲۰ تقاضا منجمله حقوق و مزایا به مدیریت اسکو ارائه شد، و در هر حال اسکو نقشی نسبتا خنثی در مذاکرات متعاقب آن ایفا نمود و مذاکره کنندگان اصلی، وزارت کار، شرکت نفت، سندیکاها و نمایندگان غیر رسمی کارگران روزمزد بوده اند. تمامی آنچه که ما شنیده ایم بر این دلالت دارند که اعتصاب منحصرا انگیزه اقتصادی داشته و هیچ گونه صحبت سیاسی مطرح نبوده است.

۶ چندین جلسه مذاکره برگزار شده است، لیکن هیچ گونه نشانه ای از پیشرفت وجود ندارد. بنا به

گزارش، وزارت کار و شرکت ملی نفت ایران این موضوع را پذیرفته اند که فقط پس از آنکه اعتصاب غیر قانونی خاتمه پذیرد، هر چیزی قابل مذاکره است. ما اطلاع یافته ایم که مذاکره کنندگان دیروز تهدید مبهمی را علیه آن افرادی که از کارگران روزمزد که تا ساعت ۲ بعد از ظهر همان روز (۲۷ سپتامبر) به سرکارهای مهم خویش بازنگردند، اقامه نموده اند. بنابه گزارش، عده معدودی دیروز و امروز صبح دیر به سرکارهایشان آمدند، ولی تطابق تقاضا با از سرگیری کار در بهترین حالت نامرتب بوده است.

۷ پیش بینی نتیجه احتمالی غیر ممکن است، ولی اعتصاب شرکت نفت و شاه را بسیار مضطرب ساخته و کارگران قادرند به بسیاری از تقاضاهایشان دست پیدا کنند.

۸ اعتصاب تاکنون تقریبا تأثیری بر تولید یا صادرات نداشته است و یک میدان کوچک (منصوری با ظرفیت ۲۰ هزار بشکه در روز) و همچنین دو کارخانه نمک زدابی تعطیل شده اند. در جزیره خارک عملیات به صورت عادی پیش می روند. اسکو دو یدک کش قراردادی دارد که در بحث و جدالهای کارگری درگیر نمی باشند، همچنین کشتی یدک کش خود را به وسیله کارکنان خویش اداره می کند و امروز از خدمات یک یدک کش قراردادی دیگر نیز بهره می برد. همان طور که وزارتخانه مطلع است تولید نفت و انجام عملیات در خارک، کارگر زیادی لازم ندارد و مدیریت اسکو و کارمندان آن می توانند برای مدتی بدون تأثیر زیادی بر مقادیر تولید و صادرات به کار خود ادامه دهند. با این وجود

تعمیر و نگهداری دچار نقصان می شود، احتمال وقوع حوادث بیشتر است، حفاریهای توسعه ای و

فعالیتهای مربوط به کار مجدد بر روی دکلها متوقف شده است، غیره و غیره، و همه منتظر هستند که

کارگران روزمزد به سرکارهایشان بازگردند.سولیوان

سند شماره (۳)

تاریخ : ۱۲ اکتبر ۱۹۷۸ ۱۰ مهر ۱۳۵۷شماره: ۹۵۲۱

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

مرجع : الف) وزارت خارجه ۲۴۶۳۷۶، ب) تهران ۹۴۲۸ طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع : مطالب دیگری در خصوص مسائل کارگری بخش صنعت نفت

۱ دولت ایران و شرکت ملی نفت ایران اغتشاشات کارگری در میان کارکنان صنعت نفت در جنوب کشور را در میان هاله ای از مخفی کاری پنهان کرده اند. به نمایندگان اسکو و کنسرسیوم از طرف شرکت نفت هشدار داده شده که راجع به وضعیت با هیچ کس گفتگو ننمایند و تعداد افرادی که در شرکت نفت از جریان اعتصاب مطلع هستند، بسیار کم است. (حتی مدیران مختلفی که ما با آنان گفتگو کرده ایم فقط شایعاتی را شنیده اند که برخی از آنها اشتباه است.)

۲ در هر حال ما صحت گزارش مربوط به تقاضای کارگران روزمزد مبنی بر پنجاه درصد افزایش حقوق را تأیید نموده ایم (مرجع الف).

مذاکره کنندگان از طرف دولت ایران و شرکت ملی نفت ایران قول افزایش فوری ده درصد حقوق را داده اند و همچنین وعده داده اند که چنانچه کارگران روزمزد به سرکارهایشان بازگردند، تقاضاهای مربوط به افزایش اضافی حقوق یا بهبود بخشیدن به امور رفاه اجتماعی کارگران را مورد بررسی قرار دهند. از اول اکتبر این پیشنهاد مورد قبول واقع نشده و کارگران روزمزد همچنان در اعتصاب به سر

می برند.

۳ نکته جالب توجه دیگری در مورد مشکل کارگری اسکو این واقعیت است که دعوت به اعتصاب و مذاکره بر سر تقاضاهای کارگران روزمزد به وسیله کسانی انجام شد که هیچ گونه حق رسمی برای نمایندگی از جانب نیروی کارگری نداشتند. رهبران فعلی اعتصاب عنوان می دارند نمایندگان انتخاباتی آنان خیلی سازشکار هستند و خواسته اکثریت غالب کارکنان اسکو را بیان نمی دارند. مقامات شرکت ملی نفت و وزارت کار به این گفته در ابتدا با این پیشنهاد پاسخ داده اند که کارگران روزمزد برای انتخاب نمایندگانی جدید که دارای حق مذاکره بر سر شرایط عمومی استخدام باشند، از مراحل و روشهای انتخابی معمول استفاده نمایند. ظاهرا کارگران روزمزد بیشتر خیال دارند که بر شکایت فوری خود اصرار ورزند، تا به انتخاب نمایندگان سندیکایی جدید بپردازند. این قضیه تا حدودی قابل بحث است، چونکه مقامات وزارت کار و شرکت نفت با رهبران اعتصابیون مذاکره کرده اند و بدان وسیله حق کارگران روزمزد برای انتخاب سخنگوی غیر رسمی آنان را مورد شناسایی قرار داده اند.

۴ علیرغم ادامه اعتصاب، تولید نفت خام و صادرات در سطوح بالا ادامه دارد. علاوه بر این تهدید قبلی مبنی بر پیوستن کارکنان فنی و متخصص ایرانی شرکت اسکو به کارگران روزمزد صورت

واقعیت به خود نگرفت و هراس از اینکه اعتصاب ممکن است از محدوده کارگران روزمزد پا فرارتر نهد، تخفیف یافته است.

۵ ما اطلاع یافته ایم که آشوب کارگری در بخش صنعت نفت منحصر به جنوب نیست. خیلی از کارگران روزمزد پالایشگاه تهران (کارکنان شرکت نفت و اسکو) برای تقریبا دو هفته در اعتصاب بوده اند. درخواست اصلی آنان حقوق بالاتر و مسکن سازمانی می باشد. تأثیر اعتصاب بر پالایشگاه تهران درست به میزان حوزه های نفتی جنوب در سطح حداقل بوده است.سولیوان

سند شماره (۴)

تاریخ : ۲۲ اکتبر ۱۹۷۸ ۳۰ مهر ۱۳۵۷شماره : ۱۰۲۷۹

از : سفارت آمریکا تهران تلگرامبه : وزارت خارجه واشنگتن

مرجع : تهران ۹۶۵۱ طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : اعتصابات در بخش صنعت نفت ادامه می یابد

۱ همان طور که در تلگراف مرجع گزارش گردید، دولت ایران و شرکت ملی نفت ایران دو هفته پیش به طور اساسی در مقابل تقاضاهای کارگران روزمزد اعتصابی شرکت نفت تسلیم شدند (که اساسا کارگران ساده و غیر ماهر هستند)، هر چند که اعتصاب هیچ گونه تأثیر بسزایی بر تولید نفت، صادرات، پالایش و غیره نداشت. در هر حال یک اعتصاب، خیلی جدی تر چهارشنبه گذشته یعنی ۱۸ اکتبر توسط درصد قابل توجهی از کارمندان ایرانی اسکو در اهواز و پالایشگاه شرکت نفت در آبادان شروع شد.

۲ کارمندان خواستار اضافه حقوق و مزایا معادل و یا بیشتر از مبالغی که به کارگران روزمزد داده شده است می باشند. کارمندان اعتصابی بخش نفت در لیست تقاضاهای اقتصادی خود، درخواست

پایان گرفتن حکومت نظامی را نیز اضافه کرده اند. اگر اعتصاب به مناطق و حوزه ها برسد (که محتمل به نظر می رسد) و اگر تمام یا بخش اعظمی از کارمندان ایرانی در آن شرکت جویند، تولید و صادرات به نحو جدی تأثیر خواهد پذیرفت. در هر حال براساس گفته منابع ما در شرکت نفت، کارمندان ارشد و همکاران خارجی آنها در اعتصاب مشارکت نخواهند جست و همه چیز را به نحو نسبتا عادی فعال نگاه داشته اند.

۳ صنعت نفت اخیرا مثل دیگر بخشها نه فقط دچار اعتصاباتی به وسیله تمامی گروههای مهم شده بلکه به کم کاری و تحصن نیز (که اکثرا دوره آن کوتاه است) توسط گروههای نسبتا کوچکی که تقاضاهایشان اکثرا به خوبی بیان نمی شود و پای بندی آنان به تقاضای خود اغلب موقتی است، دچار شده است. اعتصاب چند نفری که در پالایشگاه تهران دردسر آفریدند خاتمه یافت، لیکن تقاضای فوق العاده برای تولیدات نفتی که به لحاظ شایعات ایجاد شده بود سیستم توزیع داخلی را دچار ازدحام و شلوغی کرد (هر چند که این سیستم مجددا به طور عادی فعالیت می نماید). شرکت نفت انتظار دارد که حتی اگر مشکلات جدیدی وجود نداشته باشند، صفوفی در پمپ بنزینها به وجود آید.

۴ براساس سابقه، تن در دادن به تقاضاهای چند هفته گذشته، می توان به طور معقولانه ای نتیجه گرفت که دولت ایران و شرکت نفت اعتصاب کارمندان اسکو و شرکت نفت را با موافقت سریع با

درخواستهای آنان حل خواهند نمود. در هر حال یکی از مقامات ارشد شرکت نفت به ما گفت که این شناخت به وجود آمده است که اعتصابات (نه فقط در صنعت نفت بلکه در کل اقتصاد) عمدتا انگیزه سیاسی دارند و سیاست برآورده ساختن تقاضاهای اقتصادی نمی تواند بیش از دوره کوتاهی آن هم به بهای بسیار زیاد آرامش را ایجاد نماید. پیام صریح و روشنی که مقام شرکت نفت به ما می داد، این بود که شرکت نفت و احتمالاً دولت ایران تصمیم گرفته اند، تا نسبت به اعتصابیون خشن تر شوند، ولی چگونگی آن روشن نیست.سولیوان

سند شماره (۵)

تاریخ: ۲۳ اکتبر ۱۹۷۸ ۱ آبان ۱۳۵۷شماره: ۱۰۳۳۱

از: سفارت آمریکا تهرانبه: وزارت خارجه واشنگتن

مرجع: تهران ۱۰۲۷۹طبقه بندی: محرمانه

موضوع : اعتصابات در بخش صنعت نفت ادامه می یابد

۱ پیش بینی مقام ارشد شرکت ملی نفت ایران در این خصوص که شرکت نفت با کارکنان اعتصابی با خشونت برخورد خواهد نمود، اساسا اشتباه از کار درآمد. انصاری مدیر عامل شرکت ملی نفت دیروز بعدازظهر مذاکرات طولانی خود را با کارکنان اعتصابی پالایشگاه آبادان خاتمه داد و کلاً با مبلغی افزایش موافقت نمود که نمایانگر ۲۰ تا ۵۲ درصد افزایش در حقوق ناخالص است. این افزایش برحسب درصد مثل افزایشی که قبلاً در حقوق کارمندان روز مزد صنعت نفت به عمل آمد، سخاوتمندانه نیست. شکایات و تقاضاهای کارمندان پالایشگاه در مورد اعمال مقامات حکومت نظامی (یک نکته حساس در پالایشگاه آبادان که باعث برانگیختن احساسات می شود و به طور مستقل با عملیات قرینه شده است، حتی در مسائل امنیتی) موقتا مسکوت گذارده شد که به مدیریت

شرکت نفت زمان کافی داده شود تا روشی را با همکاری مقامات حکومت نظامی طرح ریزی نمایند که برای کارکنان پالایشگاه نیز قابل قبول باشد.

۲ شرایطی که مورد قبول انصاری قرار گرفت شامل افزایشی به میزان ۵/۱۲ درصد در حقوقهای پایه و پرداخت «مزایای مخصوص» جدید به مبلغ ۷۵۰۰ ریال به طور ماهانه می باشد.

۳ بنا به گزارش پیشنهاد شرکت ملی نفت مورد قبول کارکنان پالایشگاه آبادان قرار گرفت، لیکن تاکنون حداقل تعداد زیادی از کارمندان اسکو به سرکارهایشان بازنگشته اند. همان طور که ما انتظار داشتیم، اعتصاب کارکنان اسکو از دفتر مرکزی اسکو در اهواز به حوزه ها کشانیده شد و در حال حاضر کارکنان اسکو در اهواز، گچساران و آغاجاری در اعتصاب شرکت می کنند. بنا به گزارش، عملیات در حوزه ها هنوز به طور مؤثری از جریان اعتصاب متأثر نگردیده اند.سولیوان

سند شماره (۶)

تاریخ : ۲۵ اکتبر ۱۹۷۸ ۳ آبان ۱۳۵۷شماره : ۱۰۴۰۸

از: سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

مرجع : تهران ۱۰۳۸۳طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : مطالب دیگری در مورد اعتصاب در بخش صنعت نفت ایران

۱ جان اورنج، نماینده کنسرسیوم در محل، صحت و واقعی بودن نظریه شاه در مورد جدی بودن اعتصاب حوزه های نفتی (تلکس مرجع) را تأیید نمود. اورنج گفت که در حدود ۷۰۰ هزار بشکه نفت در تولید روزانه کاهش پیدا شده است که عمدتا در گچساران بوده و صادرات نفت خام تولیدی اسکو در جزیره خارک در حدود ۴ میلیون بشکه در روز بوده است، در حالی که تقاضا ۷/۴ میلیون بشکه می باشد.

در عین حالی که ممکن است اعتصاب عمدتا توسط کارکنان اداری به وجود آمده باشد، لیکن روشن است که تعداد زیادی از کارکنان فنی نیز در آن مشارکت دارند.

۲ اورنج که از پیش بینی تعطیل کامل طفره می رفت، نمی توانست پیش بینی نماید که اعتصاب چگونه می تواند متوقف شود و او با صراحت قبول نمود که چنانچه اعتصاب کاملاً موجب تعطیل صادرات از طریق جزیره خارک بشود، زیاد تعجب نخواهد کرد.

۳ یکی از تحولات مهم و ناراحت کننده این است که کارگران روزمزد گچساران و جزیره خارک به اعتصاب کارکنان شرکت ملی نفت و اسکو پیوسته اند. این امر علیرغم تسلیم شدن شرکت نفت به خواسته کارگران اعتصابی در ۵/۲ هفته گذشته، تاکنون به نظر می رسد که مشکلات کارگران روز مزد را حل کرده باشد.

۴ اورنج همچنین امروز صبح مطلع شده بود که ناخداهای نیروی دریای نیز به همراه کارگران روزمزد و کارمندان تازه کار اسکو در جزیره خارک اعتصاب کرده اند. براساس گفته اورنج این وضعیت بسیار وخیم است و مشکل اصلی و فوری حتی در صورت همکاری نیروی دریایی این خواهد بود که اعتصاب ناخداها به میزان زیادی پهلو گرفتن و بارگیری تانکرها را کاهش داده، و یا احتمالاً از آن جلوگیری به عمل خواهد آورد. انصاری مدیر عامل شرکت نفت امروز به جزیره خارک می رود (یا هم اکنون رفته است) و برای متقاعد ساختن افراد کافی به منظور باقی ماندن بر سر کارهایشان و جلوگیری از کاهش بیشتر صادرات تلاش خواهد نمود.

۵ اورنج موافقت نمود که امروز و فردا صبح زود تا آنجایی که امکان پذیر است، اطلاعات بیشتر کسب نموده و اطلاعات را فردا قبل از برگزاری مراسم سلام به سفیر انگلیس و یا خود من بدهد تا بعد از آن من در مورد وضعیت با سفیر انگلیس مذاکره نمایم.سولیوان

سند شماره (۷)

تاریخ : ۱۳۰اکتبر ۱۹۷۸ ۸ آبان ۱۳۵۷شماره : ۱۰۵۴۶

از: سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

مرجع :الف تهران ۱۰۵۰۳، ب تهران ۱۰۴۰۸طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : مطالب دیگری در مورد اعتصاب در بخش صنعت نفت ایران

همان طور که در مرجع الف پیش بینی شده بود، اعتصاب حوزه های نفتی موجب کاهشی دیگر در تولید و صادرات گردید. اعتصاب ناخداهای نیروی دریای در ترمینال صادراتی جزیره خارک خاتمه یافت در خارک هیچ گونه مشکلی وجود ندارد. مشکل فعلی مربوط به تولید اسکو می شود که به چیزی کمتر از ۲ میلیون بشکه در روز کاهش یافته است.

امروز صبح نماینده محلی کنسرسیوم به ما گفت که صادرات نفت خام جزیره خارک که به وسیله اسکو تولید می شود به ۱/۱ میلیون بشکه کاهش یافته است. علاوه بر این، طبق گفته نماینده محلی کنسرسیوم، مدیر عامل اسکو به نحو فزاینده ای نسبت به توانایی اسکو جهت حفظ سطوح حتی خیلی پایین تولید، بدبین است.

۲ دو مجتمع سرمایه گذاری مشترک یعنی ایپاک و لاپکو که هفته پیش موفق به حل مسئله اعتصاب شده بودند، به نظر می رسد که همچنان پایداری آن را حفظ نموده اند و ظرفیت تولیدی آنها در خشکی که هفته گذشته کاهش یافته بود، هنوز در حال بالا گرفتن و برگشتن به سطح اولیه آن می باشد.

۳ ما پیش بینی می کنیم که تقاضا برای نفت خام صادراتی ایران حدود ۴/۵ ۵/۵ میلیون بشکه در روز باشد و به طور ضمنی این را می رساند که اعتصاب برای ایران حدودا ۴ میلیون بشکه نفت خام

در روز خرج بر می دارد که معادل روزانه ۵۰ میلیون دلار می شود.

۴ شرکت ملی نفت ایران دیروز و امروز با انتقال ۲۰ مهندس محقق و تکنسین از لابراتوار تحقیقاتی تهران به پالایشگاه آبادان، آنچه را که می توانست برای پر کردن جاهای خالی حساس انجام داد، لیکن پرسنل اضافی خیلی کمی باقی مانده اند. ظاهرا وضعیت برای دولت و شرکت نفت به حالتی بحرانی تبدیل شده و چشم اندازهای انجام موفقیت آمیز مذاکرات متعارف مدیریت و کارکنان اعتصابی صنعت نفت در بهترین وضعیت، خیلی دور از دستیابی است.سولیوان

سند شماره (۸)

تاریخ : ۳۰اکتبر ۱۹۷۸ ۸ آبان ۱۳۵۷شماره : ۱۰۵۶۰

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن دی . سی. فوری

طبقه بندی : سری

موضوع : اعتصاب بخش نفتی ایران

۱ بعد از ظهر روز هشتم آبان ملاقات کوتاهی با هوشنگ انصاری رئیس شرکت ملی نفت ایران داشتم. انصاری صبح همان روز پس از چند روز مذاکره شدید با کارگران اعتصابی تأسیسات شرکت ملی نفت ایران در جنوب ایران به تهران بازگشته بود. وی گفت تولید روزانه طی سه روز گذشته به

میزان یک میلیون بشکه کاهش یافته و هم اکنون این کاهش بیش از یک میلیون بشکه است.

۲ قبل از ملاقات با من، او با نخست وزیر و رئیس حکومت نظامی یعنی اویسی ملاقات کرده بود. او به آنها گفته بود که ۹۰ درصد کارگران اعتصابی حاضرند به خاطر منافع اقتصادی که در مذاکرات مطرح شده به محل کار خود بازگردند، ولی کمتر از ده درصد از «رادیکالهای آموزش دیده» آنها را مرعوب کرده و اصرار دارند که تقاضاهای سیاسی آنها برآورده شود.

۳ نخست وزیر تصمیم گرفته بود که به مقامات حکومت نظامی دستور دهد که رادیکالها را منزوی کرده و شرایط حکومت نظامی در زمینه متوقف کردن صنایع حیاتی را به آنها بفهماند و به آنها پیشنهاد دهد که یا باید به محل کار خود بازگردند و یا دستگیر و زندانی شوند. این اقدام عصر روز ۸ آبان عملی خواهد شد. در صورت عملی شدن و بازگشت کارگران، انصاری معتقد است که در مدت دو روز تولید به وضع عادی بازخواهد گشت. در غیر این صورت وی آماده خواهد شد تا طرحهای اضطراری را به مرحله اجرا بگذارد.

۴ اولین اقدام کاهش صادرات و نیز کاهش صدور گاز مرتبط به شوروی، و محدود ساختن تولید به رفع نیازهای داخل خواهد بود. پالایشگاه ها هنوز در مرحله تولید هستند، گرچه تولید پالایشگاه آبادان به ۰۰۰/۳۵۰ بشکه در روز رسیده است. در نتیجه این اقدام، نفت جیره بندی خواهد شد. (ولی انصاری معتقد است که این کار با دشواری بسیار عملی خواهد شد.

۵ اقدام دوم اضطراری استخدام کارگران خارجی از آن دسته تأسیسات اروپایی است که با ظرفیت کم مشغول به کارند تا بتوانند جایگزین اعتصابیون شده و تولید را به مرحله ای برسانند، تا نیاز داخلی تأمین گردد. او و رضا فلاح از شرکت ملی نفت ایران و جورج لینک از اسکو آماده پرواز به لندن هستند تا در مورد جزئیات این طرح با کنسرسیوم وارد مذاکره شوند.سولیوان

سند شماره (۹)

تاریخ : اول نوامبر ۱۹۷۸ ۱۰ آبان ۱۳۵۷شماره: ۱۰۶۶۶

از: سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن دی سی، فوری

مرجع : تهران ۱۰۵۶۰طبقه بندی : سری

موضوع : وضعیت بخش نفت ایران

۱ در تاریخ ۳۱اکتبر با هوشنگ انصاری رئیس شرکت ملی نفت ایران تماس گرفتم تا از نتایج تصمیمات دولت مبنی بر اعزام نیروهای حکومت نظامی به تأسیسات نفتی آگاه شوم. او به طرز محافظه کارانه ای محتاط بود، لیکن اظهار نظرات وی خالی از تشنج و بحران نبود.

۲ وی گفت بسیاری از کارگران در حال بازگشت به محل کار خود بوده و تولید نیز رو به افزایش است. جزیره خارک به طور کامل وارد مرحله عملیاتی شده است. پالایشگاه با ظرفیت کامل کار نمی کند.

۳ وی گفت استراتژی مذکور در تلگرام مرجع دچار یک تغییر شده است. یعنی به جای دستگیری آن دسته کارمندان شرکت ملی نفت ایران و اسکو به خاطر امتناع از ادامه کار دولت، تصمیم به اخراج آنها گرفته است. وکلای وی به او اطمینان داده اند که برای این کار در شرایط عادی نیز اساس حقوقی

کافی وجود دارد و لازم نیست به حکومت نظامی متوسل شد.

۴ نظر وی مانند قبل این بود که اکثر کارگران به کار خود باز می گردند. او به معاونش دیبا در جنوب ایران دستور داده است تا عملیات را واحد به واحد بازسازی کند. تا به حال این کار هم بدون دردسر ادامه داشته است.

۵ او گمان می کند که تعداد کارگران اخراجی چندان زیاد نباشد و با جورج لینگ رئیس اسکو طرحی ریخته اند تا به جای کارگران اخراجی پرسنل دیگری از ارتش، افراد در حال آموزش و قرارگاههای تهران جایگزین شوند. بنابراین طرح اضطراری مخصوص استخدام کارگران خارجی فعلاً کنار گذاشته شده است.

۶ جان اورنج نماینده محلی کنسرسیوم در تاریخ ۱۱ آبان با من تلفنی گفتگو و موارد فوق را تأیید نمود. ظهر روز ۱۱ آبان با انصاری در همین مورد ملاقات دیگری خواهم داشت.سولیوان

سند شماره (۱۰)

تاریخ : ۲ نوامبر ۱۹۷۸ ۱۱ آبان ۱۳۵۷شماره : ۱۰۶۹۵

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : وضعیت بخش نفتی ایران

۱ هوشنگ انصاری رئیس هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران صبح روز ۲ نوامبر با آخرین اخبار در مورد تأسیسات نفتی به من تلفن کرد. او گفت که تولید تدریجا افزایش می یابد و امروز انتظار می رود میزان آن به ۳/۲ میلیون بشکه باشد. برنامه او این بود که با استفاده از همان پرسنل نظامی تولید را به میزان ۴ میلیون بشکه در روز افزایش دهد.

نظریه: ما متعاقب گفتگو با انصاری، با مدیر عامل اسکو صحبت کردیم. و وی گفت که ارقام انصاری واقع گرایانه هستند. (پایان نظریه)

۲ او گفت پالایشگاه آبادان دارای پرسنل کافی بوده و امروز ظرفیت آن به ۵۰۰ هزار بشکه می رسد. این اقدام برای جبران زیانهای مورد انتظار در شیراز و تبریز که پالایشگاههای آنها مورد تهدید تعطیلی قرار گرفته اند، لازم می باشد.

۳ من به انصاری گفتم این وقایع و اخبار با گزارشات روزنامه های صبح که اعلام نموده اند تولید به صفر رسیده است، مغایر می باشند. او گفت روزنامه ها با اطلاعات دروغین اعتصابیون تندرو تغذیه شده اند. من متذکر شدم شرکت نفت دارای کارمندان روابط عمومی فراوانی است که بایستی اخبار صحیح و واقعی را به مطبوعات بدهند. او قول داد تا آنان را فعال نماید.

۴ وی سپس به من گفت که در حال حاضر از فرودگاه تلفن می زند و قرار است که هم اکنون به مقصد نیویورك سوار هواپیما شود. او در ۳ نوامبر با هنری کیسینجر و چند نفر دیگر به طور ناشناس ملاقات خواهد کرد. او انتظار دارد که در ۴ نوامبر به تهران بازگردد. این عمل ممکن نیست از روی بصیرت و کاردانی باشد، بلکه به نظر می رسد از روی خونسردی است.سولیوان

سند شماره (۱۱)

تاریخ : ۲ نوامبر ۱۹۷۸ ۱۱ آبان ۱۳۵۷شماره : ۱۰۷۲۶

از: سفارت آمریکا تهرانبه: وزارت خارجه واشنگتن دی. سی.

مرجع : تهران ۱۰۶۹۵طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : مطالب بیشتری راجع به اعتصاب بخش نفتی ایران

۱ تلکس مرجع شامل اطلاعات جاری در خصوص پیشرفت مداوم و افزایش تولید حوزه های نفتی خوزستان، یعنی حوزه های تولیدی اسکو بود. در هر حال ایپاک (IPAC) هنوز با ظرفیت ۴۰۰ هزار بشکه در روز خود کاملاً تعطیل می باشد و نگرانیهایی وجود دارد مبنی بر اینکه اعتصاب علیه لاپکو با ظرفیت ۲۰۰ هزار بشکه در روز آن، ممکن است از سر گرفته شود.

۲ اولتیماتومی که دو روز پیش به کارمندان اعتصابی شرکت نفت و اسکو داده شد، مبنی بر اینکه یا به سرکارهایشان بازگردند و یا منتظر زندانی شدن باشند، از اول نوامبر به کارمندان اعتصابی ایپاک داده نشده است. براساس گفته مقام محلی آموکو (مالک ۵۰ درصد ایپاک) هیچ گونه مذاکره ای بر سر مسائل و مشکلات شروع نشده است و علت آنهم این است که تقاضاهای اعتصابیون یا اقتصادی هستند و یا سیاسی و در صورت اقتصادی بودن ناراحت کننده و عجیب و غریب می باشند.

۳ ما شب گذشته از طریق مقام محلی آرکو (مالک ۵/۱۲ درصد لاپکو) کسب اطلاع کردیم که کارکنان لاپکو در جزیره لاوان تهدید کرده اند که اعتصاب خود را از ۴ نوامبر شروع خواهند کرد. به ما گفته شد که نگرانیها و تقاضاهای کارمندان لاپکو که دیروز عنوان شد برای اولین بار ماهیتا سیاسی بوده اند.

۴ هر چند که به نظر می رسد در حل مسائل و مشکلات شرکت نفت (مشکلات مربوط به

کارمندان آن در پالایشگاهها) قضایا به آن ترتیبی که موردنظر است، پیش خواهند رفت، لیکن وضعیت دو مجتمع بزرگ سرمایه گذاری از خوشبینی خیلی کمی برخوردار است.شرکت نفت می تواند به نحو قابل توجیهی توجه و تلاشهای خود را روی عملیات بسیار حساس (مثل تولید در حوزه های خوزستان و پالایش) متمرکز نماید، اما اجازه دادن به اینکه وضعیت به سمت رکود یا وخیم تر شدن پیش برود، اشتباه بزرگی خواهد بود.

سولیوان

سند شماره (۱۲)

تاریخ : ۲ نوامبر ۱۹۷۸ ۱۱ آبان ۱۳۵۷شماره : ۲۷۹۶۱۸

از : وزارت خارجه واشنگتنبه : سفارت آمریکا تهران

طبقه بندی : خیلی محرمانه

رونوشت به سفارت آمریکا در توکیو و دفتر ارتباطی ایالات متحده در پکن

موضوع : گزارش در مورد اعتصاب نفت

۱ وزارت انرژی درخواست نموده است که گزارشهای سفارت در مورد اعتصاب بخش نفتی به دفتر ارتباطی ایالات متحده در پکن و سفارت آمریکا در توکیو مخابره شود و با عبارت «قابل توجه

وزیر شلزینگر» که از آن مناطق بازدید می نماید، مشخص شود. پیامهای ارسالی به پکن تا ساعت ۹ به وقت محلی روز ۵ نوامبر و توکیو تا ساعت ۹ به وقت محلی روز ۷ نوامبر مخابره شوند.

۲ سازمانهای مربوطه در واشنگتن از پست (سفارت آمریکا در تهران م) به خاطر گزارش کردن عالی وضعیت تقدیر می نمایند.ونس

سند شماره (۱۳)

تاریخ : ۴ نوامبر ۱۹۷۸ ۱۳ آبان ۱۳۵۷شماره : ۱۰۷۳۸

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

مرجع : تهران ۱۰۷۳۳طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : مطالب دیگری در خصوص اعتصاب در بخش صنعت نفت ایران

۱ بهبود وضعیت حوزه های نفتی خوزستان که تحت کنترل و مدیریت اسکو می باشند، از آنچه که ما باور داشتیم یا در خلال دو روز گذشته گزارش نمودیم، سرعت اساسا خیلی کمتری داشته است. ضمن اینکه ما گزارش کردیم انتظار می رود تولید اسکو ۲/۲ ۳/۲ میلیون بشکه در روزهای دوم و سوم نوامبر باشد، لیکن تولید واقعی ۵/۱ میلیون بشکه در دوم نوامبر و ۷/۱ میلیون بشکه در سوم نوامبر بود. اسکو انتظارات خود را پایین آورده و نمی تواند پیش بینی نماید چه زمانی تولید به ۴ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. تولید واقعی اسکو در ساعت ۶ صبح امروز ۴ نوامبر در سطح ۸/۱ میلیون بود، لیکن اسکو تصور می نماید که امروز ۹/۱ میلیون بشکه تولید خواهد شد.

۲ تهدید شدن لاپکو به شروع اعتصاب (که در ۲ نوامبر گزارش شد) به خوبی صورت پذیرفت. تعطیلی تأسیسات لاپکو به ظرفیت ۲۰۰ هزار بشکه در روز، شب گذشته شروع شد و ساعت ۶ صبح امروز تولید به تعطیلی کامل کشید. تقاضاهای کارکنان اعتصابی لاپکو حداقل به صورت آشکار

ماهیت سیاسی ندارد. در هر حال برخی از تقاضاهای اقتصادی به آن صورت هستند که شرکت نفت و مدیریت لاپکو حتی در صورت تمایل نمی توانند با آن موافق باشند. برای مثال یکی از تقاضاها تغییر فوری برنامه کار است به این ترتیب که کارکنان که هم اکنون در مقابل دو هفته کار یک هفته تعطیل دارند و در جزیره لاوان یا سکوهای دریایی کار می کنند، در مقابل یک هفته کار یک هفته تعطیلی داشته باشند. چنین تقاضایی در آینده نزدیک نمی تواند برآورده شود، زیرا مستلزم گسترش نیروی کار در هنگامه ای است که بازار کار از وجود متخصصین نفتی خالی می باشد. چنین تقاضاهایی به سادگی می تواند یک تاکتیک مذاکراتی باشد که برای حصول بهترین نتایج ممکنه طرح ریزی شده، لیکن تاکنون تقاضاهای اعتصابیون غیر قابل بحث بوده اند و ممکن است برای ایجاد بحران طرح ریزی شده باشند.

۳ هیچ گونه تغییری در وضعیت ایپاک روی نداده است. اعتصاب آنها ادامه دارد و ظرفیت ۴۰۰ هزار بشکه در روز آن کاملاً راکد است.

۴ انتظار می رود امروز مجموع تولید (اسکو، سیریپ، ایمینوکو و سوفیران) حدود ۲ میلیون بشکه باشد.سولیوان

سند شماره (۱۴)

تاریخ : ۵ نوامبر ۱۹۷۸ ۱۴ آبان ۱۳۵۷شماره : ۱۰۷۵۷

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع : اعتصاب در بخش نفتی ایران

۱ تولید اسکو در مناطق نفتی خوزستان در تاریخ ۴ نوامبر ۰۰۰/۷۳۴/۱ بشکه بود که ۰۰۰/۶۵۲ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی تحویل شد و ۰۰۰/۰۸۲/۱ بشکه نیز آماده صادرات بصورت خام بود. ایپاک و لاپکو هر دو به خاطر اعتصابات هنوز کاملاً تعطیل هستند. مجموع تولید در ۴ نوامبر (منجمله اسکو، سیریپ، ایمینوکو و سوفیران) حدود ۸۵/۱ میلیون بشکه بود.

۲ براساس گفته دفتر محلی کنسرسیوم، اسکو امروز انتظار دارد ۲/۲ میلیون بشکه تولید شود. در هر حال نه دفتر کنسرسیوم و نه سفارت هیچ کدام اعتباری برای پیش بینی هایی که اسکو در ۴ ۵ روز گذشته انجام داده، قائل نیستند.

۳ امروز صبح کارمندان دفتر مرکزی شرکت ملی نفت به اعتصابیون پیوستند. این اقدام نمی تواند هیچ گونه تأثیری بر تولید، صادرات و یا پالایش داشته باشد، چون که از یک جهت کارمندان جایگزین فراوانی وجود دارند و از جهت دیگر دفتر مرکزی مسئولیت حیاتی در قبال عملیات اصلی ندارد. به هر حال این اقدام از جهت سمبولیک آن اهمیت دارد، خصوصا چون که کارمندان دفتر مرکزی از همکارانشان در جنوب بسیار سیاسی تر شده اند.

۴ اعتصابی نیز توسط کارمندان سیستم توزیع تهران شروع شده است، که شدیدا جریان محصولات از پالایشگاه تهران به شبکه خرده فروشان را کاهش داده است. در نتیجه این امر صفوفی

طولانی در پمپ بنزینها تشکیل شده است. جنبه خوشایند این امر کاهش قابل توجه ترافیک آشنای تهران است، چون که اتوموبیل سواران ظاهرا سوختی را که در اختیار دارند، صرفه جویی می نمایند.

۵ ما تاکنون قادر نبوده ایم اطلاعات موثقی در مورد وضعیت فعلی پالایشگاههای مختلف ایران به دست آوریم. بنا به گزارش پالایشگاههای شیراز و تبریز تعطیل هستند، در حالی که تولید آبادان فقط ۲۰۰/۰۰۰ بشکه است که یک سوم ظرفیت آن می باشد. پالایشگاه تهران در حال کار است، لیکن چنانچه اختلال در سیستم توزیع ادامه یابد تولید به نحو توجیه پذیری بایستی کاهش پیدا کند.

۶ به طور خلاصه، به نظر می رسد وضعیت به آهستگی و تدریجا رو به وخامت می گذارد و اسکو و شرکت ملی نفت ایران برای درگیر شدن با مشکلات در صورت وجود پرسنل واجد شرایط، تعداد کمی را در اختیار دارد. ارتش می تواند در برخی از محدوده ها کمک کند و ما گزارشاتی در دست داریم که آنها تولیدات پالایش شده را به پمپ بنزینها و جایگاههای توزیع خرده فروشی حمل می نمایند، لیکن سربازان از مهارتهای لازم برای وظایف خطیرتر در صنعت نفت برخوردار نیستند.سولیوان

سند شماره (۱۵)

تاریخ : ۶ نوامبر ۱۹۷۸ ۱۵ آبان ۱۳۵۷شماره : ۱۰۸۱۵

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع : اعتصاب در بخش نفتی ایران

۱ تولید نفت توسط اسکو در حوزه های نفتی خوزستان در تاریخ ۵ نوامبر ۰۰۰/۷۹۱/۱ بشکه بود که ۰۰۰/۵۵۹ بشکه آن برای پالایشگاههای داخلی حمل شد و ۰۰۰/۲۳۲/۱ بشکه نیز آماده برای صادر کردن به صورت خام بود. هر دو شرکت ایپاک و لاپکو هنوز به خاطر اعتصابات کاملاً تعطیل می باشند. مجموع تولید نفت روز ۵ نوامبر (شامل اسکو، سیریپ، ایمینوکو و سوفیران) در حدود ۹/۱ میلیون بشکه بود.

۲ تولید امروز خیلی کمتر است. امروز صبح تولید نفت توسط اسکو در حدود ۰۰۰/۲۶۱/۱ بشکه بود و نمایندگان محلی کنسرسیوم هیچ گونه دلیلی که به لحاظ آن انتظار افزایش تولید در خلال روز را داشته باشیم، عنوان ننمودند.

۳ گزارشات تأیید نشده ای که ما در مورد کاهش تولید پالایشگاهها دریافت نموده ایم، با ارقام دریافت شده از اسکو در مورد محموله های ارسالی نفت خام به پالایشگاههای داخلی تطبیق می نماید. در حالیکه روزهای آخر هفته منتهی به ۴ نوامبر محموله ها در سطح ۰۰۰/۶۵۰ بشکه ثابت ماندند، لیکن دیروز به سطح ۰۰۰/۵۵۹ بشکه کاهش یافت و اسکو امروز فقط برای تحویل ۰۰۰/۴۱۷ بشکه برنامه ریزی کرده است. بنا به گزارش، پالایشگاه تهران حدود ظرفیت خود (۰۰۰/۲۲۵ بشکه در روز) فعالیت می کند، ولی توزیع ظاهرا مغشوش می باشد.

۴ دیروز شرکت ملی نفت ایران مجددا مبادرت به مذاکره با کارمندان اعتصابی اسکو نموده است ولی به لحاظ تمایل اعتصابیون به گفتگو در خصوص فقط مسائل سیاسی و امتناع نمایندگان شرکت ملی نفت از مذاکره در باب چیزی بجز مسائل اقتصادی، مذاکرات صورت نپذیرفت.

۵ ظاهرا وضعیت سیاسی در اهواز و مناطق نفت خیر تحت تأثیر وقایع دیروز تهران قرار نگرفت و مدیریت اسکو گزارش می دهد که وضعیت جنوب نسبتا آرام است و فقط معدودی از افراد کار می کنند.سولیوان

سند شماره (۱۶)

تاریخ : ۷ نوامبر ۱۹۷۸ ۱۶ آبان ۱۳۵۷شماره : ۱۰۸۷۹

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : اعتصاب در بخش نفتی ایران

۱ تولید نفت توسط اسکو در حوزه های نفتی خوزستان در تاریخ ۶ نوامبر ۰۰۰/۲۶۱/۱ بشکه بود که ۰۰۰/۴۱۷ بشکه آن برای پالایشگاههای داخلی حمل شد و ۰۰۰/۸۴۴ بشکه نیز آماده برای صادرات به صورت خام بود. هر دو شرکت ایپاک و لاپکو هنوز به خاطر اعتصابات کاملاً تعطیل

هستند. ما امروز اطلاع یافتیم مجتمع سیریپ که ۵۰ درصد آن متعلق به شرکت ملی نفت ایران و ۵۰ درصد متعلق به اگیپ می باشد و ظرفیت تولیدی آن در حدود ۰۰۰/۵۰ بشکه در روز است، ۲ یا ۳ روز پیش به خاطر اعتصابات تعطیل شد. مجموع تولید ۶ نوامبر (شامل اسکو، ایمینوکو و سوفیران) حدود ۳/۱ میلیون بشکه بود.

۲ انتظار می رود تولید ۷ نوامبر توسط اسکو حدود ۰۰۰/۱۵۲/۱ بشکه باشد که به صورت مساوی بین صادرات و محموله های ارسالی به پالایشگاههای داخلی تقسیم شده باشد.

۳ به نظر می رسد استقرار دولت نظامی جدید تأثیر کمی بر اعتصابات داشته باشد (تعداد قابل توجهی از مردم هنوز شروع به کار نکرده اند و با قضاوت از روی گفتگویی که با چند تن از اعتصابیون داشته ایم، در مواضع آنان تغییری مشاهده نمی شود.) به نظر می آید که همه قبل از تصمیم گرفتن در خصوص اینکه چه باید بکنند، منتظر روی دادن چیزی هستند.

۴ برطبق گفته نماینده محلی کنسرسیوم، وضعیت در اهواز از آرامش بیشتری برخوردار است. اسکو در حال آموزش ۱۶۰ نفر از ملوانان نیروی دریایی برای اداره واحدهای تولیدی می باشد و انتظار می رود که ظرف یکی دو روز آینده کار را شروع نمایند. حتی اگر به دنبال این امر هیچ یک از اعتصابیون به محل کار بازنگردد، اسکو انتظار دارد که تولید به میزان قابل توجهی افزایش یابد. نماینده محلی کنسرسیوم همچنین اظهار داشت که مقامات حکومت نظامی هم اکنون و یا به زودی اولتیماتومی صادر خواهند نمود که به اعتصابیون جنوب اخطار می نماید یا به سرکارهایشان بازگردند و یا منتظر دستگیری باشند. ما فکر می کنیم که این بار تهدید قطعا به مورد اجراء گذاشته خواهد شد، ولی پیش بینی اینکه چه روی خواهد داد، غیر ممکن است.سولیوان

سند شماره (۱۷)

تاریخ : ۸ نوامبر ۱۹۷۹ ۱۷ آبان ۱۳۵۷شماره : ۱۰۹۵۸

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : اعتصاب در بخش نفتی ایران

۱ تولید نفت توسط اسکو در میادین نفتی خوزستان در تاریخ ۷ نوامبر ۰۰۰/۱۵۲/۱ بشکه بود که ۰۰۰/۵۵۳ بشکه آن به پالایشگاههای داخل حمل شد و باقیمانده آن یعنی ۰۰۰/۵۹۹ بشکه آماده صادرات به صورت خام بود. تمام چهار مجتمع سرمایه گذاری مشترک به ظرفیت مجموعه ۰۰۰/۷۰۰ بشکه در روز کاملاً تعطیل می باشند. سیریپ و ایمینوکو آخرین شرکتهایی بودند که تحت تأثیر (اعتصابات م) قرار گرفتند و در ۶ نوامبر تولید را متوقف نمودند. در نتیجه تولید ایران در مناطق نفتی خوزستان تنها به وسیله سیریپ، صورت می گیرد.

۲ اسکو تولید امروز را در سطح ۰۰۰/۱۳۲/۱ بشکه برنامه ریزی کرده بود که ۰۰۰/۵۴۴ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی حمل خواهد شد و ۰۰۰/۵۸۸ بشکه نیز برای صادرات به صورت خام باقی می ماند.

۳ اسکو به صورت محتاطانه ای خوشبین است و اظهار می دارد که به حداقل (تولید م) دست

یافته است. در هر حال ما می دانیم که تعداد کارکنان معدودی که از توافقها سرپیچی کرده و به سر کارهایشان بازگشته اند، از طرف همکاران اعتصابی خود برای متوقف کردن کار تحت فشار قرار دادند. به نظر می رسد که وضعیت از همیشه بیشتر سیاسی شده است. امید به تولید بیشتر بر مبنای این انتظار قرار گرفته است که ملوانان آموزش دیده برای اداره تأسیسات میدانهای نفتی، کارآمد و مولد باشند و هیچ کس پیش بینی نمی کند اعتصابیون به طور گسترده و سریع به سرکارهایشان باز گردند.

۴ پمپ بنزینهای تهران باز هستند، ولی به طورکامل و دائم سرشان شلوغ است و ردیف اتومبیلهایی که منتظر نوبت خود برای بنزین زدن می باشند معمولاً چهار بلوک و یا بیشتر می رسد. به نظر می رسد مقادیر معتنابهی بنزین و سوخت به پمپ بنزینها تحویل داده می شود و در نتیجه بایستی ظرف ۲ یا ۳ روز تقاضای بیش از حد بر آورده گردد و وضعیت به حال عادی بازگردد (به استثناء تحولات پیش بینی نشده). ما به غیر از لبریز کردن موقتی سیستم توزیع سوخت و کمبود کپسول گاز، صحبت هیچ گونه کمبودی در تولیدات پالایش شده را نشنیده ایم. به هر صورت به دلیل اینکه محموله های نفت خام حمل شده برای پالایشگاه داخلی در خلال ۴ روز گذشته به میزان خیلی کمی از ۰۰۰/۵۰۰ بشکه تجاوز می نماید و شرکت ملی نفت ایران برای برآورده ساختن تقاضای داخل مجبور به پالایش ۰۰۰/۸۰۰ بشکه در روز می باشد، احتمالاً مشکلاتی بروز خواهد کرد. (مجموع تقاضای داخلی برای تولیدات پالایش شده حدود ۰۰۰/۶۵۰ بشکه در روز است، لیکن برای تولید مقادیر لازم بنزین و مشتقات میانه بایستی ۰۰۰/۸۰۰ بشکه در روز پالایش شود.)

۵ یکی از اخبار جالب در کنار مسئله اعتصابات که ما از آن مطلع شده ایم، این است که خواسته اصلی کارمندان دفتر مرکزی شرکت ملی نفت ایران که شنبه گذشته به اعتصابیون پیوستند، برکناری انصاری مدیر عامل شرکت نفت به خاطر مسئله فساد می باشد. انصاری هفته گذشته ایران را ترک کرد

(براساس گزارشات تأیید نشده خانواده وی نیز او را همراه می کردند و یا اینکه به دنبال وی عزیمت نمودند) و در شرکت نفت تصور می رود که انصاری تا زمانی که وضعیت تثبیت نشود، باز نمی گردد.سولیوان

سند شماره (۱۸)

از : سفارت آمریکا تهرانتلگرامتاریخ : ۱۰ نوامبر ۱۹۷۸ ۱۹ آبان ۱۳۵۷

به : وزارت خارجه واشنگتنطبقه بندی : خیلی محرمانه شماره : ۱۱۰۴۷

موضوع : اعتصاب در بخش نفتی ایران

۱ سطوح تولید امروز برای دومین روز پیاپی مجددا افزایش یافته است. برنامه ریزی اسکو برای تولید امروز ۱/۶۶۱/۰۰۰ بشکه است که ۴۵۹/۰۰۰ بشکه برای پالایشگاههای داخلی حمل می گردد و ۱/۲۰۲/۰۰۰ برای صادرات به صورت خام و آماده خواهد بود. ما اطلاع یافتیم که چهار مجتمع تولید در خشکی هنوز به صورت کامل تعطیل هستند.

۲ طبق گفته نماینده محلی کنسرسیوم، پرسنل اعتصابی هنوز به سرکارهایشان بازنگشته اند و افزایش تولید تا میزان زیادی منعکس کننده تلاشهای پرسنل نیروی دریایی ایران است که در مناطق نفتی به خدمت گمارده شده اند.

۳ به هر صورت، در جلسه ای که دیروز برگزار گردید و ریاست آن را نخست وزیر جدید بر عهده داشت، دولت ایران تصمیم گرفت تا برای شکستن اعتصابات روش جدیدی را به کار گیرد. امروز به کارکنان اعتصابی مناطق نفتی گفته شد، چنانچه به سرکارهایشان باز نگردند، اخراج خواهند شد و از خانه های شرکتی بیرون رانده می شوند. آخرین مهلت برای کارکنان نوبت کاری (شیفت) امروز بعد از ظهر است، در حالی که تمام کارکنان دیگر بایستی صبح روز یکشنبه به سرکارشان باز گردند و یا مواجه با عواقب آن گردند.

۴ ما گمان می کنیم چنانچه کارکنان متقاعد شوند که دولت تهدید خود را به مورد اجراء خواهد گذارد، اکثریت آنان به اعتصاب خود پایان خواهند داد. به هر صورت، حتی تعداد نسبتا کمی از کارکنان خیلی تندرو در صورت عدم انزوا از دیگر کارکنان و نیز در صورت دستیابی به تأسیسات مناطق نفتی، می توانند مشکلات جدی به بار آورند. واضح است که ما تحولات را دقیقا دنبال خواهیم کرد و بایستی تا فردا نشانه هایی از عکس العمل اعتصابیون نسبت به اولتیماتوم در دست داشته باشیم.

سولیوان

سند شماره (۱۹)

تاریخ : ۱۲ نوامبر ۱۹۷۸ ۲۱ آبان ۱۳۵۷شماره : ۱۱۰۶۴

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : اعتصاب در بخش نفتی ایران

۱ تولید اسکو به کندی افزایش می یابد و برای امروز یعنی ۱۲ نوامبر در سطح ۰۰۰/۱۱۵/۲ بشکه برنامه ریزی شده که ۰۰۰/۴۶۴ بشکه از آن به پالایشگاههای داخلی حمل خواهد شد و

۱/۶۵۱/۰۰۰ بشکه دیگر آماده برای صادرات خواهد بود. کلیه چهار مجتمع سرمایه گذاری مشترک هنوز به طور کامل تعطیل هستند.

۲ علیرغم منقضی شدن ضرب الاجل (شب گذشته برای کارکنان شیفت و امروز برای تمام دیگر کارکنان) که بخشی از اولتیماتوم دولت ایران به کارکنان اعتصابی مناطق نفتی بود، هیچ گونه بازگشت وسیعی به سرکارها صورت نگرفت. افزایش تولید ذکر شده در پاراگراف یک بالا، عمدتا قابل انتساب به پرسنل نیروی دریایی می باشد، و این افزایش هر چند که از آن استقبال می شود، ولی در سطح پایینی قرار دارد و ماهها وقت لازم خواهد بود که (حداقل) تعداد کافی پرسنل نظامی تربیت شوند تا به خوبی و به صورت مؤثری بتوانند جایگزین تمامی اعتصابیون شوند.

۳ بنا به گزارش، وضعیت اهواز و مناطق نفتی خیلی وخیم است. بر طبق اظهارات نماینده محلی کنسرسیوم (وی این اطلاعات را از مدیر عامل اسکو کسب کرده است) دیروز دو نفر (ظاهرا ایرانی) توسط مقامات حکومت نظامی کشته شدند، در گچساران تیراندازی شد (اطلاعی از زخمیها و کشته های احتمالی در دست نیست)، خانه یکی از کارمندان مقیم ایران (ملیت او مشخص نیست) اسکو در اهواز توسط گروهی چپاول شد (هیچ گونه جراحتی به کسی وارد نشد)، اعلامیه هایی در جنوب به صورت گسترده توزیع شد و در آن حمایت کامل روحانیت از اعتصاب بخش نفت اعلام گردیده است،

روحیه کارمندان خارجی اسکو رو به بدتر شدن می رود و تخلیه خانواده کارمندان خارجی اسکو به طور جدی تری مورد بررسی قرار گرفته است.

۴ چون تهدید دولت مبنی بر اخراج و بیرون رانده شدن از خانه های سازمانی در شکستن اعتصابات موفقیتی دربر نداشت، دولت اکنون شروع به دست زدن به اقدامات خشن تری نموده است. اطلاع موثقی به دست ما رسیده مبنی بر اینکه ۱۷۰ نفر از کارگران مناطق نفتی از دیروز دستگیر شده اند. براساس اطلاع واصله از یک مقام ارشد ایپاک در جزیره خارک دوازده نفر از کارکنان اعتصابی اسکو امروز صبح دستگیر شدند و متعاقب آن ۸ نفر اظهار تمایل نمودند تا به سرکارهایشان بازگردند. ما مطلع نیستیم که آیا به آنان اجازه داده شده که به سر کار بازگردند یا خیر. دولت ایران ظاهرا با مبادرت به دستگیری و منزوی ساختن رهبران اعتصابیون قصد شکستن اعتصاب را دارد.

۵ ایپاک از شرکت ملی نفت ایران اجازه ای دریافت نموده تا نسبت به صدور اولتیماتوم برای کارکنان اعتصابی خود شبیه به آنچه که برای اعتصابیون اسکو صادر شد، اقدام نماید. مدیریت ایپاک (یعنی آموکو) با خوشبینی نسبی بر این عقیده است، که چنانچه به آنان اجازه داده شود تا کارمندان خود را اخراج نمایند و نیز مقامات نظامی محرکین را دستگیر نمایند، قادر به شکستن اعتصاب خواهند بود. از طرف دیگر مدیریت اسکو خوشبینی خیلی کمتری داشته و ظاهرا این طور فکر می کند که امروز انفجار وخیمی در پی خواهد داشت.

۶ ما همچنان به کسب اطلاعات ادامه خواهیم داد و امروز گزارش وضعیت دیگری ارسال خواهیم داشت.سولیوان

سند شماره (۲۰)

تاریخ : ۱۲ نوامبر ۱۹۷۸ ۲۱ آبان ۱۳۵۷شماره : ۱۱۰۶۷

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : اعتصاب در بخش نفت ایران

۱ از امروز صبح وضعیت کارگری در مناطق نفتی جنوب تا حدودی بهبود یافت. اعتصابیون بیشتری شروع به کار نموده اند و در حال حاضر پنجاه درصد کارکنان (کارگران و تکنسینها) و حدود ۴۰ درصد کارمندان (اداری) مشغول کار هستند. تقریبا صددرصد کارمندان ارشد و سرپرستان به کار مشغول شده اند و نزدیک به تمام کارمندانی که سابقه کار آنها از ۵ سال کمتر است (که در حدود ۶۰ درصد نیروی کار را تشکیل می دهند) همچنان در حال اعتصاب هستند. نماینده محلی کنسرسیوم به ما گفته است که به خدمت اعتصابیون خاتمه داده می شود و فکر نمی کنیم که دستگیری ها ادامه داشته باشد. برداشت نماینده محلی کنسرسیوم از گفتگوهای امروز او با مدیریت اسکو این است که وضعیت در حال حاضر کمتر از صبح حالت انفجاری داشته، و دلایلی برای امیدواری وجود دارد که اکثر کارکنان به زودی به سرکارهایشان بازخواهند گشت، لکین هنوز موقع پیش بینی های دقیق در مورد زمان و چگونگی پایان اعتصابات نرسیده است. اسکو امیدوار است که سیاست نرمش و اجرای قانون (افزایش قابل توجه حقوق و مزایای کارکنان و اخراج و بیرون راندن اعتصابیون از خانه های سازمانی

و دستگیری احتمالی آنان) توسط دولت ایران در بازگرداندن کارکنان مؤثر و موفق باشد.

۲ به صورت فزاینده ای آشکار می گردد که دولت ایران در نظر دارد تا آنجایی که فکر می کند (لازم است برای بازگرداندن کارکنان مبادرت به اعمال فشار نماید. اگر ۹۰ درصد یا بالاتر از مجموع اعتصابیون به سرکارها بازگردند، می توانند با همکاری پرسنل نیروی دریایی و خارجیان مقیم تولید را به سرعت به سطوح بالای آن اعاده نمایند.

۳ اسکو همچنان تخلیه وابستگان کارمندان خارجی را تحت بررسی قرار داده، لیکن به نظر نمی رسد که تصمیم به تخلیه آنان محتمل الوقوع باشد.

۴ ما تخمین می زنیم که درآمد ارزی ناخالص ایران از محل صادرات نفتی به خاطر اثرات اعتصاب تا نیمه شب ۱۲ نوامبر، ۹۰۰ میلیون دلار کمتر از آنچه که در غیاب مشکلات کارگری به دست می آمد، باشد. ارزیابی ما براساس تولید ۲/۶ میلیون بشکه در روز در خلال سه هفته گذشته قرار دارد. این فرض معقول است، زیرا میانگین تولید در خلال ماه ایرانی منتهی به ۲۲ اکتبر (مهر) ۱/۶ میلیون بشکه بود و همچنین تقاضا رو به افزایش بود. این زیان قابل انتساب به تولید کاهش یافته در اثر اعتصاب می باشد، که در غیر این صورت ۱۱ میلیون بشکه نفت می توانست توسط چهار مجتمع سرمایه گذاری مشترک و ۶۰ میلیون آن نیز توسط اسکو تولید شود و مجموعا در صورت تولید صادر می شدند. علاوه بر این چنانچه امروز اعتصاب خاتمه یابد، تولید برای حداقل ۱۰ روز آینده به سطح ۳/۶ میلیون بشکه در روز نخواهد رسید، و در خلال این مدت ایران متحمل زیان اضافی در درآمدهای ارزی خود به مبلغ تقریبا ۱۰۰ میلیون دلار خواهد شد.

۵ هر چند مشکل عمده و فوری که به خاطر اعتصاب بخش نفت به بار آمد، زیان عظیم در درآمد می باشد، لیکن احتمالاً تأثیرات منفی دیگری نیز وجود خواهد داشت. برای مثال ما فکر

نمی کنیم شرکت ملی نفت ایران به راحتی بتواند مستقیما به بازاریابی برای نفت خام خود بپردازد. هر چند شرکت ملی نفت ایران در خلال ۲ تا ۳ سال گذشته به صورت فزاینده ای مستقیما موفق به بازاریابی برای مقادیر بیشتر و بیشتری از نفت خام خود گردیده است (در واقع به هزینه شرکتهای تجاری کنسرسیوم) لیکن از جانب خریداران مقاومتی وجود داشته است.قسمتی از مقاومت به همیشه به این اعتقاد گسترده مربوط می شده است که خرید از یک شرکت چند ملیتی نفتی که به انواع مختلف نفت خام دسترسی دارد، از تأمین بیشتری برخوردار است. یک چنین ملاحظه ای احتمالاً در آینده اهمیت بیشتری پیدا می کند و شرکت ملی نفت ایران مقابله را مشکل خواهد یافت. شرکت ملی نفت ایران احتمالاً می توانست از روابط خوب خویش با برخی از همکارانش در اوپک بهره جسته و اجازه برداشت و خرید نفت خام را از منابع عربستان، کویت و غیره برای مشتریان مرجح شرکت ملی نفت ایران مهیا سازد. به هر صورت ما هیچ گونه خبری حاکی از اینکه ایران با دیگر تولید کنندگان در رابطه با مسائل ایجاد شده به لحاظ اعتصاب ایران در تماس بوده است نداریم، و برداشت روشن و مشخص ما این است که مشتریان در رابطه با یافتن نفت خام به منظور جایگزینی با نفت ایران راه حل خود را در پیش گرفته اند. احتمالاً شرکت ملی نفت انتظار دارد که ارتش در شکستن اعتصاب بخش صنعت نفت به سرعت موفق شود و مشتریانش مبادرت به امضای قراردادهای بلندمدت با جاهای دیگر ننمایند. پیش بینی اینکه شرکت ملی نفت ممکن است موافقتنامه های خریدهای تهاتری و مشابه

آن را در سال آینده به امضاء برساند، می تواند تا حدود زیادی خوش بینانه باشد.

سولیوان

سند شماره (۲۱)

تاریخ : ۱۴ نوامبر ۱۹۷۸ ۲۳ آبان ۱۳۵۷شماره: ۱۱۱۴۱

از: سفارت آمریکا تهرانبه: وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفتی ایران

۱ چشم انداز بخش نفت در روز جاری درست مثل دیروز است، یعنی پیشرفت مستمر لیکن همراه با سطح بالایی از تشنجات، خصوصا در اهواز و مناطق نفتی خوزستان.

۲ اسکو در نظر دارد که امروز ۰۰۰/۹۶۸/۲ بشکه تولید نماید که ۰۰۰/۵۲۵ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی حمل خواهد شد و ۰۰۰/۴۴۳/۲ بشکه آماده صادرات خواهد بود. براساس اطلاعات ما به طور تخمینی ۷۰ درصد (شاید کمی بیشتر) کارکنان ایرانی اسکو و کارگران روزمزد کارشان را شروع کرده اند و تعداد بیشتری هنوز در حال بازگشت به سرکارها می باشند. مشکلات عمده و بزرگ صرفا در حوزه های مارون و آغاجاری وجود دارند و در آنجا تولید به لحاظ کمبود کارگران هنوز محدود است. اسکو در نظر دارد کار تأسیسات مایع سازی گاز طبیعی (یکی از شش مورد) را امروز به جریان بیندازد.

۳ اواخر روز گذشته یعنی ۱۳ نوامبر لاپکو شروع به در جریان انداختن کار تولید حوزه ساسان نمود و تا نیمه شب تولید به سطحی معادل ۰۰۰/۲۰۵ بشکه رسید. تمامی اعتصابیون لاپکو کارشان را از سر گرفته اند.

۴ ایمینوکو عصر دیروز تولید را شروع کرد و ما مسبوق هستیم که اکنون آنان در سطح ۴۵ تا ۵۰ هزار بشکه تولید می کنند. ظاهرا تمامی اعتصابیون به سرکارشان بازگشته اند.

۵ براساس اظهارات یک منبع مطلع شرکت نفت، سیریپ قرار بود که امروز تولیدش را در ساعت ۷ صبح از سر گیرد. ما هنوز تأییدیه رسمی در مورد تولید سیریپ دریافت نکرده ایم، ولی تصور می کنیم که تا امروز عصر ۵۰/۰۰۰ بشکه تولید نماید.

۶ ایپاک دیروز عصر جریان انداختن کار تولید حوزه داریوش خود را آغاز نمود، لیکن پیشرفت کار کند بوده است. پرسنل ایپاک در جزیره خارک شروع به از سرگیری کارها نموده اند، ولی اکثر پرسنل ایپاک در تأسیسات و سکوهای دریایی هنوز از پایان دادن به اعتصاب خود امتناع می ورزند و ظاهرا پرسنل تأسیسات دریایی یا هنوز خبر پیدا نکرده اند که اکثر همکارانشان کار را شروع کرده اند و یا آن را باور نمی کنند.

۷ مجموع تولید ایران در روز جاری بایستی ۳/۳ میلیون بشکه باشد که ۸/۲ میلیون بشکه آن آماده صادرات خواهد بود.

۸ مدیر روابط عمومی شرکت نفت به ما اطلاع داده است که «کمیته اعتصابیون» در پالایشگاه آبادان اعلامیه ای صادر نموده است مبنی بر اینکه چون شاه قول داده تا تقاضاهای سیاسی آنها را

برآورده سازد، آنان به اعتصاب خود خاتمه خواهند داد. ظاهرا کارکنان پالایشگاه آبادان تقاضاهایشان برای الغاء کلیه قراردادهای نفتی و بر کناری تمامی خارجیان از صنعت نفت را فراموش نموده و روی آزادی کلیه زندانیان سیاسی در آینده و استقرار یک دولت اساسا مستقل از شاه فعالیت می نمایند.

۹ از پیشرفت ۲ ۳ روز گذشته خیلی استقبال شده و خوشبینی ها افزایش می یابد. در هر حال تعداد قابل توجهی از کارکنان اسکو هنوز کار نمی کنند و ممکن است به صورت فزاینده ای نسبت به روند جاری نگرانی پیدا کنند.سولیوان

سند شماره (۲۲)

تاریخ : ۱۵ نوامبر ۱۹۷۸ ۲۴ آبان ۱۳۵۷شماره : ۱۱۲۱۴

از: سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی : خیلی محرمانه

۱ پس از شش روز بهبود متوالی در تولید نفت ایران، امروز کاهش کمی نسبت به ۳/۳ میلیون بشکه تولید شده در ۱۴ نوامبر به۲/۳ میلیون بشکه روز جاری ایجاد شده است.

۲ خبرگزاری پارس و ظاهرا برخی از رسانه ها گزارش می کنند که اعتصاب نفت خاتمه یافته است. ما اطمینان نداریم که آیا این اخبار نتیجه سردرگمی بر سر اعلامیه دیروز کارکنان پالایشگاه آبادان مبنی بر خاتمه دادن به اعتصابشان است یا اینکه شرکت نفت سیاست فریب خبری را پیشه کرده است. در هر صورت تعداد قابل توجهی از کارکنان حوزه نفتی ایپاک و اسکو هنوز به کار اشتغال ندارند. همان طور که ما دیروز گزارش کردیم، اعتصابات حداقل به طور موقت علیه لاپکو، سیریپ و ایمینوکو پایان گرفته است. به نظر می رسد اعتصابات پرسنل پالایشگاهی شرکت نفت خاتمه یافته و

امروز انتظار می رود میزان تولید قابل توجه باشد. در هر حال کارکنان ناراضی زیادی در دفتر مرکزی شرکت نفت وجود دارند که اگر کاری انجام دهند، میزان آن بسیار کم است.

۳ اسکو برنامه ریزی کرده تا امروز تولید خود را به ۰۰۰/۹۱۲/۲ بشکه برساند که ۰۰۰/۶۲۰ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی حمل می شود و ۰۰۰/۲۹۲/۲ بشکه آن آماده برای صادرات خواهد بود. ما مطلع هستیم که برکناری، اخراج از خانه های سازمانی و دستگیریهای پراکنده در مورد اعتصابیون اسکو ادامه دارد. کاهش تولید اسکو (از ۳ به ۹/۲ میلیون بشکه در روز) به لحاظ تعطیل یك واحد تولیدی بوده که آن هم به خاطر کمبود پرسنل انجام شده است. در وضعیت کارگری اسکو هیچ گونه وخامتی رخ نداده است، ولی پیشرفت به سرعتی که مورد نظر بوده انجام نشده و آنها (اسکو) خود را شدیدا در مضیقه حس می کنند.

۴ آن دسته از کارکنان اسکو چه خارجی و چه ایرانی که هنوز به کار مشغول می باشند، همچنان تهدیداتی دریافت می دارند از دو روز پیش یعنی زمان وقوع حادثه پرتاب بمب آتش زا به اتومبیلی که رانندگی آن با مدیر عامل اسکو بوده است، ما هنوز چیزی از حادثه جدی دیگری نشنیده ایم.

در هر حال میزان تشنج هنوز بالا است. مقامات حکومت نظامی در تلاشی به منظور جلوگیری از حملات بیشتر به کارکنان اسکو و خانه های آنان، نیروهایی را به مناطق مسکونی اسکو اعزام نموده و

پستهای فرماندهی در آن مناطق برقرار نموده اند.

۵ در وضعیت ایپاک از دیروز تغییری حاصل نشده است. تولید بسیار ناچیز است و کارکنان تأسیسات دریایی هنوز از بازگشت به سر کارهایشان امتناع می ورزند. مقامات آموکو فکر می کند که نیروهای نظامی ممکن است حداقل به برخی از سکوهای دریایی ایپاک رفته و به منظور شکستن اعتصاب شروع به دستگیری رهبران اعتصابیون بنمایند.

۶ مجموع تولید امروز ۲/۳ میلیون بشکه خواهد بود که به ترتیب زیر است:

اسکو ۹/۲ میلیون ، لاپکو ۲/۰ و مجموع سیریپ و ایمینوکو ۱/۰ . نفت خام آماده برای صادرات ۶/۲ میلیون بشکه خواهد بود.سولیوان

سند شماره (۲۳)

تاریخ: ۱۸نوامبر ۱۹۷۸ ۲۷ آبان ۱۳۵۷شماره: ۱۱۳۰۱

از: سفارت آمریکا تهرانبه: وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفتی ایران

۱ امروز یعنی ۱۸ نوامبر مجموع تولید ایران افزایش یافت و قرار است که در سطح ۶۷/۳ میلیون بشکه باشد که ۳ میلیون بشکه آن آماده صادرات به صورت خام خواهد بود، ارقام نشان دهنده پیشرفت در سطح خوبی می باشند، لیکن وضعیت هنوز حالت انفجاری شدیدی دارد.

۲ شب گذشته هنگامی که یک کوکتل مولوتف به طرف خانه مدیر ایرانی عملیات منطقه ای اسکو پرتاب شد، میزان تشنج در اهواز شدت یافت. این حادثه هیچ گونه جراحتی در بر نداشت. نماینده محلی کنسرسیوم به ما گفت که تعداد زیادی از پرسنل اسکو به خاطر اینکه حضور پلیس در مناطق

مسکونی اسکو برای برقراری حفاظت مفید کافی نیست، عصبانی هستند و امکان دارد که تعداد قابل توجهی از پرسنل خارجی در صورت وخیم تر شدن اوضاع ایران را ترک نمایند.

۳ نشانه دیگری مبنی بر این که ممکن است مسائل به طریقی که تا به حال جریان داشته اند، ادامه نیابند، این است که برخی از رهبران اعتصابیون که قبلاً مسئله اعتصاب علیه لاپکو را حل کرده اند، تهدید به از سرگیری اعتصابات نموده اند. گروه نسبتا کوچک کارکنان تندرو و پر سر و صدای لاپکو که قبلاً دو بار توانایی خود به اعمال نفوذ و زور در مورد همکارانشان را نشان داده اند، چون که اعتصابات ایپاک و اسکو ادامه دارد، این سؤال را مطرح می نمایند که آیا تصمیم آنها به از سرگیری کار تصمیم صحیحی بوده است یا خیر.

۴ پرسنل تأسیسات دریایی ایپاک هنوز از کار کردن امتناع می ورزند و در نتیجه تولید به حدود ۰۰۰/۳۰ بشکه از حوزه داریوش محدود است. مدیریت ایپاک منتظر مداخله ارتش و شروع دستگیری رهبران اعتصاب سکوهای دریایی است.

۵ اسکو در نظر دارد که امروز ۰۰۰/۳۴۵/۳ بشکه تولید نماید که ۰۰۰/۶۶۷ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی حمل خواهد شد و ۰۰۰/۶۷۸/۲ بشکه نیز آماده برای صادرات خواهد بود. تولید لاپکو ۰۰۰/۲۱۵ تا ۰۰۰/۲۲۵ بشکه در روز است. مجموع تولید سیریپ و ایمینوکو ۰۰۰/۹۰

بشکه در روز است و حوزه نفت شاه شرکت نفت ۰۰۰/۱۵ بشکه تولید می نماید.

(نظریه: ما کسب اطلاع کرده ایم که شرکت ملی نفت هرگز مجبور به تعلیق تولید نفت شاه نشد و در تمام دوران اعتصاب تولید این حوزه در سطوح معمولی آن بوده است، لیکن این اطلاع از اهمیت ویژه ای برخوردار نمی باشد.)سولیوان

سند شماره (۲۴)

تاریخ: ۱۹ نوامبر ۱۹۷۸ ۲۸ آبان ۱۳۵۷شماره: ۱۱۳۴۱

از: سفارت آمریکا تهرانبه: وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفتی ایران

۱ تولید نفت خام ایران هنوز به صورت بطیی افزایش می یابد و امروز ۱۹ نوامبر ۸/۳ میلیون بشکه برای تولید برنامه ریزی شده که ۱/۳ میلیون بشکه آن آماده صادرات خواهد بود.

۲ اسکو ۰۰۰/۴۵۲/۳ بشکه تولید خواهد نمود که ۰۰۰/۶۵۷ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی حمل خواهد شد و ۰۰۰/۷۹۵/۲ بشکه به صورت خام صادر خواهد شد. انتظار می رود فردا بین دویست تا سیصد هزار بشکه بر تولید اضافه شود. لاپکو، سیریپ، ایمینوکو و شرکت نفت به تولید خود کمی بالاتر از ۰۰۰/۳۰۰ بشکه ادامه خواهند داد.

۳ پرسنل ایپاک که در دریا فعالیت دارند، هنوز در اعتصاب به سر می برند و تولید محدود به آن چاههایی است که در حوزه نفتی داریوش قرار دارند، و دارای خطوط انتقال مستقیم از چاهها به جزیره خارک می باشند. امروز روز تعویض خدمه و کارکنان می باشد و مدیریت ایپاک که توسط پرسنل نیروی دریایی ایران حمایت می شوند بر اعزام کارمندان جدید ایپاک به مناطق دریایی به منظور بیرون

راندن آنهایی که کار نمی کنند، نظارت خواهند نمود.

۴ اسکو در ۱۸ نوامبر کارخانه مایع سازی گاز طبیعی ۶۰۰۰ را راه اندازی نمود و قرار است تا فردا کارخانه مایع سازی گاز طبیعی دیگری به جریان افتد. شرکت ملی گاز ایران مسائل کارگری خود را حل نموده و بنا به گزارش کارخانه آماده سازی گاز بید بلند آن قادر به انجام عملیات (آماده سازی) بر روی تمامی گاز حمل شده از واحدهای مایع سازی گاز طبیعی می باشد. دیروز برای اولین بار در خلال دو هفته گاز در ایگات ۱ در قسمت ترمینال جنوبی واقع در بید بلند جریان یافت. اگر اسکو به دایر کردن کارخانجات مایع سازی گاز طبیعی (NGL) ادامه دهد و در بید بلند مشکلاتی وجود نداشته باشد، شرکت ملی گاز ایران حداقل بایستی قادر باشند تا حمل مقداری گاز به صنایع و مشتریان بخش تجاری را در خلال چند روز آینده شروع نماید. هنوز حتی تعمق راجع به زمان از سرگیری صادرات به شوروی زود است. ۵ در همین رابطه اکثر کارمندان ایرانی شرکت شیمیایی خارک (۵۰ درصد ان. پی. سی و ۵۰ درصد آموکو) امروز صبح محل کار خود را ترک گفتند. کارخانه هنوز در سطوح کاهش یافته (تولید) به وسیله کارمندان قسمت سرپرستی که مشتمل بر ایرانی و خارجی می شود، فعالیت می نماید. به هر صورت آموکو ممکن است عمدا اجازه دهد که کارخانه تعطیل شود، تا توجهات را به جنگ در حال باختی که فکر می کنند، آنها بر پا کرده اند جلب نمایند. تعطیلی شرکت

شیمیایی خارک فورا مشهود خواهد گردید، زیرا عرضه گاز برای مصرف سوختی تمامی جزیره خارک را کاهش می دهد و همراه سایر مسائلی که ایجاد می نماید دو واحد اصلی نمک زدایی آب را که با گاز کار می کنند و تقریبا تمام آب آشامیدنی خارک را تأمین می نمایند، متوقف خواهد نمود. ۶ در تهران شایعاتی گسترش یافته مبنی بر استعفای هوشنگ انصاری رئیس هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران و جایگزینی وی با شریف امامی نخست وزیر اسبق و یا یک ژنرال. منابع ما شایعات را تکذیب می نمایند، لیکن توافق دارند که امکان بازگشت انصاری برای اداره شرکت ملی نفت بسیار بعید است.سولیوان

سند شماره (۲۵)

تاریخ: ۲۰ نوامبر ۱۹۷۸ ۲۹ آبان ۱۳۵۷شماره: ۱۱۳۶۹

از: سفارت آمریکا تهرانبه: وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفتی ایران

۱ وضعیت حوزه های نفتی ایران به استثنای اعتصاب مداوم در لاپکو، ممکن است بکندی به حالت عادی بازگردد. امروز ۲۰ نوامبر مجموع تولید در سطح ۱/۴ میلیون بشکه در نظر گرفته شده است که ۴۶/۳ میلیون بشکه آن آماده برای صادرات به صورت خام خواهد بود.

۲ اسکو در نظر دارد ۰۰۰/۷۴۳/۳ بشکه تولید نماید که که ۰۰۰/۶۳۲ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی حمل می شود(۱) ۰۰۰/۱۰۲/۳ بشکه نیز صادر خواهد شد. اسکو انتظار دارد که فردا ۴ میلیون بشکه تولید نماید و امیدوار است که ظرف ۱۰ روز به سطح ۶/۵ ۵/۵ میلیون بشکه برسد. براساس گفته نماینده محلی کنسرسیوم میزان تشنجات در مناطق نفتی اهواز و خوزستان کاهش

یافته و مدیریت اسکو از هفته های گذشته به مراتب خوشبین تر است.

۳ دیگر منابع سفارت اظهار می دارند که وضعیت هنوز هم وخیم است و به سادگی و به سرعت می تواند بدتر هم بشود. امروز به ما گفته شد که مقامات حکومت نظامی همچنان به دستگیری اعتصابیون اسکو ادامه می دهند و برخی از اعتصابیون که بر سر کارهایشان حاضر نشده اند در خلال شب در خانه هایشان دستگیر شده اند.

۴ نیروی دریایی ایران آن طور که انتظار می رفت دیروز در مقابل کارگران اعتصابی ایپاک که در دریا کار می کنند، نقش فعالی بر عهده نگرفت و خدمه جدید که به تأسیسات دریایی عزیمت کردند کاری انجام نمی دهند. تولید ایپاک در حوزه داریوش ۴۵ تا ۵۰ هزار بشکه در روز است. در وضعیت شرکت شیمیایی خارک تغییری حاصل نشده است. اعتصاب ادامه دارد لیکن خدمه ای در حد بسیار کم همچنان به تولید بنزین کافی برای تدارک سوخت جزیره خارک ادامه می دهند.

۵ تولیدکنندگان دیگر یعنی لاپکو، سیریپ، ایمینوکو و شرکت نفت به تولیدی در حدود ۰۰۰/۳۲۵ بشکه در روز ادامه می دهند. برای دو روز گذشته کارکنان لاپکو مبادرت به تکرار تهدیدات برای از سرگیری اعتصابشان ننموده اند.سولیوان

۱- اعداد دقیقاً مانند متن اصلی هستند. اختلاف موجود در مجموع دو عدد با میزان تولید کل ناشی از اشتباه در متن اصلی است. (م)

سند شماره (۲۶)

تاریخ : ۲۱ نوامبر ۱۹۷۸ ۳۰ آبان ۱۳۵۷شماره : ۱۱۴۲۴

از: سفارت آمریکا تهرانبه: وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : اعتصاب در بخش نفت ایران

۱ تولید نفت ایران همچنان که در وضعیت کارگری به تدریج بهبودی حاصل شد، رو به افزایش می رود. انتظار می رود تولید امروز یعنی ۲۱ نوامبر مجموعا به ۳/۴ میلیون بشکه برسد که ۶۶/۳ میلیون بشکه آن آماده برای صادرات به صورت خام خواهد بود.

۲ اسکو در نظر دارد ۰۰۰/۹۶۸/۳ بشکه تولید نماید که ۰۰۰/۶۸۲ شبکه آن به پالایشگاههای داخلی محل خواهد شد و ۰۰۰/۸۲۶/۳ بشکه نیز صادر می شود. حدود ۸۰ درصد کارکنان اسکو بر سر کارهایشان حاضر هستند. برخی از کارگران تهدید کرده اند که چنانچه همکارانشان که در بازداشت به سر می برند آزاد نشوند، کارشان را رها خواهند کرد. دولت ایران بنا به گزارش آزادی برخی از کارکنان بازداشتی را که به نظر می رسد مایل به بازگشت به سرکارهایشان می باشند، مورد بررسی قرار می دهد.

۳ تولید روزانه ایپاک هنوز محدود به ۵۰۰۰/۴ بشکه از حوزه داریوش می باشد، پرسنل نیروی دریایی سه سکوی دریایی را اشغال نموده اند و به اعتصابیون تا ساعت ۱۶ روز ۲۱ نوامبر فرصت داده اند تا به سرکارهایشان باز گردند.

۴ دیگر تولید کنندگان همچنان به تولیدی به میزان ۰۰۰/۳۲۵ بشکه در روز ادامه می دهند.

سولیوان

سند شماره (۲۷)

تاریخ: ۲۱ نوامبر ۱۹۷۸ ۱ آذر ۱۳۵۷شماره: ۱۱۴۹۷

از: سفارت آمریکا تهرانبه: وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفت ایران

۱ تولید نفت ایران در ۲۲ نوامبر حدودا یک میلیون بشکه افزایش یافت که در نتیجه بهبود مشخص وضعیت کارگری در مناطق نفتی بود. انتظار می رود که تولید مجموعا به حدود ۲/۵ میلیون بشکه برسد که ۵/۴ میلیون بشکه آن آماده برای صادرات خواهد بود.

۲ اسکو در نظر دارد که ۰۰۰/۶۸۲/۴ بشکه تولید نماید که ۰۰۰/۷۰۷ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی حمل خواهد شد. انتظار می رود فردا افزایش اساسی دیگری در تولید اسکو پدید آید که آن را به حدود عادی خواهد رسانید. جزییات موضوع مشخص نیست، لیکن سفارت تصور می کند که افزایش ثبت شده در تولید بدین معنی است که اعتصاب در اسکو به نحو مؤثری حداقل برای حال حاضر حل شده است.

۳ کارکنان ایپاک نیز در ۲۲ نوامبر به سر کارهایشان بازگشتند. انتظار می رود تولید ایپاک (حدود

۰۰۰/۲۰۰ بشکه در ۲۲ نوامبر) تا ۲۳ نوامبر به حالت عادی آن یعنی چیزی بیش از ۰۰۰/۴۰۰ بشکه باز گردد. کارکنان ایپاک پس از کمی تردید ظاهرا از جانب افسران مسئول نیروی دریایی اطمینان حاصل نمودند که تقاضاهایشان برای حقوق و دیگر مزایا به نحو اساسی برآورده خواهد شد.

۴ اگر افزایشها در تولید پیش بینی شده برای ۲۳ نوامبر به همان نحو که انتظار می رفت تحقق می یافت، تولید نفت ایران عملاً به میزان اصلی آن اعاده می گردید، مگر در موارد معدودی که روشهای پیچیده ای می بایست به کار گرفته شود. به نظر می رسد یک نوع متارکه آزمایشی در مورد دعوای کارگری حاصل گردیده باشد، ولی به قیمت وعده اعطای امتیازات مهم اقتصادی.سولیوان

سند شماره (۲۸)

تاریخ: ۲۹ نوامبر ۱۹۷۸ ۸ آبان ۱۳۵۷شماره: ۱۱۷۰۱

از: سفارت آمریکا تهرانبه: وزارت خارجه واشنگتن

مرجع: تهران ۱۱۶۵۴طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: گزارش وضعیت بخش نفت

۱ همان طوری که در گزارش دو روز پیش ما پیش بینی شده بود، تولید بکندی افزایش می یابد و امروز یعنی ۲۹ نوامبر به میزان ۹/۵ میلیون بشکه خواهد بود که ۲/۵ میلیون بشکه آن آماده برای صادرات خواهد بود. اسکو ۲/۵ میلیون بشکه تولید خواهد کرد، ایپاک در سطحی معادل ۰۰۰/۳۷۵ بشکه تولید می نماید و انتظار دارد تا فردا ۰۰۰/۵۰ بشکه دیگر نیز به آن افزوده شود و دیگر تولید کنندگان یعنی لاپکو، سیریپ، ایمینوکو، سوفیران و شرکت نفت در سطح ظرفیت خود تولید می نمایند که مجموعا ۰۰۰/۳۲۵ بشکه در روز می رسد.

۲ هر چند تولید و صادرات به نحو خوبی پیش می روند، ولی شرکت ملی نفت ایران همچنان

دارای مشکلات عدیده ای می باشد. پالایشگاههای آبادان، کرمانشاه و تبریز به صورت عادی فعالیت می نمایند و اولین خط تولید پالایشگاه اصفهان راه اندازی شده و در حال کار است. در هر صورت پالایشگاه شیراز هنوز تعطیل است و تولید پالایشگاه تهران فقط صد تا صد و پانزده هزار بشکه در روز است (ظرفیت = ۰۰۰/۲۲۵ بشکه در روز) و علّت آن این است که پرسنل کافی برای اداره هر دو خط وجود ندارد. علاوه بر این شرکت نفت نگران این است که برخوردهای خشونت بار اخیر در دفتر مرکزی آن شرکت در تهران (تلگرام مرجع) ممکن است باعث ترک کار عده دیگری از کارکنان پالایشگاه شود که به نو به خود می تواند، امر پالایش در پالایشگاه حساس تهران را کاهش بیشتری داده و یا حتی آن را متوقف سازد.

۳ شرکت ملی نفت ایران تاکنون هر چند که تولید پالایشگاه تهران برای یک ماه به شدت کاهش یافته است، قادر بوده تا با استفاده از موجودی پالایشگاه و انتقال تولیدات از آبادان به تهران توسط یک خط لوله، تقاضای تولیدات تصفیه شده را بر آورده سازد. در هر حال موجودی بدون شک در سطح پایینی قرار دارد و در ۲۷ نوامبر ۲۰۰ نفر از کارگران خط لوله تهران آبادان اعتصاب کردند. میزان بازدهی خط تولید کاهش یافته است و عملیات صرفا توسط گروه کاملی از پرسنل سرپرستی انجام می شود. وضعیت به سادگی می تواند وخیم تر شده و شرکت نفت و دولت ایران شدیدا نگران

احتمال تعطیلی خط تولید هستند.

۴ یکی از امکانات آسودگی خیال احتمالی افزایش بازدهی پالایشگاه تهران است و شرکت نفت در تلاش برای دستیابی بدین منظور کارکنان عملیاتی پالایشگاه را از آبادان به تهران می آورد. (خوانندگان به خاطر می آوردند چندین هفته قبل هنگامی که پالایشگاه آبادان در معرض خطر تعطیلی قرار داشت، کارگرانی از تهران به آبادان اعزام شدند.)

۵ علیرغم فقدان هر گونه اشاره ای از جانب رسانه ها (آن مقدار کمی که باقیمانده است) در خصوص کمبود احتمالی تولیدات تصفیه شده، افکار عمومی نسبت به آن آگاهی دارد. صفوف تشکیل شده در پمپ بنزینهای تهران بین ۴ تا ۶ بلوک طول دارد و تقاضای نفت سفید و نفت گاز ۲۰ تا ۲۵ درصد بیشتر از میزان آن در سال گذشته است.سولیوان

سند شماره (۲۹)

تاریخ : ۴ دسامبر ۱۹۷۸ ۱۳ آذر ۱۳۵۷شماره : ۱۱۸۳۴

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : اعتصاب در بخش نفت ایران

۱ وضعیت کارگری حوزه های نفتی ایران همچنان وخیم تر می شود. علاوه بر ایپاک که کل تولید را در ۳ دسامبر متوقف نمود، لاپکو نیز به لحاظ اعتصاب جدید مجبور شد از ساعت ۷ صبح روز ۴ دسامبر کار تولید را کاملاً متوقف نماید. علاوه بر این تعداد قابل توجهی از کارکنان اسکو مجددا اعتصاب کرده اند و در نتیجه آن هر شش کارخانه مایع سازی گاز طبیعی تعطیل شده و امروز یعنی ۴ دسامبر برنامه ریزی تولید برای ۰۰۰/۴۴۱/۴ بشکه در روز است که ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار بشکه کمتر از

میزان تولید شده در ۵ روز گذشته است. این امر حتی ممکن است شدیدا خوش بینانه باشد، زیرا ما از چندین منبع کسب اطلاع کرده ایم که کارگران همچنان به ترک کار ادامه می دهند و نگرانی تجدید شده ای وجود دارد که تولید می تواند به سادگی و سریعا به سطوح شدیدا پایین اوائل نوامبر کاهش یابد.

۲ در نتیجه تعطیل کارخانجات مایع سازی گاز طبیعی، تحویل گاز به ایگات ۱ دچار وقفه شده و صادرات به روسیه نیز از روی اجبار متوقف گردیده است. علاوه بر این اگر کارخانجات مایع سازی گاز طبیعی برای بیش از چندین روز تعطیل شوند، کارخانه LPG بندر ماهشهر نیز اجبارا تعطیل شده و در نتیجه کمبود بنزین را تشدید خواهد نمود. ما انتظار داریم که شرکت ملی گاز ایران به زودی شروع به قطع انتقال گاز به صنایع داخلی بنماید.

۳ سیریپ و ایمینوکو هنوز به تولید ادامه می دهند (به ظرفیت مجموع ۰۰۰/۹۰ بشکه در روز) لیکن منابع ما در شرکت ملی نفت ایران انتظار دارند که کارگرانشان به زودی دست به اعتصاب بزنند. حتی اگر کارگران ایمینوکو اعتصاب ننمایند، این شرکت فقط قادر است حدود ۲ تا ۳ روز دیگر به تولید ادامه دهد چونکه تمامی نفت خام ایمینوکو از طریق ترمینال لاپکو صادر می شود که به خاطر اعتصاب در آن شرکت تعطیل است و مخازن ایمینوکو نیز که در جزیره لاوان قرار دارند به زودی پر

خواهند شد.

۴ مجموع تولید ۴ دسامبر ممکن است ۵۵/۴ میلیون بشکه باشد (در صورتی که پیش بینی های اسکو برای اوائل روز تحقق یابند) که ۰۰۰/۷۹۵ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی و ۷۵/۳ میلیون نیز آماده برای صدور به صورت خام خواهد بود.

۵ اپیاک دیروز حدود ۲۰۰ نفر از کارکنان جوان خود را از جزیره خارک انتقال داد، لیکن امروز شواهد بر این دلالت دارند که هنوز کارکنان ارشدتر ایرانی تمایلی به از سرگیری تولید ندارند.

۶ وضعیت پالایشگاه تهران به نظر می رسد که حدودا مثل گذشته باشد (یعنی مطلوب نیست ولی حساس هم نیست). بنا به گزارش پالایشگاه کرمانشاه به حالت عادی عمل می نماید. پالایشگاه تبریز که تاکنون از اعتصابات لطمه ای ندیده بود، مجبور شد که تولید را به خاطر ترک کار از طرف کارگران و یا توقف آن، کاهش دهد. پالایشگاه اصفهان که یک خط آن اواخر نوامبر با کمک فلور راه اندازی شده بود تعطیل شد و پرسنل تعمیرات و نگهداری و کارگاه تعمیراتی پالایشگاه آبادان مجددا اعتصاب نموده و منابع مادر شرکت نفت انتظار دارند که اعتصاب به پرسنل عملیاتی نیز سرایت نماید.

۷ کلیه منابع ما گزارش می کنند که از سرگیری فعالیت اعتصابی در بخش نفت منحصرا به دعوت خمینی نسبت داشته و حتی یک نمونه مشهود از منطق اقتصادی در آن وجود ندارد. مقامات حکومت نظامی اهواز مجددا برخی از اعتصابیون را دستگیر می نمایند که احتمالاً برخی از افرادی هستند که دو سه روز بیش دستگیر شده و بعدا آزاد گردیدند و یا برخی از افرادی که دو سه هفته پیش آزاد شدند و متعاقبا تحت مراقبت مشغول به کار گردیدند.

۸ ما انتظار دریم که وضعیت حداقل در خلال چند روز آینده بدتر شود.

سولیوان

سند شماره (۳۰)

تاریخ: ۵ دسامبر ۱۹۷۸ ۱۴ آذر ۱۳۵۷شماره: ۱۱۸۷۳

از: سفارت آمریکا تهرانبه: وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفت ایران

۱ همان طوری که کارکنان بیشتری به اعتصابیون می پیوندند تولید نفت ایران مستمرا کاهش می یابد. اسکو نتوانست به هدف خود برای تولید ۴۴/۴ میلیون بشکه در روز ۴ دسامبر برسد و تولید واقعی حدودا به ۲/۴ میلیون بشکه کاهش پیدا کرد (۱/۴ توسط اسکو ۱/۰ بوسیله سیریپ، ایمینوکو، شرکت نفت و سوفیران).

۲ امروز یعنی ۵ دسامبر اسکو انتظار دارد که ۰۰۰/۶۱۰/۳ بشکه تولید نماید که ۰۰۰/۶۷۸ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی حمل خواهد شد و باقیمانده صادر خواهد گردید. در هر حال این برآورد (مثل دیروز) براساس این فرضیه پیش بینی و تعیین شده است که وضعیت کارگری حوزه ها با پیشرفت روز وخیم تر نخواهد شد و ممکن است یک فرضیه اساسا غلط باشد.

۳ ایپاک و لاپکو هنوز به طور کامل تعطیل هستند. سیریپ، ایمینوکو، سوفیران و شرکت نفت

(حوزه نفت شاه) همچنان تولید می کنند، ولی میزان آن فقط صد هزار بشکه است. ایمینوکو ممکن است مجبور شود فردا کل تولید را متوقف نماید و آن به خاطر عدم توانایی در صدور از طریق تأسیسات بارگیری است که به لحاظ اعتصاب تعطیل شده اند.

۴ وضعیت پالایش از دیروز تغییری نیافته و وضع خوبی ندارد، ولی تنها دلگرمی این است که به نظر نمی رسد بدتر شود.

۵ تماسهای ما با یک سری از منابع صنعتی، ما را مجبور نموده که قبول کنیم شرکت نفت و دولت ایران از حالا تا ۱۲ دسامبر کاری برای شکستن اعتصاب انجام نخواهند داد. ارتش پس از عاشورا تلاش خواهد نمود تا اعتصاب را با به خدمت گرفتن تاکتیکهای مشابهی که قبلاً در اواسط نوامبر موفقیت خود را به ثبوت رسانیده اند (یعنی تقاضای اینکه اعتصابیون به سر کارهایشان باز گردند، یا اخراج شده و از خانه های سازمانی بیرون رانده شوند و یا امکان دستگیری مواجه باشند) اعتصاب را بشکند.سولیوان

سند شماره (۳۱)

تاریخ : ۶ دسامبر ۱۹۷۸ ۱۵ آذر ۱۳۵۷شماره : ۱۱۹۵۲

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : اعتصاب در بخش نفت ایران

۱ تولید نفت خام ایران همچنان کاهش می یابد و امروز یعنی ۶ دسامبر مجموع تولید برای ۰۵/۳ میلیون بشکه برنامه ریزی شده است، که ۰۰۰/۷۰۰ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی حمل خواهد شد و باقیمانده صادر خواهد شد. در هر صورت تخمین امروز (مثل تخمین های دو روز گذشته)

احتمالاً خیلی خوش بینانه است و سفارت تخمین می زند که تولید واقعی از میزان پیش بینی شده شاید ۲۰۰/۰۰۰ بشکه کمتر باشد.

۲ مدیریت اسکو عقیده دارد که تولید در سطحی خیلی بالاتر از ۱/۱ میلیون بشکه در روز تثبیت خواهد شد که ماه گذشته تولید شده بود و این به خاطر در دسترس قرار داشتن ۱۶۰ تکنسین نیروی دریایی ایران است که برای فعال کردن تأسیسات نفتی آموزش دیده اند. این امر ممکن است امکان پذیر باشد لیکن فرض بر این قرار می گیرد که تحصن و ترک کار پرسنل عادی ممکن است اساسا گسترده تر از ماه گذشته نباشد، و بایستی دید که به چه نحو عمل خواهد شد.

۳ در خلال ۲۴ ساعت گذشته هیچ گونه تغییراتی در وضعیت تولیدکنندگان دیگر (شرکتهای طرف سرمایه گذاریهای مشترک، سوفیران و شرکت نفت) یا پالایشگاهها وجود نداشته است. در هر حال ما امروز صبح از مدیر توزیع داخلی و فروش شرکت نفت (حفاظت شود) کسب اطلاع کردیم که موجودی نفت سفید و نفت گاز به شدت پایین است و تولید جاری پالایشگاه، تقاضا را تأمین نمی نماید. منبع ما گفت هر چند که هوا نسبتا ملایم است، ولی تقاضای مشتقات حد وسط (میانی) تقریبا ۵۰ درصد بیشتر از میزان سال گذشته آن در همین تاریخ است. او پیش بینی می کند که کمبودهای جدی پیش خواهد آمد و به سادگی خواهند توانست سیستم توزیع را در هم بریزند. منبع ما

همچنین گفت که شرکت نفت در بازار جهانی در تلاش انجام برخی خریدهای مقطعی تولیدات است، لیکن از این وحشت دارد که این کار ممکن است برای جلوگیری از بحران خیلی دیر باشد.

۴ طبق شایعات جاری، قرار است دکتر پرویز مینا (مدیر سابق امور بین الملل) به عنوان مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران جانشین هوشنگ انصاری شود. براساس گفته یک منبع نزدیک به مینا، شغل به وی پیشنهاد شده است، لکن وی قبل از تقبل آن خواهان برخی تأمینات (نامعلوم) شده است. خبری که به این شایعه اساس و پایه ای داده است، این بود که مینا اواخر هفته گذشته به صورت غیر منتظره ای به تهران بازگشت. ما از انتصاب دکتر مینا متعجب نخواهیم شد، لیکن تردید داریم که چنین حرکتی قبل از عاشورا یعنی ۱۱ دسامبر ۱۹۷۸ انجام شود.سولیوان

سند شماره (۳۲)

تاریخ: ۸ دسامبر ۱۹۷۸ ۱۷ آذر ۱۳۵۷شماره: ۱۲۰۴۳

از: سفارت آمریکا تهرانبه: وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفت ایران

۱ به نظر می رسد که وخیم تر شدن وضعیت بخش نفت ایران حداقل به طور موقت متوقف شده باشد. تولید نفت خام توسط اسکو در ۸ دسامبر در سطح ۰۰۰/۷۵۶/۲ بشکه برنامه ریزی شده است (حدود و مقادیر دو روز قبل) که ۰۰۰/۶۸۱ بشکه به پالایشگاههای داخلی حمل خواهد شد و باقیمانده آماده صادرات خواهد بود. ما تصور می کنیم (لیکن به لحاظ تعطیلات آخر هفته ایران نمی توانیم آنرا تأیید نماییم) که دیگر تولید کنندگان کوچک بجز ایپاک و لاپکو که هنوز کاملاً تعطیل هستند، فعلاً حدود ۰۰۰/۱۲۵ بشکه تولید می نمایند.

۲ وضعیت امنیتی اهواز در نتیجه برخورد روز ۷ دسامبر در گورستان اهواز بین سربازان و گروهی از مردم شهر متشنج تر شده است و بنا به گزارش چهار نفر از مردم شهر کشته شدند. کارمندان اسکو چه ایرانی و چه خارجی که مشغول به کار هستند تهدیدات مکرری دریافت می دارند، لیکن برنامه ارعاب به نظر می رسد که از ماه گذشته موفقیت کمتری داشته است. ما فکر می کنیم که روحیه افراد در مناطق نفتی هنوز نسبتا خوب است، که شاید تا حدودی به لحاظ تلاش فراوان ارتش در استفاده از منابع زیادش جهت برقراری امنیت مؤثر برای پرسنل صنعت نفت بوده باشد.

۳ وضعیت پالایشگاهها و سیستم توزیع داخلی بنا به گزارش تغییری نیافته است، مگر به خاطر تعطیلی ۶ دسامبر به لحاظ اقدام به اعتصاب که آن هم در حدود ۸۰۰/۰۰۰ بشکه است. مسائل مبتلا به اعتصاب، سیاسی و رفاهی هستند. کنسولگری تبریز گزارش می کند که ذخایر پالایشگاه از سه روز بیشتر نیست.سولیوان

سند شماره (۳۳)

تاریخ : ۱۳ دسامبر ۱۹۷۸ ۲۲ آذر ۱۳۵۷شماره: ۱۲۱۷۶طبقه بندی : خیلی محرمانه

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

موضوع : اعتصاب در بخش نفت ایران

۱ تولید نفت خام ایران کمی کاهش یافته و مجموع تولید برنامه ریزی شده بر ای ۱۳ دسامبر ۱۷/۱ میلیون بشکه است که فقط به میزان خیلی کمی بیش از مقدار تولید شده در سطح پایین روز ۸ نوامبر است. تحویل نفت خام به پالایشگاهها نیز پایین است و کمبودهای جدی در تولیدات پالایش شده غیر قابل اجتناب به نظر می رسد.

۲ اسکو در نظر دارد روز ۱۳ دسامبر ۰۰۰/۱۰۲/۱ بشکه تولید نماید که ۰۰۰/۵۳۰ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی حمل می شود و ۰۰۰/۵۷۱ بشکه نیز آماده صادرات خواهد بود. نمایندگان محلی کنسرسیوم نمی دانند کاهش ۰۰۰/۱۴۶ بشکه ای امروز در اثر چه عاملی بوده است.

۳ هیچگونه تغییری در وضعیت شرکتهای ایپاک و لاپکو که تعطیل شده اند به وجود نیامده است. اعتصابیون شرکتهای طرف سرمایه گذاری مشترک حتی این را که چه موقع و تحت چه شرایطی کار را شروع خواهند کرد، با مدیریت در میان نمی گذارند. سیریپ، سوفیران و شرکت نفت همچنان به تولید حدود ۰۰۰/۷۰ بشکه ادامه می دهند.سولیوان

سند شماره (۳۴)

تاریخ : ۱۴ دسامبر ۱۹۷۸ ۲۱ آذر ۱۳۵۷شماره : ۱۲۲۵۴

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : اعتصاب در بخش نفت ایران ۱۴ دسامبر

۱ مجموع تولید نفت خام ایران در ۱۴ دسامبر ۲/۱ میلیون بشکه خواهد بود که درست به میزان تولید شده روز پیش است. وضعیت تولید در حال حاضر با ثبات است، لیکن خیلی شکننده می باشد و وضعیت تا آنجایی که به پالایش مربوط می شود رو به وخامت می گذارد.

۲ اسکو امیدوار است و خصوصا بیش از آن انتظار نیز دارد که تولید را در سطح ۱/۱ میلیون بشکه نفت روزانه حفظ کند، در هر حال وضعیت کارگری می تواند بدتر هم شود و در آن صورت سطح تولید به ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار بشکه در روز نیز می رسد. این میزان حداقل همچنان می تواند با ۱۵۰ تا ۱۶۰ تکنسین نیروی دریایی که در مناطق نفتی فعالیت می نمایند، حفظ گردد. ملوانان تنها کارکنان تولید مناطق پاریز و کرنج می باشند و نیز می توانند دو واحد تولیدی دیگر را نیز اداره نمایند. آنان در شیفتهای ۱۲ ساعتی کار می کنند و در تأسیسات رفاهی منطقه بندری سکونت دارند.

۳ اعتصاب فعلی کارکنان اسکو به نحو قابل ملاحظه ای از اوائل نوامبر گسترده تر است. علاوه بر این خیلی از آنهایی که هنوز کار می کنند به سرپرستان خود گفته اند که فقط به منظور تولید نفت خام کافی برای بازار داخلی کار می کنند. آنان تهدید کرده اند که چنانچه اسکو مبادرت به افزایش تولید نماید و یا پرسنل نظامی را در کنار آنان وارد کار نماید، دست از کار خواهند کشید و بنابر این

تکنسینهای نیروی دریایی منزوی شده و تنها مسئولیت واحدهای تولیدی مشخصی به آنان واگذار گردیده است.

۴ برخی از اعتصابیون نیز تهدید نموده اند چنانچه تولید افزایش یابد به تاکتیکهای خشنی دست خواهند زد و مقامات باتجربه و سطح بالای آمریکایی اسکو متقاعد شده اند که تهدیدات جدی هستند. امروز صبح یکی از مقامات ارشد اسکو به ما گفت که تولید می تواند با پرسنل موجود کمی افزایش یابد؛ لیکن ترس از تلافی تاکنون از آن جلوگیری نموده است. مقام اسکو که ما با وی گفتگو نموده ایم گفت که اعتصابیون اظهار داشته اند هیچ گونه شکایتی از شرکت ندارند، بلکه اعتصاب یک مسئله ایدئولوژیک است و بنابراین مدیریت اسکو در گفتگو راجع به بازگشت به کار صرفا وقت خود را تلف می کند. منبع ما که اعتماد زیادی به وی داریم، انتظار ندارد که پس از تعطیلات آخر هفته تعداد زیادی به سر کار باز گردند.

۵ اسکو، شرکت ملی نفت و نیروی دریایی خودشان را برای مسائل بدتر از این هم آماده می کنند و دیروز در اهواز جلسه ای برای بحث در مورد اینکه ارتش به منظور کمک چه کارهای بیشتری می تواند انجام دهد، برگزار گردید. اسکو پیشنهاد کرد که ۵۰۰ ملوان دیگر از نیروی دریایی را آموزش دهد. پاسخ مقام عالیرتبه نیروی دریای که در جلسه حضور داشت، این بود که انتقال ۵۰۰ ملوان دیگر مستلزم کنار گذاشتن دو ناوشکن است و تأیید این مطلب بایستی از تهران بیاید.

۶ امروز صبح ارقام دقیق تولید و تفکیک آن به صادرات و مصرف پالایشگاههای داخلی قابل دسترسی نبودند. به هر صورت به ما اطلاع داده شد که در ۱۴ دسامبر ۱/۱ میلیون بشکه توسط اسکو تولید خواهد شد و میزان قابل حمل به پالایشگاه آبادان از ۱۳ دسامبر کمتر خواهد بود. (از هنگامی که میزان آن ۵۴۴/۰۰۰ بشکه بود)، در صورتی که حمل محمولات به پالایشگاه تهران در حدود قبلی

خواهد بود (میزان حمل در ۱۳ دسامبر ۰۰۰/۷۴ بشکه بود) منبع ما سوءظن ما در مورد افزایش مشکلات کارگری پالایشگاه آبادان را تأیید نموده (که در ۱۱ دسامبر طی تلگرام ۱۲۰۹۹ تهران گزارش شد) و گفت که وضعیت بسیار وخیم شده است. کمبودهای داخلی در زمینه نفت گاز و نفت سفید پدیدار شده است، ولی هنوز مشکلات جدی یا ترس و وحشت ایجاد ننموده اند. ظاهرا واردات تولیدات پالایش شده در بندر ماهشهر شروع شده، ولی در بهترین وضعیت ورود تولیدات کافی برای جبران کمبودهای فعلی و در صورت دخالت ندادن مشکلاتی که در اثر بروز کاهش شدید در تولید پالایشگاه آبادان به وجود خواهد آمد، امر مشکلی خواهد بود. علاوه بر مشکل تأمین نیازهای وارداتی، تأسیسات بندر ماهشهر برای صادرات طرح ریزی و ساخته شده و آسان نخواهد بود که از همان تأسیسات برای اداره امور مقادیر زیاد واردات استفاده شود.

۷ مشکل دیگری که در مقابل قرار داد فشار رو به کاهش گاز در خط لوله ایگات ۱ است و همچنان گاز را برای مصارف خانگی داخلی تأمین می سازد و حدودا از دو هفته پیش صادرات و مصارف تجاری صنعتی قطع شده است. حدود ۱۲۵ میلیون فوت مکعب استاندارد گاز به طور روزانه در واحدهای تولیدی اهواز سوزانیده می شود و این میزان گاز در صورتی که اسکو قادر بود تا یکی از کارخانجات مایع سازی گاز طبیعی را راه اندازی نمایند می توانست در خط لوله ایگات ۱ جریان یابد.

در هر صورت پرسنل در حال اعتصاب هستند و در ۱۳ دسامبر مقامات حکومت نظامی اهواز

مبادرت به شناسایی برخی از این اعتصابیون نمودند، به این منظور که سایر اعتصابیون را حتی به صورت موقت مجبور به بازگشت به سرکارهایشان بنمایند. از امروز یعنی ۱۴ دسامبر، مقامات حکومت نظامی قادر نبوده اند که حتی سرپرست ارشد کارخانه مایع سازی گاز طبیعی را پیدا نمایند.

۸ وضعیت تولید کنندگان کوچکتر تغییری نیافته است. ایپاک، لاپکو و ایمینوکو کاملاً تعطیل هستند. سیریپ، سوفیران و شرکت نفت همچنان روزانه ۶۰ تا ۷۰ هزار بشکه تولید می نمایند.سولیوان

سند شماره (۳۵)

تاریخ: ۱۶ دسامبر ۱۹۷۸ ۲۵ آذر ۱۳۵۷شماره : ۱۲۲۷۸

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : گزارش ۱۶ دسامبر در مورد بخش نفت

۱ امروز یعنی ۱۶ دسامبر اسکو در نظر دارد ۰۰۰/۶۷۴/۱ بشکه تولید نماید که ۰۰۰/۶۴۶ بشکه به پالایشگاههای داخلی حمل خواهد شد و ۰۰۰/۰۲۸/۱ بشکه نیز برای صادرات آماده خواهد بود. سیریپ، سوفیران، و شرکت نفت همچنان به تولید ۶۶ تا ۷۰ هزار بشکه در روز ادامه می دهند.

۲ افزایش ۰۰۰/۴۰۰ بشکه ای توسط اسکو نتیجه راه اندازی یک واحد تولیدی در گچساران و واحد دیگری در بی بی حکیمه است. کارکنان این دو واحد به صورت داوطلبانه امروز صبح به سرکارهایشان بازگشته اند ولی عملاً تنها کارگرانی هستند که به سر کار بازگشته اند. دیگر اعتصابیون هیچ گونه علائمی از قصد بازگشت نشان نداده اند، و بنابراین هنوز خیلی زود است که بگوییم بازگشت

دو دسته از کارکنان روندی را نشان می دهد.

۳ اسکو و مقامات شرکت نفت امروز با اعتصابیون جنوب ملاقات می نمایند تا به آنان بگویند، چنانچه به سرکارهایشان باز نگردند، وضعیت از کنترل آنها خارج است و مقامات حکومت نظامی اداره امور را به دست خواهند گرفت. ما انتظار داریم که ارتش فردا یعنی ۱۷ دسامبر شروع به اعمال فشارهایی بنماید. به نظر می رسد وضعیت وخیمتر از ماه گذشته است و با در نظر گرفتن اشاره خمینی به دعوت خود برای ادامه اعتصاب در بخش نفت ما در مورد امکان برخوردهای خشونت بار نگران هستیم.

۴ حمل نفت خام به پالایشگاهها در حالی که هنوز به آرامی صورت می گیرد، برای دو روز متوالی گذشته افزایش داشته است. اکثر افزایشها در حمل محمولات به تهران بوده است. در زمینه نفت، گاز، نفت سفید کمبودهای داخلی وجود داشته است و خیلی از جایگاههای فروش بنزین در تهران در خلال دو روز گذشته با نیاز بیشتری از آنچه که می توانند برآورده سازند مواجه بوده اند، و در هر حال کمبودها هنوز حاد و بحرانی نیستند.سولیوان

سند شماره (۳۶)

تاریخ : ۱۷ دسامبر ۱۹۷۸ ۲۶ آذر ۱۳۵۷شماره : ۱۲۳۱۱

از: سفارت آمریکا تهرانبه: وزارت خارجه واشنگتن دی. سی. فوری

طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : اعتصاب در بخش نفت ۱۷ دسامبر

۱ قرار است اسکو در تاریخ ۱۷ دسامبر ۰۰۰/۱۴۰/۲ بشکه نفت تولید کند که ۶۵۴۰۰۰ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی تحویل خواهد شد و ۰۰۰/۴۹۵/۱ بشکه آن صادر خواهد شد. ایپاک، لاپکو و ایمینوکو هنوز هم تعطیل هستند، اما تولید کنندگان کوچک دیگر در حال تولید بین ۶۰ هزار تا ۷۰ هزار بشکه در روز هستند.

۲ حدود ۵۰ درصد کارگران حوزه عظیم گچساران به محل کار خود بازگشته و ۳ واحد تولید مشغول کار است، که ظرفیت تولید کامل نیست. یکی از واحدهای تولیدی که در تاریخ ۱۶ دسامبر در بی بی حکیمه وارد مرحله تولید شد، به صورت عادی کار می کند. پرسنل ایرانی مشغول گرداندن حوزه های پاریز و کرنج هستند و حوزه اهواز نیز تا حدودی مشغول تولید است. با این وصف وضع کارگری در حوزه های اهواز، مارون و آغاجاری بهبود پیدا نکرده است.

۳ ارتش خود را آماده دخالت مستقیم و فوری در این وضع کرده است، یکی از ژنرالهای ارتش به آغاجاری، دیگری به گچساران و دو سرهنگ به اهواز فرستاده شده اند، تا عملیات ارتش را در بازگردان تولید به وضع عادی رهبری کنند.

از اسکو خواسته شده که اسامی سران کارگران اعتصابی و افراد محرک را به ارتش بدهد و علاوه بر این به اسکو گفته شده که این گونه افراد در دادگاههای نظامی گچساران، آغاجاری یا اهواز تحت

شرایط لایحه خرابکاری در صنعت نفت مربوط به سالهای ۳۱۹۵۱ یعنی دوره ملی شدن نفت محاکمه خواهند شد.

دو شرکت مهمی که با سرمایه گذاری مشترک ایجاد شده، یعنی ایپاک و لاپکو نیز مطلع شده اند که همین اقدامات در مورد جزایر خارک و لاوان به عمل خواهد آمد و تیمهایی تحت سرپرستی افسران نظامی فردا وارد جزیره خواهند شد. ارتش به اسکو گفته است که سران و محرکینی که در زمینه خرابکاری در صنعت نفت (یعنی اعتصاب) مقصر شناخته شوند از خانه های سازمانی اخراج و اسامی آنها علنا اعلام خواهد شد تا نتوانند در آینده به استخدام دولت ایران و یا شرکتها و مؤسسات دولتی درآیند.

۴ در مورد انتصاب تکنیسینهای دیگر نیروی دریایی به اسکو جهت آموزش و یا استخدام به عنوان کارگران حوزه نفتی چیز جدیدی نشنیده ایم و گمان می کنیم که این تصمیم موکول به زمانی خواهد شد که ارتش بتواند کارگران اعتصابی را وادار به بازگشت نماید. با این حال، اگر لازم باشد که ۵۰۰ ملوان دیگر وارد حوزه های نفتی شوند، همان طور که به اسکو (در تهران ۱۲۲۵۴) گزارش شده، هیچ یک از ناوچه های نیروی دریایی بی پرسنل نخواهد ماند.

۵ پالایشگاه تبریز در تاریخ ۱۶ دسامبر به جریان افتاد و به ما گفته شد که مشکلات کارگری در پالایشگاه آبادان حل شده است. پالایشگاه تهران با ۵۰ درصد ظرفیت تولید کار می کند، ولی

پالایشگاههای شیراز و اصفهان هنوز هم تعطیل هستند و کمبود فرآورده های نفتی بسیار محسوس است ولی چندان خطیر نیست و به نظر می رسد که این وضع تا پایان زمستان به طرز غیر قابل پیش بینی ادامه داشته باشد. در مورد این موضوع مهم فردا نیز گزارشی ارسال خواهیم نمود.

۶ شرکت ملی نفت ایران جلسه ای با حضور اعضاء هیئت مدیره در تاریخ ۱۶ دسامبر داشت و اعلام شد که استعفای (غیابی) هوشنگ انصاری تسلیم و پذیرفته شده است. تعدادی از منابع معمولاً موثق می گویند که عبداللّه انتظام قرار است جانشین انصاری شود. انتظام دیپلمات پیشین ۸۱ ساله است که وزیر خارجه (۵۵ ۱۹۵۳)، و مدیر عامل پیشین شرکت ملی نفت ایران (۶۳ ۱۹۵۷) بود او را فردی صادق و نسبتا مستقل در محفل کوچک ایرانیان مسن و عاقل می دانند.سولیوان

سند شماره (۳۷)

تاریخ : ۱۸ دسامبر ۱۹۷۸ ۲۷ آذر ۱۳۵۷شماره : ۱۲۳۴۹

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : اعتصاب در بخش نفت ایران

۱ انتظار می رود که تولید در روز جاری یعنی ۱۸ دسامبر ۰۰۰/۴۰۰ بشکه افزایش یابد، ولی اعتصاب ادامه می یابد. فی الواقع به ما اطلاع داده اند که اسکو امروز کارکنان کمتری را نسبت به دیروز در خدمت دارد. برنامه ریزی شده که اسکو ۰۰۰/۵۱۴/۲ بشکه تولید نماید که ۰۰۰/۷۲۸ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی حمل خواهد شد و ۰۰۰/۷۸۶/۱ بشکه آماده صادرات خواهد بود. ایپاك، لاپکو و ایمینوکو هنوز تعطیل هستند و منابع ما هیچ گونه دلیلی مبنی بر خوشبینی ارائه نمی نمایند. سیریپ، شرکت نفت ملی ایران و سوفیران حدود ۰۰۰/۹۰ بشکه در روز تولید می نمایند، ولی خیلی

از کارکنان سوفیران تهدید به اعتصاب نموده اند. چنین تحولی صرفا از نظر روانی اهمیت دارد، چون که تولید سوفیران حدود ۳۰/۰۰۰ بشکه در روز است.

۲ اسکو دیروز تلاش کرد تا با راه اندازی کارخانه مایع سازی گاز طبیعی ۶۰۰ در اهواز تحویل گاز طبیعی به خط لوله ایگات ۱ را مجددا آغاز نماید. اواخر بعد از ظهر روز گذشته با تلاش و مشکل بیش از حدی، گروهی جمع آوری شده و به کارخانه مایع سازی گاز طبیعی اعزام شدند، لیکن قبل از اینکه کارخانه شروع به کار نماید، قطع برق پیش آمد (برق توسط شرکت آب و برق خوزستان تأمین می شود) خدمه اسکو امروز صبح قبل از اینکه جریان برق برقرار شود از محوطه کارخانه خارج شدند و کارخانه مایع سازی گاز طبیعی ۶۰۰ هنوز نیمه تعطیل است. مدیریت اسکو تحت فشار شدیدی قرار دارد که ثابت نماید برخوردی بین اعتصابیون اسکو و کارکنان همفکر آنان در OSCO وجود داشته است، لیکن نسبت به آن تردید دارد.

۳ وضعیت پالایش از دیروز تغییری نیافته است. تبریز به صورت عادی فعالیت دارد. آبادان نسبتا به صورت عادی فعالیت دارد و پالایشگاه تهران حدود ۵۰ درصد ظرفیت فعالیت دارد، کمبودهایی مستمر در زمینه نفت گاز و نفت سفید وجود دارد در تهران و شاید در دیگر مراکز مصرفی، شرکت نفت توزیع مشتقات میانه را در سطح دو سوم تقاضای طبیعی برای این برهه از سال محدود

نموده است. این کمبودها ادامه خواهند یافت و شاید حتی برای زمستان بدتر هم بشوند و این مسئله بدون توجه به آنچه که در پالایشگاهها اتفاق می افتد و نیز بدون توجه به واردات کالاهایی که هم اکنون شروع شده اند، روی خواهد داد.

۴ مدیر کل شرکت نفت در خصوص توزیع داخلی و فروش (حفاظت شود) به ما گفت که ذخائر مشتقات میانه در سطح کشور فقط ۱۰ روز مصرف را تکافو می کند (تقاضای طبیعی زمستان برای مشتقات میانه ۰۰۰/۴۲۰ بشکه در روز است) در حالی که ذخایر تهران کمتر از یک روز نیاز مصرفی است. وی همچنین گفت که حداکثر تولید احتمالی مشتقات میانی با فرض عملکرد تمام پالایشگاهها به صورت عادی، چیزی زیر ۰۰۰/۴۲۰ شبکه در روز است. معمولاً ذخایر در خلال تابستان جمع آوری می شوند و در طول زمستان به تدریج مصرف می شوند. در حال حاضر ۴۰ روز ذخیره میزان حداقلی است که برای گذراندن زمستان مورد نیاز می باشد. منبع ما گفت که شرکت نفت خرید ۲ میلیون تن تولیدات پالایش شده را مد نظر قرار داده است، لیکن او همکارانش را متقاعد ساخته است که سیستم توزیع داخلی انتقال بیش از ۰۰۰/۵۰۰ تن از بنادر خلیج فارس (بندر ماهشهر و بندرعباس) به مراکز مصرف داخلی در دو ماه آینده را نمی تواند تحمل نماید، و متعاقبا احتمال دارد که زمستان امسال در بیشتر شهرهای داخلی ایران سرد و طولانی باشد.سولیوان

سند شماره (۳۸)

تاریخ : ۲۳ دسامبر ۹۷۸ ۱ ۲ دی ۱۳۵۷شماره: ۱۲۵۴۲

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

مرجع : لندن ۲۱۰۵۰طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : اعتصاب در بخش نفت ایران ۲۳ دسامبر ترورها

۱ پل گریم مدیر عملیات اسکو و یک سرپرست ایرانی منطقه حفاری که در استخدام اسکو بود، در دو واقعه جداگانه در شهر اهواز حدود ساعت ۷ صبح روز ۲۳ دسامبر کشته شدند. گریم یک شهروند آمریکایی بود که موقتا از تگزاکو مأمور خدمت در اسکو شده بود.

براساس اطلاعات ما، گریم همانطوری که به تنهایی در مسیر جاده مسجد سلیمان (یک راه اصلی که به اهواز منتهی می شود) برای رفتن به سر کارش رانندگی می کرد به وسیله آتش یک اسلحه اتوماتیک کشته شد. بنا به گزارش، کارمند ایرانی اسکو در حالی که آماده می شد تا به محل دفتر کار اسکو برود در مقابل خانه اش به قتل رسید.

۲ اتفاقا، گریم منبع اصلی سفارت برای پاراگراف ۴ گزارش ۱۴ دسامبر ما در مورد بخش نفت بود (تهران ۱۲۲۵۴) که در آن ما گزارش کرده بودیم که مقامات آمریکایی سطح بالای اسکو متقاعد شده بودند که تهدیدات اعتصابیون برای استفاده از تاکتیکهای خشن، جدی هستند.

۳ اسکو در اهواز جلساتی برای بحث در مورد وضعیت و تخلیه احتمالی (پرسنل) برگزار می نماید و ما انتظار داریم که اکثر خانواده های خارجی باقی مانده و برخی کارمندان خارجی رفتن را انتخاب نمایند. ما مطلع هستیم که دفتر کنسرسیوم در لندن ترتیباتی داده که چنانچه افراد بیشتری مایل به ترک (ایران) باشند پروازهای فوق العاده ای برای آن دسته از افرادی که تعدادشان افزون بر پروازهای

برنامه ریزی شده است، برقرار نماید.

۴ ما همچنین تأیید گزارشات مبنی بر اینکه یک کامیون سبک و یک کامیون سنگین متعلق به شرکتهای خدماتی خارجی مناطق نفتی (آمریکایی و فرانسوی) در اهواز احتمالاً به وسیله بمب آتش زا نابود شده اند را دریافت نمودیم. ما همچنین تأییدیه گزارش تلکس مرجع در ارتباط با خرابکاری خط لوله نفت خام را اخذ کرده ایم. در هر صورت نماینده محلی کنسرسیوم در تعطیلات به سر می برد و معاون وی اطلاعی از واقعه نداشت. معاون نماینده محلی کنسرسیوم نیز از نامه استعفای دسته جمعی (تلگرام مرجع) خبری نداشت و ما تا کنون قادر نبوده ایم هیچ گونه اطلاعات دیگری به دست آوریم.

۵ حتی پیش از این اتفاقات، اعتصابیون مناطق نفتی مواضع خود را سخت تر نموده بودند. اعتصابیون لاپکو این طور اظهار می کرده اند که در ۲۶ دسامبر ممکن است به سر کارهایشان باز گردند لیکن ممکن است این تصمیم را نیز بگیرند که به اعتصابشان ادامه دهند تا اینکه یک دولت غیر نظامی بر سر کار آید. مدیریت ایپاک که از آموکو می باشد، عملاً امید از سرگیری تولید در آینده نزدیک را از دست داده است. کارکنان ایرانی ایپاک در تمام سطوح شرکت حداقل نسبت به تقاضاهای رهبران اعتصاب از خود هواداری نشان می دهند و سرپرستان ایپاک از تقاضا یا ترغیب زیردستان خود برای از سرگیری کار امتناع می ورزند.

۶ بنا به گزارش مجموع تولید نفت خام در ۲۱ و ۲۲ دسامبر به طور میانگین ۶/۳ تا ۷/۳ میلیون بشکه شد. به لحاظ آشوب در اسکو، ما تخمینی از تولید امروز یعنی ۲۳ دسامبر نخواهیم داشت.

۷ از هنگام شروع اولیه اعتصابات سیاسی آشکار بخش نفت در اواخر اکتبر، مقامات ارشد دولت ایران، شرکت نفت و حتی ارتش ایران در مورد امکان تحریک به وقوع حوادث حاد و وخیم نگران بوده اند. این امر تا حدود زیادی به خاطر نگرانی از این امر است که ارتش برای اعمال فشار زیاد روی

اعتصابیون بسیار بی میل بوده است.

در هر حال تأکید بر در باغ سبز نشان دادن به جای استفاده محتاطانه و معقولانه از نیروی قهریه، نه فقط منتج به ادامه اعتصاب شده است، بلکه حتی از متوسل شدن (مخالفین) به تروریسم نیز جلوگیری ننموده است. وضعیت برای اداره مشکلات و مسائل به لحاظ بالا گرفتن مجدد تاکتیکهای خشونت بار و نیز به خاطر اینکه دولت ایران، شرکت نفت و ارتش قسمت اعظم اعتبارشان را از دست داده اند، شدیدا مشکل خواهد بود. درصد کوچکی از کارکنان حوزه های نفتی (از کارمندان سرپرستی گرفته تا پایین ترین رده کارکنان) که اهمیت زیادی نیز دارند، به نظر می رسد که متقاعد شده باشند، تهدیدات انجام شده به وسیله دولت ایران انجام نخواهد شد، و این امر یا به لحاظ عدم تمایل از جانب دولت ایران و ارتش یا به خاطر این اعتقاد است که اعتصاب آنچنان مورد حمایت است که کارگران در یک نمایش قدرت غلبه خواهند نمود.سولیوان

سند شماره (۳۹)

تاریخ : ۲۷ دسامبر ۱۹۷۸ ۶ دی ۱۳۵۷شماره: ۱۲۶۴۱

از: سفارت آمریکا تهرانبه: وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : اعتصاب در بخش نفت ایران ۲۷ دسامبر

۱ بنا به گفته مقام ارشد خارجی اسکو در تهران که به تازگی مذاکره با ایوانس قائم مقام مدیر عامل اسکو را در اهواز به پایان رسانیده است، شیرازه امور در حال از هم گسیختگی است. تولید اسکو در حال حاضر در سطحی پایین تر از ۰۰۰/۵۰۰ بشکه در روز قرار دارد. علاوه بر این، وضعیت آنچنان انفجاری است که ممکن است تعطیل کامل کل تولید به وقوع بپیوندد.

۲ ما فرض را بر این نهاده ایم که ملوانان نیروی دریایی عمدتا مسئول برقراری سطح فعلی تولید هستند. در هر حال ما این تصور را نیز داشته ایم که پرسنل نیروی دریایی به تنهایی می توانند ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار بشکه در روز تولید نمایند (به تلگرام ۱۲۲۵۴ تهران در تاریخ ۱۴ دسامبر مراجعه شود). نه دفتر محلی کنسرسیوم و نه اسکو در تهران قادر به تشریح دلیل پایین افتادن تولید نیستند و ما برای برقراری تماس با اسکو در اهواز از طریق خطوط ارتباطی نامطمئن به خودمان زحمتی نداده ایم، چون که این افراد هم اکنون تحت فشار کافی می باشند.

۳ ما امروز صبح از طریق رئیس تیم ساختمانی فلور (FLUOR) در پالایشگاه تهران اطلاع حاصل کردیم که پالایشگاه در مرحله تعطیل شدن می باشد. امروز صبح تظاهرات عظیمی در پالایشگاه برگزار گردید و کارمندان شرکت نفت در پالایشگاه به بذل و بخشش نفت سفید و نفت گاز به هر کسی که با ظرف جلوی درهای پالایشگاه می آمد پرداختند که به خودی خود مسئله خیلی

مهمی نیست، لیکن علامتی از تعطیل کامل بخشی است که به بهترین نحو اداره می شد و پیچیده ترین بخشها بود.

۴ حتی اگر تعطیل پالایشگاه تهران کامل نشده باشد و یا اینکه دوره کوتاهی داشته باشد، کمبود مشتقات میانی بشدت وخیم می باشد و همچنان نیز خواهد بود. نفت سفید برای تمام مصارف و مقاصد دیگر در تهران قابل حصول نیست. نفت گاز بسیار کمی در دسترس می باشد ولی به آنهایی تعلق می گیرد که ارتباطات بسیار ویژه ای داشته باشند یا به آنهایی که مایل بوده و قادر باشند تا چهار برابر قیمت بپردازند.

۵ ما از هالیبورتون شنیده ایم که کار فوق العاده سودآوری دارند. وظیفه اصلی آنان نصب Packer و سیمان کردن درپوش بر روی چاههایی است که تعطیل می باشند. روش معمول صنعتی، بستن چاه به وسیله شیرهای مخصوص است که بر روی Well Headقرار دارد و این در صورتی است که انتظار رود میزان تعطیلی کوتاه مدت باشد. از آنجا که هالیبورتون عملیات سیمانکاری و نصب Packer بر روی خیلی از چاهها (از جمله میدانهای نفتی اصلی مثل گچساران) را انجام داده است، گمان می رود که اسکو و یا شرکت ملی نفت ایران انتظار دارند که تعطیلی بلند مدت باشد و یا اینکه اسکو و شرکت نفت این عملیات را به منظور به حداقل رسانیدن خطرات خرابکاریها انجام می دهند. ما فکر می کنیم که توضیح اخیر از اهمیت بیشتری برخوردار باشد. این موضوع همچنین این را می رساند که در صورت

حل شدن مسئله اعتصاب، برای شروع تولید زمان بیشتری لازم خواهد بود.سولیوان

سند شماره (۴۰)

تاریخ : ۲۶ دسامبر ۱۹۷۸ ۶ دی ۱۳۵۷شماره : ۱۲۶۱۳

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

مرجع: تهران ۱۲۵۸۳طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : اعتصاب در بخش نفت ایران ۲۶ دسامبر

۱ متعاقب مخابره تلگرام مرجع ما به اطلاعات دقیق تری (از طریق اسکو به جای دفتر محلی کنسرسیوم) در خصوص تولید و حمل محمولات به پالایشگاهها دست یافتیم. در ساعت ۶ صبح روز ۲۶ دسامبر تولید در سطح روزانه ۰۰۰/۴۴۶ بشکه بود، لیکن اسکو امیدوار است که تولید را تا سطح ۰۰۰/۵۵۰ بشکه بهبود بخشد. ما مطلع هستیم که اسکو هیچ گونه قصد فوری برای مبادرت به تولید بیش از ۰۰۰/۵۵۰ بشکه در روز که تماما به پالایشگاههای داخلی حمل خواهد شد ندارد.

۲ مشهود است که ۰۰۰/۵۵۰ بشکه خیلی بهتر از ۰۰۰/۲۴۰ بشکه ای می باشد که ما قبل شنیده بودیم، امروز برای پالایشگاههای داخلی حمل می شود. در هر صورت، شرکت نفت حتی زمانی که تولید پالایشگاهها حدود ۰۰۰/۷۰۰ بشکه در روز بود، زمینه و موقعیت خود را تدریجا از دست داد. با تولید به میزان بالایی همچون ۰۰۰/۵۵۰ بشکه در روز، بحران چند روزی به تعویق می افتد، ولی وضعیت اکنون شدیدا وخیم است (ما آن را بحرانی می خوانیم، ولی اغراق گوییها را برای فردا یا روز بعد آن می گذاریم) چون که تقاضای مشتقات میانی به تنهایی و بدون ذکر تقاضای بنزین و سوختهای دیگر افزون بر ۰۰۰/۴۰۰ بشکه در روز است.

۳ ما گزارشاتی از اقدامات رو به تزاید خرابکاریهای جزئی که موجبات تعطیلی و به تعویق

انداختن راه اندازی تأسیسات گوناگون را دارد، دریافت می نماییم. این اقدامات به استثنای خط لوله نفت خام که هفته گذشته با دینامیت منفجر شد، موجب به بار آوردن خسارات عمده و یا نابود کردن تجهیزات حساس نگردید، لیکن تأثیرات ناچیزی بر فعالیتهای تولیدی داشته اند. چنین اقداماتی همچنین بایستی به احساس ترس و عدم اطمینان در مورد آن افرادی که تمایل به کار دارند نیز کمک نماید.

۴ آموکو به آن دسته از پیمانکارانی که به اپیاک خدمات حفاری و دیگر خدمات می دهند، اعلام فورس ماژور نموده است. این امر کار دکلهای حفاری دریایی را که نسبتا از اعتصاب اپیاک تأثیری نپذیرفته بودند، متوقف نموده است. دکلها از بحرین تدارک دیده شده بودند. اکثر دکلهای دریایی که به وسیله پیمانکاران مختلف برای اسکو مورد استفاده قرار می گرفتند، نیز تعطیل هستند. تحولات از ۲۳ دسامبر مشکلات را افزایش داده اند، ولی برخی از مشکلات که قبلاً وجود داشتند، از میان برداشته شدند و خیلی دیگر نیز در همین حالت قرار گرفتند و این هر دو به لحاظ عدم دسترسی به مواد مهم و حساس است. کمبود مواد نتیجه اعتصاب مداوم گمرکات بوده و هست.

۵ سوفیران هنوز از اعتصابات لطمه ای ندیده است و همچنان به تولید حدود ۰۰۰/۳۵ بشکه در روز ادامه می دهد. ما نمی دانیم که آیا سیریپ و شرکت نفت (منطقه نفت شاه) مشغول تولید هستند یا

خیر. در هر حال آنان بیش از ۰۰۰/۶۰ بشکه در روز تولید نمی کنند.سولیوان

سند شماره (۴۱)

تاریخ : ۲۷ دسامبر ۱۹۷۸ ۶ دی ۱۳۵۷شماره : ۱۲۶۴۹

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : اعتصاب در بخش نفت ایران ۲۷ دسامبر

۱ امروز یعنی ۲۷ دسامبر قرار بود اسکو ۰۰۰/۴۸۷ بشکه تولید نماید که ۰۰۰/۳۲۹ بشکه آن به پالایشگاه آبادان و ۰۰۰/۱۵۸ بشکه به پالایشگاه تهران حمل خواهد شد. در هر صورت کمی بعد از ظهر پالایشگاه تهران کاملاً تعطیل شد و بنابر این حمل محمولات نفت خام به تهران و در نتیجه آن تولید، ممکن است از آن چه برنامه ریزی شده بود کمتر شود. به ما گفته شده است که پالایشگاه تبریز نیز تعطیل می باشد، لیکن هنوز این خبر تأیید نشده است.

۲ ظاهرا پالایشگاه آبادان نسبتا از اعتصابات تأثیری نپذیرفته است و بنابراین می توانست احتمالاً به میزان قابل توجهی بیش از ۰۰۰/۳۲۹ بشکه ای که امروز دریافت می دارد، تولید نماید. در هر صورت تولید اسکو اکنون محدود به مناطق اهواز و مارون است و یک سری مسائل تکنیکی وجود دارد (عمدتا مربوط به اندازه و طرح خطوط لوله نفت خام می شود) که افزایش حمل محمولات به آبادان را اساسا مشکل و یا حتی غیر ممکن می سازد. در صورتی که این مشکل حل نشود، تولید امروز اسکو (۲۸ دسامبر) ممکن است فقط حدود ۰۰۰/۳۵۰ بشکه باشد.

۳ عبداللّه انتظام مدیر عامل جدید شرکت نفت امروز ساعت ۱۴ از رادیو اعلام کرد که کل شرکت نفت در اعتصاب به سر می برد. پیام وی شامل یک درخواست صریح مبنی بر عدم توسل اعتصابیون به

خرابکاری بود. او همچنین رهبران مذهبی را دعوت نمود تا به منظور بهبود بخشیدن به اوضاعی که برای مردم دردسر و ناراحتیهای فراوانی ایجاد خواهد نمود در این ماجرا مداخله نمایند. انتظام گفت که تولیدات نفتی در عرض دو روز مصرف خواهند شد و به انتها می رسند.

۴ این وضعیت اکنون حساس است و می توانند بدتر هم بشود، ولی نه خیلی زیاد.سولیوان

سند شماره (۴۲)

تاریخ : ۲۸ دسامبر ۱۹۷۸ ۷ دی ۱۳۵۷شماره : ۱۲۷۰۹

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : اعتصاب در بخش نفت ایران ۲۸ دسامبر

۱ تقریبا اکثر کارکنان خارجی کلیه شرکتهای خدماتی مناطق نفتی ایران را ترک کرده یا در حال ترک آن هستند. تمام کارکنان خارجی ایپاک و لاپکو بجز سه نفر از لاپکو در صورتی که اختلالی در امر خدمات هوایی پیش نیاید، ایران را ترک خواهند کرد. اسکو در تلاش است تا به صورت اساسی تعداد کارکنان خود را تقلیل دهد و به ما گفته شده که تقریبا تمام خانواده های کارمندان اسکو و

بسیاری از کارمندان آن بین ۳۰ دسامبر و ۲ ژانویه به وسیله پروازهای در بست از ایران تخلیه خواهند شد. عزیمت خانواده های اسکو و کارمندان به صورت داوطلبانه خواهد بود، هر چند که خانواده ها قویا ترغیب به این کار شده اند.

۲ گزارش قبلی ما مبنی بر اینکه تولید نفت کاهش یافته است اشتباه بود. اسکو در سطح ۰۰۰/۳۴۰ بشکه در روز تولید می نماید که تماما به پالایشگاه آبادان می رود. چون که هیچ گونه نفت خام به تهران حمل نمی شود (که از آن طریق نفت خام به تبریز حمل می شود)، ما اعتقاد داریم که می توانیم تأیید نماییم آبادان تنها پالایشگاه در حال کار است.سولیوان

سند شماره (۴۳)

تاریخ : ۳ ژانویه ۱۹۷۹ ۱۳ دی ۱۳۵۷شماره : ۰۰۰۸۴

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : اعتصاب در بخش نفت ایران آخرین گزارش ۳ ژانویه

۱ دیر وقت بعد از ظهر روز دوم ژانویه ما شایعه ای شنیدیم مبنی بر اینکه در خط لوله آبادان به تهران خرابکاری صورت گرفت. ما هم اکنون از یک منبع تأییدیه ای دریافت کرده ایم که آن را معتبر می دانیم و بر این دلالت دارد که خط لوله روز دوم ژانویه خسارت دید (و احتمالاً در آن خرابکاری به عمل آمده است) و جریان تولیدات به تهران قطع شده است. ما مطلع هستیم که تعمیرات اضطراری هم اکنون در جریان است و بایستی که به سرعت انجام گیرد.

۲ در نتیجه تحقیقات منابع ما در صنعت نفت، مطلع شده ایم که احتمالاً یک هفته و نیم تا دو هفته طول خواهد کشید که عملیات عادی آن دسته از پالایشگاههایی که کاملاً تعطیل شده اند ؛ مثل تهران،

تبریز، و شیراز و جمعا ظرفیتی معادل ۳۴۵/۰۰۰ بشکه در روز دارند، دوباره آغاز شود.سولیوان

سند شماره (۴۴)

تاریخ : ۳ ژانویه ۱۹۷۹ ۱۳ دی ۱۳۵۷شماره: ۰۰۰۹۳

از: سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : اعتصاب در بخش نفت ایران سوم ژانویه

۱ در ساعت ۶ صبح روز سوم ژانویه اسکو در سطح ۲۳۵/۰۰۰ بشکه در روز تولید داشت و با در نظر گرفتن تحولات غیر قابل پیش بینی این سطح برای امروز به همین میزان باقی خواهد ماند. تمامی نفت خام همچنان به پالایشگاه آبادان حمل می شود.

۲ در روز دوم ژانویه برای اعتصابیون اسکو در اهواز از طرف آیت اللّه هاشمی سخنرانی شد. وی به تازگی از زندان آزاد شده و به عنوان یکی از طرفداران بی باك خمینی معرفی شده است. هاشمی به اعتصابیون گفت که تا زمانی که شاه ایران را ترک نکند، هیچ گونه تولیدی برای صادرات وجود نخواهد داشت. پس از عزیمت شاه، صادرات به تمام کشورها بجز آفریقای جنوبی و اسرائیل می تواند

ص: ۲۹۲

ادامه یابد.

۳ شیعه گرایی که بین اعتصابیون با انگیزه های مذهبی و تندروهای سیاسی (تهران ۶۲) به وجود آمده است، ظاهرا نه فقط یک تلاش برای برتری جویی است، بلکه شامل نوعی عدم توافق بر سر تاکتیکها نیز می باشد. مذهبیون تمایل دارند که تولید را فقط برای بازار داخلی شروع نمایند، لیکن تندروهای سیاسی ظاهرا میل دارند که بحران را طولانی تر و تشدید نمایند و بنا به گفته منابع اسکو، می خواهند که تولید کاملاً تعطیل شود.

۴ براساس اطلاعاتی که از اسکو دریافت شده، اهواز یک کارخانه عظیم شایعه است و تشنجات بسیار بالا گرفته است.سولیوان

سند شماره (۴۵)

تاریخ : ۴ ژانویه ۱۹۷۹ ۱۴ دی ۱۳۵۷شماره : ۱۹۰

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : اعتصاب در بخش نفت ایران ۴ ژانویه

۱ ناصر میناچی رهبر مخالفین که امروز صبح با مهدی بازرگان گفتگو کرد، به کارمند سیاسی گفت که بازرگان در رسیدن به توافق برای شروع تولید نفت به منظور برآوردن نیازهای داخلی موفق شده است. براساس گفته میناچی تولید به اندازه کافی افزایش داده خواهد شد. تا تمام پالایشگاهها را فعال سازد، البته به جز آبادان که میزان بازده آن حدودا به یک ششم ظرفیت محدود می شود. ما تصور می کنیم برای محدود ساختن نیاز به صدور مشتقات نفتی سنیگن، کار پالایشگاه آبادان محدود می گردد. این امر ظاهرا به خاطر تمایل به جلوگیری از صادرات مشتقات نفتی سنگین است که نیاز به

تولید مشتقات میانی برای بازار داخلی را تحت الشعاع قرار می دهد. (شاید زمانی که آشکار شود تولیدات بیشتری از آبادان مورد نیاز است، برخی انعطاف پذیری ها در تولید آن صورت گیرد.) میناچی همچنین از گروهی صحبت می کرد که مراقب خواهند بود تا هیچ گونه نفت خامی صادر نشود.

۲ تا جایی که ما می دانیم تلاشهای بازرگان به اهواز و کارکنان تولید محدود شده است. به این سؤال که اعتصابیون پالایشگاههای شیراز، تبریز و تهران چه زمانی شروع به کار خواهند نمود و تحت چه شرایطی، بایستی بعدا پاسخ داده شود. یکی از منابع ما در پالایشگاه تهران به ما گفت که اعتصابیون هنوز بازگشت به سر کار خود را مورد مطالعه قرار نداده اند.

۳ اسکو از طریق دفتر محلی کنسرسیوم گزارش می نماید که برخی از کارکنان به سرکارشان باز می گردند و یکی از واحدهای تولیدی که قبلاً توسط نیروی دریایی اداره می شد، اکنون به وسیله کارکنان اسکو اداره می شود. ما هیچ گونه تخمین دقیقی برای تولید امروز در دست نداریم، لیکن مطلع هستیم که از ۲۴۰ هزار بشکه در روز برای دو روز گذشته بیشتر نخواهد بود. دولت ایران تا حدود زیادی تقاضای بازرگان مبنی بر خروج ارتش از مناطق نفتی را مورد قبول قرار داده است. گاردهای نظامی و همچنین ملوانانی که به عنوان کارکنان مناطق نفتی خدمات می کرده اند، از مناطق خارج شده اند و یا اینکه در حال خروج از کلیه واحدهای تولیدی می باشند.

۴ ما اعتقاد پیدا کرده ایم که جریان خیلی کم تولیدی که از هنگام بسته شدن پالایشگاه تهران در تهران توزیع می شده، از خط لوله آبادان می آمده است. در هر حال این مورد ظاهرا از جمله مواردی نبوده است که در مذاکرات بازرگان بخشی را تشکیل دهد، لیکن وی اعلام نموده است که حمل محمولات از طریق خط لوله آبادان به تهران از سر گرفته خواهد شد. (ظاهرا چند بشکه ای بیشتر از محصولات در محوطه پالایشگاه تهران باقی نمانده است.)

۵ با ارزیابی گزارشات پراکنده ای که موجود می باشند، پیشرفت در جهت حصول به هدف بسیار محدود از سرگیری سوخت برای بازار داخلی به دست آمده است. در هر حال ما هشدار می دهیم که فقط یک قدم برداشته شده است. خوشبختانه ممکن است این قدم در جهت صحیح باشد.سولیوان

سند شماره (۴۶)

تاریخ : ۵ ژانویه ۱۹۷۹ ۱۵دی ۱۳۵۷شماره : ۰۰۲۳۹

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : اعتصاب در بخش نفت ایران ۵ ژانویه

۱ جزئیات توافق نامه ای که بازرگان مشغول مذاکره بر سر آن می باشد و به ترتیب که اسکو آن را در اختیار ما گذاشت، تا حدودی با آنچه ما دیروز گزارش کردیم اختلاف دارد. ظاهرا توافق نامه ای که به وسیله شرکت نفت، نمایندگان ارتش و رهبران اعتصابیون امضاء شد در وهله اول فقط کارکنان تولید و پالایش آبادان را شامل می شود.

نیت اولیه این است که تولید را به حدود ۰۰۰ /۶۰۰ بشکه در روز افزایش داده و آن را تماما در پالایشگاه آبادان تصفیه نمایند و محصولات را در تمام کشور توزیع نمایند.

۲ اولین مشکلی که پدیدار شده است، امتناع کارکنان خط لوله برای از سرگیری کار است که برخی بایستی به منظور توزیع محصولاتی که از آبادان به دست می آید، کار را شروع نمایند. بنا به گزارش کارکنان خط لوله تا زمانی که آخرین توافق نامه مورد مذاکره به وسیله بازرگان امضاء نشود، کار را شروع نخواهند کرد. اکنون تلاشهایی می شود تا موافقتنامه به نظر همه برسد و صحت و وجود آن نمایش داده شود.

۳ قدم بعدی احتمالاً این خواهد بود که بازرگان به تهران بیاید و عمل خارق العاده خود را در مورد کارکنان پالایشگاه ری به مورد اجرا بگذارد.

۴ ایوانس قائم مقام مدیر عامل اسکو بعد از ظهر فردا با سفیر قرار ملاقاتی دارد و ما امیدواریم که قادر باشیم تصویر بهتری از وضعیت جاری و چشم اندازهای آینده به دست آوریم.سولیوان

ص: ۲۹۴

سند شماره (۴۷)

تاریخ : ۶ ژانویه ۱۹۷۹ ۱۶ دی ۱۳۵۷شماره : ۰۰۲۵۶

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت خارجه واشنگتن

طبقه بندی : خیلی محرمانه

موضوع : اعتصاب در بخش نفت ایران ۶ ژانویه

۱ اخبار عمده امروز این است که دستور تخلیه تمام خارجیان باقیمانده اسکو از جنوب (یعنی اهواز، آبادان و مناطق نفتی) که تعدادشان به حدود ۶۰ نفر می رسد از طرف کنسرسیوم صادر شده است. هم اکنون تدارکات برای این امر در جریان است و انتظار می رود که تخلیه در ۷ ژانویه صورت پذیرد. انگیزه اصلی این تصمیم به نظر می رسد تخلیه گاردهای امنیتی از محوطه دفتر مرکزی مدیران خارجی اسکو و مناطق مسکونی باشد. اخبار اولیه از جانب مقامات ارشد شرکت نفت دال بر این است که آنان تصمیم به خارج ساختن کلیه پرسنل اسکو را درک کرده و تا حدودی با آن موافق هستند. در هر حال، خارجیان شاغل در اسکو از عملیات بسیار محدود مورد نیاز برای تولید نفت خام برای بازار داخلی نارضایتی ندارند.

۲ جلسه ای که برای امروز بعد از ظهر بین سفیر و ایوانس قائم مقام مدیر عامل اسکو برنامه ریزی شده بود به هم خورد و دلیل آن این بود که ایوانس مجبور بود برای خاتمه بخشیدن به برنامه های تخلیه در جنوب باقی بماند.

۳ بازرگان در ۵ ژانویه به همراه کمیته همراهش به منظور مسبوق شدن از عملیات بخش نفت و اطمینان یافتن از اینکه هیچ گونه صادراتی صورت نمی گیرد از گچساران، بندر ماهشهر و جزیره خارک دیدار کردند و این بدین معنی است که هیچ کس، منجمله کارکنان اعتصابی اسکو و شرکت ملی

نفت ایران آگاه نبوده اند، که صادرات متوقف شده است. انتظار می رود که این گروه امروز از آبادان انتظار می رود که این گروه امروز از آبادان دیداری به عمل آورند. ظاهرا کارکنان پالایشگاه آبادان شرایط توافقی که توسط بازرگان به عمل آمد را هنوز مورد قبول قرار نداده اند، چون که بازده هنوز فقط حدود ۲۴۰/۰۰۰ بشکه در روز می باشد. بازرگان و گروه وی در خلال دیدارشان از آبادان تلاش خواهند نمود تا کارکنان را متقاعد سازند، تولید را تا حد ظرفیت پالایشگاه (۶۰۰ تا ۶۳۰ هزار بشکه در روز) افزایش دهند.

۴ جریان محصولات از آبادان به تهران و از طریق خط لوله هنوز شروع نشده است. در هر حال سندی از طرف بازرگان ارسال شده که توافق را تشریح می نماید و از کارکنان خط لوله در خواست می نماید، که همکاری نمایند. این سند امروز صبح به تهران رسید و شرکت نفت اکنون بایستی مشغول نشان دادن آن به کارکنان در ایستگاه پمپاژ ری باشد.

۵ یک روزنامه نگار که از پایانه محصولات در پالایشگاه ری تهران در روز ۵ ژانویه بازدید نموده بود، از کارکنان اداره توزیع شرکت نفت که در حال کار بودند شنید، نفت سفید و بنزینی که در تهران به فروش می رسد، به وسیله کامیونهای نفت کش حمل می شود و روزانه تعداد معدودی از این کامیونها از جنوب وارد می شوند. همچنین به این روزنامه نگار گفته شد که مقدار بسیار کم نفت گازی که به دست مصرف کنندگان تهرانی می رسد از محل ذخایر ناچیزی است که هنوز در محوطه انبار

ص: ۲۹۵

پالایشگاه ری وجود دارد.

۶ ما آمار تولید دو روز گذشته را در دست نداریم، لیکن چون تولید پالایشگاه آبادان (تنها پالایشگاه در حال تولید) هنوز فقط ۲۴۰/۰۰۰ بشکه در روز است، بنابراین تولید نفت خام بایستی در همین حدود باشد.سولیوان

کتاب شصت و هفتم

دلالان اسلحه، واسطه های نفوذی

ص: ۲۹۷

پیشگفتار

در مجموعه روابط رژیم طاغوت با هیئت حاکمه آمریکا، یکی از نقطه های سیاه و قابل توجه روابط تسلیحاتی آنان بوده است و در روابط تسلیحاتی آنچه که ظاهرا به مراتب ریشه دارتر از مقوله نیازهای واقعی امنیتی و دفاعی کشور بوده، مسئله سوء استفاده مالی و خصوصا نقش واسطه های معاملات تسلیحات است. اسنادی که در این مجموعه گردآوری شده تلاش می کند گوشه ای از سوابق این واسطه ها، رقابتهای داخلی آنان و طرز تلقی شرکتهای آمریکایی طرف قرارداد آنها را از این ارتباطات نمایان سازد.

اقتصاد تسلیحاتی

اقتصاد جهان صنعتی را می توان اقتصاد تسلیحاتی نامید. بیشترین حجم صادرات کالاهای صنعتی ممالک پیشرفته به جهان سوم را اسلحه تشکیل می دهد. بیشترین خرید اسلحه در جهان هم توسط ممالک فقیر صورت می گیرد. در سال ۱۹۷۳ تقریبا ۸۵٪ خریدهای تسلیحاتی در سطح جهان توسط ممالک جهان سوم صورت گرفته است. نرخ رشد میزان خرید اسلحه ممالک خاورمیانه در سال ۱۹۷۴ نسبت به سال قبل ۴۰٪ و در سال ۱۹۷۵ نسبت به سال قبل باز هم ۴۰٪ بوده است. صنایع اسلحه سازی در اقتصاد غرب از چاههای نفت پر اهمیت تر و یکی از بزرگترین مجاری انتقال ثروت ملی و سرمایه های بومی ممالک فقیر به غرب است. مکانیزم موجود در مراحل تولید، مدیریت و بازاریابی آن و تلاش جهت توسعه آن بسیار پیچیده و نوعی سوپر استثمار است. بازاریابی و افزایش تقاضای جهانی برای تولیدات و تجهیزات نظامی رابطه مستقیمی با اقدامات مداخله جویانه و سیاستهای استراتژیک ممالک صنعتی دارد. تزریق بحران به جوامع جهان سوم برای رونق بازار اسلحه و فروش بیشتر اسلحه برای ایجاد بحران ساده ترین شکل مکانیزم رابطه تسلیحاتی تولیدکنندگان و خریداران است.

خرید اسلحه، سهم زیادی از درآمد ملی ممالک فقیر را می بلعد و در شرایط اضطراری مالی حکومتهای این ممالک برای جبران از سهم فرهنگ و آموزش می زنند، تا حجم خریدهای تسلیحاتیشان کاهش نیابد. خریدهای کلان تسلیحاتی، تعویض سیستمهای دفاعی و گران شدن قطعات و لوازم یدکی همیشه ضربه مؤثری بر پیکر اقتصاد ملی بوده است. لیکن تئوری پردازهای غربی دائما خلاف این را گفته و ترویج کرده اند. توجیه غربیها برای این چپاولگری، ظاهری آراسته و مردم فریب

دارد. آنها می گویند صنایع تسلیحاتی و هزینه های نظامی راه حلی برای رشد و توسعه می باشند و رابطه مثبت و قدرتمندی میان تحلیل هزینه های دفاعی از یک سو و آهنگ رشد اقتصادی از سوی دیگر وجود دارد. یعنی هر کشوری که بتواند هزینه نظامی و دفاعی سنگینتری را تحمل کند، شرایط مساعدتری برای رشد اقتصادی خواهد داشت. یکی از وظایف کمپانی های تولید کننده سلاح، ایجاد بازار برای کالاها و تجهیزات تولیدیشان است. حتی برخی بر این عقیده اند که گران شدن نفت در سال ۱۹۷۳ مجموعا پیامد تحریکات صاحبان صنایع اسلحه سازی آمریکا بوده است و دقیقا به همین علت و در عرض چند سال بعد عظیمترین حجم پولی مورد مبادله در اقتصاد بین المللی از سوی کشورهای تولیدکننده نفت و در حقیقت فروشندگان نفت برای خرید اسلحه به آمریکا بازگشت داده شد و درآمدهای بادآورده نفتی، جیب صاحبان صنایع اسلحه سازی را پر کرد. از جمله باید خریدهای نجومی شاه را نام برد. شاه سعی می کرد تسلیحات پیشرفته و از پیچیده ترین نوع اسلحه ها را خریداری کند و طبعا همراه آن جمع کثیری از کارشناسان و مستشاران نظامی را جهت آموزش و آماده سازی وارد نماید. تنها یک قرارداد شاه با آمریکا رقمی معادل ۱۰ میلیارد دلار اسلحه را شامل می شد. البته این بهای رسمی و اعلام شده، تنها بخشی از هزینه های نظامی شاه بود. مبالغ کلانی که جهت لوازم یدکی و آماده سازی تجهیزات و مبالغ هنگفتی که روانه جیب گشاد دلالان و واسطه ها و درباریها می شد بیش از اینها بود. جنگ مافیایی دلالان و رقبای بازار اسلحه کار را به جایی می کشاند که حاضر بودند یکدیگر را قربانی اهداف خود نمایند. البته اگر اسلحه های مورد معامله دست دوم و یا منسوخ شده و تقلبی نباشند. کشورهایی که نیازمند اسلحه می باشند و یا حاضرند بخشی از ثروت ملی خود را برای خرید اسلحه هزینه نمایند ناگزیرند به صحنه روابط موجود در بازار خرید اسلحه گام نهند و به مکانیزمهای مرسوم آن عمل نمایند. این بازار ذاتا و به دلیل مسائل عدیده ای دارای مکانیزمی

جدا از بازار کالاهای دیگر است و پیچیدگی و ویژگی بازار اسلحه عمدتا به دلیل اهداف استراتژیکی ممالک فروشنده می باشد. این اهداف، در چهارچوب سیاستهای درازمدت و جهانی سیاستمداران و سرمایه داران پایه ریزی شده است.

بازار اسلحه همیشه دارای معاملات مخفی و پر مسئله، مبهم و پر از تقلب و ریاکاری و رشوه خواری و خباثت است و مکانیزم این بازار دارای مشخصه های اصلی زیر است:

زمینه سازیهایی که ایادی ممالک تولید کننده جهت رونق بازار اسلحه صورت می دهند. ایجاد فضای دلهره و تشنج سیاسی در مناطق مختلف جهان به صورت درگیریهای سیاسی داخلی، کودتاها، مناقشات مرزی، تعارضات و یا پیمانهای منطقه ای، تهدیدات استراتژیکی و جنگ سرد زمینه ساز رونق بازار مبادلات تسلیحاتی می گردند و رابطه مستقیمی با نوع و تنوع تجهیزات نظامی مورد نیاز دارند.

نظامیگری خود دستاورد غریبی است که پس از جنگ جهانی دوم، به شدت در کشورهای تحت الحمایه غرب رخ نموده است و عامل مهمی در جهت گیری اقتصاد تسلیحاتی است. بقای تشنج و بی ثباتی، ساده ترین راه حل برای رونق بازار اسلحه غرب (به مفهوم جهان صنعتی اعم از بلوک شرق یا غرب) است.

روابط ناسالم مالی و پولی که از آغاز به دست آوردن طرحها و نقشه های تکنولوژی ساخت تا مرحله فروش حاکم بر مکانیزم بازار است، سوء استفاده های مالی، رشوه گرفتنها، انتقال حجم پول در

مجاری مخفی جهت عدم پرداخت مالیات و حقوق گمرکی از مشخصات آن است. کارتلهای تولیدکننده سلاحهای جنگی با پرداخت رشوه های کلان به مسئولین کشورها و متنفذان و خریدن برخی مهره های مهم و صاحب نفوذ، قراردادهای سنگین را به ملل محروم تحمیل می کنند.

جایگزینی و نوآوری: به دلیل رقابت فشرده ای که میان تولید کنندگان اسلحه وجود دارد، طراحان ابزار نظامی هر روز در کار خلق ابزار و تجهیزات پیچیده تری هستند. نوآوری، تحولات کیفی، خارج کردن سیستمهای فرسوده و منسوخ و جایگزینی تجهیزات پیشرفته تر، سود کلانی را نصیب کمپانیهای سازنده اسلحه می نماید. به همین دلیل فروشندگان سعی می کنند تسلیحات قدیمیتر را به فروش برسانند و برای فروش اسلحه پیشرفته تر در آینده زمینه سازی کنند.

ممنوعیت انتقال تکنولوژی ساخت و به کارگیری. روشهای تخریبی جهت تضعیف و ورشکستگی صنایع دفاعی بومی ممالك تولیدکننده به صورت جدی از دستیابی ممالك ضعیفتر به تکنولوژی ساخت سلاحهای مورد نیاز ممانعت به عمل می آورند و یا آنقدر کارشکنی می کنند که هیچ گاه به مرحله بهره برداری نمی رسد.

واسطه ها و دلالان: گروهی که در بازار اسلحه مجری سیاستهای تولیدکنندگان اسلحه می باشند و در اداره بازاریابی به هر شیوه غیر اصولی متمسک می گردند، دلالان می باشند، یعنی در حقیقت تعزیه گردان اصلی بازار اسلحه که علاوه بر دسترسی به مراکز قدرت، دارای نفوذ سیاسی و قضایی نیز هستند. این دلالان و واسطه ها که عمدتا خود متعلق به ممالك خریدار می باشند، عموما به عنوان ستون پنجم و کسانی که از تحولات و اوضاع داخلی مطلعند شناخته می شوند. اینها مجریان طرحهای سیاسی دیگران و مزدوران صاحبان کارخانجات اسلحه سازی اند.

معرفی کتاب

تلاش کمپانیهای تولید تجهیزات و جنگ افزارهای نظامی در زمینه ایجاد رابطه با واسطه های سرشناس و پر نفوذ ایرانی که به نحوی از انحاء به دستگاه حاکمه شاه نزدیک بودند، از اهداف اصلی آنها به شمار می رفته و دادن رشوه های کلان به دلالان حرفه ای در حقیقت منافع دراز مدت آنها را چپاول هرچه بیشتر پولهای نفتی و نیز تثبیت موقعیت سرمایه گذاریهای آینده آنها تضمین می کرده است.

این طرز تلقی عناصر آمریکایی از ساختار رژیم شاهنشاهی که بر پایه رشوه و فساد مبتنی بوده، دقیقا برخاسته از همان ساختار حکومتی دولت آمریکا می باشد و این نیز حکایت از یک وجه تشابه میان دو نظام دارد. مطالعه اسناد اخیر نشان می دهد که کمپانیهای آمریکایی اطمینان داشتند که بدون دادن رشوه های کلان که در حقیقت می دانستند، نهایتا به جیب اشخاصی نظیر خاتمیها و طوفانیان ها می رود، توفیق در فروش جنگ افزار نخواهند یافت و راه به بیراهه خواهند برد. شاه که در رأس دزدان و غارتگران بیت المال بود و بانکهای دنیا را از سرمایه های به غارت برده مردم محروم این سامان لبریز نموده بود، علنا دست افرادی امثال طوفانیان و خاتمی را جهت به یغما بردن سرمایه های ملت مسلمان ایران باز می گذاشت و تنها، گلایه اش از دلالان خرده پا بوده است و مدعی بود آنها با این کارشان امنیت ملی را به خطر می اندازند.

نکته جالب آنکه زمانی که موضوع کنار رفتن واسطه های جزء مطرح می شود، عناصر آمریکایی آن را برای کمپانیهای آمریکایی یک فاجعه می خوانند، چرا که راز موفقیتشان را در زمینه فعالیتهای گسترده در ایران و جذب پولهای نفتی، همین دلالان خرده پا، اما با نفوذ می دانستند.

افرادی مانند طوفانیان، نگرانیشان از این بابت بود که چرا کمپانیهایی مانند گرومن و نورتروپ جهت انجام معامله نزد واسطه هایی مانند برادران لاوی می روند و او را به عنوان فرد اصلی تصمیم گیرنده نادیده می گیرند؛ چیزی که وی در مورد آن جنجال زیادی به راه انداخت و قضیه را به مطبوعات کشانید. اما نهایتا خود نیز به عنوان رشوه گیرنده اصلی تیتر روزنامه های داخلی و خارجی گردید و مغضوب دزد اصلی یعنی شاه شد.

هرچند که بیان همه واقعیت در این مختصر نمی گنجد و تنها مشتی از خروارهاست و حضور بیش از چندین دهه نفوذ استعماری گردنکشانه و چپاولگرانه کمپانیهای چند ملیتی آمریکایی مستلزم نوشتن کتابهای بیشمار است، بر این اساس تنها به ذکر نمونه هایی از این مقوله بسنده می کنیم:

حکایت از آنجا شروع می شود که کمپانی آمریکایی گرومن سازنده هواپیماهای اف ۱۴ تام کت در موقعیت ورشکستگی قرار می گیرد و دولت ایران جهت نجات گرومن، یک وام ۷۵ میلیون دلاری به منظور جلوگیری از ورشکستگی آن در نظر می گیرد.

اما گرومن به این مبلغ اکتفا نکرده و تلاش آن در جهت فروش هواپیماهای تام کت به نیروی هوایی ایران شروع می گردد. آنها برادران لاوی را به عنوان یک پل ارتباطی انتخاب می کنند. گفته می شد که برادران لاوی(۱) با شهرام، یکی از اعضای خانواده شاه در ارتباط بوده اند. برادران لاوی در ازای قرار دریافت ۲۸ میلیون دلار از گرومن مقدمه فروش ۳۰ فروند هواپیمای اف ۱۴ را فراهم می کنند. موافقتنامه گرومن لاوی در نوامبر ۱۹۷۲ منعقد می شود، یعنی یک سال قبل از احتمال

بررسی خرید هواپیماهای اف ۱۴ در ایران، ولی اعلام انعقاد آن در فوریه ۱۹۷۴ یعنی یک سال پس از امضای قرارداد فروش صورت می گیرد. بر اساس قرائن و شواهد، گرومن در پشت پرده با خاتمی در ارتباط بوده و این نقش واسطگی را برادران لاوی بازی می کردند و به خاطر همین روابط پنهانی بود که دولت ایران درصدد نجات کمپانی گرومن از ورشکستگی برآمد. ضمنا واسطه های دیگری از قبیل ابوالفتح محوی یکی از بنیانگذاران صنایع هواپیمایی ایران و رئیس شرکت اطلاعاتی ایز ایران، از دوستان نزدیک خاتمی در این رابطه در فعالیت بودند. محوی با ۱۷ شرکت آمریکایی که از مهمترین آنها می توان راکول، لیتون، جنرال الکتریک، نورتروپ و گرومن را نام برد، در ارتباط بوده و پولهای کلانی را از این راه به جیب می زد. سپهبد خاتمی و خادمی به اعتقاد آمریکاییها از شرکای اصلی محوی محسوب می شدند. فردی واسطه به نام دهش که از طرف طوفانیان رانده شده بود به آمریکاییها گفته بود که محوی به عنوان کمیسیونر اصلی به گرومن معرفی گردیده و گرومن تنها او را به رسمیت می شناخته است. محوی یک دلال و واسطه بنام بود و در فروش هواپیماهای اف ۵ به ایران سهم بسزایی داشت، زیرا ایران در عین حالی که موافقت خود را جهت خرید هواپیماهای اف ۵ اعلام می کرد، میزان خرید خود را در مورد هواپیماهای اف ۵ از ۳۶ فروند به ۱۴۶ فروند افزایش داد. در بحبوحه فعالیتهای برادران لاوی در امر واسطگی با گرومن، فرد جدیدی وارد صحنه می گردد. نام وی

۱- برادران لاوی یهودی ایرانی الاصل و تبعه اسرائیل بودند.

آلبرت جی فیوج بود. لاوی دلال ایرانی که در ازای دریافت ۲۸ میلیون دلار کمیسیون از شرکت گرومن موجبات فروش جنگنده های اف ۱۴ به ایران را فراهم آورده بود، اعلام نمود که تحت فشارهایی مجبور گردیده است که بخش اعظمی از کمیسیون دریافتی را به فردی بدهد که مدعی بود از طرف دو تن از مقامات عالیرتبه دولت ایران (یعنی ژنرال حسن طوفانیان و ژنرال محمد خاتمی داماد شاه) به این کار مامور گردیده است. عامل جدید آلبرت جی. فیوج سریعا موفق شد که در عرض دو ماه تعداد ۵۰ فروند به خریدهای اف ۱۴ اضافه نماید. فیوج به لاوی گفته بود که می بایست ۶۶ درصد کل کمیسیون را به او بدهد. قبل از تغییر واسطگی لاوی به فیوج، یکی از مقامات عالیرتبه ایرانی (احتمالاً محوی) پس از افشای پرداخت ۲۸ میلیون دلار رشوه از طرف گرومن به لاوی در سال ۷۴ به گرومن اطلاع داد که دیگر نباید بیش از این از لاوی استفاده نمایند. بعدها رئیس گرومن، پیتر جی. اورام، اعلام کرده بود که از بازگشت این کمیسیونها به مقامات ایرانی بی اطلاع بوده، اما در زمینه موضوع انتقال کمیسیون از لاوی به فیوج آگاهی داشته است. در حقیقت این اعلام عدم آگاهی از بازگشت کمیسیونها به مقامات ایرانی، نشانه ترس و واهمه کمپانی گرومن در ارتباط با قراردادهای آینده بود. همان طور که در اسناد آمده است، خود آمریکاییها به این امر واقف بودند که برادران لاوی و فیوج پوششی برای فعالیت عناصر و اشخاص دیگری محسوب می شوند که آنها اشخاصی جز ژنرالهای بانفوذ ایرانی نبودند. در این میان بود که رقابت سختی بین محوی و طوفانیان در گرفت. طوفانیان علیرغم آگاهی از روابط نزدیک خاتمی و محوی، جرأت درگیر شدن با ژنرال خاتمی به عنوان داماد شاه را نداشت و این قرعه به نام محوی می افتد. طوفانیان ماجرای دخالتهای محوی و برادران لاوی را به اطلاع شاه می رساند و شاه آنها را در لیست سیاه قرار می دهد. محوی که با ۱۷ شرکت آمریکایی رابطه داشت، از قرار گرفتن در لیست سیاه شاه مطلع می شود و طی یک توبه نامه به

شاه مجددا از لیست سیاه خارج می گردد.

اما در این بین طوفانیان موضوع برادران لاوی را دنبال می کند و مسئله ۲۸ میلیون دلار رشوه پرداختی به آنها از طرف گرومن را به جراید می کشاند و ادعا می کند که گرومن با اختصاص ۲۸ میلیون دلار جهت کمیسیون، سر ایران را کلاه گذاشته است و تهدید نمود که این شرکت را تحت تعقیب قانونی قرار خواهد داد. فروش هواپیماهای اف ۱۴ به ایران حدود ۲/۲ میلیارد دلار برای کمپانی گرومن به همراه داشت که جان تازه ای در وجود این کمپانی ورشکسته و بی رمق دمید. طوفانیان در ملاقات با مستشاری نظامی در ایران به این روش کمپانیها در فروش تجهیزات نظامی به ایران با نشان دادن دو قطعه چک مربوط به پرداختی گرومن به برادران لاوی به ارزش ۶ میلیون دلار اعتراض نمود و خواستار حذف عناصر واسطه گردید. وی گفت بر اساس رابطه ای که وی با گرومن و نورتروپ داشته است به آنها اطلاع داده که وی به عنوان معاون وزیر جنگ، تنها نماینده دولت ایران در برابر دولت آمریکاست و مشخص بود که طوفانیان نمی توانست سایر رقبای خود را در این میان تحمل نماید و به این خاطر بود که با از میدان به در نمودن تک تک آنها سعی داشت ابتکار عمل را در امور واسطگی خود به دست گیرد. اما ظاهرا این شرکتها و کمپانیها هم با آگاهی از ساختار فاسد دستگاه سلطنتی و نیز جهت حفظ منافع آینده خود به سخنان وی وقعی ننهادند و با وجود اعلام دولت ایران در خصوص منع استفاده از دلالهای اسلحه کماکان کمپانیهای تسلیحاتی به فعالیت خود در ارتباط با

دلالها به عنوان پلهای ارتباطی و پرنفوذ خود ادامه می دادند. نکته جالب آنکه حتی خود آمریکاییها در زمینه محدود نمودن فعالیت کمپانیهای خود و حذف عناصر واسطه به وحشت افتادند و آن را برای فعالیتهای آینده خود مضر می دانستند.

البته طوفانیان نیز در این درگیری با واسطه ها آنچنان هم رو سفید بیرون نیامد و رقبای او هم در راستای فعالیتهای وی بیکار ننشستند و دست به کار از میدان به در کردن وی شدند. شخصی به نام دهش که از رانده شدگان طوفانیان بود در ملاقات با عناصر لانه جاسوسی گفته بود که طوفانیان از بابت معامله فولاد از هندوستان و نیز خرید قایقهای گشتی فرانسوی مبالغ هنگفتی رشوه گرفته است، و با اطمینان گفت که خیلی زود وی از نظرها خواهد افتاد و چنین نیز شد و در اوج مبارزات ملت مسلمان ایران، نام او نیز به عنوان یک رشوه گیر بنام، تیتر روزنامه های داخلی و خارجی گردید.

مروری بر حرکتها و فعالیتهای کمپانیهای آمریکایی جهت نفوذ و در دست گرفتن بازار ایران می تواند تا حدود زیادی عمق نظام فاسد و استکباری آمریکا را نشان دهد؛ نظامی که ساختار اصلی آن را کمپانیهای چند ملیتی تشکیل داده اند و هرچند با گذشت زمان با تعویض رؤسای جمهور تظاهر به انجام دگرگونی در نظام بیمارگونه خود می نمایند، اما ملل جهان تاکنون به این نتیجه رسیده اند که اینها جز عروسکهای خیمه شب بازی چیز دیگری نیستند و صحنه گردان اصلی این جریانات همان کمپانیهای چپاولگر می باشند. آمار زیر در خصوص پرداخت رشوه می تواند تا حدودی روشنگر این واقعیات باشد:

۱ شرکتهای لیتون مک دونالد داگلاس لاکهید (از بابت فروش پ ۳) و نورتروپ، همگی جهت ورود به بازار ایران و فروش جنگ افزار، رشوه های کلان به واسطه ها داده اند.

۲ یک شرکت به نام Economic Development مستقر در سوئیس به توسط فردی به نام فرانک دو

فرانسیس جهت ارتقای سطح فروش اف ۵ در سطح جهان کمیسیونی به مبلغ ۱/۱ میلیون دلار در رابطه با فروش هواپیما به ایران در اختیار یک واسطه گذاشته است.

۳ شخصی به نام کشفی دو مبلغ ۳ و ۴/۱ میلیون دلار از کمپانی فیلکو فورد به خاطر انعقاد قرارداد رادار دریافت کرده است.

۴ شرکت بل هلیکوپتر به یک عامل ناشناس ۴۸۹۰۰۰ دلار (هزار دلار بابت فروش هر هلیکوپتر) برای فروش سال ۷۳ آن شرکت پرداخت نموده است.

۵ شرکت نورتروپ دو مبلغ ۶/۱ میلیون دلار و ۴۵۰ هزار دلار جهت حق الزحمه برای انعقاد یک قرارداد به یک واسطه پرداخته است.

۶ پرویز بوشهری دلقک دربار از کمپانی GTE طرف قرارداد شرکت مخابرات از یک قرارداد یک میلیاردی، ۵/۲ درصد دریافت نمود.

با بررسی و مطالعه اسناد این نتیجه حاصل می شود که اصولاً فروش تسلیحات و جنگ افزارهای پیشرفته در مرحله اول باعث اعمال سیاستهای زورمدارانه استکبار جهانی است که در این رهگذر عوامل دلال و واسطه ها نقش ثانوی را در اجرای این سیاستها بازی می کنند. به طور قطع با گذشت زمان و با تشدید رقابتهای تسلیحاتی مابین کشورها و غولهای تسلیحاتی جهان این موضوع بعد تازه ای به خود می گیرد و کشورهایی که در حجم وسیع روابط تسلیحاتی با آمریکا دارند نمی توانند از

این موضوع مستثنی باشند. در کشورهای مرتجع عربی و در راس آنها رژیم حاکم بر حجاز و مصر

این موضوع (دخالت عناصر واسطه و دلال در امر فروش تجهیزات نظامی و به دنبال آن پرداخت

رشوه های کلان) می تواند در ابعاد بسیار وسیعتری مطرح باشد و در همین کشورهاست که کمپانیهای

تسلیحاتی آمریکایی از طریق واسطه های سرشناس و پر نفوذ اهداف سیاسی نظامی اقتصادی خود

را جامه عمل می پوشانند.

اسناد اخیر نشان می دهد که نظام حاکم بر آمریکا مبتنی بر رشوه و فساد و تباهی است و اکنون نیز

از آن جز یک ببر کاغذی چیزی باقی نمانده است. تلاش دولتمردان آمریکایی جهت به دست آوردن

قدرت و نفوذ گذشته خود به منظور چپاول اموال ملتهای محروم جهان و به زیر سلطه بردن آنها، با

مطرح گردیدن مجدد اسلام حیات بخش و گسترش نفوذ آن در ملل محروم و مستضعف جهان با

شکست قطعی روبرو گردیده است و این قدرت استکباری دوران افول خود را به سرعت سپری

می کند. آمریکا با پی بردن به عظمت و قدرت انقلاب اسلامی ایران به خیال واهی نزدیک شدن به آن و

به زعم خودش جذب عناصر میانه رو سعی داشت که اهداف و انگیزه های شیطانی خود را به منصه

ظهور گذارد. لکن این بار شیپور را از دهانه گشادش نواخت و به این خیال باطل که اکنون نیز همانند

رژیم شاه می تواند اهداف خود را از طرق تسلیحات جامه عمل بپوشاند، با شکست و رسوایی ذلت

باری مواجه گردید، که همانند مار زخم خورده ای هنوز بر خود می پیچد.

والسلام

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

اسفند ۱۳۶۷

دلالهای نفوذ

سند شماره (۱)

خیلی محرمانه آوریل ۱۹۷۳

از: گروه کمک مستشاری نظامی آمریکا در تهران، ایرانبه : وزیر دفاع، واشنگتن دی سی

موضوع : دلالهای نفوذ

۱ (خیلی محرمانه) حدود یک سال قبل شاه با بیانی تند خطاب به پرسنل تهیه کننده تسلیحات گفت که ایران دیگر یک کشور در حال ظهور نیست. بنابراین نباید برای نفوذ افراد هزینه ای را متحمل گردد. از آن زمان به بعد شدیدا تلاش شد تا با پاکسازی قراردادهای خرید تسلیحاتی تمام عناصری را که هزینه های نادرستی را به این کشور تحمیل کرده اند، از صفحه خرید حذف نمایند. طی سال گذشته پرونده های فروش نظامی خارجی چندین بار و به دقت بررسی شد، و در انجام آن حتی فهرستی از اسامی افرادی که در مذاکرات دخالت داشته اند، تهیه گردید.

۲ (خیلی محرمانه) اکنون مقامات ایرانی فهرست مفصلی را از اسامی افراد ایرانی و خارجی که در این کشور اقامت دارند، لیکن نماینده کارخانه ها و یا کمپانیهای خارجی دارای رابطهای خاص در خارج از کشور می باشند، تهیه نموده اند. شخص شاه این فهرست را به دقت مطالعه کرده و فرمان داده است که به هیچ یک از آنها به خاطر انعقاد قراردادها خرید تسلیحاتی کمیسیون یا هزینه ای پرداخت نشود.

۳ (خیلی محرمانه) مقامات نظامی دست اندرکار خرید تسلیحاتی این موضوع را تا جایی دنبال کرده اند که مسئله جنبه عاطفی به خود گرفته و اعلام نموده اند که آن دسته از افرادی که در ایران اقامت دارند لیکن نماینده کمپانیهای خارجی می باشند، نباید در جلسات توجیهی، بحثها، و یا مذاکرات مربوط به خرید تسلیحات نظامی حضور داشته باشند.

اخیرا نیز آنها در چند مورد افراد حاضر را شناسایی کرده و از بعضی از افراد خواسته اند که قبل از آغاز گفتگوها جلسه را ترک نمایند.

۴ (خیلی محرمانه) از مقامات ما در واشنگتن دعوت شده تا نمایندگان شرکتهای تجاری تولیدکننده تجهیزات نظامی را که قصد سفر به ایران دارند معرفی نمایند، تا اطمینان حاصل شود که در پیشنهادات آنها به ایران هیچ گونه هزینه و یا کمیسیون نادرستی گنجانده نشده است. این نمایندگان باید از آوردن شخصیتهای محلی به جلسات مذاکرات اجتناب نمایند.

۵ (خیلی محرمانه) ما این وضع را زیر نظر گرفته و در مورد هرگونه انحراف مهمی که در عمل نسبت به مقاصد دولت به وجود آید، گزارشات لازم را ارسال خواهیم نمود.

۶ سفارت آمریکا نیز موافقت خویش را اعلام می دارد.

۷ خروج از طبقه بندی در سال ۱۹۷۹.

سند شماره (۲)

اداری غیر رسمی استفاده اداری محدودتاریخ: ۳۰ ژانویه ۱۹۷۵

استانلی تی. اسکودرو بخش سیاسی سفارت آمریکا، تهرانوزارت خارجه واشنگتن دی. سی.

استان عزیز:

لطفا در اوقات فراغت خویش اطلاعات، بیوگرافیک مردی به نام محوی که مدیر عامل سیستم اطلاعاتی ایران (ایز ایران) است (یا بوده) و گویا در حال تشکیل شرکت الکتریسیته هسته ای ایران (INECO)و شرکت تکنولوژی پیشرفته ایران می باشد، برای ما ارسال نمایید. امیدوارم بخش اقتصادی در مورد وی اطلاعات خوبی داشته باشد، چون او ظاهرا خدمتکار خوش سیمای شاه در زمینه تشکیل شرکتهایی است که آماده واردسازی صنعت تکنولوژی پیشرفته به ایران می باشند. هرگونه اطلاعات دیگری که در مورد دست راست محوی یعنی آقای مناوی و نیز شیرین (شاهین م) آقایان، وکیل و مشاور تجاری وی داشته باشید برای ما جالب خواهد بود.

این اطلاعات تنها جنبه ارضای کنجکاوی شخصی دارد، چون نام این افراد در گفتگو با تجار به کرات مطرح می گردد ولی کسب این اطلاعات می تواند در پی بردن به رابطه های قدرت بسیار مفید واقع گردد. با این وصف می توانم از دریافت این اطلاعات صرف نظر نمایم، تا این افراد فکر نکنند که سفارت در مورد آنها فضولی می کند.

سلام گرم ما را به جی و ساشا برسانید.

(یعنی آلساندرا)

ارادتمند بایرون بی مورتون دفتر امور ایران

درخواست اطلاعات در مورد ابوالفتح محوی

سند شماره (۳)

از: مستشاری نظامی (آرمیش مگ) تهرانخیلی محرمانه ۷ ژوئیه ۱۹۷۵

به: سازمان همکاری امنیتی وزارت دفاع ستاد فرماندهی ایالات متحده در اروپا برای سپهبد فیش و سرلشکر رایدر از سرلشگر برت

موضوع: وضعیت ابوالفتح محوی

۱ (خیلی محرمانه) ژنرال طوفانیان معاونت وزیر جنگ امروز ۶ ژوئیه به ژنرال برت تلفن زد و به وی اطلاع داد که شاه آقای ابوالفتح محوی را در لیست سیاه قرار داده است. ژنرال طوفانیان قاطعانه درخواست کرد که ژنرال برت وزارت دفاع را از تصمیم شاه مطلع سازد.

۲ (خیلی محرمانه) بر اساس تجربه گذشته، این امر به وضوح بدین معناست که آقای محوی به عنوان نماینده یا مشاور هرگونه شرکت خارجی پذیرفته نخواهد شد. ما در این مرحله هیچ گونه اطلاع موثقی در این خصوص که آقای محوی نماینده کدامیک از شرکتهای آمریکایی می باشد، نداریم؛ ولی در هر حال شواهد دال بر این امر هستند که وی در گذشته نماینده شرکتهای بازرگانی خصوصی بوده است.

۳ (خیلی محرمانه) پیشنهاد می نماییم که این خبر به نحو مناسبی پخش شود. از مذاکرات با نمایندگان مقاطعه کاران آمریکایی در این جا آشکار است که تمایل بسیار قوی از جانب شاه و دولت

ایران در قبال عدم استفاده از نمایندگیها و یا افرادی که به هر جهت می توانند، به طور جدی در معرض خطر قرار گیرند، وجود دارد. ما هیچ گونه وقفه ای در این تلاش نمی بینیم ولیکن قویا بر این عقیده هستیم که این تنها راهی است که شرکت های آمریکائی می توانند در ایران به کار بپردازند. من پیش بینی می کنم که برخی افراد مشهور دیگر نیز در لیست سیاه قرار داده شوند و این امر می تواند به شرکتهای آمریکایی که از طریق این افراد معرفی می شوند لطمه وارد نماید.

۴ (خیلی محرمانه) نظرات و پیشنهادات شما مورد قبول ما است. ما در مستشاری نظامی همیشه مستمرا و آگاهانه به نمایندگان شرکتهای آمریکایی در مورد نقطه نظرات دولت ایران در خصوص این موضوع گوشزد کرده ایم.

سند شماره (۴)

خیلی محرمانه ۸ ژوئیه ۱۹۷۵

از: سرلشکر برتبه: پیام شخصی برای وزیر آقای هوفمان (شورای عمومی) و سپهبد فیش

مرجع: الف پیام ژوئیه ۷۵ (خیلی محرمانه) اینجانب در مورد موضوع ب پیام ۸ ژوئیه ۷۵ (خیلی محرمانه) اینجانب تحت عنوان دلالها و نرخ دلالها

موضوع: وضعیت آقای ابوالفتح محوی

۱ (خیلی محرمانه) در تاریخ ۸ ژوئیه ۷۵ طی ملاقاتی طولانی بین ژنرال طوفانیان معاون وزیر جنگ و سرلشکر برت از گروه کمک مستشاری نظامی، طوفانیان از اینجانب خواست که نقل قول شده ذیل را که مکمل مطالب گزارش شده در مرجع الف می باشد برای وزیر دفاع ارسال نمایم.

نقل قول:

عالیجناب وزیر دفاع جیمز شلزینگر ۸ ژوئیه ۱۹۷۵

پنتاگون، واشنگتن دی سی.

ایالات متحده آمریکا

آقای وزیر عزیز:

۱ طبق فرمان اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر، فرمانده کل قوا، باید به اطلاع آن جناب برسانم که به علت دخالتهای آقای ابوالفتح محوی در تهیه و تدارک سیستمهای دفاعی مورد نیاز نیروهای مسلح سلطنتی ایران از صنایع آمریکایی، نام وی باید در فهرست سیاه قرار گیرد. به این جانب دستور داده شده تا مقدمات اختتام فعالیتهای وی را فراهم سازم. وی هیچ گونه حق و اختیاری ندارد تا تحت هیچ عنوان و پوششی در زمینه تأمین سیستمهای دفاعی برای نیروهای مسلح سلطنتی مداخله نماید.

۲ باعث خرسندی من خواهد بود چنانچه جناب وزیر با مساعی خویش به تمام شرکتها و صنایع آمریکایی اطلاع دهند که وزارت جنگ دولت شاهنشاهی ایران هیچ قراردادی را که آقای ابوالفتح محوی تحت هر نام و به هر ترتیبی با آن مربوط باشد، امضاء نخواهد کرد.

۳ با احترامات گرم و صمیمانه.

ارادتمند:

ص: ۳۰۹

ژنرال ح. طوفانیان معاون وزیر جنگ.

پایان نقل:

۲ (خیلی محرمانه) ژنرال طوفانیان همچنین از اینجانب خواست که تمام نمایندگان قراردادهای مرتبط به مسائل دفاعی آمریکایی را در درون کشور ایران از اقدامات دولت ایران در مورد محوی مطلع سازم و علاوه بر این آنها را در جریان موضع محکم دولت ایران در قبال استفاده از دلالها و یا افراد یا شرکتها، تحت هر پوششی که منجر به دریافت و پرداخت کمیسیون و غیره در زمینه خریدهای نظامی شود قرار دهم. از زمان شروع مأموریتم در ایران، این جانب و تمام کارمندانم در ملاقاتهای خویش با پیمانکاران بر موضع دولت ایران در مورد استفاده از دلالها، تأکید ورزیده ایم: با این حال هیچ اقدامی در مورد درخواست ژنرال طوفانیان چه به صورت تشکیل جلسه فوری و چه به صورت ارسال اخطاریه کتبی انجام نخواهم داد تا از شما دستورات لازم را دریافت نمایم، چون این اولین باری است که از ما خواسته شده که به طور علنی هویت یک فرد خاص را فاش نماییم.

به نظر من مطرح ساختن خصوصیات و ویژگی های فرد مورد نظر برای نمایندگان پیمانکاران محلی دارای فواید مثبتی نیز می باشد. در گذشته ظاهرا چنین بود که بسیاری به این سخنان گوش می دادند، ولی هیچ کس آن را باور نمی کرد. گذشته از این ما موضوع را با مقامات ذی ربط سفارت در میان می گذاریم تا از نقطه نظرات آنها نیز مطلع شویم، چون خواهی نخواهی این خبر به دیگر وزارتخانه های دولت ایران راه پیدا کرده و به گوش دیگر پیمانکاران بازرگانی نیز می رسد.

۳ (طبقه بندی نشده) از دریافت رهنمودهای شما خوشحال خواهیم شد.

خروج از طبقه بندی در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۱

حق الزحمه دلالها

سند شماره (۵)

از : گروه کمک مستشاری نظامی آمریکا در تهرانبه : وزارت دفاع در واشنگتن دی. سی.

پیام برای شخص سپهبد فیش از طرف سرلشکر برتخیلی محرمانه ۹ ژوئیه ۱۹۷۵

موضوع : حق الزحمه دلالها

۱ (خیلی محرمانه) سرلشکر برت در تاریخ ۸ ژوئیه ۱۹۷۵ با ژنرال طوفانیان معاون وزیر جنگ ملاقاتی بسیار طولانی داشت که منحصرا به مشکلات مربوط به استفاده شرکتهای آمریکایی از دلالها در رابطه با قراردادهای مربوط به خریدهای نظامی ایران بود. ژنرال طوفانیان خواستار آن شده است که بخش اعظم مطالب ذیل در اختیار مقامات وزارت دفاع قرار گیرد.

۲ (خیلی محرمانه) به محض ورود برت، ژنرال طوفانیان بحث و گفتگو پیرامون دلالها و حق الزحمه دلالها را آغاز کرد. در تمام طول ملاقات برخورد وی بسیار جدی و قویا قاطعانه بود. مسلم است که این موضوع از نظر اعلیحضرت و دولت ایران بسیار حائز اهمیت می باشد و تمام مطالبی که به برت گفته می شود مورد تأیید اعلیحضرت قرار گرفته است. در آغاز ژنرال طوفانیان اظهار داشت که اعلیحضرت با سرمایه گذاری خصوصی و یا جو تجارت آزاد مخالف نیست، اما قطعا و به طور صددرصد با پرداخت هرگونه کمیسیون یا حق الزحمه اضافی در زمینه خریدهای دفاعی مخالف می باشد. ژنرال طوفانیان اظهار داشت که این موضوع یک «مفهوم مقدسی» می باشد که بیان شده

توسط شاه است، که تهیه و تدارکات دفاعی که با امنیت ملی کشور سروکار دارد، باید عاری از هرگونه پرداختهای مالی باشد که مستقیما بتوان آنها را با قرارداد تهیه و تدارک تجهیزات دفاعی مرتبط ساخت. وی اظهار داشت که هیچ فردی حق ندارد در این زمینه مبالغ اضافی پرداخت یا برداشت نماید. وی افزود، متأسفانه موارد بسیاری مشاهده شده که به افرادی در رابطه با قراردادهای دفاعی چه قراردادهای مستقیم بازرگانی و چه فروش خارجی نظامی مبالغ عظیمی به صورت هزینه های اضافی پرداخت شده است. ژنرال طوفانیان اظهار داشت، مبلغ پول مورد نظر چندان اهمیتی ندارد، ولی اصل خود عمل از اهمیت بسیاری برخوردار است. در همین رابطه می توان گفت که تصمیمات اخیر شاه بخصوص در رابطه با آقای محوی که در تلگرام جداگانه ۸ ژوئیه ۷۵ گزارش شده، با تصمیمات ایشان در زمان اعلام انقلاب سفید قابل مقایسه می باشد. این تصمیمات باید به عنوان «یک هشدار» مثبت برای تمام پیمانکاران دفاعی تلقی گردد.

۳ (خیلی محرمانه) ژنرال طوفانیان در اینجا اسنادی را به برت نشان داد، که بر طبق آنها مبالغ هنگفتی از طرف پیمانکاران و یا شرکتهای آمریکایی به افراد و یا شرکتهای خاصی پرداخت شده است. او به برت دو قطعه چک باطل شده ای را نشان داد که یکی از آنها به مبلغ ۹/۲ میلیون و دیگری به مبلغ ۱/۳ میلیون دلار توسط شرکت گرومن به برادران لاوی پرداخت شده بود؛ علاوه بر این وی یک یادداشت امضاء شده ای را در اختیار داشت که با یک نظر اجمالی می توان گفت مشخص کننده مبلغی است که در رابطه با فروش هواپیماهای اف ۱۴ به ایران، پرداخت گردیده است گرچه برت فرصت نداشت تا به مطالعه دقیق چکها بپردازد. ولی متوجه شد که تاریخ یکی از آنها ۲۵ آوریل ۱۹۷۴ می باشد، یعنی پس از اعلام دستورات مندرج در ASPERSژنرال طوفانیان اظهار داشت که گرومن پرداختهایی در حدود ۲۴ میلیون دلار داشته و او اصرار دارد که شرکت مزبور ۲۸ میلیون دلار

به دولت ایران بپردازد که ۴ میلیون دلار اضافی به صورت جریمه و یا تأمین مبالغ پرداختی است که هنوز مشخص نشده است.

۴ (خیلی محرمانه) وی سپس به اظهار نظر و ارائه اسناد مربوط به فعالیتهای شرکت نورتروپ پرداخت و گفت نورتروپ به عنوان حق الزحمه لغو قرارداد، ۶/۱ میلیون دلار به محوی پرداخت کرده و ۴۵۰۰۰۰ دلار دیگر نیز به وی به عنوان عامل این شرکت در ایران پرداخت نموده است. به همین دلیل طوفانیان اصرار می ورزید که نورتروپ باید مبلغ ۲/۲ میلیون دلار را به دولت ایران بپردازد، و گفت گرچه کل مبلغ این نیست، ولی او آن را به صورت عددی روند ارائه کرده است. وی گفت پس از رسیدن مسئله مربوط به دلالها به سمع رئیس شرکت نورتروپ یعنی جونز، آقای جونز پس از گفتگو با وزیر دربار علم و ژنرال طوفانیان تلاشهای مثبتی را به کار بسته بود تا به رابطه بین نورتروپ و آقای محوی خاتمه دهد. از نظر طوفانیان این موضوع اعتباری است برای نورتروپ. با این وصف گرومن، حتی پس از دریافت هشدار ژنرال طوفانیان ما و دیگران (اظهار نظر: ما یعنی گروه کمک مستشاری نظامی نیز گرومن و دیگر شرکتها را قبل از آوریل ۱۹۷۴ در جریان امر قرار داده بودیم) اقدام به پرداخت مبالغی هنگفت به برادران لاوی کرده بود. از نظر وی، این مسئله غیر قابل اغماض است و با قوانین ما و آنها مغایرت دارد.

۵ (خیلی محرمانه) ژنرال طوفانیان سپس نامه هایی را که در سال ۱۹۷۲ به نخست وزیر نوشته

بود و در آنها برادران لاوی را در لیست سیاه قرار داده بود، به برت نشان داد و تأکید نمود که علیرغم تمام اینها، شرکت گرومن در اواخر بهار ۱۹۷۴ قراردادی را با برادران لاوی منعقد ساخته بود. او قرارداد منعقده بین گرومن و برادران لاوی را در برابر دیدگان برت به حرکت درآورد. برت نتوانست به قرارداد نگاه کند. در همان حال، ژنرال طوفانیان اظهار داشت که این قراردادی نیست که بین دو طرف تجاری منعقد می گردد، بلکه سند تسلیم شرکت گرومن در برابر برادران لاوی است.

۶ (خیلی محرمانه) ژنرال طوفانیان گفت در نتیجه رابطه ای که با گرومن و نورتروپ داشته به هر دوی آنها اطلاع داده است که وی به عنوان معاون وزیر جنگ تنها نماینده دولت ایران در برابر دولت آمریکا و پیمانکاران دفاعی است، اما ظاهرا این شرکتها به سخنان وی وقعی ننهاده و به تلاش خویش از طریق دلالها ادامه داده اند. وی گفت این دلالها در هر صورت چیزی را از دست نمی دهند، چون پس از عقد قرارداد با شرکتهای آمریکایی، اگر شرکتهای مزبور برنده شوند، پول عاید آنها می شود و اگر برنده نشوند، دلالها هیچ چیزی را از دست نمی دهند.وی گفت درگذشته دلالهای مزبور بااستفاده از هویتهای کاذب سعی داشته اند با شرکتهای آمریکایی ارتباط برقرار سازند و اظهار داشت که برای اثبات مطلب مدارک لازم را در اختیار دارد. وی به ذکر چند مورد پرداخت که بر اساس یکی از آنها، دلالی همراه با یک ایرانی ناشناس به یک کشور خارجی رفته و او را به عنوان ژنرال طوفانیان معرفی کرده است و این ژنرال قلابی نیز به شرکت توصیه کرده است که بهتر است، این فرد را به عنوان نماینده خویش در ایران استخدام نماید. وی در ادامه گفت این کارها حتی در خود ایران نیز جریان دارد چون هنگامی که نمایندگان کمپانیها وارد هتل هیلتون می شوند افرادی با آنها تماس گرفته و می گویند که حاضرند آنها را به ژنرال طوفانیان معرفی نمایند و حتی ترتیب ملاقات آنها را با شاه را می دهند. در اینجا وی یادداشتی را نشان داد که در آن نماینده یک شرکت آلمانی اظهار داشته بود که یک فرد

ایرانی می خواهد برای او از ژنرال طوفانیان و حتی شاه وقت ملاقات بگیرد. ژنرال طوفانیان نیز گفته بود که با فرد ایرانی مورد نظر هیچ گونه رابطه ای نداشته و ندارد.

۷ (خیلی محرمانه) ژنرال طوفانیان اظهار داشت که می خواهد یک موضوع را روشن کند و آن اینکه گرچه شرکتهای آمریکایی از تبلیغات کافی برخوردارند و توجه همگان را به خود جلب کرده اند، ولی همین موضوع در مورد شرکتهای نماینده دیگر کشورها بخصوص آلمان، فرانسه، انگلستان، و بلژیک نیز صادق است. وی بار دیگر گفت که شاه با تجارت آزاد و صحیح مخالف نیست بلکه نمی تواند درباره فساد و دوز و کلک در زمینه قراردادهای دفاعی بی تفاوت بماند. این «رهنمود مقدس» شامل همه می شود که با همه به طور مساوی برخورد خواهد نمود.

۸ (خیلی محرمانه) سپس ژنرال طوفانیان از برت درخواست نمود که در جلسه ای با حضور نمایندگان محلی تمام پیمانکاران دفاعی آمریکایی به آنها اطلاع دهد که آقای محوی در فهرست سیاه قرار گرفته و موضع شاه را به دقت برای آنها توضیح دهد (اظهار نظر: قبل از انجام این عمل، با سفارت و دفتر وزارت دفاع هماهنگی خواهد شد).

۹ (خیلی محرمانه) ژنرال طوفانیان از برت خواست که به دفتر وزارت دفاع اطلاع دهد تا قرارداد ناوچه های اسپروآنس (DD ۹۶۳) را به دقت بررسی نماید، تا مطمئن شود که هیچ گونه کمیسیون و یا حق الزحمه ای پرداخت نخواهد شد و از شرکتهای درگیر نیز بخواهد که استشهاد نامه تهیه شده توسط

دفتر وی را امضاء نمایند.

۱۰ (خیلی محرمانه) گفتگو با نمایندگان محلی شرکتهای آمریکایی در چند روز گذشته نشان داده است که موضوع کمیسیون و یا حق الزحمه دلالها مهم ترین موضوع مطروحه در ملاقاتهای ژنرال طوفانیان با آنها بوده است. مسلم است که شاه به تلاشی جدی برای از بین بردن فساد و یا هرگونه اعمالی که حاکی از فساد در زمینه امور دفاعی باشد، دست زده است. همان طور که در آغاز مطلب گفته شد،ژنرال طوفانیان از برت خواسته است که این اطلاعات را حتما در اختیار واشنگتن قرار دهد. در ملاقات مختصر بین ژنرال طوفانیان در بعدازظهر روز ۸ ژوئیه در ساختمان ستاد مشترک، وی بار دیگر از برت خواست که واشنگتن را در جریان اظهارات وی قرار دهد. برت گفت حتما این کار را خواهد کرد و ژنرال طوفانیان نیز گفت که مایل نیست پیام ژنرال برت را مرور کند، اما مایل است که وی برداشتهای خودش را برای واشنگتن بفرستد.خروج از طبقه بندی ۳۱ دسامبر ۷۵

سند شماره (۶)

۱۳ ژوئیه ۱۹۷۵ سفیرخیلی محرمانه

از طریق: معاونت آقای میکلوس

از طریق: مشاور سیاسی آقای میلز مشاور سیاسی نظامی هنری پرشت حق العمل دلالان

شما خواستار دریافت خلاصه ای از گزارش وزارت دفاع در مورد هزینه عاملین و نیز گزارش ارنست و ارنست در مورد شرکت نورتروپ شده بودید. مطالب زیر با ایران در ارتباط است:

گزارش وزارت دفاع

گزارش وزارت دفاع بر اساس قراردادهای نیروی هوایی آمریکا تهیه شده و قطعا نمی تواند حتی در مورد نیروی هوایی کامل بوده باشد. این گزارش حاوی نکات مهم ذیل است:

فیلکوفورد در سال ۱۹۶۹ مبالغی معادل ۳ و ۴/۱ میلیون دلار به خاطر قراردادهای رادار به کشفی پرداخت نمود. این کمپانی همچنین مبلغ ۱۴۴۰۰۰ دلار دیگر به او پرداخت نمود، تا از سال ۱۹۷۰ به مدت دو سال به عنوان مشاور این شرکت عمل کند.

شرکت وستینگهاوس در رابطه با تجارت و یا کار مربوط به نیروی هوایی ایران تنها هزینه های ناچیزی را پرداخت کرده است. البته این موضوع با عقل جور در نمی آید.

شرکت بل نیز ظاهرا به یک عامل ناشناس حدود ۴۸۹۰۰۰ دلار (۱۰۰۰ دلار در ازاء هر هلیکوپتر) در ازاء فروشهای سال ۱۹۷۳ این شرکت پرداخت نموده است. میزان پرداخت این هزینه ظاهرا پس از اعتراض دولت ایران مبنی بر غیر منصفانه بودن درصد کمیسیون از طریق مذاکره مشخص گردید.

شرکت مک دونال داگلاس نیز احتمالاً مبلغ نامعلومی را به یکی از افسران بازنشسته نیروی هوایی آمریکا به نام آقای لاون که در اسرائیل زندگی می کند و عهده دار امور این شرکت در آنجاست پرداخت نموده است. تیوکول نیز گویا ۷۴،۰۰۰ دلار به فردی به نام آقای بزرگمهر و ۸۵،۰۰۰ دلار به فردی به نام آقای شاهان پرداخت کرده که من آنها را نمی شناسم.

شرکت لیتون به خاطر انعقاد قراردادی در سال ۱۹۷۳ معادل ۱۲۱۰۰۰ دلار به شرکت خدمات مدیریت فنی با مسئولیت محدود (محوی) پرداخت نموده است. شنیده ام که محوی به لیتون اطلاع داده است که علیرغم اقدامات تند طوفانیان وضع هیچ گونه تغییری نکرده است. لاکهید نیز ظاهرا مبلغ یک میلیون دلار به خاطر فروش ۳۰ میلیون دلاری ۳ پ در سال ۱۹۷۳ به جیم زند پرداخته است.

ظاهرا نورتروپ نیز به محوی قول داده است که در صورت انجام فروش ۳/۵۰ میلیون دلاری فانتوم های اف ۵ ئی، ۵/۱ درصد کمیسیون به وی بپردازد.

گزارش ارنست اند ارنست

اینجانب بخشهایی از این گزارش را که می تواند برای شما جالب باشد جدا ساخته ام. بعضی از مطالب مربوط به ایران به شرح زیر می باشد.

شرکت اکونومیک اند دیولوپ منت، یک کمپانی مرموز مستقر در سوئیس توسط فرانک دوفرانسیس جهت ارتقای سطح فروش فانتوم های اف ۵ ئی در سطح جهانی، ۱/۱ میلیون دلار «کمیسیون اختیاری» در رابطه با فروش هواپیما به ایران، پرداخت نموده است. «عاملین دیگری (احتمالاً محوی) نیز در همان فروش ۷/۲ میلیون دلار دریافت داشته اند.

یادداشت: TVJ در مورد این قرارداد حاوی عبارت زیر است: «اطمینان دارم که این کار صورت خواهد گرفت من قادر به شناخت صاحب امضاء نیستم ولی حدس می زنم که متعلق به یکی از وکلای اروپایی باشد که رئیس است.»

قرارداد امضاء نشده ای که با شاهزاده شهرام منعقد شد (و در گزارش با عنوان PCPیاد شده) به عنوان توافق نامه ای با یک بازرگان خصوصی ذکر شده و گفته شده که این شخص یکی از مقامات دولت ایران نمی باشد. مبلغ ۱۲۵/۱ میلیون دلار در ازاء خدماتش به کنسرسیوم INTSبه وی پرداخت

شده که ۷۰۵،۰۰۰ دلار آن سهم پیج (Page) بوده است. مبلغ مورد نظر ظاهرا به یکی از حسابهای شماره دار بانک سوئیس واریز شده است.

به شرکت مدیریت و مشاوره فنی با مسئولیت محدود (برمودا) که متعلق به محوی است بر اساس یک قرارداد سه ساله از اول اوت ۱۹۷۱ سالانه مبلغ ۱۵۰،۰۰۰ دلار پرداخت شده است. علاوه بر این، دیگر قراردادهای شرکت نورتروپ، در همین رابطه، کمیسیونهایی معادل ۲/۲ میلیون دلار برای مدت سه سالی که در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۳ خاتمه یافته پرداخت شده است. زمانی که دولت ایران استفاده از دلالها را ممنوع اعلام کرد، شرکت نورتروپ سعی کرد با پرداخت ۳/۱ میلیون دلار ادامه فعالیتهای محوی در رابطه با شرکت مزبور را متوقف سازد. ظاهرا مذاکرات مربوط به این معامله هنوز هم در جریان است و گویا سپهبد خاتمی و خادمی نیز از جمله اعضاء گروه محوی می باشند. محوی قبلاً صاحب ۵۱ درصد سهام شرکت IACIبود، ولی طوفانیان سهام وی را خریداری کرد. خاتمی و خادمی در این توافقنامه تنها نقش سهامدارانی را داشتند که در امور دیگر مربوط به شرکت دخالتی نداشتند.

می گویند جف کیچن (Jeffkitchen) نیز اظهار داشته که محوی در فروش هواپیماهای اف ۵ ئی نقش موثری داشته، زیرا ایران در عین حال که هواپیماهای اف ۴ اس را خریداری می کرد،میزان خرید خود را در زمینه اف ۵ ئی از ۳۶ فروند به ۱۴۶ فروند اضافه نمود. در یک یادداشت بدون امضاء و

تاریخ از محوی چنین نقل قول شده است که «سپهبد خاتمی که خود عضو گروه وی می باشد، فروش هواپیماهای (اف ۵ ئی) را به سطح کنونی رساند و بر اساس آنچه از محوی دریافته بود او نیز در مبلغ کمیسیون شریک خواهد بود. واقعیت امر این است که مسئله فروش با موانعی روبرو بود ولی در حال حاضر این موانع از بین رفته و فروش به جریان افتاده است.»

شاهین آقایان نیز گویا مبالغی تحت عنوان «پرداختهای ویژه» معادل ۱۵،۰۰۰، ۵۰،۰۰۰ و ۱۶،۰۰۰ دلار بین سالهای ۷۳ ۱۹۷۱ دریافت کرده است.

شرکت پیج نیز ظاهرا بین سال های ۷۳ ۱۹۷۱ مبلغ ۱۵،۰۰۰ دلار به یک مشاور به نام بیژن پرداخت کرده است. این فرد احتمالاً همان سرهنگ بیژن از نیروی هوایی ایران است که به خاطر دریافت کمیسیون قبل از تغییر مقام سال گذشته اش شهرت یافته است.

گویا ژنرال ژابلونسکی نیز به سوئیس سفر کرده و کمیسیون شرکت پیج (به مبلغ ۶۶۰۰۰۰ دلار) را به یک فرد ناشناس واقع در یک هتل پرداخت کرده است. علاوه بر این وی برای شرکت مزبور یک حساب بانکی در سوئیس باز کرده است.

سرلشکر برت

آقای کالاهان

آقای وستلی

سند شماره (۷)

سند شماره (۷)

برای افراد ذی ربط:

بنابه فرمان اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر فرمانده کل، باید به اطلاع شما برسانم که به علت

مداخله آقای ابوالفتح محوی در تهیه سیستم دفاعی و تأمین نیاز نیروهای مسلح سلطنتی از صنایع آمریکایی، نام وی باید در لیست سیاه قرار گیرد. به من دستور داده شده ترتیبی دهم تا فعالیتهای وی خاتمه یابد. او به هیچ وجه و تحت هیچ عنوانی حق ندارد در زمینه تهیه سیستمهای دفاعی نیروهای مسلح سلطنتی ایران دخالت داشته باشد.

مایلم موضوع به اطلاع کمپانیها و صنایع آمریکا برسد که وزارت جنگ دولت سلطنتی ایران هیچ قراردادی را که به نحوی با آقای ابوالفتح محوی مرتبط باشد امضاء نخواهد نمود.

تصویب: ژنرال ح. طوفانیان معاون وزیر جنگ

نامه طوفانیان در مورد ابوالفتح محوی

وضعیت آقای ابوالفتح محوی

سند شماره (۸)

قرارگاه گروه کمک مستشاری نظامی آمریکا در ایران

نیویورک ۰۹۲۰۵

۳ ژوئیه ۱۹۷۵

دفتر رئیس یادداشت برای: ژنرال حسن طوفانیان معاون وزیر جنگ

موضوع: وضعیت آقای ابوالفتح محوی

آقای پرشت و اینجانب معتقدیم که یادداشت پیوست با گفتگوهایمان در تاریخ ۲۹ ژوئیه ۱۹۷۵

مغایرت و تناقضی ندارد. در صورت تأیید شما اینجانب فورا رونوشتهایی از آن را در اختیار آقای پرشت قرار خواهم داد تا بین پیمانکاران آمریکایی توزیع گردد.

دول برت سرلشکر نیروی هوایی آمریکا، رئیس، گروه کمک مستشاری نظامی

بایرون عزیز

سند شماره (۹)

۳۱ ژوئیه ۱۹۷۵ اداری غیر رسمیخیلی محرمانه

تهران، ایران

جناب بایرون بی. مورتون وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی، ۲۰۵۲۰

بایرون عزیز:

در حالی که در نوشته های استانلی اسکودرو تحقیق می نمودیم، نامه ای را که در تاریخ ۳۰ ژانویه برای ایشان ارسال کرده بودید، یافتیم که در آن خواستار دریافت اطلاعاتی در مورد ابوالفتح محوی و رابطهایش شده بودید. با استناد به نامه چارلی ناس که برای جک میکلوس در تاریخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۵ فرستاده شده بود، می توان گفت که از طریق گزارش ارنست و ارنست اطلاعات بسیار خوبی در مورد فعالیتهای آقای محوی به دست آورده اید. (ما نیز یک نسخه از این گزارش را در اختیار داریم.)

محوی، که من هرگز او را ندیده ام، فردی است حدود ۵۰ ساله و بسیار باهوش. وی رابطه های بسیار خوبی دارد که احتمالاً به ژنرالهایی چون خاتمی و خادمی (در ایران ایر) می رسد. او در ایران دارای چند شرکت بزرگ است و من قطعا مطالب زیادی در مورد آنها نمی دانم. همان گونه که در تلگرام اخیر اطلاع داده ایم، شرکت ایزایران به تصرف شرکت IEI درآمده است. شرکت هسته ای (اتمی م) محوی یعنی INECOنیز گویا در رابطه با فروش رآکتورهای آلمانی فعالیت می نماید. محوی ظاهرا

فعالیتهای خود را ابتدا در زمینه تجارت نفت آغاز کرده اما در حال حاضر هیچ گونه فعالیت مهم نفتی ندارد.

نمی دانم که آیا تلگرام پیوست ارسالی توسط گروه کمک مستشاری نظامی را که خواسته شده بود در اختیار وزارت خارجه نیز قرار گیرد، دیده اید یا نه. در گفتگو در مورد محوی با ژنرال طوفانیان در تاریخ ۲۹ ژوئیه وی خاطرنشان ساخت که حدود ۱۷ کمپانی آمریکایی با وی در ارتباط می باشند. و به ذکر اسامی این شرکتها پرداخت و از راکول، لیتون و شرکت جنرال الکتریک یاد کرد، ولی موضوع به همین جا خاتمه نیافت. البته رابطه وی با شرکت نورتروپ برای همه معلوم و آشکار است. ما سعی داریم یک نامه تحت عنوان «به تمام افراد ذیربط» از طوفانیان دریافت کنیم که همان مطالب مندرج در نامه اش به وزیر دفاع را داشته باشد.

در صورت موفقیت، چند نسخه از آن نامه را برای شما خواهم فرستاد. تا بنا به صلاحدید خویش در اختیار بازرگانانی که با شما تماس می گیرند، قرار دهید.

آقای مناوی که در نامه خود به وی اشاره کرده اید، فردی است حدود ۳۰ ساله و یکی از اعضای درخشان ستاد کارمندی محوی است که از سمت خود به عنوان مدیر ایزایران استعفا داده است. طبق اطلاع من وی سرپرستی بقیه شرکتهای محوی در ایران را به عهده خواهد گرفت. او و رییسش هردو در حال گذراندن تعطیلاتی طولانی در اروپا می باشند. شاهین آقایان که نامش در گزارش ارنست و

ارنست آمده وکیلی است موفق که با نخست وزیر و دیگر مقامات ارشد دولت ایران رابطه دارد. او همچنین از دوستان بسیاری از پرسنل سفارت به حساب می آید. آقایان در ایران نماینده بسیاری از شرکتهای آمریکایی است. همسرش که عضو حزب رستاخیز است اخیرا به عنوان نماینده ارمنی ها در مجلس برگزیده شده است.

اطلاعات موجود در مورد سه فرد فوق الذکر حکایت از آن ندارد که آنها در نتیجه وضع شرکت نورتروپ دچار ضرر و زیان مالی شده اند محوی به یکی از طرفهای تجاری آمریکاییش گفته است که «وضع به هیچ وجه تغییر نکرده» و بهتر هم شده است. ولی مسلم است که دولت ایران در نظر دارد حداقل مانع ادامه فعالیتهای محوی در زمینه خریدهای دفاعی گردد.

ضمیمه: تلگرام گروه کمک مستشاری نظامیارادتمند: هنری پرشت دبیر اول

از یک رسوایی چند ملیتی دیگر پرده برداشته شد

سند شماره (۱۰)

اخبار تجارت

از یک رسوایی چند ملیتی دیگر پرده برداشته شد.

این هفته شاهد رسوایی یک شرکت چند ملیتی که دهها میلیون دلار پول در آن دخالت داشت و توسط روزنامه کیهان افشا شد، بودیم. (برای اطلاع شما طی تلگرام خیلی محرمانه شماره ۲۲ مورخ ۲۸ دسامبر ۱۹۷۵ ارسال شده است.)

کیهان گزارش زیر را در روزنامه مورخ ۲۷ دسامبر ۱۹۷۵ خود منتشر کرد: تلاشهای یک شرکت آمریکایی برای مغبون کردن ایران به میزان ۲۸ میلیون دلار، توسط وزارت جنگ خنثی شد. این شرکت گرومن می باشد که یک قرارداد فروش هواپیماهای تام کت اف ۱۴ با ایران دارد.

ایران در سپتامبر ۱۹۷۳ مذاکراتی را برای خرید این هواپیماها با شرکت گرومن آغاز نمود. در آن هنگام مقامات شرکت به نمایندگان ایران اطلاع دادند که در نظر دارند، فردی به سروان پولارد را که قبلاً در سفارت آمریکا در تهران کار می کرد به عنوان نماینده خود در ایران منصوب نمایند. ولی مقامات ایرانی بلافاصله پاسخ دادند که وی از ایران اخراج شده است و ایران در هر شرایطی برای معاملات خود یک چنین شخصی را واسطه قرار نمی دهد.

مقامات ایرانی آقای جیمز شلزینگر وزیر دفاع وقت را نیز فورا از این قضیه مطلع ساختند و از وی خواستند تا ضمیمه خاصی را به موافقتنامه فروش تسلیحات به ایران اضافه نماید. به این صورت که پرداخت هرگونه وجهی تحت عنوان کمیسیون یا حق دلالی و.... به اشخاص واسطه ممنوع گردد. این مطلب تحت عنوان ضمیمه شماره ۹ به موافقتنامه افزوده شد. ایالات متحده آمریکا طبق برنامه فروش تسلیحات خود فروشندگان را ملزم ساخت که دولت را در جریان پرداخت مبالغی که بیش از یک میلیون دلار باشد قرار دهد، در حالی که کمپانی گرومن چنین مطلبی را به اطلاع دولت آمریکا نرسانده بود.

علیرغم تمام این مسائل، اخیرا شایع شده است که گرومن کمیسیونی بالغ بر ۲۸ میلیون دلار را به دو برادر یهودی به نام های پرویز و منصور لاوی داده است. ارتشبد حسن طوفانیان، وزیر جنگ ایران، به محض اطلاع از این شایعه، بلافاصله موضوع را به گوش مقامات ذیربط رساند و یک بار دیگر از

وزارت دفاع آمریکا خواست که در این مورد تحقیق کند. رئیس و رئیس هیئت مدیره شرکت گرومن برای ادای توضیحات به تهران فراخوانده شدند و پرداخت چنین مبلغی را تایید کردند، ولی ادعا کردند که این مبلغ از محل صندوق اعتبارات ایران تامین نشده است. مدیر عامل شرکت گرومن نیز در ایالات متحده اطلاعیه ای انتشار داد، مبنی بر اینکه این پرداخت هیچ هزینه ای برای دولت ایران در بر ندارد. ولی این مطلب برای مقامات ایران غیر قابل قبول بوده است. چرا که شرکت گرومن یک سازمان خیریه نیست که مبلغ ۲۸ میلیون دلار به اشخاصی بدهد که علاوه بر اینکه هیچ تماسی با ایران ندارند بلکه ممنوع الورود نیز می باشند.

درست در هنگامی که چنین مبادله غیر قانونی بین شرکت گرومن و برادران لاوی در جریان بود، شرکت گرومن در آستانه ورشکستگی قرار داشت و دولت ایران مشغول اعطای یک وام ۷۵ میلیون دلاری به آن شرکت بود تا آن را از ورشکستگی نجات دهد. با توجه به این مطلب دولت ایران درخواست نمود تا گرومن این مبلغ را به ایران برگرداند. ولی در این میان دولت ایران متوجه شد که برادران لاوی این قرارداد را به شخصی به نام فیوج فروخته اند که نامبرده طی نامه ای به وزارت جنگ اعلام کرده است که این قرارداد مبلغ ۲۸ میلیون دلار هزینه داشته است.

مقامات گرومن نیز که احتمالاً مبالغ قابل توجهی از این پول را به جیب زده اند در نهایت قبول کردند که این مبلغ را به دولت ایران برگردانند، ولی درخواست کردند که این پول صرف خرید لوازم یدکی از همان کمپانی شود. دولت ایران این درخواست را رد کرد و درخواست کرد که این پول فورا بازپرداخت شود و در غیر این صورت از پرداختهای آینده ایران کسر خواهد شد.

نکته جالب توجه این است که «قرارداد» لاوی گرومن در نوامبر ۱۹۷۲، یعنی تقریبا یک سال قبل از اینکه ایران احتمال خرید هواپیماها را مطرح کند منعقد شده بود، ولی در فوریه ۱۹۷۴ یعنی یک

سال بعد از اینکه قرارداد فروش هواپیماها منعقد شد، در نیویورک افشا گردید. این مطلب به وضوح نشان می دهد، که یک کلاهبرداری در کار بوده است و مقامات گرومن مبلغ هنگفتی پول به جیب زده و دولتهای ایران و ایالات متحده را فریب داده و در عین حال شرکای کمپانی خود را نیز گول زده اند. معلوم نیست که آیا گرومن که به دولت آمریکا نیز اسلحه می فروشد، چنین کلاهبرداریهایی را در مورد معاملات خود با آن دولت به اجرا می گذارد یا نه.

به گفته مدیر عامل گرومن، مقامت برجسته ایرانی به وضوح به وی گفته اند که هیچ کمیسیون یا حق دلالی نبایستی در رابطه با این گونه معاملات پرداخت شود. در اظهارات وی چنین آمده است که بنابه ترتیبات متخذه هیچ پرداختی در رابطه با مقامات دولت ایران یا مستخدمین یا نمایندگان آن صورت نگرفته است.

به گفته منابع آگاه در تهران، دولت ایالات متحده برای پرده برداشتن از رسوایی گرومن از هیچ گونه کمک و همیاری نسبت به دولت ایران دریغ نورزیده است. مدیران گرومن به طور کتبی به انجام این اعمال غیر قانونی اعتراف کرده اند و قبول کرده اند که پول را برگردانند.

رسوایی شرکت گرومن یادآور خاطره کلاهبرداری کمپانی نورتروپ پیج می باشد،که چندی بیش افشا شد و شامل پرداخت یک کمیسیون ۶میلیون دلاری بود،که بلافاصله توسط دولت ایران کسر شد.

جلوگیری از فعالیت واسطه ها در امور خریدهای وزارت جنگ

سند شماره (۱۱)

از: سازمان معاونت تسلیحاتی وزارت جنگ به: جناب آقای نخست وزیر

پیرو شماره: ۱۴ ۷۹ ۰۱ ۱۴۰۱مورخ ۲۴/۱۰/۵۴

موضوع: جلوگیری از فعالیت واسطه ها در امور خریدهای وزارت جنگ

عریضه آقای ابوالفتح محوی مبنی بر اینکه به هیچ عنوان در معاملات وزارت جنگ و نیروهای مسلح شاهنشاهی دخالت ننماید در تاریخ ۷/۱۲/۵۴ از شرف عرض پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران گذشت و تصویب فرموده اند که نامبرده بالا از لیست سیاه خارج شوند.جانشین وزیر جنگ ارتشبد حسن طوفانیان

ناهار با هوشنگ دهش

سند شماره (۱۲)

تاریخ: ۱۹ ژانویه ۱۹۷۶طبقه بندی: خیلی محرمانه

از میز سیاسی نظامی هنری پرشتیادداشت برای بایگانی

موضوع: ناهار با هوشنگ دهش

دهش که اغلب از جریانات مطلع و همیشه دارای انگیزه های شخصی و خود رأی است، در روز ۱۵ ژانویه مراتب ذیل را اظهار نمود.

مشکل نمایندگان گرومن. دهش اظهار داشت که اتحادیه متشکل از برادران لاوی و دکتر فیوج که وی برادران فولادی را نیز به آنها اضافه نمود، در واقع پوششی برای اشخاص دیگر محسوب می شود. اطلاعات وی حاکی از این است که ۲۴ میلیون دلار در حقیقت به محوی داده شد، تا از طریق محوی به ارتشبد خاتمی داده شود. هنگامی که در نوامبر ۱۹۷۳ محوی آشکارا خاتمی را در سفر وی که به

منظور بازدید تجهیزات دفاعی مقاطعه کاران ایالات متحده انجام می شد، همراهی کرد، شرکت گرومن متقاعد شد که می بایست با او جهت ضمانت فروش اف ۱۴ وارد معامله شود تا کمپانی را که در وضعیت حاد ورشکستگی قرار دارد نجات دهد. من به دهش گفتم که شایعاتی مبنی بر اینکه شاهزاده شهرام از برادران لاوی حمایت می کند شنیده ام. دهش این شایعات را رد نمود و اظهار داشت که گرومن طوفانیان را متقاعد ساخته است که محوی دریافت کننده حقیقی حق العمل نمایندگان است.

GTE این شرکت به پرویز بوشهری، برادر شوهر شاهزاده اشرف وعده ۵/۲٪ کمیسیون از قرارداد میلیارد دلاری SWITCHING را داده است. بوشهری که نماینده کمپانی «نور فرنیچر» می باشد شخصی مقتدر و توانا در معاملات خود می باشد و برای شرکت GTEشخص مهمی محسوب می شود، نه به علت رابطه وی با اشرف، بلکه به این دلیل به این کمپانی گفته بود که برای قرارداد با این کمپانی هیچ گونه کارمزدی برای واسطه ها در نظر نخواهد گرفت. (اظهارات دهش تا اینجا توسط منابع دیگر نیز تأیید شده است.) از آنجایی که قرار بود پولهای پرداختی بوشهری در اختیار مقامات اجرائی شرکت پست و تلگراف و تلفن قرار گیرد. عدم تهیه آن از طرف کمپانی GTEموجب تأخیر در قرارداد خواهد شد. اگر GTEپول را نپردازد، قرارداد امضاء نخواهد شد و بنابراین سفیر آمریکا ناچار است برای عقد این قرارداد نزد شاه وساطت کند.

ارتشبد طوفانیان. (از آنجا که دهش به علت اخراج خود توسط طوفانیان وی را نبخشیده است،

هرچیزی که توسط وی در رابطه با طوفانیان گفته می شود بایست با دیده تأمل در آن نگریست)

هنگامیکه طوفانیان به خانه جدیدش یک قصر با ۲۸۰۰۰ فوت مربع زیر بنا که در نزدیکی دانشگاه ملی است نقل مکان کند، مقدمات سقوط خود را در ظرف مدت کوتاهی فراهم خواهد ساخت.

طوفانیان در کار خرید نسبتا پاک و ناآلوده است اما با تأمین کنندگان فولاد از هندوستان قرار و مدارهایی بسته است تا در زمینه تولید سلاح چیزی هم به طور ضمنی عاید خود کند. دهش حدس می زند که طوفانیان مقدار ۷٪ بر معامله خرید قایقهای گشتی فرانسوی افزوده باشد، تا خودش شخصا برداشت کند. او کاملاً مطمئن بود که طوفانیان از نظرها خواهد افتاد اما این قضیه مانند قضیه نیروی دریایی رسوایی علنی نخواهد داشت، زیر آقای ارتشبد از نزدیکان شاه به شمار می رود. وی گفت که طوفانیان چندی پیش سخت توبیخ شده بود چون برای ۷۴۷هایی که از TWAخریده اند لوازم یدکی عوضی (مدل B به جای A) تهیه کرده بود. (مستشاری نظامی و شرکت بوئینگ می گویند که مسئله کوچکی پیش آمد، ولی رسوایی بزرگی ببار نیاورد).

جنجال عمومی برای حق العمل کارگزاران. علل اصلی که شاه نسبت به کارگزاران خصوصا سخت می گیرد عبارتند از:

۱ علاقه شدید او به اینکه نام نیک خود و رژیم خود را در معرض انتقادهای بین المللی قرار ندهد.

۲ تنگناهای مالی که نشان می دهد دولت ایران دیگر نمی تواند شاهد سرازیر شدن مبالغ عظیم پول به جیب کارگزاران باشد. این امر تا حدی علت سقوط عطایی هم بود.

تنگناهای مالی شرکت عزیز فرمانفرماییان به واسطه انبوه سفارشات ساختمانی عقب مانده چند ماه پیش خود کادر خود را توسعه داد. چون دولت ایران از پرداخت های، خود امتناع می ورزد، این شرکت عملاً ورشکسته شده و فرمانفرماییان را فرستاده اند به خارج تا سلامت عقلی خود را از دست

ندهد. به نظر دهش اگر این تنگناهای مالی منجر شود به تقلیل سفارشات نظامی، که نه در توانایی مملکت است و نه به طور معقول قابل استفاده، چیز خوبی خواهد بود. وی با خوشبینی انتظار دارد که وقتی تیمسار معصومی سرکار بیاید در فعالیتهای ارتشبد طوفانیان نظم و ترتیب بیشتری واقع گردد. او فکر می کند که شاید لازم شود بسیاری از پروژه ها را معلق یا لغو کنند. دو پروژه ای که یقینا لغو نمی شوند چون شاه نسبت به آن دو تعلق خاطر دارد، توسعه پایگاه چاه بهار و راکتورهای اتمی می باشد. در حاشیه دهش گفت که شنیده است، بانک مرکزی تصمیم گرفته است که ایران برای جبران تقلیل درآمدهای نفتی به وام گرفتن روی نیاورد.

کلاهبرداری شرکت گرومن از ایران

سند شماره (۱۳)

گرومن ایران

تهران، ایران (آسوشیتدپرس) معاون وزیر جنگ ارتشبد حسن طوفانیان روز شنبه اظهار داشت که شرکت گرومن با اختصاص ۲۸ میلیون دلار برای کمیسیون فروش سر ایران را کلاه گذاشته است. وی تهدید نمود که این شرکت را تحت تعقیب قانونی قرار خواهد داد و این پول را از گلوی آن بیرون خواهد کشید.

طوفانیان در یک کنفرانس مطبوعاتی در برابر گزارشگران ایرانی گفت: شرکت گرومن این پول را

به جیب زده است. وی افزود در نتیجه مذاکرات گرومن موافقت کرده است که از مبلغ مذکور ۱۸ میلیون دلار را به ایران بازگرداند اما ایران خواهان دریافت تمام مبلغ ۲۸ میلیون دلار است.

گرومن در بتاپیج در دفتر مرکزی خود در نیویورک در روز سه شنبه اظهار داشت که بین این شرکت و دولت ایران مذاکراتی در جریان است تا مشخص گردد، که چه کسی باید مبلغ ۲۸ میلیون دلاری را که می بایست به واسطه ها در ازاء فروش ۲/۲ میلیارد دلاری هواپیماهای اف ۱۴ تام کت پرداخت شود، دریافت نماید.

سخنگوی گرومن گزارشات منتشر مبنی بر اینکه شرکت وی با پرداخت مستقیم مبلغ کمیسیون به دولت ایران موافقت کرده است را تکذیب نمود.

طوفانیان مدعی است که بر اساس قرارداد موجود، گرومن موافقت کرده بود که بدون وجود هرگونه واسطه ای فروش های مورد نظر انجام خواهد گرفت و علاوه بر این اظهار نامه ای را در این رابطه امضاء کرده بود، ولی با این وصف مدعی پرداخت کمیسیون به دو برادر ایرانی پرویز و منصور لاوی می باشد. طوفانیان گفت از سال ۱۹۷۰ برادران لاوی به خاطر کلاهبرداری تحت تعقیب بوده اند.

ژنرال دو قطعه چک گرومن به مبلغ ۶ میلیون دلار به کسانی که او آنها را نمایندگان فروش، و آمریکاییهایی که در ایران کار می کنند، خواند پرداخت شده، اما شرکت در تلاش است، تا این پول را پس بگیرد.

رئیس شرکت گرومن جان سی بایرورث اظهار داشت که این شرکت و ایران توافق کرده اند که پرداخت ۲۸ میلیون دلار اکنون به صورت یک موضوع حقوقی درآید، وی گفت گرومن پس از حل مسائل به وظایف حقوقی خویش عمل خواهد نمود.

طوفانیان به طرح این اتهام پرداخت که در فوریه ۱۹۷۳ گرومن قراردادی با برادران لاوی منعقد

ساخته که بر اساس آن کمیسیون دریافتی آنها در نتیجه فروش هواپیماها از ۱ درصد تا ۲۱ درصد افزایش خواهد یافت. وی افزود که قراردادی برای خرید هواپیماهای اف ۱۴ در سال ۱۹۷۴ منعقد شد. در آن قرارداد تصریح گردیده که نباید به هیچ فردی کمیسیونی پرداخت شود و این معامله مستقیما و بدون دخالت هرگونه واسطه ای انجام می گیرد.

طوفانیان گفت در آوریل ۱۹۷۵ از طریق دوستانش از اختلاف بر سر تقسیم کمیسیون اطلاع حاصل کرده است.

ژنرال گفت که وی موضوع را به اطلاع وزارت دفاع رسانیده و متعاقب آن دو تن از مدیران شرکت گرومن به تهران پرواز کرده و اعتراف کرده اند که کمیسیون پرداخت شده، در حالی که در طول انجام مذاکرات فروش سوگند یاد کرده بودند که در این معامله هیچ دلالی شرکت ندارد.(پایان)

مشکل مربوط به دلال شرکت گرومن

سند شماره (۱۴)

تاریخ: ۱۹ فوریه ۷۶طبقه بندی نشده مرجع: تهران ۱۵۶۲

از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.به: سفارت آمریکا در تهران

موضوع : مشکل مربوط به دلال شرکت گرومن

۱ آنچه در ذیل آمده از مقاله نشریه نیوزدی مورخ ۱۵ فوریه اقتباس گردیده است. بخش اعظم

مطالبی را که قبلاً انتشار یافته حذف نموده ایم.

۲ دلال ایرانی که در ازای دریافت ۲۸ میلیون دلار کمیسیون با شرکت بین المللی گرومن همکاری کرده بود تا موجبات فروش جنگنده های اف ۱۴ به ایران را فراهم آورد، اعلام کرده است که تحت فشارهای وارده مجبور شده است بخش اعظم کمیسیون دریافتی را به فردی بدهد که مدعی شده بود از طرف دو تن از مقامات عالیرتبه دولت ایران برای این کار مأمور شده است.

این دلال که چندین بار در طول شش هفته گذشته مورد مصاحبه گزارشگر نشریه نیوزدی واقع شده هوشنگ لاوی نام دارد و یکی از اتباع ایرانی است که در پلین دیوی آمریکا دفتر کاری دارد. لاوی در ژانویه ۱۹۷۴ سبب فروش ۳۰ فروند اف ۱۴ گرومن به ایران شد. طبق اظهارات لاوی، چندی نگذشت که یکی از عاملین فروش دارای رابطهای ایرانی با وی تماس برقرار ساخت. این فرد به لاوی اطلاع داد که ۶۶ درصد کمیسیونهای دریافتی گذشته و آتی وی در مورد فروش هواپیماهای اف ۱۴ گرومن به ایران باید در اختیار وی قرار گیرد.

لاوی گفت که در آوریل ۱۹۷۴ با این مسئله موافقت کرده بود، چون متقاعد شده بود که این عامل جدید به نیابت دو تن از مقامات عالیرتبه دولت ایران فعالیت می کند. این دو تن نیز به عنوان ژنرال حسن طوفانیان معاون وزیر جنگ و ژنرال فقید محمد خاتمی، داماد شاه ایران و فرمانده نیروی هوایی کشور شناسایی شدند.

عامل جدید یعنی آلبرت جی. فیوج که یک فرد آمریکایی است، سریعا مقدمه معاملات دیگری را برای گرومن فراهم ساخت، به طوری که در مدت دو ماه،ایران خود را مقید به خرید ۵۰ فروند دیگر از اف ۱۴های گرومن، ساخت.

این معامله موجبات شگفتی بسیاری را در واشنگتن فراهم آورد. قبل از آنکه فیوج سررشته امور

را از لاوی برباید، طوفانیان پنهانی به مقامات آمریکا از طرف شاه اطلاع داد که دولت متبوع وی مایل است اف ۱۵های مک دونالد داگلاس را به جای اف ۱۴های گرومن خریداری نماید. متن این بیانیه در اختیار نشریه نیوزدی قرار دارد...

...پیتر بی. اورام رئیس شرکت بین المللی گرومن بکرات اعلام کرده است، که از بازگشت این کمیسیونها به حساب مقامات دولت ایران توسط فیوج یا لاوی کاملاً بی اطلاع است. ولی اورام اظهار داشته بود که از انتقال کمیسیون از لاوی به فیوج اطلاع داشته است.

... روند تحقیقات، حاوی شواهدی بود که نشان می داد، حداقل بعضی از مقامات عالیرتبه ایرانی ظرف مدت دو سال می دانستند که در ابتدا لاوی و سپس فیوج به عنوان دلالهای گرومن عمل می نمایند. در این مورد هیچ گونه اعتراض مخفیانه نیز مطرح نشد، تا اینکه در ماه ژوئن گذشته زمانی که کنگره تحقیقات خویش را در مورد معاملات شرکتهای آمریکایی با دولتهای خارجی آغاز نمود، ایران ناگهان از گرومن به خاطر استفاده از دلالها شکایت نمود.

تحقیقات نیوزدی نشان داده است که:

طبق نسخه ای از قرارداد امضاء شده بین لاوی و فیوج، لاوی بخش اعظم کمیسیون دریافتیش را در اختیار فیوج قرار داده است، این قراردادها به امضای گرومن رسیده و تاریخ آنها نیز زمانی مشخص شد که این شرکت مطلع گردید که لاوی از این پس به عنوان دلال مورد قبل نیست ولی شخص دیگر

چرا.

علیرغم منع قراردادی ایران از استفاده از عاملین دریافت کمیسیون، یکی از مقامات عالیرتبه دولت ایران در اوایل ۱۹۷۴ به گرومن اطلاع داد که نباید بیش از این از لاوی استفاده کند، ولی اعتراضیه دیگری را مطرح ننمود. در ژوئن ۱۹۷۵، طوفانیان اسناد دولتی را در اختیار مقامات گرومن قرار داد تا بدانند چرا لاوی در لیست سیاه قرار گرفته است. او نیز توصیه کرد که بهتر است گرومن بیش از این از لاوی استفاده نکند. ولی هیچ نشانه ای دال بر این نیست که او گفته باشد گرومن از مفاد قرارداد سرپیچی کرده و یا خواستار دریافت ۲۸ میلیون دلار کمیسیون مورد نظر شده باشد.

شرکتی که فیوج رئیس و مدیر اجرایی اصلی آن است یعنی شرکت بین المللی EFC، دارای دفتری در خیابان ۳۳ ورث در مانهاتان نیویورک و شماره تلفن آن نیز ۴۴۵۰ ۴۳۱ می باشد و مأموریت آن انجام خرید برای نیروی هوایی سلطنتی ایران.... فیوج گفته است که کمیسیون را به خاتمی یا طوفانیان نداده، ولی اظهار داشته که آنها را می شناسد.

جاده پرپیچ و خم بین قرارگاههای بتاپیج گرومن و تهران، منبع معاملات سودآور اولین بار در سال ۱۹۷۲ پی ریزی شد. لاوی که در منزل نه چندان باشکوه خویش در پلین دیوی می کرد با مقامات شرکت در ماه سپتامبر تماس گرفت و گفت آماده است در زمینه فروش اف ۱۴ به ایران کمک کند.

در آن زمان شرکت گرومن به خاطر قراردادهای سختی که با نیروی دریایی منعقد ساخته بود ضرر و زیان بسیاری را متحمل می شد.

مقامات گرومن در ابتدای امر و در نتیجه بدبینی به تحقیق در مورد اعتبارات لاوی پرداخته و طبق اسناد موجود یک قرارداد پرداخت کمیسیون در تاریخ ۲ فوریه ۱۹۷۳ با لاوی منعقد ساختند. لاوی گفت که مدت ۲۴ سال است که به عنوان دلال دریافت کننده کمیسیون عمل می کند و ۲۶ مورد از

تجهیزات آمریکایی را از طریق اعتبار خویش به فروش رسانیده است.

لاوی گفت که او درها را به روی گرومن باز کرده و مدعی است که به خاطر آشناییش با خاتمی در دهه ۱۹۵۰ از طریق بازی در دو تیم فوتبال مختلف توانسته بود با وی رابطه ای برقرار سازد. وی می گوید که خاتمی مقدمات برگزاری جلسات توجیهی برای دیگر مقامات نیروی هوایی ایران را فراهم نمود، تا آنها با استعدادها و توان رزمی اف ۱۴ که برای نیروی دریایی آمریکا طراحی شده بود آشنا شوند. اورام گفت لاوی یکی دو نفر از سرهنگها را معرفی کرده بود و اسامی افراد مناسبی را که می بایست با آنها ملاقات شود نیز در اختیار شرکت قرار داده بود. اورام می خواست طی دو مصاحبه چنین وانمود کند که لاوی تنها به ارائه خدمات لجستیکی برای آمریکاییهایی که به ایران سفر می کردند اکتفا می کرده است. ولی گذشته از نقش لاوی در فروش اولین ۳۰ فروند اف ۱۴هابه ایران در ژانویه ۱۹۷۴، اورام نسبت به خدمات ارائه شده، توسط وی هیچ گونه نارضایتی را ابراز نداشته است....

... مقامات گرومن به خصوص اورام، دریاسالار رابرت ال. تاون سند رئیس شرکت بین المللی گرومن و توماس ا. برانکاتی رئیس بخش عملیاتی ایران در گرومن را بازنشسته کردند، چون می دانستند که در صورت ارائه سفارش دوم آنها ضرر و زیان بسیاری را به شرکت وارد خواهند ساخت.

ایران در نظر داشت بار دیگر به خرید این جنگنده ها بپردازد و انتظار می رفت که اینبار به رقیب

جنگنده برتر نیروی هوایی آمریکا یعنی اف ۱۵ ساخت مک دونالد داگلاس چشم دوخته باشد. متن نسخه ای از تلگرام ارسالی در آن زمان از سوی گروه کمک مستشاری آمریکا در تهران به رئیس ستاد مشترک آمریکا و دیگر مقامات دولتی به شرح زیر است:

دولت ایران در نظر دارد برای نیروی هوایی شاهنشاهی ایران ۳۰ فروند اف ۱۴ تام کت، ۵۰ فروند اف ۱۴ ایگل خریداری نماید. طوفانیان تأکید نموده است که وی (یعنی اعلیحضرت) شخصا لحن این مطالب را تصویب نموده است.

در اینجا فیوج و شرکت متبوع وی شهام اس وارد می شود. بنابه گفته لاوی، فیوج که طی معاملات قبلی با وی آشنا شده بود، در ماه مارس و فوریه ۱۹۷۴ با وی تماس گرفت. وی تاریخ دقیق این تماس را به خاطر نداشت لاوی افزود، فیوج در آن ملاقات اعلام نمود، که دستوراتی از خاتمی و طوفانیان دریافت کرده که باید قرارداد کمیسیون به نام شرکت شهام فیوج که شرکت بین المللی شرقی لاوی را خریداری نمود، انتقال داده شود. بنابه گفته لاوی به وی وعده داده شده بود که انجام امور تمام کارهای مسافرتی گرومن به آژانس مسافرتی وی سپرده شود.

فیوج که می گوید از سال ۱۹۷۴ در زمینه تجارت بین المللی فعالیت داشته، گفته است که در هیچ توطئه ای برای به دست گرفتن کنترل شرکت لاوی و قرارداد کمیسیون وی دست نداشته. وی گفت شرکت شهام که در تمام منطقه خاورمیانه فعالیت می کند، علاقه مند به فروش هر دو نوع هواپیمای اف ۱۴ و اف ۱۵ می باشد.

فیوج با صراحت اعلام نمود که هیچ مقدار از مبالغ پرداختی توسط گرومن به مقامات دولتی ایران داده نشده؛ وی در مقام تأکید گفت «هرگز چنین نشده است». وی گفت «پس از تحقیق شواهد را در اختیار همگان قرار خواهد داد». اورام در مورد بعضی از جنبه های قرارداد کمیسیون آزادانه سخن

گفت، اما از پاسخ به سؤالات طفره می رفت. او به کرات از بردن نام منبع ایرانی که به نماینده گرومن اطلاع داده بود که لاوی بیش از این دلال دلخواه نیست امتناع ورزید. و هیچ گونه یادداشت و یا سند شرکتی را که دال بر توصیه فیوج به عنوان دلال مناسب بین ایران و گرومن در زمینه فروش اف ۱۴ به آن کشور باشد، در اختیار نیوزدی قرار نداد.

در مصاحبه بعدی، وی نگفت که چه کسی قبل از همه فیوج را توصیه کرده است، اما اظهار داشت که گرومن اولین بار از طریق برانکاتی رئیس بخش ایرانی عملیات شرکت به این مسئله پی برده است مقام گرومن گفت که طی ملاقات با طوفانیان در ژوئن ۱۹۷۵، رئیس خریدهای تسلیحاتی ایران به شرکت توصیه نمود که بهتر است به ارتباط خویش با فیوج یا هر دلال دیگری پایان دهد، ولی از کمیسیون صحبتی به میان نیاورد.

گرومن تا به حال ۶ میلیون دلار از ۲۸ میلیون دلار کمیسیون مربوط به ۸۰ فروند اف ۱۴ فروخته شده به ایران را پرداخت کرده است شرکت مزبور در ماه آوریل ۱۹۷۵ مبلغی معادل ۹/۲ میلیون دلار به فیوج پرداخت کرده است، بنابه گفته لاوی، فیوج نیز از این مبلغ ۶۰۰،۰۰۰ دلار را به وی عودت داده است. اورام می گوید که مبلغ ۱/۳ میلیون دلار نیز به شرکتی بنام شرکت صادرات بین المللی استار لایت که شامل برادران لاوی یعنی پرویز و منصور می باشند، پرداخت نموده است. ولی بخش اعظم پول حاصله از قرارداد فسخ شده کنونی می بایست نصیب فیوج شود. شهام ظاهرا

قرارداد کمیسیون را به نام دولت ایران انتقال داده است. هنوز معلوم نیست که بر چه اساسی این قرارداد دریافت شود. سفارت آمریکا پس از اولین وعده همکاری کامل با نیوزدی، طی دو هفته گذشته هیچ گونه پاسخی به سؤالات آن نداده است.اینگرسول

نامه ابوالفتح محوی به ژنرال طوفانیان معاونت وزارت جنگ

سند شماره (۱۵)

تاریخ: ۲۶ فوریه ۱۹۷۶

ژنرال طوفانیان معاونت وزارت جنگ

دخالت من به عنوان یک بازرگان مستقل در امور تسلیحاتی نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران با تأسیس و سرمایه گذاری در صنایع هواپیمایی ایران و با کسب مجوز قبلی شروع شد. پس از تحویل و تحول در صنایع هواپیمایی ایران و مجددا با کسب مجوز قبلی و همچنین به یک میزان محدود فعالیت تجاری خود را منطبق با قوانین کشورمان ادامه دادم. هرچند که مدتی است، فعالیتی نداشته ام ولی علی ایحال موافقت دارم که از این پس هیچ گونه دخالتی در امر فعالیتهای تجاری نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران ننمایم.ابوالفتح محوی

خروج نام ابوالفتح محوی از لیست سیاه به دستور شاه

سند شماره (۱۶)

تاریخ: ۲ مارس ۱۹۷۶شماره : ۳۳ ۷۹ ۰۱ ۱۴۰۱

وزارت جنگ

معاونت تسلیحاتی وزارت جنگ

سلطنت آباد تهران ایران

گواهی می شود:

به دنبال ایجاد ارتباط با من در ۱۰ ژوئیه ۱۹۷۵، شکوائیه ای که توسط آقای محوی ارائه گردیده بود و در آن ادعا شده بود، که وی خود و هیچ یک از عواملش را مستقیما یا به طور غیرمستقیم در مبادلات مربوط به خریدهای نظامی وزارت جنگ و نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران در حال حاضر و یا در آینده دخالت نمی دهد، به شرف عرض شاهنشاه آریامهر فرمانده کل قوا در ۲۶ فوریه ۱۹۷۶ رسانیده شد.تأییدیه شاهنشاه برای حذف نام آقای محوی از لیست سیاه اعطاء گردید.

ژنرال طوفانیان

معاونت وزیر جنگ

گرومن

سند شماره (۱۷)

تاریخ: ۱۰ دسامبر ۱۹۷۶طبقه بندی: خیلی محرمانه

از: وزارت خارجه در واشنگتن دی. سی.به: سفارت آمریکا در تهران

مرجع: (الف) تهران ۱۲۲۱۹؛ (ب) تلگرام وزارتخانه ۳۰۰۰۳۶

موضوع: گرومن

۱ مقام سفارت اطلاعات موجود در مرجع الف را در تاریخ ۱۰ دسامبر در اختیار نورمن پاول

قرار داد. این اطلاعات برای پاول جالب توجه بود، اما معتقد است که اقامه دعوای لاویها مانع از آن می گردد، که وی در این موقعیت پاسخ جامعی بدهد. او در نظر ندارد در آینده نزدیک به ایران سفر کند.

۲ پاول گفت سند اقامه شکایت لاویها که گزارش گر نیویورک تایمز آن را ندیده است، چند مطلب را تصریح می کند که در آنها پای ایرانیها و دولت ایران به میان کشیده شده است. وی می گوید هرگاه که سندی وارد قلمرو عمومی شود، مقالات مطبوعاتی بسیاری نیز به دنبال آن پدیدار می گردند.رابینسون

اختلافات تجاری شرکت گرومن

سند شماره (۱۸)

تاریخ: ۱۷ اکتبر ۱۹۷۸طبقه بندی: محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهرانبه: وزارت خارجه در واشنگتن دی.سی

موضوع: اختلافات تجاری شرکت گرومن

۱ آقای برادفورد وستون، نماینده آقای آلبرت آی. ادلمان از شرکت حقوقی تروبین سیلکاکس ادلمان و کنایف، شماره ۳۷۵ خیابان پارک، نیویورک ۱۰۰۲۲ در تاریخ ۱۰ و ۱۱ اکتبر با بخش بازرگانی سفارت تماس گرفت و خواستار دریافت اطلاعات و گفتگو در مورد پرونده حقوقی مطروحه بین برادران لاوی و شرکت گرومن شد.

۲ این شرکت که نماینده برادران لاوی در دعوای حقوقیشان برای دریافت ۲۴ میلیون دلار از شرکت گرومن است، مایل است به اسناد و سوابق مربوط به پرونده، از جمله مطالبی که در آنها به اسنادی اشاره شده که گویا چندین سال قبل توسط سفارت در اختیار گرومن قرار داده شده است، دسترسی پیدا کند. این مطالب عبارتند از: مکاتباتی که حکایت از قرار گرفتن نام برادران لاوی توسط وزارت جنگ در فهرست سیاه دارد.

۳ در پاسخ، مقام سفارت گفت که این بخش فاقد هرگونه پرونده ای در مورد شرکت گرومن می باشد، ولی یک گزارش جامع در مورد تجارت جهانی مربوط به شریک شرکت لاوی تحت عنوان لاوکو چندین سال قبل تهیه شده که در آن نشانه ای از رابطه بین شرکت مزبور و کمپانیهای آمریکایی وجود ندارد.

۴ بررسی دقیق نشان داد که بایگانی اداره تجارت جهانی حاوی چنین گزارشی نمی باشد، و ظاهرا تصور بر این است که در پرونده های وزارت بازرگانی در واشنگتن ممکن است نسخه ای از این گزارش وجود داشته باشد. FSNنیز تأیید کرده که چنین گزارشی را قبلاً تهیه کرده است.

۵ بررسیهای انجام شده در بایگانی پرونده های بازرگانی حاوی هیچ گونه سند یا سابقه ای در رابطه با لاوی ها یا گرومن و به خصوص مکاتبات بین وزارت جنگ و سفارت یا بین سفارت و گرومن نبود.

۶ وابسته بازرگانی که از نوامبر ۱۹۷۴ در این واحد مشغول کار بوده به وستون گفت که او به خاطر ندارد که در این مورد مطلبی دریافت و یا ارسال کرده و یا موضوع را با گرومن و یا مشاور آن در میان گذاشته باشد؛ و در همان حال یادآور شد که در اوج رونق بازار نفتی ایران در سال های ۱۹۷۴ و ۷۵ شمار بازدیدکنندگان و نامه های وارده به این بخش بسیار سرسام آور بوده است.

۷ وستون در ملاقات کوتاهی که با مشاورین سیاسی و نظامی داشت، از آنها سؤال کرد که آیا در

بایگانی پرونده های سیاسی نظامی نسخه اصلی نامه های سال ۱۹۷۲ که در آنها نام لاویها به فهرست سیاه وارد شده وجود ندارد؟ به وی اطلاع داده شد که بررسی پرونده ها نشانگر مطالبی مرتبط با این موضوع نبوده است. وستون علاوه بر این به صورت کلی در مورد سیستم ضبط پرونده ها و نامه ها سؤال کرد.

۸ در پاسخ به سؤال مربوط به نحوه ضبط و ربط نامه ها یا مکاتبات دریافتی، وابسته بازرگانی گفت مدتی پس از ورود وی مکاتبات دریافتی در دفتر خاصی ضبط می شد، ولی نظام اداری کنونی مجاز است. بنا به دلخواه این کار را انجام ندهد. وی افزود که البته تنها از طرف بخش مربوطه خودش این گونه سخن می گوید و به بخشهای دیگر کاری ندارد. وابسته بازرگانی همچنین اظهار داشت که در همان زمان (سال های ۱۹۷۷ یا ۱۹۷۸) فرم مخصوصی برای بازدیدکنندگان تهیه شد و در آن نام، کمپانی، آدرس محلی و غیره، بازدیدکنندگان امور تجاری به خصوص کسانی که قبلاً وقت گرفته بودند ضبط می شد. ولی کسانی که قبلاً وقت نگرفته بودند از چنین مسائلی برخوردار نمی شدند. وی گفت که در اوراق قدیمی جستجو خواهد کرد تا شاید نام بازدیدکننده مورد علاقه وستون را بیابد، ولی بررسی های انجام شده نشان داد که تمام این اوراق مربوط به سال ۱۹۷۷ و بعد از آن می باشند.

۹ قبل از عزیمت، وستون از وابسته بازرگانی تقاضا کرد که یک نوشته با مضمون زیر در اختیار وی قرار دهد: نقل قول «آیا بایگانیهای وابسته بازرگانی، سفارت آمریکا در تهران حاوی پرونده یا اطلاعات دیگری در مورد شرکتها و افراد ذیل می باشند: لاوکو، جنتی اینترنشنال، استارلایت اینترنشنال، ایستون اینترنشنال، گدکو، شرکت گرومن، هوشنگ لاوی، جمشید لاوی، منصور لاوی». (پایان نقل قول).

وستون همچنین در نامه خویش خواسته است که نقل قول: وابسته بازرگانی سفارت آمریکا در تهران

شرح دهد که از چه سیستمی برای ضبط و ربط نامه ها مکاتبات، اطلاعات و دیگر اسناد وارده و تاریخ و فرستنده آنها و غیره استفاده می کند. (پایان نقل قول).

۱۰ در صورتی که وزارت خارجه اعتراضی نداشته باشد، وابسته بازرگانی می تواند به اطلاع وی برساند که به دنبال یک جستجوی دقیق ولی نه چندان کامل او نتوانسته است، هیچ گونه نامه، گزارش، و یا پرونده ای در رابطه با شرکتها و یا افراد فوق الذکر به دست آورد. که البته یادداشت مکالماتی با مدیر اجرای گرومن از این قاعده مستثنی است و با هیچ یک از طرفین دیگر مربوط نمی باشد. ثانیا یک سال و اندی پس از ورود وی به سفارت به کارگیری سیستم ضبط و ربط نامه ها در بخش بازرگانی سفارت معمول گردید ولی بعضی از نامه های وارده نیز مشمول این سیستم نمی شد. به هر حال، ضبط و ربط در مورد تمام نامه ها از جمله مکاتبات دریافتی از دیگر بخشهای سفارت رعایت نمی گردد. علاوه بر این، طبق روش معمول پس از مدت دو سال باید تمام سوابق غیر فعال نابود شوند.

۱۱ از دریافت سریع اظهارات و نصایح وزارتخانه خوشحال خواهیم شد.سولیوان

ص: ۳۲۷

سند شماره (۱۹)

تاریخ: ۹ نوامبر ۱۹۷۸شماره: ۱۱۰۲۸

از : سفارت آمریکا تهران به : وزارت امور خارجه واشنگتن

مرجع: ۲۶۸۴۵۴ وزارت خارجهطبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع : اختلافات تجاری گرومن

ما به مطالب دیگری در مورد موضوع پرونده سیاسی نظامی دلالها در سال ۱۹۷۶ دست یافتیم.

قسمت اعظم آن پرونده مربوط به گرومن، برادران لاوی و فروش هواپیماهای اف ۱۴ می شود.

نسخه اصل یا کپی نامه های طوفانیان به لاوی ها و محوی ضمیمه شده است.سولیوان

پرداخت حق الزحمه دلالها

سند شماره (۲۰)

تاریخ: ۴ سپتامبر ۷۹طبقه بندی: خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهرانبه: وزارت خارجه در واشنگتن دی. سی.

مرجع : تلگرام وزارت خارجه ۲۲۷۱۲۱

موضوع: پرداخت حق الزحمه دلالها

۱ تحقیق در پرونده های سیاسی نظامی سفارت هیچ گونه پاسخ قطعی را در ازای سؤال مطروحه در تلگرام مرجع پدید نیاورده است. آخرین اشاره ای که به منبع استفاده از دلال ها یا پرداخت حق الزحمه به آنها در فروشهای نظامی شده، در یادداشت مکالماتی ۱۱/۸/۷۳ بین معاون ژنرال طوفانیان، هوشنگ دهش و مقامات گروه کمک مستشاری نظامی درج گردیده است. بر طبق این یادداشت مکالماتی، دهش گفته است که دولت ایران پرداخت هیچ گونه حق الزحمه یا درصدی را در

قبال ۱۶۸۰ فروشهای نظامی خارجی تقبل نخواهد کرد. حتی اگر دولت آمریکا اعلام کند که پرداخت این هزینه ها بر اساس مقررات ASPR قابل قبول است، دولت ایران زیر بار نخواهد رفت.

۲ بنا به پیام ۹۱۳۳۵، ژوئیه ۱۹۷۵ گروه کمک مستشاری سرلشگر طوفانیان به ژنرال برت گفته بود که شاه «با پرداخت هرگونه حق الزحمه و یا هزینه های اضافی برای تهیه و تدارک تجهیزات دفاعی شدیدا مخالف است».

۳ در پرونده های سفارت هیچ گونه بیانیه صریحی در رابطه با زمان و یا شکل منع پرداخت حق الزحمه دلالها وجود ندارد. گروه کمک مستشاری نظامی توصیه می کند، که شما موضوع را با آژانس کمک امنیتی دفاعی در میان بگذارید. معاون مدیر آژانس کمک امنیتی دفاعی ممکن است در این مورد اطلاعات بیشتری داشته باشد.

۴ سفارت نسخه هایی از اسناد مربوطه را برای اداره امور خاور نزدیک / ایران ارسال می دارد.تامست

کتاب شصت و هشتم

توهم براندازی

مقدمه

بسم اللّه الرحمن الرحيم

در مجموعه کتابهای دخالتهای آمریکا در ایران و خصوصا خط میانه، خط مشی آمریکا در مواجهه با انقلاب و رهبری آن به خوبی ملاحظه می شود. از کلیدی ترین جملات اسناد مندرج در کتاب شماره ۵۵ و در هدایت جریان شریعتمداری و افراد مرتبط با او خط مشی زیر می باشد:

«من (رئیس قرارگاه سیا در تهران) نظر خود را تا زمانی که ارتش دوران نقاهت خود را طی کند اعلام می دارم و این هم مرحله ای است که برای طی آن از دست ما تقریبا هیچ کاری ساخته نیست. کاری که از دست ما برمی آید و من هم اکنون درگیر آن هستم، این است که سران بالقوه یک ائتلاف متشکل از لیبرالهای سیاسی، چهره های مذهبی میانه رو و سران ارتشی متمایل به غرب (زمانی که ظهورشان شروع شد) را شناسایی کرده و آماده حمایت از آنها بشویم، کسی که بیش از دیگران احتمال داده می شود این ائتلاف را سرعت بخشد آیت اللّه شریعتمداری است.»

در جواب ستاد مرکزی سیا تصریح می کند: هدف ما از اقدام سیاسی مان در ایران، روی کار آوردن دولتی است که نسبت به منافع ایالات متحده نظر موافق داشته باشد. برای آنکه حزب شریعتمداری را به عنوان یکی از راههای نیل به هدف خود مورد توجه قرار دهیم، لازم است که قدرت و نفوذ آن را معین کنیم.

«بهترین راه نیل به این هدف استقرار یک دولت میانه روی برخوردار از حمایت مردم است که تحت رهبری یا حمایت جامعه روحانیت باشد و قدرت حفظ نظم و قانون را داشته باشد.»

با این مقدمه روشن است که آمریکا که در مرحله اول با شکست غیرمنتظره ای مواجه شده و نتوانسته است علیرغم همه فعالیتهای سیاسی پشت پرده شاه را بر سریر قدرت نگاه دارد، با حاکمیت انقلاب در کمال احتیاط برخورد نماید و در شرایطی که به عنوان مظنون درجه یک در تهدید انقلاب به

او نگریسته می شود، به بازسازی اهرمهای از دست رفته بپردازد.

اسنادی که در این مجموعه ارائه می شود حکایت اشخاصی است که به اشکال مختلف بعد از پیروزی انقلاب اسلامی خود را به عناصر آمریکایی نزدیک نموده و موضوع براندازی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را مطرح و خواستار پشتیبانی آمریکا شده اند. از آنجا که عموما این افراد فاقد ویژگیهای اساسی مورد نظر آمریکا یعنی داشتن هدف و حمایت واقعی توده ای و نفوذ با دوام و قابل اتکاء بوده اند با جمله کلیشه ای «آمریکا قصد دخالت در امور داخلی ایران را ندارد» مواجه می شده اند.

البته به تناسب، این افراد مواضع متمایل به میانه روی و معقولتری نسبت به شرایط جدید اتخاذ

می کردند، این پاسخ آمریکا از رقت کمتری برخوردار بود و روزنه هایی برای دسترسی به حمایت آمریکا باقی گذاشته می شد. طبیعی است افرادی که مشهور به ارتباط با رژیم گذشته بوده اند در آن زمان نمی توانستند محور حرکت آتی آمریکا بشوند. در کنار اهداف جاه طلبانه به تعبیر خود آمریکاییها فرصت طلبانه بعضی از این اشخاص، آمریکا مستقلاً با هدف جاسوسی و جمع آوری اطلاعات سعی می کند از ظرفیت دسترسیهای آنان حداکثر بهره برداری را بنماید. زمانی که این دسترسی شامل اطلاعات با ارزش طبقه بندی شده می شود فرد به سیا تحویل داده شده و ارتباطات کاملاً صورت اطلاعاتی پیدا می کند و تا مرحله آموزشهای ویژه جاسوسی نیز پیش می رود. کلیه این فعالیتها در جهت همان هدف اصلی که ایجاد یک جریان میان رو است هدایت می شود.

محورهای جاسوسی زیر از این اسناد استخراج شده است:

طرحها و شکافهای درونی رهبری روحانیت.

دستگاه اطلاعاتی جدید و اطلاعات مربوط به امنیت داخلی.

شناسایی سرهنگهای میان رتبه که هسته رهبری آتی ارتش را به عهده دارند.

تواناییهای نظامی و دفاعی(۱) (در رابطه با تهاجم عراق، بر علیه آل سعود در مقابل شوروی و در حمایت از پاکستان).

نحوه مقابله با تحریکات گروهکها که از آن تحت عنوان ناآرامی اقلیتها یاد می شود.

دستیابی به اطلاعات مربوط به خریدهای نظامی گذشته و از حمله زیر دریایی از آلمان غربی.

در مورد عناصری که در خارج از کشور دعوی تشکیل هسته های مخالفین را داشتند مسئله تفاوت می کرد. این افراد ارزش استفاده جاسوسی را برای آمریکا نداشتند لیکن آمریکا علاقه مند بود در جریان فعالیت این به اصطلاح تبعیدیها قرار داشته باشد و همچنین از موضع دولت میزبان آن مطلع

باشد.

با این وجود، از آنجا که ارزیابی سفارت آمریکا در تهران این بود که هیچ کدام از این تبعیدیها پایگاهی خاص در بین مردم ندارند و از سوی دیگر خود این افراد در ابراز حمایت آمریکا از خودشان بیش از حد غلو می کردند و احتمال داده می شد که حساسیت دولت ایران در این راستا برانگیخته شود و یا موجب تضعیف جریانهای حامی ارتباط با آمریکا که هنوز از حاکمیت تصفیه نشده بودند گردد، بعضا از ادامه تماس با به اصطلاح مخالفین واهمه داشتند. تعابیری که در توصیف شخصیت بی مقدار بعضی از این عناصر به کار رفته است بسیار قابل توجه است. در عین حال، برخی از آنان نظیر منوچهر گنجی در سالهای اخیر با توجه به رویارویی جدیتر آمریکا با انقلاب اسلامی به صورت محور تحرکات جناح راست و طرفدار غرب درآمده اند که ریشه آن را باید در همان تماسهای اولیه و برداشتهای آمریکا از دیدگاههای این فرد دانست. همچنین بعد از تسخیر لانه جاسوسی و تحمل ضربه جدید آمریکا از عناصری همچون باقری (فرمانده وقت نیروی هوایی) در جریان طبس و حمله نظامی به ایران استفاده می کند. در واقع شرایط ویژه بعد از انقلاب، زمانی که هنوز جریانهایی نظیر نهضت

۱- نوع اطلاعات مورد توجه آمریکاییها با توجه به تهاجم نظامی عراق و شروع جنگ توسط رژیم متجاوز بعث و همچنین همکاریهای بعدی بین آمریکا و عراق در زمینه تبادل اطلاعات نظامی که در مطبوعات هم مطرح شد حاکی از نقش مستقیم آمریکا در شروع جنگ تحمیلی می تواند باشد.

آزادی نقش قابل ملاحظه ای در اداره امور اجرایی به عهده داشتند، به تحرکات آمریکا حساسیت ویژه ای می بخشید که دستیابی به منافع از دست رفته را مطلقا از مجرای مرتبطین سابق که عموما به وابستگی به رژیم شاه شهره بودند، نمی توانست جستجو کند، لذا به شدت از این که به عنوان پشتیبان کسانی معرفی شود که هیچ امیدی به موفقیتشان در آینده سیاسی ایران نمی رفت احتراز می کرد. در عین حال منابع جمع آوری اطلاعات خود را نیز اگر در راستای اهداف اصلی ارزشمند بودند از این که در به اصطلاح «توطئه چینیهای مخالفین» درگیر شوند، مانع می شد. (سیروس رامتین نمونه این شیوه برخورد بوده است).

با این همه علیرغم ادعای عدم دخالت در امور داخلی ایران، حتی مأمورین بخش سیاسی سفارت نیز در تماس و مراوده با این توطئه چینیها بسیار پیش می رفتند و حاضر به گفتگو با کسانی بودند که صراحتا تأیید می کردند در حرکتهای ایذائی مسلحانه ضدانقلابی نقش داشته اند و به دنبال اقدام نظامی بر علیه حکومت انقلابی می باشند.

در مجموع ادعای عدم مداخله آمریکا در امور داخلی ایران یک موضع جدی و واقعی نبوده، بلکه بیشتر یک ترفند دیپلماتیک بوده است.

مجموعه اسناد حاضر بر اساس فعالیتهای افراد موضوع بندی شده و در مقدمه اسناد مربوط به هر فرد، توضیحات لازم آورده شده است. همچنان که قبلاً هم اشاره شد برخی از این افراد تا مرحله تماس و رابطه با سازمان جاسوسی آمریکا، سیا، پیش رفته و آنهایی که ارزش کمتری داشته اند صرفا با عوامل وزارت خارجه آمریکا مرتبط بوده اند، لذا به طور طبیعی خوانندگان محترم بایستی تفاوتهای تکنیکی این اسناد را در نظر داشته باشند.

در خاتمه وجوب شکر نعمت رهبری هوشمندانه انقلاب اسلامی که با زعامت او این کشتی هر روز

در میان طوفانهای سهمگین توطئه، راه خود را به جلو باز کرده و می کند، بر خود و همه مستضعفان

عاشق اسلام ناب محمدی (ص) را یادآور می شویم .

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

بهار ۱۳۶۸

اسناد حمید شیرازی عضو سیا با رمز:اس دی کت/۱ شغل : سرتیپ نیروی هوایی ایران

نام : حمید شیرازی نام رمز: اس دی کت/۱شغل : سرتیپ نیروی هوایی ایران

چون اسناد تماسهای ابتدائی از بین رفته اند، لذا چگونگی برقراری ارتباط اولیه شیرازی با سیا مشخص نمی باشد. نام مشارالیه نیز در این مجموعه اسناد نمی باشد و از توضیح گروگانها در زمان اسارت و تحقیقات بعدی مشخص شده است. با توجه به اسناد چنین برمی آید که حمید شیرازی در مسافرتی به هنگ کنگ با آمریکاییها تماس می گیرد و پس از یک سری ملاقاتها می پذیرد که به عنوان یک عامل اطلاعاتی برای سیا کار کند. مشارالیه پیش بینی می کند بتواند در نیروی هوایی ایران پست مهمی بگیرد و به همین دلیل آمریکاییها برای آموزش و توجیه وی تلاش زیادی می کنند، سیا از وی خواهان اطلاعاتی در مورد موقعیت نیروی هوایی ایران و مقایسه آن با نیروی هوایی عراق، آمادگی هواپیماهای جنگی و روحیه خلبانها، طرح جدید دفاع هوایی ایران در مقابل حمله احتمالی عراق و ... می شود و با توجه به این نیازها وی را ترغیب به گرفتن شغلی در نیروی هوایی می کند(شیرازی اظهار

داشت که در مورد مقدورات فعلی نیروی هوایی و احیانا دستگاه ارتش ظرف چند روز بعد از بازگشت به ایران و گفتگو با دوستانش در ارتش خواهد توانست یک گزارش وضعیت عالی و متکی به اخبار صحیح به ما بدهد.

مأمور مربوطه گفت که از شنیدن این حرف خوشحال است، اما طراحان و تصمیم گیرندگان سیاسی کشور ما علاقه وافری دارند که او طرحها و مقاصد ارتش ایران را هم در اختیار ما گذارد و این کار را فقط وقتی می تواند به طور مداوم انجام دهد که در نیروی هوایی شاغل به خدمت باشد. مشارالیه گفت موافق است سند شماره ۵). طرفین توافق می کنند که در ایران به طور مرتب ارتباط عملیاتی داشته باشند و یا در صورت لزوم ارتباط تلفنی و یا پستی به صورت رمز داشته باشند. وی پس از بازگشت به تهران تا مدتی با جاسوسان ارتباط برقرار نمی کند و آنها در پی کسب خبر از وی تلاش می کنند تا بعدا متوجه می شوند که شیرازی برخلاف پیش بینی سمتی در ارتش نگرفته و بازنشسته شده است. به همین دلیل سیا از تماس و استفاده از او منصرف می شود (چنان که به خاطر می آوریم تخلیه اطلاعاتی «ک/۱» نشان داد که در موقعیت او به عنوان یک افسر بازنشسته امکان دسترسی به اطلاعات مفید وجود ندارد و به این ترتیب فایده آشکاری در تماس با او در این موقع وجود ندارد حتی اگر خودش علاقه مند باشد لذا این را کنار می گذاریم سند شماره ۱۹)

سند شماره (۱)

۶ شهریور ۵۸ اعضاءسری

از: رئیس ۵۰۳۳۷۷به: فوری به توکیو رونوشت فوری برای بانکوک، تهران، هنگ کنگ حساس

عطف به: توکیو ۸۶۴۰۸اقدام شبانه توکیو

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.

۱ در ذیل احتیاجات اطلاعاتی که در تلگرام مرجع درخواست شده بود می آید:

الف ما علاقه مند به دریافت حداکثر جزئیات درباره طرحهای جنگی ایران علیه عراق می باشیم. (تصور می کنیم که تمام طرحهای جنگی تهیه شده در زمان شاه هنوز معتبر می باشند). طرحهای حمله تعرضی نیروی هوایی علیه عراق را به تفصیل شرح دهید. طرحهای مقابله با یک حمله عراق را به تفصیل شرح دهید. آیا ایرانیها اول سعی خواهند کرد نیروی هوایی عراق را از کار بیندازند، بعد سیستم دفاع موشکی ضد هوایی و بعد به پشتیبانی نیروی زمینی ایران بپردازند؟ هر سه کار را با هم انجام می دهند؟ چه هدفهای ویژه ای مورد اصابت قرار خواهند گرفت؟ در کجا نیروی زمینی ایران نوک حمله خود را متمرکز خواهند ساخت؟ نیروی هوایی ایران چه نوع کمکی می تواند در اختیار گذارد.نیروی هوایی چه نوع مقابله ای را پیش بینی می کند؟ برای خنثی سازی آن چه مدتی را؟ ارزیابی نیروی هوایی ایران از نیروی هوایی عراق چگونه است؟ آیا خلبانهای عراقی پروازهای مکرر دارند؟ آیا آموزش سخت دارند؟ آیا در تبادل دیدارها (بعد از ۱۹۷۵) مشارالیه هیچ دیداری از عراق داشته؟ اگر آری به تفصیل بیان شود. به کجا رفت؟ چه چیز ویژه ای مشاهده کرد؟ تلقی وی چه بود؟ ارزیابی مشارالیه از توانایی نیروی هوایی به اجرای طرحهای جنگی شاه. هیچ طرحی علیه عربستان سعودی در میان بود؟ برای دفاع در برابر شورویها چه؟ برای کمک به پاکستان؟ حتما طرحهای ایران برای

دفاع در برابر حمله از جانب عراق بیان شوند. احتمال داده می شود که عراقیها بیشتر از کجا حمله کنند؟ با چه تجهیزاتی؟ دفاع ایران چگونه خواهد بود؟ ضد حمله ها؟

ب درجه آمادگی عملیاتی هواپیماهای اف ۱۴ چقدر است؟ آیا سیستمهای موشکی فونیکس در وضع عملیاتی قرار دارند؟ اندازه آمادگی عملیاتی هواپیماهای اف۴ و اف۵ چقدر است؟ آیا موشکهای هوا به هوای (سایدویندر و اسپارو و هوا به زمین) در وضع خوبی به سر می برند؟

ج چه نوع هواپیماهای جنگنده ای علیه کردها به کار گرفته شده اند؟ چه تعداد؟ چه نتیجه ای داشته؟

تلفات چقدر بوده؟ (علت م) تلفات چه بوده؟ قصور در نگهداری؟

د آیا مشارالیه از ناآرامیهای اقلیتها در (بلوچستان م) اطلاعی دارد؟ آیا دولت ایران پیش بینی می کند در این منطقه دردسر داشته باشد؟

ه در خصوص لوازم یدکی و دریافت کمک نگهداری تجهیزات غیر از ایالات متحده چه کشورهایی در نظر گرفته شده اند؟(مثل ایتالیا و پاکستان)

و آیا نیروی هوایی انتظار دارد از هواپیماهای اف ۴، اف ۵، سی ۱۳۰ تعداد هواپیماهای ..../عادی کاهش یابد و تمام شود؟ اگر نه، چه اقداماتی در جهت پیشگیری از وخامت ... هواپیماهای قابل پرواز اتخاذ می شوند (یعنی استفاده محدود از ذخیره شده ها)؟

ز خط تدارکات لوازم یدکی برای آن نوع لوازمی که قابل تهیه می باشند چگونه کار می کند؟

ح آیا طرحهایی برای بازگرداندن مستشاران نیروی هوایی ایالات متحده در میان می باشند؟ کدام افسران نیروی هوایی ایران موافق بازگرداندن مستشاران آمریکایی و کدام مخالف آن هستند؟

ط از مشارالیه بخواهید که چارت نیروی هوایی و سازمان خود را بکشد و مقامها و صاحبان

فعلی آنها را نشان دهد و درباره کارآیی نظامی و شخصیت افسران کمی اظهار نظر کند.

ی آیا درگیری همافران و خلبانان در جهت حل شدن است؟ آیا مداخله کمیته انقلاب در نیروی

هوایی ادامه دارد؟

۲ بدون پرنده، تا تاریخ ۶ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سری

سند شماره (۲)

۹ شهریور ۵۸ اعضاءسری

از: رئیس ۵۰۵۵۱۳به: فوری به هنگ کنگ، تهران، رونوشت با حق تقدم برای توکیو، بانکوک

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس

عطف به: الف رئیس ۵۰۳۲۵۸ ب توکیو ۸۶۴۶۷ ج توکیو ۸۶۴۶۰ د توکیو ۸۶۴۸۰ ه تهران

۵۴۰۷۸ و رئیس ۵۰۳۳۷۷

۱ به دنبال جواب مطلوبی که در تلگرام مرجع ه آمده بود و ارزیابی مثبت جینوچیو از

عکس العمل مشارالیه نسبت به پیشنهاد استخدام، ستاد، استخدام وی را با اجرت مشخص شده در

پاراگراف ۳ تلگرام مرجع الف تصویب می کند. ما هم موافقیم که باید فهمانده شود علاقه ما به او بیشتر

برای دراز مدت است و کارآیی بالقوه او احتمالاً بسته است به اینکه حاضر باشد در صورت لزوم

مقامی غیر از ریاست ستاد هم قبول کند.

۲ اداره مطالعات استراتژیک از دریافت گزارش تلگرام مرجع (د) خوشحال شد و پیشنهاد کرد نمرات بالایی به آن داده شود. این گزارش همچنین ذائقه آنها را برای گزارشهای بیشتر تحریک کرد. آنها قویا اصرار می ورزند که مشارالیه اطلاعاتش به طور کامل و با حداکثر تفصیلات در مورد طرحهای جنگی پیش از انقلاب علیه عراق در درجه اول، اتحاد شوروی در درجه دوم و طرحهای جنگ یا کمک نظامی علیه هر کشور دیگر در درجه سوم تخلیه شود. (همچنین بابت هر گونه توضیحی که مشارالیه بتواند در مورد محل «کی بی سی K.B.C.» که در پاراگراف دو گزارش مرجع «د» به آن اشاره شده تهیه کند، متشکر خواهیم شد). عدم توانایی مشارالیه به درک احتیاج ما به این نوع خبر که در پاراگراف مرجع «ج» به آن اشاره شد قابل درک است. ما تردیدی نداریم که این موضوعات در رژیم شاه به طور عادی با تیمهای مستشاری نیروی هوایی مورد بحث قرار می گرفتند. واقع قضیه این است که تیمهای مستشاری آمریکا غیر از ایران در سایر کشورها نیز عموما به آگاه کردن جماعت اطلاعاتی از اخبار حاصله طی مأموریتهای محوله خود در خارج بی میل بوده اند، از ترس اینکه مبادا دولتهای میزبان آنها را به چشم بازوی جماعت اطلاعاتی بنگرند. این منجر به ایجاد فواصل خالی حساسی در اطلاعات موجود مشتریان بالقوه ای مثل اداره مطالعات استراتژیک شده است، چنان که از نوع احتیاجات اطلاعاتی تلگرام مرجع «و» این نکته آشکار است. (برای اطلاع شما: تعدادی از این سؤالات و احتیاجات را قبلاً سازمان اطلاعات دفاعی به ما داده بود) فقط برای اطلاع شما.

می توان به مشارالیه گفت که ما به اخباری برای تائید اطلاعات فعلی خود و یا هر گونه اطلاعات بیشتری که بتواند فراهم کند احتیاج داریم.

۳ در مورد این نظر مشارالیه که طرحهای جنگی تهیه شده در دوران شاه دیگر اعتبار ندارند، اداره

مطالعات استراتژیک موافق نیست. آنها احتمال نمی دهند حکومت خمینی طرحهای جدید (جنگ) احتمالی تهیه کرده باشد، خصوصا با آن بی نظمی که در ارتش وجود دارد. برای مثال اگر حکومت فعلی با یک حمله هوایی عراقی روبه رو شود باید برای دفاع و ضد حمله از طرح ریزیهای نظامی سابق استفاده کند. یا اینکه طرحهای مصلحتی به اجرا بگذارد. در رابطه با مطالب فوق، بسیار متشکر می شویم که این موضوع را تعقیب کنید.

۴ پرونده: ۲۷ ۱۲۰ ۴۱. تا تاریخ ۸ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سریسری

سند شماره (۳)

فوری به هنگ کنگ، عادی به توکیو(FJT ۲۵۵۰۴)

۱ قرارگاه اطلاعی درباره طرحهای احتیاطی نظامی قبل از انقلاب و مناسبت آنها ندارد. آواکس هیچ گاه کامل نشد. خبری که درباره انضباط ارتش و نگهداری هواپیماها داده شده با گزارشهای قرارگاه سازگاری دارند. این مفهوم که به طور غیرمستقیم بیان شده که مسئله لوازم یدکی با ایالات متحده مورد مذاکره قرار نگرفته یا اگر گرفته نتیجه مثبت نداشته غلط است. از منابع متعدد اطلاع یافته ایم که تشنج بین همافران و خلبانان شدید بوده است.

۲ بدون پرونده. تا تاریخ ۸ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط می شود. تماما سریسری

سند شماره (۴)

۹ شهریور ۵۸ اعضاء سریهشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس

عطف به: الف رئیس ۵۰۵۵۱۳ ب تهران ۵۴۰۷۸ ج توکیو ۸۶۴۳۱ د توکیو ۸۶۴۶۷

از: هنگ کنگ ۶۸۱۴۹به: فوری به تهران، رئیس رونوشت با حق تقدم برای توکیو، بانکوک

۱ بابت تلگرامهای مرجع الف و ب تشکر می شود. فرد مورد اشاره تلگرامهای مرجع صبح روز ۹ شهریور مطابق طرح تماس هنگ کنگ برای ... توجیه شد... برنامه ریزی برای جلسه طولانی شب ۹ شهریور دنبال دیدار بین ساعات ۳۰/۱۷ و ۱۸ ...

۲ تهران. بابت طرح تماس مشروحه در تلگرام مرجع «ب» تشکر می شود... طرح(های) اختیاری (یعنی نقاط مختلف و اضطراری ملاقات در اتومبیل) برای ... تهران با ذکر اولویت فوری به هنگ کنگ فرستاده شود... دلایل غیرقابل پیش بینی ممکن است مشارالیه درباره ... دچار دلهره شود. می خواهیم در این صورت چاره هایی برای مذاکره... داشته باشیم. التفات داریم که پاسخ شما به همین درخواست در پاراگراف ۲ تلگرام مرجع ... با این مطلب تلاقی می کند.

۳ مأمور مربوطه قصد دارد پیشنهادها و...شغلی خود را امشب با مشارالیه در میان گذارد، روی همین نکته ما ... بیشتری خواهیم گذاشت ... پاراگراف ۴ تلگرام مرجع «ج» مشارالیه صریحا به مأمور مربوطه گفته بود که پیشنهاد داده شده برای فرماندهی کل نیروی هوایی بود، در حالی که تهران و ستاد مرکزی صحبت از ریاست ستاد نیروی هوایی ... آیا ... هست که ما اینجا نمی دانیم؟ این نکته را دوباره نزد... روشن خواهیم کرد، همچنین راجع به تمایل مشارالیه به قبول ... کمتر ... یا نظامی، فرماندهی سؤال خواهیم کرد.

۴ در این مرحله نمی دانیم مقدار وقتی که مشارالیه برای ملاقات با مأمور مربوطه کنار می گذارد

چقدر خواهد بود. در صورت مجال، همان طور که در تلگرام مرجع الف درخواست شده، رئوس راهنمای جمع آوری اطلاعات را بار دیگر مرور خواهیم کرد.

۵ پرونده: ۲۷ ۱۲۰ ۴۱. تا تاریخ ۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۵)

۱۰ شهریور ۵۸ اعضاءسری

از: هنگ کنگ ۶۸۱۷۱به: فوری به تهران، رئیس رونوشت با حق تقدم به توکیو، بانکوک

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس الف : تهران ۵۴۰۹۱ب : هنگ کنگ

۶۸۱۴۹ ج : رئیس ۵۰۵۵۱۳

۱ با فرد مورد اشاره تلگرامهای مرجع عصر روز ۹ شهریور ملاقات شد و او پذیرفت که به عنوان یک منبع اطلاعات خارجی که مستقیما به مأمور تهران گزارش می کند فعالیت مخفیانه داشته باشد. او نمی توانست با وجدان پاک پاداش پولی یا حقوق قبول کند و در ازای خدمات خود چیزی نخواست. معذالک دوباره در مورد پسرش خصوصا اظهار نگرانی کرد که تحصیل او در سیستم آمریکایی به هم خورده است (چنان که قبلاً به بانکوک اطلاع داد)، اما هیچ قول کمک نخواست و صریحا گفت پیشنهادش هم نشود. فرد مزبور کاری که برایش به عنوان «کمک او به آزادی» پیشنهاد کرده بودیم

پذیرفت این مقصدی است که او ظاهرا با صداقت می گوید برایش از پول مهمتر است. (با این وجود امکان این را مردود نمی شمریم که در آینده حاضر شود به عنوان پشتوانه ای برای ابهامات آتیه خود حقوق را قبول کند). فرد مزبور موافقت کرد که اگر شغلی سطح بالا در نیروی هوایی به او پیشنهاد شد آن را بپذیرد، حتی اگر این شغل غیر از ریاست ستاد باشد، تا به این ترتیب سطح دسترسی اطلاعاتی مورد نظر ما تأمین شود. او رابطه خوبی با رئیس ستاد جدید سرلشکر امیر بهمن باقری دارد. باقری یکی از دو سرلشکری بوده که او به عنوان واجدین صلاحیت برای این مقام به وزیر دفاع توصیه کرده بود. مشارالیه قرار است عصر ۱۱ شهریور هنگ کنگ را ترک کند. قرار شده ملاقات بعدی در ساعت ۰۰/۱۴ ۱۰ شهریور بیشتر به قصد مرور طرح تماس تهران صورت پذیرد.

۲ ملاقات عصر ۹ شهریور تقریبا ۱ تا ۵/۱ ساعت طول کشید. پیش بینی می شود ملاقاتهایی که با او تا پیش از عزیمت از هنگ کنگ داریم نسبتا کوتاه باشد، چون خودش حتما می خواهد افراد گروه همسفرش از غیبت او ظنین نشوند. مأمور مربوطه در ابتدا به فرد مزبور گفت اطلاعاتی که او در جواب پرسشها و مسائل طرح شده در توکیو داده بود در واشنگتن با استقبال خیلی خوبی مواجه شد. با این شواهد ملموس از صحت اطلاعات وی و تمایلش به پاسخ به پرسشهای ما، به او گفته شد که اکنون حاضریم درباره جزئیات یک رابطه مداوم مخفی مذاکره کنیم. مشارالیه با اساس نحوه استدلال اداره مطالعات استراتژیک موافقت داشت که در صورت حمله خارجی به ایران دولت خمینی احتمالاً چاره ای نخواهد داشت جز آنکه از طرحهای احتیاطی نظامی که در دوران شاه تهیه شده بود استفاده کند این مبنای علاقه فراوان ما به جزئیات این طرحها بود. او موافقت کرد که اگر در هنگ کنگ فرصت داشت، یک بار دیگر خواسته های (اطلاعاتی) ستاد را مرور کنیم. او اظهار داشت که در مورد مقدورات فعلی نیروی هوایی و احیانا دستگاه ارتش ظرف چند روز بعد از بازگشت به ایران و گفتگو

با دوستانش در ارتش خواهد توانست یک گزارش وضعیت عالی و متکی به اخبار صحیح به ما بدهد. مأمور مربوطه گفت که از شنیدن این حرف خوشحال است، اما طراحان و تصمیم گیرندگان سیاسی کشور ما علاقه وافری دارند که او طرحها و مقاصد ارتش ایران را هم در اختیار ما گذارد و این کار را فقط وقتی می تواند به طور مداوم انجام دهد که در نیروی هوایی شاغل به خدمت باشد. مشارالیه گفت موافق است.

۳ فرد مزبور گفت برای تأمین خواسته های اطلاعاتی که برای وی داشتیم در بازگشت به ایران در نیروی هوایی مقامی خواهد پذیرفت، البته اگر چنان که کاملاً انتظار دارد، دوباره به او پیشنهاد شود. او گفت که در این مرحله نمی تواند فعالانه دنبال یک مقام باشد، چون این کار با برخوردش ... مطابقت پیدا نمی کند. او کاملاً انتظار دارد کمی پس از مراجعتش وزیر دفاع ریاحی دوباره با پیشنهاد اشتغال نزد او بیاید. سپس درباره امکانات شغلی صحبت کردیم و مأمور مربوطه به او خبر داد که سرلشگر امیر بهمن باقری به عنوان رئیس ستاد جدید معرفی شده است. وی از این موضوع اطلاع نداشت (ظاهرا باقری بعد از عزیمت وی برای گذراندن تعطیلات جاری انتخاب شده بود)، اما اظهار داشت در واقع در گفتگو با ریاحی او باقری و یک سرلشکر دیگر به نام ن یوسفی را به عنوان شایسته ترین افراد برای مقام ریاست ستاد توصیه کرده بود. مشارالیه گفت که وی و باقری در مدرسه فرماندهی در آمریکا همکلاسی و دوست صمیمی شده بودند و همسران ایشان خصوصا دوستی نزدیکی در آن

زمان برقرار کرده بودند. وی و باقری همچنان روابط خوبی با هم دارند. باقری یک خلبان جنگنده شکاری و از تجربه و توانایی فراوانی برخوردار است. معذالک وی شک دارد که باقری برای تجدید سازمان نیروی هوایی، آن طور که ریاحی می خواهد شایستگی داشته باشد. او همچنین تردید دارد باقری برای حکومت خمینی کاملاً قابل قبول باشد. بنابراین، اگرچه باقری به عنوان رئیس ستاد انتخاب شده، ولی وی شدیدا معتقد است که به تواناییهای ویژه ای که خود مشارالیه دارد احتیاج خواهد بود.

۴ در مورد امکان مشاغلی که برای او وجود دارد، با فرض اینکه باقری در همین مقام باقی بماند، او فکر می کند که دو امکان خوب وجود دارد. در (طرحی م)که او برای تجدید سازمان نیروی هوایی در نظر دارد، مشارالیه فرماندهی عالی را حذف خواهد کرد و معاونین نیروی زمینی و دریایی و هوایی را بین وزیر دفاع و رؤسای نیروها قرار می دهد. اگر این طرح پذیرفته شد، فکر می کند که شاید خودش کاندیدای معاونت نیروی هوایی شود. در غیر این صورت امکان دارد که تنها برای طراحی و اجرای تجدید سازمان نیروی هوایی مستقیما برای باقری کار کند. برای وی اهمیت نداشت که یک شغل عملیاتی به عهده نخواهد گرفت و نمی تواند بگیرد، چون این ایجاب می کند که گروههای اقلیت درون ایران را آماج ... نیروی هوایی قرار دهد. در عین حال چون مشارالیه خودش خلبان نیست احتمال نمی دهد چنین شغلی به او پیشنهاد شود.

۵ در قبال جوابهایی که مشارالیه داد منجمله توافق گذشته اش برای ملاقات مخفی در تهران که امروز عصر هم تکرار کرد مأمور مربوطه به او خبر داد که در ازای خدماتش می خواهد به عنوان یادگاری از صمیمیت و قدردانی ۱۰۰۰ دلار بدهد و پرداخت ماهانه ۱۰۰۰ دلار برای یک مدت آزمایشی شش ماهه را به وی پیشنهاد می کنیم که در انتهای آن مدت در شروط مناسبات خود تجدید

نظر خواهیم کرد. مشارالیه گفت که بابت پیشنهاد متشکر است، اما کاری که تصمیم گرفته برای ... انجام دهد با دلار و سنت قابل ارزیابی نیست. او مدعی شد که آزادی خود را از دست داده و کشورش دیگر آزاد نیست انگیزه وی برای همکاری با دولت آمریکا این است که آنچه ... انجام دهد تا ببیند آزادی دوباره در ایران برقرار شده است. بنابراین می خواهد از ما درخواست کند وجوهاتی را که برای او کنار گذاشته شده صرف « راه آزادی» کنیم. پذیرفتن پول برای مقصد آزادی بر خلاف شخصیت و وجدان اوست. او افزود که بیشترین نگرانیش این است که ترتیبی دهد پسرش تحصیلات خود را ادامه دهد. مشارالیه امیدوار است که طی مدت کوتاهی اوضاع ایران عوض شود تا پسر و خانواده اش بتوانند دوباره در آرامش و آزادی در این کشور زندگی کنند. اگر این اوضاع امکان پذیر نشود، او می خواهد که پسرش بتواند در ایالات متحده تحصیل کند. مأمور مربوطه گفت که از این خواسته خوب آگاهی دارد و احساس همدردی می کند، اما نمی تواند در این رابطه کمکی نماید. مشارالیه جواب داد که درک می کند و می داند که مأمور مربوطه کاری نمی تواند بکند. مأمور مربوطه گفت هر گاه که دو نفر با هم مناسبات جدیدی پیدا می کنند، علیرغم استحکام آن وقفه ای در آن رابطه به وجود می آید که طی آن هر دو به سنجش حسن نیت و رفتار یکدیگر می پردازند. ما نسبت به بازدهی او خیلی خوشبین هستیم اما باید جانب احتیاط را رعایت کنیم. مشارالیه گفت که کاملاً موافق است و هنوز می خواهد با ما همکاری کند و به ایالات متحده معتقد است و از ما می خواهد که به کشورش کمک کنیم.

۶ مشارالیه گفت که می خواهد مأمور مربوطه بداند که شخصیت وی چنان است که در همه امور همیشه بر مبنای تشخیص خود از درستی راهش جلو رفته و او را نمی توان مجبور به کاری کرد که به نظر خودش صحیح نیست. مأمور مربوطه جواب داد که در ساعاتی که با هم گذرانده اند قوت شخصیت مشارالیه بسیار مشهود بود. فقط می خواهد بگوید که مشارالیه در مناسبات جدید خود باید صبور باشد، شاید گاهی اوقات ما او را برای تهیه جواب تحت فشار بگذاریم و رفتاری از خود نشان دهیم که به نظر او خیلی بی نزاکتی باشد، اما آن انعکاس درخواستهای مبرم عالیترین سطوح دولت آمریکا می باشد و مأمور مربوطه تقاضا می کند که او تلاش دو طرفه مان برای آزادی را با عدم توافقهای جزئی که بین افراد روی می دهد افشاء نکند. مشارالیه بطور عادی لبخند کوچکی زد و اظهار موافقت کرد.

۷ فرصت شد که مأمور مربوطه فقط بگوید که حاضر است درباره جزئیات طرح تماس در تهران مذاکره کند و بیشتر فرصت نشد. این طرح در ملاقات ۱۰ شهریور ساعت ۰۰/۱۴ مورد بحث قرار خواهد گرفت. از مشارالیه خواسته شد عکسهایی از خودش به آن ملاقات بیاورد.

۸ بابت تلگرام مرجع الف، منجمله توضیح درباره عناوین و سلسله مراتب نظامی ایران که مشارالیه نیز در این جلسه اخیر تشریح کرد، متشکریم.

۹ پرونده: ۲۷ ۱۲۰ ۴۱ تا تاریخ ۱۰ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۶)

۱۰ شهریور ۵۸ اعضاءسری

از: هنگ کنگ ۶۸۱۷۷به: فوری به تهران، رئیس، رونوشت با حق تقدم برای توکیو، بانکوک

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساساقدام شبانه تهران، رئیس

عطف به: الف: تهران ۵۴۰۷۸ ب: تهران ۵۴۰۷۹ ج : تهران ۵۴۰۹۱ د : رئیس ۵۰۵۵۱۳ ه :
هنگ کنگ ۶۸۱۷۸ (هویت)

۱ فرد مورد اشاره تلگرامهای مرجع در ساعات ۳۰/۱۵۱۴۰۰ ۱۰ شهریور به ملاقات آمد تا طرح تماس تهران را به نحوی که در تلگرامهای مرجع الف و ب داده شده به طور کامل مرور کنیم. شرح این ملاقات در ادامه گزارش می شود. طرح تماس جایگزین که در تلگرام مرجع ج آمده مورد احتیاج نبود و با مشارالیه مطرح نشد، معذالک از تهران تشکر می کنیم که طرح را برای استفاده احتمالی تهیه نمود. مشارالیه روحیه اش بسیار بالا بود و حتی لبخند داشت و در طرح ارتباطی اظهار اطمینان نفس کرد و قول داد برای ادامه ارتباط عملیاتی نهایت کوشش خود را به عمل آورد. قرار شد آخرین ملاقات با مأمور مربوطه در هنگ کنگ ساعت ۰۰/۱۴،۱۱ شهریور باشد تا درباره احتیاجات اطلاعاتی مشروحه در تلگرام رئیس ۵۰۳۳۷۷ بحث شود و طرح تماس برای آخرین مرتبه مرور شود.

۲ بخشهای الف و ب از طرح تماس در پاراگراف ۳ تلگرام مرجع الف برای مشارالیه کاملاً قابل قبول بود و همان طور که تهران راهنمائی کرده اجرا خواهد شد. تاریخهای ۲۲، ۲۹ شهریور و ۵ مهر قابل قبول نیستند، تکرار می شود قابل قبول نیستند، زیرا پنجشنبه ها برای دیدار با اقوام کنار گذارده

شده است. وی اظهار داشت که چون بازنشسته است همسرش برای همه کارها طرح می ریزد و برایش امکان ندارد که اکنون بگوید چه روزهایی آزاد است. بنابر این تصمیم گرفت که قرار اولین ملاقات با رابط تهران از طریق تلفن به «جیم مولیگان» گذاشته شود و خودش را خسرو معرفی می کند، به همان نحوی که در پاراگراف ۳ ج تلگرام مرجع الف پیشنهاد شده است. مشارالیه گفت که در فاصله ۱۶ تکرار می شود ۱۶ و ۲۵ تکرار می شود ۲۵ شهریور تماس خواهد گرفت. او از نکات امنیتی رعایت شده در طرح (تماس) تهران راضی بود و پیش بینی می کند در اجرای آن اشکالی پیش نیاید. از آنجا که وی طرح اصلی را به طور کامل پذیرفت، مأمور مربوطه طرح تماس جایگزین را که در تلگرام مرجع ج آمده است مطرح نکرد.

۳ مشارالیه ۴۹ ساله است قد ۱۷۳ سانتیمتر، حدودا ۷۲،۶۸ کیلو، قدری طاس، و همیشه عینک قاب سیاه شیشه شفاف می زند. در محل سوار شدن به اتومبیل پیراهن تنیس آستین کوتاه سفید بانلون با نقش های سیاه روی یقه شلوار سبز(بژ) کمرنگ و کفشهای قهوه ای کمرنگ به تن خواهد داشت. وی قامت بسیار راستی دارد و به آهستگی و با تأنی راه می رود. مأمور مربوطه در ۱۱ شهریور عکسهایی از مشارالیه اخذ خواهد کرد و از توکیو آنها را به تهران و ستاد خواهد فرستاد.

۴ اطلاعاتی بیشتر برای تسهیل تماس اضطراری با مشارالیه:

الف : نشانی منزل و شماره تلفن خود مشارالیه هویت الف است. هویت «ب» محلی است که او فعلاً برای امنیت بیشتر همراه همسر و دو فرزندش نزد اقوام به سر می برد. پدر و مادر مشارالیه تنها کسانی هستند که در منزل خودش (هویت الف) زندگی می کنند. نامه های او به نشانی هویت الف می آیند و او آنها را از والدین می گیرد.

ب: مشارالیه اظهار داشت می تواند با امنیت نامه هایی دریافت کند که از داخل ایران فرستاده

شده اند و به منزل خودش (هویت الف) می رسند. مأمور مربوطه سیستم ظهور با گرما را به او آموزش داد، تا اگر ناچار شدیم یک نوبت برایش دستورالعمل بفرستیم به کار بندد. نامه باید برای مشارالیه به نشانی هویت الف فرستاده شود، به فارسی و بهتر است از مشهد ارسال شده باشد، هر چند که تهران (نیز م) قابل قبول است. لازم نیست نشانی نام فرستنده روی پاکت باشد. در نامه نویسنده باید اظهار علاقه کند به مذاکره برای خرید زمینی که مشارالیه در مشهد دارد (واقعا هم در مشهد ملک دارد) و تقاضا می کند مشارالیه با فلان شماره با او تماس بگیرد. به نحوی مناسب هم می توان هر امضایی کرد. نوشته باید فقط روی یک طرف کاغذ باشد. مشارالیه از محتوای نامه می فهمد که از ما است و آن را در معرض حرارت قرار می دهد تا

پیام روی طرف سفید نامه ظاهر شود.

ج: نامه نباید از خارج ایران برای مشارالیه فرستاده شود. در دوران شاه افسران نظامی از تماس با بیگانگان منع شده بودند و وی فکر می کند همان قاعده هنوز به قوت خود باقی باشد.

د: مشارالیه دو اتومبیل دارد: یک رنو ۱۳۵۷، چهار در، رنگ نارنجی، و یک ایمپالا ۱۹۷۷، چهار در، قرمز رنگ. او نمی توانست شماره پلاکها را به خاطر آورد، او و همسرش رانندگی می کنند. وی راننده ندارد.

ه : مشارالیه عضو هیچ باشگاه، سازمان یا انجمن نیست. مطالعه سرگرمی اصلی وی است، با

خواندن روزنامه و مجله خود را در جریان اخبار جهان نگاه می دارد، اوقات فراغت از اینکه کتابهای علمی و فلسفی بخواند لذت می برد. او ورزش خصوصا اسکی، تنیس، شنا و والیبال می کند. معمولاً در محوطه نیروی هوایی تنیس بازی می کرد، اما اکنون نمی کند. وی در منزل یک استخر شنا دارد.

و: مشارالیه محرم و همراز نزدیک ندارد. خودش هنوز بهترین مشاور خود است. او هرکسی را با حساب قدر و منزلتهای خود آن فرد می پذیرد و از کسی بیشتر یا کمتر از وسعش انتظار ندارد. وی هیچ گاه جزئیات کار خود را با همسرش در میان نگذارده و توضیح داده که این کار خودش است و او از آن چیزی نخواهد فهمید. به همین دلیل و به خاطر امنیت خود و آنها او قصد ندارد که همسرش یا کس دیگری را در جریان روابط مخفیمان قرار دهد.

۵ مأمور مربوطه خاطرنشان کرد که در مورد مسئول و طرف حساب او تاکنون صحبتی نشده است. مشارالیه جواب داد که در مراحل اولیه رابطه مان فهمیده بود که (این رابطه) اطلاعاتی است و علاوه بر آن، دقیقا فهمیده بود که مسئول و طرفش کیست. او گفت که این مسئله برایش کاملاً روشن است و لزومی ندارد که بیشتر گفته شود.

۶ مشارالیه در این ملاقات اشاره ای به پیشنهاد سابق پاداش مالی نکرد، معذالک گفت موقعی دیگر ممکن است برای تبدیل ریال به دلار به کمک ما احتیاج پیدا کند. مأمور مربوطه جواب داد که ما می توانیم او را کمک کنیم و او باید موضوع را با رابط خود در تهران در میان گذارد.

۷ متفرقه:

الف تنها کسانی که می دانند مشارالیه در نظر داشته ایران را ترک کند والدین، یک برادرش، سه عمویش، دو خواهر زنش و شوهرانشان می باشند. به آنها فقط اظهار داشته که به خاطر فرزندانش شاید تصمیم به ترک کشور بگیرد.

ب در مسافرت تفریحی جاری، مشارالیه پاسپورتهای همسر و دو فرزندش را آورده بود تا برای آنها نیز ویزای ایالات متحده بگیرد، مقام کنسولگری بانکوک اظهار داشته بود که اعضای خانواده برای گرفتن ویزا باید شخصا حاضر شوند، اما وقتی فرصت ... پیش بینی می کند در گرفتن ویزای آنها اشکالی پیش نیاید.

۸ پرونده: ۲۷ ۱۲ ۴۱ تا تاریخ ۱۰ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۷)

۱۰ شهریور ۵۸ اعضاءسریعطف به: هنگ کنگ ۶۸۱۷۷

از: هنگ کنگ ۶۸۱۷۸به: فوری به تهران، رئیس، رونوشت با حق تقدم برای توکیو، بانکوک

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس اقدام شبانه تهران، رئیس

۱ برگ هویت:

هویت الف: شماره ۷۵ آپارتمانهای آریا شرقی میدان کندی تهران تلفن: ۹۳۴۲۷۴

هویت ب : خیابان اقدسیه، خیابان فرید کوچه باستان، کیهان (منزل متعلق به آقای جنتی عطا... است، که خویشاوند مشارالیه می باشد و همچنین در این نشانی با خانواده اش زندگی می کند).

۲ پرونده: ۲۷ ۱۲۰ ۴۱ تا تاریخ ۱۰ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۸)

۱۰ شهریور ۵۸ اعضاء سریعطف به : الف رئیس ۵۰۵۵۱۳ ب توکیو ۸۰ ۸۶

از: هنگ کنگ ۶۸۱۷۹به: فوری به رئیس، رونوشت با حق تقدم برای تهران، توکیو، بانکوک

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس

۱ از آشفتگی که درباره محل «کی بی سی» پیش آمد متأسفم، این نام محلی است که ... از روی نقشه پیدا کردیم. فرد مورد اشاره تلگرامهای مرجع اظهار داشت. که قوای زمینی ایران باید از آن ناحیه احتراز کنند. مشارالیه در ۱۰ شهریور توضیح داد که قوای تهاجم زمینی از تمام منطقه مرزی جنوب مندلی تا خلیج فارس دوری خواهد کرد. رخنه نیروی زمینی در شمال (مندلی م) از مناطقی غالبا کوهستانی صورت می پذیرد.

۲ پرونده ۴۷ ۱۲ ۰۴۱ تا تاریخ ۱۰ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۹)

۱۱ شهریور ۵۸ اعضاءسری

از: تهران ۵۴۰۹۹به: فوری به هنگ کنگ رونوشت برای رئیس، توکیو، بانکوک

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس

عطف به: هنگ کنگ ۶۸۱۷۷

۱ در صورتی که فرصت داشتید. لطفا از مشارالیه بپرسید اگر شرایط ایجاب کرد که اول قرارگاه تهران تماس تلفنی بگیرد، مأمور مربوطه باید خود را با چه نامی معرفی کند. اگر این عملی نبود، به نظر ما او قبول خواهد کرد که به عنوان شناسایی نامی که مأمور مربوطه توکیو با استفاده از آن خود را به او معرفی کرده ذکر شود. لطفا نظر خود را اعلام کنید.

۲ به نظر می رسد که در یک مضیقه زمانی غیرقابل اجتناب، کار آماده سازی فرد مورد اشاره تلگرام مرجع به طور کامل صورت گرفته باشد. اگر همه چیز خوب جلو برود، به مجموعه عوامل اینجا منبعی با ارزش افزوده خواهد شد. هنگامی که تماس برقرار شد به مخاطبین این تلگرام اطلاع خواهیم داد.

۳ از ستاد مرکزی درخواست می شود شماره (پرونده) ۲۰۱ و نام رمز تعیین کنند.

۴ پرونده: ۴۷ ۱۲۰ ۴۰ . تماما سریسری

سند شماره (۱۰)

۱۱ شهریور ۵۸ اعضاءسری اقدام شبانه تهران

از: هنگ کنگ ۶۸۱۸۲ به: فوری به تهران، رئیس، رونوشت برای توکیو، بانکوک

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس

عطف به: الف: تهران ۵۴۰۹۹ ب: هنگ کنگ ۶۸۱۷۷

۱ فرد مورد اشاره تلگرامهای مرجع در ملاقات نهایی که برای ساعت ۰۰/۱۱ شهریور قرار گذاشته شده بود فورا حاضر شد. متأسفانه گروه همسفرش تفریحاتی ترتیب داده بود که ناچار بود در

آنها شرکت کند، بنابراین این ملاقات فقط ۱۵ دقیقه طول کشید. معذالک فکر می کنیم روی تمام عوامل مهم طرح واگذاری مشارالیه به (قرارگاه) تهران کار شده است ... مشارالیه بی میلی یا تردیدی نسبت به... در تهران اظهار نداشت و دوباره عزم راسخ خود را برای ادامه... ارتباطات مخفی اعلام کرد. او امروز بعد از ظهر عازم ایران می شود.

۲ تلگرام مرجع الف به موقع نرسید تا روی آن اقدام شود. نامی که مأمور مربوطه توکیو به آن برای مشارالیه شناخته شده «آلن» است. می دانیم که فقط موقعی اقدام به تماس تلفنی با وی در تهران خواهد شد که سایر سیستمها نتیجه ای ندهند. در چنین صورتی تماس باید با منزل خودش باشد. از آنجا والدینش می توانند پیام را به وی برسانند. مشارالیه شماره تلفن منزلی که فعلاً به طور موقت نزد اقوام خود اقامت دارد به یاد نیاورد، با این وجود نباید با آن نشانی تماس گرفته شود.

۳ مرور نهایی که از طرح تماس مشارالیه در تهران به عمل آمد مأمور مربوطه را متقاعد کرد که او طرح را خوب یاد گرفته. او دوباره تأکید کرد که برای شروع طرح تماس در فاصله ۱۶ و ۲۵ شهریور تماس خواهد گرفت.

۴ مشارالیه یک عکس تمام رخ از خود تهیه کرد که به تهران و ستاد ارسال خواهد شد.

۵ متأسفیم که فرصت نشد به طور عمیق مسائل و احتیاجات اطلاعاتی ستاد را چنان که در نظر داشتیم مرور کنیم. پیشنهاد می شود که تهران در موقعی دیگر این مطلب را دنبال کند. وی بیانات ذیل را هم اظهار داشت:

الف: دلیل دیگری که او فکر می کند طرحهای احتیاطی نظامی دوران شاه دیگر معتبر نیستند این است که در آن زمان کردها با رژیم شاه همکاری می کردند و در آن طرحها به حساب آمده بودند، اما الان کردها دیگر همکاری نمی کنند.

ب: مأمور مربوطه سعی کرد مشارالیه را به موضوع اهداف مشخص نظامی در عراق بکشاند، ولی او چیزی به یاد نداشت. چنان که در گزارش اطلاعاتی تهیه شده است، خلبانها اهداف مشخصی ... داشتند.

در پایگاههای هوایی ایران، اهدافی که در قلمرو تهاجم هر پایگاه به خصوص قرار داشتند روی نقشه های نظامی مشخص شده بودند. خلبانهای یک پایگاه از اهداف معین شده برای خلبانهای پایگاه های دیگر اطلاع نداشتند.

ج : نیروی هوایی ایران چندین مرتبه به دولت ایران در سرکوبی شورشیان پشتیبانی داده بود.

د : فرد مورد اشاره تلگرامهای مرجع نسبت به نظر دولت آمریکا در مورد نقش شاه در آینده ایران اظهار علاقه کرد. او اظهار داشت که اگر نظر آمریکا را بداند شاید در موقعیتی باشد که به منافع آمریکا در ایران کمک کند. برای مثال وی گفت که بسیاری از افسران و افرادی که او می شناسد طرفدار شاه می باشند و مایلند بازگشت وی را ببینند، اما چون حدس و نشانه ای ندارند که احتمال بازگشت شاه چطور است، به سرعت اعتماد به نفس و امید خود را از دست می دهند. مشارالیه گفت: که بسیاری از این افراد نظامی ممکن است از صحنه خارج شوند، یعنی استعفا دهند، فرار کنند، مگر آنکه انگیزه ای برای ماندن به آنها داده شود و تا زمانی که ممکن است وجودشان لازم شود آنجا بمانند. وی پیشنهاد می کرد که شاید بتواند این طرفداران شاه را به اشتغال به خدمت در نیروی نظامی ترغیب کند. مأمور

مربوطه گفت در موقعیتی قرار ندارد که بتواند اظهار نظر کند جز آنکه توصیه کند مشارالیه درباره این موضوع با رابط تهران مذاکره کند که وی گفت این کار را خواهد کرد.

۶ می خواهیم برای تهران آرزوی موفقیت کنیم. از ... مأمور مربوطه با وی به نظر می رسد که مشارالیه شجاعت، ... شخصیت و ذهنیت لازم برای اینکه منبعی درجه یک، بشود دارد. همچنین مایلیم از قرارگاه هنگ کنگ و دموفسکی بابت هوشیاری نسبت به این سرنخ و رساندن آن به مرحله ای که جینوچیو توانست آن را بدون اشکالی تحویل بگیرد تشکر کنیم.

۷ پرونده: ۴۷ ۱۲۰ ۴۰، تا تاریخ ۱۱ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۱۱)

۱۱ شهریور ۵۸ اعضاءسری

از: هنگ کنگ ۶۸۱۸۳به: با حق تقدیم به توکیو، رونوشت برای رئیس، تهران، بانکوک

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس

عطف به: هنگ کنگ ۶۸۱۸۲

۱ جای جینوچیو در پرواز ساعت ۱۰/۱۱ ۱۲ شهریور از هنگ کنگ به مقصد توکیو تأیید شد.

۲ بدون پرونده: تا تاریخ ۱۱ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۱۲)

۱۳ شهریور ۵۸ اعضاءسری

از: رئیس ۵۰۷۱۱۶به: تهران، رونوشت برای هنگ کنگ، توکیو، بانکوک

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس

عطف به: الف تهران ۵۴۰۹۹ ب رئیس ۵۰۴۶۵۷

۱ به فرد مورد اشاره تلگرامهای مرجع نام رمز اس. دی. کت / ۱ (۹۶۲۵۰۷۲۰۱) و پیرو تلگرام مرجع ب در ۶ شهریور ۱۳۵۸ POAداده شد.

۲ پرونده: ۹۶۵۰۷۲۰۱، تا تاریخ ۱۳ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سریسری

سند شماره (۱۳)

۱۴ شهریور ۵۸ اعضاءسری

از: توکیو ۸۶۵۸۲به: هنگ کنگ، رونوشت برای رئیس، بانکوک، تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس

عطف به : هنگ کنگ ۶۸۱۸۲

۱ قرارگاه توکیو مایل است مراتب امتنان خود را از قرارگاه هنگ کنگ جهت پشتیبانی عالی از جینوچیو طی مأموریت موقت ۸ تا ۱۲ شهریور وی ابراز دارد. این مأموریت با توقف معاون رئیس جمهور در هنگ کنگ مصادف بود و باری شد اضافی بر عهده قرارگاه پرمشغله هنگ کنگ، ولی آن قرارگاه از همه جهت نهایت مساعی خود را مبذول نمود.

ص: ۳۴۶

۲ پرونده: ۴۷ ۱۲۰ ۴۰ تا تاریخ ۱۳ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۱۴)

۱۴ شهریور ۵۸ اعضاءسری

از: رئیس ۵۰۷۸۱۰به: با حق تقدم به توکیو، هنگ کنگ، بانکوک، رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس

۱ بابت تلاش موفقیت آمیزی که منجر به تثبیت اس. دی. کت/۱ به عنوان منبع گزارشگر مخفی اطلاعات خارجی شد ستاد به تمام مراکز دست اندرکار تبریک می گوید. فکر می کنیم که درخواستش برای تسهیل مبادله ارزی و جوابهای صادقانه اش به احتیاجات و سؤالات اطلاعاتی در رابطه با ارتش ایران، ممکن است منتهی شود به اینکه در نهایت دریافت دستمزد را بپذیرد. به نظر می رسد که به ملاقات مخفی در تهران بسیار تمایل دارد و بعد اگر در تهران ملاقات کرد، به عنوان منبع گزارشگر درباره ارتش ایران که همچنان از اولویت اطلاعاتی بالایی برخوردار است، ظاهرا بسیار امیدوارکننده می باشد.

۲ احسنت.

۳ پرونده: ۹۶۲۵۰۷۲۰۱، تا تاریخ ۱۳ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سریسری

سند شماره (۱۵)

محموله: طبقه بندی سری رونوشت به: ریاست اداره خاور نزدیک، ریاست بخش مدارک مهم ریاست اداره آسیای شرقیعطف به: هنگ کنگ ۶۸۱۷۱

از: رئیس قرارگاه هنگ کنگبه: رئیس قرارگاه تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.

موضوع: حساس اس. دی. کت/۱ (۹۶۲۵۰۷۲۰۱)

با پوششی جداگانه عکس تمام رخ اس. دی. کت/۱ ارسال شده است.

لئونارد. آ. جینوچیو

ضمیمه: تحت پوشش جداگانه عکس تحت پوشش جداگانه

توزیع: نسخه اصلی و ۱ نسخه ریاست قرارگاه تهران، تحت پوشش جداگانه ۱ نسخه ریاست خاور نزدیک تحت پوشش جداگانه ۱ نسخه ریاست آسیای شرقی، بدون پیوست و ۱ نسخه ریاست مدارک مهم، تحت پوشش جداگانه تا تاریخ ۲۳ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تاریخ: ۲۳ شهریور ۵۸

شماره پرونده: ۹۶۲۵۰۷ ۲۰۱

علامت و شماره محموله: FCHA ۳۴۴۸۸سری

سند شماره (۱۶)

۳ مهر ۵۸ اعضاء سری

از: تهران ۵۴۳۰۰به: رئیس، رونوشت برای هنگ کنگ، بانکوک، توکیو

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. کت

۱ عصر ۲ مهر نبیعی تلفنی با اس. دی. کت/۱ تماس گرفت که متأسفانه روز مرگ پدرش بود.

مأمور مربوطه اظهار تسلیت کرد و بعد به ک/۱ گفت متأسفیم که از هنگام بازگشتش او را ملاقات نکرده ایم. ک/۱ اظهار داشت او نیز متأسف است که با هم ملاقات نداشته ایم و هنوز شماره تلفن ما را دارد و هر چه زودتر تماس خواهد گرفت. مأمور مربوطه مجددا ابراز همدردی کرد و گفت خیلی مشتاقیم دوباره او را ببینیم.

۲ از تلفن، ناراحتی ک/۱ آشکار بود، اما اعتقاد هم داریم که در حرف خود صداقت داشت و تماس خواهد گرفت. ما امیدواریم که این قضیه آن امیدهایی را که ابتدا نوید می داد تحقق بخشد.

۳ پرونده: ۹۶۲۵۰۷۲۰۱، تا تاریخ ۳ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سری سری.

تذکر ... مطابق درخواست ... هنگ کنگ بانکوک و توکیو به عنوان گیرندگان رونوشت نام برده شدند.سری

سند شماره (۱۷)

۲۶ مهر ۵۸ اعضاءسری

از: تهران ۵۴۵۱۰به: رئیس، رونوشت برای هنگ کنگ، بانکوک، توکیو

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. کت

عطف به : تهران ۵۴۳۰۰

۱ عصر ۲۳ مهر، نبیعی به منزل اس. دی. کت/۱ تلفن زد. مردی گوشی را برداشت، مأمور مربوطه سراغ ک/۱ را گرفت، آن مرد قدری به فارسی حرف زد و قطع کرد. مأمور مربوطه با همان سرسختی سابق دوباره تماس گرفت و پرسید آیا کسی هست که آنجا بتواند به انگلیسی صحبت کند. جواب دهنده طوفانی از کلمات (احتمالاً رکیک) فارسی ردیف کرد و گوشی را سر جایش زد.

۲ شماره ای که تماس گرفته شد منزل ک/۱ بود، اگر چه سوابق قرارگاه نشان می دهند که فقط والدین ک/۱ در آنجا زندگی می کنند (می گویند پدرش اخیرا فوت کرده، چنانچه در تلگرام مرجع اشاره شد). در پرونده آدرس خودش نیز هست اما شماره تلفن خویشاوندی که ک/۱ و همسرش ظاهرا آنجا اقامت دارند نیست.

۳ قرارگاه قصد دارد نام ک/۱ را به طور نامحسوس در لیست عده ای از افسران نیروی هوایی قرار دهد و از دفتر وابسته دفاعی بپرسد که آیا می توانند موقعیت آنها را روشن کنند. اقدامات آتی قرارگاه در این قضیه بستگی به این دارد که بتوانیم محل و وضعیت ک/۱ را مشخص کنیم.

۴ پرونده: ۹۶۲۵۰۷۲۰۱، تا تاریخ ۲۶ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سریسری

سند شماره (۱۸)

۲۷ مهر ۵۸ اعضاءسری

از: توکیو ۸۸۰۳۵ (به کفالت گرشینسکی)به: تهران، رونوشت برای رئیس، هنگ کنگ، بانکوک

سری هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. کت

عطف به : الف تهران ۵۴۵۱۰ ب هنگ کنگ ۶۸۱۷۷

۱ متأسفیم که آن قرارگاه تاکنون نتوانسته تماس حضوری با اس. دی. کت/۱ (ک/۱) برقرار کند. خاطرنشان می سازیم که پاراگراف ۴ تلگرام مرجع ب حاوی دستورالعمل ارسال نامه مخفی نویس به ک/۱ با شیوه (ظهور) حرارتی است. لطفا دقت فرمائید که نامه باید به منزل خودش فرستاده شود. نشانی آن هویت تلگرام مرجع ب است.

۲ چنانچه قرارگاه (توکیو) را در جریان تحولات (آتی) قرار دهید موجب امتنان خواهد بود.

۳ پرونده: ۲۰۱ ۹۶۲۵۰۷ تا تاریخ ۲۷ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۱۹)

...آبان ۵۸ اعضاءسری

به: رئیس، رونوشت برای بانکوک، هنگ کنگ، توکیو

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. کت سری

عطف به : تهران ...

۱ پیرو تلگرام مرجع، وابسته نظامی هنگام صرف شام با افسران عالیرتبه نیروی هوایی در ۱۰ آبان ضمن سؤال درباره دیگران از وضع اس. دی. کت/۱ پرسید، به او گفته شد که ک/۱ به خدمت بازخوانده نشده و فعلاً قصد این کار در نظر نیست. قضیه ای که برای وابسته دفاعی تعریف شد این بود

که نفر قبل از باقری در مقام ریاست ستاد در واقع می خواست که ك/۱ را به همان کاری که کمی قبل از انقلاب داشت با مشابه آن بازگرداند، باقری تصمیم گرفت این طرح را ... ادامه ندهد و چیزی اظهار نکرده مبنی بر اینکه قصد دارد آن طرح را اعاده کند.

۲ احتمالاً مطلب فوق توجیه غیبت ك/۱ می باشد. چنان که به خاطر می آوریم، تخلیه اطلاعاتی ك/۱ نشان داد که در موقعیت او به عنوان یك افسر بازنشسته امکان دسترسی (به اطلاعات) مفید وجود ندارد و به این ترتیب فایده آشکاری در تماس با او در این موقع وجود ندارد حتی اگر خودش علاقه مند باشد لذا این ... را کنار می گذاریم.

۳ پرونده :۲۰۱ سری

سیروس رامتین عضو سیا با رمز:اس.دی.کوئیک/۱ مدیر خدمات بین المللی رادیو و تلویزیون

نام: سیروس رامتیننام رمز: اس.دی.کوئیك/۱

آخرین شغل: مدیر خدمات بین المللی رادیو و تلویزیون تا پیروزی انقلاب اسلامی.

یکی از جاسوسان مورد توجه سیا در اواخر سال ۵۷ و ابتدای سال ۵۸ فردی به نام سیروس رامتین می باشد. وی که احتمالاً از سال ۱۳۴۳ وارد رادیو و تلویزیون شده است. در خلال سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ عهده دار مدیریت خدمات بین المللی رادیو و تلویزیون بوده و متناسب با مسئولیت

خود و با توجه به حجم زیاد فعالیتهای این رسانه در رابطه با خارجیان مقیم ایران خصوصا آمریکاییها، با عوامل سفارت آمریکا در ارتباط بوده است.

از جمله در ۲۰ آبان ۵۷ در ملاقاتی با یکی از مسئولین روابط عمومی سفارت آمریکا خبر می دهد که دربار شاه دستور داده فیلمهای فرانسوی و آلمانی و دیگر کشورها را متناسب با برنامه های آمریکایی و بدون زیرنویس انگلیسی در کانال مخصوص خارجیان ارائه کند. رامتین ابراز نگرانی می کند که این کار با توجه به فقدان اماکن تفریحی سطح پایین معمولی! (مثل بار، زنان مهماندار، سینماهای انگلیسی زبان) ضربه ای برای جماعت آمریکایی خواهد بود و موجب عزیمت آنان از ایران خواهد شد!

نامبرده در پی اولین ارتباط جاسوسی با سیا نهایتا در بهمن ماه ۱۳۵۷ تنها یک هفته قبل از سرنگونی نظام شاه به استخدام سیا در می آید و در اسفند ماه نیز از رادیو و تلویزیون اخراج می گردد. در پی این تحول شغلی نوع دسترسی او به اطلاعات مورد نیاز سیا تغییر پیدا کرده و تا خرداد ۱۳۵۸ عملاً بهره مناسبی برای سیا نداشته است. از خرداد ماه به تعبیر سیا« رامتین مشغول گزارشگری درباره فعالیتها و دیدگاههای سران دولت موقت دست اندرکار اطلاعات و امنیت داخلی بوده است» و با توجه به آشنایی که با برخی افراد داشته در مورد شکافهای درونی رهبری روحانیت و دستگاه اطلاعاتی جدید و مسائل مربوط به امنیت داخلی به جاسوسی مشغول بوده است.

در عین حال مطلب متفرقه ای نظیر رؤیت یک بلغاری که ادعا شده مدیر ایستگاه رادیویی مخفی حزب توده «پیک ایران» بوده را در تهران به سیا اطلاع می دهد.

رامتین در تابستان ۵۸ خبر ارتباط خود با گروههایی را به سیا می دهد که عمدتا متشکل از افسران فراری و عوامل ساواک منجمله بوده اند و اهداف براندازی و خرابکاری را تعقیب می کرده اند. سیا

ضمن ابراز علاقه مندی به حفظ ارتباط رامتین با این گروهها، وی را از همکاری جدی با آنها برحذر می دارد، چرا که به تعبیر قرارگاه سیا در تهران اگر رامتین در تهران روی رابطهای خود در دولت موقت کار کند، ارزشش برای سیا بیشتر از درگیر شدن وی در توطئه چینیهای مخالفین است.از سوی دیگر سیا اگر چه وجود هسته های ضد انقلابی را محتمل می داند، اما احساس می کند که در مورد توانائیهای آنها به شدت مبالغه و گزافه گویی می شود و به خوبی روشن است که از همین زاویه نیز به این گروهها کم بها داده می شود و نه از روی عدم انطباق اهداف آنها با آمریکا.

نکته قابل توجه در مورد گروه رزم آرا که در اسناد ملاحظه می شود ارزیابی ثانوی سیا از طریق یکی از جاسوسان خود به نام نوذر رزم آرا می باشد که در عین حال از عناصر با سابقه ساواک نیز بوده است. نوذر رزم آرا اشاره به طرحی می نماید که ظاهرا با کمک سازمانهای اطلاعاتی مصر و اسرائیل برنامه ریزی می شده، تا با اجرای یک حمله دریایی به خوزستان، توانایی تولید نفت ایران تحت کنترل درآید و به این ترتیب کنترل ایران به دست نیروهای میانه روی طرفدار غرب درون ایران بیفتد. این مسئله با توجه به حمله رژیم صهیونیستی عراق در سال بعد از آن اهمیت به سزایی دارد و انگیزه های رژیم عراق در تجاوز به جمهوری اسلامی ایران را تا حد زیادی روشن می نماید.

رامتین همچنین از تلاش برای راه اندازی روزنامه ای توسط حسن شریعتمداری خبر می دهد و اظهار می نماید در صورتی که این امر تحقق یابد آشنایانی دارد که اگر سیا بخواهد می توانند برایش مقالاتی

منتشر کنند که این موضوع مورد استقبال سیا قرار می گیرد.

در حاشیه پرونده رامتین اشاره به سوابق تیمسار جم از عناصر بازنشسته ارتش رژیم شاه می شود و چنین پیداست که وی از عناصر مرتبط با سازمان جاسوسی انگلیس است.

رامتین ماهیانه از سیا مبلغ ۵۰۰ دلار بابت فعالیتهای جاسوسی اش دریافت می کرده است. آن گونه که از آخرین اسناد به دست آمده برداشت می شود، در خصوص دقت گزارشات رامتین در اواخر کار، برای سیا تردیدهایی پدید می آید.

سند شماره (۱)

۱۱ نوامبر ۷۸ محرمانه

آژانس ارتباطات جهانی تهران ایران ۲۰ آبان ۵۷

یادداشت مکالمهشرکت کنندگان : آقای سیروس رامتین مدیر بخش روابط بین الملل رادیو تلویزیون ملی ایران جک. اچ. شلنبرگر، کارمند روابط عمومی تاریخ و محل : هتل اینترکنتینانتال، ۱۴ نوامبر به درخواست رامتین، در محل نسبتا بی طرفی با هم ملاقات کردیم. وی واهمه عمیق خود را از اوضاع ایران با من در میان گذارد. وی از شلوغیهای امروز تهران و چند شهر استانهای دیگر صحبت کرد. او گفت کارکنان رادیو تلویزیون یا رادیکال شده اند («توسط مارکسیستهایی که خود را مسلمان یا طرفدار خمینی جا می زنند») یا آنکه متوحش هستند در هفته گذشته چند تظاهرات، «تظاهرات وسیعی در محوطه رادیو تلویزیون» صورت گرفته است. سربازان اینک داخل محوطه حتی در راهروها مستقر شده اند. حضور آنها بر عصبیت عمومی می افزاید اما «همین روز گذشته، یکی از فعالان، به داخل یک استودیوی تلویزیون پرید و سعی کرد با فریاد شعاری بدهد. او را عقب کشیدند، اما دستگیر نشد» در واقع با مهربانی هم با او رفتار کردند.

ران باگنولو و دو تن آمریکایی دیگر استعفای خود را تسلیم کرده اند، آنها عصبی و ناراحت هستند.

قید و بندهای حکومت نظامی روی جمع آوری و پخش خبر به علاوه برخوردهای فعالان رادیو

تلویزیون موقعیت را برایشان غیر قابل تحمل می کند و رامتین ناراحتی آنها را می تواند درک کند.

او امروز جلسه ای با کارکنان خارجی خود داشت و قول داد امنیت شخصی آنها را تأمین کند، اما ترس

همچنان وجود دارد.

علت اصلی مکالمه ما نگرانی رامتین درباره دستوری از دربار بود که بنابر آن تلویزیون بین المللی

باید برنامه های فیلم و سریال فرانسوی و آلمانی و دیگر کشورها را متناسب با برنامه های آمریکایی و

بدون زیرنویس انگلیسی ارائه کند. رامتین معتقد است که این عمل شدیدا به جماعت آمریکاییها لطمه

خواهد زد و با فقدان اماکن تفریحی سطح پائین معمولی (مثل بار، زنان مهماندار، سینماهای انگلیسی

زبان و غیره)

شاید بیشتر مایل به عزیمت یا رفتار ناشایست باشند.

او نمی داند آیا روی این توصیه فکر درست و حسابی شده یا نه و جدا نگران است که اگر به اجرا

در آید ظرف دو سه هفته آینده می تواند به روحیه خراب فعلی آمریکاییها در ایران شدیدا لطمه بزند

وی فکر می کند که این توصیه بر اساس برداشتی غیر واقع بینانه از جهت سیاسی این مملکت داده

شده است. افزودن ساعاتی به برنامه تلویزیونی فرانسوی، آلمانی، هندی، کره ای بدون زیرنویس انگلیسی اقدامی سیاسی است که حداقل تأثیر آن در رابطه با موقعیت شاه خواهد بود و فقط قاطبه فعلاً بی قرار انگلیسی زبان (شامل ایرانیها) را منزجر خواهد ساخت. رامتین افزود وزیر جدید اطلاعات تیمسار سعادتمند از مقامات سابق ساواک و مسئول سانسور مطبوعات بوده است. حضور او کمتر از همه می تواندبه روزنامه نگاران اطمینان دهد که این مسئله هم گذرا خواهد بود.

جک شلنبرگر ۱۱ نوامبر ۷۸

محرمانه

سند شماره (۲)

۲۱ مرداد ۵۸ اعضاءسری

از: تهران ۵۳۹۱۱به: رئیس هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. کوئیک

عطف به: الف تهران ۵۳۹۰۴ (NIT۱۰۶۸۲) ب تهران ۵۳۹۰۹ (NIT ۱۰۶۸۳)

۱ گزارشهای مرجع در ملاقات ۲۱ مرداد از اس.دی.کوئیک/۱ اخذ شدند. ک/۱ گفت حدود ده روز پیش با نادر معتضد درباره تشکیلات مخفی صحبت کرده و ک/۱ قبول کرده بود او را با شاپور زندنیا مرتبط سازد، و در ۲۰ مرداد ترتیب آن را داد. معتضد قبلاً مأمور ساواک در اداره هشتم بوده و مسئولیتهایی برای رادیو و تلویزیون داشته است. معتضد به ک/۱ گفت به دنبال انقلاب بهمن ماه مدت سه ماه در ایران در مخفیگاه به سر می برد. طی این مدت پاسداران اتومبیلش را بردند و اثاثیه منزلش را دزدیدند.همسرش عاقبت اتومبیل را پس گرفت.

۲ پس از سه ماه اختفاء، معتضد اطلاع یافت خطری ندارد با مصطفی چمران، رئیس جدید سازمان اطلاعات ایران صحبتی داشته باشد. در این صحبت که در ماه مه صورت گرفت، چمران شغلی

در سازمان جدید با حقوق ۵۰۰ تومان در ماه (حدود ۵۰۰۰ دلار در ماه) به معتضد پیشنهاد کرد. معتضد به ک/۱ گفت این حقوق کم غرورش را جریحه دار ساخت و پیشنهاد را رد کرد. ک/۱ این امکان را هم می دهد که شاید معتضد از طرف چمران دسیسه چینی می کند، اما به نظر وی معتضد در فعالیت خود بر ضد رژیم صادق است.

۳ معتضد در هر دو ملاقات خود همراه یک مأمور یا عامل جوان سابق ساواک بود ک خود را «فکری» (املاء تحت اللفظی) معرفی کرد. ک/۱ فکر می کند این نام مستعار است. «فکری» گفت وقتی خمینی در پاییز ۱۹۷۸ در پاریس بود در عملیات ساواک در رابطه با خمینی شرکت داشته و ادعا کرد منزلی در نوفل لوشاتو مقابل اقامتگاه خمینی اجاره کرده بود. قرارگاه گزارشهایی از منابع ساواک در ۱۹۷۸ به یاد دارد که از عملیاتی در رابطه با خمینی حاصل شده بود. ک/۱ اوصاف ذیل را از «فکری» نقل کرد که شاید برای مأموران سابق ساواک جهت شناسایی فکری کافی باشد. «فکری» حدودا ۲۸ ساله ۶ فوت و ۲ اینچ قد، بدن لاغر، موی سیاه، چشم سیاه و سبیل چخماقی مشکی و پوست گندمگون دارد. در دو ملاقاتی که او با ک/۱ داشت ملبس به پیراهن و شلوار جنس اعلاء بود. ک/۱ از نوع بیان «فکری» حدس می زند که او فارغ التحصیل دانشگاه و اهل تهران باشد.

۴ معتضد به ک/۱ گفت شنیده است همکار سابق دیگری در اداره هشتم به نام ایزدی نام

کوچکش مشخص نیست اینک عضو فدائیان خلق (چریکهای مارکسیست) است.

۵ نام معتضد در فهرست بایگانی ثبت شود.

۶ پرونده: ۹۵۹۰۱۳۲۰۱ تا تاریخ ۲۱ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سریسری

سند شماره (۳)

۲۵ مرداد ۵۸ تلگرام غیرفوریسری از: تهران ۵۳۹۳۴ به: واشنگتن

موضوع: هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است اس.دی. کوئیک پسر اس.دی.کوئیک /۱

۱ اس. دی. کوئیک /۱ به مأمور مربوطه گفته است پسرش (هویت) که اینک در کالیفرنیا درس می خواند... استخدام است و مایل است شغلی در دولت آمریکا داشته باشد، مأمور مربوطه نشانی و شماره تلفن سازمان استخدامی... را به اس. دی. کوئیک داد تا برای پسرش استفاده کند و افزود صلاحیتهای پسرش را به ستاد گزارش خواهد کرد.

۲ ک /۱ گفت پسرش لیسانس دارد و مشغول تکمیل دوره فوق لیسانس است. پسر وی با یک شهروند آمریکایی ازدواج کرده است... مطمئنا ظرف حدود یک سال تابعیت آمریکایی کسب خواهد کرد. او به چند زبان شامل فارسی، انگلیسی،... تکلم می کند.

۳ اگر ستاد تصمیم به (تماس احتمالاً م) با پسر ک /۱ گرفت سخنی از همکاری ک /۱ با... نباید مطرح شود... ناآگاه است.

۴ پرونده: ۹۵۹۰۱۳ ۲۰۱ تا تاریخ ۲۵ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سریسری

سند شماره (۴)

۲۷ مرداد ۵۸ تلگرام غیرفوریسری

از: واشنگتن ۴۹۷۷۱۱به: تهران

موضوع: هشدار: شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است گزارشها

۱ نمرات و نظریات مربوط به گزارشهای ماه ژوئیه که در ۲۴ مرداد ۱۳۵۸ مرور شدند به شرح زیر است:

(نمره: ۵) ۷۹ ۱۱۸۳۴/۳۱۵ TDFIRDBبدون NIT ۱۰۶۵۵OPACT(یک جانبه)

اس.دی.کوئیک/ اسری / با تمام قیود.

انتشار در ۱۰ مرداد ۱۳۵۸

«ارتباط لبنانی مصطفی چمران»

نظریه: چنان که قبلاً اشاره شده، مصطفی چمران در حال حاضر یک چهره اصلی به حساب می آید. ما ارتباط وی با لبنان، خصوصا از طریق موسی صدر را قابل توجه دیدیم، آیا اس.دی.کوئیک/۱ می تواند خبری درباره کمک احتمالی ایران به شیعیان لبنان به دست آورد؟ هر چه که تا به حال در این مورد داشته ایم خبرهای پراکنده بوده است.

سند شماره (۵)

۲۸ مرداد ۵۸ تلگرام غیرفوریسری

از: تهران ۵۳۹۶۶به: واشنگتن

موضوع: هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.اس.دی. کوئیک

سی. کی. لگ وای. کی. باند الکساندر پوپوف

۱ در ملاقات ۲۷ مرداد، اس.دی.کوئیک/۱ (ک/۱) گزارش داد که مطمئن است الکساندر پوپوف متخصصی بلغاری برای رادیوی (خاورمیانه م) را در تهران روز پنجشنبه ۲۳ مرداد دیده است. ک/۱ توضیح داد که سالها قبل در حین مسئولیتش در رادیو تلویزیون همراه یک هیئت رادیو تلویزیون ملی ایران به بلغارستان رفته و آنجا پوپوف را ملاقات نموده است، او پوپوف را مردی بلند قد، مو بور و درشت اندام توصیف نمود. بعدا در تهران، یکی از دوستان ک/۱ که عضو حزب توده در اروپای شرقی بوده و حالا مرده است به او گفته بود پوپوف مدیر ایستگاه رادیویی مخفی توده به نام «پیک ایران» بوده است.

۲ دفتر ک/۱ حدود دو خیابان (بلوک) با سفارت بلغارستان فاصله دارد و در ۲۳ مرداد ۵۸ او ماشین سفیر بلغارستان را پوپوف در آن دیده که از خیابان محل دفترش گذشتند.

۳ از دریافت هر گونه اطلاعات درباره پوپوف که مأموریت وی در ایران را روشن کند متشکریم.

۴ نام پوپوف در فهرست بایگانی ثبت شود. پرونده ۹۵۹۰۱۳ ۲۰۱ تا تاریخ ۲۸ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط می شود. تماما سریسری

سند شماره (۶)

۲۹ مرداد ۵۸ اعضاءسری

از: تهران ۵۳۹۷۳به: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است اس. دی. کوئیک کیو آر. بولستر

۱ اس.دی.کوئیک/۱ می گوید پسر شریعتمداری، مهندس حسن شریعتمداری مشغول احیاء پروژه ای برای راه اندازی روزنامه ای فارسی زبان است که متکی به حامیان آذربایجانی شریعتمداری خواهد بود. وقتی چند ماه پیش این پروژه اول بار مطرح شد ۱۲ میلیون تومان (حدود ۲/۱ میلیون دلار) برای راه اندازی روزنامه به حسابهای بانکی واریز شد و هنوز موجود است. در آن زمان خمینی مانع شد. (برادر زن یا شوهر خواهر یا باجناق م) حسن شریعتمداری به نام شجاع الدین (نام کوچکش مشخص نیست) از اس.دی.کوئیک/۱ دعوت کرده است درباره پروژه با حسن صحبت کند.

۲ اس.دی.کوئیک/۱ گفت این پروژه چه پا بگیرد یا نگیرد، او آشنایانی دارد که اگر ما بخواهیم می توانند برایش مقالاتی منتشر کنند. مأمور مربوطه گفت ما به این مطلب علاقه داریم و در ملاقاتهای بعدی دوباره به این موضوع خواهیم پرداخت.

۳ پرونده: ۲۰۱ ۹۵۹۰۱۳ تا تاریخ ۲۹ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

سند شماره (۷)

۲۹ مرداد ۵۸ اعضاءسریعطف به: تهران ۵۳۹۱۱

از: تهران ۵۳۹۷۵به: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. کوئیک اس. دی. جانوس

۱ در ... مرداد... در تلگرام مرجع با اس.دی.کوئیک/۱ (ک/۱) ملاقات داشت و طی آن از ک/۱ خواست جزئیات محل فرستنده های اصلی رادیو و تلویزیون در ایران، همچنین مراکز برق، ژنراتورها و ... را فراهم کند. ک/۱ تصور می کند که او این جزئیات را برای ... خرابکاری می خواهد. ک/۱ می گوید برای فکری (نام مستعار) طفره رفت تا از مأمور مربوطه جواب ... چکار باید بکند.

۲ ک/۱ می گوید می تواند ... که به جزئیاتی از این قبیل دسترسی دارد ...... همه آن را به دست آورد و .... از تجارب خود می داند. مأمور مربوطه به ک/۱ گفت که ... است او نباید این نوع اطلاعات را به ... بدهد، هر چند که علاقه داریم... ک/۱ به گروه معتضد حفظ شود.

۳ در ملاقات بعدی مأمور مربوطه به ک/۱ تأکید خواهد کرد که باید به فکری پاسخ دهد او ...، به جزئیاتی از آن قبیل دسترسی ندارد... به هر صورت ... است که در اقدامات انفرادی خرابکاری دست داشته باشد، اقداماتی که ... باعث قدری ضربه به دولت می شوند اما ... با دقت بسیار بررسی شوند. تصور می کنیم که این (پیشنهاد احتمالاً م) دسترسی ک/۱ حفظ خواهد کرد و در عین حال او را از خطر مشارکت برکنار می دارد.

۴ پرونده: ۲۰۱ ۹۵۹۰۱۳ تا تاریخ ۲۹ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.سری

تذکر مترجم: این سند به طور کامل جمع آوری نشده و نقطه چین ها مربوط به عبارات جاافتاده می باشد.

سند شماره (۸)

۲۹ مرداد ۵۸ تلگرام غیرفوری سری

از: تهران ۵۳۹۷۷به : واشنگتن

موضوع: اس. دی. کوئیک پرداختی به اس. دی. کوئیک/۱

۱ بنابر مدارک موجود در پرونده اس.دی.کوئیک/۱ و اظهار ک/۱ در ۲۷ مرداد، وی از مارس ۱۹۷۹ که ۵۰۰ دلار دریافت کرد دیگر حقوقی نگرفته است. او به مأمور مربوطه پیشنهاد کرد به جای پرداخت مابقی، قالیچه ای قیمتی برای پسرش بفرستد که بتواند در آمریکا نقدا بفروشد.

۲ به جای مشارکت در صدور قالی ایرانی، قرارگاه پیشنهاد می کند عطف به آوریل ۱۹۷۹ ماهانه ۵۰۰ دلار آمریکا به او پرداخت شود. اگر ستاد این شیوه را تصویب می کند، ک/۱ درخواست دارد. از ۲۵۰۰ دلار بابت پنج ماه، آوریل تا اوت ۱۹۷۹، مبلغ ۱۰۰۰ دلار به حساب بانکی هویت الف و ۱۵۰۰ دلار به حساب بانکی هویت ب فرستاده شود.

۳ پرونده: ۲۰۱ ۹۵۹۰۱۳ تا تاریخ ۱۹ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.تماما سریسری

سند شماره (۹)

۳۰ مرداد ۵۸ تلگرام غیرفوریسری

از: تهران ۵۳۹۷۸به : واشنگتن

عطف به : تهران ۵۳۹۷۷

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس.دی.کوئیک

۱ هویت الف: آقای سیامک رامتین شماره حساب پس انداز: ۳۹۹۴۴۱؟۱۰ دفتر... میرآمار

بانک آمریکا، ۹۳۵ جاده کرنی، سان دیه گو کالیفرنیا ۲۶؟؟

۲ هویت ب : آقای سهراب رامتین شماره حساب ۰۷۰۳۷۰۱، سکیوریتی پاسیفیک نشنال بانک،

دفتر پوینت لوا سان دیه گو، کالیفرنیا ؟۹۲۱۲

۳ شماره پرونده: ۹۵۹۰۱۳۲۰۱. تا تاریخ ۳۰ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سری

سری

سند شماره (۱۰)

۲۰ شهریور ۵۸ تلگرام غیرفوری سری

از: واشنگتن ۵۱۰۹۸۱به: تهران

اداره خاور نزدیک / ایران

موضوع: هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است اس.دی.کوئیک/۱ FSAR

در ذیل FSAR پیشنهادی ما برای اس.دی.کوئیک/۱ در دوره گزارشگری حد فاصل دی ۵۷ مهر ۵۸ ارائه می گردد. لطفا هر نظر یا تصحیح که به نظرتان لازم می آید اطلاع دهید و اطلاعات خواسته شده را تأمین فرمائید تا DID-Fکامل گردد. ما در ضمیمه ۳ نسخه ای از ۶۲۳۰ FSARمورخ ۷

شهریور ۵۶ را برای اطلاع شما از خواسته های FSAR ارسال داشته ایم.

دوره گزارشگری : دی ۵۷ مهر ۵۸

۱ معرفی

الف: فعالیت: اس.دی.کوئیک

ب: عوامل : اس.دی.کوئیک/۱

۲ FAN ۳۳۰۴۹۴۹

۳ هدف : اس ا

۴ جزئیات عملیاتی:

الف: مأموریتهای عملیاتی، تأییدیه ها و غیره.

اس. دی. کوئیک/۱ (ک/۱) مدیر خدمات بین المللی رادیو تلویزیون ملی ایران از سال ۱۳۴۳ تا اخراجش در بهمن ۵۷ بود. اولین بار گنجیان در ۲۳ آذر ۵۷ او را ملاقات کرد و در ۱۵ دی ۵۷ برای او تأییدیه موقت عملیاتی تصویب شد. در ۱۵ بهمن ۵۷ استخدام و طرح امضای قرارداد تعهد توسط قرارگاه تهران اعلام شد، اما در پی آن انقلاب و نابودی پرونده ها روی داد. در مرداد ۰۰۰ تقاضای قرارداد شد و با اخراج او از رادیو تلویزیون در اوائل اسفند نوع دسترسی وی به اطلاعات تغییر پیدا

کرد و در حد فاصل فروردین تا خرداد ۵۸ مأموریتها و گزارشگری او وقفه یافت. از خرداد ماه او مشغول گزارشگری درباره فعالیتها و نظرگاههای سران دولت موقت دست اندرکار اطلاعات و امنیت داخلی بوده و حقوق گذشته او تا اسفند پرداخت شده است.

ب: دسترسی و هدفها

دوستی ک/۱ با مهدی طالقانی، پسر آیت اللّه سرشناس، به او امکان دسترسی به اطلاعات مربوط به طرحها و شکافهای درونی رهبری روحانیت در ماه های نزدیک انقلاب داد. دوستی او با معاون نخست وزیر مصطفی چمران و معاون وزیر کشور صادق طباطبایی به او امکان دسترسی به اطلاعات مربوط به دستگاه اطلاعاتی جدید که تحت ریاست چمران است و اطلاعات مربوط به امور امنیت داخلی داد. عضویت او در یک کمیته غیررسمی برای تحقیق درباره وضع امام موسی صدر برای عملیات مخفی فرصتهایی در اختیار می گذارد و اگر او به کار در زمینه دایر کردن یک دفتر مطبوعاتی جدید برای طباطبایی ادامه دهد، وی باید به مطالب حساس که به مطبوعات راه نمی یابند دسترسی پیدا کند.

ج: انگیزه و کنترل

انگیزه ک/۱ احتیاج او به تأمین مالی فرزندان دانشجویش در ایالات متحده از پول خود یا پولی که سیا به عنوان حقوق می دهد، می باشد. پرداختهای حقوق وی، به استثنای یک مرتبه به حسابهای فرزندانش واریز شده اند و معادل ماهانه ۵۰۰ دلار می باشند. (لطفا قرارگاه درباره انگیزه و دامنه کنترل سیا بیشتر اظهارنظر نماید).

د: اطلاعات مربوط به تماس و ملاقات

در اوائل سال ۱۹۷۹ به ک/۱ در منزلش تلفن می شد و ملاقاتها با سوار کردن به اتومبیل صورت

می گرفت. در اسفند ماه او در چند ملاقات حاضر نشد و در نتیجه مأمور مربوطه تصور کرد که او «تصمیم گرفته خود را کنار کشد» اکنون که وضع امنیت فردی او ظاهرا بهبود یافته، ک/۱ دو باره تماس می گیرد (لطفا قرارگاه اطلاعات جدیدتری در رابطه با برنامه تماس تهیه کند).

ه : امنیت

ک/۱ موافقت کرد در اوایل بهمن یک آزمایش دروغ سنجی را بگذراند، اما در این میان انقلاب روی داد. (لطفا قرارگاه اطلاعات جدیدتری، احیانا شامل طرحهایی که برای آزمایش دروغ سنجی در نظر است، فراهم نماید).

و: آموزش

آموزشی به ک/۱ داده نشده اما طرحی در این زمینه در نظر نیست (لطفا قرارگاه اظهارنظر نماید).

۵ موفقیتها و طرحها

ک/۱ طی این دوره گزارشگری بسیار پرثمر بوده است. از دی ماه ۵۷ تا مرداد ۵۸ او ۱۶ گزارش تهیه کرد که چهار فقره نمره ۱۰ و دوازده فقره نمره ۵ گرفتند. ارتباط او با طالقانی (مهدی) منجر به خبرهای مفیدی در اولین ماههای انقلاب شد. این خبرها از مهدی پسر آیت اللّه، که همکلاس دوران دانشکده وی و از یاران «دوره» یا گروه نیمه سری دوستان ک/۱ می باشد اخذ شده بودند. ارتباطات او با چمران و در نتیجه با دستگاه اطلاعاتی جدید تحت ریاست وی بیشتر مورد استفاده قرار خواهد

گرفت. دوستی او با طباطبایی نیز منجر به تهیه گزارشهای خوبی درباره کشمکشهای ایران و لیبی بر سر قضیه موسی صدر شده و قطعا فرصتهایی برای عملیات مخفی فراهم می کند که از آن استفاده خواهد شد. (لطفا قرارگاه اظهار نظر نماید).

۶ مخارج

الف: پرداختها (حقوق) ۵۰۰ دلار آمریکا در ماه، ۴۵۰۰ دلار هزینه های عملیاتی (لطفا قرارگاه تهیه نماید).

ب: پرداختها به حسابهای بانکی پسرانش در آمریکا واریز می شوند.

ج: مدت کاری سالانه (لطفا قرارگاه تهیه نماید.)

تا تاریخ ۱۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سریسری

سند شماره (۱۱)

طبقه بندی گزارش: سری هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است غیرقابل رؤیت برای بیگانگان غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده.کشور: ایران منبع: یک ناظر سیاسی ایرانی که قابلیت اطمینان به وی در حال حاضر مشخص نیست. او این گزارش را از یک خبردهنده که قابلیت اطمینان به وی معلوم نیست و در ارتش ارتباطات شخصی خوبی دارد، دریافت کرد.

موضوع: تشکیل یک گروه مخالف در ارتش ایران (تاریخ خبر: ۲۴ شهریور ۱۳۵۸)

۱ یک گروه از افسران ارتش ایران که عمدتا تیمسارهای بازنشسته می باشند تشکیل شده است تا برنامه ای در جهت مخالفت با دولت موقت ایران به اجرا درآورند. افسران اصلی دست اندرکار عبارتند از : تیمسار فریدون جم که فعلاً در لندن اقامت دارد؛ تیمسار امیربهمن باقری رئیس ستاد فعلی نیروی

هوایی؛ تیمسار بیان (نام کوچکش مشخص نیست) وابسته نظامی سابق در پاکستان؛ تیمسار پزشکپور (نام کوچکش مشخص نیست) برادر رهبر حزب پان ایرانیست؛ تیمسار ناظم (نام کوچکش مشخص نیست) که سابقا معاون تیمسار جم بوده؛ سرتیپ خسرو دانشور؛ و تیمسار اصغر سپهر.

۲ در اواسط شهریور ۱۳۵۸، هرمز رزم آرا، پسر نخست وزیر پیشین که کار تشکیلاتی این گروه را انجام می دهد در یک جلسه افسران دست اندرکار که در منزل تیمسار سپهر در تهران منعقد گردیده بود سخنرانی کرد. رزم آرا ادعا کرد که از دولت ایالات متحده برای طرحهای گروه، چراغ سبز دریافت نموده است. برنامه آنها شامل بمب گذاری در شهرستانها و به دنبال آن یک حمله در تهران می شود. به طوری که ادعا شده، این گروه یک کشتی را مجهز به دستگاههای فرستنده کرده تا در خلیج فارس مستقر شود و تبلیغات مخالف ایران پخش کند.

۳ (توضیح حوزه فعالیت: تیمسار باقری تنها افسر مرتبط (با گروه) است که می دانیم شاغل می باشد).

۴ بدست آمده در تهران، ایران (۲۶ شهریور ۱۳۵۸)، شماره گزارش حوزه فعالیت ؟ ۱۰۷۳ NIT

۵ انتشار از حوزه فعالیت: سفارتخانه و وابسته نظامی در تهران فرستاده شد به : امان، بیروت، قاهره، اسلام آباد، جده، کراچی،کویت،منامه، دهلی نو، تل آویو، لندن.سری

سند شماره (۱۲)

۲۶ شهریور ۵۸ اعضاءسریعطف به: تهران ۵۴۲۳۴ (NIT ۱۰۷۳۱)

از: تهران ۵۴۲۳۳به: رئیس با حق تقدم

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. کوئیک

۱ اس.دی.کوئیک/۱ (ک/۱) خبر تلگرام مرجع را در ۲۴ شهریور از هرمز رزم آرا گرفت . رزم آرا به او گفت که گروه به دقت درباره ک/۱ تحقیق کرده بود و می خواهد او مسئول پروژه فرستنده مستقر در کشتی شود. رزم آرا گفت که همسر ک/۱ در صورتی که مایل باشد جهت حفاظت به چاه بهار آورده خواهد شد یا به خارج فرستاده می شود. برای مسافرت به خارج احتیاجی به ویزا نخواهد بود.

۲ رزم آرا گفت که هر روز با برادرش نوذر رزم آرا تماس تلفنی دارد. نوذر سابقا یک مقام عالیرتبه ساواک بوده و اکنون در بالتیمور زندگی می کند. هرمز نزد ک/۱ ادعا کرد که در اواسط شهریور با یک نماینده آمریکا در تهران ملاقات کرده و بعدا آن فرد در اواخر شهریور از لندن تماس گرفت و گفت که پروژه فرستنده مورد تصویب دولت آمریکا قرار گرفته است.

۳؟ رزم آرا تأکید کرد که گروه وی تشکیلاتی در پاریس، لندن، ایالات متحده و آلمان غربی دارد و از حمایت مالی ایالات متحده برخوردار است.

۴ ک/۱ خواستار نظر مأمور مربوطه درباره پیشنهادی شد که رزم آرا داد مبنی بر اینکه پروژه تبلیغاتی را او کنترل کند. مأمور مربوطه به ک/۱ گفت که او باید آن را رد کند.

۵ نظریه: اگر چه امکان دارد رزم آرا درباره ... گروه افسران ایرانی راست گفته باشد، ولی به نظر قرارگاه در مورد تماسهای گروه با آمریکا مبالغه می ورزد. یا ... به هر صورت، اگر اس.دی.کوئیک/۱ ... در تهران روی رابطهای خود در دولت موقت کار کند ارزشش برای ما بیشتر است تا اینکه درگیر

توطئه چینیهای مخالفین شود).

۶ درخواست می شود سوابق موجود در مورد هرمز رزم آرا و نوذر رزم آرا را اطلاع دهید.

۷ نام هرمز و نوذر رزم آرا در فهرست بایگانی ثبت شود.

۸ پروند: ۹۵۹۰۱۳۲۰۱. تا تاریخ ۲۶ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سری سری

سند شماره (۱۳)

۲۸ شهریور ۵۸ اعضاءسری

از: رئیس ۵۱۶۷۴۹به: تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس.دی.کوئیک

عطف به: الف ۱۰۷۳۰ TDFIRDB ۱۶۲۳۳/۳۱۵ ۷۹،NIT ب ۱۰۷۳۱ ۷۹،NIT

TDFIRDB ۱۶۲۱۴/۳۱۵

۱ در قبال ... احساساتی و جنجالی گزارشهای مرجع، ما شروع به تجدید نظر در ... گزارشگری اس. دی. کوئیک/۱ در چند ماه گذشته کرده ایم. لطفا حداکثر جزئیات ممکن را راجع به دسترسی شغلی اس. دی. کوئیک/۱ (به اطلاعات)، دسترسی اجتماعی وی و دسترسی ... او تهیه فرمائید. فعلاً، لطف کرده برای گزارشهای اس. دی. کوئیک/۱ زی. آر. واهو نیز بفرستید.

۲ پرونده: ۹۵۹۰۱۳۲۰۱ تا تاریخ ۲۸ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.تماما سری سری

سند شماره (۱۴)

۲۸ شهریور ۵۸ اعضاءسری

از: رئیس ۵۱۶۸۹۸به: با حق تقدم به لندن، رونوشت با حق تقدم برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. کوئیک جی. ان. سایت.

عطف به: الف تهران ۵۴۲۳۴ (NIT ۷۳۱/۱۰)ب لندن ۱۷۸۹۰ (DEL ۱۷۴/۷۴)

۱ پس از کسب موافقت تهران، لطفا گزارش مرجع را با انگلیسیها هم در میان بگذارید و درباره موقعیت تیمسار جم که در آن گزارش مطرح شده نظر آنها را جویا شوید. در آن گزارش تصویری از جم ارائه می گردد که دقیقا خلاف آن تصویر نسبتا مسالمت جویانه ای است که از او داشتیم (گزارش مرجع ب این فکر را تقویت می کند). آیا انگلیسیها مطمئن هستند که جم با آنها برخورد صادقانه ای دارد؟

۲ پرونده: ۳۱۵۱۴۷۲۰۱. تا تاریخ ۲۸ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سریسری

سند شماره (۱۵)

۲۹ شهریور ۵۸ اعضاء سریعطف به: تهران ۵۴۲۳۴ (NIT ۱۰۷۳۱)

از: تهران ۵۴۲۶۳به: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. کوئیک

۱ در روز دوشنبه ۲۶ شهریور هرمز رزم آرا در جلسه ای که در تهران در منزل شفیع مقتدر شفیعا تشکیل شده بود، طرحهای گروه خود برای قیام مسلحانه را ارائه کرد. مقتدر شفیعا یک مهندس است که در منطقه دروس تهران زندگی می کند. سایر افرادی که در جلسه حضور داشتند عبارت بودند از

تیمسار (بازنشسته) تقی فاطمی، پسر عمویش سرهنگ فاطمی که نام اولش مشخص نیست، و دکتر بهزادی که نام اولش مشخص نیست، دکتر بهزادی سابقاً برای سرهنگ طباطبایی که نام اولش مشخص نیست، کار می کرده است. طباطبایی یک افسر ساواک بوده که درست پیش از انقلاب جای پرویز ثابتی را گرفت.

۲ رزم آرا با تکرار طرحهایی که در تلگرام مرجع گزارش شده اند گفت قیامها ابتدا در استانهای بلوچستان، کردستان و خوزستان صورت خواهند پذیرفت. پس از آن گروه هایی در تهران حملات مسلحانه را شروع خواهند کرد. رزم آرا افزوده در صورتی که دولت برای حفاظت از زنان معلم در مناطقی از تهران که سخت اسلامی هستند کاری نکند، گروه در نظر دارد یک اعتصاب معلمان ترتیب دهد. رزم آرا (اخبار) گزارش مرجع را تکرار کرد مبنی بر اینکه گروه یک کشتی مجهز به وسائل فرستنده برای مقاصد تبلیغاتی در اختیار دارد.

۳ اس.دی.کوئیک/۱ تنها فرد دیگر حاضر در جلسه بود.

۴ پرونده: ۹۵۹۰۳۱۲۰۱. تا تاریخ ۲۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سری.

ص: ۳۶۰

سند شماره (۱۶)

۲۹ شهریور ۵۸ اعضاء سریعطف به: رئیس ۵۱۶۷۴۹

از: تهران ۵۴۲۶۴ به: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. کوئیک

۱ بابت تلگرام مرجع تشکر می کنیم. قرارگاه به خوبی از طبع احساساتی گزارشهایی که منجر به تجدید نظر در گزارشگری اس.دی.کوئیک/۱ می شوند اطلاع دارد. برای این گزارشها و گزارشهای قبلی ما از ک/۱ خواستار شواهد تأیید کننده و تجدید نظر در منابع و منابع فرعی شده ایم. در هر یک از ملاقاتهای اخیر ما از او خواسته ایم نسخه ای از مقاله آیندگان که بنابر گزارش وی دلیل مستقیم تعطیل آن روزنامه بود تهیه کند. او همچنان می گوید که فراموش کرد ... ملاقات، خواسته ها را پیش روی او می گذاریم تا فورا تأمین کند.

۲ در FSAR جدید اشاره شده بود که اس. دس. کوئیک/۱ در بهمن ۱۳۵۷ حاضر بود آزمایش دروغ سنجی انجام دهد. وقتی مقاله آیندگان را آورد، موضوع آزمایش دروغ سنجی را با او در میان خواهیم گذارد و به او می گوییم به علت اهمیت گزارشهایش او به یک طبقه گزارشگران ویژه ارتقاء می یابد و این کار شرط لازم آن می باشد.

۳ تلگرام جداگانه ای نیز بعد از این تلگرام درباره آخرین ملاقات او با گروه هرمز رزم آراست. تشخیص ما این است که این تلگرام به عنوان خبر قابل انتشار نیست، چون فقط چند نام جدید به قبلی ها می افزاید، اما در رابطه با تجدید نظر در گزارشگری (ک/۱) توجه تان را به این گزارش جلب می کنیم.

۴ پرونده : ۹۵۹۰۳۱۲۰۱ تا تاریخ ۲۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سریسری

سند شماره (۱۷)

۳۰ شهریور ۵۸ اعضاء سریعطف به: تهران ۵۴۲۶۶ (NIT ۱۰۷۳۴)

از: تهران ۵۴۲۶۵ به: رئیس با حق تقدم

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. کوئیک

۱ اس.دی.کوئیک/۱ خبرگزارش مرجع را در یکشنبه ۲۵ شهریور از فردی به نام آقای بابان گرفت که گفت از طرف محمد امین نقشبندی (ن) تماس می گیرد. (ن) همچنین از طریق بابان این پیام را رساند که تماس خود با ک/۱ را احتمالاً با تلفن از بیروت حفظ خواهد کرد.

۲ ک/۱ گفت هنگامی که ریاست رادیو تلویزیون ملی در غرب ایران را به عهده داشت (ن) مشاور وی در امور کردی بود و آنجا با (ن) آشنا شده بود. هنگامی که ک/۱ در سال ۱۳۵۵ به تهران رفت، (ن) را هم به عنوان دستیار با خود آورد. ک/۱ نمی داند چرا پس از تغییر دولت در بهمن ماه ۱۳۵۷ قطب زاده(ن) را به عنوان مشاوره نگهداشته است.

۳ پرونده: ۹۵۹۰۱۳۲۱ تا تاریخ ۲۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سری سری

سند شماره (۱۸)

۳۰ شهریور ۵۸ اعضاء سریعطف به: الف تهران ۵۴۲۳۳ ب تهران ۵۴۲۳۴

از: رئیس ۵۱۸۶۰۱ به: تهران با حق تقدم

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس.دی.کوئیک

۱ تا آنجایی که می دانیم ادعای رزم آرا مبنی بر تماس با دولت آمریکا صحت ندارد. ستاد مرکزی یک بار حضوراً و چند بار تلفنی با نوذر رزم آرا تماس داشته است. نوذر هویت الف است و شماره پرونده ۲۰۱۰۲۵۹۴۰۷ دارد. غرض از تماس این بود که دسترسی نوذر رزم آرا به اهداف اطلاعاتی که فعلاً مورد توجه هستند معین شود و بعد از ملاقاتی یک روزه در اواسط تیر فهمیدیم که دسترسی نداشت. چندین تماس تلفنی با او داشته ایم که آخرین آنها در اوائل مرداد درباره مشکل ویزایی دخترش بود، اما هیچ چیز مهمی صحبت نشد و اشاره ای هم به پروژه ای که رئوس آن در تلگرامهای مرجع مشخص شده نگردید. نوذر رزم آرا به طرحی اشاره کرده بود که ظاهرا با کمک سازمانهای اطلاعاتی مصر و اسرائیل انجام می گیرد تا با اجرای یک حمله دریایی به خوزستان توانایی تولید نفت ایران تحت کنترل آید و به این ترتیب کنترل ایران به دست نیروهای میانه رو طرفدار غرب درون ایران افتد. از آنجا که شواهدی تأیید کننده به دست نیامد، ما این خبر را به عنوان افکار خیالی انتشار دادیم و هنوز می دهیم.

۲ درباره هرمزد (هرمز) رزم آرا سابقه ای نداشتیم، اما پرویز برادر نوذر را که تفصیل شرح احوالش در هویت ب آمده است می شناسیم.

۳ پرونده: ۲۰۱۰۹۵۹۰۱۳؛۲۰۱۰۲۵۹۴۰۷. تا تاریخ ۳۰ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سری

سند شماره (۱۹)

۳۰ شهریور ۵۸ اعضاء سریعطف به: رئیس ۵۱۸۶۰۱

از: رئیس ۵۱۸۶۴۷ به: تهران با حق تقدم

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. کوئیک

۱ هویت الف : اس. دی. جانوس/۲۷ تاریخ و محل تولد: ۱۲ اسفند ۱۳۰۹، کرمانشاه، فارغ التحصیل دانشگاه سیراکوز، ۱۳۲۸، همسر: نیره رزم آرا تاریخ و محل تولد: خرداد ... تهران. در ۱۳۳۶ وارد ساواک شد، خدمت در ترکیه ۳۹۱۳۳۷؛ بخش تحقیقات، اداره هفتم ۴۴۱۳۳۹، عربستان سعودی (رئیس قرارگاه) ۴۹۱۳۳۴، اداره مرکزی ساواک، تهران ۵۰۱۳۴۹؛ پاکستان ۱۳۵۱؛رئیس اداره تحقیقات، اداره هفتم ۱۳۵۲ ؛ مصر (رئیس قرارگاه و نماینده مخصوص شاه) ۱۳۵۷ بهمن ۱۳۵۴ فعلاً همراه پسر عموی خود در نشانی ۳۰۲۹، خیابان داندالک، بالتیمور، مریلند اقامت دارد.

۲ هویت ب: تلگرام تهران ۴۹۱۰۳ مورخ ۳۰ مهر ۱۳۵۷ گزارش داد برادرش پرویز رزم آرا(می باشد) تاریخ تولد: حدود ۱۳۲۲، ایران، مأمور رابط بین گروه کمک هواپیمایی کشوری و سازمان هواپیمایی کشوری ایران، مجرد؛ فوق لیسانس بازرگانی از برکلی؛ به دنبال ترور پدرش

تیمسار حاج علی رزم آرا نخست وزیر در ۱۳۳۰، چهارده سال در آمریکا گذراند. پرویز مدیر یک شرکت مشاورتی به نام «دنجون ایران» هم هست. قرار بود کارمند هواپیمایی فدرال ترتیب آشنایی اجتماعی وی با مأمور قرارگاه را بدهد.

۳ پرونده: ۲۰۱۰۹۵۹۰۱۳؛ ۲۰۱۰۲۵۹۴۰۷. تا تاریخ ۳۰ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سری سری

سند شماره (۲۰)

۲۶ مهر ۵۸ اعضاءسری

از : تهران ۵۴۵۲۴به: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. کوئیک

۱ در ۹ مهر چند ساعت پیش از آخرین ملاقات مقرر، اس.دی.کوئیک/۱ با مأمور مربوطه تماس گرفت تا آن را لغو کند. در این مکالمه خیلی کوتاه او ظاهرا مضطرب بود. اس/۱ دیگر تماس حاصل نکرد تا ۲۵ مهر، که یادداشتی برای مأمور مربوطه گذارد که تماس بگیرد مأمور مربوطه در ۲۵و ۲۶ مهر تلفن زد ولی اس/۱ در منزل نبود. رویدادهای آینده را نیز به اطلاع خواهیم رساند.

۲ پرونده: ۹۵۹۰۱۳۲۰۱ تا تاریخ ۲۶ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.تماما سریسری

هاشم کامبخش نام رمز: اس. دی. تندرا/۱آخرین شغل: سرهنگ نیروی زمینی

نام: هاشم کامبخشنام رمز: اس. دی. تندرا/۱آخرین شغل: سرهنگ نیروی زمینی.

شخص فوق الذکر در پی مسافرتی که به همراه خانواده اش به ایتالیا داشته است در ۱۴ شهریور ماه ۱۳۵۸ به سفارت آمریکا در رم مراجعه می نماید و خود را آماده خدمت به آمریکاییها اعلام می کند. قرارگاه سیا در رم با هماهنگی با ستاد مرکزی سیا در خصوص سوابق وی شروع به تحقیق می نماید و

به عنوان شروع از او درخواست اطلاعاتی در مورد ادامه قرارداد خرید زیردریایی از آلمان غربی و ناوچه از هلند و همچنین اطلاعاتی در خصوص آمادگیهای رزمی نیروهای مسلح ایران در قبال حمله عراق می کند. در پی یک سلسله تماس و کاوش در ویژگیهای روانی و خصوصیات فردی این فرد و سوابق کاری و همچنین دسترسیهای وی به اطلاعات، سیا برای شناسایی سرهنگهای درجه دوم که هسته رهبری آتی ارتش را به عهده می گرفتند علاقه مند به استخدام وی می گردد.

اگر چه در برآوردهای بعدی نسبت به تواناییهای وی در تأمین این نیازها تردیدهایی حاصل می شود. به هر حال کامبخش رم را به امید تماسهای بعدی سیا از طریق مکاتبه با نشانی وی در ایران ترک می کند. سوابق دوران آموزش وی در آمریکا تصریح بر ضعیف النفس بودن وی، چاپلوسی در مقابل مقامات بالاتر و عدم موفقیت در تحصیل به واسطه هرزگیهای فوق برنامه او دارد. به هر حال این عنصر خود فروخته تنفر خود را نسبت به رویدادهای اخیر ایران (پیروزی انقلاب اسلامی) و ضرورت همکاری «افراد عاقل» برای واژگون کردن اوضاع را در گفتگو با مأمور سیا اعلام و اظهار می دارد مسئولیتهای افسران ارتشی این است که ایران را از وضع فلاکت باری که الان دارد نجات دهند.

کامبخش ضمن اینکه به طور تلویحی تأیید می کند که به زعم او حداقل ۶۰ تا ۷۰ درصد مردم حامی حکومت هستند، در عین حال تمایل خود را برای جاسوسی به نفع آمریکا را به نفع کشور

قلمداد کرده و مدعی می شود که نمی خواهد به صورت عامل برای آمریکا کار کند! البته در جای دیگر ناشیانه از مأمور سیا سراغ مزایای همکاری با آمریکا را می گیرد!!

کامبخش در دورانی که در رم تحت آزمایشات مأمورین سیا قرار داشته اطلاعات مورد درخواست آمریکاییها را تا حدی که از آن مطلع بوده در اختیار می گذارد و شاید یکی از دلایل دلسردی آمریکاییها از ادامه سرمایه گذاری روی این فرد، کیفیت پایین اطلاعات و قابلیتهای ضعیف فردی او بوده است. به هر حال با تصرف لانه جاسوسی ادامه پیگیری استخدام این جاسوس متوقف می گردد و هاشم کامبخش از سوی مسئولین قضایی تحت تعقیب قانونی قرار گرفته و دستگیر می گردد.

میزان سرمایه گذاری ایستگاههای سیا در اروپا برای پیگیری عملیات استخدام این فرد و همچنین اطلاعات مورد درخواست در مورد آمادگیهای ایران برای مقابله با تهاجم عراق بسیار قابل توجه است.

سند شماره (۱)

۱۴ شهریور ۱۳۵۸ اعضاءسری

از: رم ۷۷۶۳۷به: فوری رئیس، رونوشت با حق تقدم به تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. جانوا

۱ در ۱۴ شهریور هاشم کامبخش سرهنگ نیروی زمینی ایران که «آمادگی خود را برای خدمت به آمریکاییها اعلان کرده »(۱) از سفارت دیدن کرد. در آغاز از فرد مزبور توسط مأمور امنیت سفارت سؤال و جواب شد و مقرر شد که وی در ۱۵ شهریور رأس ساعت ۱۰ به وقت محلی باز گردد.

۲ درباره فرد مزبور که مدعی است پنج ماه پیش در پایگاه فورت براگ «تعلیمات نیروهای مخصوص» می دیده سابقه وی را خواستاریم (اقدام شبانه مورد نیاز نیست). وی همچنین مدعی است

که در سالهای ۱۳۳۹۱۳۳۸ و یک بار دیگر در سالهای ۱۳۴۳۱۳۴۲ در مدرسه نظامی زبان سن آنتونیو تحصیل کرده است (فرد مزبور انگلیسی را با مهارت عالی تکلم می کند). او همچنین می گوید که در سال ۱۳۴۷ برای گذراندن یک دوره«ضد جاسوسی» در پایگاه هوابرد حضور یافته است.

۳ فرد مزبور اظهار داشت که همراه با همسر و خانواده اش «برای گذراندن تعطیلات »به رم آمده و حوالی ۲۵ شهریور به تهران باز خواهد گشت. قرار است وی در تهران به وزارت دفاع احتمالاً بخش خریدهای نظامی گزارش بدهد.

۴ طبق اظهارات مأمور امنیت سفارت، او فردی متعادل و باهوش به نظر می رسد. وقتی که از او سؤال شد آیا برای آمدن به سفارت حالت عصبی پیدا کرده یا نه، فرد مزبور جواب داد که در این ارتباط وی کاملاً احساس امنیت داشته است، چرا که ایرانیان مقیم ایتالیا او را نمی شناسند و خود او هم هرگز با سفارت ایران در رم تماسهای رسمی نداشته است.

۵ اگر سوابق و تحقیقات مثبت باشند، قرارگاه در نظر دارد که از مأمور بخواهد در صبح ۱۵

۱- این عبارت که در گیومه قرار داده شده یعنی نقل قول این فرد است به این صورت که وی آنجا رفته و گفته می خواهم اطلاعات خود را به آمریکاییها عرضه کنم توضیح مترجم.

شهریور سؤال و جواب بیشتری از وی به عمل آورد. اگر شرایط اقتضاء نماید ما همچنین امکان تغییر محل ارتباط به یک مکان خارج از سفارت را در نظر خواهیم گرفت.

۶ پرونده : بعدا تعیین شود. تا ۱۴ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.سری

سند شماره (۲)

۱۵ شهریور ۵۸ اعضاءسریعطف به: رم ۷۷۶۳۷

از: رئیس ۵۰۸۰۵۰به: فوری رم، رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

۱ متن زیر خواسته های (اطلاعاتی) برای استفاده احتمالی در تخلیه اطلاعاتی فرد مورد نظر است:

الف: وضع قراردادهای خرید زیردریائی از آلمان غربی و چند ناوچه هلندی که حکومت شاه بر سر آنها مذاکره می کرد چگونه است؟ آیا حکومت بازرگان علاقه ای به قبول خرید زیردریایی نشان داده است؟ فرد مورد نظر از قراردادهای سابق تسلیحاتی ایران و آلمان چه می داند؟

ب: آخرین واحد ارتش ایران که فرد مورد نظر در آن خدمت می کرد کدام بود؟ وظیفه این واحد هنگام جنگ با عراق چه بود؟ اگر ایران حمله می کرد چه؟ اگر عراق حمله می کرد چه؟ تا آنجا که امکان دارد مشخصات دقیق بخواهید. آیا این واحد این وظایف را تمرین می کرد؟ چند نوبت؟ روحیه واحد را توصیف کنید؟ همین طور کارآیی عملیاتی آن را؟ آیا تجهیزات کار می کردند؟ آیا ایرانیها می توانستند آنها را به کار گیرند؟

ج: هر گونه اطلاعاتی که فرد مورد نظر بتواند از نیروهای مسلح عراق یا تلقی ایرانیها از عراقیها فراهم کند، باعث امتنان خواهد بود. لطفا مشخصات دقیق بخواهید و اگر این فرد تلقی ایرانیان را ارائه

کرد لطفا کنجکاوی کنید که ایرانیها چگونه و چرا به این تحقیق و ارزیابی از عراقیها رسیده اند؟

د: ما به تمام جزئیات مربوط به مناسبات نظامی بین حکومت جدید ایران و آلمان غربی که هنوز پابرجا می باشند علاقه مندیم. آیا تعلیمات افسران ایرانی با EMدر آلمان صورت می پذیرد؟ آیا طرحهایی برای اعزام پرسنل ارتش ایران به آلمان وجود دارد؟

ه : هر گونه اطلاعاتی که فرد مورد نظر بتواند درباره ساخت، قدرت یا ترکیب قومی پاسداران انقلاب فراهم کند یا اطلاعاتی در مورد نیروهای کردی که با دولت مخالفت می ورزند مورد علاقه خواهند بود.

و: به عقیده فرد مورد نظر کدام افسران (سرهنگ دو یا سرهنگ تمام) ممکن است در فرماندهی خود در ارتش وجهه ای در بین پرسنل داشته باشند و چرا؟ اگر فرد منظور اطلاعاتی درباره افسران عالیرتبه تر داشته باشد ما علاقه مند خواهیم بود اما توجه ما مخصوصا به افسران رتبه های میانه که کمتر شناخته شده اند معطوف است.

۲ پرونده: بعدا تعیین شود. تا تاریخ ۱۴ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سریسری

ص: ۳۶۵

سند شماره (۳)

سری ۱۵ شهریور ۵۸ اعضاءبه: فوری رم، رونوشت فوری تهران، عادی فرانکفورت

از: رئیس ۵۰۸۰۹۴ هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. سوابق آزمایش دروغ سنج

عطف به: رم ۷۷۶۳۷ (به فرانکفورت فرستاده نشده، مورد احتیاج نیست).

۱ اطلاعات ذیل درباره سرهنگ هاشم کامبخش از گزارش ... سازمان اطلاعات دفاعی DIAکه طی اقامت کامبخش در پایگاه هوابرد از ... فروردین تا ۱۸ مرداد ماه ۱۳۴۷ تهیه شده، برداشته شده است. شخص مزبور در این دوران سروان بود (توجه کنید که تلفظ فامیل وی به صورت کامبخش برکامبکش ترجیح دارد). تاریخ و محل تولد ۱۱ دی ماه ۱۳۱۵ ... ایران، شغل افسر اجرایی بخش تعقیب (عینا نقل قول) واحد ضد اطلاعات عنوان شده است. نام همسر فریده ۱۶ ماه پس از ازدواج جدا شدند، علت نامعلوم. دارای یک دختر به نام شهلا. فردی است فوق العاده برون گرا تا بدانجا که دیگران وی را به چشم موذی می نگرند. در مجموع فرد دلپذیری است که در فرصتهای اجتماعی با دیگران به خوبی جور می شود. بیش از حد به رتبه حساسیت دارد و مشهور است که نزد پرسنل رتبه های بالاتر «چاپلوسی می کند» تا مورد عنایت واقع شود. میزان هوشش از حد متوسط بالاتر است، اگر چه از لحاظ تحصیلی در دوران آموزش ضعیف بود. تصور می شد که عدم موفقیت تحصیلی به جهت فعالیتهای فوق برنامه اش باشد؛ وی به «زن بارگی» مشهور بود. در وفاداری او به کشور و دولتش تردیدی نبود. بی نهایت از اینکه افسر ضداطلاعات است مغرور می باشد و ضداطلاعات را نخبه ارتش می داند. انگلیسی خود را روان و بدون اشکال می داند و علاقه دارد انگلیسی را با زبان عامیانه آمریکایی و با استفاده از اختصارات نظامی تکلم نماید. توانایی واقعی وی در ابراز مقاصد خود به انگلیسی چه شفاها و چه کتبا قدری ابتدائیست. از اقامتهای قبلی خود در ایالات متحده به نیکی یاد

می کرد. فرد مزبور در محیط اسلامی احتمالاً «دست از پا خطا نمی کند»؛ به هر حال بیرون از این محیط مشروب می نوشد و مدت قابل توجهی دنبال زنانی که در دسترس باشند می رود. چندین مرتبه به تنهایی در خیابان بالتیمور شرقی، در «محله» دیده شده جائی که چند ردیف مؤسسه استریپ تیز در آنجا واقعند. در دوران آموزش به موفقیتهای عالی تحصیلی نایل نشد و مشارکتش در بحثهای کلاسهای درس حداقل بود.

۲ در ستاد مرکزی اطلاعات بیشتری نبود. کارتهای قرارگاه تهران که اینک در ستاد مرکزی هستند نیز بازدید شدند.

۳ به شرطی که قرارگاه تهران موافقت داشته باشد کامبخش از لحاظ عملیاتی به عنوان عامل نفوذی بالقوه در ارتش ایران مورد توجه است، تکرار می شود، مورد توجه است و به علت شرایط سخت و محدود عملیاتی قرارگاه تهران، لازم است تخلیه اطلاعاتی بیشتر، ارزیابی و استخدام وی در خارج از ایران انجام شود. اگر امکان داشته باشد رم باید آزمایش دروغ سنجی از کامبخش و تعلیمات اساسی ارتباطات او را نیز مد نظر قرار دهد.

تلگرام جداگانه ای برای نکاتی که لازمست در تخلیه اطلاعاتی پرسیده شوند مخابره خواهد شد.

۴ نام «کامبخش» اندیکس شود. پرونده: ۲۷۱۲۰ ۴۱ تا ۱۴ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سری سری

سند شماره (۴)

۱۵ شهریور ۵۸ اعضاء سری

از: رم ۷۷۶۵۴به: فوری رئیس رونوشت فوری برای تهران

هشدار: شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

عطف به: الف رئیس ۵۰۸۰۹۴ ب رئیس ۵۰۸۰۵۰

۱ در ۱۵ شهریور آناکلاریو مأمور قرارگاه تحت نام مستعار «جیمز لیتل» با فرد مورد اشاره تلگرامهای مرجع (درخواست می شود برای وی نام رمز تعیین گردد) برای تخلیه اطلاعات به مدت یک ساعت ملاقات کرد. این گفتگو از یک ساعت تجاوز نکرد زیرا مشارالیه تمام خانواده اش را به سفارتخانه آورده بود و در حالی که وی و مأمور مربوطه با هم صحبت می کردند، همسر و سه فرزندش در اتاق پذیرایی منتظر بودند. تخلیه کامل اطلاعات وی درباره اقلام ذکر شده در تلگرام مرجع ب قرار شده در نیمه روز ۱۶ شهریور انجام گیرد. هر چه زودتر اخبار را اطلاع خواهم داد.

۲ مشارالیه در اینکه صادقانه انگیزه های تماسش با دولت آمریکا را در میان گذارد تردیدی به خرج نداد. وی اظهار داشت که یک فرد «حرفه ای» می باشد که از تعطیلات خود در ایتالیا برای تماس با «افراد مناسب» در سفارتخانه آمریکا استفاده می کند. او تنفر کامل خود را نسبت به رویدادهای اخیر در ایران و ضرورت همکاری «افراد عاقل» برای واژگون کردن اوضاع را اظهار داشت. او گفت که به علت ارتباطات نزدیکش با ارتش آمریکا، خود را تقریبا آمریکایی می داند و امیدوار است بتواند برای کمک به کشورش با آمریکا کار کند. او گفت که حاضر است مابقی مدت اقامت خود در رم را به هر صورت که می تواند صرف کمک کند (او در ۲۵ شهریور عزیمت خواهد کرد).

۳ مأمور مربوطه درباره ضرورت امتحان اشخاصی نظیر وی که به طور ناگهانی با سفارتخانه

تماس می گرفتند توضیح داد و مقداری وقت صرف مرور کردن سوابق اخیر وی شد. جزئیات کامل سیر سوابق وی در تخلیه اطلاعاتی ۱۶ شهریور اخذ خواهد شد. مشارالیه در ۱۳۴۷ از فورت هولابرد عزیمت کرد و به تهران بازگشت و در آنجا با رتبه سرگردی در گروه عملیات ستاد بزرگ تا سال ۱۳۵۰ خدمت کرد. در همان زمان وی به بخش امنیت و تحقیقات سازمان صنایع نظامی منتقل شد و مدت هشت سال تا ۱۳۵۷ در آن مقام ماند. در سالهای ۵۳۱۳۵۲ وقفه ای در این مأموریت حاصل شد تا وی هشت ماه در کمیسیون بین المللی کنترل و نظارت در ویتنام خدمت کند. در ۱۳۵۷ مشارالیه برای شرکت در آموزش افسران ارشد ستاد در دانشکده ستاد نیروی هوایی واقع در مجتمع «دوشان تپه» پشت ستاد مرکزی نیروی هوایی در تهران معرفی گردید. دوره دانشکده ستاد از آبان ۱۳۵۷ تا ۱۹ مرداد ۱۳۵۸ به طول انجامید و تحولات ۹ ماهه اخیر در آن تأثیری نگذاشت و پس از پایان کلاس وی به گذراندن تعطیلات مشغول شد و باید تا ۲۷ شهریور مراجعت کند. در این زمان کلاس دانشکده ستاد مراسم فارغ التحصیلی خود را برگزار خواهد کرد. پس از این، وی به وزارت دفاع گزارش خواهد کرد تا مقام جدیدی برای وی تعیین گردد. او فکر می کند «تقریبا ۸۵ درصد مطمئن است» که به مقامی در سازمان صنایع نظامی باز خواهد گشت.

۴ مشارالیه پس از دادن اطلاعات فوق، مجددا تأکید کرد که آماده است در هر ... که بتواند به طور کامل با دولت آمریکا کار کند. او اظهار داشت که در ازای آن چیزی نمی خواهد. اما فقط درخواست

کرد که برای امنیت خود و خانواده اش این تماس به شدت سری نگاه داشته شود. در جریان بحث پیرامون لزوم مخفیکاری، وی گفت که وی و بهترین دوستش سرهنگ نیروی هوایی محسن پورصبا تصمیم گرفته بودند که پس از دانشکده ستاد در تعطیلات خود سعی کنند با دولت آمریکا تماس بگیرند. او و پورصبا در دانشکده ستاد با هم در یک کلاس بودند. پورصبا برای گذراندن تعطیلات خود به سن آنتونیو تگزاس رفته و الآن باید آنجا باشد و به گفته مشارالیه پورصبا اینک باید مشغول برقراری تماس با ارتش آمریکا در سن آنتونیو باشد تا به همان نحوی که وی در رم با ما تماس دارد خدمات خود را ارائه کند.

۵ مشارالیه بلیطهای هواپیمای خود و خانواده اش با خط هوایی اردن را به مأمور مربوطه نشان داد که مسیر مسافرت تهران امان رم امان تهران بود. او اظهار داشت به این دلیل خط هوایی اردن را انتخاب کرده بود که وضع خط هوایی ایران «افتضاح» بود. مشارالیه یک ویزای آمریکایی ب/۱ ب/۲ برای ورود مکرر نامحدود دارد که در ۱۱ خرداد ۱۳۵۷ صادر شده است. خانواده وی هیچ ویزای آمریکایی ندارند و مشارالیه سعی دارد در رم برای آنها ویزای مسافرتی آمریکا تهیه کند. او گفت که این برای «بیمه» (احتیاط م) است.

۶ قرارگاه یک اتاق در هتل هیلتون رم گرفته و این کار با استفاده از خدمات تکنسین ای زی، نوا، اورویل ب. گرونکلتون با نام مستعار صورت گرفت و جلسات تخلیه اطلاعات از ۱۶ شهریور شروع خواهد شد. مشارالیه به همسر و خانواده اش می گوید که یک دوست نظامی قدیمی در سفارت آمریکا در رم دارد که می خواهد ببیندش. همسر و فرزندان وی فقط فارسی حرف می زنند و صرفنظر از تمایل مشارالیه به کمک به آنها در خرید و مسافرت در اطراف رم ظاهرا مشکلی ایجاد نمی کنند. بر حسب اتفاق، مأمور ای. زی. ویزارد آلدن اچ.کیتوک در رم به سر می برد و قصد داریم شب ۱۶

شهریور فرد مورد نظر را تحت آزمایش جی. بی. مینیمم قرار دهیم. مأمور آزمایش دروغ سنجی، جوئل ام. کلاین اسمیت در ۱۹ شهریور وارد رم می شود و برای آزمایش دروغ سنجی برنامه ریزی خواهیم کرد. اگر تخلیه های اطلاعاتی خوب جلو بروند، (آزمایش) جی.بی.مینیمم مثبت به نظر برسد و مشارالیه در آزمایش دروغ سنجی قبول شود، هفته ۲۴۱۹ شهریور را برای آموزش وی به نحو مقتضی در اختیار خواهیم داشت.

۷ تأثیر اولیه ای که مشارالیه روی مأمور مربوطه داشت بسیار مطلوب بود. او فردی پر حرارت و خوش زبان است که بابت سرهنگ بودن، تکلم خوب به انگلیسی و تجربیات خود در آمریکا احساس غرور می کند. هنگامی که مخالفت خود با دولت فعلی را بیان می کرد تا حدی احساساتی شد، اما هیچ گاه کنترل خود را از دست نداد. او مکررا به موهای جوگندمی روی گونه خود اشاره می کند و می گوید «من دارم پیر می شوم، اما اهل عمل هستم». خلاصه آنکه اگر مشارالیه از امتحان خوب به درآمد ممکن است مورد علاقه نقدا عملیاتی برای سیا باشد. اظهار نظر و پیشنهادهای بیشتر و احتمالاً وارد کردن مأموران عملیاتی دیگر که با عملیات تهران آشناتر باشند را به ستاد مرکزی و یا تهران واگذار می کنیم.

۸ پرونده: ۲۷۱۲۰۴۱. تا تاریخ ۱۵ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.سری

ص: ۳۶۸

سند شماره (۵)

۱۵ شهریور ۵۸ اعضاءسری عطف به: رم ۷۷۶۵۴

از: رئیس ۵۰۸۶۱۶به: فوری به رم، رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

۱ برای فرد مورد اشاره تلگرام مرجع شماره (پرونده) ۹۶۲۶۸۳ ۲۰۱تعیین شد و نام رمز اس.

دی. تندرا/۱ خواهد داشت. تهیه POAمراحل خود را طی می کند. شما را در جریان خواهیم گذاشت.

(به مناسبت مدت زمانی که در ایالات متحده گذرانده، تهیه POAمستلزم دریافت سوابق ان. وی.

کنوپی (وزارت دفاع یا سازمان اطلاعات دفاعی م) است که درخواست گردیده).

۲ نویکوفسکی مأمور ستاد مرکزی شعبه ایران در حال حاضر مأموریت موقت به لندن دارد که در ضمن از بن عبور خواهد کرد و در صورت لزوم می توان برای مساعدت به (قرارگاه م) رم از وجود وی استفاده کرد، پس از تخلیه اطلاعاتی در ۱۶ شهریور اظهار نظر آسانتر خواهد بود. لطفا نظر خود را اطلاع دهید.

۳ پرونده: ۹۶۲۶۸۳۲۰۱. تا تاریخ ۱۵ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سری سری

سند شماره (۶)

۱۵ شهریور ۵۸ اعضاء سری

از: رم ۷۷۶۵۹به: فوری به آتتک، تهران، رونوشت فوری برای فرانتک، رئیس، دیرتک

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

عطف به : الف رم ۷۷۶۳۷ (به آتتک، فرانتک، دیرتک فرستاده نشد)، ب رئیس ۵۰۸۰۹۴ (به آتتک، فرانتک، دیرتک فرستاده نشد)

۱ تلگرامهای مرجع در رابطه با یک سرهنگ نیروی زمینی ایران و حدودا چهل ساله است که در ۱۴ شهریور به سفارتخانه آمد تا برای آمریکاییها کار کند. او تا ۲۵ شهریور پیش از عزیمت خود به تهران برای مأموریت موقت در شهر خواهد بود. در تاریخ ۱۹ شهریور از مشارالیه آزمایش دروغ سنجی به عمل خواهد آمد.

۲ با توجه به فرصت کمی که برای این درخواست وجود دارد، در صورتی که نتایج آزمایش دروغ سنجی رضایتبخش بود در رابطه با آموزش فنی که باید به مشارالیه داده شود، از مخاطبین تقاضا می کنیم نظر خود را ابراز دارند. طرحهای اولیه ای که رم در نظر دارد شامل آموزش مخفی نویسی و ارتباط الکترونیک برد کوتاه می شود، اما ما با مقدورات فعلی قرارگاه تهران برای پشتیبانی هر کدام از این دو سیستم یا مسائل مربوط به استفاده از سیستم پستی ایران برای نامه نگاری محلی یا بین المللی آشنا نیستیم.

۳ از تهران درخواست می کنیم که این قضیه را ارزیابی کند و هرچه زودتر درخواستهای لازم را برای کسب مجوز لازم برای سیستمهای فنی ارسال دارد. ای. ز. ویوید توصیه مربوط به سیستمها را بررسی خواهد کرد و در عین حال ای. زی. نوا به طور مقتضی مأموران متخصص آموزش و وسایل فنی لازم را در اختیار قرار خواهد داشت. به نظر ما مأمور آزمایش دروغ سنجی فرانکفورت که قرار

است در ۱۹ شهریور وارد رم شود شاید بتواند وسائل لازم را به طور دستی حمل کند تا ضرب الاجل به اتمام نرسد.

۴ پرونده بعدا تعیین شود. تا تاریخ ۱۵ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۷)

۱۶ شهریور ۵۸ اعضاء سری

از: آتتک ۲۳۹۸۹به: فوری به رم، رونوشت فوری برای تهران فرانتک، رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

عطف به: الف رم ۷۷۶۵۹ ب تهران ۵۴۱۴۱

۱ پیرو تلگرامهای مرجع، در صورت رضایتبخشی نتایج آزمایش دروغ سنجی، لطفا اطلاعات مربوط به فرم ۳۰-SR مخفی نویس را به ای. زی. ویوید بفرستید تا بتواند سیستم MLI مناسب را انتخاب کند.

۲ پرونده: ۲۷۱۲۰۴۱. تا تاریخ ۱۶ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۸)

سری ۱۹ شهریور ۵۸ اعضاء

از: رم ۷۷۷۴۸به : فوری به رئیس، تهران، رونوشت برای دیرتک، فرانتک

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. ای. زی.ویزارد اس . دی. تندرا

۱ در ۱۹ شهریور مأمور (بخش م) ای. ایکس. ویزارد (پایگاه م) ای.زی نوا به نام کیتوک اس. دی. تندرا (ت/۱) را که به خواست خود مراجعه کرده تحت آزمایش جی. بی. مینیمم قرار داد. ت/۱ کلاً خود را خوب نشان داد. او شخصیتش با محیط به نحو مطلوبی سازگار یافته و این امر به او امکان

خواهد داد که به عنوان یک عامل اطلاعاتی نفوذی در محیط یا فرهنگ خود با کارآیی عمل کند.

۲ ت/۱ از لحاظ سطح هوش عمومی فقط کمی از حد میانگین بالاتر است و تصور می شود که در مقایسه با اکثر افسران نظامی آمریکایی همرتبه اش از این حد پایین تر باشد. با این وجود از دیدگاه غربی این اختلاف عمدتا در زمینه عملکرد فکری است و در مقایسه با همکاران خودش از لحاظ کارآیی ت/۱ احتمالاً نمره عالی می آورد، به علاوه چندین فقره از خصلتهای اصلی او برای افسری که در یک ساخت نظامی بسیار استبدادی قرار دارد« طبیعی» محسوب می شوند. یعنی او برای سازگاری با نقش خود حتما نباید «کاری» انجام دهد.

۳ سازگاری او با محیط هم از لحاظ روانشناسی و هم جسمی خشک است و نتایجش این است که او احتمالاً به سهولت خسته می شود و احتمالاً از وضع جسمی نیز ناراحتیهایی خواهد داشت. به هرحال ت/۱ مستقل، خود محور و غیر احساساتی است. سرسختی او با کمی غرور آمیخته و احتمالاً بیشتر از آن قدر که می خواهد منفی باف به نظر می رسد. او با خصومت نهفته فراوانی عمل می کند، خصومتی که اغلب به صورت عبارات طعنه آمیز و نیشدار نمایان می شود.

۴ ت/۱ در اجتماع فعال و پراراده است، به دنبال رابطه اجتماعی است (و به آن احتیاج دارد) و

باید در تحرک و یا اختلاط یا رشد در زمینه یا فرهنگ آشنای خود موفق باشد. با این وجود قادر نیست در اوضاع اجتماعی ناآشنا خوب عمل کند، چون اسلوب وی نسبتا انعطاف ناپذیر یا یکنواخت است. به این دلیل نباید او را خیلی آب زیرکاه دانست چون می توان (ذهن) او را تقریبا خوب «خواند».

ت/۱ قطعا می تواند در دروغ گویی قدری موفقیت داشته باشد، اما به نظر نمی رسد که خود را همچون مبتلایان به مرض دروغگویی بزرگ جلوه دهد.

۵ او میل به غلو اهمیت فردی و لیاقت خود خواهد داشت و بزرگترین خطر این خواهد بود که او نخوت و اعتماد به نفس خود را تحت انقیاد کافی نگاه ندارد. بدبینی و تنفر درست پشت ظاهرش قرار دارند و هنگامی که ت/۱ احساس کند که تحقیر شده یا او را دست کم گرفته اند یا او را تنها گذارده اند کینه توزی نهایی وی نمایان می شود. بنابراین او از آن نوع افرادی است که فقط با یک موقعیت آشنای خود تطابق می یابند و ظاهرا قادر به کار خوب در چنین شرایطی هستند.

۶ ت/۱ باید برای آزمایش دروغ سنجی موضوع مناسبی باشد. یعنی او کسی است که واکنش نشان می دهد و باید آزمایش او معتبر محسوب شود.

۷ ت/۱ از نظر فنی قابل تعلیم است. او استعداد کسب فوری یک مهارت طبیعی در یک فن یا شیوه را ندارد، اما بسیار مصمم است که دقیق باشد و بنابراین یاد خواهد گرفت. او باید یک شیوه را آن قدر تمرین کند تا تقریبا عادتش شود.

۸ فرمول جی. ب. مینیمم:(L (O C PLUS U PLUS FOC C PLUS C MINUS E.

۹ پرونده: ۹۶۲۶۸۳۲۰۱ تا تاریخ ۱۹ شهریور در بایگانی ضبط شود.

سند شماره (۹)

۱۹ شهریور ۵۸ اعضاءسری

از: رم ۷۷۷۴۹به: فوری به رئیس

رونوشت فوری برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. تندرا

عطف به: الف رئیس ۵۰۸۰۵۰، ب تهران ۵۴۱۴۱، ج رئیس ۵۰۸۶۱۶، د رم ۷۷۶۵۴

۱ در ۱۶ شهریور اطلاعات اس. دی. تندرا (ت/۱) درباره موضوعات مندرج در تلگرام مرجع الف تخلیه شد که نتایج آن جداگانه ارسال می شود. همچنین مرور کاملی بر سابقه نظامی ت/۱ و نتایج آزمایش ج. ب. مینیمم جداگانه ارسال می شود.

۲ روز دوم صحبت با ت/۱ امکان داد که بین مأمور مربوطه و ت/۱ نوعی رابطه برقرار گردد و طی آن مدت ت/۱ حالش بهتر به نظر می رسید. همان طور که می توان از جوابهای ت/۱ به تخلیه اطلاعاتی فهمید او به طور خاصی از حرفه نظامی یا سایر جزئیات مخصوص نظامی اطلاع ندارد. او تقریبا ده سال را در کار امنیتی با یک سازمان ویژه وابسته به وزارت دفاع گذرانده و هیچ گاه فرماندهی عملیاتی در دست نداشته است. به نظر می رسد که ارزش ت/۱ احتمالاً در آن باشد که اکنون افسری است ارشد که اخیرا در دانشکده ستاد بوده و باید تا حدی اکثر افسران ارتش ایران بین درجه سرهنگ دومی و سرتیپی را که الان وضعشان دچار اشکال نیست و هسته رهبری ارتش ایران

در آینده خواهند بود بشناسد. به این ترتیب او باید مقامی را داشته باشد که درباره طرحها و طراحان و علل آنها به سیا اطلاع بدهد. مثلاً ت/۱ گفت رئیس جدید سازمان صنایع نظامی، سرتیپ علی اصغر انتقامی که اوائل شهریور به این سمت منصوب شده دوست نزدیک اوست.

۲ طی صحبتی که یک روز به درازا کشید ت/ا دائم تنفر خود را از «ملاها» اظهار کرد و می گفت که مسئولیتهای افسران ارتش این است که ایران را از وضع فلاکت باری که الان دارد نجات دهند. او گفت که او و افسران ارشد همکارش صبورانه نشسته اند و خمینی را نظاره می کنند که «قبر خود را می کند» و قبل از اقدام به هر عمل، منتظر زمانی هستند که اکثریت مردم وضع جاری را به حد کافی تجربه کنند. ت/ا گفت با اینکه از اذعان به این نکته نفرت دارد اما «۷۰۶۰ درصد ایرانیها یکپارچه احمقند» و با ترکیب شور دینی و هیجان ضد شاهی از خود بیخود شده اند و از ندای خمینی برای تشکیل یک جمهوری دینی حمایت کرده اند. ت/ا معتقد است که تمام اینها در قبال فاجعه اقتصادی ناشی از سقوط حاکمیت مرکزی ایران قابل ذکر نیستند و معتقد است که تنها ارتش، تشکیلات و وفاداری فردی لازم برای جان به در بردن از این سقوط را خواهد داشت و موقعیتی را دارا خواهد بود که کشور را به سوی یک دولت دموکراتیک تر و مسئول تر سوق دهد. ت/ا اظهار داشت که شاه هرگز بازنخواهد گشت، اما «ملاها باید بروند». او پیش بینی کرد که در جریان حذف خمینی «هزاران نفر خواهند مرد»، اما این برای تجدید حیات ایران قیمت قابل قبولی خواهد بود.

۳ چندین بار در خلال روز، ت/ا با نگرانی از مأمور مربوطه پرسید آیا خواهد توانست «تعلیمات» را شروع کند یا نه. ت/ا گفت که او و دوست نزدیکش (فرد مورد اشاره پاراگراف ۴ تلگرام مرجع) با یکدیگر تصمیم گرفته بودند که «با آمریکاییها تماس بگیرند» و ت/ا می خواهد اطمینان یابد که وقت کافی برای آموزش جهت ادامه تماس با آمریکاییها «در تهران» خواهد داشت. ت/ا گفت که

کاملاً آگاه است که تماس برای همکاری آتی بین خود و دولت آمریکا تنها در تهران صورت پذیر است، چون کار و زندگیش در آنجاست» اما او می خواهد که تماسش با ایمنی باشد و این آموزش او را ایجاب می کند. او از اینکه وقت را تلف می کنیم ابراز نگرانی کرد. به ت/ا گفته شد که او باید مورد تأیید قرار بگیرد و با در نظر داشتن تخصص امنیتی خود باید این را درک کند و تا هنگامی که این انجام نپذیرفته هیچ چیز شروع نخواهد شد، این فرصت به مأمور مربوطه امکان داد که آزمایش جی. بی. مینیمم و امتحان دروغ سنجی را که ۱۹ شهریور در نظر گرفته شده مطرح کند. ت/ا موافقت تام خود را با آزمایشها ابراز داشت و متعاقباً آزمایش جی. بی. مینیمم را توسط کیتوک مأمور ای. زی. ویزارد گذراند. به ت/ا گفته شد که اگر تمام آزمایشها مثبت باشند، آموزش او از ۲۰ شهریور آغاز خواهد شد. و با این حساب وقت کافی برای آموزش مناسب او موجود خواهد بود. طی این صحبت، ت/ا «به عنوان یک دوست» پرسید آیا به نظر مأمور مربوطه «شما» (یعنی سیا) می خواهد با او کار کند. مأمور مربوطه جواب داد «ما» حقیقتا خیلی خوشحال هستیم از اینکه فرصت صحبت با ت/ا را پیدا کرده ایم و اگر آزمایشها به خوبی انجام شوند ما به احتمال قوی مایل به کار کردن با او خواهیم بود. ت/ا آمادگی خود را برای گذراندن هرگونه آزمایش و تمام آنها اظهار داشت تا صداقت خود را به اثبات رساند و خوشحالی خود را از تماس با آمریکاییها دوباره اعلام کرد.

۴ از دیدگاه ما ت/ا نسبتا خوب به نظر می آید و اگر ت/ا در آزمایش دروغ سنجی مردود شود ما

متعجب خواهیم شد، تصور می کنیم که اکنون زمان آماده کردن خود برای پنج روز پر مشغله قبل از موعد بازگشت ت/ا به تهران فرا رسیده است، به شرط اینکه مخاطبین هم تأیید کنند که ت/ا شایسته استخدام نهایی است. قرارگاه رم می تواند همان طور که در تلگرام مرجع ب گفته شده در زمینه گزارش نویسی و شیوه های ارتباطی آموزش مقدماتی در اختیار ت/ا قرار دهد. به هر حال تجربه ما در آموزش عوامل دیگر نشان می دهد که تقریبا لازمست پیش از اعزام عامل یک نفر از قرارگاه ذینفع درباره محلهای تماس عملیاتی در شهر با عامل بحث کند تا برقراری رابطه به تماسی کور با یک مأمور سیا در شرایطی سخت تبدیل نشود. تصور می شود که اگر شایستگی ت/ا مورد توافق باشد مأموری عملیاتی از تهران یا حداقل آشنا با محیط تهران ترتیب یک مسافرت موقت را به رم بدهد تا با ت/ا مذاکره نماید و امکان کار دو طرف برای پیدا کردن نقاط تماس مطمئن و متناسب با اوضاع پیش آید (ما قویاً توصیه می کنیم همان مأمور مربوطه تهران که کار ت/ا را به دست خواهد گرفت، این مسافرت را انجام دهد، هرچند که ممکن است این به دلیل عوامل دیگری که رم از آنها اطلاع ندارد امکان پذیر نباشد)، همچنین با پیشنهاد مندرج در تلگرام مرجع الف موافقت می شود که نویکوفسکی کارمند میز ایران یک مسافرت یک هفته ای در حدود ۱۹ الی ۲۴ شهریور به رم نماید تا با ت/ا کار کند. کمک او خصوصا در زمینه فنون گزارش دهی کمک پرارجی در جهت دادن آموزش ت/ا است، به نحوی که دقیقا متناسب با واقعیات ایران باشد، چیزی که مأموران قرارگاه رم با آن آشنا نیستند.

۵ در تلگرام مرجع ب ما هیچ ذکری از آموزش ت/ا در زمینه مخفی نویسی مشاهده نکردیم. یک بار دیگر سؤال می شود آیا مخاطبین نمی خواهند که حضور ت/ا در رم را مغتنم دانسته و غیر از آموزش تماس حضوری در تهران (سایر) طرق ارتباطات مطمئن با سیا را به ت/ا آموزش دهند، چون تماس حضوری دستخوش عوامل ظریف بسیاری و از همه مهمتر حضور خود ت/ا در تهران است. او

پیش بینی می کند که مقامی در تهران به او داده شود، اما ما هیچ تضمینی در دست نداریم که عملاً اینطور شود. اگر ت/ا (آموزش) مخفی نویسی داشته باشد، حداقل می تواند به هرکجا که فرستاده شود با سیا ارتباط داشته باشد. تا آنکه در یک تاریخ دیرتر بتوان تماس حضوری برقرار نمود. چون گرفتن تأییدیه برای (آموزش) مخفی نویسی ضروری خواهد بود، لطفاً اطلاع دهید آیا این آموزش مورد نظر است.

۶ پرونده ۹۶۲۶۸۳ ۲۰۱ تا تاریخ ۱۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.سری

سند شماره (۱۰)

۱۹ شهریور ۵۸ اعضاء سری

از: رم ۷۷۷۵۰به: فوری به رئیس

رونوشت، فوری برای تهران

هشدار: شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. تندرا

عطف به: الف رم ۷۷۷۴۹ ب رئیس ۵۰۸۰۵۰

۱ پیرو تلگرام مرجع ب نتایج تخلیه اطلاعاتی اس. دی. تندرا/ا در ۱۶ شهریور به شرح زیر می آید تمام جوابها در رابطه با پاراگرافهای تلگرام مرجع ب می باشند. در مواقعی که لازم بوده

توضیحات ت/ا در پرانتزها اضافه شده است:

الف ت/ا اطلاعی درباره زیردریاییهای آلمانی یا ناوچه های هلندی نداشت. او اظهار داشت که با شروع سقوط شاه فعالیت سازمانش متوقف شد (مثل اینکه کلیدش را خاموش کرده باشند) و از اسفند ۱۳۵۷ در ادارات چیزی که بتوان نام کار واقعی روی آن گذاشت جریان نداشته است. سفارشهای جاری هنوز مثل آب باریکه می آیند. اما اینها اقلامی بوده اند که پیش از خاتمه حکومت شاه قراردادشان بسته شده بود. تا آنجا که ت/ا اطلاع داشت، در سازمان وی هنوز کاری از سر گرفته نشده اگرچه از آبان ۱۳۵۷ قدری تماسش با آنجا قطع بوده است (ت/ا توضیح داد که کار وی اطلاع از امور جاری سازمان خود نیست زیرا فقط مسئولیت جوانب امنیتی فعالیت آن سازمان بر عهده اوست. او از سابقه هرکس در سازمان اطلاع دارد، اما لزوماً نمی داند که همه آنها چه می کنند. او اظهار داشت که مراتب شغلی تقریبا خوب رعایت می شوند. او فکر می کند که می تواند چیزهای بسیار بیشتری درباره سازمانش بداند، اگر این چیزی است که ما می خواهیم، چون یکی از بهترین دوستانش اخیراً مسئول کل سازمان شده است).

ب ت/ا از (آرایشهای رزمی م) چندان اطلاع نداشت. او گفت که به طور کلی وضع نگهداری تجهیزات در ارتش ضعیف است و بسیاری از تجهیزات گرانقیمت بخشهای مختلف ارتش در اکثر اوقات به کار گرفته نشده اند و در این دوره از ارتش، او می ترسد اوضاع بسیار بدتر باشد، روحیه (ارتش) پیش از سقوط شاه خوب بود. ت/ا تخمین زد که در آن موقع ۹۵ درصد ارتشیها راضی بودند و از آن مهمتر نسبت به وظایف و مراتب خود «مسئول» بودند. حالا عوض شده اند و تخمین زد که فقط ۲۵ درصد از کادر وظیفه هنوز مشغول خدمت هستند و اکثراً یا ترک خدمت کرده اند یا به صفوف پاسداران انقلاب پیوسته اند، یا آنکه خیلی ساده به خانه های خود رفته اند. درجه داران و رده های بالاتر

آنها سر خدمت هستند اکثراً به این لحاظ که به حقوق احتیاج دارند این به شعبات فنی ارتش مثل واحدهای تجهیزات مکانیکی و نیروی هوایی امکان می دهد تا حدی فعال باشند، چون درجه داران هنوز در مشاغل خود هستند، روحیه ها خراب است. اما هیچ کس نمی داند چه باید بکند، بنابراین کار در حال حاضر با نیروی محرکه خودش جلو می رود.

ج ت/ا درباره مقدورات و مقاصد عراقیها چیزی نداشت که بگوید. او درباره خط مشی فعلی ایران در قبال عراقیها چیزی نمی دانست، اما گفت «چنین چیزی وجود ندارد».

د تنها خبری که وی درباره مناسبات بین ایران و دولت ایران (احتمالاً منظور دولت آمریکا بوده است م) داشت خبر آموزش ۳۰ کارآموز سازمان صنایع نظامی در آلمان غربی بود. کارآموزان دوره فنون و تشکیلات صنعتی می بینند و قرار شده در اواخر سال ۱۹۷۹ به ایران بازگردند. تا آنجا که ت/ا می داند این آموزش با وقوع انقلاب قطع نشده است و هیچ یک از کارآموزان فرا خوانده نشده اند. ت/ا نمی تواند بگوید پس از بازگشت گروه تعلیمی فعلی باز هم آموزش در آنجا از سر گرفته می شود.

ه ت/ا در مورد این مسئله بسیار احساساتی شد و چندین بار اظهار داشت که سپاهیان انقلاب چیزی نیستند جز «تازه کارهای جوانی» که با سلاحهای ارتشی (که از انبارهای ارتش دزدیده بودند) مسلح شده اند. ت/ا فکر می کند که این گروهها بسیار بی نظم و فاقد توانایی رزمی حقیقی می باشند (ت/ا اظهار داشت که یک «تیپ خوب و وفادار از سربازان ارتش می تواند تمام کشور را در دست

بگیرد»، او افزود که دیگر «تیپ خوب» باقی نمانده، چون تمام افراد وظیفه فرار کرده اند، اما این به مرور زمان درست خواهد شد، ت/ا گفت که آن قدر در رابطه با پرسنل سپاه انقلاب که به یکدیگر تیراندازی کرده اند حادثه بوده که دستور داده شد، سلاحها را آزمایش کرده و خالی نگهدارند و خشابهای سلاحهای نیمه اتوماتیک را بیرون بکشند، اما این دستور چندان موفقیت نداشته است. این قدری به دلیل این است که «نیروها» دوست دارند گاهگاهی شلیک کنند، چون خوششان می آید.)

هنگامی که درباره بسیج ارتش علیه کردها سؤال شد، ت/ا جواب داد که اینها اکثراً درجه داران و رده های بالاتر از ارتش هستند که هنوز به دستورها جواب می دهند و به «پاسداران انقلاب» مربوط نمی شود. ت/ا فکر می کرد که گروههای مسلح کمونیستی لزوماً شبیه پاسداران انقلاب نیستند، چونکه آنها حرفه ای ترند و از نوعی انضباط برخوردارند. وی پیش بینی کرد که اینها همان گروهی خواهند بود که بعد از به قدرت رسیدن ارتش در آینده باید نابود شوند.

و این قسمت تخلیه اطلاعاتی به تأخیر افتاد تا ت/ا قدری خود را در منزل آماده کند. «مسئله افسران نظامی شایسته» مسئله ای بود که بسیار ت/ا را بخود جلب کرد و پیشنهاد شد که در چند روز آینده مقداری از ایده های خود درباره این مسئله را مرور کند و توجه به یک مذاکره عمیقتر داشته باشد درباره اینکه چه کسی یک افسر «خوب» است و چه کسی نیست. همان طور که در تلگرام مرجع گفته شد. این زمینه ای است که شاید ت/ا در آن بهترین فایده را داشته باشد، اما کمی کار دارد که ت/ا جواب خود را به نحوی مرتب کند که شامل تمام افسران «خوب» بشود، نه فقط دوستانش. این مسئله بعداً در ملاقاتهای آتی با ت/ا با عمق بیشتری جواب داده خواهد شد.

۲ پرونده: ۹۶۲۶۸۳ ۲۰۱، تا تاریخ ۱۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.سری

سند شماره (۱۱)

۱۹ شهریور ۵۸ اعضاءسری

از: رم ۷۷۷۵۱به: فوری به رئیس

رونوشت فوری برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. تندرا

عطف به: رم ۷۷۷۴۹

۱ سوابق حرفه ای سرهنگ هاشم کامبخش که در ۱۶ شهریور اخذ شد به شرح زیر می باشد:

تاریخ و محل تولد: ۳ دی ۱۳۱۴، تهران، ایران.

۱۳۳۳ با رتبه ستوان دومی از «وست پوینت» ارتش ایران فارغ التحصیل شد. مأمور به خدمت در لشکر سوم، هنگ هفتم، در مراغه از توابع آذربایجان. مأمور به آموزش تاکتیکهای پیاده. پس از شش ماه در امتحان انگلیسی نفر اول و مأمور به خدمت در مدرسه زبان انگلیسی تهران شد. این دوره ۲۴ هفته طول کشید. پس از آن به لشکر سوم بازگشت.

۱۳۳۵ دوباره مأمور به گروه مستشاری، سپاه دوم در زنجان از توابع آذربایجان شد. یکی از وظایفش خدمت به عنوان افسر رابط با افسران مستشاری آمریکا بود که مشارالیه را برای آموزش زبان در آمریکا توصیه کردند.

اواخر ۳۸ ۱۳۳۹ برای آموزش در نیروی مخصوص و جنگ روانی به فورت پراگ در آمریکا فرستاده شد. با مراجعت به ایران، مأمور به خدمت در سپاه یکم، تیپ یکم، تهران به عنوان افسر آموزش و همچنین خدمت در بخش اطلاعات (رکن ۲) شد. افسر رابط افراد مستشاری آمریکا بود.

۱۳۴۱ به ستوان یکمی ترفیع یافت.

۱۳۴۲ به مرکز پیاده شیراز منتقل شد و هنوز جمعی تیپ یکم بود. مسئول برنامه های تدریس و آموزشی شد. در امتحانات نیروی هوایی قبول شد.

۱۳۴۲ برای آموزش هلیکوپتر به پایگاه هوایی لاکلند واقع در سن آنتونیو تگزاس اعزام شد. برنامه را تکمیل نکرد و دوره مدرسه زبان را به اتمام رساند. هشت ماه در آنجا ماند. پس از بازگشت به ایران مأمور به خدمت در لشگر هفتم، مشهد، خراسان شد و در آنجا مسئول آموزش در رکن ۲ بود.

۱۳۴۳ به درجه سروانی ترفیع یافت (در شهریور).

۱۳۴۴ برای آموزش اصول ضد اطلاعات مأمور به خدمت در ضد اطلاعات ارتش در تهران شد. با تکمیل دوره، فوراً به شغل قبلی مأمور نشد، بلکه در مرکز ضد اطلاعات ماند و در بخش امنیت امور درخواست های تأییدیه را مدت حدوداً یک سال به دست داشت.

۱۳۴۷ برای دوره مدیریت اطلاعات به فورت هولابرد، مریلند اعزام شد که ۱۶ هفته طول کشید. با تکمیل دوره، به ایران بازگشت و در آنجا دوباره مأمور به خدمت در مرکز ضد اطلاعات شد و درخواستهای تأییدیه را در دست داشت.

۱۳۴۸ مأمور به خدمت در گروه عملیات، ستاد بزرگ، بخش طرحها شد.

۱۳۵۰ به سرگردی ترفیع یافت و دوباره مأمور به خدمت در سازمان صنایع نظامی بخش امنیت شد. کارش در رابطه با تأییدهای داوطلبان استخدامی غیر نظامی بود و بر تماسهای کارکنان نظامی و

غیر نظامی با بیگانگان، دزدی، خرابکاری، تحقیقات شناسایی و واحد نیروی حفاظت نظارت می کرد.

۱۳۵۳ ۱۳۵۲ به واسطه قابلیت در تکلم و نوشتن انگلیسی، مشارالیه مأموریت یافت که همراه با

نیروی اعزامی ایران به ویتنام جزو اولین گروه فرماندهی بین المللی کنترل و نظارت باشد. هشت ماه در

ویتنام ماند و از دولت ایران مدال گرفت. پس از ویتنام به شغل قبلی خود در بخش امنیتی سازمان

صنایع نظامی بازگشت، در شغل خود در صنایع نظامی تا اواسط ۱۳۵۷ ماند.

۱۳۵۳ به سرهنگ دومی ترفیع یافت.

۱۳۵۶ به سرهنگی ترفیع یافت (شهریور).

۱۳۵۷ برای شرکت در سمینار افسران ارشد به مدت ده ماه مأمور به دانشکده ستاد نیروی هوایی

شد و در اواخر مرداد ۱۳۵۷ دانشکده را تمام کرد.

۲ مسافرت: علاوه بر مأموریتهای نظامی به آمریکا در سالهای ۳۹ ۱۳۳۸، ۱۳۴۲، ۱۳۴۷ وی

به عنوان توریست در سال ۱۳۵۶ از کالیفرنیا آمریکا دیدن کرد. مشارالیه چند روز نیز در پاریس،

فرانکفورت و لندن طی این مسافرتها گذرانده است همراه با همسر و سه فرزندش در شهریور ۱۳۵۸

به رم،ایتالیا رفت.

۳ پرونده: ۹۶۲۶۸۳ ۲۰۱ تا تاریخ ۱۷ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.سری

سند شماره (۱۲)

۱۹ شهریور ۵۸ اعضاء سری

از: رئیس ۵۱۰۵۶۰

به: فوری به بن رونوشت، برای آلمان، رم، تهران، بخش خارجی / سانفرانسیسکو

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است اس. دی. تندرا

عطف به: الف بن ۸۴۳۵۴ (به رم فرستاده نشد / لازم نبود)، ب رم ۷۷۷۴۹ (به بن، آلمان فرستاده نشد)

۱ شرط موافقت... از نویکوفسکی درخواست می شود به محض... کار در آلمان با مأموریت موقت به رم برود تا در... اس. دی. تندرا/۱ که جدیداً مطرح شده یاری نماید. نویکوفسکی باید بعد از آن مستقیماً به ایالات متحده بازگردد.

۲ برای بن: اس. دی. تندرا/۱ افسری است از ارتش ایران که داوطلب همکاری شده و رم او را برای بازگشت به تهران و شروع کار... عامل مخفی... می کند. او مراحل نهایی آزمایش و آموزش را طی می کند. نویکوفسکی می تواند در زمینه ارائه آگاهی های لازم در منطقه مساعدت کند و ارزیابی دیگری از استعداد این مورد کاری به عمل آورد. تمام مکاتبات سابقه در رم موجودند.

۳ برای رم: اس. دی. تندرا/۱ به نحو عجیبی مشتاق تماس در تهران است. این امکان را می خواهیم مطرح کنیم که شاید ما را وامی دارد (حضور احتمالاً م) سیا را برملا سازیم. لطفاً توجه خاصی به این... امنیتی مبذول دارید... مذاکرات بعدی و آزمایش دروغ سنجی آتی...

۴ اعلام نظر راجع به آموزش مخفی نویس را به... واگذار می کنیم. به فرض تخفیف... امنیتی فوق الذکر، ستاد مرکزی هم موافق است که این ذخیره مفیدی خواهد بود.

۵ پرونده: ۹۶۲۶۸۳ ۲۰۱، تا تاریخ ۱۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری سری

سند شماره (۱۳)

۱۹ شهریور ۵۸ اعضاءسری

از: رم ۷۷۷۶۹به: فوری به رئیس

رونوشت فوری برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. تندرا

عطف به: رم ۷۷۷۴۹

۱ پیرو تلگرام مرجع، اس. دی. تندرا/ا (ت/ا) در ۱۹ شهریور هنگام ظهر با قرارگاه تماس گرفت و درخواست کرد گفتگوی کوتاهی در سفارتخانه داشته باشد. ت/ا همراه با خانواده اش در ساعت ۰۰/۱۶ به سفارتخانه آمدند و در آنجا آناکلاریو و ت/ا مدت سی دقیقه در اتاق پذیرایی از مهمانهای غیر دعوتی با هم صحبت کردند.

۲ در گفتگو، ت/ا توضیح داد آن جلسه طولانی که با مأمور مربوطه و مأمور ای. زی. ویزارد روز جمعه داشت موجب ناراحتی عمیق همسرش شده بود، چون در هتل با فرزندان تنها مانده بود. از آنجایی که خانواده وی فقط فارسی می دانند و برای برقراری ارتباط با ایتالیائیها کاملاً به ت/ا وابسته

هستند، غیبت وی باعث شد همسرش از فرط ترس و تحریک عصبی ناشی از تنها ماندن تقریبا ناراحتی جسمی پیدا کند. به طوری که ت/ا می گوید، هنگامی که از ملاقات با مأمور مربوطه در روز جمعه به هتل بازگشت (این ملاقات همراه با نهار هفت ساعت طول کشید)، بین او و همسرش صحنه تأثرآوری روی داد و ت/ا فکر نمی کند که صلاح باشد در بقیه ایام تعطیلی خود دوباره از این غیبتها با همسرش داشته باشد.

۳ مأمور مربوطه بیهوده استدلال کرد که این موجب می شود که قرار گذاشتن و کار جدی بین ت/ا و مأمور مربوطه برای تماس در ایران فوق العاده مشکل شود، زیرا طرح ریزی برای تماس در تهران به سختی امکان پذیر است. ت/ا گفت که این آنقدرها هم مشکل نیست، چون او شماره تلفن و نشانی منزل خود در تهران را خواهد داد و می توان با تلفن با او تماس گرفت و کسی هم می تواند به منزل او بیاید و در آنجا با او ملاقات کند. ت/ا دوباره وارد یک سخنرانی در این خصوص شده که او چقدر آمریکا را تحسین می کند و می خواهد به «دوستان نزدیک» خود کمک کند. بعد او جهت و میل دیگری پیدا کرد که این احتمالاً منعکس کننده احساسات درونی او بود. او گفت که نمی خواهد یک «عامل» باشد و همه چیز را درباره «مأموران مربوطه عوامل» می داند و می خواهد روشن کند که فقط به این دلیل با آمریکاییها «همکاری» می کند که این کار به نفع کشورش است و او هیچ گاه یک عامل نخواهد شد.

۴ مکالمه مدت چند دقیقه دیگر به این روال ادامه یافت و مأمور مربوطه سعی می کرد ت/ا را ترغیب کند در هفته چند ساعت با او کار کند و ت/ا سر تصمیم خود بود که همسر و فرزندانش را تنها نگذارد. هنگامی که مأمور مربوطه پیشنهاد کرد او در جمعه شب **۲۳** شهریور میزبان شام ت/ا و خانواده اش باشد و در آن موقع امکان پذیر است که تحت عنوان گفتگوی اجتماعی درباره تماس

احتمالی در تهران صحبت کرد. از آنجایی که هیچ یک از افراد خانواده انگلیسی نمی داند، می توان در حضور خانواده گفتگو کرد. ت/۱ این فکر را پذیرفت و برای صرف شام در آن موقع موافقت کرد.

۵ درست پیش از مراجعت به اتاق پذیرایی سفارتخانه که خانواده اش در آن منتظر وی بودند، ت/۱ مأمور مربوطه را متوقف کرد تا بپرسد اگر برای آمریکاییها کار کند «مزایایش چه خواهد بود» مأمور مربوطه جواب داد که این چیزی است که باید به تفصیل درباره اش مذاکره شود، اما مشخص کردن آن در مدت کوتاهی که ما باید با ت/۱ در رم گفتگو کنیم غیرممکن است. ت/۱ گفت می توان مسئله را تا هنگام ملاقات با رابطش در تهران کنار گذارد.

۶ گفتن ندارد که قرارگاه با مشاهده جریان رویدادها قدری دلسرد شده است. مطمئنا به نظر نمی رسد که ت/۱ همان قدر باهوش و صادق باشد که در ابتدای امر چهار روز پیش نشان می داد. اما حکم کردن درباره او در این موقعیت مشکل است. چون ما فقط مدت کوتاهی با او تماس داشته ایم. کنترل نداشتن او بر زنش چندان قابل توجیه نیست (همسرش از آن زنهای پهن و چاق و بی جذبه است). وضع مالی همسر ت/۱ شاید بهتر از خودش باشد، چون می گوید که یک مرسدس بنز و یک استخر شنا در منزل دارد و به این ترتیب می تواند روی شوهرش احاطه داشته باشد. شاید هم ت/۱ در طول هفته درباره آزمایش دروغ سنجی خود فکر کرده و به این نتیجه رسیده که نمی خواهد چنین چیزی را تجربه کند.

۷ در رابطه با این تحولات، قرارگاه دیگر نمی تواند آن امیدواری که قبلاً نسبت به استعداد ت/ا داشت داشته باشد. به این ترتیب ما باید تصمیم گیری در مورد اقدامات بیشتر در این قضیه را به مخاطبین این تلگرام واگذار کنیم. در صورتی که تشخیص داده شد که فایده دارد، نویکوفسکی هنوز می تواند به رم بیاید و در شام جمعه شب شرکت کند و ت/ا را ببیند. با توجه به شرایط، معرفی ت/ا به مأمور قرارگاه تهران در این موقع به نظر نمی آید که مصلحت باشد. به هر صورت سعی خواهیم کرد که نشانی و شماره تلفن ت/ا در تهران را برای تماس احتمالی بگیریم و بعد بگذاریم او و زن (بی اطلاعش) و خانواده در ۲۵ شهریور به ایران بازگردند.

۸ پرونده: ۹۶۲۶۸۳ ۲۰۱، تا تاریخ ۱۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.سری

سند شماره (۱۴)

۱۹ شهریور ۵۸ اعضاءسری

از: رئیس ۵۱۰۶۹۴به: فوری به بن، رونوشت فوری برای آلمان، رم، تهران.

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. تندرا

عطف به: رم ۷۷۷۶۹ (به بن، آلمان فرستاده نشد/ لازم نبود)

۱ با توجه به تلگرام مرجع، نویکوفسکی الان نباید برای مأموریت موقت به رم برای قضیه اس. دی. تندرا/ا طرح ریزی کند.

۲ برای رم: از بابت رویدادهای اخیر در این قضیه متأسفیم، اما فکر می کنیم که برخورد ماهرانه شما اینک مانع گردیده که ما تا آخر باغ سبزی کشیده شویم که یک داوطلب به ما نشان داده است. داوطلبی که به انگیزه هایش حالا باید بدیده تردید فراوان نگریست. رفتار ت/ا بسیار قابل تردید و به احتمال زیاد ترس از آزمایش دروغ سنجی علت آن است. با طرحهای قرارگاه برای شام ۲۳ شهریور و

گرفتن شماره تلفن و نشانی ت/ا در تهران موافقت می شود.

۳ پرونده: ۲۰۱ ۹۶۲۶۸۳، تا تاریخ ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سری سری

سند شماره (۱۵)

سری: ۲۸ شهریور ۵۸ اعضاء

از: رم ۷۷۷۹۸۷به: رئیس، رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. تندرا

عطف به: الف رم ۷۷۷۶۹، ب رئیس ۵۱۰۶۹۴

۱ پیرو تلگرام مرجع الف، در شب ۲۳ شهریور اس. دی. تندرا/ا (ت/ا) و خانواده اش در یک مهمانی شام توسط آناکلاریو پذیرایی شدند. آن شب خیلی بی دردسر گذشت و ت/ا کار ترجمه را به عهده گرفته بود و با توجه به موانع زبانی، خانواده خیلی خوب و مؤدبش فوق العاده دلپذیر و خوشایند بودند. معلوم شد که همسر ت/ا فردی خیلی جذاب است و آشکار بود که ت/ا از خانواده اش خصوصا پسرش بسیار احساس سرفرازی می کرد.

۲ مأمور مربوطه اینک که به گذشته می نگرد از مهلت خیلی کوتاهی که برای کار کردن با ت/ا

داشتیم تأسف می خورد، چون اگر وقت کافی داشتیم تا او را به آرامی به سمت نقطه نظر مطلوب سوق دهیم چندان شکی نیست که ممکن بود به نحوی قبول کند که عامل ما شود. به نظر می رسید که روحیه «مسئولیت پذیری» او با واقعیات تخلیه اطلاعاتی و قرار گرفتن تحت آزمایش جی. بی مینیمم و دروغ سنجی منطبق نبود. ظاهرا فکر می کرد می تواند فردی باشد که فروش سلاحهای آمریکایی به ارتش دولت جدید ایران را پیش ببرد و از آنجا خود را در عایدی آن سهیم کند. در عین حال آموزشی که در اطلاعات طی کرده بود به وی امکان داد که در این تماس منظور خود را با استفاده از اصطلاحات مخفی کاری بیان کند و این عمل به نوبه خود مأمور مربوطه اش را به اشتباه انداخت که امیدوارانه تصور می کرد فرصتی واقعی برای پرورش یک عامل پیش آمده است. اگر برای کار کردن با یکدیگر وقت بیشتری بود شاید ت/ا و مأمور مربوطه اش می توانستند به یک زمینه تفاهم دست یابند.

۳ ت/ا به دفعات اظهار تمایل کرد که نوعی تماس با سیا برقرار کند (در آن شب او اظهار داشت که می داند با کی سروکار دارد) و مأمور مربوطه توضیح داد که شاید بهتر باشد تا چند ماه آینده اوضاع به همین ترتیب بماند تا هیچ مشکل احتمالی پیش نیاید. مأمور مربوطه توضیح داد که از پیشنهاد مساعدت ت/ا بسیار قدردانی می شود و این مسئله به طور ویژه ای گزارش شده و در ستاد سیا به دقت روی آن بررسی می شود. در آینده او می تواند هر موقع که خواست با اطمینان خاطر با یک مأمور آمریکایی تماس بگیرد (چنان که در رم کرده بود) و سیا در جریان قرار خواهد گرفت و همکاری وی ممکن است به منظور احتمال بهره برداری مورد بررسی واقع شود. به علاوه ت/ا و مأمور مربوطه توافق کردند که با مکاتبه تماس خود را حفظ کنند و برای این کار از پسر نوجوان ت/ا به عنوان گیرنده نامه استفاده خواهد شد. ت/ا نام و نشانی پسرش (هویت الف) را در اختیار گذارد و مأمور مربوطه آدرس عملیاتی در رم (هویت ب) را داد. طرح از این قرار است که چند هفته بعد نامه ای ابتدا توسط

مأمور مربوطه فرستاده شود که علی الظاهر یک دوست جوان ایتالیایی پسر ت/ا فرستنده آن است و ت/ا جواب خود را به صورتی خواهد فرستاد که گویی پسری در جواب یک آشنای جوان ایتالیایی می نویسد. هر دو توافق داشتیم که این کار یک شیوه ارتباط بین ت/ا و مأمور مربوطه برقرار خواهد کرد که در آینده ممکن است مفید واقع شود.

۴ تشخیص لزوم نوشتن این نامه که مکاتبه را شروع می کند به گیرندگان این تلگرام واگذار می کنیم. به نظر ما حفظ نوعی رابطه با ت/ا مفید است تا ببینیم در ماههای آتی چه روی خواهد داد و در صورتی که گیرندگان این تلگرام در اصل آن موافقت داشته باشند، متن نامه را به منظور تأیید و اظهارنظر بیشتر پیش از ارسال خود نامه خدمتتان ارائه خواهیم نمود.

۵ پرونده: ۲۰۱ ۹۶۲۶۸۳ تا تاریخ ۲۸ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.سری

سند شماره (۱۶)

۲۸ شهریور ۵۸ اعضاءسری

از: رم ۷۷۹۸۸به: رئیس، رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. تندرا

عطف به: رم ۷۷۹۸۷

۱ هویت الف: شهریار کامبخش.

تهران سلطنت آباد میدان (اختیاریه کوچه م) شقایق شماره ۲۷ (تلفن ۲۴۸۲۴۸)

هویت ب: مارکو برناردینی

منطقه پستی کاسلا ۲۰؟ ۱۲

۰۰۱۳۶ رم ایتالیا

۲ پرونده: ۹۶۲۶۸۳ ۲۰۱ تا تاریخ ۲۸ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.سری

سند شماره (۱۷)

۲۹ شهریور ۵۸ اعضاءسری

از: تهران ۵۴۲۵۷به: رم، رونوشت برای رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. تندرا

عطف به: رم ۷۷۹۸۷

۱ تشخیص مصلحت استفاده از طرح پیشنهادی برای مبادله نامه ها را به ستاد مرکزی واگذار

می کنیم.

۲ ما توجه داریم که اس. دی. تندرا/ا در موقع انتخاب خود تشویق شده بود با دولت آمریکا

محرمانه تماس بگیرد. تردید داریم که بدون علائم از پیش تعیین شده بتوانیم با ایمنی تماس در تهران را شروع کنیم. پیشنهاد می شود بر این مبنا به او اطلاع داده شود.

۳ پرونده ۲۰۱ ۹۶۲۶۸۳ تا تاریخ ۲۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سری سری

سند شماره (۱۸)

۳۱ شهریور ۵۸ اعضاءسری

از: رئیس ۵۱۸۸۱۲به: رم، رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. تندرا

عطف به: رم ۷۷۹۸۷

۱ پیشنهاد می شود که قرارگاه برای پسر اس. دی. تندرا/ا در تهران نامه نفرستند. اگر ت/ا فکر می کند که در آینده می تواند خدمتی برای سیا انجام دهد، چنان که در تلگرام مرجع اشاره شده، می تواند در آن موقع از شیوه ای مثل آنکه در رم به کار گرفته برای تماس با ما استفاده کند، یا می تواند خودش مبادله نامه ها را شروع کند. کار روی این قضیه که در ابتدا دلگرم کننده می نمود توسط رم صورت گرفت و از این بابت تشکر می کنیم.

ص: ۳۸۱

۲ پرونده: ۹۶۲۶۸۳ ۲۰۱ تا تاریخ ۳۰ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سری سری

سند شماره (۱۹)

۳ مهر ۵۸ اعضاءسری

از: رم ۷۸۱۸۱به: رئیس، رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. تندرا

عطف به: رئیس ۵۱۸۸۱۲

۱ مطابق تذکرات تلگرام مرجع عمل خواهیم کرد. قرارگاه نظارت خود بر آدرس عملیاتی را همچنان ادامه خواهد داد و در صورتی که اس. دی. تندرا/ا (ت/ا) تماس مکاتبه ای را شروع کرد اطلاع خواهیم داد. یک سری تصویر ت/ا که از پاسپورتش برداشته شده همراه با یک تصویر جداگانه که او در اختیار آناکلاریو گذارد با T/Mفرستاده شد. این تصاویر به گیرندگان تلگرام ارسال می شوند تا هرجا که ت/ا دوباره پیدایش شد به طور مثبت شناسایی شود.

۲ پرونده: ۹۶۲۶۸۳ ۲۰۱ تا تاریخ ۳ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.سری

هوشنگ نهاوندی

نهاوندی که از عناصر اصلی رژیم شاه و گردانندگان حزب رستاخیز بوده است، برابر اسناد موجود در بحبوحه پیروزی انقلاب اسلامی دستگیر و بازجویی می شود، لیکن موفق به فرار از بازداشتگاه شده و در اطراف تهران و منطقه شمال کشور مخفی می گردد. وی در اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ از طریق کردستان به ترکیه گریخته است. او علیرغم تحصیل در فرانسه و سابقه فرانسویش همیشه در تماس با سفرای آمریکا بوده است.

در مرداد ۱۳۵۸ با وابسته فرهنگی سفارت آمریکا در فرانسه که سابقه دوستی داشته ملاقات و

ضمن ادعای اوجگیری مخالفتها بر علیه انقلاب از کردها به عنوان قویترین نیروی نظامی در کشور یاد می کند. وی پیش بینی می کند کودتایی توسط بعضی از امرای سابق ارتش و با پشتیبانی کردها ۶ تا ۸ هفته بعد به وقوع می پیوندد و اگر کودتا موفق نشود کمونیستها حاکم خواهند شد. وی اظهارنظر کرده که کردها احتمالاً از طرف اسرائیل و عربستان سعودی حمایت می شوند. یک هفته بعد در ملاقات دیگری نهاوندی می گوید از کودتای خاصی صحبت نمی کرده و یک سناریوی خیالی را مطرح نموده است. وی مجدداً بحث براندازی جمهوری اسلامی ایران را مطرح و زمینه های زیر را برای آن برمی شمرد:

۱ حمایت خارجی کشورهای اسرائیل، عربستان سعودی، اردن و مصر، البته وی اضافه می کند نیازی به دخالت خارجی نیست، ولی از طرف دیگر ارتش در پشتیبانی از هر نوع نهضت سیاسی ایران نیاز به چراغ سبز یا عدم چراغ قرمزِ خارج دارد.

۲ کردها و نارضایتی آقای شریعتمداری و هوادارن او.

۳ هواداران رژیم سابق در ارتش.

۴ حمایت آمریکا را جداگانه و در آخر با تأکید مطرح می کند.

مأمور آمریکایی سیاست عدم دخالت آمریکا در امور ایران را مطرح می کند که ریشه آن به خوبی در اسناد بعدی قابل ملاحظه است. سفارت آمریکا در تهران ضمن ارزیابی اظهارات نهاوندی وردتلویحی آنها وی را یک سیاستمدار فرصت طلب و یکی از چاپلوسترین افرادی که شاه را به طور گسترده در سالهای اخیر کمک کرده و به همین جهت مورد تنفرشدید همکاران خود و اکثر ایرانیان می باشد دانسته است و اضافه کرده است با توجه به این وضع، متمرکز شدن نیروهای مخالف رژیم در اطراف این شخص را بعید می بینیم.

در پاسخ به سؤال سفارت آمریکا در پاریس که آیا تماس با نهاوندی ادامه پیدا کند و سطح تماس چگونه باشد، یادداشتی ملاحظه می شود که اظهارنظر شده نظریات نهاوندی مزخرف است و پیشنهاد شده تماسهای آینده با وی در سطح سرایدار باشد! وزارت خارجه آمریکا نیز با توجه به سوابق نهاوندی نقش فرضی رهبری در ایران آتی را برای او منتفی دانسته و به سفارتخانه های خود توصیه می کند ضمن تماس با ایرانیهایی که در برابر شما خودنمایی می کنند، آنها را تشویق به امری نکنید و برای آمریکا دانستن فعالیتهای آنان حتی اگر آینده سیاسی چندان مثبتی نداشته باشند، ضروری است. نهاوندی بعداً اطلاع می دهد که قصد دارد برای دیدن شاه به مکزیک برود و او را در جریان تحرکات مخالفین قرار دهد، لیکن وزارت خارجه آمریکا در مورد نهاوندی تصریح می کند که تماس گاه به گاه با او را بلامانع می داند، لیکن علاقه مند نیست که در صحبت با او پیشقدم باشد.

سند شماره (۱)

تاریخ: ۱۰ ژانویه ۱۹۷۲ ۲۰ دی ۱۳۵۰سری

از: منابع کنترل شده آمریکایی

یادداشت برای: قسمت سیاسییادداشت ۱۱۶

موضوع: شهرت دکتر هوشنگ نهاوندی رئیس دانشگاه تهران در میان شیرازیها

اطلاعات زیر از یک منبع قابل اعتماد می باشد که برای اطلاع و استفاده شما نوشته شده و احتیاجی به ذکر و قید منابع کنترل شده آمریکایی نیست.

تا زمانی که نهاوندی به عنوان رئیس دانشگاه پهلوی شیراز شروع به استفاده از نیروهای ساواک در کاهش مشکلات دانشجویی نکرده بود، دانشجویان رفتاری معتدل و ملایم داشتند. سرکوبهای مستمر توسط ساواک نه تنها دانشجویان بلکه اولیاء آنها را نیز تندروتر کرده است. (اظهارنظر: گزارشهای قبلی حاکی از آن است که ساواک به نهاوندی گفته است که آنها وارد محوطه دانشگاه پهلوی خواهند شد). نهاوندی در دسامبر ۱۹۷۱، در نظر داشت که یک سخنرانی در دانشگاه قدیمی خودش در شیراز انجام دهد. به توسط خیلی از شیرازیها به او تذکر داده شد که برای ایراد سخنرانی تلاش نکند، ولی وی پندهای آنها را نادیده گرفته و به شیراز رفت. در حالی که نهاوندی صحبت می کرد عده ای از حضار سالمند آنقدر جنجال به راه انداختند که وی سخنرانی خود را نیمه تمام گذاشت و سالن را ترک کرد.سری

سند شماره (۲)

تاریخ: ۲۵ ژوئن ۱۹۷۸ ۴ تیر ۱۳۵۷سری

یادداشت سیا: ۲۲۸

برای: مشاور امور سیاسی

موضوع: هوشنگ نهاوندی

پرونده های سیا حاوی مطالب منفی زیر در رابطه با هوشنگ نهاوندی است که احتمالاً همان شخصی است که رئیس گروه بررسی مسائل ایرانیان می باشد.

۲۴ اوت ۱۹۵۴ دانشجوی رشته حقوق و عضو هیئت مدیره یک سازمان طرفدار مصدق در پاریس تحت عنوان اتحادیه دانشجویان ایرانی فرانسه بود که با حزب توده همکاری داشت.

۱۱ ژانویه ۱۹۵۵ دانشجوی رشته حقوق که در تاریخ ۱۳۱اکتبر ۱۹۵۴ در یکی از جلسات حزب توده که در منزل دوشیزه ای به نام خانلری در پاریس برگزار شده بود شرکت داشت. نهاوندی هوادار مصدق توصیف شده است.سری

سند شماره (۳)

تاریخ: ۳ مه ۱۹۷۹ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: تام فارل به: جان استمپل

پرونده نهاوندی

در تاریخ ۲ مه یک رفیق ایرانی، به نام رفیع جاوید، یک مقاطعه کار برق، به من گفت که آقای نهاوندی رئیس سابق دانشگاه تهران (و رئیس سابق دفتر شهبانو)، در حال ترک کشور (احتمالاً همان شب) به سوی اروپا می باشد و گفت که اعضای یکی از کمیته ها به وی کمک می کنند تا از کشور خارج

شود یا فرار کند.

نام نهاوندی در طول بحثی که بر سر اوضاع فعلی بعد از انقلاب داشتیم پیش آمده بود. جاوید درخواست کرده بود که من در اواخر ژانویه بین نهاوندی و سفیر ترتیب ملاقاتی را بدهم. به علت احساس ناامنی که نهاوندی دارد، ملاقاتی که وی با افراد سفارت می خواست داشته باشد، هرگز جامه عمل به خود نپوشید. من خوانده بودم که نهاوندی متهم و توسط دادگاه انقلاب محکوم شده و خیال می کردم که اعدام شده است، نتیجتاً داشتم به رفیقش جاوید تسلیت می گفتم. جاوید مدعی است که نهاوندی بلافاصله بعد از ۲۲ بهمن توسط افراد کمیته مورد بازجویی قرار گرفت، ولی وی موفق شد که از بازداشتگاه فرار کند و هفته های اخیر را در اطراف تهران نزد دوستانش به سر برده است. جاوید معتقد است که آخرین پناهگاه نهاوندی در منطقه دریای خزر بوده است.

به هر تقدیر، نهاوندی از ایران خارج شده است، یا به زودی خارج خواهد شد، اگرچه وی در لیست افراد تحت تعقیب است، ولی کمک افراد ناشناسی در کمیته قرار است که خروج وی را تضمین کند.

ص: ۳۸۴

سند شماره (۴)

تاریخ: ۳ اوت ۱۹۷۹ ۱۲ مرداد ۱۳۵۸سری

از: سفارت آمریکا در پاریسبه: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی

رونوشت به: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: وزیر اسبق وقوع یک کودتا را در ایران پیش بینی می کند

۱ (سری تمام مطلب)

۲ خلاصه مطلب: در ۲۸ ژوئیه (۶ مرداد) هوشنگ نهاوندی وزیر اسبق مسکن و شهرسازی اطلاع داد که احساس انزجار نسبت به رژیم فعلی افزایش یافته و ممکن است بدتر از اینها هم بشود. او از کردها به عنوان یکی از قوی ترین نیروهای نظامی در کشور یاد کرد و گفت نیروهای مسلح کشور در حال از هم پاشیدگی است. او پیش بینی می کند که یک کودتا توسط بعضی از تیمسارهای ارتشی با پشتیبانی کردها ۶ الی ۸ هفته دیگر به وقوع خواهد پیوست. نهاوندی پیش بینی می کند که اگر این کودتا موفق نشود ایران به سوی آشفتگی بیشتر پیش رفته و سرانجام کمونیستها حاکم خواهند شد. (پایان خلاصه).

۳ در ۲۸ ژوئیه (۶ مرداد) هوشنگ نهاوندی وزیر اسبق مسکن و شهرسازی (در سال ۱۹۶۶) و رئیس اسبق دانشگاه تهران (از سال ۱۹۷۱ تا سرنگونی رژیم شاه) مأمور امور فرهنگی سفارت را که یکی از دوستان شخصی او می باشد دید. هوشنگ نهاوندی که می دانست نظرات او گزارش خواهند شد، تجزیه و تحلیل مفصلی از موقعیت فعلی ایران را ارائه نمود. او در تشریح مطلب گفت که پس از سرنگونی شاه، در اختفا به سر می برده و بعداً در نتیجه تماسهایی که با رهبران اکراد داشته ایران را از طریق کردستان ترک و به ترکیه رفته است.

۴ نهاوندی وضعیت ایران را وخیم و رو به زوال توصیف کرده و گفت دو عامل مهم یعنی عادات معمول ایرانیها و نیز فشار وارده بر مصرف کنندگان در سقوط دولت فعلی نقش خواهند داشت و پس از آن آشفتگی و هرج و مرج شدیدی حاکم خواهد شد. وی گفت حزب توده زرنگ تر از آن است که در حال حاضر وارد صحنه شود، ولی اکنون مشغول رخنه به مواضع مهم کشور از جمله ارتش می باشد تا فرصت مناسب به دست آید. زمان حاضر برای توده ای ها مناسب نیست، چرا که فعلاً یک حالت ضد کمونیستی قوی بین مردم رواج دارد. ولی ادامه هرج و مرج سبب مقبول واقع شدن کمونیستها خواهد شد.

۵ نهاوندی کردها را یکی از قوی ترین (بنا به گفته او در حدود ۱۰۰۰۰ فرد مسلح دارند) و سازمان یافته ترین نیروها توصیف کرد که منطقه ای به وسعت ۱۰۰ تا ۱۵۰ کیلومتر را در طول مرز ترکیه و عراق تحت کنترل خود دارند. او معتقد است که خلع سلاح کردها واقعاً دشوار و غیرممکن است چون نیروهای مسلح ایران نیز در وضعی بسیار آشفته بسر می برند. او همچنین در مورد منبع پشتیبانی مالی کردها اظهارنظر کرد (بنا به گفته او احتمالاً از طرف اسرائیل و عربستان سعودی حمایت می شوند).

۶ نهاوندی به یک کودتای نظامی ویژه که در دست تهیه می باشد اشاره کرد و معتقد بود که این کودتا ۶ الی ۸ هفته دیگر به وقوع خواهد پیوست. این کودتا توسط بعضی از تیمسارهای ارتشی

رهبری خواهد شد و اگر این کودتا موفق شود، مانع از ادامه هرج و مرج و به قدرت رسیدن کمونیستها خواهد شد. نهاوندی گمان می کند که کردها از این کودتا پشتیبانی نظامی خواهند کرد، چرا که آنها امیدوارند بعداً استقلال داخلی بیشتری، (به خصوص در زمینه تعلیم و تربیت به زبان کردی، و عدم حضور پلیس و نظامیان غیر کرد در استان) به دست آورند. نهاوندی وجود خطر در این طرح را تصدیق کرد، اما معتقد است که خطر این طرح کمتر از حد تصور خواهد بود. به هر حال او گفت که در حال حاضر هیچ نیروی متشکلی غیر از کردها در ایران وجود ندارد.

۷ نهاوندی خود را یک سلطنت طلب می داند که شاه پرست نیست. او گفت فکر می کند که مراجعت شاه غیرممکن است، اما بهترین فرم حکومت در ایران روش پارلمانی شاهنشاهی بریتانیایی می باشد.

او

تصمیم دارد که در پاریس بماند و امیدوار است که بتواند نیروهای مخالف را در اطراف خود جمع آوری کند. تمام یادداشت مکالماتی توسط پست سیاسی برای بخش خاورمیانه امور ایران ارسال گردید.

چپمن

سری

سند شماره (۵)

تاریخ: ۳ اوت ۷۹، ۱۲ مرداد ۵۸سری

یادداشت مکالماتیتاریخ: ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹

شرکت کنندگان: هوشنگ نهاوندی وزیر اسبق مسکن و شهرسازی مشیر فاطمی رئیس اسبق امور دانشجویان دانشگاه پهلوی شیراز ریچارد تی آرندت وابسته فرهنگی سفارت آمریکا در پاریس.

مکان: رستوران رکامیه پاریس

موضوع: وزیر اسبق ایران وقوع یک کودتا را در ایران پیش بینی می کند

سوابق

من فکر می کنم هوشنگ نهاوندی در حدود سال ۱۹۲۶ در رشت متولد شد و هنگامی که من در سال ۱۹۶۶ وارد ایران شدم او وزیر مسکن و شهرسازی بود. پس از آن رئیس دانشگاه پهلوی شیراز شد و سپس در سال ۱۹۷۱ رئیس دانشگاه پرقدرت تهران شد، مقامی که همیشه به عنوان یک مقام هم سطح با مقامی در کابینه تلقی می شد. او در این مقام تقریبا تا آخرین لحظات باقی ماند اگرچه در آخرین روزهای حکومت شاه یکی از ۲ نفر کاندیدای، احراز مقام نخست وزیری بود که بعداً نصیب جعفر شریف امامی شد. (اگر شرایط غیر از این بود او مطمئنا روزی به مقام نخست وزیری می رسید).

نهاوندی تحصیل کرده فرانسه است، او دکترای اقتصاد خود را در اوائل سالهای ۵۰ در پاریس گرفت (شاید سال ۱۹۵۲: عنوان دکترایش: جوزف شامپیتر، تئوریسین سرمایه داری). او علیرغم سابقه فرانسویش همیشه در تماس با سفرای آمریکا بوده است که این تماسها را با «آرمین مایر» شروع کرده ولی مخصوصا با هلمز و سولیوان نیز در تماس بوده است. او دشمن نخست وزیر هویدا به شمار می آمد، ولی از جانب ملکه به خوبی حمایت می شد و به همین دلیل قادر به حفظ مقام خویش بود.

قبلاً، او یکی از تکنوکراتهای تحصیل کرده غرب بود که در اطراف علی منصور (که قبل از هویدا نخست وزیر بود و به قتل رسید) جمع شده بودند. اگرچه دشمن هویدا و دوست کسی که بر هویدا غالب گشت، یعنی جمشید آموزگار (دکترای خود را در رشته مهندسی از دانشگاه کورنل آمریکا کسب کرده است) می باشد، اما گفته است که تفاوت این دو بسیار فاحش است. آموزگار اگرچه دوست او است و در اساس کار با او در توافق است اما مردی است دارای دید نه چندان وسیع و هویدا اگرچه دشمن او و در تضاد با او بود، ولی مردی بود بلنداندیشه و پرجنبه.

نهاوندی خود را کسی می داند که در مقابل نفوذ فساد در ایران ایستادگی کرده است. می گوید که تنها اتهامی که بر علیه او یافته اند این بوده که او مبلغ ۲۵۰ هزار دلار در یکی از شغلهایی که احتمالاً دانشگاه پهلوی شیراز می باشد، بدون هیچ دلیلی دریافت کرده است. او می گوید که این پول هنگامی که او و ملکه ترتیب برگزاری کنفرانس مشهور آسپن را می دادند برای او و ملکه در آمریکا خرج شده بود. او می گوید که پس اندازش در اینجا تقریبا ناکافی برای مخارج او و زنش می باشد و آنچنان که او می گوید در تضاد صریح با دیگر همکاران سابقش که حساب بانکی آنها در اروپا به طور افسانه ای است می باشد.

انگلیسیش بد نیست، ولی ترجیح می دهد در مکالماتش از زبان فرانسه استفاده کند. او فرانسه را واقعاً مانند زبان مادری تکلم می کند. مشیر فاطمی زمانی که نهاوندی پست ریاست دانشگاه پهلوی شیراز را داشت رئیس امور دانشجویان بود. اما مهمتر اینکه او مسئول امنیتی و احتمالاً رابط دانشگاه با ساواک بوده است. پس از آن نیز وی در زمینه تجهیزات امنیتی از جمله سیستمهای هشداردهنده و غیره، در آمریکا، ایران و اروپا برای خود شغل پردرآمدی دست و پا کرده است.

مکالمه

او اخیراً بعد از ۶ ماه مخفی بودن به پاریس رسیده است. مدتی از این زمان را در تهران مخفی بوده و سپس با ریشی تمام عیار به محدوده کردستان سفر کرده بود. بعد از آن او برای مدتی در کردستان ماند و سپس آنجا را ترک کرد و با پای پیاده و با پشت سر گذاشتن حدود ۵۰۰ متر از مرز عبور کرد، ولی بقیه راه را عمدتاً با وسیله نقلیه سفر کرده بود. او به اندازه کافی موجودی دارد که در پاریس زندگی کند و با زنش در یک آپارتمان کوچک به سر می برند. خوشبختانه تمام بچه هایش حقوق بگیرند و پول در می آورند، بنابراین او نیاز چندانی به پول ندارد. او در نظر دارد که در پاریس بماند و «کار کند» که تصور می کنم این کار وقف کمک به اعاده عقل سلیم در ایران باشد. او گفت که یک سلطنت طلب است و نه یک شاه طلب و توضیح داد که به عقیده او بازگشت شاه به ایران غیرممکن است. اما تصور می کند که دولت ایده آل برای ایران همانند حکومت سلطنتی پارلمانی در بریتانیا می باشد. او گفت در مورد سرنگونی کاملاً اطمینان دارد که به اصطلاح دولت کنونی ایران در زمانی بین شش تا هشت هفته بعد از ملاقات کنونی مان سقوط خواهد کرد.

او گفت فشار مصرف کننده و سنتهای معمولی ایرانیان (خوشگذرانیها) عامل مهمی در سرنگونی دولتی خواهد بود که ظاهرا در نظر دارد تمام لذایذ مادی را از بین ببرد. او گفت سرنگونی رژیم خمینی به بحرانهایی می انجامد که نتیجه اش در درازمدت تنها تسلط شورویها بر این کشور خواهد بود، ولی در

ابتدا ظاهر امر چنین نشان نخواهد داد. او فکر می کند که اگر کودتایی که جزئیات طرح آن در زیر آمده است اجرا نشود، سرنگونی رژیم خلائی را به وجود می آورد که تنها حزب توده است که در آن سازمان یافته و متشکل باقیمانده است. اما او گفت که در حال حاضر حزب توده خیلی زیرک تر و باهوش تر از آن است که علناً وارد صحنه شود. او گفت آنها محتاطانه در بخشهای مهم منجمله ارتش لانه می کنند و منتظر فرصت مناسب هستند. او احساس می کند اکنون زمان مناسبی برای روی کار آمدن کمونیستها یا توده ایها و یا روسها نمی باشد، چرا که اکنون نارضایتی عمومی با یک جنبه نسبتاً شدید ضد کمونیستی همراه است. او خاطرنشان ساخت که دوران پس از سرنگونی احتمالاً توأم با آشوبهای بیشتری خواهد بود که حتی امکان دارد در زمستان بدتر نیز بشود که به دنبال آن عناصر مارکسیستی جلب نظر خواهند کرد. او معتقد است که حزب توده تا یکی دو سال آینده حرکت نهایی را از خود نشان نخواهد داد.

کودتایی که او به آن اشاره می کرد به قسمتی از مشاهدات او در کردستان مربوط می شود. او می گوید که کردها به شدت مسلح بوده و رقم ۱۰۰۰۰ مرد مسلح را به کار می برد. او می گوید هر نوع اسلحه قابل تصوری در بازار کردستان آزادانه در معرض خرید و فروش است. او می گوید که کردها کنترل منطقه ای به طول ۱۰۰ تا ۱۵۰ کیلومتر را در داخل خاک ایران و در طول مرز ترکیه و عراق در دست دارند. او چنین قضاوت کرد که واقعاً غیرممکن خواهد بود که آنها را خلع سلاح کرد، مخصوصا با آن از کارافتادگی که ارتش در تهران دارد. او احساس می کند که ده هزار کرد در کردستان به علاوه بی نظمی حاکم در تهران به علاوه یک رهبری مناسب برای کردها شاید بتواند دولت را سرنگون کند.

او گفت جای تردیدی نیست که مقدار قابل توجهی پول خارجی برای تأمین اسلحه های کردها به کردستان سرازیر شده است. او گمان نمی کند که منبع این پولها آمریکا باشد؛ بلکه برعکس فکر می کند

که احتمالاً این گونه نیست. اما تشخیص آن مشکل است و معلوم نیست که این پول از کجا می آید و آیا یک منبع اولیه دارد یا موقت. او حدس می زند که اسرائیل، عراق یا عربستان سعودی احتمالاً منابع مورد نظر هستند، اما احتمالات دیگر را هم کتمان نکرد. واضح بود که از فرار او از طریق ترکیه به وسیله ترکها ممانعت به عمل نیامده بود. به هرصورت او به کودتای مخصوص نظامی اشاره می کند که در حال تکوین و زمان به مرحله اجرا درآمدن آن تعیین شده است که به عقیده او ۶ هفته دیگر خواهد بود. اگر این کودتا موفق شود، که به نظر او احتمال آن زیاد است، جایگزین سناریوی فوق الذکر خواهد شد. این کودتا قرار است توسط تیمسارهای خاصی به اجرا درآید. از قرار معلوم در طول مسافرتش به کردستان ملاقاتهائی با افراد بلندپایه کرد و همچنین با چند تن از همردیفان تهرانی برجسته پناهنده اش داشته است. او گفت حالت پناهندگان انتقام جویانه بود و او در این ملاقاتها خواسته بود که در صورت انجام این کودتای موفق، کشتار به حداقل برسد، زیرا کشتار بیشتر سبب افزایش تضاد خواهد شد.

کردهایی که او با آنها صحبت کرده و ظاهرا با همه رهبران آنها نیز تبادل نظر کرده، گویا حالتی آشتی پذیر و مسالمت جو داشته اند.

وی تحت تأثیر برنامه های توأم با فروتنی آنها قرار گرفته است. او گفت که کردها در ازای کمک به آزاد کردن ایران از تعدی خمینی تا حد مشخصی خودمختاری منطقه ای می خواهند، اما به طرز عجیبی در دیگر خواسته هایشان فروتن هستند.

هسته مرکزی خواسته آنها زبان است: آنها می خواهند تمام مراحل آموزش و پرورش به زبان کردی صورت گیرد و زبان فارسی به عنوان زبان دوم در سطح دبیرستان تدریس شود. آنها نسبت به اینکه استاندار از تهران فرستاده شود اعتراضی نداشته و بر نصب متصدیان کردی الاصل نیز اصراری ندارند.

وی در جواب سئوالی تأیید کرد که مشخصا احساسات ملی گرایانه کردها را تنها نیروی متشکل کننده ای می داند که می تواند اوضاع را در تهران روبه راه کند. او می داند که این یک ریسک خطرناک است اما افزود که به این نتیجه رسیده که این کم خطرترین کار قابل تصور است. او گفت در هر صورت آن طور که او می داند هیچ گونه نیروی سازمان داده شده دیگری که بتوان روی آن حساب کرد وجود ندارد. از او در مورد اینکه آیا وضع مناطق مرزی دیگر هم به این صورت هستند سئوال شد وی گفت که در این مورد خبری ندارد، اما تصور می کند که در این نقاط نیز حتماً همین وضع حاکم است. در نگاهی به وقایع گذشته، او گفت که احساس می کند که آمریکاییها اشتباه کرده اند، اما عوامل دیگر هم دخیل بوده اند. او مباحثات خصوصی زیاد و عمیقی با سفیران (هلمز و سولیوان) داشته بود. هر دو به او گزارش داده بودند که آنها قادر نبوده اند پیامهای مهم او را از حلقه ای که در اطراف شاه ایجاد شده گذرانیده و به او برسانند. وی از این موضوع تعجب کرده و چنین تصور می کرد که شاه می توانسته قابل دسترسی باشد. او ماجرای آخرین کوششهای شاه برای حفظ موقعیت خود را گفت. در زمان بررسی دولت شریف امامی او نامزد دیگری برای احراز پست نخست وزیری بود. شاه از او و شریف امامی خواسته بود که برنامه هایشان را تقدیم کنند، ولی برنامه های او رد شد، چرا که شاه بعضی از سخت گیریهای او را قابل قبول نمی دانست. او در بین برنامه هایش خواسته بود که یک خواهر و دو برادر شاه فوراً ایران را ترک کنند و ۲ نفر از اعضای جبهه ملی را در کابینه پیشنهادی خود جای داده

بود که هردوی آنها هم اکنون در کابینه بازرگان فعال هستند که یکی از آنها وزیر دادگستری می باشد. او احساس می کند که شاه به طور خاصی مانع از پافشاری او شد که تمام اعضای کابینه اش باید مرکب از افرادی «غیرقابل» سرزنش باشند. از قرار معلوم او احساس می کند که چیزی در گفته هایش مانع پذیرفتن شاه شد و او را به بحث فرعی که چه کسی قابل سرزنش و چه کسی قابل سرزنش نیست کشاند. بدون اینکه بخواهد، طفره برود که چه رقابتها بر سر چه مسائلی بوده، گفت که خواسته هایش به طرز قابل توجهی از آنچه که شاه یک ماه بعد به دولت بختیار واگذار کرد خاشعانه تر بوده است.

در مورد تهران او چندین ماجرا را تعریف کرد. اما در مجموع او گفت که نوشته های جین لارتکی در روزنامه پاری ماچ ۲ هفته قبل (به پیوست ارسال می شود) بهترین گزارشی است که می توانسته نوشته شده باشد و آن مقاله جزئیات و بررسی کامل اوضاع را در بر دارد.

واضح است که وی امیدوار می باشد که یک هسته مخالف را در پاریس به دور خودش جمع کند.

در جواب اینکه در مورد گذراندن یک دوره در دانشگاه آمریکا چه احساسی دارد، او گفت، اگرچه در نظر ندارد خانه ای را در نوفل لوشاتو اجاره کند، اما بهتر است به کارهایی که در پاریس لازم است انجام گیرد سر و سامان دهد.

آرندت

سری

ص: ۳۸۹

سند شماره (۶)

سری۱۰ اوت ۱۹۷۹ ۱۹ مرداد ۱۳۵۸

یادداشت مکالماتی

۱ شرکت کنندگان: هوشنگ نهاوندی وزیر اسبق مسکن و شهرسازی ایران، ریچارد تی آرندت، وابسته فرهنگی سفارت آمریکا در پاریس

۲ تاریخ و محل ملاقات: ۱۰ اوت ۱۹۷۹، کافه پلاس دوترن

۳ موضوع: فعالیت مهاجرین سیاسی ایرانی

هوشنگ نهاوندی از وابسته فرهنگی خواست تا با او به طور خصوصی ملاقات نماید. او گفت در ملاقات قبلی به خاطر حضور نفر سوم تحت فشار بود. او می خواست مسائلی را روشن کرده و وارد جزئیاتش گردد.

برخورد ما در اولین ملاقات من را به یک سری تصورات غلط واداشت که ما فوراً مسئله را بیان کردیم. او از وقوع یک کودتای خاص در آینده نزدیک خبر نمی داد. با این حال او مطمئن است هنگامی که افکار عمومی از نتایج فاجعه انگیز هرج و مرج موجود آگاه گردد، فشارهای داخلی در آینده نزدیک موجب پدیدار گشتن تغییر کلی در ایران خواهد شد. اگر این جریان رهبری و هدایت نشود، ایران حتماً به سوی چپ خواهد رفت. کودتایی که او ذکر کرد یک سناریوی خیالی بوده است. او گفت که اوضاع ایران چنان آشفته است که یک نیروی سازمان یافته خیلی کوچک می تواند اوضاع را دوباره تحت کنترل بگیرد و همین امر خود خطر بزرگی محسوب می شود. چون افراد جاه طلب بسیاری در قسمتهای مختلف دنیا هستند که قادرند اقداماتی را انجام دهند. او از خواهر شاه یعنی اشرف در این زمینه بیش از همه می ترسد، ولی بنابه گفته او افراد دیگری نیز هستند مسئله موجود از

نظر او مسئله نحوه هدایت این انرژی به داخل یک کانال خاص و متحد ساختن عناصر سیاسی و نظامی است. در همان حال باید واقعیتهایی نیز در نظر گرفته شود تا حکومت جدید برای مردم قابل پذیرش باشد. با در نظر گرفتن وضعیت داخلی، در حال حاضر او هیچ راهی برای داخل کردن شاه نمی بیند. مسئله مهم دیگراین است که دولتی که بخواهد در ایران روی کار آید باید شامل افرادی فاقد سوابق و عملکرد مورد تقبیح باشد. اکثر کاندیداهای مهم آنقدر در گذشته سازشکار بودند که نمی توان گفت دارای حداقل صداقت مورد نیاز برای عضویت در دولت می باشند. او از بختیار دلخور شده بود، ولی او را به عنوان یک مرد با جرأت و با ایمان تحسین کرد که از صداقت ناشی از گذشته فاقد قدرتش برخوردار بود، ولی از طرف دیگر همیشه از سادگی بختیار که از بی تجربگیش ناشی می شود می ترسید. بدتر از همه کنفرانس مطبوعاتی او بود که در هفته گذشته انجام شد و چیزهای تأسف انگیزی را درباره او آشکار کرد. او گفت که کنفرانس از نظر حفظ وجهه و شهرت فردی بطور بدی اداره شده بود.

به نظر او تلاش بختیار برای اثبات این ادعا که در زمان تبعید با دوگل آشنا بود اشتباهی بسیار وحشتناک می باشد. موضوع جدی تر اینکه کنفرانس مطبوعاتی، بی پولی بختیار را دقیقا مشخص کرد و نشان داد که او برای پشتیبانی خود مجبور به کمک خواستن از افراد ناشایستی شده است. او گفت که اطراف بختیار از آدمهای نادرستی پر شده است. او به عنوان مثال جواد دولو علامیر رابط قبلی لوموند

را ذکر کرد که رابطه هایش با (سازمان آزادیبخش فلسطین) و واقعیتهای تلخ دیگر زندگیش بسیار است و نشان می دهد که انتخاب او به عنوان وابسته مطبوعاتی بختیار کار اشتباهی بوده است. او از اینکه امیر متقی را در اردوی بختیار دیده شدیداً نگران می باشد. متقی سالها رئیس چاپلوسها و حتی دلال محبت برای اسدالّله علم بود. اشخاصی از این قبیل باعث شکست بختیار قبل از شروع بازی می شوند.

او گفت در جهت هماهنگی کار مهاجرانی که جرأت فعالیتهای آشکار داشته اند، یک کمیته به نام آزادی ملی جدیداً شروع به کار خواهد کرد. به دنبال آن اولین مقاله خود او نیز با مطالب دیگر در مجله فیگاروی این هفته چاپ خواهد شد. او گفت گروههای ایرانی مهمی در بروکسل، مونیخ، نیویورک، واشنگتن و به علاوه در پاریس وجود دارند و همچنین یادآور شد که حدود ۴۰ هزار ایرانی در تبعید در محله کان نیس زندگی می کنند.

او وضع داخلی ایران را شکننده توصیف کرد و یادآور شد که وضع موجود حداقل پنج کشور (و شاید کشورهای دیگری مثل فرانسه) را که حمایتشان از بختیار عامل مهمی به حساب می آید، دچار وسوسه های خطرناکی کرده است. اسرائیل، عربستان سعودی، اردن و مصر به تنهایی و یا در رابطه با کشورهای دیگر منافع خود را در به ثبات رساندن ایران می بینند. برنامه عراق خیلی پیچیده تر از آن است که بتوان در حال حاضر آن را پیش بینی کرد، ولی منافع آن نیز بسیار آشکار و عظیم است. او گفت که عراق اشتباه بزرگی مرتکب خواهد شد اگر سعی بکند که به خوزستان حمله کند، زیرا حمله به شاهرگ حیاتی ایران بیش از هر عامل دیگر باعث ایجاد وحدت بین دولت فعلی و ملت و انسجام ارتش خواهد شد. او فکر می کند که در حال حاضر کمکهای خارجی به سوی کردستان سرازیر شده، ولی نمی داند که منبع آن کجاست. او معتقد است برای اینکه عناصر جدی بتوانند کنترل کشور را به

دست گیرند نیازی به دخالت خارجی نخواهد بود، ولی از طرف دیگر قبل از اینکه ارتش در پشتیبانی از هر نوع نهضت سیاسی ایران وارد عمل شود لازم است حداقل توافقی که منجر به دادن چراغ سبز و یا ندادن چراغ قرمز شود انجام گیرد.

او کمی بیشتر درباره قدرت کردها شرح داد. آنها به اعماق کوهها رفته اند و بیرون آوردن آنها از آنجا تقریبا محال است. او از میزان آمادگی و مقدار مهمات موجود در اختیار آنها تعجب کرده بود. او غارهایی در کوه دیده بود که برای فرود و پنهان شدن سه هلیکوپتر در آن واحد تعبیه شده بودند و همچنین متذکر شد که توپهای سبک در همه جا وجود دارد. او هم چنین معتقد بود که تقاضای رهبران کردها معقول و توأم با میانه روی است. بعد از گفتگوی قبلی او از ناآرامیهای قابل توجهی در آذربایجان خبر می داد. نارضایتی آیت اللّه شریعتمداری نتایج مهمی برای آذربایجان به دنبال خواهد داشت، چون در آنجا او نفوذ بسیار زیادی دارد. تاریخ ایران در صدساله اخیر آذربایجان را ناحیه ای از کشور نشان داده که حرکتهای سیاسی خیلی مهم از آنجا آغاز شده است.

کلید اصلی ارتش است. او گفت که ارتش برای عمل حاضر است، ولی باید بداند که چه موقع و چطور و در چه جهت عمل کند. او آرزو داشت که ارتش فرصت بیشتری برای مهیا کردن خود پیدا می کرد، ولی در زمان مناسب نیز می توان این کار را انجام داد و این موقع مناسب اکنون فرا رسیده است. او معتقد بود که مهره اصلی ژنرال اویسی است که الان در نیویورک ساکن است. ژنرال آزموده که

یک شخصیت خیلی پیرتر و مورد احترام در سلسله مراتب ارتش ایران است، هفته پیش حمایت خود را از اویسی اعلام کرد. او مطمئن است که ساختار سلسله مراتب ارتش ایران قدرت عظیم آن است و عامل اصلی در وحدت عمل آن بعد از تعیین اهداف. او معتقد است که خطر منحرف ساختن اعضاء مختلف ارتش به وسیله دولت فعلی جدی است، ولی هنوز گسترده نشده است که بتواند به عنوان یک عامل منفی تلقی گردد. او پادگانهای متعددی را متذکر شد که هنوز دست نخورده باقی مانده اند مانند پادگان لویزان که برای گارد سلطنتی تدارک دیده شده بود. این پایگاه آنقدر قوی است که رژیم موجود جرأت نکرده است که حتی به آن دست بزند و وفاداریش به ارتش قدیم خیلی شدید است. وی گفت از آنجایی که زنها و بچه های آنها در آنجا زندگی می کنند، دفاع از آن در موقع حمله خیلی سخت خواهد بود. او گفت که وضع ارتباطی در دوایر ارتشی درون و بیرون ایران عالی بوده و شخصیتهای مختلف ارتشی به راحتی و با پاسپورتهای متعدد از کشور خارج و یا به آن داخل می شوند. او گفت که یک هفته پیش یک گفتگوی طولانی با دو تن از نمایندگان اویسی داشته است و هنگامی که ژنرال آزموده پشتیبانی خود را از اویسی اعلام کرد او نیز در جلسه حضور داشته است. من از او پرسیدم که این افراد ارتشی چه کسانی هستند. او یادآور شد که آنها به او گفته اند که به خاطر تجارب تلخ گذشته نمی خواهند نامشان فاش شود. آنها معتقدند که علت شکست کودتای ۵ سال قبل لیبی نیز این بود که کودتاچیان به سفارت آمریکا اعتماد کرده بودند و سفارت نیز به شخص قذافی. وقتی بحث شد که منبع این خبر فقط ساواک بوده، گفت برای من صحیح یا غلط بودن آن فرقی نمی کند، ولی ارتشیان این موضوع را باور دارند و لذا احتیاط زیادی به خرج می دهند. او در درازمدت بیش از همه به اویسی اعتبار می دهد و در مجموع فکر می کند که اویسی مناسبترین شخص در زمان فعلی می باشد. شهرت او به عنوان «جلاد جمعه» جنبه های منفی و مثبتی داشته است. یعنی در ایران خیلیها از او می ترسند. برای

این منظور داستانی بدین مضمون تعریف کرد که: در موقع مخفی بودنش در تهران (در خانه یکی از رؤسای کمیته انقلاب!) یک شایعه پخش شده بود که اویسی به سوی تهران حرکت کرده است و این باعث ایجاد اضطراب در میزبانش شده بود و صاحبخانه می گفت «اگر اویسی بیاید ما باید فرار کنیم، چون او همه را سر خواهد برید». این سابقه بی رحمی که خود نوعی رحمت است، عامل مثبتی در جریان کثیف برقراری نظم خواهد بود. او گفت که دوایر ارتشی اعتقاد پیدا کرده اند که تهران غنیمتی است که به آسانی به چنگ خواهد آمد. او معتقد است که با پشتیبانی کردها، آنها می توانند با کمک ۲۰۰۰ نفر تهران را بگیرند و احتمالاً میزان تلفات نیز سنگین نخواهد بود. او سپس به ارائه پیغامی پرداخت که می خواست من پیک آن باشم. در سالهای آخر اقامت در تهران، او بیشتر از یک بار و به طور محرمانه با هلمز و سولیوان مذاکره داشته و به آنها اعتماد کرده است. او گفت که وی با آن دو طوری رفتار کرده است که با هیچ سفیر خارجی دیگری این طور رفتار نکرده است، زیرا آینده ایران خواه ناخواه تحت تأثیر عملیات آمریکا خواهد بود. به همان ترتیب و با همان روحیه او با من به عنوان یک کانال ارتباطی با واشنگتن سخن می گفت. کشور او به طور وحشتناکی محتاج کمک است و فقط آمریکاست که می تواند به آن کمک کند. علیرغم مخالفت من و اشاره ام به سیاستهای جدید «عدم دخالت» او بر موضع خود پافشاری نمود.

مسئله مهیا کردن نیرو نیست، بلکه ایجاد ائتلاف در میان نیروهای ضروری شامل ارتش و طبقه

سیاسی و احتمالاً کردها می باشد. در مرحله دوم فراهم آوردن نوعی رهبری و هدایت برای سایر مردم است که منافعشان در تغییر وضعیت ایران بر همگان آشکار است. او گفت ارتش حرکت نخواهد کرد مگر اینکه اطمینان به چراغ سبز و یا حداقل اطمینان به نبودن چراغ قرمز داشته باشد. خطر موفق نشدن خیلی عظیم است. او گفت که کنترل باید دوباره به دست گرفته شود، به طوری که ارتقاء تولید سریع نفت به اندازه ۲ میلیون بشکه در روز انجام گیرد تا کشور بتواند سرمایه ها را جمع آوری کرده و دوباره اعتماد نهادهای سرمایه گذار ایران را جلب نماید تا چرخهای اقتصاد به حرکت درآید. یک بیانیه، هرچند خصوصی، مبنی بر پشتیبانی آمریکا یا حداقل دخالت نکردن آن، به اعضاء ایرانی اجازه خواهد داد که به هم بپیوندند.

نقش او نیز انجام حداکثر تلاش ممکن در این مسیر می باشد. او اصلاً خیال رهبر شدن ندارد، ولی می تواند نقش مهمی را ایفا کند. او گفت که می تواند پیروانش یعنی همانهایی را که از ۱۹۷۲ ساخته است با خود بیاورد. او یک تیم فکری مرکب از روشنفکران و چهره های سیاسی تشکیل داده بود که درباره مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور تحقیق کند. او گفت قادر است که مرکز ثقل رهبری ایران را در هر زمان که لازم باشد فراهم آورد. سؤال او این است که آیا بهتر نیست که در آینده نزدیک یک ملاقات سری بین مهره های اصلی مهاجر ایرانی و چند چهره از واشنگتن که بتوانند با اختیار تام حرف بزنند، انجام گیرد. برای یک چنین گردهمایی مهمی خوب است که یک یا چند تن از رؤسای کردها با هم دعوت شوند. او از سادگی و بی تجربگی من در این زمینه سخن گفت و اظهار داشت که خودش ساده تر از همه است.

او نمی داند در حال حاضر چطور این کار را شروع کند، ولی اعتقاد دارد که مذاکره با آمریکا عامل خیلی حیاتی خواهد بود و بدون آن هیچ چیز نخواهد توانست مانع از گسترش هرج و مرج و در

نهایت سوق یافتن ایران به اردوی شوروی، شود.آرندتسری

سند شماره (۷)

۱۳ اوت ۷۹ ۲۲ مرداد ۵۸سری

از: سفارت آمریکا در تهرانبه: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

سری تهران ۸۹۹۰

موضوع: کودتا در ایران

۱ (سری تمام متن)

۲ نظرات نهاوندی درباره وضعیت کردستان ایران در طول مرزهای ترکیه و عراق بطور کلی با اطلاعات محدود ما یکسان به نظر می رسد.

بیشتر افرادی که اخیراً از منطقه دیدن کرده اند به ما گفته اند که در حال حاضر کردها کنترل کامل مرزها را در اختیار گرفته اند. با وجود این ما مطمئن نیستیم که آنها، همان طوری که نهاوندی می گوید، از سازماندهی خوبی برخوردار باشند. در حال حاضر چند گروه کرد در منطقه مشغول فعالیت هستند ولی به نظر نمی رسد که آنها فعالیتهای هماهنگ شده مؤثری در منطقه داشته باشند.

۳ هیچ مدرکی نیز دال بر تأیید ادعای نهاوندی در مورد انجام یک کودتای قریب الوقوع به وسیله

تیمسارهای ناراضی ارتش، در ۶ تا ۸ هفته آینده، در دست نیست. این حقیقت مسلم است که هنوز تیمسارهایی هستند که در پستهای مهم ارتش باقی مانده اند و ممکن است این کودتا را رهبری کنند. علاوه بر این بی نظمی موجود در نیروهای مسلح چنان است که نمی توان حتی تصور کرد که کودتای سرهنگها بتواند در آینده نزدیکی شانس موفقیت داشته باشد.

۴ به هرحال اشاره هوشنگ نهاوندی به احتمال دخالت کردها در فعالیتهای نظامی بعید نمی باشد چرا که از سالها پیش کردها در ارتش ایران شاغل پستهای نظامی مختلف بوده اند. شایعات چنین نقل می کند که افراد نظامی کرد و غیر کرد با فرار از ارتش در حال تشکیل یک نیروی نظامی مخالف هستند که قصد دارد در آینده دولت مرکزی را سرنگون کند. مهره اصلی این برنامه احتمالاً عزیزاللّه پالیزبان ذکر شده است که گفته می شود مسئول سازماندهی ارتش مذکور در کردستان است (ما هیچ گونه مدرک عینی جهت اثبات وجود این نیرو یا اقامت پالیزبان در کردستان نداریم).

۵ آقای نهاوندی، به هرگونه ای خود را در حال حاضر معرفی کند، یک سیاستمدار فرصت طلب است و یکی از چاپلوس ترین افرادی بوده که شاه را به طور گسترده در سالهای اخیر کمک کرده بود و به همین جهت مورد تنفر شدید همکاران خود و اکثر ایرانیان می باشد. ما با توجه به این وضع متمرکز شدن نیروهای مخالف رژیم کنونی در اطراف این شخص را بعید می بینیم.

لینگن سری

سند شماره (۸)

سریتاریخ: ۱۴ اوت ۷۹ ۲۳ مرداد ۵۸

از: سفارت آمریکا در پاریس به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی.سی

سری، پاریس ۲۵۸۰۵رونوشت سفارت آمریکا در تهران ۴۳۴۴

مرجع: الف: تهران ۸۹۹۰، ب: پاریس ۲۴۷۳۹

موضوع: مطالب بیشتر از نهاوندی درباره فعالیت مهاجرین ایرانی

۱ (تمامی متن سری است)

۲ با توجه به شهرتی که در مرجع الف به نهاوندی نسبت داده شده، اظهارنظرهای اضافی زیر را که او روز ۱۰ اوت (۱۹ مرداد) به وابسته فرهنگی ابراز کرده است، گزارش می دهیم. چون هیچ کس دیگر حضور نداشت او توانست صریح باشد در حالی که قبلاً با ایماء و اشاره صحبت می کرد. متن کامل به وسیله پیک سیاسی فرستاده شده است.

۳ نهاوندی بعضی از جنبه های اظهارنظرهای خود را در جریان ملاقات قبلی (مرجع ب) و به ویژه دو نکته روشن کرد. اول اینکه او خود را به عنوان چهره مرکزی تلقی نمی کند، بلکه می کوشد تا عناصر میهن پرست را بدون شاه با یکدیگر مؤتلف کند تا کنترل ایران را در دست بگیرند و اقتصاد کشور را بازسازی کنند. دوم اینکه او هیچ گونه اطلاعی درباره نقشه برای کودتا در آینده نزدیک ندارد بلکه یک سناریو فرضی را توصیف کرده است.

۴ نهاوندی از کنفرانس مطبوعاتی بختیار دلسرد بود. نهاوندی در حالی که از تحسین کنندگان بختیار است درباره اطرافیان بختیار نظریات انتقادی دارد. وی گفت که یک «کمیته آزادیبخش ملی»

احتمالاً شامل بختیار به زودی در پاریس تشکیل خواهد شد و خود او مقاله ای در روزنامه مهم فیگارو چاپ پاریس در هفته جاری منتشر خواهد کرد.

۵ کلید کودتا نظامیان هستند و مرد کلیدی ژنرال اویسی است که اکنون در نیویورک به سر می برد. هفته گذشته ژنرال ارشد آزموده در پاریس اویسی را مورد تفقد قرار داد. وی گفت اویسی با نظامیان داخل ایران ارتباطات عالی دارد.

۶ نهاوندی از وابسته فرهنگی خواست تا این پیام را بفرستد. او گفت مسئله فراهم کردن عضله (نیروی نظامی لازم مترجم) نیست، بلکه ایجاد ائتلاف در میان نیروهای لازم است که نظامیان و قشر سیاسی و احتمالاً کردها را در بر می گیرد. جنبه دوم فراهم کردن یک نوع رهبری یا کنترل بر سایر کشورهایی است که منافع آنها در تغییر اوضاع ایران شناخته شده است و ممکن است به مداخله ترغیب شوند. نظامیان ایران بدون نوعی چراغ سبز یا لااقل غیبت مطمئن چراغ قرمز اقدام نخواهند کرد. اعلامیه ای هرچند خصوصی مبنی بر پشتیبانی ایالات متحده یا لااقل عدم مداخله آن به عناصر ایرانی اجازه خواهد داد تا خود را متشکل کنند. سؤال او این است که آیا یک ملاقات خصوصی در پاریس یا نیویورک در آینده نزدیک بین عناصر کلیدی مهاجرین ایرانی و بعضی از چهره های آمریکایی که بتوانند با برخورداری از اختیارات صحبت کنند می توان ترتیب داد یا خیر. البته در چنین ملاقاتی یک یا چند تن از سران کرد نیز باید حاضر باشند.

۷ سئوال با توجه به، مرجع الف پاراگراف ۵ اظهار نظر، آیا وزارت مایل است که این تماس حفظ شود؟ و اگر پاسخ مثبت است در چه سطحی؟.چیمنسری

توضیح مترجم: نوشته زیر به صورت یک یادداشت دستنویس ضمیمه سند بوده است.

تا رسیدن نظر وزارت به جریان نیافتد.

این ماجرای «تنها چیزی که لازم داریم یک علامت است» ممکن است در پاریس به حرکت درآید، ولی همه وقت در اینجا درباره آن می شنویم. در این مورد من فکر می کنم که نشان دهنده مزخرف بودن چیزهایی است که نهاوندی القا کرده است که دوستان او می توانند انجام دهند. حتی اگر ارتباطات اویسی با نظامیان در ایران به همان اندازه که ادعا شده خوب باشد (که من در این باره شک دارم) با توجه به شکل کنونی نیروهای مسلح ایران چه فایده ای از آن به او خواهد رسید. من پیشنهاد می کنم تماسهای آینده در سطح سرایدار باشد.

سند شماره (۹)

سری۱۴ اوت ۱۹۷۹ ۲۳ مرداد ۵۸

سفارت آمریکا تهرانرونوشت جهت ویکتور تامست

ریچارد. تی. آرندتغیر رسمی اداری

وابسته فرهنگی سفارت آمریکا، پاریس، فرانسه

آقای ارندت عزیز:

از شما برای فرستادن یک گزارش کامل از گفتگویتان با هوشنگ نهاوندی متشکرم. نقطه نظرهای او نسبتاً در همان خط منوچهر گنجی است که همان طور که می دانید یکی از اعضای همان گروه

لیبرالی بود که در اطراف ملکه (فرح) بودند. در زمانی که من در تهران بودم نهاوندی در حوزه دانشگاهی خودش محبوبیت چندانی نداشت. او خودش را اولین کاندید برای مقام نخست وزیری می دانست، اما تعداد کمی از ایرانیها چه در داخل و چه در خارج دستگاه حکومتی او را شایسته چنین مقامی می دانستند. بنابراین مثل دیگر مهاجرین قدرتش برای داشتن یک نقش فرضی رهبری در ایران آتی، به نظر نسبتاً محدود می رسد.

معهذا امیدواریم تماس شما با ما قطع نشود و در عین حال ایرانیهایی را که در برابر شما به خودنمایی می پردازند، تشویق به امری نکنید، برای ما دانستن این مطلب که آنها درصدد انجام چه کاری هستند بسیار ضروری است. حتی اگر آینده سیاسی آنها چندان مثبت نباشد. شاید بخواهید این افکار را با وارن زیمرمان در میان بگذارید. من یک رونوشت از این مطلب را همراه گزارش شما به تهران می فرستم.ارادتمند هنری پرشتمدیر اداره امور مربوط به ایران سری

سند شماره (۱۰)

تاریخ: ۱۷ سپتامبر ۷۹ ۲۶ شهریور ۵۸خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در پاریسبه: وزارت امور خارجه در واشنگتن دارای حق تقدم

رونوشت برای سفارت آمریکا تهران ۴۳۸۴طبقه بندی: خیلی محرمانه پاریس ۲۸۹۷۹

موضوع: وزیر سابق ایران که در پاریس در

تبعید به سر می برد برای گفتگو با شاه عازم مکزیکو خواهد شد

۱ تمامی متن سری است.

۲ هوشنگ نهاوندی وزیر سابق مسکن و شهرسازی ایران که در محافل مهاجرین ایرانی فعالیت دارد به وابسته فرهنگی سفارت اطلاع داد که روز دوشنبه ۱۷ سپتامبر (۲۶ شهریور) پاریس را به قصد

مکزیک ترک می کند تا با شاه ملاقات نماید. مأموریت او عبارت است از اطلاع دادن به شاه درباره حکومت در تبعید که تازه جوانه زده است. این یک ائتلاف سیاسی است که به طور مداوم به هم نزدیکتر می شود و در اطراف بختیار، جمشید آموزگار و خود او، به اضافه دیگرانی که هنوز نمی خواهند هویتشان فاش شود دور می زند و از پشتیبانی اویسی و جم که از جمله نظامیان مهاجر هستند نیز برخوردار است. قصد او متقاعد کردن شاه است که از این امر به دور باشد و دیگر اینکه برای او امکان بازگشت به ایران وجود ندارد و تنها کاری که می تواند انجام دهد این است که امیدوار باشد فرزندش بتواند در آینده کشور نقش ایفا کند.

۳ نهاوندی می گوید گزارشهای آنها دلالت بر سرخوردگی فزاینده و فقر اقتصادی و هرج ومرج اداری در ایران است. آنها با چهره های مهمی در داخل ایران تماس دارند. او از سرکوب شدن کردها دلسرد نشده است و می گوید که چهره های مهم نظامی بر سر این حادثه تغییر جبهه داده و فرار کرده اند. او اشاره به تعداد زیادی از نظامیان سازمان آزادیبخش فلسطین در تهران می کند که بسیاری از آنها در سرکوبی کردها شرکت داشتند. مثلاً یک شخصیت کلیدی بر روی هر هلیکوپتر توپ دار حضور داشت.

۴ نهاوندی می گوید که لحظه انجام اقدام متقابل نزدیک می شود و اگر این اقدام صورت نگیرد اوضاع همچنان تا مرگ خمینی به قوت خود باقی خواهد ماند.

۵ نهاوندی به وابسته فرهنگی گفت که او حاضر است با یک مأمور متناسب حکومت آمریکا (ترجیحاً به زبان فرانسه) در زمان بازگشتن از مکزیک یا در واشنگتن و یا در جای دیگر صحبت کند. نهاوندی پیشنهاد کرد که اگر قرار بر این گونه ملاقاتها باشد، با او در منزل دخترش، خانم افسانه ملک زاده در شهر سالت لیک سیتی تماس گرفته شود. زیرا پس از ترک مکزیک او به آنجا خواهد رفت. شماره تلفن خانم ملک زاده ۲۳۹۲ ۲۶۱ ۸۰۱ است. با نهاوندی طوری رفتار نشد که انتظار ملاقات با مقامات دولت ایالات متحده را داشته باشد. هارتمن خیلی محرمانه

سند شماره (۱۱)

تاریخ: ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹ ۲۱ شهریور ۵۸طبقه بندی: خیلی محرمانه

از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سیبه: سفارت آمریکا در تهران ۴۶۷۷

موضوع: تماس با ایرانیان تبعیدی

۱ (محرمانه کل مطلب)

۲ در تماس با تبعیدیهای ایرانی در اروپا باید قاطعانه هیچ گونه اثری که نشانگر آن باشد که دولت آمریکا قصد مداخله در جریانات داخلی ایران را دارد یا اینکه با گروههایی که علیه دولت جدید ایران نقشه می کشند همکاری می کند، دیده نشود. لطفاً این موضوع را صریحاً برای کسانی که با شما تماس می گیرند روشن کنید ما روی این موضوع تأکید داریم زیرا دولت کنونی ایران نسبت به مقاصد آمریکا شدیداً مظنون است. بنابراین هر تماسی حتی معصومانه ترین آنها ممکن است دولت ایران را دستخوش تعابیر نادرست سازد. علاوه بر این باید به خاطر داشت که افراد ایرانی در زمینه تماسهای خود با مقامات آمریکایی بیش از حد غلو کرده و عمداً ادعا می کنند که دولت آمریکا از حرکت خاص آنها حمایت می کند.

۳ البته مفهوم این مطلب این نیست که اصلاً نباید با تبعیدیهای ایران تماس گرفته شود و در بعضی مواقع این ملاقاتها بر مبنای آشنایی شخصی با تبعیدیها، طبیعی است. بعضی از تماسها با کارگزاران سفارت امکان دارد در پیشبرد اطلاعات مورد نظر دولت آمریکا مفید باشد، ولی به هر صورت رعایت احتیاط در زمینه دادن علائم سیاسی ضروری است. اگر کارگزاران به افراد خاصی مشکوک هستند، باید خواهان کسب دستورات جدید شوند. به طوری که تهران (سفارت) گزارش داده، هیچ کدام از این تبعیدیها پایگاهی خاص در بین مردم ندارند، ولی به هر صورت کارگزاران بایستی از فعالیتهای آنها گزارش مناسب را تهیه کنند. ما همچنین علاقمند هستیم از موضع دولت میزبان (که این تبعیدیها را نگهداشته م) در قبال تبعیدیها مطلع شویم.

۴ برای پاریس: در زمینه فعالیتهای نهاوندی همان طوری که قبلاً ما و سفارت خاطرنشان ساخته ایم وی یکی از تبعیدیهایی است که به هیچ وجه نمی شود روی او حساب کرد. البته ما هیچ گونه مخالفتی با تماس گاه گاه بین شما و او نداریم و اگر او خواستار ملاقات با ما در واشنگتن است، با او ملاقات خواهیم کرد، ولی به هرحال چندان علاقه مند هم نیستیم که در صحبت با او پیش قدم شویم.

ونس

خیلی محرمانه

فیروز شریفی

فرد فوق الذکر از مسئولین پروژه کامپیوتری ایز ایران و در ارتباط با نیروهای مسلح بوده است. وی از جمله رهبران تظاهرات طرفداران قانون اساسی که به طرفداری بختیار در جریان پیروزی انقلاب صورت گرفت در اسناد توصیف شده است.

اسناد ملاقاتها و تماسهای وی در فاصله اردیبهشت تا شهریور ماه ۱۳۵۸ با مأمورین بخش سیاسی جاسوسخانه آمریکا در دست می باشد. در این اسناد شریفی اگرچه دیوانه توصیف شده است ولی اخبار فعالیتهای وی که در مجموعه جناح راست محسوب گردیده از سوی آمریکا دنبال می شده است. شریفی ادعا می کند در تدارک نقشه ای برای مقابله نظامی با دولت بازرگان است و با دکتر صدیقی از رهبران جبهه ملی در ارتباط می باشد. وی مأمور سفارت را در ۲۰ خردادماه ۵۸ به دیدار فردی به نام «فرد» که مدعی است گروه کوچک ۲۰۰ نفری برای برقراری سلطنت تشکیل داده می برد در اتاق محل ملاقات تعدادی مسلسل وجود داشته است، فرد ادعا می کند که به چند مقر کمیته و پاسداران حمله کرده است. وی صحبت از حمایت بلوچها و همچنین تحرکات پالیزبان در مناطق کردستان کرده است. فرد همچنین ادعا کرده ۱۱۷ گروه را می شناسد که برعلیه انقلاب مبارزه می کنند و از ۵۰ نفر تا چند هزار نفر عضو دارند و او با بیشتر آنها ارتباط دارد! فرد در حضور شریفی اظهار می کند با منابع کافی مالی می تواند گروههای قومی مانند ترکمنها و حتی کردها و گروههای سیاسی همفکر را در تهران بسیج کند.

پاسخ مأمور آمریکایی به ادعاهای فوق این بوده که «مسائل دیگری مانند رهبری و هدف نیز به اندازه منابع مالی برای گروهی که بخواهد خمینی را براندازد مهم هستند».

در هر صورت انگیزه سفارت آمریکا از ادامه ملاقاتها با وی کسب اطلاعات در مورد پروژه ای بوده که وی در نیروی دریایی اداره می کرده است، به علاوه از آنجا که این احتمال برای آمریکا مطرح

بوده که انقلاب احتمالاً در پی به ثمر نرسیدن وعده های اقتصادی دچار شکست خواهد شد، تماس با این افراد را مفید ارزیابی می کرده است. آمریکاییها ضمن اطلاع از فعالیتهای مسلحانه این عناصر بر علیه جمهوری اسلامی ایران تماس خود را با آنان ادامه داده و چون احتمال موفقیت آنها را بسیار ضعیف می دیده اند هیچ گونه قول حمایت به آنها نمی دهند. از اسناد برمی آید که شریفی درصدد خروج از کشور بوده است که از سرنوشت بعدی این عنصر ضدانقلاب اطلاعی در اختیار نمی باشد.

سند شماره (۱)

تاریخ: ۲۹ آوریل ۷۹ ۹ اردیبهشت ۵۸سری تهران ۴۴۳۵

از: سفارت آمریکا در تهرانبه: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. با اولویت

مرجع: الف: تهران ۲۷۳۹، ب: تهران ۱۹۹۱

موضوع: آخرین اخبار در مورد جناح راست

۱ (سری تمام متن) این یک تلگرام گزارشی است.

۲ خلاصه مطالب: تعدادی از وابستگان رژیم سابق در تدارک نقشه ای مبنی بر مقابله نظامی با دولت بازرگان می باشند. راستگراها ممکن است درصدد جلب کمک نظامی باشند. پایان خلاصه

مطلب.

۳ فیروز شریفی و جانشین رئیس قسمت سیاسی سفارت در حین صرف نهار در روز ۲۴ آوریل (۴ اردیبهشت) با هم درباره تحولات و مناسبات سیاسی صحبت کردند. شریفی بارها کوشش کرده که بخشی از عملیات سیاسی را به طرفداران شاه واگذار کند. (به تلگرام مرجع رجوع شود) او از مأمور سیاسی سفارت خواست که جهت بررسی تحولات با یکدیگر ملاقات کنند، زیرا او در سوم ماه مه عازم یک سفر یک ماهه خواهد شد.

۴ شریفی گفت: تیمسار اویسی و تعدادی دیگر از تیمسارهای شاه نمی خواهند اجازه دهند که جمهوری اسلامی کشور را به دست کمونیستها بسپارد. بنا به گفته شریفی، اویسی، برای اینکه ببیند دولت ایران نسبت به این مسئله چگونه عکس العمل نشان می دهد، عامل طغیان در نقده شده است. (نتیجه به نظر شریفی زیاد خوب نبود). تعدادی گروه نظامی میانه رو (که طرفدار نیروهای سلطنتی بدون شاه هستند) در چهار نقطه خارج از ایران تشکیل شده و احتمالاً در اواخر ماه مه وارد عمل خواهند شد یکی از آن گروه ها در پاکستان دو نیرو در عراق و یک نیرو در ترکیه تشکیل شده اند. این گروهها امیدوارند که بتوانند دوباره نیروهایی را که از خمینی سرخورده و دلسرد شده اند برای مقابله با چپیها جمع آوری کنند.

۵ برخلاف معمول، شریفی مستقیماً درخواست کمک نکرد (تلگرافهای مرجع)، ولی گفت که گروهها در حال جمع آوری پول و غیره می باشند و با یک نگاه استهزاآمیز پیشنهاد کرد که شاید آمریکا نیز مایل باشد در این امر کمک کند. مأمور سیاسی با قاطعیت جواب دندان شکنی به شریفی داد. این بار نوبت شریفی بود که گفت ما فقط باید مدتی صبر کنیم و منتظر باشیم که ببینیم چه اتفاقی رخ می دهد البته او چنین اطمینانی را قبلاً نشان نداده بود.

او سپس گفت در نظر دارد که برای خرید ماشینهای جوجه کشی به مدت ۳۰ روز به خارج مسافرت کند. مأمور سیاسی سفارت گفت برای خرید چیزهای دیگر چطور؟ شریفی با پوزخند ولی جدی جواب داد که اسلحه های سنگین هم همین طور. (نظریه: در حالی که شریفی احتمالاً از سوداگران مرگ نمی باشد، ممکن است در جستجوی کمک نظامی محدود در واشنگتن و یا دیگر بازارهای وسایل نظامی دنیا ظاهر شود).

۶ بنا به نظر شخصی خودم، شریفی چیزهای جالبی برای گفتن درباره «ایزیران» که مدیر پروژه کامپیوتری آنجا می باشد دارد. نیروهای مسلح ایران در حال منحل کردن ایزیران در فرم کنونی خود می باشند. اما قصد دارند تعداد زیادی از این پروژه ها منجمله پروژه نیروی دریایی را که شریفی در رأس آن می باشد ادامه دهند.

رئیس انقلابی جدید ایزیران به خاطر قول واگذاری ماشین و خانه توسط کارگران جوان و سرایداران انتخاب شده است و در درجه دوم اهمیت علمی قرار دارد. یک سری اختلافات داخلی بین رئیس جدید و تعدادی از مدیران وجود دارد. شریفی در شش ماه آینده خود را برای شرکت در هماهنگی مسائل اجرایی آماده می سازد، اما فکر می کند که مدیران اصلی پروژه منجمله خودش در ادامه موفقیت این پروژه کوشش خواهند کرد، البته در صورتی که ارتش احتیاجات خود را قبل از آنکه دوباره هرج و مرج به وجود آید مشخص نماید.

۷ نظریه عمومی: مدت ملاقات از جلسه قبلی کمتر بود و شریفی زیاد پافشاری نکرد. از طرف دیگر شریفی نسبت به قبل خوشبین تر بود و فکر می کرد که یک نفر در حال انجام کاری است. شریفی با اشاره به اعمال محافظه کارانه به ذکر نمونه ای پرداخت و گفت که فرزندان افرادی که اعدام شده اند شبها پاسداران انقلابی را می کشند. البته نمی توان گفت که چطور این مسئله به اقدام او بستگی دارد، ولی کشته شدن پاسداران انقلاب ادامه دارد. (نیروی حفاظتی ما به مأمور سیاسی سفارت گفته است که در عصر روز ۲۶ آوریل در نزدیکی سفارت شاهد تیراندازی به سوی ۴ پاسدار بوده است).ناس سری

سند شماره (۲)

تاریخ: اول مه ۱۹۷۹ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸سری

از: سفارت آمریکا در تهرانبه: سفارت آمریکا در آنکارا

سری تهران ۴۵۱۴

موضوع: آخرین اخبار در مورد جناح راست

۱ (سری تمام متن)

۲ سفارت سند شماره تهران ۱۹۹۱ را در اختیار ندارد. مهمترین تلگرام مربوط به این موضوع در ذیل مخابره می گردد:

۳ خلاصه مطالب: شریفی یکی از رهبران تظاهرات طرفداران قانون اساسی در اوائل فوریه از مأمور سیاسی خواست تا از جنبشی که می خواهد زیاده رویهای جمهوری اسلامی را تعدیل بخشد، حمایت کند. او به مأموران سفارت گفت شایع شده است که آمریکا با خنثی کردن ارتش توسط ژنرال هایزر، موجبات روی کار آمدن خمینی را فراهم آورده است. طرح جدید او نیز این است که یک کاندیدای مردم پسند برای ریاست جمهوری اسلامی ایران پیدا کند و آمریکا هم در زمینه بازاریابی و

تبلیغ به او کمک کند. مأمور سیاسی سفارت با قاطعیت اظهار داشت که آمریکا از برنامه او حمایت نخواهد کرد.

(پایان خلاصه مطالب)

۴ مقامات سیاسی سفارت استمپل، پاترسون و تامست در عصرانه و شام روز چهارم مارس بیشتر از چهار ساعت با فیروز شریفی، مدیر اجرایی ایزیران که توسط وزیر خارجه بختیار به عنوان یکی از رهبران تظاهرات طرفداران قانون اساسی، قبل از سرنگونی بختیار معرفی شده بود گذراندند. درخواست شریفی برای ملاقات از این جهت بود که بتواند نظرات و اهداف خود را درباره مسیری که ایران باید در آن جهت حرکت نماید بازگو کند.

۵ شریفی که یکی از طرفداران تجددگرایی می باشد گفت که اشکال جنبش اسلامی ایران این است که این جنبش افراد بااستعداد را که می توانند کشور را مدرنیزه کنند دلسرد خواهد کرد. افراد زرنگ و میهن پرست واقعی می توانند حمایت ملی را بسیج کنند و این امر به اعضاء قبایل و یا حتی اطرافیان خود خمینی که از بینشهای خشک اسلامی او به تنگ آمده اند بستگی دارد. او به چندین نفر تحصیل کرده اروپا

اشاره کرد که موقعیتهای عالی در کابینه داشته، ولی در حال حاضر دلسرد شده اند.

شریفی گفت اغلب آنان که از فداییان حمایت نمی کردند (چریکهای کمونیست) به سوی آنها برگشته اند. چون این تنها راه برای مبارزه با محدودیتهای اسلامی مورد نظر خمینی می باشد.

۶ شریفی گفت آمریکا باید حامی آنهایی باشد که می خواهند حکومتی را اداره کنند که با ارزشهای آمریکایی هماهنگ باشد. در اینجا مأمور سفارت معترضانه گفت (و این مطلب را در طول گفتگو چندین بار تکرار کرد) آمریکا درصدد حمایت از شخص خاصی نیست و فقط خواهان استماع نظریات مختلف می باشد. آمریکا بسته به خواست دولت ایران با آن همکاری خواهد کرد. شریفی گفت همه آمریکا را در زمینه بروز این مشکلات در ایران مقصر می دانند. آنهایی که می دانستند می گفتند آمریکا از روی عمد در کوششهای شاه برای یافتن دولت کارآمد کارشکنی کرده، تا ناظر به قدرت رسیدن حرکت اسلامی باشد. شریفی در برابر پرسش متحیرانه مأمور سفارت گفت که این برنامه زیرکانه کارتر بود تا یک کمربند اسلامی در سراسر خاورمیانه به وجود آورد تا از گسترش کمونیسم جلوگیری کند. طبق این نقشه، ژنرال هایزر از دسامبر تا ژانویه از ایران دیدن کرده بود تا اراده نظامیان ایرانی را سست کرده و به آنها القاء کند که نباید جنگ کنند. او برای این ادعایش دلیل دیگری آورد مبنی بر خالی شدن سربازخانه ها توسط سربازان ایرانی پیش از آغاز حمله مجاهدین. مأمور سفارت دلایل دیگری برای این مسئله عنوان کرد که شامل خرابی روحیه معنوی سربازان بود. شریفی به نحوی متقاعد شده بود که آمریکا تصمیم انهدام ارتش را گرفته بود تا نتواند در جنگی درگیر شود. ضمناً شریفی گفت که شاه به دوست خود دکتر صدیقی گفته بود که آمریکا باو نصیحت کرده تا کشور را ترک کند. مأمور سیاسی گفت که دروغ است، ولی شریفی بر آن اصرار داشت. (توضیح: موضوع فوق به تفصیل بیان شده چرا که اینک این برداشت حتی در بین قسمتی از افراد تحصیلکرده متجدد ایرانی که شامل بعضی عوامل ارتشی نیز می شود رسوخ کرده است. عوامل دلخوش کننده برای ناظران

غربی قابل رؤیت است، ولی عامل اصلی توجیه و تمایل ایرانیها به مقصر دانستن خارجیها در زمینه مشکلات خود به این گونه شایعات اعتبار بسیاری بخشیده است).

۷ شریفی سپس راه حل خود را مطرح کرد: ایران احتیاج به دولتی دارد که بتواند ۲۰ درصد جمعیت یعنی افراد نخبه متجدد را با حمایت اکثریت توده راضی و خوشحال نگهدارد. روش انجام این کار استفاده از کمک قبایل و عشایر و خریدن سیاستمداران به همان روش قدیمی می باشد. شریفی گفت که به دکتر حسین صدیقی، کسی که در دسامبر گذشته برای پست نخست وزیری تعیین شده بود بسیار نزدیک است. صدیقی مورد احترام کلیه جریانهای سیاسی ایران بجز کمونیستهاست وقتی از شریفی در مورد اینکه آیا او می خواهد صدیقی را وادار به قبول مقام بالا بکند سئوال شد، جواب داد احتمالاً بله و ادامه داد انتخاب یک شخص با ثبات به عنوان اولین رئیس جمهور ایران امری است ضروری (شریفی قبول دارد که ایرانیان سرسختانه به جمهوری اسلامی رأی خواهند داد).

۸ مشکل اساسی این است که جنبش جدید نیازمند سازمان دهی حامیان خود می باشد. زعمای ایرانی به راحتی می توانند توده مردم را با استفاده از روشهای تبلیغاتی جدید آمریکا و با تجربیات بازاریابی آمریکایی قانع سازند شاید این امر برای آمریکا جالب توجه باشد. مأمور سیاسی سفارت مجددا مؤدبانه و جدی به شریفی گفت که آمریکا دوست ندارد در سیاستهای داخلی دخالت کند. در حالی که همیشه علاقه مند به شنیدن نظرات سیاسی اغلب گروهها بوده ایم، ولی مایل به دخالت

نبوده ایم. شریفی نمی توانست بفهمد که چرا این قدر آمریکا مسائل را سرسری می گیرد، آیا سیا نمی خواهد کاری برای دفاع از منافع آمریکا انجام دهد؟ مأمور سیاسی سفارت تأکید کرد که آمریکا صادق است و بعد از توافق در مورد ادامه تماس این ملاقات طولانی پایان گرفت.

۹ نظریه: به نظر می رسد که شریفی یا دیوانه است و یا اینکه کاندید مناسبی برای تبدیل به شما آینده ایران باشد. تحصیلات آمریکایی به طور وضوح در او اثر کرده اند و او ایمان زیادی به شیوه های مدیریت آمریکا دارد. او یک نخبه درجه یک می باشد و این امر سبب می شود که ما به حمایت او از غرب اطمینان پیدا کنیم. او اظهار می دارد که به دکتر صدیقی نزدیک است و احتمالاً هم چنین است ولی روشن است، که آیا صدیقی از روش او نسبت به آمریکا مطلع است یا نه (ما فکر می کنیم نه). در حالی که او از عمق نفوذ اسلامی در سیاستهای مردمی ایران امروز آگاه نیست، معتقد است که در آینده سیاستهای غیراسلامی و یا ضداسلامی اعمال خواهد شد. احتمالاً این حرف او در زمانی که خمینی در به ثمر رساندن وعده های اقتصادیش شکست بخورد و توده مردم از او روگردان شوند درست خواهد بود. امکان این امر وجود دارد، ولی به نظر نمی رسد تا مدتی اتفاق بیفتد، ولی در خلال این مدت حوادث تداخل کننده جالب توجهی وجود دارند که بتوانند این مراحل را متوقف و یا تغییر جهت دهند. شریفی به دوستان و حامیانش در ارتش اشاره کرد، ولی مایل نبود که اسامی آنها را افشا کند. ما تماس با او را حفظ خواهیم کرد. تا اینکه ببینیم آیا کوششهایش به نتیجه خواهد رسید و آیا او و رهبر محبوبش که طرفدار نیروی بختیار می باشند. موفق به انجام چنین کاری قبل از آنکه توسط کارگزاران اسلامی از بین بروند خواهند شد یا نه.

ناس

تهران ۴۵۱۴

سند شماره (۳)

۱۰ ژوئن ۱۹۷۹ ۲۰ خرداد ۵۸سری تهران ۵۹۸۰

از: سفارت آمریکا در تهرانبه: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی . فوری ۱۹۱۱

موضوع: گروههای مخفی مخالف با خمینی از ایالات متحده تقاضای حمایت کرده اند.

۱ (سری تمام متن: تلگراف گزارشی)

۲ خلاصه: مشاور سیاسی در ۸ ژوئن با دو نفر که ادعای نمایندگی گروه کوچک زیرزمینی مخالف خمینی و نهضت اسلامی او را داشتند ملاقات کرد. رهبر گروه طرحی را به طور خلاصه مطرح کرد که در آن از طریق حمایت اقلیتهای قومی و تطمیع افراد اصلی کمیته خمینی، سقوط خمینی با مقداری نمایش قدرت عملی می شود. او خواستار حمایت آمریکا از طرحش شد، ولی مشاور سیاسی آن را رد کرد. این گفتگو با جزئیات، گزارش می شود چون بینش عمیقی نسبت به فعالیتهای مخفی که در حال حاضر انجام می گیرد، ارائه می دهد و مشکلات مخالفت با خمینی را همان طور که در گزارش تحلیل شده، منعکس می کند.

۳ در ۸ ژوئن فیروز شریفی مشاور سیاسی را به دیدن رهبر گروهی که شریفی قبلاً توضیح داده بود برد که سعی دارند نهضت میانه رو و مدرنی را جانشین نهضت ارتجاعی اسلامی خمینی سازند.

چون شریفی قبلاً در فعالیتهای طرفداران قانون اساسی شرکت داشت و با غلام حسین صدیقی نیز رابطه داشت، مشاور سیاسی گمان می کرد که به ملاقات صدیقی می رود. بعد از پیمودن مسیر طولانی در شمال تهران، مقصد منزل مهندس راه و ساختمانی بود به نام فِرد که یک شخص ارمنی است.

۴ «فِرد» سراغ اصل موضوع رفت. او پرسید که آیا مشاور سیاسی قبول دارد که کلیه پیروزی های خمینی با استفاده از پول به دست آمده است و بعد بدون شنیدن پاسخی گفت که مطلقا مخالف کمونیستها می باشد و افراطی گریهای خمینی به نفع آنان است. به این دلیل او یک گروه کوچک ۲۰۰نفری تشکیل داده تا برای برقراری سلطنت با خمینی مبارزه کند. او گفت که البته شاه هم اشتباهاتی داشت ولی آیا همه اشتباه نمی کنند؟ او گفت شاه توسط یک عده دزد احاطه شده بود که او را از اصل وقایع بی خبر گذاشته بودند، ولی او برای کشور خیلی کار کرده، حتی برای حرامزاده هایی که حالا خواهان مرگش هستند هم کار کرده است.

۵ فِرد گفت که او حدود ۱۵۰۰۰۰ دلار از پول خودش در این سازمان گذاشته و بعد پرسید آیا می دانی قیمت یک ژ ۳ چقدر است. ۳۰ هزار ریال. با اشاره به چند اسلحه ای که در اطاق بود و با باز کردن کیف دستی محتوی مقداری مهمات، فرد گفت ما تا به حال چندین عملیات داشته ایم به چند مقر کمیته و چند مقر پاسداران حمله کرده ایم آنها همچنین از مقداری از این پول استفاده کرده اند تا دوستانشان را که توسط کمیته های خمینی زندانی شده بودند، آزاد کنند. فرد گفت اگر شما معتقد بودید که فساد زیادی در زمان شاه وجود داشته، باید بدانید که امروزه ده برابر بدتر است و ملاها از همه بدتر هستند. فِرد نتیجه گرفته که فسادپذیری یکی از خصیصه های دائمی ایرانیان است، حتی آمریکاییها هم مصون نیستند، بعد از ۶ ماه از ورودشان، ایرانیان خوبی می شوند و به راه دیگران می روند، حتما مسئله ای مسری است.

۶ این فساد پذیری، اصلی بود که فرد بر مبنای آن استراتژی براندازی خمینی را پیاده کرده بود. تعدادی از گروهها هستند که آن طور که او ادعا می کرد، فایده ای برایش ندارند و جلب حمایت آنها کار ساده ای است. مثلاً بلوچها، دنباله رو هرکسی که به آنها چند کباب و مقداری برنج بدهد می شوند، آنها تا به حال چندین درگیری با افراد خمینی داشته و در هر مورد آنها را کاملاً عقب زده اند. یک بار هم آنها یکی از مشاوران سازمان آزادیبخش فلسطین را به همراه چند تن از نظامیان خمینی دستگیر کرده و بعد از خلع سلاح آنها را آزاد کرده بودند. فِرد گفت، اما آن عرب حرامزاده را کشتند.

۷ فرد گفت کردها پیشرفته تر و پیچیده تر هستند، ولی آنها هم خمینی را دوست ندارند. او ادعا کرد که اطلاعات معتبری دارد مبنی بر اینکه تمام کردستان، غیر از سنندج، تحت کنترل کردها می باشد. ژنرال حبیب اللّه پالیزبان استاندار سابق کرمانشاه که یک فرد کرد است در آنجا به سر می برد و افراد خمینی جرأت ندارند به منطقه وارد شوند. به گفته فرد پالیزبان مانند بقیه ژنرال ها ترسو نیست، او می جنگد. اگر بخواهد او می تواند تهران را در دو روز اشغال کند، ولی نمی داند چکار باید بکند و الان فقط نشسته و منتظر فرصت است.

۸ شریفی گفت که ترکمنها، بعد از مقابله خونین شان با کمیته گنبدکاووس در آوریل، به سازماندهی برای مقابله با نیروهای خمینی پرداخته اند. شریفی گفت که فداییان مارکسیست در این زمینه به آنان کمک می کنند. او هم چنین ادعا کرد که ترکمنها در درگیریهای قبلی، با روسها قراردادی

بسته اند که طبق آن می توانند از خاک شوروی به عنوان پناهگاه و سنگر استفاده کنند. آنها تماسهایی با آن طرف مرز برقرار کرده و مداوما از طریق این تماسها کمک دریافت می دارند، با پایان یافتن فصل درو در ترکمن صحرا ترکمنها منتظر برخورد دیگری با نیروهای خمینی هستند. شریفی گفت آنها این را فرصتی برای کسب سلاح بیشتر و استفاده بیشتر از مهماتشان می دانند.

۹ فرد گفت در ایران گروههای زیادی مانند گروه خودش وجود دارد که بر علیه خمینی فعالیت می کنند. او گفت که ما حداقل ۱۱۷ گروه می شناسیم و با بیشتر آنها در ارتباط هستیم. این گروهها از ۵۰ نفر تا چند هزار نفر عضو دارند و میانگین اعضاء آنها چند صد نفر است. فرد گفت چندین گروه از افراد دیوانه تشکیل شده. یکی از آنها طرح یک سری قتل را دارد که می خواهد آنها را به زودی پیاده کند و این برنامه در برابر کارهای فرقان خیلی وسیعتر است. فرد اضافه کرد که گروهش تماسهایی با این گروه افراطی دارند و حتی چند تای آنها چپی هستند، ولی گفت تماسهای گروهش، به گروههای همفکر محدود می شود. ما از ساواکیها و همچنین گروههایی که توسط ژنرالهای رژیم سابق هدایت می شوند، دوری می کنیم چون آنها فقط حرف می زنند. اعضا گروه فرد و گروههای دیگر از طریقه متوسط می باشند (ما آن حرامزاده های پولداری را که وقتی دیدند خمینی می آید فرار کردند، نمی خواهیم و بگفته فرد افسرهای رده پایین و حتی افسران وظیفه نیز می دانند چطور بجنگند).

۱۰ با منابع مالی کافی، فرد مدعی است که می تواند گروههای قومی مانند ترکمنها و حتی کردها و گروههای سیاسی همفکر را در تهران بسیج کند. بعد با دادن مقداری پول به مهره های اصلی کمیته ها و با یک نمایش قدرت، می توان به حیات سیاسی امام خاتمه داد. فرد افرادی را به اروپا فرستاده تا پیشنهادهایی به پولدارهای ایرانی آنجا بکنند (به گفته شریفی آنها در آسایش مطلق زندگی می کنند و خیلی مایلند که به این زباله دانی برگردند.) ولی شاید، چون مقداری از اموالشان را در ایران جا

گذاشته اند، حاضر نباشند پولی در این جهت خرج کنند. کوششهایی هم در جهت تماس با شاه انجام گرفته، ولی فرد گفت من را چه به او، من یک کنتراتچی هستم که هرگز شغل دولتی نداشته و خواهشی از او نکرده ام « کلاً» بیش از ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار لازم نداریم و ما باید سریع حرکت کنیم چون طی دو یا سه ماه آینده اتفاقی خواهد افتاد.

۱۱ مشاور سیاسی که منظور او را فهمیده بود، تاریخ دو دهه اخیر را یادآور شد و گفت که حتی اگر سیاست آمریکا بر مبنای عدم دخالت در امور ایران نبود، افکار عمومی آمریکا مسائلی را که فرد عنوان می کند نمی پذیرفت. بعد بحث طولانی در مورد نکاتی که فرد قبلاً گفته بود ادامه یافت. اشارات نامفهوم و تاریکی در مورد سرنوشت منافع آمریکا در ایران و این منطقه. در صورتی که ما به دوستان واقعیمان در این کشور کمک نکنیم، کرد. مشاور سیاسی بحث را با بیان این مطلب پایان داد که مسائل دیگری مانند، رهبری و هدف، نیز به اندازه منابع مالی... برای گروهی که بخواهد خمینی را براندازد مهم هستند، بعد اشاره کرد که شنیده است که چند نفر می گویند که دو یا سه ماه آینده خیلی حساس و تعیین کننده هستند و از فرد پرسید که موضوع از چه قرار است.

۱۲ شاید فرد از اینکه نتوانست پیشنهاداتش را قالب کند ناراحت شد، ولی چیزی نگفت، من با خانواده ام به لندن می روم. در این کشور ۱۵ میلیون حرامزاده بیکار و راضی هستند. من بیست سال است که به کار ساختمانی مشغول بوده و آنها را می شناسم آنها روزانه با دو نان گاهی یک نان و گاهی

نصف نان سر می کنند. لعنتیها آنها می توانند گرسنه بمانند، ولی خمینی را به خاطر بدبختیشان دوست می دارند و ما هم نمی دانیم چکار کنیم. ما طرحی داشتیم تا تلویزیون را منفجر کنیم. ما تانکر پیدا کردیم و آن را با ۵۰۰۰ کیلو تی ان تی پر کردیم، ما می خواستیم آن را در برابر ساختمان تلویزیون بگذاریم و با انفجار آن همه را بکشیم، ولی بعدا فکر کردیم برای چی؟ برای کی؟ من از نظر سیاسی قدرت طلب نیستم، این چیزها را نمی خواهم من فقط می خواهم کار ساختمانی لعنتی خودم را انجام دهم، من می خواهم ودکا بنوشم، ایران برای من اهمیت دارد.من این کشور فاسد را دوست دارم، می توانم برای آن بمیرم ولی باید بدانم چرا؟ من باید به لندن بروم.

۱۳ در راه بازگشت به سفارت، در ماشین، شریفی گفت که می خواهد یک بار دیگر شانس خود را بیازماید. او به زودی به آمریکا خواهد رفت. او در فکر ازدواج بود و پرسید آیا همسرش می تواند کارت سبز بگیرد، چون خودش کارت سبز دارد. او توانسته مقداری پول خارج کند و گفت برای این کار راههایی وجود دارد. عمویش می خواست دیسکوتکی در پاریس باز کند و گفت امکان دارد که خود او در آنجا سرمایه گذاری کند چون معامله خوبی است و در یک منطقه ای خوب قرار گرفته با آپارتمانهای زیادی که افراد جوانی در آن زندگی می کنند، احاطه شده است. او چندین تفنگ در منزل داشت، گاهی اوقات آن را بیرون می آورد تمیز می کرد و دستش را روی آن می کشید و فکر می کرد چقدر راحت می توان از آنها استفاده کرد. بنگ! یک ملا، بنگ، بنگ، یک امام. احتمالاً تا یک هفته دیگر به واشنگتن خواهد رفت، ولی او مصرانه می گفت همان لحظه ای که تغییری در اوضاع اینجا پیدا شود من با اولین هواپیما بر می گردم به این محل عوضی، به این زباله دانی بر خواهم گشت... چه خوابهایی... چه رؤیاهایی.ناس سری

سند شماره (۴)

سری ۹ سپتامبر ۷۹ ۱۸ شهریور ۵۸سری: تهران، ۹۸۹۷

از: سفارت آمریکا در تهرانبه: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی.سی ۳۶۹۱

موضوع: توطئه گران ایرانی

۱ (سری تمام متن)

۲ طی صرف نهاری در ۶ سپتامبر با دوستی که تاجر ایرانی بود از کارمند سیاسی پرسیده شد که آیا دولت آمریکا به طریقی از فیروز شریفی در کوششهایش برای تشکیل ائتلافی در جهت براندازی دولت موقت، حمایت می کند یا نه. تاجر ایرانی گفت که شب قبل او به خانه عمویش احضار شده بود تا با «فرد جالبی» ملاقات کند. این فرد جالب فیروز شریفی بود که طی برنامه غیر رسمی آن شب حضار را مطلع ساخته بود که آمریکاییان از او خواسته اند تا گروهی برای به دست گرفتن دولت تشکیل دهد. فیروز شریفی ظاهرا در چند روز آینده به پاریس می رود تا با گروههای تبعیدی مختلف ملاقات کند. این تاجر گفت که دو فرد دیگر که در رابطه با بختیار بودند و اخیرا از پاریس آمده بودند نیز در گردهمایی حضور داشتند.

۳ در صحبتی که روز بعد کارمند سیاسی با تاجر داشت، او را مطلع کرد که مشاور سیاسی تامست با شریفی ملاقات کرده (تلگراف مرجع) و او از آمریکا کمک خواسته بود، ولی به او جواب رد

داده شد. کارمند سیاسی گفت که از اینکه شریفی سعی کرده ما را با طرحهایش در ارتباط جلوه گر نماید خیلی ناراحت هستم.

تامست

تهران ۹۸۹۷ سری

سند شماره (۵)

۱۴ سپتامبر ۱۹۷۹ ۲۳ شهریور ۵۸(خیلی محرمانه)

از: سفارت آمریکا در پاریسبه: وزارت امورخارجه در واشنگتن دی سی ۵۲۵۶

برای اطلاع: سفارت آمریکا در تهران ۴۳۷۹خیلی محرمانه پاریس ۲۸۷۴۱

مرجع: الف تهران ۹۸۵۰، ب تهران ۹۸۹۷، ج پاریس ۲۵۰۰۵

موضوع: تماس با ایرانیهای تبعیدی

۱ خیلی محرمانه تمام متن

۲ ما با علاقه و رغبت تجزیه و تحلیلهای سفارت آمریکا در تهران را در مورد نقش محدود سیاسیون تبعیدی در فرانسه و جاهای دیگر که کوشش دارند باعث تغییرات سیاسی در ایران بشوند دنبال می کنیم (مرجع الف). در مورد فیروز شریفی، اگر او احیانا با سفارت تماس گرفت، با نهایت احتیاط با او برخورد خواهیم کرد، مخصوصا با توجه به ادعاهای او مبنی بر حمایت آمریکا از نقشه هایش.

۳ از آنجایی که در حال حاضر فرانسه مرکز عملیات ایرانیان تبعیدی ضد رژیم شده (مهم نیست که تا چه حد مؤثر بوده اند) ما از هرگونه راهنمایی که از طرف وزارت امور خارجه در رابطه با چگونگی تماس با تبعید شدگان، بشود ممنون و متشکر خواهیم شد. در این مورد جواب به سئوال

پاراگراف ۷ مراجع ج که آیا می بایست تماس خود را با نهاوندی حفظ کنیم یا نه مفید خواهد بود.

هارتمن خیلی محرمانه

منوچهر گنجی

گنجی وزیر آموزش و پرورش رژیم شاه و از اطرافیان همسر شاه معدوم در ملاقات خود با مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا ادعا می کند مدتی پس از پیروزی انقلاب در تهران نزد وابستگانش بوده و کسی برای دستگیری او مراجعه نکرده است. وی بعدا از طریق مرز ترکیه از کشور می گریزد. وزارت خارجه آمریکا در خرداد ماه ۵۸ از طریق یکی از دوستانش مطلع می شود که گنجی در آمریکا در حال اختفا به سر می برد و این خبر را با عنوان میانه روها علیه انقلاب اسلامی به سفارت آمریکا در تهران منعکس می نماید. گنجی در ملاقات فوق در تیرماه از آمریکاییها می خواهد که در امور ایران دخالت نمایند. در پاسخ مقام آمریکایی که آمریکا چه باید بکند گنجی می گوید: «باید دنبال کسی بگردیم و حمایتش کنیم که بتواند بعد از این که خمینی که ناگزیر در شش ماه یا یک سال آینده قدرت را از دست می دهد، منافع ما را حفظ کند.» گنجی در مقابل پاسخ این مقام آمریکایی که هیچ یک از گروههایی که آنها شناسایی کرده اند از تشکیلات و حمایت و هدف و واقعی برخوردار نیستند،

به شریعتمداری و فرد دیگری اشاره می کند.

از ادامه تماسهای گنجی با مقامات آمریکایی اطلاعی در دست نیست، لیکن فعالیتهای علنی سیاسی بعدی این فرد در آمریکا حکایت از استمرار حمایت آمریکا از این حرکت و جریان وابسته می باشد.

سند شماره (۱)

خیلی محرمانه

منوچهر گنجی وزیر آموزش و پرورش

منوچهر گنجی ۴۵ ساله در نوا مبر ۱۹۷۶ به سمت وزیر آموزش و پروش منصوب شد. وی پس از اتمام تحصیلات دبیرستانی در تهران، در رشته علوم سیاسی دانشگاه کنتاکی درجات فوق لیسانس و دکترا و از دانشگاه کمبریج دیپلم حقوق بین المللی و دکترای فلسفه از دانشگاه ژنو دریافت کرد. وی تا هنگام مراجعت خود به ایران در سال ۱۹۶۶ در ژنو مانده و در قسمت دبیرخانه سازمان ملل کار می کرد.

وی سپس به دانشکده حقوق دانشگاه تهران پیوست و اولین دبیر کل مرکز مطالعات بین المللی شد. وی در سال ۱۹۶۷ به سمت جانشین شاهزاده اشرف در کمیته دولتی ایران در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل منصوب شد. وی در سمت خود به عنوان مخبر مخصوص کمیته، نوشتار مفصلی در مورد نظر گاههای حقوق بشر در زمینه آپارتاید تهیه کرد. این گزارش که نسبت به رودزیا، آفریقای جنوبی و پرتغال شدیدا انتقادآمیز بود، جنجال عظیمی در ایران بپا کرد و سبب شد که دولت پرتغال از سفر وی به سرزمینهای آفریقایی تحت استعمار پرتغال جلوگیری به عمل آورد. وی در سال ۱۹۶۹ رئیس دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد، در آن سال نیز وی از طرف کمیسیون حقوق بشر سازمان

ملل به انجام یک مطالعه در مورد نتایج اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل که در سال ۱۹۶۸ انتشار یافته بود، مأمور شد. وی در سال ۱۹۷۴ به سمت مشاور نخست وزیر در امور دانشجویان خارج کشور منصوب شد ولی سمت خود را در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و همچنین کرسی استادی خود را در حقوق بین المللی حفظ کرد. عقیده بر این است که وی علیرغم ورود به کابینه همچنان به خدمت در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ادامه خواهد داد.

گنجی به مناطق زیادی مسافرت کرده است که شامل یک سفر به چین در سال ۱۹۷۳ می شود و به زبانهای انگلیسی و فرانسه صحبت می کند. ثریا همسر او (که از اقوام نزدیک خانواده فرمانفرمائیان می باشد) در امور مربوط به زنان فعال می باشد. گنجی علاوه بر گزارشات خود در سازمان ملل مقالات متعدد و یک کتاب درسی در زمینه حقوق بین الملل منتشر کرده است.

کارمندان سفارت در طول سابقه خدمتی او تماسهای وسیعی با وی داشته اند. وی که مرد کوتاهی است به عنوان، روشنفکر، جاه طلب، عاقله مرد، سخت کوش و طالب قدرت بنابه دلایل شخصی و فلسفی توصیف شده است. گنجی در عین حال که نسبت به آمریکاییان رفتاری صمیمانه دارد، ولی شدیدا از مواضع ایران دفاع می کند و در مسائل بین المللی و با توجه به مشکلات کشورهای کمتر توسعه یافته، موضع مستقلی را اتخاذ می کند. وی در ابتدا با حمایتهای اشرف و این اواخر با حمایتهای

ملکه ترقی کرده است. وی یکی از اعضای هیئت تحقیق و بررسی تکنوکراتهای روشنفکر فرح می باشد و در کنفرانسهای بین المللی اخیر در مورد مسائل ایران یکی از مشاوران فرح بود.

آوریل ۱۹۷۷

خیلی محرمانه

سند شماره (۲)

تاریخ: ۶ ژوئن ۹ ۱۶ خرداد ۵۸طبقه بندی سری

از: وزارت امورخارجه در واشنگتن دی سی به: سفارت آمریکا در تهران فوری

شماره : ۵۱۴۳(سری)

موضوع: میانه روها بر علیه انقلاب اسلامی

یکی از دوستان منوچهر گنجی در واشنگتن تأیید کرد که وی هم اکنون در ایالات متحده بوده و در اختفا به سر می برد.

ونس

سری

سند شماره (۳)

تاریخ: ۲۸ ژوئن ۱۹۷۹ ۷ تیر۱۳۵۸سری

یادداشت مکالماتی

شرکت کنندگان: آقای منوچهر گنجی، وزیر سابق آموزش و پرورش آقای هنری پرشت، مدیر قسمت مربوط به امور ایران

موضوع: اوضاع در ایران

آقای گنجی، همان طور که آقای یوست میزبان قبلیش در مؤسسه آسپن قبلاً زمینه آن را فراهم کرده بود به ملاقات من آمد. گنجی از فوریه گذشته در تهران بوده و اخیرا از طریق مرز ترکیه گریخته است او در تهران نزد وابستگانش بوده، ولی هیچ کس برای دستگیری او مراجعه نکرده بود.

تجارب وی در منطقه مرزی مانند تجارب ناشی از اقامتش در تهران او را متقاعد کرده که ایران به طرف خطرات جدی پیش می رود. او گزارشهایی حاکی از قاچاق اسلحه به کشور، در دهکده های منطقه کردنشین که از آنها بازید کرده بود، دریافت کرده است. مهماندارش در یکی از دهکده ها کسی بود که علنا از حزب توده حمایت کرده و گنجی را نماینده آلمان شرقی معرف کرده بود. گنجی فکر می کرد که عربها و کردها و چپیها دارند قدرت را به دست می گیرند و حرکت چپیها بخصوص در نیروهای مسلح بارزتر است. در چنین اوضاعی و از دید جغرافیایی و سیاسی، آمریکا باید کاری انجام دهد. پرسیده شد چه بایستی بکنیم. او گفت که باید دنبال کسی بگردیم و حمایتش کنیم که بتواند منافع ما را بعد از اینکه خمینی ناگزیر، در ۶ ماه یا یک سال آینده، قدرت را از دست داد، حفظ کند.

وقتی گفتم که هیچ یک از گروههایی را که ما توانسته ایم شناسایی کنیم از تشکیلات و حمایت و هدف واقعی برخوردار نیستند، گنجی گفت چنین کسانی وجود دارند. او از افرادی نظیر شریعتمداری و

تیمسار فربد رئیس ستاد ارتش نام برد و گفت که به آمریکا علاقه دارند و به طور جدی ضد کمونیست هستند. اگر آمریکا حامیانش را در ایران از دست بدهد، پیروزی از آن عناصر چپی (که همیشه در ارتش به صورت پنهانی با قدرت بوده اند) و یا پاسداران انقلاب اسلامی که حامیان خمینی به وجودش آورده اند خواهد بود. گنجی دولت با زرگان را بسیار صادق، ولی به شدت ضعیف توصیف کرد. بیشتر کسانی که بازرگان را تحسین می کنند معتقدند که بازرگان می بایست در ماه مارس استعفا می داد. گنجی هیچ ایده ای در مورد اینکه چه کسی بعد از او باید روی کار آید، نداشت، معهذا او فکر می کرد که یزدی فرد با نفوذی است. اما پیشنهاد کرد که ما نباید دکتر چمران را از نظر دور داشته باشیم، چون او فردی است ایرانی که در لبنان در تبعید به سر برده و در حال حاضر از دیگر رهبران ایرانی خیلی باهوشتر و سخنورتر است.

گنجی حمایت ایرانیها از شاه را ناچیز می داند، اما فکر می کند که در صورت بروز عکس العمل، ولیعهد ۲۰ تا ۳۰ درصد شانس بازگشت خواهد داشت. گنجی گفت که او با گروه کارمندان دولتی و دیگر حرفه ایهایی که در زمان وزارتش به عنوان مشاوران خصوصی برای ملکه ایجاد کرده بود، در تماس است. اینها اشخاص لیبرالی هستند که خواهان روی کار آمدن دولتی با صداقت در ایران بوده و از درون نظام حکومتی با شاه مخالفت می ورزیده اند. تعدادی از آنها در دولت موقت پستهایی دارند. آنها به کلی از اعمال نفوذ روحانیون تندرو در امور ایران ناراحت هستند. افراد این محفل، اشتباهات زیادی را که در دولت شاه وجود داشت به او گزارش کرده بودند. او این گزارشها را به ملکه داده بود ولی ملکه به دلیل خودبینی شاه و احساس ناامنیش قادر به ایجاد تغییر رویه ای در اعمال شاه نبود. به عبارت دیگر شاه حاضر نبود بر علیه افرادی که برای او اهمیت داشته، ولی فاسد نیز بودند اقدامی به عمل آورد.

تابستان گذشته ملکه به گنجی گفته بود که آمریکاییها می خواهند که پهلویها ایران را ترک کنند. گنجی عقیده داشت که در ژانویه گذشته ما به شاه دستور داده بودیم که ایران را ترک کند و به او گفته بودیم که به نفع اوست که از کشور خارج شود. من این موضوع را به شدت تکذیب کردم. اما او گفت که این موضوع حقیقت دارد و احتمالاً پیغام توسط ژنرال هایزر آورده شده بود. گنجی گفت که در اواخر نوامبر گذشته به شاه در مورد فساد بیش از حد خانواده سلطنتی مطالبی ایراد کرده و گفته بودم که لازم است در این باره کاری انجام شود. شاه گفته بود که این موضوع را به آجودان او تیمسار فردوست بگویم، ولی این موضوع خود به خود فراموش شد. این عملی بوده که همیشه در سیستم انجام می گرفته، همه از اقدام بر علیه خطاکاران، بخصوص اگر این خطاکاران از اعضای خاندان سلطنتی بودند، می ترسیدند. آمریکاییها مسئولیت بخصوصی در این مورد داشتند. چرا که آنها شاه را روی کار آورده و نگهداشته بودند و اجبارا بایستی توجه می داشتند که شاه یک دولت با لیاقت را رهبری می کند.

من از گنجی پرسیدم که آیا عاقلانه است که شاه به این کشور بیاید. او گفت فکر می کنیم که این کار اشتباه است. او پرسید آیا امکانش هست که ولیعهد به اینجا (آمریکا م) بیاید. من گفتم فکر می کنم که اگر او بخواهد به دانشگاه برود، بتوان ترتیب این کار را داد. اما گمان می کنم که این کار برای شخص جوانی چون او که مشتاق گذراندن یک زندگی عادی است، مشکل باشد. چون در رابطه با او

مشکلات امنیتی و حقوقی بسیاری به وجود خواهد آمد و تصور می کنم که این موضوع در هر جای دیگری هم صدق کند، اما چون از رفتار ولیعهد آگاهی دارم، فکر می کنم که محافظت شدید از او در آمریکا برایش غیر قابل تحمل باشد. امکان دارد این کار از جهات سیاسی در ماههای آینده عملی باشد. به نظر من شاه نیز می تواند بعدها به ایران بیاید و این کار خالی از اشکال خواهد بود، ولی باید مدتی بگذرد تا ما بتوانیم موضع خود را در ایران بازسازی کرده و شاه نیز خونسردی خود را به دست آورد. در مورد امید ولیعهد به ایفای یک نقش سیاسی اظهارات تردید کرده و گفتم نمی دانم که یا اقامت وی در آمریکا کمکی به این امر خواهد کرد یا نه. گنجی با ابراز موافقت گفت، ایرانیها به شخصی که دوران سختی را گذرانده احترام می گذارند. ولیعهد هم اگر در تبعید به سر برد از چنین وضعی برخوردار خواهد شد.

گنجی اظهار داشت که می گویند شاه پول زیادی از ایران خارج کرده است. وی گفت بعید نیست که او این پولها را توسط دولت ایران خارج کرده باشد که اگر چنین باشد او یک دزد تمام عیار است.

گنجی خودش بعد از انقلاب در ایران مانده بود. تا اینکه اسمش را از فهرست کسانی که پول از کشور خارج کرده اند پاک کند.

او این کار را توسط دادستان کشور انجام داده بود. معهذا به خاطر اینکه با رژیم فاسد سابق در ارتباط بوده تحت تعقیب است. گنجی گفت فقط ۶۰۰۰ دلار در بانک دارد و دنبال یک شغل تدریس در آمریکا می گردد. امکان دارد که او کتابی درباره رژیم شاه بنویسد که نشانگر تمام خطاهای او باشد.

در بحث و گفتگویی که ۲ ساعت به طول انجامید گنجی مرتبا تکرار می کرد که آمریکا بایستی در ایران فعال شود وگرنه ایران را با قصور و غفلت از دست می دهد. او در بحث خود راجع به این موضوع مانند دیگران استدلال می کند و مانند بسیاری از افراد دیگر چاره و درمان مشخصی برای مسئله ای که

در حال حاضر موجود است ارائه نمی کند.

هنری پرشت سری

فریدون افشار پالیزبان

در سند باقیمانده نیز از تماس مستقیم مأمورین آمریکایی با افرادی که از آنها صراحتا به عنوان «توطئه گر» یاد می شود حکایت می کند. فریدون افشار یک استاد تحصیلکرده آمریکا که یک دوره نیز در مجلس شاه نماینده! بوده است، متعاقب تماسهای تلفنی بالاخره در ملاقات با مشاور سیاسی سفارت در مرداد ۵۸ سخن از نیاز وی به حمایت آمریکا در راه اندازی یک تشکیلات نظامی در آذربایجان با هدف سرنگونی نظام انقلابی جدید می راند. جواب افشار نیز کم و بیش با توجه به برآوردی که از میزان موفقیت او داشته اند مشابه سایرین است. اما در قیاس با دیگران ظاهرا افشار بر نظامیان فراری و جوانان ناقص العقل و اشراف عالیمقام و... ترجیح داده اند و حساب بیشتری روی او باز کرده بودند. سند دوم حاصل گفتگو با جهانشاه پالیزبان برادر پالیزبان فراری است که مقامات آمریکایی را در جریان خروج غیر قانونیش از کشور می گذرد. جهانشاه پالیزبان در عین حال مقداری از برادرش که در آن زمان در مورد فعالیتهای ضد انقلابی او تبلیغات زیادی وجود داشت صحبت می کند.

سند شماره (۱)

۱۴ اوت ۱۹۷۹ ۲۳ مرداد ۵۸خیلی محرمانه تهران ۹۰۶۴

از: سفارت آمریکا در تهرانبه: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: درخواست کمک برای تشکیل نیروهای نامنظم نظامی بر علیه جنبش اسلامی

۱ (خیلی محرمانه تمام متن)

۲ خلاصه: در ۸ اوت فریدون افشار در گفتگو با مشاور سیاسی سفارت آمریکا خواستار کمک برای تشکیل یک نیروی نظامی در منطقه آذربایجان شد که بتواند برای دفع قدرت جنبش اسلامی مفید واقع شود. مشاور سیاسی تقاضای او را رد کرد و خاطرنشان ساخت که سیاست آمریکا مبنی بر عدم دخالت در امور داخلی ایران می باشد. افشار گفت که انتظار چنین جوابی را داشته است، ولی با این وصف در راه عملی ساختن نقشه خود گام برخواهد داشت. پایان خلاصه.

۳ در ۸ اوت فریدون افشار دوباره با کاردار تماس گرفت و درخواست ملاقات کرد. کاردار فکر می کرد که شخص مزبور «فرید» است که شریک حقوقی رمزی کلارک، وکیل «لواین»، چند هفته پیش گفته بود که به خاطر اوضاع یهودیان در ایران با او تماس خواهد گرفت. به هر حال برای اطمینان بیشتر کاردار به مشاور سیاسی سفارت گفت که با افشار تماس گرفته تا منظور او را دریابد. بعدا معلوم شد که افشار مسائلی غیر از مسائل یهودیان ایران دارد. افشار به مشاور سیاسی سفارت گفت که از مدارس میسیونری ارومیه و تبریز فارغ التحصیل شده و در چندین دانشگاه آمریکا (از جمله آیداهو، اکلاهما، شیکاگو ییل و جان هاپکینز) تحصیل کرده و دکترای زمین شناسی خود را گرفته است. او همچنین یک دوره کوتاه مدت را در فاصله بین دوره تکمیلی لیسانس و مراجعت به آمریکا در دانشگاه نظامی ایران گذرانده است. زمانی که نفت در ایران ملی شد، افشار به خاطر کمک به پیدا کردن

مناطق نفت خیز خارج از حوزه امتیاز بریتیش پترولیم از مؤسسه اسمیتونیان به ایران دعوت شده بود. او اولین چاه نفت حوزه قم را وارد مرحله تولید کرده بود و بعدا به دانشگاه تهران رفت و در سال ۱۹۵۶ به عنوان نماینده مجلس از ارومیه (که در آن زمان رضاییه بود) انتخاب شد. به هر حال او در سال ۱۹۶۱ به خاطر سرخوردگی از مسائل سیاسی کاندید نمایندگی مجلس نشد و مجددا مشغول تدریس در دانشگاه تهران گردید.

۴ افشار گفت افرادی نظیر او در حالی که هرگز با بودن شاه موافق نبوده اند، از بی نظمی ملاها در ایران نیز مطلقا خسته شده اند. و واضح است که آنها قادر نیستند یک اقتصاد مدرن را پیاده کنند او گفت که به تازگی از ارومیه برگشته و در آنجا شاهد وقایعی مبنی بر درگیری بین کردها و مقامات محلی در سرو بوده است. او اظهار داشت که منطقه مرزی ترکیه و عراق در کنترل کامل کردها می باشد. آنها بیش از ۶ پاسگاه ژاندارمری را بدون مقاومت تصرف کرده اند. و پاسدارانی را که از ارومیه برای بازپس گرفتن این پاسگاهها فرستاده شده بودند به خاک و خون کشیده اند. پاسداران بی انضباط و بدون آموزش بوده و حتی برای کردهای فاقد تشکیلات آنچنانی نیز رقیبی به حساب نمی آیند و ارتش نیز در ارومیه از جنگیدن خودداری می کند.

۵ افشار گفت که چنین وضعی برای آنچه که او تصمیم گرفته انجام دهد ایده آل است. او گفت که استخدام نیرویی در حدود ۲۰۰۰۰ الی ۳۰۰۰۰ نفر در آذربایجان ساده است و می توانیم آنها را در

منطقه مرز ترکیه جایی که در تصاحب هیچ کس نیست آموزش دهیم و بعدا شمال غربی ایران را به تصرف درآوریم. او گفت ایران حدود ۱۸ میلیون ترک دارد که از این ۱۸ میلیون حدود ۱۶ میلیون ترک آذری هستند که این تعداد از آذربایجان گرفته تا قلب تهران پراکنده می باشند و در حدود ۲ میلیون ترکمن و قشقایی نیز در شمال شرقی و جنوب وجود دارند. بیش از ۹ تا ۱۰ میلیون فارس خالص وجود ندارد که تنها در قسمت مرکزی ایران متمرکز گشته و به وسیله ترکهای مسلح و کردها و عربها و بلوچها محاصره شده اند. علما فقط در بین فارسها قدرت دارند. اگر ترکهای شمال غربی و تهران را محاصره کنند، دیگر اقلیتهای غیر فارس نیز به آنها در خلع ید کردن مذهبیها در بقیه کشور یاری خواهد کرد.

۶ افشار صراحتا گفت که برای پیشبرد نقشه اش احتیاج به کمک دارد. حداقل برای شروع این کار احتیاج به پول دارد. کمک تسلیحاتی و آموزش نیز مفید خواهد بود. اغلب ترکها چشمان آبی و موهای بور دارند و بنابراین طبق گفته او اگر تعدادی مشاور خارج در تهیه نقشه ها دخالت کنند مشخص نخواهد شد. بعید به نظر می رسد که با فقدان کنترل دولت مرکزی در مرز آذربایجان با ترکیه، کسی متوجه اعمال آنان بشود. او امیدوار بود که آمریکا منافع پشتیبانی از شخصی مانند او را درک کرده باشد. او گفت که من در مدارس شما فارغ التحصیل شده ام و من می دانم که شما به چه چیزهایی معتقد هستید و من هم به آنها معتقدم. خطر واقعی این نیست که چپیها بعد از مدتی مذهبیها را بیرون کنند و قدرت را به دست بگیرند، چون مارکسیسم در بین مردم پایگاهی ندارد. بلکه این است که بعد از ادامه بحرانها در ایران، شوروی وقت را غنیمت شمرده و دخالت کند و این چیزی است که خطرهای جدی برای منافع آمریکا در این قسمت دنیا دارد نه آنکه تعدادی ایرانی و چپگرا در اداره نخست وزیری بنشینند.

۷ مشاور سیاسی سفارت به افشار گفت که آمریکا نمی تواند از نقشه او پشتیبانی کند و این برخلاف سیاست آمریکا مبنی بر عدم دخالت در امور داخلی ایران می باشد. او گفت که بعد از نتیجه ویتنام و واترگیت مردم آمریکا ماجراجوییهای خارجی را تحمل نمی کنند. افشار گفت که انتظار چنین جوابی را داشته، اما فکر می کند که حداقل کوشش را برای نشان دادن ارزش نقشه اش انجام داده است. او به هر حال این کار را دنبال خواهد کرد.

۸ نظریه: افشار یکی از مهمترین توطئه گرانی می باشد که تا به حال مشاور سیاسی سفارت ملاقات کرده است. افشار یکی از متخصصین دانشمند می باشد و مردی است که در زندگیش با واقع بینی با مشکلات برخورد کرده.

برای مثال از نظر او فقدان و نظم و منطق جمهوری اسلامی اهانتی است بر ارزشهای شخصی احساسات وی. به نظر نمی رسد که او فردی باشد که تصمیم داشته باشد برای براندازی فوری و سریع حکومت، ناگهان و بدون تعمق قبلی ارتشی را تشکیل دهد. به نظر می رسد که او به دقت ضعف دشمن را محاسبه کرده، ولی اینکه آیا او می تواند چنین نیرویی را تشکیل دهد یا نه نامعلوم است، اما اگر چنین نیرویی بخواهد متشکل شود فقط، شخصی مثل افشار، احتمالاً این کار را بهتر انجام خواهد داد تا یکی از ارتشیان عالیرتبه ایرانی که اراده شان در فوریه گذشته خرد شده و یا اشراف عالیمقام و مادیگرا که از پاریس و لوس آنجلس توطئه می کند و یا جوانان ناقص العقل که در خیابانهای دورافتاده

تهران با اتومبیلهای ب ام و می گردند و برای آنها توطئه چینی یک نوع بازی به حساب می آید.

لینگن

خیلی محرمانه

سند شماره (۲)

تاریخ: ۲۶ اوت ۷۹ ۴ شهریور ۵۸خیلی محرمانه

دولت ایالات متحده آمریکا

گزارشگر مایکل. جی. مترینکو سیاسی

یادآوری

موضوع: موقعیت فعلی خانواده پالیزبان

من عصر روز ۱۲ اوت (۲۱ مرداد) و در حدود ۲ ساعت در روز ۲۳ اوت (اول شهریور) را به گفتگو با جهانشاه پالیزبان برادر ژنرال عزت اللّه پالیزبان پرداختم. تبلیغی که پیرامون فعالیتهای ضد انقلابی منتسب به ژنرال می شود اثرات بدی در آسایش اعضای خانواده که هنوز در ایران به سر می برند داشته است و جهانشاه پالیزبان موقعیت اقوام مختلف پالیزبان را به شرح زیر توضیح داد:

پدر و مادر ژنرال پالیزبان در ۲۱ اوت (۳۰ مرداد) پاسداران کمیته به خانه پدر و مادر ژنرال در کرمانشاه حمله بردند. پدر او که ۹۵ ساله است و در شرایط مزاجی بدی است دستگیر شده است. بر طبق روایاتی که جهانشاه از دیگران در کرمانشاه شنیده پدرش بر روی پاسداران کمیته، در حالی که آنها تلاش می کردند به زور وارد خانه شوند، آتش گشود. جهانشاه در صحت روایت تردید چندانی ندارد، چون پدرش فردی است که در مقابل این گونه دستگیریها حتما مقاومت می کند. مادر ژنرال و همچنین خواهر بزرگترش که با پدر و مادرش زندگی می کردند ناپدید شده اند و خانه نیز اکنون در

دست کمیته است جهانشاه اظهار داشت که از تاریخ ۲۳ اوت (اول شهریور) اطلاعی ندارد که خواهر و مادرش کجا هستند، ولی گمان می برد که آنها در امان باشند.

خواهر ژنرال پالیزبان یک خواهرش فرماندار سابق مشهد بود که با ژنرال امانی رئیس پلیس مشهد ازدواج کرده بود. ژنرال امانی بعد از انقلاب اعدام شد و خواهر پالیزبان هم اکنون در اختفا به سر می برد. طبق گفته جهانشاه ترتیبی داده شده که این خواهر مخفیانه ایران را ترک کند و او یا به انگلستان خواهد رفت (که در آنجا خانه ای دارد) و یا به آلمان غربی جایی که یک عمه (خاله) پیر دارد که می تواند با او زندگی کند. پسر یکی از خواهرها دانشجوی نیروی دریایی بود، ولی پس از انقلاب استعفا کرد. در انجام این کار دریادار مدنی (فرمانده نیروی دریایی و استاندار فعلی خوزستان) او را یاری داده بود و ظاهرا دوست خانوادگی است. این پسر و دیگر فرزندان ژنرال امانی در آینده نزدیکی ایران را ترک خواهند کرد.

جهانشاه پالیزبان همسر و فرزندان جهانشاه کمی بعد از انقلاب ایران را ترک کرده و اکنون در آمریکا به سر می برند. زمینهای وسیع مزروعی او در منطقه همدان هفته پیش ضبط شد و مباشر او که یک فامیل دور اوست و در حدود ۳۰ سال دارد در همدان زندانی شده است. مدت کوتاهی پس از انقلاب فوریه (بهمن) املاک وی در همدان به وسیله عده ای اشغال شده، ولی جهانشاه توانسته بود که

زمینها را از طریق تماسهایش با کمیته محلی دوباره به دست بیاورد، چون در آن زمان مورد سوءظن نبود. محصولات املاک بدون دردسر درو شد و خرمنها جمع آوری شد و به دفتر کشاورزی کرمانشاه فروخته شد. اخیرا رئیس دفتر کرمانشاه از پرداخت هرگونه وجهی به جهانشاه امتناع ورزیده و اظهار می دارد که او هیچ پولی به پالیزبان پرداخت نخواهد کرد. جهانشاه در تلاش بود که این موضوع را پی گیری کند که ناگهان موقعیت خودش نامشخص شد. روزنامه کرمانشاه در هفته دوم اوت نام او را منتشر کرد و درخواست نمود که هر کس از او شکایتی دارد آن را به دفتر دادستان انقلاب کرمانشاه ارائه کند. قبل از آن موقع تنها دردسری که جهانشاه با کمیته داشت ۲ جلسه بازجویی کوتاه در تهران بود. او بازجویی را مؤدبانه و حتی دوستانه توصیف کرد. بازپرسها علاقه مند به دانستن محل اختفای برادرش بودند.

جهانشاه پالیزبان ممنوع الخروج از ایران نبوده و در نظر داشت که در ۲۵ اوت (۳ شهریور) عازم آمریکا شود. در ۲۲ اوت به وسیله یک دوست که در نزدیکی اقامتگاه او در تهران زندگی می کند به او تلفن شد و گفته شد که به آپارتمانش برنگردد، زیرا پاسداران انقلاب در همان لحظه برای پیدا کردن او وارد آپارتمان شده اند. وقتی من جهانشاه را در ۲۳ اوت دیدم ظاهرا در مخفیگاه بود. پاسپورت او هم اکنون در فرودگاه است تا قبل از پروازش آن را بگیرد، ولی جهانشاه معتقد بود که اگر او بخواهد از طریق فرودگاه مهر آباد خارج شود بازداشت و دستگیر خواهد شد. او در تلاش بود که در مورد نحوه عمل تصمیم بگیرد و راههای چاره او اینها بود: ۱ از طریق مرز کردستان از ایران فرار کند.

۲ تلاش کند که از بلیط هواپیمایش استفاده کند و در مورد دستگیری ریسک کند و یا ۳ خودش را به دفتر دادستان انقلاب در تهران معرفی کند، البته پس از اینکه از یکی آیت اللّه بخواهد تا برایش پادرمیانی کند.

ژنرال پالیزبان، همسر و فرزندان بر طبق گفته جهانشاه همسر ژنرال در امان است، ولی از اظهار جزئیات مربوط به محل اختفای او طفره رفت. او گفت «عملاً وی (همسر پالیزبان) در خارج از ایران است.» داماد ژنرال پس از انقلاب توسط پاسداران کمیته دستگیر شد و به مدت سه هفته در ضمن اینکه راجع به محل ژنرال مؤاخذه می شد، در زندان نگهداشته شد یک پسرش (انوشیروان) در کالیفرنیا به مدرسه می رود. پسر دیگر که دانشجوی مدرسه کشاورزی کرمانشاه بوده پس از انقلاب دستگیر می شود، ولی ظاهرا در امان است. جهانشاه در ابتدا اظهار داشت که نمی داند برادرش کجاست، ولی بعدا اشاره کرد که او ممکن است هنوز در منطقه کردستان ایران باشد. او گفت در زمان جنگ جهانی دوم برادرش موفق شده بود که به خاطر شناختش از منطقه کردستان به مدت ۶ ماه نیروهای دشمن را از سر باز کند و در آن زمان مقامات هرگز موفق به یافتنش نشدند. از آن به بعد او این شانس را داشته است که تماسهای وسیعی با مردم منطقه داشته و تجربه خیلی ارزشمندی نیز در مورد عملیات اطلاعاتی ارتش ایران دارد. بنابراین پیدا کردن او کاری است تقریبا غیر ممکن.

مترینکو

خیلی محرمانه

کتاب شصت و نهم

کشورهای رو به رشد، امکانات نفتی، سیاستها و محدودیتها

مقدمه

اهمیت انرژی و نفت، به عنوان ارزانترین و رایج ترین نوع انرژی در جهان امروز بر کسی پوشیده نیست. با توجه به این مسئله، تغییر در قیمتها و همچنین تغییرات مربوط به ذخایر و ظرفیتهای تولید و میزان مصرف و پالایش کشورهای تولیدکننده، از جمله حساسترین موضوعات از نقطه نظر کشورهای مصرف کننده مواد نفتی می باشد.

اهمیت نفت و شاخصهای مربوط به آن در اقتصاد جهان و هر کشور به تنهایی، کشورهای مصرف کننده نفت را وادار کرده است تا در پی برنامه ریزیهای بلندمدت و تدوین استراتژی استفاده و نگهداری از مواد نفتی برآیند، به گونه ای که از آثار بحرانهایی که به برخی از آنها در دهه های اخیر اشاره می شود، در امان بمانند :

بحران تحریم نفتی اعراب در سال ۱۹۶۳ در پی جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی.

نابسامانیهای اقتصادی عمدتا ناشی از افزایش ناگهانی قیمت نفت در دهه ۱۹۷۰.

بحران اقتصادی ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی و توقف صدور نفت خام از ایران.

این برنامه ریزی به مصرف کنندگان اصلی نفت در جهان که همانا دولتهای استکباری هستند این امکان را داد تا نه تنها از تأثیر این بحرانها بر خود بکاهند بلکه در یک حرکت تهاجمی، از حربه خرید نفت به عنوان یک سلاح سیاسی کارا در سیاستهای خود بهره برداری نمایند.

مصداق بارز این مدعا سیاست نفتی کشورهای غربی در دهه اخیر می باشد. در اوایل دهه ۱۹۸۰ و در پی پیروزی انقلاب اسلامی و تحمیل جنگ بر جمهوری اسلامی ایران، صدور نفت تا حد زیادی دچار وقفه و سبب افزایش ناگهانی قیمتها گردید. این امر غرب را دچار وقفه و سبب افزایش ناگهانی قیمتها گردید. این امر غرب را دچار مشکلات اقتصادی فراوانی نمود، ولی در پایان همین دهه، در پی همکاری مزورانه عربستان سعودی و دیگر شیوخ مرتجع با آمریکا و به دنبال اجرای سیاستهای

صرفه جویی در مصرف انرژی، وضع به صورتی تغییر کرد که این بار غرب خرید نفت را به عنوان یک سلاح سیاسی مورد استفاده قرار داد و بدین ترتیب توانست بحرانهای اقتصادی شدیدی را بر کشورهای تولید کننده نفت منجمله ایران تحمیل نماید.

داشتن اطلاعات صحیح و دقیق از ذخایر و ظرفیتهای تولیدی فعلی و همچنین اطلاع از تواناییهای بالقوه کشورهای تولید کننده نفت در این زمینه از ضروری ترین ابزار برای تدوین این گونه استراتژیها و اجرای آنها می باشد و با توجه به ضرورت این اطلاعات است که اهمیت کار سازمانهای جاسوسی

غرب و عوامل اطلاعاتی آنها در کشورهای نفت خیز روشن می شود.

کتاب حاضر ماحصل فعالیتهای جاسوسی سازمان سیا در کشورهای مختلف غیر اوپک در زمینه ذخایر نفتی و امکانات اکتشاف و استخراج نفت در این کشورها می باشد و بیانگر این نکته است که شیطان بزرگ در غارت منابع انرژی به کشورهای عضو اوپک بسنده نکرده و به دنبال بهره برداری از منابع نفتی کشورهای غیراوپک نیز می باشد. درک اهمیت فوق العاده این گونه اطلاعات هنگامی میسر است که شرایط سیاسی و اوضاع جهان در زمان تدوین این گزارش مد نظر قرار گیرد.

بدیهی است که عوامل و مجاری جمع آوری اطلاعات در این جهت نقش به سزایی دارند و آنان به تحلیلگران امکان می دهند که به صراحت و قاطعیت نسبت به اوضاع نفتی یک کشور در آینده اظهار نظر نمایند.

عمده ترین عواملی که می توانند به چنین اطلاعاتی دسترس داشته باشند برنامه ریزان و مشاوران رده بالای صنایع نفتی کشورها و شرکتهای پیمانکاری خارجی هستند که عوامل مستقیم اجرایی این برنامه ها و در اکثر موارد مشاوران اصلی رده های بالای تصمیم گیری می باشند. لذا با مروری گذرا به مجموعه اطلاعات گردآوری شده در این سند به خوبی به میزان عمق فاجعه و نفوذ ویرانگر عوامل سیا در جای جای جهان می توان پی برد.

انتشار این سند که حاوی ماحصل سالها تلاش سیا می باشد می تواند به عنوان یک مرجع اطلاعات علمی اقتصادی در مورد منابع نفتی در کشورهای جهان تا زمان تهیه گزارش نیز محسوب گردد و مورد استفاده علاقه مندان قرار گیرد.

امیدواریم انتشار این قبیل اسناد هشداری جدی برای مجاهدان و مبارزان راه حق و آزادی در کشورهای تحت سلطه و نوعی درس آموزی از انقلاب اسلامی ایران که راه حضور و نفوذ عوامل

بیگانه را با قدرت سد نموده باشد.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

تابستان ۶۹

ص: ۴۱۹

کشورهای رو به رشد، امکانات نفتی، سیاستها و محدودیتها

آژانس اطلاعاتی مرکزی (سیا)

مرکز ملی ارزیابی خارجی

نوامبر ۱۹۷۷

اطلاعات امنیت ملی

افشای غیرمجاز مستوجب مجازاتهای جنایی می باشد

اختصارات مربوط به کنترل توزیع

غیرقابل رؤیت برای ملیتهای بیگانه

غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار

هشدار شامل اطلاعات اختصاصی می باشد

فقط برای ادارات NFLB

اقتباس و انتشار اطلاعات توسط منشاء آن کنترل می شود.

ارائه این اطلاعات به .... مجاز می باشد.

طبقه بندی طبق ماده ۱۵۳۱۹.

از برنامه خروج کلی از طبقه بندی طبق E.O ۱۱۶۵۲ مستثنی می باشد.

در تاریخ زیر به صورت خودکار بدون طبقه بندی می شود.

غیرقابل تعیین

ص: ۴۲۰

فهرست مندرجات

برمه

پاکستان

بنگلادش

تایوان

تایلند

فیلیپین

کره جنوبی

ویتنام

خاورمیانه غیر اوپک، آفریقای شمالی و منطقه مدیترانه

مصر

عثمان

تونس

سوریه

ترکیه

یونان

ص: ۴۲۱

اردن

صحرای جنوب آفریقا

نیجریه

آنگولا

گابن

کنگو

زئیر

کامرون، چاد و ساحل عاج

توجه: در نتیجه یک تجدید سازمان که از ۱۱ اکتبر ۱۹۷۷ به جریان خواهد افتاد، نشریات اطلاعاتی که سابقا توسط ریاست اطلاعات و دفاتر اطلاعات ملی چاپ می شد اینک توسط مرکز ملی ارزیابیهای خارجی طبع می گردد.

نگرش کلی

امکان کمبود نفت که در اوایل تا اواسط سالهای ۱۹۸۰ شروع خواهد شد، علاقه به بررسی تواناییهای نفتی کشورهای کمتر رشد یافته را افزایش داده است. اساساً این تواناییها به عوامل زمین شناسی بستگی دارد که پایه ذخایر هر کشور را مشخص می کند. ولی شناخت و گسترش پایه ذخیره به چند عامل بستگی دارد از قبیل سیاستهای دولت در قبال کمپانیهای نفتی خارجی، محدودیتهای فنی کمپانیهای نفتی دولتی، ضرورتهای مالی و در بعضی موارد اختلافات ارضی که دسترسی به مناطق نوید بخش را غیر ممکن می سازند. با در نظر گرفتن این عوامل، گزارش حاضر تواناییهای نفتی ۴۰ کشور رو به رشد و آن دسته از اعضای اوپک را که در خارج از خاورمیانه و آفریقای شمالی بسر می برند

مورد ارزیابی قرار می دهد.

پایه ذخایر

در اکثر کشورهای کمتر توسعه یافته، پایه ذخایر نفتی آنقدر ناچیز است که نمی تواند سطح تولید را پشتیبانی نماید و مشخص شده است که ذخایر وسیع نیز تنها در معدودی از کشورها وجود دارد. در نیمکره غربی، مکزیک با داشتن ۲۵ میلیارد بشکه نفت ذخایر قطعی و احتمالی تاکنون در رتبه اول قرار دارد و کشور بعـدی ونزوئلا با ۱۴ میلیارد بشکه نفت است. در صحرای جنوب آفریقا(۱) نیجریه باداشتن ۱۹ میلیارد بشکه نفت رتبه اول را دارد. در میان کشورهای دیگر منطقه، تنها آنگولا و گابن ذخایر معادل یک میلیارد بشکه نفت دارند. از عمده ترین کشورهای نفتی خاورمیانه ای غیر اوپک عمان دارای ۶ میلیارد بشکه و مصر دارای ۴ میلیارد بشکه نفت می باشند. هیچ یک از کشورهای دیگر منطقه دارای این حدود نفت نیست. در آسیای شرقی و جنوبی، اندونزی ۱۴ میلیارد بشکه نفت دارد و

۱- Sub – Saharan Africa.

برونئی(۱) ، مالزی و هند هر یک دارای ۲ میلیارد بشکه نفت هستند.

با اقدامات اکتشافی می توان پایه ذخایر کشورهایی را که در حال حاضر ذخایر نسبتا وسیعی دارند

گسترش داد. لیکن دستیابی به منابعی با وسعت منابع خاورمیانه تنها در مکزیک و احتمالاً در فلات

قاره آرژانتین امکان پذیر است. دیگر مناطق دارای تواناییهای خوب لیکن عمدتا کوچک عبارتند از:

شرق پرو، اکوادور، مصر، هند و کشورهای تولید کننده دیگری که با دریای جنوبی چین(۲) هم مرزهستند. در بعضی از کشورها، به خصوص ونزوئلا، نیجریه و اندونزی باید کارهای اکتشافی تفضیلی

صورت گیرد تا پایه ذخایر فعلی حفظ شده و کاهش نیابد.

دورنمای زمین شناسی در سایر مناطق کشورهای رو به رشد چندان روشن نیست. دستیابی به

مناطق دارای شرایط زمین شناسی مناسب برای کشف نفت مستلزم اقدامات اکتشافی بسیاری می باشد.

اصولاً مناطق کشف نشده که دارای توانایی بالقوه باشد شامل حوضچه بلوچستان پاکستان، خلیج

بنگال(۳) ، و جزائر آدامان(۴) می باشد. ساحل آفریقای شرقی، خصوصا در مجاورت سومالی، نیز تا حدزیادی دست نخورده باقی مانده است. تلاش بسیاری نیز باید صورت گیرد تا امکانات خارج از

خشکی مناطق آمازون، برزیل، آفریقای غربی بین ساحل عاج(۵) و آنگولا و آبهای دریای جنوبی چین

شناخته شود.

مشارکت خارجی

سیاستهای دولتی در قبال کمپانی های بین المللی نفتی سبب شده است که گسترش حتی امکانات

شناخته شده نیز متوقف گردد. شرایط سخت غیرمنصفانه، تغییرات یکجانبه قراردادها و ملی کردن ها

غالباً از ویژگیهای روابط گذشته بین کشورها و کمپانی های نفتی در جهان سوم بوده اند.

تقریبا در تمام کشورهای رو به رشد کمپانیهای دولتی روی کار آمده اند. این کمپانیها بخودی خود

در گسترش و اکتشاف نفت وقفه ایجاد نمی کنند. در واقع، بعضی از کمپانیهای دولتی که کمپانی نفتی

مصری نمونه بارز آن است با شرکتهای خارجی روابط خوبی برقرار کرده اند. دیگر کمپانیها دولتی چیزی بیش از یک وزارتخانه که با کمال وفاداری روحیه و طرز تفکر دولت متبوع خود را نشان می دهند، نیستند. اما بعضی از آنها نیز به صورت سنگرهای ملی گرایی درآمده و ترجیح می دهند نفت در قعر زمین باقی بماند ولی آن را به کمک بیگانگان تولید ننمایند. تعداد انگشت شماری از کمپانیهای نفتی دولتی نیز هستند که مهارتهای فنی و مدیریتی لازم را جهت اکتشاف در مناطق خارج از خشکی و اعماق زمین که نفت جدید در آنها وجود دارد، کسب کرده اند. بهترین کمپانی نفتی دولتی کمپانی پمکس(۶) مکزیک است که قادر است نفت را در مناطق بسیار سخت کشف و تولید نماید. با این وصف

۱- Brunei.

۲- South China Sea.

۳- Bay Of Bengal.

۴- Adaman Ilands.

۵- Ivory Coast.

۶- Pemex.

سرعت و کارآیی گسترش آن محدود است تا جایی که پمکس نیز نمی تواند به «تک روی» خود ادامه دهد. دیگر کمپانی دولتی آرژانتین، برزیل، هند و مصر نیز نمی توانند بدون کمک خارجی نفت موجود در مناطق سخت را یافته و تولید نمایند. علیرغم این محدودیتها، بسیاری از کمپانیهای نفتی دولتی بهترین مناطق را در اختیار خود گرفته و در عین حال برای عملیات پرخطر، شرایط بسیار سختی را در مورد مشارکت خارجی تعیین کرده اند.

دستورالعمل اجرایی معتدل نمی تواند منافع کمپانیها را تأمین نماید مگر آنکه چشم انداز زمین شناسی نشانگر ذخایر نفتی وسیع باشد. به طور مثال، کمپانیهای بزرگ نفتی مقدار کمی از منابع خود را به اکتشاف در کشورهای جنوب صحرا که دارای امکانات نفتی محدود هستند اختصاص داده اند. در چند کشوری که مصرف نفت داخلی کمتر از ۰۰۰/۱۰ بشکه در روز است از قبیل ساحل عاج، چاد، زئیر و کنگو حتی کشف و گسترش ذخایر کوچک نیز نمی تواند این نیاز مصرفی را تأمین نماید زیرا لزوم پالایشگاههای منطقه ای جهت پالایش مقادیر کم نفت خام از جمله عوامل محدود کننده به شمار می آیند. بهرحال، کمپانیهای نفتی علاقه به اکتشاف را از دست داده اند چون ذخایر مهم احتمالی آنقدر ناچیز هستند که نمی توانند تولید در سطح بالا را تأمین نمایند.

سرمایه گذاری و تجهیزات

کشورهای دارای تواناییهای نفتی قطعی در تأمین سرمایه مورد نیاز خود دچار مشکلات چندانی نمی شوند. در اوایل سال جاری به دنبال محدودیتهای تحمیلی صندوق بین المللی پول(۱) در موردوامهای خارجی، مکزیک در این زمینه دچار مشکلاتی گردیده بود لیکن این محدودیتها را می توان به کمک قروض مربوط به نفت از بین برد. چند تولیدکننده کوچک از قبیل پاکستان نیز در رابطه با تأمین سرمایه لازم جهت خرید تجهیزات اکتشافی از غرب دچار مشکلاتی شده اند. هند نیز ممکن است

دچار همین گونه محدودیت بشود اما در این موارد مسئله اصلی عدم تمایل دولت به صدور اجازه کار برای کمپانیهای نفتی خارجی در این مناطق است. کشورهای آفریقای غربی از قبیل ساحل عاج، چاد، کامرون، و کنگو نیز در صورت خروج کمپانیهای خارجی نخواهند توانست بدون مواجه با مشکلات مالی و تکنیکی به اکتشاف ادامه دهند.

در حال حاضر دسترسی به ماشین آلات حفاری و سایر تجهیزات عامل محدودکننده اصلی به شمار نمی رود. تنگناهای موقتی زمانی بروز خواهند کرد که لازم باشد در چند منطقه از جهان برنامه های اکتشافی گسترده ای به طور همزمان اجرا شود. البته این تنگناها احتمالاً در طول یک یا دو سال برطرف شود. عامل محدود کننده اصلی کمبود پرسنل مجرب در تمام سطوح است. این محدودیت علی رغم قابلیت تحرک بسیار زیاد کارگران و تکنسین های نفتی در سطح جهان که در کمک به بهره برداری بسیار مؤثر از چنین نیرویی عامل مهمی است، باز هم تا دهه آینده ادامه خواهد داشت.

مسائل ارضی

۱- International Monetary Fund (IMF).

اختلافات ارضی، اکتشافات چند منطقه نویدبخش را با وقفه روبرو ساخته است. به طور مثال، ادعاهای ارضی مناقشه ساز، عملیات خارج از خشکی دریای جنوبی چین و کره جنوبی را متوقف ساخته است. اختلافات مرزی بین تونس و لیبی نیز کار مناطق نفتی خارج از خشکی و دارای توانایی زیاد را مختل کرده است. ادعاهای متضاد یونان و ترکیه نیز مانع از ادامه عملیات کمپانیهای نفتی در خارج از خشکی شده است. ادعاهای آرژانتین و انگلیس در مورد جزائر فالکلند نیز در صورت وجود منابع نفتی در آنجا مشکلاتی پدید خواهد آورد. در خلیج سوئز(۱) نیز مزاحمتهای اسرائیل عملیاتکمپانیهای نفتی را در مورد گسترش ذخایر شناخته شده بزرگ دچار وقفه نموده است.

دورنمای تولید

با در نظر گرفتن روند گسترش و اکتشافات کنونی گمان می رود که تولید نفت کشورهای رو به رشد غیر اوپک به صورت گروهی در سال ۱۹۸۰ به سطح ۶ میلیون بشکه در روز و در سال ۱۹۸۵ به سطح ۸ تا ۹ میلیون بشکه در روز برسد. این پیش بینی ها بر مبنای تلاشهای گسترده ای استوار است که در حال حاضر در جریان بوده و عمدتا نشانگر میزان احتمالی تولید در مکزیک، مصر و هند می باشد.

کشورهای کمتر رشد یافته منتخب: توانایی نفتی

کشورهای کمتر رشد یافته منتخب: توانایی نفتی

کشور دورنمای افزایش ذخایر جو عملیاتی توضیحات

آمریکای لاتین

آرژانتین خوب تا عالی خوب تا متوسط مناقشه مرزی با انگلیس

بلیز متوسط تا بد متوسط تا خوب مناقشه مرزی با گواتمالا

بولیوی خوب تا متوسط خوب افزایش مستمر مقادیر کم به ذخایر احتمالی

برزیل خوب تا متوسط متوسط تا خوب شرایط عملیاتی روبه بهبود است

شیلی متوسط خوب تا متوسط کشفیات کوچک بیشتر احتمال دارد

کلمبیا متوسط متوسط تا خوب بهترین دورنماها در مورد گاز در سواحل شمالی است

اکوادور متوسط تا خوب متوسط تا خوب اکتشافات بیشتری در مناطق شرقی لازم است

گواتمالا متوسط تا خوب متوسط یک برنده واقعی نیست اما افزایش اندکی در ذخایر امکان دارد

مکزیک عالی خوب دورنمای خوبی در مورد کشف منابعی در حد خاورمیانه

پاراگوئه متوسط خوب زمین مناسب اما نتایج اکتشافی ضعیف

پرو خوب تا متوسط متوسط تا خوب در خارج از خشکی و منطقه ترانس آندین اکتشافات بیشتری لازم است.

اروگوئه ضعیف خوب تا متوسط دورنمای تیره ای در مورد رفع نواقص اکتشافی دارد

ونزوئلا متوسط تا خوب توسط تا خوب اکثراً کشف شده اما دورنمای خوبی وجود دارد

سایرین ضعیف خوب تا متوسط احتمال وجود نفت در خارج از ترینیداد و آمریکای مرکزی ضعیف می باشد

۱- Gulf Of Suez.

آسیا و حوزه اقیانوس آرام

بنگلادش ضعیف خوب تا متوسط دورنمای ذخایر گاز امیدوار کننده است. مناقشات مرزی وجود دارد

برونئی خوب تا متوسط عالی در مورد کشفیات بیشتر خارج از خشکی دورنمای خوبی وجود دارد

برمه متوسط تا خوب متوسط احتمال افزایش مقدار کمی بر ذخایر داخلی وجود دارد تواناییهایی هم

در خارج از خشکی وجود دارد

هند خوب خوب تا متوسط یک "بمبئی خوب" بدون مسئله نمی باشد

اندونزی خوب خوب سرعت اکتشاف همچنان بالاست

مالزی خوب تا متوسط متوسط در چندین منطقه اکتشافات بیشتری مورد نیاز است

پاکستان متوسط خوب تا متوسط حوزه های اصلی کشف نشده اند

فیلیپین متوسط تا خوب خوب توانایی در خارج از خشکی و مناقشات مرزی وجود دارد

کره جنوبی متوسط متوسط تا خوب مناقشات مرزی وجود دارد.

تایوان ضعیف تا متوسط خوب تا متوسط دورنمای ذخایر گاز خوب است. مناقشات مرزی وجود دارد

تایلند ضعیف خوب دورنمای ذخایر گاز خوب است

ویتنام متوسط تا خوب متوسط تا ضعیف توانایی اکتشافات غیراقتصادی وجود دارد

سایر مناطق ضعیف خوب تا ضعیف

کشورهای خاورمیانه ای غیر اوپک آفریقای شمالی و حوزه مدیترانه

مصر خوب تا عالی خوب مناقشه با اسرائیل اکتشاف را کاهش می دهد

یونان متوسط تا ضعیف متوسط مناقشه مرزی با ترکیه

اردن ضعیف خوب تا عالی ساحل غربی ممکن است تا حدی توانایی داشته باشد

عمان خوب تا متوسط خوب کشف حوزه های کوچکتر و پرهزینه تر احتمال دارد

سوریه متوسط متوسط بهترین دورنماها در مورد خارج از خشکی است

تونس خوب تا متوسط خوب تا متوسط مناقشه مرزی با لیبی

سایر کشورها ضعیف خوب تا متوسط اسرائیل و لبنان دارای تواناییهای اندکی هستند

آفریقای مادون صحرا

آنگولا خوب تا متوسط ضعیف تا متوسط تا هنگام تثبیت اوضاع سیاسی هیچ افزایشی در اکتشافات محتمل نمی باشد

کامرون خوب خوب تا متوسط افزایش ذخایر فعلی تقریباً مسلم است

چاد خوب خوب تا متوسط برای انتقال نفت به خارج خط لوله گرانی مورد نیاز است

کنگو متوسط تا ضعیف خوب تا متوسط هر نوع افزایشی به ذخایر احتمالاً کم خواهد بود

گابن متوسط تا ضعیف خوب تا متوسط هر نوع افزایشی به ذخایر احتمالاً کم خواهد بود

ساحل عاج متوسط تا خوب خوب تا متوسط هزینه های غیراقتصادی ممکن است منجر به کشفیات بزرگتر گردید

نیجریه خوب متوسط تا خوب ممکن است حوزه های کوچک بسیاری کشف گردد

زئیر متوسط تا ضعیف خوب تا متوسط هر نوع افزایشی در مقدار ذخایر احتمالاً کم خواهد بود

سایر کشورها ضعیف خوب تا ضعیف سواحل آفریقای شرقی از سودان تا سومالی و ناحیه خلیج گینه در غرب نیجریه تواناییهایی دارد.

آمریکای لاتین

نیمکره غربی نوید بخش ترین منطقه جهت یافتن منابع نفتی جدید و عظیم در میان کشورهای کمتر

رشـد یـافته غیر اوپک است. حوزه های رفورمای(۱) مکزیـک، در صورت اکتشـاف کامـل، به احتمال قریببه یقین معادل منابع نفتی خاور میانه نفت خواهد داشت. در این منطقه کار به سرعت پیش می رود، و

در صورت از بین رفتن محدودیت های مالی و سیاسی پیشرفت بیشتری نیز حاصل خواهد شد.

حوضـچه های رسوبی بین آرژانتین و جزایر فالکلند(۲) که تاکنون حفاری نشـده اند ظاهرا دارایتواناییهای عظیمی می باشـند و شرایط عملیاتی سخت، قطعی نبودن اجزای سیاستهای نفتی آرژانتین و

اختلاف انگلیس و آرژانتین در مورد مالکیت جزایر فالکلند منابع ادامه عملیات اکتشافی در این منطقه

می شوند. دورنمای پیدایش ذخایر دیگر در سایر مناطق آمریکای لاتین که اکثرشان نسبتا ناچیز

می باشـند، تقریبا خیلی دورتر از اورنیوکو(۳) و آمازون، در ترانس انـدین(۴) ، پرو، اکوادور، بولیوی و فلاتقـاره برزیل امکان پذیر است. عدم موفقیت در گذشته، و در بعضی موارد، سیاستهای ناسیونالیستی

دولتها عملیات اکتشافی را در حال حاضر محدود نموده است.

مکزیک

مکزیک در میان کشورهای کمتر رشد یافته غیر اوپک نوید بخش ترین منطقه از نظر افزایش قابل

ملاحظه بازده نفتی به شـمار می آید. رئیس جمهور لوپز پورتیلو(۵) و مشاورین اصلی وی متقاعد شده اندکه افزایش صادرات گاز طبیعی و نفت ضروری است و در مورد شرکت نفتی دولتی این کشور یعنی

پمکس(۶) یک برنامه سـرمایه گذاری جاه طلبانه را تصویب نموده اند. پایه ذخایر فعلی نفتی این کشور بهتنهایی عظیم است و در صورت انجام اکتشافات جدید مقدار آن افزایش شدیدی خواهد یافت. پمکس

نیز این توانایی را سریعا گسترش می دهد. در صورت از بین رفتن محدودیتهای مالی و در صورت

تلاش همه جانبه لوپز پورتیلو گسترش این تواناییها با سرعت بیشتری انجام خواهد شد.

چشم انداز زمین شناسی

مکزیـک در سال ۱۹۷۳ ذخـایر نفتی عظیم رفورما(۷) در ایالات جنوب شـرقی و تاباسکو(۸) و چیاپاز(۹) را کشـف نمود. هم

اکنون مقامات مکزیک معتقدند که این حوزه های نفتی واقع در خشکی با اکتشافات

۱- Mexico's Reforma Fields.

۲- Falkland Islands.

۳- Orinoco.

۴- Trans - Andean.

۵- Lopez Portilo.

۶- Pemex.

۷- Reforma.

۸- Tabasco.

۹- Chiapas.

خارج از خشکی اخیر چاک(۱)در ۱۶۰ کیلومتری شمالی این حوزه مرتبط بوده و آن چنان منطقهتولیدی عظیمی را به وجود می آورند که می تواند با بزرگترین حوزه های نفتی عربستان سعودی از نظر

وسعت به رقابت بپردازد. با استفاده از تعاریف صنعتی، برآورد می کنیم که ذخایر قطعی و احتمالی واقع

در خشکی حوزه رفورما معادل ۲۵ میلیارد بشکه باشد. در صورت اثبات این ارقام از طریق حفاری

می توان احتمال داد که ذخایر بالقوه نفتی این کشور چندین که ذخایر بالقوه نفتی این کشور چندین بار

بیشتر از آنچه هست باشد. نفت حوزه رفورما کیفیت بالا و از نظر مقدار گوگرد متوسط (۶/۱ درصد

وزنی) و دارای گراویته ۲۸ تا ۳۰ درجه API می باشد. علاوه بر این حوزه رفورما دارای مقدار زیادی

گاز طبیعی همراه است که به طور میانگین در برابر هر بشکه نفت ۱۳۰۰ فوت مکعب گاز طبیعی

بدست می دهد.

از نظر تاریخی، فعالیتهای اکتشافی در منطقه دشتهای ساحلی خلیج مکزیک(۲) متمرکز بوده است.قبل از سال ۱۹۰۰ در ایالات تامائولیپاس(۳) و راکروز (۴)نفت در اعماق کم کشف گردیده بود. حوزهبسیار بزرگ «گلویس لیس»(۵) مکزیک که در سال ۱۹۱۰ کشف گردید و حوزه های غنی پوزاریکا(۶) کهدر سال ۱۹۳۰ کشف شدند در زمره مهمترین اکتشافات نفتی زمان خود به حساب می آیند. پمکس در

سالهای اخیر به فعالیتهای اکتشافی خود در مناطق دیگر افزوده است و مقامات معتقدند که تاکنون فقط

۱۰ درصد از مناطق نفت خیز کشف شده است. اخیرا ذخایر گازی بزرگی در شمال مکزیک بین

نیوولاریدو(۷) و مونکوا(۸) کشف شده و در مناطق جدید ایالت وراکروز چاههای نفتی بسیارنویدبخشی حفر گردیده است. منطقه خارج از خشکی باجا کالیفرنیا(۹) نیز دارای تواناییهای عمدههیدرو کربنی می باشد.

پمکس دانش فنی و پرسنل آموزش دیده لازم را برای انجام تمام مراحل عملیاتی صنعت نفت در

اختیار دارد. مهندسین این شرکت در رابطه با حفر چاه در ذخایر کربناته دارای تخصص لازم می باشند.

مکزیک در حال به ثبت رسانیدن اختراعات خود، به خصوص در زمینه پالایش بوده و در حال حاضر

کمک های فنی در اختیار دیگر کشورها قرار می دهد. شرکتهای امریکایی هنوز هم اکثر تجهیزات و

تکنولوژی مورد استفاده پمکس را تأمین می کنند، اما پرسنل پمکس تمام وظایف را به صورت رقابت آمیزی انجام می دهند.

جورج دیاز سرانو(۱۰) از زمان انتصابش به عنوان مدیر کل پمکس از طرف لوپز پورتیلو توانسته است

۱- Chac.

۲- Gulf of Mexico.

۳- Tamaulipas.

۴- Veracruz.

۵- Golden Lane Fields.

۶- Poza Rica Feilds.

۷- Nuevo - Laredo.

۸- Monclova.

۹- Baja - California.

۱۰- Jorge Diaz Serrano.

کارآیی و شایستگی کمپانی را بالا ببرد.

در حال حاضر چنین به نظر می رسد که مکزیک قادر خواهد بود سرمایه لازم جهت اجرای برنامه توسعه پمکس را تأمین نماید. برنامه شش ساله جدید خواستار آن است که سرمایه گذاری سالانه دو برابر میانگین سرمایه گذاری دو سال گذشته و معادل ۵/۲ میلیارد دلار در سال بشود. احداث یک خط لوله گازرسانی از حوزه رفورما به امریکا نیز به ۵/۱ میلیارد دلار سرمایه دیگر نیاز خواهد داشت.

افزایش سریع مخارج نفتی پمکس میزان قروض خارجی این شرکت را از ۲۵/۱ میلیارد دلار در سال گذشته به سطح ۴/۲ میلیارد دلار رسانیده است. گرچه نرخ اعتبارات تجاری هنوز هم خوب است، ولی اعتبارات محدودتر خواهد شد. پمکس تخمین می زند که لازم است نیمی از سرمایه مورد نیاز خود را از طریق منابع خارجی تأمین نماید.

طرح توسعه ۱/۱۵ میلیارد دلاری پمکس (۱۹۸۲ ۱۹۷۷) به خوبی با تواناییهای فنی این کمپانی مطابقت دارد. این کمپانی در نظر دارد تا سال ۱۹۸۲ تولید روزانه خود را به ۲/۲ میلیون بشکه نفت و ۶/۳ میلیارد فوت مکعب گاز برساند. این طرح توسعه یک میلیارد دلار به اکتشافات مقدماتی، ۴ میلیارد دلار به حفاری، ۲/۳ میلیارد دلار به تولید، ۹/۶ میلیارد باقیمانده را به پالایش، تولید مواد پتروشیمیایی، بازاریابی و حمل نقل اختصاص داده است. برنامه حفاری مستلزم حفر ۲۱۰۰ چاه توسعه ای و ۱۳۰۰ فقره عملیات حفاری مخاطره آمیز، منجمله ۴۷۷ چاه توسعه ای در تاباسکو و چیاپاز و ۲۴ حلقه چاه اکتشافی و ۱۲۰ حلقه چاه توسعه ای در فلات قاره کامپه چی(۱) می باشد. طرحتولید نیز شامل تشدید بهره برداری از حوزه های فعلی تولیدی، بازیابی ثانویه و توسعه حوزه های خارج از خشکی می باشد.

دورنما

در صورت اتخاذ یک طرح توسعه فعالتر و در صورت موجود بودن سرمایه خارجی کافی، مکزیک حتی خواهد توانست بیش از برنامه تعیین شده کار انجام دهد. به این ترتیب در سال ۱۹۸۰ تولید روزانه معادل ۲/۲ میلیون بشکه و در سال ۱۹۸۲ بیش از ۵/۳ میلیون بشکه نفت خواهد گردید. تحقق چنین امری اجازه می دهد که در سال ۱۹۸۰، ۲/۱ و در سال ۱۹۸۲، ۲/۲ میلیون بشکه نفت در روز صادر شود. نحوه تولید هرچه باشد، حوزه رفورما باز هم سهم عظیمی را در تولید به عهده خواهد داشت. میزان موفقیت حفاری ها در این مناطق فوق العاده بوده و تنها ۱۵ درصد از چاهها خشک و یا غیر تجاری بوده است. مکزیک علاوه بر طرح توسعه در جهت اجرای یک برنامه ۵/۱ میلیارد دلاری جهت احداث خط لوله گازی ۴۸ اینچی اقدام خواهد نمود. این خط لوله گاز را در طول یک فاصله ۱۲۰۰ کیلومتری از حوزه رفورما به مرز امریکا منتقل می نماید. این خطر لوله قرار است از طریق کاکتوس(۲)و چیاپاز به سواحل رینوزا(۳) برسد. احداث این خط لوله از هنگام شروع تا تکمیل دو تا سه سال طول خواهد کشید. ظرفیت واقعی خط لوله روزانه معادل ۷/۲ میلیارد فوت مکعب خواهد بود، با

۱- Campeche.

۲- Cactus.

۳- Reynosa.

این حال مکزیک هر روز فقط ۱ میلیارد فوت مکعب گاز منتقل خواهد کرد، ولی تا سال ۱۹۸۲ میزان انتقال به ۲ میلیارد فوت مکعب در روز خواهد رسید. مصرف کنندگان داخلی ۷/۰ میلیارد فوت مکعب باقیمانده را مورد استفاده قرار خواهند داد.

با وجودی که به نظر می رسد لوپز پورتیلو به همکاری در زمینه انرژی علاقه داشته باشد، ولی صریحاً اظهار داشته است که چنین همکاریهایی باید حساسیت مکزیکی ها را نیز در نظر گرفته و نمی تواند تسلط کامل مکزیک در توسعه منابع خود را تحت کنترل قرار دهد. به علت تعصب مکزیکی ها در رابطه با کمپانیهای نفتی خارجی قراردادهای مشارکت در تولید را نمی توان به هیچ وجه مطرح نمود حتی اگر سبب شود که گسترش نهایی ذخایر بکندی صورت پذیرد.

آرژانتین

موقعیت آرژانتین برای گسترش ذخایرش تا چند برابر ۵/۲ میلیارد بشکه ای کنونی بسیار عالی است. فلات قاره این کشور که معادل ۶/۲ میلیون کیلومتر مربع می باشد تقریبا معادل چهار برابر وسعت ساحل امریکا در اقیانوس آرام بوده و یکی از نوید بخش ترین مناطق بکر جهان است. با وجود اینکه اکتشاف با زحمت شروع شده، ولی نتایج حاصله از مطالعات زمین شناسی منطقه وجود ذخایر عظیمی را نشان می دهد. ذخایر واقع در خشکی نیز احتمالاً بیش از ذخایر شناخته شده می باشد.

چشم انداز زمین شناسی

فلات قاره آرژانتین ممکن است ذخایر عظیمی از نفت را در بر گرفته باشد. بر اساس تحقیقات زمین شناسی سال ۱۹۷۴ ایالات متحده و بر اساس یافته های مقدماتی، این ناحیه می تواند حدود ۲۰۰ میلیارد بشکه نفت یا ۸۰ برابر ذخایر قطعی نیمکره غربی را در بر داشته باشد. دولت از دو کمپانی امریکایی یعنی مؤسسه خدمات ژئوفیزیک و کمپانی ژئوفیزیک غربی دعوت کرده است تا در این

منطقه تحقیقات زمین شناسی و لرزه نگاری به عمل آورند. ولی نتایج نهایی تا مدتها معلوم نخواهند

شد.

از هشت حوضچه رسوبی، دو حوضچه یعنی سان ژورگه(۱) و اوسترال (۲)(ماژلان) دنباله مناطق تولیدی مهم واقع در خشکی می باشند. حوضچه مالویناس(۳) نیز که در مجاورت حوضچه اوسترال قراردارد از نظر متخصصین بسیار نویدبخش به حساب می آید لیکن عملیات اکتشافی با زحمت بسیار

صورت می گیرد زیرا این حوضچه بین ناحیه تحت حاکمیت آرژانتین و حوزه جزائر فالکلند که توسط

انگلیس اداره می شود ولی مورد ادعای آرژانتین می باشد قرار دارد و مورد اختلاف می باشد. در

تحقیقات انگلیس احتمالاً بنا به دلایل سیاسی تواناییهای نفتی این منطقه ناچیز به حساب آمده است.

دیگر مناطق احتمالی لیکن دارای میزان نویدبخشی کمتر در مجاور فالکلند یعنی بردوودبنک(۴)، فلات

۱- San Jorge.

۲- Magellan (Austral).

۳- Malvinas Basin.

۴- Burdwood Bank.

فالکلند(۱) و حوضچه سان ژورگه نیز به سرنوشت مشابه دچار شده است.

در دیگر مناطق خشکی اکتشافات با سهولت بیشتری انجام می شود و در حوضچه کلرادو(۲) خارجاز باهیابیانکا(۳) عملیات هم اکنون آغاز شده است. کمپانی نفتی دولتی به نام «یاسی مینتوسپترولیوفروس فیسکالس» در اوایل سال جاری با استفاده از ماشین آلات حفاری خریداری شده ازفرانسه عملیات حفاری در این منطقه را آغاز کرده است. اولین چاه که عملیات آن به پایان رسید

بی حاصل بود، لیکن دومین چاه ظاهرا به سنگ حامل نفت برخورد کرده است و طرح چاه سوم نیز در

دست اقدام است.

در سرتاسر آرژانتین اکتشاف مناطق ساحلی با سرعت بیشتری در حال انجام است. تمام ایالتهای

نیمه جنوبی کشور و ایالات جوجوی وسالتا(۴) در شمال غربی هم اکنون مشغول تولید نفت هستند.مندوزا در بخش غربی مرکز آرژانتین مهمترین ایالت نفتی بوده و پس از آن چوبوت ، سانتاکروز وریونگرو(۵) در جنوب قرار گرفته اند. اکثر حوزه ها کوچک هستند. در سال ۱۹۷۵ حوزه نفتی جدید وبزرگی در ایلات مندوزا(۶) کشف گردید و علاوه بر این در سال جاری چند حوزه جدید نیز در ایالات

سالتا، نیوکن(۷) ، مندوزا، سانتاکروز(۸) و چوبوت(۹) کشف و گزارش گردیده است.

میزان ذخایر قطعی در چند سال گذشته تقریبا ثابت مانده است، به طوری که می تواند به مدت ۱۷

سال تولید ۴۰۰۰۰۰ بشکه در روز سال ۱۹۷۶ را تأمین نماید ولی بسیار کمتر از آن حدی است که

دولت را در رسیدن به هدف خودکفایی نفتی تا اواسط سالهای ۱۹۸۰ رهنمون شود. بازده کنونی

می تواند ۸۵ تا ۹۰ درصد نیازها را تأمین نماید.

تواناییها و محدودیتها

اقتصاددانان دولتی برآورده کرده اند که برنامه توسعه نفتی آرژانتین در ده سال آتی به ۱۵ تا ۲۰

میلیارد دلار سرمایه نیاز دارد و چون خود دولت قادر نیست تمام این سرمایه را تأمین نماید علی رغم

سیاستهای ناسیونالیستی دولت های پیشین، مشارکت خصوصی و به ویژه خارجی را به صورت جزء

لاینفک این برنامه درآورده است. قانون جدید سرمایه گذاری خارجی جونتا(۱۰) (شورای سیاسیدولتی) با کاهش تشریفات خسته کننده اداری و اطمینان به اینکه منافع و سرمایه قابل اعاده می باشد،

۱- Falkland Plateau.

۲- Colorado Basin.

۳- Bahia Blanca.

۴- Satla and Jujuy.

۵- Rio Negro.

۶- Mendoza.

۷- Neuquen.

۸- Santa Cruz.

۹- Chubut

۱۰- Junta.

سرمایه گذاران خارجی را به سرمایه داری راغب نموده است. با این وصف اکثر کمپانی های خارجی منتظرند ببینند که آیا شرایط سیاسی و اقتصادی توام با ثبات خواهد ماند یا خیر. علاوه بر سرمایه خارجی، آرژانتین به تکنولوژی خارجی، به ویژه به منظور حفاریهای خارج از خشکی نیاز دارد. دولت امیدوار است بتواند کمپانی های داخلی و خارجی را وادار به عقد قراردادهای مخاطره آمیز بنماید به این صورت که کمپانیها تکنولوژی و هزینه اکتشافی را فراهم نمایند و در عوض در منافع هر منبع کشف شده سهمی شوند. با وجود اینکه بعضی از کمپانی های خارجی قراردادهای اکتشافی را امضاء کرده اند، ولی سیاستهای در حال نوسان دولت های پیشین، آنها را از سرمایه گذاریهای سنگین باز می دارد تا مطمئن شوند که دولت کنونی آنقدر بر اریکه قدرت خواهد ماند که بتواند سیاستهای خود را به اجرا درآورد. با وجود اینکه چند منطقه نویدبخش خارج از خشکی در مجاورت بخش اصلی آرژانتین قرار دارد ولی ظاهرا مهمترین مناطق در خارج خشکی و در آبهای طوفانی بین منطقه اصلی و جزایر فالکلند واقع شده است. به خاطر شرایط جوی بسیار سخت این مناطق، عملیات اکتشافی این منطقه نیز مانند دریای جنوب چین به سختی و دشواری انجام می گیرد. در صورت پیدایش نفت، توسعه و حمل و نقل نفت نیز مشکل خواهد بود. ظاهرا انگلیس نیز میل ندارد عملیات اکتشافی نفتی در فالکلند صورت گیرد و احتمالاً علت آن نیز این است که اگر نفتی در آنجا کشف شود آرژانتین در ادعای خود نسبت به تصاحب این جزائر پافشاری خواهد کرد.

دورنما

دورنماها خوب هستند به طوری که آرژانتین به احتمال بسیار خواهد توانست منابع نفتی بسیاربزرگی را کشف نماید. چون در بسیاری از مناطق داخل خشکی و خارج خشکی شرایط زمین شناسی بسیار مناسب است. خودکفایی نفتی تا اواسط سالهای ۱۹۸۰ یک هدف معقول است،

لیکن در مورد زمان بندی آن هیچ تضمینی وجود ندارد. خطیرترین عامل کمک خارجی است، که آن هم به نوبه خود به ثبات سیاسی بستگی دارد. کمپانیهای نفتی خارجی باید متقاعد شوند که سیاست کنونی مناسب با فعالیتهای آنها پایدار خواهند بود و همان گونه که اغلب در گذشته رخ داده با یک یادداشت کوتاه دگرگون نخواهد شد.

ونزوئلا

دورنمای دستیابی ونزوئلا به منابع بزرگ و جدید نفتی مبهم است. با ۱۴ میلیارد بشکه ذخایر قطعی و احتمالی، پیش بینی می شود که تولید نفت در طی سالهای ۱۹۸۰ به رکود کشیده شده

کاراکاس(۱) به عنوان پنجمین تولید کننده بزرگ نفت مقام خود را از دست بدهد. علاوه بر این، به علتفرسایش حوزه های کنونی، بازده نفتی این کشور نیز در اواسط سالهای ۱۹۸۰ بشدت کاهش خواهد

یافت. با وجود اینکه در خارج از خشکی و در فلات قاره این کشور مناطق بکر دارای توانایی نفتی وجود دارد، ولی کاراکاس در نتیجه سیاستهای ملی گرایانه خود رغبت کمپانی های نفتی بزرگ را در

۱- Caracas.

ایـن زمینه از بین برده است. ذخـایر نفت سـنگین عظیمی در اورینوکـو تـاربلت(۱) وجـود دارد، لیکن بـاتکنولوژی موجود و با صرف هزینه های بسیار تنها می توان بخش کوچکی از این ذخایر را بازیابی

نمود.

چشم انداز زمین شناسی

در سال ۱۹۱۴ یعنی سه سال پس از آغاز اکتشافات، ونزوئلا به اولین کشف تجاری نفتی خود

دست یـافت. از آن زمان تاکنون، تولیـد تنها در داخل و اطراف دریاچه مارکائیبو(۲) ، خصوصـا در حوزه ساحلی بولیوار(۳) ، یعنی چهـارمین حـوزه بزرگ دنیـا متمرکز بوده است. این حوزه در سـال ۱۹۱۷ کشـفگردید و هنوز هم مهمترین منبع تولیـدی ونزوئلاست و روزانه ۵/۱ میلیون بشکه نفت از آنجا استخراج

می گردد. دیگر منـاطق تولیـدی عبارتنـد از حوضـچه مـاتورین(۴) در شـرق ونزوئلاـ که از ایـالت گواریکـاتو(۵) در سـواحل اقیانوس آرام شروع شده، و حوزه باریناس(۶) در جنوب و حوزه فالکون(۷) در شمال اینکشور ادامه دارد.

در سالهای اخیر عملیات اکتشافی ناچیزی صورت گرفته است و ذخایر قطعی و احتمالی ۴/۱۷

میلیارد بشکه ای سال ۱۹۶۰ را تا ۱۹۷۶ به سطح ۱۴ میلیارد بشکه تقلیل داده است. قبل از ملی شدن

نفت در سال ۱۹۷۶، سیاستهای ملی گرایانه روزافزون سبب گردید که اقدامات اکتشافی شرکتهای نفتی

خارجی در مناطق مورد امتیاز یا قراردادی شان در جنوب دریاچه ماراکائیبو دچار محدودیت بسیار

شود. مؤسـسه نفتی ونزوئلا(۸) که یـک شـرکت نفتی دولتی است، مسـئول اکتشاف در مناطق دیگر شـد،لیکن به علت فقـدان سرمایه و تخصص کافی نتوانست عملیات اکتشافی مهمی را انجام دهد.

از زمان ملی شدن صنعت نفت، اکتشافات نیز کندتر شده است. در سال ۱۹۷۶ پترولئوس دو

ونزوئلا(۹) که کمپـانی ملی نفـتی جدیـد این کشـور است اقـدام به حفر ۳۹ حلقه چـاه اکتشـافی درحوضـچه های ماراکائیبو و فالکون نمود. در سه حوزه جدید با شرایط نامساعد چاههایی حفر گردید

که دو حوزه آن بی حاصل و در یکی از حوزه ها در حوضچه فالکون که تا اعماق ۱۵۰۰ متری حفاری

شده بود، روزانه ۱۱۲۶ بشکه نفت با ۲۲ درجه APIتولید شد. دیگر حفاریها نیز به همین ترتیب، و

نتیجه آن ۲۱ حلقه چاه نفت مولد و ۱۵ حلقه چاه بی حاصل بود. قرار است در سال جاری ۵۷ حلقه چاه اکتشافی حفر گردد. به دنبال افزایش سرمایه گذاری از ۸/۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷ به سالانه ۶/۱ میلیارد در طول سالهای ۸۰ ۱۹۷۸ پتروئوس در نظر دارد اقدامات اکتشافی خود را گسترش

۱- Orinoco Tar belt.

۲- Lake Maracaibo.

۳- Bolivar Coastal Field.

۴- Maturin Basin.

۵- Guarico

۶- Barinas.

۷- Falcon.

۸- Venezuelan Petroleum.

۹- Petroleos de Venezuela.

دهد. طبق برنامه های ونزوئلا قرار است تا سال ۱۹۸۰ معادل ۵/۱ میلیارد بشکه به ذخایر کنونی

افزوده شود.

به خصـوص در مـاوراء دلتـای رودخـانه اورینوکـو؛ در طول فلاـت قـاره کـارائیب(۱) به خصوص درخلیـج تریسـته(۲)، خلیج کورو،(۳) و در صورت حـل اختلافات مرزی با کلمبیا در خلیـج ونزوئلا، ذخایرطویل المـدت احتمالی آن در اورینوکوتاربلت واقع شده است. طبق اظهارات دولت، نتایج اولیه برنامه

مختصر لرزه نگاری و حفاری نشان می دهد که نفت موجود در این منطقه دارای ۸ تا ۱۰ درجه API

می باشد و ذخایر موجود بالغ بر ۳ تریلیون بشکه خواهد بود. که با استفاده از تکنولوژی موجود فقط

۱۰ درصد آن قابل بازیابی می باشد. لازمه افزایش میزان بازیابی فائق آمدن بر مشکلات موجود در

استخراج نفت سنگین و کاهش مقدار عناصر فلزی و گوگرد آن است.

تواناییها و محدودیتها

مهمترین عوامل محدودکننده افزایش تولید ونزوئلا عبارتند از: محدودیت ذخایر ملی این کشور،

روحیه توأم با صرفه جویی حاکم بر سیاست نفتی، توانایی محدود صنعت نفت ملی شده در اجرای

برنامه های اکتشافی بزرگ و عدم تمایل دولت به گسترش نقش شرکتهای خارجی ورای قراردادهای

کمک فنی و بازاریابی کنونی. علاوه بر این، اختلافات مرزی موجود بین این کشور و کلمبیا در مورد

خطوط مرزی خلیج ونزوئلا نیز از انجام اکتشاف در این منطقه نویدبخش ممانعت به عمل می آورد.

کشف نفت در فلات قاره مجاور با ترینیداد(۴) یا آنتیل(۵) ، هلند(۶) و توباگو(۷) که دارای مرز مشخصی نیستمی تواند منجر به منازعات مرزی و کند شدن توسعه فعالیتها گردد.

محدودیت توانایی فنی کاراکاس نیز در انجام برنامه های اکتشافی مهم، توسعه تکنولوژی پیچیده

مورد نیاز جهت بهره برداری از نفت سنگین اورینوکو تاربلت در حفظ ظرفیت تولیدی موانعی ایجاد

کرده است. لازمه آغاز برنامه های مهم و جدی افزایش مشارکت شرکتهای نفتی خارجی است. ولی

نگرانی های موجود در رابطه با حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی و تشنج های سیاسی ناشی از انتخابات ریاست جمهوری سبب خواهد شد که کاراکاس نتواند قبل از سال ۱۹۷۹ نقش بیگانگان را در این امر توسعه دهد.

هزینه های عملیات بزرگ اکتشافی و گسترشی که برای رسانیدن ذخایر کاراکاس به سطح تعیین شده ۵/۱۵ میلیارد بشکه در سال ۱۹۸۰ لازم است احتمالاً بیش از هزینه های تعیین شده خواهد بود. برنامه ریزان ونزوئلا در تعیین برآورد هزینه مربوط به برنامه های خود ظاهرا از ارقام و آمار سال ۱۹۷۴ در مورد کشف و گسترش نفت در آمریکای لاتین استفاده کرده اند. در طرح سه میلیارد دلاری

۱- Caribbean Continental Shelf.

۲- Triste.

۳- Coro.

۴- Trinidad.

۵- Antilles.

۶- Netherlands.

۷- Tobago.

اکتشاف و گسترش ذخایر، مخارج اضافی حفاری در مناطق خارج از خشکی و چاههای عمیق داخل

خشکی در نظر گرفته نشده است. حتی با وجود درآمد عظیم نفتی کنونی، ونزوئلا حتماً به

سرمایه گذاریهای خارجی جهت اجرای برنامه های عظیم خود احتیاج خواهد داشت.

دورنما

محدودیتهای سیاسی و نیروی انسانی احتمالاً مانع از آن خواهد شد که ونزوئلا بتواند به یک

برنامه اکتشافی عظیم در چند سال آتی مبادرت ورزد و تولید نیز احتمالاً تا پایان سال ۱۹۸۰ در سطح

کنونی ۳/۲ میلیون بشکه در روز باقی خواهد ماند. در درازمدت و به دنبال کاهش تولید حوزه های

تهی شده، کاراکاس ممکن است به افزایش مشارکت بیگانگان تمایل نشان دهد. با یک فعالیت

اکتشافی بزرگ و کشف نفت در مناطق نویدبخش خارج از خشکی، کاهش ذخایر نفتی ونزوئلا ممکن

است برای مدتی توقف گردد.

پرو

میزان پایین بازیافت به دنبال افزایش اکتشاف در چند سال اخیر سبب شده است که پرو دیگر

انتظار نداشته باشد که بتواند از نظر تولید و صدور نفت همپای اوپک عمل نماید. علیرغم کاهش شدید

فعالیتهای اکتشافی سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ در حوضچه آمازون(۱) ، اکتشافات جدید مقدار ناچیزی بهمیزان صادرات نفتی اضافه کرد. مازاد رو به افزایش تولیدات حوضچه آمازون از طریق یک خط لوله

پر خرج جدید به نام ترانس آندین(۲) به ساحل منتقل خواهد شد (به نقشه صفحه ۸ مراجعه کنید).(۳)بدین وسیله تولید نفت حوزه های قدیمتر داخل و خارج خشکی در شمال غربی پرو از ۷۷۰۰۰ بشکه

در روز در سال ۱۹۷۶ به سطح ۲۰۰۰۰۰ بشکه در روز در سال ۱۹۸۰ افزایش خواهد یافت. حتی با

دست یافتن به حوزه های نفتی خارج از خشکی در مناطق کشف نشده حوضچه آمازون، پرو قادر

خواهد بود مقدار ناچیزی بر نفت صادراتی خود در سال های ۱۹۸۰ بیفزاید.

تا اوایل سال ۱۹۶۰، فعـالیت نفتی پرو در نزدیکی تالارا(۴) در ساحل شـمال غربی متمرکز بود.حوزه های نفتی داخل خشـکی اطراف تالارا از جمله کهنسال ترین حوزه های نفتی نیمکره غربی بوده و

بهره برداری تجاری از آنها به مدت ۱۰۰ سال ادامه داشته است. این حوزه ها تحت تصرف و عملیات

کمپانی آمریکایی پترولیوم اینترنشنال(۵) بود و در سال ۱۹۶۸ اعاده و به کمپانی نفتی جدیدالتأسیس

۱- Amazon Basin.

۲- Trans - Andean.

۳- شماره ۷ موجود است. ۳- CD منظور صفحه ۸ اسناد انگلیسی است که در

۴- Talara

۵- U. s. International Petroleum Company.

دولتی به نام پترو پرو(۱) اقدامات اکتشافی خود را در محدوده خارج از خشکی تالارا آغاز نمود و درحال حاضر روزانه بیش از ۳۰۰۰۰ بشکه نفت تولید می نماید. در ماه مه ۱۹۷۷ بلکو اعلام کرد که به

یک کشف نوید بخش در شمال منطقه عملیاتی پیشین دست یافته که می تواند ۲۰۰۰ بشکه نفت با ۳۶

APIروزانه و گوگرد ناچیز تولید نماید. در اواخر سال جاری چاه های اکتشافی دیگر درجه در همین

منطقه حفر خواهد گردید.

تلاش های اکتشافی سال های ۱۹۷۰ در داخل خشکی و در حوضچه وسیع بالای آمازون در

شمال شرقی پرو متمرکز بوده است. این منطقه نیز به علت نزدیکی آن با منابع عظیم مکشوفه در

اکوادور بسیار نویدبخش به نظر می آمد. در ماه نوامبر ۱۹۷۱ پترو پرو با حفر اولین چاه به نفت دست

یافت. دوازده حلقه چاه حفر شده بعدی نیز به نفت رسید که میانگین افزونی درجه API آنها ۲۰ و

میزان تولید هر یک ۳۰۰۰ بشکه در روز بود. به دنبال حفاری های موفقیت آمیز پترو پرو، کمپانی نفتی

اکسیدنتال(۲) نیز در اکتبر ۱۹۷۲ تعداد ۱۰ حلقه چاه تجاری در جنگل های مجاور اکوادور حفر نمود.نفت کشف شده اکسیدنتال دارای درجه ۳۰ API و مقدار گوگرد کمتر، و توان تولیدی ۳۴۰۰ بشکه در

روز بود. این موفقیت های زودرس سبب شد که تا سال ۱۹۷۴ تعداد ۱۸ کمپانی یا گروه به این جنگل

هجوم آورده و در منطقه ای به وسعت ۲۶۰۰۰۰ کیلومتر مربع به عملیات اکتشافی مشغول شدند.

معذالک نفت مکشوفه توسط یونیون اویل ، آموکو ، فیلیپس و هیسپان اویل سنگین و غیرتجاری بود. عدم موفقیت در دستیابی به ذخایر تجاری بیشتر، سبب خروج تمام پیمانکاران به استثناء

اکسیدنتال از جنگل گردید.

تکمیل خط لوله نفتی ترانس آندین که اخیرا صورت گرفت احتمال کشف و توسعه مناطقی از

جنگل آمازون را که هنوز دست نخورده است بالا می برد. این خط لوله ۶۷۰ میلیون دلاری که

می تواند نفت را از حوضچه آمازون به بندر بیووار در اقیانوس آرام منتقل کند، در ماه مه سال

۱۹۷۷ عملیات خود را آغاز کرده است. تکمیل خط لوله ۱۳۰ میلیون دلاری اکسیدنتال که از سطح کنونی ۴۰۰۰۰ بشکه در روز به سطح تقریبی ۱۰۰۰۰۰ بشکه در روز برسد. بازده ذخایر قطعی کنونی نیز تا سال ۱۹۸۰ به حد اعلای خود یعنی ۱۳۰۰۰۰ بشکه در روز خواهد رسید.

توانایيها و محدودیت ها

با وجود بالا رفتن مهارت های فنی و مدیریتی پترو پرو از سال ۱۹۶۸، تواناییهای این کمپانی فقط به حفاری در مناطق داخلی خشکی محدود می باشد. علاوه بر این کمپانی دولتی دچار کمبود سرمایه جاری و ظرفیت محدود قروض خدماتی شده است. تأمین ۸۰۰ میلیون دلار هزینه لازم جهت احداث

۱- Belco Petroleum.

۲- Occidental Petroleum Company.

سیستم خط لوله ترانس آندین که در روزهای اولیه رونق هجوم به جنگل انجام شد پترو پرو را در

محدوده مدیریتی وامها قرار داده و سرمایه ای جهت اکتشافات نفتی باقی نگذاشت.

قبل از عدم پذیرش قراردادهای جدید توسط پرو در سال ۱۹۷۳ به منظور تسریع در اکتشاف

مناطق وسیع جنگل که از سال ۱۹۷۱ شروع شده پترو پرو با کمپانی های نفتی بین المللی در مورد ۱۸

قرارداد مشارکت در تولید وارد مذاکره شد به طوری که هر کدام از این قراردادها در مناطقی به وسعت

۱۰۰۰۰ کیلومتر مربع در حوضچه پاستازا مارانون به مرحله اجرا گذاشته شود. این قراردادهاشرایط عملیاتی بسیار سختی را تعیین کرده و قرار بود که ۵۰ تا ۵۶ درصد نفت مکشوفه از آن پترو

پرو باشد. این قراردادها یک امتیاز کشف و بهره برداری ۳۵ ساله را اعطا می کرد، و علاوه بر تعیین

برنامه های حفاری بسیار شدید، کمپانی ها را ملزم می کرد که پس از هفت سال نیمی از مناطق مکشوفه

را به پترو پرو واگذار نماید. اکثر پیمانکارانی که در دو سال آخر پرو را ترک گفته بودند، نتوانستند

برنامه حفاری خود را به پایان برسانند و ترجیح دادند که یک تا دو میلیون خسارت را پرداخته و

هزینه های مربوط به چاه های بی حاصل دیگر را متحمل نشوند.

دورنما

موقعیتهای جذب اکتشافات جدید از طریق شرکتهای خارجی به دلیل تجارت تلخ حاصله از

حوضچه آمازون دچار سرانجام نامطلوب گردیدند.

با وجود این که لیما اعلام کرده است که حاضر است قراردادهای جدیدی در رابطه با جنگل وفلات قاره مورد مذاکره قرار دهد، ولی تا به حال هیچ یک از شرکتهای خارجی پیشنهادی ارائه

نکرده اند. دولت پرو نیز در پاسخ به پیشنهادات دلسرد کننده پیشنهادات خود را با شرایط جالب و

انعطاف پذیر چرب و نرم تر کرده است. پرو حتی با تجدید مشارکت شرکت های نفتی خارجی نیز

نمی تواند در آینده نزدیکی از صورت یک صادر کننده کوچک نفتی خارج شود. تا سال ۱۹۸۰ کل

نفت تولیدی به انضمام بازده حاصله از مناطق آمازون و تالارا، نزدیک به ۲۰۰۰۰۰ بشکه در روز بشود که از این مقدار ۳۰۰۰۰ بشکه در روز قابل صدور خواهد بود.

اکوادور

در صورتی که اقدامات اکتشافی کافی صورت گیرد، اکوادور خواهد توانست معادل ۱ تا ۵/۱ میلیارد بشکه به ذخایر قطعی و احتمالی ۷/۱ میلیارد بشکه ای خود بیفزاید. با این وصف اگر دولت قادر به جذب مشارکت وسیع خارجی نباشد تحقیق و تجسس به کندی به پیش خواهد رفت.

چشم انداز زمین شناسی

تولید نفت اکوادور در شبه جزیره غربی سانتاالنا(۱) از سال ۱۹۱۱ آغاز گردید. عملیات اکتشافی در

۱- Santa Elena Penisula.

اورینته(۱) از سال ۱۹۳۷ آغاز گردید، لیکن تنها پس از اکتشاف منبع لاـگوآگریو(۲) توسط کنسرسیوم تکساکوگلف(۳) چندین حوزه کوچکتر و تجاری در نقاط دیگر ایالت ناپوی کشف شد، ولی روابط

ضعیف بین دولت و کمپانی از گسترش آن ممانعت به عمل آورده است. ایالت ناپوی تقریبا تمام ذخایر

نفتی شناخته شده اکوادور را در بر گرفته و نفت آن دارای گوگرد کم و APIآن بین ۲۹ تا ۳۱ درجه

می باشد.

اندیشه وجود ذخایر نفتی وسیع در ایالت پاستازای اورینته(۴) که از بین رفته است. حوضچه آمازون،که تکساکوگلف در آن به کشفیاتی دست یافته تا جنوب ایالت پاستازا گسترده بود و تا پرو ادامه

می یابد. پس از کشفیات اولیه تکساگوگلف، شرکت های بین المللی هجوم آوردند تا امتیاز کل این ایالت

را از آن خود سازند. با این وصف، حفاری های اکتشافی سالهای ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ منجر به کشف نفت

نشد، و مداخله دولت نیز سبب شد که بسیاری از کمپانی های امتیازات خود را رها سازند.

توسعه و اکتشاف بیشتر خواهد توانست یک تا ۵/۱ میلیارد بشکه به ذخایر نفتی اکوادور(۵) بیفزاید. با

وجود اینکه بخش اعظم ذخایر جدید احتمالاً در مجاورت مناطق تولیدی کنونی کشف خواهد شد، در

نقاط دور افتاده شرق ایالت ناپو یعنی محل انجام عملیات اکتشافی شرکت نفت دولتی اکوادور نیز

احتمال پیدایش منابع تجاری وجود دارد. شرکت نفت دولتی اکوادور اخیرا در دو حوزه یعنی شیری پونو(۶) و تیواکونو(۷) به نفت دست یافت لیکن هزینه حمل و نقل این نفت سنگین که درجه API آن ۱۹ تا۲۰ است غیر تجاری است. کمپانی آرژانتین نیز در پاستازای شمال موفقیت هایی کسب کرده است.

اولین چاه اکتشافی این شرکت یعنی کوراری ۱ I(۸)با میزان ۱۰۰۰ بشکه در روز و API ۲۵ تا ۳۰درجه آزمایش شد و این کمپانی در نظر دارد در سال جاری دو حلقه چاه اکتشافی دیگر حفر نماید.

افزایش سرمایه گذاری نیز به اکوادور اجازه خواهد داد که از ۱۱ تریلیارد فوت مکعب ذخایر قطعی

و احتمالی گاز طبیعی خود بهره برداری نماید. در مورد احداث یک کارخانه بازیابی گاز در ناپو

کارهای مقدماتی آغاز شده است. ذخایر خلیج گایاکیل(۹) به علت اختلافات بین دولت و کمپانی نورثوست انرژی(۱۰) مورد

بهره برداری قرار نگرفته است.

توانایيها و محدوديت ها

شرکت نفت دولتی اکوادور يعنی تنها شرکت نفتی داخلی اين کشور تخصص فنی و سرمايه لازم

۱- Oriente.

۲- Lago Agrio.

۳- منظور صفحه ۸ اسناد انگليسی است که در۳- CDشماره ۷ موجود است.

۴- Oriente's Pastaza Province

۵- Ecuadorean State Petroleum Corporation (CEPE).

۶- Shiripuno.

۷- Tivacuno.

۸- ۱ - Curarag X.

۹- Gulf of Guayaquil.

۱۰- Northwest Energy.

جهت انجام اکتشاف و توسعه را در اختیار ندارد. این شرکت در طول پنج سال موجودیت خود تنها

توانسته است پنج حلقه چاه حفر نماید. شرایط ارضی سخت جنگل های شرق اکوادور و کمبود

تجهیزات نیز بر فقدان تجربه شرکت نفت دولتی اکوادور اضافه شده است. علیرغم ازدیاد قیمت نفت،

سوبسید قیمت نفت داخلی و رکورد فروش های بین المللی، سرمایه های شرکت نفت دولتی اکوادور

محدود کرده است. در رابطه با درآمد عملیاتی، این شرکت به سودهای عایده متکی است، و عوارض

و مالیاتهای نفتی حاصله از کمپانی های خارجی برای اهداف دیگر به مصرف می رسد.

بعضی از سازمانهای دولتی به اهمیت جلب شرکت های خارجی پی برده اند. سیاست های نفتی

شدیدا ناسیونالیستی اکوادور سبب خروج شرکت های خارجی و عقب نشینی کمپانی گلف(۱) در اواخرسال گذشته گردید. هزینه بالای عملیات اکتشاف از سال ۱۹۷۲ تاکنون بر طرز تفکر مدیر کل بخش

هیدروکربن وزارت منابع طبیعی یعنی رقیب شرکت نفت دولتی اکوادور تأثیر گذاشت. با بهره برداری از

نارضایتی همه جانبه ناشی از عدم توانایی و فساد در شرکت نفت دولتی اکوادور، مدیر کل بخش

هیدروکربن خواستار ایجاد انگیزه های جدید برای بیگانگان شد. به هنگام گفتگوی اخیر در مورد

برنامه کاری سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ کمپانی تکساکو از روحیه مثبت کیتو(۲) متعجب گردید.

دورنما

توسعه ذخایر جدید اکوادور احتمالاً کاری بیش از ممانعت از کاهش تولید تا اوایل سالهای ۱۹۸۰

انجام نخواهد داد. اگرچه در طرز برخورد دولت با کمپانی های خارجی باید بهبودی پدید آید، ولی

سوابق گذشته کیتو (پایتخت اکوادور م) و تواناییهای محدود زمین شناسی اکوادور نخواهد توانست

هجوم سرمایه های عظیم خارجی را ترغیب نماید.

برزیل

توانابیهای نفتی برزیل علیرغم اکتشافات انجام شده از سالهای ۱۹۳۰ تا کنون هنوز هم تا حد

زیادی ناشناخته باقی مانده است. در حال حاضر به نظر می رسد نویدبخش ترین مناطق در خارج از

خشکی واقع شده باشند. پتروبراس(۳) ، شرکت نفت دولتی این کشور، از سال ۱۹۷۳ اقدامات اکتشافیخارج از خشکی خود را افزایش داده و در نـتیجه آن در حوزه کـامپوس(۴) در خـارج از سواحل ریودوژانیرو(۵) و در دهـانه آمازون به کشـفیات مهم دست یافته است. پتروبراس علیرغم این موفقیت هااستعداد فنی و مالی لازم جهت افزایش سریع فعالیتهای اکتشافی و تولیدی را در اختیار ندارد. دولت

نیز به کمپانی های خارجی جهت تسریع در تجسس نفت چشم دوخته، لیکن تاکنون نسبت به ارائه

شرایطی که به نحو مؤثری جذب کننده باشد بی میل بوده است.

۱- Gulf.

۲- Quito.

۳- Petrobras.

۴- Campos Basin.

۵- Rio de Janeiro.

چشم انداز زمین شناسی

بخش اعظم نفت برزیل از حوزه های ساحلی شمال شرق تولید می شود. کاهش دائمی تولید نفت حوزه های داخل خشکی تأثیر افزایش آرام بازده نفتی حوزه های خارج از خشکی را از بین برده و سبب رکود تولید کلی نفت برزیل از سال ۱۹۶۳ در سطح تقریبی ۱۷۵۰۰۰ بشکه در روز گردیده است. تحقیقات موفقیت آمیز لرزه نگاری و کشف حوضچه عظیم کامپوس که ۹۰ درصد ذخایر قطعی و احتمالی ۶۶۸ میلیون بشکه ای برزیل را در بر می گیرد، سبب شده است که پتروبراس عملیات اکتشافی خود را در فلات قاره خود بر وسعت ۸۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع متمرکز سازد. برنامه نفتی جاه طلبانه دولت مستلزم صرف ۷۳۰ میلیون دلار در زمینه توسعه و اکتشاف می باشد که دو برابر مخارج سال ۱۹۷۶ است. قرار است در طول سه سال آینده سالانه تعداد ۱۶۸ چاه اکتشافی جدید عمدتا در خارج از خشکی حفر گردد، لیکن در سال ۱۹۷۳ تنها ۳۰ حلقه از این چاه ها حفر گردید.

به استثناء منابع عمیق کامپوس، پتروبراس فعالیتهای اکتشافی خارج از خشکی خود را در آبهای کم عمق متمرکز می کند. در سال ۱۹۷۶، پتروبراس در دهانه رود آمازون منابع گاز و نفت کشف نمود که به عقیده زمین شناسان از جمله نویدبخش ترین مناطق برزیل به حساب می آید. میزان جریان گاز چهار حلقه چاه آزمایشی بسیار وافر و روزانه معادل ۱۵ تا ۲۵ میلیون فوت مکعب بود. در سرگیپه(۱) ،آلاگوس(۲) و ریوگرند و نورته(۳) در شمال شرق نیز منابع کوچک نفتی کشف گردید.

در سال گذشته، پتروبراس چند قرارداد ریسک آمیز با چهار کمپانی نفتی بین المللی یعنی، اکسون(۴) ،بریتیش پترولیوم (۵)، ئی ال اف(۶) و شرکت ملی نفت ایتالیا و کمپانی شل(۷) منعقد ساخت تا در لایه های عمیق حوزه های خارج از خشکی به اکتشافات سخت تری بپردازند. پتروبراس در رابطه ۲۵ بلوک خارج از خشکی (در حالی که در دور اول تنها ۱۰ بلوک را پیشنهاد کرده بود) واقع در دهانه رود آمازون و سانتوز(۸) و حوضچه پلوتاس(۹) در جنوب به مناقصه گذاشت. این بلوک ها نیز بر اساس سوابقلرزه نگاری که نشان

دهنده تواناییهای نفتی بود به مناقصه گذاشته شد ولی تا کنون نفت دارای ارزش تجاری از این نقاط بدست نیامده است. مذاکرات مربوط به قراردادها تا پایان سال جاری آغاز خواهد شد.

توانایيها و محدوديت ها

با وجود اینکه پتروبراس یکی از با صلاحیت ترین کمپانی های نفتی دولتی در جهان است، ولی از

۱- Sergipe.

۲- Alagoas.

۳- Rio Grande de Norte.

۴- Exxon.

۵- British Petroleum.

۶- ELF/AGIP.

۷- Shell.

۸- Santos.

۹- Pelotus.

جمله ناسیونالیست ترین و بوروکرات ترین شرکت های دولتی برزیل به شمار می رود. مقامات پتروبراس علیرغم کمبودهای فنی و منابع مالی، در برابر مداخله بیگانگان در صنعت نفت مقاومت کرده و می کنند. عدم تمایل این کمپانی به درخواست کمک از بیگانگان در مورد حل مشکلات توسعه کامپوس نشانگر جدیت مسئله است. پتروبراس فاقد تخصص لازم جهت استخراج نفت از مخازن آهکی عمیق که بهترین ذخایر کامپوس به شمار می آیند، می باشد. در نتیجه اکثر چاه های کامپوس در مناطق کم عمق و در مناطق دارای کیفیت نامرغوب حفر شده است.

با وجود اینها صورتحساب سرسام آور نفت وارداتی و توانایی محدود پتروبراس در انجام اکتشافات خارج از خشکی در سال ۱۹۷۵ دولت را وادار به دعوت از پیشنهاد بیگانگان در مورد مناطقش اجاره ای نمود، ولی برزیل در جذب کمپانی های خارجی دچار مشکلات شده است.

تنها بلوک های کوچک را به مناقصه گذارده و بهترین مناطق را برای خود حفظ کرده بود. بعضی از کمپانیهای نیز معتقدند که پتروبراس اطلاعات حیاتی حاصل از زمین شناس را در مجموعه های لزره نگاری که به آنها فروخته قرار نداده است. علاوه بر این، برزیل بر قراردادهایی تاکید دارد که منافع کمپانی ها را محدود سازد. به این ترتیب که: (الف) هر گونه گاز مکشوفه از آن برزیل باشد، (ب) منافع کمپانی های نفتی محدود به نرخ تعیین شده در مناقصه خودشان باشند، (ج) عملیات اکتشافی باید در مدت کوتاهی به پایان برسد.

محدودیت های مالی برزیل را وادار خواهد کرد تا در تلاشهای خود به منظور گسترش صنایع نفت به کمپانی های خارجی متکی باشد. گسترش منابع خارج از خشکی خصوصا پر خرج خواهد بود و طبق برآورد پتروبراس ۴ میلیارد ریال سرمایه لازم دارد تا حوزه کامپوس مورد بهره برداری کامل قرار گیرد. به دلیل نیاز به تکنولوژی بسیط زیربنایی و پیچیده، توسعه منابع دهانه رود آمازون و ماوراء آن

پرخرج می باشد.

ژیزل(۱) رئیس جمهور برزیل پس از شناخت این نقائص به پتروبراس دستور داد که از ایجاد موانعبر سر راه مشارکت خارجی ها دست برداشته و مناطق نویدبخش تر از نظر زمین شناسی را به مناقصه

بگذارد. در نتیجه پتروبراس، در آخرین دور قراردادهای مناطق بیشتری را در معرض اکتشاف

گذاشت، و اظهار داشت که در مورد تولید گاز نیز حاضر است به مذاکره بپردازد و علاوه بر این نرخ

اطلاعات لرزه نگاری رانیز پایین آورده است.

برزیل همچنین محدودیت های مربوط به ورود تجهیزات نفتی که مشابه آن در داخل ساخته

می شود را و اظهار داشت که گسترش سریع منابع نفت داخلی از اهمیت و اولویت برخوردار است. با

این وجود تغییرات در رهبریت پتروبراس در سال جاری احتمالاً تأثیر سریعی بر این کمپانی نخواهد

داشت.

دورنما

آینده برزیل به عنوان یکی از تولیدکنندگان نفت تا حد زیادی به اکتشافات خارج از خشکی

بستگی دارد که هنوز در مراحل اولیه به سر می برد. با این وصف، حتی اگر مشخص شود که بعضی از

۱- Geisel.

مناطق بسیار مولد هستند احتمال کمی وجود دارد که برزیل بتواند آنها را به موقع توسعه دهد تا بتواند به هدف خودکفایی نفتی خود تا سال ۱۹۸۶ دست یابد.

اظهارات علنی پیشین مقامات برزیلی مبتنی بر اینکه تا سال ۱۹۸۰ تولید نفت این کشور به سطح ۷۰۰۰۰۰ بشکه در روز خواهد رسید، بسیار خوش بینانه است. بازده حوضچه کامپوس تا اوایل سالهای ۱۹۸۰ احتمالاً تولید نفت برزیل را بیش از دو برابر کرده و به سطح ۴۰۰۰۰۰ درصد نیاز خواهد رساند ولی این اضافه تولید تنها خواهد توانست ۳۰ درصد نیاز نفتی برزیل را تأمین نماید.

دسترسی برزیل به سطوح بالاتر تولیدی تا حدود زیادی بستگی به توانایی این کشور در جلب کمپانی های خارجی دارد.

بولیوی

با در نظر گرفتن اکتشافات اخیر و ساختارهای زمین شناسی متعدد قابل اکتشاف این کشور، بولیوی به احتمال قریب به یقین خواهد توانست سطح ذخایر نفتی کنونی خود را از ۲۳۰ میلیون به ۲۷۰ میلیون بشکه برساند. حتی اگر اکتشافات دیگری نیز صورت نگیرد، در چند سال آینده تولید این کشور باید دو برابر و به سطح ۷۰۰۰۰ بشکه در روز برسد زیرا ذخایر مکشوفه گسترش داده شده اند.

دورنمای زمین شناسی

بولیوی در ابتدا در سالهای ۱۹۲۰ در مناطق جنوبی و جنوب شرقی کشور به نفت دست یافت، ولی تا اوایل سالهای ۱۹۶۰ به اقدامات توسعه ای و اکتشافی وسیع مبادرت نکرد. فعالیتهای اکتشافی سبب شد که سطح ذخایر نفتی کنونی از ۲۳۰ میلیون به ۲۷۰ میلیون بشکه برسد، که اکثر این ذخایر نیز در بخش مرکزی و جنوب شرقی کشور واقع شده است (به نقشه صفحه ۱۶ نگاه کنید).(۱) منابع وسیع گازی نیز در این کشور کشف گردید و اکثر گاز آن به آرژانتین صادر می گردد. آخرین یافته های

تجاری شامل حوزه ۱۵ میلیون بشکه ای کامبیتی(۲) در بخش جنوبی و حوزه ۹ میلیون بشکه ای اسپه جوس(۳) در بخش مرکزی است که هر دوی آنها توسط کمپانی نفتی دولتی بولیوی(۴) کشف شده است.حوزه تیتا(۵) متعلق به کمپانی اکسیدنتال در حوضچه کاراندیتی(۶) واقع شده است ذخایری معادل ۶۰ تا ۱۰۰ میلیون بشکه نفت را شامل می شود. اکتشافات انجام شده در شمال غربی، جنوب و منطقه

آلتیپلانو(۷) موفقیت چندانی به همراه نداشته است.

۱- منظور صفحه ۱۸ اسناد انگلیسی است که درCD شماره ۷ موجود است.

۲- Cambeiti Field.

۳- Espejos.

۴- YPFB (Bolivian state oil Company).

۵- Tita.

۶- Carandaity.

۷- Altiplano.

توانایيها و محدوديتها

در سال ۱۹۷۲ پس از آنکه دولت بوليوى دريافت كه تكنولوژى، نيروى انسانى و منابع مالى

خارجى جزء لاينفك توسعه بيشتر است، انحصار اكتشاف نفت دولتى بوليوى را از ميان برداشت.

قوانين جديد، امتيازات يك ميليون هكتارى و ۴۰ تا ۵۰ درصدى نفت مكشوفه جديد را در اختيار

كمپانى هاى خارجى قرار مى دهد، مشروط بر اينكه تمام هزينه اكتشاف و توليد توسط كمپانى ها تأمين

گردد. در اواسط سال ۱۹۷۷ لاپاز(۱)(پايتخت بوليوى م) خاطرنشان ساخت كه در نظر دارد هم بهمنظور تسريع فعاليتهاى اكتشافى و هم براى تشديد توسعه مناطق توليد كننده كه بازده آنها كاهش يافته

است، انگيزه هاى بهترى را در اختيار كمپانى هاى خارجى قرار مى دهد.

چند كمپانى بين المللى پس از سرمايه گذاريهاى اصلى اوليه، به فعاليتهاى خود در بوليوى خاتمه

دادند. از ۱۸ منطقه اى كه بر اساس قراردادهاى مشاركت در توليد با كمپانى نفتى دولتى بوليوى در

اختيار كمپانى هاى خارجى قرار داده بود، ۱۲ فقره اعاده و سه فقره ديگر در حال ارزيابى است. تنها

كمپانى هاى اكسيدنتال، تسورو(۲) و فيليپس هنوز به فعاليتهاى خود ادامه مى دهند، و فيليپس نيز كه درمنطقه كوچابامبا(۳) به حفارى مشغول است، هنوز به نفت دست نيافته است. عليرغم قوانين جالب

سرمايه گذارى در اين كشور، عدم موفقيت اكتشافات در بسيارى از مناطق واگذار شده به شركتهاى

خارجى سبب از بين رفتن علاقه آنها به فعاليت در اين مناطق شده است.

دورنما

اگرچه هنوز مقدار نفت براى اكتشاف در بوليوى باقى مى ماند ولى انتظار نمى رود ميزان ذخاير آن

آنقدر بالا رود كه اين كشور به صورت يك توليد كننده مهم درآيد. كاهش علاقه شركتهاى خارجى،

عليرغم جو سرمايه گذارى آزاد منشانه موانعى در راه اقدامات اكتشافى ايجاد كرده است. با اين وصف،

توليد بايد تا اواسط سال ۱۹۸۰ به سطح ۷۰۰۰۰ بشكه در روز برسد، چون حوزه هاى مكشوفه قبلاً

توسعه یافته اند.

کلمبیا

سرانجام بوگوتا(۴) (پایتخت کلمبیا م) نیز سیاست های را اتخاذ کرده است تا به وسیله آنها روندنزولی ذخایر قطعی نفت خود را معکوس نماید. ولی محدودیت تواناییهای زمین شناسی فرصت ایجاد

تغییرات مهم را بسیار کم می کند. با درنظر گرفتن میزان اکتشافات مورد انتظار ظرف پنج سال آتی،

احتمال نمی رود که اکتشافات جدید بتواند افزایش قابل توجهی در ذخایر فعلی ۸۲۵ میلیون بشکه ای

این کشور پدید آورد. در این شرایط بهترین کاری که کلمبیا می تواند نسبت به انجام آن امیدوار این

است که سطح بازده کنونی روزانه ۱۴۶۰۰۰ بشکه ای خود را حفظ نماید.

۱- La Paz.

۲- Tesoro.

۳- Cochabamba.

۴- Bogota

چشم انداز زمین شناسی

بخش اعظم ذخایر قطعی کلمبیا در حوضچه ماگدالنای میانه(۱) بوده و از سالهای ۱۹۲۰ تا کنونمورد بهره برداری شدید قرار گرفته است (به نقشه صفحه ۸ نگاه کنید).(۲) حدود یک چهارم تولید کنونی

از حوزه پوتومایو یعنی مهمترین حوزه کلمبیا در حال حاضر که توسط کنسرسیوم تکساکو گلف در

اواسط سالهای ۱۹۶۰ کشف شد، تأمین می گردد. عملیات اکتشافی نیز در حوضچه ماگدالنا، پوتومایو(۳) و مناطق غربی شبه جزیره گواجیرا(۴) که ذخایر عظیم گازی (۳ میلیارد فوت مکعبی) را در بر می گیردمتمرکز است. کلمبیا بر سر ذخایر غنی خارج از خشکی خلیج ونزوئلا با این کشور اختلاف دارد و به

همین دلیل تا پس از حل و فصل مشاجرات ارضی با ونزوئلا نمی توان در این منطقه اقدامات اکتشافی

لازم را انجام داد.

گذشته از منطقه خلیج ونزوئلا، تواناییهای زمین شناسی کلمبیا چندان نویدبخش نیست. معذالک،

اکتشافات انجام شده اخیر در مجاورت شبه جزیره گواجیرا سبب کشف ذخایر عظیم گاز طبیعی گردید

به طوری که ذخایر قطعی در این منطقه می تواند تولید ۴۰۰ میلیون فوت مکعب در روز

(معادل ۷۰۰۰۰ بشکه نفت در روز) را تأمین نماید. ارزیابی بیشتر حوزه های گازخیز گواجیرا می تواند

منجر به دو برابر شدن ذخایر شناخته شده گردد. بوگوتا در نظر دارد منابع گازی جنوب شرقی و

ساحل شمال کلمبیا را نیز گسترش دهد. کل ذخایر قطعی گاز این کشور از ۸/۲ تریلیون فوت مکعب

در سال ۱۹۷۱ به سطح ۵ تریلیون فوت مکعب رسیده است. با یک مقایسه می توان گفت که ذخایر

نفتی قطعی از سال ۱۹۷۱ تاکنون معادل ۸۵۰ میلیون بشکه کاهش یافته است.

توانایی ها و محدودیتها

اکوپترول(۵) ، شرکت نفتی دولتی کلمبیا منابع مالی و تخصص فنی لازم جهت اقدامات اکتشافی عمدهو گسترش امکانات محدود گاز و نفت کشور را در اختیار ندارد. ولی تا همین اواخر سیاستهای دولت،

از طریق کنترل شدید قیمت سوخت داخلی برای شرکتهای خارجی، در زمینه اکتشاف و گسترش مشوقی به حساب نمی آمد. در نتیجه تعداد چاههای حفر شده ریسک آمیز از سال ۱۹۷۰ تاکنون بیش از ۱۸ حلقه چاه در سال نبود و اکثر آنها تحت نظر اکوپترول حفر گردیده بود.

بوگوتا در سال ۱۹۷۷ تصمیم گرفت سیاست قیمت گذاری داخلی خود را اصلاح نماید تا بتواند کاهش ذخایر قطعی شده را کندتر نماید. قیمت سوخت تولیدی از نقاط مکشوفه جدید به سطح بین المللی ارتقاء داده شد و استفاده از قراردادهای مشارکت در تولید نیز مجاز شناخته شد. با این وصف شرایط قراردادها از آزادی چندانی برخوردار نیست تا بتواند با در نظر گرفتن هزینه سنگین و مشکلات اکتشافی در سرزمینهای ناهموار کلمبیا، شرکتهای خارجی را به این کار تشویق نماید. بر

۱- Middle Magdalena Basin.

۲- منظور صفحه ۱۹ اسناد انگلیسی است که درCD –شماره ۷ موجود است.

۳- Putumayo.

۴- Guajira Peninsula.

۵- Ecopetrol.

اساس قراردادهای حاضر، شرکتهای خارجی ۴۰ درصد تولید حوزه های جدید را تصاحب کرده و در

صورت دستیابی به نقاط قابل بهره برداری تجاری ۵۰ درصد از هزینه های حفاری به آنها بازگردانده

می شود.

دورنما

با وجود اینکه در نتیجه تغییر سیاستهای دولت در میزان عملیات اکتشافی افزایشی پدید آمده، ولی

برای جلوگیری از سقوط ذخایر قطعی و تولید کنونی تلاش نسبتا قابل توجهی باید در این زمینه

مبذول گردد. با در نظر گرفتن امکانات محدود زمین شناسی نفتی، تلاش اکتشافی احتمالاً شامل حفر

سالانه ۲۰ تا ۳۰ حلقه چاه ریسک آمیز خواهد بود که از میانگین چاههای حفر شده در سالهای ۷۶

۱۹۷۰ بیشتر است ولی از برنامه مورد نظر دولت در رابطه با حفر سالانه ۸۰ حلقه چاه خیلی کمتر

است.

شیلی

احتمال نمی رود شیلی در دهه آتی به منابع نفت و گاز قابل ملاحظه ای دست پیدا کند. عملیات

اکتشافی تنگه ماژلان(۱) نیز احتمال نمی رود کاری بیش از دو برابر کردن ذخایر ۱۸۰ میلیون بشکه اینفت و ۵/۲ تریلیون فوت مکعبی گاز انجام دهد. با در نظر گرفتن عدم تمایل سانتیاگو(۲) به باز گذاشتندست کمپانی های خارجی، اکتشافات گسترده در مناطق بکر نمی تواند در آینده نزدیک نوید چندانی

به همراه داشته باشد.

چشم انداز زمین شناسی

اکتشافات هماهنگ بین سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۴ سبب کشف حوزه های کنونی تولیدی شیلی در

منطقه مجاور با تنگه ماژلان گردید (به نقشه صفحه ۶ نگاه کنید).(۳) ادامه تلاشها در این منطقه از سال

۱۹۶۴ تاکنون نتوانست منجر به کشف ذخایر چشمگیری گردد، در نتیجه میزان ذخایر به ۱۸۰ میلیون

بشکه کاهش یافت و در عین حال تولید نیز تا سطح ۲۶۰۰۰ بشکه در وز پایین آمد. حفاریهای محدود نقاط دیگر نیز توام با موفقیت نبود. اخیرا نیز شش حلقه چاه بی حاصل در بخش کم عمق ساحل آبهای والدیویا(۴) حفر گردید.

در خود تنگه نیز احتمالاً حدود ۲۰۰ میلیون بشکه نفت دیگر و ۵/۱ تا ۲ تریلیون فوت مکعب گاز دیگر وجود دارد. هوای طوفانی این منطقه سبب توقف عملیات اکتشافی تا سپتامبر سال ۱۹۷۶ گردید، تا اینکه شرکت نفت دولتی این کشور یک سکوی متناسب برای تمام شرایط جوی را از امریکا اجاره کرد. از ماه سپتامبر تاکنون این شرکت ۱۵ تا ۲۰ حلقه چاه ریسک آمیز حفر نموده که نتایج حاصله

۱- Straits of Magellan.

۲- Santiago.

۳- منظور صفحه ۲۰ اسناد انگلیسی است که در CD شماره ۷ موجود است.

۴- Valdivia.

امیدوارکننده می باشد. امکان پیدایش ذخایر دید نفتی در خارج از این منطقه بسیار کم است، لیکن در

طول فلات قاره شیلی و به خصوص در مناطق جنوبی والپاریاسو(۱) مطالعات لرزه نگاری در حال انجاماست.

تواناییها و محدودیتها

با وجود صلاحیت شرکت نفت دولتی شیلی(۲) ، این شرکت از تکنولوژی پیشرفته جهت بهره برداری کامل تنگه و سرمایه و نیروی انسانی لازم جهت انجام اکتشافات گسترده در فلات قاره برخوردار

نیست. با درک این مطلب، شرکت نفت دولتی شیلی با مؤسسه سانتافه(۳) قراردادی امضاء کرد تا براساس آن چند سکوی حفاری خارج از خشکی دیگر در سال ۱۹۷۶ تحویل گیرد. سانتیاگو در یک

حرکت دیگر به منظور بالا بردن فعالیت بخش نفتی خود، به اخراج ۵۰ ساله شرکتهای خارجی در

رابطه با اکتشاف و تولید نفتی پایان داد. با این وصف شرایط قراردادهای شیلی آن چنان دشوار است

که نمی تواند موجب ترغیب شرکتهای خارجی گردد. به طور مثال، براساس همین قراردادها شرکتهای

بین المللی همچنان حق ندارند در مناطق نسبتا نویدبخش تنگه به کار مشغول شوند. کاهش مستمر

تولید نفت خام سبب شد که سانتیاگو در جنبه های مالی قراردادهای پیشنهادی، جرح و تعدیلی پدید

آورد، لیکن تاکنون فقط کمپانی آرکو(۴) به فعالیت در شیلی رغبت نشان داده است.

دورنما

به نظر ما تقاضای شیلی در زمینه نفت وارداتی حداقل تا ۵ سال آینده کاهش اندکی خواهد داشت.

با وجود اینکه ذخایر گازخیز واقعا دست نخورده باقی مانده اند، ولی پیشرفت کارخانه پیشنهادی گاز

طبیعی مایع مدتی به تعویق افتاده است و تکمیل آن تا قبل از اوایل سالهای ۱۹۸۰ محتمل نمی باشد.

تولید از ذخایر جدید نفت خام تنگه ماژلان نیز احتمالاً خواهد توانست بازده کنونی را تا سال ۱۹۹۰

دو برابر و به سطح ۵۰۰۰۰ بشکه در روز برساند.

گواتمالا و بلیز

پس از ۲۵ سال اقدامات اکتشافی فاقد موفقیت، گواتمالا در سال ۱۹۷۳ منابع نفتی تجاری خود را در مجاورت مرز مکزیک کشف نمود. با وجود غیر قطعی بودن میزان منابع، تجزیه و تحلیل مقدماتی حاکی از وجود ذخایری با حداقل ۲۷ میلیون بشکه نفت است که البته در مقایسه با استانداردهای جهانی بسیار کوچک است ولی مهمترین منابع نفتی در امریکای مرکزی به حساب می آیند. به علت دورافتادگی ذخایر و عدم جذابیت سیاستهای نفتی گواتمالا پیشرفت چندانی صورت نگرفته است.

علیرغم افزایش فعالیتهای اکتشافی که به دنبال کشفیات و تحقیقات مثبت لرزه نگاری گواتمالا صورت

۱- Valparaiso.

۲- Chile.

۳- Santa Fe.

۴- Arco.

گرفته، بلیز هنوز نتوانسته است به ذخایر نفتی تجاری دست یابد.

چشم انداز زمین شناسی

کشف اخیر در گواتمالاـ در حوزه روبل سانتو(۱) در منطقه پتن(۲) واقع شده است. (به نقشه صفحه ۲نگاه کنید).(۳) این منابع در حوزه کرتانوس کوبان(۴)قرار گرفته و مجاور و مشابه با ساختار

زمین شناسی حوزه رفورما در جنوب شرقی مکزیک می باشد. آزمایشهای مفصل لرزه نگاری و

زمین شناسی ۳۷ ساختار را نشان داده که ۱۰ ساختار آن دارای اهمیت بسیاری می باشد. نفت مکشوفه

دارای APIبین ۲۳ تا ۳۲ درجه و مقدار گوگرد آن زیاد و ۳ تا ۴ درصد می باشد. علیرغم عمق متوسط

۲۳۰۰ متری و ساختار باز تشکیلات زمین شناسی، عملیات حفاری پرخرج و مشکل بوده است و

علت اصلی آن نیز وجود مقادیر بسیاری زیادی از سولفید هیدروژن و دی اکسید گوگرد می باشد.

کنسرسیوم متشکل از بیسیک ریسوسز اینترنشنال(۵) و شناندو اویل(۶) احداث حداقل چهار حلقه چاهمولد نفت را در حوزه روبل سانتو به پایان رسانیده که میزان بازدهی آزمایشی هر یک بین ۱۰۰۰ تا

۳۰۰۰ بشکه در روز متغیر بوده است. با این وجود تولید کل حوزه محدود به ۳۰۰۰ بشکه در روز

بوده و علت آن نیز مشکلات موجود در زمینه حمل و نقل است. احداث یک خط لوله ۱۲ اینچی ۱۹۰

کیلومتری از حوزه روبل سانتو به پالایشگاه و بندر پوئرتوباریوس(۷) قرار است در اواسط سال ۱۹۷۸به پایان برسد. این خط لوله ۳۳ میلیون دلار که توسط یک شرکت فرانسوی به نام آنترپوزاسا(۸) احداثمی شود تولید را به سطح ۱۵۰۰۰ بشکه در روز خواهد رسانید.

گواتمالا همچنین در مناطق خارج از خشکی خلیج هندوراس به عملیات اکتشافی مبادرت

می ورزد. سنترام زامورا(۹) تنها کمپانی نفتی دیگری که در گواتمالا فعالیت می کند تا اعماق ۱۸۰۰ متریحفاری نمود لیکن نتایج مثبتی بدست نیاورد. ظاهرا در تلاشی برای دسترسی به تشکیلات

زمین شناسی چاه دیگری در اعماق ۳۰۵۰ تا ۳۳۵۰ متری حفر گردید لیکن این امر نیز نتیجه ای ببار

نیاورد.

به دنبال کشفیات گواتمالا در سالهای اخیر، بلیز تحقیقات نفتی خود را از بخش شمالی به جنوب کشور تغییر داد. در ماه اوت سال ۱۹۷۶، اکسون بخش اعظم سهم اشتراک در ۹ منطقه اکتشافی عمدتا در خارج از خشکی شمال بلیز را خریداری کرد و موافقت نمود تا اواسط سال ۱۹۷۷ اقدامات اکتشافی گسترده ای به عمل آورد. اکسون پس از آن یک چاه اکتشافی تا اعماق ۴۰۰۰ متری خلیج

۱- Rubelsanto.

۲- Peten.

۳- منظور صفحه ۲۱ اسناد انگلیسی است که درCD شماره ۷ موجود است.

۴- Cretaceous Coban.

۵- Basic Resources international.

۶- Shenandoah oil.

۷- Puerto Barrios.

۸- Entrepose Sa.

۹- Centram – Zamora.

هندوراس حفر نمود لیکن ظاهرا به نفت دست نیافت. در اواسط سال ۱۹۷۷، اکسون به حفر یک چاه اکتشافی دیگر خارج از خشکی تا عمق ۳۶۶۰ متری مبادرت ورزید.

توانایيها و محدودیت ها

در اوایل سال ۱۹۷۶ گواتمالا یک قانون نفتی را تصویب کرد که بر اساس آن انعقاد قراردادهای خدماتی با کمپانیهای نفتی خارجی مجاز شناخته شد. این مقررات خواستار تقسیم درآمدهای حاصل از تولید به نسبت ۵۱ به ۴۹ درصد به نفع دولت است و مبلغ یک میلیون دلار پاداش انعقاد برای هر امتیاز درنظر می گیرد. دولت ممکن است سهم خود را یا به صورت تولید و یا به صورت نقدی دریافت نماید، لیکن در هر دو صورت سهم دولت شامل اعتبار مالیاتی پیمانکار می باشد. کشور به ۲۸ بخش تجسسی ۲۰۰۰۰۰ هکتاری تقسیم شده است که در مورد هر یک از آنها یک برنامه اکتشافی پنج ساله و شرایط تولید بیست ساله در نظر گرفته شده است.

قانون جدید گواتمالا مشوق چندانی برای جلب کمپانیهای عظیم نفتی خارجی که سرمایه، تجربه و تکنولوژی لازم جهت موفقیت برنامه نفتی کشور را در اختیار دارند به حساب نمی آید. چند کمپانی به دلیل قانون مذکور و پیچیدگی های مذاکرات دولتی درخواست خود در رابطه با انجام عملیات اکتشافی را پس گرفته اند. این وضع سبب شده است که تنها دو کمپانی در گواتمالا به فعالیت مشغول باشند که فقط یکی از آنها یعنی سنترام زامورا ظاهرا نسبت به انجام اکتشافات گسترده تعهد محدودی دارد.

به علت بهبودی دورنمای دست یافتن به نفت که به دنبال اکتشافات گواتمالا به وجود آمده، بلیز با احتیاط بیشتری حرکت می کند. دولت قوانین نفتی را مورد بررسی قرار داده تا سهم بیشتری از اکتشافات جدید را نصیب خود سازد و سعی دارد یک واحد تحقیقاتی برای مشاوره در مورد موضوعات ثبتی به وجود بیاورد. به دلیل اینکه بلیز فاقد منابع تخصصی و مالی لازم است، جهت

اجرای برنامه های اکتشافی خود بایستی به کمپانی های نفتی خارجی متکی باشد. با این وصف با توجه به این حقیقت که منابع بالقوه مهم در منطقه مورد اختلاف بین بلیز و گواتمالا واقع شده است اکثر کمپانیها به فعالیت در این منطقه رغبت چندانی نشان نداده اند.

دورنما

گواتمالا اخیرا به صورت اولین کشور تولید کننده نفت امریکای مرکزی درآمده است. اکتشافات در حوزه روبل سانتو(۱) و پایان احداث خط لوله احتمالاً تولید در سال ۱۹۷۸ را تا سطح ۱۵۰۰۰بشکه در روز بالا خواهد برد. علی رغم دورنمای نویدبخش زمین شناسی، سرعت گسترش و اکتشاف بیشتر بستگی به توانایی دولت در جلب مشارکت کمپانیهای خارجی دارد. در مورد بلیز، مناقشات ارضی با گواتمالا و فقدان موفقیت همچنان مانع از ادامه اکتشافات بیشتر خواهد شد. اگر اختلافات مرزی را بتوان حل کرد، بلیز با توجه به آگاهی در مورد ساختار زمین شناسی آن به احتمال زیاد فرصت دستیابی بیشتری به منابع قابل بهره برداری تجاری را خواهد داشت. با این وصف، میزان نفت حاصله احتمالاً کم خواهد بود.

پاراگوئه

۱- Todos Los Santos.

پاراگوئه علیرغم سالها جستجو به منابع نفت دارای قابلیت تجاری دست نیافته است. فعالیتهای

اکتشافی در منطقه چاکو(۱) در بخش غربی رودخانه پاراگوئه(۲) که دارای بافتهای زمین شناسی مناسباست متمرکز می باشد. از پنج حوضچه رسوبی این منطقه دو حوضچه به نام کاراندیتی(۳) و پی ریتی(۴) بهحوضچه های مورد بهره برداری بولیوی و آرژانتین که قبلاً مورد بهره برداری قرار گرفته اند می رسند (به

نقشه صفحه ۱۶ نگاه کنید.)(۵) عملیات اکتشافی گرانچاکو(۶) که عمدتا در حوضچه کاراندیتی و در

سالهای ۱۹۴۰ آغاز شده، تاکنون بدون موفقیت ادامه داشته است.

پاراگوئه فعالانه کمپانیهای نفتی خارجی را به اکتشاف در این کشور دعوت می کند. قوانین نفتی آن

نیز مانند برخورد آن با سرمایه های خارجی سخاوتمندانه است. گرچه زیربنای (صنعت نفت م) آن

عمدتا عقب مانده است، ولی با توجه به شرایط ارضی مناسب آن کمبودهای این (صنعت م) نمی تواند

مانع توسعه باشد. جو سرمایه گذاری آزادانه، فقدان محدودیتهای فیزیکی، و وجود نفت در بولیوی و

آرژانتین سبب جلب همکاری کمپانیها در پاراگوئه شده است. سه گروه با نامهای تکساکو پاراگوئه(۷) ،چاکواکسپلوراسیون(۸) و اسوآمین اویل(۹) در نظر دارند در سال جاری پنج یا شش حلقه چاه حفر نمایند.

اوروگوئه

اوروگوئه هیچ تولید نفتی ندارد و دورنمای زمین شناسی آن از نظر توسعه پایه ذخایر نفتی ضعیف

است. با وجود اینکه مطالعات لرزه نگاری احتمال وجود منابع نفتی دارای قابلیت تجاری را در

حوضچه سالادو(۱۰) در دهانه رود پلاته(۱۱) (بین آرژانتین و اوروگوئه) نشان می دهد، لیکن دو حلقه چاهحفر شده توسط کمپانی شوران(۱۲) در سال گذشته به نفت نرسید. (به نقشه صفحه ۶ نگاه کنید).(۱۳) اکتشافنیز بستگی به حفر چاههای قراردادی توسط کمپانیهای خارجی دارد، زیرا شرکت نفت دولتی،

تکنولوژی و سرمایه کافی را در اختیار ندارد. عدم علاقه از جانب کمپانیهای بزرگ نفتی، اوروگوئه را

در رابطه با برنامه های کوچک داخل خشکی به شرکتهای امریکای لاتین متکی ساخته است، زیرا

نسبت به حفاری در خارج از خشکی به تکنولوژی پیچیده ای نیاز ندارد.

۱- Chaco.

۲- Paraguay River.

۳- Caran daity.

۴- Pirity.

۵- منظور صفحه ۲۳ اسناد انگلیسی است که درCD شماره ۷ موجود است.

۶- Gran chaco.

۷- Texaco paraguay

۸- Chaco Exploration.

۹- Esso - Aminoil.

۱۰- Salado

۱۱- River plate.

۱۲- Chevron.

۱۳- منظور صفحه ۲۳ اسناد انگلیسی است که درCD -شماره ۷ موجود است.

مناسب ترین دورنما در مورد افزایش تولید نفت آسیایی در فلات قاره هند، مناطق داخل و خارج از خشکی برمه، و تشکیلات زمین شناسی متعددی که اندونزی، مالزی و برونئی در حال حاضر از آنها نفت خام استخراج می نمایند، متمرکز می باشد. مطالعات زمین شناسی که تا به حال انجام شده حاکی از آن است که بجای نفت، گاز طبیعی مهمترین بخش توسعه انرژی هیدروکربن پاکستان، بنگلادش و تایلند را تشکیل خواهد داد. عملیات اکتشافی در فلات قاره کره جنوبی تا ویتنام تقریبا آغاز شده، و دورنمای وجود گاز و نفت هنوز مشخص نشده است. اکثر دولتهای منطقه نسبت به کمپانیهای خارجی به نحو معقولی دوستانه می باشند. هزینه های زیاد و اختلافات ارضی متعدد مهمترین موانع در راه عملیات اکتشافی به شمار می آیند.

اندونزی

اندونزی که دارای ذخایر قطعی و احتمالی ۱۴ میلیارد بشکه می باشد، باید بتواند حداقل تا اواسط سال ۱۹۸۰ تولید نفت خود را بالا ببرد. تولید رو به نزول حوزه های قدیمی تر سوماترا(۱) در حال تثبیت می باشد و مقدار بازده حتی ممکن است به مدت چند سال افزایش داشته باشد. بازده حوزه های خارج از خشکی، در نقاطی که چشم انداز زمین شناسی آن نویدبخش است، بایستی سیر صعودی را در پیش گیرد. علیرغم کاهش اخیر اکتشافات در مناطق خارج از خشکی جدیدتر، حفاریهای گسترشی ادامه یافته و رشد اساسی چندان از بین نرفته است. دولت در سال گذشته بعضی از شرایط سختی را که از طریق قراردادها بر کمپانی های خارجی تحمیل می شد تغییر داد و موجبات تجدید حیات اکتشافات را پدید آورد.

چشم انداز زمین شناسی

اندونزی از سالهای ۱۸۹۰ تاکنون یک کشور تولید کننده نفت به حساب می آمد، لیکن تا سال

۱۹۶۷ کمپانیهای نفتی خارجی اکتشافات گسترده خود را در این کشور آغاز نکرده بودند. پرتامینا(۲) ،شرکت نفت دولتی، مسئولیت تمام جنبه های گسترش، پالایش، و بازاریابی نفتی را به عهده دارد.

کمپانیهای خارجی به عنوان طرف قرارداد پرتامینا محدود به انجام عملیات اولیه، از قبیل اکتشاف و تولید نفت خام و یا گاز می باشند و سهم معینی از بازده را دریافت می کنند تا سرمایه گذاری و منافع خود را تأمین نمایند. بیش از ۳۰ کمپانی فعالانه در حدود ۵۰ منطقه داخل و خارج از خشکی به کار مشغول هستند. حوزه های نفتی اندونزی در سرتاسر جزائر آن پراکنده است، و مهمترین مناطق تولیدی در سوماترا، جاوه(۳) ، کالیمانتان شرقی(۴) و ایریان غربی(۵) واقع شده است. گرچه بیش از نیمی از تولید

۱- Sumatra.

۲- Pertamina.

۳- Java

۴- East Kalimantan.

۵- West Irian.

کنونی از حوزه های داخل خشکی قدیمی تر تأمین می گردد، ولی افزایش تولید در آینده از طریق

حوزه های مکشوفه جدید خارج از خشکی بدست خواهد آمد. حوزه های نفتی دیوری(۱) و میناس(۲) درسوماترای مرکزی بزرگترین منابع نفتی است که تاکنون کشف شده اند. این حوزه ها و حوزه های مجاور

که از اوایل سالهای ۱۹۴۰ تاکنون توسط کمپانی کالتکس(۳) توسعه یافته اند، سال گذشته ۵۶ درصد کل

تولید نفت خام اندونزی را تأمین کرده اند (۵/۱ میلیون بشکه در روز). مناطق تولیدی کالتکس دارای

تفاوت ژئوگرمایی بالایی بوده و ذخایر شنی آن بر روی لایه ای از سنگ های گرانیت قرار گرفته که

امکان حفاری عمیق را غیرممکن می سازد.

تولید کالتکس علیرغم مشکلات مربوط به فشار ذخایر در دو حوزه اصلی، بزودی دچار کاهش

بسیار سریع نخواهد شد. ارزیابی های معتبر نشان می دهد که ذخایر قطعی و احتمالی این حوزه ها بین

۶ تا ۸ میلیارد بشکه می باشد. برنامه اکتشافی فعال این کمپانی در مناطق مجاور سوماترا شامل تداوم

دستیابی به منابع نفتی نسبتا کوچک می باشد. در حدود ۲۰ کشف جدید در سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶

صورت گرفته است که اکثر آنها هنوز به مناطق فعلی دارای تجهیزات جمع آوری مرتبط نشده اند.

حفاریهای گسترشی کالتکس تقریبا یک سوم عملیات این گونه ای اندونزی را در هر سال شامل

می گردد. انتظار می رود تولید کالتکس در آینده نزدیکی با در نظر گرفتن پیشرفت تلاشهای بازیابی

ثانی و ثالث، به طور معتدل افزایش یابد و زمانی در سالهای ۱۹۸۰ سیر نزولی ثابتی را در پیش گیرد.

پرتامینا و استانواک(۴) ، در منطقه سوماترا بر روی منابع کوچک بسیاری که در حال اضمحلالهستند کار می کنند. با این وجود توسعه و اکتشافات بیشتر ادامه دارد و علائم اندکی حاکی از آن است

که این روند تغییر خواهد کرد. عملیات پرتامینا در جاوه و کالیمانتان شرقی دارای دورنمای توسعه

بیشتری است لیکن به علت فقدان مدیریت تهاجمی و جسارت آمیز پیشرفت چندانی حاصل نشده

است. تسورو(۵) یک کمپانی ثالث بر اساس یک قرارداد ویژه با پرتامینا مشغول توسعه و تولید از دوحوزه قدیمی اندونزی

است. تسورو هنوز هم از حوزه های سانگا سانگا و تاراکان در حدود

۱۳۰۰۰۰ بشکه نفت در روز تولید می کند، در حالی که هر یک از آنها به ترتیب به مدت ۸۴ و ۷۱

سال مورد بهره برداری قرار داشته اند.

با آغاز خرید و اعطای مناطق اجاره ای در سال ۱۹۶۷، قراردادهای آشتراک در تولید بخش اعظم

رشد صنعت نفت اندونزی را پدید آورده اند. اکثر این مناطق اجاره ای در خارج از خشکی و یا مناطق

دور افتاده جنگل واقع شده که پرتامینا تا به حال به علت فقدان تکنولوژی و سرمایه لازم از آنها

اجتناب ورزیده است. بازده نفت خام توسط پیمانکاران در سال ۱۹۷۱ که معادل ۱۲۰۰۰ بشکه در

روز بود تا سال ۱۹۷۳ با افزایش تولید کالتکس به سطح ۲۱۰۰۰۰ بشکه در روز رسید، و در سال

گذشته نیز تا سطح ۵۴۰۰۰۰ بشکه در روز بالا رفت. در واقع تمام افزایش تولیدات نفتی اندونزی در

۱- Duri.

۲- Minas.

۳- Caltex.

۴- Stanvac.

۵- Tesoro.

آینده از طریق پیمانکاران سهیم در تولید تأمین می گردد.

تا به حال یافته های نویدبخش در خارج از ساحل شـمالی جاوه (حوزه آردوژونای آرکو(۱) ، وحوزه سیتای ناتوماس(۲)) در داخل و خارج از سال کالیمانتان شرقی (حوزه آتاکامی یونیون ژاپکس(۳) ،

حوزه های هانـدیل و بکاپای توتال(۴) انـدونزی) و منطقه ایریان جایا(۵) (حوزه های والیوو کاسیمپتروم‌ترند(۶)) واقع شده است. مناطق تولیدی این بخش ها در بافتهای میوسـن(۷) بوده و عمیق تر ازحوزه های تولیـدی قدیمتر می باشد و بین ۱۵۲۰ تا ۳۰۵۰ متر در نوسان است. حفاریهای خارج از

خشکی معمولاً در اعماق ۴۵ تا ۹۰ متری صورت می گیرد. علاوه بر نفت، کشفیات گاز طبیعی در نوع

خود در آسیای جنوب شرقی بزرگترین می باشد.

به دلیل اندازه های عمدتا کوچك منابع اندونزی، سرمایه گذاریهای سنگین مستمر در زمینه حفاری

ضرورت دارد. منابعی که در سالهای اخیر کشف شده بین ۵۰ تا ۲۰۰ میلیون بشکه نفت را در بر

می گیرند. معذالك میزان اکتشافات بسیار چشمگیر است. در چهار سال گذشته نسبت متوسط میزان

اکتشافات به حفاری اکتشافی نفت ۲۲ درصد بوده است.در این رابطه اگر بخواهیم گاز و نفت را با هم

درنظر بگیریم این متوسط به ۳۱ درصد نیز می رسد. حفاریهای گسترشی برای نفت نسبت موفقیت را به

۸۰ درصد رسانیده است. برنامه کلی حفاری در این چهار سال به طور متوسط سالانه بیش از ۲۰۰

چاه تولیدی جدید را وارد زنجیره تولید نموده است. با در نظر گرفتن این سوابق و این واقعیت که کمتر

از بیست درصد بافت نفتی کشور مورد اکتشاف قرار گرفته، اگر سطح مناسب سرمایه گذاری حفظ شود

افزایش مستمر تولید نفت امری قطعی خواهد بود.

توانا‌ییها و محدودیت ها

بدون سرمایه گذاریهای سنگین خارجی گسترش نفتی اندونزی امکان پذیر نخواهد بود. عملیات

پرتامینا با وجود اینکه مشتمل بر تمام محدوده فعالیتهای نفتی می باشد ضعیف ترین بخش آن در رابطه

با اکتشاف و گسترش است. «اندونزیایی کردن »(۸) عملیات نفتی خارجی تنها در سطح کارهای عادیاز قبیل تأمین کارگرهای رده پایین ماشین آلات حفاری و یا نظاره بر تسهیلات ذخیره سازی انجام

شده است. امید دولت در مورد نقش مسلط پرتامینا در افزایش منابع نفتی مدتها قبل از بین رفته است.

در حقیقت، پرتامینا اخیرا چند منطقه نویدبخش خود را در اختیار کمپانیهای خارجی و یا

سرمایه گذاران مشترك قرار داده است.

تا سال گذشته روابط بین دولت و کمپانیهای خارجی از هماهنگی نسبی برخوردار بود. بحران

۱- Arco's Ardjuna.

۲- Natomas' cinta.

۳- Union - japex,s Attaka,

۴- Total indonesie,s Handil and Bekapai.

۵- Irian jaya.

۶- Petromer Trend,s Walio and kasim Fields.

۷- Miocene

۸- Indonesianization.

مالی سال ۱۹۷۵ پرتامینا، به دنبال تعویض کلی پاسدار دیرین و جانشین به اصطلاح «تکنوکرات» به سطوح بالاتر سلسله مراتب دولتی وضع را تغییر داد. دولت تحت رهبریت جدید در اواسط سال ۱۹۷۶ در مورد منافع کمپانی نفتی خارجی و نرخ بازیابی هزینه ها تجدیدنظر عمده ای را انجام داد. کمپانیها نیز این امر را تخلف از قرارداد دانسته و برنامه های اکتشافی خود را به سرعت متوقف ساختند. در میان پیشگویی های مربوط به سقوط صنعت نفت اندونزی، در اوایل سال ۱۹۷۷ دولت اعتراف کرد که در تجدیدنظر قراردادها پا را بیش از گلیم خود دراز کرده بود و به منظور تسریع اکتشافات انگیزه های بهتری را به کمپانیها پیشنهاد نمود. به دنبال شرایط جدید چند کمپانی کار اکتشافی خود را آغاز کرده، و دیگران نیز احتمالاً به آنها خواهند پیوست.

دورنما

دورنمای افزایش تولید نفت خام اندونزی خوب است. زمین شناسی مناسب، میزان موفقیت زیاد در اکتشافات و وسعت مناطقی که مستلزم اقدامات اکتشافی می باشند تنها به سرمایه گذاری نیازمند است. سیاستهای مصلحت آمیز دولتی نیز زمینه این کار را فراهم خواهد آورد. کمبودهای تکنولوژیک و نیز مالی، دولت را وادار به سازگاری با منافع کمپانیهای خارجی خواهد کرد تا حدی که برای حفظ رشد تولید نفت لازم است.

کمپانیها در توسعه، فعالیتهای خود بیش از گذشته احتیاط به خرج خواهند داد، لیکن اگر دورنمای بازگشت سرمایه خوشایند باشد به سرمایه گذاریهای جسارت آمیز خود تا حد قابل توجهی ادامه می دهند. عملیات بازیابی مجدد کالتکس این نوید را می دهد که حداقل مانع از کاهش تولیدات حوزه های سوماترا بشود. با در نظر گرفتن رابطه و همبستگی میان اکتشاف در سالهای اخیر و افزایش سالانه چاههای مولد، افزایش معتدل در فعالیتهای اکتشافی بایستی افزایش تولید سالانه را به مقدار

۱۰۰۰۰۰ بشکه در روز تضمین نماید. بر همین اساس، تولید نفت خام اندونزی تا سال ۹۸۵ به ۲

میلیون بشکه در روز خواهد رسید. در حالی که سطح تولید حاضر روزانه ۷/۱ میلیون بشکه است.

هندوستان

هند از نظر توسعه نفتی دارای آتیه خوبی است و در بهره برداری از تواناییهای نفتی خود به

پیشرفتهای مهمی نایل آمده است. سطح تولید تا سال ۱۹۸۳ دو برابر خواهد شد و فرصتهای خوبی

وجود دارد تا تلاشهای اکتشافی فعلی به توسعه ذخایر قطعی و احتمالی تا ۳/۲ میلیارد بشکه منتهی

گردد. در پنج سال آینده دهلی نو(۱) در نظر دارد حدود یک میلیارد دلار در مورد حوزه های نفتی بزرگو جدید خود در بمبئی علیا(۲) و مناطق خارج از خشکی باسین(۳) مصرف نماید. علاوه بر این، دولت ازبرنامه افزایش اکتشافات نفت و گاز توسط قرارداد با کمپانیهای خارجی حمایت می کند. علیرغم این

دورنمای نویدبخش، در حالی که مصرف داخلی سالانه ۵ تا ۶ درصد افزایش می یابد، انتظار می رود

۱- New Delhi.

۲- Bombay High.

۳- Bassein.

واردات نفتی تا اوایل سالهای ۱۹۸۰ معادل سطح فعلی ۳۰۰۰۰۰ بشکه در روز باقی بماند.

چشم انداز زمین شناسی

تلاش هند برای توسعه تولید نفت در دریای عرب(۱) در غرب بمبئی متمرکز شده است. با وجوداینکه تحقیقات سال ۱۹۶۶ برای اولین بار تواناییهای نفتی این منطقه را مشخص کرد لیکن به مدت ۸

سال اکتشافی در آنجا صورت نگرفت زیرا نفت حاصله بر اساس قیمتهای قبل از سال ۱۹۷۴ غیر

تجاری بود. از سال ۱۹۷۴ یعنی زمان پایان احداث اولین چاه، توسعه در آن مناطق سرعت بیشتری

یافته است.

انتظار می رود سطح تولید ۳۲۰۰۰ بشکه در روز بمبئی علیا در سال جاری به ۸۰۰۰۰ بشکه در

روز افزایش یابد. مرحله بعدی گسترش شامل احداث دو خط لوله موازی گاز و نفت خام به طول

۲۱۵ کیلومتر تا ترمینالهای داخل خشکی نزدیک بمبئی می باشد. چهار سکو، ۱۶ حلقه چاه مولد،

تسهیلات ترمینالی داخل خشکی و کارخانه پالایش گاز نیز ساخته خواهد شد. قرار است تا اوایل

سال ۱۹۸۰ میزان تولید به روزانه ۲۰۰۰۰۰ بشکه نفت و ۱۰۵ تا ۱۴۰ میلیون فوت مکعب گاز برسد.

در سال ۱۹۷۶، دو حوزه اصلی تر در باسین حدود ۶۰ کیلومتری شرق بمبئی علیا و در مسیر خط

مستقیم لوله به بمبئی کشف گردید، احتمال نمی رود تا قبل از سال ۱۹۷۹ تولید از حوزه باسین آغاز

شود. در خارج از حوزه های بمبئی علیا و باسین و بر اساس قراردادهای اشتراک در تولید، سه منطقه

خارج از خشکی در دست اکتشاف است. دو شرکت امریکایی (ریدینگ بیتس(۲) و ناتوماس(۳)) هر یکدو حلقه چاه بی حاصل در منطقه خود یعنی در حوضچه خلیج کوچ(۴) و بنگال اوریسا(۵) حفر کرده اند.کمپانی نفتی آسامرای

(۶) کانادا نیز در حال حاضر در حوضچه کواوری(۷) مشغول حفاری است.

دهلی نو به استثناء نواحی کواوری، بمبئی علیا و باسین از پیشرفت در دیگر مناطق خارج از

خشکی ناراضی به نظر می رسد. ریدینگ بیتس و ناتوماس مناطق کوچ و اوریسا را ترک گرفته اند.

دهلی نو در نظر دارد از طریق عقد قرارداد با کمپانیهای خارجی دیگر حوزه امتیازی آنها را توسعه بخشد، مشروط بر آنکه مناطق و نفت تولیدی از آن هند باشد. با این وجود دولت جاناتا این سیاست را که ظاهرا در رژیم گاندی اهمیت تلقی می شد، با جدیت دنبال نمی کند. هند دارای شش حوزه اصلی تولیدی در داخل خشکی می باشد، که دو حوزه مهم ترین آن عبارتند از آنکلشوار(۸) در گجرات(۹) و

۱- Arabian Sea.

۲- Beading S Bates.

۳- Natomas.

۴- Gulf of Kutoh.

۵- Bengal/orissa.

۶- Asamera.

۷- Cauvery.

۸- Ankleshwar.

۹- Gujarat.

ناهورکاتیا(۱) در ایالت آسام(۲) . حوزه دوم، حوزه عملکرد شرکت اینداویل لیمیتد(۳) یعنی شرکت نفتی مشترك دولت هند و شرکت نفت برمه می باشد. حوزه های گجرات نیز توسط کمیسیون نفت و گاز طبیعی که یک شرکت دولتی بوده و بر اکتشافات نفتی هند نظارت دارد مورد بهره برداری قرار می گیرد. دهلی نو تقریبا تمام صنایع پایانی نفت خود را ملی کرده و حدس زده می شود که شامل شرکت ایندیا اویل لیمیتد نیز بشود.

برنامه های گسترش هند مستلزم حفاریهای عمیق در مناطقی است که در آنها حفاریهای قبلی توام با موفقیت نبوده و یا نفت حاصله در آن زمان دارای کمیت غیر اقتصادی بوده است. قرار است یک برنامه بازیابی ثانویه وسیع نیز در پیش گرفته شود. اگر دهلی نو بخواهد این برنامه را اجرا نماید احتمالاً به تکنولوژی خارجی نیاز خواهد داشت. با توجه به اینکه در حال حاضر تولید در اکثر این حوزه های قدیمی تر رو به کاهش است. این برنامه ها بر تولید کل داخل خشکی تأثیر چندانی نخواهد داشت. ذخایر قطعی و احتمالی ۳/۲ میلیارد بشکه ای هند که ۴/۱ میلیارد آن در خشکی قرار دارد در نتیجه اکتشافات بیشتر احتمالاً افزایش خواهد یافت.

توانایيها و محدودیت ها

با وجود اینکه سیاست نفتی هند از دیر زمان بر اتکاء خود تاکید داشته ولی از زمان افزایش قیمتهای نفتی در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ در این طرز تفکر تغییری پدید آمده است. دهلی نو آماده است تا با کمپانیهای نفتی خارجی قراردادهای اشتراك در تولید منعقد سازد و از مستشاران خارجی در گسترش حوزه های خارج از خشکی استفاده نماید. معذالك دولت هنوز هم به اتکاء خود به کمیسیون نفت و گاز طبیعت ادامه می دهد و حتی اگر به قیمت کند شدن ذخایر نفتی تمام شود، تحرك عمده ای برای تسریع فعالیت شرکتهای نفتی خصوصی خارجی و داخلی صورت نخواهد گرفت.

تأمین منابع مالی مربوط به گسترش منطقه بمبئی علیا ظاهرا مسئله مهمی نیست. هزینه این برنامه تا پایان سال ۱۹۸۳ معادل یک میلیارد دلار برآورده شده است. بانک جهانی ۱۵۰ میلیون دلار را تأمین می نماید و بانکهای تجارت خارجی ۵۰ میلیون دلار، کمک های دو جانبه ۵۰ میلیون تا ۱۰۰ میلیون دلار، و انتظار می رود از طریق منابع داخلی یعنی شرکت ایندیا اویل لیمیتد و کمیسیون نفت و گاز طبیعی نیز ۱۷۰ میلیون دلار به همین منظور اختصاص داده شود. بقیه سرمایه لازم را دولت تأمین خواهد نمود. با تمرکز سرمایه گذاری و تخصصهای فنی در بمبئی علیا دیگر تلاشهای گسترشی داخل و خارج از خشکی احتمالاً تا اوایل سالهای ۱۹۸۰ به تعویق خواهد افتاد.

دورنما

هند درصدد ایجاد افزایش عمده ای در تولید نفت است. با در نظر گرفتن برنامه های گسترش جاری، در شش سال آینده تولید بایستی دو برابر شده و به سطح ۴۶۰۰۰۰ بشکه در روز که از طرف

۱- Nahorkatiya.

۲- Assam.

۳- India Oil Limited (OIL).

دهلی نو تعیین شده برسد. حتی با چنین افزایش تولید مورد انتظاری ما حدس می زنیم که با توجه به رشد مورد انتظار در مصرف داخلی، صادرات نفت که در حال حاضر ۳۰۰۰۰۰ بشکه در روز است در همین سطح باقی بماند. با در نظر گرفتن تلاشهای وسیع اکتشافی که هم اکنون در جریان است می توان گفت که توانایی افزایش بیشتر ذخایر گاز و نفت بالا به نظر می رسند لیکن به علت اشتغال هند در بمبئی علیا و عقب افتادگی زمانی بین یافته های جدید نفتی و تولید تجاری، این منابع اضافی تا اواخر سالهای ۱۹۸۰ گسترش نخواهد یافت. تعویض فعلی دولت گاندی با روی کار آمدن حزب جاناتا نیز نخواهد توانست در طرز برخورد دولت هند با فعالیتهای کمپانیهای نفتی خارجی تغییرات عمده ای پدید آورد.

مالزی

مالزی دارای این توانایی می باشد که یکی از بزرگترین صادرکنندگان نفت و گاز در منطقه به حساب آید. با این وجود رشد تولید تا آن حدی که انتظار می رفت سریع نبوده است. برنامه های اکتشافی و گسترش کمپانیهای نفتی بزرگ در سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ در نتیجه اجرای قوانین مبهم دولتی در سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ سریعا متوقف شد. گرچه سیاستها واضح تر می شوند، ولی ما پیش بینی می کنیم که کمپانیهای نفتی خارجی قبل از مبادرت به سرمایه گذاریهای سنگین در مالزی با احتیاط حرکت نمایند.

چشم انداز زمین شناسی

با استثناء حوزه بسیار گسترده داخل خشکی به نام حوزه میری(۱) در ساراواک(۲) که هم اکنون خشکشده است، فعالیتهای اکتشافی و یافته های مهم محدود به مناطق خارج از خشکی بوده است. فلات

قاره گسترده در شبه جزیره مالزی و شمال ساراواک و صباح(۳) در بورنئو(۴) چندین حوزه رسوبی مهم راکه حاوی چند ساختار حاوی نفت است در بر می گیرد. منطقه خارج از خشکی ساراواک در مجاورت

در مجاورت حوزه های مهم خارج از برونئی به نحو گسترده ای در اواخر سالهای ۱۹۶۰ توسط کمپانی شل مورد اکتشاف قرار گرفت. تا سال ۱۹۷۲ پنج حوزه جمعاً ۹۰۰۰۰ بشکه در روز تولید می کردند (از اعماق ۲۱۴۰ تا ۳۳۳۰ متری). این حوزه ها تمام نفت تولیدی کشور را تا پایان سال ۱۹۷۵ تأمین می کردند.

در طی سالهای ۷۴ ۱۹۷۲ اکتشافات در سایر مناطق امتیازی، به خصوص در خارج از ساحل غربی شبه جزیره و ساحل شمال غربی صباح با سرعت بیشتری انجام می گرفت. شل و اکسون در منطقه خود واقع در آبهای خارج از منطقه صباح، کونوکو(۵) و اکسون در آبهای ۱۶۰ کیلومتری غرب

۱- Miri.

۲- Sarawak.

۳- Sabah.

۴- Borneo.

۵- Conoco.

مالزی به منابع دارای قابلیت بهره برداری تجاری دست یافتند و چاههای مورد آزمایش در عمق

۲۷۴۰ متری روزانه بین ۲۵۰۰ تا ۶۰۰۰ بشکه نفت تولید می نمودند. حوزه های مکشوفه در خارج از

صباح عبارتند از: حوزه سمارنگ(۱) متعلق به کمپانی شل که هم اکنون روزانه ۶۵۰۰۰ بشکه تولیدمی نماید، وست ارب(۲) و سوث فیوریوس(۳) که ظرفیت تولیدی هر دو بین ۲۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰ بشکه درروز می باشد. از سال ۱۹۷۵ تاکنون تعدادی از این کمپانی ها از مناطق امتیازی خود در تنگه های

مالاکا چشم پوشی کرده اند. افتتاح حوزه های جدید در صباح تولید مالزی در طول سال ۱۹۷۶ را به

۱۵۵۰۰۰ بشکه در روز رسانید و انتظار می رود تولید سال جاری نیز معادل ۱۸۰۰۰۰ بشکه در روز

باشد.(۴)

توسعه اکتشاف، سطح ذخایر قطعی و احتمالی را به حد تقریبی ۵/۲ میلیارد بشکه رسانیده، که با

بهره برداری صحیح می تواند سطح تولید ۵۰۰۰۰۰ بشکه در روز را تأمین نماید. از سال ۱۹۷۵

حوزه های دیگری کشف نشده، لیکن تجدید حیات فعالیتهای اکتشافی همراه با گسترش حوزه ها

احتمالاً منجر به پیدایش ذخایر بیشتر می شود. انتظار می رود تکمیل برنامه های گسترشی حاضر تولید

را تا پایان سال آتی به ۲۲۵۰۰۰ بشکه در روز برساند.

گاز طبیعی نیز به مقدار قابل ملاحظه ای کشف شده است. حوزه لوکونیا(۵) متعلق به شل در خارج ازسواحل مرکزی ساراواك قرار است سالانه ۶ میلیون تن گاز در اختیار کارخانه گاز مایع واقع در بین

تولو(۶) قرار دهد. حوزه های گازی دیگری نیز توسط کونوکو و اکسون در غرب مالزی کشف شد، ولیتاکنون طرح بهره برداری آنها تهیه نشده است. ذخایر گازی مالزی ظاهرا حدود ۱۵ تریلیون فوت

مکعب است و دومین حوزه گازی بزرگ پس از اندونزی در آسیای جنوب شرقی به حساب می آید.

توانابیها و محدودیت ها

تلاش دولت به منظور کنترل بیشتر منابع نفتی در سال ۱۹۷۴ منجر به پیدایش یک شرکت ملی

نفت به نام پتروناس(۷) گردید که هدف آن هماهنگ کردن بهره برداری از گاز و نفت و انعقاد قراردادهایجدید مشارکت در تولید با کمپانیهای نفتی خارجی است. پتروناس که هنوز یک شرکت کوچک و

دارای تخصص فنی بسیار محدود است تاکنون مذاکرات مربوط به انعقاد قراردادهای جدید دراز مدت

با کمپانیهای خارجی را به عهده داشته است. گرچه پتروناس بازاریابی مستقیم سهم خود را از تولید

نفت خام به عهده گرفته ولی گمان نمی رود که بتواند به انجام عملیات اکتشافی و توسعه ای مبادرت

ورزد بلکه سعی خواهد کرد بر فعالیتهای کمپانیهای خارجی در زمینه فرآیندهای ابتدایی پالایش

۱- Semarang.

۲- West Erb.

۳- South Furious.

۴- مالزی در سال ۱۹۷۶ به صورت یک صادر کننده صرف درآمد. حدود ۸۰ درصد تولید به خارج صادر می گردد و نیازهای داخلی نیز با وارد کردن نفت خام سنگین از خاور میانه تأمین می گردد.

۵- Luconia.

۶- Bin Tulu.

۷- Petronas

نظارت کرده و به تدریج سهام متناسب را در زمینه فرآیندهای پایانی پالایش گاز و نفت خریداری نماید.

در اوایل سال ۱۹۷۵ به دنبال وضع عجولانه قوانین توسط قوه مقننه مالزی که تقریبا کنترل کامل فعالیتهای نفتی در زمینه فرآیندهای ابتدایی را به دولت محول نمود، شک و تردید سرمایه گذاران بشدت افزایش یافت. قانون جدید سبب شد که بسیاری از کمپانیهای نفتی خارجی عملیات اکتشافی را متوقف و اکثر اقدامات توسعه ای را به صورت معلق درآورند. علاوه بر این، مذاکرات مربوط به قراردادهای اشتراک در تولید با شل و اکسون که حدود بیش از یکسال ادامه داشت نهایتا تا پایان سال گذشته به نتیجه نرسیده بود. کونوکو که با پتروناس در حال مذاکره می باشد، تا به حال تنها کمپانی خارجی دیگری است که خواستار کسب امتیاز در تولید است.

گرچه جو شک و تردید تا حدودی از میان رفته ولی گویا مالزی به چند دلیل از میزان نسبتا کند رشد توسعه نفت راضی به نظر می رسد:

این کشور نیاز زیادی به گسترش صادرات نفتی به عنوان منبع درآمد ارز خارجی ندارد. برنامه سوم مالزی (۱۹۸۰۱۹۷۶) با وجود وابستگی بسیار به سرمایه گذاری بخش خصوصی، در نظر ندارد تولید نفت را بیش از سطح کنونی بالا ببرد. صدور کالاهای اولیه دیگر به مالزی این توانایی را داده است تا در رابطه با پرداختهای بین المللی وضع خوبی داشته باشد.

حامیان نظریه صرفه جویی در دولت و مردم اظهار می دارند که اگر سطح تولید پایین نگه داشته نشود منابع نفتی در دهه آتی به پایان خواهد رسید.

عدم اعتماد زیاد کمپانی های خارجی به دولت و قوانین گذشته به همراه سوء نیت های پیش آمده در نتیجه مذاکرات طولانی در مورد تجدید قراردادها مانع از تصمیم گیری در مورد سرمایه گذاری شده

است.

کمپانیهای نفتی کوچکتر در رابطه با سوابق قراردادهای اشتراک در تولید اکسون و شل ناراضی هستند.

عقیده بر این است که میزان زیاد خطر و هزینه عظیم پروژه های توسعه نفت مالزی برای کمپانیهای نفتی بزرگ منافع بیشتری در بر دارد.

دورنما

انتظار می رود گسترش منابع نفتی مالزی در طی چند سال آینده به طور تدریجی ادامه داشته باشد. شرایط زمین شناسی معمولاً مناسب و مناطق بکر و وسیع می تواند سرمایه و تکنولوژی خارجی لازم را جذب نماید. دولت هنوز هم متعهد است که در تجارت نفت نقش قدرتمندی را برای بخش خصوصی حفظ کند و انتظار نمی رود قوانین جدید که محدود کننده عملیات کمپانیهای نفتی خارجی هستند، مانند قوانین سال ۱۹۷۵ در آینده نزدیکی مورد تجدید نظر قرار گیرد. تحت این شرایط ما انتظار داریم که تا سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۱ سطح تولید نفت مالزی شاید به ۲۵۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ بشکه در روز افزایش یابد.

برونئی

سلطان نشین کوچک برونئی که تحت الحمایه انگلیس است دارای ذخایر قطعی و احتمالی ۲ میلیارد بشکه نفت و ۱۱ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی می باشد. بسیاری از این منابع از اواخر سالهای ۱۹۲۰ تاکنون در معرض توسعه قرار گرفته اند. کشف منابع نفتی خارج از خشکی در سالهای ۱۹۶۰ سبب افزایش تولید نفت به سطح ۲۰۰۰۰۰ بشکه در روز در سال ۱۹۷۲ گردید و از آن زمان این سطح تولید همچنان برقرار بوده است. اخیرا بر توسعه و گسترش حوزه های موجود تاکید شده است، گرچه احتمال دستیابی به منابع بیشتری در خارج از خشکی نیز زیاد است.

چشم انداز زمین شناسی

برونئی در کنار تعدادی حوضچه رسوبی دارای ساختمانهای حامل نفت واقع شده است. حوزه های

سریا(۱) که اول بار به وسیله رویال داچ شل(۲) در داخل خشکی گسترش یافت از سال ۱۹۲۸ تاکنون بهصورت یکنواخت در حال تولید بوده است. برای این حوزه که در خارج از خشکی نیز امتداد می یابد

یک برنامه بازیابی ثانویه (تزریق آب) در نظر گرفته شده که با سطح تولید کنونی می تواند ۳۰ تا ۴۰ سال دیگر عمر کند. علاوه بر این شل در خارج از خشکی اکتشافات دیگری نیز انجام داده است. سرعت اکتشاف در دو سال گذشته کندتر شد. از ۸۲ حلقه چاه حفاری شده توسط شل در سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ تنها ۲۱ حلقه اکتشافی بود. در حال حاضر شش دستگاه حفاری خارج از خشکی

مشغول حفاری جهت ارزیابی و توسعه سریع است. آخرین کشف کمپانی شل کشف حوزه اوزپری(۳) درسال ۱۹۷۶ بود که ارزش تجاری این حوزه تاکنون مشخص نشده است. سان و آشلند(۴) تنها کمپانیهایخارجی دیگری هستند که در برونئی امتیازاتی دارند. حفاریهای محدود آنها موفقیت آمیز نبوده است.

براساس عملیات توسعه ای انجام شده بر روی حوزه ها تا به امروز ذخایر قطعی برونئی حدود ۲ میلیارد بشکه برآورده شده است. در صورت انجام اکتشافات جدید در خارج و داخل خشکی این ذخایر احتمالاً تا حدی افزایش خواهند یافت. لیکن یافته ها در مقایسه با استانداردهای جهانی بزرگ

نخواهند بود. ذخایر گاز طبیعی معادل ۸ تا ۱۰ تریلیون فوت مکعب برآورده شده است. در حال حاضر گاز حاصل از حوزه آمپا(۵) در جنوب غربی به مقدار روزانه ۷۰۰ میلیون فوت مکعب گاز به کارخانه گاز مایع لوموت(۶) می رساند.

توانایيها و محدودیت ها

برونئی که دارای شرکت ملی نفت نیست مدتهاست که از رابطه خوب و سودمند خود با بانی اصلی

۱- Seria.

۲- Royal Dutch Shell.

۳- Osprey.

۴- Sun Ashland.

۵- Ampa.

۶- Lumut.

اقتصاد آن یعنی کمپانی برونئی شل پترولیوم(۱) بهره می برد. عوارض نفتی، مالیات بر درآمد کمپانی ودرآمد حاصل از سهام دولت، ۹۰ درصد کل عواید دولت برونئی را تشکیل می دهد که در سال ۱۹۷۶

معادل ۴۰۰۰ دلار برای هر نفر از افراد کشور برونئی شده بود. در سالهای اخیر دولت سهم خود را در

رابطه با کمپانی برونئی شل پترولیوم بالا برده و به سطح ۵۰ درصد رسانیده و علاوه بر این ۱۰ درصد

سهم گاز طبیعی حاصله را نیز برای خود حفظ کرده است.

با توجه به اینکه منابع مالی این کشور بیش از آن است که بتواند جذب اقتصاد آن گردد، به نظر

نمی رسد برونئی در نظر داشته باشد در رابطه فعلی خود با شل تغییرات تندی پدید آورد. به همین

ترتیب هیچ محرکی وجود ندارد که دولت را برای افزایش بیشتر سطح تولید فعلی تحت فشار قرار

دهد.

در واقع برونئی تنها به خاطر نفت می تواند به زندگی خود ادامه دهد، و احتمال ندارد که اقداماتی

منجر به قطع عملیات کمپانیهای خارجی در این کشور صورت پذیرد.

دورنما

وجود منابع نفتی قابل توجه قطعی محرکی برای شل به وجود خواهد آورد که به اکتشافات خود

ادامه دهد.

اما تمایل شل بجای افزایش تولید سعی در حفظ آن خواهد بود. همزمان با توسعه کاملتر

حوزه های فعلی انتظار می رود تولید تا سال ۱۹۸۰ یا همین حدود به طور یکنواختی به سطح

۲۵۰۰۰۰ بشکه در روز افزایش یابد.

برمه

سالهاست که برمه مقادیر کمی نفت تولید می کند، و چشم انداز زمین شناسی نیز نشانگر تغییر در این

روند نمی باشد.

دورنمای خارج از خشکی نیز معلوم نیست زیرا متصدیان نفتی خارجی فقط در همین اواخر

عملیات اکتشافی خود در این مناطق را آغاز کرده اند.

دولت برمه احتمالاً از درگیر شدن کمپانیهای نفتی خارجی در توسعه مناطق داخل خشکی

جلوگیری خواهد کرد، ولی احتمال می رود افزایش تدریجی فعالیتهای اکتشافی کمپانیهای خارجی را

در خارج از خشکی مجاز نماید.

چشم انداز زمین شناسی

نفت از سالهای ۱۸۸۰ تاکنون در نیمه جنوبی حوضچه سانترال(۲) به صورت تجاری تولید شدهاست.

۱- Brunei shell Peloleum (BSP).

۲- Central Basin.

پنـج حوزه تولیـدی با نامهای چاوک(۱) ، مـان(۲) ، ینانـگ یانگ(۳) ، میـانونگ(۴) و پروم(۵) کـل تولیـد برمه را کهمعادل ۲۹۰۰۰ بشکه در روز است و تقریبا تمام ذخایر قطعی ۷۰ میلیون بشکه ای این کشور را تشکیل

می دهنـد. مطالعات مربوط به مناطق نویدبخش نفتی از قبیل نوار ساحلی آراکان(۶) در ساحل غربی برمههنوز به پایان نرسیده است. معذالک دولت برمه و بعضی از کمپانیهای نفتی خارجی معتقدند که منابع

نفت و گاز نسبتا بزرگی در خارج از خشکی وجود دارد. در سال ۱۹۷۴ دولت با اسواکسپلوراسیون(۷) (برمه)، مارتابان سیتی سرویس(۸) ، توتال(۹) ، یک کنسرسیـوم اروپایی مرکب از سی.اف.پی(۱۰) (فرانسوی)،دومنیکس(۱۱) (آلمان غربی) و اجی آی پی(۱۲) (ایتالیـا)، و مؤسسه گسترش نفتی آراکـان(۱۳) ، یک کنسرسیـوماز شـرکتهای کنسرسیوم از شـرکتهای ژاپنی در رابطه با مناطق خارج از خشکی قراردادهایی را امضاء

نمود. تمام این چهار قرارداد در سال جاری به پایان خواهند رسید. براساس این قراردادها اکسون

هشت حلقه چاه در خلیـج مارتابان(۱۴) حفر نمود در حالی که دیگر کمپانی ها در نوار ساحلی آراکانمستقر شـده بودنـد. در هیچیک از مناطق حفاری شده نفت بدست نیامد، لیکن مقدار گاز دارای قابلیت

بهره برداری تجاری کشف گردید. اکسون، سیتگو(۱۵) و توتال به دنبال نتایـج ناچیزی که تاکنون داشـته انـدبه عملیات خود خاتمه داده و این کشور را ترک نمودند.

تواناییها و محدودیت ها

شرکت نفت دولتی میانما(۱۶) مسئولیت تمـام تولیـد و اکتشافات نفتی برمه را به عهـده دارد و به عنوانعامل دولت در رابطه با قراردادهای اکتشافی کمپانی های نفتی خارجی عمل می کند. فعالیت های

اکتشافی و گسترش داخل خشکی تنها توسط میانما انجام می شود، که آن نیز به نوبه خود از آلمان،

انگلیس و کنسرسیومی به ریاست بانک چیس مانهاتان(۱۷) وامهایی جهت خرید تجهیزات حفاری و

۱- Chauk.

۲- Mann.

۳- yanangyaung.

۴- Myanaung.

۵- Prome.

۶- Arakan Coastal Belt.

۷- Esso Exploration.

۸- Martaban Cities Service.

۹- TOTAL.

۱۰- France (C F P).

۱۱- Deminex.

۱۲- A G I P.

۱۳- A O D C (Arkan Oil Development Corporation).

۱۴- Gulf of Martaban.

۱۵- Citgo.

۱۶- MOC (Myanma oil Company).

۱۷- Chase Manhattan Bank.

ماشین آلات مخصوص ساختن خط لوله دریافت کرده است. میانما توانایی اکتشاف در خارج از خشکی را ندارد و در سال ۱۹۷۴ دولت برمه برخلاف سیاست همیشگی خود یعنی اجتناب از جهان خارج، با چهار کمپانی خارجی در رابطه با عملیات اکتشافی خارج از خشکی قراردادهای اشتراک در تولید مشابه اندونزی را منعقد می کند.

دولت نه وین(۱) از سال ۱۹۶۲ نسبت به نفوذ تمام بیگانگان در برمه سوءظن داشت، و با شورشهای قبیله ای و کمونیستی شرق برمه خود را سرگرم ساخته، و سیاست های سوسیالیستی را بکار می برد که باعث اختناق رشد اقتصادی گردیده بود، مهمترین تغییر در سیاست انزوا طلبی در رابطه با تجارت نفت صورت گرفته بود که در آن وام های خارجی میانما در رابطه اکتشافات داخل خشکی مجهز می کرد و به شرکت های نفتی خارجی اجازه داده شد که به فعالیت های اکتشافی در خارج از خشکی بپردازد. با این وجود از مشارکت شرکتهای نفتی خارجی در توسعه حوزه های داخل خشکی ممانعت به عمل آمد.

یکی دیگر از عوامل محدود کننده بالقوه در مورد شرکت های نفتی خارجی در برمه تبدیل میانما از وزارت معادن به وزارت صنایع دوم است. بر اثر این تغییر از میزان نفوذ تکنسین هایی که کارمندان میانما را تشکیل می دهند در برابر بوروکراتهایی که وزارتخانه را اداره می کنند کاسته خواهد شد. تحت این شرایط به نظر می رسد که نمایندگان شرکت های نفتی خارجی دیگر نخواهند توانست به آسانی به پرسنل میانما دست یابند، و به عقیده برخی از ناظران این وضع مذاکرات مربوط به عقد قراردادهای آینده را کند خواهد نمود.

دورنما

برمه در رابطه با گسترش بیشتر تواناییهای اندک خود در داخل خشکی دورنمای مساعدی دارد. تا

زمانی که حفاریهای اکتشافی دیگری صورت نپذیرد نمی توان در مورد تواناییهای خارج از خشکی این کشور اظهارنظر نمود. احتمالاً دولت به جستجوی منابع وام های خارجی به منظور توسعه صنعت نفت ادامه خواهد داد. در همان حال که برمه در برابر افزایش مشارکت بیگانگان در فعالیت های داخل خشکی مقاومت خواهد کرد، ولی ظاهرا به نحو محتاطانه ای به شرکت های نفتی خارجی برای کار در خارج از خشکی اجازه داده خواهد شد.

پاکستان

بر اساس اکتشافاتی که تا کنون صورت گرفته، تواناییهای نفتی پاکستان چندان امیدوار کننده به نظر نمی رسد. ذخایر قطعی نفت فقط معادل ۷۵ میلیون بشکه بوده، و میانگین تولید نیز ۱۰۰۰۰ بشکه در روز است. که بسیار کمتر از نیاز داخلی می باشد. منابع گسترده گاز کشف شده و اکتشافات ضربتی بیشتر می تواند موجب پیدایش ذخایر گازی و نفتی بیشتر به خصوص در حوضچه بلوچستان(۲) گردد. گرچه مشکلات سیاسی کنونی اجازه اکتشاف و گسترش را نمی دهد، ولی ما معتقدیم که جو عملیاتی

۱- Ne Win.

۲- Baluchistan.

برای شرکت های نفتی خارجی عامل مهمی در توانایی پاکستان به عنوان یک صادرکننده نفت

نمی باشد.

چشم انداز زمین شناسی

تمام تولید نفت فعلی پاکستان از شش حوزه واقع در بخش شمالی حوضچه ایندوس(۱) تأمینمی گردد. و در نقاط دیگر آن نیز اکتشافاتی در حال انجام است. (به نقشه صفحه ۳۰ مراجعه کنید).(۲) به

طور مثال در سال ۱۹۷۶ دولت پاکستان در مورد منابع نفت واقع در مرکز حوضچه ایندوس تبلیغات

زیادی راه انداخت. با وجود اینکه فقط مطالعات مقدماتی انجام گرفته است، شرکت دولتی توسعه گاز و

نفت با کمال خوش بینی یافته ها را شامل ۲۰۰ میلیون بشکه نفت و ۴ تا ۵ ترلیون فوت مکعب گاز

تخمین می زند. با این وجود منابع خصوصی صنعت نفت معتقدند که این ذخایر حاوی گاز تقطیر شده

بوده و دارای نفت توام با گاز نمی باشد.

سلسله جبال مکران(۳) در حوضچه بلوچستان که در غرب منطقه فعالیتهای نفتی حوضچه ایندوس واقع شده به تازگی مورد اکتشاف قرار گرفته است. با وجود اینکه مطالعات زمین شناسی در این منطقه

پایان نیافته، علائمی حاکی از وجود نفت در بعضی از بافتهای به خصوص مکران بدست آمده است.

کمپانی ماراتون یونیون(۴) که تنها کمپانی خارجی در حال کار در منطقه است، در داخل و خارج ازخشکی به حفاری مبادرت ورزیده است.

آموکو(۵) با کسب امتیازاتی در منطقه ای به وسعت کلی ۷۷۷۰۰ کیلومتر مربع که عمدتا در ناحیه فلات پوتوار(۶) واقع شده بزرگترین فعالیتهای اکتشافی را انجام می دهد. تگزاس گلف در سند(۷) یعنیبخش جنوبی حوضچه ایندوس دارای دو منطقه امتیازی می باشد. مطالعات لرزه نگاری انجام شده

توسط این کمپانی دو تشکیلات زمین شناسی نویدبخش و عمیق نفتی را نشان داده، و حفاری نیز در

چند ماه آینده انجام خواهد شد. تگزاس گلف یک چاه اکتشافی دیگر نیز در سومین منطقه مورد امتیاز

خود یعنی منطقه کارک(۸) در مرز شمال غربی این ایالت در اواخر سال جاری حفر خواهد کرد. خلاصهاینکه این فعالیتها کم

بوده و نشان می دهد که نسبت به وجود منابع عظیم نفت در پاکستان اعتماد چندانی نمی شود. پاکستان در طول ۱۵ سال گذشته در کشف و توسعه گاز طبیعی بیش از نفت موفقیت داشته است. آمار تولید گاز توسط دولت اعلام نمی شود لیکن در سال ۱۹۷۶ حدود ۱۹۰ میلیارد فوت مکعب گاز تولید شده بود. ذخایر گاز معادل ۲۱ تریلیون فوت مکعب برآورد شده که حوزه سوئی(۹) در

۱- Indus.

۲- منظور صفحه ۴۱ اسناد انگلیسی است که درCD شماره ۷ موجود است.

۳- Makran Ranges.

۴- Marathon - union.

۵- Amoco

۶- Potwar Plateau.

۷- Sind.

۸- Karak.

۹- Sui.

شرق بلوچستان (۸ تریلیون فوت مکعب) و حوزه ماری(۱) از آن جمله است. دیگر ذخایر به صورتپراکنده در حوزه پوتوار و سند واقع شده است. بسیاری از حوزه های گازی سند، اگرچه به طور کامل

آزمایش نشده اند، ولی مشخص شده که گاز نامرغوبتری را دارا می باشند.

توانایيها و محدودیت ها

شرکت دولتی توسعه گاز و نفت(۲) هم به عنوان طرف مذاکره با شرکتهای خارجی پیرامون قراردادهای اکتشافی و هم به صورت یک کمپانی اکتشافی و گسترشی عمل می کند. دولت پاکستان

برای یافتن نفت و گاز کمپانیهای خارجی را به گرمی فرا می خواند و خواستار یک سرمایه گذاری

مشترک بین یک کمپانی نفتی بین المللی، یکی از مؤسسات مالی خارجی و شرکت دولتی توسعه گاز و

نفت می باشد. عکس العمل دولت نیز از تواناییهای محدود شرکت دولتی توسعه گاز و نفت در انجام

اکتشافات و گسترش به طور مستقل و اتکاء شدید آن به منابع خارجی در رابطه با تجهیزات،

تکنولوژی و آموزش ناشی می گردد. گرچه دولت در دو سال گذشته به حمایت مالی خود از شرکت

دولتی توسعه گاز و نفت به مقدار زیادی افزوده است، ولی این میزان سرمایه هنوز هم محدود است.

شرکت دولتی توسعه گاز و نفت هنوز هم قادر نیست به اهداف حفاری و گسترشی که در برنامه سالانه

دولتی تعیین شده دست پیدا کند. ناآرامی سیاسی در پاکستان به همراه برکناری نخست وزیر بوتو به

عنوان رئیس دولت توسط ارتش نیز از عوامل دیگر محدودکننده اکتشاف و تولید است. با وجود اینکه

دولت نظامی جدید اکثر سیاستهای رژیم بوتو را ادامه می دهد، شرکتهای نفتی خارجی نسبت به دائمی

بودن آن مردد بوده و نمی توان انتظار داشت که زمان برقراری ثبات سیاسی ابتکار جدیدی به عمل

آید. حتی قبل از سقوط دولت بوتو نیز شرکتهای نفتی خارجی نسبت به آینده عملیات در پاکستان

اظهار نگرانی می نمودند. دولت در سال ۱۹۷۶ تغییرات جدیدی را در بافت اداری مربوط اکتشاف و

گسترش نفت اعلام نمود. قرار بود یک سازمان جدید به نام کمیسیون نفتی پاکستان(۳) به وجود آید ووظایف نفتی وزارت

سوخت، نیرو و منابع طبیعی را به عهده گرفته شرکت دولتی توسعه گاز و نفت را نیز جذب نماید. در شرایط کنونی، این وزارتخانه به عنوان عامل اعطای امتیازات و تنظیم کننده امور انجام وظیفه می نماید. کمپانیهای نفتی احساس می کنند که با آنها و شرکت دولتی توسعه گاز و نفت منصفانه رفتار شده است. فرامین جدید به علت تغییر دولت هرگز به مرحله اجرا در نیامد. معذالك کمپانیها فکر می کنند که اگر کمیسیون نفتی پاکستان به وجود آید در اعطای حقوق امتیازی و در کاربرد قوانین اکتشافی و گسترشی از رفتار بهتری برخوردار خواهند بود.

دورنما

در حال حاضر، تواناییهای نفتی پاکستان را بینهایت محدود می دانیم، گرچه اکتشافات بیشتر به خصوص در حوزه مکران می تواند منجر به افزایش قابل توجه ذخایر نفتی گردد. دورنمای افزایش

۱- Mari.

۲- O G D C.

۳- PPC (Pakistan Petroleum Commission).

ذخایر گاز طبیعی که در حال حاضر نیز چشمگیر می باشد خیلی بهتر است. اکثر احزابی که در ناآرامیهای کنونی پاکستان رقیب هستند دریافته اند که نقش کمپانیهای نفتی خارجی در اکتشاف و گسترش می تواند از وابستگی آنها به نفت وارداتی بکاهد. احتمالاً دولت جدیدی که روی کار می آید انگیزه هایی برای نگهداشتن کمپانیهای خارجی در پاکستان فراهم خواهد کرد.

بنگلادش

با وجود اینکه بنگلادش تا به حال به نفت دست نیافته، ولی دارای ذخایر گاز طبیعی عمده ای است که بعضی از آنها از سال ۱۹۶۰ تاکنون مورد بهره برداری قرار گرفته اند. حفاری مناطق نویدبخش داخل و خارج از خشکی علیرغم اختلافات مرزی این کشور با هند و برمه که موجب پیچیدگی بعضی از عملیات شده ادامه دارد. شرکتهای نفتی خارجی از سال ۱۹۷۴ در مناطق خارج از خشکی مشغول بکار بوده و اخیرا به آنها اجازه فعالیت در داخل خشکی نیز داده شده ولی در عین حال مناطقی که دارای بهترین تواناییها می باشد برای دولت حفظ شده است.

چشم انداز زمین شناسی

دورنمای گاز و نفت بنگلادش در حوضچه آسام(۱) در نیمه شمالی کشور در نوار ساحلی آراکان(۲) در جنوب که تا درون خاک برمه امتداد می یابد، متمرکز می باشد. (به نقشه صفحه ۳۰ نگاه کنید.)(۳)

دورنمای گاز در این کشور بسیار امیدوارکننده است. برآوردهای اخیر توانایی ذخایر گازی را بین ۱۸ تا ۲۵ تریلیون فوت مکعب نشان می دهد که ظاهرا بخش اعظم آن شامل حدس خوش بینانه ای در مورد تواناییهای مربوط به حوزه های خارج از خشکی می باشد.

برداشت گاز از چهار حوزه تولیدی کشور در سال ۱۹۷۶ تقریبا معادل ۳۰ میلیارد فوت مکعب بود. سه حوزه از چهار حوزه مذکور در شمال شرقی بنگلادش واقع شده اند. قرار است در حوزه

بخرآباد(۴) در شــمال شرقی نیز حفاریهـایی برای ارزیـابی صـورت گیرد. ولی اطلاعـات اخیر حـاکی ازآنسـت کـه گسـلهای ژئولوژیکی این حوزه را به سه بخش تقسیم کرده و بخش عمده گاز تنها در قسمت

مرکزی آن قرار گرفته است. محتوای گاز متان حوزه بخرآباد نیز مانند گاز حاصله از حوزه های

قدیمی تر بیش از ۹۴ درصد است. در حجله مولادی(۵) و بگمگانی(۶) نیز گاز پیـدا شده، و با وجودکوچک بودن این حوزه ها حفاریهای دیگری نیز صورت خواهد گرفت.

در اواخر سال ۱۹۷۶ کمپانی نفتی یونیون در ۸۰ کیلومتری خارج از خشکی خلیج بنگال به گاز

دست یافت. این کمپانی هنوز در مورد بهره برداری و یا انجام اکتشافات بیشتر تصمیم نگرفته است. در

۱- Assam.

۲- Arakan coastal Belt.

۳- منظور صفحه ۴۳ اسناد انگلیسی است که درCD - شماره ۷ موجود است.

۴- Bakhrabad.

۵- Hijla - Muladi.

۶- Begumgani.

خارج از خشکی منبع دیگری که دارای ارزش تجاری باشد، بدست نیامده است.

توانایيها و محدودیت ها

شرکت گاز و نفت بنگلادش (پترو بنگالا(۱)) که یک آژانس دولتی است، در زمینه اکتشاف و توسعهفعالیت داشته و فعالیت خارجیها را تنظیم می کند. کمک عملیاتی این شرکت یعنی

کمپانی تایلاساندهینی(۲) با کمک فنی خارجی در مناطق داخل خشکی به اکتشاف می پردازد. اینشرکت با استفاده از تجهیزات و همچنین کمک فنی شوروی که دولت آن را رضایتبخش نمی داند در

دو سال گذشته در داخل خشکی شش حلقه چاه حفر نموده است. یک شرکت آمریکایی اخیرا در

مورد یکی از چاهها آزمایش تولید را انجام داد. آلمان غربی و احتمالاً نروژ نیز کمک فنی در اختیار

این کشور قرار می دهند.

تایلا ساندهینی در ماه مه گذشته به مذاکره پیرامون خرید ماشین آلات حفاری پرداخت. ظاهرا

تجهیزات آمریکایی را به تجهیزات رومانی و روسی ترجیح می دهد، لیکن در مورد تأمین هزینه مورد

نیاز دچار مشکلاتی شده است. دولت برای اکتشاف در خارج از خشکی با شش کمپانی خارجی

قراردادهای اشتراک در تولید منعقد ساخته است و هزینه لازم نیز از طریق ۳۰ درصد بازده اولیه تأمین

خواهد شد. در ژوئیه ۱۹۷۶ دولت در رابطه با مناطق داخل خشکی امتیازاتی را ارائه نمود که شامل

اکثر نقاط کشور می شد و از سرمایه گذاریهای مشترک دعوت نمود تا در مناطق عملیاتی مربوط به

پترو بنگالا بجز در مناطق دارای حوزه های شناخته شده و یا مورد اکتشاف بکار مشغول شوند.

قراردادهای مربوط به خارج از خشکی که با دو کمپانی خارجی منعقد شده شامل مناطقی است

که مورد ادعای هند و برمه می باشند. مسئله اختلافات مرزی حل نشده این کشور با هند سبب شد که

یک کمپانی آمریکایی نتواند در زمینه سرمایه گذاری برای خود شریکی بیابد و احتمالاً علت تصمیم به

ترک منطقه نیز همین بوده است. به علت ادعاهای برمه منطقه مورد امتیاز ژاپن نیز کاهش یافته است.

ارزیابی حوزه بخرآباد نیز با تأخیر روبرو شده است زیرا کمپانی مسئول آمریکایی نتوانسته سرمایه لازم را فراهم آورد.

دورنما

تواناییهای مربوط به گاز و نفت بنگلادش در حال حاضر نسبت به آنچه که دو سال گذشته می نمود کمتر نویدبخش است، با این وجود مشخص است که این کشور حاوی منابع گازی مهمی می باشد. طرحهایی در دست است تا تولید حوزه های فعلی گاز افزایش یابد. دورنمای آینده نزدیک بستگی به ارزیابیهای بیشتر حوزه بخرآباد و یافته های خارج از خشکی دارد. بنگلادش از نظر فنی و نه از نظر مالی نمی تواند بدون نوعی حمایت خارجی کار را به تنهایی آغاز کند، لیکن روابط این کشور با کمپانیهای خارجی و مستشاران بین المللی آنقدر خوب بوده که می توان گفت اکتشاف و گسترش ادامه خواهد یافت.

تایوان

۱- Petro Bangala.

۲- Taila Sandhini.

تایوان از نظر منابع انرژی بسیار فقیر است. علاقه بسیار به یافتن و گسترش منابع گاز و نفت

داخلی دارد. شرکت دولتی نفت چاینیز با کمک شرکتهای آمریکایی به عملیات اکتشافی نفتی در فلات

قاره تایوان دست زده است. گرچه شرکت نفت چاینیز(۱) در نظر دارد در آینده نزدیکی اکتشافات خارجو داخل خشکی خود را افزایش دهد لیکن دورنمای دستیابی به منابع مهم نفتی ضعیف می باشد مگر

آنکه فعالیت در مناطق نویدبخش تر از قبیل دریای شرق چین انجام گیرد. شرکتهای خارجی نیز به

علت زدوخوردهای ناشی از اختلافات ارضی آن کشور با چین، ژاپن و کره جنوبی حاضر نیستند به

آن مناطق وارد شوند.

چشم انداز زمین شناسی

وابستگی به منابع خارجی مهمترین علت افزایش فعالیتهای اکتشافی و گسترش تایوان بوده است.

تایوان در حال حاضر دارای ۸۴ حلقه چاه مولد در داخل خشکی است که تقریبا تمام آنها حاوی گاز

می باشند. تولید گاز داخلی در حال حاضر نیاز تمام جزیره را تأمین می کند. ولی تولید نفت داخلی تنها

۲ درصد از نیاز فعلی را که روزانه ۲۰۰۰۰۰ بشکه می باشد برآورده می سازد.

تاپیه(۲) از مساعدتهای خارجیان در فعالیت های اکتشافی خود بشدت استقبال کرده است. به عنوانیک کار تشویقی شرکت دولتی نفت چاینیز نیمی از سرمایه لازم برای حفاریهای داخل خشکی را

فراهم می آورد و منافع حاصله از این سرمایه گذاری مشترک را نیز به نسبت ۵۰ درصد بین خود و

شریک خارجی تقسیم می کند. چند کمپانی امریکایی از قبیل گلف، آموکو و کونوکو که در برنامه های

مشترک اکتشافی شرکت کرده بودند اخیرا به علت ناخوشایند بودن نتایج حاصله امتیازات خود را

پس دادند.

برنامه اکتشافی سال گذشته شرکت نفت چاینیز مستلزم حفر ۲۰ حلقه چاه بوده است. از ۱۴ حلقه

چاهی که قرار بود در داخل خشکی حفر شود، ۹ حلقه حفر گردید که شش حلقه خشک و یک حلقه

دیگر در دست حفاری است. توجه شرکت نفت چاینیز بتدریج به سمت حفاریهای خارج از خشکی متمایل می گردد. در سال ۱۹۷۶ دولت ۵۰۰ میلیون دلار برای برنامه حفاریهای دراز مدت خارج از خشکی اختصاص داد. در سال جاری هفت حلقه چاه در خارج از خشکی حفر خواهد شد و یکی از آنها که تا به حال حفر گردیده جریان گاز رضایت بخش داشته است. حفاریهای خارج از خشکی در منطقه پیشین آموکو و در ساحل شمال جزیره متمرکز خواهد بود.

توانایيها و محدودیت ها

اختلافات ارضی این کشور با چین و تا حدود کمتری با ژاپن و کره جنوبی سبب شده است که شرکتهای نفتی خارجی نتوانند اقدامات گسترده تر اکتشافی در خارج از خشکی به عمل آورند. آنها عمدتا از این می ترسند که مبادا فعالیت های حفاری در مناطق مورد اختلاف موجب رویارویی با پکن

۱- Chinese Petroleum corpoation (CPC).

۲- Taipei.

شود. تاپیه اخیرا سعی کرد در ۱۶۰ کیلومتری شمال تایوان یعنی ناحیه بین سرزمین اصلی چین و جزیره به حفاری بپردازد اما شکست خورد. علی رغم تضمین ارائه شده توسط تاپیه مبنی بر اینکه ارزش ماشین آلات خسارت دیده و یا از بین رفته را به طور کامل خواهد پرداخت. هیچیک از شرکتهای خارجی حاضر بکار در این منطقه نشده اند. اختلافات این کشور با ژاپن و کره جنوبی شامل مناطق دیگر خارج از خشکی نیز می باشد.

تایلند

۹ سال اکتشاف در تایلند نتوانسته است منجر به پیدایش منابع نفت تجاری شود، گرچه در مناطق خارج از خشکی خلیج تایلند (به نقشه صفحه ۳۸ نگاه کنید)،(۱) ذخایر مهم گاز طبیعی و فشرده پیدا شده است. مذاکراتی در حال انجام است تا با استفاده از منابع مالی بانک جهانی و تکنولوژی کمپانی نفتی خارجی ذخایر گازی گسترش داده شوند. گرچه اکتشافاتی که تاکنون انجام شده امید کمی برای دستیابی به منابع نفتی به وجود می آورد، ولی احتمال پیدایش ذخایر دیگر گاز بسیار زیاد است.

چشم انداز زمین شناسی

از زمانی که تایلند در سال ۱۹۶۸ قلمرو خود را به روی اکتشافات خارجی گشود، توانست تعدادی از شرکتهای بزرگ نفتی را به خود جلب نماید. حفاریهای داخل خشکی از همان اوان نویدبخش نبود، و مناطق داخل خشکی اجاره داده شده توسط گلف و یونیون نیز پس از حفر یک چاه در هر کدام، به کشور مزبور بازگردانده شد. در دریای آندامان در ساحل غربی شبه جزیره تایلند،اکسون و یونیون ۱۰ حلقه چاه در اعماق بین ۱۳۷۰ تا ۳۹۶۰ متری و در داخل آب در اعماق ۴۹۰ تا ۹۰۰ متری حفر نمودند که نتیجه مثبتی ببار نیاورد. این نتایج منفی سبب شده است که این کمپانی ها بر آن شوند تا به جستجوی نفتی خود در دریای آندامان(۲) پایان دهند. اکتشافات در خلیج تایلند وسیع تر و

به همان اندازه پرثمرتر بوده است. از ۵۰ حلقه چاهی که تاکنون حفر شده، هشت حلقه در اعماق ۱۲۲۰ تا ۳۶۶۰ متری و در آبهای به عمق ۴۵ تا ۷۵ متر به گاز طبیعی و مقطره رسیده اند. حدس زده می شود که یافته های یونیون شامل یک تریلیون فوت مکعب گاز و نیز مقدار زیادی گاز مقطر است. تقریبا در همان شرایط زمین شناسی، کمپانی تگزاس پاسیفیک(۳) در سال گذشته دو حلقه چاه بزرگ حفر نمود که هر دو بیش از ۲ تریلیون فوت مکعب گاز در خود دارند. اکتشافات تگزاس پاسیفیک سبب شده است که در رابطه با پیدایش منابع گاز دیگر خوش بینی زیادی پیدا شود.

توانا‌ییها و محدودیت ها

تایلند به منظور گسترش منابع هیدروکربن خود به تخصص خارجی نیازمند است. روابط این کشور با کمپانیها نیز تاکنون خوب بوده است که علت اصلی آن نیز عدم پیدایش منابع نفت دارای

۱- منظور صفحه ۴۶ اسناد انگلیسی است که در ۱- CD شماره ۷ موجود است.

۲- Andaman Sea.

۳- Texas - Pasific.

ارزش تجاری می باشد. به هنگام مذاکره در مورد اجاره مناطق نفتی در سال ۱۹۶۸ قرار شد تایلند ۵/۱۲ درصد عوارض و ۵۰ درصد مالیات بر منافع تمام نفت خام تولیدی را بدست آورد. ولی پس از کاهش هزینه کمپانی، دولت احتمالاً کمتر از ۵۰ درصد از عایدات کلی نفت خام را کسب می نماید. با در نظر گرفتن اینکه شرایط قراردادها در مالزی و اندونزی سخت تر شده، احتمال دارد دولت در صورت دستیابی به اکتشافات عظیم نفتی به کمپانی ها فشار بیاورد تا سهم بیشتری از منافع را دریافت دارد.

در قراردادهای ابتدایی در مورد کشف گاز پیش بینی هایی نشده بود. بنابر این دولت از سال ۱۹۷۶ با یونیون وارد مذاکرات گسترده ای شده است تا بتواند برای هر چاه گاز قیمتی تعیین کند به نحوی که یونیون نیز مایل به سرمایه گذاری در گسترش حوزه های گازی بشود. برنامه هایی در نظر گرفته تا بر اساس آن یک خط لوله زیر آبی ۶۰۰ کیلومتر از حوزه یونیون تا شمال بانکوک احداث گردد. جهت اتصال اکتشافات تگزاس پاسیفیک به جنوب نیز احداث یک خط لوله ۱۸۰ کیلومتری دیگر مورد لزوم است. هزینه کلی خط لوله بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیون دلار برآورد شده است. قرار است هزینه قسمت اعظم این پروژه ها از طرف بانک جهانی تأمین شود و اخذ مقداری وام تجاری نیز محتمل می باشد. این پروژه قرار است تا سال ۱۹۸۱ پایان یابد.

دورنما

با درنظر گرفتن وسعت تلاشهای اکتشافی گذشته و مشخصات زمین شناسی ظاهرا تایلند توانایی لازم را برای تبدیل شدن به یک صادرکننده نفت ندارد. لیکن با ادامه اکتشافات دستیابی به گاز و مقطره بیشتری معقول به نظر می رسد. تایلندی ها مایلند پروژه خط لوله گازی را هرچه زودتر آغاز کنند تا بتوانند از میزان واردات نفتی خود که سالانه ۸۰۰ میلیون دلار می شود، بکاهند. ذخایر گاز و

مقطره فعلی برای تأمین حدود ۲۵ درصد نیاز این کشور به واردات نفتی کافی می باشد. احتمالاً در آینده نزدیک قراردادهایی با کمپانیهای خارجی منعقد خواهد گردید.

فیلیپین

فیلیپین ظاهرا پس از انجام یک سری حفاری های ناموفق توانسته است به منابع نفتی دارای کمیت تجاری دست یابد. در گذشته علی رغم شرایط زمین شناسی ظاهرا مناسب برنامه های حفاری کمپانیهای نفتی خارجی و داخلی با کندی بسیار پیش می رفت. یافته های اخیر و شرایط آزاد منشانه دولت سبب شد که میزان اکتشافات که هنوز نیز کند است شتاب بیشتری بگیرد. دورنمای به وجود آوردن ذخایری که برای تأمین تولیدات قابل توجهی تا قبل از سالهای ۱۹۸۰ کافی باشد چندان درخشان نیست.

چشم انداز زمین شناسی

از دیرباز چنین به نظر می رسید که بافتهای زمین شناسی فیلیپین دارای ذخایر نفتی است. این مجمع الجزایر پهناور و از نظر مشخصات زمین شناسی شباهت بسیاری با کشورهای همسایه یعنی

اندونزی و ایالت بورنئوی(۱) در شمال مالزی دارد. تعداد زیاد حوضچه های رسوبی مربوط به دورانسوم زمین شناسی در داخل خشکی و نیز در غرب فلات قاره کشور احتمالاً شامل تعداد زیادی ذخایر

نفتی نه چندان بزرگ است.

گرچه اکتشاف از اوایل قرن آغاز شده بود، ولی فقط در طی سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بود که

تحقیقات لرزه نگاری به عمل آمد و چند چاه اکتشافی در حوضچه شمالی دره لوزون کاگایان(۲) حفر گردید. در اوایل سالهای ۱۹۷۰ به اکتشاف در مناطق خارج از خشکی علاقه زیادی پیدا شد و

تقریبا ۴۰ کمپانی که بسیاری از آنها محلی بودند منطقه ای به وسعت ۱۲۹۵۰۰ کیلومتر مربع را بر

اساس قراردادهای امتیازی اجاره کردند. معذالک میزان حفاری ناچیز باقی ماند و در سال ۱۹۷۴ و

۱۹۷۵ تعداد ۱۶ حلقه چاه حفر گردید که هیچیک موفقیت آمیز نبود.

در سال ۱۹۷۶ سیتی سرویس(۳) به همراه هاسکی(۴) از کانادا و چند کمپانی فیلیپینی به اولیناکتشاف مهم در این کشور (نیدو I(۵)) در ۴۵ کیلومتری ساحل شمال غرب پالاوان(۶) دست یافتند. در

عمق ۲۸۹۰ متری کابلهای داخل چاه نشان می داد که چاه به ذخایر دارای طبقات آهکی متخلخل

رسیده است. ظاهرا یک حفاری آزمایشی نشان داد که چاه می تواند روزانه ۷۲۰۰ بشکه نفت تولید

نماید. در اواخر همان سال یک چاه دیگر نیز در شمال منطقه حفر شد که نتیجه امیدوارکننده ای نداشت

و تنها آثار کمی از هیدروکربن در آن مشاهده می شد. یک چاه ثالث که در ژوئیه ۱۹۷۷ در جنوب

نیدو I ، حفر شد دارای بهترین شدت جریان نفت در آن زمان بود که در تشکیلات کربناته با

شکستگی زیاد واقع شده است. گرچه ارزش تجاری این منطقه هنوز تعیین نشده، لیکن تأیید این

مطلب که در حاشیه پالاوان نفت وجود دارد، می تواند موجب تداوم اکتشافات در این منطقه گردد.

اکتشافات سال گذشته نیز در ریدبنک(۷) واقع در لبه شرقی جزایر اسپراتلی(۸) در دریای جنوبی چینمتمرکز بود. ویتنام، چین، تایوان و فیلیپین مدتها دعوی حاکمیت بر این منطقه را داشتند. مانیل برای

ثبوت ادعـای خود به یـک گروه سوئـدی (سـالن(۹)) اجـازه حفـاری داد که بعـدها آموکـو سـهام آنرا خریـدارینمود. علیرغم اظهارات وزارت امور خارجه (امریکا م) مبنی بر اینکه شرکتهای آمریکایی در منطقه

مورد اختلاف امنیت نخواهند داشت، یک شرکت آمریکایی در اوایل سال ۱۹۷۴ حفر یک حلقه چاه

را در این منطقه به پایـان رسانـد. این چاه (ساماپاگیتا I(۱۰)) نفت تقطیر شـده و گاز طبیعی بـدست داد. درسال ۱۹۷۷ آمکو به منظور پایان بردن شرایط مندرج در قرارداد خود دو حلقه چاه دیگر در این منطقه

۱- Borneo States.

۲- Luzon Gagayan valley.

۳- Cities Service.

۴- Husky.

۵- Nido I.

۶- Palawan.

۷- Read Bank.

۸- Spratly Island.

۹- Salen.

۱۰- Sampaguita I.

حفر نمود. هر دو چاه تا اعماق ۳۶۶۰ متری حفر گردید لیکن نتیجه ای ببار نیامد.

توانائیها و محدودیت ها

دولت فیلیپین در سال ۱۹۷۳ شرکت ملی نفت فیلیپین(۱) را ایجاد کرد تا سرعت گسترش نفتبیشتر شود. از آن زمان این شرکت به سرعت رشد کرد و به صورت گسترده ای وارد کارهای پالایشی،

توزیع و تاحدودی اکتشاف (محدود به دره کاگایان) گردید. کمپانیهای نفتی خارجی که بر اساس شرایط قراردادهای خدماتی با دفتر توسعه انرژی کار می کنند تعهد می دهند برنامه کاری خاصی را در زمان خاصی به پایان برسانند. اگر نفتی کشف شود، یک قرارداد اشتراک در تولید به مرحله اجرا در می آید. به منظور تسریع اکتشافات، رئیس جمهور مارکوس در سال ۱۹۷۵ اعلام کرد که یا تمام صاحبان امتیاز نفت به صورت قراردادهای خدماتی درآیند و یا امتیازات خود را به دولت واگذار نمایند. این وضع سبب شد که کمپانیهای محلی بسیاری که بدون سرمایه و دارای تهور کمتری بودند به دنبال سرمایه و تکنولوژی کمپانیهای خارجی برآیند. رژیم مارکوس صریحاً اعلام کرده است که برای توسعه صنایع ابتدایی پالایش نفت به سرمایه گذاری خارجی نیازمند است. حتی با ورود اخیر دولت به مراحل پایانی پالایش نفت، فیلیپین باز هم شرایط جالبی برای شرکتهای نفتی خارجی فراهم خواهد آورد.

دورنما

مشخصات زمین شناسی و نزدیکی به مناطق مولد نفت نشانگر توانایی بالای دستیابی به ذخایر نفت دارای قابلیت تجاری در فیلیپین است. سیاستهای کنونی دولت به همراه یافته های اخیر در حاشیه پالاوان احتمالاً میزان اکتشافات را بیش از سالهای گذشته بالا خواهد برد.

کره جنوبی

تلاشهای کره جنوبی جهت دستیابی به ذخایر نفت داخلی به دنبال نتایج منفی حفاریهای داخل

خشکی و اختلافات موجود در رابطه با مناطق بکر خارج از خشکی عقیم مانده است. تصویب اخیر

معاهده اکتشافاتی مشترك توسط ژاپن سبب آغاز اکتشافات خواهد شد، لیکن مشکلات موجود این

کشور با چین هنوز لاینحل باقیمانده است.

چشم انداز زمین شناسی

کره جنوبی هرگز مقادیر نفت خام دارای ارزش تجاری را پیدا نکرده است. اگرچه در اواخر ۱۹۷۵

یک منبع کوچک در نزدیکی پوهانگ(۲) در ساحل شمال شرقی کشف شد لیکن اکتشافات بعدی نشانداد که مقدار آن برای بهره برداری تجاری کافی نیست. در سال ۱۹۶۸ مطالعات زمین شناسی سازمان

ملل نشان داد که تواناییهای نفتی قابل ملاحظه ای در فلات قاره آسیا وجود دارد که از جنوب

۱- P N O C.

۲- Pohang.

کره جنوبی تا ساحل چین و خلیج تونکین(۱) گسترش دارد. امتیازاتی به چند کمپانی امریکایی داده شد،لیکن به علت اختلافات ارضی این کشور با ژاپن و چین اکتشافات متوقف ماند. در سال ۱۹۷۲ و

۱۹۷۳ چهار حلقه چاه اکتشافی در دریای زرد حفر گردید و پس از آن آمریکا کمپانیها را متقاعد

ساخت که عملیات خود را در این منطقه مورد اختلاف را پایان بخشند. تمام این چاهها بی حاصل بود

لیکن آثاری از گاز طبیعی را نشان می داد.

تواناییها و محدودیت ها

به دلیل اینکه بخش اعظم تواناییهای نفتی کره جنوبی در مناطق خارج از خشکی واقع شده،

مهمترین امانت موجود بر سر راه اکتشاف همان اختلاف بین این کشورها می باشد. در دریای زرد،

قلمرو مورد ادعای کره جنوبی بر معیار تساوی مسافت استوار بوده لذا تا حد وسط بین چین و این

کشور ادامه می یابد. چین از طرف دیگر، از معیار ۱۰۰ واحد عمق پیمایی دریایی حمایت می کند تا

بتواند بخش بزرگتری از فلات قاره را بدست بیاورد. کره ایها پیشنهاد مذاکره در مورد اختلاف را

داده اند، لیکن چینی ها امتناع ورزیده و ادعای کره ایها را بی اساس می خوانند. در جنوب کره در دریای

شرق چین مهمترین مسئله مورد اختلاف این کشور با ژاپن بوده، ولی چین نیز با دعوی هر دو کشور

مخالف است. در سال ۱۹۷۴ یک معاهده در مورد ناحیه اکتشاف بین کره و ژاپن امضاء شد. ژاپنی ها

تأیید این مطلب را تا ماه ژوئن سال جاری به تأخیر انداختند که در نتیجه آن هیچ گونه حفاری صورت

نگرفته است. یک کنسرسیوم نفتی امریکایی که صاحب امتیاز در این منطقه است، احتمالاً در سال آتی

حفاریهای اکتشافی را شروع می نماید. در نفت مکشوفه این منطقه ژاپن نیز سهم برابر خواهد داشت.

کره ایها از لحاظ انجام اکتشافهای داخلی قابلیتهایی را بدست آورده اند. یک شرکت خصوصی کره ای

که تنها متخصصین کره ای را استخدام می کرد به کارهای اکتشافی اولیه پرداخت که منجر به کشف منبع

پوهانگ گردید. ولی شرکت مزبور قبل از کشف این منطقه ورشکست شد و دولت پروژه را در اختیار

گرفت. گرچه سیا(۲) کره کنترل عملیات را بدست گرفت، ولی این سازمان نیز پروژه را به حال خود رهاکرده است. اکتشافات خارج از خشکی فقط به وسیله کمپانیهای نفتی بین المللی و از طریق امتیازات

اعطایی دولت کره انجام گرفته است. لیکن کره ایها اعلام کرده اند که اگر عملیات اکتشافی این منطقه تا

پس از تصویب سرمایه گذاری مشترک توسط ژاپن متوقف بماند، آنها تلاش خواهند کرد قابلیتهای

خود را در خارج از خشکی نیز توسعه دهند. این کار نیز از طریق عقد قرارداد برای تجهیزات و

تخصص خارجی انجام می گیرد. هزینه و میزان خطرات قابل ملاحظه است و سرمایه لازم نیز در

بودجه برنامه پنج ساله کنونی (۱۹۷۶ ۸۱) مشخص نشده است.

دورنما

نتایج ناچیز اکتشافات اخیر دورنمای دستیابی به نفت در داخل و اطراف کره جنوبی را ضعیف کرده

است. با این وصف، هنوز مناطق زیادی دست نخورده باقیمانده است. ملاحظات دیپلماتیک عمده ترین

۱- Tonkin Gulf.

۲- CIA

موانع انجام این اکتشافات می باشد. گرچه تصویب معاهده در مورد فلات قاره بین ژاپن و کره یک گام بزرگ است، ولی مخالفت شدید چین می تواند مانع اکتشاف گردد. در صورت کشف، فقدان روابط بین کره جنوبی و چین می تواند مشکلات دیپلماتیک بزرگی پدید آورد.

ویتنام

دورنمای نویدبخش تولید نفت در ویتنام، که در ماههای آخر جنگ ظاهر شده بود، هنوز هم به صورت یک دورنما باقی مانده است. هنگامی که ویتنام شمالی در آوریل ۱۹۷۵ قدرت را بدست گرفت، کمپانیهای امریکایی مجبور شدند از اکتشافات نویدبخش خود در ویتنام جنونی دست بردارند. در چند ماه گذشته دولت ویتنام و شرکت ملی نفت آن یعنی پترو ویتنام(۱) با شرکتهای فرانسوی، ایتالیایی و آلمانی قراردادهای اکتشاف مقدماتی منعقد ساختند. جزئیات مشخص نشده و اکتشافات بعدی نیز انجام نشده است. ویتنام بدون مشارکت غرب فرصت کمی خواهد داشت تا بتواند تواناییهای نفتی خود را گسترش دهد.

چشم انداز زمین شناسی

اکتشاف نفت در ویتنام هنوز در مراحل ابتدایی بسر می برد. وجود هیدروکربن ها در فلات قاره ویتنام جنوبی مسلم است لیکن قبل از انجام اکتشاف نمی توان میزان وسعت ذخایر را مشخص کرد. با این وصف بعضی از مقامات نفتی خارجی معتقدند که احتمالاً چند منبع دارای ۱۰۰ میلیون بشکه نفت یا بیشتر در آنجا وجود دارد. این امر می تواند سطح تولید را سرانجام به ۲۷۰۰۰۰ بشکه در روز برساند.

از برنامه اکتشاف تنها هشت ماه نگذشته بود که ویتنام شمالی در آوریل ۱۹۷۵ بر جنوب غلبه نمود. دولت پیشین ویتنام جنوبی در سال ۱۹۷۳ هشت امتیاز در رابطه با اکتشاف نفت در فلات قاره

خود به چهار کمپانی و یا کنسرسیوم اعطا کرده بود. کنسرسیوم موبیل کایو(۲) در مارس ۱۹۷۵ دراولین چاه ۳۰۰۰ متری خود که در ۱۸۰ کیلومتری سایگون واقع شده به نفت رسید. نتیجه آزمایش

نشان داد که چاه مزبور می تواند روزانه ۲۴۰۰ بشکه نفت به سنگینی ۳۵ درجه API و مقدار گاز تولید

نماید.

خوشبینانه ترین مناطق ویتنام در فلات قاره بخش جنوبی کشور واقع گشته است. در داخل خشکی

نیز احتمالاًـ بافتهای زمینی حاوی نفت در دلتای رود مکونگ(۳) وجود دارد لیکن در این منطقه تحقیقاتجامعی به عمل نیامده است. در شمال، شوروی، رومانی و آلمان شرقی حداقل از سال ۱۹۶۷ در

اکتشافات داخلی خشکی منطقه دلتای رود سرخ(۴) مشغول بوده اند. شواهدی در مورد کشف نفت دراین منطقه وجود ندارد.

۱- Petro Vietnam.

۲- Mobil – Kaiyo.

۳- Mekong River Delta.

۴- Red River Delta.

توانایيها و محدوديت ها

ويتنامی ها در گسترش بخش نفتی خود را احتياط بسيار عمل می كنند. اين عملكرد محافظه كارانه آنها نيز ناشی از عدم آگاهی و تجربه در رابطه با تمام جنبه های صنعت نفت و نگرانی ايدئولوژيک درباره ميزان قابل تحمل فعاليت خارجی غير كمونيستها در ويتنام است. مقامات ويتنام شمالی نيز هنگام غلبه بر جنوب هيچ اطلاعی درباره اين صنعت نداشتند. چند مقام عاليرتبه ويتنام جنوبی نيز كه با صنعت نفت تا حدودی آشنا بودند هنگام به قدرت رسيدن كمونيستها كشور را ترک كردند. علاوه بر اين، كمپانيهای نفتی نيز ظاهرا تمام اطلاعات لرزه نگاری و فنی را با خود بردند. اين فقدان آگاهی نيز سبب شده است كه مذاكره در مورد قراردادهای پيچيده كه دارای تغييرات و تركيبات نامحدودی از قبيل ميزان منافع، كم نويسی هزينه ها، تقسيم توليد، مالياتها، و جبران خسارت كارمندی می شود، مشكل تر شود.

خنده دار اينست كه ويتناميها بايد در تمام جنبه های اكتشاف گسترش كمپانيهای نفتی غربی وابسته باشند. خود ويتنام نيز نه تكنولوژی و نه سرمايه لازم جهت انجام اكتشافات را در اختيار ندارد و هم پيمانان كمونيست آن نيز به همين ترتيب. فقط چين، شوروی و رومانی دارای تجاربی در خارج از خشكی هستند، ليكن تجهيزات نادر آنها نيز در گسترش نفت داخلی مشغول بكار است. بهرحال ويتنامی ها می خواهند با استفاده از تكنولوژی پيشرفته غرب نفت را به سرعت و با كارايی استخراج نمايند. در اين رابطه آنها شركتهای آمريكايی را به شركتهای اروپايی ترجيح می دهند. زيرا تكنولوژی سرمايه و تجارب منطقه ای آنها برتر می باشد.

دورنما

هنوز بسيار زود است كه بگوييم آيا ويتنام به صورت يک توليدكننده نفتی درخواهد آمد يا خير.

زمین شناسی فلات قاره نشانگر وجود هیدروکربن بوده و حفاریهای مقدماتی نیز مقداری نوید به همراه داشته است. معذالك چهار حلقه چاه ملی که تاکنون حفاری شده آن شور و حرارتی که کمپانیها را در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ به ویتنام جذب نمود از خود نشان نداد. اکنون از توقف اکتشافات و انعقاد قراردادها بیش از دو سال می گذرد. ویتنامیها بشدت با کمپانیهای نفتی خارجی چك و چانه خواهند زد، ولی اکثر آنها نسبت به پذیرش شرایطی که در مقایسه با شرایط مالزی و اندونزی نامناسب تر است بی میل می باشند. ماهیت اتخاذ توافق عمومی در روند تصمیم گیری هانوی و روند کار اندیشمندانه بوروکراسی این کشور سبب می شود که گسترش نفت در این منطقه تحقق نیابد. ملاحظه شرایط کنونی امکانات دستیابی به نفت تولید تا سال ۱۹۸۰ قابل اغماض به شمار می آید.

خاورمیانه غیر اوپک، آفریقای شمالی و منطقه مدیترانه

امکان دستیابی به ذخایر جدید و مهم در این منطقه بسیار ناچیز است. تنها در مصر و احتمالاً عمان امکان دستیابی به یافته های جدید و بزرگ وجود دارد. با وجود اینکه اکتشاف در بعضی از مناطق مصر به سرعت به پیش می رود، ولی یکی از نویدبخش ترین مناطق یعنی خلیج سوئز در نتیجه روابط موجود با اسرائیل مورد اکتشاف قرار نگرفته است. هزینه سنگین، شرایط سخت، و سیاست نفتی

ناپایدار دولت نیز دست بدست هم داده و سبب کاهش علاقه کمپانیها به عمان شده است. عملیات اکتشافی یک منطقه نسبتا نویدبخش که تونس و لیبی هر دو بر سر تصاحب آن اختلاف دارند به دلیل مناقشات این دو کشور متوقف شده است. در نقاط دیگر، دورنمای ضعیف زمین شناسی، عدم ثبات سیاسی و در مورد ترکیه و یونان نیز اختلافات ارضی علاقه کمپانیها را محدود کرده اند.

مصر

تواناییهای نفتی مصر پیش از تواناییهای دیگر کشورهای کمتر توسعه یافته غیر اوپک است. کمپانیهای نفتی بین المللی به تواناییهای زمین شناسی مصر، به خصوص در رابطه با خلیج سوئز، که چهار اکتشاف بزرگ در آن صورت گرفته، امید بسیار دارند. سابقه روابط حسنه قاهره با کمپانیهای نفتی خارجی و سیاستهای معتدل رژیم سادات نیز آنها را به این منطقه جلب کرده است. از سال ۱۹۷۳، کمپانیهای خارجی با عقد بیش از ۳۰ فقره قرارداد عملیاتی متعهد به سرمایه گذاریهایی به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار شده اند. در حال حاضر، تشنج میان اعراب و اسرائیل تنها عامل بازدارنده افزایش اکتشافات است.

چشم انداز زمین شناسی

صنعت نفت مصر تا حد زیادی در منطقه خلیج سوئز متمرکز است. از ۷۰ سال قبل یعنی از زمان آغاز اکتشافات نفتی توسط انگلیس، تمام کشفیات مهم در این منطقه واقع شده است. از ۵۰۰۰۰۰ بشکه نفت روزانه ای که مصر در نظر دارد تا پایان سال ۱۹۷۷ تولید نماید، روزانه بیش از ۴۰۰۰۰۰ بشکه آن از حوزه های خارج از خشکی خلیج سوئز بدست خواهد آمد. سه حوزه کوچک مولد دیگر نیز در صحرای غربی اسکندریه به فاصله ۵۰ تا ۱۰۰ کیلومتری مدیترانه قرار گرفته است. منطقه اسکندریه(۱) حاوی تنها حوزه های گازی مصر می باشد.

بخش اعظم ۴ میلیارد بشکه ذخایر نفت تثبیت شده و احتمالی مصر در منطقه خلیج سوئز واقع

شده است. بعضی از زمین شناسان معتقدند که فقط نیمی از نفت موجود در این منطقه کشف شده، و

بیش از یک دو جین از لایحه ها برای انجام حفاری باقی مانده است. اکتشافات بعدی احتمالاً نشان

خواهد داد که بافت زمینی خلیج در امتداد شمال و تا دلتای رود نیل(۲) و حاشیه مدیترانه ادامه دارد. درصحرای غربی به دنبال اکتشاف نفت و پیدایش حوزه های بزرگ نفتی لیبی در اوایل سالهای ۱۹۶۰،

تنها حوزه های بسیار پراکنده، کوچک و غیرتجاری واقع شده است. با قیمتهای کنونی تنها می توان چند

حوضچه موجود را مورد بهره برداری قرار داد.

یکی از نقاطی که از توانایی نفتی آن به خوبی و به درستی مشخص نشده، منطقه مجاور مرز لیبی

در زیر خط جغرافیایی ۳۰ می باشد. این منطقه زمانی در انحصار شرکت نفت دولتی مصر قرار داشت و

با کمک فنی روسیه مورد اکتشاف قرار گرفت. مصریها شوروی را متهم کردند که از تجهیزات و فنون

کهنه لرزه نگاری در اکتشافات خود استفاده کرده اند، و به همین دلیل چند سال قبل تکنسین های روسی

۱- Alexandria.

۲- Nile Delta.

را از این منطقه اخراج نموده و قراردادهای امتیازاتی را در مورد این منطقه ارائه دادند. تحقیق پیچیده تر

ممکن است پرده از طبقات حاوی نفتی بردارد که شورویها آنرا نادیده گرفته اند.

توانایيها و محدودیت ها

بخش اعظم نفت مصر به طور مشترک و توسط شرکت نفت مصر و کمپانیهای نفتی غربی(۱) استخراج می گردد. معمولاً اینگونه اشتراک پس از دستیابی شرکاء خارجی به نفت در مناطقی که از

قبل امتیاز آنرا گرفته بود به وجود می آید. مهمترین شریک مصر آموکومی باشد که در همه حوزه ها

بجز حوزه مهم خارج از خشکی در خلیج سوئز به تلید مشترک ادامه می دهد. فیلیپس دو حوزه

کوچک را که شدیدا کاهش می یابد در صحرای غربی مورد بهره برداری قرار می دهد، و چند شرکت

دیگر از قبیل انی(۲) و موبیل در عملیات حوزه های داخل و خارج از خشکی شبه جزیره سینا(۳) مشارکت جسته اند. دمینکس(۴) که یک شرکت آلمان غربی است، و کونوکو(۵) اخیرا به اکتشافات نسبتاقابل ملاحظه ای در خلیج سوئز نایل آمده اند.

شرکت نفت مصر را شاید بتوان با لیاقت ترین شرکت دولتی مصر دانست. این شرکت به تنهایی

گرداننده شش پالایشگاه است که روزانه ۲۰۰۰۰۰ بشکه نفت را پالایش می کند، و همین شرکت

توانسته بود پالایشگاههای آسیب دیده سوئز در نتیجه جنگ را بازسازی کرده و یک کارخانه جدید

را بدون کمک خارجی تأسیس نماید. این شرکت چند حوزه کوچک را نیز بدون کمک خارجی اداره

می کند و احتمالاً می تواند در صورت ضرورت اکثر عملیات حوزه های نفتی مصر را بدست گیرد. با

این وصف، به دلیل اینکه شرکت نفت مصر دارای استعداد اکتشافی مستقل نیست، به محض خروج و یا

اخراج شرکاء غربی با کاهش تولید نفت مواجه خواهد گردید.

شرکت نفت دولتی مصر با برخورداری از مهارتهای فنی و اداری پرسنل رده های بالا، به خصوص

هلال(۶) ، وزیر نفت بر خلاف دیگر شرکتهای دولتی با محدودیتهای سازمانی و مالی دست به گریباننبوده است. روابط این

شرکت با شرکاء خارجی اش نیز حسنه است. تنها تغییری که در دهه گذشته در این روابط پدید آمد انتقال به اشتراک در تولید از مشارکت به نسبت ۵۰ است که در سالهای ۱۹۶۰ تعیین شده بود. البته سالها به طور دوستانه بر روی این مسئله مذاکره گردید. گرچه این قراردادها سرانجام منجر به افزایش سهم نفت تولیدی مصر خواهد گردید، ولی کمپانی شریک نیز تا زمانی که سرمایه اولیه اش را بازیابی نکرده می تواند سهم خود را آزادانه دریافت دارد.

۱- EPA.

۲- ENI.

۳- Sinai Peninsula.

۴- Deminex.

۵- Conoco.

۶- Hilal.

دورنما

علیرغم این مزایای زاید صنعت نفت مصر با مشکلات جدی روبرو خواهد بود. مهمترین مشکل آسیب پذیری منطقه سوئز است. جایی که حوزه های نفتی آن عامل مهمی در تضاد بین اعراب و اسرائیل می باشد. قرارداد دوم سینا به هیچ وجه نتوانسته است این موانع را از میان بردارد. اسرائیلیها هنوز هم مدعی حق بهره برداری از نیمه شرقی خلیج سوئز هستند که مهمترین مناطق دارای مشخصات لرزه نگاری را دارا می باشد. حفاریهای شرکاء امریکایی مصر به وسیله گارد ساحلی اسرائیل متوقف گردیده است. تا زمانی که یک راه حل دائمی به وجود آید، همواره این تهدید وجود دارد که کانال مسدود، خلیج سوئز تحریم و کارخانه ها تخریب، یا حوزه ها اشغال گردد.

ممانعت اسرائیل از عملیات نفتی در سوئز سبب شده است که شرکتهای امریکایی تولید آتی این منطقه را کم برآورد نمایند. اگر تمام خلیج سوئز مورد بهره برداری آزادانه قرار بگیرد بازده نفتی مصر تا سال ۱۹۸۰ به طور قریب به یقین معادل یک میلیون بشکه در روز خواهد شد که حدود ۷۰۰۰۰۰ بشکه در روز آن به خارج صادر می گردد اگر این ممانعت ها ادامه یابد، تولیدات جدید احتمالاً از تولید رو به کاهش در حوزه های کهنسال تر کمی بیشتر خواهد شد، و بازده سال ۱۹۸۰ را به ۶۵۰۰۰۰ بشکه در روز محدودخواهد کرد. عوامل سیاسی درون مصر احتمالاً نقش چندان مؤثری را ایفا نخواهند کرد. امکان دارد دولت سادات به دلایل بسیاری شدیدا متزلزل شده و یا حتی سرنگون گردد. معذالک، حتی در صورت وقوع کودتا، تغییر ناگهانی روابط مصر با کمپانیهای نفتی خارجی که از دیر زمان وجود داشته است مورد مخالفت شدید مقامات شرکت نفت مصر قرار خواهد گرفت.

عمان

سلطان نشین عمان یکی از مهمترین تولیدکنندگان نفت خام بعد از اکوادور و گابن در گروه اوپک

است. تولید نفت در سال گذشته معادل ۳۷۰۰۰۰ بشکه در روز بود که غالباً از حوزه های شمالی

کشور استخراج می گردد. تولید این حوزه ها در سال ۱۹۷۶ به اوج خود رسید و انتظار می رود بازده

آن در چند سال آینده بشدت پایین آید مگر آنکه نفت بیشتری کشف و گسترش یابد. بهترین دورنما

برای کشف نفت در جنوب ظفار(۱) قرار دارد که می توانـد افزایش عمـده ای در ذخایر تثبیت شده واحتمالی ۶ میلیارد بشکه ای کنونی پدید آورد. دولت عمان نیز معتقد است که در خارج از خشکی در

تنگه هرمز نیز نفت بسیاری وجود دارد.

چشم انداز زمین شناسی

نفت خام تولیدی عمان تقریبا به طور کامل از حوزه های بخش شمال مرکزی کشوری تأمین

می گردد. اولین نفت قابل بهره برداری در یبال(۲) در سال ۱۹۶۲ کشف شد، و به دنبال آن در ناتیه(۳) و

۱- Dhofar.

۲- Yibal.

۳- Natib.

فاهود(۱) نیز در سال ۱۹۶۴ نفت بدست آمد. در سال ۱۹۷۰ حوزه نفتی الهویزه(۲) و در سال ۱۹۷۵ سه

حوزه جدید دیگر به نامهای قبا(۳) در شمال، قارن اعلم(۴) ، و سیح نحیداح(۵) به مرحله تولید وارد گردید.تمام این حوزه ها به حد کمال رسیده و جریان نفت سیر نزولی در پیش گرفته است. علیرغم ورود

پروژه های بازیابی ثانویه از قبیل تزریق آب انتظار می رود تا سال ۱۹۸۰ بازده این حوزه ها به سطح

۲۵۰۰۰۰ بشکه در روز کاهش یابد.

مهمترین امید عمان برای کشف نفت در جنوب در منطقه ظفار است. لیکن تولید نفت این منطقه به

علت یکنواخت نبودن طبقات نفت خیز بسیار پرخرج است. علاوه بر این، نفت خامی که تاکنون از

ظفار استخراج می شود نیز مانند نفت خام مناطق شمالی سنگین و حاوی گوگرد بسیار است که موجب

اضافه شدن هزینه های استخراج می گردد. همچنین باید خط لوله پرهزینه در اراضی سنگلاخ احداث

گردد تا نفت به نزدیکی دریا رسانده شود که البته در آنجا نیز یک بندر و تسهیلات بارگیری باید ایجاد

شود. گرچه هنوز یک حوزه دارای قابلیت تجاری پیدا نشده است، ولی دولت این کشور معتقد است که

ذخایر ظفار بسیار وسیع می باشد. کمپانیهای نفتی خارجی نیز کمتر خوش بین می باشند و قبل از

سرمایه گذاری در منطقه ظفار به علت ریسک موجود و هزینه بسیار خواستار قید شرایط ویژه ای در

قراردادها شده اند.

علاوه بر فعالیت مزبور، در خارج از خشکی نیز فعالیتهای اکتشافی در حال انجام بوده و دولت نیز

این امر را ترغیب و تشویق می نماید. در سال ۱۹۷۳ کمپانی الف اراپ(۶) حق اکتشاف در منطقه ۷۰۰۰کیلومتر مربعی بین تنگه هرمز و شبه جزیره موساندام(۷) را بدست آوردند و تا به حال یک حفاریموفقیت آمیز انجام داده و مدعی هستند که این چاه می تواند روزانه ۱۰۰۰۰۰ بشکه به بازده نفتی

عمان بیفزاید. هم اکنون در بخش ایرانی تنگه هرمز نفت مرغوب دارای کمیت تجاری کشف شده است.

توانایيها و محدودیت ها

دولت عمان تجربه کافی جهت هدایت مؤثر سیاستهای نفتی خود را ندارد. وزیر نفت در امور نفتی تجربه چندانی نداشته، و دولت نیز در اخذ تصمیم به مشاورین خارجی اتکاء بسیار دارد. در نتیجه در اعطای امتیازها نوعی آشفتی به وجود آمده و درون دولت درباره مسائل نفتی هماهنگی اندکی وجود دارد. به استثناء منطقه مورد اکتشاف ظفار، دولت به شریک خود یعنی کمپانی شل اجازه می دهد که در مورد سازمان گسترش نفتی عمان، یعنی بزرگترین صاحب امتیاز و تولیدکننده نفتی عمان تصمیم بگیرد. سلطان نشین عمان ۶۰ درصد سهام سازمان گسترش نفتی عمان را در اختیار دارد. در حالی که

۱- Fahud

۲- Al - Huwaisah.

۳- Ghaba.

۴- Qarn Alam.

۵- Saih Nihaydah.

۶- ELF - Erap.

۷- Musandam.

شل، کمپانی نفتی فرانسه(۱) و پارتکس(۲) هر یک به ترتیب ۳۴ ، ۴ و ۲ درصد سهام را بخود اختصاص داده اند.

دولت عمان سعی دارد اکتشافات مستقل را بااستفاده از قراردادهای اشتراک در تولید افزایش دهد.

با صاحبان امتیاز کمپانیهای الف و کوئنتانا(۳) قراردادهای موفقی منعقـد گردیده، که بر اساس آنهاکمپانیها هزینه های خود را بازیابی کردند ۸۰ درصد منافع نفتی نصیب دولت و ۲۰ درصد آن به

کمپانیها تعلق خواهد گرفت.

دورنما

ملاحظات مالی مهمترین نقش را در تعیین سرعت مراحل اکتشاف نفتی عمان به عهده دارد. دولت اظهار داشته است که با وجود کمبودهای مالی خود رد حال حاضر، مایل است سرمایه لازم جهت اکتشاف و گسترش حوزه های ظفار را فراهم آورد. بدون مشارکت کمپانیها، عمان احتمالاً بر روی کمکهای عربستان سعودی حساب می کند تا سرمایه برنامه ظفار را تأمین نماید. عربستان سعودی اخیرا میزان کمکهای تعهدی خود به عمان را تقریبا تا ۳۰۰ میلیون افزایش داد ولی میل ندارد کمک بیشتری به این کشور بدهد تا اکتشاف و گسترش نفت ظفار واقعیت یابد. بهرحال دورنمای کشف منابع نفتی قابل دسترس در داخل خشکی عمان بعید به نظر می رسد. اکتشافات جدید نیز مانده یافته های چند سال اخیر است یعنی حوزه ها کوچک و هزینه تولید بسیار زیاد است. حوزه های خارج از خشکی حتی اگر بزرگ نیز باشند گسترش آنها بسیار پرخرج و به زمان طولانی نیاز دارد، و تا قبل از اوایل سالهای ۱۹۸۰ مقدار چندانی به بازده نفتی عمان نخواهد افزود.

تونس

تونس که از اوایل سالهای ۱۹۶۰ یک تولید کننده کوچک نفتی بوده، از نظر توسعه بازده مناطق

سنتی تولید نفت دارای دورنمای محدودی است. در عین حال اکتشاف و بهره برداری یکی از مناطق نویدبخش خارج از خشکی نیز که حاوی ۵ میلیارد بشکه نفت است در اثر اختلاف ارضی با لیبی متوقف گردیده است.

دولت به دلیل نداشتن تخصص لازم مساعدتهای خارجی را برای توسعه منابع نفتی خود فعالانه تشویق می نماید.

چشم انداز زمین شناسی

تقریبا تمام تولید ۱۰۰۰۰۰ بشکه در روز تونس از دو حوزه داخلی خشکی ال بروما(۴) در جنوب

۱- CFP (Francaise des petroles).

۲- Partex.

۳- Quintana.

۴- EL Borma.

غربی تونس که در اوایل سالهای ۱۹۶۰ کشف شده، و حوزه اشتارت(۱) در خلیج گابن(۲) که در سال

۱۹۷۴ کشف گردیـده تـأمین می گردد. دو حوزه کوچکتر داخـل خشـکی با نامهای سـیدی الاعتیام(۳) والدولاب(۴) در حال حاضـر مقدار کم اهمیتی نفت تولید می نمایند. به طور کلی تمام چاههای موجود درپنج تا ۱۰ سال دیگر احتمالاً قدرت تولید خود را از دست خواهند داد. به طور مثال، در حوزه ال بروما

در سالهای اخیر کاهش شدیدی داشته و از سال ۱۹۷۳ تاکنون معادل ۵۰ درصد کم شده است.

دورنمای دستیابی به مقدار بیشتری نفت در داخل خشکی چندان روشن نیست. شرکتهای غربی،

عمدتا فرانسوی و ایتالیایی قبلاً مطالعات همه جانبه ای را در مورد منابع کنونی به عمل آورده اند لیکن

نتایج حاصله امیدوارکننده نبوده است. در نتیجه جستجوی نفتی کاملاً متوجه مناطق خارج از خشکی

شد. علاوه بر حفر چاههای متعدد در خارج از حوزه اشتارت، عملیات در قسمت شمالی تر خلیج

حمامت(۵) شـروع شـده، که بنـا به گزارش رسـیده یـک کمپـانی فرانسوی در آنجـا به اکتشافـاتی نایـل شـدهاست. کمپانیهای آمریکایی که در آبهای مجاور مشغول بکار هستند دریافتن نفتی که از لحاظ تجاری

قابل استخراج باشد موفقیتی بدست نیاورده اند، لیکن باز هم به جستجوی خود ادامه می دهند. مقامات

کمپانی معتقدند که در صورت دسترسی به منابع این منطقه خواهند توانست معادل ۲۰۰۰۰ بشکه در

روز نفت تولید نماید.

فلات قاره هم مرز با لیبی بیشترین توانایی را داشته و حاوی ۵ میلیارد بشکه ذخایر قابل بازیابی

است. با این وصف تونس با تریپولی بر سر تصاحب منطقه ای که در ۱۰۰ کیلومتری شمال شهرک

ساحلی لیبی به نام زواره(۶) قرار دارد اختلاف دارد. زمانی که سایپم(۷) یکی از شرکتهای فرعی کمپانی انو(۸) ایتالیا که برای لیبیـایی هـا کار می کنـد حفاری در آبهای مورد اختلاف را آغاز کرد میزان تشـنج بینـدو کشور شـدت یافت. در ژانویه ۱۹۷۶ یک میدان نفتی که تریپولی آنرا یک منبع مهم نفتی اعلام کرد

در آن منطقه کشف شد.

تواناییها و محدودیت ها

اختلاف ارضی مهمترین عامل بازدارنده شناخت و گسترش قسمتی از تواناییهای نفتی فلات قاره می باشد. لیبی معتقد است که خط مرزی آبی این کشور در ساحل یک مسیر شمال غربی را طی کرده و عملیات حفاری ساپیم را در آبهای لیبی قرار می دهد. تریپولی اظهار داشته که حاضر است اطلاعات مربوط به این منطقه را در اختیار تونس قرار دهد و بنا به گزارش رسیده میل دارد به طور مشترک به اکتشاف و گسترش منطقه بپردازد تا مسئله حل شود. تونس نیز به نوبه خود مدعی است که خط مرزی

۱- Ashtart.

۲- Gulf of Gabes.

۳- Sidi el Iteyam.

۴- Ad Dulab.

۵- Hammamat

۶- zuwarah.

۷- saipem.

۸- ENO.

مسیر طبیعی شمال شرقی را در امتداد کمان مرزی تونس و لیبی در ساحل مدیترانه طی می کند و بنابراین میدان کشف شده نیز از آن تونس می باشد.

گذشته از اختلافات ارضی این کشور با لیبی، چند عامل سیاسی نیز عملیات کمپانی نفتی در تونس را محدود می کند. دولت از قدیم الایام به نحو فعالانه ای همکاری با کمپانیهای نفتی خارجی را تشویق می کرده است. این دولت بر اساس فوریت قراردادهایی با کمپانیها منعقد می سازد و مایل است جهت جلب همکاری کمپانیها هر کاری انجام دهد. مثلاً، سرمایه گذاری ضمانت می شود، استهلاک سریع هزینه های حفاری را مجاز می کند، و به کمپانیها اجازه داده می شود که سهم نسبتا عظیمی از نفت مکشوفه را بخود اختصاص دهند.

دورنما

تونس هرگز یک تولید کننده بزرگ نفتی نخواهد شد. در پنج سال و اندی آینده نفت خارج از خشکی تونس احتمالاً معادل ۱۰۰۰۰۰ بشکه در روز به نفت صادراتی این کشور خواهد افزود. لیکن جهت افزایش تولید بیش از سطح مذکور، اختلافات مرزی این کشور با لیبی بایستی به نحو مطلوبی از بین برود و حفاریهایی انجام گیرد تا تواناییهای نفتی منطقه شناخته شود.

سوریه

سوریه نخواهد توانست بدون افزایش قابل توجهی در زیربنای خود سطح بازده نفت خام را در حال حاضر ۲۰۰۰۰۰ بشکه در روز است حفظ نماید. رژیم اسد پس از پی بردن به این واقعیت به تخصص خارجی متوسل شده تا تواناییهای نفتی کشور گسترش یابد. ولی تأخیرات اداری و بی ثباتی سیاسی روزافزون همچنان مانع از مشارکت و سرمایه گذاری های غرب شده و عملیات نفتی سوریه را در اختیار شرکتهای روسی و اروپای شرقی قرار داده است.

چشم انداز زمین شناسی

در حال حاضر ذخایر تثبیت شده و احتمالی معادل ۲ میلیارد بشکه برآورده شده است. اکثر ذخایر

در پنـج حوزه در شـمال شـرقی سـوریه قرار دارد کـه چهـار حـوزه آن (یعنی کـاراچوک(۱) ، سویـدیه(۲) ،رومیلان(۳) و حوبیسه(۴)) فعالاـنه مورد بهره برداری بوده و یک حوزه دیگر (یعنی حمزه(۵)) نیز موردا کتشاف قرار دارد. سویـدیه در سال ۱۹۶۸ وارد مرحله تولیدی گردید و هم اکنون کمی بیش از نیمی از

تولید سوریه را تأمین می نماید. گذشته از حمزه که ظاهرا یک حوزه نسبتا کوچک است، به نظر

می رسد که ذخایر اکثر حوزه های تولیدی قبلاً شناسایی شده اند.

۱- karatchuk.

۲- suweidiyah.

۳- Rumeilan.

۴- Jubaisseh.

۵- Hamza

دولت اسد ۲۵۰۰۰ کیلومتر مربع از زمینهای دارای نفت را در اختیار شرکت دولتی نفت سوریه

قرار داده و ۵۰۰۰۰ کیلومتر دیگر را جهت اکتشاف در اختیار شرکتهای خارجی داده است. تیمهای

فرانسوی، رومانی، یوگسلاوی، روسی و مجارستانی در حال حاضر به تحقیقات زمین شناسی و

حفاریهای اکتشافی در چند حوزه داخل خشکی در شمال شرقی سوریه مشغولند. با این وجود تنها

اکتشاف نفتی اخیر توسط شرکت نفت سوریه و در مارس ۱۹۷۶ در نزدیکی حباری(۱) در سوریهمرکزی صورت گرفت آن اشتیاق اولیه به سرعت از بین رفت و گمان نمی رود که ذخایر قابل بازیابی

دیگری به منابع نفتی سوریه اضافه شده باشد.

مهمترین مناطق نویدبخش در مناطق خارج از خشکی مدیترانه واقع شده اند. با این وجود

تلاشهای بسیار محدود اکتشافی در آن منطقه امیدوارکننده بوده است. تریپکو(۲) که یک شرکتآمریکایی است در سال ۱۹۷۵ در رابطه با یک منطقه ۴۵۰۰ کیلومتر مربعی در ساحل مدیترانه یک

قرارداد اکتشافی با سوریه منعقد ساخت، لیکن پس از یکسال جستجو این منطقه را ترک گفت.

توانایيها و محدودیت ها

ایدئولوژی خشک بعثی سوریه و بی ثباتی مزمن سیاسی مهمترین موانع کشف تواناییهای محدود

نفت در این کشور به شمار می آیند. شرکتهای غربی در اوایل سالهای ۱۹۶۰ اخراج گردیدند و

فعالیتهای پس از آن به عهده شرکتهای روسی و اروپای شرقی واگذار شده که آنها نیز تخصص مورد

نیاز برای کار در خارج از خشکی را دارا نمی باشند. با وجود اینکه اسد اکنون به کار با کمپانیهای

غربی متمایل شده، ولی در جلب نوع سرمایه گذاری غربی در صنعت نفت که مورد نیاز سوریه است

هنوز موانعی وجود دارد. مثلاً شرکتهای آمریکایی و اروپای غربی مایلند قبل از انجام

سرمایه گذاریهای اصلی محیط عملیاتی خوبی داشته باشند و از جمله اینکه کنترلهای دولت کمتر گردد.

خطر بی ثباتی سیاسی سوریه نیز علاقه کمپانیها را به کار در این کشور کاهش داده است. می توان

انتظار داشت که در طی چند سال آینده پیشرفتهای کمی در صنعت نفت سوریه به وجود آید. به طور مثال، نارضایتی سوریه از تکنولوژی و فنون اکتشافی اروپای شرقی سبب شده است که دمشق اصرار ورزد که حتی این شرکتها نیز از تجهیزات غربی به خصوص آمریکایی استفاده کنند. شرکت نفت سوریه نیز تجهیزات لرزه نگاری امریکایی را خریداری کرده و طی یک برنامه آموزشی گسترده بسیاری از پرسنل خود را به آمریکا می فرستد تا آموزش دیده و بتوانند توانایی های نفتی کشور را با دقت و نظم بیشتر بالا ببرند.

دورنما

آینده تولید نفت در سوریه بدون مشارکت غرب چندان نویدبخش نمی باشد، در همین حال دولت اعلام کرده است که سال بعد تولید نفت خود را ده درصد کاهش خواهد داد زیرا میزان فرسایش ذخایر در مقایسه با بازده مناطق تولیدی افزایش شدیدی یافته است. اگر ذخایر جدید بزودی شناسایی و

۱- Habari.

۲- Tripoc.

اکتشاف نشود کاهش بیشتر در تولید ضروری خواهد بود، و احتمالاً میزان تولید روزانه سوریه را تا

سال ۱۹۸۰ به سطح ۱۵۰۰۰۰ بشکه یا کمتر پایین خواهد آورد.

ترکیه

بازده نفت خام ترکیه، که ۱۵ تا ۲۰ درصد نیاز نفتی داخلی را تأمین می کند از سال ۱۹۷۳ تاکنون

معادل ۲۷ درصد کاهش داشته و اکنون معادل ۵۱۰۰۰ بشکه در روز است. آنکارا امیدوار است که

بتواند این میزان کاهش را از بین ببرد ولی احتمالاً قادر به این کار نخواهد بود. قوانین سخت دولتی

علاقه کمپانیهای خارجی را به اکتشاف از بین برده و در عین حال محدودیتهای فنی و مالی نیز

عملیات شرکت دولتی نفت را محدود کرده است.

چشم انداز زمین شناسی

بیشتر منابع نفت ترکیه که از نظر تجاری قابل بهره برداری باشد در جنوب شرقی در نزدیکی

باتمان(۱) و دیار بکر(۲) واقع شده است. تمام تولید نیز از منابع داخل خشکی تأمین می گردد. گرچه هنوزهم در نزدیکیهای این مناطق قدیمی مناطق کوچک جدید کشف می شوند لیکن میادین آنتالیا(۳) درمدیترانه و دریاچه توز(۴) در بخش مرکزی ترکیه نویدبخش ترین مناطق جهت انجام اکتشافات به شمارمی آیند. اکتشافات داخل خشکی در شمال دریای مرمره و امتداد ساحل دریای سیاه تنها منجر بهکشف منابع غیر تجاری شده است. کمپانیهای خارجی معتقدند که کل ذخایر داخل خشکی این کشور

حاوی ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون بشکه نفت می باشد.

مناطق خارج از خشکی ظاهرا توانایی بیشتری دارد، لیکن بدون انجام عملیات اکتشافی بیشتر

نمی توان مقدار آنها را تعیین کرد. بعضی از منابع شناخته شده دریای سیاه که با روشهای کنونی قابل

بهره برداری نیستند ۵ تا ۱۰ سال دیگر با استفاده از فنون جدید قابل بهره برداری خواهند شد. گرچه

نتیجه حاصل از تحقیقات انجام شده بر بخشهایی از دریای مرمره(۵) واژه(۶) منفی بوده، ولی این تحقیقاتهنوز پایان نیافته است. احتمال اکتشاف بخش اعظم دریای اژه نیز باید به بعد از حل اختلافات ارضی

بین ترکیه و یونان موکول گردد.

توانایيها و محدودیت ها

صنعت ملی نفت ترکیه در تمام جنبه های نفتی از اکتشاف گرفته تا بازاریابی شرکت دارد. این صنعت تحت سلطه شرکت دولتی نفت ترکیه که ۴۰ درصد بازده کلی نفت خام را تولید می کند، می باشد. چنین برمی آید که کارآیی این شرکت در حمل و نقل و پالایش نفت با نیازهای ترکیه مناسب

۱- Batman.

۲- Diyarbakir.

۳- Antalya.

۴- Lake Tuz.

۵- Marmara.

۶- Aegean Sea.

است، لیکن به پای شرکتهای غربی موجود در ترکیه نمی رسد. کمبود بودجه، پرسنل، و تجهیزات کهنه، عملکرد آن را در رابطه با اکتشاف و تولید دچار وقفه نموده است. تقریبا تمام یافته های تجاری در این کشور توسط شرکتهای خارجی کشف شده اند. شرکت دولتی نفت ترکیه که در رابطه با اجاره مناطق جدید دارای اولویت است، اغلب مورد انتقاد قرار می گیرد زیرا بیش از حد معقولی که بتواند توسعه دهد اجاره می کند و مناطق جدید بسیاری را خارج از خط تولید نگه می دارد، این شرکت توانایی انجام حفاریهای خارج از خشکی را ندارد.

بنا به گزارشهای رسیده، شرکت دولتی نفت ترکیه یکسال است که دچار کمبود مالی بوده و در نتیجه مجبور شده است سرمایه گذاری در زمینه توسعه را به تعویق بیندازد. توسعه نفت در نوشته ها از اولویت بالایی برخوردار است، ولی این شرکت شاید قربانی منازعات بین الوزراء در مورد نحوه مصرف هزینه ها شده باشد. بهرحال، ترکیه هم اکنون با کمبود ارز خارجی دست به گریبان است، و بدون شک مجبور خواهد شد اقدامات صرفه جویانه ای را در پیش گیرد تا بتواند از صندوق بین المللی پول و دیگر وام دهندگان کمک دریافت دارد. آنکارا شاید در رابطه با کالاهای سرمایه ای وارداتی تصمیم به قطع بودجه شرکت دولتی نفت ترکیه بگیرد. این بودجه در سال گذشته شامل ۷۹ میلیون دلار جهت کالاهای مربوط به اکتشاف و تولید بوده است.

یکی دیگر از موانع موجود بر سر راه افزایش تولید نفت اختلاف این کشور با یونان در مورد فلات قاره دریای اژه است. مناقشه از سال ۱۹۷۳ آغاز شد یعنی زمانی که دولت ترکیه به شرکت دولتی نفت ترکیه اجازه داد در منطقه غربی جزائر یونانی لسوس(۱) و خیوسو(۲)به اکتشاف بپردازد. یونان مدعیاست که جزائرش (بیش از ۳۰۰۰ جزیره) دارای حق فلات قاره ای مختص بخود هستند، در حالی که

ترکیه مدعی است که فلات قاره باید توسط یک خط مرز مرکزی، بجز در مورد ۳۵۴ جزیره دارای

ساکنین یونانی، تقسیم گردد. با در نظر گرفتن عدم تعجیل آنکارا در اکتشاف منطق فاقد اختلاف می تواند گفت که حتی حل نهایی این مسئله تا چندین سال نخواهد توانست سبب افزایش تولید نفت ترکیه گردد.

سیاستهای مالیاتی دولت نیز یک عامل بازدارنده مهم دیگری در برابر فعالیت شرکتهای نفتی خارجی و داخلی در ترکیه به شمار می آید. آنکارا پس از افزایش قیمتهای نفت اوپک در سال ۱۹۷۳ برای هر بشکه ۷ دلار مالیات تعیین کرد تا از میزان منافع بادآورده شرکتها بکاهد. علاوه بر این، این دولت در رابطه با مخارج تمام پروژه ها در ترکیه ۲۵ درصد مالیات دریافت می کند. مالیات بر منافع باد آورده، که از مالیاتهایی که از قبل وجود داشت بیشتر است مانع بازیابی هزینه های اکتشاف و گسترش چاههای جدید شده و در سه سال گذشته فعالیت های اکتشافی شرکت های خارجی را کاهش داده است. کمپانی ها نیز این امر را دلیل اصلی کاهش تولید می دانند.

دورنما

تا زمانی که سیاست های قیمت گذاری و مالیاتی دولت تغییر ننماید تولید نفت ترکیه نیز احتمالاً به

۱- Lesvos.

۲- Khios

سیر نزولی خود ادامه خواهد داد. حوزه های موجود در شرف خالی شدن هستند و در سه سال گذشته میزان اکتشاف نیز بشدت کاهش یافته است. حتی با وجود محرکهای دولتی، تولید نفت تا چند سال دیگر نیز نخواهد توانست به سطح ۷۰۰۰۰ بشکه در روز سال ۱۹۷۳ برسد. گرچه دولت درباره میزان ذخایر خود ارقام نجومی بکار می برد، ولی متخصصین صنعت نفت میزان ذخایر را کم برآورد کرده اند. با میزان مصرف کنونی ذخایر داخل خشکی این کشور که ۲۰۰ میلیون بشکه است بیش از یکسال دوام نخواهد یافت. ذخایر خارج از خشکی ممکن است به مقدار قابل توجهی بیشتر باشد، ولی تا مدتهای مدیدی نمی توان تواناییهای آنرا ارزیابی نمود.

یونان

یونان در حال حاضر کل نیاز نفتی خود را که ۱۷۰۰۰۰ بشکه در روز است وارد می کند، و انتظار دارد که در سال ۱۹۷۹ فقط ۲۵۰۰۰ بشکه در روز نفت خام تولید نماید. گرچه امید دولت در یافتن ذخایر بزرگ تحقق نیافته، ولی آتن در نظر دارد به عملیات اکتشافی خود ادامه دهد. جهت نیل به این هدف، پارلمان این کشور اخیرا قانونی را جهت تسریع صدور جواز امتیاز به تصویب رساند تا شرایط عملیاتی شرکت های نفتی خارجی نیز مشخص شود. ظاهرا شرایط قانون جدید با در نظر گرفتن تواناییهای نفتی محدود و اختلافات ارضی این کشور با ترکیه در مورد بعضی از مناطق نوید بخش سخت تر از آن است که سبب ماندن شرکت های خارجی گردد.

چشم انداز زمین شناسی

یونان که برنامه اکتشاف نفتی بسیار وسیع را به اجرا گذاشته، لیکن یافته های موجود امیدوار کننده نبوده است. موفقیت آمیزترین اقدام کشف حوزه پرینوس(۱) در سال ۱۹۷۵ در نزدیکی جزیره تاسوس(۲) در شمال دریای اژه بوده است. این حوزه دارای منابعی است که ذخایر آن بین ۶۳ تا ۴۰۰ میلیون

بشکه تخمین زده می شود. قرار است که در سال ۱۹۷۹ این حوزه با حداکثر ظرفیت تولیدی یعنی ۲۵۰۰۰ بشکه در روز کار خود را آغاز نماید. بنا به گزارشها نفت پرینوس سنگین و نامرغوب بوده و به علت وجود مواد خورنده در آن استخراج به سختی صورت می گیرد. تنها حوزه دیگری که تاکنون کشف شده و دارای قابلیت تجاری می باشد حدوداً حاوی ۲ میلیون بشکه بوده و نزدیکی پرینوس در جنوب حوزه کاوالا(۳) قرار دارد.

عملیات اکتشافی در دیگر نقاط شمال دریای اژه سبب دستیابی به چاههای بی حاصل و یا فاقد ارزش تجاری شده است. حفاری داخل خشکی نیز مأیوس کننده بوده است. آژانس پروم پترول رومانی(۴) در دلتای رود نستوس(۵) در شمال یونان به حفاری ادامه می دهد لیکن فقط به ذخایر غیر

۱- Prinos.

۲- Thasos.

۳- Kavala.

۴- Romanian Prompetrol Agency.

۵- Nestos.

تجاری دست یافته است. در سال ۱۹۷۴ نیز دو چاه اکتشافی سایر مناطق در شمال یونان به حال خود

رها گردید.

یونانیها در نظر دارند به اکتشاف در داخل خشکی و دریای اژه ادامه دهند و در حال حاضر مشغول

حفاری در حوزه مارونیاس(۱) در نزدیکی پرینوس هستند. مطالعات مقدماتی حاکی از آن است که اینحوزه ممکن است معادل ۲۰۰ میلیون بشکه نفت داشته باشد. دولت در سال جاری بودجه ای نیز

جهت انجام مطالعات زمین شناسی در دریای ایونی(۲) اختصاص داده، جایی که مقامات یونانی عقیدهدارند که دورنمای دراز مدت آن بهتر از دورنمای دریای اژه است.

توانایيها و محدودیت ها

یونان در رابطه با اکتشاف و گسترش نفت کاملاً به شرکت های خارجی وابسته است. دولت اخیرا

در جهت تسریع اکتشاف و حذف اختلافات بالقوه با شرکت های نفتی خارجی قانون جدیدی را برای

نظارت بر عملیات آنها تصویب کرده است. یکی از بندهای اصلی این قانون به وزارت صنایع و انرژی

اجازه می دهد که بدون نیاز به تصویب هر کدام از قراردادها در پارلمان با شرکت های خارجی صاحب

امتیاز قراردادهایی منعقد سازد.

نمایندگان صنعت معتقدند که این بند تراکم فعلی درخواست ۵۵ امتیاز را که ۳۶ مورد آن متعلق به

آمریکا می باشد از بین خواهد برد. مفاد دیگر این قانون آنقدر مشکل به نظر می رسد که نمی تواند سبب

جلب شرکتهای خارجی گردد. مثلاً در بخش مربوط به مالیاتها، آتن پس از ارزیابی هزینه های

گسترش، ۶۵ درصد درآمد خالص خود را بخود اختصاص می دهد. در صورتی که سطح تولید فراتر از

۲۰۰۰۰۰ بشکه در روز باشد سهم دولت از میزان مازاد به ۸۰ درصد افزایش خواهد یافت.

گذشته از مشکل جلب مشارکت خارجی، یونان به علت اختلاف مرزی با ترکیه برنامه های

اکتشافی خود در مورد مناطقی از دریای اژه را به تعویق انداخته است. یونان معتقد است که جزائر

کشورش موجب امتداد یافتن فلات قاره آن می شوند، ولی ترکیه معتقد است که فلات باید در رابطه با خاک ترکیه و یونان محاسبه شود. این مسئله به دادگاه قضایی بین المللی ارجاع گردیده و آنهم به نوبه خود تصمیم گیری را به بعد از روشن شدن نتیجه سومین کنفرانس سازمان ملل درباره قانون دریاها موکول کرده است. یونانیها از سال ۱۹۷۳ در نقاط مورد اختلاف به عملیات اکتشافی مبادرت نورزیده اند، و حوزه پرینوس نیز کاملاً در خارج از منطقه قرار گرفته است.

دورنما

گرچه دورنمای تولید نفت برخلاف آن چیزی که مطالعات اولیه نشان می داد امیدوار کننده نیست، ولی دولت همچنان به جستجوی نفت اولویت خاصی می دهد و امیدوار است به این ترتیب بتواند از میزان واردات نفتی یک میلیارد دلاری خود بکاهد. تولید نفت خام تا سال ۱۹۸۰ در بهترین شرایط نخواهد توانست بیش از ده درصد نیاز نفتی یونان را تأمین نماید. برای اینکه این دورنماها به مقدار

۱- Maronias.

۲- Ionian Sea.

قابل ملاحظه ای بهتر شوند، یونان مجبور است در مورد اکتشاف مناطق خارج از خشکی منافع بیشتری را برای کمپانیهای نفتی بزرگ فراهم آورد. لیکن برای جلب همکاری کمپانیهای واجد شرایط، آتن باید فرآیند تصویب تقاضانامه آنها را تسریع کرده و ممکن است مجبور شود انگیزه های مالی بیشتری فراهم نماید.

اردن

اردن هیچ نفت خامی تولید نمی کند و علیرغم ازدیاد عملیات اکتشافی در سالهای اخیر نفت دارای ارزش تجاری در این کشور پیدا نشده است. امان بینهایت مایل است کمپانیهای نفتی خارجی را برای جستجوی نفت جذب نماید و عامه اردنیها معتقدند که در اردن نفت وجود دارد. چند کمپانی آمریکایی به جستجوی نفت در اردن و به خصوص در نوار شرقی این کشور تمایل نشان داده اند. ولی تا زمانی که تحقیقات گسترده زمین شناسی انجام نشده، تواناییهای نفتی اردن بسیار ناچیز به حساب می آید.

مهمترین مناطق دلگرم کننده در ساحل غربی(۱) واقع شده که هم اکنون تحت کنترل اسرائیل می باشد.

چشم انداز زمین شناسی

در اردن مطالعات منظم و جامع زمین شناسی هرگز صورت نگرفته، ولی با استفاده از روشهایی که امروزه کهنه و غیر مرسوم به حساب می آید، چند مطالعه جزئی به عمل آمده است. علیرغم فقدان اطلاعات، چند کمپانی نفتی خارجی جهت انجام برنامه های اکتشافی کوچک اظهار تمایل کرده اند.

مثلاًـ بر اساس مفاد قرارداد سال ۱۹۷۵ مؤسسه فیلون اکسپلوراسیون(۲) موظف است حداقل ۱۵ حلقه چاه در منطقه ای به مساحت ۸۴۰۰ کیلومتر مربع که شامل قسمتهایی از دره اردن می شود حفر نماید.

این کمپانی در نظر دارد اولین چاه خود را در اواخر سال جاری حفر نماید. سی. اف. پی و سانیو(۳) کهیک شرکت ژاپنی است، اظهار داشته که حاضر است قسمتی از امتیاز فیلون را خریداری نماید.

ناتوماس وسان اویل(۴) نیز به انجام برنامه های اکتشافی در اردن علاقه نشان داده اند.

توانایيها و محدوديتها

سیستم سرمایه گذاری باثبات و آزاد امام مشکلی برای شرکتهای خارجی علاقمند به اکتشاف در اردن پدید نمی آورد. ولی تاریخچه طولانی نتایج منفی اکتشافی، آنها را از این کار باز می دارد. به طور کلی دولت فعالیتهای نفتی خود را به صدور اجازه نامه و اعطای امتیاز به کمپانیها محدود کرده است. تنها استثناء چند عملیات مشترک توسط شرکت منابع ملی اردن با همکاری مؤسسه مطالعات ژئوفیزیک آمریکا که به تحقیقات ژئوفیزیک در اردن پرداخته می باشد. علیرغم این فعالیتها، توانایی شرکت منابع ملی اردن محدود بوده و وابستگی آن به عقد قراردادهای خارجی در اکثر زمینه های

۱- West Bank.

۲- Filon Explaration.

۳- CFP Sanyo.

۴- Natomas Sun oil.

مورد نیاز هنوز هم ادامه دارد

صحرای جنوب آفریقا

صحرای جنوب آفریقا(۱)

دورنمای دستیابی به حوزه های جدید و وسیع نفت در صحرای جنوب آفریقا تقریبا صفر است. ظاهرا بیشترین توانایی در نیجریه و در بخش دست نخورده خارج از دهانه رود نیجر واقع شده است. سیاستهای دولتی و هزینه سنگین حفاری نیز انجام عملیات اکتشافی در این منطقه را مشکل می سازد. در ساحل غربی آفریقا بین ساحل عاج و آنگولا نیز مقدار زیادی نفت کشف نشده باقی مانده است. مطالعات زمین شناسی نشان می دهد که اکثر منابع موجود در این منطقه کوچک و از نظر تولید بسیار پرخرج می باشد. به علت وجود این عوامل، و علیرغم جو کار عموما مناسب در بیشتر این کشورهای کمپانیهای نفتی علاقه چندانی بکار در این مناطق ندارند. امکان دستیابی به نفت در نقاط دیگر صحرای جنوب آفریقا خیلی کم است. در بخش مرکزی، ظاهرا تنها چاد است که مقادیری نفت دارای ارزش تجاری را در بر می گیرد.

نیجریه

نیجریه در مدتی کمتر از یک دهه از کشور متکی به کشاورزی به صورت هفتمین تولید کننده بزرگ نفت در جهان و دومین صادر کننده مهم نفت به ایالات متحده درآمده است. طبق برآورد ذخایر فعلی این کشور حاوی ۱۹ میلیارد بشکه نفت بوده (به استثناء گاز طبیعی مایع) و بعضی از مناطق نویدبخش وارد مرحله اکتشاف نشده است. سیاستهای قیمت گذاری و مالیاتی دولت اکتشاف و گسترش بیشتر را که برای افزایش ظرفیت حیاتی است از بین برده لذا تولید کاهش یافته است.

چشم انداز زمین شناسی

نفتی که تاکنون در نیجریه کشف گردیده دارای مرغوبیت بسیار است، لیکن در حوزه های پراکنده کوچک، و با عمق متوسط عموما در مناطق دارای استحکام کم و گسله های شنی نامناسب واقع شده است. میانگین تولید روزانه هر چاه تقریبا ۲۵۰۰ بشکه است. با در نظر گرفتن این خصوصیات، حتی حفظ سطح تولید کنونی نیجریه نیز به سرمایه گذاری ثابت در اکتشاف و گسترش نیازمند است. ظرفیت تولیدی هم اکنون از ۵/۲ میلیون بشکه در روز به علت فقدان عملیات جاری تعمیر و نگهداری توسط کمپانیها و پایین آمدن معمول ظرفیت ذخایر به سطح ۳/۲ میلیون بشکه در روز کاهش یافته است. با وجود اینکه کشف منابع جدید نفت ادامه دارد و توانایی وسیع دلتای رود نیجر هنوز شناخته نشده، میزان اکتشاف بسیار پایین آمده است. مثلاً در اواسط سال ۱۹۷۷ تنها ۱۶ ماشین آلات حفاری در نیجریه بکار گرفته شده بود. در حالی که دو سال قبل تعداد آنها به ۳۰ دستگاه می رسید.

با ۱۲۵ حوزه در حال عمل، بازده نفتی نیجریه در ژوئن ۱۹۷۷ معادل ۲/۲ میلیون بشکه در روز بود. مهمترین و قدیمی ترین تولیدکننده در نیجریه که بیش از نیمی از نفت این کشور را تأمین می نماید کمپانی شل بریتیش پترولیوم می باشد، که اتحادیه ای از رویال داچ شل و بریتیش پترولیوم است. این

۱- Sub – Saharan Africa.

کمپانی اقدامات خود را در سال ۱۹۳۸ آغاز و در سال ۱۹۵۶ به اولین اکتشاف دارای ارزش تجاری

دست یافت. تمام نفت تولیدی ۳/۱ میلیون بشکه در روز شل و بریتیش پترولیوم از داخل خشکی

تأمین می گردد. گلف اویل اویل، دومین تولیدکننده بزرگ نفتی نیز روزانه ۲۷۴۰۰۰ بشکه نفت از

منابع داخل خشکی عبارتند از شرکت نفت ایتالیا و فیلیپس معادل ۲۵۳۰۰۰، ئی الی اف ۸۳۰۰۰،

آشلند اویل ۹۰۰۰، و پان اوشن(۱) که ۱۰۰۰۰ بشکه در روز تولید می کنند. تولیدکنندگان حوزه هایخارج از خشکی عبارتند از تکساکو شوران که ۵۵۰۰۰ بشکه در روز و موبیل که ۲۳۴۰۰۰ بشکه در

ورز نفت تولید می نمایند.

توانایيها و محدودیت ها

گرچه دولت نیجریه در گروه اوپک به عنوان یک عضو میانه روتر شناخته شده است، ولی در طی

چند سال گذشته روابطش با کمپانیها رو به وخامت نهاده است. لاگوس(۲) سهم خود را در کمپانیهایتولید کننده به ۵۵ درصد افزایش داده، سقف تولید را ۲۰ درصد کاهش داده، و عوارض و مالیاتها را

نیز بالا برده است. این اقدامات کم شدن منافع خالص کمپانیها از ۵۰/۱ دلار در سال ۱۹۷۴ به ۳۰

سنت در هر بشکه شده است. این کمپانیها به دلیل کم بودن سودهای عایده از میزان عملیات اکتشافی

و گسترش خود کاسته اند.

نیجریه باید در تولید نفت خود افزایش عمده ای پدید آورد تا بتواند درآمد کافی جهت تأمین

مخارج عمران اقتصادی و اجتماعی خود را فراهم آورد. به دلیل اینکه لاگوس قادر نیست بدون کمک

کمپانیها صنعت نفت خود را گسترش دهد مؤسسه ملی نفت نیجریه که اخیرا تأسیس شده رهبران

دولت را متقاعد کرده است تا با ارائه برنامه های تحریک کننده جدید اکتشافات را حمایت نمایند. ولی

این کمپانیها هنوز منتظر تصریح بعضی از مفاد این برنامه هستند. حتی اگر شرایط دلخواه باشند کمپانیها

ممکن است وارد عمل شوند چون ترس از آن دارند که لاگوس نهایتا تمامی صنعت نفت را ملی سازد.

دورنما

گرچه شرایط زمین شناسی تولید نفت نیجریه را پرخرج می نمایاند، ولی بازده نفتی این کشور به خصوص در ارتباط با دلتای رود نیجر که دست نخورده باقیمانده می تواند توسعه و افزایش یابد. سرعت گسترش به اعاده روابط حسنه بین دولت و کمپانیها بستگی بسیار دارد، که دولت نیز ممکن است به آن تن ندهد. مثلاً به نظر می رسد مؤسسه نفتی نیجریه سعی دارد متخصصین بومی نفت خود را متمرکز ساخته و مشارکت دولت را در تمام جنبه های اکتشاف، تولید و توزیع افزایش دهد. با وجود اینکه سطح پایین صلاحیت مؤسسه نفتی نیجریه مانع از کنترل کامل صنعت در آینده نزدیك خواهد شد، ولی ترس از اینکه احتمالاً دولت در این جهت حرکت می کند بر تصمیمات مربوط به سرمایه گذاری توسط کمپانیها تأثیر خواهد گذاشت. دولت می تواند با انعقاد قراردادهای خدمات فنی با دیگر شرکت ها زمان ملی شدن این صنعت را نزدیک تر سازد.

آنگولا

۱- Pan Ocean.

۲- Lagos.

آنگولا که در نوامبر ۱۹۷۵به استقلال رسید، به عنوان یک صادرکننده نفت دارای تواناییهای قابل ملاحظه ای است. ذخایر قطعی نفت این کشور که بیش از ۳/۱ میلیارد بشکه می باشد در صورت مبادرت به انجام یک برنامه اکتشافی وسیع احتمالاً گسترش بیشتری خواهد یافت. ولی وضع امنیتی بی ثبات و گرایش مارکسیستی دولت امکان اجرای این برنامه را در آینده نزدیک بعید می نمایاند. معذالک دولت با گلف یعنی تنها کمپانی نفتی موجود در آنگولا به توافق رسیده و بدون شک امیدوار است با کمک آن اکتشافات و گسترش بیشتری به وجود آورده و با عواید حاصله به اقتصاد بیمار خود سرو سامانی بدهد.

چشم انداز زمین شناسی

حومه کوچک منطقه کابیندا(۱) در آنگولا در خارج از خشکی با تولیدی معادل ۱۳۰۰۰۰ بشکهنفت در روز مسئول تأمین، تمام بازده نفتی کشور می باشد. از حوزه های کوچک خارج از کابیندا روزانه تنها ۱۵۰۰۰ بشکه نفت بدست می آید، که این حوزه ها نیز در گوشه شمال غربی آنگولا واقع شده توسط تکساکو مورد بهره برداری قرار می گیرند. (به نقشه صفحه ۷۴ نگاه کنید)(۲) تولید نفت حوزه پترو آنگول(۳) در شمال شرقی لوآندا(۴) (پایتخت آنگولا م) که بین ۱۵۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ داخل خشکیرا در سال ۱۹۵۴ آغاز نمود، لیکن بعدها به نقاط مناسبتری در خارج از خشکی انتقال یافت جایی که در سال ۱۹۶۸ تولید خود را آغاز کرد. تولید این مناطق پس از اینکه در طول دسامبر ۱۹۷۵ تا آوریل ۱۹۷۶ به دلیل جنگهای داخلی متوقف مانده بود، به سطح تولید دوران ماقبل جنگ بازگشته است. در خارج از خشکی پنج حوزه تولید وجود دارد، ولی به علت شرایط سیاسی در این منطقه اکتشافات دیگری صورت نگرفته است. بازده حوزه های تولیدی احتمالاً افزایش چشمگیری نخواهد یافت مگر آنکه شرایط سیاسی به گردانندگان چنان اطمینانی بدهد که جهت فائق آمدن بر مشکلات فنی موجود سرمایه گذاریهای بیشتری را انجام دهند.

توانایيها و محدودیت ها

در حال حاضر فقدان امنیت و عدم اعتماد کمپانیها به دولت مارکسیست آنگولا تنها عامل محدودکننده اکتشافات بیشتر به شمار می آید. با وجود اینکه حفظ و یا افزایش بازده نفتی بدون تردید از اولویت بسیاری برخوردار است، ولی کنترل شدید دولت در کشور و وابستگی شدید آن به کوبا و شوروی سبب شده است که کمپانیها نسبت به سرمایه گذاریهای بیشتر بی میل باشند.

۱- Cabinda District.

۲- منظور صفحه ۷۷ اسناد انگلیسی است که درCDشماره ۷ موجود است.

۳- Petroangol.

۴- Luanda.

سونانگول(۱) ، کمپانی نفتی دولتی به منظور استحکام کنترل خود بر منابع نفت کشور خواستار سهیم شدن در ۵۵ درصد از تولید حوزه کابیندای گلف شده و گلف نیز چاره ای بجز قبول آن ندارد. با وجود اینکه لوآندا از مشاورتهای نیجریه و الجزیره بهره می برد و نهایتا ممکن است از شوروی نیز کمک فنی دریافت نماید ولی به کمک مستمر فنی و مدیریتی غرب در تولید و پالایش نفت خام نیازمند خواهد ماند. به طور مثال دولت از تکنسین های پرتغالی خواسته است که جهت کمک در اداره پالایشگاه به لوآندا بازگردند.

گابن

گابن یعنی پنجمین تولیدکننده بزرگ آفریقا دارای ذخایر تثبیت شده ۷۰۰ میلیون بشکه ای نفت است. با وجود اینکه امید دستیابی به منابع بزرگ نفتی جدید در گابن کم است، ولی افزایش قیمتهای نفت سبب می شود که منابع کوچک نیز از نظر بهره برداری دارای ارزش تجاری گردند. دولت که به مشکلات موجود در رابطه با کشف و تولید نفت در کشورش واقف است. با ایجاد انگیزه کافی سعی کرده است منافع کمپانیهای خارجی در حال عمل در کشورش را تأمین نماید.

چشم انداز زمین شناسی

حوضچه نفتی گابن در طول ساحل غربی آفریقا به صورت یک نوار به طول ۶۵۰ کیلومتر و عرض ۲۴۰ کیلومتر گسترش یافته است. (به نقشه صفحه ۷۴ نگاه کنید)(۲) تقریبا ۸۰ درصد حوزه های گابن در خارج از خشکی واقع و نسبتا کوچک هستند و بخش اعظم نفت مکشوفه از طبقاتی است که حاوی ۷ تا ۱۴۷ میلیون بشکه نفت می باشند. تنها چند حوزه بزرگ کشف شده است که مهمترین آنها گروندین(۳) می باشد. نفت خام گابن از نوع نسبتا سنگین با پارافین متوسط بوده و مقدار گوگرد آن نیزکم است.

اکتشاف نفت در گابن از سال ۱۹۲۸ آغاز گردید، لیکن تولید آن تنها از سال ۱۹۵۶ انجام شد. ای

ال اف گابن که بزرگترین و مهمترین کمپانی در حال کار در گابن است روزانه ۱۹۴۰۰۰ بشکه از کل بازده ۲۲۰۰۰۰ بشکه ای این کشور را تولید می نماید. کمپانی شل گابن، گلف و ۱۰ شرکت خارجی دیگر نیز در بقیه تولید سهیم هستند. تعدادی از این شرکتها عملیات اکتشافی خود را داخل و خارج از خشکی ادامه می دهند.

طبیعت و موقعیت منابع نفتی گابن بازیابی آنها را مشکل و پرخرج می نماید. این منطقه مورد مطالعات وسیع قرار گرفته، و در حالی که امکان دستیابی به منابع مهم وجود ندارد، لیکن اکتشافات کوچک می تواند تا چند سال دیگر سطح تولید را معادل سطح کنونی آن حفظ نماید.

۱- Sonangol.

۲- منظور صفحه ۷۸ اسناد انگلیسی است که درCD شماره ۷ موجود است.

۳- Grondin.

توانایيها و محدوديت ها

از سال ۱۹۷۳ که گابن به عضویت اوپک پذیرفته شد مشارکت و هدایت دولت در کمپانیهای نفتی بیشتر شده است. در آن زمان دولت ۲۵ درصد عملیات موجود را در تصرف خود داشت و می توانست ۶۰ درصد تولید را یکجا بفروش برساند. شرایط قانونی مربوط به گنجاندن پرسنل بومی در مناسب مدیریتی کمپانیها نیز ایجاد گردید. گابن خواسته است که ۱۰ درصد منافع کمپانیهای نفتی در بخش صنایع غیر نفتی کشور سرمایه گذاری شود. علیرغم این قوانین جدید، روابط بین دولت و کمپانیها حسنه باقی مانده است.

کنگو

کنگو که یک تولیدکننده و صادر کننده کوچك است دارای ذخایر قطعی معادل ۳۰۰ میلیون بشکه می باشد. تولید کنونی تقریبا به طور کلی شامل نفت نامرغوب از ذخایر دارای فشار کم خارج از خشکی می شود، ولی کمپانیها امید دارند که در این کشور به منابع نفتی بهتر مشابه با کشورهای همجواری چون آنگولا دست یابند. علیرغم مقام این کشور به عنوان اولین «جمهوری خلقی» در آفریقا، روابط کنگو به امید ترتیب فعالیتهای اکتشافی با کمپانیهای نفتی خارجی خوب باقی مانده است.

چشم انداز زمین شناسی

۳۸۰۰ بشکه نفتی که روزانه در کنگو تولید می شود تقریبا به طور کامل از ۵۰ حلقه چاه تولیدی در حوزه امرود مارین(۱) که در سال ۱۹۶۹ کشف گردید، تأمین می گردد (به نقشه صفحه ۷۴ نگاه کنید)(۲) ۱ ینت ایندین(۳)، ۱پوینت ایندین که منطقه اصلی تولید نفت در کنگو است به صورت عمده ای خالی شده است. بازده حوزه امرود نیز به علت خالی شده ذخایر کاهش یافته و سیر نزولی بیشتری را در پیش خواهد

گرفت. لیکن به محض وارد شـدن حوزه جدید لوآنگو(۴) به خط تولیـد، تولیـد ملی در اواخر سال جاریافزایش خواهد یافت. انتظار می رود لوآنگو که در سال ۱۹۷۲ کشف و در ۴۰ کیلومتری خارج از

خشکی واقع شده روزانه ۳۶۰۰۰ بشکه نفت تولید نماید.

گسترش حوزه های امرود و لوآنگو به علت قرار گرفتن در عمق زیاد، فشار کم ذخایر، و غلظت بسیار نفت بسیار پرخرج و دشوار بوده است. شرکتهای فرانسوی و ایتالیایی که هم اکنون صاحب امتیاز در کنگو می باشند در حال حاضر در نظر ندارند اکتشافات مشابهی را انجام دهند. ولی این کمپانیها معتقدند که کنگو ممکن است در خارج از خشکی حوزه های نفتی مشابه کابیندا و گابن که بازده و فشار هر چاه برای بهره برداری مناسب است داشته باشد و به همین دلیل در نظر دارند با اکتشافات خود ادامه دهند.

۱- Emeraud Marine.

۲- منظور صفحه ۷۹ اسناد انگلیسی است که در۲- CDشماره ۷ موجود است.

۳- Point Indienne.

۴- Loango.

توانايیها و محدوديت ها

دولت در برازاويل نقش آن چنان فعالی در مسائل نفتی ندارد و فقط در بيست درصد امتياز دو کمپانی خارجی مشغول بکار در کشور يعنی ئی الی اف فرانسه و اگيپ ايتاليا سهيم است. براساس قراردادهای موجود، اگر سطح توليد به ۴۰۰۰۰۰ بشکه در روز برسد سهم دولت به ۳۰ درصد خواهد رسيد. به منظور حفظ علاقه مندی کمپانيها دولت کنگو موافقت کرده است که در نحوه وضع ماليات تجديد مذاکره نمايد. تحت قراردادهای موجود برازاويل در ازاء هر بشکه نفت توليدی ۵ دلار دريافت کرده و در ازاء هر بشکه ۴۰ سنت سود خالص عايد کمپانيها می سازد. با وجود توانايی محدود زمين شناسی کشور، افزايش قابل توجه سود کمپانيها نيز نمی تواند محرکی برای آنها به حساب آيد.

زئير

زئير در دسامبر سال ۱۹۷۵ يعنی زمانی که دو حوزه کوچک خارج از خشکی آن توليد تجاری خود را آغاز نمود به صف توليدکنندگان نفتی آفريقايی پيوست. گرچه امکان کشف منابع کوچک نفتی بيشتری در خارج از خشکی وجود دارد، ليکن نمی توان احتمال داد که نفت استخراج شده آنقدر باشد که بتواند در سطح بازده کنونی کشور که متوسط آن ۲۵۰۰۰ بشکه در روز است افزايشی پديد آورد.

گرچه دولت در رابطه با کمپانيهای نفتی خارجی از سياست درهای باز استفاده کرده، ليکن فقدان لايه های زمين شناسی نويدبخش و تا حدود کمتری عدم ثبات سياسی در زئير علاقه کمپانيها به کار در آنجا را کاهش داده است.

چشم انداز زمين شناسی

جستجوی نفت در زئير در سال ۱۹۵۸ يعنی دو سال قبل از استقلال آن آغاز شده بود. در سال ۱۹۶۳ گروه سورپزا(۱) (فينای(۲) بلژيک با ۵۰ درصد، آموکو و شل هر کدام با ۲۵ درصد) در داخلخشکی و در مجاورت

مرز کابیندا به لایه هایی از نفت دست یافتند (به نقشه صفحه ۷۴ نگاه کنید)(۳). به دنبال آن چند میدان نفتی کشف شد لیکن تمام آنها فاقد ارزش تجاری اعلام گردیدند. در تابستان امسال یک برنامه اکتشافی معتدل و استوار بر کارهای مقدماتی و لرزه نگاریهای پیشین به وسیله گروه سورپزا به مرحله اجرا درآمد.

یک گروه به سرکردگی مؤسسه نفتی گلف (که کمپانی نفتی تیکوک(۴) ژاپن صاحب ۲۲ درصد منافع و سوسیته بلژیک(۵) یعنی سوسیته دولیتورال(۶) زئیر صاحب ۱۷ درصد منافع) در دسامبر سال ۱۹۷۰ به

۱- Sorpeza.

۲- Fina.

۳- منظور صفحه ۸۰ اسناد انگلیسی است که در CD شماره ۷ موجود است.

۴- Teikouk.

۵- Belgium,s Societe.

۶- Littoral Zairois Soliza.

حفاری در مناطق خارج از خشکی پرداخته و با حفر اولین چاه به نفت رسیدند. دو حوزه یعنی جی سی اوومیبال که تقریبا ۲۰۰ میلیون بشکه نفت خام دارند بخش اعظم تولید نفت کوچک زئیر را تأمین می نمایند. حوزه جی سی او در ۱۶ کیلومتری ساحل و در عمق ۱۸ متری آب قرار داشته، و حوزه میبال نیز در ۵ کیلومتری ساحل و عمق ۵ متری آب قرار دارد.

تواناییها و محدودیت ها

دولت اتخاذ تصمیمات فنی و مدیریتی را به عهده کمپانیهای نفتی گذاشته است. وضعیت این کمپانیها در نتیجه برنامه های ملی شدن کارخانه ها، خرده فروشیها و کشاورزی دستخوش تغییر و تحول نشده است. عوارض حاصل از نفت مهمترین عایدات دولت را تشکیل داده، و این دولت اخیرا سعی کرده مالیات تولید نفت خام را افزایش دهد. پس از اعتراض کمپانیها، توافق شد که پرداختهای مربوط به دولت تسریع شده و ۵/۱۲ درصد حق امتیاز به دولت داده شود. این مسئله سبب خواهد شد که کمبود نقدینگی دولت تا حدودی جبران شده و در عین حال محرک کافی جهت ادامه اکتشافات به وجود آید.

کامرون

کامرون، چاد و ساحل عاج(۱)

کامرون

کامرون که مناطق خارج از خشکی آن بین مناطق تولیدی نیجریه و گابن واقع شده، در سال ۱۹۷۸ به صورت ششمین کشور تولیدکننده نفت در صحرای جنوب آفریقا درخواهد آمد. انتظار می رود مشارکت ئی ال اف از فرانسه و کمپانی شل امریکا (۴۹ درصد) تولید نفت را در اوایل سال ۱۹۷۸ به ۱۵۰۰۰ بشکه در روز برساند. این حوزه در معبر ریودل یک(۲) با وسعت ۱۱۰۰ کیلومتر مربعدر خارج از خشکی قرار

دارد (به نقشه صفحه ۷۴ نگاه کنید). برنامه های گسترش برای انجام

اکتشافات دیگر در این منطقه و حفاریهای اولیه در معبر لوکل(۳) با وسعت ۷۳۰ کیلومتر مربع در حالانجام است. علاوه بر این کمپانی اوشنیك اکسپلوراسیون نیز حفاریهای خارج از خشکی خود را آغاز

خواهد کرد و ممکن است اکتشافات داخل خشکی را نیز در سال ۱۹۷۸ گسترش دهد. چند کمپانی

دیگر نیز از کامرون امتیازاتی را دریافت کرده اند، لیکن چشم انداز زمین شناسی در مورد احتمال

دسترسی به منابع کوچك چندان روشن نمی باشد.

چاد

تنها تلاش اکتشافی ناچیزی در چاد صورت گرفته است. این برنامه نتایجی نیز به همراه داشته که

حاصل آن دستیابی به ذخایر ۵۰۰ میلیون بشکه ای نفت در این کشور است، که می تواند تولید روزانه

۱۰۰۰۰ بشکه را تأمین کند. برای اینکه چاد بتواند در زمره صادرکنندگان نفت درآید باید حداقل

۱- اسناد این سه کشور در متن انگلیسی کتاب موجود نیست.

۲- Rio del Ray.

۳- Lokele.

۳۰۰۰۰۰ بشکه نفت تولید نماید تا بتواند یک خط لوله یک میلیارد دلاری به طول ۱۲۹۰ کیلومتر به

دوآلای(۱) کامرون بکشد. مقامات کمپانیهای نفتی در مورد این که نفت نهایتا به صورت تجاری تولیدخواهد شد خوش بین هستند لیکن این تولید مبنای محدودی خواهد داشت.

ساحل عاج

کمپانی های نفتی فعال در ساحل عاج به دو منبع نفتی نویدبخش لیکن فاقد ارزش تجاری دست یافته اند. اولین اکتشافات که توسط اسوا کسپلوراسیون انجام گرفت فقط ۳۰ تا ۴۰ میلیون بشکه نفت را در بر می گیرد. گرچه کمپانی معتقد است این حوزه کوچکتر از آن است که توسعه یابد، ولی شرکت ملی نفت ساحل یعنی پتروسی(۲) معتقد است که می توان از آن به منظور تأمین نیاز داخلی استفاده نمود.

دومین اکتشاف نیز که بسیار کوچک توصیف شده توسط کنسرسیومی متشکل از فیلیپس هیسپان اویل، گتی و شرکت نفت ایتالیا بدست آمد.

کتاب هفتاد

مستشاری نظامی آمریکا در ایران (۱)

۱- Douala.

۲- Petroci.

ص: ۴۹۶

مقدمه

قشون ایران زیر سلطه آمریکاست، ما این قشون را نفی خواهیم کرد و به او نقش و وظیفه واقعی را که دفاع از کشور است، باز خواهیم داد.

حضرت امام خمینی (س) ۴/۸/۵۷

الان وضع نظامی ما، وضع ارتش ما، یک وضع ارتش انگلی است. ارتشی که تحت نظام آمریکا و به نفع آمریکا دارد اداره می شود. چهل و پنج هزار، پنجاه هزار، بعضی می گویند شصت هزار از مستشاران آمریکا، مفتخوران آمریکا ریخته اند به جان ما و در مملکت ما هستند. آنهمه پایگاه برای خودشان درست کرده اند. اشغال نظامی است مملکت ما، اشغال آمریکایی است مملکت ما.

حضرت امام خمینی (س) ۱۳/۸/۵۷

حضور مستشاران آمریکایی در ایران به دنبال سیاستهای ضد اسلامی و ضد ملی رژیم ایران است، و علاوه بر هزینه هنگفت آن که بر ملت سنگینی می کند، آنان را چنان تسلطی بر ارتش و مقدرات کشور داده است که شرف و حیثیت صاحب منصبان و درجه داران ارتش را به دست آنان لکه دار و نابود کرده است. ما در این گونه موارد بر اساس یک سیاست مستقل و آزاد، بدون دخالت قدرتها عمل خواهیم کرد.

حضرت امام خمینی (س) ۲۴/۸/۵۷

یکی از چیزهایی که در یک مملکتی اصلاً باید مستقل باشد، دنباله غیر نباشد، دست غیر در آن نباشد، عبارت از ارتش است. استقلال ارتش این است که ارتش در تحت نظام خود مملکت باشد و اجانب و کسانی که خارج از مملکت هستند در او دخالت نداشته باشند، پیوند به آنها نباشد. مستقل مقابل این است که پیوند به جای دیگر داشته باشد، تحت نفوذ یک قدرت دیگری باشد. (الان) ارتش مستقل است؟ تحت نفوذ نیست؟ یا ارتش ما را الان به قولی چهل و پنج هزار مستشار آمریکایی در

ایران دارند اداره می کنند.

حضرت امام خمینی (س) ۲۹/۸/۵۷

حضور مستشاران نظامی خارجی در ارتش ایران به اوائل سلطنت قاجاریه برمی گردد. در زمان سلطنت فتحعلیشاه قاجار به هنگام بروز جنگ میان ایران و روس، فتحعلیشاه که از سیاستهای بین المللی هیچ چیز نمی دانست، دست یاری به سوی ناپلئون دراز کرد. ناپلئون که در آن هنگام درگیر

جنگ با تزار روس بود، هیئتی از کارشناسان نظامی خود را به سرپرستی ژنرال «گاردان» به ایران اعزام کرد. این هیئت از بدو ورود اقدام به تشکیل و آموزش ارتش ایران نمود. ولی با امضای قرارداد صلح میان ناپلئون و تزار روس و با اولتیماتوم انگلیس فعالیتهای مستشاران نظامی فرانسه خاتمه پذیرفت. بعد از آن مستشاران انگلیسی امر آموزش لشکریان ایرانی را بر عهده گرفتند و تا مدتی به این کار مشغول بودند ولی در این راه از برداشتن گامهای ابتدائی بیشتر نرفتند.

به هنگام سلطنت ناصرالدین شاه، زمانی که او از طریق خاک روسیه عازم اروپا بود، قزاقان روس رژه باشکوهی در مقابل او انجام دادند. ناصرالدین شاه که از این رژه بسیار خوشش آمده بود، درخواست کرد که گروه مشابهی در ایران توسط کارشناسان روسی ایجاد شود. این اقدام ابلهانه که صرفا بر اساس یک هوس انجام شد، باعث گردید دسته ای از نظامیان در ایران بوجود آید که بعدها در سرنوشت ایران تأثیر بسیار جدی بر جا گذاشت.

قزاقان ایرانی که بوسیله افسران روسی کنترل و اداره می شدند در مقاطع حساس تاریخ ایران نقش تعیین کننده ای ایفاء کردند. آنها در مقابل انقلاب مشروطیت مقاومت کردند و با گلوله باران نمودن مجلس و سرکوب مجاهدین مشروطه، استبداد صغیر را بوجود آوردند.

بعد از انقلاب اکتبر در شوروی، کنترل قزاقان ایرانی به دست افسران انگلیسی افتاد و آنها با تحریک رضاخان، یکی از افسران قزاق، کودتای سیاه ۱۲۹۹ را به راه انداختند که سرنوشت ملت ایران را برای بیش از نیم قرن به سوی وابستگی و غرب زدگی رقم زد.

در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز یکی دیگر از افسران قدیمی قزاق و افسران ارتش جدید ایران بنام «فضل اللّه زاهدی» کودتائی را به راه انداخت که برای ۲۵ سال حاکمیت نامشروع و تجاوزکارانه آمریکا را بر ایران در پی داشت.

جنگ جهانی دوم

در شهریور ۱۳۲۰، کشور ایران از شمال و جنوب مورد حمله ارتشهای انگلیس و شوروی قرار گرفت و اشغال گردید. در آن تاریخ آمریکا هنوز وارد جنگ نشده بود ولی پس از این که هیتلر در آذرماه ۱۳۲۰ به آمریکا اعلان جنگ داد، نیروهای آمریکایی رسما به متفقین پیوستند.

خاک ایران به عنوان پلی برای ارسال تجهیزات و تسلیحات به شوروی انتخاب گردید. کم کای متفقین با استفاده از راه آهن و جاده های ایران به نیروهای شوروی که درگیر جنگ سختی با ارتش هیتلری بودند، ارسال می شد. به علت اشغال ایران توسط متفقین، امور کشور از هم پاشیده شده بود و عملاً کنترل راه آهن و جاده های ایران در قسمت جنوب در اختیار انگلیسیها و در شمال در اختیار ارتش سرخ بود. اما به علت کمبود نیرو، انگلیسیها قادر نبودند که به خوبی راه آهن ایران را مورد بهره برداری قرار دهند.

ورود نیروهای آمریکایی به ایران

اندکی پس از اشغال ایران توسط نیروهای انگلیسی و ارتش سرخ، دولت استعمارگر انگلیس بدون موافقت ایران، از دولت آمریکا درخواست کرد تا برای ارسال مواد و مهمات جنگی به شوروی از

طریق ایران، بیاری انگلستان بشتابد. در مقابل «روزولت» رئیس جمهور آمریکا به انگلستان پیشنهاد کرد تا مسئولیت حمل مواد و مهمات در ایران به طورکلی به آمریکاییها واگذار شود و آنها عهده دار کلیه امور حمل و نقل مواد و مهمات به شوروی، در ایران گردند. «چرچیل» نخست وزیر انگلستان از این پیشنهاد استقبال کرده و آن را پذیرفت.

اولین دسته از نیروهای نظامی آمریکایی تحت عنوان «میسیون نظامی ایران» در دسامبر ۱۹۴۲ (آذر ۱۳۲۱) وارد ایران شدند. نظامیان این گروهها اغلب از دسته مهندسی ارتش آمریکا بودند و تا پایان سال ۱۹۴۲ عملیات حمل مواد و اداره راه آهن ایران را در منطقه جنوب بطورکلی از انگلیسیها تحویل گرفتند و این در حالی بود که به هیچ وجه دولت ایران و حتی شاه که با موافقت متفقین بر سرکار آمده بود. در جریان امر قرار نگرفتند.

میسیون نظامی ایران بعدا عنوان «فرماندهی خدمات خلیج فارس» به خود گرفت و در اوائل سال ۱۹۴۳ عنوان «فرماندهی خلیج فارس » یافت که وظیفه آن همان اداره عملیات راه آهن و حمل مواد و مهمات از خلیج فارس به تهران بود. تعداد سربازان آمریکایی که برای ارسال مواد و مهمات به شوروی، به ایران آمده بودند بسیار زیاد بود و روزبه روز هم بر تعداد آنان افزوده می شد بطوریکه در ژانویه ۱۹۴۳ (دیماه ۱۳۲۱) تعداد آنها به ۳۰۰۰۰ نفر بالغ گردید و در این زمینه هیچ موافقتنامه یا قراردادی بین دولتین ایران و آمریکا به امضاء نرسیده و اصولاً مذاکره ای هم به عمل نیامده بود.

همکاری آمریکا و انگلستان در ایران

پیشنهاد استخدام مستشاران خارجی برای دولت ایران (در زمان جنگ جهانی دوم) اولین بار توسط «سر ریدر بولارد» وزیر مختار انگلستان در تهران عنوان شد. بولارد به ابتکار خود در ژانویه ۱۹۴۲ (دیماه ۱۳۲۰) به نخست وزیر ایران پیشنهاد کرد تا نسبت به استخدام مستشاران خارجی اقدام

نماید. در پنجم فوریه ۱۹۴۲(۱۶ بهمن ۱۳۲۰) بولارد به وزارت خارجه انگلستان اطلاع داد که پیشنهاد او به نخست وزیر ایران برای استخدام مستشاران خارجی پذیرفته شده است.

«والاس موری» عضو عالیرتبه وزارت خارجه آمریکا در این باره گفته بود که این قضیه برای آمریکا چه از نظر سیاست کوتاه مدت آن کشور و چه از لحاظ سیاست آینده و بلند مدت آمریکا اهمیت ویژه ای دارد.

زمانی که «قوام السلطنه» بر کرسی ریاست وزراء جای گرفت (۱۳۲۱) همکاری و نزدیکی با آمریکا را یکی از اصول اساسی سیاست خود قرار داد و او نیز بسیار مایل بود تا مستشاران آمریکایی را برای ایران استخدام نماید. آمریکا از نظر سیاسیون وقت ایران همان «نیروی سومی» بود که می توانست در مقابل انگلستان و شوروی، ایران را حمایت کند. آنها چنین می پنداشتند که آمریکا از نظر جغرافیایی بسیار دور از ایران است و طبیعتا نمی تواند دارای مطامع ارضی در ایران باشد. مهمتر از همه این که دولتمردان وابسته و فراماسونر ایران درصدد بودند که با درخواست مستشار از آمریکا از منافع برنامه « وام و اجاره» آمریکا نیز برخوردار شوند. از سوی دیگر آمریکاییها تا آن زمان چهره خوبی از خود به جهانیان نشان داده بودند.

تفاهم آمریکا و انگلستان در باب ایران تا حدودی سبب روشنتر شدن سیاست آمریکا نسبت به

ایران گردید. بعد از کنفرانس تهران در ۱۹۴۳ نیز آمریکا بر آن شد تا سیاست جامعی نسبت به ایران در پیش گرفته و به تحکیم موقعیت سیاسی اقتصادی ایران مبادرت نماید زیرا از نظر دولت آمریکا اهمیت استراتژیک ایران «بی اندازه مهم» بود اما اعمال چنین سیاست جامعی مستلزم کنترل کامل بر امور اقتصادی، سیاسی و نظامی بود تا از راه آن بتوان تحولات لازم و دگرگونیهای مورد نظر خود را در اوضاع سیاسی اقتصادی ایران به عمل آورد و از آنجایی که چنین نوعی از کنترل امور یک کشور تنها درباره مستعمرات و یا کشورهای نیمه مستعمره اعمال می گردید و سیاست خارجی سنتی آمریکا تا آن زمان، مانع اعمال چنین کنترلها و سیاستی بود لذا در عمل دولت آمریکا را با مشکلاتی روبرو ساخت. دولت آمریکا برای پیشبرد سیاست خود درصدد برآمد تا بطور غیرمستقیم این کنترلها را به دست آورد و این اهداف نامشروع از طریق اعزام مستشاران آمریکایی به منظور کنترل نیروهای نظامی و انتظامی و همچنین اقتصاد ایران، تأمین شد.

میسیون نظامی آمریکا

دولت آمریکا در تاریخ ۱۰ مارس ۱۹۴۲ (۱۹ اسفند ۱۳۲۰) ایران را واجد شرایط لازم برای دریافت کمکهای برنامه «وام و اجاره» دانسته و اعلام داشت که ایران می تواند از کمکهای آمریکا از طریق برنامه وام و اجاره استفاده نماید. زمانی که اعلامیه رسمی دولت آمریکا در این باره منتشر شد، دولتمردان وابسته ایران نیز در پاسخ این اعلامیه، از آمریکا خواستند تا مستشاران نظامی برای تشکیلات ژاندارمری و ارتش ایران در اختیار دولت ایران قرار دهد. وزیر مختار ایران در واشنگتن طی یادداشت مورخ ۲۰ مارس ۱۹۴۲ (۲۹ اسفند ۱۳۲۰) به وزارت امور خارجه آمریکا اطلاع داد که دولت ایران مایل است تا مستشاران نظامی آمریکایی را برای وزارت جنگ ایران استخدام نماید.

وزارت خارجه آمریکا درخواست دولت ایران را با اشتیاق کامل مورد بررسی و توجه قرار داد و آن را

فرصتی برای توسعه نفوذ خود در ایران قلمداد کرد. درخواست ایران از آمریکا و قبول آن جنبه احساسی و نوع دوستی نداشت بلکه دولت آمریکا درصدد برآمد تا از این راه منافع نامشروع خود را در ایران تأمین نماید.

کمکهای دولت آمریکا به ایران بیش از آنچه که دولت ایران خواسته بود، صورت گرفت. دولت آمریکا دو میسیون نظامی را برای کمک به تجدید سازمان و نوسازی تشکیلات نظامی روانه ایران نمود. اولین هیئت برای ارتش به سرپرستی ژنرال «گریلی» که بعدا جای خود را به ژنرال «رایدلی» داد و هیئت دون به سرپرستی سرهنگ «شوارتسکف» که برای تشکیلات ژاندارمری ایران، تعیین شده بود. این دو در تاریخی ۲/۱۰/۱۹۴۲ (۱۱ آبان۱۳۲۱) به تهران اعزام شدند تا سازماندهی مجدد ارتش و ژاندارمری به به عهده گرفته و رهبری نمایند.

شوارتسکف، رئیس سابق نیوجرسی و کارمند اف. بی. آی، در مقام رئیس ژاندارمری آغاز به کار کرد. پس از چند ماه فعالیت شوارتسکف در ایران که طی آن موفقیت را سنجیده و توصیه هایی غیر رسمی در زمینه های فعالیتش نمود، مذاکرات رسمی بین ایران و آمریکا در مورد وضع قانونی هیئت آغاز شد.

قرارداد مربوط به هیئت نظامی آمریکا که مأمور بازسازی ارتش ایران بود و اختصارا به

«جنمیش» معروف شد در تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۴۳ (۱۲ آبان ۱۳۲۱) امضاء گردید. قرارداد مربوط به هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری ایران که اختصارا به «جنمیش» معروف شد در تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ (۵ آذر ۱۳۲۱ امضاء شد. در قرارداد اول رئیس هیئت نظامی در ارتش ایران می توانست نسبت به انتخاب، اخراج، انتقال و تحقیق در ورد افسران ارتش ایران پیشنهادهای خود را به وزارت جنگ ایران، تسلیم کند. قرارداد دوم حتی گستاخانه تر از اولی بود زیرا رئیس هیئت در ژاندارمری قادر بود رأسا در موارد فوق الذکر عمل کند.

اعزام دو هیئت نظامی آمریکایی در ایران به حضور آمریکاییها در ایران ابعاد تازهای بخشید. یکی از دلایل موافقت دولت آمریکا با اعزام مستشاران نظامی به ایران و قبول فوری درخواست ایران آن بود که به اعتقاد مقامات وزارت خارجه آمریکا، اعزام مستشاران آمریکایی به ایران، دولت آمریکا را قادر می ساخت تا ارتش ایران را تحت کنترل داشته و هر نوع جنبشی را که ممکن بود احتمالاً در ارتش به وجود آید، مانع شود. ثانیا از ارتش و نیروهای انتظامی برای تأمین نظم و امنیت داخلی به منظور تسهیل در ارسال مهمات به شوروی و همچنین جلوگیری از توسعه نفوذ نازیها و کمونیستها در ایران، بهره برداری نماید.

دولت ایران همچنین از آمریکا درخواست مستشارانی برای بازسازی نیروی پلیس (شهربانی) را نمود. دولت آمریکا یک غیر نظامی را بنام «تیمرمن» به ایران گسیل داشت. مدت قرارداد تمیرمن دو سال از تاریخ ورود به ایران بود. وظیفه این کارشناس پلیس، تجدید تشکیلات اداری و سازمانی پلیس ایران، تأسیس دانشکده پلیس، سازمان دادن اداره زندانهای کشور و تجدید نظر در قوانین و مقررات نیروی پلیس کشور بود. در فاصله بین سالهای ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۴، تیمرمن در ایران مشغول بکار بود. ولی مرگ ناگهانی او در ۲۰ می ۱۹۴۴ (۳۰ اردیبهشت ۱۳۲۳) به مأموریت وی خاتمه داد و

بعد از وی هم فرد دیگری به جای او برگزیده نشد.

چند سال بعد گروه دیگری از مستشاران نظامی آمریکا به این دو هیئت پیوست. این گروه بنام «گروه مشاورین کمک نظامی آمریکا به ایران» و یا اختصارا «مگ» نام گذاری شد. این گروه از طریق امضای قرارداد «کمک دفاعی متقابل» در سال ۱۹۵۰ (۱۳۲۹) بوجود آمد. این گروه در کنار مستشاران آرمیش به فعالیت در ارتش ایران پرداخت. وظیفه مستشاران آرمیش «کمک به آموزش نیروهای مسلح یک دولت خارجی» بود یعنی فعالیت به عنوان مشاور و مربی، اما وظیفه مستشاران در مگ «بوجود آوردن شرایط لازم برای حفظ و استفاده صحیح از تجهیزاتی بود که طبق برنامه کمکهای نظامی به کشورهای مورد نظر و متقاضی تحویل می شد». از طرف دیگر مستشاران مگ می بایست «کمکهای آموزشی» نیز ارائه می دادند. این دو هیئت از نظر اداری همکاری داشته و پرسنل هر سه نیرو زمینی، دریائی و هوائی در آن به کار گرفته می شدند.

افراد مگ مسئول سفارش، دریافت و تحویل کمکهای نظامی به مقامات ایرانی و نیز هماهنگی و تقسیم خدمات ارائه شده بودند. آنها مراقب بودند تا تجهیزات و تسلیحات مستقیما و تنها به منظوری که تحویل داده شده بود، مصرف شود. در زمینه های مربوط به آموزش ارتش ایران، فعالیت مگ و آرمیش درهم ادغام شد. این فعالیت شامل طرح و ارزیابی برنامه های سازماندهی و تجدید سازمان نیروهای مسلح ایران، تجدید نظر در برنامه های آموزش دانشکده های نظامی ایران، برنامه ریزی

آموزشی و تمرینهای مربوط به استفاده و نگهداری واسیل و مواد تحویلی برای سربازان ایرانی بود و همچنین شامیل تهیه گزارش از کارایی و سودمندی کمکهای نظامی که به ایران می شد، می گردید. مگ هر ساله گزارشهایی بنام «گزارش کشوری » تهیه می کرد و اغلب نیز با گزارشهای ویژه ای، آن گزارشها را تکمیل می کرد. در این گزارشها درباره توانائی ارتش ایران و نیز درباره تأثیرات کمک نظامی اظهارنظر و ارزیابی صورت می گرفت.

نقش مستشاران در آموزش

آمریکا مایل بود تا سیستم نظامی ایران را طبق مدل آمریکایی سازماندهی کند. برای این منظور از دو راه عمل شد. اول، تطبیق سیستم آموزش دانشگاه نظام و دانشکده افسری با سیستم آمریکایی و دوم، اعزام افسران و درجه داران ایرانی به آمریکا برای طی دوره های آموزشی و همچنین خو گرفتن با فرهنگ فاسد آمریکایی. در هر دو مورد مستشاران نقش عمده ای داشتند. وظیفه اول بطورکلی بر عهده آنان گذارده شد و در وظیفه دوم نیز نقش تعیین کننده ای در انتخاب افراد برای اعزام به آمریکا داشتند و پس از بازگشت افسران آموزش دیده ایرانی در آمریکا، وظیفه تعیین پست و مقام افسران بر عهده مستشاران آمریکایی بود.

در تاریخ ۱/۵/۱۹۴۸ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۷) اولین گروه از افسران و درجه داران نیروی هوائی ایران به قصد کسب آموزشهای ویژه، راهی آمریکا شدند. تا سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) ۱۱۰۰۰ نفر از افسران و پرسنل نظامی ایران در آمریکا آموزش دیدند. این تعداد، غیر از افسرانی بود که از طریق پلیس ایران برای آموزش به آمریکا اعزام شده بودند. علاوه بر این آمریکا در مورد آموزش افسران ایرانی توسط ارتش اسرائیل، قراردادهایی با دولت اسرائیل در این زمینه منعقد کرده بود. پس از مراجعت، آرمیش مگ تماسهای نزدیک با افسران تعلیم دیده را حفظ می کرد. از جمله موفقیتهای این

استراتژی جریان سقوط مصدق بود که در آن کودتا، افسران ایرانی آموزش دیده در آمریکا، نقش عمده ای را ایفاء کردند.

احیای کاپیتولاسیون

هر چه که وابستگی رژیم شاه به آمریکا بیشتر می شد، خواسته های نامشروع آمریکا نیز فزونی می گرفت. در سال ۱۳۴۰ آمریکا درخواست اعطای مصونیت سیاسی به مستشاران نظامی و اعضای خانواده هایشان را نمود تا در صورت ارتکاب هرگونه جرمی از طرف آنها، دادگاههای ایران نتوانند آنان را محاکمه کنند. در واقع بار دیگر یک ابر قدرت درخواست برقراری «کاپیتولاسیون» را برای اتباع خویش می نمود. رژیم پهلوی که یکی از دستاوردهای بزرگ رضاخان را الغای کاپیتولاسیون می دانست، بر سر یک دو راهی قرار گرفته بود. از یک طرف نمی توانست به درخواست نامشروع آمریکا جواب منفی دهد و از طرف دیگر می دانست که با تجارب تلخی که از کاپیتولاسیون در تاریخ ایران وجود دارد، برقراری مجدد آن نه تنها لکه ننگی بر پیشانی رژیم پهلوی خواهد بود بلکه عواقب خطرناکی نیز در پی خواهد داشت. اما سرانجام مجبور شد که به خواسته ناحق ارباب خویش تن در دهد و در اینجا بود که بار دیگر امام خمینی (س) شجاعانه به صحنه آمد و با ایراد یک سخنرانی

آتشین و افشاگرانه، این خیانت رژیم پهلوی را برملا ساخت. رژیم که خود را در خطر می دید، تنها راه چاره را در تبعید امام به ترکیه دید. اما گذشت زمان ثابت کرد که این راه چاره نیز به حال رژیم وابسته پهلوی مفید واقع نشد.

تعداد مستشاران

از سال ۱۹۴۲ تا ۱۹۷۱ تعداد مستشاران نظامی آمریکا در ایران به تدریج افزایش یافت ولی این افزایش رقم چشمگیری را نشان نمی داد. در سال ۱۹۶۹ نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا، دکترین خود را مبنی بر مسلح کردن کشورهای تحت الحمایه آمریکا برای توانائی دفاع از خود، اعلام کرد. این دکترین مستلزم فروش هر چه بیشتر سلاح به این دسته از کشورهای از جمله ایران بود. از طرف دیگر دولت انگلستان نیز اعلام کرد که نیروهای خود را از شرق کانال سوئز و خلیج فارس خارج خواهد کرد. با خروج انگلستان از منطقه، شاه می خواست که نقش ژاندارمی منطقه را به عهده گیرد. با افزایش قیمت نفت، شاه توانست خریدهای نظامی بسیار هنگفتی از آمریکا انجام دهد. با ورود سلاحهای جدید در مقیاسی وسیع، سیل مستشاران نظامی آمریکا برای آموزش نحوه استفاده از این تسلیحات، به سوی ایران سرازیر شد و به یکباره تعداد آنها افزایش بسیار چشمگیری پیدا کرد.

برای سیستمهای پیچیده تسلیحاتی که به ایران تحویل داده می شد، صرفا نحوه استفاده از آنها توسط مستشاران نظامی تعلیم داده می شد و صد البته معلومات فنی در اختیار ایرانیان قرار نمی گرفت. بعضی از سیستمها هم، مثلاً سیستمهای کنترل الکترونیکی، به هیچ وجه در اختیار ایرانیان گذاشته نمی شد بلکه مستقیما توسط مستشاران بکار گرفته می شد. در نتیجه افراد ارتش ایران آگاهی لازم را کسب نکرده و در این زمینه رشد نمی یافتند. از سوی دیگر، مستشاران از این طریق تسلط خود را بر ارتش ایران حفظ می کردند و از نظر اقتصادی، تعداد کثیری از اتباع آمریکایی در ایران اشتغال یافته و

از طریق دولت ایران تأمین می شدند.

طبق تحقیقات سنای آمریکا، تعداد مستشاران آمریکا در ایران از ۱۶ هزار نفر در سال ۱۹۷۲ (۱۳۵۱) به ۲۴ هزار نفر در سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) افزایش یافته بود. در گزارش سنا آمده بود که تعداد آمریکاییها در ایران می بایست بواسطه خریدهای کلان اسلحه از آمریکا، تا سال ۱۹۸۰ به ۶۰ هزار نفر بالغ گردد که این به معنای رشدی معادل ۱۰ هزار نفر در سال بود.

هزینه پرسنل نظامی ارتش ایران در سال ۱۳۵۶ بالغ بر ۱۴۰ میلیارد ریال (نزدیک به ۲ میلیارد دلار) بود، در حالی که هزینه مستشاران آمریکایی مقیم ایران در همان سال بالغ بر ۱۷۰ میلیارد ریال برآورد شده است. طبق قراردادهای نظامی میان دو کشور، تمام مخارج به عهده ایران بود.

دخالت مستشاران در تحولات سیاسی ایران

این مستشاران علیرغم این که نقش مشورتی در ارتش ایران داشتند ولی در مقاطع حساس تاریخ ایران با دخالت غیر قانونی در تحولات سیاسی، مسیر حوادث را تغییر داده و یا ارتش را به مقاومت در مقابل خواسته های ملت مسلمان ایران تحریک کرده اند. نمونه های بارز دخالت این مستشاران در سیاست داخلی ایران را می توان در کودتای ۲۸ مرداد، احیای کاپیتولاسیون و سرانجام مقاومت در

مقابل انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ دید.

بهنگام اوج گیری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، به اعتراف ژنرال «هایزر» در کتابش بنام «مأموریت در تهران»، مستشاران نظامی آمریکا نقش فعالی در تحریک ارتش برای مقابله با حرکت مردم داشتند. آنها مستقیما در جنگ روانی علیه انقلاب اسلامی مشارکت داشتند و حتی آخرین برنامه آنها، هدایت کودتا در بهمن ماه ۱۳۵۷ بود که بر عهده رئیس مستشاران، ژنرال «گاست» بود ولی با عنایت خداوند متعال و رهبری پیامبرگونه امام خمینی (س) همه این توطئه ها شکست خورد و در یوم اللّه ۲۲ بهمن انقلاب اسلامی به پیروزی رسید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت موقت سعی کرد که بار دیگر مستشاران نظامی آمریکا را در ایران بپذیرد و آنها را در امور نظامی ایران فعال سازد ولی با برخورد قاطع امام امت، پرونده سیاه و پر از خیانت و جنایت مستشاران نظامی آمریکا در ایران بسته شد.(۱)

در میان اسناد به دست آمده در لانه جاسوسی آمریکا، مجموعه ای از اسناد پیرامون «مستشاری نظامی آمریکا در ایران » یافت شد. این مجموعه که حاوی اسناد زیادی در این مورد می باشد.

تاریخچه حضور مستشاری نظامی آمریکا در ایران را از ابتداء تا روز تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ در بر می گیرد. (البته این اسناد، تمامی اسناد مربوط به مستشاری نظامی آمریکا در ایران را از ابتدا، تا روز تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ در بر می گیرد. (البته این اسناد، تمامی اسناد مربوط به مستشاری نیست و مقداری از آنها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی توسط آمریکاییها از ایران خارج شده است). این مجموعه، چندین جلد کتاب را در بر خواهد گرفت. جلد اول این کتاب که هم اکنون در اختیار علاقمندان می باشد، حاوی اسناد مستشاری از ابتدای ورود تا سال ۱۳۴۳ می باشد.

جلد اول شامل سه فصل است. هر فصل برهه خاصی از این مقطع را در برمی گیرد که در ابتدای هر

فصل توضیح داده خواهد شد.

امید است که این مجموعه بتواند گوشه هایی از دخالتهای غیر قانونی آمریکا در ارتش و سیاستهای داخلی ایران را برای خوانندگان آشکار سازد.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

پائیز ۶۹

فصل اول (شامل ۲۷ سند در مورد استخدام مستشاران)

۱- برای تهیه بخشهایی از مقدمه از کتابهای زیر استفاده شد: ۱ ایران و قدرتهای بزرگ نوشته دکتر ایرج ذوقی. ۲ نفوذ آمریکا در ایران نوشته دکتر ابراهیم سنجر.

(در گذشته) اعتقادمان بود که اصلاً از ما کاری ساخته

نیست (مثلاً) ارتش ما اگر بخواهد ارتش بشود، مستشار

لازم دارد، از آمریکا یا از اروپا باید مستشارانی بیایند تا

ارتش ما را بتوانند سروسامان بدهند.

امام خمینی (س) ۳۰/۱۰/۵۹

فصل اول شامل ۲۷ سند است که مقطع تاریخی آبان ماه ۱۳۲۲ تا خرداد ماه ۱۳۲۹ را در بر می گیرد. ۲۰ سند مربوط به پیش نویس و متن قراردادهای منعقده میان دولت ایران و آمریکا برای استخدام مستشاران نظامی آمریکا در ارتش و ژاندارمری ایران و همچنین مربوط به اصلاحات انجام شده در این قراردادها می باشد. نکته تأسف بار در عقد قراردادها و اصلاحات انجام شده این است که دولت ایران تقریباً نقش «مهر امضاء» را داشته و دولت آمریکا هرگونه که خود می خواسته قراردادها را تنظیم می کرده و هرگاه که منافعش اقتضاء می کرده، آنها را تغییر می داده است.

۲ سند در مورد موضع دولت شوروی در مقابل حضور و فعالیت مستشاران آمریکایی در ارتش ایران می باشد. ۵ سند نیز در رابطه با مذاکرات و مفاد قرارداد «کمک دفاعی متقابل» میان دولتین ایران و آمریکا می باشد. این قرارداد باعث اضافه شدن یک گروه دیگر به هیئتهای موجود مستشاران نظامی آمریکا در ایران گردید.

سند شماره (۱)

ستاد بزرگ ارتشتاران(۱)

قانون اجازه استخدام هیئتی از افسران و درجه داران ارتش کشورهای متحده آمریکا برای وزارت جنگ، مصوب اول آبانماه ۱۳۲۲ (۲۳ اکتبر ۱۹۴۳)

ماده واحده مجلس شورای ملی به دولت اجازه می دهد با انعقاد قراردادی بین دولتین ایران و کشورهای متحده آمریکا هیئتی از افسران و درجه داران و متخصصین ارتش کشورهای متحده آمریکا را که تعداد افسران آن از سی نفر تجاوز نخواهد نمود. به منظور اصلاح امور اداری ارتش و با شرایط

۱- این سند نسخه ای از مصوبات مجلس شورای ملی وقت می باشد که در بین اسناد مستشاری نظامی به دست آمده است. م

زیر استخدام نماید.

۱ نخست دسته افسران این هیئت به قرار زیر می باشد.

سرلشگر سی. ریدلی سرهنگ ف. ک. دومان سرهنگ توماس ائی ماهونی سرهنگ ۲ سوگارد سرگرد ر. س کنلی سروان و. ا. کیدویتس سروان ر. ی ساندوس ارشد افسران مأمور هیئت سمت ریاست هیئت را داشته و به عنوان مستشار نظامی وزارت جنگ طرف شور و معاضدت وزیر جنگ خواهد بود بقیه اعضاء این هیئت به تدریج که مورد احتیاج وزارت جنگ واقع شوند و دولتین در انتخاب آنان موافقت نمایند. طبق مندرجات این قانون استخدام خواهند گردید.

ب استخدام هیئت نامبرده اصولاً برای مدت جنگ یا اعلام خاتمه وضعیت فوق العاده ملی در کشورهای متحده آمریکا خواهد بود، ولی دولت حق خواهد داشت قبل از انقضاء مدت در صورتی که صلاح بداند قرارداد استخدام آنها را فسخ و یا با حصول موافقت دولت کشورهای متحده آمریکا برای بعد از جنگ نیز تمدید نماید.

ج اعضاء هیئت حقوق سالیانه خود را به پول رایج کشورهای متحده آمریکا به میزان زیر از دولت ایران دریافت خواهند داشت. رئیس هیئت ۴۲۰۷ دلار معاون هیئت ۳۹۰۷ دلار افسران دیگر هیئت هر کدام ۳۷۵۷ دلار درجه داران جزء و افراد متخصص ۲۷۰۵ دلار. این حقوق باید در دوازده قسط مساوی ماهیانه پرداخت گردد و هر مبلغ از حقوق ماهیانه هر یک از اعضاء هیئت بنا به تقاضای او به دلار در آمریکا و بقیه به ریال (به نرخ رسمی) در ایران قابل پرداخت خواهد بود. حقوق اعضاء هیئت از هرگونه عوارض و مالیاتهایی که قبلاً یا در آتیه چه از طرف دولت و چه از طرف تقسیمات اداری یا سیاسی تابعه دولت وضع گردد معاف و اگر در این موقع یا در طی مدت قرارداد مالیات جدیدی هم وضع شود که شامل حقوق این اعضاء گردد بایستی از طرف وزارت جنگ

پرداخت گردد، به قسمی که میزان حقوق معینه برای هر عضوی بدون کم و کسر عاید او شود. هزینه سفر اعضاء هیئت از آمریکا به ایران و بالعکس در مدت جنگ به عهده دولت آمریکا و بعد از جنگ در صورت تمدید قرارداد به عهده دولت ایران خواهد بود. در هرحال هرگاه اعضای هیئت بخواهند خانواده خود را به ایران بیاورند هزینه سفر زن و فرزند تحت تکفل به عهده دولت ایران خواهد بود.

د به دولت اختیار داده می شود پس از شور با وزارت جنگ حدود اختیارات و وظایف و سایر شرایط استخدام اعضاء هیئت نظامی را با موافقت دولت کشورهای متحده آمریکا تعیین و به موقع اجرا گذارد.

ه سایر شرایط استخدام اعضاء هیئت نظامی بر طبق قانون مصوب ۱۳۰۱ تعیین خواهد شد این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه اول آبانماه ۱۳۲۲ به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی حسن اسفندیاری

* یادداشت مترجم سفارت:

قانون مصوب ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ (عقرب هشتمین ماه تقویم ایرانی است که هم اکنون آبان نامیده می شود) مطابق با ۱۵ نوامبر ۱۹۲۲ یک قانون پایه ای به شمار می آید که استخدام مستشاران خارجی را صرفاً با تصویب مجلس مجاز اعلام می دارد.

سند شماره (۲)(۱)

وزارت جنگ

موافقت نامه بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت ایالات متحده آمریکا

برحسب تقاضای دولت شاهنشاهی ایران از دولت ایالات متحده آمریکا رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا اجازه داده است که یک عده از افسران و درجه داران ارتش ایالات متحده و نیروی هوایی و دریایی ایالات متحده به منظور تشکیل یک هیئت نظامی در ایران طبق شرایط مندرج زیر گماشته شوند.

ماده ۱ هدف این هیئت همکاری با وزارت جنگ و ارتش شاهنشاهی ایران به منظور بالا بردن قدرت عمل ارتش شاهنشاهی ایران است.

ماده ۲ این قرارداد از تاریخ انقضاء قرارداد اولیه به موقع اجرا گذارده خواهد شد، و تا تاریخ انقضاء آن به طوری که در ماده ۳ مقرر گردیده به قوت خود باقی است.

ماده ۳ این قرارداد ممکن است به یکی از طرق ذیل پایان یابد:

الف: به وسیله هر یک از دولتین با اعلام کتبی سه ماهه قبلی به دولت دیگر.

ب: به وسیله هر یک از دولتین در صورتی که آن دولت دچار مخاصمات داخلی و یا خارجی گردد و بدون احتیاج رعایت مقررات بند «الف» این ماده.

ج: به وسیله ابلاغ رسمی از طرف هر یک از دولتین به دولت دیگر در صورتی که مصالح عمومی آن دولت چنین امری را ایجاب نماید بدون رعایت تشریفات بند «الف» این ماده.

ماده ۴ هیئت مرکب خواهد بود از تعدادی افسر و درجه دار متخصص از ارتش ایالات متحده آمریکا اعم از نیروی زمینی هوایی و دریایی که از حیث عده و انتخاب آنها مورد موافقت وزارت

جنگ ایران و وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا قرار گیرد و به هر تقدیر تعداد افسران زائد بر سی(۳۰) نفر نخواهد بود.

ماده ۵ اعضای هیئت در اداره مستشاری که یکی از ادارات تابعه وزارت جنگ است، مشغول خدمت خواهند شد.

سازمان اداره مستشاری با موافقت رئیس هیئت و تصویب وزارت جنگ دولت شاهنشاهی ایران تعیین خواهد شد. انتصاب اعضاء هیئت در محلهای سازمانی مربوطه در فرمان عمومی ارتشی درج خواهد شد.

ماده ۶ افسر ارشد هیئت به ریاست هیئت منصوب خواهد گردید، سایر اعضاء هیئت به وسیله رئیس هیئت به وظایفی گمارده خواهند شد که در جدول سازمانی ذکر گردیده و به تصویب وزارت جنگ دولت شاهنشاهی ایران رسیده باشد، یا وظایف دیگری که ممکن است درباره آن بین وزارت جنگ دولت شاهنشاهی ایران و رئیس هیئت توافق گردد.

ماده ۷ وظایف هیئت عبارت خواهد بود از اظهارنظر درباره طرحها و مسائل مربوط به سازمان

۱- این سند متن پیش نویس قرارداد بوده که به وسیله وزارت جنگ ایران تهیه شده است. ولی بعد از مذاکرات با تغییراتی به امضاء دو دولت ایران و آمریکا می رسد و متن اصلی قرارداد در سند شماره ۳ آمده است. م

و اصول اداری و روشهای آموزشی در مواردی که وزارت جنگ دولت شاهنشاهی ایران مشورت در این قبیل امور را ضروری تشخیص دهند و تقدیم پیشنهادات مربوط به امور فوق الذکر. این وظایف متضمن اصول کار ستاد بزرگ ارتشتاران و ادارات وزارت جنگ در تهران و تشکیلات خارج از مرکز آن خواهد بود به استثنای طرح های تاکتیکی و سوق الجیشی یا عملیات نظامی علیه یک دشمن خارجی که به وظایف هیئت ارتباطی ندارد.

ماده ۸ اعضای هیئت، فرماندهی یا تصدی امور ستادی در ارتش شاهنشاهی ایران نخواهند داشت لیکن می توانند تحقیقات و بازرسیهای رسمی را به دستور رئیس هیئت با تصویب وزیر جنگ دولت شاهنشاهی ایران انجام دهند.

ماده ۹ هریک از اعضای هیئت با درجه ای که در نیروهای متحده آمریکا دارا می باشد در ایران خدمت خواهد کرد و در صورت تساوی درجه و مقام حق تقدم با افسران آمریکایی است و از کلیه امتیازاتی که ارتش ایران برای افسرانی که در همان درجه و مقام هستند،که در همان درجه و مقام هستند، مقرر داشته برخوردار خواهند بود و اعضای هیئت با لباس نظامی ارتش ایالات متحده یا نیروی هوایی و دریایی آن ملبس خواهند بود و علامت مشخصه را که نشانی خدمت در ارتش شاهنشاهی ایران باشد بر بازو نصب خواهند نمود.

ماده ۱۰ اعضاء هیئت در صورت تخلف از قوانین و مقررات دولت شاهنشاهی ایران ممکن است از خدمت ارتش شاهنشاهی ایران منفصل شوند پرداخت هزینه بازگشت عضو مزبور به ایالات متحده آمریکا به عهده دولت شاهنشاهی ایران است.

ماده ۱۱ در موردی که برای انجام وظایف مذکور در ماده ۷ از طرف اعضاء هیئت بازدید و بازرسی قسمتی از تشکیلات نظامی ایران ضرورت پیدا کند افسران و متصدیان مربوطه در ارتش

شاهنشاهی ایران بایستی این قبیل بازرسیها را تسهیل نموده و طرحها و پرونده ها و گزارشها و مکاتبات را در صورت لزوم در دسترس آنها بگذارند، اعضای هیئت در امور سری دخالت نخواهند کرد مگر در مواردی که برای اجرای وظایف آنها ضروری باشد و آن هم با تصویب وزارت جنگ باید انجام گیرد.

هریک از اعضاء هیئت ملزم می باشد، هیچ گونه امر سری یا محرمانه را که ممکن است در سمت خود به عنوان یک عضو هیئت از آن آگاهی یابد به یک دولت خارجی یا اشخاص دیگر ابراز یا فاش نسازد. این تعهد پس از پایان خدمت عضو و پس از انقضاء یا لغو این موافقت نامه همچنان به قوت خود باقی است.

ماده ۱۲ برای مسافرتهایی که به موجب این موافقت نامه برای هر یک از اعضاء هیئت و خانواده وی از بندر مبدأ در ایالات متحده آمریکا تا محل خدمت در ایران و بالعکس لازم باشد هزینه سفر از کوتاه ترین راهی که معمولاً طی می شود به وسیله دولت شاهنشاهی ایران پرداخته می شود. هزینه مزبور برای افسران درجه یک و برای درجه داران درجه دو خواهد بود.

ماده ۱۳ حقوق اعضای هیئت از هرگونه عوارض و مالیاتهایی که فعلاً یا در آتیه چه از طرف دولت و چه از طرف تقسیمات اداری یا سیاسی تابعه دولت وضع گردد معاف و اگر در این موقع یا در طی مدت قرارداد مالیات جدیدی هم وضع شود که شامل حقوق این اعضاء گردد، بایستی از طرف

وزارت جنگ پرداخت گردد، به قسمی که میزان حقوق معینه برای هر عضوی بدون کم و کسر عاید او شود.

ماده ۱۴ منظور از کلمه خانواده که در این قرارداد ذکر شده همسر و اولاد تحت تکفل می باشد.

ماده ۱۵ دولت شاهنشاهی ایران هزینه حمل و نقل و هزینه سفر اعضاء هیئت را در امور رسمی مربوط به دولت شاهنشاهی ایران تأمین و پرداخت خواهد نمود.

ماده ۱۶ علاوه بر وسایط و وسایل نقلیه ای که از طرف دولت ایالات متحده آمریکا در اختیار هیئت گذاشته شده دولت شاهنشاهی ایران در موقع لزوم وسایل نقلیه دیگری (اتومبیل و هواپیما) برای انجام کارهای اداری تأمین خواهد نمود و دولت شاهنشاهی ایران یک سوم مجموع مصرف بنزین و روغن وسایل نقلیه متعلق به دولت ایالات متحده آمریکا را که در اختیار هیئت خواهد بود، طبق تشخیص رئیس هیئت تأمین خواهد کرد تعداد و نوع وسایل نقلیه دولت ایالات متحده آمریکا که در اختیار هیئت خواهد بود از طرف وزارت جنگ آمریکا تعیین خواهد گشت و نیز مقرر گشت که در موارد لزوم طبق تشخیص رئیس هیئت و تصویب وزارت جنگ دولت شاهنشاهی ایران با پیروی از مقررات و قوانین جاریه وسایل نقلیه هوایی آمریکا با کارکنان آن برای انجام امور اداری اجازه ورود به ایران و خروج از ایران داشته باشد مشروط بر این که رئیس هیئت قبلاً طبق قواعد و مقررات دولت شاهنشاهی ایران به اولیای مربوطه ایران مراتب را اطلاع دهد کلیه وسایل نقلیه دولت ایالات متحده آمریکا که در داخله ایران برای عملیات در اختیار هیئت است از قوانین و مقررات ایران متابعت خواهد کرد.

ماده ۱۷ دولت شاهنشاهی ایران محل کار و وسایل مناسب و ماشین نویس و نویسنده و مترجمین غیر نظامی و گماشته به نحوی که در جدول سازمانی اداره مستشاری نشان داده شده جهت

استفاده اعضای هیئت تهیه خواهد نمود و کمک لازم را برای تسهیل و بهبود کار هیئت به عمل خواهد آورد.

ماده ۱۸ چنانچه یکی از اعضای هیئت و یا عضو خانواده یکی از اعضاء در ایران وفات یابد دولت شاهنشاهی ایران جسد او را به هر نقطه ای از خاک ممالک متحده آمریکا که سایر اعضاء خانواده متوفی بخواهند انتقال خواهد داد ولی هزینه ای که از این بابت به دولت شاهنشاهی ایران تعلق می گیرد از میزان مخارج انتقال جنازه از محل فوت تا شهر تجاوز نماید. پرداخت هزینه بازگشت خانواده عضو متوفی به آمریکا به انضمام هزینه انتقال اثاثیه و لوازم خانه و اتومبیل او بر عهده دولت شاهنشاهی ایران خواهد بود.

ماده ۱۹ دولت شاهنشاهی ایران هزینه بستری شدن در بیمارستان و معالجه پزشکی مورد احتیاج اعضاء هیئت و خانواده های آنان را که ممکن است در ایران بیمار شوند تأمین و پرداخت خواهد نمود. دولت شاهنشاهی ایران مسئول مخارج معالجه پزشکی که در خارج از قلمرو ایران صورت گیرد نخواهد بود.

ماده ۲۰ هر یک از اعضاء هیئت حق استفاده از یک ماه مرخصی سالیانه یا به همان نسبت برای هر مدتی از سال را خواهد داشت. ایام مرخصی مزبور که از آن استفاده نشده باشد سال به سال برای حداکثر مدت ۶۰ روز در عرض مدتی که عضو هیئت مشغول خدمت می باشد قابل تراکم خواهد بود.

از این مرخصی ممکن است در ایران یا در ایالات متحده آمریکا یا در کشورهای دیگر استفاده شود لیکن هزینه سفر و حمل و نقلی که به نحو دیگری در این موافقت نامه پیش بینی نشده باشد به عهده عضو هیئت که از چنین مرخصی استفاده می کند خواهد بود. کلیه مدت سفر در مرخصی جزء مرخصی محسوب خواهد شد. دولت شاهنشاهی ایران موافقت می نماید که مرخصی مشروح در این ماده را طبق تقاضای کتبی که از طرف رئیس هیئت تصویب شده باشد با توجه لازم به مقتضیات دولت شاهنشاهی ایران اعطاء نماید

ماده ۲۱ تا مدتی که این موافقت نامه معتبر می باشد هرگاه دولت شاهنشاهی ایران اقدام به استخدام مأمورین خارجی برای هرگونه خدمت در ارتش شاهنشاهی به نماید از لحاظ همکاری قبل از استخدام مراتب را به استحضار مقامات مربوطه دولت کشورهای متحده آمریکا خواهد رسانید.

ماده ۲۲ دولت شاهنشاهی ایران اشیاء و لوازمی که اعضای هیئت برای مصرف شخصی یا مصرف خانواده خود به ایران وارد می نمایند از حقوق گمرکی یا عوارض دیگر معاف خواهد نمود مشروط بر این که درخواست ورود معافی با تصویب سفیر کبیر آمریکا و یا کاردار موقت آمریکا باشد و نیز اشیاء و لوازمی را که در ایران برای مصرف شخصی یا مصرف خانواده خود خریداری و خارج می نمایند از کلیه حقوق گمرکی معاف خواهد شناخت.

در صورتی که دولت کشورهای متحده آمریکا وسیله نقلیه جهت ارسال مراسلات و بسته های پستی که از طرف اعضاء هیئت به آمریکا و یا به عنوان آنها وارد می شود تأمین نماید دولت شاهنشاهی ایران آن را از عوارض پستی معاف خواهد نمود و بلا معارض اجازه عبور خواهد داد.

رئیس هیئت مسئول خواهد بود که از طرف اعضاء هیئت و یا خانواده آنها هیچ گونه کالاهای قاچاق به خارج فرستاده نشده و از خارج دریافت نگردد.

ماده ۲۳ پرداختهایی که بابت حقوق فوق العاده هزینه سفر و هرگونه مزایای دیگری از هر قبیل در این موافقت نامه برای افسران و افراد هیئت مستشاری پیش بینی شده است، ممکن است مستقیماً بخود آنان یا با موافقت و اجازه آنان به هر شخص یا مقامی که معرفی کنند، به عمل آید.

این سند نیز پیوست سند قبل بوده است.

سند شماره (۳)

طبقه بندی خیلی محرمانه

قرارداد اصلی مربوط به خدمت هیئت نظامی آمریکا در ارتش ایران(۱)

طبق درخواست دولت ایران و توافق دولت ایالات متحده آمریکا، یک هیئت نظامی مرکب از افسران صلاحیتدار ارتش ایالات متحده با شرایط ذیل در وزارت جنگ ایران خدمت خواهند نمود:

فصل یکم

ترکیب و مدت خدمت

ماده ۱ این هیئت نظامی از آن دسته از پرسنل نظامی آمریکایی تشکیل خواهد شد که موافق میل

۱- متن از روی نسخه موجود در بایگانی مستشاری که در سال ۱۹۴۴ برای سرلشکر ریدلی ارسال شده تهیه شده است.

وزارت جنگ ایران و وزارت جنگ ایالات متحده آمریکا باشد. در ابتدا امر این هیئت مرکب از سرلشگر سی. اس. ریدلی، سرهنگ اف. ک. دومان، سرهنگ توماس ئی. ماهونی، سرهنگ ۲ تئودوعال سوگارد، سرهنگ ۲ کلارک ا. بارکل، سرگرد آواس کنلی، سروان وی. ئی. کیدویتس و سروان آر. وای ساندس خواهد بود، که در حال حاضر در وزارت جنگ ایران مشغول انجام وظیفه می باشند. ارشدترین افسر هیئت، فرماندهی آن را عهده دار خواهد شد و دیگر اعضاء به ترتیب، سلسله مراتب فرماندهی را تشکیل خواهند داد.

ماده ۲ هدف از این مأموریت مشورت و کمک به وزارت جنگ در اداره ارتش بر طبق وظایف مندرج در ماده ۷ می باشد.

ماده ۳ کار این هیئت از تاریخ ۲۲ مارس ۱۹۴۳ آغاز و در تمام مدت جنگ یا زمان وضعیت فوق العاده ملی اعلام شده توسط دولت ایالات متحده آمریکا ادامه خواهد یافت، مگر آنکه زودتر و بنا به شرایط مندرج ذیل اختتام آن اعلام گردد. بعد از اختتام مدت قرارداد و در صورت توافق دو جانبه دو دولت این قرارداد قابل تمدید است.

ماده ۴ این قرارداد می تواند به روشهای ذیل قبل از تاریخ مورد نظر خاتمه یابد:

(الف) هر یک از دولتین می تواند آن را متوقف سازد، البته با ارائه اعلام کتبی آن هم یک ماه قبل از متوقف ساختن کار گروه.

(ب) در هر زمانی بنابر ابتکار دولت آمریکا یا دولت ایران البته پس از ارسال یک یادداشت مبنی بر این که یکی از دولتین معتقد است که برای حراست از منافع عمومی و یا به خاطر درگیری یکی از دولتین در خصومتهای داخلی، خارجی، اختتام آن را ضروری می داند، مشروط بر این که تمام شرایط مربوط به لغو قرارداد برآورده شود.

ماده ۵ دولت آمریکا می تواند هر یک از اعضاء هیئت را به کشور فرا خواند، ولی مشروط بر آنکه بر طبق ماده ۱، جانشین مناسب و صلاحیتدار برای وی تعیین کند. کار اعضاء هیئت زمانی خاتمه می یابد که یا جانشین آنها برسد و یا قبلاً در مورد نحوه این کار توسط دولتین موافقتی به عمل آمده باشد.

فصل دوم (شامل ۲۰ سند از جمله چند نامه مصدق به هندرسن)

وظایف، رتبه، و ارجحیت

ماده ۶ وزیر جنگ ایران سرپرست هیئت را به عنوان مستشار نظامی برای سازمان قرار داده و از طریق اعطای یک فرمان سلطنتی منصوب خواهد کرد.

ماده ۷ وظیفه اصلی مستشار نظامی و دیگر اعضاء هیئت، تحقیق و پیشنهاد طرح برای بهبود و کمک به اداره ارتش و ادارات تابعه وزارت جنگ در امور مالی، سررشته داری، مهندسی، بهداشتی، دامپزشکی، استخدامی، نظامی، قضائی و ادارات ترابری و نظارت بر اجرایی این طرحها است. وظایف مورد توافق بین وزارت جنگ ایران و مستشار نظامی به اعضاء هیئت محول خواهد شد.

ماده ۸ پس از این که طرحهای مندرج در ماده ۷ به تصویب رسید، برای اجرای آن توسط وزارت جنگ، افسران صلاحیتدار ایرانی در موقعیتهای کلیدی گماشته می شوند. تا طرح به مرحله

اجراء درآید. در صورتی که بنا به تشخیص مستشار نظامی، ضرورت موفقیت اجرای طرح مصوبه وزارت جنگ ایران ایجاب کند، مستشار نظامی می تواند شخصاً یا از طریق یکی از اعضاء هیئت، مسئول اجرای طرح و یا مسئول بخشی از اداره ای که دخیل در اجرای آن است شود و در آن صورت تمام پرسنل اداره مربوطه باید از فرامین مستشار نظامی و یا عضو هیئت نظامی مسئول اطاعت نمایند.

ماده ۹ برای اجرای وظایف مذکور از ماده ۷، مستشار نظامی باید به تمام سوابق مورد نیاز، مکاتبات و طرحهای مربوط به اداره ارتش دسترسی داشته باشد، و نیز باید از قدرت تحقیق در اموری که او را در اجرای آن وظایف یاری می دهند برخوردار بوده و به همین دلیل باید از طریق وزارت جنگ اختیاراتی به وی تفویض شود، تا بتواند اعضاء ارتش را احضار کرده و در رابطه با تحقیقات مورد نظر دستوراتی به آنها بدهد.

ماده ۱۰ مستشار نظامی و دیگر اعضاء هیئت بنا به دستور دریافتی، مجاز به بررسی و یا بازرسی هر بخش از نهاد نظامی از نظر مالی و اداری می باشند و تمام افسران فرمانده باید راه را برای انجام این گونه بازرسیها هموار نمایند.

ماده ۱۱ مستشار نظامی باید در مسائل مربوط به وظایف مندرج در ماده ۷ اختیاراتی داشته باشد، تا بتواند با درنظر گرفتن قوانین مصوب در ارتش، پیشنهادات خود را در زمینه ترفیع درجه، تنزل درجه، انتقال و نیز اخراج یک افسر به وزارت جنگ شاهنشاهی ایران تقدیم نماید.

ماده ۱۲ عضو هیئت نظامی بر طبق درجه نظامی آمریکایی خود در هیئت انجام وظیفه می کند، ولی ارشد بر تمام افسران ایرانی هم درجه اش محسوب می گردد، اعضاء هیئت باید یونیفورم نظامی ارتش آمریکا را بتن کنند ولی لباس آنها، باید مزین به نشانی باشد که نمایانگر خدمت آنها در ارتش ایران می باشد.

ماده ۱۳ دولت ایران موافقت کرده است که در زمان اجراء این قرارداد افسران یا پرسنل نظامی دیگر کشورها را برای کار در وزارت جنگ و ارتش ایران استخدام ننماید.

ماده ۱۴ هر یک از اعضاء هیئت باید از افشاء مسائل سری و محرمانه مربوط به عملکرد خود به عنوان عضو هیئت به دول خارجی ممانعت به عمل آورد. این امر باید حتی پس از خاتمه خدمت فرد در هیئت و نیز حتی پس از اختتام و یا لغو قرارداد رعایت شود.

فصل سوم

پرداخت حقوق و مزایا

ماده ۱۵ هر یک از اعضاء هیئت طبق توافق دولت ایالات متحده آمریکا و دولت ایران مخارج مورد نیاز سالانه خود را به ارز آمریکایی از دولت ایران دریافت خواهند کرد.

این مخارج باید به نسبت دوازده قسط مساوی ماهانه قابل پرداخت در آخرین روز ماه تقسیم و پرداخت گردد. در صورت تمایل عضو هیئت بخشی از این هزینه به صورت دلار و در یکی از بانکهای معروف آمریکایی در حساب وی سپرده شده و بقیه به صورت ریال در ایران به وی نقداً پرداخت می گردد. این پرداختها نباید شامل مالیاتهای وضع شده توسط دولت ایران و یا ادارات سیاسی و یا اداری تابعه آن گردد. و در صورت تعلق گرفتن مالیات، وزارت جنگ ایران باید آن را جبران کند تا به

شرایط قرارداد مورد توافق عمل شده باشد.

ماده ۱۶ آغاز پرداخت هزینه نقدی مندرج در ماده قبل از تاریخ ۲۲ مارس ۱۹۴۳ برای هر یک از اعضاء هیئت خواهد بود، مگر آنکه مفاد قرارداد با آن مغایرت داشته باشد. و پس از اختتام وظایف هیئت یا اختتام قرارداد کل هیئت طبق ماده ۴ این قرارداد دربرگیرنده هزینه سفر به آمریکا و نیز هزینه گذراندن مدت تعطیلات و مرخصی نیز می باشد.

ماده ۱۷ هزینه سفر یا مرخصی های استفاده شده باید قبل از خروج از ایران به اعضاء هیئت پرداخت گردد و احتساب هزینه سفر باید با در نظر گرفتن کوتاهترین راه ممکن برای رسیدن به آمریکا انجام شود و راه یا روش سفر عضو هیئت، حائز اهمیت نمی باشد.

ماده ۱۸ در طول جنگی که آمریکا نیز در آن درگیر است، هزینه سفر هر یک از اعضاء از آمریکا به ایران توسط دولت آمریکا پرداخت خواهد شد. اگر مدت قرارداد پس از پایان جنگی که آمریکا در آن درگیر است تمدید شود، در صورتی که جانشین هر یک از اعضاء بر طبق ماده ۵ این قرارداد اعزام شود، پرداخت هزینه این سفر به عهده دولت ایران است و هزینه سفر کوتاهترین و سریعترین وسیله و راه سفر بین محل خروج از آمریکا و محل اقامت در ایران و بالعکس را شامل می گردد.

ماده ۱۹ در طول مدت اجراء این قرارداد طبق خواسته هر یک از اعضاء هیئت، خانواده آنها باید با هزینه و توسط دولت ایران از آمریکا به بهترین وجه به ایران و محل اقامت عضو آورده شوند و هزینه سفر آنها به ایران و بالعکس به عهده دولت ایران است. پرداخت هزینه سفر خانواده ها در صورتی که فردی به طور موقت برای انجام وظیفه به هیئت بپیوندد، آن هم بنا به درخواست وزارت جنگ ایران، شامل این قرارداد نمی شود، ولی مذاکرات بین وزارت جنگ آمریکا و نماینده معتبر وزارت جنگ ایران در واشنگتن جزئیات مربوط به این انجام وظیفه موقتی را مشخص می نماید. در

تمام این قرارداد منظور از خانواده: «همسر و فرزندان تحت تکفل پدر و مادر» است.

ماده ۲۰ پرداخت هزینه سفر و حمل و نقلهایی که برای انجام امور رسمی در ایران صورت می گیرد، مطابق مقررات مسافرتی ارتش ایران به عهده دولت ایران است.

ماده ۲۱ دولت ایران باید یک اتومبیل مناسب و راننده در اختیار رئیس هیئت قرار دهد، تا بتواند به کارهای اداری رسیدگی کند. برای دیگر اعضاء هیئت نیز دولت باید اتومبیل و راننده هایی تهیه کند تا بتوانند امور اداری را انجام دهند.

ماده ۲۲ دولت ایران باید دفتر کار و تجهیزات مورد نیاز که محدود نبوده و شامل تجهیزات دفتری، منشی و مترجم باشد در اختیار اعضاء هیئت قرار دهد و آنها نیز باید بتوانند برای انجام امور اداری آزادانه از خدمات پستی ایران استفاده کنند.

ماده ۲۳ در صورت فوت هر یک از اعضاء هیئت در ایران، ۱۵ روز پس از درگذشت وی خدماتش مختومه انگاشته خواهد شد. اگر یکی از اعضاء هیئت و یا یکی از اعضاء خانواده شان در ایران پس از تمدید این قرارداد بر طبق ماده ۳، فوت کند، دولت ایران باید متوفی را بنا به درخواست اعضاء خانواده اش به نقطه مورد نظر آنها در آمریکا منتقل سازد، لیکن فقط هزینه حمل و نقل جسد از محل فوت تا شهر نیویورک به عهده دولت ایران خواهد بود. هزینه سفر اعضاء خانواده متوفی در مراجعت به آمریکا طبق مفاد ماده ۲۱ تأمین خواهد شد. تمام حقوق و مزایای مربوط به فرد متوفی از

جمله حقوق مربوط به ۱۵ روز پس از مرگش باید به بیوه وی و یا فرد مورد توصیه کتبی متوفی تحویل داده شود؛ لیکن مزایای مربوط به مرخصی های استفاده نشده متوفی به آنان پرداخت نخواهد شد. تمام حقوق و مزایای مربوط به بیوه و یا وکیل متوفی باید ظرف ۱۵ روز پس از درگذشت فرد مورد نظر پرداخت گردد.

ماده ۲۴ هر یک از اعضاء هیئت حق استفاده از یک ماه مرخصی سالانه با حقوق و یا استفاده از آن به صورت تعطیلات در سال را دارد. مدت مربوط به مرخصی های استفاده نشده در مدتی که هر کارمند عضو هیئت است، جمع خواهد شد. محل گذراندن مرخصی می تواند ایران، آمریکا و یا کشورهای دیگر باشد، ولی هزینه آن باید توسط عضو هیئت پرداخت گردد. تمام زمان مسافرتهایی که به منظور گذراندن تعطیلات صرف می شود جزو مرخصی محسوب می گردد. به محض دریافت تقاضانامه کتبی مورد تأیید رئیس هیئت نظامی توسط دولت ایران این دولت موظف به دادن مرخصی به عضو متقاضی می باشد.

ماده ۲۵ اگر یکی از اعضاء هیئت بیمار یا مجروح گردید، در بیمارستان مورد نظر رئیس هیئت بستری خواهد شد، و تمام هزینه های بیماری یا جراحت تا زمانی که فرد مورد نظر عضو هیئت نظامی و در ایران باشد باید توسط دولت ایران پرداخت گردد. در صورتی که فرد بستری شده یک افسر مأمور به خدمت باشد باید خود، هزینه ارزاق خود را تأمین نماید. خانواده ها نیز از امتیازات این ماده در رابطه با اعضاء هیئت برخوردار می گردند، ولی هزینه مربوط به تأمین ضروریات زندگی آنها در حین بستری شدن باید توسط عضو هیئت پرداخت گردد.(۱)

سند شماره (۴)

تاریخ : ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ ۵ آذر ۱۳۲۲

قرارداد میان دولت ایران و دولت کشورهای متحد آمریکا

بنابر تقاضای دولت ایران از دولت کشورهای متحده آمریکا و با استناد قانون استخدام افسران آمریکایی برای ژاندارمری مصوب ۲۸/۷/۱۳۲۲ رئیس جمهوری کشورهای متحده آمریکا اجازه داده است که هیئتی از افسران و درجه داران و متخصصین ارتش کشورهای متحده آمریکا که تعداد افسران آن از هشت نفر تجاوز نخواهد نمود، به منظور اصلاح امور ژاندارمری بر طبق مواد ذیل منصوب شوند.

فصل اول

مقصود و مدت

ماده اول مقصود از این هیئت رایزنی و کمک به وزارت کشور ایران است برای تجدید سازمان ژاندارمری شاهنشاهی ایران.

ماده دوم شروع خدمت این هیئت از تاریخ دوم اکتبر ۱۹۴۲ و حداقل مدت مأموریت این هیئت

۱- تاریخ انعقاد این قرارداد ۳ نوامبر ۱۹۴۳۲ آبان ۱۳۲۲ می باشد و هیچ گاه به صورت علنی در اختیار عموم قرار نگرفت. ولی سرانجام در تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۴۱۳ مهرماه ۱۳۲۶ مورد تجدید نظر و اصلاح قرار گرفت م.

دو سال است و پس از آن برای هر مدتی که بتراضی طرفین ذی نفع توافق حاصل شود قابل تمدید می باشد، مگر آنکه چنانچه در مواد پایین مقرر است قبلاً خاتمه پذیرد و همچنین مشروط بر این که اجازه ای که به رئیس جمهوری کشورهای متحده آمریکا برای مأموریت این افسران داده شده است در آن مدت به اعتبار خود باقی باشد هر یک از کارمندان هیئت در هر زمان که دولت کشورهای متحد آمریکا تقاضا نماید، ممکن است احضار شوند به شرط این که دیگری که واجد شرایط متساوی باشد قبلاً به جای او انتخاب گردد.

ماده سوم این قرارداد پیش از پایان یافتن مدت معین در ماده دوم به ترتیب ذیل قابل فسخ است.

الف به وسیله هر یک از دولتین به شرط این که سه ماه پیش کتباً به دولت دیگر اخطار شود.

ب به وسیله فراخواندن همه کارکنان هیئت از طرف دولت کشورهای متحده آمریکا به اقتضای مصالح عمومی کشورهای متحد آمریکا.

ماده چهارم هر زمان هر یک از دولتین دچار مخاصمات خارجی شود این قرارداد به میل هر یک از دولتین ایران و آمریکا قابل فسخ است، در صورت فسخ کلیه مقرراتی که در مواد بعد راجع به فسخ پیش بینی شده است، اجراء خواهد گردید.

فصل دوم

تشکیل هیئت و کارکنان آن

ماده پنجم این هیئت در همه اوقات مرکب خواهد بود از کارکنان ارتش کشورهای متحد آمریکا با موافقت نماینده مجاز دولت ایران در واشنگتن و وزارت جنگ کشورهای متحد آمریکا.

فصل سوم (فعالیت، ادغام و تغییر سازمان آرمیش مگ)

وظایف و درجات و تقدم و تأخر

ماده ششم کارکنان هیئت وظایفی را انجام خواهند داد، که از طرف رئیس هیئت پیشنهاد و به تصویب وزیر کشور ایران برسد.

ماده هفتم کارمندان مزبور به وسیله رئیس هیئت منحصراً مسئول وزیر کشور ایران خواهند بود.

ماده هشتم هر یک از کارمندان هیئت با درجه ای که در ارتش کشورهای متحد آمریکا حائز است یا کفالت هر درجه بالاتری که دولت ایران اعطاء نماید در هیئت مزبور خدمت خواهد نمود. کارمندان هیئت لباس ارتش آمریکا یا لباس ژاندارمری شاهنشاهی ایران را که حق پوشیدن آن را خواهند داشت به تشخیص و اختیار رئیس هیئت در بر خواهند کرد، لیکن بر همه افسران ایرانی ژاندارمری از همان درجه مقدم خواهند بود.

ماده نهم هر یک از کارمندان هیئت از کلیه منافع و مزایایی که مقررات ارتش ایران و ژاندارمری ایران برای افسران هم درجه ژاندارمری شاهنشاهی ایران منظور می دارد، بهره مند خواهد شد.

ماده دهم کارکنان هیئت مشمول مقررات انتظامی ژاندارمری ایران خواهند بود به استثنای مواردی که مقررات مزبور مخالف مقررات ارتش کشورهای متحد آمریکا باشد.

فصل چهارم

حقوق و عوائد

ماده یازدهم کارمندان هیئت حقوق خالص سالانه ای به پول رایج کشورهای متحد آمریکا و به میزانی که میان دولت ایران و دولت کشورهای متحد آمریکا برای هر کارمند توافق حاصل شود دریافت خواهند نمود. این حقوق در دوازده قسط متساوی ماهانه پرداخت خواهد شد. موعد هر قسط در روز آخر ماه و در آن روز پرداخته خواهد شد. این حقوق پس از کسر هرگونه مالیات که در حال حاضر یا از این تاریخ به بعد از طرف دولت ایران یا هر یک از دوایر اداری و بلدی آن وضع شود، خالص خواهد بود. لیکن هرگاه در حال حاضر یا در مدت اجرای این قرارداد مالیاتهایی به وجود آید که تأثیری در این حقوق داشته باشد، این گونه مالیاتها را وزارت کشور ایران خواهد پرداخت تا طبق مقررات این ماده حقوقی که نسبت به آن موافقت شده است، خالص باشد.

ماده دوازدهم حقوقی که طبق ماده پیش نسبت به آن موافقت شده است شروع پرداخت آن از تاریخ ۱۰ مهرماه ۱۳۲۱ (دوم اکتبر ۱۹۴۲) یا از تاریخ عزیمت هر کارمند هیئت خواهد بود در صورتی که تاریخ عزیمت بعد از دوم اکتبر ۱۹۴۲ باشد و به استثنای مواردی که مصرحا در این قرارداد پیش بینی شده پس از خاتمه خدمت هر کارمند در هیئت پیش از حرکت به کشورهای متحد آمریکا برای هر مدت مرخصی متراکم که حق داشته باشد، پرداخته خواهد شد.

ماده سیزدهم حقوقی که برای مدت مرخصی متراکم به هر کارمندی که خدمتش خاتمه می یابد پیش از حرکت از ایران به او تأدیه می شود.

ماده چهاردهم برای هر کارمند هیئت و خانواده اش به استثنای مواردی که کارمندی به موجب مقررات ماده دوم این قرارداد تبدیل می شود، وسایل مسافرت درجه اول از اقصر طرق معمولی برای

مسافرتهایی که طبق این قرارداد لازم است و انجام می شود، بین بندر حرکت در آمریکا و اقامتگاه رسمی او در ایران ایاب و ذهاب از طرف دولت ایران تهیه خواهد شد. و نیز دولت ایران همه هزینه حمل اثاثیه خانه و اسباب سفر و اتومبیل از اقامتگاه رسمی آنها در ایران تا بندر ورود آمریکا خواهد پرداخت. حمل و نقل اثاثیه خانه و اسباب سفر و اتومبیل یکجا صورت خواهد گرفت و هر مقداری که بعداً حمل شود به هزینه کارمندان مربوط هیئت خواهد بود، مگر آنکه طور دیگر در این قرارداد پیش بینی شده باشد و یا این که این محمولات جداگانه در نتیجه اوضاع و احوالی که از اختیار آنها خارج است ایجاب شود. پرداخت هزینه حمل و نقل خانواده ها و اثاثیه خانه و اتومبیل کارکنانی که برای خدمات موقت به تقاضای وزیر کشور ایران به هیئت مزبور ملحق شوند، طبق این قرارداد لازم نخواهد بود. لیکن هزینه مذکور به وسیله مذاکرات بین وزارت جنگ کشورهای متحد آمریکا و نماینده مجاز دولت ایران در واشنگتن هنگامی که درباره اعزام کارکنان موقت موافقت حاصل شود، تعیین خواهد شد.

ماده پانزدهم دولت ایران به درخواست رئیس هیئت در مورد اشیایی که کارمندان هیئت برای مصرف شخصی خود و برای مصرف اعضاء خانواده خود وارد می نمایند معافیت از حقوق گمرکی و سایر عوارض و مالیاتها اعطاء خواهد نمود.

ماده شانزدهم مصارف حمل و نقل و هزینه سفر در ایران برای کارهای رسمی دولت ایران طبق

مقررات ماده نهم از طرف دولت ایران تأمین خواهد شد.

ماده هفدهم دولت ایران به رئیس هیئت اتومبیل مناسبی با شوفر برای کارهای رسمی خواهد داد.

وسیله حمل و نقل موتوری مناسب با شوفر حاضر خدمت برای استفاده اعضاء هیئت در اجراء کارهای رسمی هیئت از طرف دولت ایران در اختیار هیئت گذاشته خواهد شد.

ماده هیجدهم دولت ایران محل مناسبی برای اداره و تسهیلات برای استفاده کارمندان هیئت تدارک خواهد نمود.

ماده نوزدهم به استناد پاراگراف آخر جزء ج از قانون ۲۸ مهرماه ۱۳۲۲ هرگاه یکی از کارمندان هیئت یا هر عضوی از اعضاء خانواده اش در ایران فوت نماید، دولت ایران ترتیبی خواهد داد، که جنازه او به هر نقطه ای در آمریکا که بازماندگان متوفی تعیین نمایند انتقال داده شود. لیکن هزینه این کار برای دولت ایران از مخارج حمل جنازه از محل فوت تا شهر نیویورک تجاوز نخواهد نمود. هرگاه متوفی یکی از کارمندان هیئت باشد خدمت او در هیئت مزبور این طور منظور خواهد شد که پانزده روز بعد از فوت او خاتمه یافته است. هزینه حمل و نقل برای بازگشت خانواده کارمند متوفی و حمل و نقل اسباب سفر و اثاثیه خانه و اتومبیل طبق ماده ۱۴ داده خواهد شد. کلیه وجوهی که دولت مدیون کارمند متوفی می باشد از جمله حقوق ۱۵ روز بعد از فوت او و پرداخت مخارج حمل و نقل که عضو متوفی برای مسافرتهای رسمی در ایران طلب دارد به عیال کارمند متوفی یا هر شخص دیگری که از طرف متوفی هنگامی که به موجب این قرارداد انجام خدمت می نموده کتباً معین شده باشد، پرداخته خواهد شد. لیکن حقوق و مرخصی متراکم که حق متوفی بوده و مورد استفاده او واقع نشده باشد، به عیال وی یا دیگری پرداخته نخواهد شد. کلیه وجوهی که به عیال متوفی تعلق خواهد گرفت یا هر شخص دیگری که از طرف متوفی معین شده باشد طبق مقررات این ماده در ظرف پانزده روز از

درگذشت کارمند مزبور پرداخته خواهد شد.

فصل پنجم

لوازم و شرایط

ماده بیستم وزیر کشور ایران رئیس هیئت را به سمت مستشار وزارت کشور عهده دار امور ژاندارمری به ریاست کل تشکیلات ژاندارمری دولت شاهنشاهی ایران برای مدت این قرارداد تعیین خواهد نمود و رئیس هیئت بر همه افسران ژاندارمری شاهنشاهی ایران تقدم خواهد داشت، مشارالیه مستقیماً عهده دار کلیه اداره و کنترل ژاندارمری خواهد بود و حق خواهد داشت طبق مقررات انتصاب یا ترفیع یا تنزل یا اخراج هر خدمتگزار ژاندارمری به وزیر کشور پیشنهاد و با تصویب ایشان به موقع اجرا بگذارد و مقام دیگری حق مداخله نخواهد داشت. و نیز حق خواهد داشت هر افسر یا ژاندارم یا خدمتگزار ژاندارمری را با تصویب وزیر کشور منتقل و دوباره تعیین نماید.

ماده بیست و یکم دولت ایران موافقت می نماید تا زمانی که این قرارداد به قوت خود باقی است افسرانی از ارتشهای خارجی دیگر یا کارکنانی از هیچ کشور دیگر برای خدمت در ژاندارمری شاهنشاهی ایران یا شعب آن که کارمندان هیئت نظامی کشورهای متحد آمریکا در آن خدمت می نمایند، استخدام ننماید.

ماده بیست و دوم هر یک از کارمندان هیئت تعهد خواهد نمود هیچ یک از اسرار و مسائل محرمانه ای که به سمت عضویت هیئت از آنها ممکن است مطلع گردد به هیچ دولت بیگانه یا هیچ کس مطلقاً افشاء و ابراز ننماید این شرط بعد از خاتمه خدمت هریک از کارمندان در هیئت مزبور پس از پایان یافتن یا فسخ این قرارداد نیز به قوت خود باقی خواهد ماند.

ماده بیست و سوم لفظ خانواده در همه جای این قرارداد اطلاق می شود به زن و فرزندانی که تحت کفالت هر کارمند می باشند.

ماده بیست و چهارم هر کارمند هیئت مستحق یک ماه مرخصی با حقوق در سال یا جزئی از آن با حقوق متناسب با آن قسمت جزء سال می باشد. قسمتهایی که از مرخصی مزبور که مورد استفاده واقع نشود سال به سال در مدتی که هر کارمند به عضویت هیئت خدمت می نماید، متراکم خواهد شد.

ماده بیست و پنجم مرخصی که در ماده پیش تصریح شده است ممکن است در ایران یا در کشورهای متحد آمریکا یا در کشورهای دیگر گذرانید، لیکن هزینه مسافرت و حمل و نقل که در جای دیگر این قرارداد پیش بینی نشده باشد بر عهده کارمند هیئت که به مرخصی می رود خواهد بود، همه اوقاتی که در مسافرت به سر می برد مرخصی حساب می شود و اضافه بر مدتی که به عنوان مرخصی اجازه داده شده است، نخواهد بود.

ماده بیست و ششم دولت ایران موافقت می نماید مرخصی مصرح در ماده بیست و چهارم را به وصول درخواست کتبی که به تصویب رئیس هیئت رسیده باشد، با توجه لازم به مصالح دولت ایران اعطا نماید.

ماده بیست و هفتم کارمندان هیئت که تغییر و تبدیل می یابند به خدمت خود در هیئت فقط موقعی خاتمه خواهند داد که جانشین آنها وارد شود، مگر آنکه به نحو دیگری قبلاً بین دولتین توافق

حاصل شود.

ماده بیست و هشتم دولت ایران ترتیب مناسب طبی برای کارمندان هیئت و خانواده هایشان خواهد داد. هرگاه یکی از کارمندان هیئت مریض شود یا صدمه بیند کارمند مزبور به تشخیص رئیس هیئت با موافقت وزیر کشور ایران به بیمارستانی که رئیس هیئت مناسب بداند فرستاده خواهد شد، و کلیه مخارجی که در نتیجه ناخوشی یا صدمه پیش آید تا زمانی که بیمار کارمند هیئت است و در ایران می ماند از طرف دولت ایران پرداخته خواهد شد. هرگاه کارمندی که به بیمارستان فرستاده می شود افسری باشد که دارای فرمان است، هزینه اعاشه (غذا) را خود افسر خواهد پرداخت. خانواده ها از همین مزایایی که در این ماده برای کارمندان هیئت مورد موافقت است بهره مند خواهند شد؛ الا این که کارمند هیئت در کلیه موارد هزینه غذای عضو خانواده اش را که در بیمارستان خوابیده است خواهد پرداخت، مگر آنکه طبق ماده نهم این مسئله منظور شده باشد.

ماده بیست و نهم هر کارمند هیئت که به علت طولانی شدن مدت ناتوانی جسمی قادر به انجام وظایف خود در هیئت نباشد، تبدیل خواهد شد.

ماده سی ام نسبت به هر یک از کارمندان این هیئت که به طور صحیح و منظم و از روی صلاحیت ثابت شود که به جرم مداخله در کارهای سیاسی کشور یا تخلف از قوانین ایران مقصر است هیئت وزیران حق خواهد داشت مقررات این قرارداد را که مربوط به چنین کارمندی باشد، لغو نماید.

امضاءکنندگان زیر محمد ساعد وزیر امور خارجه ایران.

لوی گ. دریفوس وزیر مختار دولت کشورهای متحده آمریکا در تهران ایران که اختیارات لازم داشتند این قرارداد را در دو نسخه به زبان فارسی و انگلیسی در تهران در روز بیست و هفتم نوامبر یکهزار و نهصد و چهل و سه مطابق با پنجم آذرماه یکهزار و سیصد و بیست و دو امضاء نمودند.

سند شماره (۵)

تاریخ : ۶ اکتبر ۱۹۴۷ ۱۳ مهرماه ۱۳۲۶

قرارداد بین دولت کشورهای متحد آمریکا و دولت شاهنشاهی ایران.

به موجب تقاضای دولت ایران از دولت کشورهای متحد آمریکا رئیس جمهور کشورهای متحد آمریکا اجازه داده است که یک عده افسر و سرباز آمریکایی به منظور تشکیل یک هیئت نظامی در ایران طبق شرایط مصرحه زیر گماشته شوند:

عنوان اول هدف و مدت قرارداد

ماده ۱ هدف این هیئت این است که به منظور ترقی و بهبود وضع ارتش ایران با وزارت جنگ و افسران و مأمورین ارتش ایران همکاری کنند.

ماده ۲ این قرارداد پس از امضای نمایندگان معتبر دولت کشورهای متحد آمریکا و دولت ایران رسمیت یافته و تا تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۴۹ (۲۹ اسفند ۱۳۲۷) به قوه خود باقی خواهد ماند، مگر این که طبق مواد بعدی این قرارداد زودتر به آن خاتمه داده شده و یا تمدید گردد.

ماده ۳ چنانچه دولت ایران مایل باشد مدت خدمت هیئت را بیش از موعد قید شده تمدید کند، پیشنهاد خود را کتباً قبل از ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۸ (۳۰ شهریور ۱۳۲۷) تسلیم خواهد نمود. دولت آمریکا موافقت می کند که درباره چنین پیشنهادی تا قبل از تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۴۸ (۲۹ آذر ۱۳۲۷) اقدام

نماید.

ماده ۴ این قرارداد ممکن است به طریق زیر قبل از ۲۰ مارس ۱۹۴۹ (۲۹ اسفند ۱۳۲۷) ملغی شود:

الف با اخطار قبلی سه ماهه هر یک از دولتین کتباً به دولت دیگر.

ب با اخطار کتبی هر یک از دولتین به دولت دیگر.

در هر موقع در صورتی که آن دولت این امر را به سبب بروز اغتشاشات داخلی یا مخاصمات خارجی لازم شمارد.

ج دولت کشورهای متحد آمریکا حق دارد در صورتی که مدت قانون فعلی که به موجب آن این قرارداد منعقد شده است منقضی شود و کنگره آمریکا به موجب قانون دیگری اجازه ادامه خدمت هیئت را ندهد، با دادن اطلاع کتبی در هر موقع این قرارداد را لغو نماید.

د دولت آمریکا حق دارد هر موقعی که منافع ملی آمریکا اقتضا کند کلیه کارمندان هیئت را احضار نماید، بدون این که لازم باشد قسمت الف این ماده را مراعات کند.

ه در صورت انقضاء یا الغای این قرارداد در مورد تعهداتی که دولت شاهنشاهی ایران بر طبق

مصرحات عنوان چهارم قرارداد حاضر در قبال اعضای هیئت و خانواده آنها نموده است، تأثیری نداشته و در آن تغییر و تعدیلی نخواهد داد.

عنوان دوم ترکیب و اعضاء هیئت

ماده ۵ از ابتدا هیئت مرکب خواهد بود از عده ای از افسران و نفرات ارتش آمریکا که با موافقت وزیر جنگ ایران توسط نماینده مجاز ایشان در واشنگتن و وزارت جنگ آمریکا تعیین شده باشند. اشخاصی به این کار گماشته خواهند شد که وزیر جنگ دولت شاهنشاهی و یا نماینده مجاز ایشان و وزارت جنگ آمریکا یا نماینده مجاز آن با انتصاب آنها موافقت داشته باشند.

عنوان سوم وظایف درجات و ارشدیت

ماده ۶ اعضای این هیئت در یکی از ادارات وزارت جنگ دولت شاهنشاهی به اسم اداره مستشاری منصوب خواهند شد. اداره مستشاری تحت یک جدول سازمانی که با موافقت رئیس هیئت و تصویب وزیر جنگ ایران تهیه شده تشکیل خواهد شد. اعضاء هیئت به مشاغلی که توسط این جدول سازمانی تعیین می شود گماشته خواهند شد و انتصاب آنها در فرمانهای عمومی ارتشی درج خواهد گردید.

ماده ۷ افسر ارشد هیئت به سمت ریاست هیئت منصوب خواهد گشت. سایر اعضای هیئت توسط رئیس هیئت به مشاغلی که در جدول سازمانی تعیین و وزیر جنگ ایران تصویب خواهد کرد و یا به وظایفی که وزیر جنگ ایران و رئیس هیئت درباره آن موافقت کنند، گماشته خواهند شد.

ماده ۸ وظائف هیئت عبارت خواهد بود از راهنمایی و مساعدت به وزارت جنگ و ادارات مختلف و ارکان تابع ستاد ارتش در مورد نقشه ها و مسائل مربوطه به سازمان و اصول اداری و اسلوب تعلیمات، این وظایف شامل اصول کار ستاد ارتش و کلیه ادارات وزارت جنگ و شعب خارج از مرکز

آنها خواهد بود، به استثناء نقشه های تاکتیکی و استراتژیکی یا عملیات بر علیه دشمن خارجی که با وظایف هیئت ارتباطی ندارد.

ماده ۹ اعضای این هیئت در ارتش ایران هیچ گونه سمت فرماندهی یا ستادی نخواهند داشت معهذا آنها می توانند چنانچه ضرورت ایجاب نماید با تصویب مقام وزارت و دستور رئیس هیئت اقدام به پاره ای بازرسیها و تحقیقات رسمی بنمایند.

ماده ۱۰ هر یک از اعضای هیئت با همان درجه ای که در ارتش آمریکا دارد خدمت خواهد کرد، ولی بر تمام افسران هم درجه خود در ارتش ایران ارشدیت خواهد داشت. هر یک از اعضای هیئت از تمام امتیازات و مزایایی که بنا بر مقررات داخلی ارتش ایران برای افسران هم درجه او تعیین شده است برخوردار می گردد. اعضای هیئت لباس متحدالشکل ارتش آمریکا را بر تن خواهند کرد و علامت مخصوص خدمت در ارتش ایران را در منتهاالیه آستین نزدیک شانه نصب خواهند نمود.

ماده ۱۱ اعضای هیئت در صورت تخلف از قوانین و مقررات دولت ایران ممکن است از خدمت ارتش ایران معاف گردند. در این صورت فقط استحقاق دریافت هزینه مراجعت به آمریکا را خواهند داشت.

ماده ۱۲ به طوری که در مواد ۸ و ۹ توضیح داده شده رئیس هیئت و سایر اعضاء (به دستور رئیس هیئت) مجازند در اجرای وظایف عادی خود هر قسمت ارتش ایران را بازرسی کنند و افسران متصدی این قسمتها بایستی در مورد بازرسیهای مذکور تسهیلات لازم را فراهم آورند و طرحها و پرونده ها و گزارشها و مکاتبات مورد نیاز را در دسترس آنها بگذارند. اعضای هیئت هیچ گونه دخالتی در امور سری نخواهند داشت، مگر این که امور مذکور با وظایف آنها بستگی ضروری داشته باشد و در این صورت منحصراً طبق دستور وزارت جنگ ایران خواهد بود. هر عضو هیئت متعهد است هیچ گونه مطالب سری یا محرمانه را که از لحاظ سمت خود در عضویت هیئت از آن آگاه می شود به هیچ دولت خارجی و یا هرکس که باشد از هیچ طریق اظهار و افشاء ننماید. این تعهد پس از خاتمه خدمت عضو یا هیئت و پس از انقضاء یا الغاء این قرارداد نیز به قوت خود باقی خواهد ماند.

عنوان چهارم پاداش و مزایا

ماده ۱۳ هر یک از اعضاء هیئت سالیانه مبلغی مقطوع به عنوان پاداش با موافقت بین دولتین ایران و آمریکا به پول رایج آمریکا یا حواله دلار و یا چک دریافت خواهد نمود. این پاداش در ۱۲ قسط ماهانه متساوی هر قسط در آخرین روز هر ماه پرداخت خواهد شد. مالیاتهای جاری که از طرف دولت ایران یا تشکیلات اداری و سیاسی آن اکنون وضع شده و یا این که بعداً وضع خواهد شد شامل پاداش اعضاء هیئت مزبور نخواهد گردید. معهذا چنانچه فعلاً یا تا موقعی که این پیمان معتبر باشد، مالیاتی وضع گردد که شامل این پاداش نیز بشود این قبیل مالیاتها برای این که با مفاد این ماده قابل مطابقت باشد از طرف وزارت جنگ پرداخت خواهد شد تا به این ترتیب پاداشهای مورد موافقت به طور خالص پرداخت شود.

ماده ۱۴ پاداشهای مذکور در ماده قبل در مورد هر یک از اعضای هیئت از بدو ورود به ایران

شروع خواهد شد و بجز در مواردی که صریحاً در قرارداد حاضر به نحو دیگر ذکر شده باشد تا خاتمه انتصاب او به هیئت و یا خاتمه خدمت هیئت به موجب ماده ۴ این قرارداد برای مدت مراجعت به آمریکا و بعد از آن و در مورد مرخصی متراکم به هر یک از اعضاء هیئت قابل پرداخت خواهد بود.

ماده ۱۵ پاداشهای اضافی مربوط به مدت بازگشت به آمریکا و مرخصی متراکم می بایستی قبل از حرکت هر یک از اعضاء هیئت در ایران پرداخته شود و مأخذ احتساب این پاداشها قطع نظر از راه و وسیله مسافرتی که عضو هیئت به کار برد، کوتاه ترین راهی خواهد بود که به بندر ورودی آمریکا منتهی و معمولاً مسافرت از آن راه انجام می گیرد.

ماده ۱۶ در طی دوره بحران ملی که فعلاً در کشورهای متحد آمریکا حکمفرماست هزینه سفر هریک از اعضاء و هزینه حمل اثاثیه و بنه و اتومبیل او از کشورهای متحد به ایران و از ایران به کشورهای متحد توسط دولت کشورهای متحد آمریکا پرداخته خواهد شد. چنان که مدت این قرارداد از تاریخی تجاوز نماید که بحران ملی کنونی در کشورهای متحده خاتمه یابد پس از اعلام خاتمه این بحران ملی کتباً از طرف دولت کشورهای متحد به دولت ایران (به استثنای مورد عضوی که کمتر از دو سال سابقه خدمت در هیئت را دارد و بنا به مصالح دولت آمریکا با عضو دیگری مبادله می شود.) هزینه حمل و نقل هر عضو هیئت و اثاثیه منزل و بنه و اتومبیل او از طرف دولت ایران پرداخت خواهد

شد. وسایل درجه اول مسافرت برای کوتاه ترین راهی که معمولاً مسافرت ما بین بندر خروجی کشورهای متحد آمریکا و محل اقامت رسمی عضو در ایران صورت می گیرد. هم برای مسافرت به ایران و هم در مراجعت به آمریکا تأمین خواهد شد.

ماده ۱۷ در هر موقع در طی مدت این قرارداد هر یک از اعضاء هیئت بر حسب تمایل شخصی می تواند خانواده خود را با وسایل درجه اولی که دولت شاهنشاهی ایران در دسترس آنها خواهد گذاشت از طریق کوتاه ترین راهی که معمولاً مسافرت بین بندر خروجی کشورهای متحد آمریکا و محل اقامت رسمی عضو در ایران صورت می گیرد از آمریکا خواسته و یا به آمریکا مراجعت دهد. در سراسر این قرارداد منظور از کلمه (خانواده) زوجه و اولاد تحت الکفاله می باشد.

ماده ۱۸ فوق العاده هزینه سفر مربوط به مأموریتهای رسمی دولت ایران به وسیله دولت ایران طبق آئین نامه های مسافرتی ارتش ایران تأمین خواهد شد.

ماده ۱۹ علاوه بر وسایط و وسایل نقلیه ای که از طرف دولت آمریکا در اختیار هیئت گذاشته شده دولت ایران نیز در مورد لزوم وسایل نقلیه دیگری (اتومبیل و هواپیما) برای انجام کارهای اداری در اختیار هیئت قرار خواهد داد و دولت ایران یک سوم (ثلث) مجموع مصرف بنزین و روغن وسایل نقلیه متعلق به دولت آمریکا را که در اختیار هیئت است، طبق تشخیص رئیس هیئت تأمین خواهد کرد. تعداد و نوع وسایل نقلیه دولت آمریکا که در اختیار هیئت خواهد بود از طرف وزارت جنگ آمریکا تعیین خواهد گشت و نیز مقرر می گردد که در موارد لزوم طبق تشخیص رئیس هیئت و با پیروی از قوانین و مقررات جاریه یک هواپیمای ارتشی آمریکا با کارکنان آن برای انجام امور اداری اجازه ورود به ایران و خروج از ایران را داشته باشد، مشروط بر این که رئیس هیئت قبلاً طبق قواعد و مقررات ایران به اولیای امور مربوطه ایران مراتب را اطلاع دهد. کلیه وسایل نقلیه دولت آمریکا که در

داخله ایران برای عملیات در اختیار هیئت است از قوانین و مقررات ایران متابعت خواهد کرد.

ماده ۲۰ دولت ایران محل اداره و سایر تسهیلات کار از قبیل دفتر و اثاثیه و لوازم آن و تندنویس و منشی و مترجمین غیر نظامی و گماشته بر طبق جدول سازمان اداره مستشاری برای اعضاء هیئت تهیه خواهد کرد و کمکهای دیگر به منظور حسن اداره و سرعت جریان امور درباره ایشان مبذول خواهد داشت.

ماده ۲۱ چنانچه یکی از اعضای هیئت دولت و یا عضو خانواده یکی از اعضاء در ایران وفات یابد دولت ایران جسد او را به هر نقطه ای از خاک ممالک متحد آمریکا که سایر اعضاء خانواده متوفی بخواهند انتقال خواهد داد، ولی هزینه ای که از این بابت به دولت ایران تعلق می گیرد از میزان مخارج انتقال جنازه از محل فوت تا شهر نیویورک نباید تجاوز نماید. در صورتی که متوفی یکی از اعضای میسیون باشد تاریخ انقضای خدمت نامبرده در میسیون ۱۵ روز بعد از فوت محسوب خواهد شد. هزینه بازگشت خانواده عضو متوفی به آمریکا به انضمام هزینه انتقال اثاثیه و لوازم خانه و اتومبیل طبق ماده ۱۷ مقرر خواهد گردید. مزایا و پاداشی که به عضو متوفی تعلق می گیرد به علاوه حقوق مدت ۱۵ روز پس از مرگ و مطالباتی راجع به هزینه سفر و خرج مسافرت آن عضو مربوط به خدمات اداری هنگام خدمت به دولت ایران به زوجه عضو متوفی و یا شخص دیگری که متوفی کتباً در موقعی که طبق مفاد این پیمان در هیئت کار می کرده تعیین نموده باشد، پرداخت خواهد شد. ولی

بابت مدت مرخصی متراکم که متوفی از آن استفاده ننموده باشد، وجهی به زوجه متوفی و یا شخص دیگر پرداخت نخواهد شد. کلیه وجوه مورد مطالبه زوجه یا سایر اشخاص که متوفی تعیین نموده باشد بر حسب مقررات این ماده در ظرف مدت پانزده روز پس از مرگ عضو پرداخت خواهد شد.

ماده ۲۲ چنانچه عضوی از اعضای هیئت مریض شود و یا آسیبی بیند نامبرده به صوابدید رئیس هیئت پس از مشاوره با وزارت جنگ ایران در بیمارستانی که رئیس هیئت مناسب بداند بستری خواهد گردید و کلیه هزینه هایی که در اثر این کسالت یا آسیب ایجاد گردیده تا مدتی که بیمار عضو هیئت و در ایران می باشد، به وسیله دولت ایران پرداخته خواهد شد. چنانچه عضو بستری افسر باشد هزینه خوراک او به وسیله خودش پرداخته خواهد شد.

خانواده های اعضای هیئت نیز از مزایای مذکور در این ماده که برای اعضاء هیئت مورد موافقت واقع شده استفاده خواهند نمود، بجز این که عضو هیئت در هر مورد هزینه خوراک ایام بستری بودن خانواده خود را خواهد پرداخت.

هر عضو هیئت که بر اثر ناتوانی ممتد جسمانی قادر نباشد وظایف محوله را انجام دهد، تعویض خواهد شد.

عنوان پنجم مقررات و شرایط

ماده ۲۳ هر عضو هیئت سالیانه استحقاق استفاده از یک ماه مرخصی با حقوق و یا جزئی از آن را در سال به تناسب ایامی که خدمت نموده با دریافت حقوق خواهد داشت. هر قسمت از مرخصی مذکور که استفاده نشده باشد تا مدتی که عضو در هیئت مشغول خدمت است سال به سال قابل جمع می باشد. این مرخصی ممکن است در ایران یا در آمریکا یا کشورهای دیگر گذرانده شود ولی هزینه سفر و حمل و نقل که به وجه دیگری در این قرارداد مذکور نشده باشد به عهده عضوی که از مرخصی

استفاده می کند می باشد. کلیه مدت مسافرت در استفاده از مرخصی جزو مدت مرخصی محسوب خواهد شد. دولت ایران موافقت دارد مرخصی مصرحه در این قرارداد را طبق تقاضای کتبی که به تصویب رئیس هیئت رسیده باشد با در نظر گرفتن مقتضیات دولت ایران عطا نماید.

ماده ۲۴ تا مدتی که این قرارداد یا تمدید آن معتبر است دولت ایران هیچ گونه مأمورین هیچ دولت خارجی دیگر را برای انجام هیچ گونه وظایف مربوط به ارتش ایران استخدام نخواهد نمود، مگر با توافق نظر مشترک ما بین دولتین کشورهای متحد آمریکا و ایران.

ماده ۲۵ دولت ایران اشیاء و لوازمی را که اعضای هیئت برای مصرف خانواده خود به ایران وارد می نماید از حقوق گمرکی و یا عوارض دیگر معاف خواهد نمود، مشروط بر این که درخواست ورود معافی با تصویب سفیر کبیر آمریکا و یا کاردار موقت آمریکا باشد و نیز اشیاء و لوازمی را که در ایران برای مصرف شخصی یا مصرف خانواده خود خریداری و خارج می نمایند از کلیه حقوق گمرکی معاف خواهد ساخت.

در صورتی که دولت کشورهای متحد آمریکا وسیله نقلیه جهت ارسال مراسلات و بسته های پستی که از طرف اعضای هیئت به آمریکا و یا به عنوان آنها وارد می شود تأمین نماید دولت ایران آن را از عوارض پستی معاف خواهد نمود و بلامعارض اجازه عبور خواهد داد. رئیس هیئت مسئول

خواهد بود که از طرف اعضای هیئت و یا خانواده آنها هیچ گونه کالاهای قاچاق به خارج فرستاده نشده و از خارج دریافت نگردد.

برای گواهی مراتب فوق امضاءکنندگان زیر:

محمود جم وزیر جنگ دولت شاهنشاهی ایران و جرج و. الن سفیر کبیر کشورهای متحد آمریکا این قرارداد را در دو نسخه به زبانهای انگلیسی و فارسی در تهران به تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۲۶ امضاء می نماییم.

امضاء:

وزیر جنگ محمود جم

سفیر کبیر جرج. و. الن.

سند شماره (۶)

تلگرافهای دریافتی

از : مسکو (از طریق اداره وزارت) تاریخ: ۶ فوریه ۱۹۴۸

رمز : انتشار محدودشماره : بدون شماره

رله از مسکودریافت: ۷ فوریه ساعت ۱۱ صبح.

۲۱۳ فوریه ۵، ۳ بعد از ظهر

با اشاره به تلگرام شماره ۱۴۶ در ۴ فوریه، خلاصه متن یادداشت سادچیکف به دولت ایران بر اساس مقاله منتشره در ۲ فوریه در پراودا ارسال می گردد:

«در ۳۱ ژانویه سادچیکف یادداشتی به دولت ایران تسلیم کرد که در آن موارد فراوانی از فریبکاری مستشاران نظامی آمریکا در نیروهای مسلح ایران، مورد اشاره قرار گرفته بود و بر این امر

دلالت می کرد که آمریکاییان تلاش می کنند قلمرو خاک ایران را به یک پایگاه نظامی استراتژیک آمریکایی تبدیل کنند.

(۱) ارتش ایران تحت فرماندهی مستشاران نظامی آمریکا با همان تسلیحات آمریکایی مجدداً تجهیز می شود که آمریکا ارتش ترکیه را نیز بدان وسیله مجهز ساخته است. تسلیحات مربوط به ایران از آمریکا روی حساب اعتباری تحویل ایران می شود.

(۲) در آغاز سال ۱۹۴۷ ژنرال گراو (Grow)مستشار نظامی آمریکا، طرحی برای بازسازی ارتش ایران تهیه نمود. این طرح توسط شاه مورد تأیید واقع شد و اصل و مبنای سازمان ارتش ایران قرار گرفت.

(۳) یک کمیته ویژه که مستشاران نظامی آمریکایی نیز در آن حضور دارند، تحت نظارت ستاد کل، مشغول تبدیل کلیه رمزهای اصلی ارتش ایران و انطباق آنها با مدلهای آمریکایی می باشد.

(۴) مستشاران آمریکایی طرحی تهیه کرده اند که با تجدید سازمان صنایع جنگی ایران بر اساس تکنولوژی آمریکایی، پایگاه های جنگی ایران را تجهیز نمایند، بدین صورت پایگاه های جنگی می توانند سلاحهای نوع آمریکایی را تهیه و تعمیر کنند.

(۵) به تقاضا و تحت فرماندهی مستشاران نظامی آمریکا یک پایگاه هوایی بزرگ در نزدیکی شهر

قم مجهز به دستگاه های آمریکایی ساخته شد. نظر به اندازه این فرودگاه و علاقه مستشاران نظامی آمریکا در ساخت آن، مطمئناً برای استفاده نیروی هوایی ایران در نظر گرفته نشده است. در این رابطه انسان نمی تواند به تأسیسات عظیم ذخیره بنزینی که آمریکاییان در جنوب ایران ساخته اند، توجه نکند.

(۶) در ماه های اخیر، ایران در معرض سیلی از مستشاران و دیگر نمایندگان آمریکایی بوده است؛ نمایندگان آمریکایی نه تنها در ارتش بلکه در دیگر سازمانها نیز سکنی گزیده اند، در مؤسسات حمل و نقل هوایی غیر نظامی مثل شرکت هوایی «ایران تور» و غیره، تقریباً تمام پستهای کلیدی توسط افسران آمریکایی اشغال شده است.

(۷) انسان همچنین نمی تواند این نکته را از نظر دور بدارد که، اقامت پیشین نظامیان آمریکایی در ایران و چهار سربازخانه در تهران، و انتقال آنها به هیئت نظامی آمریکا منجر به ورود تعداد زیادی افسر و سرباز آمریکایی به ایران خواهد شد.

دقت در فعالیتهای هیئت نظامی آمریکا در ایران این نتیجه را حاصل می کند که این فعالیتها ممکن است، خطراتی در مرزهای شوروی به وجود آورند. از این قبیل، برای مثال می تواند به ساختن دژهایی در طول مرز شوروی با ایران به دستور آمریکاییها اشاره نمود؛ هیئتی مخصوص از سوی ستاد کل ارتش و با همکاری مستشاران آمریکایی، طرحهایی برای ساخت فرودگاه های جدید و بهبود فرودگاه های موجود تهیه نموده است. بیشترین توجه مصروف ساختن فرودگاه هایی در طول مرزهای شوروی می شود. سفرها و پروازهای اخیر مستشاران آمریکایی به مناطق مرزی شوروی متداول تر شده و منظور از آنها ظاهراً بازرسی واحدهای ارتش و پلیس ایران است، ولی در حقیقت این سفرها و پروازها از سوی مستشاران آمریکایی جهت شناسایی و عکاسی هوایی و رسیدگی نظامی به مرزهای ایران و غیره است.

ملاحظه در وقایع فوق الذکر حاکی است که تمامی آنها بر خلاف پیمان روابط حسن همجواری ایران شوروی مصوب ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ است، و دولت شوروی از دولت ایران انتظار دارد که قدمهای سریعی در رفع وضعیت غیرعادی کنونی بردارد.»

سفیر ایران می گوید که دولت متبوع او تأیید می کند که موارد فوق الذکر با متن یادداشت شوروی تطابق اساسی دارد.

«اسمیت»

مارشال

سند شماره (۷)

بدون طبقه بندیتهران ۷ فوریه ۱۹۴۸ ۱۸ بهمن ۱۳۲۶

عالیجناب آقای ابراهیم حکیمی، رئیس هیئت وزراء

احتراماً، نظرتان را به مذاکراتمان در دو هفته قبل در مورد مسئله همکاری بین مقامات ایرانی و هیئت آمریکایی در ژاندارمری ایران معطوف می دارم. اینجانب هم اکنون دستوراتی از دولت متبوع خود در این مورد دریافت کرده ام و خوشحالم از این که می توانم نقطه نظرات دولتم را به شرح زیر به اطلاع شما برسانم:

در زمان تهیه پیش نویس، توافق موجود جهت ایجاد یک هیئت از مأمورین آمریکایی در ژاندارمری ایران در سال ۱۳۲۱، مقامات ایرانی خواستار گنجانیدن (ماده ۲۰) دال بر این امر شدند که رئیس هیئت اعزامی ایالات متحده زیر نظر وزارت کشور در رأس ژاندارمری به کار گمارده شود. از طرف کابینه آن زمان آقایان علی اصغر حکمت وزیر دادگستری و سیدمحمد تدین وزیر کشور برای تهیه پیش نویس قرارداد، مسئولیت داشتند.

دولت متبوعه اینجانب به این دلیل درخواست ایران را در این مورد پذیرفت، زیرا که خواهان انجام و برآوردن احتیاجات و خواسته های دولت ایران می باشد.

دولت من متوجه گردیده است که فرمانده جدید ژاندارمری ایران تیمسار کوپال، دستوراتی دریافت کرده است مبنی بر این که به عنوان تنها فرمانده منحصر به فرد ژاندارمری عمل نماید. این مسئله، بی اعتنایی به مفاد مندرج در ماده ۲۰ محسوب می گردد. هر چند این ماده، همان طوری که در بالا گفته شد، در اصل موافقت نامه به تقاضای مستقیم آن دولت گنجانیده شده و بنده به ثبات قدم مقامات ایرانی اعتقاد راسخ دارم.

حال، دولت اینجانب مایل است بداند که آیا دولت ایران قصد دارد قرارداد مورخ ۶ آذرماه ۱۳۲۲ را لغو کند. اگر چنین است، اینجانب شخصاً به آن دسته از پرسنل نظامی آمریکا مأمور در وزارت کشور دستور خواهم داد که بی درنگ به خدمت خود خاتمه دهند.

چنانچه دولت ایران مایل باشد که دولت ایالات متحده نقش پرسنل نظامی آمریکا در دولت ایران را بر مبنای مستشاری محض قرار دهد، دولت متبوع من آمادگی برای پذیرش چنین تقاضایی را دارد.

اما موافقت دولت من در این مورد، به توضیح قانع کننده در مورد عملکرد یک جانبه دولت ایران در لغو شرایط مندرج در ماده ۲۰ و همچنین روشن ساختن وظایف و مسئولیتهای محوله به مأمورین

آمریکایی که در آینده به خدمت ژاندارمری گمارده خواهند شد، بستگی دارد.

در صورتی که دولت ایران مایل به حذف ماده ۲۰ در قرارداد موجود می باشد، با مبادله یادداشتهایی می توان آن را به انجام رساند.

مسلم است که تصمیم ایران مبنی بر تقاضای ادامه کار هیئت مزبور در چهارچوب منافع ملی ایران گرفته خواهد شد، نه این که تحت تأثیر ملاحظات بی ربط خارجی باشد.

دولت متبوع من از پاسخ عاجل دولت ایران که حاوی تمایلاتش در ملاحظات فوق الذکر باشد استقبال خواهد نمود.

با احترامات فائقه به آن مقام معظم.

(امضاء)

جرج. و. آلن

سند شماره (۸)

۲۶ آوریل ۱۹۴۸ ۶ اردیبهشت ۱۳۲۷یادداشت سری

موضوع : قرارداد هیئت «گراو»

در ۶ اکتبر ۱۹۴۷، سفیر کبیر «آلن» و آقای «محمود جم» وزیر جنگ وقت ایران، قرارداد تجدید

نظر شده ای را که در بر گیرنده هیئت نظامی ایالات متحده در ارتش ایران بود، امضاء کردند.

مدت قرارداد قبلی که در ۱۹۴۳ به امضاء رسیده بود منقضی نگشته بود، لکن به علت دستورات آخر «اوت» وزارت امور خارجه آمریکا، مورد مذاکره مجدد قرار گرفت. این دستورات، به تصمیمی از طرف مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۹۴۶ برمی گردد که با تحریک اتحاد جماهیر شوروی اتخاذ شده بود و به موجب آن تمام کشورهای عضو موظف می شوند مواردی را که در قلمرو مرزهای جغرافیایی دیگر اعضاء نیرو نگهداری می کنند، به سازمان ملل گزارش دهند و توافقنامه هایی را که شامل استقرار چنین نظامیانی می شود، با اصول سازمان ملل متحد هماهنگ نمایند. تلگرام وزارت امور خارجه اظهار می داشت که (برخلاف قرارداد ۱۹۴۳ که در بر گیرنده هیئت مستشاری ژاندارمری بود) قرارداد مستشاری هرگز به صورت آشکاری منعقد نشده بود، زیرا با در نظر گرفتن اختیارات وسیعی که به هیئت اعطا شده، ممکن است مشکلاتی به بار آورد. بنابراین سفارت دستور یافته بود که قرارداد جدیدی را در اسرع وقت، جهت ارائه به جلسه سپتامبر مجمع عمومی تهیه نماید.

از آنجایی که در وزارت جنگ ما، این احساس وجود داشت که راههای زیادی برای اصلاح قرارداد حاضر وجود دارد، ژنرال «گراو» شرایط ممکن برای قرارداد جدید را با وزیر جنگ مورد مذاکره قرار داده بود. به همین خاطر مذاکره در مورد طرح جدید با مشکلات اساسی مواجه نشد. مطابق اظهارات فوق، قرارداد اصلاح شده در ششم اکتبر، ۹ توسط آقای آلن و آقای جم که از طرف نخست وزیر «قوام» برای این منظور تعیین شده بود، به امضاء رسید. علاوه بر این «قوام» به آقای آلن اطلاع داد که مطابق مصوبه پایه ای ۱۹۴۳، دولت اجازه و اختیار دارد تا قرارداد را بدون ارائه به مجلس مورد مذاکره مجدد قرار دهد.

در وقت مقرر، دلایل علاقه ما برای مذاکره و تجدید نظر در قرارداد بطور کامل برای دولت ایران

توضیح داده شد. آن دولت به انتشار قرارداد جدید، رضایت داد. زیرا مشخص بود که به هنگام تسلیم قرارداد توسط وزارت امور خارجه آمریکا به دبیر کل سازمان ملل، خود به خود علنی می گشت.

تا اواخر دسامبر هیچ خبری در مورد قرارداد پخش نشد، ولی در آن موقع خبری توسط «لیک ساکس» پخش شد که امضاء قرارداد در ۶ اکتبر را اعلام می کرد. از قرار معلوم، وزارت امور خارجه به مطبوعات اطلاعی نداده بود، بلکه آنها از طریق روند اداری کار دبیر کل سازمان ملل از آن آگاه شده بودند. خبر فوق در اینجا، به هیجانات زیادی دامن زد و در مطبوعات و مجلس سروصداهای زیادی برانگیخت که گویا دولت با قدرتهای خارجی قراردادهای پنهانی منعقد ساخته و به خاطر این که قرارداد هیئت نظامی را جهت تصویب به مجلس تسلیم نکرده از قدرت و اختیارات قانونی خود تخطی نموده است. خشم و انزجار موقعی افزایش یافت که سفارت شوروی متن کامل قرارداد را از «لیک ساکس» که از طریق مسکو دریافت کرده بود، در بولتن اخبار روزانه خود که به زبانهای روسی و فارسی منتشر می شود، چاپ کرد.

سفارت هر آنچه را که می توانست انجام داد تا دلایل مذاکره مجدد درباره قرارداد را توضیح دهد و تأکید نمود که هیچ یک از طرفین مایل به مخفی نگه داشتن موضوع نبوده اند. به هر صورت، در حال حاضر خساراتی پیش آمده است و به خاطر مقابله با این زمینه است که دولت شوروی یادداشتهای ۳۱ ژانویه و بعد از آن را در مورد فعالیتهای هیئت مستشاری برای دولت ایران می فرستد.

در اول ماه مارس ۱۹۴۸، وزارت امور خارجه به ما تلگراف زد که سفارت ایران در واشنگتن به طور غیر منتظره ای پیشنهاد نموده بود که برخی از عبارات قرارداد ششم اکتبر، دوباره مورد بحث و مذاکره قرار گیرد. این تغییرات اساساً همان پیشنهادهای اخیر وزارت امور خارجه ایران به ما می باشد و شما با دستوراتی که ما در این زمینه از وزارت امور خارجه دریافت کرده ایم، آشنا هستید.

سند شماره (۹)

۹، ژوئن ۱۹۴۸ ۱۹ خرداد ماه ۱۳۲۷بدون طبقه بندی

سفارت آمریکا تهران ایران

عالیجناب: موسی نوری اسفندیاری، وزیر امور خارجه ایران تهران

احتراماً با اشاره به گفتگوهای اخیر در رابطه با هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری ایران، به اطلاع می رساند که دولت متبوع اینجانب، سرتیپ «اچ. نورمان، شوارتزکف» را به وظایف مهمتری منتقل می سازد. طبق پیش بینی های لازم، وی در حدود ۲۰ ژوئن ایران را ترک خواهد نمود.

در رابطه با سطح تشکیلات ژاندارمری در زمان تصدی امور هیئت توسط شوارتزکف، دولت آمریکا پیشنهاد می کند که در صورت موافقت دولت ایران بند ۲۰ قرارداد مربوط به گروه ژاندارمری پس از عزیمت ژنرال شوارتزکف اصلاح گردد تا وظیفه فرماندهی که تاکنون توسط رئیس هیئت انجام می شد، حذف گردد. در نتیجه این گروه تنها به انجام وظیفه در زمینه مستشاری می پردازد.

امیدوارم که هر چه زودتر از نقطه نظرات دولت ایران در این مورد، مطلع گردم.

عالیجناب بهترین احترامات مرا بپذیرید.

(امضاء)

جان. سی. ویلی

بدون طبقه بندی

همراه با گزارش شماره ۲۶۵ مورخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۸ به وزارت امور خارجه (آمریکا م)

ارسال گردید.

سند شماره (۱۰)

«تلگرامهای سری»سری

به: وزارتتاریخ ۲۶ اوت ۱۹۴۸ ۴ شهریور ماه ۱۳۲۷

۱۰۰۳ ۲۶ اوت، ساعت ۷ بعد از ظهرشماره: ۱۰۰۳

رمز: سریدریافت: واشنگتن دی .سی.

اینجانب و وابسته نظامی، نهار را امروز به طور خصوصی با افسر عالیرتبه ستاد صرف کردیم. او می گوید، «رازین» وابسته نظامی شوروی، قبل از مراجعت به روسیه توضیحاتی به او داده که با آنهایی که توسط سفیر شوروی به نخست وزیر گفته شده، یکسان بوده اند. (تلگرام سفارت به شماره ۹۲۴/۵ اوت).

مفاد سخنان رازین این است: «ما تمام صنعت خود را در سراسر شوروی به خاطر امکان عملیات

جنگی پراکنده ساخته ایم. این تمهیدات غیر از یک مورد در تمام ابعاد کفایت دارند. باکو را نمی توانیم تقسیم کنیم. تأسیسات نفتی باکو برای تمام قسمتهای شوروی ضروری است. ما چندان از ارتش ایران نمی ترسیم، ولی نگران حمله آمریکا به باکو از طریق ایران هستیم. بنابراین نمی توانیم اجازه دهیم که ارتش ایران با ارتش آمریکا درهم آمیخته شوند. لذا برنامه اعتباری تسلیحات باید ملغی شده و مستشاران نظامی آمریکا بروند. اگر در این باره اقدامی از سوی ایران با توجه به توضیحات ما صورت نگیرد، مجبور به استفاده از روشهای دیگر خواهیم بود.» من به HSO خاطرنشان ساختم که نتایج سخنان رازین شبیه به یک تهدید بود. آیا سادچیکف هم نخست وزیر را به همین شکل تهدید کرده است؟ HSO اظهار داشت که تهدیدات مشابهی نیز برای نخست وزیر مطرح شده است. HSOهیچ نشانه ای از اضطراب در این باره آشکار نساخت، ولی مطمئناً تلاش می کند تا از این مسئله برای اعمال فشار بر ما جهت دریافت مهمات تانک بیشتری در برنامه تسلیحات سود جوید. HSOتلگراف غم انگیزی درباره این موضوع از شاه دریافت داشته، و اظهار می دارد که شاه مایل است هرچه سریعتر مرا پس از مراجعتش جهت حل این موضوع ببیند. در نتیجه، HSO تبلیغات شوروی را بسیار فعال توصیف نموده است. هرجا که کمبود نان وجود دارد، شوروی ها با ادعای این که گندم و آرد، در مقابل هزینه برنامه تسلیحاتی به آمریکا ارسال می شود باعث آشوب در روستاها می شوند.ویلی

سند شماره (۱۱)

۱۱ سپتامبر ۱۹۴۸ ۲۰ شهریور ماه ۱۳۲۷بدون طبقه بندی

شماره ۳۵۲۶یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی با اظهار تعارفات خود به سفارت کُبرای کشورهای متحده آمریکا راجع به تجدید نظر در ماده ۲۰ قرارداد استخدام هیئت مستشاری آمریکایی در ژاندارمری شاهنشاهی

ایران احتراماً اظهار می دارد، مقامات مربوطه دولت شاهنشاهی با اصلاح ماده به شرح زیر موافقت دارند:

«وزیر کشور رئیس هیئت را به سمت مستشار وزارت کشور در امور مربوطه به ژاندارمری شاهنشاهی ایران برای مدت این قرارداد منصوب خواهد نمود و خدمت او صرفاً جنبه مشورتی خواهد داشت، برای این که نامبرده بتواند پیشنهادهای شایسته و جامعی بنماید، فرمانده کل ژاندارمری تمام اطلاعات مربوطه به امور سازمانی و تعلیماتی ژاندارمری را در دسترس هیئت خواهد گذاشت. هیئت نامبرده ممکن است بازرسیها و تحقیقاتی را که برای دادن پیشنهادات در امور سازمان و تعلیماتی لازم باشد، به عمل آورند. هیئت پیشنهادات مزبور را به وسیله رئیس کل ژاندارمری به وزارت کشور ارسال خواهد داشت».

وزارت امور خارجه شاهنشاهی از آن سفارت کبرای خواهشمند است، موافقت مقامات مربوطه کشورهای متحده آمریکا را نسبت به ماده اصلاحی بالا به وزارت امور خارجه اعلام فرمایند.

سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا تهران

سند شماره (۱۲)

۱۳ سپتامبر ۱۹۴۸ ۲۲ شهریور ۱۳۲۷بدون طبقه بندی

تهران ایران

شماره ۳۴۷

وزارت امور خارجه کشور شاهنشاهی، تهران

سفارت ایالات متحده آمریکا با اظهار تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی معروض می دارد: بازگشت به نامه شماره ۳۵۲۶ مورخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۴۸ آن وزارتخانه در مورد تجدیدنظر در ماده ۲۰ موافقتنامه بین هیئت نظامی ایالات متحده و ژاندارمری کشور شاهنشاهی ایران، به اطلاع آن وزارتخانه می رساند که دولت ایالات متحده با اصلاح این ماده بر طبق نامه آن وزارتخانه موافقت می کند به این ترتیب که:

«وزیر کشور رئیس هیئت را به سمت مستشار وزارت کشور در امور مربوط به ژاندارمری شاهنشاهی ایران برای مدت این قرارداد منصوب خواهد نمود و خدمت او صرفاً جنبه مشورتی خواهد داشت. برای این که نامبرده بتواند پیشنهادهای شایسته و جامعی به نماید، فرمانده کل ژاندارمری تمام اطلاعات مربوط به امور سازمانی و آموزشی ژاندارمری را در دسترس هیئت خواهد گذاشت. هیئت نامبرده ممکن است بازرسیها و تحقیقاتی را که برای دادن پیشنهادها در امور سازمانی و آموزشی لازم باشد، به عمل آورند. هیئت پیشنهادهای مزبور را به وسیله رئیس کل ژاندارمری به وزارت کشور ارسال خواهد داشت.»

براساس موافقت قبلی، ماده ۲۰ اصلاح شده از تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۴۸ (۳۰ خرداد ۱۳۲۷ م) قابل اجراء خواهد بود.

سفارت موقع را مغتنم شمرده و احترامات فائقه خود را جهت وزارت خارجه شاهنشاهی تجدید می دارد.

با شماره ۲۶۵ مورخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۸ به وزارت امور خارجه (آمریکا م) ارسال شد.

سند شماره (۱۳)

ترجمه

یادداشت شماره ۳۴۷۱تاریخ: ۲۰ سپتامبر ۱۹۴۸ ۲۹ شهریورماه ۱۳۲۷

سفارت ایالات متحده آمریکا تهران

وزارت امور خارجه کشور شاهنشاهی با اظهار تعارفات خود به سفارت کبرای ایالات متحده آمریکا، مفتخر است که اعلام دارد از آنجایی که موافقتنامه استخدام هیئت مستشاری آمریکا در وزارت جنگ کشور شاهنشاهی در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۴۹ (۲۹ اسفند ۱۳۲۷) منقضی می گردد، براساس بند ۳ موافقتنامه مذکور، در چنین حالتی در صورتی که دولت شاهنشاهی مایل به تمدید دوره خدمت هیئت باشد، می بایست تمایل خود را به صورت کتبی تا ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۸ (۳۰ شهریور ۱۳۲۷) اظهار نماید. لذا اکنون همان طوری که قبلاً به آن سفارتخانه به طور شفاهی اطلاع داده شده

است، مسئولین دولت شاهنشاهی، اصولاً مایل به تمدید موافقتنامه مذکور برای مدت یک سال دیگر از تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۴۹ (۲۹ اسفند ۱۳۲۷) می باشند.

البته این برخورد، یک مورد اصولی و طبیعی است و اصلاحات موردنظر در موافقتنامه، با مذاکراتی که در جریان است، با رضایت طرفین به عمل خواهد آمد.

مهر وزارت امور خارجه (ایران م)

به صورت ضمیمه نامه شماره ۴ مورخ ۶ ژانویه ۱۹۴۹ به وزارت امور خارجه (آمریکا م) ارسال شد. رونوشتها، ضمیمه نامه شماره ۶۹ مورخ ۷ مارس ۱۹۴۹ به وزارت امور خارجه (آمریکا م) ارسال شد.

سند شماره (۱۴)

تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۴۸ ۳ مهر ۱۳۲۷طبقه بندی: سری

گزیده ای از مطالب یادداشتبه: سفیر آمریکا در تهران

موضوع : قرارداد هیئت نظامی

«۱ در تاریخ ۲۳ سپتامبر سرتیپ رزم آرا به من اطلاع داد که در رابطه با قرارداد، با شاه وارد گفتگویی طولانی شده است. شاه گفته بود که از طریق وزارت خارجه از دولت آمریکا خواستار ایجاد دو تغییر در قرارداد و تمدید آن خواهد شد، علت این تغییرات این است که مجلس نیز بایستی آن را تأیید کند. قرارداد کنونی همزمان با برگزاری اجلاس مجلس امضاء شد، ولی به مجلس تقدیم نگردید. ظاهراً دولت معتقد است که تمدید قرارداد باید به مجلس تقدیم گردد....»

«۲ تنها تغییر مهم دیگر در ماده ۲۴ است، رزم آرا گفت او و شاه می دانند که ماده فعلی به نفع دولت ایران است، ولی معتقدند که مجلس با انضمام آن موافقت نخواهد کرد. آنها پیشنهاد کرده اند که

بهترین راه، حذف ماده مذکور و آغاز مبادله یادداشت بین دولتین است تا طی آنها دولت ایران تضمین نماید که مستشاران خارجی دیگری را بدون اعلام موافقت (آمریکا م) استخدام ننماید....»

(امضاء)

سرلشگر آر. وی. گراو

سپهبد ارتش آمریکا

سند شماره (۱۵)

یادداشت شماره : ۵۵۵تاریخ: ۲۰ دسامبر ۱۹۴۸ ۲۹ آذر ۱۳۲۷

ضمیمه شماره ۲ گزارش شماره ۴ سفارت آمریکا، تهران، ایران،

مورخ ۶ ژانویه ۱۹۴۹

سفارت آمریکا در تهران

سفارت آمریکا با اظهار تعارفات خود به وزارت خارجه دولت ایران افتخار دارد که به یادداشت شماره ۳۴۷۱ مورخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۴۸، در رابطه با تجدید قرارداد هیئت نظامی آمریکا در

ارتش ایران و گفتگوهای انجام شده بین نمایندگان دولت ایران و این سفارت اشاره نماید.

وزارت خارجه در یادداشت مورخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۴۸ خود اعلام می دارد که دولت ایران مایل است قرارداد را از تاریخ خاتمه آن یعنی ۲۰ مارس ۱۹۴۹ به مدت یک سال دیگر تمدید نماید، اما باید در مورد بعضی از جرح و تعدیلهای ضروری گفتگوهایی به عمل آید. این گفتگوها اکنون انجام شده و طبق تضمینهای شفاهی نمایندگان دولت ایران، مشخص شده که دولت ایران تصمیم به تمدید بدون تغییر قرارداد گرفته است. همچنین گفته شده است که سفارت در همین رابطه یک یادداشت کتبی دریافت خواهد نمود.

همان طور که وزارتخانه اطلاع دارد، بند ۳ قرارداد تصریح می نماید که اگر دولت ایران مایل به تمدید خدمات هیئت پس از تاریخ قید شده، باشد (پس از ۲۰ مارس ۱۹۴۹)، باید قبل از ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۸ تمایل خود را کتباً اعلام کند، و دولت آمریکا نیز تا قبل از ۲۱ دسامبر ۱۹۴۸ در مورد آن اقدامات لازم را به عمل آورد. سفارت آمریکا بدین وسیله اعلام می دارد که دولت آمریکا با تقاضای تمدید قرارداد از طرف دولت ایران موافق است، مشروط بر آنکه در متن قرارداد تغییری پدید نیاید.

سفارت موقع را مغتنم شمرده و احترامات فائقه خود را جهت وزارت خارجه شاهنشاهی تجدید می دارد.

وزارت خارجه شاهنشاهی ایران، تهران

سند شماره (۱۶)

۲۳ دسامبر ساعت ۲ بعد از ظهر خیلی محرمانه

وزارت امور خارجه (آمریکا م)شماره ۱۱۸۴

فوری۲۴ دسامبر ۱۹۴۸ ۳ دی ماه ۱۳۲۷

۱۱۸۴، ۲۳ دسامبر، ساعت ۲ بعد از ظهر

وزارت امور خارجه (آمریکا م) با «ویلی» طی (تلگرام فوری شماره ۱۱۴۶ مورخ ۱۷ دسامبر) در مورد پیشنهاد پاراگراف دوم تلگرام وزارت امور خارجه (آمریکا م) به شماره ۱۱۷۰ مورخ ۱۶ دسامبر، مذاکره کرده است. این پیشنهاد را که علت آن داستانهای ناخوشایند مطبوعاتی بود و باعث تأخیر در ثبت توافقنامه هیئت مستشاری، در سازمان ملل در دسامبر گذشته گردید، با او به بحث گذارده است.

ما با حذف اعلان مطبوعاتی موافقیم، ولی مطلع ساختن سازمان ملل به علل زیر الزامی است: (۱) ماده ۱۰۲ منشور سازمان ملل، (۲) قطعنامه مجمع عمومی این سازمان مورخ دسامبر ۱۹۴۶ که خواهان اعلام علنی رضایت دولت دریافت کننده کارمندان نظامی بیگانه است. به علاوه توافقنامه های بین المللی ایالات متحده باید در مجموعه قوانین به صورت وسیعی انتشار یابند.

ما با مبادله ساده تقاضاهای ایران روبرو هستیم و سفارت با تمدید قرارداد هیئت مستشاری، که مطلع ساختن اداری و بدون فوت وقت سازمان ملل را درپی دارد، موافق است.

لاوت

سند شماره (۱)۱۷

تاریخ یادداشت: ۲۹ دسامبر ۱۹۴۸ ۸ دی ماه ۱۳۲۷ شماره ۵۴۱۷

یادداشت

وزارت امورخارجه شاهنشاهی با اظهار تعارفات خود به سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا پیرو یادداشت شماره ۳۴۷۱ مورخه ۲۹/۶/۲۷ راجع به تمدید قرارداد استخدام هیئت مستشاران آمریکایی در وزارت جنگ محترماً اشعار می دارد.

به طوری که شفاهاً هم تذکر داده شده است مقامات مربوطه دولت شاهنشاهی با تمدید قرارداد فعلی به مدت یک سال دیگر از تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۷ موافقت دارند. ضمناً جمله (یک عده افسر و سرباز آمریکایی) که در قرارداد فعلی مندرج است به جمله (یک عده افسر و درجه دار آمریکایی) تبدیل می شود. خواهشمند است موافقت مقامات مربوطه کشورهای متحده آمریکا را نسبت به مراتب مزبور به وزارت امور خارجه اعلام فرمایند.سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا

سند شماره (۱۸)

تاریخ: ۵ ژانویه ۱۹۴۹ ۱۵ دی ماه ۱۳۲۷شماره: ۵۷۵

ضمیمه شماره ۴ گزارش شماره ۴ سفارت آمریکا، تهران، ایران، مورخ ۶ ژانویه ۱۹۴۹

وزارت امور خارجه شاهنشاهی، تهران

سفارت ایالات متحده آمریکا با اظهار تعارفات خود به وزارت امورخارجه شاهنشاهی، افتخار دارد به اطلاع برساند که یادداشت آن وزارتخانه به شماره ۵۴۱۷ مورخ ۲۹ دسامبر ۱۹۴۸ مربوط به تمدید موافقتنامه همکاری هیئت نظامی ایالات متحده و ارتش ایران را دریافت کرده است.

با توجه به یادداشت تحت مطالعه وزارت شاهنشاهی، به اطلاع می رساند که سفارت، مختار

گردیده است تا دولت ایران را از تمایلات دولت ایالات متحده در مورد تمدید موافقتنامه برای یک سال دیگر که از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۴۹ شروع می شود، مطلع نماید.

همچنین به درخواست دولت ایران، دولت ایالات متحده نیز موافق با جایگزینی عبارت درجه داران به جای عبارت سربازان، در مقدمه موافقتنامه است.

سفارت موقع را مغتنم شمرده و احترامات فائقه خود را جهت وزارتخانه شاهنشاهی تجدید می دارد.سفارت آمریکا

سند شماره (۱۹)

محرمانه

گزیده ای از تلگرام

متن زیر گزیده ای است از تلگرام محرمانه و بدون شماره (ثبت نشده م) وزارت امور خارجه (آمریکا م) به تاریخ ۱۶ ژوئن ۱۹۴۹ (۲۶ خرداد ۱۳۲۸ م)

«توجه شود به مکاتبات انجام شده در خصوص هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری ایران که به

۱- در متن ترجمه شده این سند تاریخ سند به اشتباه ۲۰ دسامبر ۱۹۴۸ ذکر شده است. م

زودی به سازمان ملل ارسال می گردد. این اولین باری است که قرارداد ژاندارمری برای ثبت ارائه می شود، زیرا هنگامی که منشور سازمان ملل قابل اجراء گردید، این توافقنامه در مرحله اجراء بود و ماده ۱۰۲ بدین ترتیب تفسیر شده است که توافقنامه بعد از تشکیل سازمان ملل به اجراء درآید (هرچند این توافقنامه به عنوان یک سند آشکار از طرف اداره چاپ دولتی برای فروش در دسترس عموم بود.) توافقنامه اصلاحی (دایر بر حذف وظیفه فرماندهی) به عنوان یک قرارداد جدید تلقی شده ، بنابراین تحت عنوان ثبت سازمان ملل و از سری قراردادهای مربوط به تجدید چاپ قرار می گیرد.»وب

سند شماره (۲۰)

محرمانه

گزیده ای از تلگرام

متن زیر گزیده ای از تلگرام محرمانه و بدون شماره (ثبت نشده م) وزارت امور خارجه (آمریکا م) به تاریخ ۱۶ ژوئن ۱۹۴۹ (۲۶ خرداد ۱۳۲۸ م) می باشد.

«... این وزارتخانه در تاریخ ۲۳ می یادداشتهای تبادل نظر که حاوی مطالب مربوط به هیئت نظامی آمریکا در ارتش ایران بود، را برای نماینده آمریکا در سازمان ملل فرستاد تا روند اداری برای ثبت آنها در دبیرخانه سازمان ملل را انجام دهد. مشکل می توان حدس زد که چه زمانی سازمان ملل آنها را منتشر خواهد ساخت.»

سند شماره (۲۱)

«کپی» شماره ۱۴۰۵مورخ ۷ مردادماه ۱۳۲۸ (۲۹ ژوئیه ۱۹۴۹)

«نامه سفیر ایران در آمریکا به وزیر امور خارجه آمریکا»

سفیر ایران احترامات فائقه خود را به عالیجناب وزیر خارجه تقدیم نموده و مفتخر است با اشاره به مذاکرات فراوان خود به آقای لوئی هندرسن (Loy Henderson) مدیر اسبق دفتر امور خاور نزدیک و آفریقا، و یادداشت خود به تاریخ ۴ اوت ۱۹۴۸، و همچنین مذاکرات مکررش با آقای ساترث ویت (Satterthwaite)، جانشین آقای هندرسن؛ به تشویق ایشان مطالب زیر را به اطلاع برساند:

۱) کمک نظامی جهت تجهیز ارتش ایران، برای کمک به تحرک بیشتر آن جهت مقاومت در مقابل تجاوز خارجی و حفظ نظم داخلی.

۲) کمکهای مالی و فنی برای به جریان انداختن پروژه های اجتماعی، کشاورزی و صنعتی جهت ارتقاء سطح زندگی مردم.

بدین وسیله دولت قادر خواهد بود با تبلیغات موذیانه کمونیستی مقابله نموده و به مبارزه اش علیه تجاوز، که همیشه در صف نخستین آن بوده است، ادامه دهد.

در این مذاکرات، سفیر اشاره نمود، با این که دولت متبوعش طی دو سال گذشته مقاومت از خود نشان داده است، ولی بدون کمکهای مادی احتمالاً قادر به تحمل فشاری اینچنین شدید برای مدتی طولانی تر نخواهد بود، مگر این که کمکهایی از قبیل آنچه به دیگر ملل دوستدار آزادی که در شرایط

مشابهی قرار داشته اند مبذول شده، به ایران نیز اعطا شود.

در نتیجه این اظهارات، نیاز بدین کمک مشخص شده، و ریاست جمهور آمریکا و همچنین وزیر خارجه، در چندین مناسبت گوناگون طی بیانیه هایی علنی، ایران را از جمله کشورهای تحت فشار، و مستحق کمک و پشتیبانی آمریکا همچون یونان و ترکیه معرفی نموده اند. باعث بسی خرسندی و امتنان است، که رئیس جمهوری در پیام اخیر خود به کنگره در رابطه با برنامه کمکهای نظامی، از ایران در کنار دیگر ملل مستحق دریافت کمکهای نظامی، نام برد.

سفیر همچنین توجه را به مذاکرات اخیر خود با آقایان ساترث ویت و مک گی (McGhee)جلب می کند که طی آن، به اطلاع رساند که دولت متبوعش مصمم است با عزمی راسخ در مقابل تهاجمات، ایستاده و از دولت آمریکا رسماً تقاضا می کند که به عنوان رهبر ملل دوستدار آزادی کمکهای نظامی، مالی و فنی خود را، تحت برنامه های موجود، مشابه با آنچه در اختیار سایر ملل دوستدار آزادی نهاده است، دریغ ننماید.

(پاراگراف حذف شده)

از جمله این مواد، بندی است که می تواند نوعی کمک نظامی تلقی شود و موادی را مشخص می سازد که مورد نیاز راه آهن دولتی ایران است. که در طول سالهای متمادی استفاده نظامی توسط متفقین آسیبهای فراوانی در ریلها، بستر جاده ها و ابزار و وسایط متحرکه دیده است؛ این وسایل و کمکها برای بازسازی راه آهن به مثابه مهمترین وسیله حمل و نقل و دفاع کشور، ضروری است. در رابطه با کمکهایی که از سوی این راه آهن، در جهت اهداف متفقین به عمل آمد و اهمیت آن در آینده، امید می رود که دولت ایالات متحده آمریکا امکان تأمین مواد لازم جهت بازسازی آن را خواه تحت برنامه کمکهای نظامی، و یا به عنوان کمکهای مالی، بیابد.

سفیر ایران مطمئن است که تقاضای دولت متبوعش جهت کمک، مورد ملاحظات هوادارانه و موافق قرار خواهد گرفت، و با ابلاغ آن مایل است تشکرات خود را به خاطر دیگر کمکهایی که در حال حاضر اعطا شده اند، همچون کمک نظامی تحت برنامه همکاریهای نظامی کمکهای مالی و اقتصادی به برنامه ۷ ساله، در شکل وامها و اعتبارات اعطایی از طریق وساطت بانک صادرات و واردات، و بانک بین المللی توسعه و بازسازی، و همچنین کمکهای فنی و غیره تحت شرایط و موازین موجود، از قبیل لایحه اسمیت. موندت (Smith – Mundt)و موازین شناور همچون طرح اجرای اصل چهار در نطق افتتاحیه ریاست جمهوری، تجدید نماید.

۲۹ ژوئیه ۱۹۴۹ واشنگتن، دی. سی.

عالیجناب دن. سی. آچسن

وزیر امور خارجه

وزارت خارجه

واشنگتن دی. سی

ص: ۵۳۶

سند شماره (۲۲)

مورخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۴۹ ۳۱ شهریور ۱۳۲۸

نامه وزیر امور خارجه آمریکا به سفیر ایران در آمریکا

وزیر امور خارجه ضمن اظهار تعارفات خود به عالیجناب سفیر ایران، احتراماً به یادداشت آن سفارت به شماره ۱۴۰۵ مورخ ۲۹ ژوئیه ۱۹۴۹ درباره مذاکرات سفیر و مقامات وزارت و تمایل ایران برای دستیابی به کمکهای اقتصادی و نظامی، اشاره می نماید.

همان طور که سفیر واقفند، رئیس جمهور در پیام اخیر خود به کنگره، ایران را از جمله کشورهایی که واجد شرایط کمک نظامی هستند، قلمداد نمود. لذا توان این دولت در تأمین کمکهای نظامی، منوط به اقدامات کنگره در مورد پیشنهاد رئیس جمهور خواهد بود. وزارت خارجه همدوش وزارت دفاع، به طور مداوم در جهت تصویب این لایحه توسط کنگره و فراهم نمودن منابع مالی لازم تلاش می کند. اگر کنگره پیشنهاد مذکور را به قانون بدل سازد، در آن هنگام این دولت در موقعیتی خواهد بود که بعضی از نیازهای خاص نیروهای مسلح ایران را تأمین کند باید تذکر داد که ایران تنها کشوری است که با دارا بودن موقعیت رضایت بخشی از لحاظ ارز خارجی، کمک نظامی به آن کشور به صورت بلاعوض اعطا شده است.

(پاراگراف حذف شده)

... به نظر این دولت، به اجرا در آوردن هر چه زودتر برنامه هفت ساله دولت ایران با استفاده از منابع موجود بهترین روش ممکن جهت بالا بردن سطح استاندارد زندگی مردم ایران است و در نتیجه بهترین کمک برای مقاومت ایران در مقابل تهاجماتی که در یادداشت فوق الذکر سفیر آمده، خواهد بود.

وضعیت رضایت بخش ارز خارجی ایران، همچنین این احتمال که ایران می تواند با کسب اعتبار از

بانک جهانی، منابع خویش را تکمیل کند، به نظر می رسد ایران را در مقرون به صرفه ترین موقعیت برای اجرای برنامه «توسعه» خود قرار می دهد.

دولت ایالات متحده آمریکا، همچنان که قبلاً به سفیر یادآور شده، مایل است از درخواست ایران از بانک جهانی که به قدر کافی مستند باشد، حمایت نماید.

این دولت مطلع است که راه آهن دولتی ایران دچار آسیبهای قابل ملاحظه ای شده، زیرا پس از استفاده متفقین از آن در زمان جنگ، مسئولیت بهره برداری از آن به اداره راه آهن دولتی ایران سپرده شد. و به نظر می رسد که یکی از مهمترین اهدافی که برنامه هفت ساله باید در پیش داشته باشد، بازسازی راه آهن است.

با توجه به این احتمال که این بازسازی ممکن است با برنامه کمک نظامی ارتباط داده شود، کنگره به هنگام تخصیص اعتبار مالی قبلی برای برنامه های نظامی، عدم تمایلی خود را در مورد استفاده از این اعتبارات برای مقاصد غیر نظامی مانند ساخت راه آهن به طور آشکار بیان داشته است. بنابراین هر وقت کنگره تخصیص اعتبار نماید، سیاست این دولت این است که از اعتبارات برنامه کمک نظامی، برای طرحهایی از نوعی که پیشنهاد شده، استفاده ننماید.

خاطر سفیر آسوده باشد که این دولت همیشه ملاحظات جانبدارانه خود را در مورد درخواستهای دولت ایران برای دریافت مساعدت، را ادامه خواهد داد و سعی خواهد نمود تا چنین کمکهایی را هر

زمانی که احتیاج به آن کاملاً تأیید شده باشد و نتوان آن را از سایر منابع موجود برای ایران تأمین

نمود، فراهم نماید.

وزارت امور خارجه، واشنگتن

۲۲ سپتامبر ۱۹۴۹

سند شماره (۲۳)

محرمانه

گزیده ای از تلگرام

سومین پاراگراف از تلگرام محرمانه وزارت امور خارجه به شماره ۱۰۰۲ مورخ ۱۰ نوامبر ۱۹۴۹

اظهار می دارد: «جهت اطلاع شما با وجود عملیات برنامه کمکهای تسلیحاتی، ما به توسعه قرارداد

هیئت (نظامی م) به هر صورت رسمی علاقه مند نیستیم. منظور این نیست که مانع افزایش تعداد

اعضای هیئت (نظامی م) جهت آموزش ایرانیان در استفاده مجدد از تجهیزات دریافت شده، باشیم.

اما از این که ایرانیان به این نتیجه برسند که پایان بخشیدن به برنامه کمکهای نظامی (حتی بعد از ۲ یا

۳ سال با پذیرفتن توسعه برنامه ها) مفید و یا زمان مناسبی برای حذف هیئت (نظامی م) خواهد بود،

خودداری نماییم.»

سند شماره (۲۴)

طبقه بندی: ندارد تاریخ : ۲۸ نوامبر ۱۹۴۹ ۷ آذر ۱۳۲۸

یادداشت شماره (۱)۱۳۹۶

سفارت آمریکا با اظهار تعارفات خود به وزارت خارجه دولت شاهنشاهی ایران افتخار دارد که به

یادداشت شماره ۴۷۳۳ مورخ ۲۹ شهریور ۱۳۲۸ (۲۰ سپتامبر ۱۹۴۹) مبنی بر تمایل دولت ایران

نسبت به تمدید قرارداد خدمت هیئت مستشاری آمریکایی در وزارت جنگ ایران اشاره نماید.

به سفارت اطلاع داده شد تا موافقت دولت آمریکا را با تمدید قرارداد بدون ایجاد تغییر در شرایط آن اعلام نماید. ولی تأسیس وزارت دفاع آمریکا (که در بر گیرنده بخشی از اختیارات وزارت جنگ این کشور نیز می باشد) و تأسیس وزارت نیروی هوایی ایجاد بعضی تغییرات جزئی را در لحن قرارداد ضروری می سازد تا رعایت حال ساختار کنونی دولت آمریکا از نظر حقوقی شده باشد.

بدین منظور، مقتضی است در صورت تمدید قرارداد موجود، متن در موارد زیر مورد تجدید نظر قرار گیرد: ۱ در مقدمه پس از کلمه «ارتش» کلمات و «نیروی هوایی آمریکا» گنجانده شود. که عبارت مربوطه در مقدمه به ترتیب ذیل خوانده خواهد شد.

«به موجب تقاضای دولت ایران از دولت کشورهای متحد آمریکا رئیس جمهور کشورهای متحد آمریکا اجازه داده است که یک عده افسر و سربازانش(۲) و نیروی هوایی آمریکا به منظور تشکیل

۱- با گزارش شماره ۱۵ مورخ ۱۱ ژانویه ۱۹۵۰ به وزارت خارجه (آمریکا م) ارسال گردید.

۲- این عبارت صحیح نیست و باید "درجه دار" خوانده شود. مطابق با اصلاحیه ای که شامل تبادلات چند یادداشت بود و در تاریخ ۵ ژانویه ۱۹۴۹ کامل شد.

یک هیئت نظامی در ایران طبق شرایط مصرحه زیر گماشته شوند:

۲ در ماده ۵ کلمه «از ابتدا» را حذف کرده و پس از کلمه «ارتش» کلمات «و نیروی هوایی آمریکا» را درج نمایید. در همین ماده کلمات «وزارت جنگ» را حذف کرده و به جای آن وزارت دفاع» را قرار دهید که ماده ۵ به ترتیب ذیل خوانده خواهد شد.

«هیئت مرکب خواهد بود از عده ای از افسران و نفرات ارتش و نیروی هوایی آمریکا که با موافقت وزیر جنگ ایران توسط نماینده مجاز ایشان در واشنگتن و وزارت دفاع آمریکا تعیین شده باشند. اشخاصی به این کار گماشته خواهند شد که وزیر جنگ دولت شاهنشاهی و یا نماینده مجاز ایشان و وزارت دفاع آمریکا یا نماینده مجاز آن با انتصاب آنها موافقت داشته باشند.

۳ در ماده ۱۰ پس از عبارت «ارتش آمریکا» در هر دو مورد عبارت «یا نیروی هوایی آمریکا» را درج نمایید که ماده ۱۰ در آن صورت به شرح ذیل خوانده خواهد شد:

هر یک از اعضاء هیئت با همان درجه ای که در ارتش آمریکا یا نیروی هوایی آمریکا دارد خدمت خواهد کرد، ولی بر تمام افسران هم درجه خود در ارتش ایران ارشدیت خواهد داشت. هر یک از اعضاء هیئت از تمام امتیازات و مزایایی که بنابر مقررات داخلی ارتش ایران برای افسران هم درجه او تعیین شده است، برخوردار می گردد. اعضاء هیئت لباس متحدالشکل ارتش آمریکا یا نیروی هوایی آمریکا را بر تن خواهند کرد و علامت مخصوص خدمت در ارتش ایران را در منتهی الیه آستین نزدیک شانه نصب خواهند نمود.

۴ در ماده ۱۹ عبارت «وزارت جنگ) را حذف و به جای آن عبارت «وزارت دفاع» را قرار دهید. علاوه بر این در همین ماده عبارت «یک هواپیمای آمریکایی» را تغییر و به جای آن «یک فروند هواپیمای ارتش آمریکا» را درج نمایید، پس از آن ماده ۱۹ به شرح زیر خوانده خواهد شد:

علاوه بر وسایط و وسایل نقلیه ای که از طرف دولت آمریکا در اختیار هیئت گذاشته شده دولت ایران نیز در مورد لزوم وسایل نقلیه دیگری (اتومبیل و هواپیما) برای انجام کارهای اداری در اختیار هیئت قرار خواهد داد و دولت ایران یک سوم «ثلث» مجموع مصرف بنزین و روغن وسایل نقلیه متعلق به دولت آمریکا را که در اختیار هیئت است طبق تشخیص رئیس هیئت تأمین خواهد کرد.

تعداد و نوع وسایل نقلیه دولت آمریکا که در اختیار هیئت خواهد بود از طرف وزارت دفاع آمریکا تعیین خواهد گشت و نیز مقرر می گردد که در موارد لزوم طبق تشخیص رئیس هیئت و با پیروی از قوانین و مقررات جاریه یک فروند هواپیمای ارتش آمریکا با کارکنان آن برای انجام امور اداری اجازه ورود به ایران و خروج از ایران داشته باشد مشروط بر این که رئیس هیئت قبلاً طبق قواعد و مقررات ایران به اولیای امور مربوطه ایران مراتب را اطلاع دهد. کلیه وسایل نقلیه دولت آمریکا که در داخله ایران برای عملیات در اختیار هیئت است از قوانین و مقررات ایران متابعت خواهد کرد.

امید است که این تغییرات مورد تأیید دولت ایران قرار گرفته و قرارداد جدید با جرح و تعدیلهای فوق تمدید گردد.

سفارت موقع را مغتنم شمرده و احترامات فائقه خود را جهت وزارت امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران تجدید می دارد.

سند شماره (۲۵)

طبقه بندی ندارد شماره ۷۴۰۷ تاریخ ۲۰/۱۰/۱۳۲۸

وزارت امورخارجه یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی با اظهار تعارفات خود به سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا و عطف به یادداشت شماره (۱۳۹۶) مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۴۹ (هفتم آذرماه ۱۳۲۸) آن سفارت کبرای راجع به تمدید قرارداد استخدام هیئت مستشاران آمریکایی در وزارت جنگ شاهنشاهی محترماً اظهار می دارد.

به طوری که شفاهاً به استحضار آن سفارت کبرا رسیده است مقامات مربوطه دولت شاهنشاهی با تمدید قرارداد نامبرده برای مدت یک سال دیگر از تاریخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۸ تا ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ (۲۰ مارس ۱۹۵۰ تا ۲۰ مارس ۱۹۵۱) و درج عناوین جدید مؤسسات مربوطه کشورهای متحده آمریکا به جای عناوین سابق به قسمی که در یادداشت فوق الذکر آن سفارت کبرا ذکر گردیده است موافقت خودشان را اعلام می دارند، وزارت امورخارجه شاهنشاهی از آن سفارت کبرا خواهشمند است مراتب را به استحضار مقامات مربوطه کشورهای متحده برسانند.

سند شماره (۲۶)

سری تاریخ ۱۸ می ۱۹۵۰ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۹ واشنگتن دی. سی

متن مذاکرات

طی گفتگو در مورد مبادله یادداشتهای مربوط به قرارداد کمک دفاعی متقابل آمریکا سال ۱۹۴۹، نمایندگان دولت ایالات متحده آمریکا پیشنهاد کردند که شرایط زیر در مفاد قرارداد گنجانده شود:

«دو دولت اذعان دارند که کنترل مؤثر صدور مواد حاوی پتانسیل جنگی، تجهیزات و در صورت

عملی بودن، اطلاعات فنی، در زمینه امنیت دو جانبه و تحقق اهداف طرفین، علائق هر دو کشور را تأمین می نماید. به همین علت هر دوی آنها بر این شده اند که در راه رسیدن به این اهداف، با یکدیگر مشورت نمایند.»

نمایندگان دولت خاطرنشان ساخته اند که دولت متبوعشان با مفاد این شرایط کاملاً موافق است و از طرف دولت خویش اطمینان داده اند که دولت ایران در رابطه با گسترش رضایت بخش کنترل در مورد این گونه صادرات جنگی، حاضر به همکاری می باشد.

به خاطر تضمینهای ارائه شده توسط نمایندگان دولت ایران در مورد آمادگی دولت این کشور برای همکاری در این مورد و ایجاد زمینه های مساعد برای مشورت، نمایندگان دو دولت معتقدند که گنجانیدن این شرط در متن یادداشتهای مربوط به قرارداد کمک دفاعی متقابل آمریکا فاقد ضرورت است.

(امضاء)(امضاء)

جوزف. جی. (ناخوانا)آ. آ. آرام

نماینده دولت ایالات متحده آمریکانماینده دولت ایران

سند شماره (۲۷)

وزارت امورخارجه واشنگتن تاریخ : ۲۳ می ۱۹۵۰ ۲ خرداد ماه ۱۳۲۹

از : کفیل وزارت امورخارجه: (آمریکا م)

به : کاردار موقت ایران

آقای محترم:

به مذاکراتی که اخیراً میان نمایندگان دولتین ما در رابطه با ارسال کمک نظامی دولت ایالات متحده آمریکا به دولت ایران، مطابق قانون عمومی ۳۲۹ مصوبه هشتاد و یکمین کنگره ایالات متحده آمریکا، اشاره می نمایم و توافقهای حاصله از آن مذاکرات را که در ذیل می آید، تأیید می نمایم:

۱ دولت ایالات متحده آمریکا با درک این اصل که بهبود اقتصادی برای صلح و امنیت جهانی ضروری می باشد و می بایست در اولویت قرار گیرد و تعهد می کند که وسایل، مواد و خدماتی را که دولت ایالات متحده آمریکا اعطای آن و یا ادامه اعطای آن را به دولت ایران ممکن بداند، براساس یک امتیاز رسمی صورت خواهد گرفت و ارائه هر نوع کمک مجاز پیرو این نامه، باید با منشور ملل متحد سازگار بوده و نیز منوط به کلیه شرایط و قیودات قابل اجراء و مفاد دایر بر انقضاء یا فسخ قرارداد کمک دفاعی متقابل مصوب ۱۹۴۹ و دیگر قوانین قابل اجرای ایالات متحده آمریکا در خصوص کمکهای نظامی باشد. دو دولت، هر از گاهی، مذاکرات تفصیلی لازم را در به اجراء گذاردن مواد این بند به عمل خواهند آورد.

۲ دولت ایران ملزم می گردد کمکهای دریافتی را مطابق با پاراگراف ۱ در راستای اهداف مورد نظر، به طور مؤثری به کار گیرد و چنین کمکهایی را به مقاصد دیگری غیر از آنچه در «تفاهم نامه» قید شده، اختصاص ندهد.

۳ بر اساس علائق مشترک امنیتی دو دولت، دولت ایران متعهد می شود که به هیچ فرد، مقام یا کارگزار دولتی خویش و یا هر کشور دیگری، حق مالکیت یا تصرف هر یک از تجهیزات، مواد یا خدمات دریافت شده را که بر اساس واگذاری رسمی مطابق با پاراگراف ۱ صورت گرفته، را بدون موافقت قبلی دولت ایالات متحده آمریکا واگذار ننماید.

۴ دولت ایران، پس از بررسیهای لازم و مقتضی پیرامون نیازمندیهای معتدل و مصرف داخلی و صادرات بازرگانی ایران که قرار است توسط همان دولت تعیین گردد، جهت تسهیل تولید، حمل و نقل، صدور و ارسال به دولت ایالات متحده آمریکا برای چنین دوره زمانی و با چنین کمیتی و مطابق یک چنین شرایط و مقرراتی در خصوص قیمت، نحوه پرداخت و نظایر آن به آن صورت که مورد توافق قرار گیرد، مواد خام و نیمه ساخته مورد تقاضای ایالات متحده که به علت کمبودها و یا کمبودهای بالقوه منابع خود می باشد و ممکن است در ایران وجود داشته باشد، موافقت نماید.

۵ (الف) دولت ایران اقداماتی مقتضی که در تضاد با مسائل امنیتی و منافع کشور نباشد به عمل خواهد آورد تا مردم را از عملیاتی که متعاقب این توافقها انجام می گیرد، مطلع سازد.

(ب) هر دولت، آن نوع اقدامات امنیتی را که ممکن است در هر حالتی بین دو دولت مورد موافقت قرار گیرد به منظور جلوگیری از افشاء یا به مخاطره افتادن مواد، خدمات و یا اطلاعاتی که دولت دیگر مطابق این توافقها تأمین می نماید، به عمل خواهد آورد.

۶ دولت ایران، بجز مواردی که ممکن است بین دو دولت موافقت صورت گیرد، معافیت از عوارض گمرک و مالیات داخلی در مورد صدور و یا ورود تولیدات، اموال، مواد و یا تجهیزات وارد شده به قلمرو خود که در ارتباط با این توافقنامه می باشد، اعطاء خواهد کرد.

۷ دولت ایران کارکنان فنی دولت ایالات متحده آمریکا، کسانی که مسئولیتهای دولت آمریکا را در تکمیل مواد این قرار داد در سرزمین ایران به عهده خواهند داشت، را به کشورش می پذیرد و تسهیلات لازم را برای پیشرفت آن کمکها در اختیار آنان قرار خواهد داد.

۸ بنا به درخواست هر یک از دو دولت، مقدمات مناسبی را بین خودشان در رابطه با مسئولیت ثبت یا دعاوی مشابه که بر پایه کاربرد، اختراعات، فرآیندها، اطلاعات فنی یا اشکال دیگر از اموال در رابطه با تجهیزات، مواد و خدمات مطابق با پاراگراف ۱ این توافقنامه، قانون از آنها حمایت به عمل می آورد، به مذاکره خواهند گذاشت، در این چنین مذاکراتی این مورد می باید در نظر گرفته شود: که هر دولت مسئولیت همه دعاوی اتباع خویش و دعاوی برخاسته از اتباع هر کشور ثالثی در محدوده خاک خود را قبول خواهد کرد.

۹ به درخواست هر یک از طرفین، دو دولت با در نظر گرفتن هر موضوعی که در رابطه با اجرای این توافقها یا برای عملیات یا مقدماتی که متعاقب این توافقها پیش آید، مشورت خواهند کرد.

۱۰ هیچ اقدامی در تفسیر، اصلاح یا ترمیم موافقتهایی که میان دولت ایالات متحده آمریکا و ایران در تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ و ۶ اکتبر ۱۹۴۷ در تهران امضاء شده، آن چنان که اصلاح و تمدید گردیده، صورت نخواهد گرفت.

من پیشنهاد می کنم که اگر این توافقها از تصویب دولت ایران برخوردار می شود، این یادداشت و یادداشت شما که همزمان این توافقها را مورد تأیید قرار می دهند، از تاریخ یادداشت شما اعتبار قانونی

خواهد داشت. در آینده، هرگاه یکی از دو دولت از طریق ابلاغ کتبی قصد خود را مبنی بر فسخ توافقها اعلام دارد، یک سال بعد از تاریخ دریافت پیام، این توافقها از اعتبار قانونی خواهد افتاد.

آقای محترم، احترامات فائقه اینجانب را بپذیرید.

آقای غلامعباس آرامجیمز. ای. وب

کاردار موقت ایرانکفیل وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا

با توجه به بند پاراگراف (بند) ۷ این توافقنامه، گروه دیگری از مستشاران نظامی آمریکا به ایران آمدند. وظیفه این گروه، نحوه اجرای این توافقنامه در رابطه با استفاده از کمک نظامی آمریکا در ایران بود. نام این گروه عبارت است از گروه مشاورین کمک نظامی ایالات متحده به ایران The U.S Military Assistance Advisory Group to Iranکه به صورت مخفف به آن مگ (MAAG) گفته می شد. م

از : کاردار موقت ایرانتاریخ : ۲۳ می ۱۹۵۰ ۲ خرداد ۱۳۲۹

به : کفیل وزارت امور خارجه آمریکا

سفارت ایران در واشنگتن، دی. سی.

عالیجناب:

احتراماً، به عرض می رساند که یادداشت شما به تاریخ ۲۳ ماه می، واصل گردید. بر اساس دستورات دولت متبوع خود، نظر شما را به مذاکرات اخیری که میان نمایندگان دولتهایمان راجع به اعطای کمک نظامی ایالات متحده آمریکا به دولت ایران، مطابق قانون عمومی ۳۲۹ مصوب هشتاد و یکمین کنگره ایالات متحده صورت گرفته جلب می نمایم و توافقهای حاصله از آن را به طوری که در ذیل می آید، مورد تأیید قرار می دهم:(۱)

احتراماً، در موافقت با پیشنهادهای مندرج در یادداشت شما، به اطلاع می رسانم که تفاهمات بیان شده در آن، به تصویب دولت ایران رسیده است. بنابراین، آن یادداشت و یادداشت حاضر که جهت اطلاع از توافقات در نظر گرفته شده، در این تاریخ و پس از آن قابل اجراء بوده و تا یک سال پس از دریافت ابلاغ کتبی هر دولت که قصد فسخ این توافقها را داشته باشد، اعتبار قانونی خواهد داشت.

عالیجناب: جیمز، ای. وب. کفیل وزارت امور غ ع آرام

خارجه ایالات متحده آمریکا واشنگتن، دی سی.کاردار موقت سفارت ایران

۱- این نامه همچون نامه قبلی حاوی بندها (پاراگرافهای) دهگانه می باشد لذا جهت جلوگیری از تکرار مطلب از درج آن خودداری شد. م

فصل دوم

ما آزادی و استقلال می خواهیم. ما نمی خواهیم که وقتی
سراغ لشکرمان می رویم، آمریکاییها بیایند آن را اداره کنند
و یا تحت نظارت مستشاران آمریکایی باشد. یک ارتش
انگل درست کنند، یک ارتشی که مال ایران را در راه او
صرف کنند، و او تحت نظارت و تربیت مستشاران
آمریکایی و برای آمریکاییها بخواهند کار کند.

امام خمینی (س) ۲۸/۷/۵۷

فصل دوم شامل ۲۰ سند می گردد که مقطع بهمن ماه ۱۳۳۰ تا فروردین ماه ۱۳۳۳ را در بر می گیرد. این فصل عمدتاً مربوط به موضع دولت دکتر مصدق در مورد مستشاری نظامی آمریکا در ایران است. در سال ۱۳۳۰ که مصدق به نخست وزیری رسید، در موعد مقرر با تمدید قراردادهای مربوط به مستشاری نظامی آمریکا در ایران، موافقت ننمود.

در سال ۱۹۵۱ دولت آمریکا «برنامه امنیت مشترک» (MSP) را اعلام کرد. این برنامه برای حمایت از هم پیمانان غرب در سراسر جهان، در مقابل تهدیدات شرق بود. برنامه فوق حاوی اعطاء کمکهای نظامی به صورت بلاعوض بود. در مقابل، کشورهایی که خواستار این کمکهای نظامی بودند باید تا تاریخ ۸ ژانویه ۱۹۵۲ موافقت خود را با بخش (۵۱۱ الف) از این برنامه اعلام می نمودند.

مصدق، نخست وزیر وقت ایران، طی نامه ای به تاریخ ۴ ژانویه ۱۹۵۲ این برنامه را نپذیرفت و عدم تمایل خود به «نقض بی طرفی» ایران را اعلام نمود. در پی آن آمریکا در اوائل سال ۱۹۵۲ تحویل تسلیحات به ایران را متوقف نموده و آموزش نظامی افسران ایرانی را قطع کرد. در نتیجه مسئله خروج

هیئتهای مستشاری آمریکا به طور جدی مطرح شد. در ماه مارس ۱۹۵۲ بین دکتر مصدق و نمایندگان دولت آمریکا مذاکراتی انجام شد که در رابطه با تمدید قرارداد به نتیجه ای نرسید. اما دولت مصدق پذیرفت که هیئتهای نظامی آمریکا موقتاً بدون تجدید رسمی قراردادها، در ایران باقی بمانند و به کار خود ادامه دهند و نیز از همان حقوق و مزایای سابق برخوردار باشند. یک ماه بعد یعنی در آوریل ۱۹۵۲، دولت مصدق با نوشتن نامه ای به سفیر آمریکا در تهران، تعهداتی را می پذیرد. متعاقب این نامه اعطای کمک نظامی آمریکا از سرگرفته شد وزارت خارجه آمریکا نامه مصدق را به عنوان قبول بخشی از شرایط «برنامه امنیت مشترک» تلقی نمود.

با سقوط دولت دکتر مصدق در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ، دولت سپهبد زاهدی بار دیگر قراردادهای

مربوط به مستشاران را رسماً تمدید کرد.

سند شماره (۲۸)

بدون طبقه بندی دفتر نخست وزیری تاریخ: ۲۴ بهمن ۱۳۳۰ (۱۴ فوریه ۱۹۵۲)

شماره : (۱)۳۲۸۵۰

به : وزارت دارایی

پرداخت حقوق مستشاران آمریکایی شاغل در وزارت جنگ و ژاندارمری در جلسه مورخ

۱۶/۱۱/۳۰ (فوریه) هیئت وزیران مورد بحث قرار گرفت. به تصویب رسید که پرداخت حقوق

مستشاران مذکور از آنجایی که در حال حاضر در ایران خدمت می کنند، مطابق قرارداد و قانون

مصوب، پرداخت شود.

نخست وزیر (محمد مصدق م)

رونوشت برای اطلاع وزارت جنگ و نخست وزیر ارسال شد.

شماره ۳۵۸۳۷/۱۲۵۲۷ به تاریخ ۲۶/۱۱/۳۰ (۱۶ فوریه)

رونوشت برای اطلاع اداره مستشاری و وزیر جنگ سرلشگر علوی مقدم ارسال شد.

سند شماره (۲۹)

استفاده محدود تلگرام ارسالیتاریخ : ۲۱ فوریه ۱۹۵۲ ۳ اسفند ۱۳۳۰

به : وزارت امور خارجهشماره : ۳۲۱۰

رمز : استفاده محدود با حق تقدم

محاکمه همسر سرهنگ گلاس، مستشار نظامی به اتهام قتل غیرعمد که در اثر حادثه رانندگی در

ده ماه قبل اتفاق افتاد و متعاقباً منجر به فوت یک نفر ایرانی گردید، در ۲۳ فوریه آغاز می شود. خانم گلاس اظهار می دارد که برخلاف آنچه که متهم گشته، رانندگی اتومبیل را به عهده نداشته است. از اینرو وکلای مدافع مطمئن هستند که می توانند اثبات کنند که وی رانندگی را به عهده نداشته، لذا وی تبرئه خواهد شد. بعد از چنین تبرئه ای، امکان آن خواهد بود که علیه سرهنگ گلاس اقامه دعوی شود.

سفارت در این قضیه جهت دستیابی به حداکثر عدالت تمام امکانات اداری خود را به کار گرفته است.

قوانین نظامی ایالات متحده آمریکا چاپ ۱۹۵۱ در قسمت ۱۲ چنین می گوید: «طبق قوانین بین المللی اگر اعضای نیروهای مسلح ایالات متحده یا هر کشور مستقل دیگر، که با رضایت در قلمرو یک کشور دوست مستقر شده یا در حال عبور باشند، مرتکب جرمی شوند قضاوت به عهده کشور میزبان خواهد بود. سفارت در قوانین بین المللی نمی تواند پشتیبانی برای این اظهاریه بیابد و بر این باور نیست که کارکنان مستشاری نظامی و وابستگان آنها، یعنی کسانی که تحت شمول قرارداد مستشاری نظامی هستند، از هیچ مصونیتی در مقابل دادگاههای حقوقی محلی برخوردار نیستند.

۱- به ضمیمه نامه شماره ۹۳۸ مورخ ۱۳ می ۱۹۵۳ به وزارت امور خارجه (آمریکا م) ارسال شد.

علیرغم حضور گسترده شهروندان عادی آمریکایی در ایران، آنها می توانند انتظار حمایت از دولت آمریکا را داشته باشند. از تفاسیر به موقع وزارت (امور خارجه آمریکا م) در مورد محاکمه ۲۳ فوریه قدردانی می نماییم.هندرسن

سند شماره (۳۰)

استفاده محدود تلگرام واردهتاریخ: ۲۲ فوریه ۱۹۵۲ ساعت ۲ بعد از ظهر

از: وزارتشماره: ۱۷۶۰

رمز: استفاده محدود با حق تقدمورود: ۲۳ فوریه ۱۹۵۲ ساعت ۱۰ صبح

وزارت امور خارجه (آمریکا م) با این نظر شما (تلگرام سفارت ۳۲۱۰، ۲۱ فوریه) موافق است که آن متن ذکر شده از کتاب قوانین حقوق قضائی نظامی در ارتباط با خانم گلاس و یا سرهنگ گلاس قابل اجراء و عملی نیست. و صحبت شما را تأیید می کند که در شرایط فقدان موافقتنامه ویژه ای با دولت ایران که به کارمندان نظامی و وابستگان آنها مصونیت از قلمرو حقوقی قضائی محلی در مواردی از این قبیل را بدهد، قوانین بین المللی چنین مصونیتی به آنها نمی دهد.وب

سند شماره (۳۱)

طبقه بندی: سری گزیده از مطلب تلگرام

آنچه که در ذیل می آید گزیده از مطالب تلگرام سری سفارت به شماره ۳۳۹۸ مورخ ۶ مارس ۱۹۵۲ (۱۵ اسفند ۱۳۳۰ م) است که به امضاء هندرسن رسیده و در مورد گفتگو با مصدق در تاریخ ۶ مارس ۱۹۵۲ می باشد.

به او (نخست وزیر مصدق) گفتم که میل دارم در مورد بیانات وی تأییدیه ای به دست آورم. وی گفته بود که اگر هیئت نظامی آمریکا می خواهند تا حل مناقشات نفتی در ایران باقی به مانند تا مجلس

جدید مسئله مستشاران نظامی را بررسی نماید، باید براساس شرایطی که دوازده ماه قبل از اختتام قرارداد وجود داشت، به کار خود ادامه دهند. مصدق گفت وی می تواند این مطلب را تأیید نماید. سؤال کردم که آیا وزارت دارایی پرداختهای لازم را به عهده خواهد گرفت و آیا مصونیت و معافیت از پرداخت حقوق گمرکی بر اساس قرارداد موجود شامل حال اعضاء هیئت نظامی آمریکا خواهد شد. وی در مقام تأیید گفت همین طور است و او به وزارت دارایی در همین رابطه دستوراتی داده است. او به من اطمینان داد که مفاد این قرارداد رعایت خواهد شد.

سند شماره (۳۲)

بدون طبقه بندی وزارت جنگ دفتر نخست وزیر تاریخ : ۱۷/۱۲/۳۰ (۸ مارس ۱۹۵۲)

شماره : (۱)۳۵۷۹۰

یادداشت به: وزارت دارایی

به موجب تصمیم متخذه از جانب هیئت وزیران، جهت پرداخت حقوق و دیگر پاداش کارکنان

۱– با ضمیمه نامه شماره ۹۳۸ مورخ ۱۳ می ۱۹۵۳ برای وزارتخانه ارسال شد.

هیئت ایالات متحده، لطفاً تا زمان تعیین وضعیت آنان بر طبق قانون اول آبان ۱۳۲۲ (۲۴ اکتبر ۱۹۴۳)

اقدام نمایید.نخست وزیر (محمد مصدق م)

نخست وزیر

رونوشت جهت اطلاع وزارت جنگ ارسال شد.

شماره: ۳۸۴۲۵/۱۳۵۹۸

تاریخ: ۱۹/۱۲/۳۰ (۱۰ مارس ۱۹۵۲)

رونوشت جهت اطلاع اداره مستشاری ارسال شد.

از طرف وزیر جنگ سرلشگر مظهری

سند شماره (۳۳)

سری تلگرام وارده تاریخ : ۱۱ مارس ۱۹۵۲ (۲۰ اسفند ۱۳۳۰) ساعت ۶ بعد از ظهر

از : وزارت امور خارجه (آمریکا م)

رمز : سری با حق تقدمشماره : ۱۹۱۳

تاریخ ورود : ۱۲ مارس ۱۹۵۲، ساعت ۷ بعد از ظهر

وزارت امور خارجه (آمریکا م) نسبت به پیشنهادهای شما درباره هیئت مستشاری نظامی

دقیقترین توجهات را مبذول داشته است. اصول اساسی که مورد نظر بود عبارتند از: (الف) اقدام

احتیاطی که هم اکنون انجام شده، الزاماً لطمه ای به امکان کسب یک توافق کتبی نهایی برای ادامه کار

هیئت وارد نخواهد ساخت. (ب) لزوم اجتناب از هرگونه روش که بدون هیچ گونه نیازی ممکن است

از فشارهایی که به مصدق وارد می شود، بکاهد. (ج) لزوم اجتناب از این گمان که آمریکا تا هر جایی

برای باقی ماندن هیئت در ایران، حتی در صورت عدم تمایل دولت ایران، پیش خواهد رفت. (د) لزوم

اجتناب از هر نوع توافق موقتی که هیئت را برای عملیات مؤثر با مشکل روبرو می سازد (ه) لزوم اجتناب از موقعیتی که به موجب آن خروج آتی هیئت به درخواست دولت ایران و یا در نتیجه شکست دولت ایران در تجدید موافقتنامه باشد، در غیر این صورت این مسئله گواهی بر مشکلات ما در ایران و یا هر جای دیگری خواهد بود. در رابطه با مورد آخر، مسلماً ما مایل نیستیم که به روسها فرصتی داده شود تا از حضور مستمر هیئت به عنوان یک حربه تبلیغاتی استفاده کرده و یا مذاکرات رسمی با دولت ایران علیه هیئت انجام دهند. از آنجایی که یک بار روسها یک موضعگیری رسمی علیه دولت ایران در رابطه با حضور هیئت حتی با وجود قرارداد، انجام دادند بعید به نظر می رسد که آنها در صورتی که چنین گمان کنند که ایالات متحده هیئت را به ایرانیها تحمیل کرده، ساکت بمانند.

.... در نتیجه مشورت با وزارت دفاع، وزارت امور خارجه به شما اجازه می دهد تا به این درخواست ایرانیان رضایت دهید که هیئت فعلاً بدون یک توافقنامه کتبی تا هنگام مذاکرات آتی در مورد وضعیت آن، در ایران باقی بماند. به هر حال، در موافقت با چنین درخواستی، شما باید برای ایرانیها این مطلب را روشن سازید که این صرفاً صلاحدیدی موقت است و ایالات متحده نمی تواند هیئت را به طور نامحدود بدون یک موافقت نامه رسمی در ایران باقی بگذارد. همچنین موافقت ایالات متحده با باقی ماندن هیئت، مشروط به توافق نظری، روشن و شفاهی در این باره است که وضعیت

هیئت در مدت زمان موقتی تغییر نخواهد کرد و هیئت از تمام حقوق و مزایایی که سابقاً وجود داشته، بهره مند خواهد شد. وزارتخانه ترجیح می دهد در متن بیانیه پیشنهادی دولت ایران بعد از «دولت آمریکا» عبارت به «درخواست مقامات ایرانی» درج شود تا این نکته را کاملاً برای عموم روشن سازد. از آنجایی که به این مطلب در بیانیه ای که هم اکنون پیش نویس شده به طور ضمنی اشاره گردیده است و اگر شما تشخیص دهید که بیانیه این حقیقت را با وضوح کافی مطرح می کند، وزارتخانه هیچ اصراری بر اضافه کردن آن کلمات ندارد.

وزارت دفاع موافق استآچسن

سند شماره (۳۴)

طبقه بندی : سری گزیده از مطالب تلگرام

آنچه در ذیل می آید گزیده ای از مطالب تلگرام سری سفارت به شماره ۵۳۰۳ مورخ ۱۳ مارس ۱۹۵۲ (۲۲ اسفند ۱۳۳۰ م) است که به امضاء هندرسن رسیده و مربوط به گفتگویی با نخست وزیر مصدق می باشد.

«امروز صبح با مصدق ملاقات کردم تا وی را از تصمیم اتخاذ شده از طریق تلگرام وزارت خارجه آمریکا به شماره ۱۹۱۳ مورخ ۱۱ مارس مطلع سازم. برای این که جای هیچ گونه شک و تردید باقی نماند. آن بخش از تلگرام را که با عبارت پس از مشورت با وزارت دفاع آغاز و با عبارت امتیازات مندرج در قرارداد خاتمه می یابد برای وی با صدای بلند قرائت کردم. علاوه بر این متن انگلیسی و ترجمه فارسی اعلامیه وزارت خارجه آمریکا را به وی تسلیم نمودم. متن به شرح زیر است:»

«دولت آمریکا به هیئت نظامی آمریکا اجازه ماندن موقت در ایران را براساس شرایط موجود قرارداد می دهد تا دو دولت با داشتن وقت و فرصت کافی بتوانند در مورد آینده هیئت نظامی با

یکدیگر مشورت نمایند.»

سند شماره (۳۵)

بدون طبقه بندی

ترجمه بریده ای از روزنامه اطلاعات مورخ ۱۹ مارس ۱۹۵۲ (۲۸ اسفندماه ۱۳۳۰)

(گزارشی مشابه در روزنامه های دیگری در همان تاریخ وجود دارد)(۱)

مستشاران نظامی آمریکایی

تا اتخاذ تصمیمی درباره وضعیت آینده آنان، تحت شرایط کنونی در ایران باقی می مانند.

در کنفرانس مطبوعاتی فوق العاده ای که امروز در ساعت ۳۰/۱ بعد از ظهر در دفتر نخست وزیر برگزار شد، آقای بوشهری وزیر راه و سخنگوی دولت مطالب زیر را ایراد کرد:

۱ دولت ایالات متحده موافقت کرده است تا به گروه افسران آمریکایی اجازه داده شود موقتاً تحت شرایط کنونی در ایران باقی بمانند تا دو دولت فرصت کافی جهت مشورت با یکدیگر را در مورد آینده آنها داشته باشند بر طبق تصمیم هیئت وزیران تا تصمیم گیری نهایی، حقوق و مزایای آنان

۱- به ضمیمه نامه شماره ۹۳۸ مورخ ۱۳ می ۱۹۵۳ به وزارتخانه ارسال شد.

به موجب مقررات قانون ۱ آبان ۱۳۲۲ (۲۴ اکتبر ۱۹۴۳) پرداخت خواهد شد.

سند شماره (۳۶)

بدون طبقه بندی

بیانیه مطبوعاتی(۱)

در مذاکرات بین سفیر هندرسن و نخست وزیر مصدق در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۵۲ (۴/۲/۱۳۳۱)، توافق شد که وزارت خارجه باید بیانیه زیر را جهت مطبوعات صادر نماید:

«به دنبال تبادل یادداشتهایی در ۲۴ آوریل ۱۹۵۲ بین نخست وزیر ایران و سفیر ایالات متحده در ایران، تصمیم بر این شد که کمکهای نظامی آمریکا به ایران ادامه یابد. ارسال محموله های وسایل نظامی در اسرع وقت توسط دولت ایالات متحده از سرگرفته خواهد شد.»

سند شماره (۳۷)

ترجمه

۱۸۱۴ ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ (۲۴ آوریل ۱۹۵۲)

عالیجناب لوئی هندرسن سفیر کبیر ایالات متحده آمریکا، تهران

پیرو مذاکرات شفاهی، لازم می دانم به اطلاع جنابعالی برسانم که دولت اینجانب، با توجه به وضعیت مالی و اقتصادی کشور، از کمکهایی که دولت متبوع شما برای اعطاء به ما آماده کرده است، استقبال می نماید. ما، تا آنجا که منابع مالی و وضعیت عمومی ایران اجازه دهد، از منشور سازمان ملل متحد دفاع و پشتیبانی می کنیم. همچنین هر آنچه که برایمان مقدور باشد برای تقویت ظرفیت دفاعیمان انجام خواهیم داد و از آزادی و استقلال خود با تمام قدرت در مقابل هرگونه تجاوزی که از هر سویی بر ما وارد شود، دفاع خواهیم کرد.

فرصت را برای تجدید احترامات فائقه خود نسبت به جنابعالی مغتنم می شمارم.

دکتر محمد مصدق

نخست وزیر

از سفیر ایالات متحده به نخست وزیرتهران، ایران، ۲۴ آوریل ۱۹۵۲

عالیجناب دکتر محمد مصدق نخست وزیر ایران، تهران

اینجانب، نامه جنابعالی مورخ ۲۴ آوریل ۱۹۵۲ را دریافت داشته ام و خوشحالم که خشنودی

دولت ایالات متحده را به اطلاع حضرتعالی برسانم.

عالیجناب، تجدید احترامات فائقه من را بپذیرید.

لوئی هندرسن

سفیر کبیر ایالات متحده آمریکا

۱– به ضمیمه نامه شماره ۱۱۳۰ مورخ ۲۴ آوریل ۱۹۵۲ به وزارتخانه ارسال شد.

ص: ۵۴۹

سند شماره (۳۸)

«تلگرافهای ارسالی»تاریخ : ۳ ژوئیه ۱۹۵۲ (۱۲ تیر ۱۳۳۱) شماره ۰۰۰۵۱

به : وزارت خارجه

رمز : انتشار کلمه به کلمه محدود غیر محرمانه اقدام فوری

اداره ارسال ۰۰۰۵۱ تکرار جهت اطلاع لندن ۱۱ مسکو ۳ مورخ ۳ ژوئیه ۱۹۵۲ امروز حوالی ظهر، به هنگام کسب خبر از وزارت امور خارجه ایران، وی متن فارسی یادداشت دولت ایران به دولت شوروی درباره کمکهای نظامی آمریکا را به من داد. وی گفت که این متن امشب انتشار خواهد یافت. متن بدین شرح است:

«وزارت امور خارجه شاهنشاهی ضمن اظهار تعارفات خود به سفیر شوروی، مفتخر است که در پاسخ یادداشت مورخ ۲۱ می ۱۹۵۲ دولت شوروی که جناب آقای آندره ای ویشنسکی وزیر خارجه آن کشور، شخصاً به آقای آراسته سفیر دولت شاهنشاهی در مسکو تقدیم داشته اند، ذیلاً متن نامه ای که دکتر مصدق نخست وزیر ایران، به آقای هندرسن، سفیر آمریکا در ایران، به تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۵۲ نوشته اند را به نظر می رساند:

آقای سفیر

پیرو مذاکرات شفاهی، لازم می دانم به اطلاع جنابعالی برسانم که: دولت اینجانب با توجه به وضعیت مالی و اقتصادیش، از کمکهایی که دولت جنابعالی برای اختصاص به این کشور آماده نموده استقبال می کند. ایران، تا آنجا که منابع و شرایط کلی اش اجازه دهد، از اصول منشور ملل متحد پشتیبانی و دفاع می کند؛ و ضمناً مشغول به انجام آنچه میسر است برای تقویت امکانات دفاعیش می باشد؛ و اگر قرار باشد که از هر سویی مورد هجوم قرار گیرد، از آزادی و استقلال خود با تمام

قدرت دفاع خواهد نمود.

فرصت را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می شمارم.

(امضاء) دکتر محمد مصدق

نخست وزیر

«دقت کامل در نامه نشان خواهد داد که دولت ایران هیچ گونه تعهدی غیر از آنچه تمامی کشورهای عضو سازمان ملل متحد، منجمله دولت شوروی، پذیرفته و متعهد به رعایت آن شده اند، را متقبل نشده است. بنابراین، هیچ توجهی برای فرضیه های دولت شوروی در این رابطه وجود ندارد.

«بیانیه صادره از سوی آقای بوشهری، وزیر راه، و سخنگوی سابق دولت نیز ذیلاً نقل قول می شود. وی در تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۵۲ گفت:

«دولت آمریکا توافق نموده است به هیئت افسران آمریکایی اجازه دهد تا هنگامی که دولتین وقت کافی جهت مشاوره با یکدیگر در رابطه با آینده هیئت مذکور به دست آورند، در ایران بمانند و بنا به تصویب هیئت وزیران مقرر گردید که حقوق و سایر مزایای هیئت مذکور بایستی مطابق قانون ۱ آبان ۱۳۲۲، تا هنگام تعیین تکلیف قطعی آن، پرداخت گردد.» و در ۷ اردیبهشت ۱۳۳۱ مطابق با ۲۷ آوریل ۱۹۵۲ وی گفت:

«همان طور که قبلاً هم گفته ام، متخصصین نظامی تا وقتی که دولت تصمیم بگیرد، به خدمات خود ادامه خواهند داد.»

«از بیانات فوق کاملاً واضح است که فرضیه ها و اتهامات مندرج در یادداشت فوق الذکر درباره ارتش ایران و دیگر موضوعات فاقد هرگونه پایه و اساسی بوده و دولت شاهنشاهی هیچ گاه دست به اقداماتی که ناقض پیمان دوستی مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ باشد، نیازیده و دولت دکتر مصدق هیچ گاه از سیاستی غیر از بی طرفی متابعت ننموده و امیدوار است که روابط دوستانه همسایگی که خوشبختانه بین دولتین ایران و شوروی جاری است، هر روزه مستحکم تر و قوی تر گردد.

«وزارت شاهنشاهی فرصت را جهت ابلاغ احترامات فائقه خود مغتنم می شمارد.»

هندرسن

۳ ژوئیه ۱۹۵۲

سند شماره (۳۹)

غیر محرمانه انتشار محدود خیلی محرمانه

گزیده ای از تلگرام

آنچه که در ذیل می آید، گزیده ای از مطالب تلگرام خیلی محرمانه سفارت به شماره ۱۰۳۰ مورخ ۶ سپتامبر ۱۹۵۲ (۱۵ شهریور ماه ۱۳۳۱ م) است که به امضای هندرسن رسیده و مربوط است به مذاکره ای که در تاریخ ۶ سپتامبر با مصدق انجام شد:

«نخست وزیر گفت هنوز در موقعیتی نیست، که بتواند در مورد تجدید قرارداد رسمی هیئت مستشاری نظامی در ژاندارمری (Genmish) وارد مذاکره شود. به همین دلیل، پیشنهاد او این بود که این هیئت نیز بر اساس همان شرایطی که هیئت مستشاری نظامی در ارتش شاهنشاهی ایران (Armish)

مشغول به کار است، به فعالیت خود در ایران ادامه دهد. به این معنی که تا زمان اتخاذ تصمیم نهایی، این هیئت بر اساس شرایط قرارداد قبلی عمل کند.

«... نخست وزیر گفت در صورت مشخص شدن عدم ضرورت خدمات این هیئت، قبلاً موضوع به اطلاع خواهد رسید تا هیئت برای مرتب کردن امور مربوط به خود، قبل از خروج از ایران فرصت کافی داشته باشد.»

«به نظر من مذاکره اینجانب با نخست وزیر، نوعی قرارداد شفاهی و غیر رسمی را به وجود می آورد که بر اساس آن هیئت نظامی ایالات متحده در ژاندارمری شاهنشاهی ایران می تواند بر طبق شرایط و مفاد قرارداد قبلی از تاریخ ۲اکتبر ۱۹۵۲ (۱۰ مهرماه ۱۳۳۱ م) به کار خود ادامه دهد، تا وقتی که قرارداد رسمی دیگری امضاء شود و یا دولت آمریکا، یادداشتی از دولت ایران دریافت نماید مبنی بر این که به خدمت این هیئت دیگر نیازی نیست.»

سند شماره (۴۰)

۸ سپتامبر ۱۹۵۲(۱) (۱۷ شهریور ماه ۱۳۳۱)بدون طبقه بندی ستاد هیئت نظامی ایالات متحده

ژاندارمری شاهنشاهی ایران تهران، ایران

بازگشت به ژاندارمری، شماره ۱۱۷۰ / ت بازگشت به شماره ۱۷/۶/۲۳۵۳۱

به: فرماندهی کل ژاندارمی شاهنشاهی ایران تهران، ایران.

موضوع: پرداخت حقوق هیئت نظامی آمریکا

۱ قرارداد جاری میان دولت ایالات متحده و دولت ایران که اجازه استخدام هیئت نظامی ایالات متحده را در ژاندارمری شاهنشاهی ایران می دهد، در ۲ اکتبر ۱۹۵۲ (۱۰ مهر ۱۳۳۱) پایان می پذیرد. از قرار معلوم نخست وزیر به طور غیررسمی موافقت کرده است که هیئت طبق شرایطی شبیه به آنچه که اکنون هیئت نظامی ایالات متحده در ارتش ایران عمل می کند، کار خود را بعد از تاریخ ۲ اکتبر ۱۹۵۲ ادامه دهد.

بر همین اساس نخست وزیر مایل است تا زمان امضای یک قرارداد رسمی جدید، یا تا زمانی که دولت ایالات متحده یا دولت ایران تصمیم به خارج کردن هیئت نظامی آمریکا (در ژاندارمری) از ایران بگیرند، ترتیباتی که توسط قرارداد جاری مجاز شمرده شده است همچنان بدون تغییر ادامه پیدا کند.

۲ من نسخه ای از نامه مورخ ۱۴ فوریه ۱۹۵۲ (۲۴/۱۱/۳۰) که توسط نخست وزیر دکتر مصدق، به وزارت دارایی ارسال شده است، را ضمیمه کرده ام. در این نامه اجازه داده می شود تا به مستشاران آمریکایی در وزارت جنگ و ژاندارمری مادامی که در ایران بر طبق شرایط مندرج در قراردادهایی که ما بین دو دولت برای استخدام آنها منعقد شده خدمت می کنند، حقوق پرداخت شود. برداشت من این است که این نامه اجازه لازم را به وزارت دارایی می دهد تا به پرداخت کلیه حقوق و

مزایایی که تاکنون پرداخته شده و یا مجوز پرداخت آن وجود دارد، بعد از انقضای مدت قرارداد رسمی در ۲ اکتبر ۱۹۵۲ ادامه دهد.

۳ از شما درخواست می شود تا ادامه پرداخت حقوق و فوق العاده اعضاء این هیئت را طبق شرایط قرارداد حاضر تا انقضاء مدت آن و تا زمانی که هیئت در ایران خدمت می کند، تأیید کنید.

(امضاء) شاس. بی. مک کلاند

سرهنگ، سرپرست هیئت

۱- به ضمیمه نامه شماره ۹۳۸ مورخ ۱۳ می ۱۹۵۳ به وزارتخانه ارسال شد.

سند شماره (۴۱)

(در سیستم طبقه بندی ایرانی)خیلی محرمانه

به : فرماندهی کل ژاندارمریتاریخ : ۱۷ سپتامبر (۱)۱۹۵۲ (۲۶ شهریور ۱۳۳۱)

وزارت کشور اداره امنیت و نظم

شماره : ۱۷۸۰/۷۲ ن / ۸۰۴۳ م

موضوع : حقوق مستشاران آمریکایی در ژاندارمری شاهنشاهی ایران

عطف به نامه شماره ۱۱۲۹۷ مورخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۵۲ درباره حقوق مستشاران آمریکایی در ژاندارمری شاهنشاهی ایران که قراردادشان خاتمه می یابد، دستور دهید تا اقداماتی جهت پرداخت حقوق مستشاران آمریکایی در ارتش و ژاندارمری طبق دستورالعمل شماره ۳۲۸۵۰ مورخ ۱۴ فوریه ۱۹۵۲ (۲۴ بهمن ماه ۱۳۳۰ م) دفتر نخست وزیر به وزارت دارایی، انجام پذیرد.

از طرف نخست وزیر

(متن ترجمه شده ارسالی به هیئت، امضایی ندارد)

سند شماره (۴۲)

طبقه بندی : سری تاریخ : ۱۳ می ۱۹۵۳ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۳۲

سفارت آمریکا در تهران، ایران گزیده از مطالب گزارش شماره ۹۳۸

موضوع : وضعیت کنونی هیئتهای نظامی آمریکا در ارتش و ژاندارمری ایران

در رابطه با وضعیت هیئتهای نظامی آمریکا در ارتش و ژاندارمری ایران، نخست وزیر و نمایندگان بیاناتی را ایراد فرموده اند که رسمی تر از بیانیه نخست وزیر مندرج در تلگرام سفارت به شماره ۳۳۹۸ مورخ ۶ مارس ۱۹۵۲ و نیز مندرج در نامه هوایی مرجع وزارت خارجه آمریکا می باشد.

هیئت نظامی در ارتش

در تاریخ ۱۴ فوریه ۱۹۵۲ (۲۴ بهمن ماه ۱۳۳۰ م) قبل از قرارداد شفاهی با سفیر که بر طبق آن هیئت موجود در ارتش به کار خود ادامه می داد. (به گزارش شماره ۳۵۰۳ سفارت مورخ ۱۳ مارس ۱۹۵۲ رجوع شود) و قبل از آنکه مسئله ادامه کار هیئت نظامی در ژاندارمری مطرح گردد، نخست وزیر امریه ای (ضمیمه ۱) به وزارت دارایی صادر کرد تا بر طبق آن حقوق و مزایای «مستشاران تا زمان خدمت آنها در ایران» پرداخت گردد و این موضوع شامل هر دو هیئت نظامی موجود در ارتش و ژاندارمری (برطبق قرارداد و قانون مصوبه) می شود.

در رابطه با هیئت موجود در ارتش، منظور همان قرارداد ۱۹۴۷ است (معاهده ها و دیگر لوایح بین المللی از سری ۱۶۶۶) که تمدید شده اند و یا قراردادهای ۳ نوامبر ۱۹۴۳ (گزارش شماره ۶۵۹ مورخ ۱۰ نوامبر ۱۹۴۳ سفارت) و منظور از قانون مصوبه نیز احتمالاً قانون یکم آبان ۱۳۲۲ (۲۴ اکتبر ۱۹۴۳) است که بر طبق آن «قانون استخدام افسران کادر و وظیفه آمریکایی را جهت خدمت در ارتش ایران توسط وزارت جنگ این کشور مجاز می شمارد، که یک نسخه ترجمه شده از آن نیز

۱- به ضمیمه نامه شماره ۹۳۸ مورخ ۱۳ می ۱۹۵۳ به وزارتخانه ارسال شد.

ضمیمه گزارش ۵۰۴ توسط سفارت در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۴۷ به وزارت خارجه آمریکا ارسال گردیده است.

در امریه صادره توسط نخست وزیر و امریه های دیگر کلمه «حقوق» در زبان ایرانی شامل مزایا نیز می گردد. در تاریخ ۸ مارس ۱۹۵۲ (۱۷ اسفند ماه ۱۳۳۰ م) نخست وزیر امریه دیگری به وزارت دارایی داد (ضمیمه ۲) تا «به افسران هیئت نظامی آمریکا» بر طبق قانون یکم آبان ۱۳۲۲ حقوق پرداخت نماید تا قرارداد آنها پایان یابد. (به تلگرام سفارت به شماره ۳۴۴۴ مورخ ۱۰ مارس ۱۹۵۲ رجوع گردد.)

سریگزارش شماره ۹۳۸، ۱۳ می ۱۹۵۳

در تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۵۲ (۲۸ اسفند ماه ۱۳۳۰ م) بوشهری سخنگوی دولت در برابر مطبوعات اعلام نمود (ضمیمه ۵) که «دولت آمریکا با ادامه حضور موقت هیئت نظامی خود در ایران موافقت کرده ...» و «طبق تصمیم هیئت وزراء تا زمان اتخاذ تصمیم نهایی، حقوق و امتیازات آنها بر اساس شرایط مندرج در قانون یکم آبان ۱۳۲۲ پرداخت خواهد گردید.» (تلگرام سفارت به شماره ۳۶۱۰ مورخ ۲۰ مارس ۱۹۵۲)

ضمائم ۱ و ۲ و ۴ به صورت ترجمه دریافت شده و سفارت میل ندارد به وزارتخانه های ذیربط جهت دریافت اصل مطلب که به زبان فارسی است مراجعه کند.

در رابطه با وضعیت هیئتهای نظامی آمریکایی در ارتش و ژاندارمری ایران سفارت تلگرام های زیر را برای وزارت خارجه آمریکا ارسال داشته است.

در صورتی که وزارت خارجه در رابطه با تجدیدنظر ذکر شده در تلگرام مرجع به این تلگرام ها رجوع نکرده فهرست ذیل سهولت بیشتری را در این کار ایجاد خواهد کرد.

هیئت نظامی در ارتش

شماره ۳۳۰۲ مورخ ۲۸ فوریه ۱۹۵۲

شماره ۳۳۴۴ مورخ ۳ مارس ۱۹۵۲

شماره ۳۳۶۲ مورخ ۴ مارس ۱۹۵۲

شماره ۳۳۹۸ مورخ ۶ مارس ۱۹۵۲

شماره ۳۴۱۰ مورخ ۷ مارس ۱۹۵۲

شماره ۳۴۳۴ مورخ ۸ مارس ۱۹۵۲

شماره ۳۴۳۹ مورخ ۹ مارس ۱۹۵۲

شماره ۳۴۴۴ مورخ ۱۰ مارس ۱۹۵۲

شماره ۳۴۹۱ مورخ ۱۲ مارس ۱۹۵۲

شماره ۳۵۰۳ مورخ ۱۳ مارس ۱۹۵۲

شماره ۳۵۵۷ مورخ ۱۷ مارس ۱۹۵۲

شماره ۳۶۱۰ مورخ ۲۰ مارس ۱۹۵۲

هیئت نظامی در ژاندارمریشماره: ۱۰۳۰ مورخ ۷ سپتامبر ۱۹۵۲

در رابطه با وضعیت هیئتها که توسط سفارت گزارش شده نیز می توان به تلگرامهای فهرست بندی شده فوق مراجعه کرد:

نخست وزیر در نتیجه اعمال فشارها (۳۳۶۲، پاراگراف ۱، ۳۳۹۸ پاراگرافهای ۱ . ۱۱) یا بنا به تشخیص خود (۳۳۴۴ پاراگراف ۶؛ ۳۴۳۴ پاراگراف ۱) بدون رجوع به مصوبات مجلس درصدد نگهداری هیئت آمریکایی در ایران برآمد (۳۳۰۲ پاراگرافهای ۱ و ۶؛ ۳۴۳۴ پاراگراف ۱)، مشروط بر آن که نیازی به انعقاد یک قرارداد کتبی جدید نباشد و نیز چنین نشان ندهد که درصدد تمدید قرارداد موجود برآمده است. (۳۳۰۴ پاراگرافهای ۱ و ۲؛ ۳۳۶۲ پاراگراف ۱؛ ۳۳۹۸پاراگراف ۶؛ ۳۴۳۴ پاراگراف ۱؛ ۳۵۰۳ پاراگراف ۲). احتمالاً منظور وی این بوده است که قراردادهای قبلی (یا تمدید شده آنها)، با وجود این که گویا بر اساس قانون یکم آبان ۱۳۲۲ (۳۳۰۲ پاراگراف ۶؛ ۳۴۴۴ پاراگراف ۳) منعقد شده است فاقد اعتبار می باشند چون دولت (دولت وقت م) از مشروعیت کافی برخوردار نبوده است. خود او نیز که ظاهراً از قدرت چندانی برخوردار نیست. شفاهاً قراردادها را منعقد ساخته که بر اساس آن خدمت هیئت در ایران ادامه می یابد. و به طور ضمنی در تأیید محتوا و فحوای قراردادهای قبلی برآمده است. امریه اجرائی مورخه ۱۴ فوریه (ضمیمه ۱) در زمینه جزئیات به قراردادهای قبلی و قانون یکم آبان ۱۳۲۲ مراجعه کرده است؛ و در امریه ۸ مارس (ضمیمه ۲) بار دیگر از همان قانون سخن به میان آورده است؛ ولی شواهد موجود نشان نمی دهد که او با توسل به قانون یکم آبان ۱۳۲۲ که استفاده از آن را توسط اسلاف خود نادرست می دانسته در تلاش برای کسب اختیارات بوده است.

تا جایی که به دیگر مقامات ذی ربط ایرانی مربوط است اگر قراردادهای قبلی فاقد اعتبار باشند، قرارداد شفاهی نخست وزیر نیز جای بحث دارد (۳۳۹۸ پاراگراف ۴؛ ۳۴۱۰ پاراگراف های ۳ و ۴)

ظاهراً وی توانسته بود آنها را متقاعد کند (۳۴۳۴ پاراگراف ۲؛ ۳۴۳۹ پاراگراف ۲)، لیکن سفارت از منطق وی خبری ندارد. از نقطه نظر آمریکا قرارداد شفاهی فعلی معتبر است (۳۳۴۴ پاراگراف ۲ و ۳۵۰۲ پاراگراف ۱). سفارت حدس می زند که نخست وزیر علیرغم توصیه اش قانون یکم آبان ۱۳۲۲ را اساسی نیرومند برای انعقاد یک قرارداد شفاهی می داند که می تواند به صورت تمدید قراردادهای دیگر پیگیری شود و او با استفاده از همان اختیارات این قرارداد شفاهی را مطرح نمود. وی همچنین امریه هایی صادر کرده است که در آنها اختیارات خود را مشتق از قانون یکم آبان ۱۳۲۲ می داند.

سفارت معتقد است که بیانات تأیید شده هر یک از طرفین در اعلام یک قرارداد برای مردم جنبه انعقاد غیررسمی یک قرارداد را دارد.

چنین به نظر می رسد که قرارداد شفاهی مربوط به هیئت نظامی آمریکایی در ژاندارمری ایران بر قانون ۲۱ اکتبر ۱۹۴۳ (۲۹ مهرماه ۱۳۲۲ م) و قرارداد تمدید شده ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ (۶ آذر ماه ۱۳۲۲ م) استوار است و از اعتبار کافی برخوردار می باشد.

لوئی. و. هندرسن / سفیر کبیر آمریکا

ص: ۵۵۵

سند شماره (۴۳)

طبقه بندی سری سفارت آمریکا در تهران، ایران

گزیده ای از مطالب گزارش شماره ۹۳۸، مورخ ۱۳ می ۱۹۵۳

موضوع : وضعیت هیئتهای نظامی موجود در ارتش و ژاندارمری ایران.

در رابطه با وضعیت هیئتهای نظامی آمریکایی موجود در ارتش و ژاندارمری ایران نخست وزیر و نمایندگانش بیاناتی ایراد کرده اند که رسمی تر از بیانات نخست وزیر مندرج در تلگرام شماره ۳۳۹۸ مورخ ۶ مارس ۱۹۵۲ و نیز مندرج در نامه هوایی مرجع وزارت خارجه آمریکا است.

هیئت نظامی در ژاندارمری

در تاریخ ۶ سپتامبر ۱۹۵۲ (۱۵ شهریور ماه ۱۳۳۱ م) سفیر و نخست وزیر شفاهاً موافقت کردند که هیئت موجود در ژاندارمری پس از ۲ اکتبر ۱۹۵۲ (۱۰ مهرماه ۱۳۳۱ م) موقتاً کار خود را ادامه دهد. (تاریخ اختتام قرارداد تمدید شده مربوط به هیئت نظامی موجود در ژاندارمری) و شرایط قرارداد قبلی نیز اساس عملکرد کنونی آن باشد (تلگرام سفارت به شماره ۱۰۳۰ مورخ ۷ سپتامبر ۱۹۵۲، کلمه «امروز» در متن تلگرام ها به معنی تاریخ نگارش می باشد.)

در تاریخ ۸ سپتامبر ۱۹۵۲ رئیس هیئت موجود در ژاندارمری فرماندهی کل ژاندارمری را از وجود قرارداد شفاهی، کتبا مطلع ساخت. این نامه متن اصلی نامه نخست وزیر را نیز به همراه داشت و اظهار می داشت که طبق نامه نخست وزیر حقوق و مزایای هیئت موجود در ژاندارمری پس از ۲ اکتبر باید پرداخت گردد. همچنین طی همین نامه تقاضا شده است که مسئله پرداخت حقوق مورد تأیید واقع گردد.

ژاندارمری نیز ظاهراً موضوع را به وزارت کشور که اختیارات حقوق ژاندارمری را بر عهده دارد،

طی نامه ای ارجاع کرده که نسخه ای از آن در اختیار ما نیست، ولی تاریخ ارسال ۱۰ سپتامبر ۱۹۵۲ بوده و در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۵۲ (ضمیمه ۴، پیوست ۱) پاسخی دریافت نموده که مؤید پرداخت حقوق هیئت بر اساس نامه نخست وزیر در ضمیمه ۱ می باشد.

نسخه ای از نامه وزارت کشور همراه با نامه مورخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۵۲ که از طرف ژاندارمری برای رئیس هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری ارسال شده به پیوست فرستاده می شود (ضمیمه ۴)

تا جایی که به هیئت موجود در ژاندارمری مربوط است، قرارداد مذکور در ضمیمه ۱ همان قرارداد تمدید شده ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ است (قراردادهای اجرائی ۳۶۱). و «قانون مصوبه» نیز قانون ۲۱ اکتبر ۱۹۴۲ است که در مقدمه قرارداد به آن اشاره شده است. سفارت رونوشتی از این قانون را در اختیار ندارد و تلاش برای دریافت این رو نوشت از دولت ایران نتایج ناپسندی را در بر خواهد داشت.

در رابطه با قرارداد شفاهی مربوط به ادامه کار هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری هیچ گونه بیانیه مطبوعاتی منتشر نگردیده است.(۱)

۱- قسمتهای بعدی این سند عیناً در سند شماره ۴۲ در صفحات ۱۰۶ ۱۰۷ و ۱۰۸ آمده است لذا برای جلوگیری از تکرار مطالب از چاپ این صفحات خودداری به عمل آمد. م

ص: ۵۵۶

سند شماره (۴۴)

وزارت دفاع ملی دفتر نخست وزیرتاریخ : ۱۸ مارس ۱۹۵۴ ۲۷ اسفند ۱۳۳۲

به : وزارت دفاع ملی

شماره : ۴۴۷۶۶۰

هیئت وزیران، بر اساس طرح پیشنهادی وزارت دفاع ملی به شماره ۱۶۲۱۸/۴۳۵۶۹ مورخ ۱۶ مارس ۱۹۵۴، ادامه خدمات و پرداخت حقوق مستشاران آمریکایی در وزارت دفاع ملی را از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۵۴ (اول فروردین ۱۳۳۳ م) برای مدت یک سال، همان گونه که در ماده ۳ قرارداد مورخ ۱۳ مهر ۱۳۲۶ آورده شده، مورد تصویب قرار داده است.

تصویب نامه فوق در دفتر نخست وزیر موجود می باشد.

از طرف نخست وزیر

شماره: ۴۵۸۶۰/۱۶۸۸۷ تاریخ: ۲۰ مارس ۱۹۵۴ ۲۹ اسفند ۱۳۳۲ رونوشت به اداره مستشاری جهت اطلاع و اقدام.

سند شماره (۴۵)

بدون طبقه بندی نامه غیر رسمی تاریخ : ۲۳ مارس ۱۹۵۴ (۳ فروردین ماه ۱۳۳۳

از : آر. اچ. بوشنر به : بایگانی

موضوع : عنوان رسمی برای «آرمیش»

هیچ نوع عنوان رسمی برای «آرمیش» وجود ندارد، اگر چه عنوانی که معمولاً بیشتر به کار برده شده (همچنان که در زیر نشان داده شده) عبارت است از «هیئت نظامی ایالات متحده در ارتش ایران» موافقتنامه مربوطه، خودش از «آرامیش» به عنوان «هیئت نظامی در ایران» یاد می کند، و هدف آن را

«همکاری با وزارت جنگ ایران و پرسنل ارتش ایران» ذکر می کند. عناوین مختلفی که تا کنون به کار برده شده، به شرح زیر است:

۲۶ آوریل ۱۹۴۸ (۶ اردیبهشت ۱۳۲۷)، نامه غیر رسمی: هیئت نظامی ایالات متحده در ارتش ایران.

۶ ژانویه ۱۹۴۹ (۱۶ دی ۱۳۲۷)، نامه: هیئت نظامی ایالات متحده در ارتش ایران.

۲۰ دسامبر ۱۹۴۸ (۲۹ آذر ۱۳۲۷)، یادداشت به وزارت امور خارجه: هیئت نظامی در ارتش ایران.

۱۴ مارس ۱۹۴۹ (۲۳ اسفند ۱۳۲۷)، یادداشت به وزارت امور خارجه: هیئت نظامی ایالات متحده در ارتش ایران.

۲۱ آوریل ۱۹۴۹ (۱ اردیبهشت ۱۳۲۸)، نامه: هیئت نظامی ایالات متحده در ارتش ایران.

۱۶ ژانویه ۱۹۵۰ (۲۶ دی ۱۳۲۸)، نامه: هیئت مستشاری آمریکا در وزارت جنگ ایران.

۲۸ نوامبر ۱۹۴۹ (۷ آذر ۱۳۲۸)، یادداشت به وزارت امور خارجه: هیئت مستشاری آمریکا در وزارت جنگ شاهنشاهی.

۱۸ نوامبر ۱۹۵۰ (۲۷ آبان ۱۳۲۹)، یادداشت: هیئت نظامی ایالات متحده در ارتش ایران.

۲ دسامبر ۱۹۵۰ (۱۱ آذر ۱۳۲۹)، نامه: هیئت ارتش ایالات متحده در ارتش ایران.

سند شماره (۴۶)

تاریخ : ۲۹ فروردین ۱۳۳۳ ۱۸ آوریل ۱۹۵۴

یادداشت شماره ۴۸۱ وزارت امور خارجه

جناب آقای سفیر کبیر

عطف به موافقتنامه مورخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت کشورهای متحده آمریکا راجع به هیئت نظامی آمریکا در ارتش ایران محترما پیشنهاد می نماید که موافقتنامه مزبور تا تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۳۳ (۲۰ مارس ۱۹۵۵) تمدید شود .

دولت شاهنشاهی ایران مفاد این نامه و پاسخ جنابعالی را به عنوان تجدید موافقتنامه فوق الذکر تلقی خواهد نمود.

موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می شمارم.

(امضاء)عبدالّله انتظام

جناب آقای لوئی. و هندرسنوزیر امور خارجه تهران

سفیر کبیر کشورهای متحده آمریکا

سند شماره (۴۷)

تاریخ : ۲۹ فروردین ۱۳۳۳ ۱۸ آوریل ۱۹۵۴

یادداشت شماره : ۴۸۲ وزارت امور خارجه

جناب آقای سفیر کبیر

توقیراً به قرارداد اصلاحی مورخ ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت کشورهای

متحده آمریکا راجع به هیئت نظامی کشورهای متحده در ژاندارمری شاهنشاهی ایران عطف نموده،

تقاضا دارد قرارداد مزبور تا ۲۹ اسفند ۱۳۳۳ (۲۰ مارس ۱۹۵۵) تمدید شود.

دولت شاهنشاهی ایران این یادداشت را به ضمیمه پاسخ جنابعالی در حکم تجدید قرارداد تلقی

خواهد نمود.(امضاء)با تقدیم احترامات فائقه

جناب آقای لوئی و. هندرسن عبداللّه انتظام

سفیر کبیر آمریکا وزیر امور خارجه تهران

سند شماره (۴۸)

وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا۱۸ آوریل ۱۹۵۴ ۲۹ فروردین ۱۳۳۳

سفارت کبرای آمریکا تهران ایران مهر

عالیجناب:

احتراماً، وصول نامه ذیل به تاریخ امروز از طرف جنابعالی را اعلام می دارد:

«احتراماً، عطف به موافقتنامه مورخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت ایالات

متحده آمریکا راجع به هیئت نظامی ایالات متحده در ارتش ایران، پیشنهاد می نماید که موافقتنامه مزبور تا تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۳۳ (۲۰ مارس ۱۹۵۵) تمدید شود.

«دولت شاهنشاهی ایران مفاد این نامه و پاسخ جنابعالی را به عنوان تجدید موافقتنامه تلقی خواهد نمود.»

اینجانب اجازه دارم که به استحضار جنابعالی برسانم که دولت ایالات متحده آمریکا با پیشنهاد مندرجه در نامه آن جناب موافق است و نامه مزبور را به همراه این جوابیه، به منزله تجدید قرارداد مذکور تلقی می کند.

عالیجناب تجدید احترامات فائقه من را بپذیرید.

عالیجناب، عبداللّه انتظام وزیر امور خارجه، تهرانلوئی و. هندرسن

فصل سوم

ملت ما می گوید ارتش ما باید مستقل باشد، ارتش نباید زیر

فرمان مستشارهای آمریکا و اجنبی باشد، ما برای خاطر

شما این حرفها را می زنیم، شما هم بیایید برای خاطر

خودتان این حرفها را بزنید و بگویید ما می خواهیم مستقل

باشیم، ما نمی خواهیم این مستشارها باشند. ما می گوییم

ارتش باید مستقل باشد.

امام خمینی(س) ۱۲/۱۱/۵۷

فصل سوم شامل ۲۳ سند است که مقطع ۲۳ تیرماه ۱۳۳۳ تا ۱۶ خرداد ۱۳۴۳ را دربر می گیرد. ۶ سند مربوط به تاریخچه شکل گیری هیئتهای مختلف مستشاری نظامی آمریکا در ارتش و ژاندارمری ایران می باشد.

در سال ۱۹۵۴، دو گروه متفاوت از مستشاران نظامی آمریکا که به طور همزمان و موازی در ارتش ایران فعالیت می کردند، ادغام شدند. در سال ۱۹۵۶ قراردادی برای اجرای پروژه های «ساختمان سازی نظامی» میان ایران و آمریکا امضاء گردید و باعث شد که نه تنها تعداد نظامیان آمریکا در ایران افزایش بیشتری پیدا کند، بلکه تعداد زیادی از اتباع کشورهای ثالث را تحت پوشش مقاطعه کاران ساختمانی وارد ایران نمود. ورود این نظامیان و اتباع کشورهای ثالث، مشکل عمده ای را در مورد ثبت گذرنامه های آنها میان دو کشور ایجاد کرد. زیرا دولت آمریکا خواهان آن بود که گذرنامه های این افراد به جای این که در شهربانی ثبت شود در وزارت خارجه ایران ثبت گردد تا از پرداخت هر گونه مالیات، عوارض ورود و کسب جواز کار در ایران معاف شوند. ۱۷ سند در مورد این دو مسئله است.

سند شماره (۴۹)

هیئت نظامی ایالات متحده آمریکا در ارتش شاهنشاهی ایران (آرمیش)

از ۲۷ سپتامبر سال ۱۹۴۱ یک هیئت نظامی در ایران وجود داشته است. کار اصلی آن ارائه کمک به کشورهای خاورمیانه ای بود که ایران تا ۲۳ اکتبر ۱۹۴۳ آن را به عنوان کمکی به خود نپذیرفته بود. در تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ یک قرارداد رسمی در رابطه با استقرار هیئت نظامی آمریکا در ارتش ایران

منعقد گردید. با وجود این که قرارداد مزبور در زمان اختتام یعنی سال ۱۹۵۱ تمدید نشد ولی بر اساس یک قرارداد شفاهی با نخست وزیر مصدق این هیئت بکار خود ادامه داد.

هدف کلی این هیئت آموزش و ارائه مشاوره های اداری و فنی و کمک در تمام زمینه های نظامی است تا علاوه بر تسریع روند مدرن سازی، کارآیی نیروی زمینی، هوایی و دریایی ایران را نیز بالا ببرد.

این هیئت از ۲۴ افسر کادر و ۶۷ افسر وظیفه تشکیل شده است. سرتیپ «رابرت ا. مک کلور» از ایندیانا فرمانده هیئت؛ و سرهنگ «ورنوم سی. استیونس» از پنسیلوانیا رئیس ستاد است.

از زمان جنگ جهانی دوم هیئت نظامی آمریکا برای ارتقا کارآیی ارتش شاهنشاهی ایران که شامل نیروی هوایی و دریایی نیز می باشد، تلاش نموده است. ارتش این کشور در دوران قبل از جنگ جهانی دوم وضع اسف باری داشت، چون از لشکرهای غیر استاندارد و غیر مجهز و پراکنده در سراسر کشور تشکیل شده بود. این ارتش فاقد پشتیبانی بود و بسیاری از تجهیزات قدیمی آن فرسوده و نیاز به تعویض داشت. معدود مدارس نظامی موجود نیز در سالهای جنگ از بین رفته بود و کشور با فقدان افسران آموزش دیده روبرو بود. هیئت نظامی آمریکا برای سازماندهی مجدد و نوسازی ارتش، طرحهایی را تهیه نمود. یک نظام تدارکاتی عملی برای آن به وجود آمد. یک روش مترقی تدریس امور نظامی طراحی شد تا افسران واجد شرایط و متخصص بتوانند یک برنامه آموزشی واقعگرایانه را طی کنند.

پیدایش برنامه کمک دفاعی نظامی برای ایران تا حدودی راه را برای رسیدن به این اهداف هموار نمود. ولی گهگاه به خاطر تغییر اوضاع سیاسی و فقدان همکاری ستاد فرماندهی ایران با مستشاران آمریکایی، پیشرفت با موانعی روبرو می شد. اصولاً طرز برخورد و فکر ستاد فرماندهی، انعکاسی از جو سیاسی دولت موجود و رابطه اش با غرب بود. علیرغم تشنجات گذشته و وضع مالی بحرانی ایران،

در طول دو سال گذشته کارهای بسیاری انجام گرفته است.

در حال حاضر، با وجود شاه به عنوان رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران، ستاد فرماندهی ارتش ایران پندها و مشاوره های هیئت نظامی را با میل و رغبت بیشتر پذیرفته و در تلاش برای بالا بردن وضع نهاد نظامی همکاری می نمایند.

طرح توأم با تأخیر سازماندهی مجدد ارتش، که بنا به توصیه هیئت نظامی بوده، در مرحله نهایی اجرا به سر می برد. نیروی زمینی از ۱۲ لشکر پیاده (سبک) و سه لشکر زرهی (سبک) که به صورت پنج سپاه رزمی سازماندهی شده اند تشکیل گردیده است. هر لشکر دارای واحدهای لجستیکی ویژه خود می باشد، تا تعمیر و تدارک واحدهای رزمی دچار وقفه نشود. نظام پیشنهادی ارتش آمریکا به کار گرفته شده و در مرحله اجرا می باشد. بخش اعظم تجهیزات مربوط به این نیروها بر اساس برنامه کمک دفاعی نظامی دریافت شده است.

در نتیجه برنامه مرحله ای در توپخانه، آموزش واحدها نیز با سرعت بیشتری انجام می شود.

یکی دیگر از موفقیتهای قابل ذکر، سازماندهی دانشکده نظامی است. که اساتید آن را افسران ایرانی تشکیل می دهند که بر اساس برنامه کمک دفاعی نظامی و در آمریکا آموزش دیده اند. این نهاد مرکب از مدارس خدمات و تسلیحات رزمی است که تحت نظر یک سرپرست اداری سازماندهی شده اند تا در مورد اعمال هماهنگی و نظارت غفلت نشود. این تأسیسات افسران آموزش دیده ای را

تحویل جامعه داد که توانسته اند به جذب و بهره برداری صحیح از تجهیزات ارائه شده توسط برنامه کمک دفاعی نظامی کمک کنند. این دانشکده نظامی همراه با دو مدرسه مهم دیگر یعنی آکادمی نظامی و دانشکده افسری به افسران اجازه می دهد که از تحصیلات پیشرفته نظامی برخوردار شوند.

نیاز مادی چیزی است که احتمالاً برای ارتش ایران دارای ارزش عملی و حساس از نظر روانی است. شاه مایل به سازماندهی، تجهیز و آموزش ارتشی است که قادر به دفاع از کشور در برابر هر گونه تهاجم خارجی و نیز حفظ امنیت داخلی باشد. این تجهیز اضافی که در حال حاضر در مورد آن برنامه ریزی هایی صورت نگرفته، ترکیبی از توپخانه های میان برد، تسلیحات پدافند هوایی، تانکهای میانبرد، تجهیزات پل سازی، بهبود وضع فرودگاه ها و آشناسازی اولیه با هواپیماهای جت می باشد. این بخشی از برنامه پیشنهادی دوساله شاه است تا از طریق آن بتوان بنیه، حس اعتماد و اراده ارتش را در مقاومت بر علیه تهاجم بالا برد.

سند شماره (۵۰)

هیئت نظامی ایالات متحده آمریکا در ارتش شاهنشاهی ایران (آرمیش)

در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۴۱ یک هیئت نظامی آمریکایی در ایران شروع به کار کرد. در ابتداء امر کار آن ارائه کمک به خاورمیانه بود ولی در ۲۳ اکتبر ۱۹۴۳ به صورت کمک رسمی برای ایران به کار پرداخت. طی یک قرارداد رسمی در تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ این هیئت مستقیماً به کار در ارتش ایران مشغول شد. پس از اختتام قرارداد در سال ۱۹۵۱ اقدامی در جهت تمدید آن به عمل نیامد و این هیئت بر اساس یک قرارداد شفاهی منعقده با نخست وزیر پیشین یعنی مصدق مشغول به کار شده است.

هدف و وظیفه کلی این هیئت ارائه آموزش و مشاوره اداری و فنی و کمک در تمام زمینه های نظامی می باشد به نحوی که بتواند نوسازی و کارآیی نیروی زمینی، هوایی و دریایی شاهنشاهی را

افزایش دهد.

این هیئت از ۲۴ افسر کادر و ۶۷ افسر وظیفه تشکیل شده است. سرتیپ رابرت. ا. مک کلور از ایندیانا فرمانده این هیئت و سرهنگ ورنوم سی. استیونس از پنسیلوانیا رئیس ستاد هیئت است.

در حال حاضر با وجود ناقص بودن برنامه های آموزش و تجهیز، نیروهای مسلح ایران پیشرفت قابل توجهی داشته اند که این پیشرفت به خصوص در زمینه ترابری، زرهی، مخابرات، پشتیبانی، تعمیر و نگهداری و آموزش محسوس است به طور مثال:

بسیاری از انواع وسایط نقلیه، ارائه شده و پرسنل لازم آموزش دیده، قادر به اداره آنها می باشند.

ارتش شاهنشاهی ایران از قدرت تحرک محدودی برخوردار شده است. در مقایسه با واحدهای آمریکایی، می توان واحدهای ایران را نیمه متحرک خواند. محدودیتهای سیستم پشتیبانی و سوخت رسانی، قابلیت تحرک آنها را محدود می سازد راهها و مناطق کوهستانی، آنان را از نظر ترابری شدیداً به چهار پایان متکی ساخته است.

در حال حاضر هر لشکر پیاده و زرهی مجهز به یک گروهان تانک سبک است. علاوه بر این دو لشکر زرهی موجود مجهز به یک گردان تانک متوسط ۷۶ میلیمتری می باشند. محموله های جدید ایران را تانکهای ۹۰ میلیمتری تشکیل می دهند. یک کادر مخصوص تشکیل شده تا آموزش لازم را

در زمینه سومین گردان تانک ارائه کنند. علاوه بر این، وسایل نقلیه زرهی M ۲۰ و M ۸ نیز به این ارتش داده شده و عناصر جدید امنیتی، و شناسایی، مخصوص اطراف تجهیزات سبک زرهی در لشکرهای پیاده و زرهی تشکیل خواهند شد.

سیستمهای مخابراتی باسیم و بی سیم ایجاد شده و کنترل تاکتیکی بهتری را ارائه می کند.

آموزش در زمینه کاربرد بهتر از سلاحهای پشتیبانی مانند توپخانه، خمپاره انداز، موشک انداز و تفنگهای بدون خان، افزایش قدرت آتش این ارتش را تحقق بخشیده است.

افزایش کنترل آموزشی آمریکا در بالا بردن کارایی ارتش ایران ضروری تشخیص داده شده است. پیشنهادهای مربوط به اجراء آن به ستاد مشترک ارتش شاهنشاهی ایران ارجاع گردیده ولی هنوز مورد قبول واقع نشده است.

واقعیت این است که هنوز باید در زمینه پشتیبانی و تعمیر و نگهداری بخصوص در پشتیبانی از «واحدهای رزمی»، فعالیتهای بسیاری انجام پذیرد. ولی در صورتی که پرسنل آموزش دیده و لوازم یدکی به اندازه مورد نیاز در دسترس باشد و در صورتی که سیستم انبارداری رضایت بخشی به وجود آید، بهبود زیادی در وضع موجود پدید خواهد آمد.

ستون فقرات هر گونه پیشرفت فنی و تاکتیکی در هر تشکیلات نظامی، سیستم آموزش مخصوص پرسنل آموزش دیده است. در طی دو سال گذشته سیستم آموزش نظامی، بازسازی شده تا در تمام زمینه ها، آموزشهای لازم را ارائه کند. آموزش پیشرفته هماهنگ با خط مشی های فنی و تاکتیکی صحیح باید توسط افسران انجام شود تا بتوانند به درجات بالاتر ارتقاء پیدا کنند. به عنوان یک پروژه درازمدت، باید گفته شود که سیستم آموزشی بدون شک نقش مهمی را در آینده نهاد نظامی ایران ایفا خواهد کرد.

سند شماره (۵۱)

هیئت نظامی ایالات متحده آمریکا در ژاندارمری شاهنشاهی ایران (جنمیش)

۱ ژاندارمری ایران یکی از دو ارگان موجود در اختیار وزارت کشور (دیگری شهربانی ایران است) جهت حفظ امنیت و نظم در داخل ایران می باشد. نیروی ژاندارمری مرکب از ۲۱۰۰۰ نفر و در زمان صلح دارای مأموریتی دوگانه است.

الف برقراری نظم و قانون در ایران بجز در مناطقی که شهربانی در آنها مستقر شده و دیگر نقاط قبیله نشین و مرزی که تحت کنترل ارتش است.

ب اجراء بخشنامه های وزارتخانه ها و دوایر دولتی در مناطقی که تحت کنترل شهربانی نمی باشد.

این امر شامل احضاریه ها و ارائه اخطاریه های حقوقی است.

نقش زمان جنگ ژاندارمری شامل چند وظیفه دیگر از جمله نقش پلیس نظامی در حمایت مستقیم از ارتش است. در حال حاضر دولت در نظر دارد قدرت ژاندارمری را به طرز قابل توجهی افزایش دهد.

۲ هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری ایران در ماه اوت ۱۹۴۲ به وجود آمد قراردادی در مورد رابطه بین هیئت و دولت ایران در ۱۹۴۳ مورد مذاکره و انعقاد قرار گرفت و تا زمان اختتام آن یعنی

اکتبر ۱۹۵۲ مرتباً تمدید گردید. در آن زمان نخست وزیر به سفیر آمریکا اطمینان داد که در عین حال که تمدید آن ضرورت دارد ولی این هیئت می تواند، بر اساس قرارداد مختومه عمل کند تا این که قرارداد جدیدی منعقد گردد و یا دولتین دو کشور تشخیص دهند که دیگر خواهان ادامه فعالیت هیئت نیستند. این هیئت از هفت افسر کادر و هشت افسر وظیفه تشکیل شده است. رئیس هیئت سرهنگ «چارلز. بی. مک کلیلاند» دارای شماره سریال خدمتی ۱۷۵۵۸، از «کاوینگتون، تنسی» آمریکا است.

هدف هیئت مشاوره و کمک به وزیر کشور از طریق فرماندهی کل ژاندارمری در بهبود وضع سازمانی، آموزشی، تجهیزاتی و توان عملیاتی ژاندارمری می باشد. مهمترین اهداف آن عبارت است از:

الف بهبود عملکرد ژاندارمری در حوزه مأموریت خود.

ب بهبود توان رزمی آن برای اجراء مأموریت خود و نیز پشتیبانی از ارتش ایران در صورت حمله یک قدرت خارجی به ایران.

ج بهبود وجهه آن در انظار عموم.

این هیئت در نقش مستشاری خود فاقد هر گونه قدرت اجرایی است. اهداف از این طرق برآورده خواهند شد: تدریس در مدرسه ژاندارمری، مساعدتهای امنیتی در زمینه های مناسب از برنامه های کمک دفاعی متقابل (MDAP)گرفته تا همکاری فنی برای برنامه ایران (ICI) و از طریق تسلیم پیشنهادهایی که به منظور تنفیذ و شکل دادن سیاستها و برنامه ها در تمام زمینه های فعالیتهای ژاندارمری تهیه شده است. توصیه ها، نتایج مطالعات مداوم و تحقیقات انجام شده و سفرهای منطقه ای اعضاء هیئت می باشد.

۳ پیشرفت برنامه هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری ایران، این هیئت در عملیات خود فاقد قدرت اجرائی است و از طریق حس اعتماد و همکاری در ژاندارمری و دیگر ادارات دولتی ایران به

موفقیت خواهد رسید. این هیئت در این زمینه بسیار موفق بوده و از اعتماد و احترام کامل ژاندارمری و وزارت کشور برخوردار شده است. علیرغم این موفقیت کامل، در مسیر اهداف هیئت موانعی وجود داشته است.

در حال حاضر محدودیتهای بودجه ای، مانع بزرگی در راه از بین بردن کمبودهای موجود در این نیرو است.

علیرغم این کمبودها، هیئت، پیشرفتهای قابل ملاحظه ای در زمینه های تشکیلاتی، ستادی، مخابرات، ترابری، مسکن، بهداشت اولیه و آموزش داشته است. در صورت ادامه حمایت از برنامه کمک دفاعی متقابل و قرارداد همکاریهای فنی دوجانبه و کمکهای مالی دولت در مدرن سازی تجهیزات ژاندارمری، این هیئت خواهد توانست اهداف مورد نظر خود را تحقق بخشد.

سند شماره (۵۲)

طبقه بندی : ندارد تاریخ : ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۴ ۲۳ تیر ۱۳۳۳ تهران، ایران

هیئت نظامی ایالات متحده آمریکا در ارتش ایران

قرارداد بین دولت آمریکا و دولت شاهنشاهی ایران، هیئت نظامی آمریکا در ارتش ایران را پدید آورد که قرارداد مزبور رسماً در تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۴۳ منعقد گردید. هدف و وظیفه کلی این هیئت ارائه

کمک و مشاوره آموزشی، اداری و فنی در تمام جنبه های نظامی است تا نوسازی و کارایی نیروی زمینی، نیروی هوایی و دریایی ایران بهبود پیدا کند. هم اکنون این هیئت مرکب از ۹۲ پرسنل نظامی آمریکا یعنی ۳۱ افسر کادر و ۶۱ افسر وظیفه می باشد. رئیس هیئت سرتیپ رابرت. ا. مک کلور است و معاون و رئیس ستاد، سرهنگ ادوین ا. ماچن. جی آر. می باشد.

در حال حاضر، گرچه برنامه های آموزشی و تجهیزاتی کامل نیست، ولی ارتش ایران، پیشرفت بسیاری داشته که این امر در زمینه هایی چون ترابری، زرهی، مخابرات، پشتیبانی، تعمیر و نگهداری و آموزش بسیار محسوس است. به طور مثال، چندین نوع وسیله نقلیه در اختیار ارتش قرار داده شده و پرسنل مخصوص آنها آموزش دیده اند. این امر، همراه با ارائه سیستم تدارکاتی مدرن، توان رزمی نیروی ایرانی را در رابطه با انتقال سریع نیروهای خود از یک نقطه به نقطه دیگر نسبت به سابق افزایش داده است.

دریافت تانکها سبب آموزش پرسنل و سازماندهی گردانهای تانک و گروهانهای مستقل تانک شده است.

سیستم های مخابراتی رادیویی و باسیم نیز توسعه پیدا کرده و در نتیجه کنترل فنی را افزایش داده است.

آموزش در زمینه سلاحهای پشتیبانی، مانند توپخانه، خمپاره انداز، موشک انداز و تفنگهای بدون خان نیز میزان آتش نیروها را افزایش بخشیده است.

ایجاد یک سیستم آموزش نظامی مشابه آنچه که در ارتش آمریکاست از اهمیت زیادی برخوردار بوده و آموزش در تمام زمینه های تخصصی را ارائه می کند. تمام افسران باید در این کلاسها حضور یابند تا بتوانند به درجات فرماندهی بالاتر ارتقاء یابند. در درازمدت، نظام آموزشی بدون شک تأثیر

مهمی بر گسترش نهاد نظامی ایران باقی خواهد گذاشت.

سند شماره (۵۳)

ستادهاشماره : ۱ ۱۵ سپتامبر ۱۹۵۴ (۲۴ شهریور ۱۳۳۳)

قسمت ۱ ادغام و سازماندهی مجدد «آرمیش مگ»

هیئت مستشاری نظامی ایالات متحده در ارتش ایران و

گروه مشاورین کمکهای نظامی ایالات متحده دستورات کلی

از این تاریخ، ستادهای هیئت مستشاری نظامی ایالات متحده در ارتش ایران (آرمیش) و گروه مشاورین کمکهای نظامی ایالات متحده به ایران (مگ)، تجدید سازمان و ادغام گردیده اند، همان گونه که در یادداشت ستادی شماره ۳، مورخ ۲۶ اوت ۱۹۵۴، ذکر گردیده است.

ستادهای ادغام شده به طور رسمی به عنوان ستادهای هیئت مستشاری نظامی ایالات متحده در ارتش ایران و گروه مشاورین کمکهای نظامی ایالات متحده به ایران، نامیده می شوند. به طور غیر رسمی به عنوان ستادهای آرمیش مگ (ARMISH – MAAG) نامیده می شود.

ص: ۵۶۵

قسمت ۲ بیانیه های ستاد

مسئولیتهای اصلی ستاد به شرح زیر واگذار می گردد:

ریاست ستاد .... سرهنگ ادوین. ا. ماچن جونیور، GS۰۲۱۲۸۴

معاون رئیس ستاد (رکن ۱) .... سرهنگ دوم مات. سی. سی. بریستول، جونیور، GS

۰۲۲۰۲۷

معاون رئیس ستاد (رکن ۲) .... سرهنگ جاک، ام. لوم. Inf ۰۲۶۷۱۴۸

معاون رئیس ستاد (رکن ۳) .... سرهنگ هارولد. هانس فلت. GS۰۲۲۱۹۵

معاون رئیس ستاد (رکن ۴) .... سرهنگ جیمز، ای. باربر، GS۰۳۷۳۱۰۷

ریاست قسمت هوایی .... سرهنگ جرج. جی. نورثروپ، A۴۸۰، نیروی هوایی

ایالات متحده.

ریاست قسمت دریایی .... ناخدا هوراس. سی. لایرد جونیور، ۷۵۰۰۰، نیروی دریایی

ایالات متحده.

بنا به دستور سرهنگ ماچن:

آیوی

سرگرد، AGC

آجودان کل

گیرندگان:

Attn: AGAO – I و TAG۴ وابسته نظامی، تهران ۳

ستاد نیروهای آمریکا در اروپا ۲ بیمارستان ۱

پایگاه هوایی تهران CG۲ پارک موتوری ۱

CINCNELM۲ امور مالی، قاهره ۲

سفارت ایالات متحده تهران ۲ بایگانی ۲

سند شماره (۵۴)

شماره ۲۶۱ ۱۶ سپتامبر ۱۹۵۴ ۲۵/۶/۱۳۳۳

یادداشت برای : رئیس ستاد ارتش شاهنشاهی ایران

وزارت جنگ اداری مستشاری تهران، ایران

موضوع : تجدید سازمان آرمیش مگ

۱ در نتیجه مطالعه اخیر جهت بهبود کارایی عملیاتی ARMISH – MAAG، که به نامه مورخ ۲۹ اوت ۱۹۵۴ من باز می گردد، ادغام این دو سازمان به اجراء درآمده است. این امر به هیچ وجه قرارداد هیئت را با دولت ایران، تحت تأثیر قرار نخواهد داد و در آینده موجب حمایت مؤثر و بیشتری برای ارتش شاهنشاهی ایران خواهد بود. برخی از تغییرات جهت انجام حمایتهای مؤثرتر از ارتش ایران، مختصراً در اینجا آمده است.

۲ جهت تسهیل در پیشرفت مداوم ارتش ایران، تغییر مؤثری در وظایف مستشاران فنی و رزمی به وجود آمده است. همان طور که اطلاع دارید، مسئولیت مستشاران برای کمک به ارتش شاهنشاهی ایران به سه مورد تقسیم می شود: مشاوره و کمک به ستاد مشترک ارتش شاهنشاهی ایران و ادارات تابعه آن، کمکهای آموزشی به تمام واحدهای ارتش شاهنشاهی ایران، مشاوره و کمک به بهره برداری از سیستم دانشکده.

در گذشته تأکید بر وظیفه اخیرالذکر، در دانشگاه نظامی، قرار داده شده بود به حدی که رؤسای دانشکده بیشتر بر مستشاران فنی و رزمی تکیه می نمودند و انتظار داشتند که آنها تمام وقت خود را در دانشکده های مربوطه بگذرانند. زمانی که دانشگاه نظامی برای شکل گیری در حال مبارزه بود، این امر ضروری و مناسب می نمود، اما به دلیل این که این دانشکده به نحو خوبی تأسیس شده و بطور مؤثری اداره می شود، به نظر می رسد که اکنون می بایستی تأکید بر مشاوره و کمک به ستاد مشترک ارتش شاهنشاهی ایران و ادارات تابعه آن و واحدهای عملیاتی قرار گیرد. این مسئله در تجدید سازمان آرمیش مگ مورد ملاحظه قرار گرفته است.

۳ امتیاز ویژه، تأسیس رکن سوم (G – ۳)که دارای یک شاخه آموزشی و یک شاخه طرح و عملیات و سازماندهی است، می باشد. این امر اجازه خواهد داد تا همکاری و همبستگی نزدیکی با بخشهای مشابه در ستاد شما صورت گیرد. این امر تسهیلاتی در زمینه های ذیل فراهم خواهد نمود؛ هدایت و کمک در طراحی، سازماندهی و امور آموزشی به منظور در بر گرفتن برنامه ها و یادداشتهای آموزشی، تمرین پاسگاه فرماندهی (CPX)، مانورها، آموزش بازرسی، طرحهای دفاعی، سازماندهی واحدها و ستادهای جدید، بازدیدهای صحرایی و تأسیس و نگهداری بایگانیهای آموزشی.

۴ لازم به ذکر است، در سازماندهی جدید، پستهای اختصاص یافته برای مستشاران در دانشگاه

نظامی، دانشکده نظامی و دانشکده ستاد تغییری نکرده است. تنها تغییر در این زمینه، انتقال افسران خاصی می باشد. به دلیل این که سرهنگ بنسون قرار است به زودی به ایالات متحده برگردد، سرهنگ وایت این وظایف را انجام خواهد داد، لذا فرصت مناسبی برای سرهنگ وایت به منظور توجیه نسبت به وظایف سرهنگ بنسون وجود دارد. هنگامی که سرهنگ دوم میل (MALE) از آمریکا بیاید، به دانشکده نظامی منتقل خواهد شد.

۵ درخواست شده است که رؤسای دانشکده به نحو مقتضی با اطلاعات مندرج در این نامه، توجیه شوند.

ادوین ا. ماچن

سرهنگ GS

کفیل ریاست هیئت

ص: ۵۶۷

سند شماره (۵۵)

وزارت جنگ تهران، ایرانشماره: ۳۶۵۲/۱۲۹۷۳

۶ ژانویه ۱۹۵۵ ۱۶/۱۰/۱۳۳۳

یادداشت برای: رئیس اداره مستشاری، وزارت جنگ

(رئیس هیئت مستشاری نظامی ایالات متحده در ارتش ایران،

رئیس گروه مشاورین کمک نظامی ایالات متحده به ایران)

موضوع: ادغام آرمیش مگ

وزیر جنگ هیچ گونه اعتراضی نسبت به ادغام هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ارتش ایران و گروه مشاورین کمک نظامی آمریکا از تاریخ ۱۵ سپتامبر ۱۹۵۴ (۲۴ شهریور ماه ۱۳۳۳ م) نداشته و با این امر موافق است.

به نظر من، این ادغام به هیچ وجه قراردادهای موجود میان دو دولت ما را، که به هیئت مستشاران و گروه مشاورین مجوز لازم را می دهد، تحت تأثیر قرار نخواهد داد. به علاوه معتقدم که این ادغام برای حداکثر استفاده از پرسنل موجود ایالات متحده، که به هیئت مستشاری و یا به گروه مشاورین منتقل شده اند، صلاح دانسته شده است.

(امضاء): وزیر جنگ، سپهبد، الف. هدایت

کپی مطابق با اصل

دی. دبلیو. ایوی سرگرد

سند شماره (۵۶)

به: رئیس ستاد ارتش ایالات متحده واشنگتن، دی سی.۱۷ ژانویه ۱۹۵۵ ۲۷/۱۰/۱۳۳۳

ستادهای هیئت مستشاری نظامی ایالات متحده در ارتش ایران و

گروه مشاورین کمک نظامی ایالات متحده به ایران و نیویورک

موضوع: ادغام و تجدید سازمان آرمیش مگ

۱ در ۱۵ سپتامبر ۱۹۵۴، با اقدام ستاد فرماندهی محلی، همان گونه که در دستور عمومی شماره ۱ این ستاد (کپی الصاقی به عنوان ضمیمه ۱) بیان شده است، هیئت نظامی ایالات متحده در ارتش ایران و همچنین گروه مشاورین کمک نظامی ایالات متحده به ایران به منظور حداکثر استفاده از پرسنل موجود، تجدید سازمان و در هم ادغام شدند.

۲ مهمترین تغییرات لازم برای تجدید سازمان فوق الذکر در یادداشت شماره ۳ ستاد این مرکز فرماندهی مورخ ۲۶ اوت ۱۹۵۴ ذکر شده است. (کپی الصاقی به عنوان ضمیمه ۲). مشکلترین مسئله در زمینه تجدید سازمان، مستلزم این بود که رئیس بخش ارتش در مگ، نیز به عنوان جمعی رکن چهار (G – ۴)معرفی شود، مشکلی که به واسطه درخواست تعویض، به راحتی قابل حل خواهد بود.

۳ به طور غیررسمی از سوی یک نماینده رکن سوم (G – ۳) وزارت ارتش (آمریکا م) به نام (سرگرد رکس هپتون، کد آژانس عملیاتی DA, G۳, S) مطلع شدم که نظر وزارت ارتش درباره ادغام آرمیش مگ این بوده که دستور عمومی ۱ (ضمیمه ۱) می بایستی پس گرفته شود تا این که در ابتدا

رضایت وزیر جنگ ایران جلب شود. ضمیمه الصاقی ۳، یک کپی مطابق با اصل از نامه وزیر جنگ ایران است که شامل رضایت رسمی وی نسبت به ادغام و تجدید سازمان می باشد.

۴ منظور از تجدید سازمان و ادغام این نیست که قراردادهای بین دو دولت را در زمینه هیئت و مگ تحت تأثیر قرار دهد و یا این که جداول سهمیه مجاز و جداول توزیع دو سازمان ترکیب شود. بر عکس، مؤکداً سفارش شده است که قراردادهای جداگانه، مضاف بر جداول جداگانه توزیع و سهمیه مجاز برای هیئت و مگ، ادامه پیدا کنند تا خروج احتمالی مگ را در هر زمانی در آینده، ممکن سازد.

۵ بخش نیروی هوایی آرمیش، و نیز بخش نیروی هوایی مگ، به نحو یکسانی ترکیب شده اند اگرچه تأثیر این ترکیب این است که این دو بخش مجزا را تحت لوای یک بخش هوایی آرمیش مگ به ریاست افسر ارشد نیروی هوایی موجود، در خواهد آمد.

۶ بخش نیروی دریایی آرمیش مگ، که شامل دو افسر کادر و دو افسر وظیفه مأمور شده به مگ، است نسبتا از ادغام موردنظر تأثیر نپذیرفته است. به هر حال، رئیس بخش دریایی به طور داوطلبانه همانند گذشته به عنوان مشاور در نیروی دریایی شاهنشاهی به کار خود ادامه می دهد.

۷ قبل از تجدید سازمان و ادغام رسمی در ۱۵ سپتامبر ۱۹۵۴، بسیاری از فعالیتهای آرمیش و مگ ضرورتاً بر پایه ای از ادغام صورت می گرفت. برای مثال بخش آجودانی کل آرمیش، بخش تدارکات آرمیش و بخش پارک موتوری آرمیش به هر دوی هیئت و مگ سرویس می دادند ، همان گونه که اداره پست ارتش متعلق به مگ و بیمارستان ارتش ایالات متحده متعلق به مگ به هر دو سرویس می دادند. در بیشتر موارد پرسنلی که به فعالیتهای فوق الذکر مأمور شده بودند از هر دوی، هیئت و مگ بودند. در واقع پایه غیر رسمی ادغام که در عمل به وجود آمد تا حدی امر تجدید سازمان و ادغام را منظم ساخت.

۸ سازماندهی مجدد و ادغام فوق الذکر، نزدیک به ۵ ماه مشغول به فعالیت بوده است. و نشان داده که کاملاً مؤثر و تضمین شده است به خصوص در مورد استفاده فزاینده از آرمیش مگ توسط نیروهای مسلح ایران و عملیات فوق العاده و مسئولیتهای اداری که به هنگام ورود تیمهای آموزشی ایالات متحده، بر دوش این مرکز فرماندهی قرار گرفت. تأیید ادغام و تجدید سازمان این ستادها، که به طور غیر رسمی به آرمیش مگ معروف شده است، از طرف وزارت ارتش مورد تقاضا می باشد.

رابرت ا. مک کلور

سرتیپ، فرماندهی آمریکا

۳ ضمیمه:

۱ کپی دستور عمومی شماره ۱ ستاد آرمیش مگ مورخ ۱۵ سپتامبر ۱۹۵۴.

۲ کپی یادداشت شماره ۳ ستاد آرمیش مگ مورخ ۲۶ اوت ۱۹۵۴.

۳ نامه وزیر جنگ ایران مورخ ۶ ژانویه ۱۹۵۵

کپی مطابق اصل

دی. دبلیو. آیوی سرگرد، AGC

ص: ۵۶۹

سند شماره (۵۷)

تاریخ : ۵ می ۱۹۵۶ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۵

فعالیت هیئتهای نظامی در ایران

۱ علاوه بر وابسته های نیروی زمینی، دریایی و هوایی سفارت آمریکا، سه هیئت نظامی آمریکایی نیز در ایران بر اساس قراردادهای منعقده بین دولتهای ایران و آمریکا مشغول به کار هستند، این هیئت ها عبارتند از:

الف: هیئت نظامی ایالات متحده آمریکا در ارتش شاهنشاهی ایران (آرمیش)

ب: گروه مشاورین کمک نظامی به ایران (مگ)

ج: هیئت نظامی ایالات متحده آمریکا در ژاندارمری شاهنشاهی ایران (جنمیش)

۲ هیئت نظامی آمریکا در ارتش شاهنشاهی ایران

الف. مأموریت: وظیفه این هیئت کمک و مشاوره با وزیر جنگ ایران، ستاد مشترک ارتش شاهنشاهی ایران و واحدهای تابعه ارتش ایران (از جمله نیروی هوایی و دریایی) در مورد مسائل مربوط به طرحها، سازمان، مدیریت و آموزش است. اعضاء هیئت هیچ گونه مسئولیت عملیاتی یا فرماندهی در ارتش ایران ندارند، لیکن می توانند رسماً به بازرسی و تحقیق جهت پیشبرد وظایف خود بپردازند.

ب. سازمان: این هیئت مرکب از ۲۴ افسر کادر و ۶۷ افسر وظیفه و یک گروه هوایی مرکب از ۱۶ افسر و ۱۲ خدمه هواپیمایی می باشد. این هیئت فاقد گروه دریایی است، ولی قسمت دریایی در مگ در زمینه وظایف مشورتی به آن کمک می نماید. فرمانده هیئت، فرمانده گروه مشاورین کمک نظامی است و رئیس ستاد هیئت نظامی آمریکا در ارتش ایران معاون وی می باشد. هیئت نظامی آمریکا در

ارتش ایران در حال حاضر یک سازمان هماهنگ خدماتی تحت سرپرستی یک اداره اجرائی یعنی وزارت ارتش (آمریکا م) است.

ج. سابقه: یک هیئت نظامی از ۲۷ سپتامبر ۱۹۴۱ در ایران بوده ولی ابتداء کار آن ارائه کمکهای برنامه «وام و اجاره» به خاورمیانه بوده است. اولین افسرانی که نمایندگی این هیئت را داشتند در اکتبر ۱۹۴۲ وارد ایران گردیدند. یک قرارداد رسمی تصریح کننده مأموریت و سازمان، بین دولتین آمریکا و ایران در نوامبر ۱۹۴۳ امضاء گردید. متن تجدید نظر شده قرارداد نیز در تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ تهیه و امضاء شد؛ این قرارداد دائماً تمدید گردیده و مدت آخرین تمدید آن دو سال، از ۲۱ مارس ۱۹۵۶ بوده است.

۳ گروه مشاورین کمک نظامی

الف. مأموریت: به طور خلاصه مأموریت گروه مشاورین کمک نظامی آمریکا در ایران اجراء اهداف و تضمین اجراء مؤثر برنامه کمک دفاعی متقابل در ایران است.

ب. سازمان: گروه مشاورین کمک نظامی آمریکا به ایران از یک بخش ارتشی (به استثناء تیمهای آموزش صحرایی) مرکب از ۲۵ افسر کادر و ۲۰ افسر وظیفه، یک بخش هوایی مرکب از ۵ افسر کادر

و ۷ افسر وظیفه و یک بخش دریایی مرکب از دو افسر کادر و دو افسر وظیفه تشکیل شده است.

فرمانده گروه مشاورین کمک نظامی، فرمانده هیئت نظامی آمریکا در ارتش ایران است. گروه مشاورین کمک نظامی در ایران در تاریخ ۱۹ اوت ۱۹۵۵ تحت سرپرستی فرماندهی نیروهای آمریکا در اروپا قرار گرفت.

ج. سابقه: قرارداد کمک دفاعی متقابل که گروه مشاورین کمک نظامی آمریکا در ایران را تأسیس نمود در تاریخ ۲۳ مه ۱۹۵۰ منعقد گردید. با این وصف تجهیزات مربوط به این قرارداد تا سال مالی ۱۹۵۲ وارد ایران نشد.

۴ هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری ایران

الف. مأموریت: وظیفه این هیئت کمک و مشاوره با وزیر کشور به منظور بهبود سازمان و عملیات ژاندارمری ایران است. مهمترین اهداف این هیئت عبارتند از پدید آوردن معیارهای عالی کارایی، بالا بردن وجهه و اعتبار و جلب حمایت مردمی به منظور بالا بردن پتانسیل نظامی در تقویت ارتش ایران در مواقع بروز یک بحران ملی.

ب. سازمان: هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری ایران از ۸ افسر کادر یک افسر مأمور، و ۹ افسر وظیفه تشکیل شده که همگی پرسنل نظامی هستند. این هیئت یک سازمان خدماتی یکنواخت و یک دست است که فعالیتهای خود را مستقیماً به اداره اجرائی وزارت ارتش گزارش کرده و تحت فرماندهی فرماندهی فرمانده هیئت نظامی آمریکا در ارتش و گروه مشاورین کمک نظامی نیست.

در زمینه برنامه های کمک دفاعی متقابل این این هیئت تحت سرپرستی فرمانده گروه کمک مستشاری نظامی آمریکا در ایران قرار می گیرد.

ج. سابقه: هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری ایران بنا به درخواست مورخ ۱۹۴۲ دولت ایران

تشکیل شد. یک قرارداد رسمی در نوامبر ۱۹۴۳ امضاء گردید که مرتباً مورد تجدید نظر و تمدید قرار می گرفت و آخرین تمدید آن برای مدت دو سال از ۲۱ مارس ۱۹۵۶ آغاز گردید.

۵ ادغام هیئت نظامی آمریکا در ارتش و گروه مشاورین کمک نظامی آمریکا (آرمیش مگ)

این دو گروه قبلاً به طور مجزا ولی تحت سرپرستی یک فرمانده تا سپتامبر ۱۹۵۴ کار می کردند، ولی در این تاریخ ادغام شدند تا علاوه بر صرفه جویی در پرسنل، کارایی عملیاتی آنها نیز افزایش یابد. این ادغام بعداً توسط وزارت ارتش و وزارت دفاع مورد تصویب قرار گرفت.

آرمیش مگ بر اساس یک نظام عادی ستادی، سازمان یافته و دارای بخشهای دریایی و هوایی جداگانه مرکب از اعضای هر دو گروه می باشند. بخشهای ستادی عمومی امور اداری فرماندهی، مشاورت نظامی و وظایف مربوط به برنامه های کمک دفاعی متقابل را انجام داده و بخشهای خدمات فنی و تسلیحات رزمی را در اجراء فعالیتهای مشابه تحت کنترل دارند. آرمیش مگ از یک پارک موتوری، انبار تدارکاتی و خدمات بیمارستانی مربوط به دو هزار شهروند آمریکایی مقیم ایران و نیز از تفریحگاه، به طور مشترک استفاده می کنند. جداول توزیع سازمانی و مالی برای اعضاء دو گروه تفکیک شده اند، زیرا در مورد هر یک از دو گروه قرارداد خاص با دولت ایران امضاء شده و علاوه بر

این سرمایه گذاری لازم برای برنامه کمک دفاعی متقابل چنین ایجاب می کند.

۶ تیم های آموزش صحرایی

الف. عمومی: در اکتبر ۱۹۵۴، وزارت ارتش پنج تیم آموزشی صحرایی هر یک مرکب از سیزده افسر کادر و سیزده افسر وظیفه را تشکیل داد تا در زمینه آموزش صحرایی به ارتش ایران کمک نمایند. تیمهای آموزشی قرار بود در طی یک مدت شش ماهه از ابتدای ژانویه ۱۹۵۵ (دی ماه ۱۳۳۳ م) وارد ایران شوند، این پنج تیم در حال حاضر مشغول انجام وظیفه در شش لشکر ایران می باشند (یعنی یک تیم دو لشکر را به عهده گرفته است). نتایج اولیه حاصل از کار تیم ها بسیار خوب بوده است. جزئیات بیشتر مربوط به کار تیمها در پاراگراف آموزشی ضمیمه یکم، بخش ارتش، این گزارش آمده است.

ب. مدیریت: این پنج تیم در یک ایستگاه وظیفه دائم در یکی از شهرهای بزرگ ایران مستقر شده اند. میانگین فاصله آنها از ستاد مرکزی آرمیش مگ در تهران حدود ۵۰۰ مایل است. به هر تیم یک جدول محدود توزیع تجهیزات از جمله وسایط نقلیه داده شده است. با این حال هیچ گونه محلی تحت اجاره دولت، در اختیار آنها قرار داده نشده و اعضاء هر تیم فقط از مزایای قرارگاه استفاده می نمایند. توافقهای نسبتاً غیررسمی سبب شده که هر تیم بتواند محل زندگی مناسبی برای خود اجاره کند. از آنجا که هیچ شعبه ای از اداره خواربار ارتش آمریکا در ایران وجود ندارد، این تیمها از طریق استفاده از یک فروشگاه تعاونی در سفارت و استفاده از بازار محلی، تدارک می شوند.

سند شماره (۵۸)

خیلی محرمانه تاریخ : ۱۹ سپتامبر ۱۹۵۶ ۲۸ شهریور ماه ۱۳۳۵

از : سفارت آمریکا تهران

به : وزارت امور خارجه واشنگتن

تلگرام سفارت به شماره ۴۴۵

موضوع: ترتیبات ساختمان سازی نظامی

Military Construction Arrangements

امروز، سفیر و وزیر امور خارجه ایران، یادداشتهای مورد توافق و معتبر مربوط به «ترتیبات ساختمان سازی نظامی» میان دو دولت را مطابق با شرایط موافقتنامه کمک دفاعی متقابل مورخ ۲۳ می ۱۹۵۰ مبادله کردند. این ترتیبات یک موافقتنامه را تشکیل نمی دهد و نمی بایست به عنوان قسمتی از مجموعه رسمی موافقتنامه ها و معاهدات ایالات متحده گنجانده شود. این ترتیبات محرمانه نمی باشند، اما برای آسودگی خاطر دولت ایران، در حال حاضر در ایران چاپ و یا منتشر نخواهند شد.

توافقنامه پس از ماه ها بررسی پیشنهادهای دو دولت حاصل گردید. سرانجام، پس از مشکلاتی چند و تلاش برای سازشهای ممکن بر نکات بغرنج، طرف آمریکایی توانست توافقنامه را مطابق با متن پیش نویس اصلی که از سوی وزارتخانه ها و ادارات ذی نفع واشنگتن تصویب شده بود، به دست

آورد و از سوی سفیر به وزیر امور خارجه، با اندکی اصلاحات در عبارت و بدون تضعیف معنی، تقدیم گردید.

تبادل یادداشتها، بدون هیچ گونه تأخیری، به محض این که هیئت وزرای ایران متن کامل را تصویب نمود، به اجراء درآمد.

هر دو یادداشت مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۵۶ است. متن یادداشت ایالات متحده به عنوان ضمیمه شماره ۱ و ترجمه انگلیسی یادداشت موافقت ایران در ضمیمه شماره ۲ الصاق شده است. رونوشت یادداشت ایران و نسخه تأیید شده ایالات متحده، به زودی ارسال خواهد شد.

گروه مذاکره کننده ایالات متحده به ریاست «کلیفورد سی. متلوک» معاون ویژه سفیر، سرپرستی می شد. وی نیز از سوی سرهنگ «فیربنک» مهندس بخش خلیج، سرهنگ «لهمن» جمعی رکن چهار آرمیش مگ و رئیس بخش آرمیش مگ و «زیرینسکی» رئیس شاخه حقوقی بخش خلیج همراهی می گردید. گروه مذاکره کننده ایرانی توسط علی منصور رئیس اداره چهارم سیاسی (میز آمریکا) در وزارت امور خارجه که از سوی نمایندگان وزارت جنگ همراهی می شد، سرپرستی می گردید.

از طرف سفیر:

کلیفورد سی. متلوک

معاون ویژه سفیر

مورخ : ۲۸ شهریور ماه ۱۳۳۵ (۱۹ سپتامبر۱۹۵۶)

وزارت امور خارجهاین سند ترجمه دو سند لاتین در هم ادغام شده است

شماره ۵۱۴۲

یادداشت

وزارت امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران با ابراز تعارفات خود به جناب سفیر کبیر ایالات متحده آمریکا، به یادداشت سفارت ایالات متحده به شماره ۳۹۶ مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۵۶ که در رابطه «ترتیبات ساختمان سازی نظامی» می باشد، اشاره می نماید.

«تمامی یادداشت مزبور کلمه به کلمه نقل گردیده است.»

در این رابطه، امضاءکننده زیر افتخار دارد به اطلاع برساند که دولت شاهنشاهی ایران با تمامی طرح سند فعلی، موافقت کامل دارد. همچنین مفاد «ترتیبات» فوق از این تاریخ قابل اجراء می باشد و وزارت جنگ مسئول انجام آن است.

فرصت را برای تجدید احترامات خود، مغتنم می شمرم.

امضاء

مهر: وزارت امور خارجه

دولت شاهنشاهی ایران

سند شماره (۵۹)

شماره : ۵۹۶ مورخ : ۱۰ آوریل ۱۹۶۱ ۲۱ فروردین ۱۳۴۰

وزارت امور خارجه شاهنشاهی ایران

سفارت ایالات متحده آمریکا با اظهار تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی ایران، مفتخر است که به یادداشت غیررسمی آن وزارتخانه به شماره ۳۰۹۳ مورخ ۲۵ می ۱۹۵۹ (۴ خرداد ماه ۱۳۳۸ م) و به یادداشت این سفارتخانه به شماره ۴۰۷ مورخ ۱۳ ژوئیه ۱۹۵۹ (۲۲ تیرماه ۱۳۳۸ م) اشاره نماید.

سفارت ایالات متحده آمریکا مفتخر است که تجدید موافقتنامه هیئت مستشاری نظامی ایالات متحده مورخ ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ و ۶ اکتبر ۱۹۴۷ را مطرح سازد. و اصلاحات معینی را در مراحل پرداخت حقوق و مزایا، که در حال حاضر در مواد مختلف قرارداد مزبور گنجانیده شده، را پیشنهاد نماید.

تحت شرایط موافقتنامه های ۱۹۴۳ و ۱۹۴۷ دولت ایران، پرداخت حقوق اعضاء هیئت مستشاری ایالات متحده را تقبل می نماید. پیرو مصوبه اخیر کنگره ایالات متحده آمریکا، افسران و کارمندان دولت آمریکا که به کشورهای خارجی مأموریت می یابند از این پس اجازه ندارند از سوی دولتهای محل مأموریت، حقوق و یا پاداشی دریافت کنند. بنابراین اعضای هیئت مستشاری ایالات متحده در ایران تمامی حقوق، پاداش و مزایایی را که طبق قانون ایران به علت انجام وظایفشان به عنوان اعضاء هیئت به آنها تعلق می گیرد، به دولت ایالات متحده واگذار می نمایند.

به منظور اعطای این فرصت به دولت ایران جهت ادامه ایفاء تعهدات خود به دولت ایالات متحده مطابق با قراردادهای هیئت نظامی، پیشنهاد می شود که دولت ایالات متحده به عنوان وکیل اعضای

هیئت مستشاری نظامی ایالات متحده در ایران، تمامی پولهایی را که تاکنون دولت شاهنشاهی ایران به این اعضاء پرداخت می کرده است را به همان وسعت و مقدار دریافت نماید. دولت ایالات متحده آمریکا، به عنوان وکیل، خرسند خواهد شد که از میزان مبلغ پرداختی از سوی دولت شاهنشاهی ایران در این رابطه، به عنوان وسیله ای برای شرکت در هزینه هیئت نظامی ایالات متحده در ایران، مطلع شود. همان طوری که در موافقتنامه های قابل اجراء منظور شده است.

سفارت مایل است تأیید نماید که دولت ایالات متحده آمریکا نسبت به جایگزینی عبارت ماده ۲۴ موافقتنامه سال ۱۹۴۷ به شرح زیر موافق است:

«مادامی که این موافقتنامه یا هر قسمت الحاقی آن به اعتبار خود باقی است در صورتی که دولت شاهنشاهی ایران بخواهد پرسنل خارجی دیگری را برای انجام هر گونه خدمتی که به نیروهای مسلح ایران ارتباط داشته باشد، استخدام نماید مراتب قبل از آنکه ترتیب چنین خدماتی داده شود، به خاطر همکاری متقابل به اطلاع مقامات مربوطه دولت ایالات متحده آمریکا رسانیده خواهد شد.»

علاوه بر این، سفارت افتخار دارد که تأسیس یک بخش نیروی دریایی در هیئت نظامی ایالات متحده را پیشنهاد کند. این بخش شامل یک افسر نیروی دریایی ایالات متحده است که می بایست با شرایط و مقررات و تغییرات لازم دیده شده موافقتنامه ۱۹۴۷، اداره شود.

دولت ایالات متحده آمریکا این یادداشت و پاسخ مساعد دولت شاهنشاهی ایران را توأمان به عنوان تجدید موافقتنامه های هیئت نظامی ایالات متحده، همان طوری که در اینجا اصلاح گردید، تلقی خواهد کرد.

سفارت موقع را برای تجدید احترامات فائقه به وزارت امور خارجه شاهنشاهی، مغتنم می شمرد.

سفارت ایالات متحده آمریکا تهران

۱۰ آوریل ۱۹۶۱

سند شماره (۶۰)

اداره چهارم سیاسی محرمانه تاریخ ۲۴/۳/۴۰

شماره ۱۳۴۴ وزارت امور خارجه

یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارفات خود را به سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا اظهار و عطف به یادداشت شماره ۵۹۶ مورخ ۱۰ آوریل ۱۹۶۱ راجع به پیشنهاد آن سفارت کبرای درباره طرز پرداخت حقوق افسران و درجه داران ارتش کشورهای متحده آمریکا و همچنین موضوع استخدام مأمورین خارجی برای خدمت در ارتش شاهنشاهی موضوع ماده ۲۴ موافقتنامه سال ۱۹۴۷ و پیشنهاد تأسیس قسمت دریایی هیئت نظامی ایالات متحده آمریکا در ایران نظر مقامات مربوطه شاهنشاهی را احتراماً بشرح زیر اظهار می دارد.

۱ در خصوص پرداخت حقوق افسران و درجه داران ارتش کشورهای متحده آمریکا قبلاً موافقت شده در صورتی که مستخدمین مزبور وکالت برای دریافت حقوق خود به رئیس هیئت مستشاری تسلیم دارند حقوق آنان به رئیس هیئت مستشاری پرداخته شود، البته اختیار تعیین وکیل دیگر برای

دریافت حقوق با افسران و درجه داران مزبور است.

۲ در مورد ماده ۲۴ نیز اصلاحی قبلاً بشرح زیر مورد موافقت مقامات مربوطه شاهنشاهی قرار گرفته است. «مادامی که این موافقت نامه یا هر قسمت الحاقی آن به اعتبار خود باقی است در صورتی که دولت شاهنشاهی ایران بخواهد کارکنان خارجی دیگری را برای انجام هر گونه خدمتی که به نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران ارتباط داشته باشد استخدام نماید مراتب قبل از آنکه ترتیب چنین خدماتی داده شود به خاطر همکاری متقابل به اطلاع مقامات مربوطه دولت ایالات متحده آمریکا رسانیده خواهد شد.»

۳ در خصوص تأسیس قسمت دریایی هیئت نظامی ایالات متحده فعلاً برطبق قانون استخدام مستشاران نظامی یک افسر نیروی دریائی در حدود قانون استخدام مستشاران نظامی و به استناد آن، تعداد افسران نیروی دریایی ایالات متحده در ایران مشغول خدمت است و در صورت ضرورت می توان را اضافه نمود محتاج به موافقت نامه دیگری نیست.

وزارت امور خارجه شاهنشاهی موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می شمارد.

سفارت کبرای ایالات متحده آمریکا تهران

سند شماره (۶۱)

بدون طبقه بندی تاریخ : ۱۸ سپتامبر ۱۹۶۱ ۲۷ شهریور ماه ۱۳۴۰

فقط برای مسئولین سفارت آمریکا، تهران

شماره : ۱۳۶

موضوع : افزایش احتمالی پرسنل نظامی آمریکا در ایران

پرسنل واحدهای نقشه برداری مهندسی ارتش آمریکا، متشکل از تقریباً ۳۰ افسر کادر و افسر وظیفه از سال ۱۹۵۶ تحت مدیریت و جمعی بخشی مهندسی پادگان خلیج بوده اند. گروه مذکور ستاد عملیاتی از گردان ۳۰ مهندسی (پایگاه نقشه برداری) را شکل می داد: این گروه بعداً توسط دسته ۳۲۹ مهندسی (بررسی زمین شناسی) که آن نیز دارای استعداد ۳۰ افسر کادر و افسر وظیفه بود، جایگزین شد. این واحد و واحدهای قبلی، تحت مفاد توافقنامه ای بین ارتش آمریکا و ارتش شاهنشاهی ایران که در ۱۰ فوریه ۱۹۵۵ (۲۱ بهمن ۱۳۴۴ م) امضاء شده، وارد ایران شده بودند. مقصود از توافق مذکور اجرای یک طرح مشترک نقشه برداری در ایران بود، این طرح در پنج سال گذشته در دست اجراء بوده است. سرهنگ تی. دبلیو. ویت چرچ افسر فرمانده گردان ۶۴ مهندسی (پایگاه نقشه برداری) به سفارت اطلاع داده است که نظر به عدم رضایت از پیشرفت برنامه نقشه برداری به خاطر کمبود تعداد پرسنل مهندسی شاغل در طرح، تصمیم گرفته اند که دسته ۳۲۹ مهندسی را ترخیص و آن را با گردان ۶۴ مهندسی با استعداد ۳۰۰ افسر کادر و وظیفه جایگزین سازند. آن دسته ترخیص شده است و پیشقراولان گردان ۶۴ مهندسی، متشکل از تقریباً ۵۰ افسر کادر و وظیفه وارد ایران شده و بخشهایی را در تهران و استانها مستقر ساخته اند.

کپی مدارک زیر توسط فرمانده دسته ای از گردان ۶۴ مهندسی به سفارت داده شده است: الف)

ترتیبات همکاری بین ارتش شاهنشاهی ایران و ارتش آمریکا برای انجام عکاسی هوایی، کنترل زمین شناسی و نقشه برداری از ایران «مورخ ۱۰ فوریه ۱۹۵۵، امضاء شده توسط سرتیپ هدایت، رئیس وقت ستاد مشترک ارتش شاهنشاهی ایران و سرلشگر جان. ام. ویلیامز معاون وقت ستاد ۲- Gارتش آمریکا؛ ب) یک یادداشت تفاهم بدون تاریخ برای کار کنترل زمین شناسی در ایران بین «خدمات نقشه ای ارتش آمریکا» و «سازمان جغرافیایی ارتش شاهنشاهی ایران»، امضاء شده توسط سپهبد نوتاش از ارتش شاهنشاهی ایران و سرهنگ جی. دی. ابل از خدمات نقشه ای ارتش آمریکا؛ ج) یادداشتی از خلاصه مذاکراتی که منجر به طرح مشترک ارتشهای ایران و آمریکا شده است و همچنین جزئیات کامل روشهای فعال سازی این پروژه، کپی این سه یادداشت به ضمیمه ارسال شده است.

قابل توجه این است که «ترتیبات همکاری» تعداد پرسنل نظامی آمریکایی شاغل در این طرح را قید نکرده است، در حالی که پاراگراف ۲) ۴ b) و (۳) از «یادداشت تفاهم» بیان می کند که «ارتش آمریکا مسئول تأمین مهندسین پروژه که دارای اختیارت کاملی در اجرای طرح هستند، می باشد.» و «تأمین ۱۵ تا ۲۰ تکنسین آمریکایی دیگر در صورت نیاز» این سند حاوی مذاکرات مقدماتی است که آن نیز حاوی پاراگراف ۵ (U)می باشد که قید نموده: «در توافقی که در ۱۸ ژانویه ۱۹۵۶ در ایران به عمل آمد، مجوز ورود ۳۰ نفر پرسنل به ایران صادر شد». در هیچ جای دیگر این اسناد از تعداد پرسنل آمریکایی مجاز برای اجرای طرح نقشه برداری مشترک در ایران، ذکری به میان نیامده است.

سرهنگ دوم ویت چرچ می گوید به او دستور داده شده که گردان ۶۴ مهندسی را (که در حال حاضر مشغول تکمیل پروژه ای در لیبی است) با نیروهای اضافی به اینجا بیاورد و تا ماه می یا ژوئن ۱۹۶۲ (خرداد ۱۳۴۱ م) تمامی گردان در ایران خواهند بود. وی هیچ اطلاعی از ترتیبات رسمی بین ایران و آمریکا برای پذیرش واحد خود ندارد، گرچه می داند که سرلشگر بهروز، رئیس سازمان جغرافیایی ارتش شاهنشاهی ایران از این طرح باخبر بوده و از آن استقبال می کند.

اخیراً سرهنگ دوم ویت چرچ با سفیر ملاقات نمود و مفاد اطلاعاتی که در بالا بیان شد را در اختیار او گذارد. وی توضیح داد که تمامی نیروهای واحد او در ظاهر تحت عنوان مستشار عمل کرده و از پوشیدن علائمی که آنان را جزء واحد نیروهای آمریکایی نشان دهد، خودداری خواهند وزید.

وی افزود به غیر از ۱۲ خانواده از اعضای این واحد که در تهران مستقر می شوند، هیچ همراه دیگری با واحد وی نخواهد بود. سفیر خاطرنشان ساخت که سرازیر شدن ۳۰۰ نفر از پرسنل نظامی آمریکایی دیگر به ایران می تواند به مشکلات جدی در روابط عمومی منجر شود و اظهار امیدواری کرد که پرسنل گردان ۶۴ مهندسی، قبل از ورودشان به ایران، به طور دقیق غربال و راهنمایی شوند.

روز ۱۶ سپتامبر، سرهنگ دوم هیوبارد از دفتر بازرسی کل نیروی مهندسی ارتش آمریکا با یکی از مقامات سفارت تماس گرفت و این مقام به او گفت که اعزام گردان ۶۴ مهندسی به ایران باعث غافلگیری و تعجب سفارت شده است. سرهنگ دوم هیوبارد قول داد که در بازگشت به واشنگتن در مورد هماهنگی در این موضوع تحقیق خواهد کرد.

از طرف سفیر:

اریک ای. اولاشین

معاون ویژه سفیر MSP

رونوشت:

به سفیر، وزیر مختار، SA، مشاور سیاسی ژنرال هایدن در آرمیش سرگرد شرمن در بخش خلیج

سند شماره (۶۲)

تاریخ : ۲۱/۸/۴۰

اداره چهارم سیاسیشماره ۴۲۰۲ وزارت امور خارجه

یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی با اظهار تعارفات خود به سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا پیرو یادداشت شماره ۱۳۴۴ مورخ ۲۴/۳/۱۳۴۰ و عطف به مذاکراتی که با حضور نماینده وزارت جنگ و آقای اولاشین دبیر یکم آن سفارت کبرای به عمل آمد احتراماً اشعار می دارد که طبق موافقت وزارت جنگ.

۱ در صورتی که مستشاران نظامی لیست حقوق را شخصاً امضاء نمایند، پرداخت حقوق از طرف دولت ایران به آنها مانع قانونی نخواهند داشت ولو آنکه بخواهند تمام حقوق خود را پس از دریافت به رئیس هیئت مستشاری و یا سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا تفویض نمایند. و یا آنکه لیست مربوطه را امضاء نموده و تقاضا کننده این پرداخت به وسیله مقامات ایرانی انجام شود.

۲ در خصوص ماده ۲۴ و موضوع مستشار دریایی توافق و ترتیب قبلی به قوت خود باقی بماند.

بنا به مراتب فوق خواهشمند است چنانچه با نظرات فوق موافقت حاصل است اعلام فرمایند تا از تاریخ اعلام موافقت در پرداخت حقوق افسران و درجه داران مورد نظر اقدام لازم به عمل آید.

وزارت امور خارجه شاهنشاهی موقع را برای تجدید احترامات به سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا مغتنم می شمارد.

سند شماره (۶۳)

تاریخ : ۱۰/۱۰/۳۹

اداره گذرنامه و روادید

وزارت امور خارجهشماره ۱۸۲۸۴/۱۲

یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی با اظهار تعارفات خود احتراماً اظهار می دارد: به طوری که مشاهده می شود عده ای از دارندگان گذرنامه خدمت که مأموریتی نزد دولت شاهنشاهی ندارند. برای ثبت گذرنامه و دریافت ورقه هویت و روادید به وزارت امور خارجه مراجعت می نمایند، حال آن که طبق مقررات از طرف وزارت امور خارجه فقط جهت دارندگان گذرنامه خدمت که از طرف دولت متبوع خود نزد دولت شاهنشاهی مأموریت رسمی داشته باشند ورقه هویت و روادید خروج و مراجعت صادر می گردد و سایر دارندگان گذرنامه های خدمت و رسمی و مخصوص باید برای دریافت پروانه اقامت و روادید خروج به شهربانی کل کشور مراجعه نمایند.

خواهشمند است دستور فرمایند مراتب به استحضار دارندگان گذرنامه خدمت رسانده شود، موقع را برای تجدید احترام مغتنم می شمارد.سفارت کبرای ایالات متحده آمریکا

سند شماره (۶۴)

اداره گذرنامه و روادیدشماره ۸۸۰۲/۱۲ تاریخ ۲۶/۶/۴۰

پیوست ندارد وزارت امور خارجه

یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی با اظهار تعارفات خود به سفارت کبرای آمریکا در تهران احتراماً اشعار می دارد. مدت ثبت اقامت گذرنامه های خدمت آمریکایی همان طور که از طرف آن سفارت کبری تقاضا شده بود از یک سال به دو سال تبدیل گردند و از این پس کلیه گذرنامه های خدمت که برای ثبت و تمدید ثبت اقامت به وزارت امور خارجه ارسال می شود اجازه اقامت دو ساله خواهند داشت.

خواهشمند است در صورت پایان مأموریت و یا خاتمه خدمت کسانی که گذرنامه های آنان از نظر اقامت دارای اعتبار است هنگام تقاضای روادید خروج دستور فرمایند تقاضای لغو اجازه اقامت آنان نیز به عمل آید ضمناً در تعقیب یادداشت شمار ۱۸۲۸۴/۱۲ مورخ ۱۰/۱۰/۳۹ خواهشمند است دستور فرمایید فقط گذرنامه های خدمت را برای ثبت و تمدید ثبت به اداره گذرنامه و روادید وزارت

امور خارجه ارسال دارند چون طبق قانون هر اقدامی که بر روی گذرنامه های عادی صورت گیرد در صلاحیت اداره گذرنامه شهربانی کل کشور است.

موقع را برای تجدید احترام مغتنم می شمارد.سفارت کبرای آمریکا تهران

سند شماره (۶۵)

تاریخ : ۲۱ اکتبر ۱۹۶۳ ۲۸ مهرماه ۱۳۴۲

موضوع : یادداشت حقوقی

سؤال: آیا موافقتنامه میان ایالات متحده آمریکا و ایران در رابطه با هیئت نظامی در ایران، اجراء می شود؟

بحث: ماده ۳ قرارداد اصلی (قرارداد مورخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ م) پیش بینی می کند که چنانچه دولت ایران مایل باشد مدت خدمت هیئت را بیش از موعد قید شده تمدید کند، پیشنهاد خود را کتباً قبل از ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۸ تسلیم خواهد نمود. دولت آمریکا موافقت می کند که درباره چنین پیشنهادی تا قبل از تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۴۸ اقدام نماید. (تأکید از ما می باشد). اگرچه هیچ گونه سندی در این اداره وجود ندارد، اما به نظر می رسد که چنین پیشنهادها در گذشته صورت گرفته است و متعاقب آنها ایالات متحده اقدام نموده است.

معنای عبارت «اقدام نماید» مبهم است اما به احتمال زیاد در این مورد، یا به معنای تصویب و یا رسمیت دادن موافقتنامه است و یا به معنای اقدام عملی برای برهم زدن موافقتنامه می باشد.

من معتقدم که قرارداد به قوت خود باقی است و از همان ابتدای انعقاد، بدون توجه به فقدان تشریفات مربوطه بعدی، به اجراء درآمده است.

این عقیده بر اساس منطق ذیل است:

قراردادها مقدمتاً بر اساس رضایت طرفین قرار دارند یعنی این که قراردادها در حال اجرا هستند به این علت که دو طرف ذی ربط در انعقاد قراردادها، مایل هستند بدون توجه به تشریفات، آنها را اجراء کنند. برای مثال: این قرارداد برای «الغاء» راههای متعددی را پیش بینی می کند از جمله بازگرداندن هیئت نظامی به وسیله ایالات متحده.

قابل توجه است که ایالات متحده هیچ گام عملی در جهت برهم زدن موقعیت خود در این کشور، برنداشته است. به علاوه، دولت ایران با صدور بیانیه ای، مدت موافقتنامه را تا مارس ۱۹۶۴ (فروردین ۱۳۴۳ م) تمدید کرده است. گرچه موافقت رسمی و مکتوبی با ادامه قرارداد توسط ایالات متحده صورت نگرفته اما حضور مستمر ما در اینجا، یک تأیید ضمنی در این مورد است که قرارداد از زمان نگارش تا حال به قوت خود باقی است. علاوه بر این حتی اگر به خاطر بحث، فرض کنیم که قرارداد به خودی خود خاتمه می یافت، ممکن است گفته شود که با رضایت طرفین مجدداً برقرار می شود. این روند در حقوق بین الملل به عنوان «برقراری مجدد» شناخته شده است. روند مذکور معمولاً در جایی که قراردادها با شروع جنگ فسخ می شوند و جایی که طرفین تمایل دارند مواد مورد قبول قراردادهای قبلی را مجدداً برقرار کنند. درخواست می شود در حالی که این قضیه یک مورد فوری نیست، من معتقدم که قاعده کلی از طریق قیاس، قابل اجرا می باشد. شما ملاحظه خواهید نمود که عامل مقدماتی

رضایت دو جانبه طرفین قرارداد می باشد. نه کیفیت رسمیت دادن به خود قرارداد. (مراجعه کنید به کتاب حقوق بین الملل اثر اپنهایم، چاپ ۱۹۵۵، صفحه ۹۵۰).

سند شماره (۶۶)

از : سفارت آمریکا تهرانمورخ : ۹ آوریل ۱۹۶۴ ۲۰ فروردین ماه ۱۳۴۳

به : وزارت امور خارجه ایران شماره : ۴۷۶

سفارت ایالات متحده آمریکا با ابراز تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی، احتراماً از آن وزارتخانه در خصوص هرگونه تغییری در روند فعلی ثبت اتباع ایالات متحده، به خصوص افرادی که با ادارات دولت ایالات متحده قرارداد بسته اند و دارای پاسپورت معمولی (غیر خدمت) می باشند، استفسار می نماید. همچنین سفارت از اطلاع در مورد دستورالعمل وزارتخانه در خصوص تغییرات احتمالی در روند ثبت برای موارد ذیل، تقدیر خواهد نمود:

۱)اتباع کشور ثالثی که از سوی ادارات دولت ایالات متحده استخدام شده اند.

۲) وابستگان اتباع ایالات متحده

سفارت واقع را مغتنم شمرده و احترامات فائقه خود را نسبت به آن وزارت شاهنشاهی تجدید می نماید.سفارت کبرای ایالات متحده آمریکا تهران

سند شماره (۶۷)

اداره گذرنامه و روادیدیادداشتتاریخ : ۹/۲/۱۳۴۲

وزارت امور خارجهشماره : ۲۰۸۲/۱۲/۲۸۶۳

وزارت امور خارجه شاهنشاهی ایران تعارفات خود را به سفارت کبرای آمریکا در طهران اظهار و عطف به یادداشت شماره ۴۷۶ مورخ ۹ آوریل ۶۴ راجع به ثبت گذرنامه های اتباع آمریکا و

پیمانکاران خارجی وابسته به هیئت نظامی آمریکا در ایران احتراماً اشعار می دارد، که هیچ گونه تغییری در ماهیت ثبت گذرنامه های مزبور به عمل نیامده است و طبق مقررات دولت شاهنشاهی گذرنامه های سیاسی و خدمت در وزارت امور خارجه ثبت و مورد اقدام قرار گرفته و کارهای مربوط به گذرنامه های عادی به شهربانی کل کشور ارجاع می گردد. بدیهی است در هر مورد پس از وصول یادداشت آن سفارت کبری تسهیلات لازم معمول خواهد گردید.

موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می شمارد.سفارت کبری آمریکا تهران

سند شماره (۶۸)

یادداشت مذاکرهتاریخ : ۱۴ می ۱۹۶۴ ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۴۳

مکان : وزارت امور خارجه، دفتر رئیس اداره گذرنامه

افراد مذاکره کننده: عبدالحسین آشتیانی رئیس و صادقی معاونش، بولستر کنسول سفارت

آشتیانی پیشدستی کرد و پرسید که چه کاری دارم. توضیح دادم که به منظور درخواست اقدام برای ثبت گذرنامه های اتباع آمریکایی و اتباع کشورهای ثالثی که گذرنامه هایشان برای چندین ماه در

وزارت امور خارجه مانده بود، آمده ام. اکثر این افراد مستقیماً و یا به عنوان مقاطعه کار فرعی برای پادگان مهندسین خلیج کار می کنند. لذا من، آشتیانی و صادقی را به «ترتیبات ساختمان سازی نظامی» که در یادداشت شماره ۳۹۶ مورخه ۱۹ سپتامبر ۱۹۵۶ سفارت درج شده است، ارجاع دادم. در این یادداشت خواسته شده است که گذرنامه ها به وسیله وزارت امور خارجه ثبت شود، همچنانکه پیش از این عمل می شده است. آنها توضیح دادند که پاسپورتهای خدمت متعلق به اتباع آمریکایی یا اتباع کشورهای ثالث باید به وسیله شهربانی ثبت شود. من توجه آنها را به نامه وزارت امور خارجه به شماره ۴۷۶ مورخ ۹ آوریل ۱۹۶۴ جلب کردم که اظهار می داشت «هیچ گونه تغییری» در روند ثبت گذرنامه ها به عمل نیامده است، اما من گفتم ظاهراً تغییری صورت گرفته است. آشتیانی قبول داشت که نامه ۹ آوریل ضد و نقیض است و پیشنهاد کرد که گذرنامه های موجود، که در همان حال صادقی آنها را جلوی ما می گذاشت، عجالتاً می توانند ثبت شوند تا موضوع رسیدگی و حل شود. من فوراً موافقت کردم. صادقی با این کار موافق نبود و پیشنهاد کرد که گذرنامه ها برای ثبت به شهربانی فرستاده شوند. او گفت که با شهربانی نیز تماس گرفته است. اما مشکل ثبت «گذرنامه ها م» همچنان باقی است زیرا شهربانی حاضر نشده بدون ارائه اسناد دیگری، گذرنامه ها را به ثبت برساند. هیچ یک از مقامات رسمی قادر نبودند سندی را ارائه دهند که بنابر آن دولت ایران «ترتیبات ساختمان سازی نظامی» را پذیرفته (یا رد کرده) است. و از من خواستند تا نامه ای که گواه بر پذیرش آن توسط ایران باشد، نشان دهم. من جواب دادم که خوشحال خواهم شد که چنین کاری انجام دهم اما اگر روش موقتی برای ثبت گذرنامه ها اتخاذ شود تا بتوان آنها را به صاحبانش بازگرداند، مایه قدردانی است. صادقی گفت که چنین امکانی را توسط شهربانی پیگیری خواهد کرد. (وقتی آنجا را ترک کردم، این احساس را داشتم که تا یادداشت درخواست شده را ننویسم، هیچ کاری انجام نخواهد شد).

سند شماره (۶۹)

یادداشت شماره ۵۳۰ مورخ : ۱۸ می ۱۹۶۴ ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۴۳

از : سفارت آمریکا تهران

به : وزارت امور خارجه ایران

سفارت ایالات متحده آمریکا تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی ابراز می دارد و مفتخر است به یادداشت ۲۰۸۲/۱۲/۲۸۶۳ مورخه ۲۹ آوریل ۱۹۶۴ در مورد ثبت گذرنامه های عادی مقاطعه کاران، مقاطعه کاران فرعی، کارمندان غیر نظامی و وابستگان آنها که تبعه ایالات متحده و یا کشور ثالثی بوده و با گروه مهندسین پادگان خلیج در ارتباط هستند، پاسخ دهد.

همان طوری که آن وزارت استحضار دارد، ثبت چنین گذرنامه هایی از سال ۱۹۵۶ با رعایت شرایط «ترتیبات ساختمان سازی نظامی» که طبق یادداشت شماره ۵۱۴۲ مورخه ۱۹ سپتامبر ۱۹۵۶ آن وزارتخانه مورد تصویب و قبول وزارت امور خارجه شاهنشاهی قرار گرفته، توسط آن وزارتخانه انجام می شده است.

بخش ۴ از توافقنامه فوق الذکر چنین می گوید:

«مهندس بخش حق خواهد داشت، اشخاص حقوقی، شرکتها، شرکاء و یا افرادی (که از این پس

«مقاطعه کار» خوانده می شوند) را که برای انجام وظایفش آن گونه که در این ترتیبات آمده است مناسب می داند، انتخاب و استخدام نماید. از آنجا که چنین مقاطعه کارانی (و نیز مقاطعه کاران فرعی آنها) ایرانی نبوده و توسط مهندس بخش برای کار طبق این ترتیبات به ایران وارد می شوند، از آنان درخواست پرداخت حق ثبت و اجازه کار و یا حفظ نمایندگی دائمی در ایران پس از تکمیل قرارداد، نخواهد شد. دولت ایران بدون توجه به ملیت، به افراد غیرایرانی که برای انجام کار طبق این ترتیبات توسط مهندس بخش و یا با رضایت او توسط مقاطعه کاران و مقاطعه کاران فرعی آنها به ایران وارد می شوند. اجازه ورود خواهد داد دولت ایران پرداخت هر گونه حق یا هزینه برای ورود یا خروج این افراد، قرنطینه اجازه کار و یا اجازه اقامت را متحمل می شود. وزارت جنگ پس از دریافت لیست اسامی این افراد از مهندس بخش، آن را به وزارت خارجه ارسال می نماید و ویزای آنها خود به خود توسط وزارت خارجه صادر می شود.

بخش ۶ از «ترتیبات ساختمان سازی نظامی» مذکور می گوید:

«مهندس بخش و کارکنانش و نیز وابستگان آنها از همان امتیازاتی برخوردار خواهند شد که طبق پاراگراف ۷ موافقتنامه کمک دفاعی متقابل مورخه ۲۳ می ۱۹۵۰، به دیگر پرسنل فنی دولت ایالات متحده که دولت ایران اجازه ورود به آنها می دهد، تعلق می گیرد».

آن وزارتخانه در یادداشت مورخه ۲۹ آوریل ۱۹۶۴ خود گفته است که هیچ تغییری در روند ثبت گذرنامه در نظر گرفته نشده است ولی در عین حال از این پس گذرنامه های مورد بحث، برای ثبت به شهربانی کل باید ارجاع شود.

با توجه به مواد مورد اشاره از موافقتنامه ساختمان سازی نظامی مورخه ۱۹۵۶، سفارت احتراماً پیشنهاد می نماید که مناسب است همچون گذشته گذرنامه های اتباع ایالات متحده و کشورهای ثالث

اعم از مقاطعه کاران، مقاطعه کاران فرعی، کارکنان غیرنظامی و وابستگان آنها، توسط وزارت امورخارجه شاهنشاهی ثبت گردد.

سفارت فرصت را برای تجدید احترامات فائقه خود نسبت به آن وزارتخانه شاهنشاهی، مغتنم می شمرد.سفارت کبرای ایالات متحده آمریکا تهران

سند شماره (۷۰)

یادداشت رسمیتاریخ : ۱۸ می ۱۹۶۴ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۴۳

از : دونالد ا. لوئیس

به : آقای اس. راک ول

موضوع : ثبت کارکنان آمریکایی و کشورهای ثالث که برای پادگان خلیج کار می کنند.

وزارت امور خارجه، هر چند وقت یک بار پیشنهاد کرده است که مایل است، ما گذرنامه افراد فوق الذکر را به جای وزارت خارجه که در حال حاضر عمل می شود از طریق شهربانی ثبت کنیم. چنین تغییری ظاهراً به این معنی است که این کارمندان مربوط به قرارداد و وابستگانشان مجبور خواهند بود اجازه اقامت و مجوز کار بگیرند. همچنین مشمول قوانین مالیات بردرآمد و شاید سایر مقررات شوند.

من در این مورد یک توضیح رسمی از وزارت امور خارجه تقاضا کردم و در جواب یک بیانیه

مبهم دریافت کردم که بیان می داشت (۱) هیچ تغییری در روند کنونی به وجود نمی آید و (۲)

گذرنامه های فوق الذکر، از این پس برای ثبت به مقامات شهربانی تسلیم خواهد شد.

این بیانیه احتیاج به توضیح دارد. متن ضمیمه پیشنهاد می شود.بدون طبقه بندی

سند شماره (۷۱)

یادداشت رسمیتاریخ : ۱۳ ژوئن ۱۹۶۴ ۱/۴/۱۳۴۳

از : آقای لوئیس

به : آقای راک ول

موضوع : خدمات گذرنامه ای وزارت امور خارجه

ما، تأخیرات بی نتیجه ای در راه کسب کارتهای جدید ثبت وزارت خارجه برای صاحبان

گذرنامه های خدمت ایالات متحده را متحمل شده ایم. وزارت خارجه همچنان به مقاومت خود در

مورد ثبت (گذرنامه های م) اتباع کشورهای ثالثی که به صورت قراردادی برای سازمان کمک ایالات

متحده و پادگان مهندسی خلیج کار می کنند، ادامه می دهد.

تأخیر طولانی در پس گرفتن گذرنامه ها موجب بروز مشکلات مکرری برای افرادی که

می خواهند به مسافرت بروند، به خصوص در موارد اضطراری، شده است. استدلال غلط به اسناد در

وزارت خارجه، باعث ایجاد کارهای بسیار زیاد، زائد و ناراحت کننده می شود.

دو یادداشت (مورخ ۱۸ و ۲۰ می) در رابطه با مسئله، ارسال شد که بدون جواب ماند. نسخه ای از

آن دو یادداشت، ضمیمه شده است.

به نظر شما اگر این موضوع با سطوح بالاتری مطرح شود، مؤثر خواهد بود؟

(دستنویس م)

آقای راک ول در ۲۴ ژوئن تلفن زد و گفت که میرفندرسکی از وزارتخانه، دستور داده است که گذرنامه هایی که هم اکنون در وزارت خارجه موجود است، در آن وزارت ثبت شود و از طریق پیک سیاسی برای سفارت ارسال شود.بدون طبقه بندی

سند شماره (۷۲)

اداره گذرنامه و روادیدتاریخ : ۱۶/۴/۱۳۴۳

شماره ۶۷۵۸/۱۲/۹۸۵۵

وزارت امور خارجه یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی با اظهار تعارفات خود به سفارت کبرای ایالات متحده آمریکا احتراماً عطف به یادداشت شماره ۵۳۰ مورخ ۱۸ مه ۶۴ راجع به ثبت گذرنامه های آمریکایی اظهار می دارد همان طور که طی یادداشت ۲۰۸۲/۱۲/۲۸۶۳ مورخ ۹/۲/۴۳ به استحضار آن سفارت کبری رسید در ماهیت امر تغییری حاصل نگردیده و کمافی السابق در هر مورد به محض وصول

یادداشت آن سفارت کبری اقدام مقتضی معمول خواهد گردید.

موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می شمارد.

سفارت کبری ایالات متحده آمریکا تهران

کتاب هفتاد و یکم

مستشاری نظامی آمریکا در ایران (۲)

معرفی کتاب

اکنون من اعلام می کنم که این رأی ننگین

(کاپیتولاسیون) مجلسین، مخالف اسلام و قرآن است... دنیا

بداند که هر گرفتاری که ملت ایران و ملل مسلمین دارند از

اجانب است، از آمریکاست... آمریکاست که به مجلس و

دولت ایران فشار می آورد که چنین تصویب نامه مفتضحی را

که تمام مفاخر اسلامی و ملی ما را پایمال می کند، تصویب

و اجراء کنند. آمریکاست که با ملت اسلام، معامله

وحشیگری و بدتر از آن می نماید.»

حضرت امام خمینی (ره) ۴/۸/۱۳۴۳

در تاریخ معاصر ایران، حق قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) از جمله موارد مهم ناقض استقلال و حاکمیت ملی بوده است. این قالب به ظاهر قانونی استعمار نه تنها تأمین کننده نفوذ بیگانگان بوده، بلکه از همین طریق نفوذ کارگزاران بیگانه در ساختار حاکمیت کشور هموار و زمینه ساز جرایم بی شمار آنان علیه ملت مظلوم و مسلمان گردیده است. قوانین جزائی که می بایست مظهر حاکمیت دولت باشد به صورت بازیچه ای در دست عناصر خودفروخته درآمده و به سهولت نادیده گرفته می شد و هر تبهکاری برای ادامه خیانت، خود را تحت حمایت قدرتهای خارجی قرار می داد.

با توجه به اهمیت این مسئله در مجموعه عواملی که رژیم منحط پهلوی را به طور کامل به امپریالیسم آمریکا وابسته نمود و با توجه به آثار دهشتناک سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این خیانت بزرگ رژیم در تصویب کاپیتولاسیون، جلد دوم از مجموعه اسناد «مستشاری نظامی آمریکا در ایران» به این مهم اختصاص یافت. در میان اسناد به دست آمده در لانه جاسوسی آمریکا، بخش قابل توجهی

مربوط به اعطای مصونیتهای سیاسی به مستشاران نظامی آمریکا و یا به عبارت صحیح تر «احیای کاپیتولاسیون» می شود. در این مجلد، مجموعه اسنادی که رویدادهای مقطع تاریخ اسفند ۱۳۴۰ تا آبان ۱۳۴۳ را در بر می گیرد، در سه فصل جهت آگاهی امت شهیدپرور ایران تدوین و ارائه گردیده و بقیه اسناد مربوط به احیای کاپیتولاسیون با یاری خدا در جلد سوم منتشر خواهد شد. به منظور استفاده هر چه بیشتر خوانندگان محترم در مقدمه کتاب به ذکر بعضی تعاریف و واژه ها و همچنین سابقه تاریخی مسئله کاپیتولاسیون پرداخته ایم.

تعریف کاپیتولاسیون

واژه کاپیتولاسیون از کلمه لاتین Capitulare یا کلمه ایتالیایی Capitulazioneمشتق شده و به معنی انعقاد عهدنامه و قرارداد و یا خود عهدنامه آمده است. بعضی از محققین معتقدند که در زمان اولین معاهده بین اعراب و مسیحیان مقیم شامات (سوریه فعلی)، زبان نیمی از مردم این منطقه ایتالیایی بوده و این کلمه به معنی معاهده بین مسیحیان و غیر مسیحیان به جا مانده است. برخی حتی آن را ترجمه کلمه عربی «صلح موقت» دانسته اند.

کاپیتولاسیون بدون توجه به مأخذ لغوی آن در اصطلاح تاریخ حقوق اروپایی به اسناد یک جانبه یا عهودی گفته می شود که به موجب آن (باب عالی) و حکومتهای شامات (سوریه و لبنان) و آفریقای شمالی، وضع حقوقی بیگانگان مقیم امپراتوری عثمانی را تعیین می نمودند و امتیازات و معافیتهایی به دول اروپایی در مورد اتباع آنها اعطاء می نمودند.

مفهوم عام حقوقی کاپیتولاسیون عبارت است از نظام قضاوت کنسولی و برخی تضمینات و امتیازات و مصونیتهای قضائی که به موجب تصمیمات یک جانبه یا عهود یا اسناد قضائی دیگر به اتباع دول مسیحی در سرزمینهای غیر مسیحی داده می شد. در کشورها و سرزمینهای مزبور به طور کلی اتباع بیگانه حتی گاهی بدون رعایت اصل عمل متقابل از حدود صلاحیت مقامات قضائی محلی خارج بوده و تابع صلاحیت مقامات و به ویژه مأمورین کنسولی و سیاسی دولت متبوع خود محسوب می شدند و دعاوی و شکایات و محاکمات مربوط به امور جزائی آنان به وسیله کنسول یا نماینده دولت متبوع آنان حل و فصل می شد. به این ترتیب، کاپیتولاسیون روشی بود که با اتکاء به آن، یک کشور اقتدار و حق قضاوت برون مرزی در قلمرو حاکمیت ملی کشور دیگری را (و صد البته به ضرر کشور دوم) به دست می آورد. این اقتدار و حق قضاوت برون مرزی براساس قراردادهای دوجانبه و یا استفاده از شرط دولت کامله الوداد به وجود می آمد و گسترش می یافت.

تاریخچه کاپیتولاسیون

همواره این بحث در میان کشورها وجود داشته که بیگانگان باید از چه حقوق و حمایتهای قانونی برخوردار و یا محروم گردند، لیکن هیچ گاه مقررات مشترکی در این زمینه وجود نداشته است.

برقراری روابط تجاری و فرهنگی با بیگانگان، کشورهایی را که با نفی هرگونه حقوقی برای اتباع خارجی، عملاً حضور آنان را در کشورشان غیر ممکن می ساختند، تا جایی پیش برده که در حال حاضر عده ای معتقدند، بین اتباع داخلی و خارجی نباید از لحاظ مقررات و قوانین، تفاوتی وجود داشته باشد.

در قرون اخیر، در کشورهای چین، ژاپن، ترکیه عثمانی، ایران، مصر و کشورهای مشابه در آسیا و آفریقا، قضاوت کنسولی به نفع کشورهای سلطه جو برقرار گردید. دولت عثمانی در سال ۱۵۳۵ میلادی در زمان سلطنت سلیمان قانونی با فرانسوای اول پادشاه فرانسه، عهدنامه بازرگانی منعقد ساخت و به موجب آن برای اولین بار مقرر گردید که اتباع فرانسه در خاک عثمانی تابع احکام کنسول فرانسه باشند. با توجه به اینکه در آن زمان دولت عثمانی در اوج قدرت بود، برخی مورخین اعطای چنین امتیازی را ناشی از روحیه مدارای اسلامی با بیگانگان دانسته اند و چون امتیازی به این شکل

سابقه نداشت، آن را «امتیاز اول» نام نهاده اند. البته بعدها که دولت عثمانی در آستانه ضعف و زوال قرار گرفت، همین امتیاز باعث مداخلات روز افزون و تسریع در تجزیه آن امپراتوری گردید.

در ایران عهد صفوی، روابط با بیگانگان توسعه یافت و بدون اعطای امتیازات کنسولی، با بیگانگان به خوبی رفتار می شد. اما در مواد ۱۶ و ۱۷ قرارداد شاه سلطان حسین با نماینده لوئی چهاردهم پادشاه فرانسه (۱۷۰۸ میلادی)، امتیازی پیش بینی شد که طبق آن اولاً رسیدگی به اختلاف میان دو فرانسوی در ایران به عهده کنسول فرانسه قرار گرفت؛ ثانیا در صورت اختلاف میان فرانسویان با خارجیان دیگر، قضات ایرانی از حق دخالت محروم بودند؛ ثالثا در مورد اختلاف میان فرانسویان و ایرانیان، قضات ایرانی حق رسیدگی و صدور حکم را با حضور کنسول فرانسه داشتند.

خوشبختانه از آنجا که این امتیاز در اواخر عمر سلسله صفویه به فرانسه داده شد، در عمل موجب تسلط و نفوذ خارجی نگردید و لذا از آن به عنوان پایه سلطه بیگانه در شکل «کاپیتولاسیون» کمتر نام برده می شود.

به دنبال انعقاد عهدنامه «گلستان» پس از اولین جنگ ایران و روس و جدایی بخشی از خاک ایران، دومین جنگ ایران و روس منجر به امضای معاهده «ترکمن چای» در سال ۱۲۴۳ هجری قمری (۱۸۲۸ میلادی) گردید که خسارات فراوانی برای ایران در پی داشت. در فصل ۸ این معاهده چنین آمده است:

«هر گاه شخصی از اتباع روس با اتباع مملکت دیگری متهم به جرمی گردد، مورد هیچ تعرض و مزاحمت واقع نخواهد گردید، مگر در صورتی که شرکت او در جرم مدلل و ثابت شود. در این صورت و نیز در صورتی که تبعه روس به شخصه به جرم متهم شود، محاکم مملکتی نباید بدون حضور مأموری از طرف سفارت یا کنسولگری به جرم مزبور رسیدگی و حکم دهند و هر گاه در محل وقوع

جرم، سفارت یا کنسولگری وجود ندارد، کارگزاران آنجا مجرم را به محلی اعزام خواهند داشت که در آنجا کنسولی و یا مأموری از طرف دولت روسیه برقرار شده باشد حاکم و یا قاضی محل، استشهادی را که بر علیه و له شخص مظنون است، تحصیل کرده و امضاء می نماید. این دو استشهاد که بدین ترتیب نوشته شده و به محل محاکمه فرستاده می شود، نوشته معتبر دعوی محسوب خواهد شد، مگر اینکه شخص مقصر خلاف و عدم صحت آن را به طور واضح ثابت نماید. پس از اینکه کما هوحقه تقصیر شخص مجرم به ثبوت رسید و حکم صادر شد، مشارالیه به وزیر مختار یا کاردار یا کنسول روسیه تسلیم خواهد شد که به روسیه فرستاده شود و در آنجا موافق قوانین سیاست شود.»

کاپیتولاسیون در ایران به تدریج از انحصار دولت روسیه خارج گردید و بسیاری از دولتهای دیگر با سوء استفاده از اصل کامله الوداد صاحب این امتیاز شدند و حاکمیت نامشروع خود را بر دستگاه قضائی و سیاسی ایران تحمیل نمودند. انگلیس، فرانسه، آمریکا، آلمان، امپراتوری اطریش مجار، ایتالیا، اسپانیا، بلژیک، یونان و حتی دولت عثمانی در این خصوص به روسیه اضافه شدند.

پیامدهای کاپیتولاسیون

با برقراری کاپیتولاسیون ، قدرت کنسولهای خارجی افزایش قابل ملاحظه ای پیدا کرد و آنها به تدریج حمایت خود را از اتباع دولت خود به اتباع داخلی نیز سرایت دادند. در ابتدا مترجم کنسول و

کارمندان و خدمه ای که تبعه داخلی بودند، به موجب نامه ای که کنسول می داد از حمایت او بهره مند شدند. سپس بعضی از اتباع دیگر داخلی نیز به علت هم مذهب بودن یا طرف معامله بودن و یا انجام امور دیگر کنسول، با دریافت این نامه ها در حوزه حمایت کنسول و در مقابل مقامات انتظامی و محلی قرار گرفتند. در نهایت کنسولها طبق تمایل خود به هر فردی از اتباع داخلی (البته با توجه به ملاحظات سیاسی و یا حتی در مقابل گرفتن پول) از این نوع نامه ها می دادند بدون آنکه رضایت و موافقت دولت محل مأمورت خود را کسب کنند. این امر تا بدانجا گسترش یافت که صاحب منصبان نیز طوق نوکری بیگانه را بر گردن آویخته و با ترک تابعیت از کشور خویش برای بهره وری بیشتر از مزایای حقوقی کاپیتولاسیون ، تابعیت بیگانگان را می پذیرفتند.

علاوه بر پیامدهای ناگوار سیاسی، به لحاظ اجتماعی میزان جرایم با سوء استفاده از کاپیتولاسیون افزایش پیدا می کرد. از نظر اقتصادی هم سوء استفاده از کاپیتولاسیون موجب می شد بدون هیچ کنترل و ممانعتی افراد خارجی هر چه می خواستند به کشور وارد و یا از آن خارج نمایند. اما از همه اینها مهمتر نقض حاکمیت قضائی کشور بود که با وجود کاپیتولاسیون کاملاً متزلزل می گردید. کاپیتولاسیون، اتباع داخلی را از حمایت کامل قضائی محروم می ساخت و اتباع خارجی را بر آنها مقدم می داشت. در مجموع می توان گفت با مداخلات روز افزون نمایندگان سیاسی و کنسولی کشورهای صاحب این امتیاز، در حقیقت حکومت واقعی در اختیار بیگانگان قرار گرفته بود و حتی وابستگان دون رتبه سفارتخانه ها، در کلیه مناسبات عادی و امور روزانه مردم قدرت اعمال نفوذ داشتند. در این رابطه، مشاغل زیادی در ارتباط با سفارتخانه ها ایجاد شده بود و اقلیتهای دینی و قومی پیرامون کنسولگریهای کشورهای خارجی، تجمع کرده بودند. از جمله موارد جالب و در عین حال اسفبار، برخورد و درگیری مقامات کنسولگریها و هواخواهان آنها با یکدیگر بود. گاهی نایب

کنسول روس با جمعی به کنسولگری عثمانی حمله می کرد و زمانی کنسول عثمانی و حامیانش به کنسولگری روس دستبرد می زدند.

در تمام مدت برقراری کاپیتولاسیون در ایران، مقاومتهایی از جانب صاحبان بصیرت و دلسوزان کشور در ابعاد گسترده و یا محدود صورت می گرفت. به هنگام انقلاب مشروطیت، حکومت مستبد وقت به خیال خود برای فریب مردم و جلب رضایت آنها و فرونشاندن خشم عمومی، نظامنامه ای به نام «قانون عدلیه» منتشر ساخت که در فصل اول این قانون آمده بود: «مطلق دعاوی و تظلماتی که در ممالك محروسه ایران طرح می شود، اعم از اینکه متداعیین رعیت خارجه یا داخله یا از طبقه نظام یا از صنف تجار باشند، رسیدگی و حکم قضیه بالانحصار راجع به وزارت عدلیه عظمی است.» هر چند این قانون عملاً نقشی در لغو کاپیتولاسیون نداشت، ولی عبارات فصل اول آن گویای میزان خشم عمومی از کاپیتولاسیون بود.

الغای کاپیتولاسیون

کاپیتولاسیون در اواخر قرن ۱۹ و اوائل قرن ۲۰ به صور مختلف از بین رفت. اولین کشوری که موفق شد کاپیتولاسیون را برچیند، کشور ژاپن بود که در سال ۱۸۹۴ به این کار اقدام کرد. امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۱۴ از دول اروپایی خواست که استفاده از کاپیتولاسیون را متوقف سازند و خود

به طور یک جانبه آن را لغو کرد، ولی دولت آمریکا لغو یک طرفه آن را از لحاظ قانونی بی ارزش اعلام داشت. دول اروپایی در سال ۱۹۱۹ از کاپیتولاسیون در ترکیه صرف نظر کردند و سرانجام ترکیه با قرارداد لوزان (۱۹۲۳) به پایان خط کاپیتولاسیون رسید. یونان در ۱۹۱۴، مراکش در ۱۹۲۰، تایلند در ۱۹۲۷، عراق در ۱۹۳۱، اتیوپی در ۱۹۳۶، مصر در ۱۹۳۷ و چین در ۱۹۲۶ به طور مشروط و در ۱۹۴۹ به طور قاطع به آن پایان دادند. بعد از این تاریخ، خارجیان فقط در بحرین و مسقط از این مزایا برخوردار بودند.

در ایران در سال ۱۲۹۷ شمسی (دو سال قبل از کودتای سیاه رضاخان)، موضوعات ذیل در زمان دولت «صمصام السلطنه» به تصویب رسید.

الف «معاهدات، مقاولات و امتیازاتی که از یک صد سال به این طرف، دولت استبدادی روس و اتباع آن از ایران گرفته اند، تماما تحت فشار و جبر و زور یا به وسیله عوامل غیر مشروعه از قبیل تهدید و تطمیع، برخلاف صلاح و صرفه مملکت و ملت ایران تحصیل شده است، لذا با استناد به قانون اساسی و حق حاکمیت ایران، الغاء می گردد.»

ب «محاکمات وزارت خارجه باید متوقف و رسیدگی به دعاوی واقعه بین اتباع خارجه و اتباع ایران در محاکمات عدلیه موافق قوانین مملکتی به عمل آید.»

متأسفانه علیرغم تصویب این دو موضوع، دولتهای غربی همچنان از حق قضاوت کنسولی استفاده می کردند و حتی با این استدلال که صاحب تمدن مسیحی هستند و نمی توانند تسلیم دستگاه قضائی غیرمتمدن باشند، برای خود نیروی مسلح نیز تدارک دیدند.

سرانجام به دلیل جو حاکم بر روابط بین الملل که بعد از پایان جنگ جهانی اول به وجود آمده بود و همچنین مخالفتهای روز افزون ملت ایران با کاپیتولاسیون، مجلس شورای ملی در سال ۱۳۰۶

«الغای کاپیتولاسیون» را اعلام و به کلیه دولتهایی که از کاپیتولاسیون بهره مند بودند، یک سال مهلت داد تا قراردادهای جدیدی را با ایران منعقد سازند. فرانسه در قبول این امر پیشقدم شد و دولتهای دیگر نیز به تدریج آن را پذیرفتند و به جای آن، عهدنامه های دوستی، اقامت، بازرگانی، گمرکی و دریانوردی با ایران امضاء نمودند. در کلیه این عهدنامه ها، تساوی حقوق و رفتار متقابل و رعایت اصول حقوق بین الملل به عنوان رویه مورد قبول طرفین پذیرفته شد.

اما در سال ۱۳۴۰، بار دیگر دولت آمریکا خواهان مصونیت مستشاران نظامی آمریکایی از حاکمیت قضائی ایران شد و در واقع بار دیگر کاپیتولاسیون احیاء شد و این بار وابستگی رژیم به آمریکا بدان حد بود که پا را از گذشته نیز فراتر گذاشتند. چرا که در کاپیتولاسیون قدیم، انجام یک محاکمه صوری پیش بینی شده بود، ولی در کاپیتولاسیون جدید نه تنها مستشاران آمریکایی برای تخلفات و جرائمشان محاکمه نمی شدند، بلکه مقامات ایرانی برای رسیدگی اولیه به پرونده نیز نمی توانستند آنان را برای لحظه ای بازداشت کنند و از آنجایی که اکثریت آمریکاییان مقیم ایران در زمان حکومت رژیم پهلوی را همین مستشاران نظامی و دیپلماتهای آمریکایی تشکیل می دادند، در عمل کاپیتولاسیون جدید شامل حال همه آمریکاییان حاضر در ایران می شد.

احیای کاپیتولاسیون

در ژانویه سال ۱۹۶۱، «جان اف. کندی» به عنوان رئیس جمهور وارد کاخ سفید شد. در آن زمان مبارزات ضد استعماری ملتها در جهان سوم از یک سو و رشد جریانات کمونیستی از سوی دیگر اوج بسیار گرفته بود. به همین خاطر، کندی استراتژی جدیدی را برای مقابله با کمونیسم و همچنین استقلال طلبی ملل جهان سوم در پیش گرفت و دولتهای دست نشانده آمریکا در جهان سوم را مجبور به انجام یک سری اصلاحات صوری نمود. در همین رابطه، «علی امینی» در اردیبهشت ۱۳۴۰ به نخست وزیری رسید و به سرعت شروع به انجام اصلاحات مورد نظر کندی نمود.

۱۰ ماه بعد، در ۲۸ اسفند ۱۳۴۰، دولت کندی با ارسال یک یادداشت دیپلماتیک از دولت امینی خواست تا مستشاران نظامی آمریکا و بستگانشان در ایران را تحت پوشش مصونیتهای کنوانسیون وین قرار دهد. دولت آمریکا می خواست با تبادل یادداشت میان دو دولت، این امتیازات را به راحتی به دست آورد، ولی علی امینی که قبلاً «ننگ» «عاقد کنسرسیوم» را بر پیشانی داشت، نمی خواست که داغ جدید «احیاء کننده کاپیتولاسیون» را به آن اضافه کند و در ضمن به خوبی می دانست که کاپیتولاسیون آن چنان خاطرات تلخی در تاریخ ایران بر جای گذاشته است که هرکسی که بخواهد دوباره این خیانت را تکرار کند، سرنوشت خطرناکی در پیش روی خواهد داشت. لذا امینی که تا تیرماه ۱۳۴۱ (یعنی ۵ ماه بعد از درخواست آمریکا) در پست نخست وزیری باقی ماند، از جواب دادن به این درخواست طفره رفت.

دولت اسداللّه علم

در فروردین ۱۳۴۱ شاه به آمریکا سفر کرد و به اربابان خود قبولاند که شخصا می تواند «اصلاحات صوری» را به انجام رساند و احتیاجی به فردی مانند «علی امینی» نیست. لذا در بازگشت امینی را بر کنار کرد و «اسداللّه علم» را به نخست وزیری منصوب نمود.

در دی ماه ۱۳۴۱، شاه قصد خود را برای انجام یک رفراندم جهت تصویب به اصطلاح «انقلاب سفید» اعلام کرد. با توجه به محتوای مواد ششگانه انقلاب سفید، حضرت امام خمینی (ره) و دیگر مراجع تقلید شرکت در این رفراندم را تحریم کردند. در ۶ بهمن ۱۳۴۱، طی یک رفراندم قلابی، دولت علم اعلام کرد که «لوایح ششگانه» به تصویب مردم رسیده است. کندی نیز به سرعت برای شاه تلگرام تبریک فرستاد.

یک ماه و نیم بعد از اتمام نمایش انقلاب سفید، دولت علم درخواست آمریکا برای «اعطای مصونیت به مستشاران آمریکایی» را مورد بررسی قرار داد. وزارت امور خارجه ایران با ارسال یادداشتی به سفارت آمریکا «توافق خود را با بخش آخر یادداشت آمریکا» اعلام کرد که «براساس آن اعضای عالی رتبه گروه مستشاری که دارای گذرنامه های دیپلماتیک هستند، از مصونیتهای دیپلماتیک برخوردار می شوند» و در مورد بقیه کارمندان گروه مستشاری نظامی نیز اعلام داشت: «مطالعاتی در حال انجام است تا آنان نیز از امتیازات و مصونیتهای بیشتری متمتع شوند.» ولی دولت ایران هیچ اشاره ای به درخواست آمریکا برای تسری مصونیت به خانواده های مستشاری نظامی آمریکا در ایران ننمود.

در این میان، شاه کینه روحانیت بیدار و رهبری نهضت حضرت امام خمینی (ره) را به علت تحریم رفراندم به دل گرفت و در ۲ فروردین ۱۳۴۲، دستور حمله کماندوهایش را به «مدرسه فیضیه» صادر کرد و آن را به خاک و خون کشید. بدین وسیله مبارزات روحانیت وارد مرحله جدیدی گردید و با فرا رسیدن ماه محرم، مبارزه به اوج خود رسید و مردم حتی در مقابل مقر دژخیم، یعنی کاخ مرمر به تظاهرات پرداختند و شعار مرگ بر «دیکتاتور» سردادند. شاه دستور دستگیری حضرت امام (قدس سره) را صادر می کند. ایشان در شب ۱۵ خرداد، دستگیر و سریعا به تهران منتقل گردیدند. مردم پس از آگاهی از دستگیری مرجع و مقتدای عالی قدر خود به پا خاستند و مقاومت انقلابی آنان با سرکوبی وحشیانه رژیم مواجه و عده زیادی به شهادت رسیدند؛ با این جنایت، جو سیاسی به ظاهر آرام شد.

مجلسین ایران به هنگام نخست وزیری امینی در سال ۱۳۴۰ منحل شدند و این دوره «فترت» مجلسین بیش از ۲ سال ادامه پیدا کرد. در شهریور ماه ۱۳۴۲، دولت علم انتخاباتی فرمایشی برای تشکیل مجلس شورای ملی (دوره ۲۱) و مجلس سنا (دوره چهارم) برگزار نمود و نمایندگان را از میان شرکت کنندگان در کنگره به اصطلاح «آزادمردان و آزادزنان» دست چین کرد. مجلس جدید در ۱۴/۷/۱۳۴۲ شروع به کار نمود. دولت علم قبل از تحویل کابینه به حسنعلی منصور، تمامی مصوبات هیئت دولت در زمان فترت را برای تصویب به مجلس تقدیم کرد، ولی «لایحه کاپیتولاسیون» را در اواخر دولت خود، به مجلسین ارائه نمود تا فرصت بررسی این لایحه در زمان دولت علم به دست نیاید و در نتیجه وظیفه دفاع از این لایحه ننگین به عهده دولت بعدی قرار گیرد.

دولت حسنعلی منصور

در ۱۷ اسفند ۱۳۴۲، یعنی ۲۶ روز پس از تقدیم لایحه کاپیتولاسیون به مجلس سنا، علم از پست نخست وزیری کنار رفت و حسنعلی منصور، نخست وزیر شد. حزب ایران نوین که ریاست آن با

منصور بود، از دل «کانون مترقی» که محل تجمع تحصیلکردگان ایرانی در آمریکا بود، بیرون آمده بود و اعضای آن در واقع همان دست پروردگان «اصل ۴ ترومن» بودند که برای تأمین منافع آمریکا تربیت شده بودند.

۵ ماه بعد لایحه کاپیتولاسیون در جلسه علنی مجلس سنا طرح گردید. نحوه تصویب این لایحه بسیار مفتضحانه بود. در یک جلسه طولانی که لوایح مختلفی در دستور جلسه بود، جلسه تا نیمه شب ادامه پیدا کرد. لایحه کاپیتولاسیون آخرین لایحه ای بود که در این جلسه و مقارن نیمه شب سوم مرداد ماه ۱۳۴۳ در مجلس سنا مطرح گردید و با توضیحاتی بسیار مختصر و بدون هیچگونه مخالفتی از طرف سناتورها به تصویب رسید، و برای رأی نهائی به مجلس شورای ملی فرستاده شد.

جالب اینجاست که رژیم پهلوی همواره یکی از بزرگترین دستاوردهای حکومت رضاخان را الغای کاپیتولاسیون در ایران می دانست. لذا برقراری مجدد کاپیتولاسیون یکی از عمیقترین ضربه هایی بود که رژیم پهلوی می توانست به خود وارد کند، ولی مقامات رژیم به علت وابستگی و سرسپردگی به آمریکا، قدرت و توانایی مخالفت با درخواست آمریکا را نداشتند و حتی مقامات وزارت امور خارجه ایران به جای اینکه حافظ منافع کشور باشند، در جهت تأمین منافع نامشروع آمریکا از آمریکاییها استمداد می نمودند و «میرفندرسکی» معاون وقت وزیر امور خارجه از مقامات سفارت

آمریکا در تهران خواستار هرگونه اطلاعاتی که برای دفاع از لایحه در مجلس می توانست مفید واقع گردید.

مذاکرات مجلس شورای ملی

سرانجام در ۲۱/۷/۱۳۴۳، لایحه کاپیتولاسیون در مجلس شورای ملی طرح شد. جلسه از ساعت ۸ صبح تا ۵ بعد از ظهر، بدون هیچ گونه توقفی حتی برای صرف ناهار، ادامه پیدا کرد. درخواست نمایندگان برای ادامه بحث در جلسه بعد مورد موافقت قرار نگرفت. دولت منصور می خواست به هر صورت در همان جلسه مسئله را خاتمه دهد. این جلسه طولانی بسیار پرتشنج بود و مخالفتهای شدیدی از طرف چند تن از نمایندگان علیه لایحه ابراز شد. پس از ساعتها بحث، سرانجام رأی گیری به عمل آمد و این لایحه با ۷۴ رأی موافق در مقابل ۶۱ رأی مخالف به تصویب رسید. از ۱۸۸ نماینده مجلس، بیش از ۵۰ نفر غائب بودند که اکثر غايبين، عمدا در جلسه حضور پیدا نکرده بودند. به این ترتیب این لایحه با اکثریت بسیار ضعیفی به تصویب رسید. شکل مفتضحانه تصویب این لایحه موجب نگرانی شدید آمریکاییها شد و آنها را واداشت تا به ریشه یابی این مخالفتها بپردازند.

موضع شاه و پاداش خیانت

شاه که از نحوه تصویب این لایحه بشدت خشمگین شده بود، تلویحا نمایندگان را مورد عتاب قرار داد و از اینکه مخالفتهای بعضی از نمایندگان بیش از اندازه و غیر قابل تحمل بوده است، سخن گفت و آنها را به دسیسه چینی و جاسوسی متهم کرد. در نهایت به آنها دستور داد که در جلسات بعدی با بهانه تراشی هائی از قبیل «درست نفهمیدن لایحه» و یا «توضیحات ناکافی مقامات»، اظهارات خود را پس گرفته و اظهار پشیمانی کنند.

به دنبال تصویب لایحه کاپیتولاسیون، دولت آمریکا موافقت نمود که یک وام ۲۰۰ میلیون دلاری برای خرید تجهیزات نظامی آمریکا در اختیار دولت ایران قرار گیرد. به این ترتیب رژیم شاه، بابت خیانت بزرگش مزد ناچیزی را از ارباب خود دریافت نمود.

موضع رهبری نهضت، حضرت امام خمینی (ره)

چند روز پس از تصویب این لایحه، حضرت امام خمینی (ره) از مضمون لایحه و محتوای مذاکرات مجلس و نحوه تصویب آن اطلاع پیدا کردند و به سرعت نسبت به آن واکنش نشان دادند. در روز ۴ آبان ۱۳۴۳، یعنی دو هفته پس از تصویب کاپیتولاسیون ، حضرت امام طی سخنرانی شدیداللحنی در شهر قم، اظهار فرمودند:

«استقلال ما را فروختند و باز هم چراغانی کردند... دولت سابق این تصویب را کرده بود و به کسی نگفت. دولت حاضر این تصویب نامه را در چند روز پیش، برد به مجلس و در چند وقت پیش از این، به سنا بردند و با یک قیام و قعود مطلب را تمام کردند و باز نفسشان در نیامد... دولت با کمال وقاحت از این امر ننگین طرفداری کرد. ملت ایران را از سگهای آمریکا پست تر کردند،... چرا؟ برای اینکه

می خواستند وام بگیرند از آمریکا... آقا من اعلام خطر می کنم.... امروز سرو کار ما با این خبیث هاست، با آمریکاست... آقا تمام گرفتاری ما از این آمریکاست، تمام گرفتاری ما از این اسرائیل است. اسرائیل هم از آمریکاست، این وکلا هم از آمریکا هستند....»

این سخنرانی افشاگرانه و پیام کوبنده رهبری نهضت به سرعت به گوش همگان رسید و اسباب رسوایی رژیم را تا بدان حد فراهم ساخت که منصور، نخست وزیر وقت، خود را مجبور به پاسخگویی دید و طی یک سخنرانی در مجلس سنا اقدام به توجیه این خیانت نمود و سعی کرد با اظهار مطالبی سراسر کذب و بی اساس از موج مخالفتها بکاهد، اما این تلاش مذبوحانه نیز کمکی به رژیم منفور شاه ننمود.(۱)

تبعید حضرت امام خمینی (ره)

با اوج گیری مبارزه علیه رژیم و مجاهدتهای خستگی ناپذیر حضرت امام خمینی (ره) در تبلیغ و آگاه نمودن مردم، خاصه در پی سخنرانی تاریخی حضرت امام (ره) به مناسبت احیای کاپیتولاسیون، شاه بشدت به وحشت افتاد و تنها راه نجات خویش را در قطع رابطه میان رهبری نهضت و مردم دانست. به همین خاطر مأموران رژیم در شب ۱۳ آبان ۱۳۴۳، حضرت امام را بازداشت و روز بعد ایشان را به شهر «بورسا» در ترکیه تبعید نمودند.

امید است که مجموعه اسناد حاضر بتواند گوشه هایی از مداخلات نامشروع آمریکا در امور کشور ما و خیانتهای بی شمار وابستگان او را بنمایاند و با شناخت بیشتر راه سلطه مجدد برای همیشه بر روی شیطان بزرگ بسته گردد.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

زمستان ۱۳۶۹

۱- در ذکر برخی تعاریف و فرازهای تاریخی در مقـدمه این کتاب از کتابهای زیر اسـتفاده شده است: ۱ "صحیفه نور" □ جلد اول ۲ "تاریخ سیاسـی معاصر ایران" □ دکتر سـید جلال الدین مدنی □ جلد ۱ و ۲ ۳ "فرهنگ علوم سیاسی" □ غلامرضا علی بابایی □ جلد سوم.

طرح درخواست مصونیت سیاسی

سند شماره (۱)

تاریخ: ۱۹ مارس ۱۹۶۲ ۲۸ اسفند ۱۳۴۰

یادداشت شماره ۴۲۳

سفارت ایالات متحده آمریکا ضمن ابراز تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی، مفتخر است که اعلام کند که یادداشت شماره ۶۲۶۶ مورخ ۷ فوریه ۱۹۶۲(۱۸/۱۱/۱۳۴۰ م) وزارت خارجه ایران را که در آن دولت شاهنشاهی ایران تمایل خود را برای تمدید خدمات هیئت مستشاری نظامی ایالات متحده به مدت یک سال دیگر (تا ۲۱ مارس ۱۹۶۳) همان طور که ابتدائا در قراردادهای مورخ ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ و ۱۶ اکتبر ۱۹۴۷ پیش بینی شده، ابراز کرده را دریافت نموده است.

این سفارت خوشوقت است که اعلام کند، دولت ایالات متحده با تمدید خدمات هیئت مستشاری مزبور مطابق با شرایط قراردادهای فوق الذکر، اصلاح شده در تهران با تبادل یادداشتهای مورخ ۹ دسامبر ۱۹۴۸، ۵ ژانویه ۱۹۴۹، ۲۸ نوامبر ۱۹۴۹ و ۱۰ ژانویه ۱۹۵۰ در رابطه با هیئتهای نظامی و تبادل یادداشتهای مورخ ۱۱ تا ۱۳ سپتامبر ۱۹۴۸ در رابطه با هیئتهای نظامی ایالات متحده در ژاندارمری شاهنشاهی ایران؛ و نیز یادداشت دولت ایالات متحده به شماره ۵۹۶ مورخ ۱۰ آوریل ۱۹۶۱ و یادداشتهای دولت شاهنشاهی ایران به شماره های ۱۳۴۴ مورخ ۱۴ ژوئن ۱۹۶۱ و ۴۲۰۲ مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۶۱، موافق است.

در عین حال، این سفارت مایل است مذاکرات بسیاری را که اخیرا بین نمایندگان دو دولت در رابطه با مشکلاتی با اهمیت روزافزون، انجام شده است را متذکر شود. این مشکلات از این حقیقت

ناشی می شوند که موافقتنامه های موجود به قدر کافی مسئله وضعیت اعضای هیئتهای مستشاری نظامی ایالات متحده در ایران را در بر نمی گیرد.

در همین رابطه، دولت ایالات متحده معتقد است، نیل به یک تفاهم کلی در این زمینه برای زدودن هر نوع شکی و در نتیجه سهولت در عملکرد مؤثر اعضای مستشاری، به نفع هر دو دولت خواهد بود.

برای نیل به این هدف، سفارت مفتخر است که فقط پیشنهاد نماید که این پرسنل از امتیازات و مصونیتهای مخصوص«کارمندان اداری و فنی»، مشروحه در قرارداد منضم به قرار نهایی کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد روابط و مصونیتهای دیپلماتیک که در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ در وین امضاء شده، برخوردار گردند. البته معلوم است که پرسنل برجسته مشخص مورد توافق دو دولت، صامکان بهره مندی از امتیازات و مصونیتهای «مأمورین سیاسی» را خواهند داشت.

سفارت، همچنین پیشنهاد می نماید به منظور هماهنگی و تسهیل در امور اداری، اصل سابق الذکر در مورد هر فردی از پرسنل نظامی و یا کارمندان غیرنظامی وزارت دفاع ایالات متحده و بستگانشان که اهل خانه آنها می باشند و حضور آنها در ایران به وسیله دولت شاهنشاهی ایران مجاز شناخته شده، به کار گرفته شود.

سفارت پیشنهاد می نماید که در صورت توافق دولت شاهنشاهی ایران، این تفاهم از تاریخ دریافت پاسخ آن وزارتخانه قابل اجراء و نافذ خواهد شد.

سفارت فرصت را برای تجدید احترامات فائقه خود نسبت به وزارتخانه شاهنشاهی مغتنم می شمرد.

سفارت کبرای ایالات متحده آمریکا

تهران ۱۹ مارس ۱۹۶۲

موافقت محدود با مصونیت فرماندهان عالیرتبه آمریکایی

سند شماره (۲)

اداره چهارم سیاسیتاریخ ۲۰/۱۲/۱۳۴۱

وزارت امور خارجه

شماره ۸۸۰۰

یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارفات خود را به سفارت کبرای ایالات متحده آمریکا اظهار و عطف به یادداشت شماره ۲۰۳ مورخ ۲۲ اکتبر ۱۹۶۲ راجع به پیشنهاد آن سفارت کبری در خصوص وضع اعضای هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران و استفاده از مواد قرارداد وین، مصوب ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ درباره مستشاران مزبور احتراما اشعار می دارد: نسبت به قسمت اخیر یادداشت شماره ۴۲۳ مورخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ آن سفارت کبری در خصوص اعضای عالی رتبه هیئت مستشاری که دارای گذرنامه سیاسی می باشند، موافقت می گردد که به نامبردگان وضع سیاسی داده شود تا بتوانند از مصونیتها و امتیازات مربوطه برخوردار شوند و در خصوص بقیه کارمندان هیئتهای مستشاری آمریکا نیز مطالعاتی در جریان است، تا برای آنها نیز امتیازات و تسهیلات بیشتری فراهم گردد که نتیجه آن بعدا به استحضار آن سفارت کبری خواهد رسید.

موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می شمارد.

پیوند میان کاپیتولاسیون و کنوانسیون وین

سند شماره (۳)

اداره عهود و امور حقوقیتاریخ ۲۶ آبان ۱۳۴۲ ۱۷ نوامبر ۱۹۶۳ وزارت امور خارجه

شماره ۸۲۹۶یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارفات خود را به سفارت کبری دولت ایالات متحده آمریکا اظهار و در مورد معافیت و مصونیت هیئتهای مستشاران نظامی دولت ایالات متحده آمریکا در ایران، احتراما به استحضار می رساند که با توجه به درخواستی که در یادداشت شماره ۴۲۳ مورخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ به عمل آورده و مرقوم داشته بودند که کارمندان هیئتهای مستشاری از امتیازات و مصونیتهای مربوط به کارمندان اداری و اعضای فنی، «مشروحه در قرارداد منضم به قرار نهایی کنفرانس سازمان ملل متحد منعقد در وین، در خصوص روابط و مصونیتهای سیاسی مصوب ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ برخوردار باشند و به بعضی از اعضای عالی رتبه این هیئتها به موجب قراردادی بین دو دولت وضع مأمور سیاسی داده شود، تا از مصونیتها و امتیازاتی که قرارداد مزبور برای این طبقه در نظر گرفته، متمتع گردند و به خاطر حفظ مصالح اداری و حفظ اتحاد شکل در مورد هر یک از مستخدمین نظامی و یا کشوری وزارت دفاع ایالات متحده و اعضای خانواده همراه او، به شرطی که حضور آنان در ایران با موافقت دولت شاهنشاهی باشد، اصل فوق الذکر قابل اجرا باشد.

مطالعات لازم به عمل آمد و نتیجه این مطالعات به استحضار آن سفارت کبری رسید که قرارداد بین المللی وین پس از تصویب از طرف قوه مقننه ایران شامل اعضای هیئتهای مستشاری نظامی دولت ایالات متحده در ایران که در استخدام وزارت جنگ ایران می باشد، نخواهد گشت و برای این کار مجوز جداگانه لازم است و علیهذا قرار شده هنگام تقدیم موافقتنامه بین المللی وین به مجلسین، شرح لازم نیز ضمیمه شود که رئیس و اعضای هیئتهای مستشاران نظامی در ایران از مزایا و مصونیتها و

معافیتهایی که برای «کارمندان اداری و فنی» موضوع بند ماده اول موافقتنامه مورد بحث پیش بینی شده، برخوردار باشند و البته شمول این مزایا و معافیتها بسته به تصویب مجلسین خواهد بود.

وزارت امور خارجه شاهنشاهی خوشوقت است، اکنون به استحضار آن سفارت کبری برساند که هیئت محترم وزیران به موجب تصویب نامه مورخ ۱۳/۷/۱۳۴۲ با این پیشنهاد موافقت فرموده اند و قرار است که هنگام تقدیم موافقتنامه وین منعقد در ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ به مجلسین این یادداشت و یادداشتی که آن سفارت کبری در پاسخ مرقوم خواهند داشت نیز برای تصویب ضمیمه شود.

وزارت امور خارجه شاهنشاهی موقع را برای تجدید احترامات مغتنم می شمارد.

بسط مصونیت به بستگان مستشاران

سند شماره (۴)

تاریخ: ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳ ۲۷ آذر ۱۳۴۲

یادداشت شماره ۲۹۹

سفارت ایالات متحده آمریکا پس از اظهار تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی و عطف به یادداشت شماره ۸۲۹۶ مورخ ۱۷ نوامبر ۱۹۶۳ (۲۶ آبان ۱۳۴۲ م) آن وزارتخانه خاطرنشان می سازد که هیئت وزیران در تاریخ ۵ اکتبر ۱۹۶۳ (۱۳ مهر ۱۳۴۲ م) موافقت کرده است که به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید، که رئیس و اعضای هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران

از همان امتیازات و معافیتهایی برخوردار شوند که در کنوانسیون وین در زمینه روابط دیپلماتیک برای کارمندان اداری و فنی سفارت مندرج در بند ... از پاراگراف اول کنوانسیون وین قید شده است. در یادداشت وزارتخانه قید شده که آن یادداشت و یادداشت سفارت آمریکا به ضمیمه کنوانسیون وین به مجلس شورای ملی و سنا تقدیم خواهد شد.

طبق برداشت سفارت عبارت «اعضای هیئت مستشاری آمریکا در ایران» در برگیرنده پرسنل نظامی و غیرنظامی آمریکا عضو وزارت دفاع آمریکا و بستگانشان که اهل خانه آنها می باشند و در ایران بر طبق قراردادها و توافقهای بین دو طرف مستقر هستند، می باشد. به این ترتیب، سفارت نیز اعلام می دارد که پس از تصویب یادداشت شماره ۸۲۹۶ وزارت خارجه توسط مجلسین شورای ملی و سنا، این یادداشت همان پاسخ مثبت مورد نظر در رابطه با یادداشت سفارت آمریکا به شماره ۴۲۳ مورخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ (۲۸ اسفند ۱۳۴۱ م) باشد.

سفارت موقع را مغتنم شمرده و احترامات فائقه خود را جهت وزارت امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران تجدید می دارد.

سفارت ایالات متحده آمریکا

تهران ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳

تصویب لایحه کاپیتولاسیون در مجلس سنا

سند شماره (۵)(۱)

جلسه ۶۷ مجلس سنا سوم مرداد ۱۳۴۳ ۲۵ ژوئیه ۱۹۶۴

لایحه شماره ۱۸/۲۲۹۱ ۲۱۵۷ مورخه ۲۵/۱۱/۱۳۴۳ دولت، مربوط به استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیتها و معافیتهای قرارداد وین در این کمیسیون با حضور آقای دکتر

انصاری معاون وزارت امور خارجه مورد شور و رسیدگی واقع و پس از بحث کافی، ماده واحده با اصلاحات عبارتی به تصویب رسید و برای اظهار نظر به کمیسیون جنگ ارسال شد. کمیسیون مزبور لایحه را با حضور تیمسار سپهبد صنیعی وزیر جنگ و آقای میرفندرسکی معاون وزارت امور خارجه مورد شور قرار داده و ضمن تأیید نظر کمیسیون خارجه آن را تصویب نموده که اینک گزارش آن به شرح زیر برای شور اول تقدیم مجلس محترم سنا می شود. مخبر موقت کمیسیون خارجه عباس مسعودی.

۱- برای اولین بار در تاریخ ۳ مرداد ۱۳۴۳ لایحه کاپیتولاسیون برای رسیدگی در مجلس سنا طرح شد. نحوه تصویب این لایحه بسیار مفتضحانه بود. در یک جلسه طولانی که لوایح مختلف مطرح شد جلسه تا نیمه شب ادامه پیدا کرد. آخرین لایحه ای که مقارن نیمه شب در مجلس سنا طرح گردید لا- یحه کاپیتولاسیون بود. جالب اینجاست که "شریف امامی" رئیس مجلس سنا در توجیه رسیدگی به این لایحه در نیمه شب می گوید: "البته مقدور هم بود که ما فردا جلسه فوق العاده تشکیل بدهیم ولی چون کار بسیار مختصری است اجازه بفرمایید الان تمامش کنیم." آمریکاییان که با دقت فراوان مسئله را دنبال می کردند متن مذاکرات مجلس سنا در این مورد را به انگلیسی ترجمه کرده و بررسی نمودند. برای چاپ این سند از متن اصلی مذاکرات مجلس سنا استفاده شد. م

لایحه اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران

از مصونیتها و معافیتهای قرارداد وین

ماده واحده

با توجه به لایحه شماره ۱۸ ۲۲۹۱ ۲۱۵۷ ۲۵/۱۱/۱۳۴۲ دولت و ضمائم آن، که در تاریخ ۲۱/۱۱/۴۲ به مجلس سنا تقدیم شده، به دولت اجازه داده می شود که رئیس و اعضای هیئتهای مستشاری نظامی ایالات متحده را در ایران که به موجب موافقتنامه های مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی می باشد، از مصونیتها و معافیتهایی که شامل کارمندان اداری و فنی موصوف در بند (و) ماده اول قرارداد وین که در تاریخ هیجدهم آوریل ۱۹۶۱ مطابق بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۴۰ به امضاءرسیده است می باشد، برخوردار نماید.

رئیس آقای نخست وزیر بفرمایید.

نخست وزیر بنده نسبت به فرمایش جنابعالی از لحاظ سازمان مرکزی آمار موافقت می کنم که به بعد از تعطیلات مجلس موکول بشود، با وجود اینکه این در برنامه دولت ذکر شد و ضمنا لایحه اش هم تقدیم شد، توجه می فرمایید که یک دستگاهی که خودش را در آینده نزدیک منحل می داند، بلاتکلیف می ماند و این تقاضای تسریع در این امر به این علت بود که ضرورت داشت، ولی چون مصادف با تعطیل مجلس است بنده روی احترام به فرمایش جناب آقای رئیس موکول می کنم به بعد از تعطیل مجلس سنا که در اولین فرصت این لایحه هر چه زودتر بگذرد. نسبت به لایحه دیگر استدعای فوریت می کنم، برای اینکه بشود امشب چون یک مطلب کاملاً ساده و عادی است، تصویب بشود.

عرض کنم تجربیاتی را که در اینجا برای دولت فعلی از طرف نمایندگان محترم سنا عنوان می شود، بسیار ذیقیمت و باارزش است. بنده بسیار سپاسگزارم، از اینکه ایام فراغت تابستان و تعطیل تابستانی

را با این علاقه خاص در جلسات متعدد برای رسیدگی به امر بودجه و لایحه اصلاحات ارضی معمول فرموده اند، از طرف دولت سپاسگزارم ولی چون می دانم این از صمیم قلب و وجدان و وظیفه شناسی واقعی آقایان در کارهاست، شاید حتی این اظهار تشکر بنده ضرورت هم نداشت، فقط یک توضیح واضحات و انجام ادب و نزاکتی است که می باید از طرف بنده در پایان جلسه به عرض نمایندگان برسد. تشکر می کنم (احسنت)

۳ تصویب لایحه اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا از مصونیتهای قرارداد وین با فوریت.

رئیس نامه ای است که از طرف دولت به مجلس سنا رسیده است که قرائت می شود. (به شرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس سنا

پیرو درخواست قبلی دولت مبنی بر تشکیل جلسه فوق العاده مجلس محترم سنا به منظور رسیدگی به لایحه تسهیل وصول مالیاتها و لایحه اصلاحی بودجه کل کشور اینک از نظر فوریت امر خواهشمند است، مقرر فرمایند پس از رسیدگی به لایحه بودجه کل کشور، لایحه مربوط به تأسیس مرکز آمار

ایران و همچنین ماده واحده مربوط به تصویب دو فقره یادداشت بین وزارت امور خارجه شاهنشاهی

و سفارت کبرای ایالات متحده آمریکا در تهران نیز جلسه فوق العاده مجلس محترم سنا مطرح گردد،

مزید تشکر است.نخست وزیر

رئیس با بررسی که خود بنده کردم لایحه مربوط به تأسیس مرکز آمار هنوز آماده برای طرح

نیست کل کشور اینک از نظر فوریت امر خواهشمند است، مقرر فرمایند پس از رسیدگی به لایحه

بودجه کل کشور، لایحه مربوط به تأسیس مرکز آمار ایران و همچنین ماده واحده مربوط به تصویب

دو فقره یادداشت بین وزارت امور خارجه شاهنشاهی و سفارت کبرای ایالات متحده آمریکا در تهران

نیز جلسه فوق العاده مجلس محترم سنا مطرح گردد، مزید تشکر است. نخست وزیر

رئیس با بررسی که خود بنده کردم لایحه مربوط به تأسیس مرکز آمار هنوز آماده برای طرح

نیست و به علاوه تصور نمی کنم که الآن دولت آن طور که ضرورت داشته باشد که لایحه را در اختیار

داشته باشد. الآن می توانند شروع به تهیه مقدمات آن بکنند و در موقع تعطیل مجلس این مقدمات را

فراهم بیاورند. در اولین فرصتی که مجلس شروع به کار می کند، آن را مطرح می کنیم، ولی به هر حال

این باز، بستگی دارد به نظر دولت. مضایقه ای نیست ولی تصور نمی کنم که کاری لنگ بماند. اما آن

دیگری گزارشش حاضر است و قرائت خواهد شد. البته مقدور هم بود که ما فردا جلسه فوق العاده

تشکیل بدهیم، ولی چون کار بسیار مختصری است، اجازه بفرمایید الآن تمامش بکنیم .

(به شرح زیر قرائت شد)

گزارش از کمیسیون شماره یک خارجه به مجلس سنا

رئیس رأی می گیریم به فوریت لایحه ای که الان قرائت شد. سناتورهایی که موافقند قیام فرمایند

(اکثرا برخاستند) تصویب شد. کلیات لایحه مطرح است. نظری هست می فرمایند.

دکتر صدیق خوب است آقای معاون وزارت امور خارجه راجع به این مطالبی که در اینجا قید شده است، توضیحاتی بدهند. راجع به این معافیتهایی که در بند (و) ماده اول قرارداد وین چون متبادر به ذهن نیست، اگر ممکن است توضیحاتی لطف کنند.

رئیس آقای معاون وزارت خارجه بفرمایید.

معاون وزارت خارجه (آقای میرفندرسکی): به طوری که سناتورهای عظام اطلاع دارند قرارداد وین که از مجلس سنا گذشت، ضمیمه اش یک یادداشتی بود که بین وزارت امور خارجه و سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران مبادله شده بود. یادداشت ضمیمه عبارت از این بود که مستشاران نظامی آمریکایی که در خدمت دولت شاهنشاهی هستند، از مزایا و مصونیتهائی که طبق قرارداد وین به کارکنان فنی سفارتخانه ها تعلق می گیرد، برخوردار شوند. این کارمندان به طوری که تعریف شده اند در بند (و) از ماده اول اصطلاح مأمور اداری و فنی، یعنی آن دسته از کارمندان مأموریت که به امور اداری و فنی مأموریت اشتغال دارند. این یادادشتها بین وزارت امور خارجه و سفارت دولت ایالات متحده رد و بدل شد، ولی البته قوه قانونی وقتی پیدا می کند که به تصویب مجلسین برسد (دکتر کاظمی آن مصونیتها و معافیتها را بفرمایید) مصونیت و معافیتها در یادداشتهایی است که مبادله شده است.

همان طور که جناب آقای نخست وزیر فرمودند خیلی از تصورات و اندیشه ها هست که آقایان سناتورهای عظام می دانند که باید در آن جرح و تعدیل کرد.

شاید در نظر اول خیلی گران بیاید که ما برای یک عده خارجی در ایران تقاضای مصونیت و معافیت بکنیم، ولی این مصونیتها و این معافیتها را ما به خاطر آن خارجیها تقاضا می کنیم، ما برای خاطر خدمتی تقاضا می کنیم که آنها برای ما انجام می دهند. پس از اینکه زیاد برای این موضوع فکر کردیم و مشاوره کردیم با دستگاههای مختلف مملکت، به این نتیجه رسیدیم که اعطای این مصونیتها و این مزایا ضرری(۱) برای دولت شاهنشاهی ندارد و معافیت مالیاتی است که از حقوق آنان مالیات گرفته نشود یا برای مسکن و تغذیه معافیت داشته باشند، مهم نیست. به علاوه این نظر لطف کنند. چیزی نیست که ما تنها کرده باشیم. دولتهای دیگر هم کرده اند. دولت ترکیه هم کرده، دولت یونان هم کرده، این مستلزم همکاری است که ما با دولت آمریکا داریم و اگر فرض بفرمایید که ما این را به دولت دیگری بدهیم، این صحیح نیست برای اینکه با دولت دیگری نه قرارداد دفاعی دوجانبه داریم و نه دولت دیگری را در دفاع از مملکت خودمان، در مساعی که برای دفاع از مملکت خودمان داریم، این طور شریک کرده اید. حالا اگر اجازه بفرمایید، بنده متن یادداشتهای متبادله مواد را خدمت آقایان تقدیم کنم.

رئیس راجع به کلیات دیگر نظری هست اظهاری نشد رأی می گیریم به ورود در شور ماده واحده، سناتورهایی که موافقند قیام فرمایند (اکثرا برخاستند) تصویب شد، ماده واحد مطرح است.

آقای مسعودی بفرمایید.

مخبر بنده می خواستم برای استحضار خاطر آقایانی که یک قدری در این کار تردید دارند، عرض بکنم که این موضوع مکرر در کمیسیون خارجه با حضور تمام اعضا مورد بحث قرار گرفت.

متأسفانه الآن به غیر از بنده و آقای دکتر امیر حکمت، سایر آقایان اعضای کمیسیون خارجه در جلسه حاضر نیستند که توضیح بدهند. در چند ماه پیش این موضوع با حضور آقای دکتر انصاری معاون سابق وزارت امور خارجه مطرح شد و مورد توجه و دقت قرار گرفت و به خاطر اینکه قرارداد وین باید اول به تصویب می رسید، این را ما متوقف گذاشتیم، ولی مطالعات به طور کامل انجام شد و توضیحات لازم را از وزارت امور خارجه گرفتیم. در مرحله دوم با حضور آقای میرفندرسکی بار دیگر مطرح شد و در همان موقع بود که قرارداد وین به مجلسین پیشنهاد شد و به تصویب رسید. بعد این گزارش رفت به کمیسیون جنگ، در آنجا مطالعه شد. در آنجا هم مورد تصویب قرار گرفت و برگشت به کمیسیون خارجه، بار دیگر در کمیسیون خارجه مورد تأیید قرار گرفت و پیشنهاد شد به مجلسین و این یادداشتهایی که بین وزارت امور خارجه و سفارت کبرای ایالات متحده مبادله شده است، اگر اجازه بفرمایید بنده می خوانم، ملاحظه خواهند فرمود که این یادداشتها قانع کننده است و تصور می کنم که نظر آقایان تأمین باشد و رفع اشتباه از کسانی که به این موضوع توجه دارند، بشود.

رئیس نسبت به ماده واحده دیگر نظری نیست (اظهاری نشد) رأی می گیریم به ماده واحده، سناتورهایی که موافقند قیام فرمایند (اکثرا برخاستند) تصویب شد. کلیات آخر مطرح است. نظری

۱– –۱ در ترجمه انگلیسی این متن در سفارت مترجم سفارت این کلمه را اشتباهاً "ضرورتی" ترجمه کرده است در حالی که در اصل مذاکرات مجلس سنا این کلمه "ضرری" بوده است. م

هست می فرمایند (اظهاری نشد). رأی می گیریم به کلیه لایحه. سناتورهایی که موافقند، قیام فرمایند (اکثرا برخاستند) تصویب شد. برای رأی نهائی به مجلس شورای ملی فرستاده می شود. جلسه را ختم می کنیم. ساعت ۱۲ شب مجلس ختم شد.

پیشرفت کنوانسیون وین در مجلس ایران

سند شماره (۶)

از: سفارت آمریکا تهرانتاریخ: ۳۱ ژوئیه ۱۹۶۴ ۶ مرداد ۱۳۴۳

به: وزارت خارجه (آمریکا م)

تلگرام صادره شماره ۵۳ A

عطف به: تلگرام شماره ۵۷۴ سفارت به تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۳ (۲۵ آذر ۱۳۴۲ م)

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: پیشرفت کنوانسیون وین در مجلس ایران

به دنبال تحریکات مداوم این سفارت، تصویب کنوانسیون وین و یادداشتهای مبادله شده ضمیمه آن، که وضعیت پرسنل نظامی آمریکا در ایران را تشریح می نماید، در مجلس ایران پیشرفت چشمگیری کرده است. ولی اقدام در این مورد تا هنگام شروع تعطیلات تابستانی مجلس در ۲۶ ژوئیه کامل نشده بود، اگر چه مجموعه این لایحه به مراحل پایانی تصویب بسیار نزدیک شد.

مراحل قانونگذاری در سنا شروع شد. کمیسیون روابط خارجی سنا بدون هیچ مشکلی کنوانسیون وین و یادداشتهای مبادله شده را تصویب نمود. ولی کمیسیون نیروهای مسلح تصمیم گرفت که اول باید خود کنوانسیون به رأی گذاشته شود و یادداشتهای مبادله شده، موقعی تصویب شود که اقدام در مورد کنوانسیون به پایان رسیده باشد. این تصمیم اوضاع را کمی پیچیده کرد.

در صورت آمادگی دولت این مشکل، که اهمیت زیادی نداشته و تنها برخی تأخیرهای بی مورد را موجب می شود، بروز نمی کرد. ولی علیرغم تماسهای مداوم ما با وزیر امور خارجه، نخست وزیر و برخی رابطین در مجلسین، امکان اقدام با وزیر امور خارجه، نخست وزیر و برخی رابطین در مجلسین، امکان اقدام مطلق در مورد این لایحه در کمیسیون نیروهای مسلح (بدون تصویب در مجلس م)، نادیده گرفته شد.

نهایتا دولت (به تحریک سفارت) بر اولویت لایحه تبادل یادداشتها رأی داد و این امکان فراهم شد که لایحه مزبور در اجلاس ویژه مجلس که جهت تصویب متمم قانون بودجه تشکیل شده بود، مورد بررسی قرار بگیرد و بدین طریق روند جریانات در مسیر صحیح افتاد. (در این اثنا مگ گروه مشاورین کمک نظامی در تلاش بود تا از تصویب سریع این لایحه در کمیسیون نیروهای مسلح سنا، اطمینان حاصل نماید.) در این حین کمیسیون روابط خارجی مجلس، کنوانسیون وین را به تنهایی مورد بحث قرار داد منهای لایحه مبادله یادداشتها که هنوز در سنا مورد تصویب قرار نگرفته بود و شور اول آن در مجلس انجام شد.

سناتور احمد متین دفتری، عضو کمیسیون روابط خارجی سنا به ما گفت یک دلیل تأخیر ممتد سنا در بررسی این دو لایحه آن است که ترجمه ارائه شده از کنوانسیون وین توسط دولت ناقص بوده است. متین دفتری که کنوانسیون وین را به نمایندگی از دولت ایران امضاء کرده و بدین خاطر به خود

می بالد، تأکید می نمود که شخصا آن را به زبان فارسی ترجمه کرده است.

هفته گذشته به محض تصویب فوریت لایحه مبادله یادداشت توسط سنا، این لایحه به جلسه عمومی آورده شد و با حضور تمام اعضاء به رأی گیری گذاشته شد. این لایحه تصویب شد، ولی در راهروها، از ابراز نارضایتی بعدی تعدادی از سناتورها که در زمینه های مشابه نسبت به اعطای امتیازات غیرعادی به خارجیان مخالفت کرده بودند، مصون نماند. ظاهرا به «کاپیتولاسیون» نیز اشاره شده بود. این لایحه فورا به مجلس (شورای ملی م) تحویل شد و دولت دوباره خواستار فوریت در بررسی آن شد.

از هنگام تعطیل موقت مجلس شرایط بدین شرح می باشد: تصویب کنوانسیون وین در سنا انجام شده و شور اول آن در مجلس شورای ملی صورت گرفته است. مبادله یادداشتها نیز مورد تصویب قاطع سنا قرار گرفته است و در مجلس شورای ملی نیز پس از بررسی آن توسط کمیسیونهای روابط خارجی و نیروهای مسلح مجلس، تنها یک بار در مورد آن شور خواهد شد.

قبل از ارائه این لایحه به مجلسین، ما با نمایندگان کلیدی مجلس شورای ملی در تماس بوده ایم تا از تصویب بی دردسر آن اطمینان حاصل کنیم. این امر کاملاً محتمل است که مجلس با شروع کار خود در اواخر سپتامبر سریعا نسبت به تصویب این لوایح، اقدام نماید. ولی هنوز هم این احتمال می رود که اخبار نارضایتی برخی سناتورها در مورد لایحه تبادل یادداشتها، به مجلس درز کند و موجب بروز برخی مشکلات در آنجا گردد.

دولت که کنترل مؤثری بر سه چهارم نمایندگان مجلس دارد به خوبی از اهمیتی که ما در مورد این موضوع قائلیم، آگاه می باشد و آماده است به محض از سرگیری کار مجلس شورای ملی، اعمال فشار نماید؛ ولی وجود سابقه شکست و عدم کارایی در برخورد با این گونه مصوبات موجب می شود که

نتوان تضمینی مبنی بر عدم بروز مشکلات بیشتر داد. به طور کلی، هم اکنون ما اطمینان منطقی داریم که به هر حال، تصویب لوایح فوق پس از تعطیلات تابستانی صورت خواهد پذیرفت.

آرام، وزیر خارجه، به من گفته است که سنا مشکلترین مانع بوده است و معتقد است در مجلس شورای ملی مشکلی بروز نخواهد کرد.استوارت دبلیو . راک ول کاردار موقت

خیلی محرمانه گروه ۴ با فواصل ۳ ساله طبقه بندی کاهش داده شود. پس از ۱۲ سال از طبقه بندی خارج شود.

دورنمای تصویب کنوانسیون وین در آمریکا

سند شماره (۷)

از: سفارت آمریکا تهران، ایرانتاریخ: ۱۲ سپتامبر ۱۹۶۴ ۲۱ شهریور ۱۳۴۳

به: آقای ام گوردن تایگر (مسئول امور ایران در وزارت خارجه واشنگتن، دی. سی.)

نامه اداری غیر رسمیطبقه بندی: خیلی محرمانه

گوردن عزیز:

همان طور که اطلاع دارید، مجلس سنا کنوانسیون وین و شمول آن بر پرسنل نظامی آمریکا در ایران را به تصویب رسانیده است و این امر در مجلس (شورای ملی م) نیز که احتمالاً در اوائل اکتبر (مهر م) تشکیل جلسه خواهد داد، مطرح می گردد. ما هم اکنون زمزمه هایی در ارتباط با سؤالات و

یا اعتراضات احتمالی در مجلس می شنویم و میرفندرسکی که وظیفه انجام این امر از طرف وزارت خارجه به او واگذار شده، همه اطلاعاتی را که ممکن است مفید واقع شود، از ما درخواست کرده است. ما همه قراردادها و اطلاعاتی را که در اینجا داریم، جمع آوری کرده ایم، ولی از هر چیز دیگری هم که شما به ما بدهید، می توانیم استفاده کنیم. برای مثال، دانستن چیزهایی در مورد وضعیت فعلی یا دورنماهای تصویب این کنوانسیون در ایالات متحده، جدیدترین گزارش در مورد تعداد کشورهایی که این کنوانسیون را تصویب کرده اند و یا احتمالاً در آینده تصویب خواهند کرد، اطلاعات در رابطه با کشورهایی که مفاد این کنوانسیون را در عمل به کار بسته اند و تاریخی احتمالی در این مورد که چه موقع تعداد کافی از کشورها آن را تصویب خواهند نمود، تا کنوانسیون لازم الاجراء شود. ما متن قسمتهای مربوط به قرارداد وضعیت نیروها در پاکستان را به وزارت خارجه (ایران م) داده ایم.

همچنین به موافقتنامه ای که مربوط به مشاوران نظامی ما در هند می باشد، ابراز علاقه هایی صورت گرفته است. اگر این موافقتنامه در دسترس باشد و بتواند بدون ایجاد گرفتاری مورد استفاده قرار گیرد، مفید خواهد بود. خلاصه هر نوع اطلاعات اضافی که به موقعیت ما کمک کند، موجب قدردانی خواهد شد. از آنجایی که این موضوع به زودی در مجلس (شورای ملی م) مطرح خواهد شد، اگر بخواهیم این اطلاعات مفید واقع شود، باید هر چه زودتر آنها را در اختیار داشته باشیم.

موضوع جدید: ما گزارشهای واصله از کابل در مورد کسب موشکهای سام توسط افغانستان را ملاحظه کرده ایم. به نظر می آید که احتمالاً مفید خواهد بود، گزارشهای مستندی از تجربه ناخوشایند عراق از موشکهای سام شوروی را در اختیار افغانها قرار دهیم. معلوم است که اینجا (ایران م) محل مناسبی برای انجام این کار نیست، ولی شما می توانید با میز ترکیه این مسئله را بررسی کنید که آیا ترکها حاضر خواهند بود، افغانها را در جریان امر قرار دهند. البته نگرانی ما از این احتمال است که

توسعه این گونه تواناییها در افغانستان ممکن است تقاضاهای اضافی ایران را برای استقرار موشکهای هاوک در اطراف زاهدان یا مشهد برانگیزد.

شما سؤال طرح شده از طرف دفتر سناتور «اروین» در مورد مشکلات «جی.ا. جونز» با روند قضائی اینجا در رابطه با دعاوی و دعاوی متقابل بین جی.ا. جونز و شرکت «ملایر» که یکی از مقاطعه کاران جزء ایرانی او می باشد، را به خاطر دارید. ما این مسئله را در ژوئن گذشته با وزارت خارجه مطرح کردیم و مواجه با ابراز نگرانی و علاقه دوستانه آنها شدیم و پیشنهادی مبنی بر تمایل اداره حقوقی وزارت خارجه (ایران م) برای مذاکره با نمایندگان آقای جونز در جهت یافتن راه حلهای مناسب، دریافت نمودیم. در آن هنگام و پس از آن، این موضوع وزارت خارجه را به شرکت جی.ا. جونز در اینجا، اطلاع دادیم و پیشنهاد کردیم که نماینده خود را به وزارت خارجه معرفی نمایند. جی.ا.جونز هنوز از ما درخواست نکرده است که همراه آنها به وزارت خارجه برویم. فکر می کنیم تا هنگامی که آنان چنین پیشنهادی ننمایند، این حداکثر کاری بوده که ما می توانستیم انجام دهیم. من پیشنهاد نمی کنم که شما داوطلبانه هیچ یک از این مطالب را به دفتر سناتور «اروین» بدهید، ولی لازم است در صورت پرسش مجدد آنها، این اطلاعات را داشته باشید.

ارادتمند جان ا. آرمیتاژ دستیار ویژه سفیر در رابطه با MSP

گروه ۴ با فواصل ۳ ساله طبقه بندی کاهش داده شود. پس از ۱۲ سال از طبقه بندی خارج شود.

شاه و لایحه کاپیتولاسیون

ص: ۶۰۷

سند شماره (۸)

تاریخ: ۱۷ سپتامبر ۱۹۶۴ ۲۶ شهریور ۱۳۴۳

طبقه بندی: خیلی محرمانه یادداشت برای ضبط در پرونده

شاه در حین ملاقات با سفیر در تاریخ ۱۶ سپتامبر ، به نقل از ارسنجانی گفت لایحه ای در مجلس وجود دارد که پرسنل آمریکایی را از کاپیتولاسیون برخوردار خواهد ساخت. ارسنجانی به شاه گفته بود که اگر این قانون توسط مجلسین تصویب شود، شاه تاج و تخت سلطنت را از دست خواهد داد. سفیر فورا سؤال کرد که آیا این موضوع در شاه ایجاد رعب و وحشت کرده است و شاه در پاسخ گفت: نه به هیچ وجه.

سرلشکر اکهارت

ج. ا. آرمیتاژ

کنوانسیون وین در مجلس شورا

سند شماره (۹)

از: جان ا. آرمیتاژتاریخ: ۲۱ سپتامبر ۱۹۶۴ ۳۰ شهریور ۱۳۴۳

به: کاردار یادداشتطبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: کنوانسیون وین در مجلس

کاظمی، رئیس اداره حقوقی وزارت خارجه، به میرفندرسکی در آمادگی برای تقدیم کنوانسیون وین به مجلس، کمک می کند. روز شنبه وی تماس گرفت تا بعضی از نکاتی را که احتمالاً جدال برانگیز خواهد بود، مطرح کند.

مهمترین نکته، مربوط به این مسئله است که اعضای نظامی آرمیش (هیئت مستشاری نظامی

آمریکا در ارتش ایران م) همان طور که از اعضای مگ (گروه مشاورین کمک نظامی آمریکا به ایران م) جدا هستند، آیا توسط دولت ایران «استخدام» شده اند، و اگر چنین است، آیا آنها مشمول مصونیتهای درخواسته شده، می شوند؟

به کاظمی گفتم پس از تصویب اصلاحیه «مانسفیلد»، ما به طور مفصل با وزارت خارجه بحث و تبادل نظر کردیم و به این نتیجه رسیدیم که حقوق این گونه اعضای نظامی به دولت آمریکا پرداخت شود نه اینکه به مستشاران به صورت انفرادی تحویل گردد. من گفتم که فکر می کنم، همگی موافقیم که این رویه، فرضیه کار فرما مستخدم را در رابطه با دولت ایران مرتفع خواهد ساخت. علاوه بر ا ین تکرار کردم که البته این پرسنل نظامی، آشکارا مأمورین دولت آمریکا بوده و در وهله اول تابع قوانین و دستورات دولت آمریکا می باشند.

مشکلی که در این رابطه وجود دارد، این است که ماده مصوبه مجلس سنا به پرسنل نظامی به عنوان «افرادی که در استخدام دولت ایران هستند»، اشاره می کند. این روی دیگر سکه است، یعنی تعبیر دقیق از ماده مصوبه این خواهد بود که کنوانسیون وین (۱) شامل هیچ یک از پرسنل نظامی ایالات متحده نمی شود (اگر موضع ما در رابطه با استخدام مد نظر قرار گیرد) یا (۲) تنها شامل پرسنل آرمیش خواهد شد، اگر تعبیر دولت ایران مد نظر قرار گیرد. ماده مصوبه، همچنین به «موافقتنامه های مربوطه» اشاره می کند و کاظمی گفت که آماده است تا این نظریه حقوقی را تعمیم دهد که این لایحه

قانونی همان طوری که در سنا مورد بحث قرار گفت، تمامی افرادی را که در یادداشتهای مبادله شده به آنها اشاره گردیده، در بر می گیرد.

با این حال، من متوجه شدم که میرفندرسکی در سنا از «مستشاران آمریکایی به عنوان افرادی که در استخدام دولت شاهنشاهی ایران هستند.» یاد کرده است.

معتقدم که در مذاکرات بعدی خود با میرفندرسکی، مفید خواهد بود اگر بتوانید (۱) خاطرنشان سازید که استفاده از عبارت «در استخدام دولت ایران» به هنگام حضورش در مجلس، خلاف مصلحت خواهد بود ؛ برای اشاره به مستشاران باید متذکر شود که آنها به درخواست صریح دولت ایران، در این کشور حضور دارند؛ (۲) از وی تضمین بگیرید که این لایحه همان طور که در ماده مصوبه سنا بیان شده، قابل اجراء برای پرسنل نظامی و غیر نظامی آمریکا در ایران خواهد بود؛ همان گونه که در یادداشتهای مبادله شده، توضیح داده شده است.جان ا. آرمیتاژ

لایحه بلاتکلیف مصونیتها

سند شماره (۱۰)

از: دفتر امور حقوقی ستاد فرماندهی آرمیش مگتاریخ: ۲۱ سپتامبر ۱۹۶۴ ۳۰ شهریور ۱۳۴۳

یادداشت برای ضبط در پروندهطبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: لایحه بلاتکلیف مصونیتها

۱ (خیلی محرمانه) در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۶۴ بنا به درخواست آقای جان آرمیتاژ از اعضای سفارت آمریکا در تهران، با دکتر کاظمی از اداره حقوقی وزارت امور خارجه ایران ملاقات کردم.

موضوع صحبت بلاتکلیفی در تصویب کنوانسیون وین و یادداشت منضم به آن در مورد شمول

کنوانسیون به پرسنل نظامی آمریکا در ایران، توسط مجلس بود. دکتر کاظمی گفت باید اطلاعات کافی در اختیار داشت تا در صورت اعتراض نمایندگان مجلس، بتوان از آنها استفاده کرد. اولین نکته، روشن شدن رابطه بین آرمیش مگ با دولت ایران بود. به نظر او اگر اعضای هر دو گروه در استخدام دولت ایران محسوب شوند، می توان گفت که مفاد کنوانسیون وین شامل آنها نمی باشد. خاطرنشان شد که مذاکرات سابق در این رابطه به این نتیجه رسیده است که پرسنل مستشاری آرمیش مگ در واقع مستخدمین دولت ایران نیستند، بلکه فقط می توانند در استخدام دولت آمریکا باشند. رابطه کارمند و کارفرما در اینجا نمی تواند وجود داشته باشد، زیرا از نظر قانون آمریکا و بخصوص اصلاحیه ۱۹۵۹ مانسفیلد، کارمندان دولت نمی توانند از یک دولت خارجی حقوقی دریافت نمایند. اینجانب تأکید کردم که بین پرسنل آمریکا و دولت ایران رابطه کارمند و کارفرما وجود ندارد، بلکه در اینجا دولت آمریکا حکم یک پیمانکار اصلی را دارد که با طرف دیگر قراردادی منعقد ساخته و پرسنل آمریکایی، کارمندان پیمانکار هستند نه طرف دیگر قرارداد. دکتر کاظمی گفت از این تشبیه خوشش آمده و ترجیح می دهد که از آن استفاده کند، ولی شاید بتواند با طرح موضوع پرداخت حقوق، استدلال مزبور را قویتر کند. خلاصه ای از قانون مزبور روز بعد به دکتر کاظمی داده شد و در آن تأکید شده بود که این لایحه مقرر می دارد که دولت آمریکا می تواند در ازای خدمات ارائه شده،کیفیت دریافت حقوق را مشخص کند. دکتر کاظمی توافق نمود که موضوع دریافت حقوق و

مزایای خدماتی سابق این دو گروه را در مذاکرات با اعضای مجلس مطرح نسازد. با این حال، وی فکر می کند که یک عنصر لازم در رابطه با استخدام، یعنی پرداخت حقوق و مزایا در ازای خدمات، فراموش شده است.

۲ (خیلی محرمانه) علاوه بر این آشکار شد که متن لایحه مصوبه سنا، مفاد کنوانسیون وین را در مورد آن دسته از پرسنل نظامی خارجی که در استخدام دولت ایران می باشند، تسری می دهد. بنابراین، نمی توان از این نتیجه گیری اجتناب ورزید که به جای استدلال برای اینکه «ما کارمند نیستیم» شاید بهتر باشد که حوزه رابطه کارمند و کارفرما توسعه داده شود. زیرا قابل درک است که این قانون فقط شامل پرسنلی شود که دارای اعتبارنامه باشند (که ۸۳ نفر هستند). دکتر کاظمی به من اطمینان داد، در صورتی که این لایحه به همین صورت تصویب شود، تفسیری که او برای وزیر امور خارجه خواهد کرد این می باشد که تمام اعضای هیئت، مشمول لایحه خواهند شد نه فقط آنهایی که دارای اعتبارنامه هستند.

۳ (خیلی محرمانه) در رابطه با این مسئله که آیا پرسنل آرمیش مگ نیز باید در حوزه رابطه کارمند کارفرما قرار گیرند، معتقدم که باید خود را آماده سازیم تا در صورتی که هر تعریفی از مفاد (کنوانسیون م) بر سر راه تصویب لایحه مانع ایجاد کند، در مسیر دیگری حرکت کنیم. این را می توان به دو طریق انجام داد: (۱) یک راه، حذف موارد اشاره شده به کلمه «آرمیش» می باشد. این از جنبه عملی واقعگرایانه تر است، زیرا بین مسئولیتها و وظایف اعضای دو گروه آرمیش و مگ تفاوت و تمایز واقعی ایجاد نشده است. ۸۳ نفر پرسنل مزبور تنها افرادی نیستند که در رابطه با ارتش ایران نقش مشاور را ایفا می کنند. وظایف، یکسان می باشد و از یکدیگر متمایز نشده است. (۲) کلمه «آرمیش» را می توان به همین صورت برای اهداف خاص حقوقی نگهداشت و تمامی ۸۳ نفر مزبور را به گروه مگ

منتقل نمود. تأثیر این کار بر پرداخت حقوق و مزایای انتقال، باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد و مقامات بالا در مورد مطلوب بودن این کار، تصمیم گیری نمایند.

۴ (خیلی محرمانه) حیطه لایحه در صورت تصویب به شکل کنونی، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. دکتر کاظمی در ابتدا معتقد بود که این لایحه، افراد رده پایین تر از قبیل افسران وظیفه موجود در تیمهای صحرایی را در بر نخواهد گرفت. به کاظمی یادآوری شد که آرمیش مگ یک سازمان نظامی نیست و صرفا برای اجرای اهداف هیئت دیپلماتیک، عمل می کند. سفیر، مسئول اصلی در قبال فعالیتهای این هیئت می باشد. بنابراین شکی باقی نمی ماند که گروهبانی که در کرمانشاه سمت مستشار را در ارتش شاهنشاهی ایران ایفا می کند، تنها دستورات سفیر آمریکا در ایران را اجراء کرده است. علاوه بر این هر شخصی که به آرمیش مگ مأمور گردد، به خاطر مهارت فنی اش منصوب شده تا در اجراء و تحقق اهداف سفارت مؤثر باشد. آرمیش مگ پرسنلی ندارد که به عنوان یک واحد نظامی مأمور شده باشد، و فعالیتهایش مستقیما در فعالیتهایی که می توان آنها را فنی یا اداری تعریف نمود، مشارکتی نداشته باشد. دکتر کاظمی از این توضیح بسیار راضی به نظر می رسید و احساس می کرد که در پذیرفتن این موضوع که لایحه باید در برگیرنده تمامی پرسنل موجود در دو گروه آرمیش مگ باشد، مشکلی وجود نخواهد

داشت.

۵ (خیلی محرمانه) سرانجام دکتر کاظمی و من به بحث پیرامون این مسئله پرداختیم که در صورت تصویب لایحه مصونیتها چگونه باید جرایم جنایی که پرسنل آرمیش مگ مرتکب می شوند، مورد بررسی قرار گیرد. به تفصیل توضیح دادم که اگر یکی از این پرسنل مرتکب جرمی شود، از نقطه نظر دیسیپلین او را در دادگاههای نظامی محاکمه خواهیم کرد. علاوه بر این خاطرنشان ساختم که ما با با نظر دولت ایران در مورد محل محاکمه موافقت خواهیم کرد. دکتر کاظمی گفت وی مطمئن است که رؤسای او خواهان انجام این گونه محاکمات در خارج از ایران می باشند. او در این رابطه به تجارب گذشته ایران در رابطه با محاکمات کنسولی اشاره کرد. در تشریح مطلب گفتم که در حال حاضر تنها مقامی که می تواند یکی از اعضای آرمیش مگ را در دادگاه نظامی محاکمه کند، فرمانده ارتش آمریکا در اروپاست. در صورت ضرورت محاکمه سربازی که مرتکب خطای جدی شده باشد، او را به یکی از دادگاههای ارتش آمریکا منتقل خواهیم کرد و درخواست خواهد شد تا شاهدان محلی اجازه داشته باشند، که با هزینه ایالات متحده در محاکمه مزبور در اروپا حضور پیدا کنند. اگر شاهدان مزبور مایل به سفر به خارج از ایران نباشند، از وزارت دادگستری ایران خواهیم خواست که در تهیه ورقه استشهاد از شاهدان ما را یاری دهد. ما نیز مقامات ذی ربط ایرانی را از نتایج محاکمه مطلع خواهیم ساخت. بار دیگر تأکید کردم که هدف اصلی ما این است که در صورت لزوم افراد خاطی را در دادگاههای نظامی محاکمه کنیم. دکتر کاظمی گفت اعضای مجلس حتما با شنیدن این نکته خوشحال خواهند شد، زیرا وی مطمئن است که بعضی از نمایندگان نگران خواهند بود، که مبادا بعضی از جرایم، بدون مجازات بماند.

۶ (خیلی محرمانه) دکتر کاظمی می خواست بداند که آیا دولت آمریکا در موارد ویژه ای به منظور حفظ منافع دولت ایران، فردی را از مصونیت مبرا خواهد ساخت. به وی اطمینان دادم که تصمیم گیری

در مورد این مسئله در حد افرادی در سطح من نیست و مقامات بالاتر ذیربط در واشنگتن هستند که باید در این مورد تصمیم بگیرند. با این حال به وی گفتم که نباید چنین تصور کند که هیچ گاه و تحت هیچ شرایطی دولت آمریکا از لغو مصونیت خودداری خواهد کرد. خلاصه اینکه، من در موقعیتی نبودم که بگویم موضع آمریکا قبل از بروز چنین موردی چه خواهد بود.

۷ (خیلی محرمانه) وقت بسیاری را صرف کردم تا در این بحث به وی بفهمانم که از نظر مقامات نظامی مبرم ترین دلایل در رابطه با تصویب این لایحه چیست. گفتم که بسیاری از افراد، دوره مأموریت خود را در ایران تمدید نمی کنند، زیرا همیشه از این می ترسند که خود و یا بستگان بلافصل آنها، زندانی شوند. توضیح دادم که بدون اینکه بی جهت از قوانین ایران ایراد گرفته باشم، باید این را بگویم که روند حقوقی در ایران با استانداردهای مورد توقع اتباع آمریکا مطابقت ندارد. بار دیگر تکرار کردم که این ترس، چه حقیقی باشد و چه خیالی، یک عامل روحی مؤثر می باشد و عملا به عنوان یک مانع جدی در تمدید داوطلبانه مدت مأموریت پرسنل آرمیش مگ محسوب می گردد. دکتر کاظمی گفت که طرح این روحیه فردی، بسیار مفید است و به او در خنثی ساختن اعتراضات اعضای مجلس کمک می کند تا نگویند که این لایحه طوری تنظیم شده که تنها به اعطای امتیاز به پرسنل این دو گروه بینجامد، به جای آنکه هدف اصلی را که عبارت است از مساعدت به آنها در انجام بهتر مأموریتشان، تأمین کند.رابرت ئی. هارتسرگرد JAGCوکیل مدافع ستاد

شمول کنوانسیون وین به وضعیت پرسنل نظامی آمریکا در ایران

ص: ۶۱۱

سند شماره (۱۱)

یادداشت: برای ضبط در پروندهتاریخ: ۲۶ سپتامبر ۱۹۶۴ ۴ مهر ۱۳۴۳

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: شمول کنوانسیون وین به وضعیت پرسنل نظامی آمریکا در ایران

لایحه مربوط به وضعیت پرسنل نظامی آمریکا در ایران، که توسط مجلس سنا به تصویب رسید و در حال حاضر نیز تحت بررسی مجلس (شورای ملی. م) قرار دارد، دولت ایران را مجاز می دارد که حوزه مصونیتها و معافیتهای مربوط به پرسنل اداری و فنی، که در پاراگراف (و) از ماده یک کنوانسیون وین شرح داده شده است، را به رئیس و اعضای هیئت مستشاران نظامی آمریکا در ایران، که براساس مفاد موافقتنامه های مربوط «در استخدام» دولت شاهنشاهی هستند، تعمیم دهد.

در کمیسیون امور خارجی مجلس این موضوع مطرح شده که آیا عبارت «در استخدام» (که در مجلس سنا عنوان شده) به شکل صحیحی وضعیت پرسنل نظامی آمریکا در ایران را تشریح می کند. به توصیه سفارت و آرمیش مگ، وزارت خارجه به کمیسیون امور خارجه مجلس اطلاع داده که در واقع پرسنل نظامی آمریکا به دعوت دولت ایران اینجا هستند و در نتیجه در استخدام دولت آمریکا می باشند و نه در استخدام دولت ایران. به این ترتیب اگر این مجلس نیز لایحه مزبور را همان طور که در سنا به تصویب رسیده، مورد تصویب قرار دهد، انتظار می رود سابقه قانونی این مسئله را پیش بکشد که توصیف موجود از پرسنل نظامی آمریکا در این لایحه دقیق نمی باشد. این موضوع برای ایرانیان مطلوب می باشد زیرا بدین ترتیب از این برداشت که مستخدمین دولت ایران مشمول امتیازات دیپلماتیک می شوند، اجتناب خواهد شد .

سرگرد «هارت» از هیئت مستشاران نظامی و آقای «هرتز» از سفارت، امروز صبح روی این

مسئله بحث می کردند که آیا مطلوبتر خواهد بود که روند کنونی برای تصویب لایحه در مجلس را بپذیریم یا اینکه باید پیشنهاد کنیم که لایحه مجلس بازبینی گردد تا وضعیت پرسنل نظامی آمریکا در ایران به طرز صحیحی تشریح شود. متذکر می شود که در حالت دوم لایحه باید مجددا به سنا یعنی به جایی که توصیف ناقصی از شمول مورد نظر ما در لایحه گنجانده شده بود، برگردد و این می تواند به مناقشه بین دو مجلس، تأخیر بیشتر در کاربرد کنوانسیون وین در مورد پرسنل ما و ایجاد مشکلاتی برای دو دولت ایران و آمریکا منجر شود. از قبل هم زمزمه های نارضایتی در سنا و مجلس در مورد «کاپیتولاسیون» وجود داشته و ما مجبور شده ایم که به دولت فشار آوریم، تا اقدامات مربوط به روند تصویب لایحه را در اسرع وقت تکمیل کند. در صورتی که این لایحه بار دیگر به سنا برگردد، ممکن است دولت ایران کنترل اوضاع را از دست بدهد.

در بررسی یادداشتهای مبادله شده اولیه ای که از مجلسین خواسته شده تا آنها را مورد تصویب قرار دهند، متوجه شدیم که سابقه این مبادلات حقیقتا وضعیت پرسنل ما را آن طور که فاقد هر گونه شک حقوقی باشد، توصیف نمی کند. با این حال، ما احساس می کنیم که هرگونه تردید احتمالی موجود، می تواند به شکل ساده ای که در ذیل پیشنهاد می گردد، برطرف شود:

۱ یادداشت سفارت به شماره ۴۲۳ و به تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ پیشنهاد می کند که کنوانسیون وین شامل حال پرسنل نظامی ما در ایران شود.

۲ یادداشت شماره ۸۲۹۶ وزارت خارجه اظهار می دارد که «مطالعات لازم به عمل آمده و نتیجه این مطالعات به استحضار آن سفارت کبری رسیده است. یعنی اینکه موافقتنامه بین المللی وین، بعد از تصویب آن توسط قوه مقننه ایران، شامل حال اعضای هیئتهای مستشاری نظامی دولت ایالات متحده در ایران که در استخدام وزارت جنگ ایران هستند، نخواهد شد. و یک مجوز حقوقی جداگانه لازم است. علیهذا قرار شد، هنگام تقدیم موافقتنامه بین المللی وین به مجلسین، شرح لازم نیز ضمیمه آن گردد تا بدین ترتیب رئیس و اعضای هیئتهای مستشاری نظامی در ایران از امتیازات، مصونیتها و معافیتهایی که (تحت کنوانسیون وین) فراهم می گردند، برخوردار شوند.»

به اعتقاد ما، یادداشت ۸۲۹۶ تلویحا اشاره می کرد که هیچ مشکلی بر سر راه توسعه حوزه امتیازات کنوانسیون وین به پرسنل نظامی آمریکا، بجز در مواردی که ممکن است چنین پرسنلی توسط دولت ایران به استخدام درآیند، وجود ندارد.

۳ یادداشت مورخ ۱۱ مارس ۱۹۶۳ وزارت خارجه به شماره ۸۸۰۰ می گوید با قسمت اخیر یادداشت شماره ۴۲۳... در خصوص اینکه اعضای عالیرتبه هیئت مستشاری که دارای گذرنامه های سیاسی هستند، موافقت می گردد که به نامبردگان وضع سیاسی داده شود تا بتوانند از مصونیتها و امتیازات مربوطه (در کنوانسیون وین) برخوردار شوند و در خصوص بقیه کارمندان هیئتهای مستشاری آمریکا نیز مطالعاتی در جریان است، تا برای آنها نیز امتیازات و تسهیلات بیشتری فراهم گردد که نتیجه آن بعدا به استحضار آن سفارت کبری خواهد رسید.»

۴ یادداشت مورخ ۲۱ نوامبر ۱۹۶۳ سفارت به شماره ۲۹۹ در پاسخ متذکر می گردد، که دولت ایران به پارلمان پیشنهاد خواهد کرد که «رئیس و اعضای هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران از امتیازات، مصونیتها و معافیتهای (کنوانسیون وین) برخوردار شوند» و چنین ادامه می دهد: «طبق

برداشت سفارت، عبارت (اعضای هیئتهای مستشاری نظامی آمریکا در ایران) در برگیرنده همه پرسنل نظامی یا کارکنان غیر نظامی عضو وزارت دفاع و بستگانشان که اهل خانه آنها می باشند و حضورشان در ایران توسط دولت شاهنشاهی ایران مجاز شناخته شده است، می باشد....

به همین ترتیب موافقت می کند که یادداشت شماره ۸۲۹۶ وزارت به همراه یادداشت شماره ۸۸۰۰، به بعد از اینکه توسط مجلس شورای ملی و سنا تصویب شدند، پاسخ قابل قبول و مطلوبی را برای یادداشت شماره ۴۲۳ سفارت تشکیل خواهند داد...» این یادداشت قسمتی از سابقه لایحه قانونی در سنا می باشد و احتمالاً قسمتی از سابقه مربوط به این لایحه توسط مجلس نیز خواهد شد.

با این حال، ما احساس می کنیم که کل لایحه قانونی جاری دولت ایران ممکن است، چنین تعبیر شود که تنها قابل تعمیم به آن دسته از پرسنل نظامی آمریکا که در استخدام دولت ایران هستند، می باشد.اگر چه برداشت آمریکا از این لایحه (همان طور که یادداشت شماره ۲۹۹ ما آمده) این است که کنوانسیون وین شامل همه پرسنل نظامی می گردد. از نظر دادگستری ایران، که تنها به متن خود قانون و نه به سابقه آن (مفهومی که به طور ناقص در ایران درک می شود) توجه دارد، ممکن است این برداشت آمریکا هنوز قابل بحث باشد. از طرف دیگر، آن طور که ما یادداشتهای مبادله شده را مطالعه کردیم، احتمالاً این گونه برداشت می شود که یادداشت شماره ۸۲۹۶ بر این دلالت دارد که دولت ایران در ارتباط با آن دسته از پرسنل نظامی آمریکا در اینجا که ممکن است در استخدام دولت ایران باشند،

دچار یک اشکال قانونی است. به عبارت دیگر دولت ایران در تمامی این مدت قدرت قانونی برای اعطای این مصونیتها و امتیازات به پرسنل نظامی ما که مستخدمین دولت ایران نمی باشند را دارا بوده است، و تنها نیازمند تصویب خود کنوانسیون وین بوده تا آن را شامل حال چنین پرسنلی نماید.

نتیجه

ما احساس می کنیم که به دلایل فوق الذکر، مطلوب نخواهد بود که پیشنهاد کنیم مجلس به منظور حذف عبارت «در استخدام»، لایحه جاری را مورد اصلاح قرار دهد. ولی این پیشنهاد باید مورد قبول باشد تا به وسیله آن دولت ایران به سادگی توضیحات معتبری را اضافه کند که پرسنل نظامی آمریکا که در حال حاضر در ایران به سر می برند، مشمول کنوانسیون وین می گردند، ولی آنها در استخدام دولت ایران نمی باشند.

به هر حال، به نظر ما ضروری است که به منظور اجتناب از هر گونه تردید احتمالی آتی نسبت به وضعیت پرسنل نظامی ما در اینجا، بلافاصله بعد از تصویب این لایحه، دو اقدام دیگر نیز انجام شود:

الف یادداشتی باید به وزارت امور خارجه ایران فرستاده شود و توسط آنها تأیید گردد مبنی بر اینکه بعد از آنکه مجلس مشکل مطروحه در یادداشت شماره ۸۲۹۶ را پشت سر گذاشت، برداشت ما (تکرار آنچه که ما در یادداشت ۲۹۹ گفته ایم) این است که «همه پرسنل نظامی ما و بستگان آنها که حضورشان در ایران توسط دولت شاهنشاهی ایران مجاز شمرده می شود»، از مزایای کنوانسیون وین، اعم از اینکه این پرسنل مستخدمین دولت ایران باشند یا نباشند، بهره مند خواهند شد.

ب اقداماتی برای دریافت کارتهای شناسایی برای همه پرسنل نظامی آمریکا در ایران، به شکلی که قابل قبول برای همه مسئولین قضائی و پلیسی به عنوان مدرکی که دال بر مصونیتهای آنها از تعقیب جنایی دولت ایران باشد، به عمل آید. ما این توصیه ها را می کنیم، زیرا قابل تصور است که بعد از

تصویب این لایحه، یک دادگاه حقوقی ایران ممکن است اظهار دارد که پرسنل نظامی که در استخدام دولت ایران نیستند، مشمول قانونی که فعلاً تحت بررسی پارلمان قرار دارد، نمی گردند. با توجه به پذیرش یادداشت ما از سوی دولت ایران که با شماره ۴ در بالا مشخص شده بود و این واقعیت که یادداشتهای مبادله شده تقدیم مجلسین گشته و در رابطه با تصویب این لایحه مورد ملاحظه قرار گرفته است، قابل تصور نیست که بعد از اتمام مراحل پارلمانی، دولت ایران تأییدیه خواسته شده در پاراگراف «الف» را به ما ندهد.مارتین اف. هرتز

رونوشت به:

۱ آقای راکول

۲ سرگرد هارت

۳ JAA

۴ MFH chron

۵ MFH in.box

گروه۳ در فاصله ۱۲ سال طبقه بندی کاهش داده شود. ولی به طور خودکار از طبقه بندی خارج نشود.

استخدام یا مصونیت

ص: ۶۱۴

سند شماره (۱۲)

از: سفارت آمریکا تهران، ایرانتاریخ: ۱۷اکتبر ۱۹۶۴ ۱۵ مهر ۱۳۴۳

به: معاونت امور سیاسی و پارلمانی وزارت خارجه ایران

آقای میر فندرسکی عزیز:

ما از شنیدن این خبر خوشحالیم که لایحه مربوط به شمول کنوانسیون وین به پرسنل نظامی آمریکا در ایران، به زودی برای تصویب نهائی در مجلس شورای ملی مطرح خواهد شد. در این رابطه، اگر من سخنان امروز شما را درست فهمیده باشم، شما گفتید که پیش بینی نمی شود از دولت خواسته شود تا در آن جلسه عمومی، اظهار نظری نماید.

همان طوری که به خاطر دارید، ما اخیرا در این باب بحث کردیم که جمله بندی این لایحه (بخصوص کلمات «در استخدام دولت شاهنشاهی») ممکن است بازنویسی مجدد آن را ضروری کند. زیرا در یک تفسیر خشک، پیش نویس حاضر، توصیف صحیحی از آنچه که دولتهای ما در تبادل یادداشتهای اولیه بر روی آن موافقت کردند و هم اکنون از سوی دولت شما جهت تصویب به مجلس تقدیم شده، ارائه نمی دهد. ما دلایل اینکه چرا اقدام به چنین رویه پر زحمتی، عملی یا مطلوب یافت نشده است را کاملاً درک می کنیم. اما به هر حال، همان طور که من در فرصتی آن را برای شما توضیح داده ام و همان طور که در نامه اخیری که به شما دادم (و کپی آن ضمیمه شده است)، مطالب را با جزئیات بیشتری برایتان بیان کردم. با توجه به شرایط فعلی، بسیار مهم است که یک «سابقه قانونی» که مفهوم این لایحه را روشن می سازد، فراهم گردد تا از مشکلات آینده، برای مثال در یک دادگاه حقوقی که ممکن است براساس قانونی که در دست تصویب پارلمان شماست، تفسیر محدودکننده ای به عمل آورد، اجتناب شود.

من از این بابت نگران هستم که اگر دولت موفق به انجام یک سخنرانی توضیحی در مجلس نشود، فرصت برای ایجاد چنین سابقه قانونی از دست برود.

نسخه ضمیمه شده، کپی نامه ای است که اخیرا به شما داده ام. این نامه حوزه واقعی کاربرد لایحه ای را که در حال حاضر در مجلس مطرح است، آن طور که دولتهای ما بر اساس تبادل یادداشتهای اولیه درک می کنند، مشخص می کند. همان طور که می دانید، عدم صراحت فعلی ناشی از این واقعیت است که پس از جمله بندی مجدد این لایحه در سنا، دیگر تأیید صریحی از تبادل یادداشتهای اولیه ما، در آن به چشم نمی خورد.

بسیار مطلوب خواهد بود اگر در هنگام طرح این لایحه جهت تصویب در مجلس، سخنگویی از جانب دولت بتواند این مطلب را روشن سازد، که مقصود این نیست که کنوانسیون وین فقط شامل آن دسته از اعضای هیئت مستشاری نظامی آمریکا که در استخدام دولت شاهنشاهی هستند، می باشد. بلکه منظور این است که این لایحه «همه پرسنل نظامی یا کارمندان غیر نظامی وزارت دفاع آمریکا که حضور آنان در ایران توسط دولت شاهنشاهی ایران مجاز شمرده شده، را شامل می گردد.»

ارادتمند شما

استوارت دبلیو. راکول

کاردار سفارت آمریکا در ایران

ارزیابی مخالفتهای احتمالی با لایحه کاپیتولاسیون

ص: ۶۱۵

سند شماره (۱۳)

از: سفارت آمریکا تهرانتاریخ ۱۲ اکتبر ۱۹۶۴ ۲۰ مهر ۱۳۴۳

به: وزارت امور خارجه واشنگتنتلگرام ارسالی شماره ۳۹۸

طبقه بندی: خیلی محرمانهمرجع: نامه شماره ۵۳ A سفارت و تلفنگرام ۳۷۱ سفارت

کنوانسیون وین و لایحه قانونی در خصوص کاربرد آن در مورد پرسنل نظامی ایالات متحده در ایران، برای بررسی سریع در دستور کار جلسه علنی مجلس قرار گرفته است و احتمالاً اوائل هفته آینده بعد از انتخاب هیئت رئیسه و اعضای کمیسیونها، مورد رسیدگی قرار خواهند گرفت. شاه به زیر دستانش پیغام داده است که او هیچگونه دردسری را نمی خواهد. ما انتظار داریم که تصویب هر دو لایحه بدون هیچ گونه مشکل آشکاری، انجام شود. به هر حال، نشانه هایی از افزایش مشکلات پنهانی در رابطه با لایحه کاربرد مصونیتهای کنوانسیون در مورد پرسنل نظامی ایالات متحده، وجود دارد (از این پس این لایحه، «لایحه وضعیت» نامیده می شود) و در بعضی از موارد، این چنین مشکلاتی آشکار هم شده اند.

به این دلیل که تاکنون دولت سانسور شدیدی را در مورد تمامی اطلاعات و مذاکرات لایحه وضعیت اعمال کرده است و از آنجایی که لایحه از طریق مجلس سنا، با قید فوریت و بدون هیچ گونه مذاکره ای به مجلس فرستاده شده است (رجوع شود به تلگرام هوایی)، شایعات بسیاری در حال حاضر، جریان دارد و صحبتهایی می شود که لایحه متضمن «کاپیتولاسیون» است. بخشی از این تصورات غلط، غیر قابل اجتناب و بی ضرر است و به محض اینکه دولت توضیحات لازم را برای عموم ارائه دهد، برطرف خواهند شد. هر چند بعضی از آنها به طور روشنی کینه جویانه می باشد و با مخالفت پنهانی علیه دولت و هیجان ملی گرایی به همراه فریادهای ضد آمریکایی، در آمیخته است.

ما در تماس نزدیک با عناصر اکثریت و اقلیت مجلس هستیم و با حالت تدافعی موجود در اعضای کمیسیون امور خارجی که اخیرا لایحه وضعیت را در کمیسیون تصویب کرده اند، روبرو شده ایم. آنها به ما گفتند که اخیرا مورد حملات شدیدی از طرف همقطاران خود در مجلس و دیگر رابطین قرار گرفته اند، که در بیشتر موارد دارای تصورات غلط افراطی درباره لایحه ای که مجلس در شرف تصویب آن است، می باشند. آشکار است که علیرغم تلاشهای دوستانه و کاملاً آگاهانه نمایندگان، همچنین علیرغم تلاشهای توضیحی خودمان، این تلاشها آنقدر نبوده است که بتواند همه سوء تفاهمها را برطرف کند. وزارت امور خارجه ایران این مسئله را درك می کند و به ما اطمینان داده است که دولت تلاش واقعی خود را، در مورد بیان حقایق درباره لایحه، قبل از طرح آن در مجلس و قبل از اعلان عمومی آن، خواهد نمود.

در این میان، وضعیت به واسطه درج چند مقاله گمراه کننده و کنایه آمیز در روزنامه های کم تیراژ «آژنگ» و «پیغام امروز» در هفته گذشته، تا اندازه ای تیره شده است. آژنگ بعد از چاپ مقاله ای، ظاهرا به قلم «احمد آرامش»، فردی اخلالگر و ضد آمریکایی، به وسیله سانسور توقیف شد. دلیل اینکه چرا مقاله پیغام امروز چاپ شده است، زیاد معلوم نیست زیرا این روزنامه در تماس نزدیک با ادارات دولتی می باشد. در هر حال، شواهدی دال بر عصبانیت در مجلس و دولت وجود دارد، تا بدون کاهشی در لایحه قانونی، در کار تعجیل شود و هر چه زودتر لایحه در کتابهای قانون ثبت گردد؛

خصوصا اینکه شاه به طور واضح تمایل خود را آشکار کرده و می خواهد که لایحه تصویب شود.

دیروز «محمد ضیایی» رئیس کمیسیون امور خارجی مجلس به دیدن «آرام» وزیر امور خارجه رفت تا در خصوص اینکه چه اقداماتی می توان انجام داد تا مردم متقاعد شوند که مسئولیت مدنی آنها با اجرای مقررات کنوانسیون وین در مورد نظامیان ایالات متحده تحت تأثیر قرار نمی گیرد، مذاکره نمایند و اینکه اعمال کنوانسیون وین برای هیئتهای نظامی آمریکا نامعقول نمی باشد و آنکه هیچ گونه خللی به حق حاکمیت ایرانیان وارد نمی آید. تصمیم گرفته شد که دولت بیانیه ای جامع در خصوص اینکه لایحه شامل چه چیزهایی می شود و شامل چه چیزهایی نمی شود، به مجلس بفرستد و اینکه دولت مراقبت خواهد کرد که بیانیه توسط روزنامه های کثیرالانتشار به اطلاع عموم رسانده شود.

صبح امروز، حزب ایران نوین در یک مذاکره خصوصی به جمع آوری نظرات در خصوص لایحه وضعیت پرداخت تا به این وسیله از بحثهای زیاد به هنگام قرار گرفتن لایحه در دستور کار مجلس در هفته آینده، جلوگیری شود. نخست وزیر خودش در مجلس حضور پیدا خواهد کرد تا توضیحات را ارائه دهد. ما فکر می کنیم که این جلسه به آرام شدن جو کمک خواهد کرد، اما همچنین فکر می کنیم که بعد از تصویب لایحه، باید آماده باشیم تا ژستهایی به وسیله بخشهایی از رژیم مشاهده شود، دال بر اینکه «رژیم خودش را به ایالات متحده نفروخته است.» در حالی که نمی دانیم این ژست چه شکلی ممکن است به خود بگیرد، خوب است برای آن آماده شویم؛ چرا که این قضیه می تواند از دیدی صحیح به عنوان برخورد با یک مشکل داخلی که دولت اجازه بروز آن را داده است، در نظر گرفته شود. این مسئله به این خاطر است که دولت مخالف اجازه دادن به بحثهای علنی در مورد مسائل سیاسی است.راک ول

کنوانسیون وین در دیگر کشورها

سند شماره (۱۴)

از: مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکاتاریخ: ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ ۲۱ مهر ۱۳۴۳

به: معاون مخصوص سفیر در امور MSPطبقه بندی: خیلی محرمانه

نامه اداری غیر رسمی

جک عزیز:

از اینکه در ارسال اطلاعات مورد نیاز درباره کنوانسیون وین که مدتها پیش خواسته بودید تأخیر روی داده است، متأسفم و فقط امیدوارم که در ارائه کمک ممکن براساس آنچه در تلگرام سفارت به شماره ۳۹۸ شرح داده بودید، خیلی دیر نشده باشد.

کنوانسیون وین در ۲۴ آوریل ۱۹۶۴ (۴ اردیبهشت ۱۳۴۳ م) وقتی که حداقل ۲۲ کشور مورد نیاز، آن را تصویب کردند به مورد اجراء گذاشته شد و تاکنون از تصویب ۳۳ کشور گذشته است، به اضافه ونزوئلا که در شرف امضای آن می باشد. عملکرد ما در این باب خیلی خوب نبوده است:

لایحه در ۱۴ می ۱۹۶۳ (۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۲ م) به سنا ارائه شده و در مورد تاریخ اجرای آن هیچ گونه حدسی نمی توان زد. هیچ دلیلی وجود ندارد که باور کنیم در تمام ۳۳ کشوری که آن را تصویب کرده اند، دست کم با حداقل استاندارد، اجراء نشده است. برای تبرئه وضعیت خودمان می توان خاطرنشان کرد که رویه ما مترقی تر از حداقل استانداردهای وضع شده در کنوانسیون می باشد.

بنابراین اقدامات همراه با فراغت خاطر قوه مقننه ما، بازتاب هیچ گونه سستی و اکراه در تحقق استانداردهای معقول برای رفتار دیپلماتها نمی باشد.

موافقتنامه ای که مشاورین نظامی ما در هند را تحت پوشش قرار می دهد، هنوز امضاء نشده است. هنگامی که امضاء گردید، نسخه ای از آن را برای شما ارسال خواهم کرد، حتی اگر بعد از تصویب مجلس ایران به دست ما برسد، تا ایرانیان بتوانند یادداشتها را مقایسه کنند.

از بابت ارسال اطلاعات مربوط به مشکل «جی. ای. جونز» تشکر کرده و آنها را نگهداری خواهیم کرد تا زمانی که درخواست دیگری از سناتور «اروین» در این مورد مطرح شود.

من پیشنهاد شما را در مورد موشکهای سام افغانها می پذیرم و امیدوارم که بتوانیم این مسئله را به نحوی تا آخر دنبال کنیم.

ضمنا، ما در انتظار «ژست» پیش بینی شده در تلگرام سفارت به شماره ۳۹۸ می باشیم و مطمئن هستیم که نظر مشورتی شما، ما را در شناخت آن «ژست» کمک خواهد کرد.

با بهترین احترامات، ارادتمند

ام. گوردن تایگر

مسئول امور ایران

گروه ۳ در فاصله ۱۲ سال طبقه بندی کاهش داده شود. ولی به طور خودکار از طبقه بندی خارج نشود.

فصل دوم: تصویب لایحه احیای کاپیتولاسیون

سرانجام در روز سه شنبه **۲۱** مهر ماه **۱۳۴۳**، مجلس شورای ملی بررسی «کنوانسیون وین و لایحه اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیتها و معافیتهای قرار داد وین» را آغاز نمود. دفاع از این دو لایحه را «حسنعلی منصور» نخست وزیر وقت و «میرفندرسکی» معاون وقت وزیر امور خارجه متقبل شده بودند.

دوره **۲۱** مجلس که پس از تصویب به اصطلاح «انقلاب سفید» شروع به کار کرده بود، متشکل بود از نمایندگان حزب ایران نوین، حزب مردم و تعدادی از نمایندگان منفرد و مستقل. حزب ایران نوین نقش اکثریت و حزب مردم نقش اقلیت را ایفاء می نمودند تا بدین وسیله تصویری از دموکراسی مورد ادعای آمریکا و شاه را در اذهان عمومی ایجاد کنند.

آمریکاییان که بی صبرانه در انتظار تصویب لایحه بودند، مذاکرات مجلس شورای ملی را با دقت دنبال می کردند. در این رابطه ترجمه انگلیسی متن مذاکرات مجلس شورای ملی در لانه جاسوسی آمریکا به دست آمد. اما برای دقت و امانت بیشتر، صلاح دیده شد که از متن اصلی مذاکرات مجلس شورای ملی به زبان فارسی (موجود در آرشیو کتابخانه مجلس) استفاده شود.

متن مذاکرات مجلس شورای ملی در رابطه با لایحه کاپیتولاسیون (جلسه ۱۰۴)

سند شماره (۱۵)

تاریخ: ۲۱ مهر ۱۳۴۳ ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴

مذاکرات مجلس شورای ملی جلسه ۱۰۴

۸ طرح و تصویب گزارش کمیسیون خارجه راجع به اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیتها و معافیتهای قرارداد وین

نایب رئیس گزارش کمیسیون خارجه راجع به اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از

مصونیتها و معافیتهای قرارداد وین مطرح است قرائت می شود.(به شرح ذیل خوانده شد)

گزارش شور اول از کمیسیون امور خارجه به مجلس شورای ملی

کمیسیون امور خارجه در جلسه ۱۲ مهر ماه ۱۳۴۳ با حضور آقای میرفندرسکی، معاون وزارت

امور خارجه و تیمسار سپهبد شکیبی معاون وزارت جنگ، لایحه شماره ۳۴۲۲ ۴/۵/۴۳ ارسالی از مجلس سنا راجع به اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیتها و معافیتهای قرارداد وین را مورد رسیدگی قرارداد و عینا تصویب نمود. این گزارش آن را به مجلس شورای ملی تقدیم می دارد.

ماده واحده با توجه به لایحه شماره ۱۸/۲۲۹۱/۲۱۵۷ ۲۵/۱۱/۱۳۴۲ دولت و ضمائم آن، که در تاریخ ۲۱/۱۱/۴۲ به مجلس سنا تقدیم شده، به دولت اجازه داده می شود که رئیس و اعضای هیئتهای مستشاری نظامی ایالات متحده را در ایران که به موجب موافقتنامه های مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی می باشند، از مصونیتها و معافیتهایی که شامل کارمندان اداری فنی موصوف در بند (و) ماده اول قرار داد وین که در تاریخ هیجدهم آوریل ۱۹۶۱ مطابق بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۴۰ به امضاء رسیده است، می باشد، برخوردار نماید.

مخبر کمیسیون امور خارجه فتح اللّه مافی

نایب رئیس این لایحه یک فوریتش در جلسه چهارم مرداد تصویب شده است، بنابراین فعلاً شور نهایی است (سرتیپ پور بنده اخطار دارم) (صادق احمدی بنده هم اخطار دارم) آقای سرتیپ پور بفرمایید.

سرتیپ پور طبق ماده ۱۳۷، اخطار بنده راجع به منافی بودن لوایح و طرحها با قوانین کشور است. اخطار راجع به نظامنامه داخلی مجلس مقدم بر اظهارات دیگر است و مذاکرات را در موضوع اصلی متوقف می سازد، ما نمایندگان ایران هستیم، در مجلس ایران مجاز هستیم قانون بگذرانیم، ولی مجاز نیستیم که از کادر قانون اساسی خارج شویم. (صحیح است احسنت) جناب نخست وزیر در نطقی که امروز فرمودند تأکید فرمودند که باید ما کارهایمان اصولی باشد و اساسی. قانون اساسی در

مملکت مامبنای عزت ما است (احسنت) و اگر خدای ناکرده یکی از ارکانش صدمه ببیند، ای بسا سایر رکنها دچار صدمه بشود. در قانون اساسی حقی برای ملت ایران قائل شده اند که بنده آن حق را در اینجا عرض می کنم. اصل ۷۱ مرجع تظلمات اهالی مملکت در دیوان عدالت عظمی است (احسنت صحیح است) در جای دیگر قید می کند، اصل ۱۱ متمم قانون اساسی، هیچ کس را نمی توان از محکمه ای که باید درباره او حکم بکند، منصرف کرد. (احسنت) اصل دیگر اصل ۵۰ فرمانروایی کل قشون بری و بحری با شخص پادشاه است. (احسنت) لایحه ای که عرضه شده به مجلس، مزاحم این سه اصل قانون اساسی است. (صحیح است) دلیلش این است که اگر بنا باشد یکی از مستشاران احیانا به یکی از ایرانیان تصادم کند، مرجع تظلم آن دیوان عدالت است و اگر ما این لایحه را تصویب کنیم به آن ایرانی فهمانده ایم که مرجع تظلم دیوان عدالت عظمی نیست، کجا است؟ هر جایی باشد، نمی تواند بر وفق قانون اساسی باشد. هر چیزی که قانون اساسی را نفی کند مطرود است. (صحیح است) قسمت دیگر اینکه قدرت فرمانروایی بری و بحری ایران تفکیک پذیر نیست. (احسنت) نمی توان عده ای را تحت تعلیمات و احکام و فرمانروایی ایران قرار داد و عده ای را، مجلس منتزع بکند. حق ندارد. (صحیح است احسنت) اگر بنا باشد ما تا این حد سهل انگاری بنماییم، ای بسا بسیاری از موارد و اصول اساسی قانون که با عزت ایران، پرچم ایران، حاکمیت ایران مرتبط است، متزلزل می شود. قلمرو قضائی ایران محدوده ای است در بین مرزهای ما، آن چنان که قلمرو قضائی ملتهای

دیگر محدوده ای است در مرز خودشان و مستعمراتشان. ایرانی اگر قتل بکند در جای دیگر غیر از مرزهای خودش در ایران محاکمه نمی شود. اگر در آنجا نظام حقوقی را به هم زده، محاکمه نشود، جواز قتل گرفته است. ایران روی هر مصلحتی که بوده باشد، از همه دوستان خودش که در قرارداد وین امضای تساوی مطلق گذشته اند، تقاضا دارد که تجدید نظر بکند در خواهش خودشان. اگر هر کسی جزئی از اقتدارات ما که بر وفق قانون اساسی به ملت ایران داده شده است قصد نفی داشته باشد، برای ما این فکر را به وجود بیاورد که اگر فردا ناخن بند کرد، از کجا که سایر اقتدارات ما را نگیرد و ما ناچار با هر دولتی که این طور فکر بکنند باید در حالت دفاعی باشیم. من خیال می کنم که همه ما مقدساتی داریم در آسمان، مقدساتی داریم در زمین (صحیح است) که عمری با این مقدسات خو گرفته ایم، انس گرفته ایم. در شداید از این مقدسات همت خواسته ایم و بر اثر همان همت بر شداید ملی و مملکتی غلبه کرده ایم و به نام آن مقدسات و به یاد آنها و به حفظ احترام آنها قسم یاد کرده ایم، با خدای خود عهد بسته ایم که آن مقدسات را محترم بشماریم، که از جمله آن مقدسات قانون اساسی و سلطنت مشروطه است و صیانت و حقوق و منافع ملی ایران است. کدام دولت حاضر است که ما پیمانی که با خداوند بسته ایم، بر آن استوار نباشیم. آیا کسی که بر پیمان خود با خداوند استوار نباشد با مخلوق خداوند استوار می ماند؟ این مقدمه فساد است. هیچ دولتی فساد دولت را دوست را نباید بخواهد والا دوست شناخته نمی شود. ما میل داریم که جناب آقای منصور که واقعا میل دارند مرد اصولی باشند و به قانون اساسی احترام بگذارند (عده ای از نمایندگان می گذارند) عرض کردم میل دارند، ایشان فرصت این را دارند که مذاکره بکنند. از دوستان ما بخواهند ما را در حال صلاح نگاه دارند. یکی از شرایط دوستی این است که دوست، پیمان ما را نسبت به مقدساتی که داریم محترم بشمارد.

نایب رئیس پنج دقیقه وقت داشتید در اخطار نظامنامه ای صحبت بفرمائید. ممکن است در کلیات صحبت بفرمایید. مانعی ندارد.

سرتیپ پور ولی این لایحه را در حال، قابل طرح در مجلس نمی دانم (احسنت) چرا؟ برای اینکه خلاف قانون اساسی است. مگر اینکه ثابت کنند خلاف قانون اساسی نیست.

نایب رئیس جناب آقای صادق احمدی اخطار نظامنامه ای دارید، بفرمایید.

صادق احمدی عرض کنم فرمایشات محکم و مستدل و متین جناب آقای سرتیپ پور، بنده را مستغنی کرد که مزاحم خانمها و آقایان محترم شوم. آنچه که به عنوان اخطار نظامنامه ای خواستم عرض کنم و الآن به عرض نمایندگان محترم می رسانم، این است که این لایحه در دستور کار روز پنجشنبه گذشته بود بنده که مطالعه کردم چند اشکال درش دیدم و دیدم یک عده از نمایندگان مثل بنده فکر می کردند، آنها را تشخیص داده اند. رفتم خدمت جناب آقای مهندس ریاضی، رئیس مجلس، و گفتم که این یک اشکالاتی دارد. اولا به قرارداد وین اشاره شده که آن قرارداد تصویب نشده و شما این را مقدم بر قرارداد وین گذاشته اید، ثانیا در مقدمه ماده واحده بر خلاف معمول مقدماتی نوشته شده است که «با توجه به لایحه شماره فلان که تقدیم به مجلس سنا شده». از همه اینها گذشته این لایحه ای است که حتما باید به کمیسیون دادگستری و کمیسیون نظام می رفت و وظایف کمیسیون نظام و کمیسیون دادگستری کاملاً مشخص است. بنده این طور تشخیص دادم، شاید غلط تشخیص دادم.

ایشان ظاهرا قانع شدند و گفتند این کار را می کنم. خدمت جناب آقای خواجه نوری، دوست عزیزم رسیدم، گفتم عین جمله ای که آنجا گفتم اینجا تکرار می کنم. مخصوصا از لحاظ توجه جناب آقای نخست وزیر،گفتم برای بنده مسلم است که اکثریت محترم مجلس یعنی فراکسیون ایران نوین خوشبختانه همه افراد وطن پرست و علاقه مند هستند (صحیح است) اگر غیر از این بود اطمینان داشته باشید جناب آقای خواجه نوری، بنده در این مجلس نمی آمدم، اما اگر آمدم و افتخار همکاری خانمها و آقایان را دارم برای این است که می دانم همه خانمها و آقایان علاقه به کشورشان دارند، علاقه مند به استقلال کشورشان هستند، وطن پرست و شاه دوست هستند. خدمت جنابعالی عرض کردم که این یک اشکالاتی دارد، البته رأی اکثریت محترم است ولی شما که می خواهید رأی بدهید، توجه بفرمایید. نشستیم، مذاکراتی کردیم. به اینجا منتهی شد که این لایحه از دستور خارج بشود و به کمیسیونهای دارایی و نظام برود. بنده هم به سهم خودم که یک عضو کوچکی از این مجلس هستم رفتم، مطالعه کنم ببینم نسبت به این لایحه می توانم موافق باشم؟ اگر موافق می توانم باشم، مطالعاتی بکنم که وجدانم ارضا بشود. حتی بنده قصد داشتم که توی همین هفته خدمت جناب میرفندرسکی برسم در وزارت امور خارجه، بعضی از عهدنامه ها را بخوانم و مطالعات بیشتری بکنم. هنوز بنده نمی توانم بگویم مخالفم یا موافق چون مطالعاتم ناقص است. یک دفعه امروز آمدم دیدم این لایحه در دستور امروز قرار گرفته. حال نمی دانم این کاری که مصونیت ایجاد می کند، برای عده ای و از تعقیب جزائی مصون می شوند نباید به کمیسیون دادگستری برود؟ این لایحه که مربوط به مستشارانی است که در خدمت وزارت جنگ هستند، نباید به کمیسیون نظام برود؟ علی ای حال بنده در حال حاضر نمی توانم نسبت به این لایحه نفیا یا اثباتا نظری بدهم، چون مطالعاتم ناقص است، نمی دانستم در دستور کار امروز مجلس قرار می گیرد عرض دیگری ندارم. (احسنت)

نایب رئیس آقای فخر طباطبائی هم اخطار نظامنامه ای دارند، بفرمایید.

فخر طباطبائی عرض کنم که قسمتی از عرایض بنده را جناب آقای صادق احمدی فرمودند.

بنده این لایحه را که مطالعه کردم، دیدم اصولاً جنبه بین المللی این لایحه ندارد. (صحیح است) جنبه اصلیش، جنبه داخلی است. مستشاران محترمی که به آنها جهات فنی دادند و برای کشور ما وجودشان لازم است از این مستشاران می خواهیم، استفاده کنیم و این مستشاران محترم را استخدام کنیم، مستخدم ما هستند. خواستم ببینم آیا به صلاح است یک چنین معافیتی به آنها بدهیم. این مطلقا جنبه بین المللی ندارد. یک امر داخلی است. وقتی که ما قائل شدیم که مستخدم باشند، این مستقلاً هیچ جنبه بین المللی ندارد، یک امر داخلی است. وقتی ما قائل شدیم که این موضوع، موضوعی است که مربوط به حق حاکمیت خودمان است و به وجودشان احتیاج داریم که می خواهیم آنها را استخدام کنیم. این لایحه می بایست در کمیسیون اصلی مورد مطالعه قرار می گرفت. کمیسیونهایی که برای این لایحه ایجاد حق رسیدگی می کنند صراحت آیین نامه است کمیسیون دادگستری است در درجه اول و از لحاظ دیگر اینها چون در استخدام نظام هستند، کمیسیون نظام هم صلاحیت رسیدگی دارد.

مع التأسف این لایحه به جای اینکه به کمیسیون مربوطه برود، به کمیسیون خارجه رفته به اعتبار این که نوشته اند از معافیت موضوع در بند (و) قرارداد وین استفاده می کنند، در صورتی که آن کمیسیون، کمیسیون اصیل نیست و این دو کمیسیون که عرض کردم اصالت دارد. این است که بنده صرف نظر از

جهات امر، ماهیت امر، جناب آقای نخست وزیر خدا شاهد است، اینکه بنده عرض می کنم بنده در این مجلس افتخار می کنم با قیافه هایی روبرو شدم که اسباب افتخار من است. همه روشنفکر، روشندل و بنده خودم را فرد کوچکی از آقایان حساب می کنم و دولت جناب آقای منصور غیر از خیر مملکت به چیزی نمی اندیشد و هر خدمتی، هر قدم مثبتی که این دولت بردارد بنده از دل و جان تأیید می کنم و یک چیزهایی که راجع به حقوق داخلی و آیین نامه باشد در کمال دلسوزی وصداقت عرض می کنم، این هیچ ارتباطی به هیچ جای دیگر ندارد. ماده ۴۳ آیین نامه صراحت دارد جناب آقای رئیس محترم مجلس باید اجازه بفرمایند که این لایحه برود و در این دو کمیسیون اصیل مطالعه بشود. اگر عرایض بنده نارسا است و استدلالی نیست آن هم جناب آقای نایب رئیس محترم مجلس استدلال بکند، به این دلیل نباید برود، بنده عرضی ندارم. (احسنت)

نایب رئیس آقای نخست وزیر.

نخست وزیر بنده خوشوقتم که این مذاکرات از طرف جناب آقای سرتیپ پور و جناب آقای صادق احمدی و جناب آقای فخر طباطبائی ایراد شد که بنده در اینجا توضیحی عرض بکنم، اگر قانع کننده بود البته لایحه ای است که تقدیم مجلس شده و به تصویب خواهد رسید، اگر قانع کننده نبود و دولت مجری تصمیم مجلس است. نکته ای که اشاره فرمودند برای طرح این لایحه البته وظیفه بنده نیست، چون دولت لایحه را در دستور مجلس نمی گذارد؛ این مجلس است و قطعا جناب آقای رئیس مجلس توجه به این امر فرمودند و نکات لازم را مورد توجه قرار دادند. ولی آنچه که به خاطر بنده می رسد قبل از تشریف بردن آقای رئیس مجلس به مسافرت روی اینکه مستشاران نظامی مدت خدمتشان در آن تاریخی که باید بهشان ابلاغ شود که آیا خدمتشان ادامه خواهد داشت یا خیر، دولت از مجلس تقاضا کرد این را تصویب بکند و آقای رئیس مجلس به بنده فرمودند، متأسفانه ایشان روز

پنجشنبه حرکت کردند و بنده آماده بودم سه شنبه گذشته خدمت آقایان برسم، ولی چون سه شنبه مصادف با تشریفاتی بود، مقدور نبود و بنده گفتم مانعی ندارد بعد از تشریف بردن دستورات لازم را خواهید فرمود و بنده استنباطی نکردم که ایشان برای اعطای امتیاز حقوق سیاسی به یک عده ای که در خدمت دولت ایران هستند، ضرورت تصویب کمیسیونهای دیگری را تجویز کرده باشند. این را بنده از فرمایشات ایشان استنباط نکردم، باز هم مثل جناب آقای صادق احمدی شاید این اشتباه را بنده کردم ولی مطلبی را که جناب آقای سرتیپ پور فرمودند تصور نمی کنم که در این مملکت از کسانی که حافظ قانون اساسی هستند و این مربوط است به تمام ارکان مملکت و ملت ایران و هیچ کس به خود اجازه نمی دهد که برخلاف قانون اساسی حتی لحظه ای فکر بکند، چه رسید به اینکه یک اصل برخلاف قانون اساسی تقدیم بکند (احسنت) در حقیقت قانون اساسی، اساس و بنیان مملکت ما را حفظ کرده و حفظ خواهد کرد و این مجلس، مجلسی است که قانون ساسی را حافظ است و اگر در دوره فترت به آن توجه نشد، این مجلس جبران مافات را کرده و خواهد کرد به حد کمال و در حقیقت فلسفه و روح قانون اساسی سعادت ملت است که راه و روش صحیح انقلاب شاه و مردم بهترین وسیله مجری چنین وسیله و انقلابی است که در مملکت به وجود آمده، یعنی در حقیقت بزرگترین احترامی است که به قانون اساسی گذاشته شده و خواهد شد. در مورد این لایحه که امروز مطرح است، اصولاً این فقط اعطای امتیاز مصونیت سیاسی است نسبت به قسمتی از مقررات قرارداد وین که همین الآن

تصویب شد و لازم الاجراء است، به عده معدود و محدودی از کسانی که برای امور فنی در خدمت دولت به آن عده نیازمند هستیم و اجباری ندارند اگر این امتیازات به آن داده نشود، قبول کنند و خدمت دولت را بپذیرند، این امتیاز به آنها داده می شود. این امتیاز نظایر بی شماری دارد که به تصویب مجلس شورای ملی ایران هم رسیده است (صفی پور نظایرش را بفرمایید) نظیرش کلیه مؤسسات بین المللی وابستگان سازمان ملل، کارشناسان W.H.O,F.A.Oکارشناسان عملیات آمریکا در ایران از این امتیازات استفاده کرده اند و قانونش هم از مجلس گذشته و هیچ مباینتی با قانون اساسی ایران و با قوانین اساسی آنها ندارد. این امتیازی است که دولت و مجلس این عده را که ضروری تشخیص می دهد، در جزء کادر سیاسی کشورهای متبوعه آنها محسوب می کند و این در اختیار دولت است و در اختیار تصمیم مجلس. نخواستند می گویند ما به این عده احتیاج نداریم، ولی نسبت به مستشاران نظامی آمریکا در خدمت ارتش ایران بنده تصور می کنم ارتش ایران دارای چنان افتخاراتی است که حفظ حقوق و حرمت مرزهای ایران را بعد از جنگ بین المللی دوم به رهبری بزرگ ارتشتاران ما،رهبر عالیقدر ما به بهترین طرزی حفظ کرده است (صحیح است) و به هیچ وجه کمکهای نظامی که در دنیا بعد از جنگ بین الملل دوم متداول بوده است و در کشور ما هم به حداقل انجام شده است و کمکهای دولت دوست ما آمریکا باید گفت که بعد از جنگ بین الملل دوم مورد احترام ایران است و هیچگونه توهمی را ایجاد نمی کند و جنبه متخصص فنی در خدمت ارتش ایران چنین توهمی را به وجود نمی آورد، خاصه به اینکه نحوه کمکهای خارجی تغییر پیدا کرده، موافقتنامه های کمکهای خارجی که در سال ۱۳۲۲ تنظیم شده است، تغییر پیدا کرده. امروز ما باید نیازمندیهای خودمان را تأمین بکنیم، چون وسایل مدرن و مکانیزه دنیای امروز و کمکهایی که در این فاصله به ما شده و اساس و وسیله ای که امروز ما داریم باید با تخصص و تکنیک کشورهائی باشد که سازنده آن هستند، ما نیازمند به تعداد

معدودی کارشناس هستیم که وجود آنها برای تعلیمات فنی نیروی انتظامی مملکت ضروری است و این عده را طبق بند مورد موافقت کنوانسیون بین المللی وین و نظایر و مشابه نسبت به هیئتهای فنی سازمان ملل متحد و موافقتهای دیگر و نظایر دیگر مثل موافقتنامه مخصوص اصل چهار که سابقا می گفتند، اینها به هیچ وجه من الوجوه با قانون اساسی مغایر نیست، بلکه یک امتیاز مصونیت سیاسی است که به عده معدودی از کارشناسان فنی که در استخدام دولت ایران هستند، داده می شود. خاصه به اینکه بنده خواستم توجه بفرمایند جناب آقای مهندس بهبودی که این افراد در خدمت دولت ایران هستند، مأمور دولت ایران هستند. قرارداد یکساله است و در پایان هر سال قابل تجدید یا قابل ابطال است. به این جهت تا روزی که ضرورت ایجاد بکند که افراد فنی در خدمت ارتش ایران باشند، شامل امتیازاتی هستند که مورد تقاضای آنها بوده است و مورد موافقت دولت وقت و همچنین مورد تأیید دولت فعلی هم می باشد (یک نفر از نمایندگان چون در خدمت دولت ایران هستند حتما باید مسئول دولت ایران هم باشند) مسئول دولت ایران هستند، منتهی وقتی انسان احتیاج به کمک خارجی دارد، روابط بین المللی ناظر منافع دو دولت است و این هم قراردادی است که الآن تصویب کردید (یک نفر از نمایندگان چه منافعی از این مستشاران شامل ملت ایران می شود) آن را عرض می کنم، کمکهای مؤثری که بعد از جنگ بین الملل دوم در ایران و سایر کشورهای دنیا، نجات دادن دنیا از خطرات یک سقوط کامل شده است این را بنده و شما جایز نیست، چشم پوشی کنیم. جناب آقای رامبد و جناب

آقای بهبودی، توجه بفرمایید موقعی که نحوه کمک نظامی تغییر کرده، این تقاضا از دولت وقت یعنی دولت گذشته شد. در آن موقع هنوز مجلس تشکیل نشده بود. دولت وقت که همیشه بنده نسبت به آن دولت و ریاست محترمش نهایت احترام را دارم و ریاست دولت گذشته به وجود آورنده حزب مردم بودند و این حزب هم مورد احترام ما است این را قبول کردند، که این امتیازات به این مستشاران داده شود و یادداشتی به دستور ایشان صادر شد، که بعد از افتتاح مجلسین و تصویب کنوانسیون وین این موافقت نامه هم به تصویب مجلس خواهد رسید، مثل سایر تصویب نامه هایی که در دوره فترت صادر شده. پس این دولت روی احترام به تصمیم دولت گذشته و روی وقوف کامل به لزوم انجام این کار، امروز مدافع آن است با نظر کاملاً وسیع. پس خواستم توجه بفرمایید یک موافقت نامه ای است، عملی شده است و هیچ گونه مغایرتی هم با قانون اساسی ندارد و از طرف دولت وقت که ریاست آن به وجود آورنده حزب محترم بوده است، یادداشت مبادله شده و این یادداشت مورد احترام و تأیید این دولتی است که مبعوث و متکی به حزب ایران نوین است و به هیچ وجه من الوجوه مغایرتی هم با قانون اساسی ندارد و این افراد هم در خدمت دولت ایران هستند و این امتیازات اساسی هم مشابهش به دستگاههای دیگر و کارمندان فنی دیگر اداره شده است. روی این اصل می خواستم، خواهش بکنم که آقای میرفندرسکی معاون محترم وزارت امور خارجه یادداشتهایی که تهیه شده است و نظایر این موافقتنامه که در سایر کشورها که با همکاری مشترک دولت آمریکا عمل می کنند و این امتیازات را با توجه به کنوانسیون بین المللی وین مورد توجه قرار داده اند به عرض نمایندگان محترم برسانند و تصور می کنم توضیحات بنده و توضیحات مکمل ایشان کافی باشد، برای تصویب قاطع و وجدان راحت کلیه نمایندگان محترم مجلس شورای ملی (احسنت).

نایب رئیس توجه بفرمایید که آقای فخر طباطبائی ضمن اظهار نظامنامه که فرمودند از بنده

توضیح خواستند، آیا کافی می دانم این لایحه فقط در کمیسیون امور خارجه مطرح شده یا به کمیسیون دادگستری و نظام هم باید برود؟ باید عرض کنم که طبق تشخیص جناب آقای رئیس مجلس در ابتدای امر این لایحه فقط به کمیسیون خارجه رفته بود. البته ایشان این طور استنباط فرمودند که باید به آن کمیسیون برود و رفت. حالا اگر قرار باشد به کمیسیونهای دیگری هم برود این بسته به نظر مجلس است و عده ای از آقایان پیشنهاد کرده اند که به کمیسیون دادگستری و کمیسیون نظام هم برود پیشنهاد قرائت می شود.

(به شرح زیر خوانده شد)

ریاست معظم مجلس شورای ملی

احتراما طبق ماده ۱۱۶ آیین نامه داخلی تقاضا دارد لایحه مورد بحث به کمیسیونهای دادگستری و نظام ارجاع گردد. دکتر ناصر بهبودی رمضانی موسوی ملکشاه ظفر آموزگار فخر طباطبائی نصیری زهتاب فردنیری مصطفوی رامبد دکتر بقائی یزدی موقر بالاخانلو.

نایب رئیس پیشنهاد رسیده، البته مقدم است آقایان توضیحی دارند؟

دکتر مهندس بهبودی اگر کسی مخالف است بعد توضیح می دهم.

دکتر عدل طباطبائی بنده مخالفم.

نایب رئیس آقای دکتر عدل طباطبائی بفرمایید.

دکتر عدل طباطبائی عرض کنم در آیین نامه مجلس مصرح است که لوایح مربوط به روابط سیاسی با دول ارجاع می شود به کمیسیون خارجه (مهندس بهبودی تبصره اش را هم قرائت بفرمایید) این استنباط بنده است. ما گفتیم، توضیح بدهید آقایان ندادید، پس من عرایضم را می کنم. در هر حال مسائل مربوط به روابط خارجه ارجاع می شود به کمیسیون خارجه اگر آقایان پیشنهاداتی دارند از حقشان استفاده فرموده و دادند، البته رأی مجلس قاطع خواهد بود، ولیکن نظر جناب آقای رئیس مجلس در ارجاع به کمیسیون امور خارجه کاملاً صائب و درست بوده و طبق آیین نامه مجلس عمل کرده اند. حالا پیشنهاد آقایان مطرح است، اگر توضیحی دارند بفرمایند تا بنده روشن بشوم (عده ای از نمایندگان رأی، رأی).

نایب رئیس آقای مهندس بهبودی بفرمایید.

دکتر مهندس ناصر بهبودی در موردی که جنابان آقایان صادق احمدی و فخر طباطبائی اخطار نظامنامه فرمودند، دلایلی که باید این لایحه به کمیسیون دادگستری رفته باشد فرمودند و بنده از تکرار مکررات برای جلوگیری از اتلاف وقت مجلس خودداری می کنند، ولی همکار ارجمند من جناب آقای دکتر عدل طباطبائی توجه بفرمایند این یک مسئله خارجی نیست یک مسئله صد درصد داخلی است (صحیح است) که ما می خواهیم نسبت به مستخدمین خودمان اخذ تصمیم کنیم (صحیح است) با فرمایشاتی که جناب آقای سرتیپ پور در موقع طرح این لایحه فرمودند، من مصلحت چنین دیدم که این لایحه برگردد به کمیسیون چون اگر با تقاضای امضا کنندگان موافقت شود، فقط ۵ روز به موجب آیین نامه در تصویب لایحه تأخیر می شود. با آن فرمایشاتی که فرمودند عده ای از همکاران که اسامی شان را ملاحظه می فرمایید از همه طبقات مجلس هستند، با این نظر که این فکر جناب آقای سرتیپ پور بیشتر پخته شود، موافقت کردند. جناب آقای نخست وزیر هم ملاحظه کردند که در ضمن

فرمایشات ایشان مشغول تهیه این طرح بودم، چون مصلحت مجلس مصلحت دولت را منِ کوچک این طور تشخیص دادم که برگردد به کمیسیون و حتی این تشخیص من باعث عتاب آقای نخست وزیر به من شد.

دو مرتبه تذکر دادند که من توجه کنم یعنی امر فرمودند و همیشه این امر برای ایشان ملحوظ است.

در هر حال تقاضا این است که جمعی از همکاران شما از تمام طبقات اعم از فراکسیون مردم، مستقل و منفرد و حتی خیال می کنم، چند نفر از فراکسیون ایران نوین هم امضاء کرده اند که موافقت بفرمایند.

حلاجی این لایحه در محیط ساکت و ساده کمیسیون بشود، نگذارید پرده ها بیشتر از این در مجلس بالا برود (همهمه نمایندگان) (عده ای از نمایندگان رأی، رأی).

نایب رئیس یک موافق و یک مخالف صحبت کردند، مجددا قرائت می شود تا رأی بگیریم.

(به شرح سابق خوانده شد)

نایب رئیس خانمها و آقایانی که با این پیشنهاد موافقند قیام فرمایند (عده کمتری برخاستند) رد شد. کلیات لایحه مطرح است. آقای زهتاب فرد بفرمایید.

زهتاب فرد با کسب اجازه از مقام معظم ریاست مجلس قبلاً به عرض آقایان می رسانم که من با مدیران جراید و بخصوص با روزنامه اطلاعات و کیهان در این مورد هماهنگم که نمی شود و نمی توان و نباید منتظر بود که بیانات نمایندگان را بطور کامل در روزنامه منعکس بکنند، برای اینکه اگر بنابراین

اصل باشد باید هر شماره ۸ ۱۰ ۱۲ صفحه بر اوراق خود اضافه کنند و این در وضع موجود مقدور نیست، اما آنچه می دانم آن این است که اگر به صورت آگهی مطلبی به روزنامه ها داده شود، حق رد آن را ندارند و من از پشت این تریبون مجلس از حسابداری مجلس تقاضا می کنم، متن کامل عرایض مخلص را که روزنامه اطلاعات و کیهان چاپ فرمودند هزینه درج آن را بپردازند و البته برای اینکه به بودجه ضعیف بنده تحمیلی نشود، ۲۰ سطر در صفحه اول بگذارند و بقیه را در صفحات ارزانتر. مطلبی که عنوان می شود، اعتقاد امروز من نیست موضوعی که امروز می خواهم در اطراف آن صحبت کنم، موضوعی نیست که من امروز این اعتقاد را پیدا کرده باشم و یا امروز به خاطر اینکه جناب آقای منصور مقام نخست وزیری را احراز فرموده اند، خدای نکرده با ایشان نظر شخصی داشته باشم، گو اینکه خودشان می دانند و می دانم که می دانند که به شخص ایشان ارادت دارم، البته همان طور که در مقدمه جناب سرتیپ پور و جناب احمدی و جناب دکتر مهندس بهبودی گفتند که ما آمادگی برای مخالفت با این موضوع نداریم. به خاطر اینکه قبلاً قرار بود این در کمیسیون دادگستری و در کمیسیون نظام و حتی در جلسه خصوصی مورد مطالعه قرار بگیرد، ولی امروز ساعت ۸ احضار شدیم فرمودند که این لایحه در دستور است و بنده روی اعتقاد قلبی و سابقه ذهنی بر اینکه افکار عامه نسبت به این موضوع بخصوص چگونه قضاوت می کند، لازم دانستم به نام یک نماینده مجلس، به نام یک مدیر روزنامه از همه بالاتر به نام یک مرد کوچه، نظریات ناقص خود را عرض کنم. مطلب گفته شود، بازگو می شود تا اگر خدای نکرده اینجا مسئله ای را عنوان می کنم، این به آن معنی نخواهد بود که ارزش مساعی دولت ایالات متحده آمریکا را فراموش یا نادیده می گیریم. ما به ارزش همکاری نظامی و سیاسی آمریکا در ۱۵ ۱۶ سال اخیر کاملاً اطمینان و آگاهی داریم. حتی از ۵۰ سال به این طرف کاملاً واردیم، اینکه جناب آقای نخست وزیر فرمودند شاید روزی بیایند و از پشت این تریبون درباره

مساعی جمیله آمریکا مطالبی عنوان بفرمایند، امیدوارم آن روزی باشد که در مجلس آمریکا هم راجع به تأثیر پل پیروزی مطالب و حقایقی گفته بشود (احسنت). واقع امر این است که آن لایحه جناب آقای نخست وزیر با مقدمه غلطی عنوان شده و متأسفانه در افکار عامه این مقدمه غلط یک سوء تفاهمی به وجود آورده. ما که وکیل مجلس هستیم در مقابل ملت نیز یک مسئولیتهای را حس می کنیم. از چندی به این طرف از گوشه و کنار دانسته و ندانسته حرفهایی به گوش ما می خورد، تلفن می زنند، در برخوردها گوشه و کنایه می زنند. البته من به آن عده از مغرضینی که در گذشته انحراف سیاسی داشتند به مطالب آنها و تحریکات آنها ذره ای وقع نگذاشته ام و نمی گذارم.

آتش به جان توده فتد کاین بنا نهاد

اول بنا نبود که سوزند ملک خویش

توده ای احتمالی اگر در بیرون مطالبی عنوان بکند و یا سنگ وطن پروری به سینه خود بزند و یا به آن ورشکسته سیاسی که امروز از موقعیت می خواهد، سوء استفاده بکند و در بازار و دانشگاه و یا بیرون عنوان می کند که دولت دولتی است که دست اجنبی را در امور ایران بازگذاشته، اعتنایی نخواهد کرد به دلیل اینکه، آن که توده ای است، آن که وابسته به حزب منحله توده است، تکلیفش روشن است، برای اینکه متأسفانه دیدم و دیدید که در ۱۵ و ۱۶ سال پیش دو دستی قسمتی از مملکت را در طبق اخلاص نهادند. آنها امروز حق ندارند، نسبت به دولت اعتراض بکنند و حتی آن منحرفین سیاسی و آن وجیه المله ها که هم اکنون نیز متأسفانه برای خودشان دکان داغی باز کرده اند و می خواهند دولت را

تضعیف بکنند. ما اجازه دهن کجی به آنها نمی دهیم، اگر امروز من در اینجا مطلبی را عنوان می کنم به لحاظ الهام از آن تیپ منور، دلسوز علاقه مند به رژیم مشروطه و به خاطر عزت و بزرگداشت ارتش شاهنشاهی می باشد و بس. من در ۱۲ سال پیش آنهایی که امروز دم از وجاهت ملی می زنند و در ۱۲ سال پیش در روزنامه اراده آذربایجان که در شماره ۴۹ مورخ ۱۲ بهمن ۱۳۳۰ تحت عنوان بهای یاری آمریکا، گرانی اصل ۴ ترومن مطلبی نوشتم.

به این لحاظ جناب آقای حاذقی، به یادم آمد که بیاورم اینجا بخوانم که آن جمله جنابعالی اگر برای بعضیها سوء تفاهمی ایجاد بکند یا لااقل مخلص روی ندانستگی تحت تأثیر تلقینات

اجنبی پرستان و مزدورها قرار گرفته باشم، بدانید که در این مجلس، مجلسی که منبعث از کنگره انقلاب سفید است، هرگز چنین افراد خام و ناپخته که تحت تأثیر عمر و زید قرار بگیرند، قرار نگرفته اند و نمی گیرند (احسنت صحیح است) این را می خوانم و متأسفانه یا خوشبختانه مقدار زیادش هنوز صادق بر وضع روز و بازیهای روز است. پس از چند سال مذاکره، تبلیغات و وعده ها بالاخره هیئتی تحت ریاست آقای وارن به تهران وارد و برای مصرف ۲۳ میلیون دلار که به موجب اصل چهار ترومن که مورد تقاضای دولت ایران و موافقت آمریکا واقع شده به ایران وارد و مراسلاتی با آقای نخست وزیر مبادله کردند. از کیفیت برنامه ای که به موقع اجرا گذارده خواهد شد در موقع خود البته بحث خواهیم کرد (جداگانه در آن مورد به خصوص هم البته بحث خواهیم کرد) به یک نکته بسیار دقیقی که جلب توجه ما را کرد، لازم می دانم که اشاره بنمایم. آقای وارن رئیس برنامه اصل چهار، از دولت ایران تقاضا کرده اند که این هیئت مخصوص و کارمندان را جزء هیئت سیاسی کشورهای متحده آمریکا در ایران خواهند شناخت،تا از مزایا و مصونیتهایی که به هیئتهای سیاسی داده می شود، با تطبیق درجات آنان برخوردار گردند. این تقاضا را جناب آقای دکتر مصدق در هیئت وزیران مطرح و مورد

موافقت واقع می گردد و در مراسله مخصوص به آقای وارن ابلاغ می شود. این را برای آن می خوانم که تازه به دوران رسیده های سیاسی و آنهایی که به حرفهای پوچ محتضرهای سیاسی و ورشکستگان سیاسی فریب می خورند بدانند که تاریخچه این لغزشهای سیاسی از چه تاریخ است از پنجاه سال قبل بسیاری از ممالک و ملل خارجی و مستشاران و متخصصین و مشاورین به ایران آمدند و مشاغل بزرگ و کوچکی را اشغال کردند، ولی هیچ کدام تقاضایی نظیر این تقاضا را از دولت ایران نکرده بودند و این اولین مرتبه ای است که جناب آقای دکتر مصدق و یا هر کسی که به جای دکتر مصدق می خواهید، بگذارید. یک چنین امتیازات فوق العاده ای را نسبت به اتباع یک دولت خارجی قبول و اعطاء می نماید.

اگر آمریکاییها از قوانین ایران از ماده ۷۱ قانون اساسی که می گوید تمام محاکم ملت ایران باید در تحت قانون اساسی ایران قرار بگیرند، اطلاع نداشته باشد، مورد ملامت نیستند، ولی جناب آقای دکتر مصدق که خود را قانون شناس می دانستند، می بایست در خاطر داشته باشند که در قانون اساسی اصل مخصوصی برای اتباع خارجه منظور گردیده. اصل ششم می گوید، جان و مال اتباع خارجه مقیم خاک ایران مأمون و محفوظ است، مگر در مواردی که قوانین مملکتی استثناء می کند. از شصت سال قبل هیئتهای مذهبی فرهنگی آمریکا در ایران مشغول فعالیتهای مذهبی و فرهنگی بودند و در این مدت از طرف ملت ایران جناب آقای منصور نسبت به آنها آسیبی فراهم نیامده است. از چهل سال به این

طرف، از زمان شوستر، مشاورین آمریکایی، مشاورین مختلف به عناوین مختلفه در ادارات مختلف مالی، نظامی و فرهنگی ایران دارای مقامات و مشاغل مهمی بوده و هیچ واقعه ناگواری برای آنان پیش نیامده که ضرورت معافیتهای هیئتهای سیاسی را برای آنان یا برای اینان ایجاب نماید. بنابراین خواهی نخواهی جناب منصور هر کس حق دارد از آقای دکتر مصدق آن روز و از جناب منصور امروز سؤال کند که سبب اعطای چنین امتیازاتی به مشاورین فنی آمریکا برای چه بوده است. بیش از سه هزار کارشناس انگلیسی و غیر انگلیسی شرکت سابق نفت سالیان دراز در ایران زندگی کردند و روزی که دولت ایران اخراج آنها را تقاضا نمود با سلامتی و بدون هیچ حادثه ای مملکت ما را ترک کردند و رفتند، و هیچ سابقه ناگواری در این مدت پنجاه ساله نسبت به هیچ یک از کارشناسان خارجی پیش نیامد که دلیل وحشیگری ملت ایران یا سوء رفتار سکنه این مملکت با خارجیان باشد، که جناب آقای منصور امروز اجازه بدهند، آمریکاییها چنین تقاضایی را از ما بنمایند که در عین اینکه موجب سرافکندگی ملت و مملکت ایران می باشد، این یک سابقه بسیار غلط و ناگواری خواهد بود که مملکت ایران را در دوره زمامداری جنابعالی در عداد مستعمرات و ممالکت تحت الحمایه قرار دهد (احسنت) (همهمه نمایندگان) (خواجه نوری این طور نیست).

نخست وزیر ایران تحت الحمایه نیست.

یک نفر از نمایندگان پشت تریبون مجلس این حرفها را نفرمایید.

زهتاب فرد از جنابعالی نهایت تشکر را دارم این نوشته سیزده سال پیش من بود، این نوشته مربوط به ۱۳ سال پیش من بود (قراچورلو ۱۳ سال پیش هم درست نبود) اتفاقا هیچ فراموش نمی کنم بیایند آن بازیهای ۱۳ سال پیش را که منجر به آن حوادث شوم شد تو دهنی بزنیم به هر اجنبی پرست آن روز را فراموش نکنید (قراچورلو این حرفها از جنابعالی بعید است) تشکر می کنم از

جنابعالی، عرض کردم این حرف یک مرد کوچه است، اما در افکار عامه امروز متأسفانه به غلط یک همچو افکاری پیدا شده، بنده از جنابعالی استمداد خواهم خواست راجع به راه ارشاد آن افکار مسموم و آن افکار منحرف، آن افکاری که متأسفانه ندانسته تحت تأثیر بعضی از حرفها قرار گرفته است. جنابعالی و من در پشت این تریبون مجلس انتظاراتی داریم. من به آن اشکهای جنابعالی تعظیم می کنم. من می فهمم در چه مجلسی حرف می زنم و با کی ها حرف می زنم. من همه سوابق یک یک همکاران پارلمانی را می دانم. من می دانم اینجا آن چنان مجلسی است که هیچ گونه سوءظنی نسبت به آن نیست. من برای شما با آن که از موضوع کنار می روم یک قصه ای را می گویم (یک نفر از نمایندگان چیزی که به صلاح مردم است بفرمایید، نه آن چیزی که مردم می گویند) اجازه بفرمایید اول حرفهای مردم را بزنم بعد راجع به صلاحشان حرف می زنم، مردم یک حرفهایی می زنند چون متأسفانه باید دولت قبل از اینکه این لایحه را به اینجا بیاورد لازم بود این ماده واحده را در روزنامه منتشر می کرد والا باید به افکار عامه حق بدهد که متأسفانه سوءظنی پیدا کنند. جناب قراچورلوی عزیز من جدا تعظیم می کنم در مقابل احساسات پاک شما. من و شما هم سنگریم. خود نخست وزیر مملکت می داند هیچ مرد سیاسی بنده را تحریک نمی کند و هیچ اجنبی با بنده نمی تواند تماس پیدا کند، برای اینکه خوشبختانه تمام چهار دیواری را خراب و واژگون کرده ام. من فقط سرباز فداکار شخص اول مملکت محمدرضا شاه پهلوی هستم اگر حرف می زنم اینجا این حرف ممکن است خدای نکرده ناپخته باشد،

خدای نکرده گفته بشود که گفتن این حرفها علیه مصالح مملکتی است، ولی شأن دمکراسی ایجاب می کند یک ناپخته، یک مرد کوچه و بازار بیاید اینجا حرفش را بزند تا شما با تجاربتان، با منطقتان با اشاراتتان، من را و آنها را و دیگران را که قصد دارند مجلس را تضعیف بکنند سرجای خودش بنشانید. این موردی بود که باید پرده ها را بالا بزنیم. ما آن پرده ها را بالا می زنیم که در تضعیف این مجلس قدم برنداریم، چرا اقبال ضعفا در حمایت اقویا است. این چه بهانه ای است که ما به آنها می دهیم، اما اینکه مجلس تضعیف پیدا می کند گفته شد خدای نکرده این توهم پیش بیاید که خدای نکرده صد خدای نکرده خاکم به دهن اگر من نسبت اجنبی پرستی نه لاس زدن با اجنبی را به یک شخص به یک فرد مجلس بدهم، گناه نابخشودنی است. من هرگز اینقدر در زندگیم جسور و بی تربیت بار نیامده ام، بعد از وقایع پیشه وری بد نیست که بشنوید، بدانید که من حساب شده حرف می زنم که اگر از حرفم کسی رنجید آن را حساب مقدمه چینی بر پایه سوءنیت نگذارید. جناب قراچورلو بد نیست بدانید برادر چهل و نه ساله من را در وقایع پیشه وری به خاطر مبارزاتی که من می کردم و در همین مجلس در دوره ۱۴ در سالن پایین، پنج و شش بار سخنرانی داشتم. به عوض اینکه مرا گوشمالی بدهند برادر من را در تبریز دزدیدند. آن روز به بنده گفتند برادرتان را فلان کس کشته، اسم آوردند، محلش را هم گفتند. حالا امامزاده نمی سازم نه نشان ۲۱ آذر دارم نه اسمم جزء لیستی است که از وقایع پیشه وری ضرر دیده ام و باج می خواهم. در آن حادثه برادر من را دزدیدند و گفتند کسی کشته. بعد از حادثه که شش ماه در جبهه بودم، در پشت سنگر جنگیدم و تفنگ گرفتم. من دبیر جمعیت آزادی آذربایجان بودم. خوشبختانه جزء آنهایی بودم که پدر جناب آقای منصور بیوگرافی بنده را خوب می داند. بنده جزو آن عده ای بودم که به آذربایجان رفتم. من هجده ساله آن روز، متکفل ۹ سر عائله سنگین، با دست خالی، برادر از دست داده، لااقل می بایستی سراغ آن قاتل می رفتم. در خیابان نشانم می دادند،

می گفتند فلانی قاتل است، آنقدر سکوت کردم، آنقدر خود را به تجاهل زدم که خدای نکرده بعضی از دوستان حمل بر بی غیرتی شد. چرا؟ به دلیل اینکه آنجا نبودم. من نمی توانستم کسی را در مظان اتهام قرار بدهم. آن روز مثل امروز نبود، آن روز حربه من برّا بود، خدای نکرده با یک حرف من یک کسی بالای دار می رفت. از آن موضوع ده سال گذشت. بعد از فوت استالین تلگرافی از شوروی آمد. معلوم شد برادر من اسیر آنها است. این تلگراف را که دریافت کردم خدا را شکر کردم که من قضاوت نابجا نکرده ام، ده سال محرومیت کشیدم و کسی را قاتل معرفی نکردم و گناه می دانم نسبت به این دولت و اعضای دولت خدای نکرده از ذهنم خطور کند که اینها لغزش سیاسی دارند، من هم با احساسات آقا شریکم. خطاب من با اجازه تان به آقای دکتر اول حقوق ایران است که آقایان یک قدری از عصبانیتشان کاسته بشود. اگر در آتیه برای هر اداره یا هر رشته از هر مملکت خارجی متخصصین و مشاورین بیاوریم، همکاران عزیز دلیل ندارد که آنها چنین امتیازاتی را برای خود نخواهند. آن روز هم در نظر باشد و ما هم حق نداریم که استثنائی را قائل شده و امتیازاتی که به عده ای می دهیم، نسبت به سایرین خودداری نماییم. **۲۳** میلیون دلار سهل است، یکصد میلیون دلار و صدها میلیون دلار ارزش این را نداشت که ما ملت و مملکت خود را به این درجه تنزل بدهیم، که برای دریافت یک کمکی که عنوان صدقه را دارد، زیر بار یک چنین شرط بی سابقه و ننگ آوری برویم. این قسمت را نمی خوانم و می زنم، چون باز هم مجلس تکان می خورد. حقایق گفتنی بسیار است، ولی هر حقیقتی

را در یک موقعی باید گفت که ادراک مردم قوه شنیدن آن را داشته باشد. هر اقدام و هر تبلیغی برای نجات ایران از نفوذ بیگانگان بنمایید، در مقابل این تسلیم، این خشوع، این فروتنی و این خضوعی که در مقابل مشاورین آمریکایی شده است ناچیز و خطرناکترین سابقه ای است که دولت آقای دکتر مصدق در روابط ایران با ممالک خارجی ایجاد کرده است، ای کاش اقلاً این اقدام به اسم آقای مصدق السلطنه وزیر دفتری تمام می شد نه به اسم دکتر مصدق مدعی حقوق دانی و حقوق شناسی و نخست وزیر وقت ایران متأسفانه این وقایع و این جریانها شایعه اینکه آقای دکتر مصدق و همراهان ایشان آنچه می کنند برای تأمین نظریات امپریالیستهای بیگانه است، تقویت می نماید و جای نهایت تأسف است که این جریانات و این شایعات و سوءظنهایی را نسبت به نیات مدعیان آبرومند ایران تأیید می کنم. در این مدت کم ما مقدار زیادی لایحه تصویب کردیم، من از آقایان کتمان نمی کنم نسبت به هیچ یک از آنها سوءظنی نداشتم به دلیل مذاکرات مجلس راجع به هیچ یک از آنها هم صحبتی نکردم، برای اینکه اهل فن آمدند، توضیح دادند. خودم هم فرصتی داشتم که مطالعه کردم اما این لایحه، من چگونگی را به عرضتان می رسانم، چگونگی ممکن است از نظر صحنه سازی تلخ جلوه کند. در تبریز بودم با استفاده از تعطیلات مجلس یک ماه و نیم برای رسیدگی به تقاضاها و گرفتاریهای حوزه انتخابیه در معیت جناب آقای دکتر شفیع امین و سایر همکاران پارلمانی ده به ده گشتیم. همه جا رفتیم مقدار زیادی حرف شنیدیم، من انتظار داشتم که در اولین جلسه مجلس در اولین روز سالگرد مجلس راجع به مستدعیات آذربایجان صحبت بکنم و باز تصمیم داشتم از توجه شخص آن جناب نسبت به آذربایجان به خصوص از انتصاب تیمسار صفاری و امیدهایی که برای مردم پیدا شده است حرفهایی بزنم. ما با دولت بغض و کینه نداریم، شاید این را قبلاً هم گفته باشم، دوره ای که با جنجال با عوام فریبی و با هوو تحریک می شد، نخست وزیری برد و نخست وزیر آورد، گذشته است و

امروز کسی از ما زیر آستین، نخست وزیری ندارد و شبها هم دور و بر منقل فلان رجل بازنشسته و ورشکسته نمی نشینیم. ما راهمان شاهراه است، همان راه روشنی است که اعلیحضرت شهریاری برای ما تعیین فرمودند. اعلیحضرت همایونی در آخرین جلسه مصاحبه مطبوعاتی فرمودند در ایران آزادی منهای خیانت هست. اگر ما در رویه خودمان گاهی تندی نشان می دهیم این از استنباطات و از سلیقه سیاسی و غرور ملی و احساسات شخصیمان است، والا هیچ توهمی پیش نیاید. در سفر آذربایجان در چند جا گفته شد آقا، مجلس سنا یک قراردادی تصویب کرده است. من اسمی را که آنها می گفتند، اینجا تکرار نمی کنم و معترفم آن اسمی که در افکار هست، نیست. بنده از آقایان کتمان نمی کنم مثل اینکه غفلت کرده بودم مثل اکثر آقایان آن تصویب نامه را من نخوانده بودم. آمدم، خواندم. در صورت مشروح مذاکرات مجلس سنا هست، اینکه می گویم. از مقدمه غلط نتیجه صحیح عاید نمی شود. اینجا بنده دیدم یک موافقتی است، بنده دیدم این لایحه با یک مقدمه ای که لااقل برای من نارسا بود در افکار عامه تولید سوءظن کرده بود. لایحه آمد به مجلس سنا اولاً جناب رئیس مجلس سنا

می فرمایند «البته مقدور هم بود که ما فردا جلسه فوق العاده ای تشکیل بدهیم، ولی چون کار بسیار مختصری است اجازه بفرمایید الآن تمامش بکنیم.»

این اولین موردی بود که بنده را مقداری تکان داد. در هر حال از نظر بنده این که گفته می شود چیز مختصری بود، اگر مختصر بود لزومی به این امر نداشت که جلسه فوق العاده تشکیل بدهند. این یک

نکته ای بود که برای من ایجاد تاریکی کرد. بعد لایحه را خواندم دیدم به رئیس و اعضای هیئتهای مستشاری نظامی آمریکا به موجب این موافقت نامه و با استفاده از بند (و) ماده اولش یک امتیازاتی قائل شدند. بند (و) را خواندم، دیدم نوشته به اصطلاح مأمور اداری و فنی آن دسته از کارمندان و مأمورین است که به امور اداری و فنی مأموریت اشتغال دارند. بعد دیدم که نوشته کارمندان مأموریت یعنی کارمندان سیاسی یعنی کارمندان اداری، یعنی خدمه مأموریت. بعد آمدم در پایین خدمه مأموریت را دیدم، گفته اصطلاح خدمه یعنی آن دسته که از مأمور خانگی اشتغال دارند (نخست وزیر ارتباط به این پیدا نمی کند) بند (و) را خواندم. اصطلاح مأمور فنی و اداری را هم بالایش نوشته اصطلاح هیئت مستشاران نظامی یعنی رئیس مأموریت و کارمندان مأموریت بعد این کارمندان مأموریت را توضیح داده، این اصطلاح مأمورین یعنی اعضای مأموریت اینها یک اصطلاح اعضای مأموریتی است (دکتر یگانه خدمه نیست) در پایین جزو آن در آورده انشاءاللّه توضیح خواهید داد، چون در بالا خوانده بودم دیدم به مستخدم، به خانمی که به هر ملاحظه از ملاحظات مستخدم است به نام مستخدم می آورند. اینجا به آنها هم عنوان سیاسی می دهند. بعد آمدم ببینم دولت، دفاعی که در مجلس سنا کرده چه بوده راجع به این موضوعی که به هر ملاحظه ای از ملاحظات در چنین مجلسی چنین شوری را ایجاب کرده و ۱۵ نفر گفتند که این لایحه برود به کمیسیون دادگستری چه عکس العملی در مجلس سنا نشان داده اند. من آنجا چیزی به نظرم نرسید جز اینکه آقای مهندس شریف امامی گفته اند «البته مقدور بوده که فردا جلسه فوق العاده تشکیل بدهیم، ولی چون کار مختصری است اجازه بفرمایید الآن تمام کنیم.» بعد هم نطق آقای میرفندرسکی که امروز زیارتشان می کنم. متن نطق ایشان را در توضیح این لایحه برای آقایان می خوانم، من آنقدر آدم بی ادبی نیستم، ولی باور کنید بدون شکسته نفسی اعتراف می کنم که تسلط بر لغات و معلومات من کم است برای اینکه نگفته باشم که بیسوادم، این است

که این کلمه تناقض گویی را به کار می برم، بنده در دفاع ایشان تناقض گویی فاحشی دیدیم. یک جا می گویند که «این مصونیت سیاسی نیست، اشتباه نشود» همان طور که جناب آقای نخست وزیر فرمودند خیلی از تصورات و اندیشه ها هست که آقایان سناتورهای عظام می دانند که بیاید در آن جرح و تعدیل کرد. شاید در نظر اول خیلی گرا ن باید که ما برای یک عده خارجی در ایران تقاضای مصونیت و معافیت بکنیم، ولی این مصونیتها و معافیتها را به خاطر آن خارجیها تقاضا نمی کنیم، ما برای خدمتی تقاضا می کنیم که آنها برای ما انجام می دهند. پس از اینکه زیاد برای این موضوع فکر کردیم و مشاوره کردیم با دستگاههای مختلف مملکت به این نتیجه رسیدیم که این مصونیتها و این مزایا ضرری برای دولت شاهنشاهی ندارد و معافیت مالیاتی است (عین عبارت است، بنده تحریف نمی کنم) که از حقوق آنها مالیات گرفته نشود و یا برای مسکن و تغذیه معافیت داشته باشند و به علاوه این نظر چیزی نیست که ما تنها کرده باشیم دولتهای دیگر هم کرده اند، دولت ترکیه هم کرده، دولت یونان هم کرده. این مستلزم همکاری است که ما با دولت آمریکا داریم و اگر فرض بفرمایید که ما این را به دولت دیگری بدهیم این صحیح نیست برای اینکه با دولت دیگری قرارداد دفاعی دوجانبه نداریم. پس با این توضیح ما بیخود حرف زدیم. این موضوع را اگر می فرمودند در چنین قانونی مطلب ساده و حل شده بود، تشکر می کنم، ولی نکته جالبی بعد می فرمایند که برای بنده جالب است.

می فرمایند توجه آقایان را جلب می کنم، چرا ما بهانه به دست دیگری بدهیم، می فرمایند اگر فرض

بفرمایید که ما این را به دولت دیگری بدهیم این صحیح نیست، خیلی کار مهمی نبود که ما توجه همه دولتها را به این موضوع جلب کنیم ولی معلوم می شود مسئله در سطح پایین بود، این دیگر لزومی نداشت که ما خوش خدمتی کنیم. البته ما ارزش کمکهای آمریکا را خوب می دانیم پس باید کارشناسان او را از مالیات مسکن معاف بکنیم، این هم عین عبارت بود که عرض می کنیم، دوباره تکرار می کنم در آنجا فرموده اید اگر فرض بفرمایید که آن را به دولت دیگری بدهیم، این صحیح نیست برای اینکه با دولت دیگری نه قرارداد دفاعی داریم اینجاست که دارد یواش، یواش موضوع اهمیت پیدا می کند. معافیت مالیات نیست چون مثل اینکه خدای نکرده کلمه رشوه توی آن مستتر است برای اینکه با دولت دیگری نه قرارداد دفاعی دو جانبه بستیم نه دولت دیگری را برای دفاع از مملکت خودمان اینطور شریک کرده ایم، می شود. بعد می گویند اگر اجازه بفرمایید متن یادداشتهای متبادله را خدمت آقایان تقدیم می کنم.

بعد مواد تقدیم می شود و با آن صورتی می آید که شنیدید چه بسا جزئیاتش را هم آقایان می دانید.

اما تیمسار صنیعی چرا من با این لایحه مخالفم؟ یک قصه دیگری را ناچارم عرض کنم روزی بنده در خیابان

استانبول قدم می زدم دیدم ۱

م یحیی، ۲۹غلام یحیی و ۱

شه وری، ۲۹پیشه وری و چند مأمور اجنبی با لباس فورم اجنبی و با اسلحه

توی خیابان اسلامبول گردش می کنند. بنده خیلی ناراحت شدم. برادر از دست داد، از تبریز تبعید شده، شاهد فجایع و جنایات آنها بودن، جدا تصمیم گرفتم یکی از اینها را بکشم. خوشبختانه طپانچه هم همراهم بود اما برای یک لحظه و یک آن، آن روز گریه داشت (چند نفر از نمایندگان خندیدند) خنده

داشت؟ برای بنده هم خنده نگذاشت گریه کنم و گریه نگذاشت خنده کنم، ناراحت شدم فکر کردم بزنم بکشم بعد فکر کردم یک حرکت بی نتیجه است. فرض کن، یک اجنبی را کشتم، چه می شود؟ اما نتوانستم تحمل کنم بعد از آن بلافاصله رفتم خدمت شادروان قوام السلطنه، البته پذیرائی بنده با این سن و سال یک هفته وقت می خواست ولی بنده زود خدمتشان رسیدم و به عرضشان رساندم که جناب آقای نخست وزیر یا به اصطلاح آن روز حضرت اشرف (یک نفر از نمایندگان جناب اشرف) بله حافظه ایشان از من قوی تر است، عرض کردم بنده زهتاب فرد، دارای چنین روحیه، چنین سابقی دیروز می رفتم اجنبی پرستان را در خیابان دیدم آمدم خدمت جنابعالی ببینم تکلیف ما چیست، ایشان فرمودند که خدا روحشان را شاد کند به بنده فرمودند دست و بال ما را نبندید، بگذارید کار کنم. کمال صداقت، کمال وطن پروری، کمال بزرگواری و کمال شاه پرستی و درایت در گفته ایشان محفوظ بود. بنده به ایشان عرض کردم که جناب اشرف اشتباه نشود ما مقداری از خاک آذربایجان را نمی خواهیم که آقا با سیاست مقداری از خاک را تحویل ما بدهید و وقتی که غرور ملی جریحه دار شد آن خاک دیگر به درد ما نمی خورد و بنده به نوبه خود این منطق جناب اشرف را قبول ندارم و بروم به نوبه خود وظیفه خود را انجام می دهم برگشتم پتوپریموس، ملافه خودم را به ۱۹ تومان فروختم و از اینجا تا اراک هم شاگرد شوفر شدم برای اینکه ۱۹ تومان ظرفیت بیشتر از آن را نداشت. از آنجا رفتم همدان و تفنگ گرفتم با همشهریهای غیور آذربایجانی که امروز همه شان در بدرند رفتم جبهه، سنگری قرار دادیم و مدافع حقوق و حیثیت مملکت شدیم. تیمسار اگر با این لایحه مخالفین به دلیل این است که البته تا ما را قانع نکنند این را عرض می کنم که با این لایحه روحیه سرباز ایرانی خدشه دار می شود،

غرور ملی خدشه دار می شود استقلال ارتش ما خدشه دار می شود، این استنباط بنده است، هیچ اعتراضی به بنده نکنید انشاءاللّه منطق قوی و بیان رسای نخست وزیر همین مسئله را برای من کوچک روشن خواهد کرد. در گذشته خواستند در ارتش نفوذ کنند نخست وزیرانی را سراغ داریم که وزارت جنگ می خواستند، چرا؟ آقایان بهتر از من می دانید و می دانستند که اگر در آنجا جای پا پیدا کنند هر لحظه هر منظوری برای آنها تأمین است. از آن موضوع نتیجه نتوانستند بگیرند. بیداری ملت ایران مشت محکمی به دهن آنها زد. خواهید بخشید من سیاسی نیستم اگر یک خرده باز و بی پرده حرف می زنم چون در مسائل مملکتی من هرگز حسابگر و معامله گر نبودم. امیدوارم انشاءاللّه جناب آقای نخست وزیر از همه رفع این نگرانی خواهند فرمود، این است که نمی توانیم در ارتش شاهنشاهی که پناهگاه محکم استقلال مملکت ما است، حیثیت ملی ما است به دست خودمان برای یک عده مصونیتهائی بدهیم. مطلب دیگر اینکه تا به امروز معمول این بود که تمام محاکم دادگستری تحت عنوان و تحت لوحه افتخارآمیز به نام نامی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آغاز می شود و تمام دادگاهها در زیر چنین ورقه افتخارآمیزی که برای همه ما حجت بوده و قاطع بود، رأی صادر می کند. این افتخار رژیم ما است این افتخار مملکت ما است که خاندان سلطنتی دعاوی حقوقی و جزائی و گرفتاریهای شخصی خودشان را از راه دادگستری ما تعقیب می کنند (احسنت) ارتشبد حجازی می داند که اگر خدای نکرده صد خدای نکرده لغزشی کرد، در همین دادگاه تحت محاکمه قرار می گیرد بطوری که دیدیم تحت محاکمه قرار گرفتند. بنده با استفاده از این سرمشق مبارک اعلیحضرت همایونی که در آخرین جلسه مصاحبه مطبوعاتی فرمودند آزادی منهای خیانت، حرف بزنم. رئیس محترم دولت می داند که نمی تواند بگوید زهتاب تو این بیانات را تحت تأثیر تلقین فلان شخص یا فلان بازیگر سیاسی یا صد خدای نکرده تحت تأثیر فلان سیاست قرار گرفته و قصد این را دارد که به روابط ایران و

آمریکا لطمه وارد کنی و آنها که با ما همکاری دارند آنها را دلسردسازی مگر من و همه همکاران ما و ملت ایران و بخصوص مردم آذربایجان می توانند همکاری صادقانه و شرافتمندانه ملت و دولت آمریکا در واقع آذربایجان نادیده بگیرند؟ (صحیح است) اما باری ما بیش از هر چیز غرور ملی لازم است. ملتی که غرور ملی نداشته باشد، هیچ چیز ندارد. ما به دست خودمان در خانه خودمان نمی توانیم و نمی بایستی به یک عده ای آن چنان آزادی بدهیم که خدای نکرده صد خدای نکرده اگر یکی از اینها منحرف سیاسی بود (این نکته باری مردم کوچه و بازار که فقط به غرور ملی و به رهبری شخص شاهنشاه متکی اند، نکته قابل اهمیتی است) که اگر یک از همانهائی که مصونیت سیاسی دارند خدای نکرده منحرف شد، اسرار اینجا را در کیف مبارکشان قرار داد یا اینکه خدای نکرده با جائی بند و بست پیدا کرد یا خدای نکرده، خود در آنجا یک رویه سیاسی خاصی را خواست طور دیگر عمل بکند، نتیجه اش چه می شود و ما هیچگونه نتوانیم آنرا محفوظ از هر گونه خطر و محافظت و کنترل قرار بدهیم لااقل من آن را به صلاح مملکت نمی دانم. چشم باز و گوش باز و این اعمی، حیرتم از چشم بندی خدا. همینطور لایحه ای می آید و آقایان هم قیام و قعود می فرمایند و با سرنوشت ملت، احساسات ملت، غرور ملت، گذشته ملت آن چنان ملتی که در آستانه تشکیل تاریخ افتخارآمیز ۲۵۰۰ ساله آن هستیم حالا بیائیم یک چنین سندی را امضاء کنیم بگوئیم دادگستریمان صالح برای تعقیب جزائی شما نیست، من شنیدم شاید اشتباه آمیز نباشد. گفتند در فراکسیون حزب ایران نوین یکی

از همکاران پاک دل یکی از همکاران دل سوخته، ما سؤال کرده اگر یک آمریکائی نیمه شبی آمد منزل بنده گلیم منزل را برداشت، اگر کرایه منزل بنده را نداد من یکی شکایتی کنم اینها که اینجا هستند می گویند ما اینجا مصونیم. ارزش ما به این مستمری ۲۵۰۰ تومان که نیست، ارزش ما باین نیست که به ما بگویند وکیل هستید، ارزش ما این است که ما بیائیم اینجا به تمنیات مردم رسیدگی کنیم. بیائیم استنباطات خودمان را عنوان بکنیم تا اگر چنین مصونیتی را به یک عده آدمی داده اند آن عده حساب شده می آیند و حساب شده قدم بر می دارند. یک موضوع دیگری را هم عرض کنم، من آدم سیاسی و سیاستمدار نیستم و بی پرده حرف می زنم ولی می دانید آن حرفی را جناب آقای نخست وزیر که منحرفین سیاسی شایع می کنند بنده بازیگر سیاسی به آن معنی نیستم، ترسی هم از عمر و زید ندارم. بنده حساب شده حرف می زنم، وحشتی هم از عمر و زید ندارم برای اینکه فقط به خداوند و شخص شاهنشاه و به ملت و به قانون اساسی متکی هستم (صحیح است) گفتند یک وقت اینجا یک آقای یاتسویک نامی بود گفتند این آقا در همه موضوعات دخالت می کرد (خواجه نوری یادسویچ کیست، ما که نمی شناسیم) این آقای یاتسویک مستأجر جناب آقای منصور بود، در کادر مأموریت خودش انجام وظیفه می کرد. بنده اینجا قسم خورده ام و همیشه افتخار می کنم به آن قسمم پایدار هستم. چند روز پیش به یکی از دوستانم گفتم خوبست ما اینجا یک دستگاه الکتریکی بگذاریم که وقتی پایمان را آنجا می گذاریم، جلو پایمان آرمی روشن بشود که قسمت را فراموش نکن (بانو دکتر پارسای هیچوقت فراموش نمی شود) هیچ وقت فراموش نمی شود مسلم است فراموش نمی شود. شما در این مملکت حقی به گردن خیلی ها دارید افراد زیادی را تربیت فرمودید و تربیت می فرمائید هم سرکار علیه، هم سایر خانمها عرض کنم حضور مبارکتان جناب آقای نخست وزیر اشاره ای به افکار منحط و منحرف خودند شما را به خدا مرا جزو آن نیاورید برای اینکه متأسفانه از مدتی به این طرف دارندگان

افکار منحط و منحرف فقط به یک سیاست خاصی متهم می شوند و بنده با آن سابقه ای که دارم مثل

اشهد ان لا اله الاالله همه جا این را یادآور بشوم این را همیشه می گویم اشاره به بیوگرافی می کنم که من

منحرف و منحط و از این قبیل دارنده افکار نیستم اما تجربه ام کم است غرور ملی و ایمانم محکم است

و بنده همیشه به ارتش شاهنشاهی افتخار می کنم. شبی که آرام می خوابم به خاطر آن است. هنوز

سربازانی که در سوم شهریور که این بیوگرافی را جناب آقای ۱

ی منصور، ۲۹علی منصور بهتر دارند این فداکاریها را

ارتش شاهنشاهی در نقاط مختلف ایران کردند اینها جزو افتخارات ما است، اینجا جزو غرور ملی ما

است. ما هرگز اجازه نخواهیم داد که خدای نکرده احساسات ملی ارتش ایران خدشه دار بشود و با

توجه جناب آقای نخست وزیر خدشه دار هم نخواهد شد. من همیشه به موکلین خودم در خارج

می گویم در مواردی که به بنده اعتراض دارید، به بنده دیکته کنید چون یک وکیل مجلس نمی تواند در

تمام موارد صاحب نظر باشد. آنها در تمام مسائل و مقررات نسبت به قوانین نسبت به وزارتخانه ها نظر

اصولی دارند می گویم تشریف بیاورید شخص بنده را معتقد بسازید و از دیکته کردن آنها هم ابائی

نداریم. آنها یادداشتهائی را به من داده اند که هم اکنون از رو می خوانم: «اصولاً» مصونیت به منظور

آنست که چنانچه دولت وقت در کشور با دستاویز قانونی خواست مأمورینی مانند سفیر دولت

خارجی یا وکیل همان کشور را از انجام وظیفه که ما طبق میل آن دولت نیست بازدارد آن مأمور یا آن

وکیل از دستاویز ساختگی دولت مصون بماند و بتواند وظیفه خود را انجام بدهد. در وضع حاضر به

هیچ وجه موجبی نیست دولت ایران بخواهد مستشاران نظامی آمریکائی را که خود استخدام کرده از انجام وظیفه شان جلوگیری کند و توضیح دیگری در این باره به نظرم زائد می رسد برای اینکه یک واقعیتی است و برای اینک یک مستشار خارجی حیثیتش حفظ شود و آزادی عمل داشته باشد باید از یک امتیازاتی بهره مند باشد ولی آن مستشاری که آمد اینجا و تا به حال هم کار کرده و هیچگونه عکس العملی رخ نداده و همه می دانند همکاری شده، حتی گاهی افسران جزء که در برابر افسران کل مقداری هم بی اعتنائی نشان داده اند بعضی از افسران ارشد، حتی آن را به لحاظ مصالح عالیه مملکتی ندیده گرفته اند با این تفاهم کامل و با این حس همکاری و صداقت دیگری مورد ندارد برای ما گفته شود که اما برای این مأمور فنی یک درجه دیگر و یک مصونیت دیگری داده شود. مأمورین سیاسی و یا اداری و یا فنی هر سفارتخانه که از مصونیت استفاده می کنند دارای اختیار و مسئولیتی در دستگاههای دولت ایران نیستند. آقایان توجه به این ملاحظات در سرنوشت رأی شما تأثیر خواهد داشت این آن چنان رأیی نیست که ما اگر بدانیم خدای نکرده تقصیرش توجه عمر و زید است کوتاه بیائیم یا یک وقتی اختلافی به جناب آقای منصور به ملاحظه ای از ملاحظات داشته باشیم کوتاه بیائیم یا بگوئیم امور حزبی حاکم بر جریانات است، این یک مسئله ایست که در سرنوشت ما در افتخارات ما در تاریخ در روابط ایران با خارجی ها تأثیر دارد من توجه آقایان را به این نکته جلب می کنم. مأمورین سیاسی و یا اداری و یا فنی هر سفارتخانه که از مصونیت استفاده می کنند دارای اختیار و مسئولیتی در دستگاههای دولت ایران نیستند تا متقابلاً موردی برای بازخواست از آنها پیش آید. چون کاری نباید بکنند حق مداخله ندارند و نمی توانند به آقای وزیر بگویند که این پرونده این طوری نشد آن طوری شد و یا فلان مأمور کاری ندارد بکند آیا اینهائی که ما به آنها مصونیت می دهیم وارد معقولات می شوند در حالی که مستشاران نظامی آمریکا در استخدام دولت ایران هستند و در امور

مربوطه دخالت و مسئولیتی دارند و در چنین مصونیتی اگر پیش آید که به نفع خود یا کشور خارجی علیه ایران از اطلاعات یا موقعیت خود سوء استفاده ای بکنند قابل تعقیب نخواهد بود. خلاصه در محیط ارتش که مراعات انضباط بسیار لازم است چنانچه اتفاقا بی انضباطی یا بی احترامی حتی هر گونه اهانتی از طرف این مأمورین و مستشاران نسبت به فرماندهان ارتش بود چون مصون از تعقیب و بازخواست هستند، جناب آقای حاذقی قطعا سوء اثر زیادی از لحاظ تعصب ارتشیان که آقا نیز مقید هستید و غرور ملی ایشان که آقا مظهرش هستید پیش بیاید و این گرفتاری برای مملکت یک گرفتاری همیشگی خواهد بود. البته توضیحات در این زمینه بیشتر است و بنده فکر می کنم بیش از این وقت آقایان را نگیریم چون احتمال می رود که سایرین هم مطالبی داشته باشند که هستند و محکم و اصولی تر از بیانات بنده باشد چون ممکن است توأم با احساسات بنده مطالبی عرض کرده باشم گو اینکه سعی می کنم که عرایض بنده در پشت تریبون توأم با احساسات نباشد بلکه همیشه معتقدات من بر بیان من و عرایض من حکومت کند. جناب نخست وزیر فرمودند افتخار دارم و همیشه هم در لوایحی که تقدیم مجلس می کنند می فرمایند دولت افتخار دارد گاهی بنده مخالفت می کنم آیا باید احساس خفت کنم و این برای بنده یک مسئله ایست. این لایحه هم که تقدیم مجلس شد باز رئیس دولت افتخار کردند از تقدیم این لایحه و بنده که مخالفت می کنم باز باید سرخورد را پائین بیندازم و احساس شرم بکنم در حالی که هر نماینده مخالفت احتمالی و استنباطات و تجربیات سیاسیش را

یادآور می شود. اشاره فرمودند که گاهی بعضی از کارها مثل عملیات جراحی است واقعا هم همینطور است برای عده ای این صحت پیدا می کند. قرار داد ۱۹۱۹ یک قراردادی بود و عاقدش یک عمل سیاسی کرد به لحاظ موقعیت خاص آن روز در سیاست گاهی این کار پیش می آید که رئیس دولت یا حتی پارلمان یک عمل جراحی انجام می دهد اما آن جراحی که دست بنده را می برد لااقل به خانواده من آن اطمینان را می دهد که دست این فرد را برای این می بریم که جانش در نرود و ما هم در این مورد باید به افکار عامه که خانواده ما هستند این اطمینان خاطر را بدهیم اگر چنانچه خدای نکرده در تصویب این لایحه اقدام می کند به سود ملت بزرگ ایران هم عمل می کند. (احسنت). من نمی دانم چطور شده ولی یکی از دوستان برای بنده شعری فرستاده این را می خوانم و با اجازه شما رفع زحمت می کنم. انتظار دارم این شعر بنده ایجاد سوء تفاهم نکند به نظر من از کتاب خود بنده است که دوست من همینطور که ورق می زد به نظرش خورد و گفت اگر مناسبتی دیدی عنوان کن، بنده کتمان نمی کنم مناسبتی ندیدم اما از لحاظ ادب و نزاکت حالا که وقت آقایان را زیاد گرفتم این دو بیت را می خوانم:

کس نیست تا بر وطن خود گرید

بر حال تباه مردم، بد گرید

دی بر سر مرده ای دو صد شیون بود

امروز یکی نیست که بر صد گرید

(احسنت، احسنت)

نایب رئیس آقای نخست وزیر

نخست وزیر بنده تصور نمی کردم بعد از توضیحاتی که تا حدودی کامل بود در این مورد داده شد، احتیاجی به ذکر مسائل دیگر داشته باشم ولی چون در مقابل هر مطلبی که گفته می شود اگر به

موقع پاسخگوئی نشود احتمالاً یک نظریاتی را که صرفا روی وطن پرستی اظهار می شود ولی عملاً به جزئیات امر وقوف کامل نیست نوع دیگری ممکن است تعبیر شود از طرف دولت ضروری است جواب داده شود. بنده بطور کلی جریان این لایحه را عرض کردم که قبل از تشکیل مجلس چون قرار داد منعقده بین دولت ایران و دولت آمریکا می بایست هر سال یک بار تجدید شود و نحوه کمک های خارجی تغییر کرده است و در این موقع هم نمی شد دستگاه مملکت و دستگاه ارتش و احتیاجات فنی آن را موقوف و متوقف کرد. دولت وقت طبق یادداشتی به سفارت آمریکا مراتب موافقت خودش را اعلام کرد و سفارت آمریکا هم از طرف دولت آمریکا وصول این یادداشت و موافقت خود را اعلام کردند البته به بنده نوشته اند که این یادداشت کی مبادله شده است؟ در حدود ماه مهر سال گذشته، یعنی در حقیقت شش ماه قبل از تشکیل این دولت و کابینه کاملاً ضرورت داشته است و بسیار هم به موقع انجام شده است و با تشخیص صحیحی هم بوده است و روی همان موضوعاتی که عرض شد اصلاً این مسائل را با احساسات مخلوط کردن به هیچ وجه من الوجوه معقول و منطقی نیست (صحیح است) برای اینکه همینطوری که جناب آقای زهتاب فرد فرمودند در کوچه و بازار یا تحت تحریکات داخلیان یا خارجیان به عناوین مختلف از ناحیه سیاست بافان ممکن است مطالبی گفته بشود و به گوش بخورد ولی این مطالب در بین ارکان مملکتی و قوه عاقله مملکت باید نوع دیگری تعبیر و تفسیر بشود و مصالح مملکت نوع دیگری تشخیص داده شود و قدرت و شهامت اجرای کار هم نوع دیگری باشد والا هیچ کار مثبتی در مملکت قابل اجراء و انجام پذیر نیست و باید در فکر ارضاء خاطر افکار مختلفی بود که از مجاری خاص ناشی می شود و متأسفانه در بین کسانی که وارد جزئیات و کلیات و

مسائل بین المللی و فنی نیستند امکان دارد تأثیر خودش را هم بکند بنده وقتی لوایحی را تقدیم کردم عنوان افتخار گذاشتم چون هر کاری که در این مجلس فکر می کنم که از طرف دولت عرضه می شود باید با اداء جملات احترام آمیز به مقام مجلس بشود (احسنت) و این لایحه را هم امروز به عنوان دولت و معتقد به اینکه ارتش شاهنشاهی ایران و نیازمندیهای فنی ما ضرورت دارد که این وسایل ابتدائی محدود و معقولی را که در تمام کشورهائی که مشابه ما عمل می کنند نظایر بی شماری دارد و دفاع بکند ولو اینکه افتخار تقدیم این لایحه را هم نداشته است. مغالطه کردن در این مسائل و نکاتی را که اتکاء به صحتش نباشد بهتر است در یک مکانی مثل مجلس شورای ملی ذکر نشود، چنانکه اشاره کردند که بنده مستأجری دارم. بنده غیر از خانه مسکونی خانه ای ندارم و در آن خودم ساکن هستم و مستأجری هم ندارم اگر به نام کس دیگری یا فردی که قرابتی با بنده داشته باشد مسئله ای نیست، خاصه به اینکه ایشان در چنین مملکتی و پشت چنین تریبونی اجازه بدهند که بگویند یک خارجی ممکن است در سرنوشت مملکت ایران دخالت داشته باشد اینها مسائلی نیست که قابل عفو و اغماض باشد.

بنده بیش از این دیگر جواب عرض نمی کنم ولی همین دو کلمه ای را که گفتم جوابگوی تمام فرمایشات جنابعالی است و باید با حقیقت و صداقت صحبت کرد. این لایحه به هیچ وجه من الوجوه جا ندارد که این مسأله در آن گفته شود. اگر کسی در خارج حرفی زده است اطمینان داشته باشید افکار عمومی نیست (صحیح است) افکار عمومی افکاری است که با کارهای مثبت این دولت و رهبری شاهنشاه و خدمات صادقانه این مجلس باید تقویت و تحکیم شود، همین حرفها است که افکار مردم را منحرف می کند و از جاده حقیقت خارج می کند و کسانی که مغرض و کسانی که خائن به این مملکت هستند از داخل و خارج از لابلای این حرفها استفاده می کنند (جاوید این جور نیست)

ما باید گوش بکنیم که کاملاً با اتحاد و اتفاق و هم آهنگی و هم فکری، نگذاریم کسانی اصولاً فکر این مسائل را به کله شان خطور بدهند (صحیح است) که در چنین دوره ای و چنین دولتی احتمال داده شود که به حیثیت مملکت یا به استقلال مملکت خدشه ای وارد شود (صحیح است) نه این دولت خودمختار است و نه این مملکت بی صاحب است که این مسائل را کسانی دیگر درک بکنند ولی صاحبان واقعی مملکت واقف نباشند و اطلاعی نداشته باشند این اصلاً امکان ندارد، شاهنشاه ایران هستند، خانه ملت ایران هست، دولت خدمتگزار و صدیق این ملت است (صحیح است) و این مسائل را اگر ما بخواهیم در افکار کاملاً احساساتی و توجه به این که فلان کس در فلان مجلسی چه گفته است افکار عمومی چنین قضاوت می کند، آن بریدگی و آن جراحی را هم که من در اینجا اشاره کردم آن جراحی کارهای مثبت و عملی دولت است که باید یک ملتی را به شاهراه ترقی و سعادت سوق بدهد و آن کار سازندگی این مملکت است که با عوام فریبی و منفی باقی تطبیق نمی کند. بنده وارد جزئیات این مسائل نمی شوم ولی چند کلام بنده جوابگوی ساعتها صحبتی است که

روی افکار واهی سیر می کند.

رامبد آقا رئیس اجازه ندهید که اینطور صحبت کنند (همهمه نمایندگان).

جاوید با ادب صحبت کنید (زنگ نایب رئیس).

نخست وزیر بنده با ادب صحبت می کنم (جاوید مؤدب صحبت کنید) منظور بنده افکار واهی

است که در خارج از مجلس کسانی هستند که این افکار را می گویند، جناب آقای رامبد، بنده اگر هیچ خصلتی نداشته باشم، خصلت ادب و فروتنی را دارم. (احسنت) و می دانم کلمات را در چه قالبی اداء بکنم و بدانید که بی گدار به آب نزدم و و بی مصلحت هم در این جا ریاست دولت را احراز نکردم (صحیح است، احسنت) بنده از حضور نمایندگان محترم استدعا می کنم که این مسائل را از دریچه چشم حقیقت بین نگاه کنید و با توضیحات کافی که دولتی را که خود شما به وجود آورده اید و مبعوث شاهنشاه و مورد حمایت کامل شماست و ما هم در یک راه و یک صف خدمت می کنیم و بنده بارها گفتم که این زمان دولت و مجلس به هیچ وجه از هم جدا نیستند (صحیح است) و هیچ کاری نیست که ما بکنیم مگر اینکه صد درصد افراد مؤمن و معتقد و با ایمان از آن حمایت و پشتیبانی نکرده باشند. افتخار این دولت و این مجلس در همین یگانگی و همرنگی است و می خواهد که همه یکسان و یک شکل درباره مسائل قضاوت بکنند و فکر نمی کنم که وطن خواهی و وطن پرستی ... (جاوید در انحصار شما باشد) انحصاری باشد، متعلق به کسان خاصی باشد ما هیچ فردی را از فرد دیگر وطن پرست تر نمی دانیم. با این توضیحاتی که بنده عرض کردم استدعا می کنم چند دقیقه آقای میرفندرسکی نسبت به موارد مشابه این یادداشت مبادله بین دولت ایران و دولت آمریکا که در سال گذشته انجام پذیرفته و چون مجلس نبوده است موکول به تصویب مجلس شده است قرائت بکنند و تصور می کنم که پاسخ کافی نسبت به فرمایشات آقایان در این جا باشد. بنده بقیه وقت خودم را به آقای میرفندرسکی می دهم که آن یادداشت را جهت استحضار بیشتر نمایندگان محترم قرائت بکنند (احسنت، احسنت).

نائب رئیس آقای میرفندرسکی.

میرفندرسکی (معاون وزارت امور خارجه) سفارت کبرای آمریکا طی یادداشت شماره ۴۲۳

مورخ ۱۹ مارس ۱۹۲۲ (اسفند ماه ۱۳۴۰) ضمن موافقت با تمدید خدمت هیئت های مستشاری نظامی آمریکا در ایران برای یک سال دیگر تقاضا نمود برای روشن شد وضع کارمندان این هیئت ها و تسهیل انجام مأموریت آنان، کارمندان مزبور از امتیازات و مصونیتهای مربوط به کارمندان اداری و فنی پیش بنی شده در قرار داد بین المللی وین مربوط به روابط سیاسی مورخ ۱۹۶۱ برخوردار باشند.

در این باره مذاکرات و مکاتبات مفصلی بین مقامات شاهنشاهی و سفارت کبرای آمریکا به عمل آمد و در نتیجه هیئت وزیران در جلسه ۱۳ مهر ماه ۱۳۴۲ تصویب نمود که پس از تصویب قرارداد بین المللی وین از طرف مجلسین، رئیس و اعضای هیئت های مستشاری نظامی آمریکا در ایران از مزایای کارمندان اداری و فنی موصوف در قرارداد مزبور بهره مند گردند.

لایحه مربوطه در تاریخ ۲۵ دیماه ۱۳۴۲ به مجلس سنا تقدیم گردید و در تاریخ سوم مرداد ۱۳۴۳ به تصویب آن مجلس رسید و به مجلس شورای ملی فرستاده شده است تا پس از خاتمه تعطیلات تابستانی از طرف مجلس شورای ملی مورد مطالعه و تصویب قرار گیرد.

طبق ماده واحده ای که به تصویب مجلس سنا رسیده است و اکنون برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم می گردد، به دولت اجازه داده می شود که رئیس و اعضای هیئت مستشاری نظامی ایالات متحده آمریکا را در ایران که به موجب موافقت نامه های مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی می باشند، از مصونیت ها و معافیتهائی که شامل کارمندان اداری و فنی مصوب در بند «و» ماده اول

قرارداد وین مصوب... می باشد برخوردار نماید.

انواع مصونیت ها مصونیت ها و معافیتهایی که به کارمندان اداری و فنی تعلق می گیرد در مواد ۲۹ تا ۳۵ قرارداد وین قید گردیده است. (متن مواد مذکور در فوق ضمیمه است).

نکته قابل توجه این است که طبق بند ۲ ماده ۲۷ قرارداد وین مصونیت از صلاحیت مقامات دولت پذیرنده در امور مدنی و اداری شامل اعمال خارج از وظایف کارمندان فنی و اداری نمی گردد. از این جهت به این عده برخلاف مأمورین سیاسی که مصونیت کامل دارند مصونیت محدود تعلق می گیرد.

با توجه به این نکته اساسی مسلم است در صورتی که مشمولین این ماده در خارج از وظایف اداری خود در نتیجه تجاوز به حقوق افراد مسئولیت مدنی و یا اداری پیدا کنند، رسیدگی به امر در صلاحیت محاکم صالحه کشور پذیرنده خواهد بود.

۱ هیئتهای مستشاری نظامی آمریکا در ایران و کارمندان آن به درخواست صریح و به منظور انجام خدمات مورد تقاضای دولت شاهنشاهی از سال ۱۳۲۲ به ایران اعزام می گردند (پاینده چرا عجله می کنید آهسته بخوانید) ملاحظه شما را می کنیم (پاینده ملاحظه پیرها را هم بکنید) شما به سن پیر ولی به روح جوان هستید.

۲ هیئت های مستشاری نظامی آمریکا در ۳۸ کشور به تقاضای آنها انجام وظیفه می کنند و در همه این کشورها به شهادت قراردادهای موجود از مصونتیهای شبیه به آنچه به کارمندان مأموریتهای سیاسی تعلق می گیرد برخوردار می باشند. قراردادهای مذکور گاهی دو جانبه است مثل قرار داد آمریکا و یونان مورخ ۱۹۴۶ و قرارداد آمریکا و پاکستان مورخ ۱۹۵۹ و زمانی چند جانبه است مثل قراردادهای پیمان آتلانتیک شمالی و پیمان دفاعی جنوب شرقی آسیا S.E.A.T.O

ملاحظه می فرمایید در کلیه کشورهائی که کارمندان نظامی آمریکا چه کارمندان هیئت های

مستشاری، چه افراد جنگی در آن اقامت دارند وضع عمومی آنان به وسیله قراردادهای دو جانبه معروف به STATUS OF FORCE)AGREEMENT) و با پیمانهای تدافعی چند جانبه (پیمان آتلانتیک شمالی و پیمان تدافعی جنوب شرقی آسیا) روشن و تصریح گردیده است.

کشورهائی که پرسنل نظامی آمریکا اعم از مستشاران و یا افراد جنگی را می پذیرند بنا به مصونیتی که طبق موافقتنامه ها به آنان می دهند از صلاحیت جزائی خود در مورد آنان صرف نظر می نمایند. ولی همان طور که فوقا ذکر شد در ماده ۳۷ قرار داد وین نیز مصرح است این سلب صلاحیت در امور جزائی، به هیچ وجه خدشه ای به صلاحیت مقامات کشور پذیرنده در رسیدگی به مسئولیت مدنی و پرداخت غرامات و جبران خسارات در مورد اعمال خارج از وظایف آنان وارد نمی آورد. این نکته اساسی در مذاکرات میان سفارت کبرای ایالات متحده آمریکا و وزارت امور خارجه مورد توجه و تصریح کامل قرار گرفته است. مقامات آمریکائی رسما و صریحا اعلام داشته اند که در صورت شمول قرارداد وین به پرسنل نظامی آمریکا افراد نظامی آمریکا از لحاظ مدنی در صورت حقی که از یکی از افراد ایران تضییع گردد کماکان در محاکم ایران قابل تعقیب خواهد بود.

مطلبی که تذکر آن را لازم می داند، اینست که در قراردادهای دو جانبه ای که بین آمریکا و سایر دول منعقد گردیده قید شده است که تشخیص اینکه اعمالی که موجب تضییع حقوق افراد شده و قابل تعقیب است، مربوط به انجام وظیفه بوده یا خارج از آن در درجه اول در صلاحیت مقامات نظامی

آمریکا است. و در صورتی که با اعطای مصونیت های کادر اداری و فنی مندرج در قرارداد وین این تشخیص در صلاحیت دولت شاهنشاهی می باشد.

نایب رئیس آقای طباطبائی.

طباطبائی بنده مخالفم.

نایب رئیس آقای قراچورلو موافقید، بفرمایید.

قراچورلو بنده در مقام دفاع از این لایحه نیستم، چون جناب آقای نخست وزیر و سایر همکاران محترم به اندازه کافی از لایحه دفاع فرمودند و آنچه که باعث تأسف بنده است و حقیقتا باعث تأسف همه نمایندگان و هر ایران وطن پرستی است، این است که در پشت تریبون مجلس صحبت هائی می شود که واقعا هیچ شایستگی ندارد. دولتی است مبعوث شاهنشاه و مبعوث مجلس شورای ملی مورد حمایت اکثریت نمایندگان محترم. لایحه ای از طرف این دولت تنظیم و به مجلس تقدیم شده است (مهندس ریاحی دولت سابق تنظیم کرده) دولت سابق تنظیم کرد، از طرف دولت حاضر لایحه اش به مجلس تقدیم شد. اصولاً توهم این که دولت حاضر لایحه ای به مجلس بیاورد که خدای نخواسته به حریم قانون اساسی تجاوز بکند هیچ مورد ندارد (صحیح است) (مهندس معین زند نخواهد کرد) این لایحه بیشتر مربوط به ارتش شاهنشاهی ایران است. ما همه تصدیق داریم که ارتش شاهنشاهی ایران در گذشته به رهبری شاهنشاه بزرگ ارتشاران خدمات ذیقیمتی به مملکت ما انجام داده (صحیح است) ذیل این لایحه را وزیر جنگ امضاء کرده، وزیر جنگ یعنی مأموری که تحت ریاست مستقیم اعلیحضرت همایون شاهنشاهی انجام وظیفه می کند (صحیح است) پس این توهم که چنین لایحه ای خدای نخواسته به حریم قانون اساسی

تجاوز بکند، صحیح نیست چون بزرگتر از همه و بالاتر از همه واقعا شاهنشاه مملکت ما مراقب

اوضاع و اجرای قوانین مملکتی هستند (صحیح است) اگر خدای نخواسته روزی دولت حاضر که مورد حمایت اکثریت نمایندگان مجلس شورای ملی و حزب ایران نوین هستند، لایحه ای بیاورند به مجلس که خدای نخواسته به رحیم قانون اساسی تجاوز شده باشد، اطمینان داشته باشید که اولین مخالفت را با دولت خود ما خواهیم کرد (روحانی نمی آورد) این جا عنوان شد، پرده ها را بالا می زنیم، اصلاً در مملکت ما پرده ای وجود ندارد که بالا بزنند (صحیح است) انقلاب ششم بهمن به رهبری شاهنشاه عالی قدر ما سدها را شکست، پرده ها را پاره کرده و پرده ای در این مملکت وجود ندارد و اگر ادعا می کنید پرده ها را بالا می زنید بهتر است که واقعا بالا بزنید که ما هم بدانیم چیست. مملکت ما همیشه پرچمدار تمدن بوده و هست. ما دو هزار و پانصد سال تاریخ مدون داریم اگر در قرون و اعصار گذشته خون ریزان به تاریخ به مملکت ما هجوم کردند، پس از مدت به سایر قلیلی تحت تأثیر افکار وطن پرستانه ملت ما قرار گرفته و مضمحل و نابود شدند. پس هیچوقت ما مستعمره نبودم و نخواهیم بود (صحیح است) (دکتر زعفرانلو فکرش را هم نمی کنیم) سیاست مملکت ما با دول خارج براساس احترامات متقابل بوده و هست و بقدری روشن است که هیچگونه جای توهمی برای هیچ فردی در مملکت باقی نخواهد گذاشت. اعلیحضرت همایون شاهنشاه در نطق افتتاحیه مجلس سنا فرمودند، مقدرات مملکت ما در داخل مملکت و به اراده خودمان تعیین می شود (صحیح است) این فرمایش شاه است وقتی شاه مملکت می گوید مقدرات خودمان را خودمان تعیین می کنیم، توهم این که لایحه ای به

مجلس باید و این لایحه اختیار ما را به دست خارجی بسپارد. این خبط و خطا است اصولاً حتی توهمی نباید بکنیم و نباید داشته باشیم با توجه به توضیحاتی که عرض کردم، لایحه ایست که دولت تقدیم کرده به مجلس، همان طور که مأمورین سیاسی از یک مصونیتی استفاده می کردند، در این لایحه پیشنهاد شده که مأمورین نظامی هم که در خدمت دولت هستند و بنا به اراده دولت از آنها دعوت می شود و یا به خدمتشان خاتمه داده می شود، از این مصونیت استفاده کنند (یک نفر از نمایندگان محدود است) (صادق احمدی محدود به چیست؟) جناب آقای معاون وزارت خارجه کاملاً متن و مکاتباتی را هم که مبادله شده بود، قرائت فرمودند. آن دسته از همکاران محترم خودم که در جلسات متعدد در حزب ایران نوین با حضورشان این لایحه مطرح شده و موافق و مخالف آن صحبت کردند، البته مخالف که نداشتیم ولی عده ای از همکاران بودند که توضیحی داشتند و توضیح کافی در حزب داده شد. اطمینان داریم که به این لایحه رأی مثبت خواهید داد و با رأی مثبتی که اکثریت به این لایحه خواهیم داد، دولت را در خدمات ملی و اجتماعی خودش تأیید خواهیم کرد و اطمینان داریم که این دولت خدمتگزار به هیچ وجه راه نا صواب نخواهد رفت. (احسنت)

نایب رئیس پیشنهادی از عده ای از آقایان نمایندگان رسیده است، قرائت می شود

(به شرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد می نماید، به علت طول بحث، جلسه تعطیل و باقی مذاکرات به روز پنجشنبه موکول شود

مصطفوی نیری طباطبائی جاوید دکتر بقائی یزدی حبیبی رامبد پاینده رجائی و چند امضای دیگر.

خواجه نوری بنده مخالف این پیشنهاد هستم.

مهندس صائبی مخالفیم.

پاینده بنده موافق پیشنهاد هستم.

نایب رئیس آقای خواجه نوری مخالفید؟ بفرمایید.

خواجه نوری بنده گمان می کنم با توضیحاتی که جناب آقای معاون وزارت خارجه دادند و تاریخچه این مطلب را بیان کردند و مجلس شورای ملی را روشن کردند، اهم مذاکرات انجام پذیرفته، ما هم آماده هستیم اگر آقایان و دوستان ما ایرادی داشته باشند و توضیحاتی بازدارند، بفرمایند. با حوصله و شکیبائی گوش خواهیم کرد، باز هم سؤالی داشته باشند جواب آنرا تقدیمشان خواهیم کرد لیکن روز پنجشنبه مطابق آئین نامه تشکیل جلسه امکان پذیر نیست، چون انتخاب هیئت رئیسه است (صفی پور امروز عصر جلسه تشکیل بشود) امروز عصر جشن مهرگان است، ما حالا هم فرصت داریم مشورت می کنیم و بحثمان را ادامه می دهیم، هر وقت خود مجلس تشخیص داد کفایت مذاکرات رأی می گیریم. استدعا دارم که (صفی پور مشورت با شکنجه است. اجازه بدهید ناهار بخوریم، برگردیم) رشته کلام بریده می شود بعد اگر فرمایشی دارید بفرمایید ما گوش می کنیم جواب می دهیم و با فرصت کافی در اختیارتان هستیم و مجلس را تعطیل نفرمائید استدعا می کنم.

نایب رئیس متأسفانه این موجود سیاری که اسمش زمان است در دست ما نیست. گاهی دو بعد از ظهر در حالی که همه قیافه ها از گرسنگی ناراحت است و رنج می برند، اینجا نشسته اند (نمایندگان چنین چیزی نیست) بنده حق دارم مطابق آئین نامه پنج دقیقه اینجا مزاحم بشوند استدعا می کنم از

مقام محترم ریاست اگر یک یا دو دقیقه بنده دچار پرگوئی شدم لطفا عنایت بفرمایند.

نایب رئیس چون خود جنابعالی به نظامنامه خیلی عقیده دارید و غالبا تخلف از نظامنامه را تذکر می دهید از آن نظر عرض کردم.

پاینده متشکرم. گفتم یک عرب، عرب با عین رفت در خانه خلل ابن احمد و شترش را بست دم در، رفت توی خانه. من ناچارم این جمله را با عربی بخوانم گفت: علمین النحو و الفقه و الحساب و ناقتی علی الباب. خلیل ابن احمد یکی از علماء زمان خودش بود. آقایان این عرب بیابان گرد آمد آنجا گفت من می خواهم نحو و فقه و حساب یاد بگیرم، شترم هم دم در است عرض کنم به حضورتان یک قوانینی گفته شده است اما همه این مذاکرات در شأن مجلس است. ما درباره خلوص نیست و این انقلاب اصیل هیچکدام تردیدی نداریم این مباحث هم نبایستی کسانی را آزرده خاطر کند یادم هست جفرسن گفته است من به آنچه که می گویند مخالفم ولی اینقدر انصاف دارم که هر چه می خواهند بگویند حرفشان را بزنند. به نظر بنده این مبداء یک بحث پارلمانی باید باشد والا خشم و ناراحتی که احیانا خود بنده هم مصون نیستم یا مصون هستم، نباید باشد. یک جریانی هست یک تصویب نامه ایست و یک معافیت هائی است که بنده باید عرض کنم که آن مصونیت های محدود، محدود به امور مالی است و در امور جزائی نامحدود است بعلاوه راجع به آن مطالب در ماده ۲ هست، اینها را در بحث مواد عرض می کنم بنده تعصبی ندارم آقای معاون وزارت امور خارجه بنده شاگرد شما هستم (معاون وزارت امور خارجه استاد من هستید) این مصونیتهای الآن جاری است الان هست الان عمل می شود یک عده از دوستان آمدند گفته اند که این بحث را برای فردا بگذاریم یا پس فردا و حق این است. واقعا نمی دانم این را در کلمه چه جور تعبیر بکنیم. در تنگنا گذاشتن چه اثری دارد. بنده نمی دانم که آقا الآن بنشینند و نروید، بنده هم بدون اجازه آقایان نمی روم و خوشبختانه یک غیبت هم

در دفتر مجلس به نام بنده ثبت نشده است اما درباره لایحه که نمی دانم چه جور رأی خواهم داد ولی قدر مسلم این است که این مقداری رأی گرفته می شود. آقای رئیس الوزراء هم اینجا تشریف آورده اند و بعد از مدتی زیارتشان کردیم و به هر حال مخالف و موافق بحث گرم و شیرینی را شروع کردند که همه از حرارت و از گرمی و علاقه و وطن پرستی است منتهی هر کسی از یک طرف گفتند در سر گذرگاه یک سپری گذاشته بودند، یک روی آن را سرخ کرده بودند، روی دیگر را سفید. یکی از این طرف می رفت سرخ می دید و یکی از آن طرف می رفت سفید می دید. اینها با هم بحث کرده بودند یکی از چشم بالا می بیند، مصلحت و یکی از چشم دیگر می بیند، نامصلحت و این مصلحت و نامصلحت را نمی دانم چگونه، عرض کنم، بنده نظریم نه ضرورتی دارد که ما بگوئیم بماند برای جلسه بعد و دوستان اکثریت بنده که به فرد فردشان احترام می گذارم بگویند در همین جلسه باید تمام شود این افتخار بنده است که افتخار زندگی بنده است در مدتی که اینجا بودم به قدری مردان نخبه در این مجلس شناخته ام که اگر دنبال مردمان نخبه در سراسر دنیا می گشتم این اندازه نخبه را پیدا نمی کردم. از بخت خودم ممنونم که در ظرف بیست و دو سال که پشت در این مجلس ماندم و آقای خسروانی که آن وقت بچه دبستانی بودند و حالای مردی شده اند و مقام وزارت را دارند نمی دانم راجع به مسئله فوریت آیا به نظر شما نظر محترم هیئت دولت نظر هیئت محترم اکثریت است که الان شتر در خانه است و فوری یک رأی تصویب شده بدهید. بنده به هر حال یک رأی دارم آن هم در موقع رأی دادن به صورتی

خواهم داد، استدعا می کنیم حسن نیتی را که همه داریم از این حس نیت استفاده کنیم و واقعا به ندای قلبتان جواب بدهید. آیا سزاوار است درباره موضعی که به هر حال یکی از لوایح عادی نیست که بگوئیم دویست و هفتاد و سه ریال مابه التفاوت قیمت پول تراکتور فلان آقا در شرکت روستائی فلان را ببخشیم. با این عجله چرا باید بگذرد خوب یک جلسه دیگری می نشینیم بنده هم رأی می دهم همه هم قطعا به این مطلب رأی می دهند به خصوص توجه جناب آقای نخست وزیر را جلب می کنم طبیعت انسان جوری است که وقتی مطلبی را فهمید و درک کرد، می ایستد و گوش می دهد و با تمام شجاعت پشت سرش است. قربانتم. ما متأسفانه پیاده هستیم و متأسفانه با مرهمت بعضی ها در کوچه راه می رویم، عرض کردم، بحثی که شده است نمی خواهم از سر بگیرم ممکن است با بسیاری از آنچه دوست بسیار عزیزم آقای زهتاب فرد فرمودند، موافق نباشم ولی نمی توانم ایشان را تمجید نکنم به هر حال باید گفت اینجا جای بحث است همان طور که هیئت محترم دولت با سرافرازی و شجاعت کامل تمام مطالب خودشان را می آورند، مطرح می کنند شطرنج یک طرفه در دنیا وجود ندارد و یا لااقل آدم را دیوانه خواهد کرد که آدم بنشیند و هی مهره بریزد بنابراین بنده استدعا می کنم موافقت بفرمایند بنده که استطاعت خوردن گرسنگی بیشتر از این ندارم چون در او عمر به حد کافی گرسنگی خورده ام ماندن یکی دو ساعت در سرنوشت این لایحه در مجلسی که همه نسبت به دولت انقلاب لبریز و مالامال از خلوص هستند هیچ تأثیری نخواهد داشت. این عرایض بنده است به نظر می رسد که اینطور بهتر است.

نایب رئیس توجه بفرمایید این پیشنهاد را به رأی مجلس می گذاریم خانم ها و آقایانی که موافقند (خواجه نوری روز پنجشنبه نمی شود انتخابات هیئت رئیسه است) پیشنهاد مجددا قرائت می شود.

پیشنهاد می نماید به علت طول بحث جلسه تعطیل و باقی مذاکرات به روز پنجشنبه موکول شود

مصطفوی نیری طباطبائی جاوید دکتر بقائی یزدی حسینی رامبد پاینده رجائی و چند

امضاء دیگر.

نایب رئیس به این پیشنهاد رأی می گیریم خانمها و آقایانی که موافقند قیام فرمایند (عده کمی

برخاستند) تصویب نشد.

پیشنهاد دیگری رسیده است خوانده می شود.

(به شرح زیر خوانده شد)

«ریاست محترم مجلس شورای ملی چون بحث کافی در موضوع لایحه شده است اینجانب

پیشنهاد کفایت مذاکرات می دهد محسن خواجه نوری»

نایب رئیس آقای سرتیپ پور مخالف این پیشنهاد هستید؟ بفرمایید.

سرتیپ پور بنده به اندازه یک نفر و یک رأی باید در این کار مداخله داشته با شم و این یک

رأی را هم موقعی می توانم بدهم که بفهمم چه شده، بنده ایراد کردم که این لایحه مخالف با قانون

اساسی است. آمدند، گفتند نیست من دلیل گفتم و گفتم به چه دلیل مخالف قانون اساسی است ولی

ایشان که فرمودند نیست، دلیل نیاوردند. قسمت دوم صحبت این بود که این لایحه را بدهیم به

کمیسیون جنگ و کمیسیون دادگستری از نظر اینکه یک لایحه صددرصد داخلی است، مخالفت شد

پس معلوم شد صد در صد خارجی است اگر خارجی است یک فوریتی نمی تواند باشد چون این اصل است. رأی دادن ما هم در اصل تغییری نمی دهد اما یک کاری بکنید که ما فردا در فشار قرار نگیریم. آقایان قضاوت نسبت به دولت است، قضاوت با ملت است، قضاوت با نمایندگان است، حساب بکنید ابراز قدرت ننمائید قدرت نمایاندن کار بزرگی نیست اکثریت می تواند ستمگر باشد ولی اگر تثبیت کرد ستم خودش را دچار ستم می شود. اصول برای این ملت لازم است یا نه؟ ستم را خودش دچار ستم می شود. اصول برای این ملت لازم است یا نه؟ اگر هست احترام بگذارید اگر نیست خیلی خوب آنچه که بشود به تصویب شما خواهد شد خدا بداند (ملت ایران بداند که ما گناهی نداریم (احسنت)

نایب رئیس آقای خواجه نوری.

خواجه نوری جناب آقای سرتیپ پور، مطالبی فرمودید که باعلم به احساسات پاک جنابعالی و شخصیت جنابعالی مرا ناراحت کرد از این جهت که انتظار نداشتم چنین شکایتی را جنابعالی بفرمایید (سرتیپ پور چرا؟) چرایش را توضیح می دهم چرایش برای این است که آن چه که سؤال شد آنچه را که توضیح خواسته شد به عرض مجلس شورای ملی رسید و آنچه ما مجددا بگوئیم و بشنویم و تکرار کنیم ، تکرار مکررات خواهد بود و. بنده نسبت به حسن نیت جنابعالی و سایر آقایان که مطالبی را بیان فرمودند هیچ نوع تردیدی ندارم ارادات واقعی دارم تعارف هم نمی کنم ولیکن چون فرمودید اگر ما تصمیمی بگیریم، شریک گناه شده ایم برای اینکه عرض بکنم ناراحتی وجدان ندارم به جنابعالی عرض می کنم این مملکت با قراردادهائی که دارد با وضعی که الان از لحاظ بین المللی و به خصوص در خاورمیانه پیدا کرده یک مملکتی است که از هر جهت از لحاظ سیاسی مستقل و حاکم بر مقدرات خودش است و اگر قرار باشد برای اینکه ما به طرز استفاده از چند اسلحه احتیاج داشته باشیم چند نفر معلم در ارتش خود به کار بگماریم و شرط به کار گماردن آنها این باشد که اینها از مصونیتها استفاده

بکنند این مطلب نمی تواند موجب باشد که خللی به استقلال و تمامیت مملکت وارد سازد (صحیح است) بنده مجبورم که به فرمایشات ایشان جواب بدهم متأسفانه ایشان خارج از مطلب مطالبی فرمودند بنده هم ناچارم برای التیام درد خودم مطالبی را خدمت ایشان عرض بکنم. اجازه بفرمایید جناب آقای سرتیپ پور، امروز افرادی هستند به عنوان معلم و مستشار، اینها اختیاری در ارتش ما ندارند و پاره ای می ترسند که مبادا اینها از اختیارات خودشان استفاده بکنند گروهبانی است می آید طرز استفاده از بازوکا را یاد می دهد. خلبانی است می آید طرز استفاده از طیاره جت را یاد می دهد افسری که از لحاظ تاکتیکی استفاده از سلاحهای نو را یاد می دهد و اثرات استفاده از این سلاحهای نو را از لحاظ تاکتیکی در ستاد ما بیان می کنند، اینها همه معلم و مستشار هستند اینها قدرت فرماندهی ندارند جناب آقای سرهنگ حسینی که افسر هستند متوجه هستند که بنده چه می گویم افسری قدرت فرماندهی دارد که در ستاد سمت داشته باشد یا در رأس واحدها و اما اگر اشخاصی بیاید برای این افسرها و برای این فرماندهان واحد معلم باشند، اطلاعات فرماندهی به آنها بدهند آنها اختیارات فرماندهی ندارند که این ناراحتی خیال برای آقایان فراهم شده است و این لایحه مفصلاً مطالعه شده است الان هم در حضور آقایان بحث شد و بنده هم چون دیدم آقایان خسته هستند و دلیل ندارد کار به اطاله بکشد، این راه را پیشنهاد کردم باز هم مجلس شورای ملی مختار است (عده ای از نمایندگان رأی، رأی).

پاینده بنده مخالفم.

نایب رئیس در پیشنهاد کفایت مذاکرات یک مخالف و یک موافق صحبت کردند رأی می گیریم به پیشنهاد کفایت مذاکرات خانمها و آقایانی که موافقید خواهش می کنم قیام فرمایند (اکثرا برخاستند) تصویب شد حالا رأی می گیریم به ورود در شور ماده واحده، خانمها و آقایانی که موافقند خواهش می کنم قیام فرمایند (اکثرا برخاستند) تصویب شد. ماده واحده مطرح است آقای طباطبائی فرمایشی داشتید.

طباطبائی بنده عرضی ندارم.

نایب رئیس آقای پاینده.

پاینده بنده عملاً رأی خودم را که یک رأی از ۱۸۸ رأی است در موقع خودش خواهم داد در این جا یک مقداری کلمات محدود و نامحدود و صلاحیت گفته شد که بنده خواستم توضیحی عرض بکنم و می خواهم جناب آقای معاون وزارت امور خارجه توضیحی بدهند چون اینجانب مطلب برخلاف آن چیزی که دوست عزیز بنده فرمودند هنوز خیلی مبهم است البته بنده شاید یک قدری کند فهم، با شم انشاءاللّه کسانی که فهمشان تیزتر است مطلب را فهمیده اند با این تذکرات انشاءاللّه کمک می فرمایند که بنده هم با این فهم کندم، مطلب را بفهمم. جناب آقای معاون محترم وزارت امور خارجه درباره مصونیت ها فرمودند، مصونیت محدود است. مصونیت در امور مدتی محدود است و در امور جزائی نامحدود است این مطلب خاتمه نمی یابد اما یک مطلب است که استدعا می کنم توجه بفرمایند چون قدر مسلم این است که من مدتی طلبه بودم و به آنچه می گویم تعصبی ندارم. وقتی در محضر استادمان در موضوعی مباحثه می کردم از این مباحثه حظ می بردم و گاهی خشونت هم می کرد بعد پا می شدیم او استاد بود و من شاگرد. گفتند یک قاچاقچی باروت را در زمان قدیم پیدا کردند البته در

زمان قدیم، چون حالا کسی باروت را قاچاق نمی کند. گفتند اینها چیست گفت قربانت گردم سیاه دانه است گفتند سیاه دانه با باروت تفاوت دارد. این آقا یک ریش خیلی بلندی است هنوز تیغ ناست نیامده بود. سنگی زیر ریش او گذاشتند و مقداری از این سیاه دانه ها را گذاشتند رویش او کوبیدند. پف کرده و تمام ریش صورت او را سوزانید، اگر با این قلوبی که اینجاست کار دارید یک قدری رعایت بفرمایید، با ۱۸۸ دلی که می طپد آیا دیگر کاری ندارید دیگر لایحه ای مطرح نمی شود. خود آقای نخست وزیر که مظهر تواضع و ادب هستند این مطلب را در نظر بگیرند ما اگر گرسنگی می کشیم تا ساعت ۵ اشکالی ندارد ولی به هر حال نکات مبهمی نماند. در بند (و) تعریف مأمور اداری را کرده است به صورت جالبی از کسی پرسیدند یخ چیست گفت یخ چیزی است که یخ می کند و این آقای دکتر متین دفتری سناتور معظم و متخصص علی الاطلاق مسافرتهای بین المللی آن را امضاء کرده اند (مهندس صائبی اسم اشخاص را نبرید) معذرت می خواهم ننویسید، بنویسید یک آقای محترم. بنده را با گرسنگی پشت میکروفون نگه می دارید که ما تصمیم بگیریم (یک نفر از نمایندگان پس ماه رمضان چه می کنید؟) با شما روزه می گیریم یا مصونیت می گیریم. به ماده ۳۱ توجه بفرمایید. این قرارداد وین است که به سلامتی و مبارکی تصویب شد و با سرعتی که کارهای اداری دارد به دولت هم ابلاغ شد و در گذرگاه است انشاءاللّه این مصونیت هم به مستشاران نظامی مستخدم ملت ایران داده می شود تا اینجا ممکن است حرفی نداشته باشیم و رأی هم ممکن است بدهیم عرض کنم حضور

مبارکتان بنده متن همان ماده ۳۷ را که قرائت فرمودند، می خوانم. البته این بلاشبهه مصونیت نامحدود است و هر فرمی را که رأی دادیم همان است چون بنده وقتی به لایحه ای رأی می دهیم با شجاعت پشت آن می ایستم و خوشبختانه بقدر کافی هم شهامت اخلاقی هم دارم که تحمل کنم و بگویم که من این رأی را دادم وقتی من در مجلس که خیلی از حالات سخاوتمندتر هم بود متحصن بودم از دولتی که کوچه و بازار هم در دستش بود و پشت این پنجره ها فریاد فروش پوست و روده و کله متحصنین بلند بود. به هر حال از رو نرفتیم و ایستادیم و به حمداللّه حالا روزی را می بینم که می توانیم بیائیم در خدمت شما حرفهایمان را بزنیم و شما هم نشنوید و بیائید و بگوئید نخیر آقا اینطور نیست، استدعا می کنم آقای نایب رئیس این چند دقیقه را جزو صحبت من حساب نکنند چون آقای وزیر مشاور با آقای نخست وزیر صحبت می کنند و ایشان توجه ندارند (نخست وزیر من توجه دارم بفرمایید) کارمندان اداری یعنی همانهائی که کار اداری می کنند این به معلومات من اضافه شد. استدعا می کنم آقایان توجه بفرمایند چون بنده اطمینان دارم و بسیار مطالبی است که باید گفته شود و بسیاری از مسائل باید برای فهم مردم گفته شود چون آنها اهل این آب و خاکند و منهم وکیل این آب و خاک هستم اگر ۱۸۸ وکیل هست یک نخست وزیر بیشتر نیست این آقای کارمند اداری و فنی را استدعا می کنم توجه بفرمایید و بنده را هم ببخشید، این بسیار خوب تا اینجا عرضی ندارم من خودم عرض کنم باید بگویم من صراحت مگر نباید خودم رأی بدهم. کسانی می گویند مصلحت نیست، کسانی می گویند مصلحت است به فرض اینکه خودم نتوانم تشخیص بدهم تسلیم نظر آنها می توان باشم. جناب آقای خواجه نوری من شما را مرد شریفی می دانم یعنی همه مرد شریفند شما را بالاخص. اما شما وقتی اعتراض را شروع می کنید بنده که تنم می لرزد (دکتر عدل طباطبائی آقای پاینده شما همه اش مشغول خطاب به اشخاص هستید) کارمندان اداری و فنی مأموریت و همچنین بستگان آنها

که اهل خانه آنها هستند به شرط آنکه تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور نباشند از این مزایائی که در این مواد است استفاده می کنند اینجا مطابق این ماده ضمیمه کارمند فنی را که مطابق مصلحت ممکن است بنده هم رأی بدهم ولی اجازه بدهید من پیشنهاد بکنم دیگر اهل خانه اش چیست استدعا می کنم پیشنهادم را بپذیرند که این مصونیت و معافیت که خاص این آقاست شامل اهل خانه اش نباشد، این لحظه را هم جزو وقت بنده حساب نکنید. (در این هنگام آقای نخست وزیر با آقای وزیر مشاور صحبت می کردند.)

نایب رئیس لحظات زیادی را حساب نکردیم آقای پاینده.

پاینده معذرت می خواهم. ببخشید بنده به شما ارادت دارم بنده منتظرم آقای وزیر مشاور صحبتشان تمام شود و توجه بفرمایند. این مصونیت را شما یک تعبیری ازش فرمودید، این کلمه صحیح است؟ این کلمات درست است؟ گنه گنه را من خودم در بچگی خورده ام، خیلی تلخ است آن وقت هنوز قرص نبود که رویش را شیرین کرده باشند. اگر بعضی مطالب تلخ است گاهی اوقات آدم روی مصالح و مصلحت می رود. این آقای وزیر جنگ که مورد احترام همه ما هستند در دستگاهی خدمت می کنند یک روز یک عده جوان را می آورند به سربازی و روز دیگر آنها را می خواهند به خط آتش می گوییم بروند (قراچورلو نمی گویند، خودشان می روند) به هر حال ما نمی گوییم آقای وزیر جنگ چرا آنها را یک روزی می آورید و یک روز معینی هم فرمان می دهید بروند جنگ هر که هم

نرفت می گذراندش کنار دیوار و خیلی چیزهای دیگر. به هر حال این نوع زندگی مدنی و سیاسی از این گرفتاری فراوان دارد ولی این ضرورت هم هست حالا در این قسمت هم که نوشته شده تمام اهل خانه ممکن است خیلی زیاد بسط پیدا کند به موجب صراحت این ماده آقای دکتر یگانه مسلم دچار اشکال می شود اگر بعضی خیالی می کنند که از این مذاکرات بوی غرض احساس می شود، اگر بوی غرضی احساس می شود همه سکوت کنیم، این عبارت را بنده تقدیم مقام ریاست می کنم بپذیرند که این مصونیتها و معافیت مخصوص اشخاص خارجی است خانواده آنها حق ندارند بیایند. شاید این آقای مستشار آمد اینجا و خواست به رسم اینجا چهار زن بگیرد من شرمم می آید بگویم صیغه هم چهل تا می تواند بگیرد (خواجه نوری اگر تبعه آمریکا باشد نمی تواند) اجازه بدهید قربان شاید بیست تا صیغه از آنجا بیاورد (نخست وزیر بنده توضیح عرض می کنم) اجازه بدهیم قربانت بروم چون تصریح می فرمایید تصریح شما در اینجا به عنوان رئیس دولت، قانون و استناد قانونی به وجود می آورد خیلی معذرت می خواهم از آقایان چون این بند (و) می گوید این آقایان مأمورین اداری و نظامیان و اهل خانه شان، اهل خانه هم حدی ندارد (مهندس صائبی بستگان مشمول نیست) بستگان هم حدی ندارد. از این مصونیت استفاده می کنند. اگر بنده اشتباه می کنم از بنده رفع اشتباه بفرمایید خیلی خیلی معذرت می خواهم دیگر عرضی ندارم.

نایب رئیس پیشنهادی رسیده از آقای رامبد قرائت می شود.

(به شرح زیر قرائت می شود)

«پیشنهاد می نماید، لایحه معافیت مستشاران به شرح زیر اصلاح شود.

به دولت اجازه داده می شود طبق تصویب نامه هیئت دولت هر یک از مستشاران نظامی دولت آمریکا را که در استخدام و خدمت ارتش ایران هستند برای مدت یکسال از هر یک از مواد ۲۹

الی۳۵ قرارداد وین بهره مند سازد.

رامبد

نایب رئیس آقای رامبد بفرمایید.

رامبد در فرمایش بعضی از سروران محترم حداقل این سوء تفاهم برای من پیش آمد که ضمن اسم بردن از پادشاه بزرگ ما هر مطلبی را که می خواهند عنوان بکنند به یک ترتیب می زنند به صحرای کربلا. بنده خودم نصف کتاب شاهنشاه را کلمه به کلمه در ظرف هفت ساعت خواندم عینا جمله به جمله خواندم ولی به هیچ ایرانی فکر نمی کنم این حق داده شده باشد که مسئولیت وظیفه و خدمتی را که قبول کرده به هیچ عنوانی در تحت عنوان اسم بردن شاهنشاه بزرگ بخواهد خود را از مسئولیت مبرا کند این مجلس و دولت ما همه برای خدمت در اینجا جمع آمده ایم صحبت می کنیم نسبت به شاهنشاه خادمیم اگر خیانت کردیم این ما هستیم که خیانت کردیم و هیچ ربطی به شخص شاهنشاه ندارد شاهنشاه جز صلاح ملت و ایران هیچ چیزی نمی خواهد (صحیح است) ما می رویم، دولت می رود و اشخاص و مجریان و خدمتگزاران می روند ولی شاهنشاه ثابت هستند (صحیح است احسنت) برگردم سر مطلب در این دو سه ساعت که درباره این لایحه صحبت می کردند یک عده معتقدین و محترمین نسبت به دولت و عمل دولت و لایحه دولت و یک عده مخالفین یا حداقل منتقدیم و ایراد گیرندگانی به این لایحه اگر توجه به این لایحه درست می شد می پذیرفتیم که شاید از جهاتی

واقعا دولت احتیاج به این لایحه دارد. مثلاً یکی از دوستان من به من می گفت فلان ژنرال آمریکائی که میهن پرستیش را در دنیا به ثبوت رسانده شما می خواهید از یک امتیازی که به آشپز سفارتخانه می دهید به او ندهید دیدم این حرف قابل رد نیست دیگری به من گفت فلان شاگرد راننده ای که به اسم عضو فنی آورده اند شما می خواهید تمام مصونیتهائی که لازم نیست به او بدهید خدای نکرده فلان پرونده را که مقامات در اخیار مأموری گذاشته اند برای مطالعه با این مصونیتی که دولت ایران می دهد اصطلاحش را شاید آقای خواجه نوری به فرنگی بگویند کوریه دیپلماتیک به او مصونیت می دهید هیچ به مکاتباتش هم همینطور، آمدیم پرونده را، اسناد سیاسی را گذاشت توی یک پاکت و به یک مقصدی فرستاد. دولت ایران حق بازجوئی نداشته باشد؟ دیدم این صحیح است، و دیدم از این طرف این منقد هم درست می گوید بنده یک پیشنهادی کردم که هم نظر اکثریت محترم که دولت عزیز را تائید فرمودند یکبار دیگر اعتماد و اعتقادشان را به دولت تکمیل کنند، این حق را به دولت بدهد منتقدین اینجا ایراد دارند و خدای نکرده فکر نمی کنند کار خبطی دارید انجام می دهید دیگر اینقدر وقت سایرین را چرا می گیرید بگذارید اقلیت در اشتباه خودشان باقی بمانند از آن گذشته تصدیق می فرمایید هر حقی را که به یکی دادید اگر بخواهید سلب بکنید یکی احساس سردی به وجود می آید به همین جهت مدت (یک سالی) را اینجا گذاشتیم معلوم نیست سال آینده به همین موقعیت و کیفیت مورد احتیاج دولت باشد اجازه بفرمایید همین یک سال باشد اگر لازم داشت تمدید می کند و اگر لازم دانست تجدید کند و یا اگر لازم ندانست دیگر تعبیر اینکه تا دیروز این حق را داشتند سلب می کند. برای دولت مشکلی به وجود نمی آورد از آن گذشته این معافیت ها و مصونیت ها نمی دانم ناطق محترم چطور شد که نخواندند که این قسم از ماده از ۲۹ تا ۳۵ انواع و اقسام معافیت دارد و ممکن است خود دولت در این مورد میل نداشته باشند که همان امتیازی را که به فلان متخصص اتمی و فلان ژنرال داده

می شود به شاگرد راننده هم داده شود پس همه اینها موکول به این می شود که دولت چه تشخیص می دهد به چه کسی می دهد و به چه میزانی که لازم دارد، می دهد و به این ترتیب دیگر اگر به این پیشنهاد رأی دادند یکبار دیگر نسبت به دولت اظهار اعتماد کرده اند اگر خدای نکرده رأی ندادند دلیل این است که به این دولتمان اعتماد نداریم (عده ای از نمایندگان رأی می دهیم) (قراچورلو هیچ همچو چیزی نیست رأی نمی دهیم).

نایب رئیس نسبت به این پیشنهاد نظری نیست؟ آقای نخست وزیر.

نخست وزیر بنده لازم بود توضیحی عرض کرده باشم. نامه ای را که وزارت امور خارجه به سفارت آمریکا در تاریخ مهر ماه یک سال گذشته نوشته است و آن مأخذ کار ما در آینده خواهد بود (یکی از نمایندگان زمان دولت جنابعالی بود؟) بنده که شش ماه است هستم، در مهر ماه بنده نبودم. این نامه اینطور حکایت می کند که رئیس و اعضاء هیئتهای مستشاران نظامی در ایران از مصونیتها و مزایائی که برای کارمندان اداری و حتی موضوع بند فلان الی آخر استفاده می کند به این جهت این عملی است که خیلی ارتباط پیدا می کند شما وقتی در نامه تان اشاره به کنوانسیون وین می کنید پس توافق شده است. پس این موضوع وارده خدمه و سکنه و غیره و فلان به هیچ وجه من الوجوه نمی شود که در آن ماده قرار داد وین نوشته شده است ممکن است آن را تسری داد ولی نامه یی را که وزارت خارجه به سفارت آمریکا نوشته است فقط نسبت به رئیس و اعضاء هیئتهای نمایندگی است مطلبی را

که جناب آقای پاینده فرمودند مقامات آمریکائی رسما و صریحا اعلام داشته اند که در صورت شمول قرار داد وین به مستشاران آمریکائی از لحاظ حقوق مدنی در صورتی که حقی از یکی از افراد ایرانی تضییع گردد کماکان در محاکم ایرانی قابل تعقیب خواهد بود. در زندگی روزمره به هیچ وجه من الوجوه این مصونیت موجود نیست. یک کسی از کسی طلب دارد حق کسی را تضییع می کند اگر در حال خدمت و وظایف اداری و نظامی قابل تعقیب است در مسائل جزائی هم آنها به مجازات می رسند منتهی چون در یک عملی شرکت می کند که احتمالاً ممکن است وقوع حوادثی را پیش آورد و طبق قوانین و محاکم و معاهده (صادق احمدی توضیح بفرمایید که با گروهبان آمریکائی که پریروز سه نفر را کشت چه می شود، این تصادفات اتومبیل چطور می شود؟) قرارداد و موافقتنامه دو جنبه دارد دو طرف دارد تا حدی مورد موافقت قرار می گیرد که این پاره نشود اگر نیازی نباشد که این موافقت نامه به وجود نمی آید همان طور که اشاره شد ما امروز وسائلی داریم که دستگاههای رادار در سراسر مملکت موجود است. جهتهای خارج از سرعت صورت داریم عرض کنم احتیاجات و نیازمندیهای بسیار زیادی داریم و اینها در تمام کشورها آزادی باید گفته بشود که در حقیقت این ترقیات شگفت انگیز صنعت نظامی متعلق به ملت آمریکا است و تعهداتی را که با این دولت و دولتهای دیگر با موافقتنامه هایی به وجود آمده و اگر فرض بفرمایید کشور فرانسه این وسائل نظامی را به ایران داده بود، این قرارداد و این موافقتنامه با دولت فرانسه بسته می شد حدود این هم در مذاکرات و مبانی کار باید منطقی باشد با توافق دو طرف وقتی به یک جائی برسد که قرار باشد پاره بشود این دیگر قرارداد نیست (صادق احمدی اگر یک گروهبان مرتکب جرمی شد چه می شود؟) چون این را اشاره فرمودید عرض می کنم افسران نظامی آمریکا که در ارتش خدمت می کنند به عنوان هیئت نظامی تلقی می شود امکان دارد که یک متخصص الکترونیک یا رادار ممکن است سیویل باشد این دیگر نظامی نیست در

این خدمت. موضوع افسر و نظامی و غیر نظامی نیست آن عده که مورد استفاده ارتش است و دولت موافقت می کند در انجام خدمت شامل این مقررات می شود حالا این ممکن است کلنل ارتش آمریکا باشد، ممکن است یک متخصص طیاره جت و رادار باشد که این متخصص نظیرش هم در دستگاههای نظامی آمریکا افراد سیویل خیلی زیاد هستند در ارتش ما خدمت می کنند. منظور غرضم کارمندان فنی هستند یعنی تکنیسین یعنی کارشناس این موارد را اگر توجه بفرمایید یک قدری روشنتر خواهد شد.

نایب رئیس نسبت به پیشنهاد آقای رامبد مخالفی نیست؟ آقای خواجه نوری.

خواجه نوری بنده خواستم توضیح بدهم علت اینکه جناب آقای رامبد این پیشنهاد را فرمودند باز روی حسن نیت و روی مطالبی است که دوستان عزیز فرمودند بنده فقط یک نکته را می خواهم خدمتتان عرض کنم که این افراد در خدمت دولت ایران هستند و هر وقت دولت ایران از اینها تخطی مشاهده بکند می تواند آنها را از خدمت خارج بکند و حتی از مرز هم خارج بکند. بنابراین هیچ موردی ندارد که یک شرطی برای مدت یک دو دو سال معین باشد. این تا آن مدتی است که مورد استفاده دولت ایران هستند و در خدمت ما هستند، از این مصونیت استفاده می کنند آن آنی که وزیر جنگ حدس زد که آن آدم مقررات را رعایت نکرد آنا به خدمت او خاتمه می دهد و از مرز هم او را خارج می کند (رامبد یک سالش را حذف بفرمایید موافقت می کنم) منظور حاصل است، تحصیل حاصل است قربان.

نایب رئیس آقای فخر طباطبائی موافقید، بفرمایید.

فخر طباطبائی با پیشنهاد آقای رامبد موافقم. عرض کنم حسن مذاکره و مشاوره این است که وقتی درباره یک مسأله ای صحبت بشود و اطراف و جوانب قضایا بیشتر روشن می شود. بنده از مجموع مذاکراتی که شد و توضیحاتی که جناب آقای نخست وزیر حالا دادند، روشن شدم به اینکه منظور دولت از تقدیم این لایحه این نیست که تمام اشخاص غیر ذی صلاحی که مربوط به کادر مستشاری باشند از این معافیت استفاده کنند و بنده این را احراز کردم که منظور این است که اشخاصی که ذی صلاح هستند، متخصص فنی هستند، مشاور نظامی صاحب منصب هستند، استفاده کنند و این لایحه به این کیفیت جناب آقای نخست وزیر پس از اینکه به صورت قانون درآمد، وافی به مطلب نیست و محتاج به این می شود که باز بیائیم روی تذکراتی که در مجلس داده و روی توضیحاتی که آقای نخست وزیر روی گزارشی که دولت مبادله کرده صحبت بکنند و استنتاج بکنند. بنابراین با این پیشنهاد اگر موافقت بکنند مطلب این لایحه را خلاصه کرده هم نظر دولت تأمین است، هم نظر مجلس تأمین است. عرض کنم حضورتان ما هیچوقت برخلاف واقعیات فکر نمی کنیم و مصلحت امور را همیشه در نظر می گیریم النهایه تا حدی که این مصلحت امور، تالی فاسدی پیدا نکند. این است که بنده آن عرضی را که کردم که اگر در کمیسیون دادگستری هم مطالعه می شد خدا شاهد است که این بحث ها و مذاکرات در مجلس نمی شد برای اینکه در آنجا فرمه می شد و اصلاحاتی به عمل می آمد و یک ماده کاملی می شد که تمام جهات کار و هم نظر دولت تأمین شده باشد البته به همان دلیل که یک سیاستمدار خارجی حق دارد از مصونیت استفاده می کند، یک مستشار عالی رتبه ای هم که مورد استفاده ما است ما این مصونیت و معافیت را بهش اعطاء می کردیم ولی این لایحه به این صورت که درآمد گاهی اوقات در امور عجله ای که می شود باعث زحمت می شود این است که بنده این پیشنهاد

جناب آقای رامبد را یک پیشنهاد بینابین می دانم و خالی از تعصب هم عرض می کنم و فکر می کنم اگر آقایان موافقت بکنند اظهار رأی بکنند من فکر می کنم این مسئله حل شده هم نظر دولت تأمین است هم نظر آقایان تأمین می شود.

نایب رئیس آقای نخست وزیر.

نخست وزیر بنده خواستم تمنا کنم از جناب آقای رامبد که پیشنهادشان را پس بگیرند چون تحصیل حاصل است تمام قراردادهای آنها قید یک ساله است (رامبد ما اعتماد کامل داریم به وزارت جنگ و حضرتعالی) استدعا می کنم که در این ماده تغییر داده نشود این هم مسلما همان نظر جنابعالی را تأمین می کند (رامبد من استدعایم این بود وقتی مجلس را به شما رأی می دهد جنابعالی هم قبول بفرمایید).

نایب رئیس آقای رامبد پیشنهادتان را پس گرفتید.

رامبد بنده پس می گیرم ولی این یک راهنمائی بود ایشان قبول کردند که قراردادها یک ساله است.

نایب رئیس پس گرفتید؟

رامبد وقتی دولت خودش نمی خواهد مجبورش که نمی توانیم بکنیم.

نایب رئیس در این صورت اینطور تلقی می شود که پس گرفتید پیشنهاد دیگری است از آقای

دکتر مبین قرائت می شود.

(به شرح زیر خوانده شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی پیشنهاد می نمایم عبارت (به موجب موافقت نامه های مربوط) به عبارت (برطبق قانون) تبدیل شود. دکتر مبین .

نخست وزیر هیچ صحیح نیست برای اینکه صحبت قانون نیست، صحبت مقاوله نامه است.

نایب رئیس آقای دکتر مبین

دکتر مبین دولت تأکید کرد و تأیید نمود که این آقایان مستشاران مستخدم دولت ایران هستند و ما اتباع خارجی را به خصوص نظامیان خارجی را چطور بدون قانون می خواهیم مستخدم خودمان کنیم و شما هیچوقت مجاز نخواهید بود که به موجب موافقتنامه یک مستشاری را به استخدام خودتان درآورید و این است که بنده پیشنهاد کردم اینها که در استخدام شما هستند به موجب قانون مربوطه باشد. بنابراین شما می بایست استناد بفرمایید به قانونی که دارید در این زمینه هیچوقت راه باز نکنید که به موجب موافقتنامه مستشار خارجی استخدام کنید برای اینکه تالی فاسد دارد اگر شما قانونی را بردارید و بجایش موافقتنامه بگذارید این تالی فاسد دارد و ماده ۴۷ قرارداد وین شما الان تصویب کردید که کشور پذیرنده در اجرای مقررات این قرارداد تبعیض بین کشورهای قائل نخواهد شد وقتی شما نتوانستید تبعیض قائل شوید از نظر استفاده از ماده ۲۹ تا ۳۵ از نظر مصونیت های مندرج در ۲۹ تا ۳۵ شما حق ندارید تبعیض قائل شوید اگر دست دولت باز شود که به موجب قرارداد و موافقتنامه این را تخصیص بدهد این به نظر بنده به ضرر دولت است به نظر بنده به نفع دولت است که دست خودش را در این راه باز نکند و دولت نتواند مستشار نظامی با قرارداد استخدام کند علاوه بر این می خواستم مطلب دیگری عرض کنم این را کاملاً توجه بفرمایید آقایان، مستشارانی که مشمول

معافیت کارمندان اداری و فنی می شوند، طبق قرارداد وین از مصونیت های مندرج در مواد ۲۹ تا ۳۵ باید استفاده کند در این قراردادهائی که تصویب کردیم، ماده ۳۲ وجود ندارد بنابراین شما چطور نسبت به ماده ای که وجود ندارد، می خواهید تصمیم بگیرد.

نایب رئیس آقای نخست وزیر.

نخست وزیر بنده فکر می کنم برای آقای دکتر مبین اشتباهی رخ داده، استخدام اصلاً وجود ندارد موضوع استخدام اصلاً وجود ندارد موضوع استخدام نیست قرارداد نظامی است که در سال ۱۳۲۲ از مجلس گذشته، این فقط موضوع این است که کسانی هستند که می آیند در خدمت ارتش طبق موافقتنامه که با موافقت آن قانون است که در سال ۱۳۲۲ گذشته است و به نظر بنده این استخدام نیست. بدین جهت این مطلبی که جنابعالی می فرمایید، اصلاً وارد نیست.

دکتر مبین پس اگر اینطور است ماده واحده را چرا اصلاح نمی کنید. این صریح گفته در استخدام دولت شاهنشاهی باشد.

نخست وزیر اجازه می دهد، فقط مصونیت است که این قانون اجازه می دهد. اگر آن قانون اجازه ندهد، در استخدام نخواهد بود و این ماده فقط برای مصونیت است.

دکتر مبین پس جنابعالی با اصل موافقت می کنید. اما به موجب موافقتنامه مربوطه ما چنین موافقتنامه نداریم، ما قانونی داریم راجع به استخدام سازمان مستشاران نظامی. بنابراین طریق همان

قانون باید استخدام بشوند. بنده پیشنهاد کردم، پیشنهادم هم خیلی صحیح است، پس هم نمی گیریم. ما نمی توانیم به دولت اجازه دهیم که طبق موافقتنامه مستشار استخدام کند.

نایب رئیس رأی می گیریم به پیشنهاد آقای دکتر مبین.

روحانی به نظرم منافاتی ندارد برای اینکه جناب آقای نخست وزیر فرمودند این موافقتنامه به استناد قانونی است که داریم این توضیح در صورت جلسه هم ذکر می شود (دکتر مبین چه اصراری است که اصلاح نشود)

نایب رئیس جنابعالی قانع شدید یا رأی بگیریم؟

(دکتر مبین رأی بگیرید). بنابراین پیشنهاد یکبار دیگر خوانده می شود.

(به شرح سابق خوانده شد)

نایب رئیس به پیشنهاد آقای دکتر مبین رأی می گیریم. خانمها و آقایانی که موافقند، خواهش می کنم قیام فرمایند (چند نفری برخاستند) تصویب نشد.

نایب رئیس پیشنهاد آقای پاینده قرائت می شود.

(به شرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد می کنم که ذیل ماده واحده اضافه شود که این تصویب نامه و معافیتها خاص شخص آنها خواهد بود.پاینده

نایب رئیس توضیح بفرمایید.

ابوالقاسم پاینده این کلمه ای که آقای دکتر مبین راجع به ماده ۳۲ فرمودند می خواهم توجهتان را جلب کنم، از نظر عمل اشکال به وجود می آورد. این قرارداد ماده ۳۲ ندارد (یکی از نمایندگان اشتباه چاپخانه است) تشریح مقام مسئول در صورت مجلس برای توضیح کافی است اما در اینجا

کافی نیست. ملاحظه بفرمایید در بند دو ماده ۳۱ می گوید مأمور اداری و بستگانش، توجه بفرمایید در اینجا می گوید مستشاران نظامی از مصونیت های بند (و) استفاده می کنند یعنی اگر فردا یک محکمه دیوان کشور در موردی اختلاف نظر بدهد، هیچکس نمی تواند بگوید خلاف گفته، این کلمات بند ۲ ماده ۳۱ تسری پیدا می کند و این تصریح به نظرم کافی نباشد، مطلب مهم نیست، یعنی ابهام لغوی ندارد ولی این تفسیر به نظر من ممکن است کافی نباشد. برای جلوگیری از این مشکل استدعا می کنم مطابق پیشنهادی که شده تصریح شود (خواجه نوری مطمئن باشد تحصیل حاصل است)

نایب رئیس به پیشنهاد خودتان باقی هستید؟

پاینده اجازه بفرمایید بروم بنشینم، با استناد به فرمایش آقای نخست وزیر که این معافیت ها و مصونیت ها، خاص خود این مستشاران نظامی است نه بستگان آنها، بنده پیشنهادم را پس گرفتم.

نایب رئیس پیشنهاد دیگری از آقای بالاخانلو قرائت می شود.

(به شرح زیر خوانده شد)

مقام معظم ریاست مجلس شورای ملی

به منظور رفع هر گونه سوء تفاهم و روشن شدن اذهان عمومی از حسن نیت نمایندگان مجلسین در حسن روابط فیمابین کشور شاهنشاهی ایران دولت آمریکا و توجه به اینکه عده ای از اطباء حاذق و مهندسین عالی مقام ایرانی در خدمت کشور آمریکا می باشند و خدمات آنها به مردم آمریکا کمتر از

اطلاعات فنی مستشاران نظامی آمریکا در ارتش شاهنشاهی نیست، پیشنهاد می نماید متقابلاً اتباع ایرانی که در خدمت کشور آمریکا می باشند، از مقررات این قانون در کشور آمریکا استفاده نمایند.

بالاخانلو

نایب رئیس آقای بالاخانلو

بالاخانلو پیشنهاد بنده از این جهت است که چون صحبت شد از افکار عمومی و اینجا گفته شد همان صحیح است زیرا افکار عمومی ما را به مجلس آورد و نمی شود گفت همان صحیح است زیرا افکار عمومی ما را به مجلس آورد و نمی شود گفت افکار عمومی نمی فهمد یا توجه ندارد. افکار عمومی بسیار خوب می فهمد و خوب هم توجه دارد و به همین دلیل یک مجلس انقلابی به اسم دوره ۲۱ به وجود آورد که از مردم و طبقات مختلف کارگر، پیشه ور، مهندس، دکتر از تمام طبقات در این مجلس گرد آمده که به کار و خیر مملکت بپردازند. حالا ما بیائیم بگوئیم این مصونیت را می دهیم که فلان دولت به ما کمک کرده یا نگفتیم نکرده، همه ممنونیم جناب آقای نخست وزیر در جواب عرض بنده فرمودند، کمک کردند ما نگفتیم نکرده (نخست وزیر خیلی مطالب دیگر هست) اگر تمام مغلطه بازی است بفرمایید صحبت بکنید . (همهمه نمایندگان)

نایب رئیس اجازه بفرمایید ناطق صحبت بکند.

بالاخانلو ما به دولت آمریکا یک همچو امتیازی می دهیم که مستشاران نظامی یک همچو مصونیتی داشته باشند برای اینکه رفع هرگونه سوء تفاهم بشود، پیشنهاد کردم یک چند نفر ایرانی که در آنجا خدمت می کنند، رئیس بیمارستان هستند، مهندس هستند که در کارخانجات مهم آمریکا مسئولیت دارند (یکی از نمایندگان اینها در دستگاههای ملی هستند) به آنها هم این امتیاز داده شود، این نظر بنده است (خواجه نوری مستخدم دولت نیستند) اطلاعات بنده شاید کافی باشد عرض بنده

از این جهت بود. چون هیچ کدام نظر خاصی نه دولت آمریکا دارد و نه بنده دارم می خواهم عرض کنم که اگر یک همچو امتیازی به مستشاران آنها دادیم آنها هم متقابلاً به ما بدهند که در افکار عمومی سوء تفاهمی ایجاد نشود. (مهندس صائبی به این پیشنهاد معتقدید) البته معتقدم. بنده دیگر عرضی ندارم.

نایب رئیس آقای دکتر یگانگی مخالفید یا موافق (بنده مخالفم) بفرمایید.

دکتر یگانگی بنده برای اینکه مختصر عرض کرده باشم به استحضار می رسانم که این افرادی که در آمریکا از ایرانیان خدمت می کنند از سه دسته خارج نیستند. یک دسته ای هستند که اینها تبعه هستند، تبعه دولت آمریکا هستند و مشمول مقررات و قوانین خود اتباع آمریکا می باشند. یک عده هم هستند که کارآموزند، آنهایی که در آنجا کار می کنند به عنوان متخصص در آنجا کار نمی کنند و یک طبقه سومی هم هست که ممکن است به صورت قاچاق یا به طور غیر قانونی آنجا باشند. بنابراین هیچ کدام مشمول این عمل متقابل نمی شوند.

نایب رئیس نظر دیگری نیست (اظهاری نشد) آقای بالاخانلو پس می گیرید؟

بالاخانلو پس گرفتم.

رامبد بنده اخطار نظامنامه ای دارم.

نایب رئیس بفرمایید.

رامبد طبق آیین نامه موجود باید کلیه لوایح برای اطلاع نمایندگان طبع و توزیع شود. من

خواهش می کنم همه آقایان و خانم ها لوایحی که توزیع شده و از روی آن داریم مذاکره می کنیم باز کنند و این مواد ۲۹ تا ۳۵ را که دارید تصویب می کنید، ببینید یک نفر ماده ۳۲ را بخواند. ماده ۳۲ اصلاً وجود ندارد. این واقعا قانونگذاری است، بنده که نمی دانم.

نایب رئیس قطعا در موقع چاپ لایحه اشتباه شده و ماده ۳۲ اشتباها چاپ نشده.

رامبد بنده با اجازه آقایان لایحه دولت را قرائت می کنم «با توجه به لایحه شما ره ۱۸ / ۲۲۹۱ ۲۵/۱۱/۱۳۴۲ دولت و ضمائم آن که در تاریخ ۲۱/۱۱/۴۲ به مجلس سنا تقدیم شده به دولت اجازه داده می شود که رئیس و اعضای هیئتهای مستشاری و نظامی ایالات متحده آمریکا را در ایران که به موجب موافقت نامه مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی می باشند، از مصونیتها و معافیتهای کارمندان فنی موصوف در بند (و) ماده اول قرارداد ذیل برخورد نماید». بند (و) هم کارمندان اداری و فنی هستند که در ماده ۳۷ می گوید از مزایا و مصونیتهای مندرج در مواد ۲۹ تا ۳۵ بهره مند خواهند بود، مواد ۲۹ تا ۳۵ یعنی ۲۹ ۳۰ ۳۱ و ۳۲ الی آخر بهره مند خواهند بود. آقایان دارید رأی می دهید، توجه بفرمایید به چه دارید رأی می دهید.

نایب رئیس آقای نخست وزیر.

نخست وزیر بنده در این لایحه که الآن مطرح است مطلب جنابعالی را نمی بینم برای اینکه به هیچ وجه من الوجوه اشاره به موادی... (رامبد این را نفرمایید برای اینکه خدای نکرده الآن لایحه ای که قبلاً تصویب شده، ملغی می شود).

در چاپ اگر گاهی اوقات اشتباهی می شود یا اگر کلمه ای افتاده این به هیچ وجه به این ماده واحده ارتباطی ندارد ماده واحده را عرض می کنم می گوید ما توجه به لایحه فلان و ضمائم که در تاریخ ۲۵/۱۱/۴۲ به مجلس سنا تقدیم شده به دولت اجازه داده می شود که رئیس و اعضای هیئتهای

مستشاری نظامی را از مقررات قرارداد وین که در تاریخ ۱۸ آوریل به تصویب رسیده برخوردار نماید.

این به هیچ وجه من الوجوه آن مطلبی که آقا می فرمایید درش نیست، آن یک مطلبی است جداگانه یا اگر یک اشتباهی در چاپ یا در توزیع شده باشد، این را مجلس می داند و اصلاح می کند. (رامبد اگر حضرتعالی نماینده بودید به این رأی می دادید قبول می کردید؟) بنده نه علاقه کمتری به مجلس دارم نه خودم را از مجلس دور می دانم.

نایب رئیس آقای رامبد توجه بفرمایید این به همین صورت از مجلس سنا آمده است.

رامبد پس ماده سی و دو کجاست؟

نایب رئیس در موقع چاپ لایحه اشتباها چاپ نشده، آقای پاینده بفرمایید.

ابوالقاسم پاینده اولاً معذرت می خواهم و تشکر می کنم که امروز مجلس حوصله به خرج داد و من به اندازه یک ماه صحبت کردم، انشاءاللّه یک ماه صحبت نمی کنم. جناب آقای نخست وزیر استدعا می کنم توجه بفرمایید یک خط زنجیری پیوسته است می بینم در قرارداد وین در ماده ۳۷ می خوانیم بستگان مأمورین سیاسی که اهل خانه اش هستند به شرط آنکه تابع کشور پذیرنده نباشد از مصونیتهای مندرج در مواد ۲۹ تا ۳۶ برخوردار خواهند بود کارمندان اداری و فنی از همین مصونیتها یعنی مصونیتهای ماده ۲۹ تا ۳۵ برخوردار خواهند بود آقای نخست وزیر توجه بفرمایید (دکتر عدل طباطبائی شما برای مجلس صحبت می کنید) در اینجا ملاحظه بفرمایید یک خطر زنجیری پیوسته

است، مصونیتها از ماده ۲۹ تا ۳۵، مصونیتهای بند ۲ ماده ۳۷، همان مصونیتهای ماده ۲۹ تا ۳۵ می گوید مصونیت به آنها می دهیم، کدام مصونیت بنده قسم به خدا اگر در این مطلبی که عرض می کنم جز حرمت مجلس نظری ندارم. این طریق صحیح نیست و هیچ گونه کلمه پردازی با این حقیقت تطبیق نمی کند.

نایب رئیس آقای نخست وزیر.

نخست وزیر بنده به جناب آقای رامبد عرض کردم، تشریف فرما شده بودند البته یک مطلبی از مجلس سنا آمده راجع به کنوانسیون بین المللی وین، این یک مطلبی است چاپ شده، منتشر شده و دنیا قبول کرده و ممالک زیادی وابستگی خودشان را اعلام کردند، فرض کنید که در چاپ این یک کلمه افتاده باشد، مصوبات ما روی کلیات کنوانسیون وین است و تغییری در آن اصل نمی دهد، یا ما تأیید می کنیم یا نمی کنیم. اگر ما یک کلمه اش را تغییر بدهیم دیگر آن وابستگی را نداریم و چون مجلس رأی داده به این وابستگی، خودش به کنوانسیون در حقیقت ماده ۳۲ را هم جزو آن تلقی کرده، چنانچه اگر شما یک اصل را تغییر بدهید شما جزو آن کنوانسیون نیستید. این مطلبی است که تصور می کنم که اگر بخواهیم مته به خشخاش بگذاریم موردی ندارد. تردیدی ندارد که این اصل کلی را که توضیح دادم مورد قبول آقایان قرار می گیرد و در آن لایحه ای هم که الآن مورد بحث است این لفظ اشاره به کنوانسیون بین المللی وین می کند که آن کنوانسیون را مورد تأیید قرار داده و حق تغییر ندارد و این هم چون نسبت به مواد در اینجا تذکری نداده، به نظر بنده عرایض بنده را قبول بفرمایید (صحیح است)

نایب رئیس آقای سرتیپ پور.

سرتیپ پور تصویب هر چیز مجهول، بلااثر است (نمایندگان تکرار بفرمایید) تصویب هر چیز

مجهول بلااثر است یا باید رئیس کمیسیون خارجه تشریف بیاورند بگویند این ماده ۳۲ چه بود ما بفهمیم یا مخبر کمیسیون تشریف بیاورند بگویند این ماده ۳۲ که تصویب شده چی است (یکی از نمایندگان خودشان نمی دانند) عمل ما وقتی که بدون توجه به مواد تصویب شده باشد، نمی تواند مؤثر باشد و حتی المقدور آقایان سعی بفرمایید کاری را که می خواهید بکنید، کاری صحیح باشد در مسئله کنوانسیون مسئله قرارداد بین دول یک ماده را نمی شود کم و بیش کرد باید قبول کرد. موضوع تسری دادن یک ماده است به مأمورین داخلی من باید بدانم که حق داده ام اتباع خارج بزنند در شکم افراد داخله یا حق ندارند، من باید بفهمم قربانت برو، چه اصراری است که مبهم باشد؟ (صحیح است احسنت)

نایب رئیس توضیحاتی که جناب آقای نخست وزیر دادند درباره اینکه این یک قرارداد بین المللی است و هیچ گونه تغییری در آن نمی شود، داد (یک نفر از نمایندگان ما دادیم) در هر صورت آقای نخست وزیر توضیح می فرمایند.

نخست وزیر در اینجا توجه بفرمایید ماده واحده ای را که مجلس رأی داد این است:

ماده واحده قرارداد وین درباره روابط سیاسی که در تاریخ هیجدهم آوریل ۱۹۶۱ مطابق با ۲۹ فروردین ۱۳۴۰ در شهر وین به امضای نماینده مختار دولت شاهنشاهی رسیده و مشتمل بر ۵۳ ماده و دو پروتکل می باشد تصویب و به دولت اجازه داده می شود که اسناد تصویب آن را مبادله نماید.

در حقیقت اینجا به مجموع این لایحه که در پایان آن هم گفته می شود که متنهای انگلیسی چینی اسپانیولی فرانسوی و روسی، بین ۵ زبان رسمی سازمان ملل متحد، معتبر است و آن مورد توافق قرار می گیرد. اگر به فرض در ترجمه این قرارداد یک اشتباهی رخ داده بود و ما تصویب کرده بودیم این معتبر نیست. وابستگی ما به این کنوانسیون بین المللی وین مطرح است نه ترجمه آن، چه برسد به اینکه قسمتی در چاپ افتاده باشد حالا اتفاقا ماده ۳۲ در این اسنادی که وزارت خارجه اینجا داشتند پیدا شده عین آن را قرائت می کنم.

«ماده ۳۲ دولت فرستنده می تواند انصراف خود را از مصونیت قضائی نمایندگان سیاسی و اشخاصی که بر طبق ماده ۳۷ از مصونیت برخوردار می شود اعلام نماید.

۲ انصراف باید همیشه صریح باشد.

۳ در صورت طرح دعوی از طرف یک نماینده سیاسی یا شخصی که بر طبق ماده ۳۷ از مصونیت قضائی بهره مند است توسل او به مصونیت قضائی نسبت به هرگونه دعوای متقابل که مستقیما مربوط به دعوای اصلی باشد پذیرفته نخواهد شد.»

اینجا همه جنبه های منفی دارد که خوشبختانه در تأیید نظریات آقایان است.

۴ انصراف از مصونیت قضائی در برابر یک دعوای مدنی یا اداری متضمن انصراف از مصونیت نسبت به اقدامات اجرائی مربوط به حکم محکمه نخواهد بود برای این امر یک انصراف جداگانه لازم است.»

این ماده ای است که در اینجا افتاده، بنده عرض می کنم که قسمتی از این ترجمه را فرض بفرمایید مترجمی اشتباه ترجمه کرده باشد، دولت و مجلس آنچه که وابستگی خودشان را به آن اعلام کرده اند، اصل قرارداد موافقت بین المللی وین است. با وجود این من با اجازه جناب رئیس مجلس این را بدهم

که ملاحظه بفرمایند و تکمیل بفرمایند.

نایب رئیس پیشنهاد آقای صادق احمدی قرائت می شود.

(به شرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد می نماید درجه داران هیئت مستشاری از شمول این ماده مستثنی بشوند.

صادق احمدی

نایب رئیس آقای صادق احمدی بفرمایید.

صادق احمدی عرض کنم بنده نمی خواستم در چنین وقتی در ساعت سه و نیم بعد از ظهر که نمی دانم جناب آقای دکتر خطیبی چطور تا این وقت جلسه را ادامه داده اند، صحبت کنم. در موقع طرح بودجه اقلاً یک ساندویچی داده شد و بنده حالا که آمده ام، اینجا با یک دل درد و سردرد عجیبی آمده ام اینجا صحبت می کنم. آیا همین عمل یک عکس العمل بدی ندارد که این لایحه چه لایحه ای بود که یک کارهای بی ترتیبی در موقع طرح آن می شود و بنده متأسف و متأثرم خیلی متأسفم (صحیح است) آنچه که می خواهم عرض کنم این است که نمی دانم چه اصراری است که جناب آقای نخست وزیر دارند که این لایحه عینا باید تصویب بشود (یک نفر از نمایندگان احترام به اقلیت مجلس نیست) محقق بدانید مردم مملکت به مجلس شورای ملی احترام بیشتری می گذارند تا به مجلس سنا برای اینکه در آنجا این بحثها نشد و همه متأثر شدند که یک لایحه به این مهمی را سربسته تصویب،

کردند اما مجلس شورای ملی خوشبختانه تا ساعت سه و نیم نشسته و این نشانه این است که مجلس شورای ملی، نمایندگانش، نمایندگان حقیقی مردم هستند، علاقه مندی بیشتری دارند و این حقیقتی است که باید اینجا عرض کنم مردم حقیقتا گله مندند از سناتورها. آنچه که بنده می خواهم عرض کنم در خارج از جلسه که رفته بودم برای کشیدن سیگار با یکی دو نفر از آقایان اعضای محترم حزب ایران نوین که بنده نسبت به همه شان احترام دارم و ارادت دارم، بحث می کردیم دیدم این عضو محترم حزب ایران نوین با اینکه مرد فوق العاده مطلعی است اطلاع ندارد که این لایحه شامل چند نفر می شود، می گفت شامل ۴۰ نفر است بنده گفتم در متن مطالعه کردید گفتند نه مطالعه نکردم. این لایحه شامل تمام افراد هیئت مستشاری می شود من نمی گویم خانواده شان چون آقای نخست وزیر فرمودند شامل خانواده نمی شود ولی با توجه به متن ماده واحده و آن تعریفی که از مأمورین فنی کردند، خانواده شان هم مشمول می شود حالا بنده اتخاذ سند می کنم از فرمایشات جناب آقای نخست وزیر می گویم مشمول افراد خانواده نمی شود، اما اعضای هیئت مستشاری تعدادشان زیاد است اکثرشان هم درجه دار هستند و تمام ناراحتی مردم از این درجه دارها است و الا قبول می کنم فرمایش جناب آقای نخست وزیر را که گفته یک عده افرادی هستند که متخصص اند آمده اند به عنوان معلم و ممکن است، سیویل باشد. اما از درجه دارها است که مردم ناراحتند و می گویند اگر ما فردا مثلاً با زنمان بیرون رفتیم و یک گروهبان آمریکایی نیشگون از زن ما گرفت نمی توانیم به هیچ جا مراجعه کنیم. اینجا است که مردم را عصبانی می کنند. دیروز در روزنامه خواندید که یک گروهبان آمریکایی سه نفر را زیر کرده است و خود بنده در موقع دادستانی، پرونده هایی از گروهبانهای نظامی آمریکا داشتم که افرادی را زیر کرده بودند که شما می خواهید رأی بدهید، وجدانتان را چطور قانع می کنید. (صحیح است) من متأثرم، می بینم دوست عزیز بنده جناب آقای قراچورلو که بنده به ایشان ارادت دارم، می آیند و می گویند زود

باشید. چرا زود باشیم آقای قراچورلوی عزیز من. جناب آقای نخست وزیر فرمایش کردند بنده هم خوشوقتم. گفتند ممکن است مقتضیات ایجاب بکند. بنده هم اینقدر انجماد فکری ندارم که بگویم مقتضیات ایجاب نمی کند، ولی این را محدود بکنید بگویند افسران مستشاران آمریکایی چون آنها ممکن است افرادی باشند که کمتر تخطی بکنند، واقعا هم این طوری است کمتر پشت اتومبیل می نشیند کمتر مست می کنند کمتر تخطی می کنند. ما کمال احترام را برایشان قائلیم و قبول می کنیم اینها را در ردیف خدمه سفارت محسوب بکنیم این عیبی ندارد. اما مشمول درجه داران نکنید. این خطرناک است و خدای نخواسته واقعه سقاخانه را تکرار خواهید کرد. وقتی که من دیدم بچه ام زیر اتومبیل یک نفر آمریکائی رفت و هیچ مرجعی ندارم که شکایت بکنم چه کار می کنم؟ می روم آمریکایی را می کشم این به ضرر خود آنهاست، نکنید این کار را.

نایب رئیس قبل از اینکه آقای نخست وزیر توضیحی بفرمایید باید عرض کنم که جناب آقای صادق احمدی ایراد فرمودند چرا بنده جلسه را ادامه دادم و تنفس ندادم به علت رأی مجلس برای اینکه تقاضا شد جلسه روز پنجشنبه باشد، مجلس رأی نداد و من موظف به تبعیت از رأی مجلس هستم (صحیح است) آقای نخست وزیر بفرمایید.

نخست وزیر راجع به موضوع درجه دار فرمودید بنده فکر می کنم که توضیحات قبلی جوابگوی فرمایش فعلی جنابعالی است، البته این احساسات ، احساسات بسیار خوبی است و اگر بنده شدیدتر

این احساسات را نداشته باشم، کمتر ندارم، ولی هیچ وقت نباید یک مطلب اساسی و کلّی مملکت را با یک مطالب استثنائی مخلوط کرد. موضوع درجه دار مطرح نیست. موضوع رئیس و اعضای هیئت نمایندگی مستشاری آمریکا در خدمت ارتش ایران است. درجه دار در لفظ ما و در قاموس ما به معنای کسانی می آید مثل گروهبان و غیره و اصلاً این مطرح نیست، این موضوع ممکن است یک آدم سیویل و متخصص باشد، اکسپر باشد، یک تکنیسین باشد یا یک درجه دار متخصص الکترونیک که از وزارت دفاع آمریکا آمده باشد، اینها را نمی شود تفکیک کرد، تشخیص داد.

تعداد آنها صد نفر هستند، دویست نفر هستند، هزار نفر هستند و اعضای محترم حزب ایران نوین هم نباید مستحضر به تعداد اعضای مستشاران در خدمت ارتش ما باشند. این موضوع در حزب مطرح نمی شود. نسبت به اصول کلی بحث می شود. یک زمانی ممکن است چهل نفر، یک زمانی ممکن است چهار نفر احتیاج باشد و یک زمانی اصلاً احتیاج نباشد. این یک مصونیت معقول متداول دنیای متمدن امروز است. در روابط بین المللی نسبت به حوائج فنی یک دستگاهی که متخصص داده است به دستگاهی که تکنیکش از این امور فنی فعلاً بی بهره است، باید تکمیل بکند. حالا ممکن است این فرد فنی، یک کلنل باشد یا یک گروهبان یا یک سیویل. آن گروهبانی را که شما تصور می فرمایید فلان سیاه آمریکایی در زمان جنگ، فلان کار را می کرده است، نیست. در شأن ارتش ایران نیست (یکی از نمایندگان مرقوم داشتید اعضاء هیئت) اعضای هیئت را بنده تشریح کردم که ممکن است یک افسر باشد، یک گروهبان متخصص باشد (صادق احمدی راننده جزء اعضای هیئت است) نه قربان آن جزء این نیست. آن جزء این هیئت در نمی آید. یک دولت، یک ارتش، یک دستگاهی این تشخیص را نمی دهد که راننده اتومبیل جزء این قسمت باشد. این جزء هیئت نیست. این جزء متخصصین آمریکایی در نمی آید (صادق احمدی بنده اتخاذ سند می کنم) .

نایب رئیس آقای صادق احمدی پیشنهادتان را پس می گیرید؟

صادق احمدی چون با کمال صراحت آقای نخست وزیر فرمودند راننده جزء هیئت نیست، اتخاذ سند می کنم ولی پیشنهادم را پس نمی گیرم.

نایب رئیس آقای خواجه نوری مخالف هستند.

خواجه نوری رأی بگیرید.

نایب رئیس آقای فولادوند بفرمایید.

فولادوند جناب آقای نخست وزیر به عنوان مخالف صحبت فرمودند. اجازه بدهید، بنده به عنوان موافق صحبت کنم. معمولاً نبایستی آخر جلسه صحبت کرد.

زهتاب فرد فرمودند آمریکایی سیاه. یک توضیحی بفرمایید، چون در قانون اسلام و قانون مملکت ما، سیاه و سفید فرقی ندارد.

نخست وزیر متشکرم، بنده خواهش می کنم در صورت جلسه اصلاح بشود.

فولادوند عرض شود حضور مبارکتان برخلاف میل آن آقای روزنامه نگاری که گفته است فولادوند زیاد شعر می گوید، بنده باز می گویم.

آن دل که پریشان شود از ناله بلبل

در دامنش آویز که در وی اثری هست

چطور می شود انسان بیانات آقای زهتاب فرد و آقای صادق احمدی را بشنود و چیزی نگوید و

بگوید به من چه، بنده به شخصه متأثر شدم و تقدیر می کنم و تحسین می کنم و پیرو هستم. اینجا هم حکومت اکثریت است و حکومت عدد است. ما تبریک می گوییم به جناب آقای منصور که رئیس دولت اکثریت هستند. وظیفه ما گفتن است (یک نفر از نمایندگان اگر صحیح باشد قبول می کنم) خداوند به شما این توفیق را همواره عنایت فرماید. عرض می شود به عقیده بنده یک قانونی که می بینم دلیل ماهیتش و کیفیتش اینقدر در مجلس شورای ملی ایران مورد بحث قرار گرفته که وکلا، نه تنها نگران هستند که ساعت چهار است بلکه مفتخر می شوند برای خدمت به وطن و به دوستان خودمان که تا ۴ بعد از نصف شب بنشینیم. جناب آقای صادق احمدی فرمودند آقای دکتر خطیبی تا حالا نشسته اند. اگر آقای مهندس ریاضی بود که یک دور ساعت دیگر هم می گشت و نشسته بودند (صادق احمدی اقلاً ایشان دستور می دادند یک نهار هم به ما بدهند) خوب فرمودند که قانون شما را از نهار منع کرده، خیلی ممنون باشید. بالاخره برگردیم به مطلب و آن این است که موضوعی که اینجا از لحاظ منطق مطرح است، بایستی مورد عنایت مجلس شورای ملی قرار بگیرد و بنده فکر می کنم بیشتر ایرادات نمایندگان محترم روی این اصل است که برای یک دولت دوست، یک دولتی که هم ظاهرا و هم قهرا باید با هم دوست باشیم، آیا احتیاج به مصونیت سیاسی هم دارد. سفت کردن یک پیچ الکترونیک و آیا اگر این مصونیت سیاسی نبود، این دستگاه را در عالم دوستی و هم عهدی و هم پیمانی نباید سفت کرد. این به عقیده بنده صمیمیت دوستان محترم که به اصطلاح ایراد کننده آن فرمایشات هستند و آن بیست سالی که از جنگ گذشته تا حالا دوستان آمریکایی ما در ایران بودند چه به سرشان آمده، غیر از احترام و دوستی و مودت زیادی که یک شوخی آن روز در خدمت جناب آقای مهندس ریاضی عرض کردم و دوستان هم بودند و خندیدند.

نایب رئیس آقای فولادوند خیلی معذرت می خواهم که نطق جنابعالی را قطع می کنم، ولی پنج

دقیقه بیشتر صحبت ندارید.

فولادوند اولاً پنج دقیقه نشده، ثانیا می فرمایید که بنده در این مورد مهم صحبت نکنم؟ بسیار خوب مرخص می شوم حالا که اجازه نمی فرمایید می روم و سکوت می کنم.

نایب رئیس بفرمایید صحبت کنید.

فولادوند اجازه نمی دهید.

نایب رئیس عرض کردم پنج دقیقه بیشتر وقت نداشتید و تمام شد. با این همه تقاضا کردم به اختصار به فرمایشات خود ادامه دهید.

فولادوند در موارد تخلفات گروهبانهای آمریکایی به عقیده بنده دولت ما، دستگاه ما خیلی با رأفت و عطوفت و با در نظر گرفتن روابط بین المللی رفتار کرد. زیدی شوخی می کرد می گفت حالا دولت آمریکا با مقامات آمریکایی این مسئولیت را می خواهند سلب کنند و شاید گاهی گروهبانهایشان را تنبیه کنند، برای این حرکاتی که در می آورند، برای اینکه شما که تنبیه نکردید، از این مطایبه که بگذریم جناب آقای دکتر ضیائی، این مطلب پیش می آید که مصونیت سیاسی برای این به عقیده بنده انجام شده است که عده ای بتوانند وظایف عالی خطیر و محرمانه سنگین و خطرناک برای دولتشان در کشور دوست یا دشمن انجام بدهند و معمولاً این مزیت را به کسی می دهند که تربیتهای متنوعه سیاسی او اکثرا به او اجازه می دهد که سوء استفاده از این موهبت و مزیت نکند و

نمی کند و بیشتر معنایش این بوده است که بیشتر این مصونیت را به اشخاص سیاسی با تربیتهای عالیه می دهند که اگر کاری به خلاف مملکتی که در آنجا هستند و کار می کنند انجام بدهند و به نفع کشورشان هست، بشود فورا جلبشان کرد. یک تشریفاتی داشته باشد تا این کار را شروع کنند و همچنین متقابلاً عرض می شود که درست است که کشور آمریکا قریب دویست میلیون جمعیت دارد و درست است که ما در حقیقت یک دهم آنها بیشتر نیستیم، درست است که ما نمی توانیم ۱۵۰۰ نفر یا ۵۰۰۰ نفر اعضای سفارت به عناوین مختلف به آنجا بفرستیم، ولی این دلیل نمی شود که تقابل نباشد. ملاحظه می فرمایید مثلاً ما نمی توانیم البته مطابق پیشنهادی که شد تکلیف برای دولت آمریکا معین کنیم. ما می توانیم دولت خودمان را موظف کنیم به موجب یک طرحی که تو هم برو این کار را بکن، ولی واقعا بسیار شایسته است از دولت جناب آقای منصور استدعا می کنم شما هم اقدام بفرمایید که برای ما هم کنگره و سنای آمریکا یک چنین وضعی قائل بشوند و یا رأی بدهند من که خیلی خوشحال می شوم (یک نفر از نمایندگان ما آنجا کسی را نداریم) بنده وقتی که صحبت می فرمایید ناچارم گوشزد کنم که نمی توانند. ما زیر سایه شاهمان باید صحبتمان را در مجلس آزاد بکنیم. اینکه فرمودند، برخلاف تصور صحیح فرمودند. این مرد شجاع، وطن پرست آزاد، کرد اصیل، گروهبان، ستوان یا افسر به دلیل اینکه خود دولتش او را افسر کرده، او را گروهبان کرده یک تفاوتهایی دارد. کار گروهبان که به او می گویند افسر غیررسمی چه این سنگین تر است و ما دیده ایم. در عمل بایستی جزئیات را در مجلسها بگویند.

نایب رئیس آقای فولادوند تقاضا می کنم اگر مطالب بیشتری دارید در کلیات، آخر صحبت بفرمایید که برخلاف نظامنامه رفتاری نشده باشد.

فولادوند برخلاف نظامنامه مثل اینکه رفتار شد. تقاضا نفرمایید، بنده می روم.

نایب رئیس پس به رأی مجلس می گذاریم.

فولادوند بگذارید.

نایب رئیس خانمها و آقایانی که موافقند آقای فولادوند تا ده دقیقه دیگر صحبتشان را ادامه بدهند، قیام فرمایند (عده کمتری برخاستند) متأسفانه تصویب نشد.

مهندس بهبودی احترام به اقلیت همین است؟

نایب رئیس پیشنهاد آقای صادق احمدی مطرح است. پیشنهاد مشابهی هم آقای عبدالحسین طباطبائی داده اند که نظیر پیشنهاد آقای احمدی است، قرائت می شود.

(به شرح زیر خوانده شد)

بنا به قول جناب آقای نخست وزیر، پیشنهاد می شود تصریح گردد مستشاران نظامی که از مصونیت موضوع قرارداد وین استفاده می نمایند، منحصر به رئیس و افسران مستشاری نظامی آمریکا باشد. عبدالحسین طباطبایی

نایب رئیس همین را به یک صورت دیگری آقای صادق احمدی پیشنهاد کرده اند این است که به یک پیشنهاد رأی می گیریم.

صادق احمدی پیشنهاد ایشان گفته است افسر، جناب آقای نخست وزیر فرمودند غیر از افسر، درجه داران متخصص هم هست. بنده عرض کردم درجه داران از شمول تبصره خارج بشوند.

عبدالحسین طباطبائی پیشنهاد بنده لازم است اگر پیشنهاد جنابعالی رد بشود.

نایب رئیس به پیشنهاد جناب آقای صادق احمدی که یک بار دیگر قرائت می شود، رأی می گیریم.

(پیشنهاد به شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد می نماید درجه داران هیئت مستشاری از شمول این ماده مستثنی بشوند احمدی.

نایب رئیس رأی می گیریم به پیشنهاد آقای احمدی خانمها و آقایانی که موافقند قیام فرمایند (عده کمتری برخاستند) تصویب نشد. پیشنهاد دیگری قرائت می شود.

(به شرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد می نماید جمله زیر به انتهای ماده واحده اضافه شود.

«مادام که اجرای این قانون تأثیر سوئی در روابط ایران و سایر دول پیش نیاورد»رامبد.

نایب رئیس آقای رامبد.

رامبد هر وقت جناب آقای نخست وزیر صحبت می فرمایند، من معتقد می شوم که باید دولت را کمک کرد تا کارهای مملکتی را پیش ببرد و هر وقت بنده به سهم خودم می خواهم دستشان را باز کنم که وظایف مملکتی را انجام بدهند، می ترسم خدای نکرده سوءتفاهمی پیش بیاید. این پیشنهادی که بنده کردم. اجازه می خواهم یک بار دیگر بخوانم. شما وقتی منزل تشریف بردید یک بار دیگر ماده ۲۹ و ۳۵ و عواقب آن را بخوانید (یک نفر از نمایندگان به استثنای ماده ۳۲) در این مواد هیچ گونه پیش بینی نشده اگر بر اثر اعطاء این مصونیتها پیش آمدی کرد، جرمی واقع شد که از نقطه نظر دولت خارجی ثالثی، دولت ایران در بن بست قرار گرفت، چه خواهد کرد. خواهد گفت من از خودم سلب مسئولیت می کنم به این جهت (یک نفر از نمایندگان چنین وضعی پیش نمی آید) اگر پیش نمی آید که

شکر خداوند که هیچ وقت این مورد استفاده قرار نمی گیرد. اگر پیش آمد لااقل دولت ایران و جناب آقای منصور نخست وزیر دستهایش باز است و به دوستان عزیز ما می گوید که دیگر برای خاطر شما تا قعر چاه حاضر نیستم بروم. چه خوب گفت: مکن کاری که بر پا سنگت آید، جهان با این فراخی تنگت آید چو فردا نامه خوانان نامه خوانند، تو نام خود ببینی ننگت آید.

نایب رئیس نسبت به پیشنهاد آقای رامبد نظری نیست؟

خواجه نوری پیشنهاد را نفهمیدیم.

نایب رئیس یک بار دیگر قرائت می شود.

(به شرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد می نماید جمله زیر به انتهای ماده واحده اضافه شود. «مادام که اجرای این قانون تأثیر سوئی در روابط ایران و سایر دول متحابه پیش نیاورد.» رامبد.

نایب رئیس آقای نخست وزیر توضیحی دارید؟ بفرمایید.

نخست وزیر برای مناظره پارلمانی، مشاوره، بحث، نطق بیان و خاصه عرضه معلومات، اطلاعات، وطن پرستی و درجه احساسات، امروز یکی از روزهای بسیار برجسته بود، ولی وقتی نسبت به مسائل اساسی مملکت و مسائل کلی مملکت قضاوت می کنیم، در ضمن توجه به فرمایشات آقایان کار مملکت هم باید بگذرد، کار مملکت هم باید اجرا بشود. بنده این مطلبی را که جناب آقای

رامبد فرمودند و پیشنهادی که کردند، بنده اصلاً نمی دانم چه ارتباطی به این مسئله دارد برای اینکه ما به هیچ وجه من الوجوه کاری که احتمالاً خدشه ای به روابط، با سایر دول بزند نه در این مورد نه در سایر موارد نباید بکنیم و نمی کنیم و این گفتنش در قانون همان توهمی را به وجود می آورد، که جنابعالی از آن نگران هستید. به نظر بنده کاری که شما می کنید و ما می کنیم نه ننگ است و نه عار بلکه عین حقیقت است و خدمت به مملکت است. مسائل مملکتی را باید از دریچه چشم حقیقت بینی نگاه کرد.

نایب رئیس آقای سرتیپ پور.

سرتیپ پور هر قدر افق دید دورتر باشد ما می توانیم آرامتر با وجدان راحتتر به مسائل نگاه کنیم. جناب آقای منصور باید بدانند که هیچ عقیده شخص بنده راجع به فرد فرد وزرای کابینه نسبت به مطالبی که درگذشته گفته ام، عوض نشده است. بنده به آقایان احترام دارم. احترام شما جزئی از احترام من است و احترام من جزئی از احترام شما است، ولی از همه بیشتر وطن را دوست می دارم، جامعه ام را دوست می دارم، بیرقم را دوست می دارم و دوست می دارم که هیچ قدرتی نتواند بهانه ای پیدا بکند که احیانا به گوشه ای از احترام و حرمت ملت من نگاه چپ بکند (احسنت) این را باید بدانیم، مشکلترین کار برای استیلای بر یک مملکت، اول پیدا کردن بهانه است. بعد از اینکه توانست یک جهان گشا بهانه به وجود بیاورد، بقیه را به حکم «حکم با غالب است» حل می کند. حساب بفرمایید من حالا کاری ندارم که با تصویب این لایحه به قدرت قضائی مملکت من دهن کجی می شود، وای بسا که من وقتی که اعتراف بکنم که قدرت قضائی من شایستگی ندارد، از این اقدام دیگران هم بخواهند، استفاده بکنند. من به این کاری ندارم ولی فکر می کنم اگر واقعا مستشار نظامی خواه درجه بالا، خواه درجه پایین می تواند مجرم باشد، یعنی از او ساخته است یا مجاز هست یا پیش می آید بر حسب

اتفاق جرمی بکند. این جرم را ممکن است نسبت به آحاد افراد مملکت بکنند که خواه تبعه داخله باشند یا تبعه خارجه، خواهش می کنم دقت بفرمایید باور بفرمایید اینجا موضوع مناظره در بین نیست. دید یک کمی دورتر است (احسنت) خوب این جیپ سوار امروز ممکن است یک هموطن مرا زیر بگیرد، می گویم آقا باید طبق لایحه برود جای دیگر رسیدگی بشود و آن را بنده نمی دانم که آنها تعهد رسیدگی به جرم کرده اند یا نکرده اند (یک نفر از نمایندگان اجباری نیست) آمدیم یک وقت یکی از اتباع خارجه یکی از مسئولین خارجه مقیم ایران را زیر گرفت، آنها در پناه کی هستند، در این مملکت در پناه قانون من هستند، از چه کسی مطالبه می کند مجرم را؟ از من مطالبه می کند. من چه می توانم بگویم به آن سفیری که یکی از اتباعش، یکی از مسئولینش در مملکت من در قلمرو قضائی من توهین دیده یا جرحی دیده یا قتلی پیش آمده است، روی چیزی که مسئولیتش به عهده من نیست؟ خوب اگر آمدیم و گفتیم به اعتبار فلان تصویب نامه یا لایحه قانونی به عهده من نیست آیا من به او مجال نداده ام مشکلترین کار را که همان پیدا کردن بهانه است به رخ من بکشد و ملت مرا در فشار بگذارد و مصائبی به وجود بیاورد و مشکلاتی را به وجود بیاورد که آن وقت من و سایر خانمها و آقایان و دولت و سایر صاحب نظران دلتنگ شویم، البته دلتنگ می شویم. تمام این مسائل به نظر بنده و جناب آقای دکتر ناصر یگانه اگر حل بشود اگر برای همین مشکلی که دولت و پارلمان گیر کرده است راه حل شرافتمندانه و آبرومندانه ای پیدا بشود به صورتی که همه نگرانیهای محتمل موقوف بشود، ای بسا که

ما بتوانیم با وجدان آرام نسبت به آینده و حال خودمان قضاوت کنیم اگر نه این مشکلات را درنظر بگیریم چون اینجا تنها وطن ما نیست، ملت هم تنها ملت من نیست. وطن همه آقایان است و زمانه هم دامنش میخکوب نشده است. نه دشمنیها پایدار است نه دوستیها پایدار است. ای بسا حیله ای باعث بشود در برهه ای از زمان در دامن ما آتش اندازند، خودتان می دانید (احسنت).

نایب رئیس پیشنهاد آقای رامبد یک بار دیگر قرائت می شود و بعد رأی می گیریم.

(به شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد می نمایند جمله زیر به انتهای ماده واحده اضافه شود «مادام که اجرای این قانون تأثیر سوئی در روابط ایران و سایر دول متحابه پیش نیاورد.» رامبد

نایب رئیس رأی می گیریم به پیشنهاد آقای رامبد خانمها و آقایانی که موافقند خواهش می کنم قیام فرمایند (چند نفری برخاستند) رد شد. پیشنهاد آقای دکتر مبین قرائت می شود.

(به شرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی

پیشنهاد می شود عبارت (به استثنای مصونیتهای مندرجه در ماده ۳۲ قرارداد وین) بعد از کلمه معافیتهایی اضافه شود. دکتر مبین

نایب رئیس آقای دکتر مبین.

دکتر مبین اینجا گفته شد که این لایحه وقتی که از مجلس سنا آمده ماده ۳۲ افتاده است.

نایب رئیس مربوط به این لایحه که مطرح است، نیست.

دکتر مبین مقام ریاست اعلام فرمودند که تصمیمی که مجلس گرفت، به اضافه ماده ۳۲ است.

بنابراین در لایحه تغییری نمی دهد پس آن را نمی توانند به دولت ابلاغ بکنند. باید برگردد به سنا که

راجع به ماده ۳۲ تصمیم بگیرند. اما راجع به این مطلبی که بنده عرض کردم چون ماده ۳۲ در قرارداد اصلی نبوده، ما نمی توانیم اشخاصی را که شامل مصونیتهای (دکتر پارسای رأی مجلس در ماده واحده است) (خواجه نوری ماده ۳۲ را ملاحظه بفرمایید از مستثنیات است) ماده ۳۲ هر چه هست، من نمی گویم چیزی نیست فرض کنیم چیزی نیست ما طبق آئین نامه ۲۴ ساعت قبل از هر چیز که می بایست در مجلس مطرح بشود باید اطلاع پیدا کنیم که از ماده ۳۲ کوچکترین اطلاعی نداشتیم و نمی توانیم اظهار نظر کنیم (خواجه نوری به این طرح ارتباط ندارد).

نایب رئیس پیشنهاد آقای دکتر مبین مطرح است نظری نیست؟ (عده ای از نمایندگان رأی بگیرید، رأی بگیرید).

نایب رئیس برای رأی، اکثریت نیست (با ورود چند نفر اکثریت حاصل شد) رأی می گیریم به پیشنهاد آقای دکتر مبین، خانمها و آقایانی که موافقند خواهش می کنم قیام فرمایند (معدودی برخاستند)رد شد. پیشنهاد دیگر قرائت می شود.

(به شرح زیر قرائت شد)

بنا به قول جناب آقای نخست وزیر پیشنهاد می شود:

تصریح گردد مستشاران نظامی که از مصونیت موضوع قرارداد وین استفاده می نمایند منحصر به رئیس و افسران مستشاری نظامی آمریکا باشد. عبدالحسین طباطبائی.

نایب رئیس این پیشنهاد جنابعالی نظیرش را جناب آقای صادق احمدی پیشنهاد کرده بودند و تصویب نشد اگر حالا توضیحی دارید بفرمایید.

عبدالحسین طباطبائی پیشنهاد آقای صادق احمدی این بود که گروهبان، آن عده از نظامیهای آمریکایی که در درجات پایین قرار دارند از این مصونیت خارج باشند. آقای نخست وزیر مثل اینکه این را قبول کردند و فرمودند که مقصود آن کادر بالا است. در وضع این لایحه تغییری نمی دهد، اگر قبول دارید بنده اینجا عین فرمایش جنابعالی را در این پیشنهاد آورده ام.

نخست وزیر بنده عرض کردم که این را نمی شود از هم تفکیک کرد. افسر و سیویل و درجه دار، اینها به عنوان تکنیسین است نه به عنوان یک گروهبان. اگر راننده باشد و در خدمت ارتش هم وارد نخواهد شد و این تکنیسین اگر درجه دار باشد، ما نمی توانیم استثناء کنیم. بنده این را عرض کردم.

عبدالحسین طباطبائی درجه دار نوعا در زبان ما به گروهبان و سرجوخه و استوارها گفته می شود. اگر اینها را بخواهیم مستثنی بدانیم بنا به گفته خودتان، در کلمات این لایحه باید تغییراتی داده شود تا این نقض حقوقی به وجود نیاید.

نخست وزیر یک تکنیسین ممکن است گروهبان باشد، ممکن است برای یک کاری احتیاج به یک گروهبان باشد، یعنی او تخصص دارد، ولی گروهبان هم هست پس این را نمی توانیم، مستثنی بکنیم.

طباطبائی این مغایر است. به هر حال اگر قبول فرمودید این مستثنی است، یک تغییری در لایحه بدهید که وضعیت حقوقی آن تأمین بشود، این عرض بنده بود (نمایندگان رأی، رأی) رأی می گیرند، باز هم رد می شود.

نایب رئیس به پیشنهاد خودتان باقی هستید؟

عبدالحسین طباطبائی بله

نایب رئیس رأی می گیریم به پیشنهاد آقای طباطبائی خانمها و آقایانی که موافقند قیام فرمایند (عده کمتری برخاستند) رد شد. چون پیشنهاد دیگری نیست کلیات آخر لایحه مطرح است، نظری هست؟ (اظهاری نشد) در این صورت پیشنهادی شده است از طرف پنج نفر آقایان که قرائت می شود.

(به شرح زیر خوانده شد)

مقام معظم مجلس شورای ملی

در مورد لایحه مورد بحث پیشنهاد می نماید با ورقه رأی گرفته شود.

سرتیپ پور رامبد صفی پور پاینده احمدی باقر بوشهری.

نایب رئیس عده ای تقاضا کرده اند که نسبت به این لایحه رأی مخفی با مهره گرفته شود و این پیشنهاد مقدم است پیشنهاد قرائت می شود.

(به شرح زیر خوانده شد)

ریاست معظم مجلس شورای ملی

طبق ماده ۱۴۸ آئین نامه داخلی مجلس شورای ملی تقاضا دارد در لایحه اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیت ها و معافیت های قرارداد وین، اخذ رأی مخفی با مهره انجام گیرد. عبدالحسین طباطبائی ملکشاه ظفر سرهنگ حسینی ایلخان بالاخانلو جاوید

دکتر اسدی دکتر رمضانی موقر امام مردوخ سرتیپ پور نیری مهندس بهبودی پاینده

معتمدی زهتاب فرد رامبد.

نایب رئیس به این ترتیب سه نفر انتخاب می شوند برای نظارت.

دکتر مهندس بهبودی استدعا می کنم مقرر بفرمایید یکی از آقایان منشی ها ماده مخصوص

مربوط به رأی مخفی ترتیب اخذ رأی با مهره را قرائت بفرمایند.

نایب رئیس ماده ۱۴۹ آئین نامه قرائت می شود.

(به شرح زیر قرائت گردید)

ماده ۱۴۹ اخذ رأی مخفی به ترتیبی است که در باب اخذ رأی علنی با ورقه ذکر شده، منتهی در این مورد بدوا سه نفر برای نظارت در اخذ و استخراج آراء به قرعه معین می شوند که با دو نفر از منشیان (به تشخیص رئیس) انجام وظیفه نمایند در صورتی که رأی مخفی با ورقه باشد اوراق رأی را در ظرف مخصوص و مهره تفتیشیه را در ظرف دیگر می اندازند و در صورتی که با مهره باشد، مهره های سفید و سیاه، داد می شود که مهره سفید علامت قبول و مهره سیاه علامت رد است.

نایب رئیس آقایان توجه بفرمایید ابتدا سه نفر به قید قرعه انتخاب می شوند برای نظارت. (اقتراع به عمل آمد در نتیجه آقایان دکتر صالحی و مهندس اسدی سمیع و مهندس صائبی تعیین شدند).

نایب رئیس آقایان: دکتر صالحی و مهندس عباس اسدی سمیع و مهندس حسن صائبی به قید قرعه برای نظارت در اخذ و استخراج آراء انتخاب شدند و آقایان دکتر مهذب، مهندس معینی از طرف هیئت رئیسه شرکت دارند. آقایان توجه فرمودند که ترتیب اخذ رأی این طور است که به هر یک از آقایان یک مهره سفید و یک مهره سیاه داده شده است. مهره سفید علامت موافق است و آن مهره سیاه علامت مخالف. در آن کیسه ای که در آنجا نزدیک تریبون است رأی تان را بیاندازید. یعنی اگر موافقید

مهره سفیدتان را در آن کیسه می اندازید و اگر مخالفید مهره سیاه را و بعد یک مهره تفتیشیه بگیرید و آن را در محل هیئت رئیسه در گلدان می اندازید و مهره دیگر را در کیسه چرمی که روی میز منشی است بیندازید.

رامبد بنده نمی دانم درست فرمایشاتتان را درک کرده ام یا خیر؟ فرمودید به هر یک از آقایان دو مهره سفید و سیاه داده می شود. مهره سفید علامت موافق و مهره سیاه علامت مخالف. مهره رأی را در کیسه ای که روی تریبون است می اندازند و مهره دیگر را در کیسه ای که روی میز منشی است؟ آیا ترتیب رأی همین طور است که من فهمیدم؟

نایب رئیس همین طور است و به همین ترتیب عمل می شود. آقای دکتر رشتی.

دکتر رشتی اگر بعد از شمردن مهره هایی که در این کیسه است با آن مهره هایی که در کیسه های دیگر است مطابق نبود، چه می شود؟

نایب رئیس اصل مهره هایی است که در کیسه اصلی که روی تریبون است ریخته شود و برای کنترل عده، مهره تفتیشیه کافی است. آقای مهندس بهبودی.

دکتر مهندس بهبودی اگر در بین راه یا موقع انداختن رأی مهره کسی را ببینند بفرمایید آن رأی مخدوش است.

نایب رئیس رأی باید کاملاً مخفی باشد اگر کسی مهره های خود را نشان بدهد، آن رأی مخدوش

است.

(اسامی نمایندگان به ترتیب آتی به وسیله منشی اعلام و در محل نطق اخذ رأی به عمل آمد).

دکتر کلالی مهندس جلالی نوری مجد خواجه نوری دکتر شفیع امین دکتر مصباح زاده

موقر بوشهری معتمدی مرتضوی دکتر خطیبی موسوی ماکوئی دکتر جعفری روستا اوزار

مصطفوی نائینی دکتر مهندس بهبودی دکتر امامی خوئی دکتر مبین دکتر ضیائی رضوی بانو

ابتهاج سمیعی بانو دکتر دولتشاهی بانو دکتر پارسای بانو جهانبانی بانو تربیت قراچورلو

امیر احمدی صائبی باغمیشه حق شناس صائب سیفی دکتر پورهاشمی دکتر اسفندیاری

بانو نفیسی دکتر بقائی یزدی پاینده دکتر قراگزلو بختیار بختیاریها ظفر دکتر اعتمادی

آقایان: فیصلی مهندس عطائی موسوی دکتر سعید دکتر رهنوردی مهندس معینی کنگرلو

دکتر وحیدنیا نیری ریگی دکتر کیان مهندس ارفع پروین شاخوئی البرزی محدث زاده

لفوطی محسنی مهر پاک ذات غلام نیاکان هیراد دکتر صاحب قلم ویلیام ابراهیمی ذبیحی

سلطان احمدی حاجی باغلو آقامیر ارسنجانی رامبد کورس کشفی دکتر غنی فولادوند

نصیری آموزگار پورادبی نوربخش بهادری قاسم مرادی جهانگیری تبریزی فهیمی

یعقوب تهرانی اهری زهتاب فرد دکتر حکیم شوشتری کیوان دکتر رمضانی مهدی ریاحی

کسرائی مهندس کمانگر سعید وزیری مهندس کمانگر سعید وزیری احتشامی مهندس جلالی

دکتر عدل مهندس اسدی سمیع مهندس زرآور مهندس زنجانچی دکتر نجیمی پژند ضابطی

طرقی شفیعی پور کرمانی مبارکی ساگینیان طهماسبی امام مردوخ مافی مهندس برومند

مهندس صائبی دکتر یزدان پناه روحانی دکتر حاتم توسلی دکتر فربود پزشکی دکتر عدل

طباطبائی دکتر رضوانی دکتر معتمد وزیری دکتر رشتی شیخ الاسلامی میرهادی اقبالی

سرتیپ پور امینی خراجی حسینی حاذقی پرویزی ملك زاده آملی میرافضل بالاخانلو

بدر صالحیان جهانشاهی حبیبی قلعه جوقی علی مرادی حکمت یزدی اولیاء مهندس کیا

رهبر کلانتر هرمزی طالب زاده رودسری مهندس انصاری دکتر زعفرانلو دکتر مدنی مهندس

بهبودی دکتر مهدی زاده مهندس عدلی مهندس مجتهدی مهندس آصفی مهندس آراسته

مهندس صدقیانی مهندس مالك مهندس معینی زند دکتر یگانگی سرتیپ حکیمیان فخر

طباطبائی دیهیم سرلشکر نکوزاد سرلشکر همایونی دکتر حکمت ثامنی مهندس اخوان زند

مهندس پروشانی ادیب سمیعی دکتر سامیراد کیهان یغمائی دکتر اسدی سلیمانی کاشانی

ناروئی مهرزاد طباطبائی رجائی ایلخان کمالوند صفی پور دکتر صالحی کبیری شکیبا

جاوید دکتر مهذب صادق احمدی.

(آراء مأخوذه شماره شد و نتیجه به قرار زیر اعلام گردید)

مهره تفتیشیه ۱۳۶

مهره سفید به علامت موافق ۷۴

مهره سیاه به علامت مخالف ۶۱

نایب رئیس به این ترتیب از ۱۳۶ رأی لایحه با ۷۴ رأی موافق و ۶۱ رأی مخالف تصویب شد.

به دولت ابلاغ می شود.

۹ تعیین موقع و دستور جلسه بعد ختم جلسه.

نایب رئیس جلسه را ختم می کنیم، جلسه آینده روز پنجشنبه **۲۳** مهر ماه ساعت نه صبح و

دستور جلسه انتخاب هیئت رئیسه مجلس خواهد بود.

(ساعت ۵ بعد از ظهر جلسه ختم شد).

نایب رئیس مجلس شورای ملی دکتر حسین خطیبی.

فصل سوم: پیامدهای احیای کاپیتولاسیون

ارزیابی نحوه تصویب لایحه کاپیتولاسیون

سند شماره (۱۶)طبقه بندی: خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا تهرانتاریخ: ۱۴ اکتبر ۱۹۶۴ ۲۲ مهر ماه ۱۳۴۳

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن تلگرام ارسالی به شماره ۴۰۴

مرجع: تلگرام سفارت به شماره ۳۹۸

مجلس، دیروز کنوانسیون وین و لایحه وضعیت در رابطه با پرسنل نظامی ایالات متحده را با ۷۴ رأی موافق در مقابل ۶۱ رأی مخالف، تصویب کرد. این تفاوت آراء که به طور تأسف باری ناچیز است، به خاطر عواملی به وجود آمد که ذیلاً تحلیل می گردد. اما نکته قابل توجه این است که رهبری حزب ایران نوین، کنترل خویش را بر روی تعداد قابل ملاحظه ای از هوادارانش، از دست داد. در حال حاضر مجلس ۱۸۸ نماینده دارد که ۱۳۸ تن از آنها اعضای حزب ایران نوین می باشند. به نظر می رسد، نزدیک به ۵۰ نفر از وکلای حزب ایران نوین غایب بوده اند و حدس می زنیم که از میان حاضران، دوازده نفر علیه دولت رأی داده باشند. زمانی مخالفت آسانتر شد که مخالفان موفق شدند رأی گیری مخفی را اعمال نمایند، امری که بسیار غیر عادی است ولی طبق آیین نامه داخلی مجلس چنانچه ۱۵ نفر از وکلا خواستار آن باشند، به اجراء در می آید. رشته وقایع و عواملی که در امر رأی گیری مؤثر بودند، به قرار زیر می باشد:

۱ نشست روز دوشنبه حزب ایران نوین (رجوع شود به تلگرام هوایی) از قرار معلوم خوب پیش رفت. به طوری که منصور، یگانه و ضیائی تصمیم گرفتند به برنامه سرعت بخشیده و هر دو لایحه را روز سه شنبه برای رأی گیری به مجلس ببرند. اطمینان بیش از حد رهبری حزب، از این واقعیت نمودار می شود که رهبری حزب اکثریت، تلاش ویژه ای برای گردآوری هوادارانش به خرج نداد تا

حضور حداکثر آنها را فراهم نماید (مشکل بتوان دریافت که چند نفر از آنها عمدا حضور نیافتند. اما مطمئنا همه وکلای غایب حزب ایران نوین در جای دیگری کار نداشتند). ولی وکلای حزب مردم و وکلای منفرد که اپوزسیون را تشکیل می دهند، همگی مخصوصا حضور داشتند.

۲ از آغاز بحث، نخست وزیر موضع دفاعی داشت. رابطین مجلس می گویند که متانت وی به هنگام قرار گرفتن در معرض حمله مخالفان، تحسین برانگیز بود. منصور ظاهرا فکر می کرد که تنها

با«مخالفتی» معمولی که با وجود اکثریت وکلای حزب ایران نوین قابل کنترل است، روبرو خواهد شد. واقعیت این است که تعدادی از هواداران دولت یا با رأی منفی و یا با غیبت عمدی از پشتیبانی آن خودداری کردند. بعد از اعلام نتایج رأی گیری، دولت با شوک ناخوشایندی روبرو شد. قبل از رأی گیری، ضیائی به ما گفته بود که حزب ایران نوین تنها دو یا سه رأی منفی را انتظار دارد.

۳ دولت اظهارات جامع و مطلوبی درباره مفاد لایحه ایراد نمود و منصور در جریان بحث، تفاسیر مکرری را بیان نمود. نظر به اینکه ممکن است این مباحثات سابقه قانونی مهمی را پی ریزی کند، ما به محض دریافت گزارش کامل مباحثات، تحلیل جداگانه ای را تسلیم خواهیم کرد. ظاهرا دولت در بیان شمول و وضعیت لایحه، صریح و رک بود و در توضیحاتش از جواب دادن طفره نرفت.

۴ مخالفان یا پیام را دریافت نکرده بودند که شاه خواستار تصویب این لایحه است و یا اینکه به آنها اجازه داده شده بود که به دولت حمله کنند. در هر صورت، نمایندگان حزب مردم و وکلای منفرد از مواضع خود عقب نشستند، به خصوص پس از اینکه مانورهای آیین نامه ای آنها برای به تعویق انداختن رأی گیری، پی درپی با اکثریت آراء رد شد. ظاهرا دولت به غلط احساس کرد از آنجایی که مخالفان نمی خواهند لایحه به رأی گذاشته شود، مخالفتشان نباید قوی باشد.

۵ عاملی که در این رابطه تأثیر منفی داشت این بود که روزنامه های دیروز تصادف اتومبیلی را گزارش کردند که در آن یک کارمند آمریکایی، راننده یک تاکسی را بشدت مجروح کرده بود. بعضی از ناطقین ادعا کردند که لایحه وضعیت، صلاحیت قضائی داخلی در چنین مواردی را از میان می برد. در میان فحاشیها شنیده شد که اگر قانون وضعیت تصویب شود، یک درجه دار آمریکایی می تواند با استفاده از مصونیت، به صورت تیمسار ایرانی سیلی بزند. زهتاب فرد و سرتیپ پور که هر دو از نمایندگان منفرد هستند، تندترین ناطقین علیه لایحه وضعیت بودند. اما افراد دیگری هم علیه آن

صحبت کردند که رامبد، رهبر حزب مردم، هم جزء آنها بود.۶ به علت سفر «ریاضی»، رئیس مجلس به آمریکا، ریاست جلسه با شفیع امین(۱) بود. او در تاکتیکهای پارلمانی ناشی و در مهار کردن بحثها ناتوان بود. (شریف امامی ۷ رئیس مجلس سنا و استراتژیست دائمی پارلمان، شب گذشته به ما گفت که در وضعیت مشابه، جلسه غیر علنی تشکیل می داد و قبل از اینکه بحثها ادامه یافته و ضبط شود، سرو صداها را می خوابانید.)۷ بعضی از ناطقین مخالف، آشکارا مطالب ضد آمریکایی بیان کردند. مقداری از آن مطالب کاملاً مضحک بود (مانند اشاره به اینکه نخست وزیر باید دست نشانده آمریکا باشد، زیرا یک وقتی به یکی از کارمندان سفارت آمریکا که گویا «گرداننده دولت» است، منزلی اجاره داده بود). به نظر می رسد دولت چنین سخنی را با سکوت کردن، تحمل کرده است. لایحه وضعیت، حامیان باحرارتی نداشت، احساسات، همه در طرف مخالف بود.

در پایان، به نظر ما در حالی که روشن شدن وضعیت پرسنل نظامی ایالات متحده، در پارلمان ایران دلگرم کننده است، ولی نه تنها منصور بلکه تا حدی رژیم شاه هم برای عملی ساختن آن بهای سنگینی پرداخته اند.

این بهای سنگین تا حد زیادی به بی کفایتی دولت در اداره هر دو مجلس شورا و سنا مربوط می شود. اما به حداقل رساندن عکس العمل ملی گرایان، که تصویب لایحه آنها را به فعالیت انداخته،

۱- لازم به ذکر است که ریاست جلسه با دکتر حسین خطیبی بود نه با شفیع امین .م

بیهوده خواهد بود. چند روزی طول خواهد کشید تا مشخص شود که آیا این عارضه ای موقتی است و از بین خواهد رفت همان طور که اینک به نظر می رسد یا اینکه بر روابط ما با ایران تأثیرات دراز مدتی خواهد گذاشت.راک ول

ملاقات با نخست وزیر برای بسط شمول لایحه کاپیتولاسیون

سند شماره (۱۷)

از: سفارت آمریکا تهران، ایرانتاریخ: ۱۴ اکتبر ۱۹۶۴ ۲۲ مهر ۱۳۴۳

به: وزارت امور خارجه واشنگتن

تلگرام ارسالی به شماره ۴۰۵

طبقه بندی: خیلی محرمانه

مرجع: تلگرام سفارت به شماره ۴۰۴

اگر چه پارلمان کار بر روی لایحه وضعیت (کاپیتولاسیون م) را هم اکنون تکمیل کرده است، اما پس از امضای شاه و ده روز بعد از انتشار رسمی، قابل اجراء خواهد بود. وقتی که این مراحل طی شد، توضیحات مشخص قانونی (که در حال حاضر قول آن داده شده است) از وزارت امور خارجه (ایران م) گرفته خواهد شد و ترتیبات اداری برای اجتناب از هرگونه ابهامی در مورد وسعت شمول آن، به عمل خواهد آمد. بر این اساس، ما مطمئن هستیم که پرسنل نظامی ایالات متحده که به زودی به ایران می آیند، بلافاصله از مزایای کنوانسیون وین بهره مند نخواهند شد. مثلاً تخلف همسران مستشارانی که رانندگی اتومبیلهای شخصی را به عهده دارند، مشمول مصونیت تلقی نخواهد شد.

راک ولمارتین اف. هرتز مشاور سیاسی

اخراج چند تن از نمایندگان حزب ایران نوین به علت مخالفت با کاپیتولاسیون

سند شماره (۱۸)

از: سفارت آمریکا تهرانتاریخ: ۱۵ اکتبر ۱۹۶۴ ۲۳ مهر ۱۳۴۳

به: وزارت امور خارجه واشنگتنتلگرام ارسالی به شماره ۴۱۳

طبقه بندی: خیلی محرمانهمرجع: تلگرام سفارت به شماره ۴۰۴

هویدا، وزیر دارایی، به ما خبر داد که نزدیک به ده نفر از نمایندگان حزب ایران نوین، به خاطر رأیشان در روز سه شنبه، از حزب اخراج خواهند شد.راك ول

مارتین اف. هرتز مشاور سیاسی

موافقت بی سر و صدای دولت ایران با بسط شمول لایحه کاپیتولاسیون

سند شماره (۱۹)

مکان: وزارت امور خارجه ایران تاریخ: ۲۱ اکتبر ۱۹۶۳ ۲۹ مهر ماه ۱۳۴۳

يادداشت مذاكره شركت كنندگان : احمد میرفندرسکی معاون وزارت امور خارجه استوارت دبلیو.

راك ول، كاردار سفارت آمریکا

موضوع: کنوانسیون وین

امروز صبح، گفتگوی مفصلی با معاونت وزارت امور خارجه، میرفندرسکی، در رابطه با کنوانسیون وین و تصویب آن در مجلس داشتم. من صریحا از او پرسیدم که آیا دولت تصمیم دارد بیانیه های

توضیحی صادر کند و یا حتی شواهد و دلایل خودش در مجلس را منتشر سازد تا باعث آرام شدن افکار عمومی گردد و آنهایی که قلبا نگران آثار این اقدام هستند زیرا حقایق مربوطه به آنها گفته نشده، تسکین یابند.

میرفندرسکی گفت که تصمیم گرفته شده که بیانیه ای منتشر نگردد. او معتقد بود که این کار مسئله ای را که دارد آرام می گیرد، دوباره مطرح خواهد ساخت و مطالب جدیدی در اختیار مخالفان لایحه و دولت قرار خواهد داد. مخالفت سیاستمداران و نمایندگان با لایحه، نه به خاطر مواد آن بلکه به خاطر فرصتی است که این لایحه برای حمله به آمریکاییها و دولت به وجود آورده است، لذا آنها با هیچ بیانیه توضیحی متقاعد نخواهند شد. اکثر مردم در مورد چنین قضایایی مانند مصونیت خارجیان، با قلبشان می اندیشند نه با مغزشان و با هیچ بیانیه رسمی هم متقاعد نخواهند شد. به علاوه با گذشت زمان، بسیاری از مردم موضوع را فراموش خواهند کرد.

میرفندرسکی اضافه کرد که این قضیه، تجربه تلخی بود. اگر او در مراحل اولیه می توانست به این مسئله رسیدگی کند، با تقدیم آن به مجلس بشدت مخالفت می کرد. ولی متأسفانه این کار انجام شده بود. او به سردی گفت که شاید اوضاع آن چنان هم که به نظر می رسد، تیره نباشد. لایحه تصویب شده است؛ آنهایی که نمی خواهند مجلس فقط یک به مهره پلاستیکی باشد، راضی شده اند؛ آنهایی که به حکومت اکثریت معتقدند، آن را ثابت کرده اند و آنهایی که در آرزوی حمله به دولت هستند، قادر به انجام این کار شدند.

وقتی گفتم که ما علاقه مندیم هر چه زودتر برای روشن ساختن جزئیات مربوط به لایحه وضعیت، مذاکره را آغاز کنیم، میرفندرسکی قویا اظهار داشت که ما به هیچ وجه حرکت دیگری نخواهیم کرد تا وقتی که آتش خاموش شود. او گفت افرادی وجود دارند که ضد آمریکایی می باشند و مایلند تا به ما

آسیب برسانند و در همه جا، جاسوسانی دارند (من فکر می کنم مفهوم آن این است که در خود وزارت خارجه). اگر هم اکنون مذاکرات رسمی را از سر بگیریم، دشمنان ما از فرصت استفاده کرده و دوباره آتش را شعله ور می کنند.

وقتی که مبادله یادداشتها را متذکر شدم، میرفندرسکی گفت که با توجه به دستکاری سنا در لایحه وزارت خارجه، یادداشتهای مبادله شده از کنوانسیون وین تفکیک گردیده، و موضوعی که آنها با آن سر و کار دارند، خودش به یک قانون مبدل شده است. این قانون اکنون یک سند حکومتی است، نه یادداشتهای مبادله شده. این قانون روشن می کند که امتیازات کنوانسیون وین، رئیس هیئت مستشاری نظامی و افراد زیردست او را در بر می گیرد. در این قانون هیچ اشاره خاصی به بستگان، ، وجود ندارد و میرفندرسکی در مجلس نگفته است که وزارت خارجه مصونیت را شامل بستگان هم می داند.

تبصره خاصی که بستگان را از مصونیت محروم می کرد، رد شد و او صلاح دیده بود که مسئله را در همان جا رها کند. با وجود این او مرا مطمئن ساخت که یک «موافقت بی سر و صدا» میان ما وجود دارد که مصونیت، بستگان را نیز در بر می گیرد و اگر فردی از بستگان دچار وضعیتی شود که به اتهام جنایی ختم گردد، وزارت خارجه وارد عمل خواهد شد تا آن شخص به خاطر آن اتهام تحت تعقیب قرار نگیرد.اس. دبلیو. راک ول

گروه ۳ در فاصله ۱۲ سال طبقه بندی کاهش داده شود به طور خودکار از طبقه بندی خارج نشود.

رژیم شاه که به خوبی می دانست بازتاب عمومی این لایحه ننگین تا چه حد خطرناک خواهد بود، سانسور شدیدی بر رسانه های گروهی حاکم کرد تا هیچ گونه خبری در مورد لایحه کاپیتولاسیون به بیرون درز نکند.

جولی چند روزی از تصویب این لایحه خیانت بار نگذشته بود که مجله داخلی مجلس شورای ملی که متن کامل سخنرانیها و مذاکرات نمایندگان و نخست وزیر وقت را در برداشت، به دست امام خمینی(ره) رسید. ایشان با مطالعه دقیق آن دریافت که رژیم شاه بار دیگر خیانت بزرگی را مرتکب شده است. این مسئله بشدت ایشان را آشفته و منقلب کرد به صورتی که کمتر می توانستند خواب یا استراحت داشته باشند و مدام خشم و ناراحتی شدید وجود ایشان را در برگرفته بود. دگرگونی و حالت غیر عادی در ایشان به تدریج بر سر زبانها افتاد و همگان جویای علت این خشم و ناراحتی بودند.

امام خمینی (ره) به منظور افشای این خیانت تصمیم گرفتند که طی ایراد نطقی حاد، این رسوایی رژیم شاه را به اطلاع عموم برسانند. قبل از هر چیز ایشان برای آگاه ساختن علماء و روحانیون مرکز و شهرستانها، پیکهایی همراه با نامه به اطراف و اکناف کشور روانه نمودند و خود نیز با مقامات روحانی قم به گفتگو نشستند. به تدریج تعداد کثیری از مردم ایران وارد قم شدند، تا خود شاهد این سخنرانی باشند.

رژیم شاه که از برنامه سخنرانی حضرت امام (ره) اطلاع پیدا کرده بود، برای جلوگیری از این سخنرانی، نماینده ای به قم اعزام داشت. این فرد هر چه کرد نتوانست به دیدار امام نائل گردد، ولی در دیدار با فرزند امام، حاج آقا مصطفی خمینی این پیام را برای امام فرستاد:

«... آمریکا به منظور کسب وجهه در میان مردم ایران با تمام قدرت فعالیت می کند و پول می ریزد و

از نظر قدرت در موقعیتی است که هرگونه حمله به آن به مراتب خطرناکتر از حمله به شخص اول مملکت است! آیت اللّه خمینی اگر این روزها بنا دارند نطقی ایراد کنند باید خیلی مواظب باشند که با دولت آمریکا برخوردی نداشته باشد که خیلی خطرناک است و با عکس العمل تند و شدید آنان مواجه خواهد شد. دیگر هر چه بگویند حتی حمله به شاه چندان مهم نیست».

این تهدیدات کوچکترین اثری در عزم راسخ امام (ره) نداشت و ایشان در روز ۴ آبان ۱۳۴۳ که مصادف با روز ولادت شاه خائن بود، در منزل خود سخنرانی بسیار آتشین، کوبنده و افشاگرانه ای به عمل آورد و مردم ایران را از جزئیات این خیانت رژیم شاه مطلع ساخت.(۱)

بیانات امام خمینی (ره) در مورد لایحه اسارت بار احیای کاپیتولاسیون

بیانات امام خمینی (ره) در مورد لایحه اسارت بار احیای کاپیتولاسیون

بسم اللّه الرحمن الرحیمتاریخ: ۴/۸/۱۳۴۳

پایمالی استقلال و عظمت ایران با احیای کاپیتولاسیون

انا للّه و انا الیه راجعون من تأثرات قلبی خودم را نمی توانم اظهار کنم، قلب من در فشار است، این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده ام خوابم کم شده، (گریه حضار) ناراحت هستم، قلبم در فشار

۱- برای اطلاع از جزئیات وقایع قبل و بعد از سخنرانی حضرت امام (ره) رجوع شود به کتاب (بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی) ‌ نوشته سید حمید روحانی زیارتی جلد اول صفحات ۷۰۶ تا ۷

است، با تأثرات قلبی روزشماری می کنم که چه وقت مرگ پیش بیاید، (گریه شدید حضار) ایران دیگر عید ندارد، (گریه حضار) عید ایران را عزا کرده اند، (گریه حضار) عزا کردند و چراغانی کردند، عزا کردند و دسته جمعی رقصیدند. ما را فروختند، استقلال ما را فروختند، و باز هم چراغانی کردند، پایکوبی کردند. اگر من به جای اینها بودم این چراغانی ها را منع می کردم، می گفتم بیرق سیاه بالای سر بازارها بزنند، بالای سر خانه ها بزنند، چادر سیاه بالا ببرند. عزت ما پایکوب شد، عظمت ایران از بین رفت، عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند.

قانونی در مجلس بردند در آن قانون اولاً ما را ملحق کردند به پیمان وین و ثانیا الحاق کردند به پیمان وین که تمام مستشاران نظامی آمریکا با خانواده هایشان با کارمندهای فنی شان، با کارمندان اداری شان، با خدمه شان، با هرکس که بستگی به آنها دارد، اینها از هر جنایتی که در ایران بکنند مصون هستند؛ اگر یک خادم آمریکایی، اگر یک آشپز آمریکایی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پا منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاههای ایران حق ندارند محاکمه کنند! بازپرسی کنند! باید بروید آمریکا! آنجا در آمریکا، اربابها تکلیف را معین کنند! دولت سابق این تصویب را کرده بود و به کسی نگفت. دولت حاضر این تصویب نامه را در چند روز پیش از این برد به مجلس و در چه وقت پیش از این به سنا بردند و با یک قیام و قعود مطلب را تمام کردند و باز نفسشان درنیامد. در این چند روز این تصویب نامه را بردند به مجلس شورا و در آنجا صحبت هایی کردند، مخالفت هایی شد، بعضی از وکلا هم مخالفت هایی کردند، صحبت هایی کردند لکن مطلب را گذراندند، با کمال وقاحت گذراندند، دولت با کمال وقاحت از این امر ننگین طرفداری کرد.

ملت ایران را از سگهای آمریکا پست تر کردند، اگر چنانچه کسی سگ آمریکایی را زیر بگیرد بازخواست می کنند، اگر شاه ایران یک سگ آمریکایی را زیر بگیرد، بازخواست می کنند و اگر چنانچه

یک آشپز آمریکایی شاه ایران را زیر بگیرد، مرجع ایران را زیر بگیرد، بزرگترین مقام را زیر بگیرد، هیچ کس حق تعرض ندارد، چرا؟ برای اینکه می خواستند وام بگیرند از آمریکا، آمریکا گفت این کار باید بشود (لابد این جور است) بعد از سه چهار روز وام دویست میلیونی، دویست میلیون دلاری تقاضا کردند، دولت تصویب کرد که در ظرف پنج سال مبلغ مزبور را به دولت ایران بدهند و در عرض ۱۰ سال سیصد میلیون بگیرند، می فهمید یعنی چه؟ دویست میلیون دلار، هر دلاری ۸ تومان در عرض پنج سال وام بدهند به دولت ایران برای نظام و در عرض ۱۰ سال سیصد میلیون، آن طور که حساب کردند ۳۰۰ میلیون دلار از ایران بگیرند، یعنی ۱۰۰ میلیون دلار یعنی ۸۰۰ میلیون تومان از ایران در ازای این وام نفع بگیرند. معذالک ایران خودش را فروخت برای این دلارها، ایران، استقلال ما را فروخت، ما را جزء دول مستعمره حساب کرد، ملت مسلم ایران را پست تر از وحشیها در دنیا معرفی کرد، در ازای وام ۲۰۰ میلیون که ۳۰۰ میلیون دلار پس بدهند. ما با این مصیبت چه بکنیم؟ روحانیون با این مطالب چه بکنند؟ به کجا پناه ببرند؟ عرض خودشان را به چه مملکتی برسانند؟

کاپیتولاسیون مخالف رأی ملت است

سایر ممالک خیال می کنند که ملت ایران است، این ملت ایران است که این قدر خودش را پست کرده است، نمی دانند این دولت ایران است، این مجلس ایران است، این مجلس است که هیچ ارتباطی

به ملت ندارد، این مجلس سرنیزه است، این مجلس چه ارتباطی به ملت ایران دارد، ملت ایران به اینها رأی ندادند، علمای طراز اول، مراجع، بسیاریشان تحریم کردند انتخابات را، ملت تبعیت کرد از اینها، رأی نداد، لکن زور سرنیزه اینها را آورد در این کرسی نشاند.

نفوذ روحانی مضر به حال دشمنان ملت است نه خود ملت

در یکی از کتابهای تاریخی که امسال به طبع رسیده است و به بچه های ما تعلیم می شود، این است که بعد از اینکه یک مسائل دروغی را نوشته است، آخرش نوشته است که معلوم شد که قطع نفوذ روحانیت، قطع نفوذ روحانیون در رفاه حال این ملت مفید است! رفاه حال ملت به این است که روحانیون را از بین ببرند! همین طور است، اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد این ملت اسیر انگلیس یک وقت باشد، اسیر آمریکا یک وقت باشد. اگر نفوذ روحانیون باشد، نمی گذارد که اسرائیل قبضه کند اقتصاد ایران را، نمی گذارد که کالاهای اسرائیل در ایران بدون گمرک فروخته بشود. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد که اینها سر خود یک هم چنین قرضه بزرگی را به گردن ملت بگذارند. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد این هرج و مرجی که در بیت المال هست، بشود. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد که هر دولتی هر کاری می خواهد انجام بدهد ولو صد در صد بر ضد ملت باشد. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد که مجلس به این صورت مبتذل درآید. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد که مجلس با سرنیزه درست بشود تا این فضاحت از آن پیدا بشود. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد که دختر و پسر با هم در آغوش هم کشتی بگیرند، چنان که در شیراز شده است. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد که دخترهای معصوم مردم زیر دست جوان ها در مدارس باشند. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد که زنها را در مدرسه مردها ببرند، مردها را در مدرسه زنها ببرند و فساد راه بیندازند. اگر نفوذ روحانیون باشد توی دهن این دولت می زند، توی دهن این مجلس می زنند و وکلا را از

مجلس بیرون می کنند. اگر نفوذ روحانیون باشد تحمیل نمی توانند بشود یک عده از وکلا بر سرنوشت یک مملکتی که حکومت کنند. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارند یک دست نشانده آمریکایی این غلطها را بکند، بیرونش می کنند از ایران، نفوذ ایرانی، نفوذ روحانی مضر به حال ملت است؟ نخیر مضر به حال شماست، مضر به حال شما خائنهاست نه مضر به حال ملت. شما دیدید با نفوذ روحانی نمی توانید هر کاری را انجام دهید، هر غلطی را بکنید، می خواهید نفوذ روحانی را از بین ببرید. شما گمان کردید که با صحنه سازی ها می توانید که بین روحانیون اختلاف بیندازید؟ نمی توانید، این خواب باید در مرگ برای شما حاصل شود، نمی توانید همچو کاری انجام دهید، روحانیون با هم هستند. من به تمام روحانیون تعظیم می کنم، دست تمام روحانیون را می بوسم، آن روز اگر دست مراجع را می بوسیدم، امروز دست طلاب را هم می بوسم (گریه حضار) من امروز دست بقال را هم می بوسم، (گریه شدید حضار).

اعلام خطر به کلیه اقشار ملت

آقا من اعلام خطر می کنم، ای ارتش ایران! من اعلام خطر می کنم، ای سیاسیون ایران! من اعلام خطر می کنم، ای بازرگانان! من اعلام خطر می کنم، ای علمای ایران! ای مراجع اسلام! من اعلام خطر

می کنم، ای فضلا! ای طلاب! ای مراجع، ای آقایان! ای نجف! ای قم! ای مشهد! ای تهران! ای شیراز! من اعلام خطر می کنم، خطردار است. معلوم می شود زیر پرده ها چیزهایی است و ما نمی دانیم، در مجلس گفتند نگذارید پرده ها بالا برود، معلوم می شود برای ما خوابها دیده اند. از این بدتر چه خواهند کرد؟ نمی دانم از اسارت بدتر چه؟ از ذلت بدتر چه؟ چه می خواهند با ما بکنند؟ چه خیالی دارند اینها؟ این قرضه دلار چه به سر این ملت می آورد؟ این ملت فقیر ده سال ۱۰۰ میلیون دلار، ۸۰۰ میلیون تومان نفع پول به آمریکا بدهد؟! در عین حال ما را بفروشید، برای یک همچو کاری؟!

نظامیان آمریکایی، مستشاران نظامی آمریکایی به شما چه نفعی دارند؟ آقا اگر این مملکت اشغال آمریکاست پس چرا اینقدر عربده می کشید، پس چرا اینقدر دم از ترقی می زنید؟ اگر این مستشاران نوکر شما هستند پس چرا از اربابها بالاترشان می کنید؟ پس چرا از شاه بالاترشان می کنید؟ اگر نوکرند مثل سایر نوکرها با آنها عمل کنید، اگر کارمند شما هستند مثل سایر ملل که با کارمندانشان عمل می کنند شما هم عمل کنید. اگر مملکت ما اشغال آمریکاییست پس بگویید، پس ما را بردارید بریزید بیرون از این مملکت. چه می خواهند با ما بکنند؟ این دولت چه می گوید به ما؟ این مجلس چه کرد با ما؟ این مجلس غیر قانونی، این مجلس مجرم، این مجلسی که به فتوای و به حکم مراجع تقلید تحریم شده است. این مجلسی که یک وکیلش از ملت نیست، این مجلسی که به ادعا می گوید ما، ما، هی ما از انقلاب سفید آمده ایم. آقا کو این انقلاب سفید؟! پدر مردم را درآوردند. آقا من مطلعم، خدا می داند که من رنج می برم، من مطلعم از این دهات، من مطلعم از این شهرستان های دور افتاده، از این قم بدبخت، من مطلعم از گرسنگی خوردن مردم، از وضع زراعت مردم.

سکوت در مقابل ابرقدرت از معاصی کبیره است

آقا فکری بکنید برای این مملکت، فکری بکنید برای این ملت. هی قرض روی قرض بیاورید؟!

هی نوکر بشوید!! البته دلار نوکری هم هست، دلارها را شما می خواهید استفاده کنید، نوکریش را ما بکنیم. اگر ما زیر اتومبیل رفتیم کسی حق ندارد به آمریکایی ها بگوید بالای چشمت ابروست، لکن شماها استفاده اش را بکنید، مطلب این طور است، نباید گفت اینها را؟ آن آقایانی که می گویند که باید خفه شد، اینجا هم باید خفه شد؟ اینجا هم خفه بشویم؟ ما را بفروشند و خفه بشویم؟ قران ما را بفروشند و خفه بشویم؟ واللّه گناهکار است کسی که داد نزند، واللّه مرتکب کبیره است کسی که فریاد نکند (گریه شدید حضار).

به داد اسلام برسید

ای سران اسلام! به داد اسلام برسید، ای علمای نجف! به داد اسلام برسید، ای علمای قم! به داد اسلام برسید، رفت اسلام. (گریه شدید حاضرین در مجلس) ای ملل اسلام! ای سران ملل اسلام! ای رؤسای جمهوری ملل اسلامی! ای سلاطین ملل اسلامی! ای شاه! به داد خودت برس، به داد همه ما برسید. ما زیر چکمه آمریکا برویم، چون ملت ضعیفی هستیم؟ چون دلار نداریم؟! آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر، همه از هم بدتر، همه از هم پلیدتر.

امروز دولت آمریکا منفورترین دولت ها در نظر ماست

اما امروز سر و کار ما با این خبیث هاست، با آمریکاست. رئیس جمهور آمریکا بداند، بداند این معنا را که منفورترین افراد دنیاست پیش ملت ما، امروز منفورترین افراد بشر است پیش ملت ما، یک همچنین ظلمی به دولت اسلامی کرده است، امروز قرآن با او خصم است، ملت ایران با او خصم است. دولت آمریکا بداند این مطلب را، ضایع کردند او را در ایران، خراب کردند او را در ایران.

ما را به آمریکا فروختند

برای مستشارها مصونیت می گیرید؟ بیچاره وکلا داد زدند آقا از این دوستهای ما بخواهید به ما اینقدر تحمیل نکنند، ما را نفروشید، ما را به صورت مستعمره در نیاورید، کی گوش داد به اینها. از پیمان وین یک ماده را اصلاً ذکر نکرده اند، ماده ۳۲ ذکر نشده است، من نمی دانم آن ماده چه است، من که نمی دانم رئیس مجلس هم نمی داند، وکلا هم نمی دانند، نمی دانند که قبول کردند طرح را، طرح را قبول کردند، طرح را امضاء کردند، تصویب کردند، اما عده ای اقرار کردند که ما اصلاً نمی دانیم چیست (آنها هم لابد امضاء نکرده باشند) آن عده دیگر بدتر از آنها بودند، یک عده جهالند اینها.

رجال سیاسی ما، صاحب منصبهای بزرگ ما، رجال سیاسی ما، یکی بعد از دیگری را کنار می گذارند؛ الآن در مملکت ما به دست رجال سیاسی که وطن خواه باشند چیزی نیست، در دست آنها چیزی نیست؛ ارتش هم بداند، یکی تان را بعد از دیگری کنار می گذارند، دیگر برای شما آبرو گذاشتند؟ برای نظام شما آبرو گذاشتند که یک سرباز آمریکایی بر یک ارتشبد ما مقدم است؟ یک آشپز آمریکایی بر یک ارتشبد ما مقدم شد در ایران؟ دیگر برای شما آبرو باقی ماند؟ اگر من بودم استعفا می کردم، اگر من نظامی بودم استعفا می کردم، من این ننگ را قبول نمی کردم، اگر من وکیل مجلس بودم استعفا می کردم.

قطع نفوذ روحانی قطع ید رسول اللّه است

باید نفوذ ایرانیها قطع بشود! باید مصونیت برای آشپزهای آمریکائی، برای مکانیکهای آمریکایی، برای اداری آمریکایی، اداری و فنی، مأمورین، کارمندان اداری، کارمندان فنی، برای خانواده هایشان مصونیت باشد، لکن آقای قاضی در حبس باشند؟ آقای اسلامی را با دستبند ببرند این ور و آن ور! این خدمتگزارهای اسلام، علمای اسلام در حبس باید باشند، وعاظ اسلام در حبس باشند، طرفداران اسلام باید در بندرعباس حبس باشند، برای اینکه طرفدار روحانیت هستند، خودشان یا روحانی اند یا طرفدار روحانی. این را در تاریخ ایران دست مردم دادند اینها، سند دست دادند که معلوم شد رفاه حال این ملت به این است که قطع نفوذ روحانیین بشود! یعنی چه؟ رفاه حال ملت در این است که قطع ید رسول اللّه از این ملت بشود؟! روحانیون خودشان چیزی نیستند که، روحانیون هر چه دارند از رسول اللّه است، باید قطع ید رسول اللّه از این ملت بشود! اینها این را می خواهند، این را می خواهند تا اسرائیل با دل راحت هر کاری اینجا بکند، تا آمریکا با دل راحت هر کاری می خواهد بکند.

تمام گرفتاریهای ما از آمریکا است

آقا تمام گرفتاری ما از این آمریکاست، تمام گرفتاری ما از این اسرائیل است. اسرائیل هم از آمریکاست، این وکلا هم از آمریکا هستند، این وزراء هم از آمریکا هستند، همه تعیین آنهاست، اگر نیستند چرا نمی ایستند در مقابل، داد بزنند؟

روحانیت سدی در مقابل مطامع استعمارگران

من الآن حافظه ام درست نیست، نمی توانم بفهمم مطلب را خوب، الآن در حال انقلاب هستم، در یک مجلس از مجالس سابق که مرحوم مدرس، مرحوم آسید حسن مدرس در آن مجلس بود، اولتیماتومی از دولت روس آمد به ایران که اگر فلان قضیه را انجام ندهید (که من حالا هیچی از آن را یادم نیست) ما از فلان جا که قزوین ظاهرا بوده است می آییم به تهران و تهران را می گیریم و دولت ایران هم فشار آورد به مجلس که باید این را تصویب کند. یکی از مورخین، مورخین آمریکایی می نویسد که یک روحانی با دست لرزان آمد پشت تریبون ایستاد و گفت آقایان اگر بناست ما از بین برویم چرا با دست خودمان برویم؟ رد کرد، مجلس به واسطه مخالفت او جرأت پیدا کرد و رد کرد و هیچ غلطی هم نکردند، روحانی این است که یک روحانی توی مجلس بود، نگذاشت آن قلدر شوروی را، روسیه سابق را، پیشنهاد اولتیماتومش را یک روحانی ضعیف، یک مشت استخوان رد کرد. امروز هم باید روحانی نباشد، برای همین قطع ید روحانی باید بکنند تا به آمال و آرزوی خودشان برسند، من چه بگویم؟

بر ملت است که فریاد بزنند چرا ما را فروختید

اینقدر انباشته است مطالب، اینقدر مفاسد در این مملکت زیاد است که من با این حالم، با این سینه ام، با این وضعم نمی توانم عرضه بکنم. نمی توانم مطالب را به آن مقداری که می دانم به عرض شما

برسانم لکن شما موظفید به رفقایتان بگویید، آقایان موظفند ملت را آگاه کنند، علماء موظفند ملت را آگاه کنند، ملت موظف است که در این امر صدا در بیاورد، با آرامش به عرض برساند، به مجلس اعتراض کند، به دولت اعتراض کند که چرا یک همچنین کاری کردید؟ چرا ما را فروختید؟ مگر ما بنده شما هستیم؟

دولت و مجلس، غیر قانونی و خائن به اسلام و ملتند

شما که وکیل ما نیستید، وکیل هم بودید، اگر خیانت کردید به مملکت، خود به خود از وکالت بیرون می روید، این خیانت به مملکت است. خدایا اینها خیانت کردند به مملکت ما، خدایا دولت به مملکت ما خیانت کرد، به اسلام خیانت کرد، به قرآن خیانت کرد، وکلای مجلسین خیانت کردند، آنهایی که موافقت کردند با این امر، وکلای مجلس سنا خیانت کردند، این پیرمردها، وکلای مجلس شورا آنهایی که رأی دادند خیانت کردند به این مملکت، آنها وکیل نیستند، دنیا بداند اینها وکیل ایران نیستند اگر هم بودند من عزلشان کردم، از وکالت معزولند؛ تمام تصویب نامه هایی که تا حالا نوشته اند، تمامش غلط است، از اول مشروطه تا حالا بر حسب نص قانون، قانون اگر قبول دارند به حسب نص

قانون، بر حسب اصل دوم متمم قانون اساسی تا مجتهدین نظارت نکنند در مجلس، قانون هیچی نیست، کدام مجتهد نظارت می کند الآن؟ اگر پنج تا ملا تو این مجلس بود، اگر یک ملا تو این مجلس بود، تو دهن اینها می زد، نمی گذاشت این کار بشود. من به آنان که به ظاهر مخالفت کردند، این حرف را دارم به آنها، چرا آقا خاک تو سرتان نریختید؟ چرا پا نشدید یقه آن مردک را بگیرید؟ همین من مخالفم و سر جای خود بنشینید و آن همه تملق بگویید؟! مخالفت این است؟ باید هیاهو کنید، باید بریزید وسط مجلس، به هم باید بپرید که نگذرد این مطلب، به صرف اینکه من مخالفم درست می شود؟! دیدید که می گذرد، پس نگذارید یک همچو مجلسی وجود پیدا کند، از مجلس بیرونشان کنید. ما این قانون را که در مجلس واقع شد، قانون نمی دانیم. ما این مجلس را مجلس نمی دانیم. ما این دولت را دولت نمی دانیم، اینها خائنند به مملکت ایران، خائنند. خداوندا امور مسلمین را اصلاح کن. خداوندا دیانت مقدسه اسلام را عظمت به آن عنایت فرما. خدایا اشخاصی که خیانت می کنند به این آب و ملک، خیانت می کنند به اسلام، خیانت می کنند به قرآن، آنها را نابود کن.

والسلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته

حضرت امام (ره) به ایراد سخنرانی اکتفا نکردند و اعلامیه ای روشن و غنی نیز علیه احیای کاپیتولاسیون صادر کردند. این اعلامیه تاریخی به دو گونه مختلف در تهران و اصفهان به چاپ رسید و با شیوه ای خاص و بی سابقه در سراسر کشور توزیع شد. شیوه پخش و توزیع آن این بود که هر شهر و شهرستانی به چند بخش تقسیم می شد و توزیع اعلامیه در هر بخش آن به عهده عده ای قرار می گرفت. پخش کنندگان که به طور مساوی اعلامیه ای در دست داشتند، در سر ساعت معینی که از پیش مقرر شده بود، هر یک در محیطی که مأموریت پخش در آن را به عهده گرفته بودند دست به توزیع می زدند و در زمان بسیار کوتاهی اعلامیه ها را پخش کرده و پیش از آنکه شناخته و یا دستگیر

شوند، می گریختند.بیش از ۴۰ هزار عدد از این اعلامیه فقط در تهران در زمانی کمتر از ده دقیقه پخش شد. توزیع کنندگان که ۵۰۰ نفر بودند، هر یک با ۸۰ عدد اعلامیه در رأس ساعت معینی از شب دست به توزیع زدند و حوزه پخش که از نارمک و تهران نو تا شهر ری گسترش داشت، یکباره در ظرف چند دقیقه از اعلامیه امام (ره) پوشانده شد، بدون آنکه حتی یک نفر دستگیر شود و علیرغم پیشگیری و تدارک امنیتی از طرف «ساواک» ملت مسلمان ایران اعلامیه حضرت امام (ره) را به دست آوردند.

پیام امام خمینی به ملت ایران به مناسبت تصویب لایحه ذلت بار کاپیتولاسیون

پیام امام خمینی به ملت ایران به مناسبت تصویب لایحه ذلت بار کاپیتولاسیون

تاریخ: ۴/۸/۱۳۴۳

بسم اللّه الرحمن الرحیم

«لن یجعل اللّه للکافرین علی المؤمنین سبیلا»

کاپیتولاسیون، امضای سند بردگی ملت ایران است

آیا ملت ایران می داند در این روزها در مجلس چه گذشت؟ می داند بدون اطلاع ملت و به طور قاچاق چه جنایتی واقع شد؟ می داند مجلس به پیشنهاد دولت سند بردگی ملت ایران را امضاء کرد؟ اقرار به مستعمره بودن ایراد نمود؟ سند وحشی بودن ملت مسلمان را به آمریکا داد؟ قلم سیاه کشید بر

جمیع مفاخر اسلامی و ملی ما، قلم سرخ کشید بر تمام لاف و گزافهای چندین ساله سران قوم، ایران را از عقب افتاده ترین ممالک دنیا پست تر کرد؟ اهانت به ارتش محترم ایران و صاحب منصبان و درجه داران نمود؟ حیثیت دادگاههای ایران را پایمال کرد؟ به ننگین ترین تصویب نامه دولت سابق با پیشنهاد دولت حاضر بدون اطلاع ملت با چند ساعت صحبتهای سری، رأی مثبت داد؟ ملت ایران را در تحت اسارت آمریکایی ها قرارداد؟ اکنون مستشاران نظامی و غیر نظامی آمریکا با جمیع خانواده و مستخدمین آنها آزادند هر جنایتی بکنند، هر خیانتی بکنند، پلیس ایران حق بازداشت آنها را ندارد. دادگاههای ایران حق رسیدگی ندارند، چرا؟ برای آنکه آمریکا مملکت دلار است و دولت ایران محتاج به دلار.

به حسب این رأی ننگین، اگر یک مستشار آمریکایی یا یک خادم مستشار آمریکایی به یکی از مراجع تقلید ایران، به یکی از افراد محترم ملت، به یکی از صاحب منصبان عالی رتبه ایران هر جسارتی بکند، هر خیانتی بنماید، پلیس حق بازداشت او را ندارد، محاکم ایران حق رسیدگی ندارند ولی اگر به یک سگ آنها تعرضی بشود، پلیس باید دخالت کند، دادگاه باید رسیدگی نماید.

امروز که دولتهای مستعمره یکی پس از دیگری با شهامت و شجاعت خود را از تحت فشار استعمار خارج می کنند و زنجیرهای اسارت را پاره می کنند، مجلس مترقی ایران با ادعای سابقه تمدن دو هزار و پانصد ساله، با لاف همردیف بودن با ممالک مترقیه، به ننگین ترین و موهن ترین تصویب نامه غلط دولتهای بی حیثیت رأی می دهد و ملت شریف ایران را پست ترین و عقب افتاده ترین ملل به عالم معرفی می کند و با سرافرازی هر چه تمامتر، دولت از تصویب نامه غلط دفاع می کند و مجلس رأی می دهد.

از بعضی منابع مطلع به من اطلاع دادند که این طرح مفتضح را به دولت پاکستان، اندونزی، ترکیه،

آلمان غربی پیشنهاد کرده اند و هیچ کدام زیر بار این اسارت نرفته اند، تنها دولت ایران است که اینقدر با حیثیت ملت و اسلامیت ما بازی می کند و آن را به باد فنا می دهد.

خاموش نشستن وکلا، به علت اتکاء نداشتن به ملت است

علما و روحانیون که می گویند باید قدرت سرنیزه در مقدرات کشور دخالت نکند، باید وکلای پارلمان مبعوث از ملت باشند، باید دولتها ملی باشند، باید اختناق از مطبوعات برداشته شود و سازمانها نظارت در آنها نکنند و آزادی را از ملت مسلمان سلب ننمایند، برای آن است که این ننگها را بر ملت تحمیل نکنند و ما را مواجه با این مصیبتها ننمایند.

چرا وکلای پارلمان با آنکه به حسب قاعده انسانیت و ملیت با همچو سند اسارتی صد درصد مخالف هستند، نفس نمی کشند و جز دو سه نفر آنها که معلوم است با اضطراب صحبت کرده اند، خاموش نشسته اند؟ برای آنکه اتکاء به ملت ندارند، دست نشانده هستند و قدرت مخالفت ندارند، آنها را با یک اشاره بیرون می ریزند، به زندان می اندازند.

پافشاری رژیم شاه برای محو اسم قرآن

آیا ملت ایران می داند که افسران ارتش به جای سوگند به قرآن مجید «سوگند به کتاب آسمانی که

به آن اعتقاد دارم»، یاد کردند؟ این همان خطری است که کرارا تذکر داده ام، خطر برای قرآن مجید، برای اسلام عزیز، خطر برای مملکت اسلام، خطر برای استقلال کشور. من نمی دانم دستگاه جبار از قرآن کریم چه بدی دیده است، از پناه به اسلام و قرآن چه ضرری برده است که اینقدر پافشاری برای محو اسم آن می کند. اگر پناه به قرآن و اسلام بیاورید، اجنبی به خود اجازه نمی دهد که از شما سند بردگی بگیرد، اجازه نمی دهد که مفاخر ملی و اسلامی شما پایمال شود. جدا بودن ملت از هیئت حاکمه، برخوردار نبودن آنها از پشتیبانی ملت، این مصیبتها را پیش می آورد.

کاپیتولاسیون مخالف اسلام و قرآن است

اکنون من اعلام می کنم که این رأی ننگین مجلسین، مخالف اسلام و قرآن است و قانونیت ندارد، مخالف رأی ملت مسلمان است. وکلای مجلسین وکیل ملت نیستند، وکلای سرنیزه هستند، رأی آنها در برابر ملت و اسلام و قرآن هیچ ارزشی ندارد و اگر اجنبی ها بخواهند از این رأی کثیف سوء استفاده کنند، تکلیف ملت تعیین خواهد شد.

بدبختی دول اسلامی از دخالت اجانب است

دنیا بداند که هر گرفتاری که ملت ایران و ملل مسلمین دارند، از اجانب است، از آمریکاست.ملل اسلام از اجانب عموما و از آمریکا خصوصا متنفر است. بدبختی دول اسلامی، از دخالت اجانب در مقدرات آنهاست، اجانبند که مخازن پرقیمت زیرزمینی ما را به یغما برده و می برند، انگلیس است که سالیان دراز طلای سیاه ما را به بهای ناچیز برده و می برد، اجانبند که کشور عزیز ما را اشغال کرده و بدون مجوز از سه طرف به آن حمله کرده و سربازان ما را از پا درآوردند.

دیروز ممالک اسلامی به چنگال انگلیس و عمال آن مبتلا بودند، امروز به چنگال آمریکا و عمال آن آمریکاست که از اسرائیل و هواداران آن پشتیبانی می کند، آمریکاست که به اسرائیل قدرت می دهد

که اعراب مسلم را آواره کند، آمریکاست که وکلا را یا بی واسطه یا با واسطه بر ملت ایران تحمیل می کند، آمریکاست که اسلام و قرآن مجید را به حال خود مضر می داند و می خواهد آنها را از جلو خود بردارد. آمریکاست که روحانیون را خار راه استعمار می داند و باید آنها را به حبس و زجر و اهانت بکشد، آمریکاست که به مجلس و دولت ایران فشار می آورد که چنین تصویب نامه مفتضحی را که تمام مفاخر اسلامی و ملی ما را پایمال می کند تصویب و اجرا کنند، آمریکاست که با ملت اسلام معامله وحشیگری و بدتر از آن می نماید.

بر تمام اقشار است که با طرح ننگین احیای کاپیتولاسیون مخالفت کنند

بر ملت ایران است که این زنجیرها را پاره کنند، بر ارتش ایران است که اجازه ندهند چنین کارهای ننگینی در ایران واقع شود. از بالاترها به هر وسیله هست بخواهند این سند استعمار را پاره کنند، این دولت را ساقط کنند، وکلایی که به این امر مفتضح رأی دادند از مجلس بیرون کنند، بر ملت است که از علمای خود بخواهند در این امر ساکت ننشینند، بر علمای اعلام است که از مراجع اسلام بخواهند این امر را ندیده نگیرند، بر فضلا و مدرسین حوزه های علیمه است که از علمای اعلام

بخواهند که سکوت را بشکنند، بر طلاب علوم است که از مدرسین بخواهند که غافل از این امر نباشند، بر ملت مسلمان است که از وعاظ و خطبا بخواهند که آنان را که آگاه از این مصیبت بزرگ نیستند، آگاه کنند. بر خطباء و وعاظ است که با بیان محکم، بی هراس بر این امر ننگین اعتراض کنند و ملت را بیدار کنند، بر اساتید دانشگاه است که جوانان را از آنچه زیر پرده است مطلع کنند، بر جوانان دانشگاهی است که با حرارت با این طرح مفتضح مخالفت کنند، با آرامش و با شعارهای حساس مخالفت دانشگاه را به ملتهای دنیا برسانند، بر دانشجویان ممالک خارجه است که در این امر حیاتی که آبروی مذهب و ملت را در خطر انداخته ساکت ننشینند، بر پیشوایان دول اسلامی است که فریاد ما را به دنیا برسانند و از مراکز پخش آزاد، ناله جانسوز این ملت بدبخت را به جهان گوشزد کنند، بر علما و خطبای ملل اسلامی است که با سیل اعتراض، این ننگ را از جبهه ملت معظم ایران، برادران اسلامی خود بزدایند و بر جمیع طبقات ملت است که از مناقشات جزئی موسمی خود صرف نظر کرده و در راه هدف مقدس استقلال و بیرون رفتن از قید اسارت کوشش کنند، بر رجال شریف سیاسی است که ما را از مطالب زیر پرده که در مجلس گفته شده، آگاه نمایند، بر احزاب سیاسی است که در این امر مشترک با یکدیگر توافق کنند.

وحدت کلمه علمای اعلام در پشتیبانی از قرآن و طرفداری از مسلمین

هدف مراجع عظام و روحانیون در هر جا باشند یکی است و آن پشتیبانی از دیانت مقدسه اسلام و قرآن مجید و طرفداری از مسلمین است. اختلافی بین علمای اعلام و نگهبانان اسلام در این هدف مقدس نیست، اگر فرضا اختلاف اجتهاد و نظری در امر جزئی و ناچیز باشد مثل سایر اختلافات در امور فرعی، مانع از وحدت نظر در امور اصولی نیست. اگر سازمانهای دولتی گمان کرده اند که با سمپاشی ها می توانند ما را از هدف مقدس خود منحرف کنند و به دست جهال متعصب به قصد شوم

خود برسند، خطا کرده اند. اینجانب که یک نفر از خدمتگزاران علمای اعلام و ملت اسلام هستم، در موقع خطیر و برای مصالح بزرگ اسلامی حاضرم برای کوچکترین افراد، تواضع و کوچکی کنم، تا چه رسد به علمای اعلام و مراجع عظام کثراللّه امثالهم. لازم است جوانهای متعصب و طلاب تازه کار از زبان و قلم خود جلوگیری کنند و در راه اسلام و هدف مقدس قرآن از اموری که موجب تشتت و تفرقه است، خودداری نمایند. علمای اعلام برای خاتمه دادن به هرج و مرج و بی نظمیها در فکر اصلاح عمومی هستند، اگر دولتها مجال فکر به ما بدهند، اگر گرفتاریهایی که از ناحیه هیئت حاکمه پیش می آید و ناراحتیهای روحی مجال تصفیه و اصلاح داخلی به ما بدهد. این نحو گرفتاریهاست که ما را از مسیر خود که مسیر تصفیه حوزه ها و اصلاح همه جانبه است، باز می دارد. با احساس خطر برای اسلام و قرآن کریم، برای ملت و ملیت مجال تفکر در امور دیگر باقی نمانده، اهمیت این موضوعات بقدری است که مشاغل خاص ما را تحت الشعاع قرار داده است.

کارهای مخرب رژیم شاه

آیا ملت مسلمان می داند که در حال حاضر عده ای از علما و مبلغین و طلاب و بسیاری از مسلمین بیگناه در زندانها به سر می برند و برخلاف قوانین، آنها را بدون رسیدگی، مدتهای مدیدی زندانی

کرده اند و مرجعی نیست که به این وضع هرج و مرج ارتجاعی قرون وسطایی خاتمه دهد؟ اینها دنبال قتل عام پانزده خرداد، دوازده محرم است که جراحت آن از قلب ملت پاك نخواهد شد، هیئت حاکمه به جای اینکه برای اقتصاد ایران، برای جلوگیری از ورشکستگیهای بازرگانان محترم، برای نان و آب فقرا و مستمندان، برای زمستان سیاه بی خانمانها، برای پیدا کردن کار برای جوانان فارغ التحصیل و سایر طبقات بیچاره فکری بکند، به کارهای مخرب مثل آنچه گفته شد و نظایر آن دست می زند، از قبیل استخدام زن برای دبیرستانهای پسرانه و مرد برای دبیرستانهای دخترانه که فساد آن بر همه روشن و اصرار به آنکه زنها در دستگاههای دولتی وارد شوند که فساد و بیهوده بودنش بر همه واضح است. امروز اقتصاد ایران به دست آمریکا و اسرائیل است و بازار ایران از دست ایرانی و مسلم خارج شده است و غبار ورشکستگی و فقر به رخسار بازرگان و زارع نشسته است و اصلاحات آقایان، بازار سیاه برای آمریکا و اسرائیل درست کرده است و کسی نیست که به داد ملت فقیر برسد.

ملت باید به فکر فقرا باشد

من از فکر زمستان امسال رنج می برم، من شدت گرسنگی و خدای نخواسته هلاکت بسیاری از فقرا و مستمندان را پیش بینی می کنم، لازم است خود ملت به فکر فقرا باشند، لازم است از حالا برای زمستان آنها تهیه ای شود که فجایع سال سابق تکرار نشود، لازم است علمای اعلام بلاد، مردم را دعوت به این امر ضروری بفرمایند.

از خدای متعال عظمت اسلام و مسلمین و رهایی دول اسلامی را از شر اجانب خذلهم اللّه تعالی خواستار است.

والسلام علی من اتبع الهدی

روح اللّه الموسوی الخمینی

توضیح شمول لایحه وضعیت

سند شماره (۲۰)

تاریخ: ۲۷ اکتبر ۱۹۶۴ ۵ آبان ۱۳۴۳

یادداشت مذاکرات

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: توضیح شمول لایحه وضعیت

ما با نظر همکاری به گفته های میرفندرسکی در تاریخ ۲۱ اکتبر، گوش دادیم و به همین دلیل لازم نیست رسما اقدامی به عمل آوریم تا زمانی که توضیح در مورد شمول لایحه وضعیتی را به دست آوریم. اما با بعضی از نکات مطروحه توسط وی موافق نبوده و امیدواریم که وزارت خارجه جای پاسخی برای این سؤالات باقی بگذارد، تا بتوان در یک جو آرام به آنها پرداخت.

مهمترین نکته مورد اختلاف این است که به نظر ما اصل لایحه نمی تواند جانشین یادداشتهای اصلی مبادله شده گردد. نمی دانیم چگونه می توان این کار را انجام داد زیرا دولت، خودش در توضیحی که به پارلمان داده، تصریح کرده است که لایحه، محتوای یادداشتهای مبادله شده را اعتبار قانونی خواهد بخشید. بدون اینکه بخواهیم وارد جزئیات شویم، می بینیم که در متن مباحثات انجام شده در مجلسین سنا و شورا چیزی جز به رسمیت شناختن تبادل یادداشتها، وجود ندارد. نخست وزیر در جلسه عمومی مجلس به یادداشتها اشاره کرد و خبر داریم که وزارت خارجه نیز یادداشتها را به هنگام طرح لایحه در کمیسیون امور خارجی مجلس، تقدیم کرده بود.

البته از نقطه نظر ما، میان ما و دولت ایران قراردادی منعقد شده است و نمی توانیم این عقیده را بپذیریم که مصوبه پارلمان در این قرارداد، تغییری ایجاد کند. آنچه بین دولت و پارلمان ایران می گذرد یک مسئله داخلی است اما قرارداد منعقده بین دولت ایران و دولت آمریکا نمی تواند به صورت

یکجانبه از طرف دولت ایران تغییر کند یا مجددا تفسیر شود. بسیار مایه تأسف خواهد شد اگر در این مورد اختلافی به وجود آید، اما مطمئن هستیم که با رضایت و حسن نیت طرفین، این گونه مسائل را می توان حل کرد.

در تاریخ ۲۱ اکتبر، میرفندرسکی مسائل خاصی را مطرح کرد که ما را بسیار متعجب ساخت و ما مطمئن هستیم که پس از بررسی مجدد، او به این اشتباهات پی خواهد برد. در این مورد نمی تواند جای هیچ سؤالی باقی باشد که نه تنها یادداشتهای مبادله شده، بلکه لایحه وضعیت نیز بستگان را تحت پوشش مصونیت درآورده اند، زیرا گفته شده که «کارمندان فنی و اداری» از مصونیتها و امتیازات خاص مندرج در ماده ۳۷ بند ۲ کنوانسیون وین، برخوردار می شوند که صریحا شامل بستگان کارمندان نیز می گردد. ما این موضوع را به عنوان یک نمونه مطرح کرده ایم تا مسئله «لزوم توضیح»، روشن شود.ما از گفته میرفندرسکی قدردانی می کنیم که می توان به صورت غیر رسمی مسائل را حل کرد ولی باید به فکر زمانی باشیم که او ممکن است در اینجا نباشد و افرادی مشغول کار باشند که از تاریخچه لایحه، کمتر آگاه باشند. هدف تمامی این تلاشها این بوده که وضعیت پرسنل نظامی ما در ایران روشن شود. اگر قرار باشد که نتایج حاصل از اقدامات هفته های گذشته، وضوح لازم را ایجاد نکند، نمی توان گفت که مشکلات، ناراحتیها و ناخشنودیهای سیاسی، نتیجه خوبی داشته است. در واشنگتن پرونده مکاتبات مربوطه و مباحثات پارلمانی، موجود است و هیچ تمایلی برای واگذار

نمودن مسائل به تعبیرات شخصی مقامات، وجود ندارد. ضمنا، از آنجا که سوابق در واشنگتن وجود دارد، لزومی ندارد که مثلاً به آنها بگوییم که میرفندرسکی در ۲۱ اکتبر چه گفت و یا اینکه گفته شود که در مورد محدود شدن شمول مصونیت در مورد پرسنل نظامی و مستثنی نمودن بستگان آنها، رأی گیری به عمل آمده بود. بررسی دقیق ما در پرونده ها، افشاگر این است که چنین کاری صورت نگرفته است. (این نکته مهم است زیرا به میرفندرسکی ثابت می کند که ما پرونده را با دقت مطالعه کرده ایم. این نکته به خودی خود مهم نیست، ولی او باید بفهمد که ما از جزئیات جلسه عمومی مجلس، کاملاً مطلع هستیم.)

همچنین، ما می دانیم که نخست وزیر خواستار این شد که عین عبارات یادداشتهای مبادله شده، به نظر جلسه عمومی مجلس برسد. او گفته بود که میرفندرسکی این یادداشتها را قرائت خواهد کرد. برای ما مایه تأسف است که بعد از آن همه مذاکراتی که در مورد این مسئله داشتیم، عملاً این کار صورت نگرفت. ما با یکی از متخصصین در زمینه قانون اساسی ایران (دکتر علی پاشا صالح) مشورت کردیم.وی نیز احساس می کند که هیچ شکی وجود ندارد که سابقه قانونی محرز می سازد که هدف دولت این بود که لایحه وضعیت، به یادداشتهای اصلی مبادله شده ما، اعتبار قانونی بخشند.

در صورت امکان باید از مبادلات رسمی دیپلماتیک در این مورد، خودداری نمود. به نظر ما باید با حقوقدانان وزارت خارجه، به طور غیر رسمی مذاکره کرد و امیدواریم که در این مباحثات تا آنجایی که ممکن است، مفید باشیم. به طور مثال، می توانیم به سهولت بفهمیم که اگر قرار باشد عبارت «هیئت مستشاری» تعبیر تحت اللفظی شود، ممکن است یک دادگاه ایرانی، تیمهای نقشه برداری ما را از این قاعده مستثنی کند. بنابر این ما نیز مایلیم در این مورد به این صورت بحث کنیم که آیا مگر این تیمها نیز مانند آرمیش مگ و یا هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری (جنمیش) از دولت ایران

حمایت نمی کنند؟ شاید لازم باشد که نام این تیمها نیز به تیمهای مستشاری نقشه برداری، تبدیل گردد.

مسائل دیگری نظیر این وجود دارد که ما حاضریم با صراحت تمام و در تلاشی برای کمک به دولت ایران، در مورد آنها مذاکره کنیم. همچنین مایلیم با متخصصین وزارت خارجه در مورد بهترین نحوه ارائه اسناد مربوط به پرسنل نظامی خود مذاکره کنیم، تا باعث از بین رفتن هرگونه شک و شبهه ای در مورد وضعیت آنها در آینده شود. ما فکر می کنیم، تهیه یک نوع کارت شناسایی که وضعیت آنها را (از نظر مصونیت م) بیان کند، برای ما و وزارت خارجه مفید خواهد بود، زیرا اخیرا در بعضی از موارد، پلیس و مقامات قضائی حتی با وضعیت اعضای دفتر وابسته نظامی ما نیز آشنا نبوده اند.

(تذکر: در صورت امکان باید از بحث پیرامون مهمترین و پردردسرترین جنبه لایحه یعنی همان عبارت «در استخدام دولت شاهنشاهی ایران»، اجتناب کنیم. تاکنون بحثهای حقوقی قابل قبولی انجام شده است که می تواند استدلال کند چرا این عبارت نمی تواند معنای «در استخدام» را برساند و در صورت لزوم، حقوقدانان و وکلای ما که از صلاحیت بهتری برخوردارند، می توانند در مذاکره با وکلای ایران این مطلب را بهتر تفهیم کنند. ولی تا به حال مدرکی وجود نداشته است که نشان دهد دولت ایران مایل نیست مفهوم محدودی از این عبارت را به کار برد. این مسئله مستلزم مهمترین توضیحی است که ما باید از طریق مذاکرات غیررسمی، در آینده نزدیک آن را به دست آوریم.)

مشاور سیاسی سفیر: مارتین اف.هرتز

شاه و نمایندگان

ص: ۶۸۶

سند شماره (۲۱)

تاریخ: ۲۷ اکتبر ۱۹۶۴ ۵ آبان ۱۳۴۳تلگرام ارسالی به شماره ۴۴۸

از: سفارت آمریکا تهرانبه: وزارت امور خارجه واشنگتن

طبقه بندی: خیلی محرمانه

حزب ایران نوین، در ادامه تحقیقات خود پیرامون رأی گیری ۱۳ اکتبر در مورد لایحه وضعیت به این نتیجه رسیده است که باید حدود ۲۰ نفر از اعضایش بر علیه دولت رأی داده باشند. تاکنون یکی از نمایندگان حزب، غلامرضا مبین، از حزب اخراج شده است و انتظار می رود که تعداد بیشتری اخراج شوند.

طبق اظهارات محمود ضیائی، رئیس کمیسیون امور خارجی مجلس، تحقیقات بعدی روشن ساخته است که حسن ارسنجانی متنی را علیه لایحه نوشته بود که توسط یکی از نمایندگان به نام سرتیپ پور قرائت شد. عقیده بر این است که باهری، وزیر سابق دادگستری نیز در توطئه هایی علیه این لایحه دست داشته است و طبق گفته ضیائی گزارشی موجود است که علم نخست وزیر پیشین که خود بنیانگذار حزب مردم است، اپوزیسیون را از جانب حزب مردم، تأکید کرده بود. (اگر چه می توان باور کرد که ارسنجانی و باهری هر دو در این جریان دخیل بوده اند، اما احساس می شود قبل از آنکه بتوان گزارش مداخله علم در مخالفت با لایحه ای که پیش نویس آن را دولت علم امضاء کرده، معتبر بدانیم که باید شواهد بیشتری را به دست آورد.)

طبق گفته ضیائی، شاه دیروز در مراسم سلام روز تولد (شاه م) نمایندگان مجلس را بشدت سرزنش کرد. اگر چه او هیچ اشاره ای به لایحه وضعیت نکرد، اما به طور مبهم پیرامون «معاملات پنهانی، دسیسه ها و جاسوسی» که نباید در مجلس صورت بگیرد، صحبت نمود و گفت که کارها باید

با همان سرعت و کارایی «دورانی که مجلس نبود» اداره شود. نمایندگان عصبانیت شاه را حمل بر نارضایتی او از این موضوع کردند که اپوزیسیون، که به نظر می رسد او نیز آن را مجاز شمرده، هنگامی که پیرامون این لایحه بحث می شده، از کنترل خارج گشته است.

تلگرام هوایی در مورد آثار سیاسی و حقوقی رأی گیری ۱۳ اکتبر (A ۱۹۵) امروز ارسال شده است. ولی این تلگرام شامل اطلاعات اخیر نمی باشد.

طی گفتگوهای بی شماری که در طول هفته گذشته با رابطین در بخشهای مختلف سیاسی داشتیم، دریافتیم که سر و صدای مخالفت با لایحه (که هنوز به امضای شاه نرسیده است) هنوز کاملاً دامنه دار است. نمایندگان دولت معتقدند که این سر و صداها در حال فروکش کردن است، اما احساس ما این است که تا فروکش کردن هیجانات موجود در مورد «کاپیتولاسیون» ، مدتی وقت لازم است.

(امضاء) راک ول

واحد تلگراف:

تقاضا می شود فرماندهی نیروهای ضربتی آمریکا، به گیرندگان تلگرام سفارت به شماره ۴۴۸ مورخه ۲۷ اکتبر، با شماره کنترل ۳۴۹ اضافه شود.

راک ول مارتین اف. هرتز مشاور سیاسی

تعمیم کاپیتولاسیون

سند شماره (۲۲)

تاریخ: ۲۸ اکتبر ۱۹۶۴ ۶ آبان ۱۳۴۳یادداشت برای ضبط در پرونده

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: کنوانسیون وین

امروز با معاون وزیر امور خارجه در رابطه با کنوانسیون وین مذاکرات بیشتری انجام دادم.

با اشاره به مطالبی که او هفته قبل مطرح کرده بود، گفتم که ما موضوع را بررسی کرده و با این موضوع که لایحه وضعیت به خودی خود جایگزین یادداشتهای مبادله شده اصلی گردد، مخالف هستیم. از نظر ما این امر درست نیست، زیرا دولت ایران نیز ضمن توضیحاتش به پارلمان گفته بود که لایحه باید به نکات مورد توافق در یادداشتها جنبه قانونی بدهد. علاوه بر این، نخست وزیر نیز در جلسه عمومی مجلس به یادداشتهای مبادله شده، اشاره کرد و خبر دارم که در هنگام طرح لایحه در کمیسیون امور خارجی مجلس، وزارت خارجه همه یادداشتها را به کمیسیون تقدیم کرده بود. به نظر ما میان دولت آمریکا و ایران قراردادی منعقد شده که دولت ایران نمی تواند به صورت یکجانبه در آن تغییر و یا تفسیری به وجود آورد.

برای ما قابل قبول نیست که این نظر را بپذیریم که مصوبه پارلمان به هر صورتی جایگزین این قرارداد گردد.

میرفندرسکی به تمامی این مطالب گوش داد و فقط به گفتن این نکته اکتفا کرد که «قانون مصوب مجلس همانند یادداشتهای مبادله شده است.»

سپس من به وضعیت بستگان اشاره کرده و گفتم که آنها نه تنها به وسیله یادداشتهای مبادله شده، تحت پوشش قرار گرفته اند، بلکه در لایحه وضعیت با استناد به ماده ۳۷ کنوانسیون وین نیز مشمول

مصونیت هستند. اضافه کردم که ما در مطالعه صورت جلسات مجلس نتوانستیم اشاره ای به پیشنهاد یک تبصره در مورد مستثنی شدن بستگان از مصونیت، پیدا کنیم. میرفندرسکی گفت مهم نیست که صورت جلسات چه می گوید، ولی چنین تبصره ای پیشنهاد گردید و رد شد.

گفتم وقتی در مطالعه صورت جلسات متوجه شدیم که نخست وزیر در مجلس گفته بود که آقای میرفندرسکی متن یادداشتها را برای شما قرائت می کند، ولی شما ظاهرا این کار را نکردید، بسیار ناراحت شدیم. میرفندرسکی گفت درست است که متن یادداشتها قرائت نشده، ولی در صورت جلسات مجلس باز هم اشتباهی رخ داده، زیرا نخست وزیر هیچ گاه خواستار قرائت یادداشتها نشده بود.

گفتم با وجود عدم قرائت متن یادداشتها، ما و همچنین یکی از متخصصین ایرانی در دفتر ما، معتقد هستیم که سابقه قانونی محرز می سازد که قصد دولت این بود که لایحه وضعیت باید به یادداشتهای مبادله شده، جنبه قانونی بخشد.

آقای میرفندرسکی گفت مسئله مصونیت پرسنل نظامی آمریکا موجب دردسر زیادی شده است.

اولین مشکل، زمانی به وجود آمد که مجلس سنا یادداشتها را از کنوانسیون وین جدا کرده و قانون جدیدی تصویب نمود که در آن آمریکاییها را «در استخدام» دولت ایران قلمداد کرد. او نمی دانست چرا این عمل انجام شده است. مسئله مهم دیگر، آگاهی بسیاری از منتقدین از این امر است که دولت ایران

در زمینه اعطای مصونیتها به آمریکاییها بیش از هر کشور دیگری امتیاز داده و قراردادهای موجود در اختیار وزارت خارجه نیز همین ادعا را ثابت می کند. برای مثال، در قرارداد منعقده بین آمریکا و پاکستان، قیودی وجود دارد که دولت پاکستان بتواند حاکمیت قضائی خود را حفظ کند و نیز در پیمان ناتو، قیود مشابه ای موجود است. در قراردادی که با یونان منعقد شده، پرسنل مستشاری نظامی، اعضای سفارت آمریکا خوانده شده اند. در قرارداد منعقده بین آمریکا و ترکیه، مصونیت تنها شامل اعمالی می شود که ارتکاب به آنها در حین انجام وظیفه، صورت گرفته باشد و باید یک کمیسیون دوجانبه تشکیل گردد تا تحقق قید انجام وظیفه را مشخص کند. اما در مورد ایران، حیطه حاکمیت قضائی در موارد جنایی به طور کامل توسط قانون مجلس از بین رفته است و این مطلب را با هیچ توضیحی نمی توان مخفی نمود.

البته من گفتم که قرارداد منعقده آمریکا با پاکستان و دیگران، از ماهها قبل در اختیار وزارت خارجه بوده و ما کاملاً مایلیم تا قراردادی مشابه با قرارداد ترکیه یا پاکستان را منعقد سازیم. ولی وزارت خارجه (ایران م) معتقد بود که کنوانسیون وین بهترین وسیله برای ارائه مصونیت است و این مقامات ایرانی بودند که تصمیم گرفتند با کنوانسیون و یادداشتهای مبادله شده، وارد مجلس شوند. حالا برای فکر کردن به انواع دیگر قراردادها، خیلی دیر شده است. میرفندرسکی با این موضوع موافق بود.

سپس، او پیشنهادی را مطرح کرد که بنا به اظهار خودش کاملاً جنبه شخصی داشته و کس دیگری از آن اطلاع ندارد و از ما خواست که در «مورد آن فکر کنیم». پیشنهاد او این بود که یادداشت دیگری بین سفارت و دولت ایران مبادله شود و دولت ایران اعلام نماید که لایحه وضعیت توسط مجلسین سنا و شورا تصویب شده و جنبه قانونی پیدا کرده است. در پاسخ، دولت آمریکا به این مسئله توجه

خواهد کرد و با استفاده از پاراگراف مندرج در کنوانسیون وین مبنی بر لغو مصونیت بنا به درخواست کشور متقاضی، اعلام خواهد کرد که آمریکا نیز مایل است در مواردی که برای دولت ایران حائز اهمیت فراوان می باشد، اقدام به تعلیق مصونیت بنماید. این کار مطابق با قیود مندرج در قرارداد منعقده بین آمریکا و پاکستان، خواهد بود. میرفندرسکی معتقد است که اگر این تبادل یادداشتهای جدید در موقع مناسبی به اطلاع عموم برسد، جو نامطلوب ناشی از لایحه وضعیت برای هر دو دولت ایران و آمریکا، از بین خواهد رفت. به معاون وزیر گفتم که این پیشنهاد را مورد بررسی قرار خواهیم داد، ولی بدون دریافت مجوز از واشنگتن نمی توانیم اظهار نظری کنیم و همچنین برای درخواست دیدگاههای دولت آمریکا در این مورد، مجبور به معرفی فرد پیشنهاد دهنده هستیم. ضمنا سؤال کردم که اگر دولت آمریکا با تبادل چنین یادداشتی موافقت کند، آیا نمی توان همزمان و یک بار برای همیشه، تمامی مشکلات موجود، از جمله کاربرد عبارت «در استخدام دولت ایران» و نیز تعمیم قانون مصوب مجلس به تمامی اعضای هیئتهای نظامی آمریکا در ایران، را حل کرد؟ معاون وزیر گفت که به نظر او این کار ممکن است.اس. دبلیو. راک ول

علت بروز مخالفت در مجلس شورا

تجزیه و تحلیل مخالفت در مجلس شورا

تلاش نخست وزیر وقت در توجیه احیای کاپیتولاسیون

سند شماره (۲۳)

تاریخ: ۲۹ اکتبر ۱۹۶۴ ۷ آبان ۱۳۴۳

یادداشت برای ضبط در پروندهطبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: کنوانسیون وین

امروز با معاون وزیر امور خارجه در مورد لایحه وضعیت مذاکرات بیشتری انجام دادم. او به مذاکرات دیروز و به خصوص عدم موافقت ما با جایگزین شدن لایحه وضعیت به جای یادداشتهای مبادله شده، اشاره کرد و گفت که براساس قانون اساسی ایران، نمی توان چنین مطلبی را تحت عنوان یک موافقتنامه اجرائی منعقد ساخت، زیرا هرگونه قراردادی از این قبیل، باید به تصویب مجلسین برسد. در همین رابطه مجلس یادداشتهای مبادله شده را تصویب نکرد، بلکه قانون جدیدی را بنیان نهاد و با توجه به این مطلب، یادداشتها «هیچ گونه وضعیت حقوقی ندارد» و «در هوا معلق» مانده است. بار دیگر به وی گفتم که سابقه قانونی به روشنی نشان می دهد که خواست دولت بر قانونی شدن همین یادداشتها بوده و به نظر ما این یادداشتها بدون توجه به اینکه وضعیت حقوقی دارد یا خیر، هنوز به اعتبار خود باقی است، مگر اینکه وزارت امور خارجه ایران با یک اقدام رسمی و در رابطه با سفارت ،در آنها تغییراتی به وجود آورد. گفتم که به نظر ما دو سند در این قضیه معتبر است که یکی از آنها قانون (مصوب مجلس م) است و دیگری یادداشتهای مبادله شده و واقعیت این است که همه مقامات ایرانی به این مسئله اذعان دارند، همان طور که خود او دیروز این مطلب را بیان کرد. اضافه کردم که امیدوارم این موضوع موجب بروز اختلاف بین ما نشود زیرا موضوع از نظر حقوقی پیچیده خواهد شد و نفعی عاید نمی گردد. او نیز گفت که می داند قانونی شدن یادداشتهای مبادله شده، همان هدف را دنبال می کند و اینکه ما نباید اجازه دهیم که چنین موردی، موجب بروز اختلاف میان ما شود.

سپس گفتم که در مورد پیشنهاد دیروز او مبنی بر اینکه شاید بتوان از طریق تبادل یادداشت دیگری به پاراگراف مربوط به نحوه تعلیق مصونیت مندرج در کنوانسیون وین اشاره کرد، قدری فکر کرده ام. سؤال کردم که آیا این خطر وجود ندارد که مخالفین دولت به محض اطلاع از مبادله یادداشت دوم، از دولت انتقاد کنند که در موقع وضع قانون، نمی دانسته چه می کند و اکنون مجبور به توسل به آمریکاییها شده تا آبروی خود را نزد مردم ایران حفظ نماید. معاون وزیر گفت تنها افرادی که بسیاری بد ذات باشند، از این تاکتیک استفاده خواهند کرد ولی این کار باعث رفع نگرانی بسیاری از مردم مخلص خواهد شد.

در گفتگوی بعدی با نخست وزیر، وی در پاسخ به سؤال من گفت که شاه مستقیما به حزب مردم در مجلس دستور نداده بود که به مخالفت با این قانون برنخیزند. نخست وزیر مصرانه از شاه خواسته بود که در این مورد به نمایندگان دستوری ندهد و مسئولیت آن را به نخست وزیر واگذار کند زیرا لازم است که نمایندگان مجلس احساس کنند که از آزادی عمل کاملی برخوردارند. نخست وزیر توانست آرای لازم مورد نظر رژیم را برای تصویب کسب کند و انتظار نداشت که با این درجه از مخالفت و تیزهوشی در تاکتیکهای پارلمانی علیه لایحه وضعیت، روبه رو شود. واضح است که این، نتیجه دسیسه های کسانی است که با دولت او و آمریکاییها مخالف هستند و منصور مشخصا از ارسنجانی و سناتور شریف امامی و سجادی، نام برد. وی گفت هدف فرد آخر، این بود که مجلس اصلاحیه ای هر

چند جزئی، در این قانون به وجود آورد تا بدین وسیله باعث اعاده آن به مجلس سنا گردد و در آنجا سناتورها با ایجاد تغییراتی در آن، آبروی از دست رفته خود را به دست آورند تا مردم فکر نکنند که آنها توسط دولت اغفال شده بودند. نخست وزیر به من گفت دولت در برابر مخالفین چنین وانمود کرده بود که از نظر دولت مخالفتی محدود با این لایحه اشکالی ندارد. با این حال، استفاده از تاکتیکهایی مانند «خائن» خواندن نمایندگانی که به این لایحه رأی مثبت دادند، تأثیر عمیقی بر اعضای ساده لوح مجلس داشته است. نخست وزیر احساس کرد که با وجود تمام این دسایس، به جز تصویب هر چه سریعتر لایحه و سرکوب هر حرکتی برای اصلاح آن، چاره ای ندارد در مورد توجیه افکار عمومی نیز همین طور فکر می کرد. ضرر اینکار بیش از نفع آن است.

(من در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری معتقدم که شاه اجازه مخالفت با لایحه را صادر نکرده بود و علت اینکه این موضوع به گوش نمایندگان رسانده نشد، این است که نخست وزیر به شاه اطمینان داده بود که مشکلی جدی وجود نخواهد داشت. منصور به من گفت که رهبری جناح مخالف نیز به وی اطمینان داده بود که مخالفت آنها با این لایحه، شدید نخواهد بود.)

سپس نخست وزیر سؤال کرد که آیا می توان کاری کرد تا لایحه مصوبه مجلس مطابق با قرارداد بین آمریکا و پاکستان تغییر یابد. من، پس از تصریح به این مطلب که ما در ابتداء کاملاً آماده بودیم تا قراردادی از نوع پاکستانی امضاء کنیم، گفتم که نمی دانم چگونه می توان این کار را بدون مراجعه مجدد به مجلس انجام داد و اینکه به نظر ما این کار بسیار نامطلوب است و مجددا سؤال در مورد کل قرارداد را مطرح خواهد ساخت. او با این نظر موافقت کرد ولی روشن بود که این تجربه ، او را بسیار ناراحت کرده و در ذهنش به دنبال راهی است تا مسائل را بهتر روشن کند. من پیشنهاد میرفندرسکی در مورد نحوه تعلیق مصونیت، مندرج در کنوانسیون وین را با وی در میان نگذاشتم.

اس. دبلیو. راک ول

سند شماره (۲۴)

از: سفارت آمریکا تهرانتاریخ: ۳۱اکتبر ۱۹۶۴ ۹ آبان ۱۳۴۳

تلگرام ارسالی به شماره ۴۸۷

به: وزارت امور خارجه واشنگتن

مرجع: تلگرامهای سفارت به شماره های ۴۰۴ و ۴۴۸ و ۱۹۵ A

طبقه بندی: خیلی محرمانه

در حالی که سر و صدا پیرامون لایحه وضعیت و «کاپیتولاسیون» ادامه دارد. اطلاعاتی به دست آورده ایم که زوایای رأی گیری ۱۳ اکتبر و خصوصا نقش شاه را در آن موقع برای تجویز مخالفتی محدود، روشن تر می سازد.

همچنان که در تلگرام هوایی به شماره ۱۹۵ آمده، ما می دانیم که شاه حدود یک هفته قبل از رأی گیری، در پیغامی به مجلس گفته بود که نسبت به نمایندگانی که خود را وطن پرست تر از او می دانند نظر خوبی ندارد، اما با این حال ما نمی دانستیم که آیا شاه، شاید براساس این باور نادرست که میزان مخالفت گسترده نبود و موجب بهبود ظاهر می گردد، اجازه مخالفت را نیز داده بود یا خیر. اکنون

روشن است که او مخالفت را مجاز ندانسته است، تکرار می شود، مجاز ندانسته است. اما توسط نخست وزیر به غلط متقاعد شده بود که این کار به راحتی توسط دولت انجام خواهد شد.

آموزگار، وزیر بهداری به ما گفت که اندکی قبل از جلسه رأی گیری، رامبد، رهبر فراکسیون حزب مردم، منصور را سرزنش کرد و مشخصا از او پرسید که آیا شاه لایحه وضعیت را که نخست وزیر به آن جواب مثبت داده، تصویب کرده است یا نه. رامبد این قضیه را باور نکرد و درخواستی کتبی برای شاه فرستاد. این درخواست با بی اعتنایی زیادی مواجه شد. شاه در جواب گفت که چگونه رامبد باور می کند که دولت ایران بتواند چنین لایحه مهمی را بدون تصویب صریح او به مجلس تقدیم کند؟ اما شاه مشخصا به رامبد برای دست برداشتن از مخالفت دستوری نداد.

نخست وزیر بعدا به من گفت که هیچ (تکرار می شود هیچ) پیغام خاصی از شاه به حزب مردم فرستاده نشده بود که حزب نباید با این لایحه مخالفت کند. وی گفت این مسئله در جهت سیاست ثابت منصور بود که شاه را به اصرار وادار می کرد تا درصدد دستور دادن به نمایندگان برنیاید، بلکه مسئولیت کسب آراء اکثریت را برای تصویب لایحه به نخست وزیر واگذار کند. به عبارت دیگر، همانطور که قبلاً گزارش شد، منصور بیش از حد مطمئن بود. اگر او از شاه تقاضا کرده بود تا دستوراتی برای اپوزیسیون بفرستد، بدون شک این کار انجام می گرفت.

یکی از دلایل اینکه منصور بیش از حد مطمئن بود، و در طی چند روز اخیر کاملاً عیان گردید، این بود که او از جانب رهبران اپوزیسیون فریب خورد. یک روز قبل از رأی گیری در ۱۲ اکتبر، رامبد به رهبری حزب ایران نوین گفت که تصمیم گرفته است تا به لایحه حمله نکند. تحت این شرایط، اکثریت، آمادگی مواجهه با شدت حملات اپوزیسیون را نداشتند و هنگامی که کلماتی چون «خیانت» و «نقض قانون اساسی» به کار برده شد، عده ای بی جهت وحشت کردند. منصور تصادفا نزد ما تأیید کرده است

که در میان تصفیه شدگان از حزب ایران نوین مشخصا مقامات سابق اصلاحات ارضی بودند که از قرار معلوم نسبت به پذیرش نفوذ ارسنجانی، آمادگی خاصی دارند.

حقیقت دیگری که از میان مذاکرات اخیر آشکار شده، این است که با فرار از سخت ترین تنگناهایی که قابل باور نبود، از مصیبتی همه جانبه اجتناب شد. طبق گفته نخست وزیر، حرکتی هماهنگ در جریان بود که این لایحه اصلاح گردد تا بدین وسیله به سنا اعاده شود، زیرا که از این راه، شریف امامی و گروهی از سناتورها با خوشحالی خواهند توانست تا وجهه از دست رفته خود را در نظر مردمی که احساس می کردند سنا لایحه را به سرعت تصویب کرده است، به دست آورند. این مسئله منطقی بودن تصمیم ما را (نگاه کنید به بخش ۱ تلگرام هوایی مرجع) در این مورد تأیید می کند که قبول عبارات نسبتا بد لایحه مصوبه سنا، بهتر از قبول خطر برای هرگونه تلاشی در جهت اصلاح لایحه که احتمالاً منتهی به یک بن بست کامل می شد، بود.

یک عامل مشخصا پردردسر در انتقادات اخیر از دولت و لایحه، عناصری از قوه قضائیه ایران بودند که مجبورند مجری این قانون باشند. همان گونه که وزارت خارجه (آمریکا م) آگاه است، یک تفسیر محدود از این قانون، بدون رجوع به اصل یادداشتهای مبادله شده می تواند ما را از آن پوشش کاملی که خواسته ما بوده و دولت نیز در دادن آن به ما اظهار تمایل کرده، محروم کند. این مسئله نیز مقامات وزارت خارجه (ایران م) را نگران می کند. ما با این مقامات درباره راهها و وسایل

تضمین کننده حفظ جوهره یادداشتهای اصلی مبادله شده، در حال مذاکره هستیم.

ما معتقدیم که راه ساده ای را می توان یافت که از آن طریق موقعیت دو دولت در برابر مخالفین لایحه و نیز منافع ما در این قضیه در حد قابل توجهی بهبود یابد. این مسئله، موضوع مکاتبه آتی ما خواهد بود.

استوارت دبلیو . راک ول

با طنین آوای انقلابی امام خمینی (ره) در فضای اختناق بار ایران و انعکاس و انتشار نطق تاریخی و اعلامیه افشاگرانه ایشان در میان مردم، موج جدیدی از خشم و نفرت علیه شاه و رژیم مزدور او سراسر ایران را فرا گرفت. ملت مسلمان ایران از این خیانت آگاهی یافت. علما و روحانیون شهرستانها با پشتیبانی و همراهی مردم طی تلگرافها، نامه ها و طومارها الغای فوری کاپیتولاسیون را خواستار شدند. سیل تلگراف و نامه های اعتراض آمیز به سوی هیئت حاکمه سرازیر گشت.

رژیم شاه که هرگز انتظار چنین واکنش تند و انفجارآمیزی را نداشت و گمان می کرد که می تواند این خیانت ننگین را همانند صدها خیانت شاهانه دیگر از نظر مردم پوشیده بدارد، سخت نگران و بیمناک شد. حسنعلی منصور، نخست وزیر وقت، به منظور توجیه این خیانت به مجلس سنا شتافت و در آنجا طی یک سخنرانی سعی کرد که خیانت خود را خدمت جلوه دهد.

این سخنرانی فقط ۵ روز پس از نطق انقلابی امام خمینی (ره)، در جلسه ۷۵ مجلس سنا مورخه ۹ آبان ۱۳۴۳ (۳۱اکتبر ۱۹۶۴) ایراد گردید. جالب اینجاست در همین جلسه لایحه اجازه تحصیل ۲۰۰ میلیون دلار کمک نظامی از آمریکا تصویب گردید. بدین ترتیب رژیم شاه مزد خیانت خود را از ارباب گرفت.

نظر به اینکه سخنرانی منصور در این جلسه، در سندهای لانه جاسوسی مورد اشاره قرار گرفته

است، متن آن با استفاده از آرشیو مجلس شورا چاپ گردید.

جلسه ۷۵ مجلس سنا تاریخ: ۹ آبان ۱۳۴۳ ۳۱ اکتبر ۱۹۶۴

بنده متأسفم که از چند روز گذشته مسائلی به گوش خورده که بسیار تأسف آور است و بسیار تأثرانگیز است. شاید نمایندگان محترم به خاطر داشته باشند که چند ماه پیش لایحه ای برای اعطای مصونیت سیاسی، که خاص مملکت ما نیست و در کلیه کشورهای جهان مراعات می شود، به عده ای از مستشاران نظامی آمریکا که در خدمت ارتش ایران هستند اعطاء شود، در همین مجلس به تصویب رسید و بعد در مجلس شورای ملی هم این لایحه به تصویب رسید و به دولت ابلاغ شد. در این مورد مسائلی گفته شد و مسائلی به گوش رسید و تحریکاتی در خارج عنوان شد که بدون تردید دون شأن ملت ایران و دون شأن دولت ایران و دون شأن مجلسین ایران است. محال و ممتنع است که کسانی یافت شوند که میزان وطن پرستی آنها و میزان علاقه آنان به مملکت، از شاهنشاه ایران و مجلسین ایران و دولت و مردم واقعی ایران بیشتر باشد. چطور ممکن است لایحه ای که کوچکترین تخطی به حقوق حقه مملکت ایران وارد کند، از تصویب مجلسین ملی ایران بگذرد. چون این مسئله گفته شد، بنده ضروری می دانم در محضر مجلس سنا به گذشته آن و تاریخچه آن و مسائل مشابه آن اشاراتی

بکنم که تا این مسئله کاملاً روشن بشود و همه بدانند که این افکار مغرضانه که در محافل و مغایر گفته می شود به هیچ وجه من الوجوه کوچکترین تأثیری در راه و روش صحیح مملکت نباید داشته باشد.

امروز دنیا، دنیایی است که روز به روز به هم نزدیکتر می شود. حصارهای بین ممالک پاشیده می شود.

صحبت از حکومت جهانی به وجود می آید.

دیگر صحبت اینکه کسی در خدمت دولتی وارد می شود و مصونیت سیاسی به آن داده می شود.

مثل اینکه در جزء افراد سفارتخانه ای این مصونیت شامل بشود کوچکترین توهمی را به وجود بیاورد، جایز نیست. از سال ۱۳۲۲ طبق قوانینی که از تصویب مجلس شورای ملی گذشت، به دولت اجازه داده شد که هیئتهایی از افسران و درجه داران ارتش کشورهای متحده آمریکای شمالی به عنوان مستشار و کارشناس برای ارتش ایران و ژاندارمری استخدام نماید و به موجب همین قوانین تمدید خدمت این مستشاران برای دوره یکساله با تصویب نامه هیئت وزیران مجاز شناخته شد. یعنی هر روز را که دولت ایران نخواهد، می تواند یک خدمتگزاری را از خدمت معاف و دیگر هیچ گونه تعهدی در مقابل آن ندارد و اینجا صحبت این نیست که کشور دیگری مأموری به جانب ایران اعزام دارد، بلکه این تقاضا و نیاز دولت ایران بوده است به عده ای کارشناس که تصدیق می فرمایید نه تنها ایران بلکه کشورهایی مانند ایسلند، نروژ، ایتالیا، یونان، ترکیه، پرتغال، انگلیس، فرانسه، بلژیک، هلند، لوکزامبورگ، دانمارک و جمهوری فدرال آلمان و کشورهای دیگری مانند کشورهای آسیایی و خاورمیانه و آمریکای جنوبی هم امروز با اسلحه نظامی آمریکا ارتش خودشان را تجهیز کرده اند و هیچ تردیدی ندارد که استفاده از صنایع دیگران نیازمند به داشتن کارشناس اختصاصی و کارشناسان ذی صلاحیت خود آنهاست. تمدید مدت خدمت مستشاران نظامی سال به سال به موجب تصویب نامه انجام شده تا سال ۱۳۴۰ که سفارت کبرای آمریکا در جواب یادداشت وزارت امور خارجه دایر به

تقاضای تمدید خدمت مستشاران طی یادداشت شماره ۴۲۳ مورخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ مطابق با اسفند ۱۳۴۰ ضمن موافقت با تمدید یک سال دیگر، تقاضا کرده و اشاره کرد که مانند ۳۸ کشور دیگر که هیئتهای نظامی آمریکا در آن ممالک انجام وظیفه می کنند و دارای امتیازات مصونیتهای سیاسی خاصی هستند، برای روشن شدن وضع کارمندان هیئت مستشاری که در خدمت ارتش ایران هست، تسهیلاتی در نظر گرفته شود و دولت ایران هم از امتیازات و مصونیتهای مربوط به کارمندان اداری و فنی، پیش بینی شده در بند (و) ماده اول قرارداد بین المللی وین و یا سایر قراردادهای دوجانبه ای که بین آمریکا و کشورهای دیگر به امضاء رسیده است، برخوردار گردند. در اینجا دولت آمریکا اشاره کرده که علاوه بر کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی که بنده اسامی آنها را می گویم مانند کانادا انگلستان فرانسه بلژیک هلند لوکزامبورگ جمهوری فدرال آلمان دانمارک ایسلند نروژ

ایتالیا یونان ترکیه پرتغال، قراردادهای نظامی بسته شده است. در آن ممالک به تمام افراد نظامی آمریکا و پرسنل آمریکا و کلیه افرادی که در خدمت آن دستگاه نظامی، مصونیت کامل سیاسی داده شده است. در صورتی که در این لایحه که به تصویب مجلسین رسید، طبق معاهده وین که ۶۸ مملکت زیر آن را امضاء کرده اند و با وجدان روشن آن را امضاء کرده اند. طبق آن ماده فقط یک مصونیت ناقص یعنی مصونیت در حین انجام وظیفه داده شده است، در این لایحه که به تصویب رسیده است، داده شده است. حتی مصونیت مدنی برای مستشاران آمریکایی در خدمت ارتش ایران، اعطاء نشده

است و کلیه مواردی که برای تأمین حقوق افراد ایرانی ضروری است، در اختیار محاکم صالحه ایران است. فقط این افراد در حین انجام وظیفه، چون ما خواهان انجام وظیفه آنها هستیم، اگر اتفاقی بیفتد، دارای مصونیت سیاسی هستند و از مصونیت سیاسی معمولی بین المللی استفاده می کنند. بنده نمی دانم آیا ممالک متمدن اروپای غربی و یا کشورهای دیگری که برای اطاله کلام خیلی زیاد ذکر نمی کنم، ولی چند تا از آنها را عنوان می کنم مانند فرانسه یونان پاکستان ژاپن اندونزی لیبی اتیوپی و سایر ممالک مشابه اینها در آسیای جنوب شرقی و آفریقا و غیره این قراردادها را بسته اند. حتی به معاهده ای بین المللی اشاره نکرده اند و قرارداد دوجانبه بسته اند و مصونیت کامل داده اند. آیا حس وطن پرستی ما خیلی بیش از این ممالک است و یا اینکه آنها نمی دانسته اند که اگر یک مصونیت را به یک تعداد معدودی کارشناس که مورد نیاز آن ممالک است می دهند، در مقابل انجام خدمات آنهاست و این فقط در مملکت ما باید مورد یک توهم و اشاعه اکاذیب و اراجیفی بشود که دون شأن ملت و دون شأن مجلسین و دون شأن دولت ایران است. (نمایندگان صحیح است) بنده اشاره می کنم که این جریان باز به چه صورت ادامه پیدا کرد. پس از مذاکرات و مکاتبات و مطالعات لازم و تشکیل کمیسیونهایی از نمایندگان وزارت امور خارجه و وزارت جنگ و وزارت دادگستری مشاهده شد که چون سایر کشورهای مشابه حتی مصونیت بیشتری به کارشناسان آمریکا داده اند، بنابر پیشنهاد وزارت امور خارجه در جلسه ۱۳ مهر ماه ۱۳۴۲، دولت گذشته تصویب کردند که پس از تصویب قرارداد بین المللی وین از طرف قوه مقننه، رئیس و اعضای هیئتهای مستشاری نظامی آمریکا در ایران از مزایا و مصونیت های کارمندان اداری و فنی موصوف در قرارداد وین، بهره مند گردند و در همان موقع وزارت امور خارجه به وسیله تبادل نامه با سفارت کبرای آمریکا در تهران قرار لازم را در این مورد معمول دارد و نامه های مبادله شده بین وزارت خارجه ایران و سفارت کبرای آمریکا در

پرونده های امر موجود است. بعد از اینکه دولت سابق این موافقتنامه با دولت آمریکا را طبق یادداشتی مبادله کرد، لایحه مربوطه را تقدیم مجلس سنا نمود که پس از تشکیل این دولت قبلاً این لایحه در کمیسیونهای مجلس سنا به تصویب رسیده بود و در مجلس علنی مطرح شد و با نظر صائب سناتورهای محترم به تصویب رسید.

متعاقب صدور تصویب نامه دولت سابق، وزارت امور خارجه طی یادداشت ۸۲۹۶ مورخه ۲۶ آبان ماه ۱۳۴۲ به سفارت کبرای آمریکا اطلاع داد که هیئت وزیران با پیشنهاد سفارت کبری دایر به اینکه رئیس و اعضای هیئتهای مستشاران نظامی در ایران از مزایا و مصونیتها و معافیتهایی که برای کارمندان اداری و فنی موضوع بند (و) ماده اول قرارداد بین المللی وین مورخ ۱۹۶۱ برخوردار باشند، اعلام داشت. در اینجا باید به استحضار برسانم که دولت آمریکا کاملاً حاضر بود که قراردادی مشابه پاکستان، مشابه اندونزی، مشابه لیبی، مشابه اتیوپی، مشابه قرارداد دیگری خارج از ناتو که با ترکیه منعقد کرده است، با ما هم منعقد کند ولی ما نیازی به آن قرارداد با آن وسعت نداشتیم و خودمان را محدود کردیم در چهارچوب معاهده بین المللی وین که معاهده بین المللی وین تنها مربوط به یک کشور نیست بلکه ۶۸ کشور این قرارداد را امضاء کرده اند و دولت سابق ترجیح داد که ما از یک قرارداد بین المللی نسبت به این مصونیتها استفاده کنیم و قرارداد دوجانبه ای خارج از یک معاهده بین المللی دیگر ضرورتی ندارد که به امضاء برسد. سفارت کبرای آمریکا در پاسخ یادداشت وزارت

امور خارجه، طی یادداشت شماره ۲۹۹ مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳ (۲۷ آذر ۱۳۴۲) اشعار نمود که به نظر سفارت کبرای آمریکا عبارت (اعضای هیئتهای مستشاری نظامی کشورهای متحده در ایران) شامل کلیه کارمندان نظامی یا مستخدمین غیرنظامی وزارت دفاع و خانواده آنها خواهد بود، ولی با توافق نماینده دولت در مجلس سنا این امتیاز فقط به رئیس و اعضای هیئت مستشاری داده شده و شامل خانواده و کارمندان غیرفنی هیئتهای مستشاری نخواهد بود. بدین ترتیب حتی از اغلب کشورهایی که مصونیت کامل سیاسی داده اند بسیار کمتر، ساده تر و در چهارچوب یک معاهده بین المللی است و شامل مصونیت مدنی و مصونیت خارج از حین انجام وظیفه آنها هم نیست. بنده در اینجا به نظر صائب نمایندگان محترم سنا اتکاء می کنم که این مسائلی را که متأسفانه اگر از حدود عادی خارج نشده بود، ذکر این مسائل هم دیگر جایز نبود، ولی چون ممکن است احتمالاً افکار کوتاه و اغراض شخصی و نظریات خصوصی و حتی متأسفانه اعمال نفوذ و اعمال نظریات خارج به وسیله ستونهای پنجمی که شاید غیرمرئی باشند و بعضی از آنها هم متأسفانه شناخته شده اند، در مملکت شیوع پیدا کند و افکار سالم مردم ایران را، مردم واقعی ایران را خارج از عده ای کوچک سیاست بافان یا خارج از افکار منحط عده ای ناتوان و کسانی که جز اغراض شخصی و جز نظریات خصوصی و جز مسائل فردی چیزی را در نظر ندارند، ممکن بود تأثیری داشته باشد. امروز بنده ضروری دانستم که این مطلب را موشکافی کنم و حقایق مطالب در اینجا بیان شود و نمایندگان محترم بدانند که چه دولت سابق و چه دولت فعلی نمی توانست ذره ای از مسائل اساسی و عمومی و منافع حقه مملکت را ندیده بگیرد و اگر از ما قصوری می شد، مسلما شاهنشاه ایران و مجلسین ایران چنین اجازه ای را به هیچ نحوی نمی دادند. (صحیح است) پس اشاعه این اکاذیب فقط منحصر به یک عده معدودی است که در مقابل ملت ایران محکوم است. مصونیت سیاسی از قرن ۱۸ تا به حال به عناوین مختلف معمول بوده

است. در حقیقت عده معدودی از کارشناسان نظامی آمریکا که در خدمت ارتش ایران هستند، می توانستند به عنوان افراد وابسته به سفارت آمریکا معرفی شوند و همین مصونیت را هم داشته باشند، ولی آیا شأن دولت ایران بود که یک کارمند سفارت آمریکا در ارتش او خدمت می کرد و آیا ما می توانستیم که از داشتن کارشناسانی که برای امور نظامی مملکت ضرورت دارند، چشم پوشی کنیم؟ و آیا دولت ایران و ملت ایران تنها دولت و ملتی بود که نسبت به این نیازمندیها یک امتیازاتی نسبت به دوستان خودش می داد؛ یعنی کسانی که در چند سال اخیر باید اذعان کرد که در موقعی که ایران متأسفانه درآمدهای ارزی قابل توجهی نداشت، درآمدهای عمومی قابل توجه نداشت و ثبات و آرامش امروز مملکت را نداشت و امکان داشت به اینکه عناصر مخرب در خارج و داخل مملکت بتوانند در وضع کشور ما مؤثر واقع گردند، کمک کرده است یا آیا با توجه به این امور، شایسته بود که این مسائل عنوان شود؟ به نظر بنده ما هستیم که باید حقایق مطلب را بیان کنیم و مسلما افکار عمومی آن افکاری که سالم فکر می کنند این مسائل را طرد می کنند و مجلسین ایران حامی و پشتیبان اقدامات صحیح و اقداماتی است که شاهنشاه ایران نظارت عالیه بر آن دارند و به نفع ملت ایران تمام خواهد شد (صحیح است) (علامه وحیدی پیشنهاد دولت جنابعالی مورد تحسین و تقدیر عموم نمایندگان مجلس است) تشکر می کنم، بنده متشکرم که این تأیید و توجهی که مجلس سنا فرمودند، بهترین نمونه است که این اشاعه اکاذیب به کلی از بین برود و افرادی که در محافل خصوصی و در معابر چنین

مسائل مبتذلی را عنوان می کنند، بدانند که ایران صاحبی دارد. ملت ایران تمام رشته های ناراحتیها و نابسامانیها را گسیخته است. ملتی که درای ۲۵۰۰ سال تاریخ درخشان است، برای دادن چند امتیاز سیاسی به چند کارشناس نظامی از حقوق خود، چیزی ضایع نمی کند و لازم به تذکر است که مجلس شورای ملی هم این لایحه را در تاریخ ۲۱ مهر ماه ۱۳۴۳ به تصویب رسانید. مسئله ای را که بنده در اینجا به عنوان جمله معترضه عرض کردم، ضرورت داشت و شاید ارتباط داشت به همین کمک نظامی نیروی تدافعی و لایحه ای که در مجلس مطرح است. این لایحه را در مجلس شورای ملی به اتفاق آراء تصویب کردند. چون همین نظریات نمایندگان محترم مجلس سنا در آنجا هم تجلی داشت که نیروی دفاعی مملکت و حفظ و ثبات و آرامش کشور، اولین شرط اجرای هر برنامه اصلاحی مملکت است. طرز استفاده از این اعتبار چنین خواهد بود که بانکهای اعتبار دهنده آمریکا، هزینه های خرید وسایل یدکی و قسمتی از نیازمندیهای تسلیحات ایران را تأمین می کنند و از هنگام استفاده از هر قسطی، بعد از ده سال مستهلک خواهد شد و بهره وام هم از پنج درصد تجاوز نخواهد کرد. کشورهای دیگری کوچکتر از ایران و بزرگتر از ایران با افتخارات تمام برای تأمین نیروی دفاع کشورشان از شمال و جنوب و شرق و غرب، اعتبارات وسیعی کسب می کنند که متأسفانه در بعضی از قسمتها هم به راه صحیح و منطقی مصرفی نمی شود و موجب اعمال زور و قدرت در کشورهای همسایه آنها می گردد. ولی ایران با توجه به سیاست صلح جویانه خود، این اعتبار را صرفا برای نیروی تدافعی خودش مصرف خواهد کرد، ولی در هر زمان که اقتضا بکند، تنها ارتش ایران و تنها نیروی تکنیک ارتش و اسلحه ارتش جوابگوی دشمنان داخلی و خارجی نخواهد بود، بلکه دولت ایران و ملت ایران و مجلسین ایران خواهند بود که با منطق صحیح و با مشت محکم به دهان یاوه سرایان و به دهان منحرفین و سودجویان و همچنین به اجانبی که به منافع حقه ایران تخطی کرده باشند، خواهند کوفت.

(نمایندگان صحیح است) بنده تصور می کنم که ملت ایران در اینجا یک دل و یک جهت در اجرای برنامه های وسیع توسعه اقتصادی و اجتماعی و در تأمین نیروی دفاعی مملکت پشتیبان دولت و مجلسین ایران، بهترین نمونه تجلی نیات ملت ایران، خواهد بود.

بررسی لایحه کاپیتولاسیون

سند شماره (۲۵)

یادداشت برای ضبط در پروندهتاریخ: ۲ نوامبر ۱۹۶۴ ۱۱ آبان ۱۳۴۳

ملاقات با «آرام» وزیر امور خارجهطبقه بندی: فقط برای استفاده رسمی

موضوع: لایحه مصونیتها

۱ در تاریخ ۱ نوامبر ۱۹۶۴، بنا به درخواست دکتر کاظمی از دفتر حقوقی وزارت امور خارجه برای انجام یک ملاقات فوری، من و آقای «هرتز» از سفارت آمریکا با او ملاقات کردیم تا پیرامون تأثیرات لایحه مصونیتها، مصوبه اخیر مجلس، تبادل نظر نماییم. دکتر کاظمی گفت که نیاز به توضیحات و راهنماییهای بیشتری دارد تا بتواند پاسخگوی سؤالات وزیر امور خارجه باشد.

۲ بیانات اخیر نخست وزیر در مجلس سنا(۱) مورد بحث قرار گرفت و چنین نتیجه گیری شد که بعضی از اظهارات وی در رابطه با تفسیر کنوانسیون وین، درست نبوده است.

۱- منظور سخنرانی نخست وزیر در مجلس سنا به تاریخ ۹ آبان ۱۳۴۳ می باشد م

۳ دکتر کاظمی به طور اخص میل داشت که وجه تمایز بین دو هیئت آرمیش و مگ، اگر وجود دارد، مشخص شود. به وی اطمینان دادیم که بین این دو هیئت تفاوتی وجود ندارد و گفتیم که این دو گروه منتج از هیئت مستشاری است. گروه اول بر اساس قرارداد ۱۹۴۷ به وجود آمده و گروه دوم یعنی مگ برای پشتیبانی از برنامه کمک نظامی که از سال ۱۹۵۰ شروع شده، پدید آمده است. علاوه بر این خاطرنشان شد که وظایف دو گروه از دیرباز با یکدیگر ادغام شده و تعداد مستشاران موجود، خیلی بیشتر از تعداد مندرج در قرارداد مربوط به گروه آرمیش می باشد.

۴ ضرورت کسب کارت هویت مناسب برای اشخاص تحت پوشش کنوانسیون در گفتگو با دکتر کاظمی مورد تأکید قرار گرفت. این حقیقت که شناسائی صحیح موجب می شود تا ضرورت تفسیر در مورد معنای لایحه جدید از طرف مقامات قضائی به حداقل برسد، نیز مورد بحث قرار گرفت. دکتر کاظمی ظاهرا با این استدلال موافق بود. سپس دکتر کاظمی به ما اطلاع داد که شخص وزیر خارجه مایل است توضیحاتی را مستقیما از خود ما بشنود. به همین خاطر برای ادامه بحث به دفتر وی رفتیم.

۵ دکتر آرام نیز به عبارت آرمیش و مگ توجه خاص نشان داد. به همین خاطر بار دیگر در مورد آنها توضیحاتی ارائه شد. او به دیگر گروههای نظامی آمریکا در ایران نیز بذل توجه کرد و از ما خواست که طی نامه ای این گروهها را مشخص کرده و در صورت امکان رونوشتی از قراردادهای مربوط به وظایف هر یک را ضمیمه کنیم. از ما سؤال شد که آیا از نظر ما کارمندان غیر نظامی نیز تحت پوشش کنوانسیون در می آیند؟ ما موضع خود را چنین مشخص کردیم که تعریف موجود در یادداشت شماره ۲۹۹ مبنی بر اینکه تمام کارمندان وزارت دفاع آمریکا و بستگان آنها بخشی از کارمندان اداری و فنی مندرج در کنوانسیون را تشکیل می دهند، هنوز مناسب و صحیح است. وزیر خارجه این موضع را نه تأیید کرد و نه رد نمود. هنگامی که گفتیم دولت ایران مطمئنا مایل است

یادداشتهای مبادله شده، جنبه قانونی پیدا کنند؛ وی اعلام توافق نمود، ولی چندی بعد گفت این نظر که لایحه، جایگزین مفاد یادداشتها شده، او را با مشکلاتی روبه رو ساخته است.

۶ در رابطه با حدود کاربرد شرایط لایحه به وزیر امور خارجه خاطرنشان شد که بر طبق عرف بین المللی، وزارت خارجه قادر است مسئله وضعیت سیاسی اشخاص را به صورت قطعی حل کند (با ذکر حقوق بین المللی اوپنهایم، لوترپاک، جلد اول، پاراگراف ۳۵۷) و به همین دلیل ما معتقدیم که تصویب کنوانسیون وین، به وزارت خارجه اختیار کافی می دهد که بدون مراجعه به هیئتهای مشورتی دیگر، خود مشخص کند که چه کسی می تواند از مصونیت برخوردار شود. آقای آرام گفت که موضوع آن قدرها هم ساده نیست، چون وزارتخانه های دیگر (او از وزارت اقتصاد نام برد) اختیارات ویژه این وزارتخانه را در این مورد، به رسمیت نمی شناسند.

۷ علاوه بر این، تأکید کردم که اقدام سنا در کاربرد خاص شرایط کنوانسیون نسبت به پرسنل نظامی آمریکا که «در استخدام» دولت ایران هستند، بر قرارداد بین دولتین ما تأثیری نگذاشت، ولی به دولت ایران در روشن کردن وضعیت مبهم یک دسته از پرسنل که در مورد آنها اقدام قانونی ضروری بوده است، کمک کرد. اما نمی توان این اقدام سنا را به گونه ای تفسیر کرد که محدود کننده مصونیت به این گروه خاص باشد. زیرا طبیعتا کارمندان کشور دریافت کننده خدمات، از مصونیتهای اعطا شده به نمایندگان کشور ارائه کننده خدمات، به هیچ وجه بهره مند نمی گردند. ما به یادداشتهایی که قبلاً مبادله

شده بود و ضرورت روشن شدن وضعیت این دسته خاص از پرسنل هیئت را نشان می داد، اشاره کردیم.

به وزیر امور خارجه اطمینان دادیم که تلاش در محدود ساختن شمول مصونیت به کسانی که در استخدام دولت ایران می باشند، تقریبا به طور کامل هدف دو دولت را از بین خواهد برد. وزیر امور خارجه ابتدا خاطرنشان ساخت که یادداشتهای مبادله شده قبلی در این مورد ممکن است اعتبار نداشته باشند، زیرا مجلس سنا در لایحه مصوبه، صریحا اشاره به آنها را حذف کرده است. پس از تشریح موضع خود برای وزیر امور خارجه مبنی بر اینکه ما این یادداشتها را حائز اهمیت ویژه ای می دانیم زیرا بیانگر نیت طرفین بوده و علاوه بر این ما احساس می کنیم که باید به سابقه قانونگذاری قبل از تصویب لایحه، به عنوان مبین نیت دولت ایران اشاره شود، وی ظاهرا موافق به نظر می رسید ولی هنوز نگران بود.

۸ متذکر می شود که دکتر آرام و کاظمی هر دو سعی کردند از اهمیت یادداشتهای مبادله شده و نیز سابقه قانونگذاری لایحه بکاهند. ما مؤکدا خاطرنشان ساختیم که برای هر دو مورد اهمیت خاصی قائل هستیم.

۹ همه توافق کردیم که امروز باید نقش هیئتهای نظامی را کاملاً تعریف کنیم یعنی باید مشخص شود که ما اعضای یگانهای نظامی نبوده و هیئتهای موجود، در زمینه نظامی تنها جنبه مستشاری داشته و جنبه عملیاتی ندارند. وزیر خارجه خاطرنشان ساخت که مخالفت عمومی، ناشی از تجارب تلخ نظامی در گذشته است. دکتر

۷ علاوه بر این، تأکید کردم که اقدام سنا آرام گفت که مخالفت با این لایحه از طرف رهبران مذهبی بسیار سنگین بوده و رادیو پکن نیز از این لایحه به عنوان یک حربه تبلیغاتی استفاده می کند.

۱۰ وزیر امور خارجه همچنین می خواست بداند که چرا درخواستی برای انعقاد قرارداد «وضعیت نیروها» مطرح نشده بود و به جای آن از طریق کنوانسیون وین اقدام شد. تفاوت بین قرارداد وضعیت نیروها و اعطای وضعیت سیاسی به طور کامل تشریح شد و در مورد هر یک نیز مثالی مطرح گردید که یکی از آنها قرارداد مربوط به واحد مخابراتی در پاکستان و نیز اعطای مصونیت به گروه مشاورین کمک نظامی آمریکا (مگ)، در همان کشور بود که از طریق جذب آنها در سفارت آمریکا عملی گردید. دکتر آرام خواستار دریافت نسخه هایی از این دو قرارداد شد و آقای «هرتز» گفت که خلاصه ای از آنها را در اختیارش قرار خواهد داد. (از آنجایی که وی قرارداد مربوط به «وضعیت نیروها» را در اختیار دارد، موافقت شد که تنها به ارائه عبارت مناسبی از قرارداد کمک دفاعی متقابل اکتفا شود.)

قراردادهای دیگری از این نوع ذکر گردید و دکتر آرام درخواست کرد که فهرستی از کشورهایی که به پرسنل مستشاری نظامی آمریکا مصونیت اعطا کرده اند، همراه با عبارات مهم از متون قراردادها، در اختیار وی بگذاریم. آقای «هرتز» به دکتر آرام گفت که نمایندگان پیشین دولتهای ایران و آمریکا بر حل این مسئله از طریق کنوانسیون موافقت داشته اند و ظاهرا این طور احساس شده بود که دولت ایران نیز ترجیح داده است که از طریق کنوانسیون مسئله را حل کند، نه از طریق وضع قراردادهای کمک دفاعی نظامی یا از طریق قرارداد رسمی وضعیت نیروها.

۱۱ علاوه بر این به وزیر گفتم همان طوری که این لایحه در ایران از نظر سیاسی حائز اهمیت فراوانی گردیده، وضعیت گروه مستشاری نیز مدت مدیدی است که باعث نگرانی کنگره آمریکا بوده است و ما احساس می کنیم که مقامات ایرانی نیز باید این حقیقت را با دقت بیشتری مورد سنجش قرار دهند. دکتر آرام با این نظر موافقت نمود.

۱۲ در رابطه با وجهه گروه نظامی آمریکا، سرگرد «هارت» خاطرنشان ساخت که اعضای این هیئت از آغاز کار خود در سال ۱۹۴۷، مرتکب هیچ گونه جنایت جدی نشده اند. وزیر خارجه گفت این گونه اطلاعات بسیار مفید است. آقای «هرتز» تذکر داد که اگر آنها مرتکب جنایت جدی شوند، ما احتمالاً مصونیت آنها را لغو خواهیم کرد. دکتر آرام گفت که آیا می توان این موضوع را کتبا مورد تأیید قرار داد، که آقای «هرتز» در پاسخ گفت ما هنوز در این مورد مشغول فعالیت هستیم. علاوه بر این خاطرنشان شد که مقامات نظامی حتما افراد خاطی را کیفر خواهند داد (محاکمه در خارج از ایران) و سیاست ما در مورد پرداخت دعاوی، تکرار شد. نکته دیگری که مطرح شد، موضوع پرداخت ۶۰۰۰۰۰ ریال در رابطه با یک سانحه اتومبیل در تاریخ ۲ نوامبر به یک مدعی ایرانی بود که عامل تصادف، یک کارمند غیر نظامی وزارت ارتش بود. وزیر خارجه از سرگرد هارت خواست که در زمینه پرداخت دعاوی، مطلب جامعی را برای وی تهیه کند، زیرا احساس می کرد که این مطالب می تواند برای تبلیغات مفید باشد. دکتر آرام تأکید کرد که پیش از شروع اجرای لایحه، باید منتظر شد تا آبها از آسیاب بیفتد؛ ولی مدت این انتظار را مشخص ننمود. وی به طور خلاصه سه نکته را مطرح نمود:

الف) ضرورت روشن کردن حیطه دقیق کاربرد لایحه و تمایل او به انجام این کار،

ب) ضرورت آشناسازی «مرد خیابان»(۱) با موقعیت ارتش در ایران،

ج) ضرورت وجود یک دوره برای ایجاد و اعاده آرامش.

۱۳ در نتیجه باید گفت که نکات ذیل حائز اهمیت می باشند:

الف) در حال حاضر وزیر امور خارجه موضع ما را مبنی بر اینکه تمام کارمندان وزارت دفاع آمریکا و بستگان آنها تحت پوشش لایحه در می آیند، به صورت روشنی نپذیرفته است. طرز برخورد آنان با این مسئله مبهم است نه آن را قبول می کنند و نه این استدلال را رد می نمایند ما بایستی از هر موقعیتی که پیش می آید، برای قبولاندن تعبیر خود از حیطه لایحه استفاده کنیم و موضوع تبادل یادداشتها و سابقه قانونگذاری آن را یادآوری کنیم. یعنی تعبیر خود را بقبولانیم که به قوه مجریه (وزارت خارجه) این حق داده شده که مشخص کند چه کسی باید مشمول کنوانسیون شود و برعکس؛ و اینکه لایحه، این حق را که همیشه در عرف بین المللی وجود داشته، محدود یا باطل نکرده است.

ب) برای ممانعت از پیدایش تعابیر و تفاسیر دولتی و قضائی باید کارت شناسایی مخصوصی تهیه شود، تا مقامات پلیس به محض رؤیت آن از واقعیت امر آگاه گردند.

ج) مقامات ایرانی باید حقایق انکارناپذیر و مکفی در مورد هیئت نظامی در اختیار داشته باشند، تا بتوانند هیئت واقعی را تشریح کرده و از این طریق، اقدامات مخالفین لایحه را نیز خنثی سازند.

د) درست است که باید مدتی بگذرد تا بتوان به اجرای لایحه مصوبه پرداخت و در عین حال

۱- احتمالاً منظور "مردم کوچه و بازار" است م

موجب تضعیف دولت نگشت، ولی ما باید دقت کرده و اجازه ندهیم که این وقفه به عنوان وضعیتی مورد قبول و درازمدت تعبیر شود.

(امضاء)(امضاء)

مارتین اف. هرتزرابرت ئی. هارت

مشاور سفارت در امور سیاسی وکیل اداره حقوقیسرگرد، JAGC

وضعیت پرسنل نظامی آمریکا در ایران

سند شماره (۲۶)

طبقه بندی نشدهتاریخ: ۲ نوامبر ۱۹۶۴ ۱۱ آبان ۱۳۴۳

عالی جناب عباس آرام، وزیر امور خارجه

در ارتباط با مذاکره دیروز بعد از ظهر در دفتر شما، خوشوقتم که یک نامه غیر رسمی حاوی اطلاعاتی اساسی در رابطه با بعضی از نکاتی که مورد بحث قرار دادیم، برای شما ارسال دارم. یک نسخه دیگر از این نامه را مستقیما برای آقای کاظمی ارسال می دارم.

ارادتمند شما

مارتین اف. هرتز

مشاور سفارت در امور سیاسی

وضعیت پرسنل نظامی آمریکا در ایران

۱ با وجود اینکه پرسنل مستشاری آمریکا از سال ۱۹۴۷ در ایران بوده اند، ولی تا همین اواخر هیچ ترتیبی که به طور خاص وضعیت حقوقی آنها را مشخص کند، وجود نداشته است.

۲ این امری غیر عادی بوده است. زیرا ایران در میان ۶۰ کشور بهره مند از کمکهای مستشاری

نظامی آمریکا تنها کشوری است که در آن پرسنل مستشاری در حیطه نظام قضائی محلی می باشند.

واقعیت امر این است که ما مواردی را که تاکنون اتفاق افتاده است، حل کرده ایم، لیکن وضعیت چندان رضایت بخش نبوده و سبب بروز انتقاداتی از سوی کنگره آمریکا گردیده است.

۳ وضعیت مورد نظر، به آسانی قابل تشریح نبوده است زیرا ایران تنها کشوری در جهان است که از کمک نظامی درازمدت آمریکا (۵ ساله) برخوردار است. مسئله این است که چرا ایران که از نظر کمکهای نظامی از الطاف خاص آمریکا برخوردار است، باید با پرسنل مستشاری نظامی آمریکا که ارائه کننده این گونه کمکها می باشند، رفتاری مشخصا نامطلوب داشته باشد.

۴ ترتیبات معمول، مربوط به پرسنل گروه مشاورین کمک نظامی آمریکا، با عنوان قرارداد کمک دفاعی متقابل نامگذاری شده است. طبق این قرارداد، پرسنل «مگ» در ایران حضور یافته و به عنوان بخشی از سفارت آمریکا، عمل می کنند و در نتیجه باید براساس قوانین بین المللی موجود از مصونیت دیپلماتیک در رابطه با حیطه قانونی دادگاههای محلی، برخوردار شوند. یک نمونه، قرارداد دفاعی متقابل منعقده بین آمریکا و پاکستان در تاریخ ۱۹ می ۱۹۵۴ می باشد که در بند ۱ ماده ۴ آن، چنین آمده است:

«دولت پاکستان پرسنل دولت آمریکا را در قلمرو خود خواهد پذیرفت تا وظایف دولت آمریکا را

در آن کشور براساس این قرارداد، انجام دهند و البته از تسهیلات و اختیارات لازم جهت نظارت بر پیشبرد کمکهای ارائه شده بر طبق قرارداد مذکور، برخوردار خواهند شد. این پرسنل، از جمله پرسنل مأمور موقت، که از اتباع آمریکا می باشند در رابطه با دولت پاکستان به عنوان بخشی از سفارت آمریکا عمل کرده و تحت امر و کنترل ریاست نمایندگی سیاسی می باشند و از مصونیتها و امتیازات دیگر پرسنل سفارت آمریکا که اتباع آمریکا و همردیف مستشاران می باشند، برخوردار می گردند. با توجه به اطلاعیه رسمی دولت آمریکا، دولت پاکستان به ارشدترین عضو نظامی مأمور، براساس این بند و نیز ارشدترین عضو نظامی مأمور در نیروی زمینی، دریایی و هوایی و نیز قائم مقامهای ویژه آنها، مصونیت کامل دیپلماتیک اعطاء خواهد کرد.»

این گونه قراردادها بین آمریکا و نزدیک به ۳۹ کشور، از جمله بلژیک، برزیل، برمه، جمهوری فدرال آلمان، فرانسه، انگلستان، و غیره منعقد گردیده است. (فهرستی از کشورهایی که چنین قراردادهایی را امضاء کرده اند، ضمیمه شده است. ما نمی دانیم که سی و نهمین کشور کدام است، ولی با این حال قبول داریم که هم اکنون همه این کشورها، دیگر دارای گروه مشاورین کمک نظامی آمریکا نمی باشند.) در بعضی از این کشورها، قراردادها بدون وضع قوانین خاص داخلی به اجراء در می آید (یا به اجراء در می آمد). در سایر کشورها، قوانین محلی وضع شده است که مصونیتهای اعطاء شده بوسیله قراردادهای کمک دفاعی متقابل، را مورد تأیید قرار می دهد.

۵ در مورد کشورهایی که در آنها یگانهای نظامی آمریکا مستقر شده اند، موافقتنامه های جداگانه ای به نام موافقتنامه «وضعیت نیروها» (SOF)، امضاء گردیده است. در موارد مربوط به این واحدها، وضعیت با آنچه که در رابطه با هیئتهای مستشاری نظامی وجود دارد، تفاوت می کند.

موافقتنامه های وضعیت نیروها، بین خلافهایی که در حین انجام وظیفه و خلافهایی که در خارج از

حین انجام وظیفه صورت می گیرد، تفاوت قائل می شود؛ در آنها شرایط مربوط به نحوه توقیف متهم درج شده و شرایط لازم برای رسیدگی «اولیه» و یا عدم رسیدگی شرح داده شده و برای تضمین نظم و دسیپلین نظامی پیش بینی هایی به عمل آمده است.

یک نمونه از این چنین قراردادهایی، قراردادی است که با پاکستان در تاریخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۵۹ در مورد «استقرار یک واحد مخابراتی» امضاء گردید. (وزارت خارجه ایران یک نسخه از آن را در اختیار دارد.)

۶ در ایران علاوه بر گروههای مختص به هیئتهای مستشاری نظامی (آرمیش مگ و جنمیش)، چند واحد نظامی کوچکتر نیز وجود دارند که کمکهای تخصصی در اختیار دولت ایران قرار می دهند. (تیم آموزشی توپوگرافیک، مهندسین پادگان خلیج، رله تهران، رله علایم، گروه پشتیبانی تحقیقات و گروههای رابط نظامی.) به نظر می رسد که اگر تمام پرسنل نظامی آمریکا را در یک گروه جمع کنیم و برای تمامی آنها یک قرارداد وضعیت که مشابه قرارداد کمک دفاعی متقابل باشد منعقد گردد، بهتر خواهد بود، زیرا پرسنل این گروهها برای ارائه کمک به دولت ایران، در این کشور به سر می برند.

۷ خصوصا اینکه آرمیش مگ مرکب از هیئت مستشاری نظامی در ارتش، که براساس قرارداد ۱۹۴۷ عمل می کند و گروه مشاورین کمک نظامی که در رابطه با ارائه کمکهای نظامی آمریکا از سال ۱۹۵۰ وارد ایران شده، می باشد. گروه آرمیش در اصل «در استخدام» دولت ایران بوده است، لیکن

پس از تصویب اصلاحیه معروف مانسفیلد در کنگره آمریکا در سال **۱۹۵۹** ترتیبی داده شده تا حقوق، مستقیما به دولت آمریکا پرداخت شود نه به خود پرسنل که از دولت آمریکا حقوق می گیرند. واقعیت این است که پرسنل نظامی آمریکا همگی برای ارائه خدمات فنی به دولت ایران در اینجا مشغول به کار هستند، چه عضو آرمیش مگ باشند که جداسازی اعضای این دو هیئت امری دشوار است، چه عضو جنمیش یا توپوگرافیک و غیره.

به همین دلیل سفارت آمریکا در یادداشت شماره **۲۹۹** ارسالی خود به وزارت خارجه ایران اعلام داشته است که عبارت «اعضای هیئتهای مستشاری نظامی آمریکا در ایران، شامل پرسنل نظامی و غیرنظامی آمریکایی عضو وزارت دفاع آمریکا و بستگانشان که اهل خانه آنها می باشند، می شود که بر طبق قراردادها و ترتیبات منعقده بین دو دولت در رابطه با مشاوره و کمک نظامی ایران، مشغول به کار می باشند.»یادداشت شماره **۲۹۹** ما و نیز یادداشت ایران به شماره **۸۲۹۶** که پاسخ یادداشت ماست، نوعی قرارداد منعقده بین دو دولت می باشند.

۸ دولت ایران در به اجراء گذاشتن این موافقتنامه با مشکلاتی روبه رو بوده است؛ چون ممکن است چنین استدلال شود که از آنجا که پرسنل آرمیش از بعضی از جنبه ها هنوز در استخدام دولت ایران هستند. تعمیم مصونیت و امتیازات دیپلماتیک به آنها (و نه به تمام پرسنل نظامی آمریکا در ایران) باید مورد تصویب پارلمان این کشور قرار گیرد. این چیزی است که دولت ایران درصدد کسب آن برآمده است.

۹ در نتیجه بررسی بعضی از بیانیه های مطبوعاتی دریافته ایم که دولت ایران قرار است برخلاف مفاد یادداشتهای مبادله شده، امتیازات کمتری به آمریکا بدهد. لیکن ما، با توجه به سابقه حقوقی و نیز وضع سیاسی حاکم بر همکاری بین دو کشور که تمامی برنامه کمک نظامی ما را در برمی گیرد،

نمی توانیم این مسئله را باور کنیم. در همین رابطه بعضی از نکات، در مطالب ذیل که در رابطه با کنوانسیون وین می باشد، آشکار شده است.

۱۰ دولت آمریکا از دیر باز آماده انعقاد قراردادی از نوع کمک دفاعی نظامی متقابل با دولت ایران بوده است؛ و بدون شک اگر دولت ایران قراردادی از نوع قرارداد وضعیت نیروها را ترجیح می داد، چنین قراردادی نیز تا به حال منعقد شده بود. به هر حال، دولت ایران ترجیح داد که این قرارداد با کنوانسیون وین مرتبط گردد. این امر، غیر عادی نیست. از هنگام تصویب کنوانسیون در سال ۱۹۶۱ تاکنون، کشورهای دیگری نیز مناسب دیدند که مصونیتهای پرسنل نظامی آمریکا را، با اشاره به کنوانسیون وین تعریف کنند.

۱۱ در حالی که در قراردادهای کمک دفاعی متقابل، بین دعاوی جنایی و مدنی تفاوتی منظور نشده (که اکنون بر طبق کنوانسیون وین این تمایز مشخص گردیده)، کنوانسیون وین به وضوح اعلام می دارد که مصونیت از دعاوی جنایی (در رابطه با کارمندان اداری و فنی) جنبه مطلق دارد لیکن مصونیت از پیگیری دعاوی اداری و مدنی «نبایستی شامل تخلفاتی گردد که در خارج از حیطه وظایفشان، به وقوع می پیوندد».

از آنجا که این قانون، یک تصویب نامه مورد قبول بین المللی است، به نظر می رسد که در واقع بین کنوانسیون وین و قراردادهای کمک دفاعی متقابل تفاوت چندان اساسی وجود ندارد؛ لیکن اگر دولت

ایران به خاطر نگرانی از افکار عمومی، مناسب دیده تا ادعا کند که مصونیتهایی که برای پرسنل نظامی آمریکا تأمین کرده به مراتب محدودتر از مصونیتهایی است که این پرسنل در دیگر کشورها دارند، ما نیز با چنین بیانیه کلی مخالفتی نداریم. ولی به هنگام ورود در جزئیات، بایستی دقت بسیار داشته باشیم.

۱۲ به طور مثال، گفته شده است که براساس لایحه مصوبه پارلمان ایران، بستگان از صونیت برخوردار نیستند. این به روشنی، غلط است. بند ۲ ماده ۳۷ از کنوانسیون وین مصونیتهای فوق الذکر را برای اعضای اداری و فنی هیئت و نیز بستگانشان که اهل خانه آنها می باشند، در نظر می گیرد.

۱۳ علاوه بر این، باز هم به خطا گفته شده است که اعضای مشخصی از هیئت مستشاری نظامی آمریکا، تحت پوشش کنوانسیون وین در نمی آیند، طبق متن خود لایحه که به سادگی از «ریاست و اعضای هیئت مستشاری نظامی آمریکا» سخن می راند، نمی توان بین اعضای مختلف گروه، تفاوتی قائل شد.

۱۴ در رابطه با دعاوی جنایی، در عین حال که مسئله حائز اهمیت سیاسی است، زیرا گفته می شود این مصونیت سبب اعطای امتیازات نامشروعی به دولت خارجی می گردد، ولی عملاً هیچ یک از اعضای هیئتهای نظامی مستقر در ایران مرتکب جنایتی جدی و خشونت بار نشده اند.

۱۵ در رابطه با دعاوی مدنی، باید گفته شود که آرمیش مگ که برای تمام پرسنل نظامی در ایران (حتی وابسته های نظامی و کارمندانشان) عمل می کند همواره قادر بوده بدون اینکه به دادگاههای ایرانی گزارش شود، دعاوی را سریعا فیصله دهد. لیکن معلوم است که رسیدگی به تخلفات در خارج از حین انجام وظیفه، باید توسط دادگاههای ایران انجام شود.

به طور مثال، در سال ۱۹۶۴ کمیسیون بررسی دعاوی خارجی علیه هیئت نظامی، رقمی معادل

۱۰۶۴۷۱۹ ریال به خاطر جراحات شخصی و خسارات وارده به مایملک شهروندان ایرانی پرداخته است. (این رقم شامل حق بیمه که در نتیجه ضوابط نظامی باید پرداخت گردد، نمی شود. براساس این ضوابط هر عضوی که رانندگی می کند، باید اتومبیل خود را حداقل به مبلغ ۰۰۰/۳۰۰ ریال بیمه شخص ثالث کند.)

جدیدترین قضیه ای که به این ترتیب حل شد، عبارت است از پرداخت ۰۰۰/۶۰۰ ریال در تاریخ ۲ نوامبر، به خانواده فردی در رشت که قربانی یک حادثه رانندگی شده بود. با اینکه این مورد از دعاوی مدنی بود، ولی نیازی به طرح آن در دادگاه پیدا نشد. اکثر مواردی که تاکنون به وجود آمده است نیز در رابطه با حوادث ترافیکی بوده اند.

۱ بلژیک۲ برزیل۳ کامبوج۴ شیلی۵ کنگو۶ کلمبیا۷ دانمارک۸ اکوادور۹ اتیوپی۱۰ جمهوری فدرال آلمان۱۱ فرانسه۱۲ انگلستان۱۳ یونان۱۴ گواتمالا۱۵ هائیتی

۱۶ هندوراس۱۷ اندونزی۱۸ ایتالیا۱۹ ژاپن ۲۰ کره (جنوبی م)۲۱ لائوس۲۲ لیبی۲۳ لوکزامبورگ۲۴ هلند۲۵ نیکاراگوئه۲۶ نروژ۲۷ پاکستان۲۸ پرو۲۹ فیلیپین ۳۰ پرتغال۳۱ عربستان سعودی۳۲ سنگال ۳۳ اسپانیا۳۴ تایوان۳۵ تایلند۳۶ ترکیه۳۷ اوروگوئه۳۸ ویتنام (جنوبی م)

توضیح قانونی درباره لایحه کاپیتولاسیون

سند شماره (۲۷)

مرجع: تلگرامهای ۱۹۵ ۴۴۸، ۴۰۴، A و ۴۸۷ سفارتتاریخ: ۲ نوامبر ۱۹۶۴ ۱۱ آبان ۱۳۴۳

از: سفارت آمریکا تهران به: وزارت خارجه واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه

تلگرام ارسالی به شماره ۴۹۵پیام تیم کشوری

موضوع عبارت است از توضیح قانونی درباره لایحه وضعیت که به زودی تحت عنوان قانون بسط مصونیتهای کنوانسیون وین (شامل افرادی که در ماده ۱، بند (و) شرح داده شد) به «فرمانده و اعضای هیئتهای مستشاری نظامی ایالات متحده در ایران، که براساس قراردادهای مربوطه در استخدام دولت ایران می باشند.»

همانگونه که در تلگرامهای مرجع توضیح داده شد، عبارات این قانون ناقص است اما توضیحاتی که در حین بحث در مجلس ارائه شد (و یا به هر صورت اجازه داده شد تا مورد بحث قرار گیرد)، روشن می سازد که دولت قصد داشت به یادداشتهای مبادله شده در سال گذشته، اعتبار قانونی بدهد.

در یادداشت ۲۹۹ همانگونه که در تلگرام ۴۴۰ وزارت خارجه تأیید شد، از عبارت «در استخدام دولت ایران» به دقت اجتناب گردید و افراد مشمول مصونیت را «پرسنل نظامی ایالات متحده یا کارمندان غیر نظامی وزارت دفاع و بستگانشان که اهل خانه آنها می باشند و در ایران بر طبق توافقنامه ها و ترتیبات منعقده میان دو دولت و در ارتباط با مشاوره و کمک نظامی، مستقر هستند» تعریف نمود. به هر حال باید متذکر شد که اگر چه دولت به یادداشتها اشاره نمود، ولی تعریف جامع

مورد نظر در یادداشت ۲۹۹ را تأمین نکرد. از طرف دیگر، این یادداشتها برای کمیسیون امور خارجی قرائت شد.

در طی مذاکره با وزارت امور خارجه پس از تصویب لایحه وضعیت (ما عمدا مذاکرات را با توجه به جو متشنج سیاسی، غیر رسمی و آزمایشی نگه داشتیم)، با موقعیت متضادی روبه رو شدیم. از یک سو میرفندرسکی، معاون وزیر امور خارجه، اذعان داشت که لایحه وضعیت و یادداشتهای مبادله شده «یکی است»، اما از سوی دیگر احساس می کرد که ممکن است فرض شود که این قانون جایگزین

یادداشتهای مبادله شده گردیده است. برای مثال او در این مورد که بستگان هم مشمول مصونیتها شده اند، ابراز تردید کرد. (آن طور که ما برداشت می کنیم با توجه به ماده ۳۷، بند ۲ از کنوانسیون وین که امتیازات و مصونیتهای پرسنل مشروحه در ماده ۱، بند (و) را تعریف می کند؛ بستگان به وضوح تحت پوشش قرار می گیرند.) البته ما این گونه موضع گیری کردیم که موافقتنامه اصلی را همان طور که در یادداشتها تشریح شده، نمی توان به وسیله قوانین محلی ایران محدود و یا دوباره تعریف کرد. اما بسیار محتمل است که دادگاههای ایران در آینده تنها متن قانون وضعیت را به کار ببرند نه روح قانون را، مگر اینکه به سرعت با امضای موافقتنامه ای با دولت ایران، تعریف جامع مورد نظر خود را به کرسی بنشانیم.

در وهله اول، ما به این مسئله به عنوان یک مسئله سیاسی می نگریم، تا یک مسئله قانونی. دولت خود را در موضعی دفاعی قرار داد و سیاست دولت مبنی بر ممنوعیت بحث علنی، همانگونه که انتظار می رفت در ساکت کردن اپوزیسیون حاصلی به بار نیاورد. از جمله اتهامات وارده به منصور و وزارت امور خارجه این است که آنها با کاربرد کنوانسیون وین در مورد پرسنل نظامی آمریکا در ایران، امتیازات بیشتری از آنچه که ما از طریق قراردادهای مختلف «وضعیت نیروها» (SOF) در دیگر کشورها، به خصوص در کشورهای ترکیه و پاکستان به دست آورده ایم، به ما داده اند.البته این مسئله تا حدی صحت دارد. اگر ایران قراردادی از نوع «وضعیت نیروها» درخواست می نمود، به جرأت می توان گفت که ما آماده بودیم تا آن را بپذیریم، اما ایران ترجیح داد که این مصونیتها را با کنوانسیون وین پیوند دهد. در شرایط فعلی، دولت منصور در موقعیت نامناسبی قرار گرفته به نحوی که مجبور است به افراد مطلع از جمله حقوقدانان ایرانی توضیح دهد که چرا قضاوت در تمام دعاوی جنایی در ایران ، به دادگاههای ایالات متحده واگذار شده است. در حالی که مشخص است که برای مثال وضعیت واحد

مخابرات آمریکا در پاکستان به نحو بارزی تنها شامل واگذاری حقوق قضائی در موارد خارج از حین

انجام وظیفه می شود. به علاوه موافقتنامه های وضعیت نیروها دارای عباراتی است که مستلزم لغو مصونیت در مواردی با «اهمیت ویژه» می باشد. علیرغم این مسئله، ترتیباتی که از سوی پارلمان ایران مقرر شده، این چنین شرطی را در بر ندارد.

به اعتقاد ما، این موضوع برای دولت ایران بسیار مفید خواهد بود و به موجب آن امکان کسب توضیحات مورد نیاز ما افزایش می یابد. در صورتی که می توانستیم (شاید در پاسخ برای قبول صریح تعریف وضعیت در یادداشت ۲۹۹ ما) به آنها بگوییم راجع به لغو شرایط مندرج در ماده ۳۲ کنوانسیون وین، ما در آینده «با ملاحظات موافقانه، درخواست دولت شاهنشاهی را مبنی بر لغو مصونیت از دعاوی جنایی در مواردی که دولت شاهنشاهی ایران آن را دارای اهمیت ویژه تلقی می کند، مورد بررسی قرار خواهیم داد.»

این امر برای ما گران تمام نخواهد شد. احتمالاً در موارد جنایات شنیع در صورتی که دارای اهمیت سیاسی باشد، ایالات متحده بدون توجه به ماده ۳۲ کنوانسیون وین و بدون توجه به اینکه قراردادی از نوع SOF (وضعیت نیروها) وجود دارد یا خیر، مصونیت را لغو خواهد کرد. البته دولت ایران بایستی درک کند که موارد «با اهمیت ویژه» تنها شامل جنایات شنیع مانند جنایت و تجاوز می شود، ولی شامل تخلفات رانندگی هر چقدر مهم باشد، نمی گردد. چرا که لایحه وضعیت، بین تخلفات در حین انجام وظیفه و خارج از حین انجام وظیفه تمایزی قائل نشده است. ما معتقدیم استفاده از عبارت صریحتر موافقتنامه وضعیت نیروها در پاکستان (TIAS ۴۲۸۱، ضمیمهB ، پاراگراف ۳) که باعث حذف کلمات «همراه با ملاحظات موافقانه» می شود، مشکل خواهد بود.

اگر چه آمادگی داریم تا در این مورد که لایحه وضعیت صریحا به یادداشتهای مبادله شده و به تعریف مورد نظر در یادداشت ۲۹۹ اعتبار قانونی می بخشد، بحث کنیم (ما مباحثات حقوقی مناسبی

در این مورد داریم از جمله موارد خلاصه شده در تلگرام ۱۹۵ A) ولی به دلایل سیاسی، مطلوب به نظر می رسد که در مقابل توضیحاتی صریحی که خواهانیم، بتوانیم چیزی به دولت ایران بدهیم.همان گونه که واشنگتن از تجربیات ما در موارد قبلی مطلع است، دستگاه قضائی ایران در همه موارد تابع دستورات وزارت امورخارجه در رابطه با مصونیت نمی باشد. لذا به سود ما خواهد بود که نه تنها وضعیت قانونی را مشخص سازیم، بلکه به ایجاد جو سیاسی مناسبی که بتوان در آن قانون وضعیت را به آرامی اعمال کرد، کمک نماییم. به اعتقاد ما، ابراز تمایل به لغو مصونیت در موارد جنایی «با اهمیت ویژه» در ایجاد چنین جو سیاسی و همچنین در وادار کردن دولت ایران به قبول توضیح ما از مصونیت، تأثیر بسیار زیادی خواهد داشت.

ما درک می کنیم که اعلام موضع ایالات متحده در این موضوع، احتمالاً محتاج به روزهای زیادی است. به هر حال ما با وزارت امور خارجه در تماس مستمر هستیم و از آنجایی که صدور بیانیه ها آغاز شده و وضع را بیش از پیش خراب می کند، اطلاع هر چه سریعتر از دیدگاههای مقدماتی واشنگتن موجب امتنان خواهد شد.

راک ول هارت سرگرد آرمیش مگ ام. اف. هرتز

آقای آدلرAIOمشاور سیاسی سفیر دکتر آرنولد USUS- با تلفن موافقت خود را اعلام کردند

کنوانسیون وین و لایحه کاپیتولاسیون

سند شماره (۲۸)

طبقه بندی: خیلی محرمانهتاریخ: ۲ نوامبر ۱۹۶۴ ۱۱ آبان ۱۳۴۳

از: اس. دبلیو. راک ولبه: بایگانی

موضوع: کنوانسیون وین و لایحه وضعیت

بنا به درخواست خودم، امروز با نخست وزیر ملاقات کردم تا پیرامون کنوانسیون وین و لایحه

وضعیت با وی مذاکره بیشتری انجام دهم. ابتدا گفتم که آمده ام تا به خاطر تأثیر بیاناتش در مجلس سنا در تاریخ ۳۱اکتبر، تبریک بگویم. در ادامه گفتم ما اطلاع داریم که این بیانات تأثیر به سزایی در زدودن ترس و سردرگمی در رابطه با کنوانسیون وین و لایحه وضعیت داشته است.

علاوه بر این گفتم که هدف دیگر من از این ملاقات کمک گرفتن از وی در تهیه گزارش برای دولت متبوع خود پیرامون بعضی از جنبه های اظهارات وی می باشد، که اگر آن طوری که در مطبوعات منعکس شده صحیح باشد، با برداشت ما هم سو نیست. گفتم که هنوز به واشنگتن گزارش نفرستاده ام و از هرگونه اظهارنظر رسمی برای مطبوعات محلی امتناع ورزیده ام تا مانع از ایجاد توهم شوم که بین دو دولت ما سوء تفاهم یا اختلافی وجود دارد و همان طور که امید شنیدن از زبان خود او دارم، می دانم که او هم معتقد است که بین دولتین ما اختلاف نظری وجود ندارد.

من به متن اظهارات او اشاره کردم، دایر بر اینکه بستگان افراد نظامی و نیز پرسنل دیگری که نظامی نیستند، نمی توانند از مصونیتهای مندرج در قانون جدید برخوردار شوند و علاوه بر این، مصونیت از دعاوی جنایی تنها محدود به جرایمی است که در حین انجام وظیفه، صورت گرفته باشد. نخست وزیر در ابتدا به نکته آخر اشاره کرد و گفت که صرف نظر از آنچه گزارش شده، وی در مجلس سنا ادعا نکرده است که که مصونیت شامل جرایم ارتکابی در خارج از حین انجام وظیفه نخواهد شد. بلکه گفته است که اعضای هیئتهای نظامی از دعاوی مدنی که در خارج از حیطه انجام وظیفه مرتکب می شوند، مصون نیستند و آنچه در ذهن داشته خلافهایی از قبیل خودداری یکی از مستشاران از پرداخت اجاره و مانند آن بوده است. او گفت که این مسئله را روشن کرده بود که افراد نظامی آمریکا را نمی توان بازداشت کرد لیکن آنها باید مسئولیتهای مدنی خود را در رابطه با شهروندان ایرانی انجام دهند. گفتم که از شنیدن این توضیحات، خوشحالم.

در رابطه با اعضای خانواده نظامیان احساس کردم که نخست وزیر واقعا معتقد است که آنها مشمول مصونیت نمی شوند. وی گفت «آیا معنای این امر این است که اگر فرزند یک ژنرال آمریکایی مرتکب جنایتی شود، در مقابل رسیدگی قضائی مصونیت دارد!؟» جواب دادم که درست است و بخش مربوطه در کنوانسیون وین را به وی نشان دادم. علاوه بر این از او خواستم که ورقه ضمیمه را مطالعه کند و بر آن نکته تأکید کردم که بر طبق آن، اعضای خانواده جزء لازم و لاینفک از مجموعه ای است که به وسیله اعضای هیئتها به وجود آمده است. سپس نخست وزیر گفت در مجلس گفته شده که اعضای خانواده نباید از مصونیت برخوردار شوند. وقتی که پرسیدم چه کسی این را گفته، وی گفت : «بعضی از نمایندگان». خاطرنشان ساختم که تا قبل از تصویب لایحه، هیچ یک از اعضای دولت چنین وجه تمایزی را ایجاد نکرده بودند و اقدامات خود او و معاون وزیر خارجه طوری طراحی شده بود تا

یادداشتهای مبادله شده توسط دو دولت، جنبه قانونی یابد نه اینکه در مورد مشمولین آن، محدودیتی ایجاد گردد.

این بار نخست وزیر گوشی تلفن را برداشت و از دکتر یگانه خواست که به آنجا بیاید. پس از ورود وی، آقای منصور به زبان فارسی از وی سؤال کرد که آیا امکان تغییر متن بیانات وی در صورت جلسات مجلس سنا در مورد اعضای خانواده وجود دارد یا نه. او با حالتی سؤال کرد تا کاملاً روشن کند که قبلاً نیز در این مورد بین آن دو نفر گفتگو شده است. پس از شنیدن صحبتهای یگانه، همان طور که خودم هم می دانستم، نخست وزیر گفت که بیاناتش در مجلس سنا یک ساعت طول کشیده و شفاهی بوده، لذا امکان اشتباه در یک یا چند نقطه از آن وجود دارد. به طور مثال، یکی از کلمات فارسی به نام «خانواده» به معانی یک فامیل می باشد که شامل والدین و بستگان دارای رابطه خونی است، ولی کلمه دیگری وجود دارد به نام «خانوار» که عبارت است از افرادی که تحت تکفل رئیس خانواده، در زیر یک سقف زندگی می کنند. او همواره کلمه دوم را در ذهن داشته و به هیچ وجه هدفش این نبوده که بستگان آمریکاییها از مصونیت محروم باشند. منظور او این بوده که کارمندان ایرانی و غیرآمریکایی که جزء پرسنل نظامی می باشند، تحت پوشش قانون جدید نیستند.

گفتم از اینکه منظور وی را فهمیده ام، خوشحالم و از وی سؤال کردم که برای از بین بردن هرگونه شک و تردیدی، چه باید کرد. در پاسخ، ابتدا آقای منصور گفت بسیار مهم است که در این مورد علنا

چیز دیگری مطرح نشود. اظهارات وی در مجلس سنا، آرامش را برقرار کرده و نباید وضع را بار دیگر آشفته ساخت. اشتباهات را می توان به آرامی تصحیح نمود، اما در عین حال مهم است که سفارت هیچ بیانیه ای برای مطبوعات و یا مطلب دیگری اظهار نکند که دشمنان دولت از آن برای ایجاد ناآرامی استفاده کنند. گفتم البته که ما به دقت مراقب بوده ایم که در این مورد مطلبی نگوییم تا این توهم ایجاد شود که بین دو دولت اختلافاتی وجود دارد، ولی هر دو طرف در طول این مباحثات، بسیار رنج برده اند و ما قویا معتقدیم که جدای از این مسائل، باید با دقت و فراست به اهدافی که از ابتدا مورد نظرمان بوده، دست یابیم. نخست وزیر نیز این مطلب را که بین دو دولت اختلافی وجود ندارد، تکرار نمود و گفت به محض اینکه مشکل کوچک اداری مربوط به اعاده ماده ۳۲ به متن کنوانسیون وین که به هنگام تصویب آن در مجلس جا افتاده بود حل شود، دولت ایران رسما به ما اطلاع خواهد داد که کنوانسیون و همچنین قانونی که آن را به طور کامل در مورد هیئتهای نظامی اعمال خواهد کرد، تصویب شده اند. اگر در آینده در مورد تفسیر با کاربرد کنوانسیون اختلاف نظری پیش آید، با توجه به وضعیت خاص هر مورد، دولتین ما بدون سر و صدا درصدد حل آن برآیند. دولت آمریکا نباید نگران باشد، زیرا کاربرد کامل کنوانسیون در مورد پرسنل نظامیش تحقق یافته است. از نخست وزیر تشکر کرده و بار دیگر به ناپسند بودن اختلاف بین ما در مورد کنوانسیون، اشاره کرده و گفتم آنچه که هر دوی ما برای آن به سختی تلاش کردیم، در حقیقت تحقق یافت. به طور گذرا گفتم که اعلیحضرت اخیرا در این خصوص با ژنرال «اکهارت» گفتگو کرد و هیچ نشانه ای در این مورد که قصد دارد در اجرای مفاد کنوانسیون در رابطه با پرسنل هیئتهای نظامی محدودیتهایی را ایجاد کند، هرگز از خود نشان نداد. به وی گفتم که در نظر دارم همان نامه ای را که در اختیار آقای منصور قرار داده ام، به وزیر خارجه نیز بدهم. ولی او از من خواست که این کار را انجام ندهم، زیرا تصحیحات لازم در مورد

اظهاراتش، انجام خواهد شد.

نخست وزیر، بعدا به من تلفن کرد و گفت پس از بررسی متن فارسی اظهاراتش، دریافته بود که جای سوء تعبیر در مورد اعضای خانواده وجود دارد. متن سخنرانی تصحیح خواهد شد، تا مفهومی را برساند که وی برای من توضیح داده بود، بنابراین بدون شک بستگان آمریکاییها نیز تحت پوشش قرار خواهند گرفت. علاوه بر این وی گفت در هر صورت نکات توضیحی وی در مجلس سنا از نظر قانونی معتبر نیست، زیرا پس از تصویب لایحه ایراد شده نه قبل از آن.

نخست وزیر بار دیگر گفت که وی می خواهد این موضوع بین ما دو نفر باقی بماند و وزارت خارجه (ایران م) از آن مطلع نگردد.

سند شماره (۲۹)

تلگرام ارسالی به شماره ۴۹۹تاریخ: ۳ نوامبر ۱۹۶۴ ۱۲ آبان ۱۳۴۳

از: سفارت آمریکا تهرانبه: وزارت امور خارجه واشنگتن

مرجع: تلگرامهای سفارت به شماره های ۴۴۸، ۴۸۷ و ۴۹۵

موضوع: کنوانسیون وین لایحه وضعیت

منصور، نخست وزیر، طی یک سخنرانی جامع پیرامون سیاست خارجی در روز شنبه در مجلس

سنا برای اولین بار توضیحاتی علنی در مورد زمینه و شمول لایحه وضعیت ارائه داد. این سخنرانی به صورتی مشخص و برجسته در روزنامه ها منتشر و از رادیو پخش شد و جو عمومی در حول و حوش مسئله وضعیت را به طور محسوسی بهبود بخشید.

آن طور که «کیهان بین المللی» نوشت، سخنرانی منصور «تا آنجا که به مردم مربوط می شود، در حقیقت برای جبران تصویب لایحه از طرف دولت بود. سیاست سکوت از طرف دولت، آتش زیر خاکستر هر نوع مخالفت احتمالی در کشور را شعله ور می کرد. آن آتش در یک لحظه خیال شعله ور شدن داشت و آن زمانی بود که اپوزیسیون برای بهره برداری از آنچه که فکر می کرد «نقطه ضعف» دولت است، مخالفت خود را بیرون ریخت. از آنجایی که مضمون اصلی لایحه معلوم نبود و امکان تعیین شمول مصونیتهای اعطایی وجود نداشت، منتقدین که از طریق منابر مقدس وعظ یا از طریق ستون پنجم مخفی عمل می کردند، این دروغ را پخش کردند که «تمامی استقلال و حاکمیت ایران مورد معامله قرار گرفته است.»

در میان نمایندگان مجلس شورا و سناتورها، این پاسخ وجود دارد که جو موجود توسط اظهارات منصور پاکسازی شده است.

اما متأسفانه سخنرانی نخست وزیر علیرغم نکات سودمند آن، شامل چند بی دقتی خیره کننده هم هست که برای جلب نظر مردم خوب می باشد، ولی از قرار معلوم اشتباهاتی جدی در مورد شمول لایحه ایجاد کرده است. به خصوص گزارش شده که او سه مورد را ذکر کرده که اشتباه است. ۱) در حالی که ایالات متحده خواستار آن است که بستگان نیز مشمول مصونیت شوند، اما بر طبق عبارات این قانون، آنها از شمول مصونیت خارج شده اند. ۲) فقط ارتکاب جرایمی که در حین انجام وظیفه باشد مشمول مصونیت است و از قرار معلوم تمایزی میان جرایم جنایی و مدنی وجود ندارد. ۳)

علیرغم اینکه ایالات متحده خواستار آن است که تمامی اعضای هیئتهای مستشاری تحت مصونیت قرار گیرند، ولی این قانون عملاً شامل آنهایی می شود که نقش مستشاران فنی را ایفاء می نمایند. ضیائی، رئیس کمیسیون امور خارجی، در روز یکشنبه نزد ما اذعان داشت که این اظهارات نه مطابق قانون است و نه به خصوص برطبق سابقه قانونی لایحه. وزیر امور خارجه در همان روز به طور خصوصی به ما گفت که او می داند که منصور چیزهایی گفته که صحت ندارد، ولی ما نمی توانیم برای درست شدن کارها، به «آرام» امیدوار باشیم. از این رو، روز گذشته خواستار یک ملاقات فوری با منصور شدم و در حالی که موفقیت مردم پسند او را که به وسیله آن سخنرانی به دست آورده بود، به او تبریک می گفتم از او پرسیدم که ما این اشتباهات آشکار و مسلم را چگونه گزارش کنیم. اشتباهاتی که ممکن است به دلیل نقل نادرست خبر از سوی مطبوعات باشد، اما می تواند در آینده موجب بروز مشکلاتی شود. او تمامی آنچه را که گفته بود، پس گرفت. در مورد خانواده ها، گفت ممکن است عبارت غلطی استفاده کرده باشد اما در نظر داشته که به اعضایی از اهل خانه که عضو خانواده نیستند، اشاره کند. (به اعتقاد من، او واقعا فکر می کرد که اعضای خانواده ها تحت پوشش مصونیت قرار ندارند اما هنگامی که مصونیت مربوطه در کنوانسیون را به وی متذکر شدم به اشتباه خود پی برد. این نیز ممکن است که سایرین قبلاً اشتباهش را به او یادآور شده باشند. وی متعاقبا تلفن کرد و گفت که ترتیبی داده تا متن رسمی اظهاراتش تصحیح گردد، به طوری که مشخص شود که او به اعضای غیر

آمریکایی خانه اشاره کرده است.) در مورد تمایز میان «در حین انجام وظیفه» و «خارج از حین انجام وظیفه»، ادعا کرد که به وضوح گفته بود که این مطلب فقط شامل مسئولیتهای مدنی می گردد. در مورد شمول اعضای هیئتهای مستشاری منظور او فقط آن بوده که کارمندان ایرانی این هیئتها نمی توانند از چنین مصونیتهایی بهره مند شوند.

سپس از او پرسیدم که برای تصحیح اثرات نادرستی که بیانات او بر مردم داشته است، چه خواهد کرد و اضافه کردم که قبل از به دست آوردن فرصتی برای صحبت با او، از پاسخ دادن به سؤال مطبوعات در این مورد که آیا سفارت با بیانات نخست وزیر موافق است یا خیر، خودداری کرده ام. او بی درنگ جواب داد که به هیچ وجه نباید بحث علنی بیشتری در خصوص این موضوع به عمل آید. اشتباهات را می توان با تصحیح متن اظهاراتش اصلاح نمود. او حتی مایل نبود که در حال حاضر پای وزارت خارجه (ایران م) به این ماجرا کشیده شود. نخست وزیر گفت که او به دلیل اینکه کنوانسیون وین سهوا بدون یکی از بندهای آن به مجلس ارائه شده، با مشکلات خاصی مواجه شده است. هنگامی که این مطلب و سایر اشکالات موجود در متن اظهاراتش تصحیح شود، دولت ایران به طور رسمی به سفارت اعلام خواهد نمود که قانون کاربرد مصونیتهای کنوانسیون وین در مورد اعضای هیئتهای مستشاری نظامی ایالات متحده به مرحله اجراء درآمده است و کل مصونیتهای کنوانسیون اعمال خواهد شد. گفتم که از شنیدن این مطلب خوشحالم، زیرا هم ایالات متحده و هم ایران از این فرایند طولانی و خسته کننده، رنج برده اند و باید مطمئن شویم اهدافی را که هر دو به دنبال آن بوده ایم، کاملاً تحقق یابد. علاوه بر این، هنگامی که سرلشکر «اکهارت» اخیرا در این رابطه با شاه صحبت کرد، شاه به هیچ وجه نشانه ای از خود بروز نداد که به غیر از کاربرد کامل مصونیتهای کنوانسیون وین در مورد هیئتهای مستشاری نظامی ایالات متحده، چیز دیگری در ذهن دارد.

این واقعه آشکارا اهمیت این مطلب را نشان می دهد که باید هر چه زودتر توضیحاتی رسمی در مورد شمول مصونیتهای منتج از لایحه وضعیت و به خصوص اعتبار مداوم یادداشتهای مبادله شده اولیه، ارائه شود. این واقعه هم چنین، به موقع بودن توصیه های ما را در تلگرام سفارت به شماره ۴۹۵ که متضمن نکات شیرینی برای کسب نتایج دلخواه است، نشان می دهد، اگر وزارت امور خارجه در فراهم کردن بیانیه لازم مانع ایجاد کند، ما باید نخست وزیر را روی قولش نگه داریم و در صورت لزوم به شاه مراجعه کنیم. ما برای مدتی بیش از حد طولانی، به منظور کسب این مصونیتها برای افراد نظامی خودمان مبارزه کرده ایم و در این راه بیش از حد با عکس العملهای نامطلوب مردم مواجه شده ایم که عمدتا به دلیل بی لیاقتی دولت ایران در انجام این کار بود و نزدیک بود که در این مرحله از بازی، در اثر کم دقتی یا کم کاری بعضی از مقامات ایرانی به هنگام مشارکت در پیگیری این قضیه، تمامی اهداف خود را از دست بدهیم.

راک ول

مارتین. اف. هرتز

مشاور سیاسی

اعلام نخست وزیر در مورد دستکاری در متن مذاکرات مجلس

ص: ۷۱۱

سند شماره (۳۰)

از: راک ولتاریخ: ۳ نوامبر ۱۹۶۴ ۱۲ آبان ۱۳۴۳

یادداشت برای ثبت در پروندهطبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: کنوانسیون وین لایحه وضعیت

بنا به درخواست نخست وزیر، امروز به دفترش رفتم. آقای منصور به مذاکراتمان در روز گذشته در مورد اظهاراتش در سنا پیرامون لایحه وضعیت اشاره کرد و گفت پس از بررسی متن فارسی اظهاراتش در سنا معلوم شده که می توان با تغییر فقط یک حرف در کلمات مشخصی، مفهوم درست مربوط به اعضای خانواده را ایجاد کرد و این کار انجام خواهد شد. او همچنان شدیدا مخالف هرگونه اظهار نظر علنی بود، زیرا این کار موضوع را دوباره داغ خواهد کرد. به هر حال، او مفاد گفتگوی دیروزمان را طی یادداشتی به وزارت خارجه ابلاغ کرد تا ثبت گردد.

به نخست وزیر گفتم که من گزارش کامل گفتگوی دیروزمان را به وزارت خارجه (آمریکا م) ارسال داشته ام، بنابراین اظهارات وی در واشنگتن نیز ثبت شده است. من به گفته وی مبنی بر اینکه وزارت خارجه رسما از آغاز اجرای قانون جدید ما را مطلع خواهد ساخت، اشاره کردم و با تصور اینکه بتوانم کمکی کرده باشم، گفتم که چند عبارت ساده آماده کرده ام که به نظر من توضیحات کافی از موقعیت در رابطه با مصونیتها را ارائه خواهد داد و وزارت خارجه (ایران م) می تواند به هنگام ارسال بیانیه رسمی، چنین متنی را همراه آن بفرستد. آقای منصور خواست که این عبارات را ببیند و من یک نسخه از نامه ضمیمه را در اختیار وی قرار دادم. او متن را خواند و گفت به نظر وی مشکل دیگری نباید وجود داشته باشد، ولی در حال حاضر هم نمی تواند نظر نهایی خود را بدهد. با این حال افزود، مقصود او این است که اطلاعیه وزارت خارجه باید برای ما رضایتبخش باشد.

آقای منصور گفت به وی اطلاع داده شده که اعضای سفارت از نحوه برخورد دولت با لایحه انتقاد به عمل آورده و می گویند که اگر به این یا آن صورت عمل می شد، بهتر بود. این کار او را خیلی غمگین کرده و در صورت ادامه آن بیشتر غمگین خواهد شد. گفتم که همان روز صبح به کارمندان سفارت دستور داده بودم که از اظهار نظر در مورد لایحه وضعیت بپرهیزند و فقط بگویند که در حال حاضر قانون تصویب شده، ما فکر می کنیم که کنوانسیون وین در مورد پرسنل نظامی اعمال شده است. اضافه کردم : همان طور که می دانید، ما از این موضوع که ادامه سیاست سکوت در مورد کاربرد لایحه ممکن است، افراد صادق و مطلع را دچار سردرگمی کند، نگران شده ایم و به همین دلیل به وی و سایر مقامات ذی ربط وزارت خارجه به صورت غیررسمی پیشنهاد کرده ایم که یک توضیح ساده برای عموم احتمالاً مفید خواهد بود. این کار هم اکنون به خوبی انجام شده و نتایج خوبی داشته و من بار دیگر به کارمندان تأکید خواهم کرد که اعضای سفارت باید از سیاست فوق الذکر پیروی کامل بکنند. (به نظر من هیچ اشکالی ندارد که نخست وزیر متوجه شود که ما از شیوه عمل برای تصویب این لایحه راضی نیستیم. علاوه بر این معتقدم که در حال حاضر باید شدیدا مراقب باشیم و از هرگونه اظهار نظر انتقادی پرهیز کنیم، زیرا نقطه نظرات ما

تأمین شده است.)

در رابطه با بیانیه عمومی، نخست وزیر گفت خواسته اصلی او این بوده که این لایحه با کمترین

مقدار بحث به تصویب برسد و اینکه ما نباید فراموش کنیم که دولت علاوه بر جلوگیری از بحثهای زیاد در مورد توضیحاتش در مجلس، مانع از رواج اظهارات بدخواهانه و ضدآمریکایی توسط مخالفین نیز شده است. وی اذعان داشت که دولت وی در برابر مانورهای زیرکانه جناح مخالف کاملاً مات و مبهوت شده بود، اما چند روزی لازم است تا میزان تأثیر این مانورها بر مردم روشن شود. پس از روشن شدن آثار زیان آور، دولت با استفاده از اظهارات او در مجلس سنا، نقطه نظرات خود را برای مردم بیان خواهد کرد.

نخست وزیر تأیید کرد که آقای «بهبودی» از مقامش در دربار برکنار شده، زیرا تعدادی از نمایندگان را به وسیله فرزندش که عضو مجلس است، به رد لایحه تشویق کرده بود. وی گفت شاه در مورد کل ماجرا خیلی خشمگین شده و سه شنبه آینده سه تن از نمایندگان، «رامبد»، «سرتیپ پور» و یکی دیگر از مخالفین، در حمایت از لایحه وضعیت سخن خواهند گفت. هنگامی که گفتم که آنها باید در نتیجه بیانات منطقی او در مجلس سنا متقاعد شده باشند، نخست وزیر شکسته نفسی کرد تا وانمود کند که همین طور بوده است.

وضعیت نیروهای آمریکای در ایران

سند شماره (۳۱)

از: سرفرماندهی نیروهای ضربتی ایالات متحدهبه: ستاد مشترک

طبقه بندی: خیلی محرمانه وزارت خارجهوزارت دفاع برای مشاور کل

جهت اطلاع سفارت آمریکا در تهران فرمانده هیئت آرمیش مگ، تهران، ایران

موضوع: وضعیت نیروها در ایران

عطف به:

الف تلگرام شماره ۴۹۵ سفارت آمریکا در تهران به تاریخ ۲ نوامبر ۶۴ که لزوم توضیح بیشتر در رابطه با آثار بلاتکلیفی در تصویب لایحه در ایران، را پیشنهاد می نمود.

ب تلگرام شماره ۴۹۷ سفارت آمریکا در تهران به تاریخ ۲ نوامبر ۶۴ که پیشنهاد می نمود ایالات متحده در برخی از موارد خاص، مسئله لغو مصونیتهای پرسنل ایالات متحده را متقبل شود.

ج تلگرام شماره ۴۹۹ سفارت آمریکا در تهران به تاریخ ۲ نوامبر ۶۴ که بیانات دولت ایران در رابطه با آثار لایحه شماره ۱۸/۲۲۹۱/۲۱۵۷ را تشریح می نمود.

د کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک به تاریخ ۱۸ آوریل ۶۴ که وضیعت و مزایای طبقات مختلف پرسنل دیپلماتیک را تعیین می کند.

اعلام رسمی امریکا در مورد تأمین منافعش به وسیله لایحه کاپیتولاسیون

۱ این ستاد مخالفتی با اضافه کردن یک شرط جهت لغو مصونیت در قراردادهای در حال اجراء، پیشنهاد شده در تلگرامهای مرجع (الف و ب) ندارد. عرف موجود در ایران شامل اعمال قضاوت مدنی و جنایی از سوی ایران نسبت به پرسنل وزارت دفاع در قضایایی که به انجام وظایف رسمی مربوط می گردد، می باشد. مرجع (د) شامل مصونیت از هر نوع قضاوت جنایی و نیز مدنی در دعاوی مربوط به انجام وظایف رسمی می شود. در جو سیاسی فعلی، اعطای مصونیت از دعاوی مدنی ممکن است مشکلاتی را برای دولت شاهنشاهی ایران ایجاد کند. با وجودی که ماده ۳۲، مرجع (د)، پیش بینی اعطای این نوع مصونیتها را می نماید، ایالات متحده می تواند برای تأمین دیگر منافع خود، تقبل نماید

که با درخواستهای لغو مصونیت با نظر مساعد برخورد خواهد کرد. یک تعبیر آزاد از قبول لغو مصونیتها در مورد دعاوی مدنی مانع از کنار گذاشتن کامل عرف قبلی خواهد شد، و نیز مانع از امتناع شرکتهای بیمه از پرداخت دعاوی مالی تحت عنوان برخورداری فرد از مصونیت می گردد.

۲ از جمله فوایدی که می توان با اضافه کردن شرط لغو مصونیت، به دست آورد آن است که می توان شرط مزبور را به نحوی تدوین کرد که پرسنل غیر مستشاری ایالات متحده را که از طریق قراردادهای جدید وارد می شوند، نیز شامل گردد. پیشنهاد شده است که متنی شبیه به ماده ۴ از قرارداد «ایالات متحده جمهوری کنگو» به تاریخ ۲۴ ژوئن ۱۹۶۳ (مجموعه معاهدات و لوایح بین المللی، شماره: ۵۵۳۰) برای این منظور مناسب است. ماده ۴ در قسمت مربوطه، وضعیت مأموران سیاسی در کنوانسیون وین را به رئیس هیئت و معاون او تعمیم می دهد و پیش بینی می کند که: «با کلیه دیگر پرسنل هیئت، از جمله پرسنل نظامی ایالات متحده که به طور موقت اعزام می گردند و گروههای کمکی از پرسنل نظامی ایالات متحده که مشغول خدمت در کنگو و یا در حال عبور از خاک آن کشور می باشند، همان گونه رفتار خواهد شد که مطابق با کنوانسیون وین باید با کارمندان فنی و اداری هیئتهای دیپلماتیک رفتار شود.»

تبعید حضرت امام (ره) به ترکیه

سند شماره (۳۲)

مرجع: تلگرام سفارت به شماره ۴۹۹طبقه بندی: خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا تهران تلگرام ارسالی به: وزارت امور خارجه واشنگتن

به شماره ۵۱۱تاریخ: ۴نوامبر۱۹۶۴ ۱۳ آبان ۱۳۴۳

موضوع: کنوانسیون وین لایحه وضعیت

دیروز نخست وزیر از من خواست تا با او ملاقات کنم. او با اشاره به سخنرانی روز شنبه خود و با اشاره به توضیحاتی که به طور خصوصی به ما داده بود، اظهار داشت که مفاد مذاکرات دیروز ما را طی یک یادداشت برای ثبت در بایگانی به وزارت خارجه خواهد فرستاد. من نیز گفتم که توضیحات او را به طور کامل به واشنگتن گزارش کرده ام، لذا این توضیحات نیز در حال حاضر در واشنگتن به ثبت رسیده است.

سپس در مورد بیانیه رسمی که وزارت امور خارجه در رابطه با به اجراء درآمدن قانون وضعیت و کاربرد آن نسبت به پرسنل نظامی آمریکا، قرار است برای ما بفرستد مذاکره کردیم. من پیشنهاد کردم برای احتراز از هرگونه اختلاف در آینده بهتر است، به طور مشخص به تعریفی که از پرسنل ما در یادداشت شماره ۲۹۹ سفارت ذکر شده، اشاره شود. منصور درخواست خود را تکرار کرد که تا مدتی هیچ اقدامی در این مورد صورت نگیرد و به خصوص هیچ مطلبی به طور علنی اظهار نشود. او همچنین تکرار کرد که قصد او این است که بیانیه وزارت خارجه باید رضایت ما را فراهم آورد. بنابراین وضعیت به مراتب بهتر شده، ولی ما هنوز خواستار پاسخ سریع تلگرام شماره ۴۹۵ هستیم تا بدین ترتیب خود را برای مذاکره با وزارت خارجه جهت کسب توضیحات دلخواه، آماده سازیم.راک ول

سفارت آمریکا و تبعید امام (ره)

۱۳ آبان ۱۳۴۳ تبعید حضرت امام (ره) به ترکیه

بعد از اوجگیری مبارزات و مخالفتهای ملت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی علیه رژیم مزدور شاه، هیئت حاکمه دریافت که برای حفظ حکومت نامشروع خود باید رابطه رهبر و مردم را از بین ببرد. لذا تصمیم گرفت که حضرت امام (ره) را از ایران تبعید نماید. به همین خاطر در شب ۱۳ آبان ۱۳۴۳ (۴ نوامبر ۱۹۶۴) دژخیمان رژیم شاه به منزل امام هجوم بردند و ایشان را دستگیر کردند و بدون تأمل حضرت امام(ره) را به تهران منتقل نموده و با یک هواپیما به شهر «بورسا» در ترکیه تبعید نمودند.

صبح روز ۱۳ آبان ۱۳۴۳ شهر قم به اشغال نظامیان شاه در آمد، تا از هرگونه قیام مردمی علیه تبعید امام (ره) ممانعت به عمل آید. عصر همان روز ساواک اطلاعیه ای به شرح زیر در روزنامه های تهران به چاپ رساند:

«طبق اطلاع موثق و شواهد و دلایل کافی چون رویه آقای خمینی و تحریکات مشارالیه بر علیه منافع ملت و امنیت و استقلال و تمامیت ارضی کشور تشخیص داده شد، لذا در تاریخ ۱۳ آبان ماه ۱۳۴۳ از ایران تبعید گردید. سازمان اطلاعات و امنیت کشور.»

این اطلاعیه، سند زنده قانون شکنی رژیم شاه بود و نشان می داد که ساواک دستگاهی فوق قوای مقننه، مجریه و قضائیه بوده است، زیرا حکم تبعید باید از طرف دادگستری و با بررسی پرونده و محاکمه عادلانه صورت گیرد نه اینکه یک سازمان امنیتی نقش دادگاه و قاضی و دادستان و هیئت منصفه را خود به تنهایی ایفاء کند.

لازم به ذکر است که در روز ۱۳ آبان ۱۳۴۳، فرزند امام حاج آقا مصطفی خمینی نیز بازداشت و زندانی گردید.

سند شماره (۳۳)

از: کاردار سفارت آمریکا، تهران، ایرانتاریخ: ۶ نوامبر ۱۹۶۴ ۱۵ آبان ۱۳۴۳

نامه غیر رسمی

جیمز عزیز

با آنکه نامه شما هفته گذشته رسید، ولی نتوانستم مجالی برای جواب دادن به آن پیدا کنم. آن گزارش هنوز پیش من است. در نظر داشتم دیروز جواب نامه ات را در حالی که آن گزارش تایپ می شد، بنویسم ولی آنقدر حالم بد بود که مجبور شدم به دکتر مراجعه کنم. بعد از خوردن مقدار زیادی قرص، امروز حالم کمی بهتر است.

وقایع اخیر که شما در گزارش رسمی از آنها مطلع خواهید شد، موجب خشنودی قلبی من شده است. سرانجام ما توانستیم از شر آن پیرمرد شیطان صفتی(۱) که چوب لای چرخ ما می گذاشت، راحت شویم. «کله گنده» محلی دستور اخراج او را داده بود. در حال حاضر او در یکی از هتلهای درجه ۲ ترکیه اقامت دارد و سعی می کند که عقیده سنی های بیچاره را تغییر دهد. اینجا کارهای زیادی هست

۱- اشاره این دیپلمات آمریکایی به امـام خمینی (ره) است و مشـخص است که چرا این چنین به امام توهین کرده است زیرا همان طوری که خود می گوید "چوب لای چرخ آمریکا می گذاشت.".

که ما را مشغول نگه می دارد. در حال حاضر ما باید از ترانه های روستایی شرقی خود، دست بکشیم.

افتادن در کارهای روزمره عادی بسیار آسان است.

همان طوری که خواسته بودید سه عدد مینیاتور خریداری کرده ام، ولی قیمتها بالا رفته. من ۳۸۰ دلار برای تمامی آنها پرداختم، ضمانت شده که مینیاتور واقعی هستند. نتوانستم سایر درخواستهای شما را انجام دهم. فکر می کنم در آینده نزدیک بتوانم وجهی را که تذکر دادید به حساب شما منتقل کنم.

من و «روزالیند» بهترین درودهای خود را به شما و «اتل» تقدیم می داریم.استوارت دبلیو. راک ول

کتاب هفتاد و دوم

مستشاری نظامی آمریکا در ایران (۳)

معرفی کتاب

«قانونی در مجلس بردند... که تمام مستشاران نظامی

آمریکا با خانواده هایشان، با کارمندهای فنی شان، با

کارمندان اداری شان، با خدمه شان، با هر کسی که بستگی به

آنها دارد، اینها از هر جنایتی که در ایران بکنند، مصون

هستند،... ما را فروختند. استقلال ما را فروختند و باز هم

چراغانی کردند، پایکوبی کردند.

... عزت ما پایکوب شد، عظمت ایران از بین رفت،

عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند.»

حضرت امام خمینی (ره)

۴/۸/۱۳۴۳

در جلدهای اول و دوم از مجموعه اسناد لانه جاسوسی تحت عنوان «مستشاری نظامی آمریکا در ایران» به تاریخچه حضور مستشاران نظامی آمریکا در ایران و موضوع احیای کاپیتولاسیون پرداختیم. با توجه به وقایع و پیامدهای مهم و در عین حال اسفبار این قضیه، جلد سوم از این مجموعه به ذکر رویدادهای پس از تصویب لایحه ننگین کاپیتولاسیون اختصاص یافته است و با ارائه بیش از ۷۰ سند از مقطع تاریخی آبان ماه ۱۳۴۳ تا آبان ماه ۱۳۵۸، در سه فصل به بررسی این رویدادها می پردازد. به منظور استفاده هر بیشتر خوانندگان محترم، در مقدمه مروری اجمالی بر بعضی از نکات و وقایع مهم خواهیم داشت.

پیامدهای احیای کاپیتولاسیون

پس از تصویب نهایی لایحه کاپیتولاسیون در مهر ماه ۱۳۴۳، دولت وقت همچنان تحت فشار

شدیدی قرار داشت. نهضت اصیل اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) با افشاگری در مورد این خیانت بزرگ، وارد مرحله جدیدی از مبارزه علیه رژیم وابسته پهلوی گردید. در مقابل، دولت آمریکا نه تنها سعی نمی نمود که به خروج شاه از آن وضعیت بحرانی کمکی نماید، بلکه کوشش می کرد تا سر حد امکان شمول لایحه کاپیتولاسیون را گسترش داده و علاوه بر مستشاران نظامی آمریکا، گروههای دیگری از نظامیان آمریکا را که در ایران حضور داشتند، ولی مستشار نبودند و همچنین خانواده های تمامی نظامیان آمریکایی و حتی خدمه های آنان را نیز تحت پوشش مصونیتهای این لایحه قرار دهد.

به همین منظور مقامات سفارت آمریکا در خلال مذاکرات متعددی با نخست وزیر، وزیر امور خارجه، معاون وزارت خارجه و دیگر مقامات ذی ربط ایرانی، آنها را تحت فشار قرار می دادند تا به خواسته های نامشروع آمریکا گردن نهند. این فشارهای دیپلماتیک در حالی اعمال می شد که مقامات آمریکایی به خوبی از وضعیت بحرانی دولت منصور آگاهی داشتند. در این رابطه، کاردار وقت سفارت آمریکا چنین می گوید:

«در شرایط فعلی، دولت منصور در موقعیت نامناسبی قرار گرفته به نحوی که مجبور است به افراد مطلع، از جمله حقوق دانان ایرانی توضیح دهد که چرا قضاوت در تمام دعاوی جنایی در ایران، به دادگاههای ایالات متحده واگذار شده است. در حالی که مشخص است که برای مثال، وضعیت واحد مخابرات آمریکا در پاکستان به نحو بارزی تنها شامل واگذاری حقوق قضائی در موارد خارج از حین انجام وظیفه می شود. به علاوه موافقتنامه وضعیت نیروها دارای عباراتی است که مستلزم لغو مصونیت در مواردی با «اهمیت ویژه» می باشد. علیرغم این مسئله،ترتیباتی که از سوی پارلمان ایران مقرر شده،این چنین شرطی را در بر ندارد.»(سند شماره ۲۷ جلد ۷۱)

همین مقام آمریکایی اعتراف می کند:

«از جمله اتهامات وارده به منصور و وزارت امور خارجه این است که آنها با کاربرد کنوانسیون وین، در مورد پرسنل نظامی آمریکا در ایران، امتیازات بیشتری از آنچه که ما از طریق قراردادهای مختلف «وضعیت نیروها» در دیگر کشورها، به خصوص در کشورهای ترکیه و پاکستان به دست آورده ایم، به ما داده اند. البته این مسئله تا حدی صحت دارد.» (سند شماره ۲۷ جلد ۷۱)

جالب اینجاست که منصور، نخست وزیر وقت، در رابطه با این مسئله برخورد دوگانه ای در پیش گرفته بود. هنگامی که با اعتراض مقامات آمریکایی در مورد شمول لایحه کاپیتولاسیون مواجه می شد، قول

می داد که خواسته های نامشروع آمریکاییان را برآورده سازد، ولی وقتی که در مجلسین سنا و شورای ملی حضور پیدا می کرد، به علت ترس از رسوایی هر چه بیشتر سعی می نمود که حیطه و شمول لایحه را به حداقل برساند. این نکته از دید مقامات سفارت آمریکا پنهان نماند، آن چنان که کاردار سفارت آمریکا در این باره می گوید:

«اما متأسفانه سخنرانی نخست وزیر علیرغم نکات سودمند آن، شامل چند بی دقتی خیره کننده نیز هست که برای جلب نظر مردم خوب می باشد، ولی از قرار معلوم اشتباهاتی جدی در مورد شمول لایحه ایجاد کرده است. به خصوص گزارش شده که سه مورد را ذکر کرده که اشتباه است (۱) در حالی که ایالات متحده خواستار آن است که بستگان مستشاران نیز مشمول مصونیت شوند، اما بر طبق عبارات این قانون، آنها از شمول مصونیت خارج شده اند. (۲) فقط ارتکاب جرائمی که در حین انجام وظیفه باشد مشمول مصونیت است و از قرار معلوم تمایزی میان جرائم جنایی و مدنی وجود ندارد (۳) علیرغم اینکه ایالات متحده خواستار آن است که تمامی اعضاء و هیئتهای مستشاری تحت مصونیت قرار گیرند، ولی این قانون عملاً شامل آنهایی می شود که نقش مستشاران فنی را ایفاء می نمایند» (سند شماره ۲۹)

اما نخست وزیر رژیم پهلوی آنقدر در ارتکاب خیانت غوطه ور شده بود که حاضر شد با دستکاری در متن سخنانش در مجلس سنا، اهداف نامشروع آمریکا را تأمین نماید.

«آقای منصور به زبان فارسی از وی (دکتر یگانه) سؤال کرد که آیا امکان تغییر متن اظهاراتش در صورت جلسات مجلس سنا در مورد اعضاء خانواده وجود دارد یا نه» (سند شماره ۲۸)، «او (نخست وزیر) تمامی آنچه را که گفته بود، پس گرفت. وی متعاقبا تلفن کرد و گفت ترتیبی داده تا متن رسمی اظهاراتش تصحیح گردد، به طوری که مشخص شود او به اعضاء غیرآمریکایی خانه، اشاره کرده است.» (سند شماره ۲۹ جلد ۷۱)

توقعات ارباب آمریکایی از مزدورانش بقدری زیاد بود که این دوگانگی ظاهری در رفتار نخست وزیر نیز موجب نارضایتی آنها شده بود. در این رابطه «استوارت راك ول»، کاردار وقت آمریکا در تهران چنین می گوید:

«به نظر من هیچ اشکالی ندارد که نخست وزیر متوجه شود که ما از شیوه عمل برای تصویب این لایحه راضی نیستیم» (سند شماره ۳۰ جلد ۷۱)

مسئله به اینجا هم ختم نگردید. نخست وزیر رژیم شاه چنان در مسیر نوکری بیگانه پیش رفته بود که مقامات آمریکایی را محرم اسرار خود دانسته و از آنان درخواست کرد که این خیانتها را حتی با وزارت خارجه تحت امرش نیز در میان نگذارند.

«نخست وزیر گفت که وی می خواهد این موضوع بین ما دو نفر باقی بماند و وزارت خارجه ایران از آن مطلع نگردد.» (سند شماره ۲۸ جلد ۷۱)

شاه و لایحه کاپیتولاسیون

شاه که در ابتدا می خواست نمایشی از دمکراسی در ایران را به روی پرده آورد، از اینکه میزان و کیفیت مخالفت با این لایحه در مجلس شورای ملی از حد مجاز خارج شده بود، بسیار خشمگین گردید.

«وی (نخست وزیر) گفت شاه در مورد کل ماجرا خیلی خشمگین شده و سه شنبه آینده سه تن از نمایندگان (رامبد، سرتیپ پور و یکی دیگر از مخالفین) در حمایت از لایحه سخن خواهند گفت.» (سند شماره ۳۰ جلد ۷۱)

«حزب ایران نوین نیز مشخص ساخت که تعداد افراد تصفیه شده، نزدیک به ۲۰ نفر است نه ۱۰ نفر. جدیدترین حرکت در مجلس این بود که در تاریخ ۵ نوامبر، همان نمایندگان مخالفی که از لایحه انتقاد می کردند، ناگهان و بدون شک طبق دستورات شاه، تغییر مواضع داده و از آن ستایش کردند.» (سند شماره ۳۵)

آمریکاییان که می دیدند مقامات رژیم از ترس عواقب خطرناک لایحه کاپیتولاسیون، در تأمین بعضی از اهداف مورد نظر دولت آمریکا تعلل می ورزند. راه حل نهایی را در مراجعه به شاه دیدند. «اگر وزارت امور خارجه در فراهم کردن بیانیه لازم مانع ایجاد کند، ما باید نخست وزیر را روی قولش نگه داریم و در صورت لزوم به شاه مراجعه کنیم.» (سند شماره ۲۹)، «من از طرح هر جنبه ای از مسئله مصونیتها با دیگران بیزار هستم. در صورتی که ما خواهان هر گونه ضمانت کتبی رسمی و حتی غیر رسمی باشیم، باید شخص شاه تصمیم بگیرد و یا در واقع، او باید دیدگاههای ما را بر دولت خویش تحمیل کند.» (سند شماره ۸۱)، «وزیر امور خارجه ایران به کاردار ما گفته است، که او هر

آنچه را که تاکنون در رابطه با کنوانسیون وین واقع شده... برای شاه فاش کرده است و شاه به او دستور داده است که آن یادداشتی را که ما می خواهیم، برای ما بفرستد.» (سند شماره ۳۸)

سزای خیانت

سرانجام در روز اول بهمن ۱۳۴۳، منصور (احیاگر کاپیتولاسیون) به سزای خیانتش رسید و به وسیله یکی از فرزندان رشید اسلام به نام «محمد بخارایی» اعدام انقلابی گردید. نزدیک به ۳ ماه بعد در ۲۱ فروردین ۱۳۴۴، شاه نیز توسط یکی از سربازان محافظ کاخ سلطنتی مورد حمله مسلحانه قرار گرفت، ولی قبل از اینکه آن سرباز موفق به کشتن شاه شود، توسط دو نفر از محافظین شاه به شهادت رسید. به این ترتیب ملت ایران نشان داد نه تنها خیانتهای سردمداران رژیم شاه را فراموش نکرده است، بلکه در اولین فرصت فرزندان انقلابی اسلام، خیانتکاران را به سزای اعمال خویش می رسانند.

تشکیل دادگاههای نظامی آمریکا در ایران

پنج سال پس از تصویب لایحه کاپیتولاسیون، ضربه دیگری بر حاکمیت قضائی ایران وارد گردید که آن را از جمله پیامدهای کاپیتولاسیون باید دانست. در سال ۱۳۴۸، فرمانده مستشاران نظامی آمریکا در ایران تقاضا نمود که برای رسیدگی به تخلفات فزاینده نظامیان آمریکایی در ایران، شعبه ای از دادگاه نظامی آمریکا، در ایران تشکیل شود. کاردار سفارت آمریکا در مورد این درخواست چنین استدلال می نماید:

«ارتش (آمریکا م) در حال برخورد با مشکلات فزاینده ای در مورد رعایت و حفظ دیسیپلین نظامی در ایران است. آنها این مشکلات را ناشی از کیفیت پایین پرسنل نظامی که به اینجا فرستاده شده اند و همچنین ناشی از افزایش دقت در روش وکلای مدافع برای حمایت از متهمین، می دانند.»

(سند شماره ۷۷)

جالب اینجاست که فرمانده مستشاران نظامی، خود اذعان دارد که مستشاران نظامی آمریکایی در ایران از کیفیت پایینی برخوردار بوده اند، ولی با این حال به عنوان کارشناس نظامی به ارتش ایران تحمیل شده و هزینه سنگینی بر دوش ملت مسلمان ایران نهاده بودند. در این رابطه «مارتین. اف. هرتز» مشاور سفارت آمریکا در امور سیاسی، چنین می گوید:

«این نخستین باری است که ما در میان نظرات مخالف حضور مستشاران نظامی آمریکا در ایران، مطلبی مبنی بر تحمیل هزینه سنگین این حضور بر بودجه ایران دریافت می کنیم. اکثر مردم اینجا، فکر می کنند که خدمات کلیه پرسنل مستشاری ما به عنوان کمک ارائه می شود.» (سند شماره ۴۷) تشکیل دادگاههای نظامی آمریکا در ایران علاوه بر نقض استقلال و حاکمیت قضائی ایران، بر خلاف معاهده ۱۹۲۱ ایران و شوروی نیز بود و آمریکاییان به خوبی از این موضوع اطلاع داشتند. در این رابطه، «جان آرمیتاژ» رایزن سیاسی سفارت آمریکا، در این باره می گوید:

«در تمام مدت مذاکره با ایرانیها، به آنها اطمینان می دادیم که نه در گذشته و نه در آینده قصد برپایی دادگاه نظامی در ایران را نداشته و نداریم. در گذشته این کار را نکرده ایم زیرا طبق مقررات

نظامی، نهاد نظامی ما در اینجا به صورت پایگاه در می آید و ما به خاطر معاهده ۱۹۲۱ ایران و شوروی بشدت از بروز چنین امری جلوگیری می کنیم. بر طبق این معاهده ایران متعهد است که به هیچ نیروی خارجی اجازه تأسیس پایگاه در این کشور را ندهد.» (سند شماره ۶۸، ۴ فروردین ۱۳۴۴)

علیرغم این موضوع، ۴ سال بعد، یعنی در سال ۱۳۴۸ مقامات نظامی آمریکا در ایران خواستار تشکیل چنین دادگاههایی در ایران شدند. دولت ایران در پاسخ، با این شرط که «تشکیل این دادگاهها در ایران، رسما به دولت ایران اعلام نگردد»، با این درخواست موافقت می کند.

«... ما پیش از تشکیل دادگاههای نظامی در ایران، آقای گودرزی رئیس اداره چهارم سیاسی را از طرح خود آگاه ساختیم. به ما این گونه پاسخ داده شد: مادامی که تشکیل این دادگاهها در ایران رسما به دولت ایران اعلام نگردد، وزارت امور خارجه ایران به تشکیل آنها اعتراضی نخواهد داشت.» (سند شماره ۸۴)

انقلاب اسلامی و لغو کاپیتولاسیون

۳ ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت موقت با تصویب شورای انقلاب اسلامی، لایحه کاپیتولاسیون را الغاء نمود، ولی با کمال تأسف مقامات دولت موقت در برخورد با مسئولین سفارت آمریکا، بیشتر به توجیه قضیه می پرداختند و خود را مجبور به انجام آن نشان می دادند.

«یزدی، وزیر خارجه»، به کاردار سفارت، آقای ناس، گفته بود که لغو مصونیتهای پرسنل آرمیش مگ را نباید یک حرکت ضدآمریکایی تلقی کرد و یا آن را نشانه ای از عدم تمایل دولت ایران به عادی کردن روابط دانست. وی اضافه کرد که تصویب قانون «کاپیتولاسیون» در سال ۱۹۶۴ با اعتراض مردم رو به رو شد و منجر به تبعید آیت اللّه خمینی به ترکیه گردیده بود.» (سند شماره ۹۵)

علیرغم روحیه سازشکارانه مقامات دولت موقت، رهبری پیامبر گونه حضرت امام خمینی (ره) و

حضور همه جانبه مردم در صحنه باعث شد که دولت موقت الغاء این لایحه را اعلام و به این ترتیب بعد از ۱۵ سال بار دیگر استقلال و حاکمیت قضائی ایران احیاء گردید و یکی از خواسته های بزرگ ملت مسلمان ایران تحقق یافت که این نیز یکی دیگر از دستاوردهای بی شمار انقلاب اسلامی محسوب می شود.

با این امید که ارائه این اسناد بتواند گوشه هایی از دخالتهای نامشروع آمریکا را که منجر به نقض حاکمیت و استقلال قضائی کشور عزیزمان گردید، بازگو نماید. برای حسن ختام به فراز دیگری از سخنان گوهر بار حضرت امام خمینی (س) اشاره می کنیم که در سال ۱۳۴۳ در مدرسه فیضیه ایراد فرمودند:

«... آقا اگر این مملکت اشغال آمریکاست، پس چرا این قدر عربده می کشید، پس چرا اینقدر دم از ترقی می زنید؟ اگر این مستشاران نوکر شما هستند پس چرا از اربابها بالاترشان می کنید؟ پس چرا از شاه بالاترشان می کنید؟ اگر نوکرند مثل سایر نوکرها با آنها عمل کنید، اگر کارمند شما هستند مثل سایر ملل که با کارمندانشان عمل می کنند، شما هم عمل کنید. اگر مملکت ما اشغال آمریکاست پس بگویید؟...» دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بهار ۱۳۷۰

فصل اول: پیامدهای احیای کاپیتولاسیون

اظهار ندامت نمایندگان مخالف در مجلس شورا

لایحه تصویب تحصیل ۲۰۰ میلیون دلار کمک نظامی آمریکا، در جلسه ۱۱۱ مجلس شورای ملی به تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۴۳ (۵ نوامبر ۱۹۶۴)، مطرح و تصویب شد. در این جلسه تعدادی از نمایندگانی که علیه لایحه کاپیتولاسیون صحبت کرده بودند، طی نطقهایی تمامی مخالفتهای خود را پس گرفتند و شروع به تعریف و تمجید از این لایحه نمودند. آن گونه که در سندهای بعدی خواهد آمد این تغییر موضع در اثر تهدید شاه به عمل آمد و نشان داد که نمایش مضحک دمکراسی و بازی اکثریت اقلیت در مجلس شورای ملی آن زمان تا چه حد بی پایه و مسخره بوده است. به همین خاطر متن سخنان نمایندگان مخالف در تأیید لایحه کاپیتولاسیون چاپ گردید.

بیانات قبل از دستور آقایان: رامبد زهتاب فرد دکتر شفیع امین

رئیس نطقهای قبل از دستور را شروع می کنیم. آقای رامبد تشریف بیاورید.

رامبد در ابتدای این هفته به مناسبتی تصادفا در مجلس سنا بودم. جناب آقای نخست وزیر ضمن بیاناتی که در پیرامون لایحه تقویت قوای دفاعی می فرمودند، مطالبی هم بسیار مفصل و مشروح و جالب درباره لایحه ای که چندی قبل از مجلس گذشت، ایراد فرمودند. حزب و فراکسیون حزب مردم به بنده مأموریت دادند که نظرات حزب مردم و فراکسیون مردم را در این جلسه به عرض مجلس شورای ملی برسانم. استماع بیانات ایشان در پیرامون مطلب مورد بحث برای هر شنونده ای، تصور می کنم احساسی به وجود می آورد که من به سهم خودم باید عرض کنم که هم متشکر شدم و هم گله مند، هم خوشوقت و هم متأسف. متشکر گردیدم از این جهت که بیانات مشروح و مفصل و جالب ایشان حاکی از مطالبی بود که اطلاع از آن مطالب برای هر ذی علاقه، موجب رفع شبهه و ابهام و شک و تردید و گلایه و نگرانی می گردید که برای مثال جملاتی چند از عین بیانات آقای نخست وزیر را

یادآور می گردد:

«چند ماه پیش لایحه ای بود تا برای اعطاء مصونیت سیاسی که خاص مملکت ما نیست که در کلیه کشورهای جهان مراعات می شود به عده ای از مستشاران نظامی آمریکا که در خدمت ارتش ایران هستند، اعطاء شود.»

همچنین در جای دیگر، بیانات ایشان حاکی از آن است:

«که علاوه بر کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی که بنده اسامی آنها را می گویم مانند کانادا انگلستان فرانسه بلژیک هلند لوکزامبورک جمهوری فدرال آلمان دانمارک ایسلند نروژ ایتالیا یونان ترکیه پرتغال که قراردادهای نظامی بسته شده است، به تمام افراد نظامی آمریکا و پرسنل آمریکا و کلیه افرادی که در خدمت آن دستگاه هستند، مصونیت کامل سیاسی داده شده است. در صورتی که در این لایحه که به تصویب مجلسین رسید طبق معاهده وین که ۶۸ مملکت زیر آن را امضاء کرده اند و باوجدان راحت و روشن آن را امضاء کرده اند، طبق آن ماده فقط یک مصونیت ناقص یعنی مصونیت در حین انجام وظیفه داده شده است، حتی مصونیت مدنی برای مستشاران آمریکایی در خدمت ارتش ایران اعطاء نشده است و کلیه مواردی که برای تأمین حقوق افراد ایرانی ضروری است، در اختیار محاکم صالحه ایران است. فقط این افراد در حین انجام وظیفه چون ما خواهان انجام وظیفه آنها هستیم و اگر اتفاقی بیفتد دارای مصونیت سیاسی هستند و از مصونیت سیاسی بین المللی استفاده می کنند».

ایشان در دنباله بیانات خود، چنین اضافه کردند.

«فرانسه یونان پاکستان ژاپن اندونزی لیبی اتیوپی و سایر ممالک متشابه اینها در آسیای جنوب شرقی و آفریقا و غیره این قراردادها را بسته اند، حتی به معاهده بین المللی اشاره نکرده اند و قرارداد دو جانبه بسته اند و مصونیت کامل داده اند».

و بالاخره دیگر اظهارات جناب آقای نخست وزیر حاکی است:

«این امتیاز فقط به رئیس و اعضای هیئت مستشاری داده شده و شامل خانواده و کارمندان غیر فنی هیئتهای مستشاری نخواهد بود. بدین ترتیب حتی از اغلب کشورهایی که مصونیت کامل سیاسی

داده اند بسیار کمتر، ساده تر و در چهارچوب یک معاهده بین المللی است و شامل مصونیت مدنی و مصونیت خارج از حین انجام وظیفه آنها هم نیست » آنچه بیان شد اظهارات آقای نخست وزیر بود که هر شنونده به اختصار سه مطلب را از آن به خاطر می سپارد.

اولاً تنها ایران نیست و ممالک امثال فرانسه انگلستان آلمان غربی ایتالیا هلند دانمارک و غیره قراردادهای متشابهی برای استفاده از مستشاران نظامی آمریکایی دارند.

ثانیا شرایط و امتیازات مورد نظر در کشور ایران به مراتب کمتر، محدودتر و ساده تر از کشورهای نامبرده است.

بالاخره ثالثا این شرط در استخدام از یک طرف، شامل خانواده مستشار نمی گردد و از طرف دیگر در مورد خود مستشار هم امتیازات مربوطه به کارمندان اداری و فنی مشروحه در قرارداد وین را محدود کرده اند به وظایف مربوط به خدمت آنها، نه در غیر خدمت است.

استناد به این توضیحات برای هر کس که وارد به مطلب نبوده باشد، بسیار مفید و از نقطه نظر اجتماع به نظر بنده لازم می بود و از این جهت است که به سهم خود از جناب آقای نخست وزیر تشکر می کنم. واقعا هم در خارج از مجلس در پیرامون این لایحه که خود ما در حدود هفت هشت ساعت موافق و مخالف، سطر به سطر، جمله به جمله بحث کردیم و کلمه به کلمه اطلاع داریم. مطالبی به گوش می رسد که به هیچ وجه من الوجوه ارتباطی با این لایحه ندارد (صحیح است).

اما بحث دوم، چرا گله مندم. من صورت مجلس مذاکرات جلسه مربوطه را در مجلس شورای ملی مجددا به دقت قرائت کردم. با آن سیاست و کیاستی که در کار هر دولتی لازمه پیش بینی و پیش گیری در امور اجتماعی و مملکتی است، می بایستی از ابتدا مورد نظر متصدیان امر قرار می گرفت و به ازای آنچه گذشت و تکرار و تجدیدش موردی ندارد، از ابتدا اذهان عمومی روشن و از امکان بروز هر شایعه ای خلاف واقع جلوگیری به عمل می آمد و هم اکنون با وجود آنکه احتمالاً نمایندگان محترم مجلس شورای ملی از مطالعه مشروح مذاکرات مجلس سنا اطلاع حاصل فرموده اند و در جراید هم درج گردیده، عنوان مطلب در مجلس شورا را نیز مفید می دانم، شاید هم تأخیر شده باشد، به هر حال بهتر است که چون مطالب دیگری در پیرامون همین مذاکرات آقای نخست وزیر دارم باب گلایه را به همین جا ختم نمایم و در تأیید همین مورد به سرمقاله روزنامه مهر ایران ارکان حزب مردم اشاره کرده که در این باب نیز چنین می نویسد:

«بسیار به جا و به موقع بود که دولت در مجلس سنا درباره دو مطلب مهم و حساس که به سرنوشت مملکت ما و نظم و آرامش خاورمیانه بستگی دارد، توضیحات کافی داد. اعتقاد ما بر این است که این قبیل مسائل را نباید از افکار عامه مکتوم داشت، زیرا آن وقت است که عناصر مغرض و دشمنان خارجی شروع به سوء استفاده و بهره برداری کرده و با تلقین نظریات غرض آلود خود، کاهی را کوه جلوه داده و مردم عادی کشور را از درک حقیقت باز می دارند». در ابتدای عرایضم عرض کردم خوشوقتی بنده از آن جهت است که از فحوای کلام آقای نخست وزیر چنین استنباط گردید که اظهارات ایشان در مجلس سنا قسمتی هم برای روشن شدن اذهان عمومی بوده است. جای بسیار خوشوقتی است و این خود موهبتی است که ملتی بدان پایه رشد و ترقی فکری و غرور و تعصب ملی برسد که کمترین توهمی در خدشه دار شدن منافع مادی یا معنوی کشورش جلب توجه و کنجکاوی

عمومی را بکند. در این مورد جا دارد یک بار دیگر از بانیان و به وجودآورندگان این موهبت از دو ناجی نامدار ایران زمین یکی پادشاه فقید رضاشاه کبیر و یکی شاهنشاه عزیز ما که بانی چنین موهبتی که اشاره کردم، هستند حق شناسی و سپاسگزاری نماییم (صحیح است) که هر یک به سهم خود احیاء کننده کشوری که از هر جهت به سوی اضمحلال می رفت نیز هستند و هم خود به وجود آورنده چنین احساساتی در ملت خود که لبریز از هوشیاری و غرور و تعصب ملی و وطن پرستی و علاقه مندی به کوچکترین مسائل مملکتی خود می باشند. آری جا دارد یادآوری کنم خاندان پهلوی بود که قبح و معایب مطالبی مانند کاپیتولاسیون را به ملت ایران فهمانید و برای ابد چنین مسائلی را از تاریخ ایران حذف کرد و از بین برد(صحیح است) پس ملت ایران هم با هوشیاری آماده است که در پیروی از وجود چنین شاهنشاهی، خودش را در همه موارد آماده نشان بدهد. به طور قطع پس از تحولی که شاهنشاه بزرگ ما در امور اجتماعی، اقتصادی، کارگری، کشاورزی، فرهنگی، بهداشتی، نظامی و بالاخره کلیه شئون مختلفه مملکتی به وجود آورده اند و هر روز دسته ای از افراد ملت و طبقه ای از طبقات اجتماع ما از قید اسارت و بندگی آزاد و در راه سعادت و پیشرفت مادی و معنوی خود قدم برمی دارند.یقینا وظایف دولتها درباره توضیح و آشکار کردن اعمال و افکار خود در قبال ملت سنگین تر می گردد، زیرا به طور قطع و یقین، ملتی که افراد آن آزاد، سالم، باسواد بود از امنیت و آسایش برخوردار گردید، مایحتاج زندگی خود را تأمین شده یافت، به مملکت خود علاقه مندتر و

نسبت به سرنوشت آن و آنچه در آن می گذرد، با دقت و توجه و کنجکاوی بیشتری مراقبت خواهد کرد (صحیح است) و کنجکاوی درباره این لایحه نیز اگر ناشی از عواملی باشد که عرض کردم، جای بسیار خوشوقتی است و از طرفی تا موقعی که رهبری آن چنان دلیر و شجاع و از خود گذشته و عاشق ملت و مملکت خود چون شاهنشاه ما بر آن سلطنت می کند که از جمله در مورد آذربایجان می فرماید اگر دستم را قطع کنند سندی بر علیه منافع و تمامیت مملکتم امضاء نمی کنم، یاوه گویان باید بدانند که هر تبلیغ سوء، کمترین اثری در ایمان راسخ و اعتقاد کامل ملت ایران نخواهد کرد.(صحیح است احسنت) و همچنان که در موارد دیگری پیش آمد و عرض کردم:

دنیا باید بداند که شاید تنها مملکت منحصر به فردی که در موقع مطرح شدن مصالح عالیه مملکتی، هیچ دسته و فرقه و صنفی با یکدیگر اختلاف پیدا نمی کند، ایران است (صحیح است احسنت) آن چیزی که مربوط به قوای دفاعی مملکت می شود تمام بیست و چند میلیون ایرانی یک زبان دارند (صحیح است) (قراچورلو خوشوقتیم که با ما همفکر شدید).

خاتمه عرایض من مانند شروع بیانات خود آقای نخست وزیر در پیرامون مورد بحث، اظهار تأسف است. و اما تأسف من از آن جهت است که ضمن بیانات ایشان اشاره ای به دو جمله گردید، یکی به اغراض شخصی که در محافل و معابر یا منابر گفته می شود و یکی هم (به اعمال نظرات خارج به وسیله ستون پنجم) من به اختصار عرض می کنم ملت ایران با هوشیاری کامل از آنچه در نقاط دیگر دنیا خاصه بعضی کشورهای مجاور ما و بالاخص در خاورمیانه می گذرد، مطلع است و از وضع نابسامان و وحشت و دهشت عمومی، خونریزی و قتل و قتال و غارت که هر روز به صورتی در یکی از مناطق بر اوضاع حکومت می کند، اطلاع دارد لذا مقایسه وضع رقت انگیز و وحشتناک آنان نسبت به اوضاع کشور خودمان که در نهایت امنیت و آرامش و ثبات سیاسی، بهبود اقتصادی که هر روز

پیشرفتهایی در یکی از شئون مملکتی به نفع ملت ایران در نهایت راحتی و آسایش مردم انجام می گیرد، در حالی که در بعضی کشورهای مجاور ما هر دسته ای که داعیه ای داشتند، با روی کارآمدن دسته بعدی خود جزو تسویه شدگان قرار گرفتند. شاید هم به دیار عدم رهسپار گردیدند. شاید باز هم این تشنجات و تغییرات همچنان ادامه یابد هر روز نوبت به دیگری برسد و به این ترتیب در آن دیار بر هیچ کس هیچ چیز ابقاء نشود. بنابراین هر فردی از افراد بشر که خون ایرانی در عروق او جاری است اعم از هر طبقه و صنف، غنی و فقیر، کشوری و لشگری، دولتی و غیردولتی، کارگر و کشاورز، استاد، شاگرد، بلا استثناء در راه یگانگی و وحدت ملی و تولید خوش بینی و امیدواری و به خصوص بقاء این ثبات و آرامش و آسایش هریک به سهم خود همکاری و مجاهدت نماید (صحیح است) و در بقاء سلامت و عظمت سلطنت شاهنشاه معظم و محبوب ما که تنها ضامن استقلال و آرامش و آسایش کشور است دعاگو باشد (احسنت) و با هر عاملی که کمترین خللی به این سعادت و سلامت و امنیت اجتماعی موجود ما وارد آورد، مبارزه کنند (صحیح است) و بالاخره در خاتمه عرایضم با استفاده از کلمه معابر یا منابر که ایشان اشاره نمودند، مطلب بسیار مهم لازمی به خاطرم آمد که از فرصت استفاده می کنم و در مورد منابر می خواهم به عرض مجلسین برسانم.

ما در آن مرحله ای از تاریخ بشریت رسیده ایم که بالاخره باید تفکیک قوای روحانی را از سیاست کاملاً رعایت کنیم، زیرا این امر هم به نفع دولت است و هم به صلاح دین و روحانیت (صحیح است)

من خدای ناخواسته به هیچ وجه نمی خواهم تعلیم دین و مذهب و خداشناسی را موقوف یا معطل بدارم بلکه معتقدم که امروز از هر وقت دیگر به این امر بزرگ و تعلیمات مذهبی و خداشناسی احتیاج بیشتری داریم. هر چه انسان بزرگتر می شود هر چه بشر جلوتر می رود باید ایمانش کاملتر شود. یعنی هر چه به خدا نزدیکتر می شود، باید خدا را بهتر بشناسد (صحیح است) به عقیده من در دوره ما یک بدبختی بزرگی نسل بشر را تهدید می کند و آن این است که تمام توجه و ذکر و فکر بشری متوجه زندگی مادی گردیده و همه چیز انسان را منحصر به این دنیا می دانند و این بدبختی بسیار بزرگی است چون این زندگی مادی که هدف و غایت آمال و آرزوی بشری گردیده، اگر عاقبتش به مرگ و فنا و عدم بینجامد به این ترتیب شدائد و ناراحتیها بیشتر خواهد شد، زیرا علاوه بر رنج و درد و محنت که لازمه بقاء حیات و امرار معاش است، ناامیدی هم علاوه می گردد و به تمام معنی زندگی درست جهنمی خواهد بود که بالاخره احوال مردم دستخوش تشنجات و انقلابات خواهد گردید.

شک نیست که من هم مانند تمام همکاران عزیزم با نهایت علاقه و اشتیاق در کمال صمیمیت آرزو می کنم که به زندگی مادی افراد این ملت بهبودی داده شود و زحمتکشان و رنجبران از زندگی بهتری برخوردار گردند و تصور نمی کنم در این مجلس کسی غیر از این بخواهد (صحیح است) اما اولین دوای درد امیدوار داشتن افراد بشر است. ما همه خواه قانونگذار باشیم، خواه مجری قانون، خواه نویسنده باشیم، خواه روحانی، خواه قاضی باشیم، خواه معلم، با تمام قوا باید در تخفیف شدائد و ناراحتیهای اجتماعی مردم بکوشیم و آنها را امیدوار کنیم و این امید حاصل نمی شود تا علاوه بر همت خود ایشان، سرهای آنها به طرف آسمان بلند نشود و قلوب آنها به طرف خالق یکتا متوجه نگردد، همه باید در اعمال و کردار خود متوجه سرای جاودان باشند و بدانند که پس از این زندگی عاقبت و عقوبت و سزا و پاداشی هست. همه بدانند که مرگ عدم نیست، استرداد است و سرانجام هر چیز

خداست و هر جا که سری هست، سری ز خدا هست.

واقعا اگر چنین نمی بود، این زندگی ارزشی نمی داشت و خود دوزخ موعود می گردید.

آری آنچه مشقت و زحمت را قابل تحمل و کار را مقدس و بشر را یاری می کند تا خردمند، مهربان، بردبار نیکوکار و دادگر گردد و در راه پیشرفتهای علمی و معنوی مستعد و متحمل باشد، این است که معتقد باشند از پس امروز موقت، فردای جاودانی است، و این دنیای ظلمانی به عالم نورانی منتهی می شود.

حال که چنین پیش آمد بر سبیل اتفاق رشته صحبت بدین جا کشیده شد که در مسائل بسیار عالی، مطالبی از زبان من جاری گردد، من با کمال صراحت اعلام می کنم که من خود به این عالم جاودانی معتقدم و حقیقتش را بسی بیش از این دنیای واهی که به آن گرفتاریم و اسمش را زندگی می گذاریم، می دانم و پس از همه مطالعات و تفکرات، تحقیق و تدقیق، تفحص و تعمق، تأمل عقلم به آن یقین دارد و روحم از آن تسلی می یابد. کسانی که با من سفر یا زندگی کرده اند به مناجات شب و دعای صبح من واقف هستند (قراچورلو جنابعالی دائم السفر هستید) پس من تعلیم دیانت را صمیمانه، مشتاقانه، جاذمانه، مصرانه خواستارم اما آنچه ما می خواهیم، تعلیم حقیقت دین است نه خرافات و شایعات (صحیح است) صدق و صفا می خواهیم، تزویر و ریا نمی خواهیم (صحیح است) روحانیت می خواهیم، سیاست نمی خواهیم، آسمان می خواهیم (قراچورلو مصداق پیدا کرده) زمین نمی خواهیم این مطلبی نیست آقای قراچورلو که با خنده توأم باشد (قراچورلو فرمودید آسمان

می خواهیم، عرض کردم مصداق پیدا کرده) دست اندازی منبر روحانیت را بر مسند حکومت روا نمی داریم. به جای رهبر، روحانی نمی خواهیم به جای معلم ملا نمی خواهیم به جای قاضی، شیخ نمی خواهیم. اگر معلم و قاضی و روحانی هر سه را می خواهیم با نظارت کامل دولت می خواهیم که هر یک کار خود کنند. آن علم آموزد این مردم را به سوی خدای بزرگ راهنمایی کند (صحیح است). برادری، محبت، یگانگی، وحدت، صمیمیت، حقیقت و بالاخره عظمت و ملیت را در مردم تبلیغ کنند. به ملت نعمت سلامت بیاموزند و در راه آسایش و امنیت قدم بردارند. آن منبری که به جای نور صدق و صفا، بوی تزویر و ریا از آن می آید، برای همیشه خاموش باد. آن زبانی که تخم نفاق و تفرقه، دوئیت و جدایی ناامنی و اغتشاش می پاشد، برای ابد بسته باد (احسنت) ای کاش همه روحانیون ما طبق قوانین و تعلیمات عالیه اسلامی در راه تحقق بخشیدن به بهبود زندگی بیچارگان و ضعفا با راهنمایی و تبلیغ مالکین و اغنیا، در تحول تاریخی شاهنشاه این مملکت سهیم و شریک می شدند (صحیح است).

من با کمال رشادت می گویم ایران تبلیغات مذهبی لازم دارد، اما تبلیغاتی که حقیقت و عدالت داشته، متضمن رشد و ترقی ملت باشد (صحیح است) هم به تنظیم امور کمک باشد هم به تنویر افکار. عقل و روح و معرفت و صمیمیت و محبت و وحدت بپرورانند، نه نفاق و دوئیت و تفرقه و سیاست. روحانیون ما باید از آن کسانی باشند که برای ملک و ملت قدرت بخواهند، نه بندگی. عظمت بخواهند نه حقارت. بزرگی بخواهند نه کوچکی. هستی بخواهند نه نیستی. اگر بعضی از ایشان نمی خواهند چنین کنند آیا می خواهند ملت ایران را متوقف کنند؟ افکار بشری را متحجر سازند. بالاخره نورالهی را خاموش کنند، روح را آماده کنند. ربانیت را به مالکیت بفروشند اگر چنین باشد اگر مقتضیات زمان را نمی بینند پس در این دوره بیگانه هستند. در این عصر ترقیات و اکتشافات و اختراعات، نهضت توقف

و بی حرکتی نمی توان خواست. در دوره امیدواری، نومیدی نمی توان اعلام کرد. عقل و فکر و ترقی و ملیت و وحدت ایرانی را نمی توان پایمال کرد. آیا هستند کسانی که بگویند پیش نباید رفت، پس به همین جا باید بمانیم. آیا نمی بینند که همه ذرات عالم در حرکت است رو به تبدل، تجدد و تمدن مسابقه گذارده اند. زیر و بالا، پس و پیش همه در تحول است. آیا می خواهند بایستند یا برگردند. ایران را از حرکت نمی توان بازداشت. مگر نمی بینیم که خدا جهان را می گرداند، جهانیان را می جنباند اگر ملتها نجنبند آنها را می جنبانند (احسنت) اما در مورد ستون پنجم چون در این باره بحث مفصلی دارم و تصور می کنم به اندازه کافی دوستان عزیز و سروران گرامی و یا حداقل شخص آقای قراچورلو را خسته کرده باشم. به عرایض خود خاتمه می دهم (احسنت)

قراچورلو ما عادت داریم.

رئیس از وقت آقایان رامبد، مهندس بهبودی، دکتر رمضانی پنج دقیقه باقی مانده است که آقای زهتاب فرد استفاده می کنند، تشریف بیاورید.

زهتاب فرد با کسب اجازه از مقام معظم ریاست مجلس شورای ملی چندی پیش بنا به دعوت سنتو همراه چند نفر از شخصیتهای مطبوعاتی از ترکیه دیدن کردم. دیدار ترکیه به خصوص بعد از پیمان سه جانبه و عقد قراردادهای خاص برای من از هر لحاظ جالب بود. سنتو در قسمت راه و ارتباطات و

راه آهن قدمهای بسیار مؤثر و قاطع و مفیدی برداشته و بزودی ارتباطات از راه ترکیه توسعه بیشتری پیدا خواهد کرد. هم اکنون از طرفین مشغول جاده سازی هستند که راه ایران را به ترکیه و پاکستان ارتباط بدهند و در آینده بسیار نزدیکی این سه کشور خواهند توانست به وسیله ارتباطات وسیعی با تمام دنیا مربوط بشوند و این قدم بسیار بسیار مفید و مؤثری است که در روحیه ملتین ترکیه ایران و همچنین پاکستان اثر بسیاری گذاشته است. این توفیق نصیب بنده شد که از نزدیک شاهد احساسات عمیق و روابط صمیمانه ملت ترکیه به ایران باشم. به خصوص در روز مبارک چهارم آبان روز میلاد مسعود شاهنشاه من از نزدیک دیدم که ملت و دولت ترکیه با چه احساسات و شور فراوانی به ما تبریک می گفتند و در محافل مطبوعاتی و سیاسی با آقایان نمایندگان و سناتورها که صحبتی پیش می آمد، متوجه عمق و اصالت نهضت ششم بهمن ما بودند و مکرر گفته می شد که امید است در آینده نزدیک دولت ترکیه در مورد اصلاحات ارضی از رویه ایران استفاده بکند و آن را عملی سازند. امروز وقتی که من می بینم نهضت ما و رهبری شاهنشاه، تحول خاورمیانه و پیشرفتهای کشورهای اسلامی را هدایت می کند به نوبه خود احساس غرور می کنم. در کشور ترکیه به تمام معنی موقعیت و وضع اقتصادی و سیاسی ما مورد توجه محافل عمومی هست و به خصوص پیام شاهنشاه در مورد مبارزه با بی سوادی یک خبری انبساط آور و یک خبر مسرت بخشی برای عموم تلقی گردید و ما دیدیم دانشجویان ترکیه و محافل سیاسی آنجا با چه وجد و شعفی از این خبر انسانی و از این خبری که دنیا را به راه سعادت و به راه حریت و به راه آزادی سوق می دهد و هدایت می کند، استقبال می کردند. ما هر چه بیشتر این روابط را و هر چه بیشتر این آمد و رفت ها را با کشورهای همسایه به خصوص با کشور هم مرز و هم دین ترکیه و پاکستان توسعه بدهیم، بیشتر همدیگر را خواهیم شناخت. موضوعی که بیشتر مورد توجه شخص بنده بود، اتحاد و اتفاق و غرور خاص ملت ترکیه بود. ملت ترکیه امروز

دارای یک وضع خاصی است و این مورد برای نمایندگان شاید جالب باشد که گفته شود، دولت در برابر یک حزب قوی و مخالف قرار گرفته، اکثریت مردم به ملاحظاتی با دولت وقت مخالف می باشند اما وقتی که موضوع قبرس پیش می آید در آنجا متحد و متفقند. در آنجا حزب مخالف و افرادی که با دولت مخالفند این را بهانه قرار نمی دهند و این موضوع بسیار جالب و نکته بسیار حساسی است در آنجا حزب مخالف نمی خواهد که اگر از طرف قبرس، دولت ترکیه تهدید شد برای تضعیف دولت و برای تضعیف شخصیتهای مسئول از موقعیت سوء استفاده کند، متأسفانه واقعیتی که بنده هرگز نمی خواستم به آن اشاره کنم و قصدم فقط تجلیل از اقدامات سنتو بود، مرا وادار به این ملاحظه کرد. ما دیدیم و دیدیم و هم اکنون می بینیم شخصیتهایی را و روحانی نمایانی را که می خواهند از موقعیت خود سوءاستفاده کنند. این ننگ آور است، شرم آور است که یک عربده جوی معرب، یک مرد مالیخولیایی سیاسی یک حرفهایی زده و می زند و از آن طرف چند نفر از افراد و ورشکستگان سیاسی آن را بهانه برای تضعیف دستگاه و بهانه برای تضعیف رژیم و بهانه برای تضعیف دولت قرار بدهند. این ننگ آور است. ما در مبارزات کلی ممکن است با دولت وقت مخالف باشیم، من در جلسه چند روز پیش در همین مجلس و از پشت همین تریبون مطلبی بر علیه دولت گفتم و حرفهایی زدم و دولت هم آمد اینجا توضیحاتی داد، اکثریت رأی داد و آن اکثریت و آن رأی مورد تأیید و احترام اقلیت قرار گرفت. این شأن حکومت دمکراسی است، ولی ما اجازه نمی دهیم از موقعیت، بعضیها سوء استفاده کنند. مبانی

دینی، مبانی اسلامی چنین ایجاب می کند. ما روزی که اینجا آمدیم، در پشت این تریبون قبل از بیان هر مطلبی قسم یاد کردیم، قسم به قرآن مجید و به قرآن کریم یاد کردیم. چه کسی می تواند از ذهنش خدای نکرده بگذراند که آنهایی که مسئول امور هستند، نسبت به عقاید دینی خود بی قیدند. این تصور، مضحک است. مگر خدای نکرده مسلمین و معتقدین به مذهب همانهایی هستند که در چهاردیواری محدود زندگی می کنند. ایرانی این افتخار را دارد و شاهنشاه ما این افتخار را دارد که ریاست دارالتشیع را در جهان به عهده دارند، این افتخار مخصوص ماست. این روحانیتی که ما به آن احترام قائل هستیم، عمق و ریشه دارد. تاروپود ما را تشکیل می دهد اما هرگز به هیچ مدعی روحانیت اجازه داده نمی شود که در مصالح عالیه مملکتی خدای نکرده، اغراض شخصی را مورد توجه قرار بدهد (صحیح است) آقایان بهتر می دانند و من عرض کردم قصدم در مورد سنتو بود اما متأسف هستم آن شخصی که معرکه اخیر را راه انداخت شما را به خدا، شما را به شرافتتان، شما را به دینتان دو ماه قبل از ۱۵ خرداد سال ۴۲ اسم این شخص به گوش شما خورده بود؟ دو ماه قبل از ۱۵ خرداد ۴۲ قیافه این شخص را شما دیده بودید؟ فقط در یک روز، دو ماه به ۱۵ خرداد ۴۲ مانده دیدیم در همه جا عکس این شخص با چاپ افست با چاپ رنگی با ژستهای مختلف و پزهای مختلف و در تمام دکاکین زده شده، اینها برای این بود که صحنه ای به وجود بیاورند، اینها برای این بود که شخصی را برای ما بتراشند تا گوشها آشنا بشود و آن حادثه فجیع را به وجود بیاورند. ما هرگز به اینان اجازه نخواهیم داد، از موقعیت سوء استفاده کنند. امروز مملکت در یک مسیر خاصی قرار گرفته است. من چندی پیش به ایتالیا رفتم، در اغلب سازمانها و در اغلب کارخانجات عکس پاپ را گذاشته بودند و به روحانیت ارزش بیشتری قائل هستند، اما وقتی که کشور ایتالیا یا وقتی که چرچیل رهبر انگلستان می خواست به فلان نقطه حمله کند، دست بوس و پابوس پاپ بود و می رفت از او می خواست که دعا کند تا در خدمت به مردم

توفیق پیدا کند. نه اینکه نقشه جنگ را پیش پاپ بگذارد و بگوید، آقا می خواهیم از این نقطه و یا از این جا حمله کنیم یا اینکه ما می خواهیم این قرارداد را با آن دولت ببندیم...

رئیس آقای زهتاب فرد، وقت جنابعالی تمام شد.

اخذ رأی نهایی و تصویب لایحه قانونی راجع به تحصیل دویست میلیون دلار اعتبار از آمریکا جهت تقویت نیروی دفاعی کشور و ابلاغ به دولت.

رئیس لایحه دویست میلیون دلار تحصیل اعتبار از مجلس سنا برگشته، قرائت می شود که نسبت به آن با ورقه رأی بگیریم.

(به شرح زیر خوانده شد)

لایحه قانونی راجع به اجازه تحصیل دویست میلیون دلار اعتبار جهت تقویت نیروی دفاعی کشور.

ماده واحده به منظور تقویت نیروی دفاعی کشور به دولت اجازه داده می شود به تناسب احتیاجات مزبور تدریجا ظرف مدت پنج سال تا مبلغ دویست میلیون دلار اعتبار با حداکثر بهره پنج درصد به مدت ده سال با تضمین دولت ایالات متحده آمریکا از بانکهای آمریکا تحصیل نماید و قراردادهای مربوطه را امضاء و به موقع اجرا بگذارد. مصرف اعتبارات مزبور مشمول آئین نامه معاملات دولتی و قانون محاسبات عمومی نخواهد بود:

وزارت جنگ مأمور اجرای این قانون است.

لایحه قانونی فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه روز شنبه ۲۷ آبان ماه ۱۳۴۳ شمسی به

تصویب مجلس سنا رسید.

رئیس مجلس سنا مهندس شریف امامی.

رئیس آقای مهندس بهبودی .

دکتر مهندس بهبودی در مورد این لایحه بنده عرایضی دارم اجازه بفرمایید بعد از رأی عرض کنم.

رئیس نسبت به این لایحه با ورقه اخذ رأی می شود.

(آراء مأخوذه شماره شد. نتیجه به قرار زیر اعلام گردید)

آراء موافق ۱۳۱ رأی .

رئیس لایحه با ۱۳۱ رأی موافق از ۱۳۱ نفر عده حاضر در جلسه به تصویب رسید. به دولت ابلاغ

می شود (مبارک است).

موافقین: بانو دکتر دولتشاهی دکتر ضیائی بوشهری دکتر شفیع امین دکتر اعتمادی دکتر

عدل طباطبائی مهندس عبداللّه ریاضی رامبد محسنی مهر مهندس صائبی مهندس کمانگر

زهتاب فرد قراچورلو مهندس مجتهدی دکتر رضوانی سرلشگر نکوزاد مجد مهندس کیا

مهندس جلالی نوری روحانی مصطفوی نائینی باغمیشه دکتر فرخ روپارسای ثامنی

زرگرزاده حاجی باغلو دکتر سعید فهیمی هیراد نوربخش رجائی ارسنجانی توسلی

مهندس اسدی سمیع بهادریبهادری، ۱ کسرائی یعقوب تهرانی ایلخان مهندس عدلی دکتر حکمت

موسوی کبیری دکتر سامیراد یغمائی کیهان دکتر رهنوردی تبریزی دکتر اسدی جهانگیری

بانو ابتهاج سمیعی دکتر یزدان پناه دکتر معتمد وزیری مافی موسوی ماکوئی دکتر امامی خوئی

معتمدی خواجه نوری مهندس ریاحی بانو جهانبانی حیدر صائبی صائب سیفی

بالاخانلو نیری ساگینیان دکتر قراگزلو پاینده مبارکی لفوطی موسوی غلام نیاکان

محدث زاده پزشکی دکتر خطیبی ریگی دکتر مهدی زاده دکتر صاحب قلم دکتر مدنی

مهندس بهبودی مهندس برومند سرتیپ پور میرهادی اقبالی میرافضل امینی خراجی سعید

وزیری مهندس اخوان مهندس زنجانچی حاذقی حسینی کلانتر هرمزی جهانشاهی اولیاء

حکمت یزدی دکتر کیان بدر صالحیان ضابطی طرقی امام مردوخ فولادوند پرویزی علی

مرادی قلعه جوقی دکتر بقائی یزدی روستا مهندس جلالی ناروئی کمالوند ذبیحی سلطان

احمدی پژند شفیعی پور کرمانی دکتر موثقی ابراهیمی پاک ذات آموزگار زند سرلشگر

همایونی دکتر صالحی طالب زاده رودسری دکتر وحیدنیا احتشامی دکتر مهندس بهبودی

کسروی ظفر ملک زاده آملی مهندس مالک مهندس والا دکتر رمضانی دکتر الموتی دکتر

عدل صفی پور کشفی پور ادبی حق شناس امیر احمدی قاسم مرادی.

رئیس آقای مهندس بهبودی بفرمائید.

دکتر مهندس بهبودی آراء صددرصد موافقی که به لایحه اعتبار دویست میلیون دلار برای تقویت

ارتش، مجلس شورای ملی یعنی نماینده حقیقی و واقعی افکار اجتماعی که در واحد جغرافیایی ایران

زندگی می کند، داد، مرا وادار کرد که چند لحظه ای مزاحم همکاران ارجمند گردم. در شأن حکومت

دموکراسی است که نمایندگان مختلف ملت در نظارت بر قوه مجریه و همچنین در راه رسیدن به هدفی که جز سعادت و عظمت ایران و ایرانی نیست، سلیقه های مختلف و نظریات گوناگون داشته باشد، چه اگر غیر از این بود، نامش را حکومت مشروطه پارلمانی نمی گذاشتند و این محل مقدس به وجود نمی آمد و لزومی نداشت که پیشوایان آزادی برای رسیدن به هدف مقدس خود حتی از جان خود بگذرند. حکومت مشروطه در عهد شاهنشاهی اعلیحضرت همایونی محمدرضا شاه پهلوی به اوج قدرت خود رسیده است که وجود این مجلس با نمایندگان واقعی از هر تیپ و دسته و صنفی و وجود احزاب، بهترین نمودار آن می باشد. لازمه هر پارلمانی در هر مملکت آزادی آن است که عده ای طرفدار دولت و عده دیگر منتقد آن دولت باشد، تا مشروطه قوام یابد و این دو دسته را معمولاً به نام اکثریت و اقلیت نام می گذارند و هیچ یک از این دو دسته که عقیده دارم در شاه پرستی و میهن دوستی رجحانی بر دیگری ندارند. چه همه ایرانیان شاه پرست و میهن دوست می باشند، وظیفه ای جز آنچه که در خیر و صلاح مردم و مملکت می دانند، انجام ندهند. اگر زمانی خدای ناکرده عده قلیلی از نمایندگان در مظان این تهمت بوده اند که منافع شخصی را بر منافع اجتماع ترجیح می دهند، چه سربلندند زنان و مردانی که در این مجلس اجتماع کرده اند که همه متفق القولند که هیچ یک جز خدمت به شاهنشاه و میهن وظیفه ای برای خود نمی شناسند (صحیح است) و نه آجیل می دهند و نه آجیل می گیرند و همه می خواهند صداقت خود را در خدمتگزاری نشان دهند (احسنت) یکی دیگر از مظاهر این دوره قانونگذاری آن است که دولت متکی به یک اکثریت عظیم حزبی و برگزیده از یک حزب با یک مرامنامه و ایدئولوژی مدونی می باشند و اقلیت متشکل مجلس، متحدالفکر و مجتمع در یک حزب آن هم با یک مرامنامه و ایدئولوژی مدون (صحیح است) بدیهی است، عده ای از آزاد مردان نیز در این مجلس مقدس وجود دارند، که یا به علت تعهداتی که در حزب سومی دارند یا به علت آنکه

می خواهند آزادتر فکر کنند تا به حال وابستگی خود را به هیچ یک از این دو دسته اعلام نکرده اند و عده ای از آنان متمایل به گروه اکثریت و عده دیگرشان متمایل به گروه اقلیت می باشند. بنابر آنچه که عرض شد، اکثریت فعلی مجلس به علت حزبی بودن، به علت تماسی که در حزب و در فراکسیون خود با افراد قوه مجریه دارند، به علت همبستگی که مرامنامه آنان برایشان به وجود آورده است، آنچه که دولتیان مطرح بکنند آشناتر و عالمترند و این آشنایی و عالم بودن خود را دلیل بر آشنایی و اطلاع بقیه همکاران عزیز غیر حزبی خود می دانند و بدین دلیل سعی نمی کنند که بقیه رفقایشان را ارشاد نمایند (احسنت) عرض کردم که اکثریت و اقلیت متشکل هر دو حزبی و از افرادی تشکیل شده است که معتقد به مرامنامه های خود می باشند. چه خوب است آنهایی که می خواهند در افکار عمومی مجلس شورای ملی مطالعه کنند یا مغرضینی که می خواهند غرض ورزی نمایند و از کاه، کوهی بسازند، آن قسمت از مرامنامه این دو جمع را که مربوط به سیاست خارجی و روابط خارجیان و مربوط به قوای تأمینیه و نیروی دفاعی کشور است، مطالعه نمایند. در آنجا خواهند دید هر کسی که در این واحد جغرافیایی که نامش ایران است، زندگی می کند و خود را ایرانی می داند، در بالابردن عظمت و قدرت ارتش و در مورد مسائل خارجی متفق القولند (صحیح است) من با اجازه همکارانم از پشت تریبون مقدس به دنیا اعلام می کنم که برای حفظ حدود و ثغور مملکت برای بالا بردن نیروی معنوی و نیروی مادی ارتش و برای اقتدار نیروی دفاعی مملکت ایرانی در هر لباسی که باشد، هر دین و آئین

که داشته باشد، از هستی خود و از جان خود خواهد گذشت (صحیح است) و در این مورد خود را اسیر چهارچوب کلمات و الفاظ نمی کند. او می داند که در این دنیا باید با شرف زندگی کند و ایمان دارد، کسی که رهبری او را در دست دارد شرافت او را حفظ خواهد کرد. چون این اعتقاد را دارد، یک دل و یک جان آنچه که باید در راه تقویت نیروی دفاعی و آنچه که وابسته به آن است، انجام دهد، انجام می دهد و بهترین دلیل آن آراء صد در صد بوده است، این مجلس ملی به لایحه دولت رأی داده است (احسنت) من اینجا ناگزیر به ذکر جمله ای هستم. اگر راهزنان و آشوبگران بین المللی تصور کرده اند، می توانند با تقویت مالی مغرضین و خائنین و جاسوسان، ثبات سیاسی این مملکت را بر هم زنند و کشت و کشتار و جنایات و آدم کشی که در سایر ممالک توانسته اند ایجاد کنند، ایجاد نمایند، اشتباه کرده اند. آنان نمی دانند که سابقه دو هزار و پانصد سال حکومت شاهنشاهی در این مملکت، روشن بینی و کیاست و فراست شاهنشاه ما پاسخ کوچکترین بی نظمی در این مملکت می باشد. اگر چند صباحی عده ای بی وطن توانسته بودند، نظم این مملکت را مختل سازند. علت بی لیاقتی و بی کفایتی رئیس دولت بوده، ولی از زمانی که سلطنت این ودیعه آسمانی به خاندان پهلوی منتقل شد، ناامنی و بی عدالتی و جاسوسی و اموری که با شرافت ایرانی بستگی دارد، مثل کاپیتولاسیون در این مملکت دیگر تجدید نخواهد شد (صحیح است، احسنت) در پایان عرایضم ناچارم گله هایی کنم، اول از رئیس محترم دولت که در بین فرمایشات خود از ستون پنجم اسم بردند و آنان را گروهی شناخته شده نامیدند. به این جمله ایشان معترضم زیرا ایرانی هیچ گاه در پیشرفت سیاست خارجی کمکی نمی کند (صحیح است) بنابراین اگر اخلالگرانی در اجتماع هستند، مانند کلیه اجتماعات، اینان ایرانی نیستند و نمی توان به آنان نام ستون پنجم داد بلکه خائن و بی وطن و جاسوس می باشند (صحیح است، احسنت) و قوانین موجود وظیفه دولت را در قبال خائنان و جاسوسان معلوم کرده است و من به عنوان

نماینده مجلس شورای ملی از رئیس دولت می خواهم در اینجا جاسوسان را معرفی کنند و تسلیم پنجه عدالت نمایند تا دنیا بداند در ایران جاسوسی مثل سایر امور تخریبی از بین رفته است (صحیح است) گله دیگری که می خواهم بکنم از رکن چهارم مشروطیت است. اگر من باب مثال یک جلسه هشت ساعته مجلس شورای ملی را لااقل در هشت سطر شرح می دادند و ملت می دانست که اکثر بحثها ارائه طریق و اخطار نظامنامه ای و نظایر آن بوده است، هیچ گاه غرض ورزان نمی توانستند بگویند در کار مربوط به امور دفاعی مملکت صف بندی شده است و جمع کثیری مخالف بوده اند. از اینکه وقت ذی قیمت نمایندگان محترم را تضییع کردم، معذرت می خواهم. (احسنت)

وضعیت نیروهای آمریکا در ایران

سند شماره (۳۴)

تاریخ: ۶ نوامبر ۱۹۶۴ ۱۵ آبان ۱۳۴۳

از: سرفرماندهی نیروهای ضربتی ایالات متحدهبه: فرماندهی آرمیش مگ، تهران، ایران

طبقه بندی: خیلی محرمانه جهت اطلاع: وزارت دفاع، برای مشاور کل

موضوع: وضعیت نیروهای آمریکا در ایران

عطف به:

الف گزارش وقایع در رابطه با کاربرد کنوانسیون وین در مورد پرسنل هیئت نظامی آمریکا در

ایران.

ب لایحه شماره ۱۸/۲۲۹۱/۲۱۵۷ مورخه ۱۵ مارس ۱۹۶۴ دولت شاهنشاهی ایران که به مستشاران نظامی آمریکا اجازه می دهد تا از معافیتها و مصونیتهای مندرج در کنوانسیون وین برخوردار شوند.

ج تلگرام سفارت به شماره ۴۹۵ مورخه ۲ نوامبر ۶۴، که راجع به لزوم توضیح در مورد مرجع (ب) بحث کرده است.

د تلگرام سفارت به شماره ۴۹۷ مورخه ۲ نوامبر ۶۴، که سوابق مربوط امتیازات و مصونیتهای پرسنل نظامی آمریکا در دیگر کشورها را درخواست کرده است.

۱ نظر شما را در مورد تأثیر مرجع (ب) در موارد زیر را خواهانیم:

الف آیا مفاد کنوانسیون وین راجع به وضعیت کارمندان اداری و فنی، به هیئتهای مستشاری آمریکا تعمیم داده می شود، یا

ب این تعمیم صرفا به مصونیتها و معافیتهایی که پرسنل فوق الذکر از آن برخوردارند، محدود می گردد.

۲ در رابطه با شرط لغو مصونیتها، مندرج در موافقتنامه گروه مخابرات با پاکستان که در مرجع (ج) ذکر شده، توجه شما را به قضیه لغو خود به خود و اتوماتیک که به وسیله تبادل یادداشتهای ۱۸ ژوئیه ۱۹۵۹ راجع به ضمیمه ب (TIAS ۴۲۸۱) قابل اجراء شد، جلب می کنیم.

اجراء شد، جلب می کنیم.

۳ همچنان که در مرجع (د) مشخص شد، وضعیت حقوقی گروه مخابرات در پاکستان طبق یک قرارداد وضعیت نیروها (SOF) تعیین می گردد، در حالی که گروه مشاورین کمک نظامی (مگ) جزئی

از سفارت بوده و پرسنل آن از «امتیازات مشابه همردیف هایشان در سفارت آمریکا برخوردارند» (TIAS ۲۹۷۶). تلاشهای سفارت برای یکسان نمودن برخورداری یگانهای مختلف نظامی در ایران از کنوانسیون وین به طور امیدوارکننده ای، موفق از آب درخواهد آمد. از طرف دیگر اگر دولت شاهنشاهی ایران از تعمیم مواد مندرج در مرجع (ب) به پرسنل غیرمستشاری خودداری ورزد، ضروری است که نسبت به وضعیت پرسنل گروه مشاورین کمک نظامی هیچ گونه شکی وجود نداشته باشد، علیرغم این مطلب که آنها از متن مرجع (ب) حذف شده اند، در این رابطه منطق زیر می تواند مفید باشد.

۴ دولت ایران با تصویب کنوانسیون وین تمایل خود را برای تعمیم وضعیت صحیح دیپلماتیک، امتیازات و مصونیتها به پرسنلی که جزئی از سفارت هستند، نشان داد. بنابراین هیچ گونه نیاز منطقی وجود نداشت که شرطی توضیحی برای آنان در مرجع (ب) درج شود. از طرف دیگر تعمیم وضعیت کنوانسیون وین به پرسنل هیئت نظامی آمریکا در ارتش ایران (آرمیش) و پرسنل نظامی آمریکا در ژاندارمری ایران (جنمیش) که از جهتی به عنوان بخشی از سفارت محسوب نمی گردند، به لحاظ وضعیت آنها آن گونه که در موافقتنامه های فعلی آرمیش و جنمیش پیش بینی شده، ضروری و لازم بود.

رویدادهای سیاسی کنوانسیون وین

سند شماره (۳۵)

از طریق: وزیر مختار تاریخ: ۷ نوامبر ۱۹۶۴ ۱۶ آبان ۱۳۴۳

از: مشاور سیاسی مارتین اف. هرتزبه: سفیر طبقه بندی: خیلی محرمانه

رویدادهای کنوانسیون وین سیاسی

در مدت غیبت شما، رویدادهای مربوط به لایحه وضعیت همه چیز را تحت الشعاع قرار داده است. این موضوع بر موقعیت دولت، روابط بین دولت و پارلمان، و روابط بین دولت و عناصر مخالف (مثلاً ملاها) تأثیر گذاشته و احتمالاً بر مواضع دولت در امور خارجی نیز تأثیر خواهد گذارد، گر چه مورد اخیر هنوز قطعی نیست آنچه قطعی است، این است که رژیم نسبت به این اتهام که در روابط خود با ما به طور نامشروع منافع ما را تأمین کرده است، بسیار حساس می باشد.

رأی گیری در مجلس در تاریخ ۱۳ اکتبر (۲۱ مهرماه م) انجام شد و نتیجه ۷۴ به ۶۱ بود. تجزیه و تحلیل کامل مذاکرات و رأی گیری در گزارش A ۱۹۵ گنجانده شده و شاید شما مایل به بررسی آن باشید. حزب ایران نوین نیز مشخص ساخت که تعداد افراد تصفیه شده، نزدیک به ۲۰ نفر است نه ۱۰ نفر. جدیدترین حرکت در مجلس این بود که در تاریخ ۵ نوامبر (۱۴ آبان م)، همان نمایندگان مخالفی که از لایحه انتقاد می کردند، ناگهان و بدون شک طبق دستورات شاه، تغییر موضع داده و از آن ستایش کردند. وقتی نخست وزیر به آقای راک ول گفت که این موضوع اتفاق خواهد افتاد، آقای راک ول گفته بود که حتما منطق نهفته در بیانات منصور که شنبه گذشته در مجلس سنا ایراد شده بود، نمایندگان را متقاعد کرده است و «نخست وزیر با شکسته نفسی کردن، تصدیق کرد که این موضوع صحیح است» (به یادداشت مذاکرات آقای راک ول به تاریخ ۴ نوامبر مراجعه کنید).

پس از ارسال گزارش A ۱۹۵، بر اساس شواهد مکفی، به این نتیجه رسیدیم که شاه احتمالاً

نمی توانسته که اجازه مخالفت با لایحه در مجلس، را داده باشد. ظاهر از آنچه که اتفاق افتاده بود از این قرار است که منصور، در نتیجه اعتماد به نفس بیش از اندازه، شاه را از صدور دستوراتی صریح به مخالفین برای دست کشیدن از مخالفت منصرف کرده بود. حال بسیاری از سپر بلاها شناخته شده اند، از جمله ارسنجانی، ناصر، دسیسه چینان دربار (از بهبودی نام برده شده) و حتی علم. ولی حقیقت مسلم این است که جناح مخالف به ناسیونالیزم مخفی و پرقدرت متوسل شده بود. همه به ما گفته اند که موضوع هنوز بسیار داغ و مطرح است. منصور و آرام بیش از حد نگران افکار عمومی افراد تحصیل کرده و نیمه تحصیل کرده است، می باشند. بدون شک بخش اعظم مردم نه از این موضوع خبری داشته و نه به این طور مسائل توجهی دارند. تبعید خمینی که به نظر ما در موقع مناسبی صورت نگرفته، بیش از هر چیز دیگری تبلیغات ناسیونالیستی علیه لایحه وضعیت را رواج داده است.

یکی از مشکلات عمده ای که ما داشته ایم این است که سفارت قادر نیست مستقیما با سوء تعبیرات مربوط به لایحه که در همه جا پخش شده است، مقابله کند. سخنان منصور در مجلس سنا به تاریخ ۳۱اکتبر (۹ آبان م) حاوی اشتباهات زیادی در مورد لایحه وضعیت بود و خود وی نیز در گفتگوی خصوصی با آقای راک ول به این موضوع معترف بود. لیکن تا جایی که به عموم مردم مربوط می شود، این سخنرانی با به حداقل رساندن شمول لایحه، فقط باعث سردرگمی بیشتر شده است. دولت ما را به سکوت دعوت کرده است. تنها کاری که می توانستیم انجام دهیم، ارائه یک گزارش از وقایع (تهیه شده

در بخش سیاسی) به افرادی بود که خواهان توضیحات خاصی بودند، ولی تعداد آنها نیز بسیار کم بود.

رابطه با آرمیش مگ در تمام این مدت بسیار نزدیک و مؤدبانه بوده است. ژنرال اکهارت به افرادش دستور داده که در مورد لایحه وضعیت صحبتی نکنند. ارتشیهای ایرانی ظاهرا از جمله مخالفین مصونیتهای ما نیستند. برعکس، مایلند که مستشاران ما در ایران بمانند و قادر باشند که عملکرد مؤثری داشته باشند. متأسفانه و علیرغم دستورات ژنرال اکهارت مبنی بر دقت خاص در رانندگی به ویژه در چنین شرایط بحرانی، چند تصادف رخ داده است. جدیدترین رویداد در رابطه با اخراج خمینی این است که دولت سعی می کند که «ستون پنجم» و ناصر(۱) را مقصر قلمداد کند. لیکن علت اصلی گسترش ناراحتی و سردرگمی فعلی این است که لایحه در ملاء عام به بحث و مناظره گذاشته نشده بود. ما می دانستیم که طوفانی در راه است ولی دولت تصمیم گرفت که ابتدا لایحه را به رأی بگذارد و پس از آن به ارائه توضیحات بپردازد. اما در مرحله دوم آنچنان مرعوب و نگران و افسرده شده بود که پس از رأی گیری بیش از دو هفته صبر کرد و سپس اقدام به ارائه توضیحات نمود. این امر سبب شد تا به مخالفین که برای پخش اخبار خود به رسانه های گروهی نیاز ندارند، فرصت تاخت و تاز داده شود، در حالی که دولت فقط امیدوار بود که موضوع فراموش شود.ام. اف. هرتز

تسری کاپیتولاسیون به نظامیان غیرمستشار آمریکایی

سند شماره (۳۶)

تاریخ: ۷ نوامبر ۱۹۶۴ ۱۶ آبان ۱۳۴۳ طبقه بندی: خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا تهران به: وزارت امور خارجه واشنگتن

تلگرام ارسالی به شماره ۵۲۵ جهت اطلاع: سرفرماندهی نیروهای ضربتی برای مشاور سیاسی

مرجع: تلگرام وزارتخانه به شماره ۳۸۷

۱ روی هم رفته ما تقریبا ۸۵۰ نفر پرسنل نظامی و غیرنظامی از وزارت دفاع در سمتهای مستشاری و دیگر فعالیتهای نظامی در ایران داریم که پنجاه نفر آنها وضعیت دوگانه، یعنی هم وضعیت وابستگی و هم وضعیت استخدامی دارند.

۲ اگر متن کنوانسیون وین فقط شامل پرسنل مستشاری باشد، احتمالاً وجود شرط جداگانه ای برای ابطال مصونیت مهم نمی باشد. هر چند اگر سعی داشته باشیم تا یگانهای مختلف دیگری را که وضعیت مستشاری آنها در بهترین وضعیت صوری و ظاهری است، تحت پوشش در آوریم (یگانهایی از قبیل: تیم نقشه برداری، رله تهران، رله مخابرات، مهندسین خلیج) پس بی فایده خواهد بود تا در این مورد بحث کنیم که قراردادی از نوع همکاری دفاعی مشترک (MDA) رسما شامل شرط ابطال مصونیت نمی باشد، آن گاه ایرانیها می توانند پاسخ دهند که اگر ما (آمریکاییها م) بخواهیم از الگویی پیروی کنیم که مصونیت را فقط شامل پرسنل مستشاری می گرداند، آنها مجبور خواهند بود که تعبیر دقیقی از عبارت «پرسنل مستشاری» به عمل آورند.

۳ ما یادآور می شویم که خود کنوانسیون وین در ماده ۳۲ حاوی شرط ابطال مصونیت است.

۴ آیا سوابق قضائی در مورد قراردادهایی از نوع (MDA) وجود دارد که شامل یگانهای مختلف، یعنی پرسنلی که وظایفی غیر از وظایف مستشاری انجام می دهند، نیز بشود؟ ظاهرا در پاکستان دو

۱- منظور جمال عبدالناصر رییس جمهور وقت مصر می باشد. م

گونه قرارداد وجود دارد که یکی، گروه مشاورین کمک نظامی (مگ) را تحت پوشش قرار می دهد و دیگری، یگان مخابرات را. آیا به عنوان نمونه، کشورهای دیگری نیز هستند که ترکیبی از این دو قرارداد را داشته باشند؟ ما اطمینان داریم که وزارتخانه تأیید می کند که اگر ما نتوانیم یگانهای مختلف را به وسیله کنوانسیون وین، تحت چهارچوب مترقی لایحه اخیر وضعیت قرار دهیم (که شرط ابطال مصونیت برای آن احتمالاً ضروری است)، امیدی نیست که بتوانیم در قرار داد جداگانه ای از نوع «قرارداد وضعیت نیروها» (SOF) این یگانها را تحت پوشش درآوریم. هیچ دولتی در ایران، در آینده قابل پیش بینی قبول نخواهد کرد با یک لایحه وضعیت دیگر، به مجلس برود.

۵ وزارت امور خارجه (ایران م) رونوشت توافقنامه اتیوپی در رابطه با حاکمیت قضائی را درخواست کرده است. دو عدد رونوشت که هر چه زودتر توسط پست هوایی ارسال گردد، درخواست می شود.راک ول

مارتین اف. هرتزسرگرد هارت

مشاور سیاسی سفیراز آرمیش مگ

رویدادهای حقوقی کنوانسیون وین

سند شماره (۳۷)

طبقه بندی : خیلی محرمانه تاریخ : ۷ نوامبر ۱۹۶۴ ۱۶ آبان ۱۳۴۳

از : مشاور سیاسی مارتین اف. هرتزبه : سفیر

از طریق : وزیر مختار

رویدادهای کنوانسیون وین حقوقی

لایحه ای که از تصویب سنا گذشت و مجلس هم آن را به تصویب رساند از نظر حقوقی ناقص

است، زیرا از لحاظ فنی تنها شامل حال آن دسته از پرسنل نظامی که «در استخدام دولت شاهنشاهی هستند،» می شود. تبادل یادداشتهای رسمی اولیه روشن ساختند، چه کسانی باید تحت پوشش لایحه قرار گیرند. مشکلات حقوقی فعلی ما، از این حقیقت ناشی می شود که دولت در حالی که اظهار می دارد که این لایحه در عمل برای اعطای پوششی که ما در یادداشت ۲۹۹ مشخص کرده ایم، تهیه شده است ولی اکراه دارد که کتبا تأیید کند که ما از این پوشش برخورداریم. در این مورد جدیدترین مذاکرات در ۵ نوامبر بین آقای آرام و آقای راک ول انجام شد. یادداشت مذاکرات آقای راک ول در آن تاریخ به بهترین شکل موضع ما را مشخص می نماید:

«من گفتم که ما نمی توانیم با این نظر در رابطه با اعتبار یادداشتهای مبادله شده، موافقت کنیم. آن نظر بیانگر یک توافق میان دولتین ما می باشد و مجلس آن را به صورت مشخصی رد نکرده بود، بنابراین هنوز به قوت خود باقی است. اگر این حقیقت که این قانون بعد از تبادل یادداشتها تصویب شده است، برای وزیر مزاحمت ایجاد می کند، ما کاملاً مایلیم یادداشت جدیدی که همان مطالب را تکرار کند، مبادله کنیم. زیرا به نظر می رسید که هر دو طرف توافق دارند که این قانون آنچه را که طرفین خواستار آن بودند، برآورده می کرد. با توجه به تفسیرهای گوناگونی که علنا در مقابل این قانون قرار داده شده است، چند تأیید کتبی الزامی می نمود.

در آینده و آن زمانی که مقامات رسمی هر دو طرف که به این موضوع رسیدگی کرده اند، دیگر بر

سر کار نباشند، باید مدارکی کتبی که موارد مورد توافق طرفین را نشان می دهد، وجود داشته باشد و این روشن می سازد که چرا ما اهمیت زیادی برای این تبادل یادداشتها قائل هستیم و نمی توانیم بپذیریم که آنها دیگر اعتبار ندارند. وزیر امور خارجه گفت که او هنوز هم بایستی خودش را متقاعد سازد که مطلب از همین قرار است.»

قبلاً در یک گفتگو، میرفندرسکی پرسید که آیا ما احتمالاً مایل هستیم مطابق با عبارت قرارداد وضعیت نیروها، مشخص سازیم که در مواردی با اهمیت ویژه، مصونیت را لغو کنیم. آقای راک ول سؤال کرد که آیا در آن صورت، پوشش صحیح در یادداشت ۲۹۹ ما را تأیید خواهند نمود. میرفندرسکی ضمن تأیید اینکه با مسئولین مافوقش مشورت نکرده است، جواب مثبت داد. ما این ایده را به طور آزمایشی با وزارتخانه (آمریکا م) در میان گذاشتیم (بدون اشاره به گفته های میرفندرسکی)، ولی واکنش اولیه مطلوب نبود، زیرا شروط ابطال مصونیت در موافقتنامه های مربوط به یگانهای نظامی(SOF) به کار برده می شود و نه در موافقتنامه های مربوط به هیئتهای مستشاری (MDA). به هر حال روشن نیست که آیا واشنگتن به اندازه کافی این مطلب را که اگر فقط آرمیش مگ و جنمیش (پرسنل مستشاری واقعی) تحت پوشش کنوانسیون وین قرار گیرند و در نتیجه بیش از یک سوم پرسنل نظامی ما در این کشور از این امتیازات محرم خواهند شد، تأیید خواهد کرد.

اوضاع با نطق نخست وزیر در مجلس سنا در تاریخ ۱۳۱اکتبر (۹ آبان م) پیچیده تر شد (مروری بر تلگرام ۴۹۹ سفارت، در صورتی که آن را در واشنگتن ملاحظه نکرده اید، می تواند مفید باشد). گزارش می شود که وی در نطقش ادعا نموده است که خانواده های مستشاران تحت پوشش قرار نمی گیرند و این مصونیت تنها شامل جرائم ارتکابی در حین انجام وظیفه می شود (بدون تمایزی میان دعاوی جنایی و دعاوی مدنی) و تنها تعداد مشخصی از اعضای هیئتهای مستشاری تحت پوشش قرار

می گیرند. اگر چه بعدا هنگامی که آقای راك ول در مورد این اشتباهات از او توضیح خواست، منصور از مواضع خود عقب نشینی کرد، اما تصحیح اشتباهات او به اطلاع عموم نرسیده است. حتی وزارت امور خارجه (ایران م) نیز از آنها و همچنین از این نوشته بی اطلاع است. اینها نکاتی از تعابیر پیرامون کنوانسیون وین و قانون وضعیت است که واقعا امکان ندارد در آنها حرفی باشد. مگر اینکه از طرف ایرانیان سوءنیتی در کار باشد.

یکی از نکاتی که ایرانیان در پذیرش آن اکراه دارند و اگر آن را بپذیرند، مشکلات حقوقی فعلی از میان برداشته می شود، قبول هدف یادداشت اولیه ایران به شماره ۸۲۹۶ می باشد که در آن اظهار می دارند که به اجراء درآوردن کنوانسیون وین در مورد پرسنلی که « در خدمت دولت شاهنشاهی هستند»، نیازمند تصویب مجلس است. ما از این جمله این طور استنباط کردیم که آنها برای اجرای کنوانسیون در مورد سایر پرسنل مشکلی ندارند، بلکه تنها مایلند این خلاء قانونی را پر کنند. این همچنین مفاد جوابیه ما در یادداشت ۲۹۹ بود که ایرانیان آن را پذیرفته و به عنوان جزء لازم توافقنامه، تقدیم مجلس کردند. اما در مذاکرات مجلس، دولت این گونه موضعگیری کرد که لایحه فوق، خود ابزاری برای اجرای کنوانسیون وین در مورد پرسنل مستشاری ماست. آنها هرگز مایل به قبول این اصل حقوق بین الملل که بر طبق آن قوه مجریه مسئول تعیین افراد بهره مند از امتیازات دیپلماتیک می باشد، نبوده اند. از طرف دیگر به تبادل یادداشتها (در حالی که جزئی از قانون نیست) در مذاکرات

مجلس اشاره شد، ولی هرگز هیچ گونه اشاره ای ضمنی محدود کننده، شنیده نشد.

شاید لازم باشد برای گشودن این گره کور، به همان طریقی که در رابطه با «دلاور»(۱) از معضلات قانونی رها شدیم، مستقیم نزد شاه برویم. کسانی که ما با آنها سرو کار داریم می ترسند کاری انجام دهند. نمونه بارز این مسئله میرفندرسکی است که به کاردار ما گفته است که وی هدف انتقادهای بیشتری قرار گرفته است و از این مسئله که موضوع کنوانسیون وین «شغل او را به خطر اندازد»، نگران می باشد. به آسانی می توان تصور کرد که چنین شخصی از اینکه علنا به دولت توصیه نماید تا کتبا آن پوشش کاملی را که ما در ابتداء خواستار بودیم به طور کامل به رسمیت بشناسد، چقدر اکراه دارد. برای چنین اشخاصی، پا جای پای دیگران گذاردن، تأخیر انداختن، بحث کردن و بغرنج کردن موضوع، بسیار کم خطرتر است.

ما در تماس نزدیک با آرمیش مگ بوده ایم و کلیه تلگرامهای ما راجع به جنبه های حقوقی، کاملاً با آنها هماهنگ شده است.

ضمیمه: پس از تایپ این یادداشت خبر رسید که وزیر امور خارجه (ایران م) به کاردار ما گفته است که «او هر آنچه را که تاکنون در رابطه با کنوانسیون وین واقع شده (و احتمالاً بحثهای حقوقی ما) را برای شاه فاش کرده است» و شاه به او دستور داده است که « آن یادداشتی را که ما می خواهیم، برای ما بفرستند». تا ببینیم چه پیش خواهد آمدمارتین. اف. هرتز

سخنرانی نخست وزیر در توجیه احیای کاپیتولاسیون

سند شماره (۳۸)(۲)

تاریخ: ۱۹ آبان ۱۳۴۳ ۱۰ نوامبر ۱۹۶۴

نخست وزیر بنده باید در اینجا عرض بکنم، همین طوری که آقای رامبد اشاره فرمودند، بنده در

مجلس سنا توضیح لازم را دادم. چون در موقع طرح لایحه مستشاران نظامی آمریکا و همچنین در موقع طرح قرارداد وین توضیحات کافی داده نشده بود، بنده در مجلس سنا تکمیل کردم و آنچه لازم بود به استحضار رساندم و خیلی خوشوقتم که روز پنجشنبه در ساحت مجلس، این مسئله باز مطرح شد و بنده باز مجددا در اینجا عرض می کنم که ملت ایران و دولت ایران و شاهنشاه ایران واقعا والاتر و ارجح اند به اینکه این افکار بتواند کوچکترین رسوخی در حقیقت بنیان سیاست این مملکت بکند یکسان شود.(صحیح است) بودن چند کارشناس خارجی در قسمتهای اقتصادی و نظامی، خاصه به اینکه با توضیحات کافی، مشابهی به عناوین مختلف و به صور مختلف با قراردادهای گوناگون، منطبق با مصالح هر ملت و هر کشوری یا در کادر بین المللی، منطقه ای و یا به طور متقابل و دو جانبه، مسائل را طوری برای ما روشن کرده که دیگر هر گونه توهمی در اینکه واقعا در این راه شود چنین افکاری

۱- دلاور نام مانوری است که در بهار سال ۱۳۴۳ به طور مشترک میان نیروهای ایران و آمریکا در ایران انجام شد. در ارتباط با این مانور یک توافقنامه موقت در مورد وضعیت قانونی نیروها از نظر بهره مندی از مصونیت برقرار شد که به تصویب مجلسین ایران نرسید و با تأیید شاه امضاء گردید.م

۲- در جلسه ۱۱۳ مجلس شورای ملی به تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۴۳ حسنعلی منصور بار دیگر سخنانی پیرامون لایحه کاپیتولاسیون ایراد نمود و سعی کرد که مخالفتهای انجام شده با این لایحه را محکوم کند و در ضمن به یادداشتهای مبادله شده میان ایران و آمریکا نیز اشاره نمود. ترجمه این سخنان در میان اسناد لانه جاسوسی به دست آمد. اما برای دقت بیشتر از متن فارسی سخنان منصور موجود در آرشیو مجلس استفاده شد.م

تأثیر کوچکی داشته باشند، از بین برده است. بنده علاوه بر اینکه اشاره کردم به کشورهای مختلفی که در اروپا، در آمریکای جنوبی، در آسیا، در خاور دور، در خاورمیانه و در آفریقا به صور مختلف با قراردادهای مختلف و با شرایط مختلف این امتیازات را روی احتیاجات زمانی داده اند و آن فکری را که دیگر امروز در سیاست بین المللی ما، کوچکترین حس حقارتی نباید داشته باشیم. یک ملتی یک دولتی که کاملاً به استقلال اقتصادی و سیاسی خودش واقف و آگاه است و کوچکترین توهمی در این باره نمی رود، این مسائل ذکرش دون شأن ملت ایران است (صحیح است) و واقعا باید این افکاری را که جز سمپاشی و غرض ورزی و جز جنگ اعصاب، نظر دیگری ندارند، بکلی از بین برد و نگذاشت که ملت واقعی ایران، همان ملتی را که شما با آنها رو به رو هستید، همان ملتی را که ما دیروز در شیراز و خوزستان و کهکیلویه و بویر احمد، با آن در تماس بودیم، آنها چیز دیگری را از این ملت و از این دولت و از این رهبر و از این دستگاه می خواهند. آنها دیگر فکر نمی کنند به یک افکار مخربی که روی غرض ورزی و روی منافع شخصی و روی منافع سیاسی این مسائل را عنوان می کنند و خیلی دور از حقیقت است، فکر نمی کنند. علاوه بر اینکه (در) کشورهای دیگر همان طوری که عرض کردم، به انحاء مختلف این امتیازات سیاسی نسبت به یک هیئتهایی که کاملاً جنبه عادی و معمولی دارد، حتی در خود ایران هم ما در سال ۱۳۳۰ به هیئت فنی همکاریهای اقتصادی آمریکا در ایران این امتیازات را داده ایم و مسئله تازه ای نیست، چون یک هیئتی بوده است که در ایران خدمت می کرده است و در موقعی که واقعا ما نیازمند کمکهای وسیع اقتصادی دولت آمریکا بودیم، در آن موقع این هیئتها در کلیه ممالک دیگر هم مشابه این عمل کرده اند و این هیئتها در آنجا انجام وظیفه می کردند.در دولت وقت ایران، در زمان آقای دکتر مصدق هم این امتیاز و مصونیتهای سیاسی به آنها داده شده، بلکه خیلی کاملتر و آنها را در ردیف سفرا و وزرای مختار و در ردیف اعضاء سفارت آمریکا

گذاشته اند. برای اینکه جلوگیری از طول کلام بشود، بنده متن قانون را نمی خوانم ولی در سال ۱۳۳۰ بین رئیس دولت وقت و دولت ایالات متحده آمریکای شمالی، همچنین در سال ۱۳۴۰ در هنگام دولت اسبق، بین دولت شاهنشاهی ایران برای تسهیلات و به وجود آوردن روابط اقتصادی و پیشرفت هیئت همکاریهای اقتصادی آمریکا، تصویب نامه قانونی گذشت که همین امتیازات سیاسی را به این هیئت به طور کامل داد. چون طرز کار عوض شده و اصل چهار به هیئت همکاریهای فنی تبدیل شده بود یک تصویب نامه قانونی گذشت که شامل تمام مصونیتهای سیاسی به علاوه معافیتهای مالیاتی و گمرکی و در تاریخ ۷/۴/۴۳ در مجلس شورای ملی هم تصویب شد و به مجلس سنا فرستاده شد و هیچ نکته ای هم درباره این گفته نشد. در دولت گذشته هم روی نیازی که دولت ایران نسبت به هیئت مستشاران آمریکا، به عنوان کارشناس در ارتش ایران، آن هم روی احتیاجی که وسایل و تجهیزات ما تماما از آمریکا وارد شده است یا اعطا شده است و یا خریده شده است، دولت وقت تصویب نامه ای گذراند. موافقتنامه ای بین دولت ایران و سفارت آمریکا امضاء و مبادله کردند. یادداشتی مبادله کردند که آن هم مربوط می شد به تقدیم چنین لایحه ای به مجلس سنا که پس از تصویب مجلس سنا به مجلس شورای ملی تقدیم شد و از مجلس شورای ملی هم گذشت و امروز به دولت ابلاغ گردیده، بنده تصور می کنم، خاصه اینکه می دانم نمایندگان محترم ملت تا چه حد نسبت به نیروی دفاعی مملکت اهمیت و احترام دارند (صحیح است)چطور ممکن است با تمام سوابقی که در سایر کشورها دیده

می شود و سوابقی که عینا وسیعتر در خود ایران از ۱۳۳۰ تا به حال سه قرارداد، سه موافقتنامه، سه قانون امتیازات سیاسی گذشته است، خیلی کاملتر و خیلی وسیعتر، چطور شد نسبت به این موضوع تا این حد افکار عمومی را متأسفانه خواستند، منحرف بکنند و افرادی بودند که نظری غیر از کارشکنی و اخلال در مملکت نداشتند (صحیح است) خوشبختانه در مجلس شورای ملی، روز پنجشنبه کاملاً نمایندگان محترم اتحاد و اتفاق نظر خود را اعلام داشتند و این افکاری را که در خارج از مجلس بنده تذکر دادم که متأسفانه ممکن بود تأثیر بکند در روحیه مردم، بکلی از بین برود (فولادوند اگر چنین فکری بوده است در خارج از مجلس بوده است) و امروز به عنوان تشکر جناب آقای سرتیپ پور، در مجلس شورای ملی عرایضی می کنم نه به عنوان ایراد بلکه جنبه تشکر دارد. بنده هم چندین بار عرض کردم، البته باز هم در مجلس سنا گفته شد که رئیس و اعضای هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران که با تأیید دولت، انجام وظیفه می کنند طبق قرارداد بین المللی وین از مزایای مربوط به کارمندان اداری و نفتی به شرح مندرج در بند ۲ ماده ۳۷ قرارداد مزبور استفاده می نمایند پس از ابلاغ قانون که لایحه آن منضم به دو فقره یادداشت وزارت امور خارجه ایران و سفارت کبرای آمریکا در تهران که به مجلس تقدیم شده و در متن قانونی با توجه به مفاد آن به تصویب رسیده است، از طرف دولت عینا عمل خواهد شد و بدیهی است همان طوری که در مجلس سنا اشاره شد، کارمندان غیر فنی که در هیئت مستشاری نظامی خدمت می کنند. ولی جزء اعضای هیئت مورد تأیید دولت قرار نگیرند، نه خود و نه خانواده آنها مشمول قانون مصوبه نخواهند بود که آن هم عینا در کنوانسیون وین و قرارداد وین مندرج است و نه دولت می تواند از قانون مصوب مجلس قدمی فراتر بگذارد و نه توجیه و یا توضیح دیگری می تواند کوچکترین تغییری در امر قانونگذاری بدهد. پس بنده در اینجا استفاده کردم با تشکر از مجلس شورای ملی در غیاب بنده روز پنجشنبه و توجه به اینکه واقعا نیات بزرگ نمایندگان

همیشه از بین برنده افکار ناسالمی است که در خارج از مجلس گفته و شنیده می شود و این مذاکرات

مجلس روز پنجشنبه بسیار حسن اثر داشت و مردم از مجلس شورای ملی که واقعا حافظ حقوق ملت

ایران است، متشکر گردیدند. این توضیحی هم که بنده دادم، هم تشکر بود و هم اشاره بود به مذاکرات

مجلس سنا و مطالبی که صرفا مربوط می شد به کارمندان غیر فنی و خانواده آنها که ایجاد توهم کرده

بودند و بنده در مجلس عنوان کردم که کارمندان غیر فنی و خانواده آنها که جزء لیست اعضاء و رئیس

هیئت مستشاری نیستند، به هیچ وجه من الوجوه شامل آن مزایایی که قرارداد وین تعیین کرده و قانون

تصریح دارد، نمی شود.

پیش نویس پیشنهاد جدید آمریکا در مورد لایحه کاپیتولاسیون

سند شماره (۳۹)

تلگرام وارده به شماره ۴۱۳تاریخ: ۱۳ نوامبر ۱۹۶۳ ۲۲ آبان ۱۳۴۳

از: وزارت امور خارجه واشنگتن به: سفارت آمریکا تهران

پیام مشترك وزارتخانه های امور خارجه و دفاعطبقه بندی: خیلی محرمانه

مرجع: تلگرام سفارت به شماره ۴۹۵ و تلگرام وزارتخانه به شماره ۴۰۳

آنچه در زیر می آید، متن پیشنهادی یادداشتی است که باید در زمانی کاملاً مناسب تحویل گردد.

اگر فکر می کنید که بهتر است تا بعد از امضاء لایحه صبر کنید، لطفا مقامات ذی ربط ایرانی را از این

نیت ما، مطلع نمایید. پیشنهاد می شود که خاطرنشان سازید بیانیه ای صریح در مورد قصد ما از در نظر گرفتن الغاء مصونیت، غفلت ایرانیان در پذیرش «نحوه رسیدگی به دعاوی جنایی» را تا حدی جبران می کند. مسئله ای که نسبت به اکثر توافقنامه های وضعیت نیروهای ما (SOF) در دیگر کشورها، نفع کمتری برای ایرانیان در بر دارد.

«سفارت ایالات متحده آمریکا ضمن اظهار تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی، افتخار دارد که به تبادل یادداشتهای نوامبر و دسامبر ۱۹۶۳ در رابطه با وضعیت اعضای هیئتهای نظامی ایالات متحده در ایران اشاره نماید (یادداشت وزارت به شماره ۸۲۹۶ به تاریخ ۱۷ نوامبر ۱۹۶۳ و یادداشت سفارت به شماره ۲۹۹ به تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳).

سفارت اطلاع دارد که لایحه دولت شاهنشاهی ایران در مورد امتیازات و مصونیتهای اعضای هیئتهای نظامی ایالات متحده در ایران توسط مجلسین شورای ملی و سنا تصویب شده است. این سفارت با توجه به یادداشت شماره ۸۲۹۶ وزارت، این گونه برداشت می کند که هدف این لایحه تعمیم مفاد کنوانسیون به اعضاء هیئتهای نظامی ایالات متحده در ایران و اهل خانه آنها می باشد، همان گونه که در یادداشت شماره ۲۹۹ سفارت و در ماده ۳۷ کنوانسیون وین توضیح داده شده است. با توجه به این برداشت و مطابق با مفاد ماده ۳۲ کنوانسیون وین، سفارت می تواند، تأیید نماید که مقامات ایالات متحده در رابطه با درخواست مقامات دولت شاهنشاهی ایران در خصوص لغو مصونیت در مواردی که مقامات دولت شاهنشاهی ایران آنها را حائز اهمیت ویژه تشخیص دهند، توجه خاص مبذول خواهند داشت. سفارت پیشنهاد می کند که پاسخ وزارت (امور خارجه ایران م) به این یادداشت، موافقت دولت شاهنشاهی ایران در مورد تفاهمات فوق الذکر را تشکیل خواهد داد و نیز جواب مناسب و قانع کننده ای به یادداشت شماره ۴۲۳ سفارت به تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ خواهد بود».

بعد از اینکه مبادله یادداشتها به نتیجه رسید، باید با وزارت امور خارجه (ایران م) در مورد پاراگراف ۴ از یادداشت سفارت به شماره ۴۲۳ مورخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ در رابطه با وضعیت پرسنل ارشد مشخص، تماس گرفته شود. سفارت می بایست پیشاپیش دولت ایران را از نیات ما در این رابطه آگاه سازد و پیش نویس یادداشت مربوط به تعیین افرادی که برای آنها درخواست وضعیت دیپلماتیک شده است را به واشنگتن ارسال دارد. لطفا کپیهای تأیید شده از کلیه یادداشتهای موجود پس از یادداشت شماره ۴۲۳ که مربوط به مسائل لایحه وضعیت می باشد و نیز تبادل یادداشتهای پیشنهادی جاری را هنگامی که به نتیجه رسید، به وسیله بسته پستی ارسال دارید.راسک

متن مذاکرات در مورد شمول لایحه کاپیتولاسیون

سند شماره (۴۰)

ایران تلگرام ارسالی به شماره ۵۵۲تاریخ: ۱۴ نوامبر ۱۹۶۴ ۲۳ آبان ۱۳۴۳

از: سفارت آمریکا تهرانبه: وزارت امور خارجه واشنگتن

جهت اطلاع: سرفرماندهی نیروهای ضربتی برای مشاور سیاسی کنوانسیون وین، لایحه وضعیت

طبقه بندی: خیلی محرمانهمرجع: تلگرام سفارت به شماره ۴۹۹

به هنگام پیگیری موضوع برای وادار کردن نخست وزیر جهت اطلاع متن سخنرانی ۳۱اکتبر (۹ آبان م) وی، آن چنان که قول داده بود؛ حقیقت جالب تازه ای پدیدار شد. در مذاکره با یگانه، وزیر

مشاور در امور پارلمانی، به ما گفته شد که هیچ گونه شکی در مورد تداوم اعتبار یادداشتهای مبادله شده رسمی، نمی تواند وجود داشته باشد زیرا در لایحه وضعیت به آن مدارک نیز اشاره شده است. یگانه پافشاری کرد که شماره های ذکر شده در سطر اول لایحه (ضمیمه شماره ۱ از تلگرام ۱۹۵A)، به کنوانسیون وین ربطی ندارد، اگر چه این طور توسط سنا به ما گفته شده بود و وزارت خارجه هم معتقد است. بلکه مربوط به یادداشتهایی است که به لایحه اصلی دولت ضمیمه و به سنا تقدیم گردیده بود. یگانه پیشنهاد کرد که این موضوع را به صورت کتبی برای ما ارسال دارد. او حتی کار بهتری کرد و برای نطق بعدی نخست وزیر متنی را نوشت که در تاریخ ۱۰ نوامبر (۱۹ آبان م) ایراد شد. در آن نطق منصور به این واقعیت اشاره نمود که قانون وضعیت به اصل لایحه تقدیمی دولت و یادداشتهای مبادله شده، اشاره دارد و «با توجه کامل به مفاد آنها به تصویب رسیده است» (یعنی مفاد یادداشتها). این اظهارات برای ما به هنگام تماسهای بیشتر با وزارت امور خارجه (ایران م) بی نهایت مفید خواهد بود. وزارت خارجه هنوز نگران تفاوت بین آرمیش و مگ است و به اکراه خود در مورد تأیید کتبی شمول صحیح لایحه، ادامه می دهد، زیرا این وزارتخانه هنوز هدف انتقاداتی، پیرامون ویژگی حیطه مصونیتها می باشد. در رابطه با شمول خانواده ها در لایحه، نخست وزیر توضیحات مفید، اما نسبتا مبهمی ارائه داد. او انتقاداتی را که بر لایحه وضعیت وارد می آید، شدیدا مورد حمله قرارداد و گفت که در حال تصحیح سخنان نادرست دشمنان خویش است. سپس مشخصا اظهار داشت که «رئیس و اعضای هیئت مستشاری آمریکا در ایران که مشغول انجام وظایفی با تأیید دولت می باشند، بر طبق کنوانسیون وین از امتیازات مقرر در بند دوم ماده ۳۷ آن موافقتنامه برخوردار هستند». اگر چه فقط تنی چند از مستمعین وی قادر بودند، بفهمند که بند دوم ماده ۳۷ مشخصا شامل خانواده ها می شود، ولی ما نمی توانیم به این تصحیح خرده بگیریم. بدیهی است که نخست وزیر مایل نبود که این مسئله بر ملا

شود که سخنرانی قبلی او حاوی اشتباه خیره کننده ای بوده است. ضمنا مطبوعات توجه کمی به این توضیحات کرده اند و یک روزنامه (تهران ژورنال) با ادعای اینکه منصور در سخنرانی اخیر، اعتراف کرده است که خانواده ها و «کارکنان اداری» هیئت اعزامی ما تحت پوشش لایحه وضعیت قرار نمی گیرند، حتی رواج بیشتری به اظهارات نادرست قبلی داد. بدین ترتیب، گرچه سوابق موجود در مجلس اکنون خیلی اصلاح شده اما تا آنجا که به عموم مربوط می شود نظریات مربوط به حیطه محدود لایحه که منصور در نطق ۳۱اکتبر (۹ آبان م) خود ایجاد کرده بود، هنوز وجود دارد. حتی به نظر نمی رسد که جو عمومی پیرامون لایحه وضعیت خیلی بهبود یافته باشد. ما هر روز شواهد بیشتری مبنی بر گسترش این باور که دولت و مجلس «کاپیتولاسیون» را پذیرفته اند، دریافت می کنیم. با توجه به وضعیت، هنوز بسیار مهم است که ما قادر باشیم شرایط الغاء مصونیت را با هدف روشن کردن موضوع، یک بار و برای همیشه پیشنهاد کنیم.

هلمز

مارتین. اف. هرتز

مشاور سیاسی سفیر

اصرار دولت آمریکا بر دریافت سند توضیحی در مورد شمول لایحه کاپیتولاسیون

سند شماره (۴۱)

تلگرام وارده به شماره ۴۱۹تاریخ: ۱۶ نوامبر ۱۹۶۴ ۲۵ آبان ۱۳۴۳

از: وزارت خارجه (آمریکا م)به: سفارت آمریکا تهران، ایران

جهت اطلاع: سرفرماندهی نیروهای ضربتی برای مشاور سیاسیطبقه بندی: خیلی محرمانه

مرجع: تلگرام سفارت به شماره ۵۵۲

با توجه به تفسیر «آقای یگانه» آن گونه که در تلگرام مرجع آمده بود، داشتن متن رسمی لایحه دولت به شماره ۱۸/۲۲۹۱/۲۱۵۷ مورخه ۲۵/۱۱/۱۳۴۲ و ضمائم آن مفید خواهد بود. آیا در زبان فارسی برای عبارت «در استخدام دولت شاهنشاهی» که در لایحه نهایی درج شده، معادل مناسبتری وجود دارد؟ عبارتی که نخست وزیر بدین شکل «کسانی که وظایف خود را با تأیید دولت انجام می دهند» در سخنرانی خود در تاریخ ۱۰ نوامبر (۱۹ آبان م) در مجلس به کار برد، به نظر مفیدتر می رسد و ما نمی دانیم که این دو عبارت در فارسی چگونه مقایسه می شوند.

با این موضوع موافقیم که برای ایالات متحده پیشنهاد شرط الغاء مصونیت مهم است، ولی معتقدیم با توجه به عبارات تأسف آور لایحه و ادامه سوءتفاهم عمومی در این مورد آن گونه که در تلگرام مرجع آمده است گرفتن سندی توضیحی در مورد شمول لایحه نیز از اهمیتی برابر برخوردار است.

بنابراین ما از مبادله یادداشتها آن گونه که در پیام مشترك وزارت خارجه و دفاع (آمریکا م) طی تلگرام وزارت خارجه به شماره ۴۱۳ منعکس شده، جانبداری می کنیم. تلگرام مزبور باید قبل از تهیه پیش نویس تلگرام مرجع به دست شمار رسیده باشد. در صورتی که تلگرام مزبور را دریافت نکرده اید لطفا به ما اطلاع دهید.راسك

عدم اظهارنظر کمونیستها در مورد لایحه وضعیت

سند شماره (۴۲)

تاریخ: ۱۷ نوامبر ۱۹۶۴ ۲۶ آبان ۱۳۴۳

از: سفارت آمریکا تهران، ایرانبه: وزارت خارجه (آمریکا م)

تلگرام هوایی صادره به شماره: A ۲۵۰ جهت اطلاع به : بغداد، قاهره، هنگ کنگ، کویت، لندن، مسکومرجع: تلگرام هوایی سفارت به شماره A ۱۹۵ به تاریخ ۲۷ اکتبر ۵ آبان و تلگرام هوایی به شماره A ۲۳۳ به تاریخ ۱۰ نوامبر ۱۹ آبان.طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: عدم اظهار نظر کمونیستها در مورد لایحه وضعیت

با توجه به خشم مفرطی که در اینجا به دنبال تصویب لایحه وضعیت (در مورد اعطای مصونیتهای مندرج در کنوانسیون وین به پرسنل نظامی ایالات متحده) ایجاد شده و در کنار اتهامات «کاپیتولاسیون» و دیگر شعارهای ناسیونالیستی و زمزمه های ضدآمریکایی، قابل توجه است که شاهد هیچ گونه اظهار نظر کمونیستی از منابع آشکار یا پنهان تبلیغاتی، در این مورد نبوده ایم.

تا آنجا که ما می دانیم نه رادیو مسکو در برنامه فارسی خود و نه ایستگاههای رادیویی مخفی مانند «صدای ملی ایران» و «پیک ایران»، فرصت موجود را جهت بهره برداری از آنچه که کمونیستها آن را یک فرصت عمده تبلیغاتی تلقی می نمایند، مغتنم نشمرده اند.با وجودی که یک منبع عالیرتبه وزارت خارجه (ایران م) در نزد ما ادعا کرده که یک بار رادیو پکن وارد معرکه شده و با تبلیغات خود،

بدگمانیهای موجود پیرامون «کاپیتولاسیون» را پروبال داده است، ولی استعلام ما از «سرویس بین المللی رادیوهای خارجی» در لندن حاکی از آن است که هیچ گونه تبلیغاتی علیه لایحه وضعیت و یا زمزمه های «ضد ایرانی» از این رادیو پخش نشده است. تنها تبلیغات خارجی پیرامون این موضوع منحصرا از منابع عربی صادر گردیده است. به نظر می رسد کمونیستها از کنار این مسئله گذشته اند.

از طرف سفیر مارتین. اف. هرتز

کنسول سفارت در امور سیاسی

گروه ۳ با فواصل زمانی ۱۲ ساله از طبقه بندی کاسته شود، به طور اتوماتیک از طبقه بندی خارج نشود.

پذیرش درخواست آمریکا توسط نخست وزیر

سند شماره (۴۳)

تلگرام صادره به شماره ۵۶۶تاریخ: ۱۸ نوامبر ۱۹۶۴ ۲۷ آبان ۱۳۴۳

از: سفارت آمریکا تهران، ایران به: وزارت امور خارجه واشنگتن

جهت اطلاع: سرفرماندهی نیروهای ضربتیطبقه بندی: خیلی محرمانه

مرجع: تلگرام وزارت خارجه به شماره ۴۱۹

ما امیدواریم که دولت ایران خیلی زود با مبادله یادداشتهای جدید طبق خط مشی مندرج در تلگرام وزارت خارجه به شماره ۴۱۳، موافقت نماید (این تلگرام درست پس از ارسال تلگرام سفارت به شماره ۵۵۲، در سفارت توزیع شد). روز گذشته نخست وزیر به من گفت که یادداشت پیشنهادی، که پیش نویس آن را من به وزارت خارجه (ایران م) داده بودم، را بررسی کرده است و انتظار دارد مبادله یادداشت در آینده نزدیک صورت پذیرد. پیش نویسی که ما تهیه کرده بودیم، در مقایسه با تلگرام ۴۱۳

وزارت خارجه (آمریکا م) اصلاحاتی جزئی در بر دارد. به زودی مبادله کامل یادداشت و همچنین متن لایحه شماره ۲۲۹۱/۲۱۵ دولت با پیک سیاسی ارسال خواهد شد.

هلمز

مارتین اف. هرتزسرگرد هارت

مشاور سیاسی سفیرآرمیش مگ

تشریح اظهارات نخست وزیر در مورد لایحه وضعیت

سند شماره (۴۴)

تلگرام هوایی به شماره ۲۵۷ Aتاریخ: ۱۹ نوامبر ۱۹۶۴ ۲۸ آبان ۱۳۴۳

از: سفارت آمریکا تهران، ایران به: وزارت خارجه واشنگتن

مرجع: تلگرامهای سفارت به شماره های ۴۹۹، ۵۱۱، ۵۵۲ نوامبر ۱۹۶۴.

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: تشریح اظهارات نخست وزیر در مورد لایحه وضعیت

خلاصه: این تلگرام هوایی در ارتباط با روشن کردن اذهان عمومی در مورد مفهوم دقیق لایحه وضعیت می باشد. در نتیجه سخنرانی نخست وزیر در مجلس سنا در تاریخ ۳۱اکتبر (۹ آبان م) که حاوی اشتباهات جدی متعددی بود، توضیح بعضی از نکات ضروری گردید (در تلگرام جداگانه ای به

تشریح نکات دیپلماتیک و حقوقی که ربطی به اظهارات نادرست در مورد لایحه وضعیت نداشته، بلکه با ماهیت ناقص این لایحه و چند نکته مبهم دیگر که به یادداشتهای مبادله شده بر می گردد، به تفصیل پرداخته خواهد شد). ما با تکیه بر سخنرانی نخست وزیر در تاریخ ۱۰ نوامبر (۱۹ آبان م)، قادر به تأیید این مطلب هستیم که تا جایی که به اشخاص آگاه به لایحه وضعیت مربوط است، سوء تعبیرها تصحیح شده، ولی افکار عمومی هنوز هم مانند سابق در مورد لایحه وضعیت دچار سردر گمی است. مهمترین و مثبت ترین نتیجه ناشی از توضیحات نخست وزیر که نتیجه مذاکرات ما با او بود، این است که وی اعتبار یادداشتهای مبادله شده را که دقیقتر از لایحه مصوب پارلمان ایران است، مورد تأیید قرار داد.

در نتیجه تحریک افکار عمومی با پخش این شایعه که لایحه وضعیت پرسنل نظامی آمریکا را از امتیازات بیش از حد و با حیطه وسیعی برخوردار می کند،نخست وزیر حسنعلی منصور در سخنرانی ۱۳۱اکتبر خود در مجلس سنا تلاش کرد تا میزان امتیازات تفویض شده را به حداقل رسانده و در این مسیر، اظهارات تأسف باری ایراد کرد. حسنعلی منصور علاقه بسیاری به سخنرانی فی البداهه دارد و احتمال دارد واقعا در مورد لایحه ای که از آن در مقابل مجلس دفاع کرد، دچار سردرگمی و گیجی بوده است. ولی این احتمال هم وجود دارد فردی که مایل بوده سوابق به طرز نادرستی ضبط گردد تا مصونیتهای پرسنل نظامی آمریکا به حداقل رسانده شود، او را وادار به بیان این نکات کرده باشد. به هر حال طبق سوابق منتشره از صورت جلسات سنا، وی گفته بود:

«... سفارت کبرای آمریکا در پاسخ یادداشت وزارت امور خارجه، طی یادداشت شماره ۲۹۹ مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳ (۲۷ آذر ۱۳۴۲) اظهار نمود که به نظر سفارت کبرای آمریکا عبارت «اعضاء هیئتهای مستشاری نظامی ایالات متحده در ایران» شامل کلیه کارمندان نظامی یا مستخدمین

غیر نظامی وزارت دفاع و خانواده آنها خواهد بود. ولی با توافق نماینده دولت در مجلس سنا این امتیاز فقط به رئیس و اعضای هیئت مستشاری داده شده و شامل خانواده و کارمندان غیر فنی هیئتهای مستشاری نخواهد بود. بدین ترتیب حتی از اغلب کشورهایی که مصونیت کامل سیاسی داده اند، بسیار کمتر و ساده تر و در چهارچوب یک معاهده بین المللی است و شامل مصونیت مدنی و مصونیت خارج از حین انجام وظیفه آنها هم نیست »(۱)

با وجود اینکه نخست وزیر به کاردار ما قول داده بود که سوابق قانونگذاری مربوطه را اصلاح کند، ولی ظاهرا از طرف دکتر ناصر یگانه، وزیر مشاور در امور پارلمانی به وی گفته شده بود که بهتر است در سخنرانی بعدی اظهارات درستی ایراد گردد و اذعان نشود که سخنرانی قبلی حاوی اشتباهاتی بوده است. همان طوری که در تلگرام ۴۹۹ سفارت گزارش شده، نخست وزیر می بایست در بند ۲ ماده ۳۷ کنوانسیون وین متقاعد شود که خانواده ها جزء لاینفک عبارت «پرسنل اداری و فنی» می باشند. وی به صورت ناقصی استدلال می کرد که «فامیلها» را می توان به عنوان «اعضاء خانواده» تعبیر نمود (نه اعضاء فامیل) ولی بعدا گفت که حذف یک لغت «و» می تواند اصلاحات لازم را ایجاد کند. (این موضوع در ذیل بیشتر تشریح شده است). در رابطه با «پرسنل غیر فنی» منصور گفت منظورش این بوده که مستخدمین هیئت مانند آشپزها و رانندگان (ایرانی) نمی توانند شامل مصونیت شوند، و در

۱- برای ترجمه این بخش از متن اصلی سخنان منصور در صورت جلسات مذاکرات مجلس سنا استفاده شد.م

رابطه با مصونیت جنایی، وی مدعی بود که موضوع را به خوبی درک کرده و منظورش این بوده که فقط تخلفات مدنی که خارج از حین انجام وظیفه اتفاق می افتد، شامل مصونیت نمی شود.

باید یادآور شد که حذف لغت کوچک «و» در عبارت «اعضاء خانواده ها و پرسنل غیر فنی» سبب می شود که این عبارت در زبان فارسی به صورت «اعضاء خانواده های پرسنل غیر فنی» خوانده شود و از آنجایی که نخست وزیر می توانست ادعا کند که تمام پرسنل آمریکایی هیئت مستشاری افرادی «فنی» هستند، اعضاء خانواده هایشان نیز از مصونیت برخوردار می شوند. به همین ترتیب اگر کلمه «و» در آخرین عبارت حذف شود جمله ای نسبتا نا مفهوم ایجاد خواهد شد که می گوید (و در واقع نیز همین طور است): لایحه وضعیت «مصونیت مدنی خارج از محدوده وظایف را مستثنی می سازد».

این مسئله، پاراگراف مرموزی را که به دنبال اصلاحات نخست وزیر در مجلس در تاریخ ۱۰ نوامبر ایراد شد، توضیح می دهد. در این پاراگراف نخست وزیر گفت:

«در سنا گفتم که کارمندان غیر فنی و خانواده هایشان که در فهرست اسامی رئیس و اعضاء هیئت نیستند، از مصونیتهای کنوانسیون وین و مصونیتهای مشخص شده در این قانون بهره مند نخواهند شد. بنابراین اگر اشتباهی در تندنویسی مطالب و یا در نسخه برداری پیش آمده و یا اگر یک «و» اضافی در مطلب آمده و... می توان آن را تصحیح کرد و یا توضیح داد.»

مهمترین و در واقع شومترین نکته نادرستی که در سخنرانی مورخ ۳۱اکتبر نخست وزیر مطرح شده این است که مجلس ایران آگاهانه و با تأیید دولت، مصونیتهایی به پرسنل نظامی آمریکایی داده که کمتر از مصونیتهای مندرج در یادداشتهای مبادله شده در سال گذشته است. ما فورا و بدون هیچ ابهامی به او توضیح دادیم که تا آنجایی که به دولت آمریکا مربوط است، این دولت قراردادی با دولت ایران منعقد ساخته که در عمل (اگر نه رسما) مورد تصویب پارلمان ایران قرار گرفته است. ما یادآور

شدیم که دولت ایران در ابتدای امر یادداشتهای مبادله شده را به پارلمان تسلیم کرده و متذکر شدیم که طبق مدارک منتشره از صورت جلسات مذاکرات مجلسین سنا و شورا هیچ یک از مقامات دولتی از جمله خود نخست وزیر، مطلبی غیر از اینکه این مراحل قانونگذاری به منظور اجازه به دولت برای اجرای موافقتنامه ما طراحی شده، نگفته اند.

تحت این شرایط سخنان نخست وزیر در این مورد در تاریخ ۱۰ نوامبر از اهمیت بسیاری برخوردار است. (در ترجمه سخنان ذیل، بین پرانتزها کلماتی گنجانده شده تا بنا به توصیه مشاور حقوقی سفارت، پرفسور علی پاشا صالح متخصص در حقوق بین الملل، نکات روشنتر شود).

«اینجانب مکررا گفته ام و البته در مجلس سنا نیز تکرار کرده ام که رئیس و اعضاء هیئت مستشاری نظامی آمریکا که در ایران و با حمایت دولت مشغول انجام وظایف (شان)می باشند، برطبق کنوانسیون وین از امتیازات کارمندان اداری و فنی، مشروحه در بند ۲ ماده ۳۷ برخوردارند. این قانون پس از ابلاغ آن به دولت، دقیقا به مرحله اجراء در خواهد آمد (و ابلاغ شده است). لایحه (که براساس آن، این قانون وضع شده) دو یادداشت از وزارت خارجه ایران و سفارت آمریکا در تهران را به ضمیمه داشت،که به مجلس تقدیم شد و با توجه (کامل) به مفاد یادداشتها، متن قانونی (یعنی متن این قانون) تصویب گردید. و در رابطه با پرسنل غیر فنی که در هیئت مستشاری نظامی کار می کنند ولی دولت ممکن است عضویت آنها را در هیئت تأیید نکند، آن طوری که در سنا اشاره شد، قطعا نه آنها و نه

اعضاء خانواده هایشان تحت پوشش قانون مصوب در نمی آیند، واقعیتی که صریحا در کنوانسیون وین به آن اشاره شده است».

در فارسی این جملات بسیار پیچیده تر از ترجمه انگلیسی آن است و مستمعین نخست وزیر، بارها آنها را بررسی کرده اند و احتمالاً «برای یک فرد عامی، غیر قابل درک می باشد. به هر حال دکتر ناصر یگانه قول داد که متن مربوطه را با توضیحات لازم برای وزیر خارجه (ایران م) ارسال نماید: در تاریخ ۱۵ نوامبر (۲۴ آبان م) دکتر محمود ضیائی رئیس کمیسیون امور خارجی مجلس به ما اطلاع داد که یگانه حدودا یک ساعت و نیم با وزیر خارجه «دکتر آرام» ملاقات داشته و طبق دستور نخست وزیر به وی توضیح داده که بدون شک یادداشتهای مبادله شده باید مورد تأیید لایحه وضعیت قرار گیرد.

خاطرنشان خواهد شد که در حالی که نخست وزیر در جواب دادن به کلیه سؤالات مورد بحث، خیلی پیش آمده، ولی چرا در مجلس این کار را نکرده است. هنوز این نظریه وجود دارد که دولت ایران تعیین می کند که چه کسانی عضو هیئت نظامی ما می باشند، و اینکه بین پرسنل فنی و غیر فنی وجه تمایزی وجود دارد چیزی که نه در یادداشتهای مبادله شده و نه در لایحه وضعیت وجود دارد؛ عبارت «هیئت مستشاری نظامی» هنوز هم به صورت مفرد به کار می رود (در حالی که در یادداشتهای مبادله شده به صورت جمع استفاده شده و کلمه «مستشاری» عمدا در یادداشت شماره ۲۹۹ ما، حذف شد)؛ و البته فقط شخصی که با بند ۲ ماده ۳۷ کنوانسیون وین آشنا است، می داند که خانواده ها تحت پوشش کنوانسیون بوده و مصونیتها در تمام موارد جنایی و نیز در مورد تخلفات مدنی در حین انجام وظیفه، مصداق پیدا می کند.

مهمترین امتیازی که در طول این جریانات به دست آورده ایم این است که نسبتا درک خود دولت

از حیطه مورد درخواستمان را بالا برده ایم.

از طرف سفیر

مارتین. اف. هرتز

مشاور سفارت در امور سیاسی

مذاکرات رئیس اداره حقوقی وزارت خارجه ایران با سفارت آمریکا

سند شماره (۴۵)

از: مارتین. اف. هرتز مشاور سیاسی سفیرتاریخ ۲۳ نوامبر ۱۹۶۴ ۲ آذر ۱۳۴۳

یادداشت برای ضبط در پروندهطبقه بندی: خیلی محرمانه

امروز اینجانب که برای کار دیگری به وزارت خارجه رفته بودم، سری هم به آقای عزالدین کاظمی، رئیس اداره حقوقی زدم تا از او بپرسم که لایحه وضعیت چه موقع به اجراء گذاشته می شود. او نمی دانست ولی من (و آقای هلسث که همراهم بود) را به نوشیدن قهوه دعوت کرد. ضمن صرف قهوه توانستم حرف تبادل یادداشتهای پیشنهادی ما در رابطه با تبیین پوشش لایحه وضعیت را به میان آورم.

از آقای کاظمی پرسیدم که پیش نویس یادداشتی که آقای آرام به سفیر ما نشان داده، از لحاظ حقوقی از چه جنبه ای با یک تصدیق و تأیید ساده از یادداشت پیشنهادی ما تفاوت دارد. آقای کاظمی

گفت در واقع تفاوت خیلی کمی وجود دارد، ولی دولت به خاطر دلایل حقوقی و رعایت قانون اساسی لازم دیده تا سرحد امکان به متن لایحه وضعیت تکیه کند. من گفتم تا جایی که به ما مربوط است ما لازم دیده ایم که تا سر حد امکان به عبارات یادداشت شماره **۲۹۹** خود تکیه کنیم. از آقای کاظمی پرسیدم آیا اختلافی اساسی مشاهده می کند.آیا این قانون، دولت را قادر نمی کند که یادداشتهای مبادله شده را به کار ببرد، خصوصا اینکه یادداشتهای ما توسط قانون وضعیت هم تأیید می شود؟ اضافه کردم که، حتی اگر چنین تأییدی هم وجود نداشت، به نظر ما تنها راهی که در آن تبادل یادداشتها معنی پیدا می کرد، این راه بود و مجلس راه گریز قانونی که طی آن دولت می توانست تبادل یادداشتها را به جریان اندازد، بسته است.

در پاسخ به یک سؤال، آقای کاظمی گفت فکر می کند که یادداشت پیشنهادی ایران را می توان «کمی دستکاری کرد»، بنابراین شما (آمریکاییها م) مشکلی در قبول آن به عنوان پاسخی به یادداشت پیشنهادی خود، نخواهید داشت. با این حال، او در طول صحبت برخی ملاحظات ناراحت کننده را مطرح ساخت در حالی که تأیید می کرد، وی از جانب خود صحبت می کند و ما بایستی توافق کنیم که این «صحبتها را از او نشنیده بگیریم،» مشخصا اظهار داشت:

(۱) هیچ موافقتنامه ای بین دولت آمریکا و دولت ایران در نتیجه تبادل یادداشتهای **۸۲۹۶** و **۲۹۹** ما به وجود نیامده، زیرا این مبادله به طور واضحی مشروط به تصویب آن از سوی پارلمان ایران بوده است. اگر مجلس ایران این تبادل یادداشتها را رد می کرد، آنها هیچ گونه ارزش قانونی پیدا نمی کردند.

(۲) در عمل، مجلس ایران تبادل یادداشتها را به صورت «غیر مستقیم» تصویب کرد (یعنی توسط مرجع). با این حال، از نظر حقوقی می توان ادعا کرد که مجلس ایران فقط بخشی از یادداشتهای مبادله شده را تصویب کرده است.

(۳) آقای کاظمی گفت تا آنجایی که به عبارات پیش نویس جوابیه ایران ارتباط دارد، لازم دیده شده که تا سرحد امکان به اظهارت نخست وزیر در مجلس به تاریخ ۱۰ نوامبر، تکیه شود. وی گفته «لایحه با توجه کامل به مفاد (یادداشتهای مبادله شده) تصویب شد». کاظمی ادامه داد ممکن است ادعا شود که مجلس «با توجه کامل» فقط بخشی از یادداشتهای مبادله شده، مطابق با یادداشت شماره ۸۲۹۶، را تصویب کرده است. در آن صورت تعریف ما از پوشش مورد نظر در یادداشت شماره ۲۹۹، هیچ پایه حقوقی نخواهد داشت، زیرا دولت هیچ گاه آن را نپذیرفته است. من گفتم اگر چنین ادعایی اقامه شود، ما در شرایط نخواهیم بود که بتوانیم آن را بپذیریم زیرا ما، مسئله را این طور تلقی می کنیم که موافقتنامه های بین دو دولت وجود داشته که به پارلمان تسلیم گردیده و با توجه به صورت جلسات مذاکرات پارلمان، کل موافقتنامه نه فقط بخشی از آن مورد تأیید و تصویب قرار گرفته است؛ باز هم آقای کاظمی این مسئله را تکرار کرد (رجوع شود به پاراگراف اول در فوق) که در واقع هیچ توافقنامه ای بین دولتین وجود نداشته است، زیرا دولت ایران، به جای پذیرفتن تعریف مندرج در یادداشت شماره ۲۹۹، صرفا توافق کرده است که یادداشتهای مبادله شده ما را به مجلس تسلیم کند. پس از این، آقای کاظمی همراهی بیشتری کرد و گفت فکر می کند که لزومی وجود نداشته است تا کل قضیه در قدم اول به مجلس تسلیم شود و گفت که در عمل «ما (آمریکاییان م)کل پوشش مورد درخواستمان را به دست خواهیم آورد». گفتم اگر دولت ایران مایل است تا موضع محدود کننده ای را

اتخاذ کند، البته می تواند ادعا کند از آنجایی که هیچ یک از پرسنل نظامی آمریکا در استخدام دولت ایران نیستند، ما (آمریکاییان م) هیچ گونه پوششی به دست نیاورده ایم. آقای کاظمی لبخندی زد و گفت مسلما این یک نتیجه گیری بی معنی خواهد بود و هیچ قصدی برای اینکه محدودیتی در کار باشد، وجود ندارد. همچون بعضی از دفعات قبل، صحبت ما با این گفته وی خاتمه یافت که تمام این مسائل را می توان با رضایت طرفین حل نمود؛ و دوباره تأیید کرد که یادداشت پیشنهادی ایران را می توان کمی دستکاری کرد تا رضایت ما را تأمین کند، و اینکه آن تکه کاغذی که وزیر امور خارجه به سفیر داده، صرفا یک پیش نویس بوده است.

مارتین. اف. هرتز

مشاور سیاسی سفیر

کنوانسیون وین لایحه وضعیت

سند شماره (۴۶)

تلگرام هوایی ارسالی به شماره ۲۶۲ Aتاریخ: ۲۳ نوامبر ۱۹۶۴ ۲ آذر ۱۳۴۳

از: سفارت آمریکا تهران، ایرانبه: وزارت خارجه (آمریکا م)

مرجع: تلگرام وزارت خارجه به شماره ۴۱۹ مورخه ۱۶ نوامبر ۱۹۶۴

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع : کنوانسیون وین لایحه وضعیت

متن لایحه اولیه دولت که به مجلس سنا در تاریخ ۲۵/۱۱/۴۲ (۱۵ مارس ۱۹۶۴) (با شماره ۱۸/۲۲۹۱/۲۱۵۷) ارائه شد، به شرح زیر است:

«ماده واحده مجلس سنا در جلسه خود به تاریخ (جای خالی)، متن یادداشت شماره ۸۲۹۶ به

تاریخ ۲۶/۸/۴۲ (۱۷ نوامبر ۱۹۶۳) وزارت امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران و یادداشت شماره ۲۹۹ به تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳ (۲۷ آذر ۱۳۴۲ م) سفارت ایالات متحده در تهران را تصویب کرده و به دولت اجازه می دهد تا شرایط و تعهدات موجود در آن را اجراء نماید».

این پیش نویس لایحه، یادداشتهایی را که اخیرا طی تلگرامهای سفارت به شماره های ۵۲۳ و۵۴۴ به تاریخ های ۵ و ۱۴ نوامبر ۱۹۶۴ (۱۴ و ۲۳ آبان ۱۳۴۳ م) ارسال شده، به ضمیمه داشت.

مقایسه بین معنای عبارت «در استخدام دولت شاهنشاهی» مندرج در لایحه وضعیت (ضمیمه یک از تلگرام هوایی A ۱۹۵) با معنای سخن نخست وزیر: «انجام دادن وظایف با تأیید دولت» در زبان فارسی، نشان می دهد که هیچ شباهتی بین دو عبارت فوق وجود ندارد، لذا مشکل می توان ادعا کرد که عبارت دوم تفسیر دقیقتری از عبارت اول است.

مارتین. اف. هرتز

مشاور سفارت در امور

سیاسی ۲۱ نوامبر ۱۹۶۴

اظهار نظر کمونیستی در مورد لایحه وضعیت

سند شماره (۴۷)

تلگرام هوایی ارسالی به شماره: ۲۶۳ Aتاریخ: ۲۳ نوامبر ۱۹۶۴ ۲ آذر ۱۳۴۳

از: سفارت آمریکا تهران، ایرانبه: وزارت خارجه (آمریکا م)

طبقه بندی: خیلی محرمانهمرجع: تلگرام هوایی سفارت به شماره ۲۵۰ A به تاریخ ۱۷ نوامبر

موضوع: اظهار نظر کمونیستی در مورد لایحه وضعیت

زمان کوتاهی از مخابره تلگرام ۲۵۰ A مبنی بر عدم اظهار نظر کمونیستی در مورد لایحه وضعیت نگذشته بود که شنود ما اولین اظهار نظر را دریافت کرد. این تفسیر از پیک ایران، ایستگاه رادیویی حزب توده در آلمان شرقی بود و در ۱۸ نوامبر (۲۷ آبان م)، یک روز بعد از مخابره تلگرام هوایی ما شنیده شد. این رادیو در قسمتی اظهار داشت: «شاه و همدستان خائن او با تمسک به این موافقتنامه بین المللی (کنوانسیون وین م)، به تعداد کثیری از جاسوسان آمریکایی که در دنیا به عنوان غاصبان آزادی و استقلال مردم آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین مشهورند، مصونیت سیاسی داده اند و ارتش ایران و اعتبارش را تحت کنترل آنها در آورده اند... آنها حقوق و مزایای کمرشکن خود را که با سنگینی بر بودجه اندک کشور ایران می باشد، از خزانه دولت ایران دریافت می دارند».

این نخستین باری است که ما در میان نظرات مخالف حضور مستشاران نظامی آمریکا در ایران، مطلبی مبنی بر تحمیل هزینه سنگین این حضور بر بودجه ایران دریافت می کنیم. اکثر مردم اینجا، فکر می کنند که خدمات کلیه پرسنل مستشاری ما به عنوان کمک ارائه می شود.

از طرف سفیر

مارتین. اف. هرتز

مشاور سفارت در امور سیاسی

۲۱ نوامبر ۱۹۶۴

تأیید شمول قانون وضعیت

سند شماره (۴۸)

از: مارتین. اف. هرتز مشاور سیاسی سفیرتاریخ: ۲۷ نوامبر ۱۹۶۴ ۶ آذر ۱۳۴۳

یادداشت برای ضبط در پروندهطبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: تأیید شمول قانون وضعیت

سفیر دیروز دوبار با آرام وزیر امور خارجه در مورد مبادله یادداشتهای پیشنهادی مذاکره کرد. به موجب آن با ارائه پیشنهادی از طرف ما در مورد شرایط لغو مصونیت، دولت ایران حیطه مورد نظر در یادداشتهای دو طرف (۸۲۹۶ و ۲۹۹) را مورد تأیید مجدد قرار خواهد داد.

در گفتگوی اول که صبح دیروز در وزارت خارجه برگزار شد، آرام گفت که افزودن کلمات «و ترتیبات» را در پاراگراف دوم می تواند بپذیرد؛ اما در مورد قبول حذف کلمه «مستشاری» در عبارت «در ارتباط... با هیئتهای مستشاری نظامی آمریکا در ایران » مشکل دارد. او استدلال نمود که ناچار است عبارت قانون را که از هیئتهای مستشاری سخن می گوید، حفظ کند. سفیر استدلال کرد که یادداشتهای مبادله شده اولیه، که از «هیئتهای نظامی» در یادداشت سفارت به شماره **۲۹۹** سخن می گوید، هنوز به قوت خود باقی است. آرام این مطلب را نه رد کرد و نه تأیید نمود، ولی خاطرنشان

ساخت که در آخرین پاراگراف جوابیه پیشنهادی ایران به یادداشت ما، «مفاد یادداشت (ما)» مورد قبول واقع خواهد شد. به عبارت دیگر به طور غیرمستقیم موضع ما مبنی بر اینکه یادداشتهای مبادله شده اولیه کماکان معتبر می باشد، تأیید خواهد شد.

در اینجا سفیر گفت که درست نیست در مبادله یادداشتهای پیشنهادی ما، ابهامی وجود داشته باشد. هدف این است که مطالب روشن شود تا در آینده در این موضوع هیچ نوع اختلافی به وجود نیاید، آقای کاظمی که به جلسه فرا خوانده شده بود، طبق دستور آرام سعی کرد با دکتر یگانه تماس بگیرد، ولی ظاهرا نتوانست تلفنی با او صحبت کند. (یگانه با ما در این مورد هم نظر بوده که تبادل یادداشتهای اولیه توسط قانون وضعیت تأیید شده است).

در این مذاکره و قبل از اینکه دکتر کاظمی وارد شود، سفیر به نظر کاظمی مبنی بر اینکه این قانون جایگزین یادداشتهای اولیه شده است، به عنوان گواهی بر نیاز ما به روشن کردن شمول این قانون، اشاره کرد. آرام مدعی بود که بین ما در مورد اعمال مصونیت برای همه کارکنانمان درک روشنی وجود دارد و کافی است که ما تنها اسامی افرادی را که می خواهیم مصونیت شامل حالشان بشود، ارائه دهیم. سفیر گفت که نظر به ماهیت محرمانه برخی از کارها، این امر غیر ممکن خواهد بود. آرام گفت که او از فعالیتهای محرمانه مطلع است. او ضمنا گفت که شاه به او دستور داده است که قبل از عزیمتش به نیویورک در روز بعد، مسئله تأیید ترتیبات وضعیت را روشن نماید.

عصر دیروز در محل اقامت سفیر، آرام پیشنهاد تازه ای ارائه داد. او پرسید که آیا این قابل قبول خواهد بود که وزارت امور خارجه یادداشتی برای ما بفرستد که طی آن اولاً ما را مطلع کند که مجلس، قانون وضعیت را که به دولت ایران اجازه می دهد تا امتیازات معینی را به افراد هیئت مستشاری نظامی آمریکا که در استخدام دولت ایران هستند تسری دهد، تصویب کرده؛ سپس به

سادگی بیفزاید که دیگر کارمندان فنی و مستشاری سفارت تحت پوشش شرایط مربوطه در کنوانسیون وین قرار خواهند گرفت. بر اساس چنین ترتیباتی آن طور که آرام پیشنهاد کرد، سفارت با معرفی افراد اضافی که تحت پوشش کنوانسیون وین قرار دارند، به عنوان افرادی که در یادداشت شماره ۲۹۹ ما مشخصات آنها ذکر شده، پاسخ خواهد داد.

سفیر گفت که او باید با متخصصین خود مشورت کند که آیا این راه حل (که ضمنا هیچ گونه شرط الغاء مصونیتی در پی نداشته باشد) قابل قبول خواهد بود یا نه.

مارتین. اف. هرتز

مشاور سیاسی سفیر

۲۸/۱۱/۱۹۶۴

تأیید حیطه قانون وضعیت

سند شماره (۴۹)

از: مارتین. اف. هرتز مشاور سیاسی سفارتاریخ: ۲۸ نوامبر ۱۹۶۴ ۷ آذر ۱۳۴۳

یادداشت برای ثبت در پروندهطبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: تأیید حیطه قانون وضعیت

پیرو دستور سفیر، ساعت ۱۲ ظهر روز گذشته به ملاقات آرام «وزیر خارجه رفته و پیشنهادمان را

مطرح کردم که پس از اولین پاراگراف یادداشت پیشنهادی وزارت خارجه (ایران م) (که شامل لحن محدود قانون وضعیت است) یک جمله دیگر به شرح زیر گنجانده شود:

«در رابطه با دیگر پرسنل نظامی آمریکا و کارمندان غیرنظامی وزارت دفاع که بر طبق قراردادها و ترتیبات منعقد بین دو دولت در زمینه همکاریهای نظامی در ایران به سر می برند، باید افزوده شود که این افراد نیز تحت شمول بند (و) ماده اول کنوانسیون وین قرار می گیرند».

آقای آرام نگاهی به این کاغذ کرد و گفت اگر به جای عبارت «پرسنل نظامی و کارمندان غیر نظامی وزارت دفاع «صرفا بگوییم «کارکنان سفارت» کارها خیلی ساده تر خواهد شد. گفتم به نظر ما درج این عبارت باعث تأیید خواسته ما در یادداشت **۲۹۹** نخواهد شد. پس از آن یادآور شدم که آقای کاظمی به ما گفته بود که به نظر او وزارت خارجه مسئول تأیید وضعیت دیپلماتیک اشخاص به دلخواه خود است و حتی در ذهن ایشان این سؤال مطرح است که آیا اصلاً نیازی بوده که در قدم اول مسئله به پارلمان ارجاع شود. آقای آرام که مشغول رسیدگی به امور دیگری بود. ظاهرا متوجه این نظریه نشد و فقط گفت که ما نباید به مطالب و اظهارات افراد زیر دست خود توجه کنیم. به هر حال، مشخص بود که فکر می کرد قبول کاغذی که ما به او داده بودیم، برایش مشکل است.با این حال آقای آرام دو نکته جالب توجه را مطرح نمود. وی گفت «دادگاهها یک یادداشت دیپلماتیک را به کار نخواهند برد».

وی همچنین گرفت که موضوع را با «ایشان»(۱) در میان گذاشته بود و ایشان از لزوم تبادل یادداشت و ضرورت ارجاع آن به پارلمان اظهار شگفتی کرده و گفته بود «هیچ کس برای مستشاران نظامی آمریکایی ما مشکلی ایجاد نخواهد کرد». طبق معمول پاسخ دادم هدف از روشن شدن امور این است که در آینده، در مورد اشخاص مشمول مصونیتها، ابهامی پیش نیاید و گفتم با این همه تلاش، نباید پس

از تصویب لایحه وضعمان از قبل بدتر شده باشد. بار دیگر به نظر رسید که آقای آرام کاملاً به حرف من گوش نداده بود، چون فقط گفت که او نیز معتقد است که پس از تصویب لایحه وضع بدتر از قبل شده است.

عصر همان روز، بار دیگر بنا به دستور سفیر با وزیر خارجه در ساعت ۳۰/۸ شب ملاقات نمودم.

سرگرد «هارت» در بخشی از این گفتگو حضور داشت، وزیر خارجه پشت میزش مشغول کار بود و در همان حال دور میز دیگری دکتر ناصر یگانه وزیر مشاور و معاون امور پارلمانی، آقای احمد میرفندرسکی مدیر کل سیاسی و دکتر عزالدین کاظمی مشاور حقوقی وزارت خارجه نشسته بودند.

مذاکرات من منحصرا با این آقایان انجام شد. در همان حال وزیر خارجه کاغذهایی را می خواند و دسته بندی می کرد، به تلفنها جواب می داد، و گاهی نیز به طرف ما نگاه می کرد و به نظر می رسید که گوش می داد. در پایان گفتگوی یک ساعت و نیمه، پس از روشن شدن این مطلب که برای رسیدن به توافق راه درازی در پیش است، ما آماده خروج شده بودیم که وزیر خارجه سؤال کرد، آیا مسائل حل و فصل شدند؟ به عبارت دیگر او در این گفتگو نقشی نداشت در حالی که این کار در اطاق وی صورت می گرفت.

دکتر یگانه با اشاره به یادداشت آقای آرام به سفیر ما، صحبت را شروع کرد چنان که گویی این

۱- منظور "شاه" است. م

پیشنهاد تازه ای است. من توضیح دادم که چرا ما پیشنهاد حذف کلمه «مستشاری» و درج کلمه «و ترتیبات» را داده بودیم. سپس اضافه کردم که از نظر ما پیشنهاد اخیر وزیر خارجه مفید بوده است، چون در آن، بین پرسنل نظامی آمریکا که برای کسب امتیازات دیپلماتیک به قانون مجلس نیاز دارند و پرسنلی که بدون ارجاع به پارلمان از این امتیازات برخوردار می گردند، تمایز قائل شده است. دکتر یگانه گفت که این مسئله، بسیار اساسی است. دولت ایران خواهان اعطای مصونیتها و معافیتها به کلیه پرسنل مستشاری نظامی آمریکا است، گروهی توسط قانون وضعیت و گروه دیگر توسط کنوانسیون وین.

در اینجا نظم گفتگو از بین رفت. آقای میرفندرسکی سؤال کرد که آیا به نظر ما عبارت «کارکنان فنی و اداری» سفارت شامل پرسنل هیئتهای نظامی ما که تحت پوشش یادداشت پیشنهادی وزارت خارجه قرار نمی گیرند، نیز می شود. گفتم بله، اگر شما مایل باشید. ولی نمی دانم که او با این پاسخ قانع شد یا نه. آقای میرفندرسکی گفت ولی این بستگی به شما دارد که اعلام کنید که آنها جزء کارکنان اداری و فنی هستند. گفتم خوب چرا این مطلب در متن پیشنهادی گنجانده نشود؟ بلافاصله آقای کاظمی متن زیر را به جای پاراگراف دوم که ما پیشنهاد کرده بودیم،مطرح ساخت:«اکنون که کنوانسیون وین توسط مجلسین ایران تصویب شده، پرسنل اداری و فنی سفارت آمریکا نیز از مصونیتها و امتیازات مندرج در بند ۲ از ماده ۳۷ کنوانسیون فوق برخوردار می گردند».

گفتم اگر سفیر «هلمز» این پیشنهاد را برای واشنگتن مطرح می کرد، حتما به او می خندیدند. از این گذشته برای تأیید اینکه ایران کنوانسیون وین را رعایت می کند نیازی به ارسال یادداشت دیپلماتیک نیست. اگر ما به واشنگتن گزارش کنیم که دولت ایران میل ندارد پرسنل نظامی ما را تحت پوشش مصونیتهای کنوانسیون وین قرار دهد، چنین تلقی خواهد شد که با وجود تمام یادداشتهایی که قبلاً

مبادله شده، هرگز قراردادی بین ما منعقد نگردیده است. خطاب به دکتر یگانه گفتم که من تا به حال فکر می کردم که تفاهم اولیه بین ما هنوز معتبر و به قوت خود باقی است. (دکتر یگانه سرش را به علامت تأیید تکان داد). ولی آیا در حال حاضر باید این طور برداشت کنیم که وضع تغییر کرده است؟ پس هدف از ارجاع مطلب به مجلس و فراهم آوردن این همه مشکلات سیاسی چه بوده است؟ دکتر یگانه که تا آن موقع به نظر می رسید طرف ما بود، طوری موضعگیری کرد که گویا به وسیله وکلای وزارت خارجه شستشوی مغزی شده است. وی گفت این قانون تنها در مورد کارمندان «آرمیش» که بر اساس قرارداد ۱۹۴۷ (۱۳۲۶ م) در ایران به سر می برند، مصداق دارد. وی سؤال کرد که پرسنل دیگر بر اساس چه قراردادهایی در ایران به سر می برند؟ و گفت باید آن قراردادها را مطالعه کند تا ببیند که آنها هم مشمول این قانون می شوند یا نه. سرگرد «هارت» که تازه از راه رسیده بود به کمک من آمد تا گفتگو را به مسیر اصلی بکشانیم. از آنجایی که از نظر کاظمی «معرفی» پرسنل ما به وزارت خارجه حائز اهمیت بسیار بود، تا بدین طریق از مصونیتهای کنوانسیون وین بهره مند شوند، پیشنهاد کردیم: «در مورد دیگر پرسنل وزارت دفاع آمریکا که در رابطه با موافقتنامه ها و ترتیبات مربوط به همکاری نظامی بین دو دولت در ایران به سر می برند، در صورتی که این پرسنل توسط سفارت آمریکا به عنوان پرسنل اداری و فنی سفارت معرفی شوند، دولت شاهنشاهی ایران آنان را تحت پوشش بند (و) ماده اول کنوانسیون وین منظور خواهد داشت».

آقای یگانه بار دیگر بحث را از مسیر اصلی خارج کرد و گفت تا آنجایی که به پرسنل مستشاری به معنای صحیح کلمه مربوط می شود، مصونیت آنها مورد تأیید است؛ لیکن او باید قراردادها را مطالعه کند تا مشخص شود که آیا آنها مستشار هستند یا خیر. در هر حالت، آنها باید «معرفی» شوند. دولت ایران نمی تواند مشخص کند که چه کسانی مصونیت خواهند داشت، بلکه ما باید آنان را معرفی کنیم تا بر اساس آن، دولت ایران آنها را تأیید نماید. تنها کاری که ما باید انجام دهیم این است که فهرست اسامی را ارائه کنیم و آن دسته از کارکنان که مستشار هستند از مصونیتها برخوردار خواهند شد. گفتم این موضوع تصمیم گیری را به عهده دولت ایران می گذارد. هدف از مبادله یادداشتها، مشخص شدن افراد تحت پوشش است. ما می دانیم که دولت ایران هر وقت و به هر کس که بخواهد می تواند مصونیت بدهد؛ اما هدف از کار ما این است که به طور واضح بیان شود چه کسانی از مصونیتها بهره مند می شوند، بلافاصله دکتر کاظمی پیشنهاد غیر ممکنی را یک بار دیگر مطرح ساخت:

«اکنون که کنوانسیون وین تصویب گردیده، پرسنل اداری و فنی سفارت آمریکا (که با همین عنوان به وزارت خارجه) معرفی خواهند شد، از مصونیتها و امتیازات پیش بینی شده در بند ۲ از ماده ۳۷ کنوانسیون وین برخوردار خواهند شد».

بار دیگر گفتم که این امری است مسلم و نیازی به ارسال یادداشت نیست. آقای میرفندرسکی به آقای کاظمی طوری نگاه کرد که گویی می خواست به او بگوید «به تو گفتم که این طور عکس العملی نشان خواهند داد.» با این تصور که آقای میرفندرسکی طرف ماست از از سؤال کردم که چرا دولت ایران قادر به تأیید ساده این مطلب نیست که آن دسته از مستشارانی که تحت پوشش این قانون قرار نمی گیرند، می توانند از امتیازات دیپلماتیک کنوانسیون وین برخوردار شوند. پاسخ وی بسیار پر معنی بود: «پرسنل اداری و فنی برای سفارت کار می کنند. آنها بخشی از زندگی کشور میزبان نیستند».

(مفهوم این جمله این بود که به عبارت دیگر آنها نمی توانند در یک یادداشت دیپلماتیک، یک قانون جعلی خلق کنند لیکن آماده اند تا در یک حالت خاص، این چنین قانون جعلی را قبول کنند، اگر ما بخواهیم که چنین قانونی خلق شود).

گفتم، در این صورت علت پذیرش یادداشت شماره ۲۹۹ توسط آنها چه بوده است؟ آیا قرار است جلسه برخورد اندیشه ها تشکیل دهیم؟ آیا دولت یادداشتهای مبادله شده را به عنوان اساس قرارداد بین دو دولت به پارلمان تسلیم ننموده است؟ (آقای یگانه در اینجا مثمر ثمر واقع شد و به علامت تأیید سری تکان داد). آیا باید چنین تصور می کردیم که دولت ایران حال مایل نیست اعلام کند که مستشاران نظامی ما از مصونیت برخوردارند؟ آیا نتیجه تمام این کوششها باید این باشد که تنها ۱۰٪ پرسنل نظامی ما در ایران از مصونیت برخوردار شوند؟ آیا آنها مایل به کاربرد کنوانسیون وین در رابطه با پرسنل نظامی ما در ایران هستند یا خیر؟ در برابر این گونه سؤالات همه با عجله پاسخ مثبت می دادند، اما این نکته کاملاً آشکار بود که هیچ یک جرأت تأیید کتبی آن را ندارد.

پس از گفتگوی بی نتیجه، ملاقات در ساعت ۱۰ شب پایان یافت. در آن موقع وزیر خارجه خودش وارد بحث شد. وی صرفا گفت نادیده گرفتن قانون خیلی مشکل است. سرگرد هارت گفت که قرار است ژنرال اکهارت در تاریخ ۳ دسامبر (۱۲ آذر م) با «ایشان» ملاقات نماید و در صورت تمایل می تواند مسئله را با وی در میان بگذارد. آقای آرام به سرعت گفت این کار ضرورتی ندارد، زیرا

تا انتشار رسمی این قانون چند روز دیگر فرصت باقی است. دکتر کاظمی پرسید که آیا ما می دانیم که مطابق فرمول پیشنهادی او، وزارت خارجه چاره ای ندارد، مگر اینکه خود به خود با تمام اشخاصی که توسط ما به عنوان «پرسنل اداری و فنی» معرفی می شوند، مصونیت بدهد. هنگامی که همگی آماده خروج بودیم یک فرمول نهایی به شرح زیر مطرح شد:«پس از تصویب کنوانسیون وین، پرسنل اداری و فنی سفارت ایالات متحده آمریکا که بر اساس موافقتنامه ها و ترتیبات موجود بین دو دولت در ایران به سر می برند و توسط سفارت معرفی شده اند، از امتیازات و مصونیتهای مندرج در..... (غیره) برخوردار خواهند شد».

سعی کردیم کلماتی به این متن اضافه کنیم تا ماهیت پرسنل و قراردادهای مربوطه آشکارتر شود، اما مخاطبان ایرانی ما از قبول این چنین فرمولی شانه خالی کردند. در اینجا موضوع خاتمه یافت. دکتر یگانه گفت به تحقیقات حقوقی خود ادامه خواهد داد و فرمولی تهیه خواهد کرد که قطعا مشکلات همه را حل خواهد نمود.

مارتین. اف. هرتز

مشاور سیاسی سفیر

شاه و درخواستهای آمریکاییان

سند شماره (۵۰)

تلگرام ارسالی به شماره ۶۳۰ تاریخ : ۵ دسامبر ۱۹۶۴ ۱۴ آذر ۱۳۴۳

از : سفارت آمریکا، تهران به : وزارت امور خارجه واشنگتن

جهت اطلاع : به فرماندهی نیروهای ضربتی برای مشاور سیاسیطبقه بندی : خیلی محرمانه

مرجع : تلگرام وزارتخانه شماره ۴۱۹ تلگرام سفارت به شماره ۵۶۶

بعد از آنکه ژنرال اکهارت در ملاقات روز پنجشنبه خود با شاه موضوع حیطه لایحه وضعیت را مطرح کرد، ما اکنون امیدواریم که یادداشتهای رضایت بخشی در آینده نزدیک مبادله کنیم.

ما در طول هفته های اخیر، بحث تقریبا مداومی در این زمینه با وزارت امور خارجه داشته ایم و قبل از عزیمت «آرام» به نیویورک، به حل مسئله نزدیک شدیم اما وزارت امور خارجه پیوسته از تأیید کتبی و صریح آنچه که شفاها با ما در میان می گذارد، طفره می رود. آنها شفاها می گویند که بدون توجه به محدودیتهای این قانون، بر اساس مواد کنوانسیون وین و تحت عنوان «کارکنان اداری و فنی» سفارت، قادر به گسترش مصونیتها به همه کارکنان نظامی ما هستند.

اکنون به نظر می رسد که ما دو یادداشت از وزارت امور خارجه دریافت خواهیم داشت. یادداشت اول به لایحه وضعیت (که هنوز به اطلاع عموم نرسیده است) اشاره خواهد کرد که به دولت اختیار داده شده است تا مصونیتها را به کارکنان مستشاری که «در استخدام دولت شاهنشاهی هستند» ، تسری دهد و دیگری به کنوانسیون وین و گسترش مصونیتها به سایر کارکنان اشاره خواهد نمود. شاه متوجه است که چرا یادداشت دوم باید منطقا صریح باشد و به درد ما بخورد.کاملاً روشن است که مشکل واقعی این است که بعد از غوغای اخیر در پارلمان و با توجه به افکار عمومی در مورد این موضوع، مقامات وزارت خارجه اکراه دارند تا امضایشان را پای سندی بگذارند که از حدود اختیاراتی که پارلمان به آنها داده، فراتر می رود. آنها احتمالاً نگران گرفتاریهای آینده هستند. یکی از مقامات،

مشخصا این نگرانی را نزد ما تأیید کرد.ما قبلاً در رابطه با مانور «دلاور» به این نوع مشکل برخوردیم. در آن مورد حکم شاه عاقبت پیچیدگی قانونی را از میان برداشت و ما پیش بینی می کنیم که در این مورد هم چنین اتفاقی خواهد افتاد. مارتین. اف. هرتزهلمز

مشاور سیاسی سفیر

مبادله یادداشتهای مربوط به احیای کاپیتولاسیون

سند شماره (۵۱)

تلگرام ارسالی به شمار ۶۴۳۰تاریخ: ۹ دسامبر ۱۹۶۴ ۱۸ آذر ۱۳۴۳

از: سفارت آمریکا، تهران به: وزارت امور خارجه واشنگتن

جهت اطلاع: به فرماندهی نیروهای ضربتی برای مشاور سیاسیطبقه بندی: خیلی محرمانه

مرجع: تلگرام وزارت خارجه شماره ۴۱۹ و تلگرام سفارت به شماره ۶۳۰ کنوانسیون وین

خوشوقتم گزارش دهم که ما امروز مبادله یادداشتهای مربوط به مصونیتها و معافیتهای هیئتهای نظامی ما در ایران را به طور رضایت بخشی به پایان رسانیدیم.

جمعا سه یادداشت وجود دارد که متن آنها ارسال می شود:

۱ یادداشت ایران که به یادداشت شماره ۲۹۹ ما اشاره می کند و متن قانون مصوب ۱۳ اکتبر را (که در تلگرام سفارت به شماره ۱۹۵ A درج شده بود) ارسال می دارد.

۲ یادداشت دیگر ایران در جواب یادداشت ۲۹۹ ما که به تصویب اخیر مفاد کنوانسیون وین اشاره دارد و حاوی بیانی رضایت بخش است مبنی بر اینکه «پرسنل نظامی و غیرنظامی آمریکایی که در ایران تحت موافقتنامه ها با ترتیبات منعقده میان دو دولت، به سر می برند» از مصونیتها و معافیتها برخوردار خواهند شد.

۳ جوابیه ما که ضمن تأیید دریافت دو جوابیه ایران به یادداشت شماره ۲۹۹، حاوی این مطلب است که جوابیه آنها در رابطه با یادداشت شماره ۲۴۳ ما مطلوب و قابل قبول می باشد و همچنین حاوی شرط الغاء مصونیت با تعریفی محدود مطابق با تلگرام ۴۱۹ وزارتخانه (که وزارت امور خارجه ایران آن را قبول کرد) است تا از طرف ایرانیها اطمینان حاصل شود که مفاد شرط مذکور در مورد تخلفات رانندگی و یا جرائم جزئی نمی تواند به کار رود.

وزارت (امور خارجه آمریکا م) متوجه خواهد شد شیوه ای که بر اساس آن یادداشتها پیش نویس شده اند ما را از این استدلال که یگانهایی مانند پرسنل پادگان خلیج، رله مخابراتی و غیره تحت عنوان «مستشاری» قرار می گیرند، راحت می سازد، زیرا یادداشت شماره ۲ تمام کسانی را که تحت پوشش یادداشت شماره ۱ قرار نمی گیرند، شامل می شود.

در مباحث طولانی و مشکلی که برای رسیدن به این نتیجه انجام شد، لازم بوده است که عبارت به کار رفته در تلگرام ۴۱۳ وزارتخانه، اصلاح شود ولی باید بگوییم که خواسته های اساسی ما تأمین شده است و در مواردی بیشتر از آنچه که می خواستیم، به دست آورده ایم.

لایحه وضعیت هنوز به اطلاع عموم نرسیده است، تاریخ احتمالی انتشار آن ۱۷ دسامبر (۲۶ آذر م) خواهد بود. (امضاء) مارتین. اف. هرتز مشاور سیاسی سفیر(امضاء)

(امضاء) سرگرد هارت آرمیش مگهلمز

یادداشت وزارت امور خارجه ایران در مورد تصویب کاپیتولاسیون

سند شماره (۵۲)

اداره: عهود و امور حقوقیتاریخ: ۱۸ آذر ۱۳۴۳ ۹ دسامبر ۱۹۶۴

وزارت امور خارجهپیوست :داردشماره: ۹۷۶۰

یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارفات خود را به سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا

اظهار و احتراما عطف به یادداشت شماره ۲۹۹ مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳ بدین وسیله نسخه ای از

قانون مصوب ۲۱ مهرماه ۱۳۴۳ را به ضمیمه ایفاد می دارد:

قانون مزبور به دولت اجازه می دهد که رئیس و اعضاء هیئتهای مستشاری نظامی کشورهای

متحده آمریکا در ایران را که به موجب موافقتنامه های مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی

می باشند، از مصونیتها و معافیتهای مقرره برای کارمندان اداری و فنی موصوف در بند «و» ماده اول

قرارداد وین درباره روابط سیاسی مورخ ۱۹۶۱ برخوردار نماید.(۱)

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می دارد.

اداره: عهود و امور حقوقی شماره تاریخ پیوست

وزارت امور خارجه

قانون اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیتها و معافیتهای قرارداد وین

ماده واحده

با توجه به لایحه ۱۸/۲۲۹۱/۲۱۵۷ ۲۵/۱۱/۱۳۴۲ دولت و ضمائم آن که در تاریخ

۲۱/۱۱/۴۲ به مجلس سنا تقدیم شده به دولت اجازه داده می شود که رئیس و اعضای هیئتهای

مستشاری نظامی ایالات متحده را در ایران که به موجب موافقتنامه های مربوط در استخدام دولت

شاهنشاهی می باشند، از مصونیتها و معافیتهای شامل کارمندان اداری و فنی موصوف در بند(و) ماده

اول قرارداد وین که در تاریخ هیجدهم آوریل ۱۹۶۱ مطابق بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۴۰ به امضاء

رسیده است می باشد، برخوردار نماید.

یادداشت وزارت امور خارجه ایران در مورد مصونیت مستشاران

سند شماره (۵۳)

اداره: عهود و امور حقوقیتاریخ: ۱۸ آذر ۱۳۴۳ ۹ دسامبر ۱۹۶۴

پیوست: نداردوزارت امور خارجه

یادداشت شماره: ۹۷۶۲

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارفات خود را به سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا

اظهار و در پاسخ یادداشت شماره ۲۹۹ مورخ ۱۸ دسامبر (۲)۱۹۶۱ احتراما به اطلاع می رساند:

نظر به اینکه قرارداد وین درباره روابط سیاسی مورخ ۱۹۶۱ مراحل تصویب قانونی از مجالس

مقننه ایران را گذرانیده است، کارمندان نظامی و غیرنظامی آمریکایی که طبق موافقتنامه ها یا ترتیباتی

۱- ترجمه لاتین این سند یافت نشد.

۲- یادداشت شماره ۲۹۹ سفارت آمریکا مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳ می باشد.م

که بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت کشورهای متحده آمریکا مقرر گردیده در ایران می باشند و از طرف سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا به عنوان کارمندان اداری و فنی سفارت کبری به وزارت امور خارجه شاهنشاهی معرفی می شوند، از مصونیتها و معافیتهای موضوع بند ۲ از ماده ۳۷ قرارداد وین درباره روابط سیاسی استفاده خواهند کرد.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید می نماید.

مصونیت سیاسی اعضاء هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران

سند شماره (۵۴)

مصونیت سیاسی اعضاء هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران

قانون مربوط به مصونیت سیاسی اعضاء هیئت مستشاری نظامی

ماده واحده با توجه به لایحه شماره ۱۸/۲۲۹۱/۲۱۵۷ ۲۵/۱۱/۱۳۴۲ دولت و ضمائم آن که در تاریخ ۲۱/۱۱/۴۲ به مجلس سنا تقدیم شده به دولت اجازه داده می شود که رئیس و اعضای هیئتهای مستشاری نظامی ایالات متحده را در ایران که به موجب موافقتنامه های مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی می باشند از مصونیتها و معافیتهایی که شامل کارمندان اداری و فنی موصوف در بند (و) ماده اول قرارداد وین که در تاریخ هیجدهم آوریل ۱۹۶۱(۱) مطابق بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۴۰ به امضاء رسیده است می باشد، برخوردار نماید.

قانون مربوط به مصونیت سیاسی اعضاء هیئت مستشاری نظامی

اداره عهود و امور حقوقیتاریخ ۱۸/۹/۱۳۴۳

یادداشت دولت ایران راجع به اجرای قانون فوق الذکر

وزارت امور خارجه

یادداشت شماره ۹۷۶۲

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارفات خود را به سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا اظهار و در پاسخ یادداشت شماره ۲۹۹ مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۱ احتراما به اطلاع می رساند:

نظر به اینکه قرارداد وین درباره روابط سیاسی مورخ ۱۹۶۱ مراحل تصویب قانونی از مجالس مقننه ایران را گذرانیده است، کارمندان نظامی و غیرنظامی آمریکایی که طبق موافقتنامه ها یا ترتیباتی که بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت کشورهای متحده آمریکا مقرر گردیده در ایران می باشند و از طرف سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا به عنوان کارمندان اداری و فنی سفارت کبری به وزارت امور خارجه شاهنشاهی معرفی می شوند، از مصونیتها و معافیتهای موضوع بند ۲ از ماده ۳۷ قرارداد وین درباره روابط سیاسی استفاده خواهند کرد.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید می نماید.(مهر)

قرارداد وین

ماده ۱

بند (و) اصطلاح کارمندان اداری و فنی یعنی آن دسته از کارمندان مأموریت که به امور اداری و فنی مأموریت اشتغال دارند.

۱- یادداشت شماره ۲۹۹ مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳ می باشد م

ماده ۳۷

بند(۲) کارمندان اداری و فنی مأموریت و همچنین بستگان آنها که اهل خانه آنها هستند به شرط آنکه تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور نباشند، از مزایا و مصونیتهای مندرج در مواد ۲۹ تا ۳۵ بهره مند خواهند بود. ولی مصونیت از صلاحیت مقامات دولت پذیرنده در امور مدنی و اداری موضوع بند اول ماده ۳۱ شامل اعمال خارج از وظایف آنها نخواهد شد. اشخاص مذکور همچنین از مزایای مندرج در قسمت اول ماده ۳۶ در مورد اشیایی که برای استقرار اولیه وارد می کنند، استفاده خواهند نمود.

ماده ۲۹

شخص مأمور سیاسی مصون است و نمی توان او را به هیچ عنوان توقیف یا بازداشت کرد کشور پذیرنده با وی رفتار محترمانه ای که در شأن اوست خواهد داشت و اقدامات لازمه را برای ممانعت از وارد آمدن لطمه ای به شخص و آزادی و حیثیت او به عمل خواهد آورد.

ماده ۳۰

۱ محل اقامت خصوصی مأمور سیاسی مانند اماکن مأموریت مصون از تعرض و مورد حمایت خواهد بود.

۲ اسناد و مکاتبات و همچنین اموال مأمور سیاسی با رعایت بند ۳ ماده ۳۱ مصون خواهد بود.

ماده ۳۱

۱ مأمور سیاسی در کشور پذیرنده از مصونیت تعقیب جزائی برخوردار است و از مصونیت دعاوی مدنی و اداری نیز بهره مند خواهد بود مگر در موارد زیر:

الف دعوی راجع به مال غیر منقول خصوصی واقع در قلمرو کشور پذیرنده، مگر آنکه مأمور

سیاسی آن مال را به نمایندگی کشور فرستنده و برای مقاصد مأموریت در تصرف داشته باشد.

ب دعوی راجع به ماترکی که در آن مأمور سیاسی به طور خصوصی و نه به نام کشور فرستنده وصی و امین ترکه و وارث یا موصی له واقع شده باشد.

ج دعوی ناشی از فعالیتهای حرفه ای یا تجاری از هر نوع که مأمور سیاسی در خاک کشور پذیرنده و خارج از وظایف رسمی خود به آن اشتغال دارد.

۲ مأمور سیاسی مجبور به ادای شهادت نیست.

۳ علیه مأمور سیاسی مبادرت به هیچ گونه عملیات اجرایی نخواهد شد، جز در موارد مذکور در بندهای الف ب ج قسمت اول این ماده و به شرط آنکه این عملیات اجرایی به مصونیت شخص یا محل اقامت او لطمه وارد نیاورد.

۴ مصونیت قضائی مأمور سیاسی در کشور پذیرنده او را از تعقیب قضائی کشور فرستنده معاف نخواهد داشت.

ماده ۳۲

۱ کشور فرستنده می تواند مصونیت قضائی مأمورین سیاسی و اشخاصی را که طبق ماده ۳۷ از

مصونیت برخوردارند، سلب نماید.

۲ سلب مصونیت باید صراحتا اعلام شود.

۳ در صورت اقامه دعوی از طرف مأمور سیاسی یا شخصی که طبق ماده ۳۷ از مصونیت قضائی بهره مند است،

استناد به مصونیت قضائی در قبال دعاوی متقابل که مستقیما با دعوای اصلی ارتباط دارد پذیرفته نخواهد شد.

۴ سلب مصونیت قضائی نسبت به دعوای مدنی یا اداری متضمن سلب مصونیت نسبت به اجرای حکم نخواهد بود. برای اجرای حکم سلب مصونیت جداگانه لازم است.

ماده ۳۳

۱ مأمور سیاسی با رعایت بند ۳ این ماده در مورد انجام خدمت برای کشور فرستنده از مقررات بیمه های اجتماعی که ممکن است در کشور پذیرنده لازم الاجرا باشد معاف است.

۲ معافیت مندرج در بند ۱ این ماده شامل خدمتکاران شخصی نیز که در استخدام شخصی مأمور سیاسی می باشند، می گردد مشروط بر آنکه این خدمتکاران:

الف تبعه کشور پذیرنده نبوده و یا در آنجا اقامت دائم نداشته باشند.

ب مقررات بیمه های اجتماعی کشور فرستنده یا کشور ثالثی در مورد آنان اعمال گردد.

۳ مأمور سیاسی باید در مورد اشخاصی که در خدمت او هستند و مشمول معافیت مندرج در بند (۲) این ماده نمی باشند تکالیف ناشی از مقررات بیمه های اجتماعی کشور پذیرنده را که به کارفرما تحمیل می شود رعایت نماید.

۴ معافیت مذکور در بندهای ۱ و ۲ این ماده مانع از قبول بالاختیار و استفاده از بیمه های

اجتماعی کشور پذیرنده تا حدودی که مورد قبول این کشور باشد نخواهد بود.

۵ مقررات این ماده مخل قراردادهای دو جانبه و چند جانبه که در گذشته راجع به بیمه های اجتماعی منعقد شده نبوده و مانع از انعقاد قراردادهایی در آینده نخواهد بود.

ماده ۳۴

مأمور سیاسی از پرداخت کلیه مالیاتها و عوارض منقول و غیر منقول اعم از مملکتی یا منطقه ای یا شهری جز در موارد زیر معاف است:

الف مالیاتهای غیر مستقیم که معمولاً جزء قیمت کالا یا خدمات محسوب می شود.

ب مالیاتها و عوارض اموال غیر منقول خصوصی واقع در قلمرو کشور پذیرنده جز در مواردی که مأمور سیاسی مال را به نمایندگی کشور فرستنده و برای مقاصد مأموریت در تصرف داشته باشد.

ج مالیات بر ارث که از طرف کشور پذیرنده دریافت می گردد با رعایت مفاد بند ۴ از ماده ۳۹:

(مفاد بند ۴ ماده ۳۹ مقرر می دارد): (در صورت فوت یک عضو مأموریت که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور نمی باشد و یا در صورت فوت یکی از بستگان او که اهل خانه او هستند کشور پذیرنده خروج اموال منقول متوفی را اجازه خواهد داد به استثنای اموالی که در کشور پذیرنده تحصیل شده و حین فوت ممنوع الصدور باشد. از اموال منقول که وجود آن در کشور پذیرنده صرفا به سبب حضور متوفی که در آنجا به سمت عضو مأموریت یا یکی از بستگان عضو مأموریت بوده مالیات بر

ارث اخذ نخواهد شد).

د مالیات و عوارض مأخوذه از درآمدهای شخصی حاصل در کشور پذیرنده و همچنین مالیات بر سرمایه های به کار افتاده در بنگاههای تجارتی آن کشور.

ه مالیات و عوارضی که در قبال انجام خدمات خاصی وصول می شود.

و هزینه های ثبت و دادرسی و رهن و تمبر در مورد اموال غیر منقول با رعایت مفاد ماده ۲۳ (ماده ۲۳ شامل کارمندان اداری و فنی نمی گردد).

ماده ۳۵

کشور پذیرنده مأمور سیاسی را از انجام خدمات شخصی و خدمات عمومی به هر صورت و هر شکل و الزامات نظامی از قبیل انجام خدمت نظامی و شرکت در عملیات نظامی و اسکان در محل معین معاف خواهد داشت.

ماده ۳۶

۱ کشور پذیرنده طبق قوانین و مقرراتی که ممکن است وضع نماید ورود اشیاء زیر را با معافیت از حقوق و عوارض گمرکی و یا بر هزینه های مربوطه بجز مخارج انبارداری و باربری و هزینه های مشابه اجازه خواهد داد:

الف اشیاء مورد استفاده رسمی مأموریت.

ب اشیاء مورد استفاده شخصی مأمور سیاسی یا بستگان او که اهل خانه او هستند، همچنین اثاثیه ای که برای منزل خود لازم دارد.

مورخ ۹/۱/۱۳۵۱

یادداشت سفارت آمریکابه وزارت امور خارجه ایران

سند شماره (۵۵)

تاریخ: ۹ دسامبر ۱۹۶۴ ۱۸ آذر ۱۳۴۳

از: سفارت آمریکا تهرانیادداشت شماره ۲۸۲به: وزارت امور خارجه ایران

سفارت ایالات متحده آمریکا ضمن اظهار تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی، مفتخر است که دریافت یادداشتهای آن وزارتخانه به شماره های ۹۷۶۰ و ۹۷۶۲ به تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ در پاسخ به یادداشت شماره ۲۹۹ سفارت به تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳ (۲۷ آذر ۱۳۴۲ م)را اعلام دارد. این یادداشتها به عنوان پاسخهای مطلوب و قابل قبولی به نامه شماره ۴۲۳ سفارت به تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ (۲۸ اسفند ۱۳۴۰ م) تلقی می شوند.

در ارتباط با تبادل این یادداشتها و مطابق با شرایط مندرج در ماده ۳۲ کنوانسیون وین، این سفارتخانه خوشوقت است که به وزارتخانه شاهنشاهی اطلاع دهد که مقامات ایالات متحده تقاضای مقامات دولت ایران را مبنی بر لغو مصونیت در مواردی که دولت شاهنشاهی ایران آن را دارای اهمیت ویژه ای می داند، با نظر موافق مورد ملاحظه قرار خواهند داد. این طور استنباط می شود که موارد با «اهمیت ویژه» عبارت است از مواردی که شامل جرائم شنیع و دیگر اعمال جنایات کارانه و سزاوار

مجازات می باشد.

سفارت ایالات متحده موقع را مغتنم شمرده، احترامات فائقه خود را تجدید می نماید.

سفارت ایالات متحده آمریکا تهران

۹ دسامبر ۱۹۶۴

توضیح شمول لایحه وضعیت

سند شماره (۵۶)

تلگرام هوایی به شماره ۳۰۶A تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۶۴ ۲۱ آذر ۱۳۴۳

از: سفارت آمریکا تهرانبه: وزارت امور خارجه

مرجع: تلگرام سفارت به شماره ۶۴۳ به تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: توضیح شمول لایحه وضعیت

ضمائم این تلگرام، کپی سه یادداشت مبادله شده به تاریخ ۹ دسامبر می باشد، که به منظور روشن کردن مصونیتها و معافیتهایی که در یادداشتهای مبادله شده سال گذشته (یادداشت ایران به شماره ۸۲۹۶ و یادداشت آمریکا به شماره ۲۹۹) آمده است، مبادله شده است. تصویب لایحه وضعیت در ۱۳ اکتبر (۲۱ مهر م) که ظاهرا این مصونیتها و معافیتها را تنها برای گروه محدود و معینی از پرسنل آمریکایی در نظر می گیرد، باعث شد تا مفاد این یادداشتها تحت الشعاع لایحه قرار گیرد. تبادل یادداشتهای کنونی، توضیح مورد نظر را فراهم می کند.

از دو ماه پیش که لایحه تصویب شد و در واقع حتی قبل از آن ما با وزارت خارجه مذاکراتی داشته ایم تا اطمینان حاصل کنیم که هدف اساسی از مبادله یادداشتهای اولیه، صرف نظر از تعبیرات محدود کننده احتمالی قانون وضعیت، تحقق می یابد. این مذاکرات که با پیچیدگیهای قانونی و مسائل

سیاسی درگیر بوده و در طی تلگرامهای سفارت به شماره های ۴۹۵ و ۶۳۰ گزارش گردیده، کاملاً دشوار و طولانی بوده است.

راه حل مورد قبول طرفین در دو یادداشت وزارت خارجه مندرج است. اولی (یادداشت شماره ۹۷۶۰، ضمیمه یک) صرفا سفارت را از تصویب اخیر قانون وضعیت در مورد «رئیس و اعضای هیئت مستشاران نظامی آمریکا در ایران که تحت موافقتنامه های مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی هستند»، آگاه می سازد. دومی (یادداشت شماره ۹۷۶۲، ضمیمه ۲) به کنوانسیون وین اشاره دارد و توافق دولت ایران را باشمول کامل مصونیت به «پرسنل نظامی و غیرنظامی آمریکایی که تحت موافقتنامه ها و ترتیبات منعقده میان دو دولت در ایران بسر می برند» و تحت عنوان کارمندان اداری و فنی سفارت مطابق با تعریف مندرج در بند (و) از ماده اول کنوانسیون وین «معرفی» شده اند، اعلام می دارد. جوابیه سفارت به این دو یادداشت (یادداشت شماره ۲۸۲، ضمیمه ۳)، حاوی شرایط الغاء مصونیت می باشد، که مجوز آن در تلگرام شماره ۴۱۳ وزارت امور خارجه آمده است. جوابیه سفارت این مکاتبه را به هم پیوند می زند. هر دو یادداشت ایران در پاسخ به یادداشت ۲۹۹ ما (تلگرام شماره ۵۵۲ سفارت) می باشد که به صورتی غیر مستقیم نیز توسط قانون وضعیت تأیید شده است. پاسخ ما با صراحت بیشتری، دو یادداشت ایران را همچنین با یادداشت اولیه به شماره ۲۴۳ ما که موجب کل مکاتبه گردیده است، پیوند می دهد.

باید توجه کرد که در ضمائم ۱و۲ بعضی از کلمات توسط مترجم به منظور وضوح بیشتر داخل پرانتز قرار گرفته است، ولی این پرانتزها جزء خود سند نیست.

ترجمه های تأیید شده، از یادداشتهای ۹۷۶۰ و ۹۷۶۲ ایران و یک نسخه تأیید شده از یادداشت ۲۸۲ ما، جداگانه به دفتر مشاور حقوقی در امور معاهدات، برای بررسی تقدیم خواهد شد. همه ضمائم طبقه بندی نشده می باشد، ولی قبل از انتشار علنی آنها، باید سفارت در جریان گذارده شود، زیرا تمام مطالب مربوط به موضوع مصونیت، در اینجا هنوز از حساسیت بالایی برخوردار است. دولت ایران از اعلان عمومی شرایط الغاء مصونیت تا اطلاع بعدی و تا زمان مناسبتری، خودداری می ورزد.

از طرف سفیرمارتین.اف. هرتز مشاور سفارت در امور سیاسی

ضمائم :

۱ متن یادداشت شماره ۹۷۶۰ ایران

۲ متن یادداشت شماره ۹۷۶۲ ایران

۳ متن یادداشت شماره ۲۸۲ آمریکا

طبقه بندی: گروه ۳ در فواصل ۱۲ ساله طبقه بندی کاهش داده شود به طور خودکار از طبقه بندی خارج نشود.

تبادل یادداشتهای مربوط به لایحه کاپیتولاسیون

سند شماره (۵۷)

تلگرام هوایی ارسالی به شماره A ۳۱۳تاریخ : ۱۵ دسامبر ۱۹۶۴ ۲۴ آذر ۱۳۴۳

از : سفارت آمریکا تهران طبقه بندی : خیلی محرمانهبه : وزارت امور خارجه واشنگتن

موضوع: تبادل یادداشتهای مربوط به لایحه وضعیت ارسال نسخه های اصلی یا کپی تأیید شده به

همراه ترجمه.

مرجع: تلگرام هوایی سفارت به شماره A ۳۰۶ به تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۶۴ تلگرام سفارت به شماره ۶۴۵.

برای دفتر مشاور حقوقی، امور معاهدات.

ضمائم این تلگرام، اسناد مربوط به لایحه وضعیت به شرح زیر می باشد:

۱ یادداشت شماره ۹۷۶۰ وزارت خارجه ایران نسخه اصلی به اضافه دو کپی تأیید شده به همراه ترجمه.

۲ یادداشت شماره ۹۷۶۲ وزارت خارجه ایران نسخه اصلی به اضافه دو کپی تأیید شده به همراه ترجمه.

۳ یادداشت شماره ۲۸۲ سفارت آمریکا در تهران به اضافه دو کپی تأیید شده .

همان طوری که قبلاً در تلگرام هوایی سفارت به شماره A ۳۰۶ بیان شد این یادداشتها، قبل از هماهنگی با این سفارتخانه، نباید منتشر شود.از طرف سفیر:مارتین. اف. هرتز

مشاور سفارت در امور سیاسی

طبقه بندی گروه ۳ با فواصل ۱۲ ساله از طبقه بندی کاسته شود، به طور خودکار از طبقه بندی خارج نشود.

مصونیتهای کنوانسیون وین

سند شماره (۵۸)

تلگرام وارده به شماره ۲۰۷تاریخ : ۱۵ دسامبر ۱۹۶۴ ۲۴ آذر ۱۳۴۳

از : سر فرماندهی نیروهای ضربتی آمریکابه : آرمیش مگ

جهت اطلاع: سفارت آمریکا تهرانمرجع : تلگرام سفارت به شماره ۶۴۳ به تاریخ ۹ دسامبر ۶۴

(۱۸ آذر ۴۳)که از نتایج موفق مذاکرات مصونیتها و معافیتها اطلاع می دهد.

موضوع : مصونیتهای کنوانسیون وین

۱ (طبقه بندی شده) نتیجه موفقیت آمیز مذاکرات در مورد مصونیتها و معافیتها، بی نهایت رضایتبخش می باشد. من متوجه موانع زیادی که باید بر آنها غلبه می شد، هستم و تصدیق می کنم که این دستاوردها نتیجه تلاش، بردباری، پشتکار و کار گروهی برجسته و چندین ماهه آرمیش مگ و سفارت می باشد.

۲ (طبقه بندی شده) اقدام شاه مبنی بر تشویق نتیجه گیری از موضوعی که در جو سیاسی ایران از حساسیت بالایی برخوردار است، بیانگر اطمینان او به هیئت آمریکایی و نشانگر روابط عالی تیم کشوری و مستشاران نظامی با او و دولت شاهنشاهی ایران است.

۳ (طبقه بندی شده) لطفا تبریکات شخصی مرا به جناب سفیر «هلمز» به خاطر موفقیتش، ابلاغ کنید. از همه کسانی که در این امر مساعدت نمودند و به خوبی کار را انجام دادند، تقدیر می نمایم.

۴ (طبقه بندی نشده) من مایلم که شما کلیه پرسنل وزارت دفاع را از امتیازات و مصونیتهای جدیدشان مطلع سازید و تعهدات مهم و الزامیشان مبنی بر رعایت قوانین و رسوم ایرانی را به آنان خاطرنشان سازید. (حاشیه دست نویس م) توجه: تا زمانی که کارتهای هویت آماده نشده، اقدام نکنید. طبقه بندی: گروه ۳

تحركات ضدكاپيتولاسيون در آبادان

سند شماره (۵۹)

تلگرام وارده به شماره ۲۴۹تاریخ: ۱۶ دسامبر ۱۹۶۴ ۲۵ آذر ۱۳۴۳

از: کنسولگری آمریکا در خرمشهربه: سفارت آمریکا در تهران

طبقه بندی: خیلی محرمانه

یک منبع موثق گزارش می دهد که روحانیون طرفدار خمینی در آبادان، مبارزه ضدآمریکایی را شدت می بخشند. اعلامیه هایی در محل کار یا در خارج از آن، در میان کارگران صنعت نفت توزیع می شود. انتقاد اساسا از لایحه وضعیت مجلس است.

همین منبع گزارش می دهد که دو تن از روحانیون آبادان به نامهای «جمی» و «سنابادی» در گردهمائی رهبران طرفدار خمینی که از ۷ تا ۱۳ دسامبر(۱۶ تا ۲۲ آذر م) در قم تشکیل شد، شرکت داشتند. شورای متخصصین نفت در آبادان در روزهای ۳ و ۴ دسامبر (۱۲ و ۱۳ آذر م) با «آقا عبدالرسول» شخصیت برجسته مذهبی در منطقه، دیدار کردند. جزئیات متعاقبا به اطلاع می رسد.

فلت

طبقه بندی: گروه ۳

رژیم شاه که علیرغم عوام فریبی ها و تبلیغات دروغین و نیز با شکنجه و زندان نتوانسته بود، افکار

مردم را از خیانت جدید خود منصرف سازد، بر آن شد که با نیرنگ تازه ای مردم را خواب و خام ساخته، خیانتی را که به ملت ایران و خدمتی را که به آمریکا کرده است، کوچک و ناچیز جلوه دهد.

بعد از تبادل یادداشتهای مربوط به تصویب کاپیتولاسیون میان ایران و آمریکا، حسنعلی منصور (قهرمان احیای کاپیتولاسیون) بار دیگر به مجلس سنا شتافت، تا لطف ارباب خود را در پذیرش لغو مصونیت در مواقع ضروری به اطلاع همگان برساند. در تاریخ ۷ دی ماه ۱۳۴۳، در جلسه ۸۹ از دوره چهارم مجلس سنا، منصور این چنین گفت:

«... ما کاملاً توجه به این شبکه ها و به این ستون پنجمها و به این عناصر مخرب داریم... در ضمن همین افراد، همین عناصر بودند و هستند که وقتی می بینند یک مملکتی با سرعت رو به جلو است، وقتی می بینند یک برنامه هایی واقعا صحیح انجام می شود، آن وقت شروع به شایعه پردازی و غرض ورزی می کنند!

رجال معظمی که در اینجا تشریف دارید. شما با یک افکار پاک و با یک تجربه وسیع و با یک دنیا خدمت، به این محل آمده اید و در اینجا ناظر خدمات دولت هستید و تدابیر و راهنماییها و ارشادی که در این نه ماهه، دولت از مجلس سنا کسب کرده است، بقدری مغتنم است که بنده در مقابل چنین مجمعی جز اظهار تشکر و اطمینان، نمی توانم عرض دیگری بکنم. ولی آنچه در خارج می گذرد و آنچه مغرضان و حسودان به شایعه می پردازند، چنان که در یک موردی به طور مثال عرض می کنم. نسبت به مصونیت سیاسی عده ای از مستشاران نظامی آمریکا که در خدمت دولت ایران اند، چه حرفها که نزدند. این واقعا برای کشوری که با این ثبات و آرامش هست، به نظر بنده بقدری مذبوحانه و بقدری مغرضانه است که احتیاجی به دفاع ندارد. وقتی ما به هیئتهای اقتصادی، امتیازات بسیار وسیعتری را می دهیم، چرا نسبت به مسئله امنیت خود غافل باشیم. این مسائل از حلقوم کسانی خارج

می شود که متأسفانه مایلند که ایران راه و روش سالم و متین و با ثبات امروز را نپیماید.

ولی بنده در اینجا، امروز به استحضار مجلس محترم سنا می رسانم، با وجودی که این قانون از مجلسین گذشت و ابلاغ شد و دولت مجری آن است، ولی با مذاکراتی که با مقامات آمریکایی به عمل آمد،از طرف دولت آمریکا موافقت شد که نسبت به هر موردی که دولت ایران تشخیص بدهد که ضرورت داشته باشد، دولت آمریکا موافقت خواهد کرد که نسبت به آن فرد سلب مصونیت سیاسی بکند. (صحیح است) در حقیقت این یک مسئله ای است که ما فقط نسبت به خدمتگزارانی در ارتش ایران، حقوقی قائل هستیم با حق اینکه هر موقع ضروری تشخیص بدهیم، این مصونیت را سلب بکنیم و دولت آمریکا این موافقت را اعلام کرده است و بنده امروز در مجلس محترم سنا با اعلام آن احساس افتخار می کنم!(صحیح است). دیگر وسیله به دست حسودان و بدبینان داده نشود که این مسائل کوچکی که در روابط بین المللی بسیار ناچیز و بی اهمیت است و مشابه آن در تمام کشورها به عناوین مختلف انجام می شود و در مقابل یک چنین عظمتی که امروز، ایرانی باید به آن ببالد، عنوان کنند و این مسائل را به آن، جامه سیاسی بپوشانند. اینها دون شأن مملکت است. اینها دون شأن دولت است و اینها بدون تردید محکوم از طرف نمایندگان محترم ملت در مجلس سنا و مجلس شورای ملی است.»

در اینجا چند سؤال مطرح است. اول اینکه اگر این لایحه طبق ادعای قبلی آقای منصور،

بی اهمیت، جزئی و به نفع توده مردم بود و مجلسین هم آن را تصویب کرده بودند، چرا دولت وقت وارد مذاکره شد تا در این لایحه به نفع مردم! تغییری بدهد؟ دوم اینکه اگر واقعا تغییری داده شد چرا آن تغییر، جزء مواد همان لایحه قرار نگرفت؟ سوم اینکه اگر به ادعای آقای منصور مجلسین این لایحه را تصویب کرده اند، به چه مجوزی دولت رأسا وارد مذاکره شده و بدون اطلاع تغییری در این لایحه داده است؟ اگر واقعا در لایحه کاپیتولاسیون تغییری داده شده بود باید مطابق قانون، شکل قانونی به خود می گرفت نه آن که آقای منصور آن را در یک سخنرانی بیان کند و به آن ببالد. ولی حقیقت ماجرا این بود که منصور سعی کرد با اعلام این خبر، کمی از خشم و نفرت مردم نسبت به این لایحه بکاهد.

لازم به ذکر است که در روز ۸ دیماه ۱۳۴۳، رژیم شاه فرزند برومند امام خمینی (ره) یعنی حاج آقا مصطفی خمینی را پس از ۵۷ روز اسارت، از زندان آزاد کرد تا به اصطلاح حسن نیت خود را به مردم نشان دهد، ولی به علت ترس از فعالیتهای ایشان در قم، ۵ روز بعد یعنی در ۱۳ دیماه ۱۳۴۳ ایشان را به ترکیه تبعید نمود.

توجیهات منصور، نخست وزیر، در رابطه با کاپیتولاسیون

سند شماره (۶۰)

تلگرام ارسالی به شماره ۷۴۴تاریخ: ۱۸ ژانویه ۱۹۶۵ ۲۸ دی ۱۳۴۳

از: سفارت آمریکا تهرانبه: وزارت خارجه واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه

وزارت دفاع واشنگتن مرجع: تلگرام وزارت خارجه به شماره ۵۷۴

کنوانسیون وین در روزنامه رسمی کشور به تاریخ ۱۹ دسامبر (۲۸ آذر م) و قانون جداگانه در مورد تسری مصونیتهای کنوانسیون به اعضاء هیئت نظامی که «در استخدام دولت ایران هستند»، به تاریخ ۲۶ دسامبر (۵ دی م) چاپ شد. طبق قوانین ایران هر قانون جدید ده روز پس از انتشار

رسمی، قابل اجراء خواهد بود (طبق شرایط قدیمی اجراء قانون در سراسر ایران با توجه به دوری مسافت از تهران، این مدت لحاظ شده است. احتمالاً در عرف روزگار مدرن، قابل اجراء نمی باشد).

گروه مشاورین کمک نظامی (مگ) مستقر در سفارت، در حال تهیه فهرست کاملی از اسامی افرادی است که باید مشمول این قانون شوند و در مورد فرم و عبارات کارتهای شناسایی که قرار است صادر شود با وزارت خارجه (ایران م) همکاری می کند.

طبقه بندی: گروه ۳هلمز

آرمیتاژ

سرانجام در روز اول بهمن ماه ۱۳۴۳، حسنعلی منصور به سزای اعمال ننگین خویش رسید و به دست یکی از جوانان برومند اسلام به نام «محمد بخارائی» ، در جلو درب ورودی مجلس شورای ملی (محل احیای کاپیتولاسیون) اعدام انقلابی گردید. رژیم شاه در ابتداء، خبر مرگ منصور را از رسانه های گروهی مخفی داشت و بعد از ۶ بهمن یعنی سالروز به اصطلاح انقلاب سفید، خبر هلاکت او را به اطلاع عموم رساند.

لازم به ذکر است که محمد بخارائی عضو هیئتهای مؤتلفه اسلامی بود و به همراه چند تن دیگر از یارانش به نامهای «نیک نژاد، صفار هرندی، صادق امانی و مهدی عراقی» طرح اعدام انقلابی شاه و

۱۱ تن از مسئولین رده بالای رژیم شاه از قبیل منصور،ایادی، اقبال و... را ریخته بودند. به علت عدم دسترسی به شاه این اعدامها از منصور شروع شد، ولی متأسفانه ساواك این گروه را شناسایی و دستگیر نمود، لذا آنها موفق به اجرای بقیه اعدامها نگردیدند.

اعلام رسمی احیای کاپیتولاسیون

سند شماره (۶۱)

شماره: ۲۷/۳۳۴۷۷/۵۵۳۳۴ طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۴ فوریه ۱۹۶۵ ۱۵ بهمن ۱۳۴۳

از: وزارت اقتصاد اداره کل گمرکات بخش سرپرستیبه: وزارت امور خارجه دایره تشریفات

۱ براساس اطلاعات واصله، قانون مربوط به اعطای معافیتها و مصونیتهای سیاسی به مستشاران نظامی آمریکا از تصویب مجلسین گذشته است.

۲ در حال حاضر، اموال مستشاران مذکور بر اساس تبصره ۱ قانون بودجه ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) مربوط به معافیتهای گمرکی، ترخیص می شود.

۳ اگر قانون مورد اشاره در بند ۱ این نامه به تصویب نهایی رسیده باشد، تشریفات مشابهی که در مورد مأمورین سیاسی خارج اجراء می شود، در رابطه با ترخیص اموال مستشاران آمریکایی اعمال خواهد شد.

۴ در خواست می شود که نتیجه اقدامات انجام شده و نسخه ای از قانون مربوطه را به این وزارتخانه ارسال دارید.

رئیس کل گمرکدکتر هادی

رونوشت:

وزارت امور خارجه، اداره معاهدات و قراردادها وزارت جنگ، اداره مستشاری

اعدام انقلابی منصور

سند شماره (۶۲)

تلگرام ارسالی به شماره ۸۸۶ طبقه بندی نشدهتاریخ: ۲۴ فوریه ۱۹۶۵ ۵ اسفند ۱۳۴۳

از: سفارت آمریکا تهرانبه: وزارت امور خارجه واشنگتن

از آن وزارتخانه تقاضا می شود که ما را از موارد زیر مطلع سازید:

۱ آیا برای به اجراء درآمدن کنوانسیون وین، تعداد کافی از ملل (۲۲کشور) اسناد مربوط به

تصویب کنوانسیون را به سازمان ملل تسلیم کرده اند ؟

۲ دور نمای اقدام سنای آمریکا در مورد کنوانسیون چیست؟هلمزهلمز، ۱

معافیتهای گمرکی برای مستشاران

سند شماره (۶۳)

تلگرام وارده به شماره ۷۰۶ طبقه بندی نشدهتاریخ: ۲۶ فوریه ۱۹۶۵ ۷ اسفند ۱۳۴۳

از: وزارت امور خارجه واشنگتنبه: سفارت آمریکا تهران

مرجع: تلگرام سفارت به شماره ۸۸۶

کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک در ۲۴ آوریل ۱۹۶۴ (۴ اردیبهشت ۱۳۴۳ م) به

مرحله اجراء درآمد. در حال حاضر ۳۶ کشور عضو آن می باشند. این کنوانسیون در تاریخ ۱۴ می ۱۹۶۳ (۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۲ م) به سنای ایالات متحده تسلیم شد. لیکن اطلاعی در دست نیست که سنا چه زمانی در مورد آن اقدام خواهد کرد.

جهت اطلاع شما: کنوانسیون وین در مورد روابط کنسولی به مرحله اجراء در نیامده است. پنج کشور مصوبه هایشان را سپرده اند یا به آن پیوسته اند. این کنوانسیون هنوز به سنای ایالات متحده تسلیم نشده است.راسک

دورنمای تصویب کنوانسیون وین در آمریکا

سند شماره (۶۴)

طبقه بندی نشده تاریخ : ۶ مارس ۱۹۶۵ ۱۵ اسفند ۱۳۴۳

از : سفارت آمریکا تهرانبه : وزارت امور خارجه ایران

یادداشت شماره : ۴۰۶

سفارت ایالات متحده آمریکا ضمن اظهار تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی، افتخار دارد تا اطلاعات زیر را که مربوط به مصونیت کارکنان خارجی در ایران و ایالات متحده می باشد، در اختیار آن وزارتخانه قرار دهد:

۱ با توجه به مصونیتها و معافیتهای غیر دیپلماتیک کارمندان نظامی و غیرنظامی آمریکایی در ایران مطابق با توافقنامه ها و ترتیبات منعقده بین ایالات متحده و دولت شاهنشاهی ایران، برداشت ما چنین است:

وضعیت کنوانسیون وین در آمریکا و دیگر کشورها

الف کنوانسیون وین در ۲ فوریه ۱۹۶۵ (۱۳ بهمن ۱۳۴۳ م)، سی روز بعد از سپردن سند

تصویب آن، همان طوری که در ماده ۵۱ کنوانسیون پیش بینی شده، برای ایران به اجراء درآمد. در ابتداء کنوانسیون در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۶۴ (۴ اردیبهشت ۱۳۴۳ م) برای قدرتهای امضاء کننده، به اجراء درآمد و این زمانی بود که ۲۲ کشور، اسناد تصویب آن را سپرده بودند. اکنون اعضای کنوانسیون بالغ بر ۳۶ کشور می شود.

ب کنوانسیون امتیازات و مصونیتهای مشخص شده در مواد ۲۹ تا ۳۶ را برای کارکنان اداری و فنی هیئتهای خارجی تأمین می نماید. ماده ۳۱ مقرر می دارد: « مصونیت از تعقیب جزائی در کشور پذیرنده».

مصونیت کارکنان خارجی در ایران و آمریکا

ج به وسیله یادداشت شماره ۹۷۶۲ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ (۱۸ آذر ۱۳۴۳)، وزارت امور خارجه (ایران م) امتیازات و مصونیتهای مواد ۲۹ تا ۳۶ کنوانسیون را شامل این افراد دانست:

«کارمندان نظامی و غیرنظامی آمریکایی که طبق توافقنامه ها یا ترتیبات منعقده بین دو دولت در ایران هستند و از طرف سفارت به عنوان کارکنان اداری و فنی سفارتخانه به وزارت امور خارجه شاهنشاهی معرفی می شوند».

د یادداشت شماره ۹۷۶۰ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ (۱۸ آذر ۱۳۴۳) سفارتخانه را مطلع نمود که مجلسین شورا و سنا در ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ (۲۱ مهر ۱۳۴۳) یا قبل از آن، رأی دادند که این مصونیتها و معافیتها شامل رئیس و اعضای هیئتهای نظامی آمریکایی که در استخدام دولت شاهنشاهی هستند، بشود. با وجود این قانون، دیگر شکی وجود نخواهد داشت که کارکنان هیئت نظامی که در مقابل

خدمات خود از دولت ایران حقوق می گیرند، مشمول کنوانسیون خواهند شد. کارکنانی که به این صورت حقوق نمی گیرند، مشمول یادداشت شماره ۹۷۶۲ وزارت امور خارجه می باشند.

ه این واقعیت که دولت ایالات متحده هنوز کنوانسیون وین را تصویب نکرده است، از لحاظ قانونی ربطی به این مسئله ندارد. ماده ۴۷ کنوانسیون این گونه مقرر می دارد که: «دولت پذیرنده(در این مورد ایران) در اجرای مقررات این کنوانسیون، تبعیضی بین دولتها قائل نخواهد شد».مفاد این ماده، مندرج در بند۲ (الف) مقرر می دارد که موارد زیر تبعیض تلقی نخواهد شد: اگر دولت پذیرنده(ایران) یکی از مقررات این کنوانسیون را به طور محدود اجراء کند به این علت که دولت فرستنده(آمریکا) نسبت به هیئت (ایران) در این مورد محدودیت قائل شده باشد، این ماده به طور واضحی اجازه این امر را می دهد ولی اجباری نیست. و یادداشتهای شماره ۹۷۶۰ و ۹۷۶۲ وزارت امور خارجه، مصونیتها و معافیتهای ماده ۳۷ را بدون قید و شرط اعطاء می کند و بدین وسیله بیانگر نیت دولت شاهنشاهی مبنی بر این امر است که این دولت خواستار هیچ گونه محدودیتی در کاربرد آن نمی باشد.

۲ این موضوع متضمن معامله متقابل نیست، ولی سفارت مایل است به وزارت امور خارجه اطلاع دهد که دولت آمریکا در اعطاء مصونیتها محدودیتی به کار نمی برد. افراد سیاسی خارجی که ایالات متحده استوار نامه های آنها را معتبر دانسته و همراهان آنان را تأیید کرده است، از بازداشت و زندانی شدن مصون هستند، کالاها و اموالشان را نمی توان توقیف یا ضبط کرد. هر کسی که علیه اینگونه کارمندان دیپلماتیک یا همراهانشان و یا علیه کالاها و اموالشان تعقیب قانونی اعمال نماید یا هر کسی که به یک کارمند دیپلماتیک حمله نماید به جریمه و زندان محکوم خواهد شد (۲۲ ایالات متحده، کد ۲۵۴ ۲۵۲).

موضع دولت ایالات متحده این است که بجز اتباع و ساکنان دائمی ایالات متحده، مصونیت رئیس

هیئت دیپلماتیک شامل کلیه اعضای هیئت و از جمله کارمندان اداری که جزء کارمندان دیپلماتیک نیستند، می شود.

سفارت موقع را برای تجدید احترام به وزارت امور خارجه شاهنشاهی مغتنم می شمارد.

بخشنامه مربوط به تصویب کنوانسیون وین

سند شماره (۶۵)

طبقه بندی نشدهتاریخ ۱۵/۱۲/۱۳۴۳ ۶ مارس ۱۹۶۵

از: وزارت امور خارجه ایران دایره تشریفاتبه: نمایندگیهای سیاسی خارجی مقیم ایران

یادداشت

تشریفات وزارت امور خارجه شاهنشاهی با اظهار تعارفات خود به نمایندگیهای سیاسی خارجی مقیم دربار شاهنشاهی احتراما اظهار می دارد:

دولت شاهنشاهی ایران از تاریخ چهاردهم اسفند ۱۳۴۳ برابر پنجم مارس ۱۹۶۵ مقررات و قواعد قرارداد وین راجع به روابط سیاسی مورخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ را در روابط خود با نمایندگیهای سیاسی کشورهایی که این قرارداد را با توجه به ماده پنجاه و یکم آن تصویب کرده اند، رعایت خواهد نمود.

موقع را برای تجدید احترام مغتنم می شمارد.

اجرای کنوانسیون وین

ص: ۷۷۳

سند شماره (۶۶)

تاریخ: ۹ مارس ۱۹۶۵ ۱۸ اسفند ۱۳۴۳

از: دفتر جان. ای. آرمیتاژ معاون مخصوص سفیر در امور (۱)MSPبه: سفیر

موضوع: اجرای کنوانسیون وین

یادداشت ضمیمه، بخشنامه ای به کلیه هیئتهای سیاسی می باشد که در اشاره به ماده ۵۱، یعنی ماده مربوط به اجرای بدون تبعیض کنوانسیون، دارای ابهام است.

من پیشنهاد می کنم فعلاً آن را نادیده گرفته و به یادداشت خود خطاب به وزیر خارجه، بپردازیم. دفعه بعد وقتی که او را ملاقات نمودید، در صورت امکان از او بپرسید که آیا یادداشت ما را دریافت و مطالعه کرده است. و اگر چنین است آیا او به اداره گذرنامه مجوز لازم را داده است تا کارتهایی در اختیار پرسنل ما قرار دهد که به وضوح نشانگر این باشد که آنان را نمی توان دستگیر یا بازداشت نمود.

یادداشت ضمیمه احتمالاً برای رئیس هیئت سیاسی مشکلاتی در برندارد، ولی من تصور می کنم که می توان آنها را به قائم مقام شما ارجاع داد.

قتل یک دختر ایرانی به وسیله یک درجه دار آمریکایی

سند شماره (۶۷)

یادداشت شماره: ۴۱۸ طبقه بندی نشدهتاریخ: ۱۱ مارس ۱۹۶۵ ۲۰ اسفند ۱۳۴۳

از: سفارت آمریکا تهرانبه: وزارت امور خارجه ایران

سفارت ایالات متحده آمریکا ضمن اظهار تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی احتراما به اطلاع آن وزارتخانه می رساند که در تاریخ ۳ مارس ۱۹۶۵ (۱۲ اسفند ۱۳۴۳ م) در

کرمانشاه، یک وسیله نقلیه موتوری به رانندگی «چارلز. ال. گری» که در حال انجام مأموریت اداری بوده و از متخصصین رده ۴ آرمیش مگ می باشد با دوشیزه «ایران سلیمی» تصادف نمود. در ۱۱ مارس (۲۰ اسفند م) دوشیزه سلیمی بر اثر جراحات وارده از این تصادف فوت کرد.

سفارت مایل است تأسف عمیق خود را از وقوع این تصادف ناخوشایند به آن وزارتخانه اعلام دارد.

بر طبق یادداشت شماره ۳۴۲ سفارت مورخ ۲۳ ژانویه ۱۹۶۵ (۳ بهمن ۱۳۴۳ م) که در جواب یادداشت شماره ۹۷۶۲ آن وزارتخانه مورخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ ارسال شد، آقای «گری» که فردی متخصص است، به عنوان کارمند اداری و فنی سفارت به آن وزارتخانه معرفی شد. بنابراین ایشان طبق ماده ۳۷ کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک از امتیازات و مصونیتهای سیاسی که در مورد کارکنان سفارت صادق است، برخوردار می باشد.از آن وزارتخانه درخواست می شود که به مقامات ذی صلاح ایران اطلاع دهد که «گری» مصونیت سیاسی دارد و قضیه نامبرده هم اکنون تحت رسیدگی مقامات نظامی آمریکایی قرار دارد.

اگر چه، بر طبق ماده ۳۱ کنوانسیون وین، آقای «گری» از تعقیب مدنی و همچنین جنایی مصونیت دارد ولی مقامات نظامی آمریکا حل و فصل مناسب هرگونه ادعای مدنی ناشی از این تصادف، که از

۱- برنامه مشترک امنیتی م.

طرف بستگان درجه یک دوشیزه سلیمی اقامه گردد، متقبل می شوند.

سفارت موقع را برای تجدید احترام به وزارت امور خارجه شاهنشاهی مغتنم می شمارد.

دادگاههای آمریکا در ایران و معاهده ۱۹۲۱ ایران و شوروی

سند شماره (۶۸)

طبقه بندی: خیلی محرمانه اداری غیر رسمیتاریخ: ۲۴ مارس ۱۹۶۵ ۴ فروردین ۱۳۴۴

از: سفارت آمریکا تهرانبه: سفارت آمریکا آنکارا

فرانک عزیز:

احتمالاً تا به حال متوجه شده اید که بالاخره برای عقد یک قرارداد وضعیت با ایرانیها به نتیجه رسیدیم. در اصل، این قرارداد همان مصونیتها و امتیازات کنوانسیون وین را در مورد پرسنل نظامی مستقر در اینجا تحت عنوان «کارکنان اداری و فنی» سفارت اعمال می کند. این موضوع در اینجا از نظر سیاسی حائز حساسیت بسیاری است و به خاطر مذاکرات علنی (مجلس م) موقعیت ما کمی لطمه دیده است. در تمام مدت مذاکره با ایرانیها به آنها اطمینان می دادیم که نه در گذشته و نه در آینده قصد بر پایی دادگاه نظامی در ایران را نداشته و نداریم. در گذشته این کار را نکرده ایم، چون طبق مقررات نظامی، نهاد نظامی ما در اینجا به صورت پایگاه در می آید و ما به خاطر معاهده ۱۹۲۱ ایران و شوروی بشدت از بروز چنین امری جلوگیری می کنیم. بر طبق این معاهده ایران متعهد است که به هیچ نیروی خارجی اجازه تأسیس پایگاه در این کشور را ندهد. به هر حال، ایرانیان حتی نسبت به اشاره ای در مورد برپایی حوزه قضائی خارجی در اینجا حساسیت شدید نشان می دهند و علت آن نیز تجارب طولانی و تلخ آنان در رابطه با «کاپیتولاسیون» می باشد.

این موضوع چگونه به شما ارتباط پیدا می کند؟ چگونگی ربط آن به شما این است که از زمان

انعقاد قرارداد جدید، یک تصادف منجر به مرگ در اینجا توسط یک درجه دار جزء به نام «چارلز. ال. گری» متخصص درجه چهارم، صورت گرفته است. او در این تصادف آن قدر بی مبالات و مسامحه کار تشخیص داده شده است که باید در یک دادگاه نظامی محاکمه شود. ژنرال «اکهارت» خواستار محاکمه وی در ترکیه شده و سرگرد «هارت» نیز در همین رابطه در هفته گذشته با ژنرال «هریک» ملاقاتی داشته است. صریح بگویم برداشت ما این است که ژنرال «هریک» تمایلی برای موافقت با این درخواست از خود نشان نداد. از آنجایی که دادرسی مختصر و دادگاه ویژه معمولاً در آنجا تشکیل می شود، ما متحیریم که چرا محاکمه یکی از اعضاء «آرمیش مگ» باید مشکل خاصی را فراهم کند. از شما نمی خواهم که در این زمینه ابتکاری به خرج دهید، لیکن می خواهم شما در جریان باشید تا تصمیم گیری مناسب در این موضوع را تسهیل سازید. در صورت مطلع ساختن سفارت از نتایج امر و زمان آن، متشکر خواهم شد.

مدت مأموریت ما در اینجا رو به پایان است و در ماه ژوئن (خرداد م) جهت انتقال اینجا را ترک کرده و عازم وطن خواهم شد، خدا را شکر. در پائیز امسال عازم مسکو خواهم شد. اسبهای فراری همیشه به اصطبل باز می گردند. با بهترین احترامات.ارادتمندجان. ای. آرمیتاژ معاون ویژه سفیر

ترور شاه

طبقه بندی: گروه ۳ در فواصل ۱۲ ساله از طبقه بندی کاسته شود، به طور خودکار از طبقه بندی خارج نشود.

رژیم شاه تصور می کرد با دستگیری و سرکوبی گروه "محمد بخارائی" ریشه اعمال قهرآمیز را برای مدتی طولانی خشکانیده و می تواند با آسودگی به حیات خود ادامه دهد ولی هنوز ۳ ماه از اعدام انقلابی منصور نگذشته بود که صدای رگبار مسلسل کاخ مرمر را به لرزه درآورد. ساعت ۹ صبح روز ۲۱ فروردین ۱۳۴۴ یکی از نگهبانان کاخ مرمر به نام "رضا شمس آبادی" در سرسرای کاخ مرمر به طرف شاه اقدام به تیراندازی نمود ولی قبل از اینکه موفق شود شاه را به سزای اعمال خیانتکارانه اش برساند توسط دو درجه دار گارد مورد اصابت قرار گرفت.

این حادثه انعکاسی از نارضایتی شدید و اوضاع قابل انفجار در ایران بود به همین جهت حکومت سعی نمود با تمام قوا از علنی شدن آن جلوگیری نماید اما موضوع چیزی نبود که قابل انکار و اخفاء باشد. حمله در مرکز شهر و در کاخ مرمر انجام گرفته بود و جمع زیادی از مردم از خیابانهای اطراف با شنیدن صدای مسلسل به کنجکاوی پرداخته بودند و خبر با سرعت درز پیدا کرده و به سر زبانها افتاده بود و همه جا از ترور شاه سخن گفته می شد از این رو مقامات رژیم در مقام اغفال و انحراف افکار عمومی برآمدند و اولین خبر روزنامه ها از طریق سازمان امنیت این بود که "بین چند نفر سرباز در کاخ مرمر نزاعی در گرفت که منجر به تیراندازی و کشته شدن چند نفر سرباز گردید". روز بعد گزارش دیگری که دروغ اول را اصلاح می کرد منتشر شد به این صورت که "هنگامی که اعلیحضرت همایونی شاهنشاه! به دفتر کار خود در کاخ مرمر نزول اجلال! می فرمود سرباز وظیفه ای گویا بر اثر جنون آنی به تیراندازی دست زد و باغبان و دو مأمور را به قتل رسانید و خود کشته شد."

بلاتکلیفی کنوانسیون وین در سنای آمریکا

سند شماره (۶۹)

تلگرام وارده به شماره ۱۰۳۱تاریخ: ۱۴ می ۱۹۶۵ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۴

از: وزارت امور خارجه واشنگتنبه: سفارت آمریکا تهران

طبقه بندی: استفاده اداری محدود مرجع: تلگرام سفارت به شماره ۱۲۷۱

طبق ماده ۵۱، کنوانسیون وین تنها بین دولتهایی که سند تصویب کنوانسیون را تسلیم نموده اند و یا به آن ملحق شده اند به اجراء گذاشته می شود. ایران در تاریخ ۵ فوریه ۱۹۶۵ (۱۶ بهمن ۱۳۴۳ م) سند تصویب آن را تسلیم نمود. آمریکا هنوز کنوانسیون را تصویب نکرده و در سنا بلاتکلیف باقی مانده است.

من فکر می کنم که سؤال شما در ارتباط با وضعیت پرسنل نظامی آمریکا می باشد. این حقیقت که کنوانسیون به این صورت بین آمریکا و ایران قابل اجراء نیست (تأکید می شود، نیست) باعث کاهش تعهدات جداگانه ای که ایران در یادداشت شماره ۹۷۶۲ به تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ (ارسال شده به وسیله تلگرام A ۳۱۳ به تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۶۴)، مطابق با ماده ۳۷ (۲) در مورد تسری مصونیتها و معافیتها به پرسنل نظامی و غیر نظامی آمریکا متقبل شده، نمی گردد (تکرار می شود، نمی گردد). دولت آمریکا یادداشتهای سفارت به شماره های ۴۲۳ به تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ و ۲۹۹ به تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۶۳ و پاسخ وزارت (خارجه ایران م) به تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ را به عنوان اساس قرارداد الزامی بین دو دولت، تلقی می نماید.بال

بحث حقوقی پیرامون کنوانسیون وین

سند شماره (۷۰)

طبقه بندی: استفاده اداری محدود اداری غیررسمیتاریخ: ۲ ژوئن ۱۹۶۵ ۱۲/۳/۱۳۴۴

از: دونالدوهمیر دستیار مشاور حقوقی

به: جان آرمیتاژ مشاور سیاسی سفیر

جک عزیز:

از دریافت نامه شما به تاریخ ۲۵ می که در رابطه با کاربرد کنوانسیون وین می باشد، خوشحالم و سعی خواهم کرد تا نقطه نظراتمان را راجع به مواد ۴۷ تا ۵۱ روشن سازم. گرچه ماده ۴۷ به آن استحکامی که می توانست باشد، نوشته نشده است و بنابر این من می توانم درک کنم که چگونه شما به این نتیجه رسیدید که « هر دولتی که آن را تصویب کند یا به آن ملحق شود، باید این کنوانسیون را نسبت به همه دولی که با آن کشور رابطه دارند، اعمال کند»، اما فکر نمی کنم که شما حمایتی برای این نظریه خاصتان پیدا کنید. ماده ۴۷ تنها موقعی جنبه اجرایی پیدا می کند که بین دو دولت، کنوانسیون اجراء شود و این دو دولت دارای اختلاف مشخصی باشند و در آن اختلاف به مفاد کنوانسیون استناد کنند. این یک قاعده اصلی در حقوق بین المللی است که یک معاهده تنها به امضاء کنندگان آن مربوط می شود. به عنوان یک قاعده (حقوقی م)، حقوق و وظایف ناشی از یک معاهده، شامل دولتهای ثالثی که شرکای آن معاهده نیستند، نمی گردد.

من معتقدم که شما احتمالاً براساس به یادآوردن یک نکته فنی که شاید از قبل می دانسته اید، به این نتیجه گیری رسیده اید. تحت شرایط معینی این بحث مطرح است که هر چند همه دولتها به یک موافقتنامه بین المللی خاص نپیوسته باشند، اما اگر تعداد کافی از دولتها موضع خاصی را در قبال موضوعاتی که جنبه بین المللی دارند، اتخاذ نمایند. موافقتنامه حاصله بیانگر اجماعی است بر سر آن

چیزی که حقوق بین المللی متضمن آن در مورد موضوع مربوطه است. در عین اینکه امکان دارد از چنین استدلالی برای سعی در تحقق قواعد کلی حقوق بین المللی استفاده کرد، اما هنگامی که خواهان اجراء یا مطالبه حقی تحت یک موافقتنامه هستیم در حالی که دولت مدعی یا مدعی علیه یکی از طرفهای موافقتنامه مزبور نباشد، در این روش مذکور قابل استفاده نمی باشد.از این رو، من معتقدم که تفسیر صحیحی از ماده ۴۷ این است که پذیرفته شود، بند اول باید این طور قرائت شود : «در اعمال مفاد کنوانسیون حاضر، دولت پذیرنده نباید بین دولتها(یی که عضو این کنوانسیون هستند) تبعیض قائل شود.» اگر قضیه از این قرار نباشد و نظریه شما قابل اجراء باشد، من معتقدم شما موافق خواهید بود که ایران مجبور خواهد شد کنوانسیون را نه تنها در مورد آمریکا اجراء کند، هر چند آمریکا هنوز عضو این کنوانسیون نمی باشد، بلکه باید آن را در مورد همه دولتها اعمال نماید، هر چند که آنها هنوز یکی از اعضای کنوانسیون مذکور نشده باشند.

با اینکه تلگرام شماره ۱۲۷۱ سفارت بیانگر متنی که در آن تفسیر ماده ۵۱ خواسته شده، نمی باشد اما ما تصور می کنیم که سؤال شما مربوط به مشکل پرسنل نظامی آمریکا می باشد و سعی کردیم در تلگرام ۱۰۳۱ وزارتخانه شرح دهیم که چرا ما معتقدیم که تبادل یادداشتهای دیپلماتیک یک الزام قانونی برای ایران ایجاد کرده که مفاد کنوانسیون وین را در مورد پرسنل نظامی آمریکا به اجراء درآورد، صرف نظر از اینکه آیا ایالات متحده یکی از طرفهای این کنوانسیون می باشد یا خیر. اگر شما

برای متقاعد کردن مقامات ایران جهت اعمال این کنوانسیون نسبت به پرسنل نظامی آمریکا با اشکال مواجه هستید، برای ما مفید خواهد بود که به طور مشخص تری بدانیم که مشکل چیست و مقامات ایران چه موضعی گرفته اند. ما معتقدیم که ما در یک موضع قانونی صحیح قرار داریم، ولی این موضع بیشتر بر پایه تبادل دوجانبه یادداشتها قرار دارد تا بر پایه تفسیری از خود کنوانسیون وین.

من اطمینان دارم آنچه که در بالا گفته شد تا حدودی به شما کمک خواهد کرد و اگر شما خواستار آن هستید که ما این موضوع را مورد بررسی بیشتر قرار دهیم، فقط به ما اطلاع دهید.

من توسط «جان گاثری» از انتصاب شما در مسکو مطلع شدم و بسیار خوشحالم، هر چند به خاطر اینکه شما پستی را در حوزه مأموریت من ترک می کنید، متأسف هستم. من منتظر دیدار شما به هنگام حضورتان در واشنگتن هستم و امیدوارم که ما بتوانیم در آن موقع صحبت خوبی را با هم داشته باشیم.

با بهترین احترامات شخصی

ارادتمند شما

دونالد. آ. وهمیر

تصویب کنوانسیون وین توسط آمریکا

سند شماره (۷۱)

تلگرام ارسالی به شماره: ۶۳۷ Aتاریخ: ۳ ژوئن ۱۹۶۵ ۱۳ خرداد ۱۳۴۴

از: سفارت آمریکا تهرانبه: وزارت امور خارجه واشنگتن

مرجع: تلگرام سفارت به شماره ۴۰۴ به تاریخ ۱۴ اکتبر ۱۹۶۴طبقه بندی: استفاده اداری محدود

موضوع: تصویب کنوانسیون وین توسط آمریکا

همان طوری که وزارتخانه مطلع است، دولت ایران پس از مجادله های فراوان کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک را به مجلسین شورا و سنا تقدیم کرد و تصویب آن را نیز به دست آورد. دولت ایران همچنین موافقت کرد که توسط تبادل یادداشتهایی، ماده ای از کنوانسیون را که مربوط به «کارکنان اداری و فنی» سفارت است به پرسنل اداره های نظامی و غیر نظامی نیز تسری دهد.

به هر حال، بعد از آن از طرف بخشی از وزارت امور خارجه (ایران م) برای برقرار نمودن روشهای لازم جهت اعمال امتیازات و مصونیتهای پیش بینی شده در کنوانسیون، اکراه وجود داشته است. مقامات وزارت خارجه (ایران م) مکررا در مذاکرات، این واقعیت را که ایالات متحده هنوز کنوانسیون را تصویب نکرده است، به عنوان عذر یا توجیه نگرش تأخیری و غیر مفید این وزارتخانه عنوان کرده اند. سفارت مطمئن است که می تواند موضوع «برقرار نمودن روشهای لازم» را با وزارت (خارجه ایران م) حل و فصل کند، ولی نمی تواند مطمئن باشد که در یک یا دو وضعیت دشوار، مشکلات تازه ای پیش نخواهد آمد. برای این هیئت نمایندگی بسیار مفید می بود، اگر سنای ایالات متحده کنوانسیون وین را تصویب کرده بود. سفارت از وزارتخانه می خواهد که همه اقدامات مناسب برای تسهیل و سرعت بخشیدن به این تصویب را مبذول دارد.

از طرف سفیرجان.ای.آرمیتاژ دستیار ویژه سفیر در امور MSP

سرانجام در سحرگاه ۲۶ خرداد ۱۳۴۴ رژیم وابسته شاه ۴ نفر از فرزندان انقلابی اسلام به نامهای

شهادت چهار تن از فرزندان رشید اسلام به جرم اعدام انقلابی منصور

محمد بخارائی، صادق امانی، رضا صفار هرندی و مرتضی نیک نژاد» را به جرم اعدام انقلابی منصور (احیاء کننده کاپیتولاسیون)، به شهادت رساند و با این کار ثابت کرد که در راه حفظ خود و خدمت به اربابان آمریکاییش از هر گونه خیانت و جنایتی کوتاهی نخواهد کرد.

لازم به ذکر است که یکی دیگر از اعضای این گروه به نام «مهدی عراقی» نیز به حبس ابد محکوم گردید و از زمان دستگیری یعنی سال ۱۳۴۳ تا نیمه سال ۱۳۵۷ را در زندانهای رژیم شاه حبس بود و شکنجه های بسیاری را تحمل نمود. ایشان نیز چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط گروهک منحرف «فرقان» به شهادت رسید.

نظر وزیر خارجه آمریکا در مورد تصویب کنوانسیون وین در آمریکا

سند شماره (۷۲)

تلگرام وارده به شماره ۳۳۵تاریخ: ۱۶ سپتامبر ۱۹۶۵ ۲۵ شهریور ۱۳۴۴

از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سیبه: سفارت آمریکا تهران

طبقه بندی: استفاده اداری محدودمرجع: تلگرام وزارت خارجه به شماره ۱۲۶ A

در ۱۴ سپتامبر (۲۳ شهریور م) سنا به اتفاق آراء به قطعنامه مربوط به موافقت و پذیرش کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک رأی داد. با این حال، وزارتخانه توصیه خواهد کرد که ریاست جمهوری تا هنگامی که کنگره، قانون تکمیلی را مورد رسیدگی قرار نداده، آن را تصویب نکند یا سند تصویب آن را تسلیم ننماید. احتمالاً سنا در جلسه بعدی خود، قانون تکمیلی را مورد رسیدگی قرار خواهد داد. راسک

انتقال حضرت امام خمینی (ره) از ترکیه به عراق

ناراحتی، نگرانی و خشم مردم ایران از ادامه تبعید غیر قانونی حضرت امام (ره) روز به روز

افزایش می یافت و واکنش خشونت بار آنان هر روز فزونی می گرفت و با کوچکترین مناسبتی ظاهر می شد. به محض پخش شایعه یا خبری مبنی بر اینکه امام خمینی در تبعیدگاه مریض شده اند و یا اینکه دولت ترکیه از زندانبانی ایشان سرباز زده، موجی طوفان زا همه جا را فرا می گرفت. بازار تعطیل می شد و درسهای حوزه به صورت نیمه تعطیل در می آمد، منازل علما مملو از انبوه جمعیتی می گردید که خواهان اقدامات جدی تر جهت آزادی و بازگشت رهبر بودند. سیل تلگراف و طومار و نامه اعتراض آمیز به سفارت ترکیه و به سازمانهای بین المللی ادامه داشت، به طوری که کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل نیز در آوریل ۱۹۶۵ طی نامه ای به دبیر کل وقت، نسبت به تبعید امام خمینی (ره) اعتراض نمود.

با اوج گیری مخالفتها، شاه احساس خطر نمود و دریافت که برای کنترل اوضاع باید چاره ای بیندیشد. از این رو با توصیه مشاورانش تصمیم گرفت که امام خمینی (ره) را از ترکیه به عراق منتقل سازد. شاه از این عمل دو هدف را در نظر داشت. اول اینکه با انتقال امام خمینی (ره)از ترکیه به شهر نجف اشرف در عراق که در آن زمان یکی از مهمترین حوزه های علمیه شیعه بود، خشم و ناراحتی مردم تا حد زیادی فروکش می کرد و از طرف دیگر شاه فکر می کرد با حضور امام خمینی (ره) در نجف اشرف، ایشان نخواهند توانست در کنار مراجع حوزه علمیه نجف مطرح شوند و تحت تأثیر شخصیت علمی آنان قرار خواهند گرفت و از یادها محو خواهند شد. لذا دولت ایران با دولت عراق وارد مذاکره شد و موافقت آن دولت را در این موضوع جلب نمود. با این شرط که دولت عراق هیچ

گونه استقبال رسمی و مردمی از ایشان به عمل نیاورد و ورود ایشان را به آن کشور را نیز به طور رسمی اعلام نکند. در مقابل، دولت عراق شرط کرد که انتقال امام خمینی به عراق به عنوان تبعید از طرف دولت ایران نباشد و مقامات ایران حق هیچ گونه دخالتی در سرنوشت، آزادی و مدت اقامت ایشان در عراق نداشته باشند.

به این ترتیب در روز ۱۲ مهر ماه ۱۳۴۴ (بعد از ۱۱ ماه تبعید)، حضرت امام خمینی (ره) به همراه فرزند برومندشان آیت اللّه حاج آقا مصطفی خمینی به عراق منتقل شدند. لازم به ذکر است که در آن تاریخ هنوز حزب بعث عراق، در این کشور بر سر کار نیامده بود و زمامداران وقت عراق روابط نسبتا خوبی با رژیم شاه داشتند.

نحوه استفاده مستشاران از مصونیت

سند شماره (۷۳)

طبقه بندی: سری غیرقابل رؤیت برای خارجیانتاریخ: ۲۴ ژوئن ۱۹۶۷ ۳ تیر ۱۳۴۶

از: سفارت آمریکا تهرانبه: عالیجناب دونالد. ای. وهمیر، معاون مشاور حقوقی وزارت امور خارجه واشنگتن،دی.سی. ۲۰۵۲۰ نامه اداری غیر رسمی

دون عزیز:

متأسفم که اوضاع و احوال باعث شد که نتوانم زودتر از این به نامه ۲۳ می شما پاسخ دهم. حقیقت این است که مقداری تحقیق باید انجام می شد، به علاوه تخلیه از امان و بغداد که بیشترین وقت و انرژی کارمندان اداری را گرفت، همگی دست به دست هم داده و مانع از نوشتن پاسخ نامه ات زودتر از این تاریخ شد. هر چند من مطمئنم که جنگ اعراب و اسرائیل و حوادث همراه آن باعث به تعویق افتادن تحقیق شما شده و شاید اکنون فشار برای فراهم آوردن اطلاعات مورد نظر شما، آنقدرها زیاد نیست.

به هر حال اینها مطالبی است که ما توانسته ایم جهت پاسخ به سؤالات شما تهیه نماییم.

قبل از هر چیز، پرسنل این یگانهای مختلف متنوع (که بسیاری از آنها از حساسیت فوق العاده ای برخوردارند) بدون استثناء دارای کارتهای هویت زرد رنگ می باشند، که توسط وزارت امور خارجه (ایران م) صادر شده و تأیید می کند که آنها مصونیت دارند. اسامی افراد توسط آرمیش مگ به کنسولگری داده می شود که کنسولگری نیز به نوبه خود آنها را به همراه عکس و شماره گذرنامه و توضیحی مبنی بر اینکه این افراد در استخدام وزارت دفاع آمریکا هستند، به وزارت امور خارجه ایران می فرستد. این سیستم در رده پایین سازماندهی شده و با مؤثرترین شکل عمل می کند. تا آنجایی که به پرسنل غیر نظامی وزارت دفاع مربوط می شود، آخرین آمار ۶۰ نفر می باشد. آنها به اضافه ۲۰۸ نفر افسر، ۵۰۱ نفر درجه دار و ۱۳۶۰ نفر از بستگان آنها، جمعا(۱) ۲۱۵۹ نفر می شوند که دارای کارت زرد هستند.

در مورد دومین سؤال، تا آنجایی که برای ما مشخص است، دولت ایران یادداشت مورخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ خود مبنی بر تسری مصونیتها به «پرسنل نظامی و غیر نظامی آمریکایی» را به اطلاع عموم نرسانده است. در وزارت امور خارجه ایران، یادداشتها به ندرت منتشر می شوند، اگر نگوییم هیچ وقت. در این قضیه دلایل قانع کننده ای وجود دارد که چرا دولت ایران نخواسته است چنین کاری را

۱- جمع صحیح این ارقام ۲۱۲۹ □ است م

انجام دهد.

در رابطه با سؤال شما درباره ترجمه یادداشت ایران به شمار ۸۸۰۰ به تاریخ ۱۱ مارس ۱۹۶۳، ما دلایل مخالف و موافق معنای کلمه «تا» را به صورتی اساسا علمی مورد توجه قراردادیم. این یادداشت در حقیقت توسط یادداشتهای شماره ۹۷۶۰ و ۹۷۶۲ وزارت امور خارجه ایران که ما در یادداشت شماره ۲۸۲ به تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ آنها را به منزله پاسخی «مطلوب و قابل پذیرش به یادداشت شماره ۴۲۳ به تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ سفارت» تلقی کردیم، کنار گذاشته شد. این سه یادداشت در تلگرام هوایی سفارت به شماره ۳۱۳A به تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۶۴ به وزارتخانه ارسال شد.

تا تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۶۳ (۱ فروردین ۱۳۴۲ م) موافقتنامه های اصلی ۱۹۴۳ و ۱۹۴۷ که حضور نظامی آمریکا در ایران را میسر می سازد، رسما تمدید نشده بود. برای این موضوع دلایلی که اساسا مربوط به جو سیاسی می شود، وجود داشته است. برای مثال ما موافقتنامه ها را در سالهای ۱۹۶۴ (۱۳۴۳ م) و ۱۹۶۵ (۱۳۴۴ م) به دلیل هیجانات ناشی از موضوع مصونیتها و به خاطر اینکه وضعیت کنوانسیون وین روشن نشده بود، به صورت رسمی تمدید نکردیم. امسال نیز این کار را به دلیل مسائل ناشی از جریان «ویپکی» تاکنون انجام نداده ایم. با وجود این مسئله مورد توجه ما این است که موافقتنامه های ۱۹۴۳ و ۱۹۴۷، علیرغم فقدان تشریفات رسمی هنوز به قوت خود باقی است. قراردادها اصولاً بر اساس رضایت طرفین باقی می ماند. بدین معنی که طبق رضایت طرفین و علیرغم فقدان تشریفات رسمی، قراردادها به قوت خود باقی می مانند. شرایط لغو قرارداد ما در مورد آرمیش مگ به یکی از چند طرق مختلف، از جمله خارج کردن هیئت به وسیله ایالات متحده، فراهم می شود. قابل توجه است که ایالات متحده هیچ گونه گام عملی برای بر هم زدن موقعیت خود در این کشور بر نداشته است. از این گذشته، طبق بیانیه دولت ایران، این کشور مدت قرارداد را تا ۲۱

مارس ۱۹۶۸ تمدید می نماید. هر چند ایالات متحده به صورت رسمی یا با موافقت کتبی، قرارداد را تمدید نکرده است. اما ادامه حضور ما در اینجا به خودی خود موافقت ضمنی ما را با ادامه اعتبار مفاد قرارداد به همان شکل اولیه، نشان می دهد. حتی اگر ما فرضا تصور کنیم که لغو قرارداد به خودی خود صورت می گرفت، ممکن است گفته شود که قرارداد با موافقت طرفین قضیه دوباره اعتبار یافته است. همان طوری که می دانید این فرایند به «استقرار مجدد» موسوم است. و معمولاً در مواردی به کار گرفته می شود که به علت بروز جنگ، موافقتنامه ها لغو شده است سپس دو طرف می خواهند مواد قابل قبول موافقتنامه های قبلی را دوباره برقرار نمایند. با آنکه در این حالت مطرح نیست، اما به نظر ما اصل مذکور در اینجا بر اساس قیاس قابل اجراء است. توجه دارید که عامل اساسی در هر دو حالت، رضایت دو جانبه طرفین قرارداد است و نه رسمیت داشتن خود قرارداد. دون عزیز، اینجا خاورمیانه است و قراردادها آن مفهومی را که در غرب دارد، در اینجا ندارد. در اینجا، از نظر یک ایرانی، یک قرارداد بهترین ترتیب ممکنی است که او می تواند در آن موقع فراهم کند، اما اگر شرایط مربوطه حتی اندکی تغییر یابد، قرارداد مزبور همواره می تواند مورد تجدید مذاکره قرار گیرد. خصوصیت یک ایرانی این است که اگر در زمان امضاء یک قرارداد تنها احتمال بدهد که شرایط به ضرر او تغییر می نماید، از همان ابتداء هرگز آن را امضاء نخواهد کرد. ما به فعالیتهای خود در قلمرو مسائل نظامی به سود ایرانیان و با رضایت آنها ادامه می دهیم در حالی که آنها ما را در اینجا تحمل می کنند. روزی که آنها

تصمیم بگیرند که ادامه حضور ما را بیش از این در اینجا نمی خواهند، چه ما با آنها موافقتنامه ای داشته باشیم و چه نداشته باشیم، دیگر نسبت به مسائل بردباری کمی وجود خواهد داشت.

دون، من مطمئنم اطلاعاتی که در این نامه در اختیارتان گذاشتم، پاسخگوی نیازهای شما خواهد بود. اگر سؤالات بیشتری دارید که فکر می کنید ما می توانیم پاسخ مفیدی به آنها بدهیم، خواهش می کنم در مطرح کردن آنها تردید نفرمائید. دفعه بعد، اگر عملیات تخلیه دیگری وجود نداشته باشد، مطمئنا سریعتر می توانیم پاسخ شما را بدهیم. در پاسخ به درخواست وکیل مدافع اداری آرمیش مگ، یک رونوشت از این نامه را به واشنگتن، وزارت ارتش، دفتر وکیل مدافع کل می فرستم.

با بهترین احترامات ارادتمند ر. کلایتون مادمعاون مخصوص سفیردر امور کمکهای نظامی

مصونیتهای پرسنل نظامی آمریکا در ایران

سند شماره (۷۴)

طبقه بندی: خیلی محرمانه یادداشت برای ثبت در پروندهتاریخ: سپتامبر ۱۹۶۷ شهریور ۱۳۴۶

موضوع: مصونیتهای پرسنل نظامی آمریکا

در تاریخ ۲۴ اوت (۲ شهریور م) یعنی روزی که عازم سفر به جنوب شرقی آسیا بودم با عزالدین کاظمی در وزارت خارجه ملاقات کردم تا در مورد «ضوابط اصلی» مربوط به تأمین مصونیت برای پرسنل نظامی ما بر اساس قانون وضعیت مصوب ۱۹۶۴، گفتگوهای قبلی را دنبال کرده باشم. عمدا در آن زمان با وی تماس گرفتم، چون تردید داشتم که در مراجعت از سفر مجال لازم برای یک مذاکره کامل را داشته باشم. حدود یک ساعت صحبت کردیم و با وجود عدم حصول توافق، هر دو به درک بهتر مواضع یکدیگر نائل آمدیم. بی شک آقای آرمیتاژ و آقای اسکات مایلند که موضوع را در وقت دیگری پیگیری کنند. در آغاز صحبت گفتم که تصادفات رانندگی، یک امتحان واقعی از کاربرد

مصونیتها را فراهم نمی کند. از حسن تفاهم مقامات و به خصوص مساعدت آقای کاظمی در قضیه «دیلز» عمیقا قدردانی نمودم، زیرا زمانی که دادستان عمومی این مسئله را طرح کرد که آیا خانم دیلز از مصونیت برخوردار است یا نه، آقای کاظمی کمک بسیاری کرد. گفتم ما باید درباره پیش آمدن موارد بسیار حادتری فکر کنیم و ببینیم که چگونه می توان با آنها برخورد کرد. مثلاً فرض کنیم که یک گروهبان آمریکایی عاشق یک زن از خانواده های اصیل ایرانی شده و پدر خانواده به آنها اجازه ازدواج نمی دهد و در منازعه ای که به این خاطر در می گیرد، گروهبان مورد نظر، آن ایرانی برجسته را با شلیک گلوله ای می کشد. من گفتم که این کار در زمره جنایات هولناک خواهد بود و ما مسلما توصیه خواهیم کرد که ایالات متحده باید مصونیت را لغو کند؛ اما شخص مزبور باید مصونیت داشته باشد تا بتوان او را از آن مبرا کرد. مقامات ما بدون شک مایل خواهند بود که با مقامات ایرانی همکاری کنند و بدون شک این گروهبان فرضی را جهت بازپرسی نزد بازپرس خواهند فرستاد اما موضوع مهم این است که مشخص شود این ما هستیم که او را برای بازرسی خواهیم فرستاد، به عبارت دیگر تا زمانی که او را در اختیار آنها قرار نداده ایم، این شخص پیش ما خواهد ماند.کاظمی گفت فرض بسیار خوبی انتخاب شده، زیرا اگر جنایتی و به دنبال آن جنجال عمومی رخ دهد، قابل تصور نیست که مقامات ایرانی گروهبان مزبور را بلافاصله دستگیر نکنند. این نکته که این شخص در یک زندان ایران حبس شود تا زمانی که محاکمه گردد، حائز اهمیت خواهد بود. گفتم ما احتمالاً با این

موضوع موافقت خواهیم کرد، ولی نکته اصلی این است که مقامات ایرانی نمی توانند یک گروهبان آمریکایی را دستگیر و زندانی کنند. این امر با توافق ما در رابطه با مصونیتهای کنوانسیون وین مغایرت دارد. بار دیگر به تاریخچه قراردادهای میان دو دولت پرداختیم و برای اولین بار کاظمی گفت به نظر او آنچه که قبلاً در اقدامات او به آنها اشاره شده یعنی تبادل یادداشتهای بین دو دولت در سال ۱۹۶۴ «که ما (ایرانیان م) مجبور بودیم به خاطر دستورات صادره از بالا آن را انجام دهیم»، حقیقتا غیر قانونی بوده است. وزارت خارجه نمی تواند بیش از حدی که توسط قانون مشخص شده به اشخاص مصونیت بدهد و این قانون، بنا به دلایلی که هیچ یک از ما نمی تواند به طور کامل آنها را توضیح دهد، مصونیت را فقط در حد افرادی که «در استخدام» دولت ایران می باشند، محدود می کند. من سعی کردم آن وضعیتی را که باعث درج این عبارت نامطلوب شد، بار دیگر تشریح کنم و خاطرنشان ساختم که نظر تلویحی وزارت خارجه این بوده است که تأمین مصونیت برای اشخاصی که «در استخدام» نیستند، احتیاجی به مجوز جداگانه ای از طرف پارلمان ندارد. ولی کاظمی این موضوع را به خاطر نیاورد.وی گفت که در حین گفتگو با وزارت دادگستری هیچ گاه کنوانسیون وین را مبنا قرار نمی دهد، بلکه بیشتر بر حق سنتی وزارت خارجه که مدتها قبل از پیدایش کنوانسیون وین وجود داشته، تکیه می کند تا مشخص سازد که کدام یک از اعضاء هیئتهای خارجی باید از مصونیتهای سیاسی برخوردار شوند. خوشبختانه این حق وزارت خارجه هیچ گاه مورد اعتراض وزارت دادگستری قرار نگرفته است. و تنها سؤالی که مطرح شده این است که آیا این حق می تواند کلیه پرسنل آرمیش مگ و یگانهای تابعه آن را شامل شود یا خیر. گفتم که در تایلند، کل تشکیلات نظامی آمریکا متشکل از تقریبا ۰۰۰/۴۰ پرسنل، از لحاظ فنی بخشی از سفارت آمریکا محسوب می شوند. چرا نمی توان تکه کاغذی تهیه کرد که تمام وزارتخانه های ذی ربط موافقت کنند تا کلیه پرسنل آمریکایی «که مطابق قراردادها و ترتیبات

منعقده بین دو دولت در ایران بسر می برند»، عضو سفارت آمریکا محسوب شوند؟ به نظر من در صورت لزوم سفیر باید این موضوع را در سطح بالا مطرح کند تا یک بار و برای همیشه حل شود.

کاظمی احتمال می داد که از نظر قانون اساسی موانعی در این راه وجود دارد. اشخاصی که در رابطه با پروژه های کمک خارجی به ایران می آیند، برنامه آنها نیازمند تصویب پارلمان است. در حالی که فعالیتهای آرمیش مگ هرگز مورد تصویب قرار نگرفته است.

گفتم بسیار خوب پس چرا تکه کاغذی تهیه نمی شود که بگوید به منظور تفویض مصونیتها، تمام پرسنل نظامی آمریکا در ایران، «در استخدام» دولت ایران قلمداد می شوند. ما خودمان به خاطر اصلاحیه مانسفیلد که مانع از استخدام سربازان آمریکایی توسط دول خارجی می شود، نمی توانیم چنین بیانیه ای را تهیه کنیم، ولی در برابر دولت ایران چنین موانعی وجود ندارد. شاید وزارت جنگ ایران به ابتکار خود بتواند چنین تصمیمی بگیرد. ظاهرا کاظمی از این ایده خوشش آمد.

همان طوری که قبلاً گفتم این بحث نتیجه ای نداشت. برداشت من چنین بود که در مواردی که جنجال عمومی را در پی نداشته باشد، می توان روی کاظمی به عنوان فردی حساب کرد که بر حق وزارت امور خارجه ایران در تأیید مصونیتها، ایستادگی می کند. موضع وی مبنی بر اینکه این نباید جنبه رسمی پیدا کند، دال بر این مدعی است. لیکن در موارد واقعا مهم (که مورد «ویپکی» تقریبا از این نوع بود) ما آشکارا مجبوریم که از اول از او صرف نظر کنیم و هنوز معتقدم که ضروری است تا

آنجایی که امکان دارد با بالاترین مقامات تماس حاصل نماییم.

در صورت بروز واقعه ای که منجر به جنجال عمومی گردد، تا آنجایی که به روشهای موجود ربط پیدا می کند روی زمین خیلی لرزانی قرار داریم. به نظر من با توجه به اظهارات گاه به گاه شاه به سفیر مبنی بر اینکه مایل است در نیروی هوایی خود، مستشار نظامی بیشتری داشته باشد، ما باید سریعا و قبل از اینکه مسئله حادی پیش آید، مسئله مصونیتها را در مدارک داخلی ایران حل کنیم. در غیر این صورت ما میان دو نیروی مخالف، یعنی تمایلی در واشنگتن به جانبداری از مصونیت (تا زمان لغو آن) و نیز تمایلی در تهران به حمایت از محاکمه فوری، گیر خواهیم کرد.ام. اف. هرتز

رونوشت به:

کاردار، سرهنگ تیلور از آرمیش مگ

مشاور سیاسی، آقای اسکات، پرونده مصونیتها

قرارداد وضعیت نیروها

سند شماره (۷۵)

سفارت آمریکا تهرانتاریخ: ۱۲ آوریل ۱۹۶۹ (ظهر) ۲۳ فروردین ۱۳۴۸

طبقه بندی: خیلی محرمانه یادداشت گفتگوشرکت کنندگان: پرفسور روح اللّه رمضانی آقای جان آرمیتاژ، مشاور سیاسی سفارت.مکان: کلوپ فرانسه

موضوع: قرارداد وضعیت نیروها

پرفسور رمضانی گفت تنها چیزی که بر رابطه ایران و آمریکا تأثیر می گذارد و ایرانیان در مورد آن داوطلبانه اظهار نظر می کنند، امتیازات و مصونیتهای آمریکاییان در ایران است. رمضانی گفت نسبت به این مصونیتها و امتیازات نوعی احساس مخالفت عمیق و انزجار شدید وجود دارد. وی توضیح داد که

همه فکر می کنند که کلیه آمریکاییان در ایران مصونیت داشتند، ولی عبارت مورد استفاده در تشریح وضعیت، بیش از حد نفرت انگیز بود و تلخکامی قابل توجهی را منعکس کرد، حتی اگر محرک این احساس افراد ضدآمریکایی باشند.

من توضیح دادم که طبق قرارداد منعقده با دولت ایران در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳ م) مصونیتهای مندرج در کنوانسیون وین، در مورد پرسنل نظامی رسمی تحت عنوان کارمندان سفارت اعمال می شود، ولی آمریکاییان عادی کاملاً تابع قوانین ایران می باشند.آرمیتاژ

گروه ۳ طبق فواصل ۱۲ ساله از طبقه بندی کاسته شود ولی به طور خودکار از طبقه بندی خارج نشود.

فصل دوّم: تشکیل دادگاههای نظامی آمریکا در ایران

طرح درخواست تشکیل دادگاههای نظامی آمریکا در ایران

سند شماره (۷۶)

طبقه بندی: خیلی محرمانهتاریخ: ۲۲ سپتامبر ۱۹۶۹ ۳۱/۶/۱۳۴۸

از: وزارت امور خارجه واشنگتن به: سفارت آمریکا تهران

نامه اداری غیر رسمی

جناب آقای «نیکلاس جی.تاچر» کاردار سفارت

«نیک» عزیز:

«دیو بین» اخیرا با من در مورد درخواست «هام تویچل» از فرماندهی نیروهای ضربتی آمریکا مبنی بر اجازه تشکیل دادگاههای نظامی عمومی و ویژه در ایران توسط خود او، صحبت کرده است. این درخواست فقط شامل رسیدگی به آن دسته از تخلفات پرسنل نظامی می شود که از نوعی نباشند که فقط باعث پر کردن بی مورد و اغراق آمیز مطبوعات محلی می شوند. «دیو» خاطرنشان ساخت که آرمیش مگ در این مورد با شما صحبت کرده و شما تمایل داشتید که با روش «مورد به مورد» توافق کنید. فرماندهی نیروهای ضربتی آمریکا کمی بیش از اندازه نگران بود و من اقرار می کنم که خودم هم در مورد تأیید تقاضای «هام» نگران بودم تا اینکه فرصت پیدا کردیم در این مورد بیشتر صحبت کنیم اولین فرصت در دیدار فرمانده نیروهای ضربتی آمریکا از ایران در ماه اکتبر به دست آمد. اولین نکته ای که مطمئنا شما نیز در آن اشتراک نظر دارید، این است که ما نمی خواهیم چیزی را به عهده گیریم که احتمالاً لایحه وضعیت ما را به خطر می اندازد. آیا یک اقدام یک طرفه از آن نوعی که پیشنهاد شده، نمی تواند تردیدهای جدی در این زمینه ایجاد کند؟ دومین نکته ای که باعث تأمل من می شود، این است که آیا این نوع اقدام احتمالاً این گونه تعبیر یا تفسیر نخواهد شد که حضور ما در

ایران جلوه ای فوق اقلیمی دارد. چیزی که ما خواهان اجتناب از آن هستیم و ایرانیان خود نیز از آن منزجرند. ترس من می تواند به خوبی اثرات قدیمی و نه خیلی قابل اعتماد ناشی از حساسیت ایرانیان در رابطه با این موضوع را منعکس سازد. سپاسگزار می شوم اگر به من اطمینان مجدد بدهید.

ارادتمند (امضاء) جک. سی. میکلوس

علل درخواست تشکیل دادگاههای نظامی آمریکا در ایران

سند شماره (۷۷)

طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۲۶ سپتامبر ۱۹۶۹ ۴ مهر ۱۳۴۸

از: سفارت آمریکا تهرانبه: وزارت امور خارجه واشنگتن

نامه اداری غیر رسمی جناب آقای جک سی. میکلوس

رئیس بخش ایران دفتر امور خاور نزدیک و جنوب آسیاوزارت امور خارجه واشنگتن ،دی.سی.

جک عزیز: با توجه به نامه ۲۲ سپتامبر شما و با توجه به تردیدهای سر فرماندهی نیروهای ضربتی آمریکا نسبت به تشکیل دادگاههای نظامی در ایران، من فکر می کنم که شاید «دیو بین» و همقطارانش به طور کامل متوجه نشده اند که پیشنهاد ما در رابطه با اقدام در این مورد چیست. ارتش (آمریکا م) در حال برخورد با مشکلات فزاینده ای در مورد رعایت و حفظ دیسیپلین نظامی در ایران است. آنها این مشکلات را ناشی از کیفیت پایین پرسنل نظامی که به اینجا فرستاده شده اند و همچنین ناشی از افزایش دقت در روش وکلای مدافع برای حمایت از متهمین، می دانند. در عین حال،نیاز به روشهای قضائی فوری جهت صدور احکام مناسب در مورد تخلفات کم و بیش کوچک وجود دارد. بنابراین، من با سرهنگ دوم «هاولی»، وکیل مدافع موجود در اینجا و ژنرال «تویچل» موافقم که اگر آنها رسیدگی قضائی به یک مورد را در این کشور مطلوب احساس کنند باید برای سفارت بیانیه ای دقیق در مورد تمامی جنبه های آن فراهم آورند که شامل بررسی امکان انتشار رسمی آن و درگیری احتمالی ایرانیان (مانند شاهدان و غیره) باشد. سپس اینکه ما با آنها در مورد امکان برپایی دادگاه در ایران مشورت خواهیم کرد. البته ما کاملاً آگاهیم که مخاطرات واقعی سیاسی در مورد هر دادگاهی که در آن بیش از ۲ نفر شاهد ایرانی درگیر باشند، وجود خواهد داشت و یا افکار عمومی را به خود جلب خواهد کرد. از طرف دیگر من نمی خواهم برای اعمال هرگونه روش قضائی

نظامی در این کشور که احتمالاً تا حد بسیار زیادی موضوعی داخلی است، زمینه ای منفی ایجاد کنم، در حالی که ایرانیان بدان توجهی نداشته باشند و احتمال کمی در مورد جلب توجه عمومی وجود داشته باشد. البته ما فقط در مورد محاکمه آمریکاییها برای تخلفاتی که اصولاً مربوط به دیسیپلین نظامی ایالات متحده می شود، صحبت می کنیم.

به طور خلاصه، ما با مسئله انتقال دادگاههای نظامی به ایران توافق کامل نداریم، ولی موافقیم که هر مورد را به صورتی دقیق و مجزا با آرمیش مگ بررسی کرده و مشخص کنیم که آیا ما می توانیم در مورد اجازه دادن به برپایی دادگاه در اینجا ریسک نماییم، نه اینکه اصرار داشته باشیم که در هر مورد ارتش به زحمت افتد و دادرسی در کشورهایی مانند آلمان غربی،ترکیه یا جای دیگر انجام شود که اغلب این کار همراه با اقدامات مخل عدالت خواهد بود.

من امیدوارم که این توضیحات، موضوع را روشن نماید، ولی اگر چنین نباشد، لطفا اجازه دهید تا از نظریات و سؤالات بعدی شما مطلع شویم.

با بهترین احترامات ارادتمند

نیکلاس جی. تاچر

فرماندهی: ژنرال تویچل

مقام امنیتی: ائی. ای. راو

دادگاههای نظامی ارتش آمریکا در ایران

سند شماره (۷۸)

از: نیکلاس جی. تاچرتاریخ: ۱۵ دسامبر ۱۹۶۹ ۲۴ آذر ۱۳۴۸

به: سفیر

طبقه بندی :خیلی محرمانه

موضوع: دادگاههای نظامی ارتش در ایران

تابستان گذشته ژنرال تویچل نزد من آمد و درخواست کرد که با ایجاد دادگاههای نظامی در ایران موافقت کنم تا به آن دسته از جرائم ارتکابی پرسنل نظامی تحت فرمان او که ایرانیان در آن ذی مدخل نمی باشند، رسیدگی شود. من از او پرسیدم که آیا چنین محاکماتی که بدون اطلاع یا موافقت دولت ایران انجام شود، به موجب قوانین نظامی ایالات متحده معتبر خواهد بود. او گفت که پیرامون این نکته تحقیق شده و وکیل مدافع به او گفته که چنین جریان قضائی معتبر خواهد بود. ژنرال گفت او مشتاق است که از طرف ما اجازه چنین کاری را داشته باشد. زیرا با توجه به افت کیفیت پرسنل نظامی آرمیش مگ، او مایل است که بتواند در جریان دادرسی تسریع به عمل آورد. وقتی دادگاه نظامی به خاطر جرایمی که در اینجا واقع شده به خارج از ایران منتقل می شود، مشکلات متنوعی پیش می آید و اغلب نیز مجرم به کیفر نمی رسد.

من به ژنرال تویچل گفتم که مسلما ما نمی توانیم هیچ نوع جریان قضائی را تأیید کنیم که برای دولت ایران اهانت آمیز بوده و یا نشانی از «کاپیتولاسیون» داشته باشد. با این حال سفارت برای بررسی هر موردی که مستلزم تعیین مخاطرات یا مقتضیات ایجاد دادگاه نظامی در ایران باشد، آماده خواهد بود. به این ترتیب ما یک خط مشی دقیقا ویژه در پیش گرفتیم و ژنرال متوجه شد که ما دادگاههایی را که در آنها ایرانیان ذی مدخل باشند، تأیید نخواهیم کرد.

سرفرماندهی نیروهای ضربتی آمریکا از قصد ما در چگونگی پیشبرد امر مطلع شد. «دیو بین» مشاور سیاسی آنجا، به طور کامل در جریان قرار گرفت و نامه ای به «جک میکلوس» نوشت و در آن نامه تصمیم مرا زیر سؤال برد. جک هم نامه ای به من نوشت که من هم به آن پاسخ دادم (به نامه های ضمیمه مراجعه شود) ولی در این خصوص، چیز دیگری از وزارت خارجه دریافت نکرده ام. وقتی که «بین» به همراه ژنرال «تراک مورتون» به اینجا آمدند، او که در یک تفاهم نامه ویکا منعقده در سال ۱۹۶۰ تفحص کرده بود، گفت که فکر می کند این تفاهم نامه حتی اجازه تشکیل دادگاههایی از نوع «خانگی» که من و ژنرال تویچل در مورد آنها بحث کرده بودیم، به ما نمی دهد. من به «بین» گفتم که به هر حال ما مایلیم که یک بار دیگر کل قضیه را مورد بررسی قرار دهیم. تویچل هم قول داد که نامه دیگری در مورد این موضوع برای سرفرماندهی نیروهای ضربتی آمریکا بنویسد. هر آنچه که تفاهم نامه غیر رسمی در ویکا مورخ دسامبر ۱۹۶۰ (که نسخه ای از آن ضمیمه است) ذکر کرد، به وسیله تفاهم نامه کنونی «وضعیت نیروها» میان ما و ایرانیان که به واسطه یادداشتهایی در ۶۴ ۱۹۶۳ (نسخه ها ضمیمه است) بسط یافت و از طرف مجلس تصویب شد، جایگزین گردیده است. نه در این یادداشتها ذکری از محل محاکمات به عمل آمده و نه در کنوانسیون وین که آنها به آن رجوع داده اند.

ژنرال تویچل حال می خواهد نامه ای که امیدواریم آخرین نامه در این خصوص باشد، برای سرفرماندهی نیروهای ضربتی آمریکا ارسال دارد اما از آنجایی که آنها موضع ما را زیر سؤال برده اند،

من معتقدم که بهترین کار این خواهد بود که در صورتی که شما (سفیر م) موافق باشید، ما بتوانیم نامه دیگری ارسال داریم و در آن خاطرنشان سازیم که موضع ما از تأیید شما نیز برخوردار است.

ژنرال تویچل در حال حاضر با همان چیزی مواجه شده است که من زمانی در ذهن داشتم و به او گفتم که شاید در بعضی از موارد تشکیل یک دادگاه نظامی را در این کشور تأیید کنیم. یک درجه دار از اطاعت فرمان یک افسر وظیفه، خودداری کرده و در این رابطه دادگاه نظامی در نظر گرفته شده است. این خود یک دعوای خانگی نظامی در آرمیش مگ می باشد و من معتقدم که هیچ دلیل واقعی وجود ندارد که اگر بتوان محاکمه را با احتیاط انجام داد، چرا نباید در ایران این محاکمه صورت پذیرد. من فکر نمی کنم که نه نظامیان ایرانی و نه مقامات کشوری کمترین علاقه ای در رابطه با دادرسی آرمیش مگ به پرونده ای در خاک ایران داشته باشند که دقیقا مطابق با دیسیپلین نظامی ایالات متحده انجام می گیرد. به هر صورت، من فکر می کنم این یک دادرسی سیاسی است که ما در خصوص هر موردی که پیش می آید، بدون خطر می توانیم به آن اقدام کنیم.

آرمیش مگ در حال حاضر طبق دستورات کتبی من عمل می کند. زمانی که من کاردار بودم، اعلام کردم که هیچ محاکمه ای از هر نوع که باشد بدون مشورت دقیق با سفارت نبایستی انجام شود. البته در هر مورد، من دقیقا شرایط مربوط به جرم ارتکابی، از جمله طول مدت احتمالی و دامنه محاکمه، احتمال اعلام عمومی خبر آن، ذی مدخل بودن ایرانیان در آن و غیره را بررسی می کردم. سپس توصیه خود را در خصوص اینکه آیا ما اجازه ادامه و پیشبرد جریان محاکمه را بدهیم یا خیر، به اطلاع شما می رساندم. من گمان می کنم که به طور کلی بتوانیم با آن نوع از جرایم نظامی که دقیقا در بالا فهرست شده، موافقت نماییم. اما برای هر نوع جرم یا جنایت وخیمی که متوجه اشخاص یا مایملک آنها شده باشد، ناگزیریم که خواستار محاکمه در خارج از این کشور شویم.

چنانچه شما با مطالب فوق الذکر موافقید، من نامه مفصلی را برای «دیو بین» (با نسخه ای برای میکلوس) تهیه کرده و در آن مجددا موضع خودمان را توضیح خواهم داد و نیز به اطلاع او خواهم رساند که این نامه از تأیید شما و ژنرال تویچل برخوردار است و از «دیو بین» خواهم خواست که آن را به اطلاع طرفهای مناسب و علاقه مند در سر فرماندهی نیروهای ضربتی آمریکا برساند.

موافقتنامه های حاکمیت قضائی بین دولت ایران و آمریکا

سند شماره (۷۹)

از: دفتر وکیل مدافعتاریخ: ۱۰ ژانویه ۱۹۷۰ ۱۸ دی ۱۳۴۸

یادداشت برای سرلشگر تویچل فرمانده آرمیش مگ

طبقه بندی: خیلی محرمانه غیر قابل رؤیت برای خارجیان

موضوع: موافقتنامه های حاکمیت قضائی بین دولت ایران و ایالات متحده

شما در مورد مشاجرات قضائی که ممکن است بین دولت ایران و آمریکا در خصوص اعمال حاکمیت قضائی دادگاههای نظامی ایالات متحده در ایران پیش آید، سؤال کرده بودید.

یک مشاجرات در خصوص اعمال حاکمیت قضائی

الف انواع موافقتنامه ها

سه نوع موافقتنامه کلی در خصوص وضعیت پرسنل نظامی ایالات متحده که در کشورهای

خارجی مستقر هستند، وجود دارد. نوع اول «موافقتنامه وضعیت نیروها» نامیده می شود. برای مثال می توان «موافقتنامه وضعیت نیروها در ناتو» و یا موافقتنامه اداری ژاپن را نام برد. نوع دوم «موافقتنامه های هیئت» است. مانند موافقتنامه هایی که ما هم اکنون با نیکاراگوئه و سایر کشورهای آمریکای لاتین داریم. نوع سوم «موافقتنامه های کمک دفاعی متقابل» می باشد که طبق این گونه موافقتنامه ها، گروههای مشاورین کمک نظامی (مگ) فعالیت می کنند.

به استثنای وابسته های نظامی که از مصونیت کامل سیاسی برخوردار هستند و به استثنای نیروهای نظامی ایالات متحده در برلن غربی، اوکیناوا و آرمیش مگ در ایران، حقوق و وظایف کلیه پرسنل نیروهای نظامی ایالات متحده که در کشورهای خارجی مشغول انجام وظیفه هستند، در یکی از این سه نوع موافقتنامه منعکس است.

به طور کلی می توان گفت، پرسنلی که طبق موافقتنامه های کمک دفاعی متقابل مشغول به خدمت هستند از امتیازات و حقوق بیشتری نسبت به پرسنلی که طبق دو نوع دیگر موافقتنامه ها مشغول به کار می باشند، بهره مند هستند. این موقعیت ویژه پرسنل گروههای مختلف مشاورین کمک نظامی (مگ)، مربوط به این واقعیت است که این گروهها در همه کشورها بجز ایران، عربستان سعودی و ترکیه، به عنوان بخش لاینفکی از سفارت ایالات متحده عمل می کند.

ب موافقتنامه در ایران

دولت ایران به طور یک جانبه مزایا و مصونیتهای کنوانسیون وین را به رئیس و اعضای هیئتهای نظامی در ایران تسری داده است. این عمل، برای این افراد و اهل خانه آنها، مصونیت از تعقیب جزائی ایران را فراهم می نماید. در مبادله یادداشتها میان دو دولت برای تکمیل دامنه مصونیت، ایالات متحده موافقت کرد درخواست لغو مصونیت را «... در مواردی که با جنایات شنیع و دیگر اعمال جنایتکارانه

همراه باشد...»، بانظر مساعد مورد بررسی قرار دهد.

ج حاکمیت قضائی ایالات متحده بر جرائم واقع شده در ایران

قاعده اصلی برای حاکمیت قضائی ملی توسط دیوان عالی ایالات متحده در قضیه مبادله کشتی مک فادون طرح گردید. در آنجا دیوان عالی ایالات متحده بیان می کند «حاکمیت قضائی یک ملت در داخل قلمرو سرزمینی خود ضرورتا مطلق و انحصاری است. این حاکمیت تحت تأثیر محدودیت قرار نمی گیرد، مگر توسط خودش... تمامی استثناها... باید بر طبق رضایت خود آن ملت اعمال شود... رضایت ممکن است علنی و یا تلویحی باشد...».

همان طوری که در پاراگراف (ب) خاطرنشان شد، دولت ایران معافیتها و مصونیتهای کنوانسیون وین را به رئیس و اعضای ستاد هیئتهای نظامی ایالات متحده در ایران بسط داد. طبق بند ۲ از ماده ۳۷ کنوانسیون وین، اگر اعضای مذکور، تبعه یا مقیم دائم کشور پذیرنده نباشند از امتیازات و مندرج در مواد ۲۹ الی ۳۵ بهره مند خواهند شد؛ البته با این استثناء که مصونیت از پیگرد قضائی در جرایم مدنی و اداری که در بند ۱ ماده ۳۱ درج شده به اعمال خارج از حین انجام وظیفه بسط نخواهد یافت. ماده ۳۱ در بند ۱ مقرر می دارد که «یک مأمور سیاسی از تعقیب جزائی در کشور پذیرنده مصونیت دارد...».

بند ۴ ماده ۳۱ منع تعقیب قضائی را کامل نموده و بیان می دارد «... مصونیت قضائی مأمور سیاسی در کشور پذیرنده، او را از تعقیب قضائی کشور فرستنده معاف نخواهد داشت». به این ترتیب دولت ایران آشکارا حق تعقیب جزائی را به ایالات متحده واگذار کرده و آن را برای آمریکا حفظ نموده است. اینکه آیا ایران این واقعیت را به رسمیت می شناسد یا خیر، در درخواست خود ایران، در موارد وخیمی که مصونیت ادعا شده است، مشخص می گردد. به این صورت که این موارد معین «... به مراجع ذی صلاح قضائی ایالات متحده ارجاع می شود...». بنابراین ایالات متحده حاکمیت قضائی بر جرایم ارتکابی توسط نیروهای نظامی خود در ایران را دارا می باشد.

د تعقیب جزائی در دادگاه نظامی

به طور کلی تعقیب جزائی در دادگاه نظامی بیشتر در رابطه با «وضعیت» صورت می گیرد تا بر حسب شناسایی رسمی کشوری. تعقیب جزائی در یک دادگاه نظامی بستگی به محل تشکیل دادگاه ندارد. با این حال، یک دادگاه نظامی باید به وسیله مراجع ذی صلاح تشکیل شود و اعضای آن نیز باید طبق قانون صلاحیت عضو بودن را داشته باشند. به علاوه، دادگاه نظامی نیز باید صلاحیت قضائی نسبت به جرم و مجرم را داشته باشد.

ه مشاجرات قضائی احتمالی

۱ درخواست دولت ایران برای الغاء مصونیت اگر بخواهیم دقیق باشیم، درخواست لغو حاکمیت قضائی واگذار شده، یک مشاجره قضائی نیست. این درخواست یک مسئله سیاسی است که به هر حال گاه گاهی اقامه می شود و شایسته است که در این یادداشت مورد ملاحظه قرار گیرد. به طور کلی مشاجرات در اثر موافقتنامه هایی از نوع موافقتنامه وضعیت نیروها در ناتو «پیش می آید که در آنها حاکمیت قضائی برابر، پیش بینی شده است. این گونه مشاجرات مانند قضیه گیرارد در ژاپن اغلب

همراه با درخواست تفسیر کیفیت قضیه طبق موافقتنامه است، یعنی طبق کیفیت قضیه کدام کشور دارای حاکمیت قضائی اولیه می باشد. به هر حال ایالات متحده در ایران دارای صلاحیت قضائی انحصاری در خصوص جرائم جنایی می باشد که به وسیله مصونیتهای اعطایی و حاکمیت قضائی واگذار شده از طرف ایران، اعمال می شود مراجعه شود به پاراگراف ج مشاجرات احتمالاً بر طبق روشهای معمول اقامه نخواهد شد. محتملترین مشاجره ای که ممکن است در رابطه با یک قضیه در ایران اقامه شود، موردی است که دولت ایران آن را یک مورد شنیع تلقی نماید و درخواست لغو مصونیت برای آن نماید. این احتمال، بدون توجه به اقدامات انجام شده توسط ایالات متحده برای محاکمه فرد مجرم، همواره وجود خواهد داشت و یک مسئله سیاسی است که خیلی تحت تأثیر رأی یا مکان دادگاه قرار نخواهد گرفت.

۲ اعتراضات دولت ایران به اعمال حاکمیت قضائی ایالات متحده در ایران.

این یک اصل عمومی شناخته شده در حقوق بین المللی است که هیچ کشوری حق ندارد نیروی امنیتی خود را در کشور دیگری حتی علیه اتباع خود به کار گیرد، مگر با رضایت کشور دوم. زیرا حاکمیت قضائی که برای اعمال قوانین دولتی در داخل مرزهای کشور به کار می رود، فقط متعلق به

همان کشور است مگر اینکه و تنها موقعی که آن کشور، خود اجازه دهد تا یک دولت خارجی حاکمیت قضائی خود را اعمال نماید. ما این مسئله را به هنگامی که اولین بار پیمان دادگاههای نظامی مورد توجه قرار گرفت، مطرح کردیم و از سفارت خواستیم تا از دولت ایران بپرسد که آیا آنها به پیمان دادگاههای نظامی به عنوان یک ضمیمه ضروری برای بهره مندی از مصونیت در مقابل تعقیب جزائی ایران، اعتراضی دارند. مسئولین سفارت (آقای تاچر، کاردار وقت) جواب دادند که بهتر است موضوع را مسلم و حتمی در نظر گرفته و مسئله تشکیل دادگاههای نظامی در موارد مقتضی را دنبال کنید. من فکر می کنم که موضع سفارت صحیح بوده و بهترین راه برای پیروی و عمل می باشد. با این حال پایه منطقی این عمل این است که دولت ایران تلویحا به این کار رضایت داده است، زیرا اختیارات قضائی خود را به ایالات متحده واگذار کرده است. من معتقدم، ما می توانیم به نحوی منطقی و قابل قبول استدلال کنیم که اقدام ایران در اعطای حق اعمال قوانین قضائی به ایالات متحده که بعضی از اوقات نیز درخواست اجرای آن را می نماید، تلویحا بیانگر این است که حاکمیت قضائی در مسیر «طبیعی» اعمال خواهد شد. در مواردی که ایالات متحده نیروهایی بیش از وابسته های نظامی یا یگانهای کوچک مگ دارد که در کشورهای خارجی مستقر هستند، مسیر «طبیعی» رسیدگی به موارد مختلف برای آمریکا این است که حاکمیت قضائی خود را به وسیله تشکیل دادگاههای نظامی در کشوری که جرایم در آنجا اتفاق افتاده، اعمال نماید.

۳ اعتراضات قضائی به وسیله مدعی علیه در مورد محاکمه.

فرض کنید در یک دادگاه معتبر و معین، یک مدعی علیه بر طبق قوانین جزائی نظامی عمومی آمریکا محاکمه می شود و جرم بر اساس قانون مذکور محرز است، مدعی علیه که توسط دادگاه نظامی در ایران محاکمه می شود، نمی تواند دو نوع اعتراض قضائی به دادگاه وارد نماید.

الف صلاحیت قضائی نسبت به جرم او می تواند احتجاج نماید که ایالات متحده دارای حاکمیت قضائی بر جرمی که در ایران اتفاق افتاده نیست، زیرا ایران دارای حق حاکمیت قضائی انحصاری در داخل مرزهای خود می باشد.به نظر من این احتجاج معتبر نیست و رد خواهد شد، زیرا دولت ایران صریحا حاکمیت قضائی در داخل سرزمینهایش را به ایالات متحده واگذار کرده است.

ب عدم صلاحیت یک دادگاه آمریکایی در ایران بر اساس پاراگراف الف که قبلاً ذکر شد و با قبول حاکمیت قضائی ایالات متحده بر یک جرم همان طوری که در پاراگراف الف آمده، متهم (مدعی علیه) می تواند احتجاج نماید که بدون رضایت دولت ایران، ایالات متحده نمی تواند قوانین دولتی خود را در ایران اعمال نماید. در اینجا سه نوع بحث برای حفظ حاکمیت قضائی می توان مطرح کرد.

۱ ایران این موضوع را طبق شرحی که قبلاً در بند ۲ از پاراگراف ه دادیم، تلویحا پذیرفته است.

۲ اعتراض صحیح، از طرف یک فرد وارد نمی شود، بلکه فقط از طرف دولت ایران وارد خواهد شد و موضوعی برای یک تصمیم گیری سیاسی خواهد بود.

۳ این مسئله به نظر من به صورت موفقیت آمیزی قابل بحث خواهد بود که در سؤال مورد محل تشکیل دادگاه در این گونه موارد مربوط به روش قضائی می باشد و نه مربوط به صلاحیت قضائی، یعنی از دیدگاه ماهیت غیر سرزمینی دادرسی دادگاه نظامی، حاکمیت قضائی که توسط یک دادگاه معتبر اعمال می شود و دارای صلاحیت قضائی نسبت به آن فرد و آن جرم می باشد، صرفا به خاطر

اینکه دادگاه در محلی اشتباه تشکیل شده، بی اعتبار نمی گردد.

دو نتایج

الف دولت ایران صریحا حق پیگرد قضائی سرزمینی خود را در مورد جرایم جنایی مرتکبه در ایران به وسیله اعضاء هیئتهای نظامی را طبق ماده ۳۱ کنوانسیون وین به ایالات متحده واگذار نموده است.

ب ایالات متحده بر جرایمی که به وسیله قوانین جزائی عمومی نظامی آمریکا قابل رسیدگی می باشد و توسط اعضاء هیئتهای نظامی در ایران انجام می شود، دارای صلاحیت تعقیب قضائی است.

ج یک دادگاه نظامی معتبر و معین برای محاکمه جرائم قابل رسیدگی به وسیله قوانین جزائی عمومی نظامی که در ایران به وسیله افراد مشمول این قانون انجام می شود، بدون توجه به محل محاکمه، دارای صلاحیت قضائی می باشد.

د درخواست ایران برای لغو حاکمیت قضائی ایالات متحده در یک مورد مقتضی، یک مسئله سیاسی است و به صلاحیت قضائی دادگاههای ایالات متحده لطمه ای وارد نمی سازد.

ه دولت ایران تلویحا نسبت به اعمال حاکمیت قضائی ایالات متحده در ایران، به عنوان لازمه تعطیل حاکمیت قضائی خود رضایت داده است و در خواستهای دولت ایران از ایالات متحده برای اعمال حاکمیت قضائی آمریکا، بیانگر این امر است.

و اعتراض علیه اعمال قوانین قضائی یک دادگاه که جرم واقع شده در ایران را مورد رسیدگی قرار می دهد، بر این پایه که ایران به طور انحصاری حاکمیت قضائی بر چنین جرایمی را دارا می باشد، بنا به دلیل ذکر شده در پاراگراف الف از قسمت دو، رد خواهد شد.

ز اعتراض علیه عدم صلاحیت یک دادگاه نظامی که برای رسیدگی به یک پرونده در ایران

تشکیل گردیده، بر این پایه که آمریکا بدون رضایت دولت محلی نمی تواند حاکمیت قضائی خود را اعمال نماید، رد خواهد شد زیرا ایران تلویحا به اعمال حاکمیت قضائی ایالات متحده در ایران رضایت داده است و متهم هیچ گونه حقی برای اعتراض ندارد و حمله به صلاحیت دادگاه صرفا از نقطه نظر روش عمل است و ربطی به صلاحیت دادگاه ندارد و به ضرر متهم نیست.

سه توصیه

ایالات متحده برای اعمال تعقیب جزائی خود در ایران در خصوص موارد مقتضی، از طریق گفتگو با سفارت اقدام نماید.

(امضاء) ریچارد. اس. هاولی

سرهنگ دوم، رکن حقوقی وکیل مدافع

در فواصل ۳ ساله از طبقه بندی کاسته شود، بعد از ۱۲ سال از طبقه بندی خارج شود. وزارت دفاع

گزارش اطلاعات دفاعی»

اختیارات قضایی آمریکا در ایران

سند شماره (۸۰)

طبقه بندی: خیلی محرمانه غیر قابل رؤیت برای خارجیان تاریخ ۱۸ ژانویه ۱۹۷۰ ۲۸ دی ۱۳۴۸

از: جی. اچ. تویچلبه: نیکلاس جی. تاچر

ستاد مرکزی هیئت نظامی آمریکا در ارتش ایران گروه مشاورین کمک نظامی آمریکا به ایران اداره

پست ارتش، ۹۲۰۵

دفتر رئیس یادداشت برای: جناب نیکلاس جی. تاچر قائم مقام رئیس هیئت سفارت آمریکا

موضوع: اختیارات قضائی ایالات متحده دولت ایران

۱ یادداشت حقوقی ضمیمه جهت ملاحظه شما تقدیم می شود. ما به نتایج زیر رسیده ایم:

الف دولت ایران صریحا و طبق ماده ۳۱ کنوانسیون وین، اختیارات قضائی داخلی خود را در مورد ارتکاب جرایم جنایی توسط اعضا هیئتهای نظامی آمریکا در ایران، به ایالات متحده واگذار نموده است.

ب رسیدگی به جرایمی که اعضاء هیئتهای نظامی آمریکا در ایران مرتکب می شوند و در محدوده «قانون جزای عمومی نظامی» آمریکا است، در حیطه اختیارات قضائی ایالات متحده می باشد.

ج یک دادگاه نظامی آمریکایی که طبق موازین تشکیل شده باشد، بدون در نظر گرفتن محل تشکیل آن، صلاحیت دارد به جرایمی که اعضاء هیئتهای نظامی آمریکا در ایران مرتکب می شوند، بر اساس قانون «جزای عمومی نظامی» رسیدگی کند.

د تقاضای دولت ایران جهت لغو اختیارات قضائی آمریکا در موارد مقتضی، یک موضوع سیاسی است که اختیارات قضائی دادگاههای ایالات متحده را نقض نمی کند.

ه دولت ایران با اجازه دادن به ایالات متحده جهت اعمال اختیارات قضائی خود در ایران، به

طور ضمنی اختیارات قضائی را مورد استفاده قرار دهد.

و اگر ادعایی علیه اختیارات قضائی یک دادگاه آمریکایی که جهت رسیدگی به جرایم ارتکابی در ایران تشکیل شده اقامه شود، بر این اساس که حق انحصاری قضاوت در مورد این جرایم متعلق به ایران است، این ادعا به علت مغایرت با دلیل ارائه شده در بند الف (بالا)، باطل خواهد بود.

ز اگر ادعایی علیه صلاحیت یک دادگاه نظامی آمریکایی که جهت رسیدگی به جرمی در ایران تشکیل شده اقامه شود، بر این اساس که بدون اجازه دولت محلی، آمریکا نمی تواند روشهای قضائی خود را به طور قانونی اعمال نماید، این ادعا باطل خواهد بود، زیرا ایران به طور ضمنی با اعمال روشهای قضائی آمریکا در ایران موافقت کرده است. مدعی علیه (خوانده) هیچ موقعیتی برای مخالفت ندارد. صرفا می توان به روش دادرسی دادگاه اعتراض کرد و نه به صلاحیت آن و مسئله به ضرر متهم تمام نخواهد شد.

۲ اگر یک وکیل مدافع، علیه صلاحیت دادگاه بر مبنای دلیل ذکر شده در قسمت ز (بالا) ادعایی اقامه کند، دولت (آمریکا م) تأیید خواهد نمود که مجوز صریح و روشنی در اختیار ندارد و موضوع باید به بحث گذاشته شود. قاضی نظامی احتمالاً از صلاحیت دادگاه نظامی دفاع خواهد کرد و موضوع برای ارجاع به مقامات ذی صلاح بالاتر و یا ارجاع به دادگاه استیناف، حفظ خواهد شد. مسئله نباید به دولت ایران ارجاع شود، مگر اینکه قاضی دادگاه نظامی یا دادگاه استیناف مخالف نظر دولت (آمریکا

م) باشند. اگر چنین اتفاقی بیفتد، ما یا باید دادگاه را با تعویض قاضی و با تغییر کیفیت پرونده تشکیل دهیم، و یا به دولت ایران جهت گرفتن اجازه ای صریح به منظور اعمال اختیارات قضائی خود مراجعه نماییم و یا اینکه طرح را به طور کلی رها سازیم.

۳ بنابراین، من توصیه می کنم که طرح اصلی خود را دنبال کرده و اختیارات قضائی دادگاههای نظامی خود را طبق مفاد مذاکرات قبلی ما، اعمال نماییم.

اچ. ای. تویچل سرلشگر ارتش آمریکا

فرمانده آرمیش مگ

درخواست آرمیش مگ برای تشکیل دادگاههای نظامی سطح پایین در ایران

سند شماره (۸۱)

از: نیکلاس جی.تاچر وزیر مختارتاریخ: ۲۶ فوریه ۱۹۷۰ ۷ اسفند ۱۳۴۸

به: سفیر طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: درخواست آرمیش مگ برای تشکیل دادگاههای نظامی سطح پایین در ایران.

به یاد دارید که یکی دو ماه پیش من یادداشتی برای شما فرستادم که حاوی درخواست آرمیش مگ برای تشکیل دادگاههای نظامی سطح پایین در ایران بود (یادداشت ضمیمه شده است) قبل از ورود شما به ایران من به آرمیش مگ متذکر شدم که به نظر من این سفارتخانه می بایست در هر مورد، پرونده را به طور جداگانه و خاص بررسی نموده و تصمیم گیرد که آیا تشکیل دادگاه در ایران برای پرونده مورد نظر، عملی مقتضی و مناسب خواهد بود یا خیر. چند چیز در تصمیم گیری برای تشکیل دادگاه در ایران مؤثر خواهند بود، از جمله نوع جنایت، ارتباط و یا عدم ارتباط ایرانیان در قضیه، احتمال اعلان عمومی آن. این موضوع مفید به نظر می رسد که ایرانیان با این گونه دادگاهها

مخالف کمی نشان خواهند داد، مادامی که این دادگاهها به مواردی از قبیل مسائل انضباط نظامی، تخلفات داخلی نظامی، سرقتهای کوچک و... رسیدگی کند.

ژنرال تویچل مایل بود که این دادگاهها را تشکیل دهد، زیرا با مشکل افزایش تخلفات انضباطی کوچک روبرو است. در صورت عدم موافقت ما با انجام این گونه محاکمات در ایران، او مجبور خواهد شد که این دادگاههای نظامی را در آلمان غربی تشکیل دهد. در این صورت وکیل مدافع می تواند با درخواست سفر تعداد زیادی شاهد از ایران به آلمان غربی، به صورتی مؤثر محاکمه را به تأخیر اندازد.

ژنرال تویچل در وهله اول به من اطمینان داد که مشاور حقوقی او، مسئله اختیارات قضائی را مورد بررسی قرار داده و متقاعد شده که اقدام به این کار در ایران، امری قانونی است.

به هر حال، موقعی که من این موضوع را با شما مورد بحث قرار دادم، شما نسبت به نکته آخر شبهات قابل توجه ای داشتید و سؤال کردید که گویا ما نمی بایست بیش از این جلوی کل قضیه را بگیریم، با توجه به اینکه شاید طرح این درخواست با مقامات عالیرتبه دولت ایران به منظور کسب نوعی موافقت غیررسمی برای تشکیل دادگاههایمان در این کشور، امری مطلوب باشد.

سپس، سرهنگ «هاولی» از آرمیش مگ مطالعه ای دقیق بر روی مسئله اختیارات قضائی انجام داده که نتیجه آن در یادداشتهای ضمیمه، از طریق ژنرال تویچل برای ما ارسال شده است. این یادداشتها کامل نیست و از خیلی جنبه ها دارای اشکالاتی می باشد، زیرا به جرایم جنایی و مدنی که در

خارج از حین انجام وظیفه به وقوع می پیوندد، نپرداخته است. عملاً آنچه که این یادداشتها مطرح می کنند این است که ایرانیان از طریق مبادله یادداشتهایی با ما، امتیازات و مصونیتهای مندرج در کنوانسیون وین را به هیئتهای نظامی مستقر در ایران تسری داده اند. بنابراین به پرسنل آرمیش مگ معافیت از دادگاههای ایران اعطاء شده است.(۱) به هر حال، در بند ۴ ماده ماده ۳۱ کنوانسیون وین قید شده است کسی که تحت عنوان «مأمور سیاسی» از پیگرد قضائی کشور پذیرنده مصونیت دارد، از تعقیب قضائی کشور فرستنده معاف نمی باشد. این عبارت را می توان به این صورت خواند که ایالات متحده می تواند حاکمیت قضائی خود را بر روی کسانی که از حوزه قضائی ایران مصونیت دارند، حفظ نماید.

در عین حال کاملاً آشکار است که وضعیت قضائی دادگاههای نظامی احتمالی آمریکا در ایران به قوت جاهای دیگر نیست. برای مثال، در آلمان غربی موافقتنامه های ما با دولت آلمان صریحا رسیدگی قضائی به رشته ای وسیع از جرایم را به دادگاههای نظامی ایالات متحده واگذار کرده است. (در آلمان غربی به پرونده های نظامی ایالات متحده نیز رسیدگی می شود زیرا امکانات کافی از تشکیلات حقوقی آمریکا در این کشور وجود دارد).

هاولی در یادداشتش این مسئله را که چگونه با اعتراضات احتمالی مدعی علیه در یک دادگاه نظامی برخورد خواهد شد، با ذکر جزئیات مورد بحث قرار داده است. البته ما نمی توانیم مطمئن باشیم که یک وکیل مدافع خشن در اعتراض به محاکمه، چه کارهایی خواهد کرد.

در رابطه با امکان کسب توضیحاتی از دولت ایران برای تشکیل دادگاه نظامی در ایران، من خیلی بدبین هستم. سه سال پیش، من ساعتها وقت صرف کردم تا گروهبان ویپکی و همسرش را که در یک پرونده قتل درگیر بودند، از بازداشت برهانم (یک زن آمریکایی، شوهر آمریکاییش را با شلیک گلوله

کشته بود). ما به خانواده ویپکی اجازه دادیم تا شواهد کافی را ارائه دهند، ولی بعدا به صورتی ناقص مطلع شدیم که بازپرس فکر می کرد باید دامنه اتهامات را آنقدر وسعت دهد تا خانواده ویپکی را در این جنایت درگیر کند. حساسیت سیاسی در مورد کل مصونیتها، کاملاً آشکار شد. اسلاف شما فشار زیادی به نخست وزیر وقت وارد کردند که سرانجام نیز این فشارها مؤثر واقع شد و توانستند از نخست وزیر تعهد بگیرند که اگر خانواده ویپکی یک بار دیگر مورد سؤال واقع شود، در آن صورت آنان اجازه خواهند داشت که این کشور را ترک کنند. تاکنون قضیه مصونیتهای ما در رابطه با تصادفات رانندگی به خوبی عمل کرده است. در مواردی که یک آمریکایی مقصر باشد، ما سریعا غرامت را پرداخت می کنیم و به طور کلی آن آمریکایی اجازه دارد که سریعا این کشور را ترک کند. من از طرح هر جنبه ای از مسئله مصونیتها با دیگران بیزار هستم. در صورتی که ما خواهان هر گونه ضمانت کتبی رسمی و حتی غیررسمی باشیم، باید شخص شاه تصمیم بگیرد و یا در واقع، او باید دیدگاههای ما را بر دولت خویش تحمیل کند.

از طرف دیگر، با نگاه به این موضوع به عنوان یک روش مفید، من فکر نمی کنم ایرانیان ناراحت شوند، از اینکه ما دادگاههای سریع یا ویژه در درون تشکیلات خود ایجاد کنیم، تا به تخلفاتی رسیدگی کند که هیچ ربطی به اتباع، اموال و یا قوانین ایران ندارد. نکته اصلی این است که آنها نباید از طرق

۱- غیر از رسیدگی به دعاوی مدنی و اداری برای اعمالی که خارج از حین انجام وظیفه به وقوع می پیوندد.

رسمی از انجام چنین محاکماتی مطلع گردند. آنها به نظم آهنین در نیروهای مسلح خودشان ایمان دارند، لذا تمایل ما را برای حفظ چنین نظمی در نیروهای خودمان، درک می کنند.

بدین ترتیب به عنوان یک موضوع مفید، باز هم می گویم که معتقدم این کار ریسک زیاد بزرگی نیست. برای مثال یک مورد وجود دارد که ژنرال تویچل مایل است، محاکمه آن در ایران انجام شود. یک گروهبان مبلغ ۱۲۰ دلار از وجوه سینما دزدیده است. او از نظر مالی در تنگنای شدیدی بوده و مشکلات خانوادگی داشته است. آرمیش مگ تمایل به رفتار ملاطفت آمیز با وی دارد. هیچ گونه پول، قانون و یا فرد ایرانی در این ماجرا درگیر نیست. سه یا چهار شاهد آمریکایی احضار خواهند شد و دادگاه ویژه حدودا ۲ یا ۳ ساعت طول خواهد کشید. یک قاضی و یکی دو معاون از آلمان غربی به وسیله پرواز نظامی به اینجا خواهند آمد و در عرض یکی دو روز باز خواهند گشت. اگر وکیل مدافع بخواهد که در وهله اول صلاحیت دادگاه را زیر سؤال ببرد یا خیال هیاهو راه انداختن پیرامون اصل محاکمه را داشته باشد، دادگاه با انتقال متهم به آلمان غربی دهان او را خواهد بست. البته و بدون شک به او گفته خواهد شد که دادگاهی دور از محل کار او، احتمالاً کمتر مایل خواهد بود تا شرایط تخفیف دهنده را مد نظر قرار دهد.

مسلما بررسی پرونده هایی که به ما ارجاع می شود، این حق را به ما می دهد که اگر کوچکترین شکی در مورد عکس العملهای احتمالی داشته باشیم، بتوانیم هر گونه درخواست آرمیش مگ را رد کرده و اصرار کنیم که محاکمه باید در آلمان غربی انجام شود.

در مقابل، به نظر من این ریسک به اندازه کافی عقلایی و منطقی است تا مسئله برگزاری محاکمات را در رابطه با تخلفات جزئی در دادگاههای ویژه از طرف آرمیش مگ، مورد تأیید قرار دهیم. البته برگزاری این محاکمات باید با تأیید و موافقت قبلی این سفارتخانه برای هر پرونده باشد.

بررسی پیشنهاد انتقال دادگاههای نظامی آرمیش مگ به ایران

سند شماره (۸۲)

طبقه بندی:خیلی محرمانهیادداشتتاریخ: ۱۰ مارس ۱۹۷۰ ۱۹ اسفند ۱۳۴۸

از: وزیر مختار نیکلاس جی. تاچربه: سفیر

موضوع: بررسی انجام شده توسط سفارت در مورد پیشنهاد انتقال

دادگاههای نظامی آرمیش مگ به ایران

در صورت توافق شما، من از مشاور سیاسی خواهم خواست تا مسئولیت اصلی در رابطه با ابلاغ

موافقت سفارت در مورد انتقال دادگاههای نظامی به ایران توسط آرمیش مگ را بپذیرد.

ما از رئیس آرمیش مگ، ژنرال تویچل خواهیم خواست تا یادداشتی در مورد ماهیت دادگاهی

که در نظر است تشکیل شود، به ما بدهد تا برای ابلاغ موافقت خودمان، جنبه های ذیل در نظر گرفته

شود:

۱ ماهیت جرم

۲ محدوده ای که اموال، اشخاص و یا قوانین ایران در آن ذی مدخل می باشند.

۳ هر گونه مسئله قانونی احتمالی که انتظار می رود توسط متهم اقامه شود و عواقب اقامه چنین

مسائلی.

۴ آیا اعلام خبر هر مورد برای عموم مردم ریسک به نظر می رسد یا خیر.

مشاور سیاسی هر مورد را بررسی خواهد کرد و توصیه های خود را به عنوان نظرات سفارت به آرمیش مگ، از طریق من برای شما ارسال خواهد نمود.

موافقین:تصویب شد: تویچل

آرمیش مگ: ژنرال تویچل مشاور سیاسی: دی. ار. توسینت

تشکیل دادگاههای نظامی در ایران

سند شماره (۸۳)

طبقه بندی: خیلی محرمانه غیر قابل رؤیت برای خارجیان

تاریخ: ۲۸ مارس ۱۹۷۰ ۸ فروردین ۱۳۴۹ویل فلوریدا ۳۳۶۰۸

از: فرمانده آرمیش مگ در ایرانبه: فرمانده نیروهای ضربتی آمریکاپایگاه نیروی هوایی مک

موضوع: تشکیل دادگاههای نظامی در ایران (طبقه بندی شده)

۱ (طبقه بندی نشده) مرجع: نامه من به تاریخ ۲ اوت ۱۹۶۹ (۱۱ مرداد ۱۳۴۸ م)، موضوع مانند موضوع فوق.

۲ (طبقه بندی شده) در روز ۱۰ مارس ۱۹۷۰ (۱۹ اسفند ۱۳۴۸ م) جناب سفیر «مک آرتور» با درخواست ما برای تشکیل دادگاههای نظامی در ایران موافقت نمود. وی با تشکیل دادگاههای نظامی ویژه که پس از هماهنگی نزدیک و مورد به مورد با سفارت پیرامون این مسئله که آیا تشکیل دادگاه در ایران صلاح خواهد بود یا خیر، موافقت نمود.

۳ (طبقه بندی شده) تقاضای من در ۲ اوت، که در نامه مرجع آمده است، به منظور کسب موافقت شما برای تشکیل دادگاههای ویژه و نیز به منظور اجازه تشکیل دادگاههای عمومی در ایران برای

پرونده های مقتضی، بود. همان طوری که در بالا ذکر شد، سفیر مک آرتور فقط با تشکیل دادگاههای ویژه موافقت کرد. ایشان با تشکیل دادگاههای عمومی موافقت نکردند، زیرا احساس می کند که احتمال تأثیرات منفی بر مردم و دیگر مشکلات دادرسی در این گونه موارد بیشتر است. در صورتی که موردی پیش آید که برای محاکمه در محل، توسط دادگاههای نظامی عمومی مناسب تشخیص داده شود و احتمال وقوع تأثیرات منفی بر مردم وجود نداشته باشد. وی با پیشنهاد من در مورد تعمیم موافقت ایشان، مخالفتی نخواهد داشت.

۴ (طبقه بندی شده)بنابراین، درخواست می شود که با پیشنهاد ۲ اوت ما برای تشکیل دادگاههای نظامی ویژه در ایران موافقت نمایید. علاوه بر این، درخواست می شود که به این ستاد اجازه داده شود که بتواند دادگاه نظامی عمومی با حضور مقامات ذی صلاح قضائی (آمریکائی م) در ایران، تشکیل دهد. البته در صورتی که جناب سفیر با تشکیل چنین دادگاهایی بعد از درخواست ما، موافق باشند. موافقت شما با تشکیل دادگاه عمومی در این زمان، ضرورت درخواست ما از مقاماتی که در آینده بر سر کار می آیند، برای مواردی را که در آینده پیش می آید، مرتفع می سازد.

اچ. ای. تویچل سرلشگر ارتش آمریکافرمانده آرمیش مگ

در فواصل ۳ ساله از طبقه بندی کاهش داده شود. بعد از ۱۲ سال از طبقه بندی خارج شود.

روش اخذ استشهاد در دادگاهای نظامی آرمیش مگ

سند شماره (۸۴)

طبقه بندی: استفاده اداری محدودتاریخ: ۳۰ اکتبر ۱۹۷۱ ۸ آبان ۱۳۵۰

یادداشت برای ثبت در پرونده

موضوع: روش اخذ استشهاد در دادگاههای نظامی آرمیش مگ

من در ۲۵ اکتبر (۳ آبان م) طی ملاقاتی با آقای هاشمیان (رئیس اداره امور آمریکا) با تأمل و احتیاط کامل، تمام نکاتی را که در کاغذ ضمیمه آمده مرور نمودم. (من هیچ نسخه ای از کاغذ ضمیمه را تحویل ندادم. زیرا با توجه به درخواست قبلی دولت ایران مبنی بر عدم تمایل آن دولت به داشتن هر گونه اطلاع رسمی از جریان کار، احساس کردم که بهتر است هیچ نوع مدرک کتبی در مورد موضوع وجود نداشته باشد).

آقای هاشمیان سؤالات زیادی را مطرح نمود و من مجبور شدم که بسیاری از نکات را تکرار یا بازگو کنم. نگرانی اصلی او که چندین بار آن را تکرار کرد، این بود که بداند سفارت چه می خواهد. مثلاً آیا ما از دولت ایران خواستار تأیید روش استشهاد گرفتن آرمیش مگ هستیم؟ و یا آیا ما از دولت ایران می خواهیم که به شهروندان ایرانی دستور مشارکت در چنین اقداماتی را بدهد؟

من درصدد بودم که بر این نکته تأکید کنم که سفارت تقاضای هیچ اقدامی از طرف وزارت امور خارجه و یا از طرف دولت ایران را ندارد. تنها هدف ما رساندن اطلاعات بوده تا وزارت امور خارجه (ایران م) بتواند اطلاعات کاملتری نسبت به آنچه که در اوائل ژوئیه (تیر ماه م) به آقای گودرزی درباره رویه ظاهرا قضائی در گرفتن شهادت از شاهدان ایرانی داده بودیم، داشته باشد.

تذکر: صریحا بگویم که مطمئن نیستم آقای هاشمیان نه جزئیات روشهای به کار گرفته شده و نه دلیل اینکه چرا ما چنین اطلاعاتی را به اطلاع او رسانیده ایم، فهمیده باشد.

مشاور سیاسی سفارت

دی. ار. توسینت

تاریخ: ۲۵ اکتبر ۱۹۷۱ ۳ آبان ۱۳۵۰

۱ موافقتنامه های دو جانبه ایران و آمریکا، اعضایی هیئت مستشاری نظامی ایالات متحده در ایران را از پیگرد قانونی توسط دادگاههای ایرانی معاف می سازد. اعضائی از هیئت که مرتکب اعمالی خلاف مقررات نظامی ایالات متحده و یا قوانین ایران می گردند، مطابق با آیین نامه های اداری تنبیه و یا در صورت لزوم در دادگاههای نظامی محاکمه می شوند.

۲ به طور معمول، تاکنون این دادگاههای نظامی، خارج از ایران تشکیل می شده است. از آنجایی که تشکیل دادگاه در مکانی دور از صحنه وقوع جرم، مشکلات اداری زیادی را در بر دارد و این مشکلات به اندازه ای است که اگر انجام پیگرد قانونی را ناممکن نسازد یقینا آن را مشکل می کند، اخیرا تصمیم گرفته شده به منظور بالا بردن سطح انضباطی نظامیان آمریکایی مستقر در ایران، برخی از این دادگاهها در این کشور تشکیل شود.

۳ در ماه ژوئیه ۱۹۷۱ (تیر ماه ۱۳۵۰ م)، پیش از تشکیل دادگاههای نظامی در ایران، ما آقای گودرزی رئیس اداره چهارم سیاسی را از طرح خود آگاه ساختیم. به ما این گونه پاسخ داده شد: مادامی

که تشکیل این دادگاهها در ایران رسما به دولت ایران اعلام نگردد، وزارت امور خارجه ایران به تشکیل آنها اعتراضی نخواهد داشت و نیز به ما اطلاع داده شد که در جمع آوری مدارک و شواهد وقوع جرم و گرفتن استشهاد، کمال همکاری به عمل خواهد آمد. لیکن مشارکت شهروندان ایرانی در جلسات این نوع دادگاههای نظامی ممکن نخواهد بود. همچنین به ما اعلام گشت که حضور شهروندان ایرانی در دادگاههای نظامی خارج از ایران، به شرطی که به طور رسمی به اطلاع دولت ایران نرسد، بلامانع خواهد بود. روش متداول دادگاههای نظامی ما، با خواسته های دولت ایران مطابقت و هماهنگی دارد و از این پس نیز به همین صورت ادامه خواهد یافت.

۴ با این حال، ما مایلیم خاطرنشان سازیم که روش معمول دادگاههای ایران از یک جنبه با روش جاری دادگاههای آمریکایی تفاوت دارد و احتمالا «نیازمند توضیح است. در روش دادگاههای ایرانی، استشهاد را می توان به سادگی در یک محضر اسناد رسمی تهیه کرد، لیکن بر پایه روشهای قضائی آمریکا،برای اینکه بتوان از یک شاهد ایرانی، شهادتنامه معتبری اخذ و در غیاب وی در جلسات دادگاههای نظامی مورد استناد قرار داد، لازم است جلسه ای برای دادن شهادت در حضور دادیار، متهم و وکیل مدافع وی تشکیل گردد و شاهد به سؤالات بازپرس و وکیل مدافع پاسخ دهد. تاکنون چندین بار چنین جلساتی به وسیله هیئت نظامی ایالات متحده تشکیل شده است. این جلسات با حالتی غیر رسمی تشکیل می شود و فقط وکیل مدافع و دادیار از شاهد سؤال می کنند و پاسخها به روی نوار ضبط می گردد. پس از جلسه، گفتگوی ضبط شده در نوار به صورت نوشته در می آید تا در دادگاههای نظامی مورد استفاده قرار گیرد.

۵ اگر قرار است که ما بتوانیم با آن دسته از آمریکاییانی که نسبت به ایرانیان مرتکب اعمال خلاف می شوند به گونه ای مؤثر برخورد کنیم، لازم است شهادت شهود ایرانی در اختیار دادگاههای

نظامی قرار گیرد و نیز جلسات استماع شهادت آنها باید برگزار شود، تا شهادت آنها برای استفاده در چنین محاکماتی از اعتبار قانونی برخوردار باشد.

مصونیت برای نظامیان تازه وارد آمریکا

سند شماره (۸۵)

تاریخ: ۲۴ می ۱۹۷۳ ۳ خرداد ۱۳۵۲

از: سفارت آمریکا تهرانبه: وزارت امور خارجه ایران

یادداشت شماره ۳۶۳تاریخ: ۲۴ می ۱۹۷۳ ۳ خرداد ۱۳۵۲

عالیجناب وزیر امور خارجه ایران:

افتخار دارم که ورود اولین گروه از کارشناسان نظامی و غیر نظامی آمریکا، مورد تقاضای دولت متبوع شما برای کمک به برنامه مدرنیزه کردن نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران را اعلام کنم. در چند هفته اخیر مذاکراتی میان نمایندگان وزارت جنگ دولت شاهنشاهی ایران و ستاد هیئت، در رابطه با جزئیات ترتیباتی که طبق آن این کارشناسان به ایران مأمور می شوند، به عمل آمده است. برداشت دولت متبوع من این است که بر طبق قوانین ایران و موافقتنامه های موجود میان دو دولت ایران و ایالات متحده، این پرسنل از امتیازات و مصونیتهای مندرج در یادداشت وزارت امور خارجه شاهنشاهی به شماره ۹۷۶۲ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ و یادداشت این سفارتخانه به شماره ۲۸۲ به

همان تاریخ، بهره مند خواهند بود.

تأیید این مطلب از طرف شما مبنی بر اینکه برداشت دولت شاهنشاهی ایران نیز این چنین است، موجب قدردانی اینجانب خواهد بود.با تجدید احترامات

ریچارد هلمز

موافقت ایران با مصونیت نظامیان تازه وارد آمریکا

سند شماره (۸۶)

وزارت امور خارجهتاریخ: ۸ خرداد ۱۳۵۲ ۲۹ می۱۹۷۳

اداره حقوقیشماره: ۱۸/۱۹۶۸

آقای سفیر

افتخار دارم وصول نامه شماره ۳۶۳ مورخ ۲۴ مه ۱۹۷۳ شما را اعلام و تأیید نمایم. کارشناسان نظامی و غیر نظامی آمریکایی مورد تقاضا برای کمک به مدرنیزه نمودن نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران از مزایا و مصونیتهای مندرج در یادداشت شماره ۹۷۶۲ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ این وزارت و یادداشت شماره ۲۸۲ همان تاریخ سفارت آمریکا، بهره مند خواهند بود.

با تجدید احترامات به جای وزیر امور خارجه

عباسعلی خلعت بری

امضاء

کارتهای مصونیت برای افراد فاقد گذرنامه های خدمت

سند شماره (۸۷)

تاریخ: ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۳ ۴ مهر ۱۳۵۲

یادداشت برای: آقای سهراب، رئیس اداره گذرنامه، دفتر آجودانی، فرماندهی عملیات پشتیبانی نیروهای آمریکا در اروپا

موضوع: کارتهای مصونیت برای افراد فاقد گذرنامه های خدمت

۱ تا آنجایی که خبر دارم، اخیرا اداره گذرنامه اطلاع داده است، افراد معینی که دارای گذرنامه های خدمت نیستند، واجد شرایط دریافت کارت مصونیت از وزارت خارجه (ایران م) نمی باشند. من اطلاع ندارم که آیا در هر مورد، این نظر بر پایه اطلاعات ویژه ارائه شده از طرف یک مقام وزارت امور خارجه قرار دارد و یا بر اساس یک تعبیر کلی از قانون موجود در این زمینه است. هدف از این یادداشت، روشن شدن وضعیت حقوقی و درخواست این مطلب است که تمام طرفهای ذینفع به نحوی عمل نمایند تا وزارت امور خارجه (ایران م) تشویق شود که مطابق آن قانون عمل کند.

۲ بر اساس تبادل یادداشتهایی در ۱۹۶۴ در رابطه با مصونیتها، دولت ایران موافقت کرد تا مصونیتهای مندرج در کنوانسیون وین مورخ ۱۹۶۱ را به تمام «پرسنل نظامی و غیر نظامی آمریکا که طبق موافقتنامه ها و ترتیبات منعقده میان دو دولت در ایران حضور دارند و توسط سفارت به وزارت امور خارجه شاهنشاهی معرفی می شوند»، تعمیم دهد. این مطلب که آیا افراد، دارای گذرنامه های خدمت و یا گذرنامه های عادی هستند، ربطی به موافقتنامه مورد نظر ندارد. دلایل مختلفی، که بعضی از آنها کلاً به روشهای اداری مربوط می شود، این حقیقت را بیان می دارد که بعضی از مقامات

آمریکایی و یا بستگان آنها با گذرنامه های عادی وارد ایران می شوند. گروه نسبتا بزرگی از این نوع افراد وجود دارد، زیرا آنها بستگان پرسنل نظامی هستند که مشمول مقررات ایالات متحده برای پرداخت هزینه حمل و نقل نمی باشند.

۳ بدیهی است که جمله بندی یادداشتهای مبادله شده در این زمینه، ممکن است مستقیما شامل اتباع کشورهای دیگر بجز آمریکا نشود، با این حال تجارب اخیر، بیانگر تمایل وزارت امور خارجه (ایران م)مبنی بر صدور کارتهای مصونیت برای افرادی است که گذرنامه آمریکایی ندارند، ولی از طرف سفارت آمریکا به عنوان بستگان اعضای مجموعه اداری آمریکا معرفی شده اند. به نظر من، ما باید به امر معرفی اسامی چنین افرادی به وزارت امور خارجه، ادامه دهیم. ما موردی نداشته ایم که کارمند نظامی، تبعه آمریکا نباشد. با این حال در نمونه های مقتضی که یک خارجی در نیروهای مسلح ایالات متحده در حال خدمت باشد، ما باید درخواست صدور کارت مصونیت بنماییم.

۴ درباره نظامیان آمریکا که در ایران کار می کنند و بستگانی که دارای گذرنامه عادی هستند، هیچ الزام قانونی وجود ندارد که برای صدور کارت مصونیت، بین آنها و کسانی که دارای گذرنامه خدمت هستند، تفاوت گذاشته شود. اسامی آن افرادی که با ارتش در ایران کار می کنند و بستگان آنها، باید بر اساس یک روند عادی اداری برای صدور کارت مصونیت به وزارت امور خارجه ارائه شود.

۵ بر اساس نتایج حاصله از ملاقات ژوئن (خرداد م) گذشته در وزارت امور خارجه، به همراه آقایان پرشت و گراس و دوشیزه رندر از کارمندان سفارت، به نظر می رسد که احتمالاً وزارت امور خارجه (ایران م) علاقمند به قبول اصول فوق الذکر می باشد. در صورت بروز مخالفتی در این مورد، می توان ملاقات دیگری در وزارت امور خارجه با اداره گذرنامه و یا نماینده اداره عهود و امور حقوقی ترتیب داد.هارولد اس. ناثان

سروان قضائی ایالات متحده

وکیل مدافع ستاد

رونوشت برای :

آقای پرشت، سفارت آمریکا

آقای گراس، سفارت آمریکا

دوشیزه رندر، سفارت آمریکا

سرهنگ دوم اسپالدینگ، فرمانده ترابری نظامی هوایی

سرهنگ کرافورد، فرمانده ESA

سروان بارتلز، دفتر آجودانی ESA

کارتهای رسمی مصونیت و روادیدهای خروج و ورود مجدد

سند شماره (۸۸)

یادداشت برای ثبت در پرونده تاریخ: ۱۶ دسامبر ۱۹۷۳ ۲۵ آذر ۱۳۵۲

موضوع: کارتهای رسمی مصونیت و روادیدهای خروج و ورود مجدد

۱ در ۱۵ دسامبر ۱۹۷۳، من با آقای گراس، سرکنسول ایالات متحده، دوشیزه رندر و آقای

سهراب در کنسولگری ایالات متحده ملاقات کردم تا راجع به مشکلاتی که در مورد اخذ کارتهای

مصونیت برای پرسنل وزارت دفاع و بستگان به وجود آمده است، مذاکره کنیم. ظاهرا مشکل اکنون محدود به مواردی است که پرسنل وزارت دفاع با گذرنامه عادی برای انجام مأموریت به ایران وارد می شوند. اداره گذرنامه وزارت امور خارجه مایل به ثبت این گذرنامه ها بوده، ولی از صدور کارتهای رسمی مصونیت اجتناب کرده است. من توضیح دادم که با تبادل یادداشتهای سال ۱۹۶۴، آن پرسنلی که با تأیید سفارت ایالات متحده به عنوان انجام مأموریت رسمی با هیئت اعزامی مربوط هستند، بدون توجه به نوع گذرنامه ای که دارند، به وسیله یک کارت رسمی مصونیت، مشمول مصونیتها شناخته شده اند. تصمیم گرفته شد که کنسولگری از واشنگتن سؤال کند که آنها نسبت به ایرانیانی که عضو هیئتهای رسمی می باشند، ولی با گذرنامه عادی به ایالات متحده وارد می شوند، چگونه رفتار می کنند. هنگامی که از واشنگتن پاسخی درباره نحوه رفتار ایالات متحده دریافت نماییم، کنسولگری جلسه ای متشکل از ادارات ذی ربط وزارت امور خارجه (ایران م) برای بحث بیشتر در مورد این موضوع، ترتیب خواهد داد.

۲ گروه مذکور همچنین راجع به مشکلات مربوط به درخواستهای بی شمار برای روادید خروج که به صورت یادداشتهای بسیار کوتاه به مقامات گذرنامه ارائه شده بود، مذاکره کرد. آقای سهراب خاطرنشان ساخت که او مجبور است برای اخذ یک روادید خروج اغلب در نیمه های شب مزاحم مقامات وزارت امور خارجه شود.اگر چه وزارت امور خارجه در این رابطه کمال همکاری را مبذول داشته، ولی گروه تشخیص داد که با این اقدامات نیمه شبانه، بیشتر از حد معمول از اعتبار خود استفاده کرده ایم. دوشیزه رندر به مقامات نظامی اصرار کرد که آنها هر کاری که می توانند انجام دهند تا این نوع مزاحمتها به حداقل برسد، به این معنی که دفتر گذرنامه ما باید خیلی زود از قصد عزیمت افراد مطلع شده باشد. گروه توافق کرد که در دراز مدت، بهترین راه حل این مشکل این است که وزارت امور

خارجه به صدور روادید معتبر خروج و ورود مجدد یکساله برای همه اعضاء هیئت رسمی، متقاعد شود. وی خاطرنشان شد که افراد بهره مند از وضعیت سیاسی،دارای چنین روادیدهایی هستند. توافق گردید که در ملاقات بعدی با نمایندگان وزارت امور خارجه مسئله روادید خروج و ورود مجدد را مطرح کنیم.

۳ در تدارک برای ملاقات پیش بینی شده با مقامات وزارت امور خارجه مقرر شد که دفتر گذرنامه، آماری از تعداد افراد اعزامی به ایران که با گذرنامه های عادی وارد شده اند و تعداد روادیدهای خروج و ورود مجدد که دفتر گذرنامه به طور متوسط در یک ماه درخواست می کند، ارائه دهد.هارولد اس. ناثان

سرگرد قضائی ایالات متحده

وکیل مدافع ستاد

رونوشت برای:

سروان بارتلز

سرهنگ دوم انگلند

آقای پرشت

دوشیزه رندر

فصل سوّم: انقلاب اسلامی و الغاء کاپیتولاسیون

الغاء کاپیتولاسیون با تصویب شورای انقلاب اسلامی

سند شماره (۸۹)

از: سرویس بین المللی رادیوهای خارجی لندن انگلستان

به: ستاد نیروهای هوایی ایالات متحده در اروپاتاریخ: ۱۳ می ۱۹۷۹۲۳اردیبهشت۱۳۵۸

رونوشت برای: سفارت آمریکا تهران ایرانطبقه بندی نشده

تلگرام شماره ۸۳۰۶

ستاد عالی نیروهای متفق اروپا: فورا برای بخش «بررسی» ارسال شود.

ایران مصونیت سیاسی مستشاران نظامی ایالات متحده را لغو می کند.

رادیو محلی تهران به زبان فارسی ساعت ۳۰/۱۶ به وقت گرینویچ ۱۳ می ۱۹۷۹.

«متن» وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران امروز اعلام کرد که قانون کاپیتولاسیون لغو شده است. متن اطلاعیه وزارت امور خارجه از این قرار است:

بنا به پیشنهاد هیئت وزیران دولت موقت جمهوری اسلامی ایران و تصویب شورای انقلاب اسلامی، قانون مصوب ۲۱ مهر ماه ۱۳۴۳ (۱۳ اکتبر ۱۹۶۴) راجع به اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیتها و معافیتهای قرارداد وین (کاپیتولاسیون) از تاریخ ۲۳/۲/۵۸ (۱۳ می ۱۹۷۹)لغو شد.

انعکاس خبر الغاء کاپیتولاسیون به واشنگتن

سند شماره (۹۰)

از: سرویس بین المللی رادیوهای خارجی نیکوزیا قبرس تاریخ: ۱۳ می ۱۹۷۹۲۳ اردیبهشت

به: سرویس بین المللی رادیوهای خارجی واشنگتن دی سی ۱۳۵۸

طبقه بندی نشده

تلگرام شماره ۲۲

ایران، قانون مربوط به مصونیتهای سیاسی مستشاران نظامی ایالات متحده را لغو می کند.

تهران، ۱۳ می خبرگزاری ایران گزارش داد که قانون ۱۳۴۳ مربوط به تعمیم مصونیت سیاسی به مستشاران نظامی ایالات متحده در ایران، امروز لغو شد.

این قانون که مستشاران نظامی آمریکا را تحت پوشش معافیتهای گوناگون سیاسی و نیز مصونیت کامل از محاکمه و پیگرد قرار می داد، بنا به پیشنهاد دولت موقت و تصویب شورای انقلاب لغو گردید.

تلگرام فرمانده آرمیش مگ در مورد الغاء کاپیتولاسیون سند شماره (۹۲)

سند شماره (۹۱)

از: فرماندهی آرمیش مگ تهران ایران تاریخ:۱۴ می ۱۹۷۹ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸

طبقه بندی نشده

به: فرماندهی آرمیش مگ، پایگاه الکس فوری

موضوع: مصونیت دیپلماتیک

۱ اخبار منتشره توسط رادیو و روزنامه های صبح تهران مورخ ۱۴ می ۱۹۷۹ حاکی از آن است که قانون کاپیتولاسیون ۱۹۶۴ ایران در رابطه با تعمیم مصونیت سیاسی به پرسنل مستشاری نظامی آمریکا در تاریخ ۱۳ می ۱۹۷۹ لغو گردیده است. متن اطلاعیه وزارت خارجه ایران به شرح زیر است:

نقل قول: بنا به پیشنهاد هیئت وزیران دولت موقت جمهوری اسلامی ایران و تصویب شورای انقلاب اسلامی، قانون مصوب ۲۱ مهرماه ۱۳۴۳ (۱۳ اکتبر ۱۹۶۴) راجع به اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیتها و معافیتهای قرارداد وین (کاپیتولاسیون) از تاریخ ۲۳/۲/۵۸ (۱۳ می ۱۹۷۹) لغو شد. (پایان نقل قول).

۲ به علت از بین بردن پرونده های سفارت در طول انقلاب، مطمئن نیستیم که نسخه ای از قانون ۱۹۶۴ موجود باشد. تحقیق در بایگانیهای محلی ادامه دارد.

۳ از فرماندهی آرمیش مگ تقاضا می شود که فردی را برای هماهنگ کردن مخاطبان نامه

جهت تعیین محل این قانون، مأمور کند. علاوه بر این خواهشمند است هر چه سریعتر این ستاد را در مورد وضعیت حقوقی پرسنل نظامی آمریکا که در ایران هستند، ارشاد فرمایید.وارنر

نامه سفارت آمریکا به معاون وزارت دفاع ملی در رابطه با الغاء کاپیتولاسیون

سند شماره (۹۲)

از: سفارت آمریکا (مستشاری نظامی)تاریخ: ۱۴ می ۱۹۷۹ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸

به: معاونت تسلیحاتی وزارت دفاع ملی سرکار سرهنگ کامکار

۱ همان طوری که اطلاع دارید روز گذشته وزارت امور خارجه دولت جمهوری ایران قانون کاپیتولاسیون را که شامل حال مستشاران نظامی آمریکا نیز می گردید، لغو نمود.

۲ در حال حاضر از مستشاران باقی مانده در ایران فقط ۳۱ نفر نظامی و سه نفر غیر نظامی برای رفت و برگشت به محل کار خود اتومبیلهای شخصی خود را هدایت می نمایند.

به طوری که تصدیق می نمایید با توجه به اوضاع و احوال کنونی ایران چنانچه برای مستشاران مزبور حادثه رانندگی اتفاق بیفتد، موقعیت بسیار خطرناکی برای آنان متصور است.

۳ به منظور جلوگیری از هر گونه حادثه ناگوار در ایران، خواهشمند است دستور فرمایید سرکار سرگرد مشیری فرمانده موتورپول همه روزه تعداد ۱۵ نفر راننده به طور تمام وقت در اختیار این قسمت قرار دهند. اتومبیلهای مورد نیاز را می توان از اتومبیلهای سفارت آمریکا و یا اتومبیلهای

موجود در فرماندهی موتورپول تأمین نمود.

۴ خواهشمند است دستور فرمایید سرکار سرگرد مشیری به محض دریافت این نامه با تلفن

۸۲۴۰۰۱ داخلی ۱۲۸۹ با اینجانب تماس حاصل نمایند

کیث ا. بارلو

سرهنگ ایالات متحده

وضعیت پرسنل آرمیش مگ

سند شماره (۹۳)

از: وزارت خارجه واشنگتن دی سی.تاریخ: ۱۶ می ۱۹۷۹ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸

به: سفارت آمریکا تهران فوریرونوشت به: کاخ سفید فوری

طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره: ۴۰۹۹

موضوع: وضعیت پرسنل آرمیش مگ

۱ (تمام متن خیلی محرمانه است).

۲ ما موضوع لغو قانون ۱۹۶۴ در مورد اعطای مصونیت سیاسی به پرسنل آرمیش مگ را حائز

فوریت و اهمیت فوق العاده تلقی می نماییم.

۳ در این رابطه، شما به سرعت یادداشت ذیل را به مقامات عالیرتبه و ذی ربط در وزارت خارجه

(ایران م) تسلیم نمایید. در همان حال، پیشنهاد می کنیم که رابطهای نظامی خود را از اهمیتی که ما

برای این موضوع قائلیم و اقداماتی که انجام خواهیم داد، مطلع سازید.

۴ نقل قول: سفارت آمریکا (پس از تعارفات معمول) با توجه به بیانیه اخیر وزارت خارجه دولت

موقت اسلامی ایران مبنی بر تصمیم دولت در لغو قانون مربوط به تفویض مصونیتها و امتیازات

کنوانسیون وین به پرسنل مستشاری نظامی آمریکا مصوب ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ (۲۱ مهر ۱۳۴۳ م)، موارد زیر را اعلام می دارد.

۵ نقل قول: به خاطر این اقدام، کلیه پرسنل باقیمانده مستشاری نظامی آمریکا که هم اکنون براساس موافقتنامه ها و ترتیبات منعقده میان دو دولت در ایران حضور دارند، از طرف دولت ایالات متحده به عنوان کارمندان اداری و فنی به سفارت ایالات متحده مأمور شده اند. وزارت امور خارجه (آمریکا م) برای این نوع پرسنل، گذرنامه های سیاسی صادر می نماید و تقاضا دارد که وزارت خارجه (ایران م) نیز این پرسنل را با همان تعداد (به عنوان کارمندان اداری و فنی سفارت م) به دولت متبوع خود معرفی نماید.فهرست اسامی این پرسنل به پیوست آمده است.

۶ نقل قول: به خاطر ضرورت روشن شدن وضعیت این پرسنل برای مدت اقامت آنان در ایران، سفارت ایالات متحده توجه فوری وزارت امور خارجه را به این موضوع جلب می کند و صدور مدارك هویت دیپلماتیك را برای این افراد، تقاضامند است.

۷ نقل قول: تعارفات معمول در پایان نامه. پایان نقل قول.

۸ برای اطلاع شما. در صورتی که دولت ایران فورا آنها را (به عنوان کارمندان اداری و فنی سفارت م) به رسمیت نشناسد، ما مجبور خواهیم شد که خروج کلیه پرسنل آرمیش مگ را مورد توجه جدی قرار دهیم.ونس

مأمور شدن پرسنل مگ به سفارت آمریکا

سند شماره (۹۴)

به: وزارت خارجه ایرانتاریخ ۱۶ می۱۹۷۹ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا تهران

يادداشت شماره ۱۸۷

سفارت ایالات متحده آمریکا ضمن اظهار تعارفات خود به وزارت خارجه دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، با توجه به بیانیه اخیر وزارت خارجه دولت موقت اسلامی ایران مبنی بر تصمیم دولت در لغو قانون مربوط به تفویض مصونیتها و امتیازات کنوانسیون وین به پرسنل مستشاری نظامی آمریکا مصوب ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴، اعلام می دارد.

به خاطر این اقدام، کلیه پرسنل باقیمانده مستشاری نظامی آمریکا که هم اکنون براساس موافقتنامه ها و ترتیبات منعقده میان دو دولت در ایران حضور دارند، از طرف دولت ایالات متحده به عنوان کارمندان اداری و فنی به سفارت ایالات متحده مأمور شده اند. وزارت امور خارجه (آمریکا م) برای این نوع پرسنل، گذرنامه های سیاسی صادر می نماید و تقاضا دارد که وزارت خارجه (ایران م)نیز این پرسنل را با همان تعداد (به عنوان کارمندان اداری و فنی سفارت م) به دولت متبوع خود معرفی نماید. فهرست اسامی این پرسنل به پیوست آمده است.

به خاطر ضرورت روشن شدن وضعیت این پرسنل برای مدت اقامت آنان در ایران، سفارت ایالات متحده توجه فوری وزارت امور خارجه (ایران م) را به این موضوع جلب می کند و صدور مدارک هویت دیپلماتیک را برای این افراد، تقاضامند است.

سفارت ایالات متحده آمریکا، فرصت را برای تجدید احترامات فائقه خود به وزارت امور خارجه، مغتنم می شمرد.

سفارت ایالات متحده آمریکا

تهران، ۱۶ می ۱۹۷۹

سرلشکر فیلیپ. سی. گست

سرهنگ موریس. تی وارنر. جی آر

سرهنگ دان موزز

سرهنگ۲ بیل.آر. وینسون

سرهنگ۲ جری. تی. ویلیز

سرهنگ۲ لاری لیلارد

سرهنگ۲ جوزف. ام. استیونسن

سرهنگ۲ رابرت. ام. مک ویلیامز

ناخدا سوم رابرت. ا. انگلمان

ناخدا دوم دان. ا. شرر

سرگرد ویلیام.ال. فالکنر

سروان توماس. جی. فیرکه

سروان پاتریک. جی.کوئین

سروان هومر. بی. کاسادا

سروان توماس. اچ. ایوانز

ستوان۱ کریگ. پی. ناپ

ستوان۱ بایرون. ال. سوانسون

ستوان۱ راسل. جی. هاچ

ستوان۱ گارلند. جی. پانل

ستوان۲ لاری. ئی. راف

ناوبان۲ کیث. ا. دانیلز

گروهبان۱ فرانک. تی. کیوبیک

گروهبان۱ جیمز. آر. استامپ

گروهبان۱ جری. ا. راولند

گروهبان ستاد ویلیام. ا. هلند.جی آر

متخصص ششم روی. ا. هاریس

متخصص ششم جان. آر. استوارت

متخصص پنجم ویرجیل. ک.نیل

ستاد کل ۱۴ ویلیام. ال. ولف

ستاد کل ۱۴ تد. ا. ویلیامسون

ستاد کل ۱۱ باری. بی. برانسون

گروهبان کیث. دبلیو. کلونجر

مصونیتهای آرمیش مگ

سند شماره (۹۵)

از: فرماندهی آرمیش مگ، تهران،ایران به: فرماندهی آرمیش مگ، پایگاه الکس،فوری

تاریخ: ۱۶ می ۱۹۷۹ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸طبقه بندی: خیلی محرمانه

تلگرامهای مرجع: الف تلگرام فرماندهی آرمیش مگ، ۱۴ می ۱۹۷۹ (طبقه بندی نشده)

ب تلگرام سفارت آمریکا، تهران، ۱۵ می ۱۹۷۹ (خیلی محرمانه) ج تلگرام وزارت امور خارجه

آمریکا، ۱۶ می ۱۹۷۹ (خیلی محرمانه)تلگرام شماره ۵۰۸۱

موضوع: مصونیتهای آرمیش مگ

۱ (خیلی محرمانه) تلگرام مرجع الف، شما را در جریان لغو مصونیتهای آرمیش مگ قرار داد.

در تلگرام مرجع ب، اظهارات وزیر امور خارجه (ایران م) به کاردار سفارت در مورد لغو این قانون، مطرح گردید. تلگرام مرجع ج، نیز حاوی متن یادداشت پیشنهادی وزارت خارجه (آمریکا م) به وزیر خارجه دولت ایران بود.

۲ (خیلی محرمانه) در تلگرام مرجع ب آمده که یزدی وزیر خارجه به کاردار سفارت، آقای ناس، گفته بود که لغو مصونیتهای پرسنل آرمیش مگ را نباید یک حرکت ضد آمریکایی تلقی کرد و

یا آن را نشانه ای از عدم تمایل دولت ایران به عادی کردن روابط دانست. وی اضافه کرد که تصویب قانون «کاپیتولاسیون» در سال ۱۹۶۴ با اعتراض مردم روبرو شد و منجر به تبعید آیت اللّه خمینی به ترکیه گردیده بود.

۳ (خیلی محرمانه) یادداشت پیشنهادی وزارت خارجه (آمریکا م) که در مرجع ج آمده، باقیمانده پرسنل نظامی آمریکا در ایران را به عنوان کارکنان اداری و فنی به سفارت ایالات متحده مأمور کرد و تقاضای صدور گذرنامه های دیپلماتیک را برای آنان نموده است.

۴ (خیلی محرمانه) همان طوری که در تلگرام مرجع الف خاطرنشان شد، بخش اعظم سوابق تاریخی موجود در اینجا (سفارت م) در دوران انقلاب از بین برده شده است. در نتیجه ما نمی توانیم به تأثیرات ناشی از مصونیتها پی ببریم. با این حال، در نتیجه این اقدام و نیز به خاطر فقدان یک «قرارداد وضعیت نیروها» با ایران، باقیمانده پرسنل مستشاری نظامی آمریکا در ایران از نظر حقوقی بسیار آسیب پذیرند. با توجه به تبلیغات مستمر ضد امریکایی در رسانه های گروهی ایران (به خصوص در زمینه نظامی)، این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است.

۵ (خیلی محرمانه) تاکنون قدمهایی برداشته شده است که تا قبل از روشن شدن وضعیت پرسنل مستشاری نظامی آمریکا، درگیریهای حقوقی به حداقل کاهش یابد. مستشاران رانندگی نخواهند کرد مگر آنکه چاره ای نباشد و در حین رانندگی باید گواهینامه لازم، برگ بیمه و اسناد معتبر را همراه داشته باشند. توجه بسیاری به این مسئله معطوف شده که از مواجهه احتمالی بین آمریکاییان و اتباع ایرانی جلوگیری به عمل آید. اگر لازم باشد که مستشاران نظامی آمریکا بعد از ظهرها نیز به کار مشغول باشند، تا قبل از ساعت ۲۲ به محل سکونت خود بر خواهند گشت یا اینکه طوری برنامه ریزی خواهند کرد که تمام شب را در محل کار خود بمانند. این امر سبب می شود که از هر گونه

برخورد با گشتیهای شبانه کمیته در خیابانها، جلوگیری به عمل آید. در تمام فعالیتها احتیاط

فوق العاده، رعایت می گردد.

۶ (خیلی محرمانه) وضعیت موجود بحرانی نیست، ولی تصمیم گیری قاطع و سریع را طلب

می کند.وارنر

مصونیت دیپلماتیک

سند شماره (۹۶)

از: ستاد فرماندهی نیروهای آمریکا در اروپا آلمان غربی ویهینگن تاریخ: ۱۶ می ۱۹۷۹ ۲۶

به: فرماندهی آرمیش مگ تهران، ایران اردیبهشت ۱۳۵۸

مرجع: تلگرام فرماندهی آرمیش مگ، تهران، ایران، ۱۴ می ۱۹۷۹

طبقه بندی نشده شماره: ۱۹۳۳

موضوع: مصونیت دیپلماتیک

۱ اطلاعاتی که در اختیار این ستاد است، نشان می دهد که قانون ایرانی مصوب ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴

(۲۱ مهر ۱۳۴۳ م) این مفهوم را می رساند که دولت ایران مجاز است پرسنل نظامی آمریکا در ایران را

از مصونیتها و امتیازات کنوانسیون ۱۹۶۱ وین بهره مند سازد. دولتین آمریکا و ایران، پس از آن در

تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ یادداشتهایی مبادله کرده و توافق کردند که این پرسنل از وضعیت کارکنان

اداری و فنی سفارت آمریکا در تهران برخوردار باشند و از مصونیتهای مندرج در بند ۲ ماده ۳۷ کنوانسیون وین بهره مند شوند. توافقنامه ۹ دسامبر ۱۹۶۴، تا آنجایی که ما می دانیم نه تغییر یافته و نه فسخ شده و در یادداشتهای مبادله شده ۲۴ و ۳۰ می ۱۹۷۳ که طی آنها دولت ایران همان مصونیتها را به پرسنل فنی نظامی و غیر نظامی آمریکایی که به برنامه مدرن سازی نیروهای مسلح ایران کمک می کنند، تعمیم داد؛ به آن توافقنامه اشاره شده است.

۲ از دیدگاه این ستاد،لغو قانون ۱۹۶۴ نمی تواند اعتبار حقوقی و بین المللی یادداشتهای مبادله شده در مورد وضعیت دیپلماتیک این پرسنل را تغییر دهد. بنابراین از دیدگاه این ستاد، پرسنل نظامی آمریکایی باقیمانده در ایران هنوز هم از همان مصونیتهای قبل از لغو قانون ۱۹۶۴، برخوردار می باشند.

۳ تا زمانی که دستورات هماهنگ وزارت خارجه و وزارت دفاع تغییر نکرده، شما باید دیدگاه فوق را به عنوان موضع خود منعکس نمایید. فقط با هماهنگی نزدیک با سفارت، این موضوع را می توانید با ایرانیها مورد مذاکره قرار دهید.

گذرنامه های دیپلماتیک برای پرسنل آرمیش مگ

سند شماره (۹۷)

از: سفارت آمریکا تهرانتاریخ: ۲۴ می ۱۹۷۹ ۳ خرداد ۱۳۵۸

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی

طبقه بندی: استفاده اداری محدودشماره ۵۴۰۸

موضوع: گذرنامه های دیپلماتیک برای پرسنل آرمیش مگ

۱ فهرست زیر، اسامی کامل پرسنل آرمیش مگ می باشد که متقاضی گذرنامه های دیپلماتیک

هستند.

دان آلن شرر

راسل دیل لاتزنهایزر

رابرت آردو انگلمان

ویرجیل کلوین نیل

کریگ پاول ناپ

وارن دانیل وینز

توماس گارنر فیرکه

ویلیام آلونزا هلند جی آر.

جیمز راجر استامپ

جوزف. ام. استیونسون

ملوین گاجه نیداس

گارلند جرومه پانل

لاری ارل راف

برایان لی سوانسون

ص: ۸۱۰

راسل گارن هاچ

ویلیام لی فالکنر

کیث آلن دانیلز

۲ تقاضانامه ها توسط پرسنلی که در تاریخ ۲۳ می اینجا را ترک کرده اند، برای وزارت امور خارجه (آمریکا م) ارسال شد.

سکوت دولت موقت در مورد صدور گذرنامه های دیپلماتیک برای پرسنل آرمیش مگ

سند شماره (۹۸)

تاریخ: ۴ ژوئن ۱۹۷۹ ۱۴ خرداد ۱۳۵۸

نامه اداری غیر رسمی طبقه بندی نشده

آقای چارلز دبلیو. ناسکاردار سفارت آمریکاتهران،ایران

چارلز عزیز:

ما اقدامات لازم را در رابطه با تضمین مصونیت دیپلماتیک برای اعضاء آرمیش مگ را با آقای مالمبورگ در لندن مورد بررسی قرار داده ایم. او به ما می گوید که ما با ارسال یادداشت دیپلماتیک به وزارت امور خارجه (ایران م) و صدور گذرنامه های دیپلماتیک برای افراد مزبور، هر کاری که می توانستیم انجام داده ایم. آقای مالمبورگ احساس می کند که نکته مهمتر این است که این اقدامات با سکوت رضایتمندانه دولت موقت ایران از طریق عدم رد یادداشت ما، توأم شده است. این موضع دولت موقت ایران از نظر حقوق و عرف بین الملل، پایه و اساس کافی برای تثبیت وضعیت مصونیت سیاسی را پی می ریزد.

تنها اقدامی که باعث تقویت بیشتر این وضعیت می گردد، صدور مدارکی از طرف دولت موقت ایران

مبنی بر تأیید این وضعیت و یا صدور یک یادداشت دیپلماتیک از طرف وزارت امور خارجه (ایران م) مبنی بر به رسمیت شناختن این وضعیت می باشد.

امیدوارم که این مطلب باعث اطمینان مجدد افراد ذی ربط بشود.

با بهترین احترامات و آرزوهای قلبی

ارادتمند

کارل کلمنت دفتر امور ایران

فهرست پرسنل نظامی مأمور شده به سفارت آمریکا

سند شماره (۹۹)

از: سفارت آمریکا،تهرانتاریخ ۷ ژوئن ۱۹۷۹ ۱۷ خرداد ۱۳۵۸

به: وزارت امور خارجه ایران

یادداشت شماره ۲۵۵

سفارت ایالات متحده آمریکا ضمن ابراز اظهارات تعارفات خود به وزارت امور خارجه دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، مفتخر است به یادداشت شماره ۱۸۷ با ضمیمه، مورخ ۱۶ می ۱۹۷۹ مربوط به آن دسته از پرسنل مستشاری نظامی که توسط دولت ایالات متحده آمریکا به عنوان اعضاء اداری و فنی به سفارت ایالات متحده آمریکا مأمور شده اند، اشاره نماید.

به پیوست، فهرستی از اسامی آن دسته از پرسنل نظامی است که به تازگی به عنوان اعضاء اداری و فنی به سفارت ایالات متحده آمریکا مأمور شده اند.

سفارت ایالات آمریکا این فرصت را برای تجدید احترامات فائقه خود به وزارت امور خارجه، مغتنم می شمرد.

سفارت ایالات متحده آمریکا

تهران، ۷ ژوئن ۱۹۷۹

سرهنگ رونالد. آر. دیویس

سرهنگ جیمز. دی. هرندون

سرهنگ۲ دیل لاتزنهایزر

سرهنگ۲ جوزف. ام. استیونسون

سرهنگ۲ آلن. ئی. فاین

سرهنگ۲ جان. دبلیو. اولسون

سرهنگ۲ جرالد. دبلیو. رینکر

ناخدا دوم دان. ا. شرر

ناخدا دوم جرالد. ام. هیگبی

سرگرد ویلیام.جی. فالکنر

ناخدا سوم رابرت. ا. انگلمان

سروان توماس. جی. فیرکه

سروان وارن. دی. وینز

ستوان یکم راسل. جی. هاچ

ستوان یکم کریگ. جی. ناپ

ستوان یکم گارلند. جی. پانل

ستوان یکم بایرون. جی. سوانسون

ستوان دوم لاری. ئی. راف

ناوبان دوم کیث. ا. دانیلز

سر گروهبان ریجیز. جی. راگان

گروهبان یکم جیمز. آر. استامپ

گروهبان یکم کارل. ال. هاردی

گروهبان ستاد ملوین. جی. نیداس

گروهبان ستاد ویلیام.ا.هلند. جی آر

گروهبان فنی رکس. ا. بیکر

متخصص ششم جان. آر. استوارت

متخصص پنجم ویرجیل. ک.نیل

تلگرام سفارت آمریکا به وزارت امور خارجه ایران

ص: ۸۱۲

سند شماره (۱۰۰)

از: سفارت آمریکا تهرانتاریخ: ۱۳ ژوئن ۱۹۷۹ ۲۳ خرداد ۱۳۵۸

به: وزارت خارجه ایران

يادداشت شماره ۲۶۷

سفارت ایالات متحده آمریکا ضمن اظهار تعارفات خود به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، مفتخر است به اطلاع آن وزارتخانه برساند که با توجه به موضوع قطع حقوق کارکنان سابق این سفارتخانه، دولت ایالات متحده آمریکا کارکنان سابق آرمیش مگ را به عنوان بخشی از کارکنان سفارت تلقی می نماید. دولت ایالات متحده آمریکا به طور داوطلبانه سعی دارد تا آنجایی که قوانین و مقررات دولت ایالات متحده آمریکا نقض نگردد، قوانین، رسوم و عرف محل (ایران م) را رعایت نماید. کارکنان ایرانی با قبول استخدام شدن به وسیله یک اداره دولت ایالات متحده آمریکا، در واقع با این وضعیت موافقت کرده اند. لذا مطابق با قوانین کار در جمهوری اسلامی، در این گونه موارد مصونیت مشخصی وجود دارد.

علاوه بر این، دولت ایالات متحده آمریکا توصیه می نماید که اگر وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی معتقد است این نوع کارکنان، بخشی از کارمندان این سفارتخانه نیستند و از آنجایی که حقوق کارکنان آرمیش مگ در حقیقت به وسیله دولت ایران پرداخت می شده است، جمهوری اسلامی باید هر گونه پاداش اضافی را که معتقد است برای تطابق با قوانین و بخشنامه هایش لازم است، بپردازد.

سفارت فرصت را برای تجدید احترامات فائقه خود نسبت به آن وزارتخانه، مغتنم می شمرد.

سفارت ایالات متحده آمریکاتهران، ۱۳ ژوئن ۱۹۷۹

مصونیتها و امتیازات دیپلماتیک برای پرسنل مگ

سند شماره (۱۰۱)

از: سفارت آمریکا تهرانتاریخ: ۲۴ سپتامبر ۱۹۷۹ ۲ مهر ماه ۱۳۵۸

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی فوریتلگرام شماره ۱۰۳۳۶

رونوشت به: وزارت دفاع واشنگتن دی.سی طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: مصونیتها و امتیازات دیپلماتیک برای پرسنل مگ

۱ (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲ در تاریخ ۱۸ سپتامبر، مشاور سیاسی سفارت (خانم الیزابت سویفت م) توسط رئیس اداره حقوقی آقای فرخ پارسی به وزارت خارجه دعوت شد. پارسی به یادداشت شماره ۱۸۷ مورخ 16 می ۱۹۷۹ سفارت اشاره کرد که در آن از طریق وزارت خارجه به دولت موقت ایران اعلام شده که به خاطر لغو قرارداد ۱۹۶۴ در رابطه با پرسنل مستشاری نظامی آمریکا در ایران، دولت آمریکا باقیمانده پرسنل نظامی خود در ایران را به عنوان کارکنان اداری و فنی به سفارت ایالات متحده مأمور کرده است. در این یادداشت از دولت ایران تقاضا شده است که برای این افراد اسناد هویت دیپلماتیک صادر نماید (ولی تا به حال تنها یک سند هویت دیپلماتیک آن هم برای گروهبان ویلیام.دی. جرمن صادر شده است).

۳ آقای پارسی خاطرنشان ساخت که قانون ۱۹۶۴ لغو شده و دولت موقت ایران هرگز قانونی به

تصویب نمی رساند که مستشاران نظامی خارجی را از مصونیت در برابر دعاوی جنایی و مدنی برخوردار سازد. آقای پارسی گفت که دولت موقت ایران، نقش وابسته های نظامی را که بر طبق حقوق بین الملل از مصونیتها و امتیازات به خوبی برخوردارند، به رسمیت می شناسد. ولی سفارت آمریکا در حال صدور گذرنامه های دیپلماتیک برای پرسنل مگ و معرفی آنها به عنوان کارکنان اداری و فنی سفارت می باشد، در حالی که واقعیت این است که آنها کارکنان سفارت نیستند. آقای پارسی خاطرنشان ساخت که موضوع مستشاران نظامی در ایران برای دولت موقت چه از نظر تاریخی (نظریه سفارت: دولت موقت معتقد است که قانون ۱۹۶۴ توسط شاه و دولت آمریکا به ایران تحمیل شده است) و چه از نظر افکار عمومی ایرانیان، مسئله ای بسیار حساس است.

۴ آقای پارسی یادداشت ۱۶ می سفارت را چنین تعبیر کرد که ما از دولت موقت خواسته ایم تا وضعیت پرسنل مگ را تحت قواعدی درآورد و صریحا بیان کرد که دولت موقت مایل نیست قانون جدیدی به منظور اعطای مصونیتها و امتیازات دیپلماتیک به پرسنل مگ تصویب کند. از مطالبی در گفتگو رد و بدل می شد کاملاً مشخص بود که وزارت خارجه (ایران م) مایل نیست که بیش از این اجازه دهد این افراد به عنوان کارکنان اداری و فنی به سفارت منتقل شوند، اگر چه آقای پارسی صریحا چنین حرفی نزد. با این حال پارسی که حقوق دانی بسیار منطقی و تحصیل کرده آمریکا است، به طور آشکاری سعی داشت راههایی برای حفظ آبرو پیدا کند تا از یک طرف حساسیتهای سیاسی دولت موقت ایران را ارضاء کرده باشد و از طرف دیگر مصونیت قابل قبولی برای پرسنل مگ پیدا کند.

۵ پارسی گفت که دولت موقت واقعا علاقه ای به مسئله امتیازات پرسنل مگ در امور گمرکی و غیره ندارد. آنها واقعا فکر می کنند که تمام «مستشاران» نظامی باید در حیطه حاکمیت قضائی ایران باشند. پارسی خاطرنشان ساخت که در گذشته تنها موارد تخلفات جنایی پرسنل نظامی آمریکا در

ایران، مربوط به تخلفات رانندگی بوده است. پارسی می خواست بداند که آیا ممکن نیست رانندگانی در اختیار کلیه پرسنل مگ قرار داده شود و از این را مانع ارتکاب تخلفات جنایی توسط آنها شد. مشاور سیاسی گفت اگر موارد فوق صحت داشته باشد، ما در ایران خیلی خوش شانس بوده ایم. همیشه مهمترین نکته در نظر وزارت دفاع آمریکا با توجه به تجاربی که در دیگر کشورها داشته، مسئله تعقیب جنایی بوده است. مشاور سیاسی ابراز تردید کرد که دولت آمریکا بتواند بدون وجود مصونیت در مقابل دعاوی جنایی و مدنی، به پرسنل نظامی خود اجازه فعالیت در ایران را بدهد. (مقام سفارت، مسئله وضعیت «در حین انجام وظیفه «و» خارج از حین انجام وظیفه » را که در بسیاری از موافقتنامه های وضعیت نیروها یافت می شود، مطرح نکرد. مذاکره نسبتا غیر صریح بود و به نظر می رسید که پارسی هنوز اطلاعات تازه ای در این مورد که در کشورهای دیگر با این مسئله چگونه برخورد می شود،ندارد).

۶ پارسی سؤال کرد که پرسنل نظامی مستقر در آمریکا(مانند گروههای خرید نظامی) که وابسته نظامی نیستند از چه امتیازاتی برخوردارند. آیا آمریکا به این نوع اشخاص مصونیت دیپلماتیک داده است؟ آیا مواردی هست که در آمریکا نیز پرسنل نظامی کشورهای خارجی، مانند پرسنل مگ به عنوان کارکنان اداری و فنی به سفارتخانه های موجود در واشنگتن مأمور شده باشند؟ با مطرح ساختن این گونه سؤالات، پارسی آشکارا می خواست نمونه های قابل قیاسی بیابد تا در زمینه برقراری

پوشش دیپلماتیک برای پرسنل مگ، به آنها استدلال کند.

۷ پارسی سؤال کرد که در حال حاضر چه تعداد پرسنل مگ در سفارت هستند. وی فرض را بر این قرارداد که تعداد آنها شش نفر است چون وزارت دفاع (آمریکا م) طبق قوانین آمریکا مجاز به پرداخت حقوق به بیش از شش مستشار نظامی در خارج از آمریکا نیست و تمام قوانینی که به دولت موقت ایران اجازه می داد به مستشاران نظامی خارجی حقوق پرداخت نماید، حال لغو شده است.

نظریه: سفارت فهرست اسامی هفت نفر را به عنوان پرسنل مگ در اختیار پارسی قرار خواهد داد و به وی خواهد گفت که حقوق بعضی از پرسنل تا اول اکتبر (۹ مهرماه م)از طریق صندوق تأمین اعتبار، پرداخت خواهد شد و پس از اول اکتبر تعداد پرسنل این گروه از هفت به شش نفر تقلیل خواهد یافت. پرسنل اضافی نیز تنها به صورت مأمور موقت وارد کشور خواهند شد.

۸ اقدام مورد تقاضا: موجب امتنان خواهد شد اگر وزارت دفاع یا وزارت خارجه (آمریکا م) چند نمونه از مواردی که پرسنل نظامی خارجی در آمریکا، غیر از وابسته های نظامی، از امتیازات مصونیت دیپلماتیک برخوردار شده اند را به ما اطلاع دهد؛ همچنین اگر نحوه عمل ما در کشورهایی که مانند ایران در آنها موافقتنامه وضعیت نیروها وجود ندارد، بیان شود مفید خواهد بود.

۹ نظریه: در نامه ای به تاریخ ۴ سپتامبر ۷۹ (۱۳ شهریور ۵۸ م)به وزارت دفاع ملی (ایران م) با عنوان نامگذاری مجدد پرسنل مگ، نماینده ارشد دفاعی آمریکا به «پایان عملکرد پرسنل مستشاری آمریکا در نیروهای مسلح ایران» اشاره کرد و از وزارت دفاع ملی درخواست همکاری به منظور نامگذاری مجدد و مناسب هیئت نظامی آمریکا را نمود. با وجود پیگیری ما، هنوز پاسخی دریافت ننموده ایم. موضوع انتقال مثبت از هر گونه رابطه مستشاری، از طرف دولت ایران دنبال خواهد شد و این مسئله به موقعیت ما کمک خواهد کرد.

۱۰ این موضوع تا آنجایی که به وزارت خارجه (ایران م)مربوط می شود، مسئله ای بسیار جدی است، خصوصا تا آنجایی که ما خبر داریم، پارسی همکاری نزدیکی با وزیر امور خارجه، یزدی دارد. با این حال ما نمی دانیم که این تماسها به گونه ای با وزارت دفاع هماهنگی شده است یا خیر. ما مایل به حل این مسئله در سکوت کامل و در پایین ترین سطح ممکن هستیم. این گفته پارسی که این مسئله برای دولت موقت فوق العاده حساس و حائز اهمیت اساسی می باشد، صحیح است. آیت الله خمینی با مبارزه علیه قانون ۱۹۶۴، نام خود را به صورت اساسی مطرح کرد و ما شک داریم که او در حال حاضر از وضعیت خاص پرسنل مگ مطلع باشد. در صورت علنی شدن موضوع، ما خواهیم توانست که به خوبی راههایی برای حل و فصل قضیه بیابیم، که تاکنون به خاطر لفاظیهای ملی گرایانه بسته بود.

لینگن

تلگرام سفارت آمریکا به وزارت خارجه آمریکا

سند شماره (۱۰۲)

از: سفارت آمریکا تهرانتاریخ : ۱۴ اکتبر ۱۹۷۹ ۲۲ مهر ۱۳۵۸

به:وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی فوریرونوشت به: وزارت دفاع واشنگتن دی سی

طبقه بندی: خیلی محرمانهتلگرام شماره ۱۰۹۲۶

مرجع: تلگرام سفارت به شماره ۱۰۳۳۶

۱ (کل متن، خیلی محرمانه است).

۲ پاسخ هر چه سریعتر (وزارت امور خارجه آمریکا م) به تلگرام مرجع، موجب قدردانی این سفارتخانه خواهد شد.لینگن

مصونیتها و امتیازات دیپلماتیک برای پرسنل مگ

سند شماره (۱۰۳)

از: وزارت خارجه واشنگتن،دی سیتاریخ: ۲۰ اکتبر ۱۹۷۹ ۲۸ مهر ۱۳۵۸

به: سفارت آمریکا تهران، فوریطبقه بندی: خیلی محرمانه

مرجع: (الف) تلگرام سفارت به شماره ۱۰۳۳۶، (ب) تلگرام سفارت به شماره ۱۰۹۲۶

موضوع: مصونیتها و امتیازات دیپلماتیک برای پرسنل مگ

۱ (تمام متن خیلی محرمانه است).

۲ در پیگیری موضوع امتیازات و مصونیتهای دیپلماتیک پرسنل مگ با وزارت خارجه (ایران م)، باید به دولت موقت ایران خاطرنشان سازید که در رابطه با آن دسته از پرسنل نظامی که در برنامه فروشهای نظامی خارجی مسئولیتهای مدیریتی دارند، انتصاب پرسنل اداره کمکهای امنیتی به عنوان بخشی از کارمندان سفارت، مطابق با عرف جهانی است. در قراردادهای بسیاری که در سراسر جهان

منعقد گشته (برای مثال بلژیک، دانمارک، آلمان غربی، پاکستان و کویت) این نوع پرسنل به عنوان بخشی از هیئت دیپلماتیک ایالات متحده عمل کرده و از مصونیتها و امتیازات سیاسی مطابق با درجه و وظیفه خویش بر طبق کنوانسیون وین برخوردار می شوند.

۳ توصیف وزارت امور خارجه (ایران م) از پرسنل آرمیش مگ به عنوان «مستشاران نظامی» و اعضاء هیئت نظامی آمریکا در ایران،وظایف جاری آن افراد یا افراد مشابه آنها در سراسر جهان را به خوبی منعکس نمی نماید. پرسنل مگ، دیگر براساس قرارداد ۱۹۴۷ هیئت نظامی در ایران خدمت نمی نمایند. آنها بر اساس مفاد بخش ۵۱۵ (C) لایحه کمک خارجی که وظایف اصلی آنها را به حسابداری و دیگر مسئولیتهای اداره کمکهای امنیتی محدود می کند، به این کشور مأمور شده اند. آنها این وظایف را به عنوان بخشی از کارمندان سفارت و تحت نظارت و دستورات ریاست هیئت دیپلماتیک انجام می دهند. پرسنل کمکهای امنیتی (مگ) در تهران، به منظور ایفای نقش رابط در آنجا بسر می برند و باید به امور مربوط به فروشهای نظامی خارجی یاری برسانند. حضور آنها به نفع ایران است. بدون حضور پرسنل مگ در تهران، ایجاد تماس در مسائل مربوط به فروشهای نظامی خارجی بسیار سخت و موجب اتلاف وقت بسیار خواهد بود. به منظور انعکاس تغییرات ایجاد شده در وضعیت گروه جدید نظامی شش نفره، ما از آنها به عنوان دفتر روابط دفاعی در ایران یاد می کنیم.

۴ مصونیت دیپلماتیک برای پرسنل اداره کمکهای امنیتی، امری غیر عادی نیست. سفارت باید به

وزارت خارجه (ایران م) تأکید نماید که انتصاب افرادی نظیر پرسنل مگ به عنوان بخشی از کارمندان یک سفارت (با امتیازات مربوطه) چه در خارج از آمریکا و چه در واشنگتن، امری کاملاً عادی است. تعدادی از دولتهای خارجی، فروشهای نظامی خارجی خود و امور مربوط به کمکهای امنیتی را از طریق سفارت خانه های خود در واشنگتن انجام می دهند. بعضی از کشورها نیز تعداد کارمندان سفارت خود را به همین منظور افزایش داده و پرسنل نظامی خارجی که به این ترتیب به سفارتخانه هایشان مأمور می شوند، به صورت عادی به عنوان کارمندان سفارت به دولت آمریکا معرفی شده و متناسب با درجه و وظیفه خود در سفارت از مصونیتها و امتیازات دیپلماتیک مطابق با کنوانسیون وین در زمینه روابط دیپلماتیک برخوردار می شوند. به عنوان مثال، چندین تن از اعضای دفتر نیروی دریایی ایران در واشنگتن به عنوان کارمندان اداری و فنی سفارت ایران به وزارت امور خارجه (آمریکا م) معرفی شده و مورد قبول واقع شده اند.

۵ شاید سفارت مایل باشد که به صورت شفاهی، یا یک یادداشت «خلاصه مطالب» و یا از طریق ارسال یک یادداشت دیپلماتیک، نکات ذیل را در مذاکرات مطرح نماید: نقل پس از جمله تعارفات معمول... دولت ایالات متحده یک دفتر جدید رابط دفاعی را به عنوان بخشی از کارمندان سفارت ایالات متحده در تهران تشکیل داده است. پرسنل این دفتر تحت نظارت و طبق دستور ریاست هیئت نمایندگی دیپلماتیک ایالات متحده در ایران انجام وظیفه می نمایند. هدف این دفتر کمک به ریاست هیئت نمایندگی در اداره و حسابرسی مالی برنامه کمکهای امنیتی برای ایران است. این کمک به نفع جمهوری اسلامی ایران نیز می باشد. پرسنل دفتر رابط دفاعی، مستشاران نظامی نیستند تا مانند اعضاء آرمیش مگ که بر طبق قرارداد ۱۹۴۷ هیئت نظامی در ایران مشغول به کار بودند از دولت ایران حقوق دریافت دارند.

دفتر رابط دفاعی تشکیل شده از:

(الف) نظامی:

رئیس دفتر رابط دفاعی

افسر لجستیکی (نیروی هوایی)

افسر لجستیکی (نیروی زمینی)

افسر لجستیکی (نیروی دریایی)

مدیر برنامه اف ۱۴ (نیروی دریایی)

درجه دار اداری

(ب) غیرنظامی:

دستیار بودجه اداری

منشی تند نویس

کلیه پرسنل دفتر رابط دفاعی اعم از نظامی و غیر نظامی، اعضاء ستاد اداری و فنی سفارت محسوب می شوند.

بر طبق کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک مصوب ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ (که ایران نیز یکی از

امضاءکنندگان آن است) دولت آمریکا مصونیتها و امتیازات دیپلماتیک مربوطه را که شامل مصونیت از دعاوی جنایی می باشد، زمانی به پرسنل دفتر رابط نیروی دریایی ایران در واشنگتن اعطا می کند که این پرسنل طبق عرف معمول، از طرف سفارت جمهوری اسلامی ایران به عنوان پرسنل سفارت ایران به دولت آمریکا معرفی شوند. این رویه، عرف معمول برای پرسنل نظامی کشورهای خارجی که مأمور به انجام وظایف رابط دفاعی، به عنوان بخشی از کارمندان سفارتخانه هایشان در واشنگتن می باشند، است. کشورهای دیگر جهان نیز روشهای مشابهی را اعمال می کنند.

به همین خاطر، سفارت ایالات متحده آمریکا از دولت ایران تقاضا دارد که پرسنل دفتر رابط دفاعی را به عنوان اعضاء هیئت دیپلماتیک آمریکا در ایران بپذیرد و پس از معرفی این نوع پرسنل به وزارت خارجه (ایران م) این پرسنل را طبق عرف معمول از مصونیتها و امتیازات مربوطه برخوردار سازد... عبارت تعارفات اختتامی. (پایان نقل).

۶ وزارت دفاع آمریکا اقدامات لازم را در رابطه با انتصاب شش نفر پرسنل نظامی، برخوردار از حمایت غیر نظامی ایالات متحده و حمایت ملی محلی برای سازمان اداره کمکهای امنیتی در ایران، به عمل آورده است. در صورت موافقت شما، باید گفته شود که این هیئت علاوه بر هشت سمت فوق الذکر شامل یک مترجم حضوری، یک منشی و دو راننده که همگی از کارمندان غیر آمریکایی خواهند بود، می باشد.

۷ از نظر حقوقی برای به رسمیت شناختن مصونیتها و امتیازات مربوطه برای این پرسنل توسط دولت میزبان، قرارداد کتبی جداگانه و یا مبادله یادداشتهای دیپلماتیک ضرورتی ندارد، زیرا کنوانسیون وین و عرف معمول دیپلماتیک این موضوع را شامل می شود. با این حال، عاقلانه خواهد بود که نوشته ای وجود داشته باشد که نشان دهد دولت موقت ایران این چنین وضعیتی را برای کارمندان دفتر

رابط دفاعی پذیرفته است.ونس

یادداشت سفارت آمریکا در مورد تشکیل دفتر جدید رابط دفاعی

سند شماره (۱۰۴)

از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۷۹ ۷ آبان ۱۳۵۸

به: وزارت امور خارجه ایران

یادداشت شماره ۷۰۸

سفارت ایالات متحده آمریکا به اطلاع وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران می رساند که دولت ایالات متحده یک دفتر جدید رابط دفاعی را به عنوان بخشی از کارمندان سفارت ایالات متحده در تهران تشکیل داده است. پرسنل این دفتر تحت نظارت و طبق دستور ریاست هیئت نمایندگی دیپلماتیک ایالات متحده انجام وظیفه می نمایند. هدف این دفتر کمک به ریاست هیئت نمایندگی در اداره و حسابرسی مالی برنامه کمکهای امنیتی برای ایران است. پرسنل دفتر رابط دفاعی، مستشاران نظامی نیستند تا مانند اعضاء آرمیش مگ که بر طبق قرارداد ۱۹۴۷ هیئت نظامی در ایران مشغول به کار بودند، از دولت ایران حقوق دریافت دارند.

دفتر رابط دفاعی تشکیل شده از:

ص: ۸۱۸

(الف) نظامی:

رئیس دفتر رابط دفاعی

افسر لجستیکی (نیروی هوایی)

افسر لجستیکی (نیروی زمینی)

افسر لجستیکی (نیروی دریایی)

هماهنگ کننده فروشهای نظامی خارجی (نیروی دریایی)

درجه دار اداری

(ب) غیر نظامیان:

دستیار بودجه اداری

منشی تندنویس

کلیه پرسنل دفتر رابط دفاعی اعم از نظامی و غیر نظامی، اعضاء ستاد اداری و فنی این سفارت خانه محسوب می شوند.

بر طبق کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک مصوب ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ (که ایران نیز یکی از امضاء کنندگان آن است) دولت آمریکا مصونیتها و امتیازات دیپلماتیک مربوطه را که شامل مصونیت از دعاوی جنایی می باشد، زمانی به پرسنل دفتر رابط نیروی دریایی ایران در واشنگتن اعطاء می کند که این پرسنل طبق عرف معمول، از طرف سفارت جمهوری اسلامی ایران به عنوان پرسنل سفارت ایران به دولت آمریکا معرفی شوند. این رویه، عرف معمول برای پرسنل نظامی کشورهای خارجی که مأمور به انجام وظایف رابط دفاعی، به عنوان بخشی از کارمندان سفارتخانه هایشان در واشنگتن می باشند، است. کشورهای دیگر جهان نیز روشهای مشابهی را اعمال می کنند.

به همین خاطر، سفارت ایالات متحده آمریکا از دولت جمهوری اسلامی ایران تقاضا دارد که پرسنل دفتر رابط دفاعی را به عنوان اعضاء هیئت دیپلماتیک آمریکا در ایران بپذیرد و پس از معرفی این نوع پرسنل به وزارت امور خارجه (ایران م) طبق عرف معمول، آنها را از مصونیتها و امتیازات مربوط به همتایان آنها در هیئت برخوردار سازد.

سفارت ایالات متحده آمریکا فرصت را برای تجدید احترامات فائقه خود نسبت به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران مغتنم می شمرد.

سفارت ایالات متحده آمریکا

تهران، ۲۹ اکتبر ۱۹۷۹

مشاور سیاسی سفارت: الیزابت. ای. سویفت

گواهی می شود: تامست

رونوشت برای:

وزارت خارجه (اداره چهارم سیاسی پارساکیا و پارسی)

نسخه اصلی برای حسن اعتصام، مدیر کل سیاسی (اروپا و آمریکا)

در میان اسناد مربوط به «احیای کاپیتولاسیون»، مقاله ای از نشریه میدل ایست جورنال یافت شد.

این مقاله که توسط یک محقق آمریکایی در بهار سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳ م) نوشته شده، حاوی اطلاعات مفید و جالب توجهی در مورد زمینه و سابقه درخواست مصونیت برای نظامیان آمریکایی در کشورهای مختلف از جمله ایران می باشد، که در نشریه میدل ایست جورنال، شماره بهار ۱۹۷۴، صفحات ۱۲۱ تا ۱۳۳ درج گردیده است. به همین خاطر، در خاتمه اسناد مربوط به این موضوع، این مقاله نیز در دسترس خوانندگان قرار گرفت.م

وضعیت حقوقی نیروهای آمریکا در ایران

ریچارد فاو(۱)

هنگامی که شاهنشاه ایران در ژوئیه ۱۹۷۳ (تیر ماه ۱۳۵۲ م) از واشنگتن بازدید کرد، مقامات آمریکایی وی را تشویق به بررسی پیشرفته ترین هواپیماهای جنگی در زرادخانه آمریکا یعنی هواپیماهای اف ۱۴ و اف ۱۵ جهت پیوستن به نیروی هوایی ایران نمودند. این تشویق، گواهی بر تغییری عمده در موضع آمریکا نسبت به تمایل دیرینه ایران برای به دست آوردن سلاحهای پیچیده از ایالات متحده محسوب می گردید.(۲)

این موضع جدید که بر خلاف مقاومت آمریکا در مقابل خریدهای تسلیحاتی ایران در اوایل دهه ۱۹۶۰ بود، به روشنی نشان می داد که ایالات متحده تواناییهای جدیدا توسعه یافته اقتصادی و سیاسی ایران را به رسمیت شناخته بود. قبل از آن، در سال ۱۹۷۳ ایالات متحده با دو برابر شدن هواپیماهای اف ۴ و سی ۱۳۰ ایران، تجهیز ایران به یک اسکادران از سوخت رسانهای هوایی، و همچنین افزودن صدها فروند هلیکوپتر شامل هلیکوپترهای ترابری و جنگی و هواپیماهای ضد زیر دریایی موافقت نمود. شاه حتی به یک خبرنگار گفت در حال دریافت سیستم بمبهای هدایت شونده لیزری می باشد که مؤثرترین سلاح پرتابی رزمی است که در نیروی هوایی ایالات متحده مورد استفاده قرار

می گیرد.

به منظور کمک به نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران برای گنجاندن تجهیزات جدید در میان تسلیحات قبلی، ایالات متحده با تقویت آرمیش مگ (هیئت نظامی آمریکا در ایران) موافقت نمود .(۳)

حال که آرمیش مگ نقش وسیعی را در ایران پیدا می کند، مناسب به نظر می رسد که وضعیت حقوقی مستشاران آمریکایی در ایران بررسی گردد.

بر خلاف موافقتنامه های وضعیت نیروها (SOFAS) که بر بیشتر نیروهای آمریکا در ماوراء بحار حاکم است، قوانین ایران اختیارات قضائی انحصاری بر همه پرسنل را در همه زمانها به ایالات متحده واگذار می نماید. در این گونه موارد، ایران از همه پرسنل را در همه زمانها به ایالات متحده واگذار می نماید. در این گونه موارد، ایران از حق خود برای تحت پیگرد قرار دادن صرف نظر کرده، حتی اگر مقامات

۱- ریچارد فاو دانشجوی دکترای تاریخ دیپلماسی آمریکا در دانشگاه ویرجینیا میباشد. نگارنده خود را مرهون راهنماییهای پرفسور روحاله رمضانی (استاد دانشگاه ویرجینیا) در امر تحقیق و بررسی پیش نویسهای متعدد این مقاله می داند. با این حال مسئولیت مطالب و تفاسیر این مقاله منحصراً بر عهده نگارنده می باشد.

۲- نشریه کیهان اینترنشنال (تهران) سوم مارس ۱۹۷۳ ص

۳- نشریه کیهان اینترنشنال (تهران) ۲۶ ماه می ۱۹۷۳ ص

آمریکایی مایل به پیگیری قضیه نباشند. این نوع حقوق برون مرزی، بسیاری از ایرانیها را به یاد «کاپیتولاسیون» اولیه که در سایه آن خارجیان از امتیازات مشابهی برخوردار بودند، می اندازد. اهداف این مقاله عبارت است از:

۱ توصیف ارزیابی تفکر آمریکا درباره حقوق برون مرزی، ۲ تبیین اینکه چگونه توافق ایران آمریکا درباره وضعیت نیروهای ایالات متحده در ایران از اثرات متقابل بین تلقی کلی ایالات متحده و فشار ناشی از مدرن سازی در ایران منتج گردیده است و ۳ پیشنهاد اقدامات جایگزین جهت بررسی.

بخش اول

در ورای حرکت آمریکا در جهت کسب حقوق برون مرزی در ایران، یک دهه توأم با فشار به منظور کسب حقوق برون مرزی برای پرسنل نظامی آمریکا در همه جا وجود داشته است. با تشکیل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در سال ۱۹۴۹ (۱۳۲۸ م)که اولین تعهد زمان صلح جهت استقرار مستمر نیروهای آمریکایی در خارج از نیمکره غربی محسوب می گردید، نگرانی آمریکا درباره وضعیت حقوقی پرسنل خود در ماوراء بحار آغاز شد. در فوریه سال ۱۹۵۰ (بهمن ماه ۱۳۲۸ م) وزارت دفاع آمریکا شروع به تهیه یک پیش نویس برای موافقتنامه وضعیت نیروها کرد، تا روال کارهای قضائی را برای برخورد با قانون شکنان در بین نیروهای آمریکایی، به صورت سیستماتیک در آورد. هر دو وزارتخانه دفاع و امور خارجه آمریکا امیدوار بودند تا حیطه قضائی وسیعی در خصوص (۱) کلیه تخلفاتی که صرفا علیه اموال، امنیت یا پرسنل نظامی آمریکا انجام شده و (۲) کلیه تخلفاتی که در حین انجام وظیفه صورت گرفته است، کسب کنند.

اختیارات قضایی انحصاری به حقوق برون مرزی منجر گردید که نیروهای امپریالیست به طور تاریخی آن را بر اتباع خود در مناطق «عقب مانده» یا «کمتر متمدن» اعمال می کردند. ولی غیر از یکی

از اعضاء ناتو، بقیه اعضاء همگی از کشورهای غربی مسیحی بودند و استثنا مورد نظر نیز ترکیه بود که غیر مذهبی ترین و اروپایی ترین کشور اسلامی محسوب می گردید. ایالات متحده نمی توانست حقوق برون مرزی را بر اساس زمینه های تفوق نژادی یا فرهنگی توجیه نماید. دکترین استعماری نیز مناسبتی نداشت، زیرا ناتو حداقل اسما برای هدف مشترکی به نام «توقف توسعه طلبی شوروی» تشکیل شده بود. از آنجا که ایالات متحده، متحدین خود را جهت حفظ دیوار بازدارندگی لازم داشت، لذا نمی توانست آنها را به پذیرش حقوق برون مرزی مجبور سازد. بنابراین وضعیت نیروهای آمریکایی که در کشورهای ناتو خدمت می کردند، قابل مذاکره بود و نه قابل دیکته کردن. هنگامی که سایر کشورهای عضو ناتو از اعطای اختیارات قضایی انحصاری امتناع ورزیدند، مذاکره کنندگان آمریکایی مصالحه ای مبنی بر اختیارات قضایی برابر و همزمان را در وهله اول برای کشور اعزام کننده و در وهله دوم برای کشور میزبان، جایی که وزارتخانه های دفاع و امور خارجه آمریکا اختیارات قضایی انحصاری و ویژه ای داشتند، پذیرفتند.(۱)

۱- شهادت "رابرت مورفی" ، قائم مقام وزیر امور خارجه ، در کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان آمریکا ، جلسه موافقتنامه های وضعیت : ۱۳۳۴ م) صفحات ۳۸۳ و ۳۸۴) نیروها ، هشتاد و چهارمین کنگره ، اولین جلسه ۱۹۵۵ ، "رسیدگی قضایی برابر به دو سطح اولیه و ثانویه تقسیم می شود. دولتی که رسیدگی اولیه را اعمال می کند ، حق دارد که اولاً متهم را محاکمه کند و یا از این حق خود صرف نظر نماید. در حالت دوم ، دولتی که رسیدگی ثانویه را اعمال می کند ، می تواند متهم را محاکمه نماید. این مصالحه در ماده هفتم از موافقتنامه وضعیت نیروها در ناتو بیان شده است".

در جلسه کمیته روابط خارجی مجلس سنا در آوریل ۱۹۵۳ (فروردین ۱۳۳۲ م) بعضی از سناتورها درباره حقوق قانونی آمریکاییانی که برخلاف میل خود تحت پیگرد سیستم قضایی بیگانه ای قرار می گرفتند،ابراز نگرانی کردند. برای مثال، سناتور «ویلیام. اس. ناولند» اظهار نگرانی کرد که در کشورهای خاورمیانه، آمریکائیان در معرض بیرحمیهای غیر قانونی و مجازاتهای غیر عادی از قبیل قطع دست برای ارتکاب دزدی خواهند بود. حتی اگر در آن موقع سخنگوی وزارت خارجه به کمیته اطمینان می داد که قوانین اسلامی بر هیچ فرد غیر مسلمان اعمال نمی گردد، انتقاد از موافقتنامه های وضعیت نیروها، شبح عجیب عدالت خاورمیانه ای را به دفعات زیاد در سالهای بعد زنده نگاه می داشت. اگر چه سنا به راحتی موافقتنامه وضعیت نیروها در ناتو را تصویب کرد، لیکن نگرانی محافظه کارانه خود را در چارچوب قطعنامه «احساس سنا» به آن ضمیمه کرد. این قطعنامه تأکید می کرد که «اگر این خطر وجود داشته باشد که متهم به علت فقدان یا رد حقوق قانونی ای که در ایالات متحده از آن برخوردار می باشد، تحت حمایت قرار نگیرد، افسر فرمانده از مقامات کشور میزبان خواهد خواست تا از اختیارات قضایی خود صرف نظر نماید.....و اگر چنین مقاماتی از اختیارات قضایی خود چشم پوشی نکنند، افسر فرمانده از وزارت امور خارجه خواهد خواست تا چنین تقاضایی را از کانالهای دیپلماتیک اعمال کند و مراتب به وسیله قوه مجریه به کمیته نیروهای مسلح مجلس سنا و مجلس نمایندگان اطلاع داده خواهد شد.

بدون اتکاء صرف به اظهار این نگرانی، کمیته نیروهای مسلح مجلس سنا یک کمیته فرعی تشکیل داد تا بر نحوه برخورد با نیروهای آمریکایی که تحت پیگرد سیستم قضایی بیگانه ای قرار می گیرند، دقیقا نظارت کند. از سال ۱۹۵۵ (۱۳۳۴ م) سالانه، سناتور «سام.جی.اروین»، رئیس کمیته فرعی، جلساتی را اداره کرده که در آنها، وزارت دفاع درباره موافقتنامه های وضعیت نیروها در ناتو و سایر

موافقتنامه های مشابه، گزارش کار می داد. در جلسات اولیه، سرتیپ «جورج.دبلیو.هیکمن» معاون دادستان کل ارتش، طرز تفکر وزارت دفاع را نسبت به موافقتنامه ناتو این گونه جمع بندی کرد:

این عقیده وزارت دفاع است که ترتیبات قضایی تعیین شده به وسیله موافقتنامه وضعیت نیروها در ناتو، فقط به عنوان «حداقل قابل قبول» می باشد. ما می خواهیم همه آنها را به کار گرفته و همه آنها را در داخل محدوده های نظامی خارجی حفظ کنیم.

سازمانهای میهن پرست، تحت رهبری «دختران انقلاب آمریکا» و «لژیون آمریکا» شروع به مذاکره با نمایندگان در راهروهای کنگره نموده و علیه موافقتنامه وضعیت نیروها در ناتو در سال ۱۹۵۵ (۱۳۳۴ م) مذاکره کردند. گروهی که نام خود را مدافعین قانون اساسی آمریکا گذاشته بودند، نماینده ای نزد کمیته فرعی اروین فرستادند تا در مورد قضیه سربازی که به علت ربودن یک تاکسی به هنگام مستی روز تعطیل در فرانسه زندانی شده بود، اقامه دعوی کنند. کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان به عنوان پاسخی به احساسات عمومی برانگیخته شده علیه موافقتنامه وضعیت نیروها در ناتو، جلسات خود را به این امر اختصاص داد. در آن جلسات، سخنرانانی از جمله دختران انقلاب آمریکا، لژیون آمریکا، مدافعین قانون اساسی آمریکا، کهنه سربازان جنگهای خارجی و کنفرانس زنان

میهن پرست، همگی در تأیید اختیارات قضایی انحصاری آمریکا بر نیروهای ماوراء بحار صحبت کردند.(۱) این حرکت در سال ۱۹۵۶ (۱۳۳۵ م) پس از آنکه ژنرال هیکمن به کمیته اروین گفت که موافقتنامه به خوبی کار می کند و دادگاه ناحیه واشنگتن دی سی. ایالات متحده غیر قانونی بودن موافقتنامه وضعیت نیروها با ژاپن را تأیید کرد، خاتمه یافت. هم کمیته امور خارجی و هم مجمع عمومی مجلس، قطعنامه هایی مبنی بر درخواست اختیارات قضایی انحصاری صادر کردند .(۲)

در اواخر ماه می۱۹۵۷ (اوایل خرداد ۱۳۳۶ م) قضیه معروف «گیرارد» آتش مخالفتها را که در حال سرد شدن بود، دوباره علیه موافقتنامه های موجود درباره وضعیت نیروها، شعله ور ساخت. در ۳۰ ژانویه ۱۹۵۷ (۱۰ بهمن ۱۳۳۶ م) «ویلیام. اس. گیرارد»، متخصص درجه سوم، یک زن ژاپنی را که مشغول جمع کردن پوکه فشنگ در میدان تیر مورد استفاده ارتش ایالات متحده بود، مورد هدف قرار داده و کشته بود. مقامات ژاپنی تأکید داشتند که عمل گیرارد خارج از حیطه وظایف وی بوده است. پس از چندین ماه جر و بحث، واشنگتن این موضوع را پذیرفت. مخالفین موافقتنامه های وضعیت نیروها پس از آنکه دولت آیزنهاور اعلام کرد که گیرارد در یک دادگاه ژاپنی محاکمه خواهد شد، سریعا افکار عمومی را بسیج کردند. کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان، موضع اولیه خود را با دادن رأی مثبت به اصلاح همه موافقتنامه های وضعیت نیروها جهت اعطای اختیارات قضایی انحصاری به ایالات متحده، تغییر داد. همچنان که گزارشهای محدودی حکایت می کرد «آشکار است که احساسات عمیقا تحریک شده به وسیله قضیه گیرارد، اثرات خود را بر این تغییر موضع، بر جای گذاشت». در اوائل ژوئیه، مخالفین موافقتنامه های وضعیت نیروها دوباره شکست خوردند. فشار دولت، حرکت اصلاح طلبانه در مجلس نمایندگان را متوقف نمود و دادگاه عالی، تصمیم دولت را در مورد تسلیم نمودن گیرارد به دادگاههای ژاپنی، مطابق قانون اساسی اعلام نمود. را در مورد تسلیم

نمودن گیرارد به دادگاههای ژاپنی، مطابق قانون اساسی اعلام نمود.(۳)

علیرغم ناکامی مخالفین در اصلاح موافقتنامه های موجود وضعیت نیروها، نمایندگان خاصی از کنگره به مخالفت لفظی خود ادامه دادند. آن چنانکه، نماینده مجلس «فرانک.تی.باو» در سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸ م) گفت: «من بار دیگر در صحن این مجلس ایستاده ام و نمی توانم همکاران خود را متقاعد سازم که سربازان آمریکا که مشغول خدمت در ماوراءبحار در یونیفورم ایالات متحده هستند و از پرچم خودشان در هر جایی که می روند، پیروی می کنند، از حقوق قانونی ای که به آنها اعطاء شده محروم می باشند.» یک سال بعد، نماینده کنگره «پیتر رودنیو» گفت: «اکنون سال ۱۹۶۰ است، پسران ما در حوزه قضایی بیگانگان و تحت پوشش موافقتنامه هایی قرار دارند که علیرغم مخالفت کنگره به همان صورت اول باقی مانده است». چنین اظهاراتی به قوه مجریه هشدار می داد که مخالفت کنگره نسبت به موافقتنامه های وضعیت نیروها تا چه حد شدید است.

یک دهه پس از آنکه موافقتنامه وضعیت نیروها در ناتو مورد مذاکره قرار گفت، دو منبع مخالفت علیه «اختیارات قضایی برابر» باقی ماند. اول، گروههای فشار میهن پرست و تعدادی از نمایندگان

۱- ۱ نیویورک تایمز ۲۱ آوریل ۱۹۵۵ ص ۷ اول ژوئیه ۱۹۵۵ ص ۵ ۱۸ ژوئیه ۱۹۵۵ ص

۲- نیویورک تایمز ۲۷ می ۱۹۵۶ ص ۲ ۹ ژوئن ۱۹۵۶ ص

۳- نیویورک تایمز ۲۵ می ۱۹۵۷ ص ۳ ۵ ژوئن ۱۹۵۷ ص

کنگره که آماده دفاع از چیزی بودند که به اعتقاد آنها، حقوق قانونی سربازان آمریکایی محسوب می گردید. دوم، وزارت دفاع آمریکا که امیدوار بود اختیارات قضایی خود را در مورد کلیه پرسنل خود در همه جا اعمال کند. اگر چه تا سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸ م) این مخالفتها از قدرت کافی برای اعمال فشار بر کنگره جهت اصلاح موافقتنامه وضعیت نیروها بی بهره بود، ولی قدرت آنها برای محدود کردن قدرت انعطاف وزارت خارجه در مذاکرات مربوط به موافقتنامه های بعدی وضعیت نیروها کافی بود. بدون شک، دیپلماتها متوجه بودند که تکرار مواردی مانند قضیه گیرارد مطمئنا می توانست اعتراض عمومی را در پی داشته باشد. ما اکنون اثرات فشار خاص وزارت دفاع را برای امضاء یک موافقتنامه با ایران مورد بررسی قرار می دهیم.

بخش دوم

وزارت دفاع آمریکا در طی سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸ م) شروع به پیش بردن کار خود برای یک موافقتنامه خاص درباره هیئتهای مستشاری در ایران نمود. این هیئتها به زمان جنگ جهانی دوم مربوط می شدند، ولی هیچ نوع موافقتنامه رسمی که بر وضعیت آنها در مقابل قوانین ایران حاکم باشد. وجود نداشت. گزارش مکتوب وزارت دفاع آمریکا به کمیته فرعی اروین در اوت ۱۹۵۹ (مرداد ماه ۱۳۳۸ م) اعلام نمود که ایران از چشم پوشی از اختیارات قضایی خود در مورد هر یک از چهار آمریکایی که طی سال گذشته قوانین ایران را نقض کرده بودند. امتناع ورزیده بود. پنتاگون نیز به کمیته اروین گزارش داد که «فرمانده نظامی ایالات متحده اطلاع داده که فقدان هر نوع موافقتنامه قضایی با دولت ایران، اثرات سویی بر روحیه فرماندهی بر جای گذاشته است.»

ایران یکی از نزدیکترین دوستان آمریکا در خاورمیانه بود. در طی سالهای بعد از سرنگونی دولت جبهه ملی، ایران نسبت به موضع آمریکا در جنگ سرد بشدت وفادار مانده بود. پیمان بغداد تا قبل از

کودتای عراق در سال ۱۹۵۸ که اوضاع را در خاورمیانه تغییر داد، نشانگر نوع روابط بود. سپس ایالات متحده و ایران پیمان دو جانبه ای را در مارس ۱۹۵۹ (اسفند ۱۳۳۷ م) منعقد ساختند. اعمال فشار ناگهانی وزارت دفاع برای امضاء یک موافقتنامه وضعیت نیروها در ایران، به فاصله پنج ماه پس از امضاء توافقنامه دوجانبه، به سختی تصادفی به نظر می رسد. ایالات متحده همچنین پیمان دو جانبه ای را که با ترکیه به امضاء رسانده بود و در جلسه اوت ۱۹۵۹ (مرداد ماه ۱۳۳۸ م) وزارت دفاع از ترکیه همانند وضعیت قضایی ایران شکایت کرده بود. ظاهرا وزارت دفاع فکر کرده بود که پیمانهای دو جانبه، موقعیتی برای افزایش اختیارات قضایی بر پرسنل ماوراءبحار به وجود آورده بود.(۱)

مسئله حقوق برون مرزی برای ایران موضوع حساسی به شمار می رفت. تنها در سال ۱۹۲۸ (۱۳۰۷م) بود که این کشور حاکمیت خود را با الغاء «کاپیتولاسیون» اولیه، مجددا برقرار کرده بود. وزارت دفاع آمریکا یا ندانسته و یا زیرکانه، سابقه ای را که ایرانیها در رابطه با اصرار آمریکاییان برای اختیارات قضایی انحصاری برای پرسنل آمریکایی مد نظر قرار می دادند. نادیده می گرفت. این سابقه

۱- روح اله رمضانی "خلیج فارس و نقش ایران " (شارلوت ویل: انتشارات دانشگاه ویرجینیا ۱۹۷۲) صفحات ۱۰۶ و ۱۰۷ . اینجانب در مورد ارتباط زمانی میان امضاء قرارداد دو جانبه و شروع اعمال فشار از طرف وزارت دفاع آمریکا برای امضای یک موافقتنامه وضعیت نیروها با ایران خود را مدیون پرفسور رمضانی می دانم.

برای خبرنگار «نیویورک تایمز» در ژانویه ۱۹۶۰ (دی ماه ۱۳۳۸ م) کاملاً روشن بود .(۱) از آنجا که سفارت آمریکا در تهران به خبرنگار مزبور، مطالبی در رابطه با آن سابقه ارائه می داد، فرد می تواند به این نتیجه برسد که سفارت از طرز تلقی ایرانیها به خوبی مطلع بوده است.

با این حال، وزارت دفاع فشار خود را در سال ۱۹۶۰، (۱۳۳۹ م) افزایش داد. «بنجامین فورمن»معاون ریاست امور بین الملل به کمیته فرعی اروین گفت «تحولات در ایران طی دوره گزارش شده، باعث بروز نگرانی گردیده است.» فورمن تأکید کرد که هیچ نوع موافقتنامه رسمی بر وضعیت مستشاران آمریکایی در نیروهای مسلح و ژاندارمری ایران حاکمیت ندارد. وی همچنین دو مورد را تشریح کرد که هر دو، مربوط به حوادث رانندگی منجر به مرگ ایرانیها بود که در آن دو مورد، ایران را از الغاء اختیارات قضایی خود امتناع ورزیده بود. در یک مورد، یک گروهبان آمریکایی در حال رانندگی کامیون و در حین انجام وظیفه، یک عابر را کشته بود. در صورتی که موافقتنامه ای مشابه موافقتنامه وضعیت نیروها در ناتو در این مورد نیز موجود می بود، ایالات متحده قطعا از اختیارات قضایی اولیه می توانست استفاده کند. در مقابل، یک دادگاه ایرانی گروهبان را به محاکمه کشاند و وی را مقصر شناخت و او را به دو ماه حبس تعزیری و ۶۵۰ دلار جریمه محکوم کرد. فرجام خواهی از این حکم نیز به این علت که مجازات ملایم بود، معلق ماند. در مورد دیگر، یک سروان در خارج از حین انجام وظیفه، عابر دیگری را کشت که خبر آن در جراید ایالات متحده نیز منعکس گردید. سروان محکوم گردید و به مجازاتی برابر شش ماه زندان محکوم شد. وی درخواست فرجام نمود و یک دادگاه عالی تر دستور تشکیل محکمه دیگری را داد که تاکنون تشکیل نگردیده است. در خلاصه گزارش وزارت دفاع آمریکا آمده بود که در سال قبل، ایران هیچ نوع الغای حاکمیت قضایی خود را تضمین نکرده بود.

در سال ۱۹۶۱ (۱۳۴۰ م) ایران شروع به ارزیابی مجدد روابط خود با ایالات متحده کرد. دوستی سالهای دهه ۱۹۵۰ شامل میلیونها دلار کمک نظامی و اقتصادی آمریکا شده بود، ولی هنگامی که دولت کندی به قدرت رسید، شاه نگران ادامه آن کمکها گردید. وقتی «آورل هریمن»، سفیر سیار کندی برای تشریح سیاستهای دولت کندی در سراسر جهان، به رم وارد گردید، شاه از وی دعوت نمود تا به تهران سفر کند. هریمن قول داد که ایالات متحده به حمایت خود از استقلال ایران ادامه خواهد داد، ولی برای شاه روشن شد که ایالات متحده در حال از دست دادن علائق خود در ایران می باشد. شاه بعدا به سی.ال. سولزبرگر، خبرنگار نیویورک تایمز، گفت: هنگامی که دولت آیزنهاور از ایران خواست تا به مذاکرات خود با شوروی پیرامون امضای یک پیمان عدم تجاوز پایان دهد، ایران با این درخواست موافقت کرد. شاه ادامه داد که اکنون ایالات متحده نسبت به تأمین مالی هزینه ارتقاء سطح نیروهای مسلح ایران به سطح همسایگانش از جمله دشمنش عراق بی میل است. سلطنت همچنین مواجه با مخالفتهای شدید داخلی در بهار سال ۱۹۶۱ (۱۳۴۰ م) گردید. پس از ماهها تظاهرات و شورش، شاه پارلمان را منحل کرده و به نخست وزیر اجازه داد از طریق مصوبات هیئت دولت، کشور را اداره کند. در کنفرانس سران در وین، نیکیتا خروشچف، نخست وزیر شوروی، به این شرایط به عنوان علائم

۱- نیویورک تایمز ۳ □ ژانویه ۱۹۶۰□ ص

سقوط شاه اشاره کرد.(۱)

مسئله وضعیت نیروها بر روابط بین ایران و ایالات متحده سایه افکند. طی جلسه کمیته فرعی اروین در ژوئیه ۱۹۶۱ (تیر ماه ۱۳۴۰ م) فورمن دوباره از ایران به عنوان منطقه مشکل آفرین یاد کرد. در سال قبل از آن، شانزده مورد در دادگاههای ایران مطرح شد که از هیچ یک از آنها چشم پوشی نگردید.فشارهای وزارت دفاع آمریکا از طریق این جلسات کنگره ایجاد می شد، وزارت امور خارجه آمریکا را تحت تأثیر قرار می داد،در حالی که وزارت خارجه مایل نبود در «دور» بررسیهای تقنینی در خصوص حمایت از سربازان آمریکایی در خاورمیانه وارد شود. فرماندهان نظامی آمریکایی در ایران نیز بدون شک بر سفارت آمریکا در تهران فشار وارد می کردند. حتی اگر وزارت خارجه احتمالاً متوجه می شد که هدف وزارت دفاع (یعنی اختیارات قضایی انحصاری) به غرور ایرانیان لطمه می زد، نمی توانست در مقابل وزارت دفاع مقاومت کند. مذاکرات غیر رسمی بین سفارت آمریکا و وزارت امور خارجه ایران در اوائل سال ۱۹۶۲ (اواخر سال ۱۳۴۰ م) آغاز شد و در ۱۹ مارس (۲۹ اسفند ۱۳۴۰ م) سفارت آمریکا رسما تقاضا کرد که به پرسنل نظامی و کارکنان غیر نظامی وزارت دفاع آمریکا و بستگان آنها مصونیت دیپلماتیک داده شود. سفارت پیشنهاد کرد که این کار را می توان با داخل کردن مجموعه نظامی آمریکا در کارمندان اداری و فنی سفارت انجام داد، زیرا امتیازات کارمندان اداری و فنی سفارت به محض اینکه کنوانسیون تازه تصویب وین در خصوص روابط دیپلماتیک از طرف ایران نیز تصویب می شد، تأیید می گردید. دو روز پس از ارائه پیشنهاد سفارت، رئیس جمهور کندی از شاه دعوت نمود، که از واشنگتن دیدن کرده تا رئیس جمهور بتواند طرحهای آمریکا دوباره کمکهای نظامی و اقتصادی آتی را تشریح کند. تئودر سورنسن، مشاور رئیس جمهور، درباره طرز تلقی دولت آمریکا درباره اوضاع ایران در آن زمان چنین نوشت: « در ایران، شاه اصرار

داشت به ارتش پر هزینه اش که برای حوادث مرزی و امنیت داخلی بسیار زیاد ولی برای جنگ خارجی کاملاً بی فایده بود، کمک کنیم. به گفته یک مشاور دولتی، ارتش شاه طبق ضرب المثل معروف، به مردی شباهت داشت که آنقدر چاق بود که نمی توانست کارهای کوچک انجام دهد و آنقدر لاغر بود که کارهای سنگین از او بر نمی آمد.»(۲)

طی این دیدارها، رئیس جمهور به شاه گفت که در آینده کمکهای خارجی به آمریکا بر توسعه درازمدت تأکید دارد تا قدرت نظامی. سپس در حرکتی که به نظر توهین زیرکانه ای می آمد، کمتر از نیمی از اعضای کنگره در اجلاس مشترک سنا و مجلس نمایندگان که شاه در آنجا سخنرانی کرد، حضور یافتند.(۳)

شاه پس از مراجعت از سفر ایالات متحده که به سردی با وی برخورد شد، تصمیم گرفت تا دو کار را انجام دهد: وی شروع به اتخاذ مواضع مستقل در امور بین المللی کرد، یعنی که نسبت به اتحاد خود با ایالات متحده نه خیلی وابسته باشد و نه آن را رد کند و در مرحله دوم نیز برنامه گسترده اصلاحات

۱– نیویورک تـایمز ۱۱ □ مارس ۱۹۶۱□ ص ۳ ۱۵ مارس ۱۹۶۱□ ص ۱۴ ۲۲ ژوئیه ۱۹۶۱□ ص ۲۰ تئودر سورنسن □ کندی (نیویورک: . "هارپر" و "راو" ۱۹۶۵ □) صفحات ۵۴۶ و ۵

۲– . ۲ سورنس□ کند □ص ۶

۳– . ۳ نیویوک تایمز ۲۲ □ مارس ۱۹۶۲□ ص ۴ ۱۳ آوریل ۱۹۶۲□ ص ۱ ۱۴ آوریل ۱۹۶۲□ ص ۱

اجتماعی را جهت بهبود وضعیت بسیاری از مردم خود در پیش گرفت. در ژوئیه ۱۹۶۲ (تیر ماه ۱۳۴۱ م) آمریکا به پرداخت سالیانه سی میلیون دلار جهت حمایت از ارتش شاهنشاهی ایران پایان داد و در ماه اوت (مرداد ماه ۱۳۴۱ م) لیندون بی. جانسون، معاون رئیس جمهور در تهران توقف نمود، تا از شاه دلجویی کند. جانسون بشدت تحت تأثیر استقبال پرشور ۲۵۰ هزار ایرانی که در مسیر حرکت وی صف کشیده بودند، قرار گرفت. به طوری که وی چندین بار توقف کرده و با مردم دست داد. وی طی ملاقاتهایش، بارها و بارها ادامه تعهد آمریکا نسبت به ایران را مورد تأکید قرار داد. شاه طی ملاقاتهای خصوصی اش با جانسون، مسئله قطع کمک نظامی را پذیرفت. یک ماه بعد، ایران سیاست مستقلتر خارجی خود را با آگاه ساختن اتحاد شوروی مبنی بر اینکه اجازه استقرار پایگاه موشکی خارجی در خاک خود را نخواهد داد، آغاز کرد.(۱)

وزارت دفاع آمریکا بر فشارهای خود برای کسب اختیارات قضایی انحصاری ادامه داد، گویی که هیچ موضوع دیگری بین ایران و ایالات متحده وجود نداشت. در گزارش تقدیمی به کمیته فرعی اروین در اوت ۱۹۶۲ (مردادماه ۱۳۴۱ م) وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد که ایران در مورد ۱۸ فقره جرم ارتکابی در آن کشور طی سال گذشته از اختیارات قضایی خود به هیچ وجه چشم پوشی نکرده است. تا آن تاریخ، ایران حتی یک مورد چشم پوشی را نیز تضمین نکرده بود. مقامات آمریکایی بایستی از حساسیت ایرانیان در شرایطی که حق حاکمیت این کشور مطرح باشد، آگاه می بودند، ولی وزارت دفاع آمریکا از تقاضای خود برای «کسب حقوق برون مرزی» کوتاه نمی آمد. از آنجا که توافقنامه ای در بین نبود، فورمن به سناتور اروین گفت: «بعضی از دشواریها خاصه در رابطه با تصادفات ادعایی وسایط نقلیه رخ داده و یک مشکل روحی پیش آورده است.»

شاه «انقلاب سفید» خود را در رابطه با اصلاحات اقتصادی و اجتماعی در ژانویه ۱۹۶۳ (دی ماه

۱۳۴۱ م) آغاز کرد و یک رفراندم عمومی، برنامه وی را مورد تصویب قرار داد. این انقلاب به نظر می رسید که پایه قدرت رهبران مذهبی ایران را در چند جبهه مورد تهدید قرار می داد، اصلاحات ارضی بر نقش آنها به عنوان متولیان اراضی وقفی خاتمه می داد. سکولاریسم، نفوذ آنها را در تعلیم و تربیت کاهش داده و تساوی حقوق زنان به نظر می رسید که بشدت با اصول اسلامی در تعارض باشد. در ژوئن (خرداد ماه ۱۳۴۲ م) رشد نارضایتی منجر به انفجار شورش در تهران گردید که شاه از آن به عنوان بهانه ای برای نابود کردن مقاومت آشکار مخالفین سیاسی و مذهبی خود بهره برداری کرد. به همین خاطر، شاه از این بحران بسیار قوی تر از قبل بیرون آمد .(۲) انقلاب سفید به پیش رفت، انتخابات برگزار گردید و مجلس در اکتبر سال ۱۹۶۳ (مهر ماه ۱۳۴۲م)، ۲۹ ماه پس از انحلال آن به وسیله شاه، بازگشایی گردید.

در این حال ایالات متحده به حرکت خود به منظور کسب اختیارات قضایی انحصاری بر نیروهایش در ایران ادامه می داد. در مارس ۱۹۶۳ (اسفندماه ۱۳۴۱ م) وزارت خارجه ایران به

۱- رامش سنگه وی آریامهر: شاه ایران (لندن: مک میلان ۱۹۶۸)صفحات ۲۷۳ تا ۲۷۸ روح اله رمضانی "تحول سیاست آمریکا در خاورمیانه" ویرجینیا کوارترلی ریویو ۱۹۶۴ صفحات ۳۶۳ تا ۳۸۲ نیویورک تایمز ۲۵ اوت ۱۹۶۲ ص ۵ روح اله رمضانی "تحول . سیاست خارجی ایران " میدل ایست جورنال ۱۹۷۰ ص ۴

۲- . ۲ رمضانی "تحول سیاست خارجی ایران " ص ۴۲۶

سفارت آمریکا اعلام کرد که امتیازات دیپلماتیک در مورد خارجه است. اگر چه این، اولین روزنه بود ولی یک سال تمام طول کشیده بود تا ایرانیها چنین تصمیمی بگیرند. انسان ممکن است چنین نتیجه بگیرد که اختیارات قضایی انحصاری چیزی نبود که آنها مایل به اعطای آن باشند. در حقیقت، وزارت خارجه ایران پس از ملاحظات اضافی، سفارت آمریکا را مطلع ساخت که تصویب کنوانسیون وین به تنهایی قادر به تعمیم امتیازات دیپلماتیک به مستشاران نظامی آمریکا نیست و یک قانون ویژه مصوب مجلس در این باره مورد نیاز می باشد. وزارت خارجه ایران قول داد که یک بیانیه مناسب به این کنوانسیون ضمیمه کرده و سپس برای تصویب (به مجلس م) ارائه کند و همچنین پیشنهاد کرد که یادداشت آن وزارتخانه و پاسخ آمریکا به اطلاع قانون گزاران رسانیده شود. سفارت به دقت پاسخ خود را تنظیم کرده و با عبارت ذیل به طور کلی افراد را از قوانین ایران مستثنی کرد: «آن دسته از پرسنل نظامی و غیر نظامی آمریکایی عضو وزارت دفاع آمریکا و بستگانشان که اهل خانه آنها می باشند و بر طبق قراردادهای دو جانبه مربوط به کمک و مشاوره نظامی در ایران حضور دارند». در حالی که این تماسهای دیپلماتیک پیش می رفت، وزارت دفاع آمریکا فشار خود را وارد کرده و به کمیته فرعی اروین اعلام کرد که مشکل روحی در ایران هنوز موجود است، زیرا هیچ نوع توافقنامه وضعیت نیروها در ایران وجود ندارد.

حرکت ایران در راستای تحولات داخلی و فعالیتهای بزرگتر بین المللی در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳ م) شدت می گرفت. همان طور که پرفسور رمضانی اشاره کرده «تحرکات داخلی و خارجی بر یکدیگر اثر می گذاشت».(۱) برای مثال موافقتنامه تجاری ایران شوروی در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳ م) که برای اولین بار به آن تجارت یک چارچوب استوار برا گسترش و تنوع داد، تأکیدی بر استقلال هر چه بیشتر در سیاست خارجی ایران و کمک به اقتصاد داخلی ایران بود. در همان سال سازمان همکاری منطقه ای

برای توسعه سه کشور مسلمان غیر عرب خاورمیانه را در تلاشی برای اجرای طرحهای مدرن سازی خود به هم پیوند داد که تأکیدی سمبولیک بر تمایل آنها برای آزادی بیشتر از غرب و خصوصا از ایالات متحده محسوب می گردید. این قدمها صرفا مقدمات جهش ایران بود. طی سه سال بعد، شورویها یک کارخانه ذوب آهن در اصفهان ساختند، شرکتی آمریکایی یک کارخانه شیمیایی در بندر شاهپور احداث کرد و یک پروژه مدرن سازی در بندر بوشهر در دست ساختمان بود. درآمدهای نفتی طی موافقتنامه ای جدید با کنسرسیوم بین المللی نفت که شرکت ملی نفت ایران را اداره می کرد، افزایش یافت. در سال ۱۹۶۷ (۱۳۴۶ م) یعنی سالی که تولید ناخالص ملی ایران به ۵/۱۱ درصد رشد دست یافت، مراسم تاجگذاری شاه، اعتماد به نفس رژیم و رشد قدرت ملی را نمایان می ساخت.(۲) ایران در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳ م) در حال احساس این ایران در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳ م) در حال احساس این حال احساس این اطمینان بود.

رسیدن لیندون جانسون به پست ریاست جمهوری در نوامبر ۱۹۶۳ (آبان ۱۳۴۲ م) منجر به تغییر فاحش سیاست آمریکا در قبال ایران گردید. کمتر از دو ماه بعد از روی کار آمدن جانسون، وی «سرجنت شریور»، رئیس سپاه صلح آمریکا را برای تسلیم پیامی به شاه، به ایران فرستاد. جالب

۱- ۱ رمضانی "تحول سیاست خارجی ایران " صفحات ۴۳۳ تا ۴

۲- پیترآوری "ایران در سالهـای ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۸ : حالت اطمینان فزاینـده" نشـریه جهان امروز شماره صفحات ۴۵۳ تا ۴۶۶ (۱۹۶۸)

اینکه، شاه نیازی به دعوت از فرستاده ریاست جمهوری نداشت، همان گونه که با «آورل هریمن» در سه سال پیش از آن، دیدار کرد. در ژوئن ۱۹۶۴ (خرداد ۱۳۴۳ م) شاه طی سفری به ایالات متحده که به عنوان سفری خصوصی و فرهنگی توصیف گردید، با رئیس جمهور و وزیر خارجه ملاقات نمود. جانسون از شاه به عنوان «پادشاه اصلاح گر قرن بیستم» یاد کرد. احتمالاً در این ملاقات بود که رئیس جمهور موافقت نمود یک اعتبار ۲۰۰ میلیون دلاری را برای فروش تسلیحات نظامی به ایران اعطاء کند تا این کشور قدرت نظامی خود را علیه تهدیدات جدی در طول مرزهای جنوبی در خلیج فارس و مرزهای غربی با عراق تقویت نماید.(۱)

رئیس جمهور نه تنها یک بار سیاست آمریکا در کمک به ایران را عوض کرد، بلکه وزارت دفاع آمریکا نیز همزمان و یکباره به فشار خود برای کسب اختیارات قضایی انحصاری بر پرسنل خود در ایران، خاتمه داد. برای اولین بار پس از سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸ م) در گزارش وزارت دفاع به کمیته فرعی اروین، از ایران به عنوان منطقه ای مشکل آفرین یاد نشد. این دو تحول در کنار یکدیگر بیانگر این موضوع بودند که ۲۰۰ میلیون دلار، قیمت شاه برای اعطای امتیازات دیپلماتیک به جامعه نظامی آمریکا بود.(۲) وزارت دفاع آمریکا به این دلیل اعمال فشار خود را قطع کرد که به نظر می رسید به هدفش رسیده باشد. تنها چیزی که باقی می ماند، تصویب پارلمان ایران بود که انتظار نمی رفت شاه را نقض نماید.

در ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ (۲۱ مهر ۱۳۴۳ م) مجلس شورای ملی ایران، تعمیم امتیازات دیپلماتیک به مستشاران نظامی آمریکایی را با گنجاندن آنها در زمره کارکنان اداری و فنی سفارت تحت کنوانسیون وین تصویب کرد. ۶۱ تن از ۲۰۰ نفر نماینده علیه این اقدام رأی دادند که نشانه مهم عدم تصویب از سوی آن گروه معمولاً آرام بود. بعضی از مخالفین بحث می کردند که ایران تحت قیمومیت ایالات

متحده قرار خواهد گرفت، در حالی که دیگران بر موضوع «اهانت به غرور ایرانی» تأکید داشتند. یک نماینده مشخصا اشاره کرد که «یک شاگرد مکانیک خارجی» از امتیازات مشابه سفرای ایران بهره مند خواهد شد. (در واقع تعدادی از پرسنل پشتیبانی آمریکایی از قبیل رانندگان کامیون، مکانیکها و شاگردان آنها در ایران کار می کردند). حسنعلی منصور، نخست وزیر، پاسخ داد که این قانون فقط پرسنل نظامی را در حال انجام وظیفه از پیگرد جنایی مستثنی می کند. در واقع ماده ۳۷ کنوانسیون وین مصونیت از پیگرد جنایی را به بستگان کارکنان اداری و فنی نیز اعطاء می کرد. این مقامات همچنین از پیگرد مدنی در صورت ارتکاب جرم در حین انجام وظیفه مصون بودند. سخنگویی به یک خبرنگار گفت که از نظر آمریکا مصونیت از حوزه قضائی ایران در واقع از ماده ۳۷ پیروی می کند .(۳)

۱- نیویورک تایمز ۱۶ ژانویه ۱۹۶۴ ص ۳ ۵ ژوئن ۱۹۶۴ ص ۳ ۶ ژوئن ۱۹۶۴ ص ۳ و ئی ۱۰ .باین سلطنت ایرانی در حال تحول: مصاحبه هایی با پادشاهی که حکومتش سنتی و هدفش مدرن سازی است(نیویورک: اداره دانشگاههای آمریکایی ۱۹۶۸) صفحات ۲۱۵ و ۲۲۱.

۲- ئی ۱۰ .باین هر دو موضوع "تغییر سریع در سیاست آمریکا" و "اعطای حقوق برون مرزی" را توضیح داده ولی آنها را به طور مشخص به هم ربط نداده است. در عوض او "اعطای حقوق برون مرزی" را "جوابی دیرتر از موقع" به کمکهای نظامی اولیه آمریکا می داند. رجوع کنید به . "سلطنت ایران در حال تحول" صفحات ۲۱۵ ۲۲۱ ۲۰۴

۳- کریسچن ساینس مانیتور ۲۰ نوامبر ۱۹۶۴ ص ۴ برای متن ماده ۳۷ رجوع کنید به سر معاهدات سازمان ملل جلد ۵۰۰(۱۹۶۴)۱۱۶.

تبادل یادداشتها در ۹ دسامبر ۱۹۶۴ (۱۸ آذر۱۳۴۳ م) معامله را تکمیل نمود. وزارت خارجه ایران نسخه ای از قانون جدید ایران را به سفارت ارسال کرد که در آن چنین آمده بود:

«با توجه به لایحه ۱۸/۲۲۹۱/۲۱۵۷ ۲۵/۱۱/۱۳۴۲ دولت و ضمائم آن که در تاریخ ۲۱/۱۱/۴۲ به مجلس سنا تقدیم شده به دولت اجازه داده می شود که رئیس و اعضای هیئتهای مستشاری نظامی ایالات متحده را در ایران که به موجب موافقتنامه های مربوط در استخدام دولت شاهنشاهی می باشند از مصونیتها و معافیتهای شامل کارمندان اداری و فنی موصوف در بند (و) ماده اول قرارداد وین که در تاریخ هیجدهم آوریل ۱۹۶۱ مطابق بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۴۰ به امضاء رسیده است، می باشد،

برخوردار نماید.» سفارت آمریکا در پاسخ، بی جهت قول داد تا تقاضای ایران را برای لغو مصونیت «در مواردی که شامل جرایم شنیع و سایر اعمال جنایت کارانه و سزاوار مجازات باشد»، مورد بررسی قرار دهد. هیچ اشاره مشخصی از سوی طرفین به بستگان آمریکاییان وجود نداشت، ولی در عمل آنها از مصونیتهای مشابه همانند کفیلهای خود، بهره مند شدند.(۱)

ایران تصویب کنوانسیون وین را در ۳ فوریه ۱۹۶۵ (۱۴ بهمن ۱۳۴۳ م) رسما اعلام کرد. در ژوئن آن سال (خرداد ۱۳۴۴ م) بنجامین فورمن با خشنودی به سناتور اروین گفت که پرسنل آمریکا از پیگرد کلیه جرایم جنایی و مدنی که در حین انجام وظیفه مرتکب شوند، مصونیت یافته اند. حداقل در جلسه علنی، هیچ بحثی از عدم تمایل مجلس ایران برای اعطای امتیازات جدید، به میان نیامد.

فورمن توضیح داد که عبارات (این قانون م) برای ایالات متحده خیلی مطلوب است، زیرا پرسنل آمریکایی در حال کمک به ایران هستند. یک سال بعد، پنتاگون دوباره خرسندی خود را از توافق جدید مورد تأکید قرار داد. از سال ۱۹۶۶ (۱۳۴۵ م)به بعد، نام ایران از اظهارات شاهدان و گزارشهای

کتبی ناپدید گردید.(۲)

شواهد ذهنی نشان می دهد که وزارت خارجه آمریکا بر خلاف وزارت دفاع متوجه بود که ایرانیان، اختیارات قضایی انحصاری را با کاپیتولاسیون یکسان خواهند دانست. در سال ۱۹۶۰، همانطور که در ابتداء ذکر شد، خبرنگار نیویورک تایمز، اطلاعات مربوط به سابقه موضوع را از سفارت آمریکا دریافت کرده بود. تأخیر وزارت خارجه ایران برخوردار نماید.»

سفارت آمریکا در پاسخ، بی جهت قول داد تا تقاضای ایران را برای لغو مصونیت «در مواردی که شامل جرائم شنیع و سایر اعمال جنایت کارانه و برخوردار نماید.»

سفارت آمریکا در پاسخ، بی جهت قول داد تا تقاضای ایران را برای لغو مصونیت «در مواردی که
شامل جرائم شنیع و سایر اعمال جنایت کارانه و در پاسخ گفتن به درخواست اولیه سفارت آمریکا، قطعا نشانه ای از سکوت بود. با این حال سفارت به پیگیری خود ادامه داد زیرا فشار وزارت دفاع بر

۱- این نتیجهگیری براساس مشاهدات شخصی نگارنده در خلال اقامت دو ساله اش در ایران می باشد. کلیه بستگان پرسنل وزارت دفاع آمریکا یک نوع کارت شناسایی زرد رنگ به نام "کارت مصونیت" در اختیار داشتند که با کارتهای کفیلهای آنها یکسان بود. این کارتها به زبان فارسی و شامل عکس صاحب کارت بود. در میان جامعه نظامی آمریکا در ایران هیچ شک و شبهه ای وجود نداشت که بستگان پرسنل آمریکایی از همان امتیازات کفیلهای خود بهره مند می باشند.

۲- . ۲ بولتن وزارت امور خارجه آمریکا ۲۹ مارس ۱۹۶۵ ص ۴۷۷

وزارت خارجه به حدی شدید بود که وزارت خارجه توان مقاومت را از دست داد. نتیجه عدم تمایل ایران این شد که در مجلس ایران جار و جنجالهایی به پا گردید.

بخش سوم

حقوق برون مرزی آمریکا در ایران، نتیجه مذاکرات پایاپای در مقطع سالهای دهه ۱۹۶۰ (دهه ۱۳۴۰ م)بود. تا اوائل دهه ۱۹۷۰، حقوق برون مرزی به قوت خود باقی ماند، ولیکن ایران و ایالات متحده به سوی روابط جدیدی پیش می رفتند. مدرن سازی ایران یک قدرت از پیش مسلط منطقه ای به وجود آورده و در همان حال، آمریکا در حال خلاص کردن خود از نقش ژاندارمی جهان بود. دکترین نیکسون و درک وی از قدرت ایران، در واشنگتن این احساس را به وجود آورد که توانایی ایران برای تضمین ثبات در سراسر سواحل خلیج فارس می توانست به منافع آمریکا و ایران کمک کند. تلقی تغییر یافته آمریکا نسبت به خرید تسلیحات بسیار پیشرفته از سوی ایران نمایانگر این تغییر دیدگاه می باشد که در آن، ایران به عنوان یک نیروی فعالتر در سیاستهای جهانی نسبت به سابق مورد پذیرش واقع شده است.

بخشی از تلقی جدید آمریکا، پاسخی به قدرت اقتصادی و نظامی ایران است. تسلط ایران بر منطقه خلیج فارس تام و تمام می باشد. این کشور از لحاظ جمعیت و تولید ناخالص ملی از همسایگانش بسیار جلو افتاده است. نیروی زمینی، دریایی و هوایی این کشور بزرگتر و مجهزتر می باشند .(۱) اگر چه قدرت آمریکا همچنان به عنوان بازدارنده نهایی در مقابل شوروی، ضروری است ولی ایران به تنهایی می تواند یک حمله متعارف را از جانب هر کشوری در منطقه خلیج فارس، دفع کند. به رسمیت شناختن دستاوردهای ایران از طرف واشنگتن را در اقداماتی مانند بازدید نیکسون از ایران پس از ملاقات سران در مسکو در سال ۱۹۷۲(۱۳۵۱ م)، انتصاب یک سفیر توانا و جدید در ایران به نام

«ریچارد هلمز» و تعیین ایران به جای کانادا در کمیته متارکه جنگ در ویتنام، می توان مشاهده کرد.

دکترین نیکسون همچنین باعث تغییر طرز تفکر آمریکا درباره ایران شده است. در حالی که آمریکا در جستجوی قدرتهای منطقه ای برای محدود کردن تشنجات منطقه ای است، برتری قدرت ایران و سابقه دوستی طولانی با ایالات متحده، آن کشور را به عنوان یک انتخاب آشکار در خلیج فارس مطرح می سازد. منافع ایران به طرز مهمی با منافع آمریکا همسان است: ثبات در خلیج فارس، احتمال بی ثباتی در ایران را کاهش داده و امنیت تأمین نفت از خلیج را برای ایالات متحده و نیز سایر کشورهای غربی و ژاپن را میسر می سازد.

در این زمینه تغییر یافته به نظر می رسد «حقوق برون مرزی» جامعه نظامی آمریکا با تلقی جدید آمریکا نسبت به ایران در تعارض باشد. انتخاب در اینجا عبارت است از حفظ توازن بین حساسیت ایران نسبت به حق حاکمیت خود و تمایل وزارت دفاع آمریکا برای محافظت پرسنل آمریکایی از محاکمات جنایی به خاطر تصادفات رانندگی، پیمانی مانند موافقتنامه وضعیت نیروها در ناتو ممکن است یک راه حل باشد. این می تواند استقلال ملی ایران را با جایگزین کردن اختیارات قضایی برابر «ایران آمریکا» به جای اختیارات قضایی انحصاری آمریکا، به رسمیت بشناسد. با این حال، این راه

۱- برای اطلاعات بیشتر □ رجوع کنید به رمضانی □ "خلیج فارس: نقش ایران".

حل ممکن است تصادفات ترافیکی در خارج از حین انجام وظیفه را پتحت پیگرد جنایی ایران قرار دهد. با توجه به این مشکلات به نظر می رسد که سه مورد جایگزین وجود داشته باشد: اول، ایران به طور کلی پیگرد جنایی در مورد تصادفات رانندگی را به موارد «بی مبالاتی» مانند رانندگی در حالت مستی و یا بی توجهی عمدی کاهش دهد. دوم، ایران و ایالات متحده توافق کنند تا به ایالات متحده حق رسیدگی اولیه قضایی در موارد مربوط به تصادفات رانندگی اعطاء شود. سوم، پرسنل نظامی آمریکا فقط در مواقع انجام وظیفه، اجازه رانندگی داشته باشند.

فهرست اعلام

آ الف

ص: ۸۳۷

ص: ۸۳۹

ص: ۸۴۴

ج

ص: ۸۴۶

ص: ۸۵۰

ر

ص: ۸۵۲

ژ

ع غ

ص: ۸۶۰

ص: ۸۶۱

ص: ۸۶۲

ص: ۸۶۶

محمد خليفه ال كنيدى / ۲۳۸

محمد سعيد عبداللّه محسن الشرجابى / ۲۳۰

محمد سليمان الناصر / ۲۳۰

محمد سليم كوثر / ۲۳۰

محمد سيدالمعلا / ۲۳۸

محمد صالح يغائى / ۲۳۰

محمدعبدالرحمن البكر / ۲۳۸

محمد عبدالطيف الملحم / ۲۱۹

محمد عبداللّه الحرينى / ۲۰۷

ص: ۸۶۹

ص: ۸۷۰

ص: ۸۷۱

ص: ۸۷۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹